



ترجمه مفاتیح الجنان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1

مقدمه

بسمه تعالی

واقعیتی که در تمام شئون ذره ذره اجسام و عناصر و موجودات عالم طبیعت و کشور غیب و شهود حکومت دارد و از این راه تمام موجودات هستی، از مبدأ آفرینش در دو مرحله مادی و معنوی به دریافت فیوضات در حد نیاز خود نائل می‌شوند، دعاست.

اگر دعا نبود ادامه حیات مهمانان، هستی امکان نداشت، که موجودیت تمام موجودات و ظهور همه کائنات و وجود تمام عالمیان از برکت دعاست.

دعاء عامل باعظمتی برای رساندن فیض از منبع لطف به تمام جهانیان است.

شیوه تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام بر این امر بوده است که دوستان و یاران و اصحاب خود را با دعا و طریقه ارتباط با حضرت حق آشنا نموده و در غالب عالیترین مضامین با کلمات و جملات نورانی خود، طریقه ارتباط عبد با مولی را تعلیم فرمودند و علاوه بر آن عالیترین مفاهیم عرشی تربیتی را برای جامعه بشری ترسیم می‌نمودند و عالمان ربانی با گردآوری ادعیه، در این رسالت عظیم سهم بسزائی را ایفاء نموده‌اند.

در این میان، کتاب باعظمت مفاتیح الجنان تألیف عالم خیر ثقة المحدثین مرحوم حاج شیخ عباس قمی اعلی الله مقامه الشریف جایگاه ویژه‌ای را در میان مؤمنان پیدا نموده و خلوص نیت آن عالم ربانی موجب گشته که این اثر ارزشمند، عامل اتصال بسیاری از محبان با محبوب حقیقی شود.

اندیشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان مد ظله العالی جهت ارائه هرچه بهتر این اثر در راستای ترویج فرهنگ غنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، اقدام به ترجمه این اثر گرانمایه نمودند. معظم له در خلال ترجمه به این نتیجه

رسیدند که برای سهولت فهم همگان اقدام به بازنویسی متن فارسی مفاتیح نمایند. این اثر حاصل زحمات طاقت فرسای معظم له می باشد که به برخی از ویژگیهای آن نسبت به دیگر ترجمه های مفاتیح و نسخ موجود اشاره می شود:

ترجمه دقیق و روان از متن عربی با ملاحظه نکات دقیق علمی ادعیه

کارآمد کردن متن فارسی با تغییر شیوه نگارش

تقدیم فضائل سور بر متن سوره

تقدیم دعای روز شنبه در ایام هفته

تنظیم ادعیه و اعمال شبهای ماه مبارک رمضان به ترتیب زمان

درج باقیات الصالحات با ترجمه در انتهای کتاب

توضیح اسامی مورد نیاز که به صورت اشاره آمده بوده است

ذکر آدرس آیات

نقل نسخه بدل در داخل گیومه

ذکر ارجاعات مرحوم حاج شیخ عباس قمی با شماره صفحه

کتابت جدید متن و ترجمه

در پایان از کلیه عزیزانی که در نشر این اثر ما را یاری نموده اند کمال تشکر را داریم

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

يك

پیش گفتار

دعا، راز و نیاز نیازمند با حضرت بی نیاز، و مناجات عاشقانه تھی دست با خدای بی نیاز، و سخن گفتن عبد با زبان آشکار و نهان، با مولای سبب ساز، و نهایتاً درخواست فقری ضعیف از توانندی غنی است.

دعا، درخواست خیر دنیا و آخرت از منبع کمالات، و چشمه فیوضات، و جامع اسماء و صفات است.

دعا، ناله پرسوز عاشق به پیشگاه معشوق، و اظهار حاجت به درگاه محبوب، و امید به یافتن مطلوب، و زمینه ساز رسیدن به مقصود است.

دعا، سؤال مسکین از مالک وجود، و گدایی مستکین از عالم غیب و شهود، و اعلام نیاز ناتوان به تواناست.

دعا، اتصال بی نوا به توانگر، بر خاک نشستن ذلیل در پیشگاه عزیز و ناتوان در محضر نیرومند، و عبد در برابر حق و نیستی مقابل هستی و حقیر در آستانه کبیر، و محدود در حضور نامحدود است.

دعا، عبادتی بس گران، عملی فوق العاده باارزش، کاری بسیار استوار، روشی نیکو، منشی والا، و کوششی الهی و انسانی است.

دعا، اتصال بی نهایت کوچک، به بی نهایت بزرگ، ارتباط مخلوق با خالق، عامل درمان روح، علاج نفس، شفای قلب، سلامت تن، نورانیت عقل، و نشانه شخصیت ملکوتی انسان است.

دعا، براساس روایات، برترین عبادت، نردبان سعادت، علت سلامت، و محبوب ترین کار در پیشگاه حضرت رب، و سلاح مؤمن، ستون دین، و نور آسمانها و زمین است.

دعا، کلید کامیابی، راه رهایی، فروزی بخش روزی، اسلحه پیامبران، برگرداننده قضا و قدر، سبب جلب رحمت حق، وسیله آموزش، دروازه توبه، مایه جوشش فیوضات الهیه و درمان دردهای فکری و درونی و جسمی است. «1» دعا، عملی الهی، تکلیفی اسلامی، عبادتی کم نظیر، حقیقی بی قرین، دوست همه ایام به ویژه زمان گرفتاری، یار و مددکار

پیش گفتار

روزگار تنهائی، پشتیبان انسان به هنگام بی‌نوائی و منبع حقایق و برکات الهی است.

از پیامبران بزرگوار، و رسول باکرامت اسلام، و امامان معصوم و صدیقه کبری فاطمه زهرا علیهم السلام دعا‌هایی در چهارچوب زیباترین مضامین، و برترین مفاهیم، همراه با جاذبیت و نورانیت، و صورت و سیرتی عرشی صادر شده که خوشبختانه علمای بزرگ شیعه و دانشمندان باکرامت مدرسه اهل بیت، و بینایان راه هدایت دوره به دوره و زمان به زمان آنها را در کتاب‌هایی ویژه به نام کتاب دعا گردآورده‌اند که هر یک از آن کتاب‌ها که در زمینه دعا تدوین شده حاوی عالی‌ترین مسایل اعتقادی، اخلاقی، عملی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی، فردی و دنیایی و آخرتی است، و در زمان خاص خود و اوقات ویژه دعا به ویژه در روزها و شب‌های متبرک و مخصوصا هنگام سحر راهنمای اهل حال به سوی حق، و دلیل گم‌گشتن به جانب هدایت، و برآورنده وحاجات نیازمندان، و شفای درد دردمندان است.

1- هنگامی که نوبت نورافشانی و بیان حقایق و تربیت نفوس به عالم فرزانه، محدث مخلص، عابد با کرامت مرحوم ثقة المحدثین حاج شیخ عباس قمی رسید، از کتاب‌های دعای پیش از خود، و منابع حدیث، کتابی به نام مفاتیح الجنان که الحق مفاتیح الجنان است فراهم ساخت که مناجاتیان را از دیگر کتاب‌ها بی‌نیاز نمود.

مفاتیح خانه‌به‌خانه، قریه‌به‌قریه، شهریه‌شهر، کشوره‌کشور، حرم‌به‌حرم را تسخیر کرد و چنانکه سزاوارش بود همه‌جا در کنار قرآن مجید قرار گرفت، و جلوه نمودن این کتاب به این صورت مایه از پاکی و درستی و خلوص مؤلفش گرفت.

2- مرحوم شیخ عباس بنا به روایت بزرگان علّت تجلی کتابشرا همه‌جا در کنار قرآن بر این پایه می‌دانست که پس از پایان تألیفش، ثوابش را به روح با عظمت ریشه ارزش‌ها، و آئینه صفات انبیا حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیهما هدیه نموده است.

3- فرزند بزرگوار آن مرحوم حضرت حجة الاسلام حاج شیخ محسن محدث‌زاده به این‌جانب فرمود: پدرم همه این کتاب را با وضو نوشت و همواره ظرفی آب در زمان تألیف این کتاب در کنارش بود تا در صورت لزوم تجدید وضو نماید.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 3

4- نواده فرزانه کم نظیر، عارف معارف الهیه حضرت خمینی به این فقیر فرمود: شخصی درست کار و اهل دعا به آن جناب گفت: ذکر که از اساتید گذشته به شما رسیده و شما از برکت آن مدارج معنوی و سلوک روحی را به انجام رسانیدید اگر مصلحت می دانید در اختیارم بگذارید، خمینی بزرگ و مناجاتی در پاسخ او يك کلمه فرمود و آن این بود: مفاتیح الجنان.

5- مفاتیح سفره معنوی گسترده ای است که هر نوع رزق و روزی عرشی و آسمانی در آن قرار دارد، هر نیازمندی می تواند به اندازه نیاز جان و قلبش از آن بهره مند شود.

برای گروهی بی خبر و تهی دست از معنویست چه جای ایراد است که می گویند: کسی نمی تواند به این کتاب گرچه ساعات روز و شبش چند برابر گردد عمل کند؟! مگر از اهل دعا دعوت شده که روزوشب خود را خواندن این کتاب اختصاص دهند، مفاتیح منبع فیوضات ربانیه است، بر هر انسانی لازم است به اندازه طاقتش و به مقدار اندکی از ساعات روز و شبش برای تصفیه جانش و درمان دردهای درونش، و به خاطر اتصال به دعا از آن استفاده کند.

گروهی به ادعای خودشان روشنفکر و شبه روشنفکر از ثوابهای مقرر شده برای دعاها و زیارت هایی که در مفاتیح است و نیز از آثاری که برای برخی از دعاها بیان شده در شگفتی و ناباوری و شاید آن ثوابها و آثار را قبول نداشته باشند، باید به آنان گفت: شما خدا را نشناخته اید و از اجر عظیم و پاداش بی حساب او که از خزانه بی نهایتش به گدایان درگاهش عطا می شود بی خبر، هستید، و خیال می کنید خزانه عنایات و الطاف او محدود است، خیالی که با کفر برابر است! چه جای شگفتی و ناباوری است اگر ذات بی نهایت او بخواهد از خزانه بی نهایت خود پاداش بی نهایت به بنده مناجاتی اش پردازد و نتیجه دعایش را در آثار ظاهری تحقق دهد؟!

6- اهل دعا باید بدانند که برای استجاب دعا لازم است شرایطی را رعایت کنند، شرایطی که در معتبرین کتابهای حدیث از زبان معصومان روایت شده است از جمله:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 4

طهارت ظاهری به خصوص داشتن وضو، و طهارت باطنی مانند خالی بودن شکم از لقمه حرام، پاک بودن قلب از ریا، حسد، کبر، غرور، کینه، نفاق، شهرت خواهی، و خالی بودن فضای زندگی از حقوق مالی مردم، و اشک و فروتنی و تواضع بردن به عرصه دعا، و خواند دعا در دل شب به ویژه هنگام سحر.

7- از آنجا که مفاتیح الجنان مقبول اهل ایمان واقع شد، و کمتر جائی است که از آن خالی باشد، و شبانه روز هزاران مرد و زن مؤمن در منازل و مساجد و مشاهد مشرفه به آن مراجعه می کنند، و فهم و درک بخش مهمی از متن فارسی آن که انشائی علمی و غیر مأنوس دارد، برای گروهی از برادران و خواهران مناجاتی به ویژه جوانان اهل دل مشکل است به توفیق حق و با اجازه حضرت حجة الاسلام جناب آقای حاج شیخ محسن محدث زاده فرزند با کرامت مرحوم محدث قمی تمام متن فارسی را به سبکی روان و قلم روز و درخور فهم همگان برگرداندم، و با لطف پروردگار متن همه دعاها را به نثری ساده ترجمه نمودم.

این فقیر که جز خدمت به علوم اهل بیت نخواستم و نمی خواهم برنامه ای داشته باشم در مدتی که مشغول این حقیقت معنوی بودم راه را با وضو و گاهی با اشک چشم و تضرع به درگاه حضرت محبوب به توفیق محبوب طی کردم، و نسبت به این عمل اندک چشم داشت پاداشی، ندارم، چنانچه نزد خدا پاداشی برای آن مقرر باشد آن را به روح با عظمت پیشوای شهیدان، سرور عاشقان، اسوه کریمان، چراغ قلب عارفان، شافع روز جزا حضرت ابو عبد الله الحسین علیه السلام تقدیم می دارم و از همه خوانندگان متمسنانه درخواست دارم در هر جائی از این کتاب استفاده معنوی بردند من و پدر و مادرم و به ویژه همسر و فرزندانم را که زمینه خدمت ناچیزم را به کتاب خدا و عترت فراهم نمودند دعا کنند و در مشاهد مشرفه به خصوص حرم حضرت سید الشهداء و حضرت رضا علیهما السلام چه در حیات و چه در مماتم از طلب مغفرت از پیشگاه حق برای این تهیدست دریغ نمایند.

فقیر: حسین انصاریان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 5

فهرست سوره های قرآن

فضیلت سوره یس

در کتاب (مفاتیح الجنان) از پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم روایت شده: هر که سوره (یس) را برای خشنودی حق تعالی بخواند، پروردگار او را مشمول آمرزش فرماید و به او چنان اجری عنایت کند که گویا دوازده مرتبه قرآن را قرائت

نموده است. از خواص این سوره آن است که هرگاه نزد بیماری خوانده شود به عوض هر حرفی از آن ده فرشته نازل می شوند که در برابر بیمار به صف ایستاده و برای او طلب آمرزش می کنند. و به هنگام قبض روحش حاضر گردیده و در تشییع جنازه اش شرکت می نمایند و بر او نماز می خوانند و به وقت دفنش در کنار او خواهند بود و هر بیماری که خودش این سوره را هنگام سكرات مرگ بخواند یا برای او بخوانند، رضوان خزانهدار بهشت، جامی از شربت بهشت به او می نوشاند، پس او می میرد درحالی که سیراب است و برانگیخته می شود درحالی که سیراب است و نیازمند به حوضی از حوضهای پیامبران نمی گردد تا زمانی که وارد بهشت می شود درحالی که سیراب است. و نیز روایت شده: سوره (یس) خیر دنیا و آخرت را به قرائت کننده اش می رساند، و از او بلای دنیا و احوال آخرت را دفع می نماید بلکه هر شری را از او برطرف نموده و همه حاجات او را روا می کند. خواندن این سوره برابر با بیست حج است و برای شنونده آن هزار نور و هزار برکت و هزار رحمت خواهد بود و هرگونه دشمنی و بیماری از او برطرف خواهد شد.

از رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم روایت شده: هر که وارد قبرستان شود و سوره (یس) را بخواند خدا عذاب مردگان آن قبرستان را، کاهش داده و به تعداد آنها برای او حسنات قرار خواهد داد. از امام صادق علیه السلام روایت شده: هرکس سوره (یس) را در روز بخواند تا شب مرزوق و محفوظ است و هرکس آن را شبانه پیش از خواب بخواند، خدا هزار فرشته بر او گمارد که او را از شرّ هر شیطان رانده شده و از هر آفتی حفظ کنند و اگر در همان روز مرگش فرا رسد، خدا او را وارد بهشت نماید.

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است یس سوگند به قرآن کریم که بی تردید تو از فرستادگانی بر راهی راست [قرار داری]

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 6

[قرآن] نازل شده توانای شکست ناپذیر و مهربان است تا مردمی را بیم دهی که پدرانشان را بیم نداده اند و به این علت [از حقایق] بی خبرند. یقیناً فرمان عذاب بر بیشترشان محقق و ثابت شده است، به این سبب ایمان نمی آورند مسلماً ما غلهایی بر گردنشان نهاده ایم که تا چانه هایشان قرار دارد به طوری که سرهایشان بالا مانده است و از پیش رویشان حایلی و از پشت سرشان [نیز] حایلی قرار داده ایم، و به صورت فراگیر دیدگانشان را فرو پوشانده ایم، به این خاطر حقایق را نمی بینند، و برای آنان یکسان است چه بیمشان دهی یا بیمشان ندهی، ایمان نمی آورند، بیم دادنت فقط برای کسی ثمربخشی است که از قرآن پیروی کند و در نماند از خدای رحمان بترسد، پس او را به آمرزش و پاداشی نیکو و باارزش مژده ده بی تردید ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را پیش فرستاده اند و [خوبی ها و بدی های] برجامانده از ایشان را ثبت

می‌کنیم و همه چیز را در کتابی روشن [که اصل همه کتاب‌هاست و آن لوح محفوظ است] بر شمرده‌ایم و برای آنان [که با تو برخورد خصمانه دارند] اهل آن شهر را مثل بزن، هنگامی که پیامبران به آنجا آمدند، زمانی که دو پیامبر را به سوی آنان فرستادیم، پس آن دو را انکار کردند و با پیامبر سومی آنان را تقویت کردیم، پس [همگی] گفتند: ما را به سوی شما فرستاده‌اند. [اهل شهر] گفتند: شما جز بشرهایی مانند ما نیستید و [خدای] رحمان هیچ چیزی نازل نکرده است، شما فقط دورغ می‌گویید. گفتند: پروردگاران می‌دانند که یقیناً ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم، و بر عهده ما جز رساندن آشکار [پیام وحی] نیست گفتند: همانا ما شما را به شومی و فال بد گرفته‌ایم، اگر [از دعوت خود] باز نایستید، قطعاً شما را سنگسار می‌کنیم، و از سوی ما شکنجه دردناکی به شما خواهد رسید گفتند: شومی شما از خود شماست [و این شومی نتیجه کفر و طغیان و گناه است، شگفتا!] آیا اگر به شما تذکر دهند [آن تذکر سعادت‌بخش را به شومی و فال بد می‌گیرید؟ نه، شومی از ما نیست] بلکه شما مردمی تجاوزکارید. و از دورترین نقطه شهر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 7

مردی شتابان آمد، گفت: ای قوم من! از این فرستادگان [خدا] پیروی کنید، از کسانی پیروی کنید که پاداشی از شما نمی‌خواهند و آنان راه یافته‌اند، و مرا چیست که [از روی یقین] کسی را نپرستم که مرا آفریده و به سوی او بازگردانده می‌شوید؟ آیا به جای او معبودانی را برگزینم که اگر [خدای] رحمان برای من آسیب و گزند بخواند نه شفاعتشان چیزی را از من دفع می‌کند و نه می‌توانند نجات دهند؟! اگر چنین کنم، بی‌تردید در گمراهی آشکار خواهم بود، [ای رسولان!] بی‌تردید به پروردگار شما ایمان آورده‌ام، بنابراین از من بشنوید، [سرانجام به دست آن مشرکان شهید شد، و به او] گفته شد: به بهشت درآی. گفت: ای کاش قوم من معرفت و آگاهی داشتند، به اینکه پروردگار مرا آمرزید و از کرامت‌یافتگان قرارم داد. و بعد از شهادت او هیچ سپاهی از آسمان بر [هلاکت] قومش نازل نکردیم، و بر آن نبوده‌ایم که نازل کنیم. [کیفرشان] جز يك فریاد مرگبار نبود که ناگهان [پس از آن فریاد] همه بی‌حرکت و خاموش شدند! ای دریغ و افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایتشان نمی‌آمد مگر اینکه او را مسخره می‌کردند! آیا [مشرکان مکه] ندانسته‌اند چه بسیار از اقوام پیش از آنان را [به سبب کفر و طغیانشان] هلاک کردم که آنان هرگز نزد اینان بر نمی‌گردند، [و در دنیا زندگی دوباره نمی‌یابند] و همه آنان [بدون استثنا گردآوری خواهند شد و] در قیامت نزد ما احضار می‌شوند.

و این زمین مرده برای آنان نشانه‌ای [آشکار بر اینکه ما مردگان را در قیامت زنده می‌کنیم] می‌باشد که آن را زنده کردیم و از آن دانه بیرون می‌آوریم که از آن می‌خورند، و در آن بوستان‌هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم، و در آن از

چشمه‌های گوناگون روان ساختیم، تا از میوه آن و آنچه دست‌هایشان به عمل می‌آورد [مانند شیر، کشمش، شربت و ...] بخورند، آیا سپاس‌گذاری نمی‌کنند؟ منزه [از هر عیب و نقصی] است آنکه همه زوج‌ها را آفرید از آنچه زمین می‌رویاند و از وجود خودشان و از آنچه نمی‌دانند، و نشانه‌ای [از نشانه‌های قدرت و حکمت ما این] برای آنها شب است که [پوشش] روز را از آن بر می‌کنیم، پس ناگاه آنان به تاریکی درآیند، و خورشید [نیز برای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 8

آنان نشانه‌ای از قدرت ماست] که همواره به سوی قرارگاهش حرکت می‌کند. این اندازه‌گیری توانای شکست‌ناپذیر و داناست، و برای ماه منزل‌هایی قرار دادیم تا اینکه به صورت شاخه کهنه بلالی شکل و زرد رنگ خرما برگردد [و باز به تدریج بدر کامل شود]، نه برای خورشید این توان هست که به ماه برسد، و نه شب از روز پیشی می‌گیرد، و هرکدام در مداری شناورند. و برای آنان نشانه‌ای دیگر [از قدرت و رحمت ما] این [است] که فرزندان‌شان را در کشتی‌هایی پر [از اجناس و وسایل] حمل کردیم، و برای آنان چیزهایی مانند کشتی [چون اسب، قاطر و دیگر وسایل نقلیه] آفریدیم که بر آن سوار می‌شوند، و اگر بخواهیم آنان را غرق می‌کنیم در این صورت هیچ فریادری برای آنان نخواهد بود، و نجات هم نیابند، مگر [اینکه] رحمتی از سوی ما [نجاتشان دهد] و تا مدتی [از زندگی دنیا] بهره‌مندشان کنیم، و هنگامی که به آنان گویند: از آنچه [از عذاب‌های دنیا و آخرت] پیش رو و پشت سر شماست بپرهیزید تا مورد رحمت قرار گیرید [به این هشدار قطعی و یقینی توجه نمی‌کنند]، و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی‌آید مگر اینکه از آن‌روی می‌گردانند. و هنگامی که به آنان گویند: از آنچه خدا روزی شما کرده انفاق کنید، کافران به مؤمنان گویند: آیا کسانی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست آنان را اطعام می‌کرد؟ [پس گرسنگی را بر خدا بر آنان خواسته است] ولی شما [ای کفرپیشگان!] جز در گمراهی آشکاری نیستند. و می‌گویند: اگر راست‌گوئید، این وعده [قیامت و عذاب] کی خواهد بود؟ اینان جز يك فریاد مرگبار [آسمانی] را انتظار نمی‌کشند که آنان را درحالی که سرگرم مجادله و ستیر [در امور دنیای] انید فراگیرد. [فریادی که وقتی بر سر آنان زده شود] نه می‌توانند وصیتی کنند و نه [اگر بیرون خانه باشند] می‌توانند به خانواده خود برگردند. و در صور دمیده شود، ناگاه همه آنان از قبرها به سوی پروردگارشان می‌شتابند. می‌گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خواب‌گاهمان برانگیخت؟ این واقعی است که [خدای] رحمان وعده داده بود و پیامبران راست گفته بودند!! [آن صحنه عظیم] جز يك فریاد نیست، پس به ناگاه همه آنان [گردآوری شده و] ند ما احضار می‌شوند. در این روز به هیچ کس ذره‌ای ستم نمی‌شود، و جز آنچه انجام می‌دادید پاداش داده نمی‌شوید.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 9

همانا بهشتیان در چنین روزی در سرگرمی وصف ناپذیری شیرین کام و خوش اند. آنان و همسرانشان در زیر سایه هایی [آرام بخش] بر تخت هایی [آراسته چون حجله عروس] تکیه می زنند. برای آنان در آنجا میوه ها [ای عالی و مطبوع] و آنچه دلشان بخواهد فراهم است. با سلام [ای پرارزش و سلامت بخش] که گفتاری از پروردگاری مهربان است. و [ندا آید]: ای گناهکاران! امروز [از صف نیکان] جدا شوید. ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد نکردم که شیطان را پرستید که او بی تردید دشمن آشکاری برای شماست؟ و اینکه مرا پرستید که این راهی است مستقیم، و همانا شیطان گروه بسیاری از شما را گمراه کرد، آیا تعقل نمی کردید [که پیروانش به چه سرنوشت شومی دچار شدند؟] این است دوزخی که به شما وعده می دادند.

امروز به کیفر کفری که همواره می ورزیدید، در آن درآید. امروز بر دهان هایشان مهر خاموشی نهیم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به اعمالی که همواره مرتکب می شدند، گواهی می دهند! و اگر بخواهیم [در همین دنیا] دردگانشان را محو می کنیم، پس به [سوی همان] راه [گمراهی] بر یکدیگر پیشی می گیرند، ولی چگونه می توانند دید؟ و [نیز] اگر بخواهیم آنان را در جای خودشان مسخ می کنیم، [و به صورت جمادی خشک درمی آوریم] که نه بتوانند بروند و نه بازگردند، و به هرکس عمر طولانی دهیم، او را در عرصه آفرینش [به سوی حالت ضعف، سستی، نقصان و فراموشی] واگوش می کنیم، پس آیا تعقل نمی کنند؟ و به پیامبر، شعر نیاموختیم و [شعرگویی] شایسته او نیست. کتاب [او] جز مایه یادآوری و قرآنی روشنگر [حقایق] نیست، تا کسانی را که [به عقل و هوش و استداد] زنده اند هشدار دهد، و فرمان عذاب بر کافران محقق و ثابت شود. آیا ندیده اند که ما از آنچه به قدرت خود انجام داده ایم برای آنان چهارپایانی آفریده ایم که آنان مالکشان هستند. و چهارپایان را برای آنان رام کردیم که برخی از آنها مرکب سواری آنان هستند و از [گوشت] برخی از آنها می خورند، و برای آنان در آن چهارپایان سودهایی [چون پشم، کرک، پوست] و نوشیدنی هایی [چون شیر و فرآورده های آن] هست، آیا سپاس گذاری نمی کنند؟ و به جای خدا معبودانی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 10

انتخاب کرده اند به امید اینکه [به وسیله آنها] یاری شوند، درحالی که [معبودان] قدرت یاری دادن به آنان را ندارند و آنان [که سبک مغزان روی برتافته از حق اند] برای آن معبودان [از سوی شیطان] سپاهی احضار شده اند [تا عمر و مالشان را فدای این معبودان باطل کنند] پس گفتارشان تو را اندوهگین نکند، بی تردید ما آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند، می دانیم. آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه ای [پست و ناچیز] آفریده ایم و اینک ستیزه گری آشکار است؟

در حالی که افرینش نخستین خود را از یاد برده برای ما مثلی زد [و] گفت: چه کسی این استخوان‌ها را درحالی که پوسیده‌اند، زنده می‌کند؟ بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد. زنده‌اش می‌کند، و او به هر چیزی داناست همان کسی که برای شما از درخت سبز، «آتش‌زنه» آفرید، که اکنون شما از آن آتش می‌فروزید. آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد که [پس از مرگشان] همانند آن را بیافریند؟ چرا قدرت دارد، زیرا اوست که آفریننده بسیار داناست. شأن او این است که چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: باش، پس بی‌درنگ موجود می‌شود. بنابراین [از هر عیب و نقصی] منزّه است خدایی که مالکیت و فرمانروایی همه چیز به دست اوست، و به سوی او بازگردانده می‌شوید.

فضیلت سوره الرحمن

از امام صادق علیه السلام روایت شده: خواند سوره رحمن را ترك نکنید چه این سوره در دل منافقان قرار نمی‌گیرد، و در روز قیامت به صورت انسانی با زیباترین چهره و خوشبوترین رایحه بر خدا وارد می‌شود تا در جایگاهی نزد حق بایستد که مقامی نزدیک‌تر از آن به خدا نیست پس آنگاه خدا به او می‌گوید: آن که در حیات دنیا تو را برپا می‌داشت و بر قرائت تو مداومت می‌نمود کیست؟ عرضه می‌دارد: فلان و فلان، پس چهره آنان تابناک می‌شود، پس خدا به آنان می‌گوید: هر که را می‌خواهید شفاعت کنید، و آنان تا آنجا شفاعت می‌کنند که دیگر احید برای شفاعت آنان باقی نماند. در این هنگام خطاب می‌رسد: وارد بهشت شوید و در هر کجای آن که می‌خواهید مأوی کنید. و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرکس سوره رحمن را قرائت کند و در پس هر آیه **فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** بگوید: لا بشيء من الاثك ربّ اكذب اگر شب بخواند و بمیرد شهید مرده و اگر روز بخواند و از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 11

سورة الرحمن

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

[خدای] رحمان قرآن را تعلیم داد. انسان را آفرید، به او بیان آموخت خورشید و ماه با حسابی [منظم و دقیق] روانند، و گیاه و درخت همواره [برای او] سجده می کنند. و آسمان را برافراشت و [برای سنجش هر امر معنوی و مادی] ترازو داد. تا در [سنجیدن با] ترازو طغیان رواد مدارید [و از مرز عدالت و انصاف مگذرید]. و ترازو را به عدالت بر پا دارید و از ترازو مکاهید، و زمین را برای [زندگی] مردم نهاد، در آن میوه ها و نخل ها با خوشه های غلاف دار است، و دانه های با سبوس و کاه و گیاهان خوشبو است، پس [ای انس و جن!] کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ انسان را از گلی خشکیده مانند سفال آفرید. و جن را از آمیزه ای [از شعله های مختلف] به وجود آورد. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ پروردکار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ دو دریای [شیرین و شور] را روان ساخت در حالی که همواره با هم تلاقی و برخورد دارند، [ولی] میان آن دو؟؟؟ است که به هم تجاوز نمی کنند [در نتیجه با هم مخلوط نمی شود!] پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون می آید. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ و او را در دریا کشتی های بادبان برافراشته چون کوه هاست. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ همه آنان که روی این زمین هستند، فانی می شوند. و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می ماند. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟

هرکه در آسمان ها و زمین است از او درخواست [حاجت] می کند، او هر روز در کاری است. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 12

انکار می کنید؟ ای انس و جن! به زودی به [حساب] شما می پردازیم. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ ای گروه جن و انس! اگر می توانید از کرانه ها و نواحی آسمان ها و زمین بیرون روید، پس بیرون روید، نمی توانید بیرون روید مگر با نوعی توانایی و قدرت. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ بر شما شعله هایی از آتش بی دود و دود آتش آلود فرستاده خواهد شد، در نتیجه نمی توانید یکدیگر را [برای دفع عذاب] یاری دهید! پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ و ناگهان آسمان بشکافد و چون چرمی سرخ رنگ و گلگون شود. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ پس در آن روز [به علت سرعت فوق العاده حسابرسی و روشن بودن همه امور] انس و جنی را از گناهش نپرسند. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ گناهکاران به نشانه های شان شناخته می شوند، پس آنان را به موهای پیش سر و به پاهایشان می گیرند [و به آتش می اندازند] پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ این همان دوزخی است که گنهگاران آن را دروغ می پنداشتند. آنان

در میان آتش و آب جوشان رفت و آمد می کنند پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ و برای کسی که از مقام پروردگارش [که احاطه و تسلط او بر ظاهر و باطن هستی است] بترسد دو بهشت است. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟

[دو بهشتی که] دارای درختان و شاخسارهای با طروات و انبوه است. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ در آن دو بهشت دو چشمه ای است که همواره جاری است. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ در آن دو بهشت از هر میوه ای دو نوع فراهم است. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟

[بهشتیان] بر بسترهایی که آستر آنها از حریر درشت بافت است، تکیه می زنند، و میوه های رسیده آن دو بهشت [به آسانی] در دسترس است. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ در آن بهشت ها زنانی که فقط به همسرانشان عشق می ورزند، و پیش از آنان دست انس و جنی به آنان نرسیده است. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 13

انکار می کنید گویی آن زنان بهشتی یاقوت و مرجان اند. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ و جز آن دو بهشت، دو بهشت دیگر [هم] هست.

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ آن [دو بهشت دیگر] در نهایت سرسبزی اند. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟

در آن دو بهشت دو چشمه همواره جوشان و در حال فوران است. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ در آنها میوه های فراوان و درخت خرما و انار است.

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ در آنها زنانی نیکو سیرت و زیبا صورت اند. پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟

حوریانی که در سرپرده‌ها مستورند. پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ پیش از آنان دست انس و جتی به آنان نرسیده است. پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ بر بالش‌های سبز و فرش‌های زیبا تکیه می‌زنند.

پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ همیه سودمند و بابرکت است نام پروردگار باشکوه و ارجمند.

فضیلت سوره واقعه

روایت است: که عثمان بن عفان از عبده الله بن مسعود در مرضی که به سبب آن از دنیا رفت، عیادت کرد، پس به او گفت: از چه شکوه داری؟ عبد الله گفت: از گناهانم. گفت: چه چیز میل داری؟ گفت: رحمت پروردگارم. گفت: آیا برای طبیب بیاورم؟

پاسخ داد: طبیب مرا بیمار کرده. گفت: آیا فرمان بدهم عطیه‌ای به تو بدهند؟ جواب داد: زمانی که نیازمندترین مردمان به آن بودم به من ندادی، اکنون که از آن بی‌نیازم می‌خواهی بدهی؟ گفت: برای دخترانت باشد. پاسخ داد: آنها را حاجتی به عطای تو نیست چه اینکه ایشان را به قرائت سوره واقعه سفارش کرده‌ام، زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود، هرکه سوره واقعه را هر شب بخواند هرگز دچار پریشانی نمی‌شود. و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت است: که هرکس سوره واقعه را قبل از خواب بخواند، خدا را با چهره‌ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 14

نورانی همچون قرص ماه ملاقات کند، و نیز از آن حضرت روایت شده: که هرکس مشتاق بهشت و وصف آن می‌باشد، سوره واقعه را بخواند.

سورة الواقعة

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

هنگامی که واقعه [بسیار عظیم قیامت] واقع شود، که درواقع شدنش دروغی [در کار] نیست، پست کننده [کافران] و رفعت دهنده [مؤمنان] است.

هنگامی که زمین به شدت لرزانده شود، و کوهها درهم کوبیده و ریزیز شوند. در نتیجه غباری پراکنده گردد، و شما سه گروه شوید: سعادتمندان، چه بلندمرتبه‌اند سعادتمندان! و شقاوتمندان، چه دون‌پایه‌اند شقاوتمندان! و پیشی گیرندگان [به اعمال نیک] که پیشی گیرندگان [به رحمت و آمرزش] اند، اینان مقربان‌اند، در بهشت‌های پر نعمت‌اند. گروهی بسیار از پیشینیان، و اندکی از پسینیان، بر تخت‌هایی زربافت، که روبروی هم بر آنها تکیه دارند.

نوجوانانی همیشه نوجوان همواره [برای خدمت] پیرامونشان می‌گروند، با قدح‌ها و کوزه‌ها و جام‌هایی از باده ناب و پاک، که از نوشیدنش نه سردرد گیرند، و نه مست و بی‌خرد شوند، و میوه‌ها از هر نوعی که اختیار کنند، و گوشت پرنده از هر گونه‌ای که بخواهند، و حوریانی چشم درشت، هم‌چون مروارید پنهان شده در صدف، پاداشی است در برابر اعمالی که همواره انجام می‌دادند. در آنجا نه سخن بیهوده‌ای می‌شوند، نه کلام گناه‌آلودی، مگر سخنی که سلام است و سلام، و سعادتمندان چه بلندمرتبه‌اند سعادتمندان! در سایه درخت سدر بی‌خاراند، و درختان موزی که میوه‌هایش خوشه‌خوشه روی هم چیده شده است، و سایه‌ای گسترده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 15

و پایدار، و آبی ریزان، و میوه‌ای فراوان، که پایان نپذیرد و ممنوع نشود، و همسرانی بلندمرتبه، که ما آنان را با آفرینشی ویژه آفریدیم، پس آنان را همواره دوشیزه قرار داده‌ایم. عشق‌ورز به شوهران، و هم سن و سال با همسران. [همه این نعمت‌ها] برای سعادتمندان [است]. گروهی بسیار از پیشینیان، و گروهی بسیار از پسینیان، و شقاوتمندان، چه دون‌پایه‌اند شقاوتمندان! در میان بادی سوزان و آبی جوشان [قرار دارند]، و سایه‌ای از دودهای بسیار غلیظ و سیاه، نه خنک است و نه آرام‌بخش، اینان پیش از این از نازپروردگان خودکامه و سرکش بودند، و همواره بر گناهان بزرگ پافشاری داشتند، و پیوسته می‌گفتند: آیا هنگامی که مردمی و خاک و استخوان شدم، آیا به راستی برانگیخته می‌شویم؟! و آیا پدران گذشته ما نیز برانگیخته می‌شوند؟! بگو: بی‌تردید همه پیشینیان و همه پسینیان، برای وعده‌گاه روزی معین گردآورده خواهند شد. آن‌گاه شما ای گمراهان انکارکننده! قطعاً از درختی که از زقوم است [؟؟؟ مایعی جوشان و بسیار بد مزه و بد بوست] خواهید خورد؛ و شکم‌ها را از آن پر خواهید کرد، و روی آن از آب جوشان خواهید نوشید، مانند نوشیدن شترانی که به شدت تشنه‌اند؛ این است پذیرایی از آنان در روز جزا. ما شما را آفریدیم، پس چرا [آفرینش دوباره خود را پس از مرگ] باور نمی‌کنید؟ آیا از [حالات و دگرگونی‌های] نطفه‌ای که در رحم می‌ریزد آگاه هستید؟ آیا شما آن را [تا انسانی معتدل

و آراسته شود] می‌آفرینید یا ما آفریننده‌ایم؟ ماییم که مرگ را میان شما مقدر کردم، و هیچ چیز ما را [در جاری کردن مرگ بر شما] مغلوب نمی‌کند. [آری، مرگ را مقدر کردم] تا امثال شما را جایگزین شما کنیم و شما را به صورتی که نمی‌دانید آفرینشی تازه و جدید بخشیم، و به راستی پیدایش نخستین را [که جهان فعلی است] شناختید، پس چرا متذکر [پدیدشدن جهان دیگر] نمی‌شوید؟! مرا خبر دهید آنچه را می‌کاری، آیا شما آن را می‌رویانید، یا ما می‌رویانیم؟ به یقین اگر بخواهیم آن را ریزیز کرده و خاشاک می‌کنیم که متأسف

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 16

و شگفت زده می‌شوید، [و می‌گویید:] مسلماً ما خسارت زده‌ایم، بلکه ناکام و محرومیم به من خبر دهید آبی که می‌نوشید، آیا شما آن را از ابر باران‌ها فرود آورده‌اید یا ما فرود آورنده‌ایم؟ اگر بخواهیم آن را تلخ می‌گردانیم، پس چرا سپاس‌گزاری نمی‌کنید؟

به من خبر دهید آتشی که می‌افروزید، آیا شما درختان را آفریده‌اید یا ما آفریننده‌ایم؟ ما آن را وسیله تذکر و مایه استفاده برای صحرانشینان و بیابانگردان قرار داده‌ایم. پس به نام پروردگار بزرگ تسبیح گوی. پس به جایگاه ستارگا سوگند می‌خورم، و اگر بدانید بی‌تردی این سوگندی بس بزرگ است. که یقیناً این قرآن، قرآنی است ارجمند و باارزش؛ [که] در کتابی مصون از هر گونه تحریف و دگرگونی [به نام لوح محفوظ جای دارد]. جز پاک‌شدگان [از هر نوع آلودگی] به [حقایق و اسرار و لطایف] آن دسترسی ندارند. نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است. آیا شما نسبت به این گفتار سهل‌انگاری می‌کنید [و آن را قابل اعتنیا نمی‌دانید؟!]. و فقط نصیب خود را این قرار می‌دهید که آن را انکار کنید؟! پس چرا هنگامی که روح به گلوگاه می‌رسد، و شما در آن وقت نظاره‌گر هستید [و پیچ کاری از شما ساخته نیست!] و ما به او از شما نزدیک‌تریم، ولی نمی‌بینید. [آری] پس چرا اگر شما پاداش داده نمی‌شوید [و به گمان خود قیامتی درکار نیست و شما را قدرتی بزرگ و فزاینده است؟!]. آن [روح به گلوگاه رسیده] را [به بدن محتضر] برمی‌گردانید، اگر [در ادعای خود] راست‌گویید؟ پس اگر [جان به گلو رسیده] از مقربان باشد، [در] راحت و آسایش و بهشت پرنعمت [خواهد بود]. و اگر از سعادتمندان باشد، [به او گفته می‌شود:] از سوی سعادتمندان بر تو سلام باد. و اما اگر انکارکنندگان [حقایق و] گمراه باشد، پذیرایی از او با آب جوشان است، و وارد شدن به دوزخ است. [آنچه درباره این سه طایف بیان شد،] بی‌تردید این است همان حقّ یقینی. پس به نام پروردگار بزرگ تسبیح گوی.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 17

فضیلت سوره جمعه

از امام صادق علیه السلام روایت شده: بر هر مؤمن پیرو اهل بیت علیهم السلام لازم است در نماز شب جمعه (ظهرا منظور نماز عشاء است) سوره جمعه و **سبح اسم ربك الأعلى** و در نماز ظهر جمعه سوره جمعه و منافقین را قرائت کند، هرگاه این عمل را انجام دهد گویا عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بجا آورده و ثواب و پاداشش از طرف خدای عزّ و جلّ بهشت است.

سورة الجمعة

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، خدا را [به پاك بودن از هر عیب و نقصی] می ستایند، خدایی که فرمانروای هستی و بی نهایت پاکیزه و توانای شکست ناپذیر و حکیم است. اوست که در میان مردم بی سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند. و [نیز پیامبر را] بر مردمی دیگر [از عرب و غیر عرب] که هنوز به آنان نپیوسته اند [برانگیخت]. و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. این [برانگیختن به پیامبری و مسئولیت عظیم تعلیم و تربیت] فضل خداست که آن را به هرکس بخواهد عطا می کند، و خدا صاحب فضل بزرگ است. وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است، آن گاه به آن عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتابهایی را [که هیچ آگاهی به محتویات آنها ندارد] حمل می کند. چه بد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند. و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند. بگو: ای یهودیان! اگر گمان می کنید که فقط شما دوستان خدایید نه مردم دیگر، پس آرزوی مرگ کنید اگر راستگوئید [چون دوستان خدا برای رسیدن به لقاء او مشتاق مرگ هستند].

ولی آنان به سبب گناهانی که مرتکب شده اند هرگز آرزوی مرگ نمی کنند، و خدا به ستمکاران دانااست، بگو: بی تردید مرگی را که از آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 18

می‌گیرید با شما دیدار خواهد کرد، سپس به سوی دانای نمان و آشکار بارگردانده می‌شوید، پس شما را به اعمالی که همواره انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد. ای مؤمنان! چون برای نماز روز جمعه ندا دهند، به سوی ذکر خدا بشتابید، و خرید و فروش را رها کنید، که این [اقامه نماز جمعه و ترك خرید و فروش] برای شما بهتر است اگر [به پاداشش] معرفت و آگاهی داشتید. و چون نماز پایان گیرد، در زمین پراکنده شوید و از فضل و رزق خدا جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید، و [برخی از مردم] چون تجارت یا مایه سرگرمی ببینند [از صف يك پارچه نماز] به سوی آن پراکنده شوند و تو را در حالی که [بر خطبه نماز] ایستاده‌ای، رها کنند. بگو: پاداش و ثوابی که نزد خداست از سرگرمی و تجارت بهتر است، و خدا بهترین روزی‌دهندگان است.

فضیلت سوره ملك

از امام صادق علیه السلام روایت شده: هرکس سوره ملك را در نماز واجب بخواند، پیش از آنکه بخوابد، همواره در امان خدا خواهد بود تا وارد صبح شود و روز قیامت [نیز] در امان خدا خواهد بود تا داخل بهشت گردد. قطب راوندی از ابن عباس روایت نموده: مردی روی قبری خیمه زد بی‌آنکه بداند آنجا قبر است، پس سوره ملك را خواند، ناگاه شنید فریادکننده‌ای گفت: این سوره نجات‌دهنده است. آن مرد این رویداد را برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حکایت کرد، حضرت فرمودند: این سوره انسان را از عذاب قبر نجات می‌بخشد.

سورة الملك

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

همیشه سودمند و با برکت است آنکه فرمانروایی [بر همه هستی] به دست اوست و او بر هر کاری تواناست، آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 19

بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و او توانای شکست‌ناپذیر و بسیار آمرزنده است. آنکه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. در آفرینش [خدای] رحمان، خلل و نابسمانی و ناهمگونی نمی‌بینی، پس بار دیگر آیا هیچ خلل و نابسمانی و ناهمگونی می‌بینی؟ سپس بار دیگر بنگر تا دیده‌ات در حالی که خسته و کم سو شده [از یافتن خلل، نابسمانی و ناهمگونی فرو مانده] و درمانده گشته است، به سویت بازگردد. همانا ما آسمان دنیا را با چراغ‌هایی آراستیم و آنها را تیرهایی برای راندن شیطان‌ها قرار دادیم. و برای آنان [در آخرت] آتشی افروخته آماده کرده‌ایم؛ و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، عذاب دوزخ است و چه بد بازگشت گاهی است. هنگامی که در آن افکنده شوند از آن درحالی که در جوش و فوران است، صدای هولناک و دلخراش می‌شنوند. نزدیک است که از شدت خشم متلاشی و پاره‌پاره شود. هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانانش از آن می‌پرسند: آیا شما را بیم‌دهنده‌ای نیامد؟ می‌گویند: چرا بیم‌دهنده آمد، ولی او را انکار کردیم و گفتیم: خدا هیچ چیز نازل نکرده است؛ شما بیم‌دهندگان جز در گمراهی بزرگی نیستید؛ و می‌گویند: اگر ما [دعوت سعادت بخش آنان را] شنیده بودیم، یا [در حقایقی که برای ما آوردند] تعقل کرده بودیم، در میان [آتش] اهل آتش سوزان نبودیم. پس به گناه خود اعتراف می‌کنند. و مرگ و دوری از رحمت بر اهل آتش سوزان باد. بی‌تردید کسانی که در نمان از پروردگارشان می‌ترسند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. و گفتارتان را پنهان کنید یا آن را آشکار سازید، مسلما او به نیت و اسرار سینه‌ها داناست.

آیا کسی که [همه موجودات را] آفریده است، نمی‌داند؟ و حال آنکه او لطیف و آگاه است. اوست که زمین را برای شما راه قرار داد، بنابراین بر اطراف و جوانب آن راه روید، و از روزی خدا بخورید، و برانگیختن مردگان و رستاخیز به سوی اوست. آیا از کسی که [حاکمیت و فرمانروایی‌اش] در آسمان قطعی است [چه رسد در زمین] خود را در امان دیده‌اید، از اینکه [با شکافتن زمین] شما را در آن فرود برد درحالی که زلزله و جنبش موج‌آسایش را ادامه دهد؟ آیا از کسی که حاکمیت و فرمانروایی‌اش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 20

در آسمان قطعی است [چه رسد در زمین] خود را در امان دیده‌اید از اینکه توفانی سخت [که با خود ریگ و سنگ می‌آورد] بر شما فرستد؟ پس به زودی خواهید دانست که بیم‌دادن من چگونه است! و مسلما کسانی که پیش از آنان بودند [آیات خدا و پیامبران را انکار کردند]، پس [بنگر] عذاب من چگونه بود! آیا ندانسته‌اند که پرندگان بالای سرشان را درحالی که بال می‌گشایند و می‌بندند، فقط [خدای] رحمان در فضا نگه می‌دارد؟ یقیناً او بر همه چیز بیناست. آیا این

کسیت [از] سپاهتان که شما را به هنگام نزول عذاب در برابر خدای رحمان یاری دهد؟ کافران جز دچار فریب [شیطان] نیستند. یا کیست آنکه به شما روزی دهد، اگر خدا روزی‌اش را از شما بازدارد؟ [نه اینکه حقیقت را نمی‌دانند] بلکه در سرکشی و نفرت [از حق سرسختی و] پافشاری می‌کنند. آیا کسی که نگونسار و به صورت افتاده حرکت می‌کند، هدایت یافته‌تر است یا آنکه راست قامت بر راه راست می‌رود؟ بگو: اوست که شما را آفرید و برای شما گوش و دیده و دل قرار داد، ولی اندکی سپاس می‌گزاید. بگو: اوست که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می‌شوید.

و می‌گویند: اگر راست‌گویید این وعده وقوع [رستاخیز] کی خواهد بود؟ بگو: دانش و آگاهی [این حقیقت] فقط نزد خداست و من تنها بیم‌دهنده‌ای آشکارم. پس زمانی که آن [وعده داده‌شده] را از نزدیک ببینند، چهره کافران درهم و زشت گردد [و به آنان گویند]: این است همان چیزی که آن را [از روی مسخره] می‌خواستید. بگو: به من خبر دهید اگر خدا من را و هر که را با من است هلاک کند، یا مورد رحمت قرار دهد، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه خواهد داد؟ بگو: اوست رحمان، به او ایمان آوردیم، و بر او توکل کردیم، پس به زودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است. بگو: به من خبر دهید اگر آب مورد بهره‌برداری شما [چون آب رودها، چشمه‌ها، سدها و چاه‌ها] در زمین فرو رود [تا آنجا که از دسترس شما خارج گردد] پس کیست که برایتان آب روان و گوارا بیاورد؟!

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 21

فضیلت سوره نبأ

شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: هر که سوره نبأ را بخواند و هر روز بر قرائت آن مداومت نماید سال را سپری نکند مگر اینکه بیت الله الحرام را زیارت کند. و شیخ طبری در مجمع البیان از ابی بن کعب روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که سوره نبأ را بخواند خدا او را در قیامت از شراب خنک سیراب نماید، و دانسته باش که در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است که منظور از نبأ عظیم، ولایت است و نیز وارد شده است که نبأ عظیم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است: **هو النبأ العظیم و فلك نوح و باب الله و انقطع الخطاب** اوست نبأ عظیم و کشتی نوح در دروازه آسمان آن هنگام که خطاب الهی پایان یافت.

سورة النبأ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

درباره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند؟ از آن خبر بزرگ [قیامت کبری] که همواره درباره آن با یکدیگر اختلاف دارند [که واقع می‌شود یا نه؟] نه چنین است [که می‌پندارند] به زودی [به حتمی بودن آن] آگاه خواهند شد. باز هم نه چنین است [که می‌پندارند] به زودی [به حتمی بودن وقوع آن] آگاه خواهند شد. آیا زمین را بستر آرامش قرار ندادیم؟ و کوه‌ها را میخ‌هایی [برای استواری آن؟] و شما را جفت‌هایی [به صورت نر و ماده] آفریدیم، و خوابتان را مایه استراحت و آرامش [و تمدّد و اعصاب] قرار دادیم، و شب را پوششی و روز را وسیله معاش مقرر کردیم: و بر فرازتان هفت آسمان استوار بنا نهادیم، و چراغی روشن و حرارت‌زا پدید آوردیم، و از ابرهای متراکم و باران‌زا آبی ریزان نازل کردیم تا به وسیله آن دانه و گیاه برویانیم، و باغ‌هایی از درختان به هم پیچیده و انبوه بیرون آوردیم. بی‌تردید روز داوری وعده‌گاه است. روزی که در صور می‌دمند و شما گروه‌گروه به عرصه محشر می‌آید، و آسمان گشوده می‌شود، پس به صورت دره‌ایی در می‌آید، و کوه‌ها را [از جای خود] روان کنند و سرب‌ای شوند! بی‌تردی دوزخ کمین‌گاه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 22

است. برای سرکشان و طاغیان جای بازگشت است. روزگاری دراز در آن بمانند. در آنجا نه خنکی هوا می‌جشد و نه آشامیدنی [باب طبع] مگر آب جوشان و چرکاب و خونابه‌ای [از بدن دوزخیان] پاداشی است مناسب [اعمالشان] اینان بودند که به [روز] حساب امیدی نداشتند، و آیات ما را به شدت و با همه وجود انکار می‌کردند و [ما] همه چیز را [از خوبی و بدی آنان] بر شمرده و در نامه اعمالشان ثبت کرده‌ام. [و در قیامت به آنان می‌گوییم:] پس بجشید که هرگز جز عذاب بر شما نیفزاییم. بی‌تردی برای پرهیزگاران پیروزی و کامیابی است باغ‌هایی [سرسبز و خرم] و انواع انکورها و دخترانی نورسیده و هم سن و جام‌هایی لبریز [از باده طهور] در آنجا نه سخن بیهوده‌ای می‌شوند و نه دوزخ و تکذیبی. [این] پاداشی کافی و به اندازه از سوی پروردگار توست. همان پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، آن مهربانی که هیچ‌کس را اختیار چون و چرای با او نیست. روزی که روح و فرشتگان در يك صف می‌ایستند و سخن نمی‌گویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او اجازه دهد و سخن حق و درست گوید. آن [روز] روز حق است، پس هر که بخواهد راه بازگشتی به سوی پروردگارش برگزیند؛ ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم، روزی که آدم آنچه را [از خیر و شر] پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید: ای کاش من خاک بودم [و موجودی مکلف آفریده نمی‌شدم تا چنین روز سختی را بینم!]

فضیلت سوره اعلی

شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت نموده است که فرمودند: هرکس سوره **سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى** را در نماز واجب یا مستحب بخواند، روز قیامت به او گفته می شود: از هر در از درهای بهشت که می خواهی وارد شود.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 23

سورة الأعلی

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

نام پروردگار برتر و بلندمرتبه‌ات را [از هر چه رنگ شرك خفی و جلی دارد] منزّه و پاك بدار. آنکه آفرید، پس درست و نیکو گردانید. و آنکه اندازه قرار داد و هدایت کرد، و آنکه چراگاه را رویانید، و آن را خاشاکی سیاه گردانید، به زودی قرآن را بر تو می خوانیم، پس هرگز فراموش نخواهی کرد، جز آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و آنچه را پنهان است می داند. و تو را برای آسانترین راه [که شریعت سمحه و سهله است] آماده می کنیم. پس [مردم را] اندرز ده، اگر اندرز سودمند افتد. کسی که از خدا می ترد، به زودی متذکر می شود، و کسی که از همه بدبخت تر است از آن کناره می گیرد. همان کسی که در آتش بزرگ تر در می آید. آن گاه در آنجا می میرد و نه به خوشی زندگی می کند. بی تردید کسی که خود را [از زشتی های باطن و ظاهر] پاك کرد، رستگار شد. و نام پروردگارش را یاد کرد، پس نماز خواند. [ولی شما منکران لجوج به سوی راه رستگاری نمی روید] بلکه زندگی و نیاز را [بر آن] ترجیح می دهید. درحالی که آخرت بهتر و پایدارتر است.

همان این [حقایق] در کتاب های آسمانی پیشین هست. [در] کتاب های ابراهیم و موسی.

فضیلت سوره شمس

در مجمع البیان به نقل از اُبی بن کعب از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند: کسی که سوره شمس را بخواند گویی هر آنچه را که آفتاب و ماه بر آن تابیده صدقه داده است.

سورة الشمس

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 24

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

سوگند به خورشید و گسترش روشنی اش و به ماه هنگامی که از پی آن برآید و به روز چون خورشید را به خوبی آشکار کند و به شب هنگامی که خورشید را فرو پوشد و به آسمان و آنکه آن را بنا کرد و به زمین و آنکه آن را گستراند و به نفس و آنکه آن را درست و نیکو نمود، پس بزه کاری و پرهیزکاری اش را به او الهام کرد. بی تردی کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرده] رشد داد، رستگار شد. و کسی که آن را [به آلودگی ها و امور بازدارنده از رشد] بیالود [و از رحمت حق] نومید شد. قوم نمود به سبب سرکشی و طغیانش [پیامبرشان را] تکذیب کرد، زمانی که بدبخت ترینشان به پا خاست. پس فرستاده خدا به آنان گفت: ناچه خدا و آبشخورش را [واگذارید] ولی به تکذیب او برخاستند و ناچه را پی کردند، و در نتیجه پروردگارشان به خاطر گناهشان عذاب سختی بر آنان فرو ریخت و همه قوم را با خاک یکسان و برابر ساخت؛ و خدا از - سرانجام آن کار [که نابودی ستمکاران است] پروایی ندارد.

فضیلت سوره قدر

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: هرکس سوره قدر را در نماز واجب بخواند، فرشته ای از جانب پروردگار ندا کند: ای بنده خدا، خدا گناهان گذشته ات را آمرزید، عمل از نو آغاز کن.

سورة القدر

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. تو چه می دانی شب قدر چیست؟ شب قدر، بهتر از هزار ماه است. فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقدیر و تنظیم] هر کاری نازل می شوند.

این شب تا برآمدن سپیده دم [سراسر] سلام و رحمت است.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 25

فضیلت سوره زلزله

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند: هرکس سوره زلزله را چهار بار قرائت کند مانند کسی است که تمام قرآن را قرائت کرده است.

سورة الزلزلة

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

هنگامی که زمین را با [شدیدترین] لرزشش بلرزاند، و زمین بارهای گرانش را بیرون اندازد، و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ آن روز است که زمین اخبار خود را می گوید: زیرا که پروردگارت به او وحی کرده است. آن روز مردم [پس از پایان حساب] به صورت گروه های پراکنده [به سوی منزل های ابدی خود بهشت یا دوزخ] باز می گردند، تا اعمالشان را [به صورت تجسم یافته] به آنان نشان دهند. پس هرکس هم وزن ذره ای نیکی کند، آن نیکی را ببیند. و هرکس هم وزن ذره ای بدی کند، آن بدی را ببیند.

فضیلت سوره عادیات

در خبر است هرکس به خواندن آن مداومت نماید با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام محشور می شود.

سورة العاديات

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

سوگند به اسبان دنده‌ای که همه کنان [به سوی جنگ] می‌تازند و سوگند به اسبانی که با کوبیدن سمشان از سنگ‌ها جرقه می‌جهانند و سوگند به سوارانی که هنگام صبح غافل گیرانه به دشمن هجوم می‌برند و به وسیله هجوم، گردوغبار فراوانی برانگیزند و ناگاه در آن وقت در میان گروهی دشمن درآیند؛ [که] قطعا انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است، و بی‌تردید خود او بر این ناساسی گواه است، و همانا او نسبت ثروت و مال سخت علاقمند است [و به این سبب بخل می‌ورزد] آیا نمی‌داند هنگامی که آنچه در کورهاست برانگیخته شود. و آنچه در سینه‌هاست پدیدار گردد، بی‌تردید در آن روز پروردگارشان نسبت به آنان آگاه است [و بر پایه اعمال نیک و بدشان به آنان پاداش و کیفر دهند].

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 26

فضیلت سوره کافرون

در احادیث بسیاری، فضیلت قرائت سوره کافرون در نمازهای واجب و مستحب بیان شده است و آن اینکه خواندن آن معادل يك چهارم قرآن است.

سورة الكافرون

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

بگو: ای کافران! آنچه را شما می‌پرستید، من نمی‌پرستم، و نه شما آنچه را من می‌پرستم، می‌پرستید، و نه من آنچه را شما پرستیده‌اید، می‌پرستم، و نه شما آنچه را که من می‌پرستم، می‌پرستید. دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم.

در حدیث آمده است: قرائت سوره نصر در نمازهای واجب یا مستحب موجب پیروزی بر دشمنان می شود.

فضیلت سوره نصر

سورة النَّصْرِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

هنگامی که یاری خدا و [آن] پیروزی فرا رسد، و مردم را ببینی که گروه گروه در دین خدا درآیند، پس پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی، و از او آمرزش بخواه، که او همواره توبه پذیر است.

فضیلت سوره توحید

خواندن سوره توحید، همچون خواندن يك سوم قرآن است.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 27

سورة الاخلاص

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

بگو: او خدای یکتاست؛ خدای بی نیاز [که نیازمندان با اعتماد به حضرتش قصد او کنند.] کسی را نزاده، و از زائیده نشده است، و هیچ کس [نه در ذات و نه در صفات] همانند و همتا و شبیه او نمی باشد.

فضیلت معوذتین

در روایت آمده است: چنانچه شخص از خانه خود بیرون رود و معوذتین (فلق و ناس) را بخواند، چشم بد به او زیان نرساند، و کسی که دچار ترس می شود به هنگام خوابیدن، این دو سوره را به همراه آیه الكرسي [آیه 255 سوره بقره] بخواند.

سورة الفلق

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم، از زیان آنچه آفری، و از زیان شب هنگامی که با تاریکی اش درآید [که در آن تاریکی انواع حیوانات موزی و انسان های فاسق و فاجر برای ضربه زدن به انسان در کمین اند] و از زیان زنان دمنده [که افسون و جادو] در گره ها [می دمنند و با این کار شیطانی در زندگی فرد، خانواده و جامعه خسارت به بار می آورند] و از زیان حسود، زمانی که حسد می ورزد.

سورة الناس

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

بگو: پناه می برم به پروردگار مردم [به] پادشاه مردم [به] معبود مردم از زیان وسوسه گر مخفی و پنهان، آنکه همواره در سینه های مردم وسوسه می کند از جتّیان و آدمیان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 28

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ستایش خدای را که سپاس خویش را کلید یاد خود قرار داد و تمام موجودات را گویای ستایش و شکرش آفریده و درود و سلام بر پیامبرش محمدص که نامش از نام ستوده او (محمود) جدا شده است، و بر اهل بیت پاکش که بزرگوار و بخشنده اند.

و بعد این فقیر بی بضاعت و متمسک به احادیث اهل بیت رسالت علیهم السلام عباس بن محمد بن رضا القمی که خداوند پایان کار هر دو را به نیکی و سعادت ختم کند چنین گوید: عده‌ای از برادران اهل ایمان از این دعاگو خواستند که کتاب «مفاتیح الجنان» را که بین مردم متداول است مطالعه نمایم و دعاهای مستند آن کتاب را ذکر نمایم و آنچه را که سندش به نظرم نرسیده از ذکرش خودداری کنم و پاره‌ای از دعاها و زیارات معتبره را که در آن کتب نیامده بر آن بیفزایم. این کمترین خواهش برادرانم را اجابت کرده و این کتاب را به همان ترتیب نظام داده و آن را «مفاتیح الجنان» [کلیدهای بهشت] نامیدم. این مجموعه را در سه باب مرتب ساختم؛ در باب اول تعقیب نمازها و دعاهای روزهای هفته و اعمال شب و روز جمعه و پاره‌ای از دعاهای مشهور و مناجات خمسة عشر و جز اینها گرد آمده است. در باب دوم: اعمال ماه‌های سال و فضیلت و اعمال نوروز و اعمال ماه‌های رومی [شمسی] بیان شده است. در باب سوم: زیارات و آنچه مربوط به زیارات است آمده. امید است برادران اهل ایمان مطابق آن عمل کنند، و این گنجه‌کار رو سیاه را از دعا و زیارات و طلب آمرزش فراموش نفرمایند.

باب اول

در بیان تعقیب نمازها و دعاهای روزهای هفته، و اعمال شب و روز جمعه، و پاره‌ای از دعاهای مشهور و مناجات «خمسة عشر» و جز اینها، در این باب چند فصل است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 29

فصل اول در تعقیبات مشترک

از مصباح شیخ طوسی و غیر آن نقل شده: هرگاه نماز را سلام دادی، دستها را تا برابر گوش بالا بر و سه مرتبه تکبیر (الله اکبر) گفته و سپس بگو: معبودی جز خدا نیست، معبودی یگانه و ما تسلیم او هستیم، معبودی غیر از خدا نیست و جز او را نمی‌پرستیم، درحالی که طاعت خود را برای او خالص می‌نمایم هرچند برای مشرکان ناخوش آیند باشد، معبودی جز خدا پروردگار ما و پروردگار پدران نخستین ما نیست. معبودی غیر از خدا نیست یگانه و یگانه و یگانه است، به وعده‌اش وفا کرد، بنده‌اش را یاری داد سپاهش را قدرت و عزت بخشید و به تنهایی لشکریان (کفر و شکر) را

درهم شکست. پس فرمانروایی و ستایش تنها او را سزااست. زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند و او است زنده ای که نمی میرد، خیر و نیکی تنها به دست اوست و او بر هر چیز تواناست. آنگاه بگو:

از خدا که جز ماو معبودی نیست آن زنده و پاینده آمرزش می طلبم و به جانب او باز می گردم خدایا مرا از جانب خود راهنمایی کن، و از باران احسانت بر من ببار، و از ابر رحمت بر من بگستران، و از نعمتهای فراوانت بر من فرود آور، پاک و منزهی، معبودی جز تو نیست، تمامی گناهانم را بیامرز، زیرا جملگی گناهان را کسی جز تو نمی آمرزد، بار خدایا از تو درخواست می کنم از هر خیری که دانشت بر آن احاطه یافته است و به تو پناه می آورم از هر گزند که علم تو به آن احاطه دارد. خدایا! در همه کارهایم سلامتی کامل از تو می خواهم، و به تو پناه می آورم از خواری دنیا و عذاب آخرت، و پناه می برم به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 30

مقام والا، و عزت دست نایافتنی، و قدرت سرپیچی ناپذیرت، از شر دنیا و آخرت، و از شر همه دردها، و از شر هر حیوانی که زمام وجودش به دست توست، همانا پروردگارم بر راه راست است، هیچ توان و نیرویی نیست جز از جانب خدا بلندمرتبه بزرگ. توکل می کنم بر آن زنده ای که نمی میرد، سپاس خدا را که فرزندی نگرفته و در فرمانروایی شریکی برای او نیست و نه سرپرستی تا از ذلت برهاندش و او را بسیار بزرگ شمار. پس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را گفته، (و کیفیت آن چنین است:

تکبیر (الله اکبر) 34 مرتبه، حمد (الحمد لله) 33 مرتبه، تسبیح (سبحان الله) 33 مرتبه و پیش از آنکه از جای خود حرکت کنی ده مرتبه می خوانی:

گواهی میدهم که معبودی جز خدای یکتا نیست، برای او شریکی وجود ندارد، معبودی است یگانه و یکتا، بی همتا و بی نیاز است، و هرگز همسر و فرزندی نگرفته است.

مؤلف گوید: فضیلت فراوان این ذکر (أشهد أن لا اله الا الله...) در روایت وارد شده به ویژه پس از نماز صبح و شام، و هنگام طلوع و غروب آفتاب. آنگاه می گوئی:

منزه است خدا هر زمان که چیزی او را تنزیه کند، و آنچنان که دوست دارد تنزیه شود، و آنچنان که او شایسته آن است، و آنگونه که برای مقام والا و رفعت جلالش سزاوار است و سپاس خدای را هر زمان که او را چیزی سپاس گوید و همان طور که دوست دارد سپاهش گویند و چنان که شایسته آن است و آنگونه که برای مقام والا و شکوه رفیعش سزاوار

است. معبودی جز خدا نیست هر آن که چیزی به یگانه پرستی اش بانگ برآرد و همان طور که دوست دارد یگانه شمرده شود و آنگونه که سزاوار است و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 31

آنگونه که شایسته مقام والا و عزت رفیع او است. و (خدا بزرگتر است) هر زمان که او را چیزی به بزرگی یاد کند و همان طور که دوست دارد به بزرگی یاد شود و چنان که او شایسته آن است و آنگونه که برای مقام والا و عزت رفیعش سزاوار است. منزّه است خدا و سپاس تنها خدا راست، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است برای هر نعمتی که به من و به هر يك از مخلوقاتش عطا نموده، چه آنان که بوده اند و چه آنان که تا روز قیامت خواهند آمد. خدایا از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و از تو از بهترین چیزی که امید دارم و از بهترین چیزی که امید ندارم درخواست می کنم، و به تو پناه می آورم از شر آنچه که پرهیز می کنم و از شر آنچه که نمی پرهیزم.

سپس سوره حمد، آیه الكرسي [آیه 255 سوره بقره]، **شهد الله** [آل عمران: 18] **قل اللهم مالك الملك** [آل عمران: 26] و آیه سخره را که عبارت از سه آیه از سوره اعراف [54-56] که **اول آن، انّ ربيكم الله** و آخر آن **«من المحسنين»** است می خوانی، و سپس سه مرتبه می گویی:

منزه است پروردگارت، پروردگار عزّت، از آنچه مشرکان به او نسبت می دهند، و درود بر فرستادگان او و سپاس برای خدا پروردگار جهانیان پس سه مرتبه می گویی: **اخدایا!** درود فرست بر محمد و خاندان محمد و در کارم برای من گشایش و راه نجات قرار ده و مرا از جانی که گمان می برم و از جانی که گمان نمی برم روزی عنایت کن.

و این دعایی است که جبرئیل آن را به حضرت یوسف علیه السلام هنگامی که آن حضرت در زندان بود، تعلیم داد. سپس با دست راست محاسنت را بگیر، و کف دست چپ را به سوی آسمان بگشا و هفت مرتبه بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 32

ای پروردگار محمد و خاندان محمد، درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و فرج خاندان محمد را نزدیک فرما.

ای صاحب عظمت و بزرگواری!، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به من رحم کن و از آتش دوزخ پناهم ده.

پس دوازده مرتبه سوره «توحید» را می‌خوانی و می‌گویی: خدایا از تو می‌خواهم به نام پوشیده و پنهان و پاکیزه و پاک‌بخش و مبارکت و نیز به نام بزرگت و سلطنت دیرینه‌ات از تو خواستارم ای بخشنده عطاها! و ای آزادی‌بخش اسیران و ای رهاننده انسانها از آتش، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و گردن مرا از آتش دوزخ رهایی بخشی، و از سرای دنیا همراه با سلامت ایمان بیرون ببری و درمانیت وارد بهشت نمایی و قرار دهی آغاز دعایم را رستگاری و میانش را موفقیت، و پایانش را صلاح، همانا تویی دانای نهانها. و در «صحیفه علویه» آمده که دنبال هر فریضه چنین می‌خوانی:

ای کسی که گوش دادن به سخنی از گوش دادن به سخنی دیگر او را باز نمی‌دارد و درخواست بی‌شمار خواهندگان به اشتباهش نمی‌اندازد، ای آنکه اصرار اصرارکنندگان آزرده و خسته‌است نمی‌کند، بچشان مرا از خنکی گذشت و شیرینی رحمت و آمرزشت معبود! این است نماز من، آنرا بجا آوردم نه به خاطر نیاز و رغبتی از سوی تو به آن، بلکه تنها از جهت تعظیم و اطاعت دستور و اجابت آنچه که مرا به آن فرمان دادی معبودا اگر عیب و نقصی در رکوع و سجودش بود مرا مؤاخذه مکن و بر من با پذیرش عبادات و آمرزش کاستیها تفضل کن.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 33

و نیز در پی هر نماز، این دعا را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای تقویت حافظه به امیر المؤمنین تعلیم داد می‌خوانی: منزّه است پادشاهی که بر زیردستانش ستم نمی‌کند، منزّه است خدایی که اهل زمین را به عذابهای رنگارنگ گرفتار نمی‌نماید، منزّه است آن خدای بنده‌نواز مهربان. خدایا قرار ده در دلم نور و بینایی و فهم و دانش، مسلماً تو بر هر چیز توانایی. در مصباح کفعمی آمده: بعد از نمازها سه مرتبه بگو:

خودم و دینم و خانواده‌ام و ثروتم و فرزند و برادران دینی‌ام و آنچه را پروردگارم روزم نموده و سرانجام کارم و هرکس که سرپرستی او به دست من است، همه و همه را در پناه خدای یگانه و یکتای بی‌نیاز قرار می‌دهم، خدایی که نزاده است و زاییده نشده است و کسی همتای او نیست، و (پناه می‌برم) به آفریدگار سپیده‌دم از شر آنچه آفرید و از شر شب تاریک آنگاه که درآید و از شر زنان ساحر دمنده درگردها و از شر حسود زمانی که حسد ورزد و پناه می‌برم به پروردگار آدمیان، فرمانروای آدمیان، معبود آدمیان، از شر شیطان مرموزی که در سینه‌های مردمان وسوسه می‌کند، چه شیطان جنی و چه شیطان انسی. و از دست‌نوشته شیخ شهید نقل است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرکه می‌خواهد خداوند در قیامت اعمال زشتش را بر او عرض نکند و پرونده گناهانش را نگشاید، باید این دعا را بعد از هر نماز بخواند:

بار خدایا! همانا آمرزش تو از عمل من امیدوارکننده تر و مهربانی تو از گناه من گسترده تر است، بار خدایا! اگر گناهانم نزد تو بزرگ است، گذشت تو از گناه من بزرگتر است، بار خدایا! اگرچه شایسته دست یابی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 34

رحمت تو نیستم، اما رحمت تو سزاوار است به من برسد و مرا فرا گیرد، زیرا رحمت همه چیز را فرا گرفته است، به حق مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان! و از ابن بابویه روایت شده: چون از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام فارغ شدی بگو: خدایا! تویی خدای سلامت «بی عیب»، و سلامت تنها از تو سرچشمه می گیرد و تنها از آن توست و به سوی تو باز می گردد منزّه است پروردگارت پروردگار صاحب عزت از صفاتی که مشرکان برایش بیان می کنند، و سلام بر فرستادگان او و ستایش خدای را است پروردگار جهانیان، سلام و برکات خدا بر تو ای پیامبر!، سلام بر امامان هدایت گر، هدایت یافته، درود و سلام بر همه پیامبران خدا و فرستادگان و فرشتگانش، سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا، سلام بر علی ع امیر اهل ایمان، سلام بر حسن و حسین دو سرور تمام جوانان اهل بهشت، سلام بر علی بن حسین زینت بخش عابدان، سلام بر محمد بن علی شکافنده دانش انبیاء، سلام بر جعفر بن محمد آن امام راستگو، سلام بر موسی بن جعفر آن امام خورنده خشم، سلام بر علی بن موسی آن امام قانع و خشنود، سلام بر محمد بن علی آن امام بخشنده، سلام بر علی بن محمد آن امام هدایتگر، سلام بر حسن بن علی آن پاکیزه دریند، سلام بر حجت بن الحسن آن امام قیام کننده هدایت شده، درود و سلام خدا بر تمام آنان باد. آنگاه هر حاجت که داری از خدا بخواه. شیخ کفعمی فرموده: پس از هر نمازی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 35

می گویی: خشنودم به پروردگاری خدا، و دیانت اسلام، و نبوت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد، و امامت علی، و به حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و یادگار شایسته (حضرت مهدی) درود بر آنان باد، که امامان و سروران و پیشوایانم باشند به آنان دوستی می ورزم و از دشمنانشان بیزاری می جویم پس سه مرتبه بگو: بار خدایا از تو بخشش و تندرستی و آسایش را در دنیا و آخرت خواستارم.

فصل دوم در تعقیبات مخصوص به هر يك از نمازها

به دنبال نماز ظهرچنان که در کتاب مصباح المتهجد آمده، بگو: معبودی جز خدا نیست خدای بزرگ بردبار معبودی جز خدا نیست پروردگار عرش آن پروردگار کریم، ستایش ویژه خدای پروردگار جهانیان است. خدایا از تو می‌خواهم مرا موفق به انجام موجبات رحمت خویش و اسباب آمرزش خویش بگردانی و بهره‌مندی از هر کار نیک و سلامت از هر کار بدی را از تو می‌طلبم. خدایا! بر من گناهی مگذار، جز آنکه بیماری و اندوهی منه جز آنکه از دلم برداری و نه دردی مگر آنکه شفا دهی و نه عیبی مگر آنکه بپوشانی و نه رزقی مگر آنکه گسترده‌سازی و نه ترسی جز اینکه مرا از آن ایمنی دهی و نه پیش‌آمد بدی مگر آنکه آن را برگردانی و نه حاجتی که تو را در آن رضایت و مرا در آن مصلحت است مگر اینکه روا کنی ای مهربان‌ترین مهربانان، دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان. و ده مرتبه می‌گویی: به ریسمان خدا چنگ می‌زنم و بر خدا توکل می‌کنم و به خداوند اعتماد می‌نمایم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 36

بار خدایا اگر گناهانم بزرگ است تو بزرگتری، و اگر کوتاهی در بندگی‌ام بزرگ است تو بزرگتری و اگر همواره بخل می‌ورزم تو بخشنده‌تری. خدایا بزرگی گناهانم را به بزرگی گذشتت، و بسیاری کوتاهی‌ام را به بزرگواری آشکارت بیماری و بخل مرا با جود سرشارت ریشه کن نما. بار الها! هر نعمتی که در دست ماست از سوی توست، معبودی جز تو نیست، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می‌گردم.

تعقیب نماز عصر به نقل از مصباح المتهجد

از خدایی که معبودی جز او نیست آن زنده پاینده و بخشنده مهربان، آن خداوند دارای عظمت و بزرگواری آمرزش می‌جویم، و از او می‌خواهم که توبه‌ام را بپذیرد، توبه بنده خوار، فروتن، بینوا پریشان زمین‌گیر و پناهنده‌ای که سود و زیان و مزگ و زندگی و رستاخیز خویش را در اختیار ندارد. سپس می‌گویی:

خدایا به تو پناه می‌آورم از نفسی که سیر نمی‌شود و از دلی که بیم بر نمی‌دارد و از دانشی که سود نمی‌بخشد، و از نمازی که اوج نمی‌گیرد و از دعایی که مستجاب نمی‌شود. خدایا! آسانی پس از سختی و گشایش پس از گرفتاری و آسایش پس از مشقت را از تو خواستارم. خدایا هر آن نعمتی که در دست ماست از جانب توست، معبودی جز تو نیست از تو بخشش گناهانم را می‌خواهم و به سوی تو باز می‌گردم.

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده: هرکه پس از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار کند، حق تعالی هفتصد گناه او را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 37

پیامرزد، و از حضرت امام جواد علیه السلام روایت شده: «کسی که پس از نماز عصر ده مرتبه سوره قدر را بخواند، در آن روز، همانند اعمال خلائق بر او بگذرد. و خواندن دعای «عشرات» در هر صبح و شام مستحب است و بهترین زمان برای خوان آن بعد از نماز عصر روز جمعه است. این دعا بعد از ذکر خواهد شد. [صفحه 116]

تعقیب نماز مغرب به نقل از کتاب مصباح المتعبد

همانا خدا و فرشتگانش بر 1 پیامبر ص درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام خاص خویش را نثار وی کنید. خدایا بر محمد پیامبر و فرزندان او و خاندانش درود فرست. به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است و هیچ نیز و توان نیست جز آنکه به خدای بلندمرتبه بزرگ وابسته است. سپاس خدای را که هرچه بخواهد می کند و جز او نتواند هرچه بخواهد انجام دهد پاک و منزهی تو، معبودی جز تو نیست، همه و همه گناهانم را پیامرز زیرا به راستی همه و همه گناهانم را جز تو کسی نمی آمرزد

سپس نافله مغرب را به جا می آوری که دو نماز دو رکعتی است و بین آن دو نماز سخن مگو. شیخ فرموده: روایت شده: که در رکعت اول سوره «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت دوم سوره «قل هو الله احد» خوانده شود و در دو رکعت دیگر هر سوره‌ای را که بخواهد. و روایت شده که حضرت امام هادی علیه السلام در رکعت سوم (از آن چهار رکعت نماز نافله) سوره «حمد» و آیات اول سوره «حدید» تا «و هو علیم بذات الصدور» و در رکعت چهارم «حمد» و آیات آخر سوره «حشر» «لو انزلنا هذ القرآن» تا پایان سوره را قرائت می کردند. و مستحب است در سجده آخر نافله‌ها در هر شب و به ویژه در شب جمعه، هفت مرتبه خوانده شود:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 38

خدایا از تو می خواهم به نگاه بزرگوارانه‌ات و نام بزرگ و فرمانروایی دیرینه‌ات که بر محمد و خاندان او درود فرستی و پیامرزی گناه بزرگ مرا، چه گناه بزرگ را جز آموزگاری بزرگ نمی آمرزد و چون از نافله فارغ شدی هرچه می خواهی تعقیب

بخوان، سپس ده مرتبه بگو: آنچه خدا بخواد خواهد شد. هیچ نیرویی نیست مگر سرچشمه یافته از خدا، از خدا آمرزش میطلبم آنگاه بگو: خدایا! از تو موجبات رحمت و اسباب آمرزش حتمیات، و رهایی از آتش دوزخ و از هر بلا و کامیابی به بهشت و خوشنودی تو در خانه امن آن جهان و همسایگی پیامبرت محمد (درود بر او و خاندانش) را خواستارم. خدایا هر نعمتی که بدست ماست از جانب توست، جز تو شایسته پرستش نیست، از تو آمرزش میجویم و به سوی تو می‌پویم و بین نماز مغرب و عشاء نماز «غفیله» را می‌خوانی که دو رکعت است. رکعت اول بعد از «حمد» می‌خوانی: و همراه ماهی (یونس) را یاد کن آن‌گاه که خشمناک [از میان قوم خود بیرون] رفت، سپس گمان کرد که بر او تنگ نگیریم، پس در میان تاریکیها ندا داد که شایسته پرستشی جز تو نیست، پاك و منزهی به راستی من از ستمکاران بودم، پس دعایش را مستجاب نمودم و او را از غم رهانیدم، و این چنین اهل ایمان را رهایی بخشیم. و کلیدهای غیب نزد اوست آنها را کسی جز او نمی‌داند، و بر آنچه در خشکی و دریاست آگاه است، و هیچ برگی فرو نمی‌افتد جز آنکه به آن آگاهی دارد و هیچ دانه‌ای در دل تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی [در هر کجای عالم] فرو نیفتد جز آنکه در لوح محفوظ ثبت است پس دستها را به حالت قنوت بلند می‌کنی و می‌گویی: خدا به حق کلیدهای غیب که کسی جز تو از آنها آگاه نیست از تو می‌خواهم بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 39

محمد و خاندان او درود فرستی و با من چنین و چنان کنی. و به جای «ان تفعل بی کذا و کذا» حاجت خویش را بیان می‌کنی و سپس می‌گویی: خدایا! تو ولی نعمت من هستی و بر انجام خواسته من توانایی، حاجتم را می‌دانی، پس به حق محمد و خاندان او (درود بر او و ایشان) از تو می‌خواهم که حاجتم را روا سازی

و حاجت خود را می‌طلبی، زیرا روایت شده: هرکه این نماز را بخواند و حاجت خود را بخواد، آنچه را طلب نماید حق تعالی به او عطا فرماید.

تعقیب نماز عشاء به نقل از کتاب مصباح المتعجد

خدایا من نمی‌دانم روزی‌ام در کجاست، و آن را تنها بر پایه گمانهایی که بر خاطر من گذرد می‌جویم، و از این رو در جستجوی آن شهرها را زیر پا می‌گذارم، پس در آنچه که خواهان آنم همچون حیرت‌زدگانم، نمی‌دانم آیا در دشت است یا

در کوه؟ در زمین است یا در آسمان؟ در خشکی است یا در دریا؟ نمی دانم به دست کیست؟ و از جانب چه کسی است؟ ولی به یقین می دانم که دانش آن نزد تو و اسباب آن به دست توست و تویی که آن را با لطف خویش تقسیم می کنی و با رحمت خود برای آن سبب فراهم می سازی، خدایا، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و بارپروردگارا، روزی خود را بر من گسترده ساز و به دست آوردنش را برآیم آسان نما و جای دریافتش را نزدیک قرار ده و با طلب آنچه برآیم در آن روزی مقدر نکرده ای به زحمت میفکن، چه تو از آزدن من بی نیازی و من به رحمت نیازمندم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست، و با لطف و فضل خویش بر بندهات کرم نما، تو صاحب بخشش بزرگ هستی.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 40

مؤلف گوید: این دعا از دعاهای طلب روزی است و نیز مستحب است در تعقیبات نماز عشاء هفت مرتبه سوره. قدر خوانده شود و نیز در نماز «ویتره» که دو رکعت نافله نشسته بعد از نماز عشاءست، صد آیه از قرآن خوانده شود و مستحب است نمازگزار به جای صد آیه، سوره «اذا وقعت الواقعة» را در یک رکعت و سوره «قل هو الله» را در رکعت دیگر بخواند.

تعقیب نماز صبح به نقل از کتاب مصباح المتهجد

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به آن حقیقتی که در آن اختلاف شده، به اذن خود راهنمایی کن، تو هرکه را بخواهی به راه راست هدایت می کنی. و ده مرتبه می گوئی خدایا برترین درودهایت را بر محمد و خاندان آن جانشینان خشنود و پسندیده نثار کن، و برترین برکات خود را بر آنان سرازیر کن و سلام بر ایشان و بر ارواح و بدنهای پاکشان باد و رحمت و برکات خدا بر آنان باد خواندن این صلوات همچنین در عصرهای جمعه بافضیلت بسیار وارد شده: خدایا زنده بدار مرا بر آن دینی که علی بن ابی طالب را بر آن زنده داشتی، و بمیران مرا بر آن آیینی که علی بن ابی طالب (درود بر او) بر آن از دنیا رفت.

و صد مرتبه بگو: از خدا آمرزش می خواهم و به سوی او بازمی گردم از خدا سلامت کامل می طلبم و صد مرتبه:

پناه می برم به خدا از آتش دوزخ. و صد مرتبه: از او بهشت می خواهم. و صد مرتبه: از خدا حور العین می طلبم.

معبودی جز خدا نیست آن فرمانده و حقیقت آشکار هستی و صد مرتبه سوره «توحید» و صد مرتبه: درود خدا بر محمد و خاندان محمد باد و صد مرتبه: پاك و منزّه است خدا و سپاس ویژه خداست و معبودی جز خدای یکتا نیست و خدا از هر وصفی برتر است و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 41

هیچ قدرت و نیروی نیست جز آنکه به خدای بلندمرتبه با عظمت وابسته است. و صد مرتبه: آنچه خدا بخواهد می شود، هیچ نیرو و قوتی نیست جز آنکه به خدای بلندمرتبه با عظمت وابسته است. آنگاه بگو: خدایا صبح کردم درحالی که پناه آورده‌ام به پناهگاه بلند و استوار تو پناهگاهی که در معرض دستبرد و دگرگونی قرار نمی گیرد از شر هر بیدادگر و هر شبگرد رهن از هر که و هرچه آفریدی، از آفریدگان خاموش و گویایت، در حفاظتی مصون از گزند هرچیز هراسناکی، همراه با لباسی ساخته از محبت خاندان پیامبرت، و در پوششی استوار از هرکه قصد آزار مرا دارد در پس دیوار محکمی فراهم آمده، از اخلاص در اعتراف به حق اهل بیت و تمسك به رشته ولایتشان با یقین به اینکه حق از آن ایشان و با ایشان و در ایشان و پابرجا به وجود آن بزرگواران است. دوست دارم کسانی که آنها دوست دارند و برکنارم از آنان که ایشان دوری می گرفتند، خدایا پس به حقشان مرا از گزند هرچه که از آن پروا دارم پناه ده، ای بزرگ، از خود دور ساختم دشمنان را به یاری پدید آورنده آسمانها و زمین، همانطور که قرآن می فرماید: در برابر و پشت سرشان سدی قرار دادیم پس دیدگان آنها را پوشاندیم، از این رو هرگز نمی بینند.

و این دعایی است که هر صبح و شام خوانده می شود. و نیز دعایی است که امیر المؤمنین علیه السلام شب هجرت پیامبر صلی الله و علیه و آله وقتی در جای آن حضرت خوابید خواند. و در کتاب «تهدیب» روایت شده: هرکس بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید:

پاك و منزّه است خدای بزرگ و سپاس از آن اوست و هیچ نیرو و توانی نیست جز آنکه به خدای بلندمرتبه با عظمت وابسته است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 42

خداوند او را از کوری و دیوانگی و جذام و فقر و ماندن زیر آوار و تباهی عقل به هنگام پیری در امان قرار میدهد. و شیخ کلینی از امام صادق علیه السلام روایت کرده: هرکس پس از نماز صبح و نماز مغرب هفت مرتبه بگوید:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، هیچ نیرو و توانی نیست مگر آنکه به خدای بلندمرتبه و باعظمت وابسته است. خدا (تبارک و تعالی) هفتاد نوع از انواع بلاها را که آسان‌ترین آنها ریح (بیماری ورم معده) و پیسی (نوعی بیماری پوستی) و دیوانگی است از او برطرف سازد، و اگر شقی باشد نامش از دفتر اشقیاء محو و در دیوان سعادت‌مندان ثبت شود. و نیز از آن حضرت نقل کرده که برای امور دنیا و آخرت و رفع درد چشم، پس از نماز صبح و مغرب این دعا را بخوانند:

خدایا! به حق محمد و خاندان محمد بر تو، درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و قرار بده در دیده‌ام نور و در دینم بصیرت و در قلبم یقین و در عملم اخلاص، و در جانم سلامت و در روزم فراوانی و سپاس جاودان خویش را مادام که زنده‌ام نصیبم ساز.

شیخ ابن فهد در کتاب «عده الدّاعی» از امام رضا علیه السّلام روایت کرده: هرکس پس از نماز صبح این کلمات را ادا کند حاجتی نخواهد مگر آنکه برایش فراهم شود، و خداوند آنچه برای او اهمیت دارد برایش آماده سازد، و آن کلمات این است:

به نام خدا، درود خدا بر محمد و خاندانش، کارهایم را تنها به خدا واگذار می‌کنم چه خدا به حال بندگان خویش آگاه است (غافر آیه 45) پس خدا او را از نیرنگ آنها نگاه داشت، معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی، همانا من از ستمکاران بودم، پس به درخواست او (یونس) پاسخ گفتم و او را از غم رهانیدم و بدینسان مؤمنان را رهایی می‌بخشیم [انبیاء: 8] خدا ما را بس است و نیکو و کیلی است پس همراه با نعمت و فضل خدا و درحالی که هیچ آسیبی به آنها نرسیده بود بازگشتند: آنچه خدا بخواهد همان می‌شود، هیچ نیرو و توانی نیست جز آنکه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 43

به خدا متکی است. آنچه خدا بخواهد آن می‌شود نه آنچه مردمان بخواهند، آنچه خدا بخواهد خواهد شد گرچه مردمان خوش ندارند، پروردگار از یاری پروردگان، آفریدگار از کمک آفریده‌ها، روزی‌دهنده از لطف روزی‌خواران، خدای - یکتا پروردگار جهانیان کفایت می‌کند، مرا بس است آن که به حقیقت مرا بس است، مرا بس است آن که همواره مرا بس است، مرا بس است آن که همواره از آنگاه که بوده‌ام مرا بس بوده است، مرا بس است خدایی که معبودی جز او نیست، بر او توکل نمودم، و اوست پروردگار عرش بزرگ. مؤلف گوید: شیخ ما ثقة الاسلام نوری (نور الله مرقد) در کتاب دار السلام از شیخ خود مرحوم خلد مقام عالم ربانی، جناب حاج ملا فتحعلی سلطان‌آبادی نقل فرموده: که فاضل مقدس آخوند ملا محمد صادق عراقی در نهایت سختی و پریشانی و بدحالی بود و به هیچ‌وجه در کارش گشایشی فراهم نمی‌آمد تا

آنکه شبی در خواب دید که در يك وادی خیمه بزرگی با گنبدی برپاست، پرسید این خیمه از کیست؟ گفتند: از کهف حصین (دژ محکم) و غیاث مضطر مستکین [یارِ یگر بیچاره درمانده] امام قائم حضرت مهدی و امام منتظر مرضی عجل الله فرجه می باشد. پس باشتاب خدمت آن حضرت شرفیاب شد و سختی حال خود را به آن جناب عرضه داشت و از آن بزرگوار دعایی برای گشایش کار و رفع اندوه خویش خواست، امام عصر او را به سیّدی از اولاد خود ارجاع نمود و به او و خیمه اش اشاره فرمود. آخوند از خدمت حضرت مرخص شده و به خیمه ای که حضرت به آن اشاره فرموده بود رفت، دید که سیّد سند و خبر معتمد [دانشمند مورد اطمینان] عالم امجد مؤید، جناب آقا سید محمد سلطان آبادی است که در آن خیمه روی سجاده نشسته مشغول دعا و قرائت است. آخوند به محضر سیّد سلام کرد و حکایت حال خود را برای او بازگفت. سیّد او را برای گشایش کار و فراخی روزی دعایی تعلیم کرد. پس از بیدار شدن از خواب درحالی که آن دعا در خاطر او بود قصد خانه سیّد کرد با آنکه آخوند پیش از این خواب با سیّد به دلیلی که بیان نمی کرد رابطه خوبی نداشت و او را ترك گفته بود، چون به خدمت سید رسید او را به همان صورت که در خواب دیده بود مشاهده کرد که در مصالایش نشسته مشغول ذکر و استغفار است، به سیّد سلام کرد، سیّد جواب سلامش را داد و لبخندی زد، چنان که گویا از داستان آگاه باشد! پس آخوند از سیّد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 44

برای گشایش امر خدا دعایی خواست. سیّد همان دعایی را که در خواب به او آموخته بود تعلیم کرد، آخوند مشغول به آن دعا شد و در اندک مدتی دنیا از هرسو به او روی آورد و از سختی و تنگدستی بیرون آمد. مرحوم حاج ملا فتحعلی رحمه الله از سیّد به مدح شایسته ای تعریف می کرد و چندی به زیارتش نایل شده و زمانی چندهم شاگردی او را نموده بود.

سیّد در خواب و بیداری به آخوند سه چیز را تعلیم نموده بود اوّل: آنکه پس از فجر دست بر سینه گذارد و هفتاد مرتبه یا فتّاح [ای گشاینده مشکلات] گوید. دوّم: آنکه به خواندن این دعا که در کتاب کافی است مداومت نماید.

دعایی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به فردی از صحابه خویش که به ناخوشی و پریشانی مبتلا بود تعلیم داد و از برکت خواندن این دعا ناخوشی و پریشانی در اندک زمانی از او برطرف گشت:

هیچ نیرو و توانی نیست مگر آنکه به خدا متکی است، توکل دارم بر زنده جاودانی که هرگز نمی میرد و سپاس خدای را که فرزندی نگرفته، و او را در فرمانروایی انبازی نیست و نیست برای او سرپرستی از خوار و ناتوانی، و او را آنچنان که شاید

بزرگ شمار. سَوَم: آنکه به دنبال نمازهای صبح دعایی را که از شیخ بزرگوار ابن فهد روایت شده، بخواند. این اورد و اذکار را باید غنیمت شمرد و به خواندن آنها اهتمام داشت و از فوائدش غفلت نکرد. و بدان که سجده شکر بعد از نمازها مستحب مؤکد است و دعاها و اذکار بسیاری در آن حال وارد شده است، از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده که اگر خواهی در سجده شکر صد مرتبه «شکرا شکرا» بگو و اگر خواهی صدر مرتبه «عفو عفو» و نیز از آنحضرت نقل شده: کمترین ذکر که در این سجده گویند آن است که سه مرتبه بگویند: «شکرا لله» و نیز آگاه باش که برای هنگام طلوع آفتاب و غروب آن، دعاها و اذکار بسیاری از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين عليهم السّلام روایت شده، و نیز تشویق و ترغیب بی شمار بر محافظت این دو زمان چه در آیات و چه در اخبار وارد شده. و ما در این مختصر به ذکر چند دعای معتبر اکتفا می کنیم: اول: مشایخ حدیث به سندهای معتبر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده اند که بر هر مسلمان واجب و لازم است که این دعا را ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب آن بخواند:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 45

دعاهای وقت طلوع و غروب

شایسته پرستشی جز خدای یکتا نیست، یگانه است و انبازی ندارد، فرمانروایی هستی و ستایش تنها زینده اوست. زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می نماید، و فردی زنده ای است که هرگز نمی میرد، نیکی تنها به دست اوست، و او بر هر چیزی تواناست.

و در بعضی از روایات آمده: که اگر این دعا ترك شد لازم است قضا شود. دوم: در روایات معتبر همچنان از آن حضرت وارد شده:

که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو: پناه می برم به خدای شنوای دنا از وسوسه های پنهانی شیاطین، پناه می برم به خدا از اینکه شیاطین برگردم جمع شوند، همانا تنها خدا شنوا و داناست. سوم: از آن حضرت روایت شده:

چه چیز شما را باز می دارد از اینکه در هر صبح و شام این دعا را سه مرتبه بخوانید: خدایا ای دگرگون کننده دلها و دیده ها، دلم را بر دینت ثابت بدار و آن را پس از اینکه به راهم آوردی گمراه مساز و از نزد خود بر من رحمتی ببخش زیرا تویی که

بسیار بخشنده‌ای و به رحمت از آتش پناهم ده. خدایا بر عمرم بیفز، و در روزیم وسعت عنایت کن، و رحمت را بر من بگستران، و اگر نزد تو در کتاب تقدیر و سرنوشت بد فرجام هستم مرا نیکبخت گردان چرا که تو آنچه را بخواهی محو و آنچه را بخواهی ثبت می‌نمایی و کتاب تقدیر و سرنوشت در اختیار توست. چهارم: از آن حضرت روایت شده: که این دعا را هر صبح و هر شام بخوان: ستایش خدای را که آنچه خواهد انجام دهد، و غیر او آنچه را خواهد نمی‌تواند انجام دهد، ستایش خدای را چنان که می‌پسندد ستوده شود، ستایش خدای را چنان که شایسته آن است، بار خدایا! مرا در هر خیری که محمد و خاندان محمد را در آن وارد نمودی وارد نما، و مرا از هر شری

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 46

دعاهای ایام هفته که محمد و خاندان محمد را از آن خارج نمودی خارج نما، درود خدا بر محمد و خاندان محمد.
پنجم: در هر صبح و شام ده مرتبه بگو: پاک و منزّه است خدا و ستایش تنها از آن خداست و شایسته پرستش جز خدای یکتا نیست و خدا از هر وصفی برتر است.

و از جمله دعاهای مخصوص این دو وقت دعای عشرات است که خواهد آمد [صفحه 116]

فصل سوم در دعاهای ایام هفته

نقل از محلات صحیفه سجّادیه

دعای روز شنبه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است به نام خدا که کلمه پناه‌جویان و گفتار پرهیزگاران است و پناه می‌برم به خدای بلندمرتبه از ستم ستمگران و نیزنگ حسودان و سرکشی ظالمان و او را می‌ستایم ستایشی برتر از ستایش ستایشگران، خدایا! تویی یگانه بی‌انبار، و پادشاه علی‌الاطلاق، در فرمانرواییات مخالفت نشوی، و در پادشاهی‌ات هم‌اوردی نداری، از تو می‌خواهم که بر بنده و فرستاده‌ات محمد درود فرستی، و سپاس نعمت‌هایت را چنان قسمت من کن که مرا به کمال خشنودیت نایل گرداند و به برکت عنایت خویش بر طاعت و مداومت عبادت خود و شایستگی

پاداشت یاری نمایی و تا زنده‌ام به بازداشتن از گناهانت بر من مهر ورزی و تا پایان عمر بر انجام آنچه بهره‌ام رساند توفیقم دهی، و به کتاب خود (قرآن) برای پذیرش حق، سینه‌ام را فراخ گردانی و بار گناهانم را با تلاوتش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 47

از نامه اعمالم فرو ریزی و در دین و جانم به من سلامت بخشی و کسانی که به آنها انس گرفته‌ام از من وحشت زده نکنی و در باقیمانده عمر احسانت را بر من تمام نمایی چنان که در گذشته عمرم بر من احسان نمودی. ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای روز یکشنبه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است به نام خدایی که جز به فضل و بخشش او امید نیستم، و جز از عدالت او نهراسم، و جز به سخن او اعتماد نمی‌کنم، و جز به ریسمانش چنگ نزیم، تنها به تو پناه می‌آورم ای خدای بخشایشگر مهربان از ستم و دشمنی، و مصائب روزگار و اندوههای پیاپی و پیش‌آمدهای ناگوار دوران و از گذشت عمر پیش از مهیا شدن و توشه برداشتن و تنها از تو راهنمایی می‌جویم به سوی آنچه خیر و صلاح من در آن است و فقط از تو یاری می‌خواهم در آنچه پیروزی و رستگاری با آن همراه است، و در پوشیدن لباس عافیت و کمال آن و فراگیری سلامتی و دوام آن تنها به تو دل می‌بندم و به تو پناه می‌آورم ای پروردگار من از وسوسه‌های شیاطین و به یاری سلطنت تو دوری می‌جویم از ستم پادشاهان، پس آنچه از نماز و روزه‌ام صورت گرفته پذیرا باش و فردا و روزهای پس از آن مرا بهتر از این ساعت و امروزم قرار ده و مرا در بین خویشاوندان و بستگانم عزیز گردان، و در بیداری و خواب نگهدارم باش، چرا که تویی خدا و بهترین نگهدار و تویی مهربان‌ترین مهربانان. خدایا من در امروزم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 48

و یکشنبه‌های دیگر از شرک و بی‌دینی، به سوی تو بیزاری می‌جویم و دعایم را تنها برای تو خالص می‌کنم تا در معرض اجابت قرار گیرد، و به امید پاداش تو بر طاعتت پایداری می‌کنم، پس درود فرست بر بهترین آفریده‌ات محمد آن که دعوت‌کننده مردم به حقایق تو بود و مرا عزیز گردان با عزت ذلت ناپذیر خود و به دیده بی‌خواب خودت حفظ کن، و کارم را با گسستن از همه خلق و پیوستن به تو و عمرم را با آموزش خویش پایان بخش، همانا تویی بسیار آمرزنده و مهربان.

دعای روز دوشنبه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است ستایش خدای را که هنگام آفرینش آسمانها و زمین احدی را گواه نساخت و به گاه ایجاد جانداران یاوری نگرفت، در پرستش انبازی ندارد، و در یکتایی‌اش پشتیبانی نخواهد، زیانها از بیان حقیقت وصفش درمانده و خردها از ژرفای معرفتش وامانده و گردنکشان در برابر عظمتش فروتن و چهره‌ها از بیم او متواضع گشته و هر بزرگی در برابر بزرگیش تسلیم گشته است. ستایش پیایی و پیوسته و دنباله‌دار و پایدار تنها تورا است، و رحمت همیشگی و درود جاودان و بی‌پایان او بر رسولش باد. بار خدایا! ابتدای امروز را خیر و صلاح، و میانه امروز را رستگاری و پایانش را کامیابی قرار ده و به تو پناه می‌آورم از روزی که آغازش شیون و میانش بی‌تابی، و پایانش دردمندی است، خدایا! از تو آمرزش می‌طلبم برای هر نذری که کردم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 49

و هر وعده‌ای که دادم و هر پیمانی که بستم سپس به آن وفا نکردم و ادای حقوق بندگان را که بر عهده دارم از تو درخواست می‌کنم، پس هر بنده‌ای از بندگان و هر کنیزی از کنیزات که او را نزد من حقی پامال شده باشد که در آن به جان یا آبرو یا مال، یا خانواده‌اش یا فرزندش ستم روا داشته‌ام یا غیبتی از او کرده‌ام یا بر اثر میل خود یا خواهش دل یا تکبر یا غضب یا خودنمایی یا تعصب بر او یاری نهاده‌ام، این بنده یا کنیزت غایب باشد یا حاضر، زنده باشد یا مرده، و دستم کوتاه شده و وسعم نمی‌رسد از پرداخت آن حق یا طلب حالیت از او، از تو می‌خواهم ای کسی که رفع نیازها در اختیار اوست، و آن حاجات در مقابل مشیت او اجابت‌پذیر و به جانب اراده‌اش شتابانند که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و آن بنده را که بر او ستمی کردم هرگونه که خواهی از من راضی گردانی و از جانب خود مرا رحمت عطا نمایی، چه آمرزیدن از تو نکاهد و بخشیدن به تو زیان نرساند، ای مهربان‌ترین مهربانان خدایا! در هر دوشنبه از سوی خویش دو نعمت بر من عطا کن، خوشبختی بندگی‌ات را در آغازش، و نعمت آمرزش را در پایانش، ای آن که تنها او شایسته پرستش است و جز او کسی گناهان را نیامرزد.

دعای روز سه‌شنبه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است ستایش خدا را است و سپاس برازنده او آنچنان که شایسته حضرت اوست، ستایشی سیار و به او پناه می‌برم از شر نفسم چه نفس همانا به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 50

زشتی بسیار فرمان می دهد جز آنکه پروردگارم رحم کند، و به خدا پناه می برم از گزند شیطانی که گناه بر گناه می افزاید، و به قدرت او از هر گردنکش نابکار و پادشاه ستمکار و دشمن قهار، دوری می جویم، خدایا مرا از سپاهیانت قرار ده، چرا که همانا تنها سپاه تو پیروز است، و مرا از حزب خود قرار ده که تنها حزب تو رستگار است و هم از دوستانت قرار ده که بر دوستانت ترسی نیست و اندوهگین نمی شوند، خدایا دینم را برایم سامان ده که آن وسیله در امان بودن و دوری من از گناه است و آخرتم را آباد ساز که آنجا خانه پایدار من و گریزگاهم از همسایگی دون صفتان است و زندگی را برایم زمینه افزونی در هر خیر و مرگم را برایم آرامش از هر گزند قرار ده، بار خدایا بر محمد خاتم پیامبران و کامل کننده شمار رسولان و بر خاندان پاک و پاکیزه او و بر یاران برگزیده اش درود فرست و در روز سه شنبه سه حاجتم را روا کن: گناهی برایم مگذار جز آنکه بیماری و نه اندوهی جز آنکه را برطرف سازی و نه دشمنی جز آنکه دور گردانی، به نام خدا که بهترین نامه است، به نام خدا پروردگار زمین و آسمان، دوری هر ناخوشایندی را که ابتدایش خشم خداست، و نیل به هر محبوبی را که آغازش رضای اوست خواستارم، پس از سوی خود سرانجام را به آمرزش پایان ده ای سرچشمه نیکی.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 51

دعای روز چهارشنبه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است ستایش خدای را که شب را جامه و خواب را مایه آرامش و روز را زمینه تکاپو قرار داده، ستایش تنها تو را سزااست که مرا از خوابگاهم برانگیختی و اگر می خواستی خوابم را جاودان می ساختی، ستایش دائم که هرگز پایان نیابد، و سپاس بیکران که آفریدگان از شمارش آن ناتوانند، خدایا! ستایش تنها شایسته توست که آفریدی و سامان دادی و اندازه مقرر نمودی و فرمان دادی و میراندی و زنده کردی و بیمار نمودی و درمان کردی و بهبودی عنایت فرمودی و فرسوده ساختی و بر عرش هستی استیلا یافتی و بر فرمانروایی جهان چیره گشتی، تو را می خوانم همچون کسی که وسیله اش ناکارا گشته و رشته چاره اش گسسته و اجلش نزدیک شده و آرزویش در دنیا کاستی یافته و سخت بر رحمت تو نیازمند گشته و حیرتش بر اثر کوتاهی فرونی یافته و لغزش و افتادش بسیار گشته و بازگشتش به سوی تو خالص شده است، پس بر محمد خاتم پیامبران و بر خاندان پاکیزه و پاک نهاد او درود فرست، و

شفاعت محمد (دروود خدا بر او و خاندانش باد) را روزیام فرما و از همنشینی با او محروم مساز، همانا تویی مهربانترین مهربانان، خدایا! در چهارشنبه چهار حاجت مرا روا ساز، نیرویم را در طاعت خود و نشاطم را در بندگی خویش، و رغبتم را در پاداشت و بی رغبتیام را در آنچه که موجب عذاب دردناک توست قرار ده، همانا آنچه را بخواهی لطف می فرمایی.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 52

دعای روز پنجشنبه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است سپاس خدای را که شب تاریک را با قدرت خود برد و روز روشن را به رحمتش آورد و لباس پرفروغ آن را درحالی که قرین نعمتش بودم بر تن من کرد، خدایا! همچنان که مرا برای این روز نگاه داشتی برای امثال آن نیز پابرجا بدار و بر پیامبر اسلام محمد و خاندان او درود فرست و مرا در این روز و شبها و روزهای دیگر به فاجعه انجام گناهان مبتلا مساز، خیر این روز و و خیر آنچه در آن است، و خیر بعد از این روز را روزیام گردان و شرّ این روز و شرّ آنچه در آن است و شرّ بعد از آن را از من دور ساز. خدایا! من با گردن نهادن به دین اسلام به سوی تو وسیله می جویم و با حرمت نهادن به قران بر تو اعتماد می کنم، و دوستی محمد، بنده برگزیده است که (دروود خدا بر او و خاندانش باد) نزد تو شفاعت می طلبم، پس بار خدایا پیمانی که روا شدن حاجتم را به آن امید بسته ام به حساب آور، ای مهربانترین مهربانان! بار خدایا در روز پنجشنبه پنج حاجت مرا برطرف نما، که آنها را جز کرم تو گنجایش و جز نعمتهای تو طاقت ندارد: سلامتی که با آن برای انجام طاعتت نیرو گیرم و عبادتی که با آن سزاوار پاداش فراوان تو گردم، و گشایشی در حال، من با روزی حلال و اینکه به من با امن خویش در هنگامه های ترس امنیت دهی، و از هر غم و اندوه کوبنده در دژ استوار خویش پناهم دهی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و چاره جویی ام را بوسیله او شفیع سودمندی برام در روز قیامت قرار ده، به یقین تو مهربانترین مهربانانی.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 53

دعای روز جمعه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است ستایش خدای را که آغاز هستی است پیش از آفرینش و حیات بخشی، و پایان هستی است پس از نابودی هرچیز، دانایی که از یاد مبرد آن را که یادش کند و کم نگذارد از آنکه شکرش را به جای آورد و ناامید نسازد آن را که خواندش و قطع کند امید آن که به او امید بست. بار خدایا! تو را گواه می‌گیرم و تو برای گواهی کافی هستی و گواه می‌گیرم همه فرشتگان و ساکنان آسمانها و نگهبانان عرشت و رسولان و پیامبرانی که برانگیختی، و انواع مخلوقات که آفریدی (همه و همه را گواه می‌گیرم) بر اینکه باور دارم که همانا تویی خدا، شایسته پرستشی جز تو نیست. یگانه‌ای؛ شریکی نداری و بی‌همتایی و تخلف و تبدیلی در گفتارت نیست و اینکه محمد که خدا بر او و خاندان او درود فرستد بنده و فرستاده توست. رسالتی را که بر عهده‌اش نهاده بودی به بندگان ادا کرد و در راه خدا به حق کوشید و به پاداشی که حق است مرده داد و از عذابی که راست است بیم داد، خدایا! تا زنده‌ام مرا بر دین خود ثابت بدار و دلم را پس از آنکه به نور هدایت روشن نمودی گمراه مکن و از نزد خود رحمتی بر من ببخش چرا که، تنها تو بخشاینده‌ای، درود فرست بر محمد و خاندان محمد و مرا از پیروان و شیعیان او قرار ده و در گروه او محشورم گردان، و بر انجام واجبات جمعه‌ها و طاعاتی که در آن بر من لازم نمودی توفیقم ده، و عطایی که در رستاخیز برای اهل جمعه قرار داده‌ای نصیبم گردان، چه همانا تویی قدرتمند حکیم.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 54

فصل چهارم در فضیلت و اعمال شب و روز جمعه

فضیلت و اعمال شب و روز جمعه آگاه باش که شب و روز جمعه از سایر شبها و روزها به صفت بلندی مقام و شرافت و نام‌آوری کاملاً متمایز است.

از رسولان خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: که شب و روز جمعه بیست و چهار ساعت است و حق تعالی در هر ساعت آن ششصد هزار تن را از دورخ آزاد می‌کند. و از امام صادق علیه السلام وارد شده: که هر که ما بین ظهر روز پنجشنبه تا ظهر روز جمعه از دنیا برود، خدا او را از فشار قبر پناه دهد. و نیز از آن حضرت روایت شده که برای جمعه حق و حرمتی بسیار است مبدا حرمت آن را ضایع گردانی و در انجام عبادات حق تعالی و تقرب جستن به خدا با انجام

کارهای شایسته و ترك همه محرمات الهی در آن روز کوتاهی نمایی، زیرا خدا ثواب طاعات را در این روز دو چندان می سازد و گناهان را محو می کند، و درجات اهل ایمان را در دو جهان بلند می گرداند.

شب جمعه در فضیلت مانند روز است، پس اگر می توانی شب جمعه را تا صبح به نماز و دعا زنده بدار، به راستی که خدا در شب جمعه برای اضافه کردن کرامت اهل ایمان، فرشتگان را به آسمان اول می فرستند تا بر حسنات ایشان بیفزایند، و گناهانشان را محو کنند و حق تعالی عطایش گسترده و بسیار کریم است. و نیز در حدیث معتبر از آن حضرت روایت شده: گاهی از اوقات شخص مؤمن برای حاجتی دعا می کند و حق تعالی قضای حاجتش را به تأخیر می اندازد تا در روز جمعه حاجتش را برآورده سازد و به خاطر فضیلت جمعه درخواستش دو چندان برآورده شود. و فرمود: آنگاه که برادران یوسف از حضرت یعقوب علیه السلام درخواست کردند تا برای آمرزش گناهانشان از خدا طلب بخشش نماید، گفت: (سوف استغفر لكم ربی) (یعنی: از پروردگارم برای شما طلب آمرزش خواهم کرد) و این تأخیر به آن سبب ود که این درخواست در سحر شب جمعه واقع گردد تا دعایش اجابت شود.

و نیز از آن حضرت روایت شده: چون شب جمعه فرا رسد، ماهیان دریا سر از آب بیرون آورند، و درندگان صحرا سر برآورند و حق تعالی را ندا کنند که پروردگارا! ما را به سبب گناه آدمیان عذاب مکن! و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده: حضرت حق سبحانه و تعالی فرشته ای را در هر شب جمعه فرمان می دهد که از اول شب تا آخر شب از جانب پروردگار جهانیان از بالای عرش ندا کند: آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح برای هر دو جهانش مرا بخواند، تا من درخواستش را اجابت کنم؟

آیا بنده مأمنی هست که پیش از طلوع صبح از گناهش توبه کند تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا بنده مومنی هست که در روزی او

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 55

تنگ گرفته باشم، و پیش از طلوع صبح از من بخواهد که روزی اش را فزونی بخشم تا به او فراخی در روزی دهم؟ آیا بنده مؤمن بیماری هست که پیش از برآمدن صبح از من بخواهد شفایش دهم تا به او تندرستی ارزانی کنم؟ آیا بنده مؤمن غمگین در بندی هست که پیش از طلوع صبح از من بخواهد او را از بند برهانم و اندوهش را برطرف سازم تا دعایش را اجابت نمایم؟ آیا بنده مؤمن ستم دیده ای هست که پیش از طلوع صبح دفع ستم ستمکار را از من بخواهد تا انتقام او را از ستمکار بگیرم و حقش را به وی بازگردانم فرشته حق این ندا را پیوسته تا طلوع صبح ادامه می دهد! از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده: حق تعالی جمعه را از میان همه روزها انتخاب کرده و روزش را عید نموده و شب آن را در فضیلت همچون روزش گردانیده است، و از جمله فضیلت های روز جمعه آن است که در آن روز هر حاجتی که از خدا درخواست

شود برآورده می‌شود! و چنانچه جماعتی در اثر نافرمانی مستحق عذاب حق شوند چون شب و روز جمعه را دریابند و دعا کنند، خداوند عذاب را از ایشان برمی‌گرداند و نیز امور آینده را خدا در شب جمعه استوار و نهایی می‌گرداند. پس شب جمعه بهترین شبها و روز آن بهترین روزهاست.

و از امام صادق علیه السلام روایت شده: در شب جمعه از گناه دوری کنید که عقوبت گناهان در آن شب دو چندان است، همان‌گونه که پاداش کارهای نیک در آن شب دو برابر است. و هرکه در شب جمعه نافرمانی خدا را ترک گوید خدا گناهان گذشته او را بیامرزد و هرکه در شب جمعه گناهی را آشکار انجام دهد، خدا او را به خاطر گناهان همه عمرش عذاب نماید و جزای گناه انجام گرفته در شب جمعه را بر او دو چندان گرداند. و به سند معتبر از حضرت رضا علیه السلام روایت شده: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند:

روز جمعه سید و بزرگ روزهاست، خدا پاداش نیکیها را در آن روز دو برابر عطا می‌کند و گناهان را محو می‌سازد و درجات اهل ایمان را بالا می‌برد و دعاها را مستجاب نماید و سختیها را آسان و غمها را از دلها می‌زداید؛ و حاجتهای بزرگ را روا کند.

و روز جمعه روزافزونی است چرا که خدا لطف و مهر خویش را بر بندگان افزونی می‌بخشد و گروههای بسیاری را از آتش دوزخ نجات میدهد؛ پس هرکه خدا را در آن روز بخواند و حق و حرمت آن روز را آنچنان که شایسته است بشناسد، به یقین خدا او را از آتش دوزخ رهایی دهد.

پس چنانچه در روز جمعه یا شب آن از دنیا برود پاداش شهیدان را دارد و در قیامت ایمن از عذاب الهی برانگیخته می‌شود؛

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 56

و هرکه حرمت جمعه را آنچنان که شاید نگاه ندارد و حقش را تباه کند، یا این که نماز جمعه به جا نیاورد، یا در آن مرتکب محرمات الهی شود، به یقین خدا او را در آتش دوزخ بسوزاند، مگر آنکه توبه کند. و به سندهای معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت شده:

آفتاب در روزی بهتر از جمعه طلوع نکرده، و هنگامی که پرندگان در روز جمعه به یکدیگر می‌رسند به هم سلام می‌کنند و می‌گویند:

امروز روز بالارزشی است. و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرکه روز جمعه را دریابد، باید به کاری جز عبادت نپردازد، چه در این روز خدا گناه بندگان را می‌آمرزد و رحمت خویش را بر آنان نازل می‌کند. البته فضایل شب و رزو جمعه بیشتر از آن است که در این سطور کوتاه بیان شود.

اعمال شب جمعه

شب جمعه را اعمال بسیاری است که ما در اینجا تنها به ذکر چند عمل بسنده می‌کنیم. اول: بسیار گفتن «سبحان الله، و الله اکبر، و لا اله الا الله» و زیاد صلوات فرستادن، روایت شده: جمعه، شبش تابناک و روزش بس روشن است، پس ذکر «سبحان الله، و الله اکبر، و لا اله الا الله» بگوئید و بر محمد و آل محمد بسیار صلوات فرستید و در روایت دیگر آمده:

که کمترین صلوات در این شب، صد مرتبه است، و هرچه بیشتر باشد بهتر است. و از امام صادق علیه السلام روایت شده: صلوات بر محمد و آل محمد در شب جمعه با هزار کار نیک برابر است و هزار گناه را پاک می‌کند و مقام انسان را هزار درجه بالا می‌برد و مستحب است که پس از نماز عصر پنجشنبه تا آخر روز جمعه بر محمد و آل محمد بسیار صلوات فرستند. و با سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هنگام عصر روز پنجشنبه فرشتگان از آسمان با قلمهای طلا و صحیفه‌های نقره فرود می‌آیند و در عصر پنجشنبه و شب و روز جمعه تا هنگام غروب خورشید جز صلوات بر محمد و خاندان آن حضرت چیزی ننویسند. و شیخ طوسی فرموده:

در روز پنجشنبه مستحب است فرستادن هزار صلوات بر محمد و آل محمد.

و در آن بگوید:

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل نما، و دشمنانشان را از جن و انس

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 57

از اولین و آخرین نابود فرما. و گفتن این صلوات صد مرتبه از بعد از عصر پنجشنبه تا آخر روز جمعه فضیلت بسیار دارد. و نیز شیخ فرموده: مستحب است در آخر روز پنجشنبه به این صورت استغفار کنند:

طلب آموزش می‌نمایم از خدایی که نیست معبودی جز او، زنده و پایدار است، و توبه می‌نمایم به سوی او توبه بنده فروتن بی‌چیز که فقیر و عاجز ناتوان است برای نفس خود و نه دفاعی و نه سودی و نه زیانی و نه زندگی و نه مرگی و نه رستاخیزی و درود خدا بر محمد و خاندان او، پاک و پاکیزگان، از برگزیدگان و نیکان، و درود فراوان فرست.

دوم: آنکه در شب جمعه این سوره‌ها را بخواند که از برای هر يك فوائد و ثواب بسیار روایت شده: بنی اسرائیل [اسراء] كهف، سه طس [شعراء و نمل و قصص] سجده، یسی، ص، احقاف، واقعه، حم سجده، حم دخان، طور، اقتربت، جمعه و اگر فرصت نشد همه را تلاوت کند، واقعه و سوره‌های قبل از آن را انتخاب کند، زیرا از امام صادق علیه السلام روایت شده هرکه در هر شب جمعه سوره «اسراء» را بخواند، نمی‌میرد تا خدمت حضرت قائم (عج) رسد و از اصحاب آن حضرت گردد و هرکه در هر شب جمعه سوره «كهف» را بخواند، نمی‌میرد مگر شهید و خداوند او را در قیامت با شهیدان محشور می‌کند و در قیامت همراه ایشان نگاهش می‌دارد و هرکه در شب جمعه سوره‌های شعراء و نمل و قصص را تلاوت کند، از دوستان خدا گشته و در امان و حمایت حق تعالی قرار می‌گیرد و نیز در دنیا دچار فقر و تنگدستی نمی‌شود و خدا در آن جهان چندان از بهشت به او عطا کند که خشنود شود و بلکه افزون بر خشنودی‌اش بر او کرامت نماید، و صد زن زیبا چشم از زنان دلربای بهشت را به همسری او در آورد و هرکه در شب جمعه سوره سجده را بخواند خدا در قیامت نامه اعمالش را به دست راست او دهد و در حسابرسی اعمال بر او آسان گیرد.

و از دوستان محمد و خاندان او باشد. و به سند معتبر از امام باقر علیه السلام روایت شده: هرکس هر شب جمعه سوره «ص» را قرائت کند، از خیر این جهان و جهان دیگر آن اندازه به او ببخشند که جز به پیامبری مرسل یا فرشته‌ای مقرب نبخشیده و او را با هرکس از اهل خانه‌اش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 58

که بخواهد وارد بهشت کند، حتی خدمتکاری که به او خدمت کرده باشد، هرچند از خانواده او به حساب نیاید و در حد شفاعت او نباشد.

و از امام صادق علیه السلام روایت شده: هرکه در شب جمعه یا روز جمعه سوره «احقاف» را بخواند، در دنیا دچار بیم و هراس نشود و در روز قیامت از وحشت و ترس در امان باشد، و هرکه در شب جمعه سوره واقعه را بخواند، خدا او را دوستش بدارد و او را محبوب تمام مردم کند، و در دنیا دچار بدحالی و تنگدستی نشود و آفتی از آفات دنیا به او نرسد، و از دوستان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باشد و این سوره مخصوص امیر المؤمنین علیه السلام است. و روایت شده: هرکه سوره «جمعه» را در هر شب جمعه تلاوت کند کفاره اعمال او از این جمعه تا جمعه دیگر خواهد بود. و نیز همین

فضیلت برای کسی که در هر شب جمعه و بعد از ظهر و عصر جمعه سوره «کهف» را بخواند وارد شده است. و آگاه باش که برای شب جمعه نمازهای بسیاری وارد شده. اول: نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دوم: دو رکعت نماز که در هر رکعت، «حمد» و پانزده مرتبه سوره «زلزال» در روایت است: هرکه این نماز را بجا آورد، خدا او را از عذاب قبر و هول و هراس قیامت ایمن کند. سوم: آنکه در شب جمعه در رکعت اول نماز مغرب و رکعت اول نماز عشاء سوره «جمعه» و در رکعت دوم نماز مغرب سوره «توحید» و در رکعت دوم عشاء سوره «اعلی» را بخواند. چهارم: خواند شعر را در شب جمعه ترک کند؛ زیرا در حدیث صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده: برای شخص روزه دار و شخص محرم و نیز در حرم خدا و در روز جمعه و در شب آن روایت کردن شعر مکروه است. راوی به حضرت عرض کرد: هرچند معنای آن شعر مطلب حقی باشد، فرمود: هرچند شعر به حق باشد.

و در حدیث معتبر از امام صادق علیه السلام روایت شده: رسول خدا فرمود: هرکه در شب یا روز جمعه يك شعر بخواند، در آن شب و روز بهره‌ای از ثواب به غیر آن نداشته باشد. و براساس روایت معتبر دیگر، در آن شب و روز نمازش مورد قبول واقع نشود [از آنجاکه شعر و خواندن آن مورد علاقه مردوزن، پیرو جوان، عالم و عامی و خلاصه تمام مردم است، شاید اصرار روایات بر ترك خواند شعر در شب و روز جمعه به خاطر این باشد که اهل ایمان از قرائت قرآن و دعا و مستحبات شب و روز جمعه باز نمانند و ثوابهای عظیم و بهره‌های وافر الهی را از دست ندهند. مترجم]

پنجم: در حق مؤمنین بسیار دعا کند، چنان که حضرت زهرا علیها السلام بسیار دعا می کرد و روایت شده اگر برای ده نفر از برادران مؤمن که از دنیا رفته باشند طلب آمرزش کند بهشت برای او واجب می شود. ششم: دعا‌های مخصوص شب جمعه را بخواند که آن دعاها بسیار است و ما به ذکر برخی از آنها بسنده می کنیم:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 59

به سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده: هرکس در شب جمعه در سجده آخر نافله شب این دعا را هفت بار، بخواند، هنگامی که از آن فارغ شود، آمرزیده شده باشد.

و اگر در هر شب این دعا را در سجده آخر نافله شب بخواند، بهتر است.

و آن دعا این است:

خدایا! از تو می‌خواهم به عنایت کریمانه و نام بزرگت که درود فرستی بر محمد و خاندان محمد و از گناهانم بزرگم درگذری. و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکس در شب یا روز جمعه این دعا را، هفت بار بخواند، اگر در آن شب یا در آن روز از دنیا برود وارد بهشت می‌شود و آن دعا این است:

خدایا! تویی پروردگار من، شایسته پرستشی جز تو نیست، تو مرا آفریدی و من بنده تو و فرزند کنیز تو و در دست قدرت توام و زمام زندگی‌ام به دست توست، تا توانستم بر عهد و پیمان روز را به شب آوردم. از شر آنچه انجام دادم به خوشبینی و خشنودی تو پناه می‌آورم، به نعمت اعتراف و به گناهانم اقرار می‌نمایم پس گناهانم را بیامرز، زیرا گناهان را جز تو نمی‌آمرزد. شیخ طوسی و سید کفعمی و سید ابن باقی رحمهم الله فرموده‌اند: در شب و روز جمعه و شب و روز عرفة مستحب است دعای اللهم من تعبّا ... خوانده شود، ما آن را از کتاب «مصباح شیخ» نقل می‌کنیم و آن دعا این است:

خدایا! هرکس به امید کمک و طلب عطا و جود و جایزه مخلوقی مجهّز و مهیّا و آماده دیدار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 60

او شود، تنها به سوی توست ای پروردگار من استعداد و آمادگی من به امید عفو و درخواست و جایزه‌است، پس مرا از خواسته‌ام ناامید مساز، ای آن که پرسنده‌ای از او محروم نگردد و بخشیده‌ای از او نکاهد من به پشتوانه عمل شایسته‌ای که انجام داده باشم، و یا به امید آفریده‌ای که به او دل بسته باشم به پیشگاهت نیامده‌ام، به درگاهت آمده‌ام با با اعتراف بر نفس خویش به بدکاری دستم و با اعتراف به اینکه هیچ دلیل و نه عذری بر بدکاری‌ام نیست، گذشت فراگیری را که بر آن از خطاکاران درمی‌گذری امیدوارم، پس پافشاری بر جرم بزرگشان از اینکه بر آنان دوباره مهرورزی تو را بازداشت، پس ای آن که رحمتش فراگیر و گذشتش بس بزرگ است ای بزرگ، ای بزرگ، جز بردباری‌ات خشم تو را برنگرداند و جز زاری به پیشگاهت از ناخشنودی‌ات رهایی نبخشد، پس خدایا! با نیرویی که با آن سرزمینهای مرده را زنده می‌کنی برایم گشایشی بخش و از اندوه هلاکم مکن تا آنکه دعایم را مستجاب نمایی و مرا به اجابت دعایم آگاه سازی و شیرینی سلامت و تندرستی را تا پایان عمر به من بچشان و مرا در معرض سرزنش دشمن قرار مده و او را بر من چیره مساز و بر گردنم مسلط مکن خدایا! اگر تو مرا حقیر و پست بداری، پس چه کسی بلندم گرداند و اگر تو مرا بلند گردانی، پس کیست آن که مرا خوار کند و اگر هلاکم کنی، پس کیست آن که دوباره بنده‌ات در برابر تو خود نماید؟

یا از کار او از تو پرس و جو کند؟ با آنکه به یقین می‌دانم که نه در حکم تو ستمی است و نه در انتقامت شتابی، چه تنها کسی در انتقام شتاب می‌کند که از دست دادن فرصت را می‌هراسد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 61

و فقط کسی محتاج ستمگری است که ناتوان است، و حال آنکه تو ای خدای من! از این امور بسیار برتری. بار خدایا به تو پناه می‌آورم، پس پناهم ده و از تو امان می‌جویم پس امانم ده و از تورو می‌طلبم پس روزی‌ام ده و اعتماد می‌کنم بر تو، پس تو خود مرا کافی باش، و برای غلبه بر دشمنم از تو یاری می‌خواهم پس یاری‌ام ده، و از تو مدد می‌جویم پس مرا مدد فرما، ای خدای من! دعایم را بپذیر. بپذیر. بپذیر.

هفتم: دعای «کمیل» را بخواند که در فصل بعد [صفحه 108] خواهد آمد ان شاء الله [کمیل بن زیاد نخعی، از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام است که حضرت به اصرار وی دعای کمیل را انشاء و به او تعلیم فرمود] هشتم: دعای «اللهم یا شاهد کلّ نجوی» را که در شب عرفه هم خوانده می‌شود، بخواند. این دعا نیز ان شاء الله تعالی خواهد آمد [صفحه 405].

نهم: ده مرتبه بگوید: ای کسی که جود و بخشش توبه آفریدگان همیشگی است! ای آن که دو دست سخاوت خود را برای عطا گشوده‌ای! ای صاحب عطاها و گرانها! بر محمد و خاندان او، نیکوخت‌ترین مردمان درود فرصت، و ما را ای خدای بلندمرتبه در چنین شبی بیامرز. این ذکر شریف در شب عید فطر نیز خوانده می‌شود.

دهم: انار بخورد، چنانکه امام صادق علیه السلام در هر شب جمعه میل می‌فرمود، و اگر هنگام خوابیدن بخورد، شاید بهتر باشد، چه آنکه روایت شده:

هرکه وقت خوابیدن انار بخورد تا صبح در جان خود ایمن خواهد بود. و سزاوار است هرگاه انار بخورد، در زیر آن دستمالی بگستراند که هر دانه‌ای از آن بیفتد جمع کرده و بعد بخورد و بهتر است دیگری را در آن انار شریک نسازد. شیخ جعفر ابن احمد قمی رحمه الله در کتاب، عروس از امام صادق علیه السلام روایت کرده: هرکه ما بین دو رکعت نافله و فریضه صبح صد مرتبه بگوید:

منزه است پروردگار بزرگ من و به ستایش او را سزااست، از خدا، پروردگار خود، آمرزش می‌طلبم و به سوی او باز می‌گردم. خدا در بهشت خانه‌ای برای او

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 62

بنا کند. و شیخ طوسی و سید ابن طاووس و دیگران این دعا را ذکر کرده و گفته‌اند: مستحب است در سحر شب جمعه این دعا خوانده شود:

خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و در این بامداد خشنودی خود را بر من ارزانی بدار، و ترس از خویش را در دلم جای ده، و دلم را از غیر خود ببر، تا به غیر تو امید نبندم و جز از تو نترسم، خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا یقین استوار، و اخلاص بی‌شائبه و قدر خود، ببخش، ای برآورنده نیازهای پرسندگان! ای آن که هرچه در نهاد خاموشان می‌گذرد می‌داند! بر محمد و خاندانش درود فرست و خواهش را برآور، و گناه را بیامرز و روزی‌ام را وسعت بخش و نیازهای درونی‌ام و حوائج برادران دینی‌ام و خانواده‌ام را برآور، خدای من آرزوهای دور و سرکش جز نزد تو ناکام است، همت‌های بلند جز آنکه بر گرد کوی تو گردد بیهوده باشد و راه‌های خرد بسته است جز به سوی تو، پس تویی امید دلم و به سوی توست پناهگاه، ای گرمی‌ترین مراد، و بخشنده‌ترین درخواست شده! با همه وجودم به سوی تو گریخته‌ام، ای پناهگاه گریختگان، با بارهای گناه که بر دوش می‌کشم، درحالی که برای رسیدن به تو یآوری نمی‌یابم جز آگاهی از اینکه تو نزدیک‌ترین کسی هستی که امید جویندگان به اوست و آنچه را که نزد اوست راغبان آرزومندند، ای آن که خردها را به معرفت خویش شکوفا ساخت، و زیباها را به ستایش خود گشود و آنچه را بر بندگان منت گذارد، برای ادای حق خود بسنده ساخت، بر محمد و خاندان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 63

درود فرست و برای شیطان بر خردم راهی و به سوی باطل بر عملم راهنما و دلیلی قرار مده.

و به هنگام طلوع صبح روز جمعه این دعا را بخواند:

شب را صبح کردم در امان خدا و امان فرشتگان و امان پیامبران و فرستادگان او (درود بر آنان باد)، و امان محمد (درود خدا بر او و خاندان او باد)، و امان‌های جانشینیان خاندان محمد (درود بر آنان باد)، ایمان آوردم به تهن خاندان محمد (بر ایشان درود باد) و ظاهر و باطن ایشان، و گواهی می‌دهم که همانا ایشان در معرفت به خدا و طاعت او همچون محمد (درود خدا بر او و خاندان او) هستند. روایت شده: هرکس پیش از نماز صبح روز جمعه سه مرتبه بگوید: آمرزش می‌جویم از خدای که شایسته پرستشی جز آن زنده پاینده نیست و به سوی او باز می‌گردم.

گناهانش آمرزیده شود هرچند از حباب نشسته بر دریا بیشتر باشد.

اعمال روز جمعه

برای روز جمعه اعمال بسیاری است که در اینجا تنها به بیان چند مورد اکتفا می‌کنیم: اول: در رکعت اول نماز صبح سوره «جمعه» و در رکعت دوم: «توحید» خوانده شود. دوم: پس از نماز صبح، پیش از آنکه سخن بگویند، این دعا را بخواند تا کفار کناهان او از این جمعه تا جمعه دیگر باشد: **خدایا! هر سخنی که در این جمعه‌ای بر زبان آورم، و یا هر سوگندی که در آن ادا نمایم و یا هر نذری که در آن جاری کنم، خواست و اراده تو پیشاپیش همه اینهاست، پس در این میان هرچه را تو بخواهی که بشود می‌شود، و هرچه را که نخواهی نشود، بار خدایا! مرا بیامرز و از من درگذر. خدایا! هرکه را تو بر او درود فرستی**

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 64

پس درودم بر او باد و هرکه را که تو لعنت کنی پس لعنتم بر او باد. و دست کم در هر ماه يك بار این عمل را بجا آورد و نیز روایت شده: هرکس در روز جمعه پس از نماز صبح بنشیند، و به تعقیب پردازد تا آفتاب برآید، هفتاد درجه در بهشت برین برای او بالا رود. و شیخ طوسی روایت کرده: که سنت است این دعا را در تعقیب نماز صبح روز جمعه بخواند: **خدایا! با حاجت خویش آهنگ تو کرده‌ام و امروز بر تو فرود آورده‌ام فقر و تنگدستی و درماندگی‌ام را و به آمرزش تو امیدوارتر از کردار خویشم و بخشایش و رحمت تو دانه‌دارتر از گناهان من است، پس برآور نیاز مرا با قدرتی که بر آن داری و با سهولتی که نزد تو دارد، و نیازی که من به تو دارم. چه من به خیری دست نیافته‌ام جز از سوی تو و جز تو هرگز کسی گزند را از من نرانده است و برای آن جهان و این جانم و نه برای گاه تھیدستی‌ام، آنگاه که مردم در قبرم تنها گذارند و گناهانم را به نزد تو آورم، جز به مهر تو امید ندارم. سوّم: روایت شده: هرکس در روز جمعه و دیگر روزها پس از نماز ظهر و نماز صبح بگوید: **خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و طلوع ظهورشان را زود گردان نمیرد تا حضرت قائم (عج) را دریابد. و اگر صد مرتبه این صلوات را بخواند، خدا شصت حاجت، سی حاجت از حاجات دنیا و سی حاجت از حاجات آخرتش را برآورده سازد چهارم: پس از نماز صبح سوره «الرحمن» را بخواند و بعد از آیه: کدّامین نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می‌کنید. بگوید: هیچک از نعمتهای تو را ای پروردگارم تکذیب نمی‌کنم پنجم: شیخ طوسی رحمه الله فرموده: مستحب است پس از نماز صبح روز جمعه صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و صد مرتبه بر****

محمد و آل محمد صلوات فرستد و صد مرتبه استغفار کند و سوره‌های «نساء، هود، کهف، صافات، الرحمن» را بخواند.
ششم: سوره‌های:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 65

«احقاف» و «مؤمنون» را بخواند، از امام صادق علیه السلام روایت شده: هرکه در هر شب جمعه یا در هر روز جمعه سوره «احقاف» را بخواند در دنیا هراسی به دلش راه نیابد و از وحشت بزرگ روز قیامت ایمن گردد و نیز آن حضرت فرمود: هرکس جمعه‌ها بر خواندن سوره «مؤمنون» مداومت نماید، خدای تعالی پایان کارش را به نیکبختی و سعادت قرار دهد، و جایگاهش در بهشت برین با پیامبران الهی باشد، هفتم: پیش از طلوع آفتاب ده مرتبه سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند و دعا کند تا خواسته‌اش اجابت شود. روایت شده: حضرت زین العابدین علیه السلام چون صبح روز جمعه می‌شد تا ظهر «آیه الكرسي» [آیه 255 سوره بقره: الله لا اله الا هو الحي ... و لا يؤوده حفظهما و هو العلي العظيم] را می‌خواند، و چون از نمازها فراغت مییافت، به تلاوت سوره:

«انا انزلناه» می‌پرداخت. و آگاه باش برای خواندن آیه الكرسي علی التنزیل در روز جمعه فضیلت بسیار روایت شده است [علامه مجلسی گوید: آیه الكرسي علی التنزیل بنا بر روایت علی بن ابراهیم و شیخ کلینی عبارت است از: «الله لا اله الا هو الحي تا: هم فيها خالدون» هشتم: غسل جمعه کند، و آن از جمله اعمال مستحبی است که بر آن تأکید بسیار شده و در روایت آمده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: یا علی! در هر جمعه غسل کن، گرچه به خاطر آن غذای خود را برای بدست آوردن آب جهت غسل کردن بفروشی و گرسنه بمانی؛ زیرا هیچ عمل مستحبی برتر از غسل روز جمعه نیست و از امام صادق علیه السلام روایت شده:

هرکه در روز جمعه غسل کند و این دعا را بخواند:

گواهی می‌دهم که شایسته پرستشی جز خدا نیست، شریک و انبازی ندارد، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاد اوست، بار خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از بسیار توبه‌کنندگان و پاکان قرار ده.

برای او تا جمعه آینده حالت پاکی و طهارت پیدا شود؛ یعنی: از گناهان پاک می‌گردد، یا آنکه اعمال او با طهارت معنوی انجام می‌گیرد و مورد قبول حق واقع می‌شود. و به احتیاط نزدیک‌تر آن است که تا جائی که ممکن است، غسل جمعه را ترك نکنند. باید دانست وقت غسل جمعه پس از طلوع فجر تا زمان ظهر است و هرچه نزدیک‌تر به ظهر انجام شود، بهتر است.

نهم: سر را با گل خطمی بشوید؛ زیرا که این کار از بیماری پیسی و دیوانگی ایمنی می‌بخشد. دهم: ناخن و موی پشت لبش را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 66

بزاید زیرا که ثواب بسیار دارد و روزی را افزون می‌سازد، و او را از گناه تا جمعه دیگر دور می‌کند، و از بیماری دیوانگی و جذام و پیسی ایمنی می‌دهد، و بهتر است در وقت چیدن ناخن و زدودن موی پشت لب بخواند: به نام خدا و به یاد خدا و بر روش محمد و خاندان محمد و در گرفتن ناخن، از انگشت کوچک دست چپ شروع، و به انگشت کوچک دست راست ختم نماید، و این شیوه را در گرفتن ناخنهای پای خود نیز رعایت کند پس از آن ناخنهای چیده را دفن کند. یازدهم: بوی خوش استعمال کند و جامه‌های پاکیزه خود را بپوشد. دوازدهم: صدقه دهد، چه بر طبق يك روايت: ثواب صدقه دادن در شب و روز جمعه، هزار برابر اوقات دیگر است. سیزدهم: برای خانواده خود خوردنیهای خوب و تازه از قبیل میوه و گوشت تهیه کند تا به آمدن جمعه شاد شوند. چهاردهم: پیش از خوردن صبحانه انار و پیش از ظهر هفت برگ کاسنی بخورد، از موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده: هرکه در روز جمعه وقتی که ناشتاست يك انار بخورد، تا چهل روز دل او را نورانی گرداند. و اگر دو انار بخورد تا هشتاد روز و اگر سه انار، تا صدویست روز، و سوسه شیطان را از او دور گرداند و هرکس و سوسه شیطان از او دور شود نافرمانی خدا نکند و هرکه نافرمانی خدا نکند وارد بهشت شود.

شیخ طوسی در کتاب «مصباح» فرموده: در مورد خوردن انار در روز و شب جمعه فضیلت بسیار روایت شده: پانزدهم: خود را از کارهای دنیا فارغ کند، و به آموختن دین پردازد، نه آنکه روز جمعه را به گشت و گذار، و تفرج در باغها و کشتزارهای مردم، و هم سخنی با اراذل و مردمان بی‌عار و مسخره‌گی و عیب‌گوئی از مردم، و خنده‌های قهقهه، و خواندن اشعار و غوطه‌ور شدن در کارهای باطل و امثال اینها صرف کند، که مفاسدش بیش از آن است که بیان شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده: بدا به حال مسلمانی که در طول هفته روز جمعه را صرف یادگیری مسائل دینی خود نکند، و برای این عمل مهمم، خود را از کارهای دیگر فارغ نسازد. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده: هرگاه در روز جمعه بینید پیرمردی سرگذشت دوران جاهلیت و کفر را برای مردم بیان می‌کند، بر سرش سنگریزه بزنید. شانزدهم: هزار مرتبه صلوات فرستد، از اما باقر علیه السلام روایت شده: هیچ عبادتی در روز جمعه نزد من محبوب‌تر از صلوات بر محمد و آل مطهر اوصلی الله علیهم اجمعین نیست. مؤلف گوید: اگر برای هزار مرتبه صلوات فرصت نکرد، دست کم صد مرتبه را ترك نکند، تا در روز قیامت چهره‌اش نورانی گردد. و روایت شده: هرکس

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 67

روز جمعه صد مرتبه صلوات فرستد و صد مرتبه از خدا؛ پروردگارم آمرزش می‌جویم و به سوی او می‌پویم گوید و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند، آمرزیده خواهد شد. و نیز روایت شده: که ثواب صلوات بر محمد و آل محمد، بین نماز ظهر و عصر برابر با ثواب هفتاد حج است. هفدهم: حضرت رسول و ائمه طاهرين عليهم السلام را زیارت نماید و کیفیت آن در باب زیارات [صفحه 494] خواهد آمد.

هیجدهم: به زیارت گذشتگان به ویژه پدر و مادر یا یکی از ایشان برود، که این عمل ثواب بسیار دارد. از امام باقر علیه السلام روایت شده: مردگان را در روز جمعه زیارت کنید، زیرا می‌دانند چه کسی به زیارت ایشان رفته است و ازین رو شاد می‌شوند.

نوزدهم: دعای «ندبه» را که از اعمال عیدهای چهارگانه است بخواند. این دعا بعد از این، در جای خودش خواهد آمد [صفحه 813]. بیستم: آگاه باش برای روز جمعه جز نافله آن، که بیست رکعت است، نمازهای بسیاری ذکر شده است. کیفیت نافله مذکور بنا بر مشهور آن است که شش رکعت آن زمانی که نور آفتاب افق را فراگیرد بجا آورده شود، و شش رکعت دیگر وقتی که خورشید بالا بیاید، و شش رکعت دیگر نزدیک ظهر، و دو رکعت پس از ظهر پیش از نماز ظهر، و یا آنکه شش رکعت اول را پس از نماز جمعه یا نماز ظهر بجا آورد، به صورتی که در کتب فقها و (مصاییح) ذکر شده.

البته نمازهای بسیار دیگری نیز نقل شده، که ذکر بعضی از آنها در این مقام مناسب است، هر چند بیشتر آنها اختصاصی به روز جمعه ندارد، ولی بجا آوردن آنها در روز جمعه بیشتر فضیلت دارد:

از جمله آنها نماز کامله است که شیخ طوسی، و سید ابن طاووس و شهید و علامه حلی و دیگران به سندهای بسیار و معتبر از امام صادق علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود:

«هرکس در روز جمعه پیش از ظهر چهار رکعت نماز بخواند، و در هر رکعت سوره «حمد» را ده مرتبه و هر يك از:

«قل اعوذ برب الناس» و «قل اعوذ برب الفلق» و «قل هو الله احد» و «قل يا ايها الكافرون» و «اية الكرسي» را ده مرتبه، و به روایت دیگر: «اَنَا انزلناه» و آیه «شهد الله...» [آیه 18 سوره آل عمران] را نیز هر يك ده مرتبه بخواند، و آنگاه که از چهار رکعت فارغ شود، صد مرتبه استغفار کند،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 68

و صد مرتبه بگوید:

خدا پاك و منزّه است و ستایش تنها او را سزااست و خدایی جز او نیست، و خدا بزرگتر از هر وصفی است و هیچ نیرو و توانی جز برآمده از خدای بلند مرتبه بزرگ نیست. و پس از آن صد مرتبه صلوات فرستد، خدا شرّ اهل آسمان و شرّ اهل زمین، و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان ستمگر را از او برطرف کند» تا پایان روایت که همه در بیان فضیلت این نماز است. نماز دیگر: حارث همدانی از امیر المؤمنین علیه السّلام روایت کرده: اگر بتوانی روز جمعه ده رکعت نماز بجای آر، و رکوع و سجودش را تمام و کامل ادا کن، و پس از هر دو رکعت صد مرتبه بگو: پاك و منزّه است خدایی که ستایش تنها شایسته اوست که فضیلت بسیار دارد.

نماز دیگر: به سند معتبر از امام صادق علیه السّلام روایت شده: هرکس سوره «ابراهیم» و سوره «حجر» را در دو رکعت نماز در روز جمعه بخواند، هرگز دچار پریشانی و دیوانگی و یا بلایی دیگر نشود، از جمله آن نمازها: نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله است.

نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله

سید ابن طاووس رحمه الله به سند معتبر از حضرت رضا علیه السّلام روایت کرده که از آن حضرت درباره نماز حضرت جعفر طیار رحمه الله پرسیدند. حضرت فرمود: چرا از نماز حضرت رسول غافلیم؟ شاید رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز جعفر را بجا نیاورده باشد و شاید جعفر نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله را نخوانده باشد. سؤال کننده عرضه داشت: یابن رسول الله! نماز پیامبر را به من بیاموز! حضرت فرمود: دو رکعت نماز می خوانی؛ در هر رکعت يك مرتبه سوره «حمد» و پانزده مرتبه سوره «انا انزلناه» و در رکوع و پس از سر برداشتن، و در سجده اوّل و بعد از آن و در سجده دوّم و پس از آن در هر يك پانزده بار سوره «اَنَا انزلناه» را می خوانی آنگاه تشهّد خوانده و سلام می دهی. چون فارغ شوی بین تو و خدا گناهی نمی ماند جز آنکه آمرزیده شود، و هر حاجتی که از حق تعالی بخواهی روا خواهد شد، و پس از آن این دعا را می خوانی:

شایسته پرستشی جز خدا نیست، پروردگار پدران نخستین ما شایسته پرستشی جز خدا نیست، پرستیده یکتا و ما تنها به فرمان او هستیم.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 69

شایسته پرستشی جز خدا نیست، جز او را نمی پرستیم، و دینمان را برای او خالص می کنیم، گرچه مشرکان را خوش نیاید، معبودی جز خدا نیست، یکتا، یگانه و بی همتاست، به وعده خویش وفا کرد، و بنده خود را یاری کرد، و سپاهش را نیرومند ساخت و به تنهایی همه دشمنان را گریزند و تارومار ساخت، فرمانروایی و ستایش تنها شایسته اوست و او بر هر چیز تواناست، خدایا تویی! نور آسمانها و زمین و هر که در آنهاست، پس ستایش تنها برای توست. و تویی برپادارنده آسمانها و زمین و هر که در آنهاست، پس ستایش تنها تو را سزااست، و تو حقی و وعدهات حق و گفتارت حق و عملت حق و بهشتت حق و دوزخت حق است. بار خدایا تنها به فرمان تو و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل کردم، و به خاطر تو (با بدان) دشمنی کردم، و تنها به سوی تو دادخواهی نمودم. پروردگارا پروردگارا! ببخش گناهانی را که پیش از این مرتکب شده‌ام و پس از این مرتکب می شوم و آنچه پنهان و آشکار انجام داده‌ام، همه را خدای من! شایسته پرستش پرستشی جز تو نیست. درود فرست بر محمد و خاندان محمد! و مرا بیامرز و به من مهر ورز و توبه‌ام را بپذیر، همانا تنها تویی بسیار توبه‌پذیر مهربان.

عَلَّامَه مجلسی رحمه الله فرموده: این نماز از نمازهای مشهور است و سنی و شیعه آن را در کتابهای خود روایت کرده‌اند و برخی این نماز را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند ولی از روایت این نکته به دست نمی آید و ظاهراً در دیگر روزها هم می‌توان آن را بجا آورد و نیز از جمله آن نمازها «نماز امیر المؤمنین علیه السلام» است.

نماز حضر امیر المؤمنین علیه السلام

شیخ و سید از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: هر که از شما نماز امیر المؤمنین علیه السلام را بخواند، از گناهان پاک گردد، همچون روزی که از مادر زاده شده و حاجاتش در پیشگاه حق برآورده شود. این نماز چهار رکعت است: در هر رکعت يك بار سوره «حمد»

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 70

و پنجاه بار «قل هو الله احد» تلاوت شود، و چون از نماز فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آن حضرت است:

پاك و منزّه است آن كه نشانه‌های وجودش نابود نشود، پاك و منزّه است آن كه از خزانة‌هایش كاسته نگردد، پاك و منزّه است آن كه فخرش را فروپاشی نباشد، پاك و منزّه است آن كه آنچه نزد اوست پایان نیابد، پاك و منزّه است آن كه دورانش به سر نرسد، پاك و منزّه است آن كه هیچكس را در كارش شركت ندهد، پاك و منزّه است آن كه شایسته پرستشی جز او نیست. پس از این تسبیح دعا كند و بگوید: ای آن كه درگذری از بدیها، و به آنها كیفر نكنی! ای خدا! بر بندهات مهر و رز، وجود مرا دریاب، ای سرور من من بنده تو هستم، بنده‌ای ایستاده در پیشگاه تو، پروردگارا! خدایا به هستی‌ات سوگند، ای آرمان من، ای بخشاینده، ای فریاد رس، دریاب بندهات را! دریاب بندهات را! بندهات را چاره‌ای نیست، ای واپسین امید، ای روان‌كننده خون در رگهام! ای سرور من! ای مالك من، ای او! ای او! پروردگارا! بندهات را دریاب، بندهات را دریاب، چاره‌ای ندارم، از پیش خود هیچ ندارم (كه عین نیازم) توان سود و زیان خویش را ندارم، كسی را برای یاری نمی‌یابم، چاره‌جوییها از من جدا گشته، و هر گمان چاره‌ای نابود گشته است، روزگار مرا تنها به سوی تو روانه ساخته، از این رو در این جا در برابر بازگشت ایستاده‌ام، همه اینها خدایا! با آگاهی تو بوده است پس چگونه با من رفتار خواهی كرد؟ ای كاش! می‌دانستم پاسخ خواهش‌م را چگونه خواهی داد؟ آیا خواهی گفت: آری یا می‌گویی نه؟ اگر بگویی: نه؛ پس وای بر من! وای بر من! وای بر من! وای از درماندگی‌ام! وای از درماندگی‌ام! وای از درماندگی‌ام! وای از بیچاره‌گی‌ام! از بیچاره‌گی‌ام! وای از خواری‌ام از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 71

خواری‌ام! از خواری‌ام! آنگاه كه تو مرا رها كنی؟ به سوی كه، و از طرف كه، یا نزد كه، یا چگونه، یا چه چیز؟ یا به سوی چه چیزی پناه برم؟

و به چه كسی امید بندم؟ و كیست كه با فضل خود بر من كرم نماید؟ ای آن كه آمرزش فراگیر است؟ و اگر بگویی:

آری، كه همان از تو گمان دارم و امید به تو چنین است، پس خوشا به حال من كه خوشبختم! و كامروا شده‌ام، پس خوشا به حال من كه مورد رحمت قرار گرفتم! ای خدای مهربان! ای خدای بنده‌پرور! ای خدای دلجو ای خدای جبران‌گر! ای آن كه هستی به دست توست! ای دادگر! مرا كرداری كه به برآمدن حاجتم نایل آیم نیست، از تو می‌خواهم به حق آن نامت كه در پس پرده غیب خود مستور ساختی و نزد خویش بنهادی. پس برای هیچ موجودی جز تو پدیدار نشود! به حق آن نام و به حق هستی نابت و به آنكه برترین و شریف‌ترین نامها تو است از تو درخواست می‌نماید مرا چیزی جز این نیست و كسی خیرخواه‌تر از تو به من نیست، ای به خود خستی! ای هستی‌بخش! ای آن كه خویش را به شناساند! ای آن كه به اطاعتش فرمانم داد، ای آن كه مرا از فرمان‌اش بازداشت، ای خواننده شده! ای خواسته شده! ای مطلوب! سفارشی كه به من نموده بودی و انعام و فرمانت را نخواندم، و اگر تو را در آنچه فرمانم دادی اطاعت می‌كردم

هر آینه مرا در آنچه برایش به سویت برخاستم بس بودی و من با نافرمانیم هم به تو امیدوارم، پس بین من و آنچه به آن امیدوارم جدایی مینداز، ای مهر ورز بر من از پیش روی، و از پشت سر، و از بالای سر، و از زیر پایم و از همه جهات احاطه بر من پناهم ده. خدایا! به حق محمد ص، و سرور من، و به حق علی ع مولای من، و به حق امامان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 72

هدایت یافته (که بر ایشان درود باد) لطف و مهر و رحمت را بر ما بگستر، و از روزی خود بر ما فراوان ده، و وام ما را بپرداز و همه حاجتهای ما را برآور، ای خدا! ای خدا! ای خدا! زیرا تو بر هر چیز توانایی.

پس از آن حضرت فرمود: هرکه این نماز را بجا آورد و این دعا را بخواند، وقتی از آن فارغ شود، بین او و خدا گناهی نماند جز آنکه آمرزیده شود.

مؤلف گوید: احادیث بسیاری در فضیلت خواندن این چهار رکعت نماز، در شب و روز جمعه وارد شده است و اگر پس از نماز بگویند: بار الها! بر پیامبر عرب زبان و خانواده او درود فرست در حدیث آمده که گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود، و مانند کسی شود که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و حق تعالی گرسنگی و تشنگی قیامت را از او رفع کند ...

مام حضرت فاطمه علیها السلام

روایت شده: حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز می خواند که جبرئیل به ایشان تعلیم داده بود آن حضرت در رکعت اول پس از سوره «حمد» صدر مرتبه سوره «قدر» و در رکعت دوم بعد از سوره «حمد» صد مرتبه سوره «توحید» را قرائت می کردند، و چون سلام می دادند این دعا را می خواند: پاك و منزّه است آن خدایی که دارای شکوه افراشته و بلند است، پاك و منزّه است خدایی که صاحب شوکت والا و بزرگ است، پاك و منزّه است خدایی که دارنده فرمانروایی پر افتخار دیرینه است، پاك و منزّه است آن که لباس خرمی و زیبایی به بر دارد، پاك و منزّه است آن که در پوششی از نور وقار است، پاك و منزّه است آن که ردّ پای مورچه را بر سنگ سخت می بیند، پاك و منزّه است آن که خطّ سیر پرنده را در هوا می بیند، پاك و منزّه است آن که او چنین است و جز او چنین نیست.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 73

سید ابن طاووس فرموده: در روایت دیگری وارد شده که پس از این نماز تسبیح مشهور حضرت زهرا علیها السلام را که بعد از هر نماز خوانده می‌شود بخوانند، و پس از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و خاندان او فرستند. و شیخ در کتاب «مصباح المتهجدین» فرموده است: نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است، در رکعت اول سوره «حمد» و صد مرتبه سوره «قدر» و در رکعت دوم سوره «حمد» و صد مرتبه «توحید» خوانده شود، و چون سلام داده شد تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بخوانند، آنگاه دعای «سبحان ذی العزّ الشامخ» را تا آخر قرائت کنند. و شیخ فرموده: کسی که این نماز را بجای آورد، چون از تسبیح فارغ شود زانوهای و دستان خود را تا آرنج برهنه نماید و همه مواضع سجود خود را بدون مانع و حایل به زمین بچسپاند و از خدا حاجت بخواهد، و به هر کیفیتی که دوست دارد دعا کند، و در همان حال سجده بگوید:

ای آن که جز او پروردگاری نیست که خوانده شود، ای آن که وراى او معبودی نیست که او پروا شود! ای آن که جز او فرمانروایی نیست که از او پرهیز شود! ای آن که او را وزیرى نیست که به او روی آرند! ای آن که او را نگهبانی نیست تا به او رشوه داده شود! ای آنکه او را دریانی نیست تا به وسیله او به درگاهش آیند! ای آن که بر اثر بسیاری درخواست، جز کرم و جود، و بر اثر کثرت گناهان جز عفو، و گذشت نیفزاید، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با من چنین و چنان کن. و به جای «کذا و کذا» حاجات خویش را از خدا بخواهد.

نماز دیگر از حضرت فاطمه علیها السلام: شیخ طوسی و سید ابن طاووس از صفوان روایت کرده‌اند که محمد بن علی حلبی روز جمعه، خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرضه داشت: علاقمندم به من عملی بیاموزی که بهترین کارها در روز جمعه باشد حضرت فرمود: من کسی را که برای رسول خدا عزیزتر از حضرت فاطمه باشد سراغ ندارم، و چیزی را برتر از آنچه پیامبر به فاطمه آموخت، نمی‌شناسم، پیامبر به دخترش فرمود: هرکه صبح جمعه را دریابد، غسل کند و قدمهایش را بگسترده و چهار رکعت نماز (دو نماز دو رکعتی) بگذارد. در رکعت اول پس از سوره «حمد» پنجاه مرتبه سوره «توحید» و در رکعت دوم،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 74

پس از سوره «حمد» پنجاه مرتبه سوره «و العاديات» و در رکعت سوم پس از «حمد» پنجاه مرتبه سوره «اذا زلزلت» و در رکعت چهارم پس از سوره «حمد» پنجاه مرتبه سوره «اذا جاء نصر الله...» که مراد از این سوره مبارکه نصر است یعنی آخرین سوره‌ای که نازل شده است. و چون از نماز فارغ شوند، این دعا را بخوانند:

ای معبود و سرور من! اگر دیگران به امید رسیدن به عطا و مواهب وجود و بخششها و هدایا آماده و مهیا و مجهز و مستعد ورود بر آفریده‌ای چون خو شده‌اند، پس خدایا! پس خدایا! آمادگی و مجهز بودن و مهیا بودن و استعداد من به امید دستیابی به بهره‌ها و نیکی و عطایا و هدایا تو تنها به سوی توست، پس مرا از این همه ناامید مساز، ای آن که خواهش هیچ نیازمندی از او بی ثمر نماند، و بخشش بخشنده‌ای از او نکاهد! من با کردار شایسته‌ای که پیش فرستاده باشم به پیشگاه تو نیامده‌ام، و با یاری آفریده‌ای که به او امید بسته باشم و با آن به تو تقرب جویم، به درگاهت بار نیافتم جز به امید شفاعت محمد و خاندان او که درود تو بر او و بر ایشان باد، در حالی به نزد تو آمدم که گذشت کریمانه‌ات را امید دارم، گذشتی که به آن بر خطاکاران در حال پافشاری بر گناهان است، پس مداومت آنان بر کارهای حرام تو را از اینکه آمرزشت را بر آنان ارزانی داری باز نداشت، و تو ای سرور من! بسیار بر نعمت بخشی بازگردی و من بر خطا کاری، به حق محمد و خاندان پاکش از تو می‌خواهم، که گناه بزرگام را بیامری، زیرا گناه بزرگ را جز آمرزگار بزرگ نیامرزد؛ ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ!

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 75

مؤلف گوید: سید ابن طاووس در کتاب «جمال الاسبوع» [زیبایی ایام هفته] برای هر يك از امامان علیهم السلام نمازهای به همراه دعا ذکر نموده که شایسته است در اینجا بیان شود.

نماز حضرت مجتبی علیه السلام

نماز حضرت مجتبی علیه السلام در روز جمعه چهار رکعت می‌باشد که مانند نماز امیر المؤمنین علیه السلام است. نماز دیگر آن حضرت در روز جمعه نیز چهار رکعت است که در هر رکعت يك بار سوره «حمد» و بیست و پنج بار سوره «توحید» خوانده می‌شود.

دعای آن حضرت: خدایا! به امید جود و کرم تو به سویت تقرب می‌جویم، و به دوستی محمد بنده و فرستاده‌ات به سوی تو تقرب می‌جویم، و به فرشتگان مقرب به پیشگاه تو تقرب می‌جویم، و به پیامبران و فرستادگانت که بر محمد، بنده شایسته و فرستاده‌ات و بر خاندان محمد درود فرستی و از لغزشم درگذری، و گناهانم را بر من بیوشانی، و آنها را بیامری، و نیازهام را برآورده سازی، و به کار زشتی که از من سرزده عذابم نکنی، چه همانا عفو و بخشش تو بر من فراگیر است، به یقین تو بر هر کاری توانایی.

نماز حضرت حسین علیه السلام

نماز حضرت حسین علیه السلام چهار رکعت است که در هر رکعت سوره «فاتحه» پنجاه بار و «قل هو الله احد» پنجاه بار، و در رکوع، هر يك از سوره‌های «فاتحه» و «قل هو الله احد» ده بار، و پس از سر برداشتن از رکوع نیز هر يك، ده بار و نیز در سجده اول و پس از سر برداشتن از سجده، و هم در سجده دوم هر کدام ده بار خوانده شود، و چون از نماز فارغ شد این دعا را بخواند: اللهم انت الذي استجبت لآدم و حواء ... [بار خدایا! تویی که دعای آدم و حوا را اجابت نمودی] که دعای بلندی است [این دعا در جلد 88 بحار الانوار چاپ بیروت ص 186 نقل شده است]

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 76

نماز حضرت زین العابدین علیه السلام

نماز آن حضرت چهار رکعت است که در هر رکعت يك بار سوره «حمد» و صدر بار سوره «توحید» خوانده می‌شود. دعای آن حضرت: ای آن که زیبایی را آشکار ساخت، و زشتی را پوشاند، ای آن که بر جم و گناه سرزنش نمود، و پرده حرمت بنده‌اش را ندرد، ای که گذشت بزرگ، و بخشش نیکوست، ای که آمرزگاری است دامن گستر، ای که دستانت به مهر گشاده است، ای شنوای هر نجوی پنهان، ای سرانجام هر دادخواهی، ای درگذرنده بزرگوار، ای بزرگ سرچشمه امید، ای آغاز گر نعمتها پیش از آنکه بندگان سزاوار آن شوند، ای پروردگار و سرور و مولای ما، ای واپسین دلبستگی ما، خدایا! از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی.

نماز حضرت باقر علیه السلام

نماز آن حضرت دو رکعت است که در هر رکعت يك مرتبه سوره «حمد» و صدر مرتبه: پاك و منزّه است خدا و ستایش تنها او را سزااست و شایسته پرستشی جز خدا نیست و خداوند برتر از هر وصفی است. خوانده می‌شود.

دعای آن حضرت: خدایا از تو خواستارم ای بردبار دارای رفق و مدارا و ای آمرزگار مهربان، از گناهانم و آنچه از زشتیها نزد من است، به خوبی و زیبایی آنچه نزد خود داری درگذری، و از عطای خود به اندازه‌ای که مرا در برگیرد به من بدهی و از آنچه به من بخشیدی کردار شایسته به همراه فرمانبرداری از خود و پیامبرت الهام بخشی، و از گذشت خویش به قدری به من ببخشی که در پرتو آن سزوار کرامت شوم. خدایا چنانچه شایسته تو است به من عطا کن و با من آنچه را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 77

سزوار آنم مکن، چه هستی من تنها به مدد توسست، و جز از سوی تو به خیری دست نیافته‌ام، ای بیناترین بینایان، و ای شنواترین شنوایان، و ای دادگرتترین داوران و ای پناه پناهجویان، و ای برآورنده دعای درماندگان، بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

نماز حضرت صادق علیه السلام

نماز آن بزرگوار دو رکعت است که در هر رکعت يك مرتبه سوره «حمد» و صد مرتبه آیه شریفه «شهد الله» [آیه 18 از سوره آل عمران] خوانده می‌شود.

دعای آن حضرت: ای آفریننده هر آفریده، ای بر سازنده هر شکسته، ای حاضر در هر جا، ای ای شاهد هر راز، ای شاهد بر هر راز، ای دانای هر نمان، ای هماره حاضر و ای پیروزمند بی شکست، ای نزدیک دوری ناپذیر، ای همدم هر تنها، ای زنده حیات بخش مردگان، و میراننده زندگان، ای که پاداش هرکس بر وفق کردارش بر پاداری، و ای زنده آنگاه که زنده‌ای نباشد، شایسته پرستشی جز تو نیست، بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

نماز حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

نماز آن حضرت دو رکعت است که در هر رکعت يك مرتبه سوره «حمد» و دوازده مرتبه «توحید» خوانده می‌شود.

دعای آن حضرت: خدایا، آواها در آستان کوتاه و آهسته گشته، و اندیشه‌ها در شناسایی است سرگردان شده، و هر چیز از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 78

بلندای هیبت ترسان است، و همه آفریدگان به درگاهت گریزان، در برابر هستی‌ات، هستی هر آفریده‌ای در تنگنای نیستی است و همه چیز را نور هستی تو آکنده است، پس تویی والا در شکوهت، و فروزنده در زیبایی‌ات، و بزرگ در توانایی‌ات، و تویی آن که هیچش درمانده نسازد، ای فرو بارنده نعمتم، ای گشایشگر اندوهم، و ای برآورنده نیازم، خواهشم را به حق یگانگی‌ات روا ساز، به تو ایمان آوردم ایمانی خالص، بر پیمان و وعده‌ات صبح کردم تا توان دارم، با عطایت به جانبت آمم و از تو آمرزش می‌جویم از گناهانم که جز آنها را نمی‌آمزد، ای آن که در اوج بلندای خویش به آفرده‌ها نزدیک است، و در کمال به آنان فراتر از همگان است و در تابشش پرتوافشان، و در پادشاهی‌اش بس نیرومند است، بر محمد و خاندانش درود فرست.

نماز حضرت رضا علیه السلام

نماز آن بزرگوار شش رکعت است که در هر رکعت يك مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «هل اتی علی الانسان» [سوره 76 قرآن] خوانده می‌شود.

دعای آن حضرت: ای یار من در سختیها، و ای همراه من در نعمتها و ای معبود من ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب، ای پرودگار «کهیعص» و «یس و القرآن الحکیم»، از تو درخواست می‌کنم ای بهترین کسی که از او درخواست شود و ای نیکوترین کسی که خوانده شود، و ای بخشنده‌ترین بخشنندگان و ای بهترین مأوای امید بستگان تو خواستارم که درود فرستی بر محمد و خاندان محمد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 79

نماز حضرت جواد علیه السلام

نماز آن سرچشمه جود و کرم دو رکعت است که در هر رکعت يك مرتبه سوره «حمد» و هفتاد مرتبه «توحید» خوانده می شود.

دعای آن حضرت: خدایا! ای پروردگار جانهای فنا یافته، و بدنهای پوسیده و در خاك افتاده، از تو درخواست می کنم به حق فرمانبری روانهای بازآینده به بدنهای خویش و بحق فرمانبری بدنهای پیوسته به رگهای خویش، و به حق گفتار پر نفوذت در میان آنها، و دادخواهی ات از آنها، آنگاه که آفریده ها بر آستانت در انتظار داوری تو بنشسته اند. و به مهر بی پایانت دل بسته و از شکنجه بی سراجامت هراسانند. بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و نور فروزان در دیدگانم، و یقین بی گمان در جانم، و یاد جاودان خود در هر شب و روز بر زبانم بنه، و کردار پسندیده روزی ام گردان

نماز حضرت هادی علیه السلام

نماز آن حضرت دو رکعت است که در رکعت اول سوره «حمد» و سوره «یس» و در رکعت دوم سوره «حمد» و سوره «الرحمن» خوانده میشود

دعای آن حضرت: ای نیکوکار، ای همواره در پیوند با دلها، ای گواه، هر ناپیدا، ای نزدیک دور ناشدنی و ای پیروز بی شکست، ای آن که جز او نمی داند که چون است، ای آن که به قدرتش نمی توان دست یافت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 80

بار خدایا! از تو درخواست می کنم به حق آن نامت که در پرده است، و در گنجینه است و ناپیدا از هر آنکه تو خواهی، آن نام پاك پاکی بخش، مبرا از هر نقص، بر همگان پرتوافشان، زنده، به خود پایدار، بزرگ، تویی نور آسمانها و فروغ زمینها، دانای نهان و آشکار، والای بلندمرتبه و بزرگ، بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

نماز حضرت عسکری علیه السلام

نماز آن وجود مبارك چهار رکعت است که در رکعت اول پس از سوره «حمد» پانزده بار سوره «زلزال» و در رکعت دوم بعد از «حمد» پانزده بار سوره «توحید» خوانده می شود.

دعای آن حضرت: خدایا! از تو می‌خواهم به حق آنه ستایش تنها از آن توسست، شایسته پرستشی جز تو نیست، تویی سرآغاز هر آنچه هست، و تویی زنده به خود پایدار و شایسته پرستشی جز تو نیست، چیزی خوارت نسازد، و تو هر روز در کاری هستی، شایسته پرستشی جز تو نیست، آفریننده هر آنچه به دیده آید و هر آنچه نادیده باشد، دانای به هر چیز بی‌آنکه آموخته باشی، از تو خواستارم به حق عطایا و نعمتهای ای آن که تویی خدا و پروردگار جهانیان، یکتایی که شایسته پرستشی جز او نیست بخشایشگر مهربان، و از تو می‌خواهم به آنکه تویی خدایی که شایسته پرستشی جز تو نیست. یگانه یکتای بی‌همتای بی‌نیازی که نه زاده است، و نه زاده شده، و برای او همتایی نیست و از تو می‌خواهم به خدایات که شایسته پرستشی جز تو نیست ای مهرورز آگاه و ناظر بر همگان و آنچه فراهم آورده‌اند، ای آن که دیده‌بان و نگاهداری و از تو درخواست می‌کنم به خدایات که سرآغاز است پیش از آنکه چیزی باشد، و سرانجام است پس از هر آنچه هست. و ای ژرفای هر چه هست

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 81

و ای زبان رسان، سودبخش، و فرزانه دانا و از تو می‌خواهم، به خدایات که در پرستش یگانه‌ای، زنده و پابنده‌ای ای برانگیزنده، میراث‌بر، و ای مهرورز، منت گذار، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، صاحب شکوه و بزرگواری، و ای بخشایشگر عزتمند و دارای سلطنت پایدار، شایسته پرستشی جز تو نیست که دانشت همه را فرا گرفته و شماره هر چه هست دانی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

نماز حضرت صاحب الزمان (عج) و دعای آن حضرت

نماز آن حضرت دو رکعت است که در هر رکعت در سوره «حمد» آیه **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** را صد مرتبه بخوان و پس از آن سوره «حمد» را تا **و لا الضَّالِّينَ** ادامه بده، آنگه سوره توحید را يك مرتبه قرائت کن و پس از فراغت از نماز این دعا را بخوان: خدایا! بلا بسی بزرگ شده، و سختیهای نمان آشکار گشته و پرده برافتناده، و زمین با آنچه آسمان فرا گرفته، تنگ شده، پروردگارا! به سوی تو دادخواهی می‌کنیم و درسختی و آسانی تنها بر تو تکیه می‌زنیم. خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد، آنان که ما را به فرمانبرداری از ایشان فرمان دادی. خدایا! در فرج آنان به آمدن قائمشان شتاب فرما، و عزتشان را نمایان ساز، یا محمد یا علی یا محمد کفایت نمایید مرا که کفایت کننده‌ام شما هستید، یا محمد یا علی، یا علی یا محمد، یاری‌ام کنیم که یاور من شمایید، یا محمد یا علی یا محمد، نگهدارم باشید، که شما نگهدارم

هستید، ای مولای من ای صاحب الزمان، ای مولای من ای صاحب الزمان، ای مولای من ای صاحب الزمان درخواست یاری دارم، درخواست یاری، درخواست یاری، مرا دریاب، مرا دریاب، امامم بده امان، امان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 82

نماز جناب جعفر طیار رحمة الله

این نماز اکسیر اعظم، و کبریت احمر است، و به سندهای بسیار معتبد با فضیلت فراوان که مهم‌ترین آن آمرزش گناهان بزرگ است وارد شده، و بهترین زمان برای بجا آوردن آن، آغاز روز جمعه است، و آن چهار رکعت است با دو تشهد و دو سلام که در رکعت اول پس از سوره «حمد» سوره «زلزال» و در رکعت دوم بعد از سوره «حمد» سوره «و العاديات» و در رکعت سوم پس از سوره «حمد» سوره «اذا جاء نصر الله و الفتح» و در رکعت چهارم بعد از سوره «حمد» يك بار سوره «قل هو الله احد» خوانده می‌شود.

و هر رکعت پس از تمام شدن سوره «حمد» و سوره‌های یاد شده پانزده بار گفته می‌شود:

پاك و منزّه است خدا و ستایش تنها سزاوار اوست و خدایی جز او نیست، و او از هر صفتی برتر است و در ركوع نیز همین تسبیحات ده بار، و پس از برخاستن از ركوع ده بار، و در سجده اول ده بار، و پس از سر برداشتن از سجده ده بار و در سجده دوم ده بار، و پس از سجده، پیش از برخاستن برای انجام رکعت دوم ده بار گفته می‌شود و این ترتیب در هر چهار رکعت رعایت می‌گردد، که مجموع تسبیحات به سیصد می‌رسد.

شیخ کلینی از ابو سعید مدائنی روایت کرده، که امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا نمی‌خواهی ذکر را به تو تعلیم دهم که آن را در نماز جعفر بخوانی، گفتم: آری می‌خواهم، فرمود: هنگامی که در رکعت چهارم به آخرین سجده نماز رسیدی، و از تسبیحات فارغ شدی بگو:

پاك و منزّه است آن که لباس عزت و وقار به بر دارد، پاك و منزّه است آن که به بزرگی مهر ورزد، و به آن گرمی باشد، پاك و منزّه است آن که پاکی جز برای او سزاوار نیست. پاك و منزّه است آن که دانشش هر چیز را بر شمارد، پاك و منزّه است آن سرچشمه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 83

فضل و بخشش، پاک و منزّه است آن دارای قدرت و کرم. خدایا از تو خواستارم به حق بندها و گره‌گاههای شکوه عرشت، و به حق نهایت مهرت که در کتابت آوردی، و نام بزرگت و کلمات بی‌عیب و نقصت که در راستی و عدالت بس کمال یافته‌اند، بر محمد و خاندانش درود فرست و با من چنین و چنان کن.

و بجای کلمه «کذا و کذا» حاجات خود را از خدا درخواست کند. شیخ طوسی و سید ابن طاووس از مفضل بن عمر، روایت کرده‌اند که گفت: روزی امام صادق علیه السلام را دیدم که نماز جعفر بجا آوردند و پس از نماز دستها را بلند نمودند، این دعا را خواندند: «یا ربّ یا ربّ» به اندازه‌ای که یک نفس اجازه دهد، «یا ربّاه یا ربّاه» به قدر یک نفس، «ربّ ربّ» به اندازه یک نفس، «یا الله یا الله» باز هم به قدر یک نفس، «یا حیّ یا حیّ» همپای یک نفس، «یا رحیم یا رحیم» باز هم به اندازه یک نفس، «یا رحمن یا رحمن» هفت بار، «یا ارحم الراحمین» هفت بار، سپس این دعا را خواندند:

خدایا! سخنم را با ستایش تو آغاز می‌کنم، و با ثنای تو گویا می‌شوم و تو را به بزرگی می‌ستایم، درحالی که ستایش را پایانی نیست، و تو را سپاس می‌گیرم و کیست آن که به نهایت سپاست و بلندای بزرگی ات برسد؟ آفریدگانت را چه رسد که به شناخت رزفای عظمت تو دست یابد، چه زمانی بوده که به فضل و بخشش ستوده و به عظمت موصوف نبودی، کدامین زمان بوده که با بردباری خویش پیاپی از گنهکاران درنگزشته باشی؟! ساکنان زینت از فرمانبرداری تو سرپیچی کردند، ولی تو با بخشش خویش بر آنان مهر ورزیدی، به فضل خود به آنان بخشیدی و به کرامت پی‌درپی به آنان روی کردی، ای که معبودی جز تو نیست، بخشایشگری که دارای شوکت و کرامتی.

پس حضرت فرمود: ای مفضل هرگاه تو را حاجت ضروری پیش آید نماز جعفر را بخوان، و این دعا را قرائت کن، و حاجتت را از خدا بخواه، که به خواست خدا برآورده می‌شود. مؤلف گوید: شیخ طوسی برای برآورده شدن حاجت از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 84

امام صادق علیه السلام روایت کرده: روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بدار، و چون روز پنجشنبه به آخر رسد به ده مسکین، هر مسکینی یک مدّ [به مقدار تقریبی 10 سیر] طعام صدقه بده. و در آغاز روز جمعه غسل کن و به محراب برو و نماز جناب جعفر را، بخوان، آنگاه زانوهای را برهنه ساز و بر زمین بگذار و بگو:

ای آن که زیبایی را آشکار سازی و زشتی را بپوشانی، از آن که بندگان را بر خطایشان سرزنش نکنی و پرده حرمتشان را نداری ای بزرگ در بخشش و نیکو در گذشت، ای که آمرزگاریات فراگیر، و دستانت به مهر گشاده است، ای شنوای هر راز و نجومی و سرانجام هر دادخواهی، از که از لغزشها درگذری، ای بزرگوار در چشم پوشی و گذشت، ای بزرگ بخشایشگر ای آغازگر نعمتها پیش از شایستگی بندگان. [ای پروردگار] ده مرتبه، یا الله یا الله یا الله [ای خدا] ده مرتبه، یا سده یا سده [ای سرور] ده مرتبه، «یا مولایه، یا مولایه» [ای مولا] ده مرتبه، «یا رجاء» [ای امید] ده مرتبه، «یا غیاث» [ای پناه] ده مرتبه «یا غایه رغبت» [ای نهایت رغبت] ده مرتبه، «یا رحمن» [ای بخشاینده] ده مرتبه، «یا رحیم» [ای مهربان] ده مرتبه، «یا معطی الخیرات» [ای عطا بخش] ده مرتبه و درود فراوان و پاکیزه بر محمد و خاندان محمد فرست، همچون بهترین درودها که بر بنده ای بندان خود فرستی ده مرتبه و سپس حاجت خود را بطلب. مؤلف گوید: درباره روزه این سه روز و بجا آوردن دو رکعت نماز مستحب به هنگام ظهر روز جمعه، برای برآورده شدن حاجت، روایات بسیاری وارد شده.

بیست و یکم: از دیگر اعمال روز جمعه این است که چون خورشید به گاه ظهر رسد، دعایی را که محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرده، بخواند و آن دعا آنگونه که در مصباح المتهجد شیخ طوسی نقل شده، این است:

معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر از هر وصفی است و پاک و منزّه است خدا، و ستایش تنها او را سزااست، هم او که فرزندی نگرفته، و در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 85

فرمانروایی اش شریکی نپذیرفته است، و برای او نگاهداری از خواری نبوده است، پس او را بسیار بزرگ شمار آنگاه بگو:

ای فروریزنده نعمتها، ای پیش گیرنده بد فرجامیها، ای آفریننده جانداران، ای بلند همت، ای روشنی تاریکیها، ای صاحب جود و کرم، ای برطرف کننده زیان و درد، ای همدم ترسیدگان در تاریکیها، ای دانای نیاموخته بر محمد و خاندان محمد درود فرست با من چنان کن که تو را سزد، ای آن که نامش دوا و یادش شفا، و طاعتش توانگری است، مهرورز بر آن که سرمایه اش امید است، و ساز و برگش گریه، پاک و منزهی، معبودی جز تو نیست ای پرمهر، ای بخشایشگر، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، ای بلند بالا و بزرگوار.

بیست و دوم: در رکعت اول نماز ظهر جمعه پس از سوره «حمد» سوره «جمعه»، و در رکعت دوم آن بعد از سوره «حمد» سوره «منافقین» بخواند، و در رکعت اول نماز عصر پس از سوره «حمد» سوره «جمعه» و در رکعت دوم پس سوره «حمد» سوره «توحید» را بخواند. شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده: از چیزهایی که بر هر مؤمن شیعه ای واجب

و لازم است این که در شب جمعه را با سوره «جمعه» و سوره «اعلی» و در روز جمعه نماز را با سوره «جمعه» و «منافقین» بخواند، هرگاه این شیوه را رعایت کند، گویا به عمل رسول الله صلی الله علیه و آله رفتار نموده، و ثواب و پاداشش از سوی خدا بهشت خواهد بود.

شیخ کلینی به سند حسن «1» سندی که همچون سند صحیح «2» است از حلی روایت کرده:

از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردم: هرگاه در روز جمعه به تنهایی نماز بخوانم، یعنی به نماز جمعه موفق نشوم، آیا چهار رکعت نماز ظهر را با صدای بلند بخوانم؟ فرمود: آری، ولی در روز جمعه در نماز ظهر پس از «حمد» سوره‌های «جمعه» و «منافقین» بخوان.

(1) منظور از سند حسن سندی است که گرچه بعضی از راویان آن توثیق نشده‌اند ولی همه آنها مورد مدح و ستایش سندشناسان هستند.

(2) سند صحیح، سند صحیح، سندی است که راویان آن هم مورد اطمینان باشند و هم شیعه دوازده امامی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 86

بیست و سوم: شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مصباح المتّهیج از امام صادق علیه السلام روایت کرده:

هرکه پس از سلام نماز روز جمعه سوره‌های «حمد، ناس، فلق، توحید» و «کافرون» را هر کدام هفت بار بخواند. و نیز آیه «لقد جاءکم رسول من انفسکم» را که در آخر سوره براءت [نهمین سوره قرآن] است، و آیه «لو انزلنا هذا القرآن» را که در آخر سوره «حشر» قرار دارد تا پایان سوره و پنج آیه «ال عمران» را از «انّ فی خلق السموات و الارض» تا «انک لا تخلف الميعاد» [168-171] بخواند، از این جمعه تا جمعه دیگر، از گزند دشمنان و نیز آسیب بلاها در امان باشد.

بیست و چهارم: شیخ طوسی از امام صادق علیه السلام روایت کرده: هر که پس از نماز صبح یا پس از نماز ظهر بگوید:

بار خدایا! رحمت بی کرانت، و درود فرشتگان و فرستادگانت را بر محمد و خاندان محمد قرار ده تا يك سال بر او گناهی نوشته نشود و نیز فرموده هر که بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: خدای بر محمد و خاندان محمد درود فرست و طلوع ظهورشان را زود گردان نمیرد تا حضرت قائم (عج) را درک کند. مؤلف گوید: اگر دعای پیشین را پی از فریضه ظهر جمعه بخواند تا جمعه دیگر از بلاها در امان باشد. و نیز روایت شده: هر که بین دو نماز روز جمعه، بر محمد و آل محمد صلوات

فرستد، پاداش آن برابر پاداش هفتاد رکعت نماز خواهد بود. بیست و پنجم: دعای «یا من یرحم من لا ترجمه العباد» و دعای «اللهم هذا يوم مبارك» را که در از دعاهای «صحیفه کامله» [صحیفه کامله سجّادیه] است بخواند. بیست و هشتم: شیخ طوسی در کتاب «مصباح المتعجد» فرموده است: از امامان علیهم السلام روایت شده: هر که در روز جمعه پس از نماز ظهر دو رکعت نماز به جای آورد، و در هر رکعت بعد از سوره «حمد» هفت بار «قل هو الله احد» بخواند و پس از نماز بگوید:

خدایا! مرا از اهل بهشت قرار ده، آن بهشتی که انباشته از برکت و نعمت است و آبادکنندگانش فرشتگان هستند، در کنار پیامبر، محمد (درود خدا بر او و خاندانش باد) و پدرمان ابراهیم بر او درود و سلام باد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 87

تا جمعه دیگر دچار فتنه‌ای نشود، و حق تعالی او را در کنار و به همراه محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش و ابراهیم علیه السلام بگذارد. علامه مجلسی رحمه الله فرموده:

اگر این دعا را فردی که سید نیست بخواند به جای «و ایننا» بگوید «و اییه» بیست و هفتم: روایت شده: بهترین زمان برای فرستادن صلوات در روز جمعه، پس از عصر است. بنابراین در آن وقت صد مرتبه بگو:

خدایا! بر محمد و خاندانش رحمت فرست و ظهورشان را زود گردان شیخ طوسی فرموده است:

روایت شده: مستحب است صد مرتبه بگویی: درود خدا و فرشتگان و پیامبران و همه آفریده‌هایش بر محمد و خاندان محمد و سلام بر او و بر ایشان و بر روانها و تنهانشان، و رحمت خدا و برکاتش بر آنان باد. شیخ بزرگوار ابن ادریس در کتاب «سرائر» از جامع «بزنی» نقل کرده: که ابو بصیر گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود: صلوات بر محمد و آل محمد در بین ظهر و عصر، برابر با هفتاد رکعت نماز است، و کسی که پس از عصر روز جمعه بگوید: خدایا! درود فرست بر محمد و خاندان محمد، آن‌جانشینان پسندیده او، برترین درودهایت را، و از بهترین برکات به آنان ارزانی کن، و سلام بر ایشان و بر جانها و بدنهایشان و رحمت و برکات خدا بر آنان باد.

برای او همانند پاداش عمل پریان و آدمیان در آن روز خواهد بود. مؤلف گوید: این صلوات ارزنده در نوشته‌های بزرگان حدیث با سندهای بسیار معتبر، با فضیلت‌های فراوان روایت شده. و چنانچه ده بار و هفت بار خوانده شود بهتر است زیرا از امام صادق علیه السلام روایت شده: هر که پس از نماز عصر روز جمعه، پیش از آنکه از جای خویش برخیزد، این صلوات را ده بار بخواند، فرشتگان از این جمعه تا جمعه آینده در همین ساعت بر او صلوات می‌فرستند، و نیز از آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 88

حضرت روایت شده: هنگامی که نماز عصر روز جمعه را خواندی هفت بار این صلوات را بخوان. و شیخ کلینی در کتاب «کافی» روایت کرده: وقتی که در روز جمعه نماز خود را خواندی بگو: خدایا! درود فرست بر محمد و خاندان محمد که جانشینان پسندیده اویند بهترین درودهایت را، و بهترین برکات را بر آنان ارزانی کن، و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر ایشان باد.

به یقین هر که این صلوات را، پس از نماز عصر بخواند حق تعالی برای او صد هزار کار نیک ثبت کند، و از او صد هزار گناه را محو نماید، و صد هزار حاجتش را روا کند، و صد هزار بار مقامش را در بهشت بلند گرداند. و نیز شیخ کلینی فرموده روایت شده: هر که این صلوات را هفت بار بخواند برای او به تعداد بندگان کار نیک ثبت کنند و عملش در آن روز مورد قبول واقع شود، و در روز قیامت حاضر می شود درحالی که بین دو چشم او نرو پروفروغی می درخشد. و در اعمال روز عرفه صلواتی خواهد آمد که هرکس آن را بخواند حضرت محمد و آل محمد (صلوات الله و سلامه علیهم) را خشنود سازد.

بیست و هشتم: بعد از عصر هفتاد بار بگوید: استغفر الله ربی و اتوب الیه [از خدا، پروردگارم آمرزش می جویم و به سوی او می پویم] تا حق تعالی گناهان او را بیامرزد. بیست و نهم: صدر بار سوره «اَنَا انزلناه» را بخواند. از موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده:

برای خدا در روز جمعه هزار نسیم رحمت است که هرچه بنده اش بخواند از آن نسیم مهرآمیز به او بیخشد، پس هر که بعد از عصر روز جمعه صد بار سوره «اَنَا انزلناه» را بخواند، حق تعالی آن هزار رحمت را چند برابر گرداند و به او عطا فرماید. سی ام:

دعای عشرات را که در صفحات بعد [صفحه: 116] خواهد آمد بخواند. سی و یکم: شیخ طوسی رحمه الله فرموده: هنگام اجابت دعا ساعت آخر روز جمعه تا غروب آفتاب است، سزاوار است مؤمن در آن ساعت بسیار دعا کند. و روایت شده: ساعت اجابت دعا، هنگامی است که نیمی از خورشید غروب کرده باشد، و نیمه دیگر آن در مغرب دیده شود. حضرت فاطمه علیها السلام در آن هنگام دعا می کرد، بنابراین دعا در آن ساعت مستحب است. و دعایی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده مستحب است در ساعت اجابت دعا بخواند. و آن دعا این است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 89

پاك و منزّهی، پرستیده‌ای جز تو نیست، ای پرمهر ای بخشایشگر، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، ای دارای بزرگی و کرم. و در ساعت آخر روز جمعه دعای «سمات» را که پس از این [در صفحه: 121] خواهد آمد بخواند.

آگاه باش روز جمعه از چند جهت اختصاص و تعلق به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد:

یکی آنکه ولادت با سعادت ایشان در آن روز بوده، دیگر آنکه ظهور پر از سرور آن حضرت در روز جمعه خواهد بود، و از این رو، انتظار فرج در آن روز بیش از روزهای دیگر است، و در زیارت مختصّ به آن حضرت در روز جمعه آمده است «هذا يوم الجمعة، و هو يومك المتوقع فيه ظهورك، و الفرج فيه للمؤمنين علی يدك» [این روز جمعه است، روزی که انتظار می‌رود در آن ظهور کنی و به دست تو برای مومنان گشایش حاصل شود] بلکه عید بودن روز جمعه، و آن را یکی از عیدهای چهارگانه شمردن در حقیقت به خاطر زمان ظهور آن حضرت است، که در آن هنگام زمین را از وجود شرك و کفر، و - آلودگی به گناه و هم از وجود ستمکاران و دین‌ستیزان و کافران و منافقان پاك و پاکیزه می‌گرداند، و با آشکار ساختن کلمه حق و برافراشتن پرچم ایمان و احکام دین، چشم و دل خاصان اهل ایمان را در آن روز روشن و مسرور و خرسند می‌نماید و اشرفت الارض بنور ربّها [زمین به پرتو پروردگارش تا بنده گشت] - پس شایسته است که در این روز صلوات کبیر را بخوانی، و دعایی را که حضرت رضا علیه السّلام امر به خواند آن برای صاحب الأمر (عج) فرموده‌اند قرائت کنی، و آغاز آن دعا این است: «اللّهم ادفع عن ولّیک و خلیفتک» که بطور کامل در باب زیارات، در آخر اعمال سرداب [صفحه 798] خواهد آمد. و نیز خوب است که دعایی را که شیخ ابو عمرو عمروی قدس الله روحه به ابو علی بن همام املا کرده و فرموده است که آن را در زمان غیبت قائم آل محمد (عج) بخوانند، بخوانی. و چون آن صلوات و این دعا طولانی است، به جهت رعایت اختصار ذکر نکردیم، علاقمندان می‌توانند به کتابهای مصباح المتّهجد و جمال الاسبوع مراجعه کنند. جا دارد در اینجا صلواتی را که به ابو الحسن ضرباب اصفهانی منسوب است و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس آن را در اعمال عصر روز جمعه آورده‌اند ذکر کنیم بسیّد ابن طاووس فرموده: این صلوات از مولای ما حضرت مهدی (عج) روایت شده و حتی اگر تعقیب روز جمعه را به جهت، عذری نتوانستی بخوانی، هرگز این صلوات را ترك نکن به جهت امری که خدا جل جلاله ما را به آن آگاه نموده است. آنگاه سیّد در ادامه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 90

سند آن را با متن صلوات نقل کرده، امّا شیخ در مصباح المتّهجد فرموده: این صلوات از حضرت صاحب الزّمان (عج) روایت شده که در مگّه بدست ابو الحسن ضرباب اصفهانی رسیده است و ما سند آن را بخاطر اختصار نسخه ذکر نکردیم. و آن دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، خدایا! بر محمد درود فرست، آن سرور فرستادگان و پایان‌بخش پیامبران و برهان پروردگار جهانیان، آن برگزیده خدا در عالم الست، انتخاب‌شده او در ملکوت، پاکیزه از هر آفت، بری از هر عیب، همان که از او آرزوی نجات برند، و امید شفاعت از او دارند، آن که دین خدا به او واگذار گشته، بار خدایا بنیادش را شرف بخش، و برهانش را بزرگ گردان، و حجت او را پیروز کن، و پایه‌اش را برافراز، و نورش را برافروز و رویش را سپید کن و فضلش عطا کن، و به او جایگاه و دست‌آویز و رتبه بلند عنایت کن، و او را در جایگاه ستوده‌ای که گذشتگان و آیندگان به آن رشك برند برانگیز، و بر علی امیر مؤمنان و وارث رسولان و پیشوای نیکان با چهره‌های درخشان و سرور اوصیاء و برهان پروردگار جهانیان درود فرست و بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان درود فرست! و بر حسین بن علی پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان درود فرست و بر علی بن الحسین پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان درود فرست و بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 91

پروردگار جهانیان درود فرست، و بر جعفر بن محمد پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان درود فرست، و بر موسی بن جعفر پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان، درود فرست، و بر علی بن موسی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان، درود فرست، و بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان، درود فرست، و بر علی بن محمد پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان، درود فرست، و بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان، درود فرست، و بر یادگار پیامبران و امامان و هدایتگر هدایت‌یافته، پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان، درود فرست، بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست، آن پیشوایان رهنما و عالمان راستگو، و نیکان پرهیزگار، آنان که ستون‌های دین تو و پایه‌های توحیدت و ترجمان وحیت و حجت‌های تو بر آفریده‌هایت، و جانشینان تو در زمینت هستند، هم آنان که برای خود اختیار کردی. و و بر بندگان برگزیدی، و برای دینت پسندیدی، و به شناخت خویش اختصاص دادی، و به کرامت خود بزرگی‌شان بخشیدی، و به رحمت فرو گرفتی، و به نعمت پروراندی، و به حکمت به ایشان غذا دادی و لباس نور بر اندامشان پوشاندی و مقامشان را در ملکوت بلند گردانیدی، و در پوشش و حمایت فرشتگان درآوردی، و به پیامبرت که درود تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 92

بر او و خاندانش بادشرافتشان بخشیدی. خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی پاکیزه، فزاینده فراوان پیوسته و خوشایند که جز تو به آن احاطه نیابد، جز دانش تو آن را فرا نگیرد، و کسی جز تو شمارش را نداند.

خدایا! درود فرست بر ولایت که حیات بخش راه و روش و پیدارنده فرمانت و دعوت کننده به سویت و رهنمای به هستی است، و حجت بر آفریدگان و جانشینت در زمین، و گواه تو بر بندگان. بار خدایا! یاری اش را اقتدار بخش و عمرش را طولانی ساز، و زمین را به طول بقایش بیاری. بار خدایا! او را از ستم حسودان کفایت کن، و از گزند مکاران پناه ده، و اراده پیدادگران را از او بازدار، و از دست گردنگشانش رهایی بخش بار خدایا! به او عطا کن برای خودش و فرزندان، و پیروانش و رعیتش و خاصانش و همه آنان که فرمانش برند و دشمنانش و همه اهل دنیا آنچه که دیدگانش را به آن روشن کنی و دلش را به آن شاد نمایی و او را در دنیا و آخرت به برترین آرزوهایش برسان، به یقین تو بر هر چیز توانایی. بار خدایا! به دست او آنچه از دینت فراموش شده را تازه گردان، و آنچه از معانی کتابت تغییر یافته را زنده کن، و آنچه از احکامات دگرگون شده را آشکار ساز، تا دینت به وسیله او و به دست او شاداب، نوین، ناب و بی آلایش گردد آنچنان که شکی در آن نبوده و شبهه ای با آن نباشد، و باطل و بدعتی همراه آن نماند. بار خدایا! هر ظلمتی را با نورش روشنی بخش، با استواری اش هر بدعتی را ویران کن، و با پایداریش هر گمراهی را برطرف کن و به دست او پشت هر گردنکشی را با پایداریش بشکن، و آتش هر آشوبی را با شمشیر او خاموش کن و ستم هر ستمگری را با عدل او

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 93

نابود ساز، و فرمانش را بر هر فرمانی چیره گردان و هر سلطنتی را به سلطنتش خوار کن. بار خدایا! هر که را که آهنگ او کند به ذلت نشان و هر که را با او دشمنی ورزد هلاک ساز و مکر کن با هر که با او نیرنگ باز، و هر که حقش را انکار کند و فرمانش را سبک شمارد، و در خاموش کردن نورش بکوشد، و فرونشاندن یادش را اراده نماید از بن برکن، خدایا! درود فرست بر محمد مصطفی و علی مرتضی، و فاطمه زهرا، و حسن خشنود از قضا، و حسین پاک گشته، و همه اوصیایی که چراغهای تاریکی، و نشانه های هدایت، و مشعلهای فروزان تقوی، و دستاویز و رشته استوار و راه راست اند، و بر ولایت و زمامداران پای بند به عهدت که امامان از فرزندان، هستند درود فرست، و بر عمرشان بیفزای و به طول حیاتشان فزونی بخش، و به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخروییشان برسان که به یقین تو بر هر چیز توانایی.

بدان که موافق روایتی شب شبیه هم حکم شبیه جمعه را دارد و سزاوار است آنچه در شب جمعه خوانده می شود در آن شب هم خوانده شود.

فصل پنجم: زیارات معصومین علیهم السّلام در ایام هفته

در تعیین اسامی پیامبر اکرم و ائمه طاهرين عليهم السّلام برای روزهای هفته و زیارت آنان در آن روزها. سيّد ابن طاووس ره در کتاب «جمال الاسبوع» فرموده: ابن بابويه با ذکر سند از صقر بن ابی دلف روایت کرده: زمانی که متوکل عباسی حضرت های علیه السّلام را به شهر [سامرای کنونی] آورد و نزد دربان خود (زراقی) حبس کرد، روزی برای خبر گرفتن از احوال آن حضرت نزد زراقی رفتم، گفت: چه کاری داری؟ گفتم: برای دیدن شما آمده‌ام. ساعتی با هم نشستیم و از هر دری سخن گفتیم، تا زمانی که مردم را متفرّق کرد و مجلس خلوت شد، باز از من پرسید: برای چه پیش من آمده‌ای؟

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 94

من به همان صورت اوّل پاسخ گفتم، ولی او گفت: گویا آمده‌ای که خبری از مولای خود، امام هادی علیه السّلام بگیری؟

من ترسیدم، گفتم: مولای من متوکل است، گفت: ساکت شو که مولای تو بر حق است، و من نیز هم عقیده توام. گفتم: «الحمد لله» سپس گفت: آیا می‌خواهی نزد آن حضرت بروی؟ گفتم: آری. گفت: اندکی بنشین تا پیک از نزد آن حضرت بیرون آید، من نشستم تا زمانی که پیک بیرون آمد، پس از آن پسری را مأموریت داد، تا مرا نزد آن حضرت ببرد، وقتی به خدمت آن جناب رسیدم، دیدم بر روی حصیری نشسته و در برابرشان قبری آماده کرده‌اند! به وجود مبارکشان سلام کردم، سلامم را جواب دادند، سپس دستور دادند بنشینم، فرمودند: برای چه آمده‌ای؟ گفتم: برای خبر گرفتن از احوال شما آمده‌ام، آنگاه به خاطر دیدن آن قبر گریه کردم. حضرت فرمودند: گریه مکن، که در این زمان از جانب ایشان آسیبی به من نمی‌رسد، گفتم: «الحمد لله» سپس گفتم: ای سرور من، حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که من معنی آن را نمی‌فهم، فرمودند آن حدیث کدام است؟ عرض کردم: لا تعادوا الاّیام فتعادیکم [با روزها دشمنی مکنید تا آنها با شما دشمنی نورزند]. فرمودند: مراد از روزها تا زمانی که آسمانها و زمین برپاست ما هستیم.

شنبه: نام رسول خداست، یکشنبه: امیر المؤمنین علیه السّلام، دوشنبه: حسن و حسین علیهما السّلام، سه‌شنبه: علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السّلام، چهارشنبه: موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و من، پنجشنبه: فرزند حسن علیه السّلام، جمعه: فرزند فرزندم، که اهل حق بر گردش جمع می‌شوند. این است معنی ایّام، پس در دنیا با ایشان، دشمنی مکنید، که در آخرت با شما دشمنی خواهند کرد. آنگاه فرمود:

با من خداحافظی کن و برو که بر تو ایمن نیستم و می‌ترسم آزاری به تو رسد. سپس سيّد این حدیث را به سند دیگر از - قطب راوندی نقل کرده، آنگاه فرموده: زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز شنبه این است:

زیات حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز شنبه

شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یکتاسب و شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که تو فرستاده اویی، و تویی محمد فرزند عبد الله، و شهادت می‌دهم که تو پیامهای پروردگارت را به مردم رساندی و برای امتت خیرخواهی نمودی و در راه خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 95

با حکمت و اندرز پسندیده کوشیدی، و آنچه را از حق بر عهده تو بد ادا کردی، و همانا تو به مردمان مؤمن مهربانی نمودی، و بر کافران سخت گرفتی، و خدا را با خلوص کامل تا رسیدن مرگ بندگی کردی، پس خداوند تو را به شریف‌ترین مقام اهل کرامت نایل گرداند. سپاس خدای را که ما را به وسیله تو از شرک و گمراهی رهانید. خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و درود خود و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و بندگان شایسته‌ات و همه اهل آسمانها و زمینها و هر آنکه از پیشینیان و آیندگان تسبیح تو گوید را ای پروردگار جهانیان، بر محمد بنده شایسته و پیامبر و فرستاده‌ات و امین و برگزیده و محبوب و پاک و بنده و خاص و خالصت و اختیار شده از میان بندگان، قرار ده. خدایا! به او فضل و برتری و مرتبه شفاعت و درجه بلند عطا کن و او را به مقام ستوده‌ای که پیشینیان و آیندگان بر ان رشک برند برانگیز. خدایا! تو فرموده‌ای: «اگر ایشان آنگاه که برخود ستم کردند نزد تو می‌آیند پس از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر نیز برای ایشان درخواست آمرزش می‌نمود، به یقین خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند» خدایا! من استغفارکنان و پشیمان از گناهانم نزد پیامبرت آمدم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و گناهانم را ببامرز. ای سرور ما، دست به دامن تو و خاندانت، به جانب خدای متعال که پروردگار من و توسست روی می‌آورم تا مرا ببامرز. همه از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم سپس بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 96

ای محبوب دل‌های ما، ما به خاطر تو سوگواریم، و چه بزرگ است سوگواری بر تو از آن‌رو که وحی از ما بریده و هم از آن‌رو که به فقدان تو دچار آمده‌ایم چه ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم، ای سرور ما، ای فرستاده خدا، درود خدا بر تو و بر خاندان پاک پاکیزه‌ات باد. امروز روز شنبه است و آن روز توسست، و من در این روز مهمان تو و پناهنده به درگاه

توأم، پس از من پذیرایی کن و به من پناه ده، زیرا تو بزرگوار و مهمان‌نوازی، و از سوی حق تعالی مأور به پناه دادنی، پس از من پذیرایی کن و نیکو پذیرایی فرما و ما را پناه ده، و نیکو پناه‌مان ده، به برکت جایگاهی که خدا نزد تو و نزد خاندانت دارد، و بحق منزلی که آنان نزد خداوند دارند و بحق آنچه از دانشش نزد شما سپرده که همانا او گرامی‌ترین گرامیان است.

گردآورنده این کتاب عباس قمی خدایش ببخشاید گوید: من هرگاه خواستم رسول خدا را به این زیارت، زیارت نمام نخست آن حضرت را به صورتی که امام هشتم تعلیم بنظی فرموده زیارت می‌کنم، پس از آن این زیارت را می‌خوانم. و آن زیارت [زیارت تعلیم داده شده به بنظی] به گونه‌ای که با سند صحیح روایت شده چنین است: ابن ابی نصر خدمت - حضرت رضا علیه السّلام عرض کرد: پس از نماز چگونه بر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات و سلام فرستاد؟ فرمود میگوئی:

سلام و رحمت خدا و برکاتش بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبد الله، سلام بر توی ای اختیارشده خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین وحی خدا، شهادت می‌دهم که تو فرستاده خدایی و گواهی می‌دهم که تو محمد بن عبد الله هستی و گواهی می‌دهم که تو امت خویش را خیرخواهانه پندگفتی، و در راه پرودگارت جهاد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 97

کردی، و او را تا زمان مرگ پرستیدی، پس خدا پاداشت دهد ای فرستاده خدا، بهترین پاداشی که به پیامبری از سوی امتش می‌دهد. خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست. برترین درودی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، همانا تو ستوده و بزرگواری

زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در روز یکشنبه

این زیارت به روایت کسی است که امام زمان (عج) را در بیداری مشاهده کرده بود در حالی که آن حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام را در روز یکشنبه که روز آن حضرت است با این عبارات زیارت می‌کرد:

سلام بر شجره نبوت، و درخت تنومند هاشمی، درخت تابان و بارور به برکت نبوت و حرّم و سرسبز به حرمت امامت، و بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح (درود بر آنها باد). سلام بر تو و بر اهل بیت پاک و پاکیزه‌ات، سلام بر تو و بر فرشتگان حلقه‌زنده بر دورت و گرد آمده بر قبرت، ای مولای من ای امیر مؤمنان، امروز روز یکشنبه و روز تو و به نام توست و من در این روز میهمان و پناهنده به توام، ای مولای من از من پذیرایی کن و مرا پناه ده، چه همانا تو کریمی و مهمان‌نازی را دوست می‌داری و از سوی خدا مأمور به پناه دادنی، پس برآور خواهشی را که برای آن در این روز بسوی تو میل نمودم و آن را از تو امید دارم، به حق مقام والای خود و جایگاه بلند اهل بیت نزد خدا و مقام خدا نزد شما، و بحق پسر عمویت رسول خدا که خدا بر او و خاندانش همه و همه درود و سلام فرستد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 98

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در روز یکشنبه

سلام بر تو ای آزموده شده، آن که تو را آفرید آزمودت، پس تو را به آنچه آزمود شکبیا یافت، من از صمیم قلب به تو ایمان دارم و بر آنچه پدر بزرگوارت و جانشینش (درود خدا بر آن دو باد) آوردند بردبارم و از تو می‌خواهم از آنجا که مومن به تو هستم مرا به گروندگان آن دو ملحق سازی تا دلشاد گردم، پس گواه باش که همانا من تنها به ولایت تو و ولایت اهل بیت (که درود خدا بر همه آنان باد) پاک گشته و دلگرمم.

زیات حضرت زهرا علیها السلام به روایتی دیگر: سلام بر تو ای آزموده شده، آزمودت آن که تو را آفرید پیش از آفریدن در دنیا، و در آن آزمون شکبیا بودی و ما دوستان و تصدیق کنندگان تویم، و به همه آنچه پدر بزرگوارت (درود خدا بر او و خاندانش باد) و جانشینش (درود بر او) آوردند سر می‌سپاریم خدایا! از تو می‌خواهیم از آن رو که تصدیق کنندگان آن بزرگواران بودیم ما را به خاطر این باور به درجه والا برسانی، تا خود را بشارت دهیم که پاک گشتیم به ولایت آنان (درود بر آنان)

زیات حضرت حسن علیه السلام در روز دوشنبه

روز دوشنبه روز امام حسن و امام حسین علیهما السلام است، در زیارت حضرت امام حسن علیه السلام میگوییم: سلام بر تو ای فرزند فرستاده پرودگار جهانیان، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 99

فاطمه زهرا، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای برهان حکم خدا، سلام بر تو ای نور خدا، سلام بر تو ای راه خدا، سلام بر تو ای بیان حکم خدا، سلام بر تو ای یار دین خدا، سلام بر تو ای سرور پاک نهاد، سلام بر تو ای نیکوکردار وفادار، سلام بر تو ای قیام کننده امین، سلام بر تو ای آگاه به تأویل، سلام بر تو ای راهنمای راه یافته، سلام بر تو ای پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای پرهیزکار پاکدامن، سلام بر تو ای حقیقت راستین و آشکار، سلام بر تو ای شهید راست کردار سلام بر تو ای ابا محمد حسن بن علی، و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

زیات حضرت حسین علیه السلام در روز دوشنبه

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند سرور زنان جهانیان، گواهی می دهم که تو نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و خدا را خالصانه عبادت کردی و در راه خدا به نحو شایسته به جهاد برخاستی تا مرگ تو را دربر گرفت، از من بر تو سلام تا هستم و تا شب و روز باقی است و سلام بر خاندان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 100

پاک و پاکیزه ات، ای مولای من، من دل بسته تو و خاندان تو هستم، در صلح با آن که با شما در صلح است، و در جنگم با آن که با ما در جنگ است، من به نهان و آشکار و ظاهر و باطن شما ایمان دارم، لعنت خدا بر دشمنانتان از گذشتگان و آیندگان، من از آنان به سوی خدا بیزاری می جویم، ای مولای من ای ابا محمد، ای سرور من ای ابا عبد الله، امروز روز دوشنبه است و روز شما دو بزرگوار و به نام شماست و من در این روز مهمان شما هستم، پذیرای من باشید و نیکو پذیرایی کنید، چه خوشبخت میهمانی است آن که شمار میزبانش باشید، و من در این روز از پناهندگان به شما،

پس مرا پناه دهید، به یقین شما از سوی خدا مأمور به پذیرایی نمودن و پناه دادنید، خدا بر شما و خاندان پاکتان درود فرستد.

زیارت حضرت زین العابدین و حضرت باقر و حضرت صادق علیهم السّلام در روز سه‌شنبه

روز سه‌شنبه به نام حضرت زین العابدین و حضرت باقر و حضرت صادق علیهم السّلام است. زیارت کن ایشان را در این روز به این زیارت:

سلام بر شما ای خزانه‌داران علم خدا، سلام بر شما ای مفسران وحی خدا، سلام بر شما ای پیشوایان هدایت، سلام بر شما ای نشانه‌های پارسایی، سلام بر شما ای فرزندان رسول خدا من به حق شما دانا، و به مقام شما بینایم و با دشمنانتان دشمن، و با دوستانتان دوستم، پدر و مادرم فدایتان، دروذهای خدا بر شما باد. خدایا! من دوست دارم آخرین اینان را چنان‌که دوست داشتم اولینشان را، و از هر صف‌بندی در برابر ایشان بیزاری می‌جویم و به جبت و طاغوت و لات و عزی [بتان روزگار جاهلیت] کفر می‌ورزم، ای سروران

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 101

من، دروذهای خدا و رحمت و برکاتش بر شما باد، سلام بر تو ای سرور عابدان، و زیده جانشینان، سلام بر تو ای شکافنده دانش پیامبران، سلام بر تو ای راستگوی پذیرفته در گفتار و کردار، ای سروران من، امروز روز سه‌شنبه روز شماسست و من در این روز میهمان شما و پناهنده به شمایم، پذیرای من باشید، و پناهم دهید، به حق مقام خدا نزد شما و اهل بیت پاکیزه و پاکتان.

زیات حضرت کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السّلام در روز چهارشنبه

روز چهارشنبه به نام حضرت موسی بن جعفر و حضرت رضا و حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السّلام است. در زیارت آن بزرگواران بگو:

سلام بر شما ای دوستان خدا، سلام بر شما ای حجت‌های خدا، سلام بر شما ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر شما، دروذهای خدا بر شما و بر خاندان پاکیزه و پاکتان، پدر و مادرم فدایتان، به راستی خدا را خالصانه پرستیدید و در راه خدا آنچنان که شایسته بود جهاد نمودید تا مرگ شما را دربر گرفت، لعنت خدا بر دشمنانتان از تمام پریان و آدمیان، من به سوی خدا و به سوی شما از دشمنانتان بیزاری می‌جویم، ای سرور من یا ابا ابراهیم موسی بن جعفر، ای سرور من یا ابا الحسن علی بن موسی، ای سرور من یا ابا جعفر محمد بن علی، ای سرور من یا ابا الحسن علی بن محمد، من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 102

دل بسته شما هستم، ایمان دارم به نّهان و آشکار شما، در این روز شما که روز چهارشنبه است از شما درخواست پذیرایی دارم، و به بارگاه شما پناه می‌جویم، پس مرا پذیرا باشید و پناهم دهید، به حقّ خاندان پاکیزه و پاکتان.

زیارت حضرت عسکری علیه السّلام در روز پنجشنبه

روز پنجشنبه به نام حضرت عسکری علیه السّلام است. در زیارت آن حضرت بگو:

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجت حق و بنده پاک خدا، سلام بر تو ای پیشوای مؤمنان، و وارث پیامبران، و برهان محکم پروردگار جهانیان، درود خدا بر تو و اهل بیت پاکیزه و پاکت باد، ای سرور من یا ابا محمد حسن بن علی، من دل بسته تو و اهل بیت توام، این روز روز پنجشنبه و روز توسست و من در آن میهمان و پناهنده به توام، پس به نیکی پذیرایم باش و پناهم ده، به حق خاندان پاکیزه و پاکت.

زیات حضرت صاحب الزّمان (عج) در روز جمعه

جمعه روز حضرت صاحب الزّمان (عج) و بنام آن حضرت است و همان روزی است که ایشان در آن روز ظهور خواهد فرمود ... بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش، سلام بر تو ای دیده خدا در میان مخلوقاتش، سلام بر تو ای نور خدا که رهجویان به آن نور ره می‌یابند و به آن نور از مؤمنان اندوه و غم زدوده می‌شود، سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 103

بر تو ای پاک‌نهاد و ای هراسان از آشوب دوران، سلام بر تو ای همراه خیرخواه، سلام بر تو ای کشتی نجات، سلام بر تو ای چشمه حیات، سلام بر تو، درود خدا بر تو و بر خاندان پاکیزه و و پاکت، سلام بر تو، خدا در تحقق وعده‌ای که به تو داده از نصرت و ظهور امرت شتاب فرماید، سلام بر تو ای مولای من، من دل‌بسته تو و آگاه به شأن دنیا و آخرت توام، و به دوستی تو و خاندانت به سوی خدا تقرّب می‌جویم و ظهور تو و ظهور حق را به دست تو انتظار می‌کشم، و از خدا درخواست می‌کنم بر محمد و خاندان محمد درود فرستد و مرا از منتظران و پیروان و یاوران تو در برابر دشمنانت و از شهدای در آستان در شمار شفیگان قرار دهد، ای سرور من، ای صاحب زمان، دروهای خدا بر تو و بر خاندانت، امروز روز جمعه و روز توست روزی که ظهورت و گشایش کار اهل ایمان به دست در آن روز و کشتن کافران به سلاح امید می‌رود و من ای آقای من در این روز میهمان و پناهنده به توام و تو ای مولای من بزرگواری از فرزندان بزرگواران و از سوی خدا به پذیرایی و پناه‌دهی مأموری، پس مرا پذیرا باش و پناه ده، دروهای خدا بر تو خاندان پاکیزه‌ات.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 104

سید بن طاووس فرموده: من پس از این زیارت به این شعر تمثیل می‌جویم و به آن حضرت اشاره نموده، می‌گویم:

«در هر کجا و بر سر هر خوان من میهمان توام ای صاحب الزّمان»

فصل ششم: در بیان بعضی از دعاهای مشهور

«دعای صباح امیر المؤمنین علیه السلام

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

خدایا، ای آن که زبان صبح را به گویایی تابش و روشنایی اش برآورد، شب تار را با تیرگیهای شدید به هم پیچیده اش به اطراف جهان فرستاد، و ساختمان سپهر گردون را در اندازه های زیبایش محکم نمود، و پرتو خورشید را به روشنایی شعله ورش در همه جا برافروزد، ای آن که بر ذاتش دلی است و از شباهت و هم گونگی با آفریده گانش منزّه است و شأنش از سازگاری با کیفیّات مخلوقاتش برتر است، ای آن که به باورهای گذرا بر دل نزدیک و از چشم انداز دیدگان سر دور است، و آنچه را هستی پیش از آنکه پدید آید می داند، ای آن که در گاهواره امن و امانش خوابانید مرا و به جانب آنچه از نعمتها و احسانش که بی دریغ به من بخشید بیدارم کرد و دستهای حوادث و آفات را با دست لطف و قدرتش از من بازداشت. خدایا، درود فرست به آن راهنمای به سویت در شب تیره و تاریک جاهلیت و آن چنگ زنده از میان ریسمانهای به بلندترین رشته شرف و آن دارنده حسب پاک و ناب که برگرده استوارترین روشن شرافت قرار دارد، و آن ثابت قدم در لغزشگاههای دوران

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 105

پیش از بعثت، و نیز بر خاندان او که بهترین انتخاب شدگان و برگزیدگان و نیکانند. خدایا! درهای روز را با کلیدهای رحمت و رستگاری به روی ما بگشا، و بر من از بهترین لباسهای هدایت و صلاح بپوشان، به عظمتت در آبشخور قلبم چشمه های فروتنی را بجوشان، و در برابر هیبت از گوشه های دیگام رودهای اشک سوزان جاری ساز، و مرا از بی پروایی و نادانی به مهارهای قناعت و خواری ادب فرما. خدایا اگر رحمت تو با توفیق نیکو از ابتدا شامل حال من نبود چه کسی رهنمای من به سویت در این راه روشن می بود؟ و اگر مهلت مرا تسلیم آمال و آرزوهای باطل کند آنگاه چه کسی لغزشهایم را از فروافتادن در هوای نفس جبران می کند؟ و اگر به هنگام جنگ با نفس و شیطان یاریت مرا واگذارد این یارین نکردنت مرا در آغوش رنج و محرومیت اندازد. خدای من، می بینی که به پیشگفت نیامدم مگر از جهتی که نسبت به رحمتت روزها داشتم، یا چنگ نزد من به اطراف رشته استوارت مگر آنگاه که گناهانم مرا از خانه وصال تو دور ساخت، پس چه بد مرکبی است مرکب خواسته های باطل که نفسم بر آن سوار شده، وای بر این نفس که گمناهای بی مورد و آرزوهای ناجاییش با همه زشتی در برابرش زیبا جلوه کرده! و مرگ بر او که سرور و مولایش جزات نموده! خدایا با دست امید در رحمتت را کوبیدم و از کثرت هوسرانی ام به پاهندگی به سویت گریختم و به کناره های رشته استوارت انگشتان محبّتم را آویختم. بار خدایا از آنچه در گذشته مرتکب شدم، از لغزش و خطایم چشم پوشی کن و از درافتادن به جامه تنگ گناه رهايم ساز که به یقین تویی سرور و مولا،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 106

و پشتیبان و امید من، و تویی منتهای خواسته و آرزوی من، در دنیا و آخرت، خدای من چسان درمانده‌ای را که در حال گریز از گناهان خویش به تو پناه جسته از خود می‌رانی؟ یا چگونه رهجویی را که شتابان قصد آستان نمود نامید می‌کنی؟ یا چگونه تشنه‌ای را باز می‌گردانی که وارد حوضهای شده؟، البته که چنین نخواهی کرد زیرا حوضهای رحمت در سخت‌ترین خشک‌سالیها لبریز و درگاه لطف همواره برای درخواست و وارد شدن باز است، تویی منتهای خواسته و نهایت آرزو. خدای من این مهار نفس من است که به پایبند مشیت بستم، و این بارهای سنگین گناهان من است که به پیشگاه عفو و رحمت انداختم، و این هوسهای گمراه‌کننده من است که به درگاه لطف و مهرت واگذاشتم. بار خدایا! این صبح مرا چگونه آغاز کن که با پرتو هدایت و با سلامت دین و دنیا همراه باشد و شبم را سپری ساز از نیرنگ دشمنان و نگاهبانی گردان از هلاکتهای هوای نفس، که به یقین تو به هر چه بخواهی توانایی، فرمانروایی را به هر که بخواهی عنایت می‌کنی، و از هر که بخواهی باز می‌ستانی، و هرکه بخواهی عزت می‌بخشی، و هرکه اراده کنی به ذلت می‌نشانی، خوبی بدست توست، همانا بر همه‌چیز توانایی، شب را در روز درمی‌آوری، و روز را در شب، زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را از زنده، زنده، و هر که را بخواهی بی‌حساب روزی می‌دهی. معبودی جز تو نیست. بار خدایا! تنها تو را منزه می‌دارم و سپاس و ستایش می‌گویم، کیست که قدر تو را بشناسد و از مقام تو نترسد؟ و کیست که بداند تو کسیتی آنگاه از تو نهراسد؟ با قدرت خود پراکنده را الفت بخشیدی و با مهربانیت سپیده‌دم را شکافتی و با کرمات تاریکیهای شب را روشن نمودی، و آبهای شیرین و شور

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 107

را از دل سنگهای سخت و خارا جاری کردی و از ابرهای گران بارانی فراوان فرو ریختی و خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان قرار دادی، بی‌آنکه در آنچه آغازگر پیدایشش بودی دچار خستگی و ناتوانی و چاره‌جویی شوی ای آن که در عزت و بقا یگانه است و بندگان را به مرگ و فنا مقهور خود ساخته است، درود فرست بر محمد و خاندان پرهیزگارش و ندای مرا بشنو، و دعایم را اجابت گو، و به فضل خود آرزو و امیدم را محقق فرما، ای بهترین کسی که برای برطرف ساختن هر بدحالی خوانده و برای هر سختی و آسانی آرزو شدی، نیازم را به پیشگاه تو فرود آوردم، پس از موهبتهای بلندپایه خود ناامیدانه ردم مکن ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان، و درود خدا بر بهترین آفریده‌اش محمد و اهل بیت او همه آنگاه به سجده رود و بگوید: خدای من، دلم در پرده‌های ظلمت پوشیده شده و جانم دچار کاستی گشته و عقلم مغلوب هوای نفسم شده و هوای نفسم بر من چیره آمده، طاعتم اندک،

و نافرمانیم بسیار، و زبانت اقرارکننده به گناهان است، چاره من چیست ای پرده‌پوش عیبها، ای دانای گناهانها، ای برطرف‌کننده غمها، همه گناهان مرا بیامرز، به احترام محمد و خاندان محمد، ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده به مهربانیت ای مهربان‌ترین مهربانان.

مؤلف گوید: علامه مجلسی رحمه الله این دعا را در کتاب دعای «بخار» و در کتاب صلوة آن همراه با توضیح ذکر کرده و فرموده: این دعا از دعاهای مشهور است ولی من آن را در کتابهای معتبر جز در کتاب مصباح سید ابن باقی رحمه الله نیافتم. و نیز فرموده است: مشهور خواندن این دعا پس از نماز صبح است درحالی که سید ابن باقی خواندن آن را پس از نافله صبح روایت نموده است و به هر کدام عمل شود مناسب است.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 108

دعای کمیل بن زیاد

از دعاهای بسیار معروف است، علامه مجلسی رحمه الله فرموده: این دعا از بهترین دعاهاست و دعای خضر پیمبر است. امیر المؤمنین علیه السلام آن را به کمیل که از خواص اصحاب آن حضرت بود آموخت و نیز فرموده: در شبهای نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده می‌شود، و برای کفایت از گزند دشمنان و گوشده شدن درهای روزی و آمرزش گناهان سودمند است. شیخ طوسی و سید ابن طاووس آن را در کتابهای دعای خود آورده‌اند و من متن این گنجینه ملکوتی را از «مصباح المتهجه» روایت می‌نمایم و آن دعای شریف این است: خدایا از تو درخواست می‌کنم، به رحمت که همه چیز را فرا گرفته، و به نیرویت که با آن بر هر چیز چیره گشتی و در برابر آن هر چیز فروتنی نموده و همه چیز خوار شده و به جبروت که با آن بر همه چیز فائق آمدی و به عزّت که چیزی در برابرش تاب نیاورد و به بزرگی‌ات که همه چیز را پر کرده و به پادشاهی‌ات که برتر از همه چیز قرار گرفته، و به جلوه‌ات که پس از نابودی همه چیز باقی است و به نامهایت که پایه‌های همه چیز را انباشته و به علمت که بر همه چیز احاطه نموده، و به نور ذاتت که همه چیز در پرتو آن تابنده گشته، ای نور، ای پاك از هر عیب، ای آغاز هر آغاز، و ای پایان هر پایان، خدایا! بیامرز برای من آن گناهانی را که پرده حرمت می‌درد، خدایا! بیامرز برای من آن گناهانی را که کیفرها را فرو می‌بارند، خدایا! بیامرز برایم گناهانی را که نعمتها را دگرگون می‌سازند، خدایا! بیامرز برایم آن گناهانی را که دعا را باز می‌دارند، خدایا! بیامرز برایم گناهانی که بلا را نازل می‌کند، خدایا! بیامرز برایم همه گناهانی را که مرتکب شدم، و تمام خطاهایی که به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 109

آنها آلوده گشتم، خدایا! با یاد تو به سویت نزدیکی می‌جویم، و از ناخشنودی تو به درگاه خودت شفاعت می‌طلبم، و از تو خواستارم به جودت مرا به بارگاه قرب خویش نزدیک گردانی و سپاس خود را نصیب من کنی، و یادت را به من الهام نمایی، خدایا! از تو درخواست می‌کنم، درخواست بنده‌ای فروتن، خوار و افتاده، که با من مدارا نمایی و به من رحم کنی و به آنچه روزی‌ام نموده‌ای خشنود و قانع بداری و در تمام حالات در عرصه تواضع بگذاری، خدایا! از تو درخواست می‌کنم درخواست کسی که سخت تهیدست شده و بار نیازش را به هنگام گرفتاریها به آستان تو فرود آورده و میلش به آنچه نزد توست فزونی یافته، خدایا! فرمانروایی بس بزرگ و مقامت والا و تدبیرت پنهان، و فرمانت آشکار، و قهرت چیره، و قدرت نافذ، و گریز از حکومت ممکن نیست، خدایا! آمرزنده‌ای برای گناهانم و پرده‌پوشی برای زشتکاریهایم و تبدیل‌کننده‌ای برای کار زشتم به زیبایی، جز تو نمی‌یابم معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی و به ستایشت برخاسته‌ام، به خود ستم کردم و از روی نادانی جرأت نمودم و به یاد دیرینه‌ات از من و بخششت بر من به آرامش نشستم خدایا! ای سرور من چه بسیار زشتی مرا پوشاندی و چه بسیار بالا‌های سنگین و بزرگی که از من برگرداندی و چه بسیار لغزشی که مرا از آن نگهداشتی و چه بسیار ناپسند که از من دور کردی و چه بسیار ستایش نیکویی که شایسته آن نبودم و تو در میان مردم پخش کردی، خدایا! بلایم بزرگ شده و زشتی عالم از حد گذشته و کردارم خوارم ساخته و زنجیرهای گناه مرا زمین‌گیر نموده و دوری آرزوهایم مرا زندانی ساخته و دنیا با غرورش و نفسم با جنایتش و امروز و فردا کردم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 110

در توبه مرا فریفته، ای سرورم از تو درخواست می‌کنم به عزّت که مانع نشود از اجابت دعایم به درگاهت، بدی عمل و زشتی کردارم و مرا با آنچه از اسرار خاتم می‌دانی رسوا سازی و در کیفر آنچه در خلوت‌هایم انجام دادم شتاب نکنی، از زشتی کردار و بدی رفتار و تداوم تقصیر و نادانی و بسیاری شهواتم و غفلتم، شتاب نکنی، خدایا! با من در همه احوال مهرورز و بر من در هر کارم به دیده لطف بنگر، خدایا، پروردگارا، جز تو که را دارم؟ تا برطرف شدن ناراحتی و نظر لطف در کارم را از او درخواست کنم. خدای من و سرور من، حکمی را بر من جاری ساختی که هوای نفسم را در آن پیوری کردم و از فریبکاری آرایش دشمنم نهراسیدم، پس مرا به خواهش دل فریفت و بر این امر اختیار و اراده‌ام یاریش نمود، پس بدینسان و بر پایه گذشته‌هایم از حدودت گذشتم، و با برخی از دستورات مخالفت نمودم، پس حجت تنها از ان تواست در همه اینها، و مرا هیچ حقی نیست در آنچه بر من از سوی قضایت جاری شده و فرمان و آزمایشت ملزوم

نموده، ای خدای من اینک پس از کوتاهی در عبادت و زیاده‌روی در خواهشهای نفس عذرخواه، پشیمان، شکسته‌دل، جویای گذشت طالب آمرزش، بازگشت‌کنان با حالت اقرار و اذعان و اعتراف به گناه، بی‌آنکه گریزگاهی از آنچه از من سرزده بیام و نه پناهگاهی که به آن رو آورم پیدا کنم، جز اینکه پذیرای عذرم باشی، و مرا در رحمت فراگیری بگنجایی، خدایا! پس عذرم را بپذیر، و به بدحالی‌ام رحم کن و رهایم ساز از بند محکم گناه، پروردگارا! بر ناتوانی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 111

جسمم و نازکی پوستم و نرمی استخوانم رحم کن. ای که آغازگر آفرینش و یاد و پرورش و نیکی بر من و تغذیه‌ام بوده‌ای، اکنون مرا ببخش به همان کرم نخست، و پیشینه احسانت بر من، ای خدای من و سرور و پروردگارم، آیا مرا به آتش دوزخ عذاب نمایی، پس از اقرار به یگانگی‌ات و پس از آنکه دلم از نور شناخت تو روشنی گرفت و زبانم در پرتو آن به ذکرت گویا گشت و پس از آنکه درونم از عشقت لبریز شد و پس از صداقت در اعتراف و درخواست خاضعانه‌ام در برابر پروردگاری‌ات، باور نمی‌کنم چه آن بسیار بعید است و تو بزرگوارتر از آن هستی که پرورده‌ات را تباه کنی یا آن را که به خود نزدیک نموده‌ای دور نمایی یا آن را که پناه دادی از خود برانی یا آن را که خود کفایت نموده‌ای و به او رحم کردی به موج بلا واگذاری؟! ای کاش می‌دانستم ای سرورم و معبودم و مولایم، آیا آتش را بر صورتی‌هایی که برای عظمت سجده‌کنان بر زمین نهاده شده مسلط می‌کنی و نیز بر زیانهای که صادقانه به توحیدت و به سپاست مدح‌کنان گویا شده و هم بر دلهایی که بر پایه تحقیق به خداوندیت اعتراف کرده و بر نهادهایی که معرفت به تو آنها را فراگرفته تا آنجا که در پیشگاهت خاضع شده و به اعضای که مشتاقانه به سوی پرستشگاههای شتافته‌اند و اقرارکنان جویای آمرزش تو بوده‌اند، شگفتا این همه را به آتش بسوزانی! هرگز چنین گمانی به تو نیست و از فضل تو چنین خبری داده نشده. ای بزرگوار، ای پروردگار و تو از ناتوانی‌ام در برابر اندکی از غم و اندوه دنیا و کیفرهای آن و آنچه که زان ناگواریها بر اهلش می‌گذرد آگاهی، با آنکه این غم و اندوه و ناگواری درنگش کم بقایش اندک و مدتش کوتاه است، پس چگونه خواهد بود تا به در برابر بلای آخرت، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 112

فرود آمدن ناگواریها در آن جهان بر جسم و جانم و حال آنکه زمانش طولانی و جایگاهش ابدی است و تخفیفی برای اهل آن بلا نخواهد بو، چرا که مایه آن بلا جز از خشم و انتقام و ناخشنودی تو نیست و این چیزی است که تاب

نیاورند در برابرش آسمانها و زمین، ای سرور من تا چه رسد به من؟ و حال آنکه من بنده ناتوان، خوار و کوچک، زمین گیر و درمانده توأم. ای خدای من و پروردگارم و سرور و مولایم، برای کدامیک از دردهایم به حضرتت شکوه کنم و برای کدامین گرفتاریم به درگاهت بنالم و اشک بریزم. آیا برای دردناکی عذاب و سختی اش، یا برای طولانی شدن بلا و زمانش، پس اگر مرا در عقوبت و مجازات با دشمنانت قرار دهی، و بین من و اهل عذابت جمع کنی، و میان من و عاشقان و دوستانت جدایی اندازی، ای خدا و آقا و مولا و پروردگارم، بر فرض که بر عذابت شکیبائی ورزم، ولی بر فراق چگونه صبر کنم و گیرم ای خدای من بر سوزندگی آتشت صبر کنم، اما چگونه چشم پوشی از کرمی را تاب آورم یا چگونه در آتش، سکونت گزینم و حال آنکه امید من گذشت و عفو تو است. پس به عزّت ای آقا و مولایم سوگند صادقانه می خورم، اگر مرا در سخن گفتن آزاد بگذاری در میان اهل دوزخ به پیشگاهت سخت ناله سر دهم همانند ناله آرزومندان و به درگاهت بانگ بردارم، همچون بانگ آنان که خواهان دادرسی هستند و هر آینه به آستانت گریه کنم چونان که مبتلا به فقدان عزیزی می باشند و صدایت می زنم: کجایی ای سرپرست مؤمنان، آری کجایی ای نهایت آرزوی عارفان، ای فریادرس خواهندگان فریادرس، ای محبوب دلهای راستان و ای معبود جهانیان آیا این چنین است، ای خدای منزه، و ستوده که در دوزخ بشنوی صدای بنده مسلمانی که برای مخالفتش با دستورات تو زندانی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 113

شده و مزه عذابش را به خاطر نافرمانی چشیده و میان درکات دوزخ به علت جرم و جنایتش محبوس شده، و حال آنکه در درگاهت سخت ناله می زند، همچون ناله آن که آرزومند رحمت توست، و با زبان اهل توحیدت تو را می خواند، و به ربوبیت به پیشگاهت توسّل می جوید، ای مولای من، چگونه در عذاب بماند و حال آنکه امید به بردباری گذشته ات دارد یا آتش چگونه او را به درد آورد درحالی که بخشش و رحمت تو را آرزو دارد یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند درحالی که فریادش را می شنوی و جایش را می بینی یا چگونه آتش او را دربر بگیری و حال آنکه از ناتوانی اش خبر داری، یا چگونه در طبقات دوزخ به این سو و آن سو کشانده شود درحالی که راستگوی اش را می دانی، یا چگونه فرشته های عذاب او را با خشم برانند و حال آنکه تو را به پروردگاریت می خواند، یا چگونه ممکن است بخششت را در آزادی از دوزخ امید داشته باشد و تو او را در انجا به همان حال واگذاری؟ همه این امور از بنده نوازی تو بس دور است، هرگز گمان ما به تو این نیست و نه از فضل تو چنین گویند و نه به آنچه که از خوبی و احسانت با اهل توحید رفتار کرده ای شباهتی دارد، پس به یقین می دانم که اگر فرمانت در به عذاب کشیدن منکران نبود و حکمت به همیشگی بودن دشمنانت در آتش

صادر نمی شد، هر آینه سرتاسر دوزخ را سرد و سلامت می کردی و برای احدی در انجا قرار و جایگاهی نبود، اما تو که مقدّس است نامهایت سوگند یاد کردی که دوزخ را از همه کافران چه پری و چه آدمی پر سازی و ستیزه جویان را در انجا همیشگی و جاودانه بداری و هم توکه ثنایت برجسته و والا است به این گفته ابتدا کردی و با نعمتهایت کریمانه تفضّل فرمودی که «آیا مؤمن همانند فاسق است؟ نه، مساوی نیستند» ای خدا و سرور من، از تو خواستارم به قدرتی که مقدّر نمودی و به فرمانی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 114

که حتمیتش دادی و بر همه استوارش نمودی و بر کسی که بر او اجرایش کردی چیره ساختی که در این شب و در این ساعت بر من ببخشی هر جرمی که مرتکب شدم و هر گناهی که به آن آلوده گشتم و هر کار زشتی را که پنهان ساختم و هر نادانی که آن را بکار گرفتم خواه پنهان کردم یا آشکار، نهان ساختم یا عیان و هر کار زشتی که دستور ثبت آن را به نویسندگان بزرگوار دادی آنان که بر ضبط آنچه از من سر زند گماشتی و آنان را نیز گواهانی بر من قرار دادی علاوه بر اعضایم و خود فراتر از آنها مراقب من بودی و شاهد بر آنچه که از آنان پنهان ماند و به یقین با رحمت پنهان ساختی و با فضیلت پوشاندی و اینکه از تو می خواهم از هر چیزی که نازل کردی یا احسانی که تفضّل نمودی یا برّ و نیکی که گستردی یا رزقی که پراکندی یا گناهی که بیامیزی یا خطایی که بپوشانی، پروردگارا، پروردگارا! ای خدای من ای سرور من، ای مولای من و اختیار دارم، ای کسی که مهارم به دست اوست، ای آگاه از پریشانی و ناتوانی ام ای دانای تهیدستی و ناداری ام، پروردگارا! پروردگارا! از تو درخواست می کنم به حقّت و قدست و بزرگترین صفات و نامهایت که همه اوقاتم را از شب و روز به یادت آباد کنی و به خدمتگزاری پیوسته بداری و اعمالم را در پیشگاهت قبول فرمایی تا آنکه اعمال و اورادم هماهنگ، همسو و همواره باشد و حالم در خدمت تو پاینده گردد، ای سرور من، ای آن که بر او تکیه دارم، ای آن که شکوه حالم را تنها به سوی او برم، ای پروردگارم، ای پروردگارم، ای پروردگارم اعضایم را در راه خدمتت نیرو بخش و دلم را بر عزم و همّت محکم کن، و کوشش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 115

در راستای پروایت و دوام در پیوستن به خدمتت را به من ارزانی دار تا به سویت برانم در میدانهای پیشتازان و به سویت بشتام در میان شتابندگان و به کوی قربت آیم در میان مشتاقان و همانند مخلصان به تو نزدیک شوم و چون یقین آوردگان

از جاه تو بهراسم و با اهل ایمان در جوارت گرد آیم. خدایا! هرکس مرا به بدی قصد کند تو قصدش کن، و هرکس با من مکر ورزد تو با او مکر کن، و مرا از بهره‌مندترین بندگان نزد خود، و نزدیک‌ترینشان در منزلت به تو و مخصوص‌ترینشان در رتبه به پیشگاهت بگردان، زیرا این همه به دست نیاید جز به فضل تو، خدایا! با جودت به من جود کن و با بزرگواریت به من نظر کن و با رحمت مرا نگاهدار و زبانم را به ذکر گویا کن، و دلم را به محبت شیفته و شیدا فرا و بر من منت گذار با پاسخ نیکویت و لغزشم را نادیده انگار و گناهم را ببخش، زیرا تو بندگان را به بندگی فرمان دادی و به دعا و درخواست از خود امر کردی و اجابت دعا را برای آنان ضامن شدی، پس ای پروردگار من تنها روی به سوی تو داشتم و دستم را تنها به جانب تو دراز کردم، پس تو را به عزّت سوگند می‌دهم که دعایم را اجابت کنی و مرا به آرزویم برسانی، و امیدم را از فضلت ناامید نکنی، و شرّ دشمنانم را از پری و آدمی از من کفایت کنی، ای خدایی که زود از بندهات خشنود می‌شوی، پیامرز آن را که جز دعا چیزی ندارد، همانا تو هرچه بخواهی انجام می‌دهی، ای آن که نامش دوا و یادش شفا و طاعتش توانگری است، رحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید و سازوبرگش اشک‌ریزان است، ای فروریزنده نعمتها ای دورکننده بلاها، ای روشنی‌بخش وحشت‌زدگان در تاریکیها، ای دانای ناآموخته بر محمد و خاندان محمد درود فرست،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 116

و با من چنان کن تو را شاید، و درود و سلام فراوان خدا بر پیامبرش و بر امامان خجسته از خاندانش.

دعای عشرات

این دعا از دعاهای بسیار معتبر است و ما بین نسخه‌های آن تفاوت دیده می‌شود. ما آن را از کتاب مصباح المتعبد شیخ طوسی نقل می‌کنیم. خواندن آن در هر صبح و شام مستحب است و بهترین وقت برای خواندن آن بعد از عصر جمعه است.

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است منزّه است خدا و ستایش خاص خداست، و معبودی جز خدا نیست، و او از هر وصفی برتر، و جنبش و نیروی نیست جز به مدد خدای والای بزرگ، پاک و منزّه است خدا شب هنگام و به گاه روز، پاک و منزّه است خدا صبحگاهان و به گاه عصر، پاک و منزّه است خدا در شامگاه و بامداد، پاک

و منزه است خدا آنگاه که به شب درآید و گاهی که به صبح برآید، ستایش برای اوست در آسمانها و زمین، و شب هنگام و گاهی که ظهر می‌کنید، هم او که زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده خارج می‌سازد، و به زمین پس از مرگش زندگی می‌بخشد، و به همین گونه شما هم از قبرها بیرون آورده می‌شوید، منزه است پروردگار پروردگار عزت، از آنچه او را بدان وصف می‌کنند و سلام بر رسولان و سپاس خدای را پروردگار جهانیان، منزه است صاحب فرمانروایی و ملکوت منزه است صاحب عزت و اقتدار، منزه است دارنده بزرگمنشی و عظمت، همان فرمانروای بر حق سیطره‌دار، دارای نهایت پاک، منزه است خدای فرمانروای زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، منزه است خدای فرمانروای زنده، دارای نهایت پاک، منزه است پاینده پایدار، منزه است پایدار پاینده، منزه است پروردگار بزرگم، منزه است پروردگار برترم،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 117

منزه است آن زنده به خود پاینده، منزه است آن بلند مرتبه برتر، منزه است او و بلندمرتبه است از هر زشتی و عیب، پاک و پاکیزه است، پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح، منزه است آن پاینده بی غفلت، منزه است آن دانای ناموخته، منزه است آن آفریننده دیدنیها و نادیدنیها، منزه است آن که دیده‌ها را دریابد و دیده‌ها او را در نیابند و اوست لطیف آگاه، خدایا، در حالی صبح کردم که از جانب تو بودم در نعمت و خیر و برکت و سلامتی کامل، پس درود فرست بر محمد و خاندانش و نعمت و خیر و برکات و سلامتی را بر من با نجات از آتش دوزخ تمام کن، شکرگذاری و سلامتی و فضل و کرامت را همواره تا گاهی که زنده هستم روزی‌ام فرما، خدایا! به نورت هدایت یافتم و به احسانت بی‌نیاز گشته و به نعمت صبح و شام کردم، خدایا! تو را گواه می‌گیرم و گواهی تو مرا بس است، و و گواه می‌گیرم همه فرشتگان و پیامبران و رسولان و حاملان عرش و ساکنان آسمانها و زمین و همه آفریده‌هایت را بر اینکه همانا تویی خدا، معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌شریکی و اینکه محمد (درود خدا بر او و خاندانش) بنده و فرستاده تو است و اینکه تو بر هر چیز توانایی، زنده می‌کنی و می‌میرانی و می‌میرانی و زنده می‌سازی و گواهی می‌دهم که بهشت و دوزخ و برانگیخته شدن مردگان حق است و قیامت آمدنی است که تردیدی در آن نیست و اینکه خدا مردگان را برخواند انگیزت و شهادت می‌دهم که علی بن ابی طالب امیر مؤمنان بر حق بر حق است و پیشوایان از فرزندانش امامان هدایت‌گر و ره‌یافته‌اند، نه گمراهند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 118

و نه گمراه کننده و اینکه آنان اولیاء برگزیده تو، و حزب پیروز تو، و بندگان خالص تو بهترین انتخاب شدگان از میان مخلوقات تواند و بهترین برگزیده شدگانی هستند که برای بیان دینت برگزیدی و از میان بندگان خاص خود ساختی و ایشان را بر بندگان برگزیدی و بر جهانیان حجت قرار دادی، درود و سلام و رحمت و برکات بر آنان باد، بار الها! این شهادت را نزد خود برای من ثبت کن، تا آن را در روز قیامت بر زبانم جاری کنی درحالی که از من خشنود باشی، همانا تو بر آنچه می خواهی توانایی. خدایا! تو را سپاس سیاسی که آغازش بالا رود و انجامش پایان نگیرد، خدایا! تو را سپاس، سیاسی که آسمان برای تو بر دوش کشد و زمین و هرکه بر آن است تو را آنچنان تسبیح کند. خدایا! تو را سپاس، سیاسی همواره و همیشگی که گسست و پایانی برایش نباشد و تنها سزاوار تو باشد و به تو بیانجامد، سیاسی که نمایان شود در دلم و بر تنم و نزد من و با من و پیش از من و پس از من و پیش رویم و بالای سرم و زیر پام و آنگاه که مرگم فرا رسد و یگانه و تنها مانم سپس فانی شو و تو را سپاس گاهی که زنده و برانگیخته شوم، ای سرور من، خدایا! و تو را ستایش و سپاس برای همه صفات پسندیده ات و بر همه نعمتهایت، سیاسی بلند و بی پایان، که آن را ای پروردگار ما پسندیده داری و از آن خشنود شوی، خدایا! تو را سپاس بر هر خوردن و نوشیدن و هر دست یافتن و هر بست و گشودن، و در برابر هر تار مو که به ما دادی، خدایا! تو را سپاس سیاسی پاینده به پایدگیت و تو را سپاس سیاسی که نهایت آن را جز دانشت نداند و تو را سپاس سیاسی که پایان آن را جز مشیت نخواهد و تو را سپاس سیاسی که جز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 119

خشنودی تو مزدی برای گوینده اش نیست و تو را سپاس بر بردباری ات پس از آن که دانستی و تو را سپاس بر گذشتت، پس از آنکه بر عذاب توانا بودی و تو را سپاس ای سرچشمه سپاس و تو را سپاس ای به ارث برنده سپاس و تو را سپاس ای آفریننده سپاس و تو را سپاس ای نهایت سپاس و تو را سپاس ای پدیدآورنده سپاس و تو را سپاس ای خریدار سپاس، و تو را سپاس ای صاحب سپاس، و تو را سپاس ای دیرینه سپاس و تو را سپاس ای راست وعده، ای وفادار به عهد ای سپاه توانا، ای مجد و عظمتت پایدار و تو را سپاس ای بلند پایه، ای پاسخگوی خواسته ها، ای فرود آورنده آیات از بالای هفت آسمان، ای دارای برکات بزرگ، ای درآورنده نور از دل تاریکیها و ای بیرون آورنده آنان که در تاریکیهایند به سوی نور، ای دگرگون کننده گناهان به نیکیها، و بالا برنده حسنات در مراتب بهشت، خدایا! تو را سپاس ای آمرزنده گناه و ای پذیرای توبه و ای عذابت سخت و ای صاحب عطای بی حد، معبودی جز تو نیست. بازگشت همه به سوی تو است. خدایا! تو را سپاس در شب گاهی که روز را می پوشاند، و تو را سپاس در روز آنگاه که آشکار می گردد و تو را

سپاس در آخرت و دنیا، و تو را سپاس به تعداد همه ستاره‌ها و همه فرشتگان آسمانی و تو را سپاس به شماره ذرات خاک و ریگ و دانه‌ها و تو را سپاس به عدد آنچه در میان آسمان است و تو را سپاس به عدد آنچه در درون زمین است و تو را سپاس به میزان وزن آبهای دریا، و تو را سپاس به شماره برگ درختان و تو را سپاس به عدد آنچه روی زمین است، و تو را سپاس به تعداد آنچه کتابت برشمرده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 120

و تو را سپاس به عدد آنچه دانش آن را فراگرفته، و تو را سپاس به شماره آدمیان و پریان و حشرات و پرندگان و چهارپایان و درندگان، سپاسی فراوان و سپاسی پاک که در آن برکت باشد آنچنان که پذیری، ای پروردگار ما و خشنود گردی، و آنچنان که سزاوار بزرگواری ذات و بزرگی جلال تو است. پس ده مرتبه میگوئی معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است، فرمانروایی و ستایش تنها از آن اوست و اوست، لطیف و آگاه. و نیز ده مرتبه می‌گویی معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است، فرمانروایی و ستایش از آن اوست، زنده می‌کند، و می‌میراند، می‌میراند و زنده می‌کند و او خود زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، نیکی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. و ده مرتبه: آمرزش می‌جویم از خدایی که معبودی جز او نیست، زنده و به خود پاینده است، و تنها به سوی او باز می‌گردم و ده مرتبه: ای خدا ای خدا و ده مرتبه: ای بخشنده ای بخشنده و ده مرتبه: ای مهربان ای مهربان و ده مرتبه: ای پدید آورنده آسمانها و زمین و ده مرتبه: ای صاحب جلال و بزرگواری و ده مرتبه: ای مهرورز و صاحب منت و ده مرتبه: ای زنده ای پاینده و ده مرتبه: ای زنده‌ای که شایسته پرستشی جز تو نیست و ده مرتبه: ای خدا، ای که شایسته پرستشی جز تو نیست. و ده مرتبه: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ده مرتبه: خدایا! با من آن کن که شایسته تو است و ده مرتبه: اجابت فرما اجابت فرما و ده مرتبه سوره توحید پس میگوئی خدایا! با من آن کن که شایسته تو است، نه آن که سزاوار من است چه همانا تو شایسته پروا و آمرزشی و من درخور گناهان و خطاهایم، پس به من رحم کن. ای مولای من که تو مهربان‌ترین مهربانانی و ده مرتبه: جنبش و نیروی نیست جز برآمده از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 121

سوی خدا، توکل نمودم بر زنده پاینده‌ای که نمی‌میرد، و ستایش خدای را که فرزندی نگرفته و در فرمانروایی شریکی برایش نبوده و از خواری و ناتوانی سرپرستی نداشته است و بی‌اندازه بزرگش شمار.

دعای سمات

این دعا معروف به دعای شبّور [دعای عطا و بخشش] است، که خواندن آن در ساعت آخر روز جمعه مستحب است و پوشیده نماند که این دعا از دعا‌های مشهور است و بیشتر علمای گذشته بر خواندن این دعا مواظبت می نمودند. در (مصباح) شیخ طوسی و (جمال الاسبوع) سید ابن طاووس و کتب کفعمی به سندهای معتبر از جناب محمد بن عثمان عمروی رضوان الله علیه که از نواب حضرت صاحب الامر بود از حضرت باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده علامه مجلسی رحمه الله این دعا را همراه با شرح در کتاب (بحار) ذکر نموده است. این دعا چنان که در کتاب (مصباح) شیخ آمده چنین است:

خدایا! از تو خواستارم به نام بزرگت آن نام بزرگتر عزیزتر باشکوه تر گرامی تر، که چون بر درهای بسته آسمان با آن نام خوانده شوی که به رحمت گشوده شوند باز می شوند و چون با آن بر درهای ناگشوده زمین خوانده شوی برای فرج گشوده شود، و چون با آن برای آسان شدن سختی خوانده شوی، آسان گردند و چون با آن بر مردگان برای زنده شدن خوانده شوی، زنده شوند و چون با آن برای رفع سختی و زیان خوانده شوی برطرف گردد و می خوانمت به شکوه جلوه گرامی ات، گرامی ترین جلوه ها و عزیزترین آنان که چهره ها در برابرش خوار گشته و گردن ها خاضع شده و صداها آهسته گشته و دلها در برابر آن هراسناک شده اند از ترس تو و تو را می خوانم به نیرویت که با آن آسمانها را نگاه داشتی از اینکه بر زمین افتد مگر به اجازه تو، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 122

با آن آسمانها و زمین را از اینکه ویران شوند نگاه داشتی و می خوانمت به اراده ات که جهانیان در برابرش مطیعند، و به کلمات که با آن آسمانها و زمین را آفریدی، و به حکمت که با آن شگفتیها را ساختی، و تاریکی را با آن پدید آوردی و آن را شب قرار دادی، و شب را برای آرامش مقرر داشتی و هم با آن حکمت نور را آفریدی و آن را روز قرار دادی، و روز را مایه جنبش و بینایی سنجش ساختی، و نیز با آن خورشید را آفریدی، و خورشید را مایه تابش نمودی، و با آن ماه را پدید آوردی و ماه را نورانی ساختی، و با آن ستارگان را خلق کردی و آنها را اختزانی تابناک و برجها و چراغها و زینت و عامل راندن شیاطین قرار دادی برای ستارگان مشرقها و مغربها و نیز طلوع گاهها و گردشگاهها مقرر ساختی و برای آنها مدارهایی که در آنها شناورند قرار دادی و برای آنها در آسمان منزلگاههایی مقدر فرمودی، پس چه نیکو تقدیر نمودی و صورتگری کردی و چه نیکو صورتشان دادی، و با نامهای آنها را بر شمردی درخور و به حکمت تدبیر نمودی تدبیری

شایسته و چه نیکو تدبیر کردی و با تسلط بخشیدن شب و روز و ساعات بر آنها شمارش سالها و ثبت حساب را شناساندی، و دیدن آنها را برای همه مردم یکسان نمودی، و خدایا! از تو می‌خواهم به عظمتت که با آن بنده و فرستاده‌ات موسی بن عمران (درود بر او) در میان قدسیان، برتر از احسان کروبیان، فراتر از سحابهای نور، بر فراز تابوت شهادت، در عمودی از آتش، و در طور سینا، و در کوه حوریت، در وادی مقدس، در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 123

بقعه با برکت از جانب راست کوه طور، از دل درخت و در زمین مصر، با نه معجزه آشکار و روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی، و در چشمه‌های جوشنده که با آن شگفتیهایی در دریای سوف بر ساختی و آب دریا را در دل گرداب همانند سنگ سخت بستی و بنی اسرائیل را از دریا به خشکی رساندی و وعده نیکویت بر آنان کامل گشت به خاطر آنکه شکیبائی ورزیدند و آنان را وارث مشارق و مغارب زمینی که در آن جهانیان را برکت دادی نمودی و فرعون و سپاهیان و مرکبایش را در دریا غرق کردی و به نام بزرگت، آن نام بزرگتر، با شکوه‌تر، گرامی‌تر، و به بزرگی‌ات که با آن بر موسی کلیمت (درود بر او) در طور سینا جلوه کردی و نیز برای ابراهیم (درود بر او) خلیلت پیش از آن در مسجد خیف و برای اسحاق برگزیده‌ات (درود بر او) در چاه شیع و برای یعقوب (درود بر او) پیامبرت در بیت ایل و وفا کردی به پیمان‌ت برای ابراهیم (درود بر او) و به سوگندت برای اسحاق و به شهادتت برای یعقوب و به وعده‌ات برای اهل ایمان و برای دعاخوانان به نامهایت که اجابتشان کردی و به بزرگی‌ات که برای موسی بن عمران (درود بر او) در قبه رمان نمایان شد، و به نشانه‌هایت که در زمین مصر، به بزرگواری عزت و غلبه‌ات واقع شد، با نشانه‌های تحسین برانگیز و حاکمیت نیرومند و در سایه قدرت پرشکوت، به مقام کلمه تامه، و کلماتی که با آن بر اهل آسمانها و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 124

زمین و اهل دنیا و آخرت عطا و بخشش نمودی و به رحمتت که با آن بر همه آفریدگانت بخشش کردی، و به توانایی‌ات که با آن جهانیان را برپا داشتی، و به نورت که از هراسش طور سینا بر خاك افتاد و به دانش و شکوه و بزرگی و عزت و جبروتت که زمین تاب آن را نیاورد، و آسمانها در برابرش زانو زدند و در برابرش عمق فروردین زمین فروتر گشت و دریاها و نهرها در آستانش از حرکت ایستاد، و کوهها فروتن شد و زمین با شانه‌هایش آرام گشت، و تسلیم شدند همه آفریدگان در برابر آن و بادها در وزیدن خود در برابرش پریشان گشتند، و آتشها به درگاهش در جایگاه خویش خاموش شدند و به

فرمانروایی‌ات که با آن همواره به پیروزی شناخته شدی، و با آن در آسمانها و زمین ستوده گشتی، و به کلمات کلمه صدقی که به رحمت و بخشش برای پدرمان آدم (درود بر او) و نسلش پیشی گرفت، و از تو خواستارم به کلمات که بر هر چیز چیره گشت و به نور جلوه‌ات که با آن بر کوه تجلی نمودی و آن را فرو پاشیدی، و موسی مدهوش در افتاد و به بلندای جاهت که بر طور سینا نمایان شد، پس با آن، سخن گفتی با بنده و رسولت موسی بن عمران و به پرتو فروزانت در ساعیر [کوهی در حجاز] و ظهور پر فروغت در فاران [کوهی نزدیک مکه و محل مناجات پیامبر] در جایگاه بلند قدسیان و با سپاهیان صف کشیده از فرشتگان، و خشوع فرشتگان تسبیح کننده، و به برکات که بدانها بر ابراهیم خلعت (درود بر او)

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 125

در ائت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) و بر اسحاق برگزیده‌ات در ائت عیسی (درود بر آن دو) و بر یعقوب اسرائیل در امت موسی (درود بر آن دو) و بر محبوب خویش محمد (درود خدا بر او و خاندانش) در عترت و فرزندان و امتش برکت نهادی. خدایا! و چنان که از آن رخدادها بدور بودیم و آن وقایع را شهد نبودیم و به آنها درحالی که ندیدیم ایمان آوردیم، ایمان از روی راستی و درستی، از تو خواستارم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و بر محمد و خاندان محمد برکت دهی و بر محمد و خاندان محمد بسیار مهر ورزی همچون بهترین درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، تو ستوده و والایی، هرچه را بخواهی انجام می‌دهی و تو بر هر چیز توانایی پس حاجت خود را ذکر می‌کنی و می‌گویی: خدایا! به حق این دعا و به حق این نامهایی که تفسیر و باطن آنها را جز تو کسی نمی‌داند، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با من چنان کن که شایسته توسست، نه آنچه را من سزاوارم و از گناهانم آنچه را گذشته و آنچه را خواهد آید بیامرز، و بر من وسعت بخش از روزی حلال و مرا از رنج انسان بد و همسایه بد و همنشین بد و پادشاه بد کفایت کن، همانا تو بر هرچه بخواهی توانایی و به همه چیز دانایی، دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان مؤلف گوید: در بعضی نسخه‌ها پس از: تو بر هر چیز توانایی آمده: هر حاجت که داری ذکر کن و بگو: ای خدا، ای بسیار مهربان، ای بخشایگر، ای پدید آورنده آسمانها و زمین، ای دارنده هیبت و شکوه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 126

ای مهربان‌ترین مهربانان، خدایا! به حق این دعا ... تا آخر آنچه گذشت. و علامه مجلسی از کتاب «مصباح» سید ابن باقی نقل کرده که بعد از دعای سمات این دعا را بخواند:

خدایا! به حق این دعا و به حق این نامهایی که نه تفسیر و تأویلش و نه باطن و ظاهرش را کسی جز تو نمی‌داند 7 از تو خواستارم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و خیر دنیا و آخرت را روزی‌ام گردانی. پس حاجات خود را بخواهد و بگوید با من آنچه شایسته تو است انجام ده نه آنچه سزاوار من است و انتقام مرا از فلان فرزند فلان بگیر و نام دشمن را بگوید، سپس بگوید: گناهانم را آنچه بوده و آنچه خواهد بود بیامرز و پدر و مادرم و همه مردان و زنان باایمان را مشول آمرزش قرار داده و بر من از روزی حلالیت وسعت عنایت کن و مرا از شر انسان بد و همسایه بد و پادشاه بد و همنشین بد و روز بد و ساعت بد کفایت فرما و از کسی که بر من حيله می‌ورزد و بر من ستم می‌کنم انتقام بگیر و هم انتقام بگیر از آن که بخواهد بر من و خانواده‌ام و فرزندانم و برادرانم و همسایگانم و نزدیکانم از مردان و زنان باایمان ستم روا کند، همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی و به هر چیز دانایی، دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان خدایا! به حق این دعا بر تهدستان از مردان و زنان باایمان توانگری و ثروت عطا فرما و بر بیماران اهل ایمان از مردان و زنان ببودی و تندرستی ببخش و بر مؤمنین و مؤمنات در قید حیات با لطف و کرامت و بر مؤمنین و مومنات از دنیا رفته با آمرزش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 127

و رحمت، و بر مؤمنین و مؤمنات سفر کرده با برگشت به وطنهای خویش در لباس سلامت و بهره‌مندی عنایت فرما، به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان و درود خدا بر سرور ما محمد پایانبخش پیامبران و بر خاندان پاکش و هم سلام بسیار خدا بر ایشان ابن فهد حلی فرموده است: پس از دعای سمات مستحب است بگویی: خدایا! از تو درخواست می‌کنم به احترام این دعا و به آنچه از نامهایت که در آن نیامده و به آنچه در بردار از تفسیر و تدبیری که جز تو کسی بر آن احاطه ندارد، که با من چنین و چنان کنی. و به جای (کذا و کذا) حاجت خود را بخواهد.

دعای مشلول

موسوم به دعای «الشباب المأخوذ بذنبه» [یعنی: جوانی که به سبب گناهش گرفتار عذاب حق شده]

این دعا از کتابهای کفعمی و «؟؟؟ الدعوات» نقل شده، و دعایی است که آن را امیر المؤمنین علیه السلام به جوانی که به خاطر گناه و ستم در حق پدرش شل شده بود آموز داد، جوان این دعا را خواند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله را

در خواب دید که دست مبارکش را بر اندام او کشید و فرمود: بر اسم اعظم خدا محافظ کن که کار تو به خیر خواهد بود، پس بیدار شد درحالی که سالم شده بود و آن دعا این است:

خدایا! از تو خواستارم به نامت، به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، ای دارای بزرگی و بزرگواری، ای زنده ای همیشه پابنده، ای زنده، معبودی جز تو نیست، ای او، ای آن که کسی نمی داند او چیست و نمی داند او چگونه است و نمی داند کجاست، و نمی داند در کدام سو است، ای دارای فرمانروایی و ملکوت، ای صاحب عزت و جبروت، ای فرمانروا، ای منزه از هر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 128

عیب، ای سلام، ای ایمنی بخش، ای پرشکوه، ای عزتمند، ای دارنده قره، ای بزرگمنش، ای آفریننده، ای پدیدآورنده، ای صورتگر، ای سودبخش ای تدبیر کننده، ای محکم کار، ای آغازگر، ای نابود کننده ستمگران، ای دوست نیکان، ای ستوده، ای پرستیده، ای دور از هر چیز، ای نزدیک به هر چیز، ای اجابت کننده، ای دیدبان، ای حسابرس، ای نورآفرین، ای بلندمرتبه، ای ارجمند، ای شنوا، ای دانا، ای بردبار، ای بزرگوار، ای فرزانه، ای دیرینه، ای والا، ای بزرگ، ای پرمهر، ای عطابخش، ای جزادهنده، ای یاری کننده، ای با جلالت، ای زیبا، ای کارگزار، ای کفایت کننده، ای بخشنده لغزش، ای رساننده نعمت، ای شریف، ای رهنما، ای هدایت گر، ای آغازگر، ای اول، ای آخر، ای آشکار، ای پنهان، ای استوار، ای پایدار، ای آگاه، ای حکمران، ای داور، ای دادگر، ای جدا کننده، ای پیونددهنده، ای پاک، ای پاک کننده، ای توانا، ای نیرومند، ای بزرگ، ای بزرگمنش، ای یگانه، ای یکتا، ای مقصود دل نیازمندان، ای آن که نزاده و زاده نشده، و همتایی ندارد و همسری برایش نباشد و وزیری با او نبوده و برای خود مشاوری نگرفته و به پشتیبانی نیازمند نگشته و با او جز او معبودی نبوده است، نیست معبودی جز تو، تو برتر از آنی که ستمکاران گویند بسیار برتری، ای والا بلندمرتبه، ای عطابخش، ای گشایشگر، ای بخشایشگر، ای فرخ بخش دها، ای غم زدا، ای یاری رسان، ای یاری ستان، ای دریابنده، ای نابود کننده، ای انتقام گیرنده، ای برانگیزنده، ای وارث، ای خواهان، ای چیره، ای که گریزنده ای از دستش نگریزد، ای بسیار توبه پذیر، ای بسیار پذیرای بندگان، ای بسیار بخشنده، ای فراهم آورنده سببها، ای گشاینده درها، ای آن که هرگاه و هرجا خوانده شود اجابت نماید، ای پاک کننده، ای قدردان صالحان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 129

ای باگذشت، ای آمرزنده، ای روشنایی نور، ای مدبر امور، ای مهربان، ای آگاه، ای پناه‌دهنده، ای روشنی‌بخش، ای مدرسان ای بزرگ، ای یکتا، ای یگانه ای پاینده، ای تکیه‌گاه، ای بی‌نیاز، ای کفایت‌کننده، ای شفا‌بخش، ای وفا‌کننده، ای عافیت‌بخش، ای نیکوکار، ای زیبایی‌بخش، ای نعمت‌افزا، ای فزون‌بخش ای گرمی، ای بی‌همتا، ای آن‌که بلندی گرفت و چیره‌گشت، ای آن‌که در فرمانروایی‌اش توانا شد، ای آن‌که پنهان و آگاه گشت، ای آن‌که پرستیده شد و پذیرفت، ای آن‌که نافرمانی شد و آمرزید، ای آن‌که اندیشه‌نگنج‌آیدش، و دیده‌ای او را در نیابد، و اثری بر او پوشیده نماند، ای روزی‌دهنده بشر، ای اندازه‌گیر هر اندازه، ای والا جاه، ای استوار پایه، ای گرداننده روزگار، ای پذیرنده قربانی، ای منتگذار نیکوکار، ای دارای شکوه و سلطنت، ای مهربان، ای بخشنده، ای کسی که هر روز در کاری است، ای آن‌که کاری از کار دیگر بازش ندارد، ای بلندمرتبه، ای آن‌که در هر جا هست، ای شنونده نخواستها، ای اجابت‌کننده دعاها، ای برآورنده خواسته‌ها و نیازها، ای فرو فرستنده برکات، ای رحم‌کننده بر اشکها، ای درگذرنده از لغزشها، ای برطرف‌کننده ناراحتیها، ای سرچشمه خوبیها، ای بالا برنده درجات، ای دره‌نده خواسته‌ها، ای زنده‌کننده مردگان، ای گرد آورنده پراکنده‌ها، ای آگاه از نیته‌ها، ای برگرداننده آنچه از دست رفته، ای کسی که نخواستها بر او مشتبه نشود، ای کسی که درخواستها او را به ستوه نیاورد، و تاریکیها او را فرا نگیرد، ای روشنی زمین و آسمانها، ای فرو ریز نعمتها، ای دفع

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 130

کننده بدفرجامیها، ای آفریننده آدمیان، ای گرد آورنده امتها، ای شفا‌بخش دردها، ای پدیدآورنده روشنی و تاریکیها، ای صاحب جود و کرم، ای آن‌که به عرشش قدمی پای نهد، ای بخشنده‌ترین بخشندگان، ای کریم‌ترین کریمان، ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای پناه پناهجویان، ای امان هراسناکان، ای تکیه‌گاه پناهندگان ای سرپرست مؤمنان، ای فریادرس فریادکنندگان، ای مقصود دل نیازمندان، ای کس هر بی‌کس، ای همدم هر تنها، ای پناه هر رانده، ای مأوی هر آواره، ای نگهدار هر گمشده، ای مهرورز سالخورده‌گان، ای روزی‌دهنده کودکان خردسال، ای ترمیم‌کننده استخوان شکسته، ای رهاننده هر اسیر ای بی‌نیازکننده هر بینوای ته‌دست، ای پناه هر ترسان پناه‌جو، ای آن‌که تدبیر و تقدیر از آن اوست، ای آن‌که دشواریها برای او سهل و آسان است، ای آن‌که نیازمند به دلیل و تفسیر نیست، ای آن‌که بر هر کاری تواناست، ای آن‌که به هر چیزی داناست، ای آن‌که به همه‌چیز بیناست، ای فرستنده بادها، ای شکافنده روشنی صبح ای برانگیزنده ارواح، ای صاحب جود و بخشش، ای آن‌که هر کلیدی به دست اوست، ای شنونده هر نجوا ای پیشتر از هر آنچه گذشته، ای حیات‌بخش هر جان پس از مرگ، ای توشه‌ام در سختی، ای نگهدارم در غربت، ای همدم

در تنهایی، ای سرپرستم در نعمت، ای پناهم آنگاه که روشهای ناهنجار درماندهام سازد و نزدیکان رهام کنند، و هر همدمی دست از یاریام بردارد، ای تکیه گاه آن که تکیه گاهی ندارد، ای پشتوانه کسی که پشت و پناهی ندارد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 131

ای اندوخته هر بی اندوخته، ای نگهدار آن که نگهداری ندارد، ای پناه بی پناهان، ای گنجینه کسی که برایش گنج نیست
ای تکیه گاه هر بی کس، ای فریادرس آن که برایش فریادرسی نیست، ای همسایه بی همسایگان، ای همسایه همراه من ای
تکیه گاه محکم، ای خدای من به حقیقت، ای پرورگار خانه کعبه، ای مهربان ای دوست، رهام کن از بندهای تنگناها، و
هر غم و اندوه و تنگی را از من برگردان و شر آنچه را تاب نیاورم از من دور ساز و بر آنچه می توانم یاریام ده، ای
بازگرداننده یوسف نزد یعقوب، ای برطرف کننده رنج ایوب، ای آمرزنده خطای داود، ای بالا برنده عیسی بن مریم و
رهاپی بخش او از دست یهود، ای پاسخ دهنده به ندای یونس در دل تاریکیها ای برگزیننده موسی برای سخن گوئی، ای
آن که خطای آدم را بخشید و ادیس را به رحمت خویش به جایگاه بلندی برکشید، ای آن که نوح را از غرق شدن نجات
بخشید، ای آن که هلاک ساخت قوم عاد نخستین و قوم ثمود را و هیچکس از آنان را باقی نگذاشت، و پیش از آنها قوم
نوح را هلاک نمود زیرا آنها ستمکارتر و سرکش تر بودند و نابود ساخت افترازنندگان را که در زمین فرو رفتند، ای آن که بر
قوم لوط واژگون نمود، و بر قوم شعیب عذاب دینا فرستاد، ای آن که ابراهیم را دوست خویش ساخت، ای آن که موسی
را همسخن خود ساخت، و محمد (درود خدا بر او و همه خاندانش) را محبوب خویش برگرفت، ای بخشنده حکمت به
لقمان و بخشنده فرمانروایی به سلیمان، چنان فرمانروایی که برای احدی پس او سزاوار نیست، ای آن که ذو القرنین را بر
فرمانروایان سرکش پیروز نمود، ای آن که به خضر زندگی جاودان عطا فرمود، و خورشید را پس از غروبش برای یوشع بن
نون برگرداند، ای آن که آرامش بخشید به قلب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 132

مادر موسی و عفت و پاکی مریم دختر عمران را حفظ نمود، ای آن که یحیی پسر زکریا را از گناه پاک داشت و خشم را از
موسی باز نشاند، ای آن که زکریا را به تولد یحیی مژده داد، ای آن که با فرستادن ذبح عظیم، اسماعیل را از ذبح شدن
نجات داد، ای آن که قربانی هابیل را پذیرفت، و لعنت را بر قایل قرار داد، ای گزرنده گروهها دشمن محمد (درود خدا بر
او و خاندانش)، بر محمد و خاندان محمد و بر همه فرستادگان و فرشتگان بارگاہت و بر اهل طاعتت همگان درود فرست،

و از تو خواستارم هر خواهشی را که بندگان مورد خشنودیت از تو خواسته‌اند، و اجابت خواهش آنها حتم فرمودی، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای بخشنده، ای بخشنده، ای بخشنده، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان، ای دارای شکوه و کرامت، ای دارای شکوه و کرامت، ای دارای شکوه و کرامت، به او، به او، به او، به او، به او، به او، به او، به او، از تو خواستارم به هر نامی که خود را به آن نامیدی، یا آن را در کتابی از کتابهای فرو فرستادی، یا آن را در علم غیبیت نزد خود نگاه داشتی، و به بندگانهای بلند عرشت، و و بهنهای رحمت از کتاب سرنوشت خویش و به آنچه در این آیه است: «اگر همه درختان روی زمین قلم باشند و دریا هم مرکب شود که از پس آن هفت دریای دیگر مدوش کنند کلمات خدا تمام نمی‌شود، همانا خدا عزیز است»، و تو را می‌خوانم به نامهای نیکویت که آنها را در کتابت وصف کرده و گفتی: «و برای خدا نامهای نیکوست، پس خدا را به آنها بخوانید»، و نیز گفتی:

«مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم»، و گفتی: «هرگاه بندگانم از تو درباره من بپرسند پس به یقین من به آنان نزدیکم، دعای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 133

دعا کننده را هرگاه دعا کند پاسخ می‌دهم»، و گفتی: «ای بندگانم که بر خود اسراف کردید از رحمت خدا ناامید نباشید، همانا خدا همه گناهان را می‌آمرزد، به یقین او آمرزنده مهربان است» و من از تو درخواست می‌کنم ای خدای من و تو را می‌خوانم ای پروردگارم، و به تو امیدوارم ای آقام و در اجابت دعایم به تو طمع دارم ای مولایم، آنطور که به من وعده اجابت دادی، تو را خواندم، و آنگونه که به من امر فرمودی، پس با من چنان رفتار کن که سزاوار تو است ای کریم و سپاس خدای را پروردگار جهانیان و درود خدا بر محمد و خاندانش همگان. پس حاجت خود را ذکر کن که انشا الله تعالی برآورده خواهد شد و در روایت «مهیج الدعوات» است که این دعا را هرگز بدون طهارت نخوان.

دعای معروف به یستشیر

سید ابن طاووس در کتاب «مهیج الدعوات» از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده: حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا را به من تعلیم داد و امر فرمود آن را در هر حال و برای هر سختی و آسانی بخوانم و نیز آن را به جانشین خود تعلیم دهم و خواندن این دعا را ترك نگویم تا حق تعالی را ملاقات کنم و نیز فرمود: یا علی این دعا را هر صبح و هر شام بخوان زیرا که گنجی از گنجهای عرش الهی است.

ابی بن کعب، به پیشگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله التماس کرد که آن حضرت فضیلت این دعا را بیان نماید، حضرت اندکی از ثواب بسیار آن را بیان فرمود. هرکه می خواهد به کتاب «مهج الدعوات» مراجعه نماید. متن دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ستایش خدا را که معبودی جز او نیست، آن فرمانروای بر حق آشکار، تدبیرگر، هستی بی آنکه او را وزیری باشد و یا با آفریده ای از بندگانش مشورت نماید، آغازی است که در وصف نگنجد و پابرجاست پس از فنای آفریدگان،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 134

پروندگاری اش بس بزرگ است، روشنایی آسمانها و زمینها و آفریننده و پدیدآورنده آن دو است، آسمان و زمین را بی ستون آفرید، و از هم گشودشان گشودنی چشمگیر، پس آماخا به فرمان او بر پا شدند، و زمینها با کوههایشان بر فراز آب جا گرفت، سپس بلندی گرفت پروردگار ما در آسمانهای بلند، خدا بخشاینده بر فرمانروای یهستی چیره گشت، تنها از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است و هر آنچه بین آن دو و آنچه زیر خاک است، پس من شهادت می دهم که تنها تویی خدا، بالا برنده ای برای آنچه بر زمین نشاندی نیست و نه زمین زنده ای برای آنچه بالا بردی و نه عزّت بخشی آن را که تو خوارش کردی، و خوارکننده ای نیست آن را که تو عزیز نمودی و بازدارنده ای برای آنچه عطا کردی نیست، و نه عطا کننده ای برای آنچه دریغ کردی، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، تو بودی آنگاه که نه آسمانی بنا شده بود و نه زمینی گسترانیده و نه خورشیدی تابان و نه شمس تاریک و نه روزی فروزان و نه دریایی خروشان و نه کوهی استوار و نه ستاره ای روان و نه ماهی تابنده و نه بادی وزان، و نه ابری پرباران، و نه برقی درخشان، و نه صاعقه ای تسبیح گویان، و نه روحی دم زن و نه پرنده ای پران و نه آتشی فروزان و نه آبی روان بوده باشند، پیش از هر چیز بودی و همه چیز را پدید آوردی و بر هر چیز توانا بودی و همه چیز را نو آفریدی و توانگر نمودی و ناتوان ساختی و میراندی و زنده نمودی و خندانندی و گریانندی، و بر فرمانروایی هستی چیره گشتی، پس خجسته بودی، ای خدا، و بلندی گرفتی، تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، آفریننده یاری رسانی که فرمانت چیره

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 135

و علمت نافذ، و نیرنگت شگفت، و وعدهات راست، و گفتهات، حق، و داوریات دادگرانه و محنت هدایتگر و پیامت نور و رحمت فراگیر، و گذشتت بزرگ و بخششت بسیار، و عطایات فراوان و ریسمانت استوار، و یاریات فراهم و پناهندات عزّتمند و عذابت سخت، و نیرنگت زیرکانه است، تو ای پروردگار من آستانت جایگاه هر شکایتی است و خود حاضر در هر جماعتی و گواه هر گفتگوی نهانی، نهایت هر حاجتی، شادی بخش هر اندوهگین، توانگری هر بر بر خاک نشسته‌ای، دژ استوار هر گریزانی، امان هر هراسانی، نگاهدار ناتوانی، گنجینه تهیدستانی، غمزدای غمزدگانی، پشتیبان شایستگی، آن است خدا، پروردگار ما، معبودی جز او نیست، کفایت می‌کنی از بندگان آن را که بر تو توکل کند، و تویی پناه آن که به تو پناه آورد و به درگاہت زاری نماید، نگهدار کسی که به دامن تو چنگ زند، یار آن که از تو یاری جوید، می‌آموزی گناهان آن را که از تو آموزش خواهد، جبار جبارانی، بزرگ بزرگان، سرور سروران، آقای آقایان، سرآمد مولایان، دادرس دادخواهان، گره‌گشای گرفتاران، اجابت کننده دعای بیچارگان، شنواترین شنوندگان، بیناترین بینندگان، داورترین داوران، سریع‌ترین حساب‌برسان، مهربان‌ترین مهربانان، بهترین آموزندگان، برآورنده حاجات مؤمنان، فریادرس نیکان، تویی خدا، معبودی جز تو نیست، پروردگار جهانیان، تویی آفریدگار و من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 136

آفریده و تویی مالک و من مملوک، و تویی پروردگار و من بنده، و تویی روزی‌دهنده و من روزی‌خوار، و تویی بخشنده و من سائل، و تویی دارای جود و من بخیل، و تویی توانمند و من ناتوان، و تویی عزّتمند و من خوار، و تویی بی‌نیاز و من تهیدست، و تویی آقا و من بنده، و تویی آموزنده و من بلدکار، و تویی دانا و من نادان، و تویی بردبار و من شتابزده و تویی رحم‌کننده و من رحم‌شده و تویی عافیت‌بخش و من بلازده و تویی اجابت‌کننده و من ناچار و پریشان، و گواهی می‌دهم که تویی خدا، معبودی جز تو نیست، عطا بخش بندگان بدون درخواست ایشان، و گواهی می‌دهم تویی خدای یگانه یکتای بی‌همتای بی‌نیاز تک، و بازگشت همه به سوی تو است، خدایا بر محمد و اهل بیت پاک و پاکیزه‌اش درود فرست و گناهانم را بیامرز و بر من بپوشان کاستیهام را و از پیشگامت برای من رحمت و روزی فراوان بگشا، ای مهربان‌ترین مهربانان، و سپاس خدا را پروردگار جهانیان، و خدا ما را بس است و چه نیکو و کیلی است و جنبش و نیروی نیست جز به عنایت خدای والای بزرگ.

این دعا در بین دعاها از جایگاه بلندی برخوردار است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده و دعایی است که جبرئیل برای آن حضرت هنگامی که در مقام ابراهیم مشغول نماز بودند آورد و کفعمی در «بلد الامین» و «مصباح» این دعا را ذکر نموده و در حاشیه آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 137

به فضیلت آن اشاره کرده، از جمله اینکه هر که این دعا را در «ایام البیض» [روزهای سیزدهم و چهارم و پانزدهم] ماه رمضان بخواند گناهش آمرزیده می شود، هرچند به عدد دانه های باران و برگ های درختان و ریگ های بیابان باشد. و خواندن آن برای شفای بیمار و ادای دین و بی نیازی و توانگری و رفع غم و اندوه سودمند است. و دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

منّهی تو ای خدا، بلندمرتبه هستی ای بخشنده، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای مهربان، بلندمرتبه هستی ای کریم، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای فرمانروا، بلندمرتبه هستی ای مالک، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای بری از هر عیب، بلندمرتبه هستی ای سلام، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای ایمن بخش، بلندمرتبه هستی ای چیره بر هستی، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای عزّتمند، بلندمرتبه هستی ای جبار، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای بزرگ منش، بلندمرتبه هستی ای بزرگ منش، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای آفریننده، بلندمرتبه هستی ای آفرینشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای صورت آفرین، بلندمرتبه هستی ای تقدیر کننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای راهنما، بلندمرتبه هستی ای ماندگار، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای بخشایشگر، بلندمرتبه هستی ای بسیار توبه پذیر، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای گشایشگر، بلندمرتبه هستی ای خستگی ناپذیر، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای سرور، بلندمرتبه هستی ای مولایم، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای نزدیک، بلندمرتبه هستی ای نگاهبان، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 138

منّهی تو ای پدید آورنده، بلندمرتبه هستی ای بازگرداننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای ستوده، بلندمرتبه ای دارای عظمت، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای دیرینه، بلندمرتبه هستی ای بزرگ، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده، منّهی تو ای آمرزگار، بلندمرتبه هستی ای ستایش پذیر، ما را از آتش پناه ده ای پناه دهنده،

منزهی تو ای گواه، بلندمرتبه هستی ای حاضر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای مهربان، بلندمرتبه هستی ای منتگذار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای برانگیزنده، بلندمرتبه هستی ای میراث‌بر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده منزهی تو ای زندگی‌بخش، بلندمرتبه هستی ای میراننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای مهربان، بلندمرتبه هستی ای همراه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده منزهی تو ای همدم، بلندمرتبه هستی ای مونس ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای بزرگ‌مزلت، بلندمرتبه هستی ای زیبا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای آگاه، بلندمرتبه، هستی ای بینا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای عطابخش، بلندمرتبه هستی ای امان ده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای معبود، بلندمرتبه هستی ای موجود، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده منزهی تو ای بسیار‌آمرزنده، بلندمرتبه هستی ای ستوده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای یاد شده، بلندمرتبه هستی ای سپاس شده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای بخشنده، بلندمرتبه هستی ای پناهگاه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای زیبا، بلندمرتبه هستی ای باشکوه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای پیش از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 139

همه، بلندمرتبه هستی ای روزی‌دهنده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای راستگو، بلندمرتبه هستی ای شکافنده، ما را از ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای شنوا، بلندمرتبه هستی ای سریع، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای بلندپایه، بلندمرتبه هستی ای نوآفرین، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای همواره در کار، بلندمرتبه هستی ای والاتر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای قضاوت کننده، بلندمرتبه هستی ای خشنود، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای چیره، بلندمرتبه هستی ای پاک، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده منزهی تو ای دانا، بلندمرتبه هستی ای حکمران، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای پاینده، بلندمرتبه هستی ای پایدار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای نگهدارنده، بلندمرتبه هستی ای پخش کننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای بی‌نیاز، بلندمرتبه هستی ای بی‌نیاز کننده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای باوفا، بلندمرتبه هستی ای توانا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای کفایت کننده، بلندمرتبه هستی ای شفاعت‌بخش، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای پیش‌انداز، بلندمرتبه هستی ای پس‌انداز، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای آغاز، بلندمرتبه هستی ای انجام ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای آشکار،

بلندمرتبه هستی ای نمان، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای امید، بلندمرتبه هستی ای امیدبخش، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای عطابخش، بلندمرتبه هستی ای همراه بخشایشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای زنده، بلندمرتبه هستی ای به خود پاینده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 140

ای یگانه، بلندمرتبه هستی ای یکتا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای سرور، بلندمرتبه هستی ای مقصود همه ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای توانا، بلندمرتبه هستی ای بزرگ، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای ولایت مدار، بلندمرتبه هستی ای بلند پایه ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای والا، بلندمرتبه هستی ای والاتر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای سرپرست، بلندمرتبه هستی ای مولا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای پدیدآور، بلندمرتبه هستی ای آفرینشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای فرودآور، بلندمرتبه هستی ای فرازبر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای دادگر، بلندمرتبه هستی ای گردآور، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای عزت‌بخش، بلندمرتبه هستی ای خوارساز، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای نگاهبان، بلندمرتبه هستی این نگاهبان، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای توانا، بلندمرتبه هستی ای توانمند ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای دانا، بلندمرتبه هستی ای بردبار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای داور، بلندمرتبه هستی ای فرزانه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای عطابخش، بلندمرتبه هستی ای بازدار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای زیان‌رسان، بلندمرتبه هستی ای سودبخش، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای اجابت‌کننده، بلندمرتبه هستی ای حسابرس، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای دادگر، بلندمرتبه هستی ای جدایی‌انداز، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای مهربان، بلندمرتبه هستی ای شریف، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای پروردگار، بلندمرتبه هستی ای حقیقت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 141

پایدار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای پرشکوه، بلندمرتبه هستی ای گانه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای درگذرنده، بلندمرتبه هستی ای انتقام‌گیرنده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای

بسیار عطا بخش، بلندمرتبه هستی ای عطاگستر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای پرمهر، بلندمرتبه هستی ای نوازشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده منزهی تو ای یگانه، بلندمرتبه هستی ای بی‌همتا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای روزی‌بخش، بلندمرتبه هستی ای فراگیر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای وکیل، بلندمرتبه هستی ای عدالت‌محض، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده منزهی تو ای آشکار، بلندمرتبه هستی ای استوار، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای نیکو، بلندمرتبه هستی ای مهروز، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای راهما، بلندمرتبه هستی ای راهبر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای روشنایی، بلندمرتبه هستی ای روشنی‌بخش، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای یاری‌رسان، بلندمرتبه هستی ای یاور، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای بردبار، بلندمرتبه هستی ای شکيبا، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای شمارشگر، بلندمرتبه هستی ای آفرینشگر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای پاک و منزّه، بلندمرتبه هستی ای جزادهنده، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای فریادرس، بلندمرتبه هستی ای پناه، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای آفریننده، بلندمرتبه هستی ای حاضر، ما را از آتش پناه ده ای پناه‌دهنده، منزهی تو ای صاحب شکوه و زیبایی، بلندمرتبه هستی ای دارای جبروت و جلال، منزهی تو، معبودی جز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 142

جز تو نیست منزهی تو، همانا من از ستمکاران بودم، پس دعایش را احابت کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و اینچنین اهل اهل ایمان را رهایی بخشیم، و درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان او همه و سپاس خدا را پروردگار جهانیان و خدا ما را بس است و چه نیکو و کیلی است، و جنبش و نیروی نیست، جز به عنایت خدای والای بزرگ.

دعای عدیله

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

خدا برپا دارنده عدل و داد گواهی داد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهند که معبودی جز او نیست هم او که عزتمند و حکمت‌مدار است، همانا دین راستین نزد خدا اسلام است و من بنده ناتوان گنهکار نافرمان نیازمند ناچیز تو گواهی می‌دهم به نعمت‌دهنده و آفریننده و روزی‌بخش و اکرام‌کننده خویش، چنان که خود گواهی داد

بر یگانگی ذاتش و هم گواهی دادند فرشتگان و صاحبان دانش از بندگانش بر اینکه معبودی جز او نیست، هم او که صاحب نعمتها و احسان و کرم و بخشش است، آن توانای بی ابتدا دانای بی انتها، زنده یکتا، موجود همیشگی، شنوای بینا، خواهان ناخواه، دریابنده بی نیازی، که او شایسته این صفات است و او در پرده عزّ صفات خویش آنگونه است که تنها خود داند توانا بود پیش از پیدایش توانایی و نیرو، دانا بود پیش از آفریدن دانش و آفرینش، همواره پادشاه بود آنگاه که نه کشوری بود و نه مالی، و همیشه منزّه بود در همه حال،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 143

وجودش پیش از پیش بود در آغاز محض، و بقایش بعد از بعد است بدون جابجایی و دگرگونی، توانگر است در آغاز و انجام، بی نیاز است در باطن و ظاهر، در داوری اش ستمی نیست و در اراده اش انحرافی وجود ندارد، و در تقدیرش بیدادی به چشم نمی خورد، و از حکومتش راه گریزی نیست، و از شدّت خشمش پناهگاهی وجود ندارد و از انتقامش راه نجاتی نمی باشد، رحمتش بر خشمش پیشی گرفت، آن را که بخواد از چنگش نرهد موانع تکلیف را برطرف ساخته و توفیق را یکسان قرار داده است بین ناتوان و شریف، ممکن نمود ادای وظیفه را و راه دوری جستن از حرام را هموار ساخت، طاعت را تکلیف ننمود جز به کنتز از ظرفیت و طاقت، منزّه است او چه آشکار است کرمش و چه والاتر است مقامش، منزّه است او چه، بزرگ است عطایش و چه بزرگ است احسانش پیامبران را برانگیخت تا دادگری اش را بیان کنند و جانشینان آنان را بگماشت تا نمایان سازد عطای بی حد و فضلش را و ما را از امت سرور انبیاء و بهترین اولیاء و برترین برگزیده ها و والاترین پاکان محمد، (درود خدا بر او و خاندانش) قرار داد، به او ایمان آوردیم و به آنچه ما را بسوی آن دعوت کرد و به قرآنی که خدا بر او نازل نمود و به جانشینش که در روز غدیر معین کرد و با گفته اش به او اشاره نمود و فرمود: «این علی است». و شهادت می دهیم که امامان نیکو کردار و جانشینان نیکوکار پس از رسول برگزیده خدا، علی سرکوبگر کافران است و پس از او سرور فرزندان حسن بن علی، سپس برادرش نواده پیامبر، پیرو رضای خدا: حسین،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 144

سپس عبادت کننده علی، سپس باقر محمّد، سپس صادق جعفر، سپس کاظم موسی، سپس رضا علی سپس تقی محمد، سپس نقی علی، سپس زکّی عسگری حسن، سپس حجت، جانشین بر حق، قائم منتظر مهدی، آن امیدبخشی که به بقایش دنیا باقیست، و از برکتش بندگان روزی یافته اند و به وجودش زمین و آسمان استوار گشته است و خدا به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می کند، پس از آنکه از ستم و بیداد پر شده و شهادت می دهیم که گفتار آنان حجت، و پیروی

از آنان واجب و اطاعتشان بایسته، و دوستی با آنان لازم و ختم و اقتداری به آنان نجات بخش و مخالفتشان سرنگون کننده است، و ایشان سروران همه اهل بهشت و شفیعان روز جزا و امامان اهل زمین بطور یقین، و برترین جانشینا پسندیده، و شهادت می‌دهم که مرگ حق است و سؤال قبر و برانگیخته شدن حق و ورود خلایق به محشر و صراط و میزان، و حساب حق و کتاب و بهشت و جهنم همه و همه بر حق است و ساعت موعود آمدنی است، هیچ تردیدی در آن نیست و اینکه خدا آنان که در قبرها هستند را برخواهد انگيخت. خدایا! بخششت امید من و کرم و رحمت آرزوی من است، عملی که به آن سزاوار بهشت باشم ندارم و طاعتی که به آن شایسته خشنودی گردم در پرونده‌ام نیست، جز اینکه یگانگی و دادگری‌ات را باور دارم، و به احسان و فضلت دل بستم و از محبوبانت: پیامبر و خاندانش را در بارگاه تو شفیع آوردم و تو کریم‌ترین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 145

کریمانی و مهربان‌ترین مهربانانی و درود خدا بر پیامبران محمد و همه خاندانش آن پاکان و پاکیزگان و سلام بسیار او بر آنان باد، و جنبش و نیرویی نیست جز به عنایت خدای والای بزرگ، خدایا ای مهربان‌ترین مهربانان، این یقین و استواری در دینم را به تو سپردم و تو بهترین امانتداری، چه تو خود ما را به حفظ امانتها فرمان دادی، پس این امانت مرا گاه فرارسیدن مرگم به من برگردان، به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان. مؤلف گوید: در عاهای روایت شده چنین آمده:

خدایا من از عدیله به هنگام مرگ به تو پناه می‌آورم. و عدیله به هنگام مرگ یعنی عدول کردن از حق به سوی باطل به گاه جان دادن، و عدول از حق چنین است که شیطان هنگام مرگ نزد انسان حاضر می‌شود و او را وسوسه کرده و نسبت به باورهای دینی به شك می‌اندازد، تا جایی که او را از مدار ایمان بیون کند و به همین دلیل است که در دعاها از این عدول به خدا پناه برده شده. و جناب فخر المحققین رحمه الله چنین فرموده: هرکه می‌خواهد از این وسوسه‌های به هنگام مرگ در امان باشد، دلایل ایمان و اصول پنجگانه را با برهانهای قطعی و صفای باطن، در ضمیرش حاضر نموده و آنها را به حق تعالی بسپارد که هنگام مرگ به او بازگرداند، بدینسان که پس از اظهار عقاید بر حق بگوید:

خدایا! ای مهربان‌ترین مهربانان همانا من این یقین و استواری دینم را به تو سپردم و تو بهترین امانتدار هستی چه تو خود ما را به حفظ امانتها فرمان دادی، پس آن را به گاه فرارسیدن مرگم به من بازگردان.

بنا بر گفته فخر المحققین رحمه الله خواند دعای شریف عدیله و به یاد سپردم معنای آن در ذهن برای به سلامت رستن از خطر «عدیله عند الموت» سودمند است. و اما این دعای مذکور روایت معصوم است یا انشای علمای شیعه؟ باید گفت: بنا بر گواهی عالم برجسته در علم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 146

حدیث شناسی و بررسی کننده روایات و گردآورنده تمام اخبار ائمه ع دانشمند زبردست و خبره و محدث ناقد و بصیر، شیخنا الاکرم و المحدث الأعظم مولانا الحاج میرزا حسین نوری «نور الله مرقد» این دعا از معصومین نیست، چنان که فرموده است:

دعای عدیله معروف از نوشته های بعضی از اهل علم است و از معصومین ع روایت نشده است و در کتابهای حاملان حدیث و نقادان روایت موجود نیست. بدان که شیخ طوسی از محمد بن سلیمان دیلمی روایت کرده است که به محضر حضرت صادق علیه السلام عرضه داشتم: شیعیان شما می گویند: ایمان بر دو گونه است: نخستین ایمان مستقر و دیگر آن که به امانت نهاده شده و از بین می رود، بنابراین دعایی را به من بیاموز که هرگاه آن را بخوانم ایمانم کامل شود و از بین نرود، ایشان فرمود پس از هر نماز واجب بگو:

خشنودم به اینکه خدا پروردگارم باشد و محمد (درود خدا بر او و خاندانش باد) پیامبرم، و اسلام آیینم و قرآن کتابم، و کعبه قبله ام، و علی ولی و امامم، و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی، و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجة بن الحسن که درود خدا بر همه آنان باد پیشوایانم باشند. خدایا! خشنودم به اینکه آنان امامانم باشند، پس مرا مورد پسند و خشنودی ایشان قرار ده زیرا تو بر هر کاری توانایی.

دعای جوشن کبیر

این دعا در کتابهای بلد الامین و مصباح کفعمی آمده، از حضرت سید الساجدین علیه السلام، از پدر ایشان از جد بزرگوارش حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده: این دعا را جبرئیل برای آن حضرت در یکی از جنگها فرود آورد، درحالی که زره سنگینی بر تن آن جناب بود به گونه ای که سنگینی آن بدن مبارك آن حضرت را به درد آورده بود.

جبرئیل عرضه داشت: یا محمد پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: این جوشن (زره) را از تن خود بیرون کن و این دعا را بخوان که برای تو و امتت موجب ایمنی است. سپس شرحی در فضیلت این دعا ذکر فرموده که اینجا جای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 147

بیان تمام آن نیست ولی به برخی از آن اشاره می‌کنیم از جمله آنکه هرکه آن را بر کفنش بنویسد، خدا به احترام آن او را به آتش نمی‌افکند و هرکه آن را در اول ماه رمضان با نیت خالص و دلی پاک بخواند، حق تعالی بهره‌مندی را روزی او می‌کند، و برای وی هفتاد هزار فرشته می‌آفریند که خدا را تسبیح و تقدیس کنند و ثوابش را برای او قرار دهند. در ادامه نیز فضیلت زیادی نقل کرده تا آنکه فرمود: هرکه آن را در ماه رمضان سه بار بخواند، خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام می‌کند، و بهشت را برای او واجب می‌گرداند، و دو فرشته را بر او می‌گمارد تا او را از گناهان حفظ کنند، و در طول زندگی خود در امان خدا باشد و در پایان روایت آمده: امام حسین علیه السلام فرمود: پدرم علی بن ابیطالب علیه السلام به حفظ این دعا وصیت کرد، و نیز اینکه آن را بر کفن ایشان بنویسم و به اهل خود تعلیم دهم و آنان را به خواندنش ترغیب نمایم.

این دعا مشتمل بر هزار نام از نامهای خدا است و اسم اعظم نیز در آن است.

فقیر گوید: از این روایت دو نکته استفاده می‌شود، اول: استحباب نوشتن این دعا بر کفن چنان‌که علامه بحر العلوم (عطر مرقدہ) در کتاب «الدرة» به آن اشاره فرموده است:

شد مستحب نوشتن بر اکفان

گواه بر اسلام و هم بر ایمان

و هم نوشتن کتاب قرآن

و جوشن آن دعای امن و امان

دوم: استحباب خواندن این دعا در اول ماه رمضان، و اما درباره قرائت آن در خصوص شبهای قدر باید گفت، ذکری از آن در این روایت نیامده است ولی علامه مجلسی قدس سره روحه در کتاب «زاد المعاد» آن را در ضمن اعمال شبهای قدر ذکر نموده است و در پاره‌ای از روایات نیز وارد شده که دعای «جوشن کبیر» را در هر يك از شبهای قدر بخوانند. و برای ما در این مقام فرمایش علامه مجلسی احله الله دار المقام کافی است.

در هر صورت این دعا مشتمل بر صد بند است، و هر بندی مشتمل بر ده نام از نامهای خداست که در آخر هر بند باید گفت:

منّهی تو ای که معبودی جز تو نیست، فریادرس فریادرس، ما را از آتش برهان ای پروردگارو در کتاب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 148

«بلد الامین» آمده است که در آغاز هر بند «بسم الله» بگوید و در آخرش: منّهی تو ای که معبودی جز تو نیست، فریادرس فریادرس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را ای پروردگار از آتش رهایی بخش، ای سرچشمه هیبت و کرامت، ای مهربانترین مهربانان. و آن دعا این است: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانیاش همیشگی است

(1) خدایا از تو خواستارم به نامت، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای گرامی، ای پایدار، ای بزرگ، ای دیرینه ای دانا، ای شکیفا، ای فرزانه، منّهی تو ای که معبودی جز تو نیست، فریاد رس فریاد رس، ما را از آتش برهان ای پروردگار من. (2) ای سرور سروران، ای برآورنده دعاها، ای بلندی بخش جایگاهها، ای سرچشمه نیکیها، ای درگذرنده از خطاها، ای عطابخش خواستهها، ای پذیرنده توبهها، ای شنونده نداها، ای دانای رازها، ای دور کننده بلاها (3) ای بهترین آمرزگاران، ای بهترین گشایشگران ای بهترین یاوران، ای بهترین داوران، ای بهترین روزی دهان، ای بهترین وارثان، ای بهترین ستایشگران ای بهترین یادآوران، ای بهترین عطابخشان، ای بهترین نیکوکاران، (4) ای آن که شکوه و زیبایی تنها از آن اوست ای آن که توانایی و برزندگی تنها از آن اوست، ای آن که فرمانروایی و شوکت تنها از آن اوست، ای آنکه اوست بزرگ و برتر، ای پدیدآورنده ابرهای پرباران، ای آن که نیرومند، و پرتوان است، ای آن که حسابرسی چالاک است، ای آن که کیفرش سخت و شدید است، ای آن که پاداش نیک تنها نزد اوست، ای آن که دفرت هستی پیش روی اوست (5)

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 149

خدایا! از تو خواستارم به نامت ای پرمهر، ای بخشایشگر، ای جزادهنده، ای روشنی خرد، ای فرمانروا، ای خشنودی، ای آمرزش، ای پاک، ای پشتوانه، ای صاحب نعمت و بیان (6) ای آن که همه در برابر عظمتش فروتن، ای آن که همه در برابر قدرتش تسلیم، ای آن که همه در برابر عزّتش خوار، ای آن که همه در برابر هیبتش هراسان، ای آن که همه از ترسش فرمانبردار، ای آن که کوهها از بیمش شکافته، ای آن که آسمانها به امرش بر پا، ای آن که زمینها به اجازه اش بر جا، ای آن که رعد به ستایشش تسبیح گو است، ای آن که بر اهل مملکتش ستم نمی کند (7) ای درگذرنده از خطاها، ای برطرف کننده بلاها، ای اوج امیدواریها، ای بسیاردهنده عطاها، ای بخشنده هدایا، ای روزی رسان آفریدهها، ای برآورنده آرزوها،

ای شنوای گلایه‌ها، ای برانگیزنده بندگان، ای بندگشای درندگان (8) ای صاحب سپاس و ستایش، ای صاحب فخر و زیبایی، ای صاحب بزرگواری و والایی، ای صاحب پیمان و وفا، ای صاحب گذشت و رضا، ای صاحب بخشش و عطاء، ای صاحب دادرسی و داوری، ای صاحب عزّت و بقا، ای صاحب کرم و بخشش، ای صاحب عطاها و نعمتها (9) خدایا از تو خواستارم به نامت ای بازدارنده، ای دور کننده، ای بردارنده، ای سازنده، ای سودبخش، ای شنوا، ای گرد آورنده، ای یاریگر، ای مهرگستر، ای وسعت بخش (10) ای سازنده هر ساخته، ای آفریننده هر آفریده، ای روزی بخش هر روزی خوار ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 150

دارای هر دارایی، ای غمگسار هر غمزده، ای فرج بخش هر اندوهگین، ای مهرورز بر هر مهرجو ای یاور هر بی‌یاور، ای پرده‌پوش هر کاستی، ای پناه هر رانده. (11) ای توشه‌ام در سختی، ای امیدم در ناگواری، ای همدم در وحشت، ای همرهم در غربت ای سرپرستم در نعمت، ای فریادرسم در گرفتاری، ای رهنمایم در سرگردانی، ای توانگری‌ام در تنگدستی ای پناهم در دماندگی، ای مدد رسانم در پریشانی (12) ای دانای ناهنا، ای آمرزنده گناهان، ای پرده‌پوش عیبها، ای غمگسار غمها، ای دگرگون ساز دلها، ای پزشک قلبها، ای روشنی بخش دلها، ای همدم جانها، ای گره گشای اندوهها، ای گشایشگر دلتنگیها (13) خدایا! از تو درخواست می کنم به نامت ای والا، ای زیبا، ای کارگشا، ای سرپرست، ای راهنما، ای پذیرا، ای گرداننده، ای عطا بخش، ای درگذرنده، ای حال گردان (14) ای رهنمای رهجویان، ای مدد رس مددجویان، ای فریادرس فریادکنان، ای پناه پناهندگان، ای ایمنی بخش هراسندگان، ای یاور مؤمنان، ای مهرورز بر خاک نشستگان، ای پناه عصیانگران، ای آمرزنده گنهگاران، ای اجابت کننده دعای بیچارگان. (15) ای صاحب جود و نیکی، ای صاحب بخش و عطا، ای صاحب امن و امان، ای صاحب قدس و پاکی، ای صاحب حکمت و بیان، ای صاحب رحمت و رضوان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 151

ای صاحب حجّت و برهان، ای صاحب عظمت و سلطان، ای صاحب مهر و ای پشتیبان، ای صاحب گذشت و غفران (16) ای آن که پروردگار همه اوست، ای آن که معبود همه، اوست، ای آن که آفریننده همه، اوست ای آن که سازنده همه، اوست، ای آن که پیش از همه بود، ای آن که بعد از همه هست، ای آن که از هر چیز برتر است، ای آن که

به همه چیز داناست، ای آن که بر هر چیز توانا است، ای آن که او همیشگی است و همه چیز رفتنی است. (17) خدایا! از تو می‌خواهم به نامت ای ایمنی بخش، ای چیره بر همه، ای هستی آفرین، ای دلبر، ای خردریا، ای سادگی بخش، ای توان‌ده، ای زینت بخش، ای نمایانگر، ای پخش کن. (18) ای آن که در فرمانروایی اش پابرجاست ای آن که در پادشاهی اش دیرینه است، ای آن که در شکوهش بزرگ است، ای آن که بر بندگانش مهربان است، ای ای آن که به هر چیز داناست، ای آن که بر نافرمانان بردبار است، ای آن که بر امیدواران اکرام ورزد، ای آن که در آفرینش حکمت نماید، ای آن که در حکمتش مهر ورزد، ای آن که در مهرش دیرینه است. (19) ای آن که جز به فضلش امید نیست، ای آن که جز عفویش خواهش نشود، ای آن که جز به نیکی اش چشم ندوزند، ای آن که جز از دادش نهراسند، ای آن که پایدار نماند جز فرمانروایی اش، ای آن که جز سلطنتش سلطنتی نیست، ای آن که رحمتش همه را فرا گرفته، ای آن که رحمتش بر خشمش پیشی گرفته، ای آن که دانشش همه را فرو گرفته، ای آن که هیچکس همانندش نیست. (20) ای گشاینده اندوه، ای برطرف کننده غم، ای آمرزنده گناه، ای پذیرنده توبه، ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 152

آفریننده آفریدگان، ای راست وعده، ای وفادار به پیمان، ای دانای راز نمان، ای شکافنده دانه، ای روزی دهنده بندگان. (21) خدایا! از تو خواستارم به نامت ای والا، ای وفادار، ای توانگر، ای امان‌ده، ای پرمهر، ای خشنود، ای پاک، ای نمایان، ای پرتوان، ای فیض بخش. (22) ای آن که زیبایی را پدیدار نمودی، ای آن که زشتی را پوشاندی ای آن که بر گناه سرزنش نکردی، ای آن که پرده‌دری ننمودی، ای که گذشتت بزرگ، ای که نیکو درگذری، ای آمرزگاریت فراگیر، ای دستت به مهر گشوده، ای شنوای هر نجوی، ای سرانجام هر گلایه (23) ای دارای نعمت فراوان، ای دارای رحمت فراگیر، ای دارای بخشش آغازین، ای دارای حکمت رسا، ای دارای نیروی برانزده، ای دارای برهان قطعی، ای دارای کرامت هویدا، ای دارای عزت پایدار، ای دارای توان استوار، ای دارای عظمت بلندپایه. (24) ای پدیدآورنده آسمانها ای برهنده تاریکیها، ای رحم کننده اشکهای ریزان، ای درگذرنده از لغزشها، ای پوشنده زشتیها، ای زندگی بخش مردگان، ای فرودآور آیات، ای دوچندان کن خوبیها، ای ناپدید کننده بدیها، ای سخت شکنجه. (25) خدایا! از تو درخواست می‌کنم به نامت ای صورتگر، ای سنجیده کار، ای گرداننده، ای پاک کننده، ای روشنی بخش، ای ساده ساز، ای مژده‌ده، ای بیم‌ده، ای پیش‌آور، ای پس‌آور. (26) ای پروردگار خانه محترم، ای پروردگار ماه محترم، ای پروردگار شهر محترم، ای پروردگار رکن و مقام، ای پروردگار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 153

مشعر الحرام، ای پروردگار مسجد الحرام، ای پروردگار حلال و حرام، ای پروردگار روشنی و تاریکی، ای پروردگار تحیت و سلام، ای پرورنده نیرو در مردمان. (27) ای داورترین داوران، ای دادگترین دادگران، ای راستگوترین راستگویان، ای پاکترین پاکان، ای بهترین آفرینندگان، ای چابکترین حسابگران، ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینندگان، ای یاورترین یاوران، ای گرمی‌ترین گرمیان. (28) ای تکیه‌گاه آن که تکیه‌گاه ندارد، ای پشتیبان آن که پشتیبانی ندارد، ای اندوخته آن که اندوخته‌ای ندارد ای پناه آن که پناهی ندارد، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای افتخار آن که افتخاری ندارد، ای عزت آن که عزتی ندارد ای مدرسان آن که مددی ندارد، ای همدم آن که همدمی ندارد، ای ایمنی‌بخش آن که ایمنی ندارد (29) خدایا! از تو می‌خواهم به نامت ای نگهدار، ای پایدار، ای پاینده، ای مهرورز، ای سلامتی‌بخش، ای داور، ای دانا، ای بخش‌کن، ای بازگیر، ای فراخی‌بخش. (30) ای نگهدار آن که از او نگهداری جوید، ای مهربان بر آن که از او مهر جوید، ای آمرزنده آن که از او آمرزش خواهد ای یاور آن که از او یاری طلبد، ای حافظ آن که از او حفاظت خواهد، ای اکرام‌کننده آن که از او اکرام خواهد، ای راهنمای آن که از او راهنمایی جوید، ای دادرس آن که از او دادرسی خواهد، ای مددیار آن که از او مدد جوید، ای فریادرس آن که از او فریادرسی خواهد (31) ای عزیزی که خوار نگردد، ای لطیفی که دست‌اندازی نشود، ای پایداری که خوا او را درنیابد، ای پاینده‌ای که فنا نپذیرد، ای زنده‌ای که نمی‌میرد، ای پادشاهی که از بین نمی‌رود، ای همیشگی که فانی نمی‌شود، ای دانایی که نادانی ندارد، ای بی‌نیازی که خوار نخواهد، ای توانایی که ناتوان نمی‌گردد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 154

(32) خدایا! از تو درخواست می‌کنم به نامت ای یکتا، ای یگانه، ای گواه، ای بزرگوار، ای ستایش‌پذیر، ای راهنما ای برانگیزنده، ای میراث‌برنده، ای زیان‌رسان، ای سودبخش (33) ای بزرگ‌تر از هر بزرگ، ای کریم‌تر از هر کریم، ای مهربان‌تر از هر مهربان، ای داناتر از هر دانا، ای فرزانه‌تر از هر فرزانه، ای دیرینه از هر دیرینه، ای بزرگ‌تر از هر بزرگ، ای لطیف‌تر از هر لطیف، ای باشکوه‌تر از هر باشکوه، ای عزیزتر از هر عزیز. (34) ای گذشت‌کریمانه، ای نعمت‌بزرگ، ای خیرت بسیار، ای فضلت دیرینه، ای لطفت همیشگی، ای ضنعت چشم‌نواز، ای گره‌گشای گرفتاری، ای بردارنده زیان، ای پادشاه هستی، ای داور بر حق، (35) ای آن که در پیمانش وفادار است، ای آن که در وفاداری‌اش پایدار است، ای آن که در پایداری‌اش والاست، ای آن که در والایی‌اش نزدیک است، ای آن که در نزدیکی‌اش با نرمی

است، ای آن که در نرمی اش شریف است، ای آن که در شرفش با عزّت است، ای آن که در عزّتش بزرگ است، ای آن که در بزرگی اش شکوهمند است، ای آن که در شکوهش ستوده است. (36) خدایا! از تو درخواست می کنم به نامت ای بسنده، ای درمان بخش، ای وفادار، ای تندرستی ده ای راهنما، ای به نیکی خوان، ای داور، ای خشنود، ای بلندمرتبه، ای ماندگار. (37) ای آن که هرچیز برایش فروتن است، ای آن که هر چیز از او هراسان است، ای آن که هستی هرچیز از او است، ای آن که هرچیز به او پدیدار است، ای آن که هرچیز به سوی او بازگشت کند، ای آن که هرچیز از او ترسان است، ای آن که هرچیز به او بر پاست، ای آن که هر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 155

چیز به سوی او دگرگون می شود، ای آن که هر چیز به ستایش او تسبیه گو است، ای آن که هرچیز جز جلوه اش نابود است (38) ای آن که گریزگاهی نیست جز به بارگاهش، ای آن که پناهی جز به درگاهش نیست، ای آن که مقصدی جز به سوی او نیست، ای آن که از خشمش رهای نیست جز به مهرش، ای آن که جز به سوی او میلی نیست، ای آن که جنبش و نیروی نیست جز به او، ای آن که جز از او مدد نجویند، ای آن که جز بر او توکل نشود، ای آن که جز به او امیدی نیست، ای آن که جز او پرستیده نشود. (39)

ای بهترین هراس انگیزان، ای بهترین شوق آفرینان، ای بهترین جویاشدگان، ای بهترین پاسخ دهان، ای بهترین قصه شدگان ای بهترین یادشدگان، ای بهترین ستودگان، ای بهترین دلبران، ای بهترین خوانندگان، ای بهترین همدان. (40) خدایا! از تو خواستارم به نامت ای آمرزگار، ای پرده پوش، ای توانا، ای چیره، ای آفریننده ای شکننده، ای شکسته بند، ای یادآور، ای بینا، ای یاور. (41) ای آن که آفرید پس متناسب نمود، ای آن که اندازه نهاد پس رهنمون شد ای آن که بلا را برگیرد، ای آن که زمزمه نغان را بشنود، ای آن که غرق شدگان را برهاند، ای آن که از نابودی رهایی بخشد، ای آن که بیماران را شفا دهد.

ای آن که خندانند و گریانند، ای آن که میرانند و زنده کند، ای آن که دوگونه مرد و زن آفرید. (42)

ای آن که در خشکی و دریا راه اوست، ای آن که در کرانه های هستی نشانه های اوست، ای آن که در نشانه هایش برهان روشن اوست، ای آن که در مرگ آفریدگان قدرت نمایی اوست، ای آن که در قبرها پندآموزی اوست، ای آن که در رستاخیز فرمانروایی بی حدّ اوست، ای آن که در حسابرسی اعمال شکوه اوست، ای آن که در سنجش کردارها داوری اوست، ای آن که در رهشت پاداش اوست، ای آن که در دوزخ

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 156

کیفر اوست (43) ای آن که هراسندگان به درگاه او گریزند، ای آن که گنهکاران به سوی او پناه برند، ای آن که پشیمانان آهنگ او کنند، ای آن که پارسایان به او میل نمایند، ای آن که سرگشتگان به او پناه برند، ای آن که ارادتمندان به او انس گیرند، ای آن که شیفتگان به او افتخار کنند، ای آن که خطاکاران در عفوش طمع ورزند، ای آن که یقین یافتگان به سوی او آرام گیرند، ای آن که توکل کنندگان بر او توکل کنند. (44) خدایا! از تو درخواست می کنم به نامت ای دوست داشتنی، ای شفابخش، ای نزدیک، ای دیده بان، ای حسابرس، ای هراس انگیز، ای پادشاه، ای اجابت کننده، ای آگاه ای بینا. (45) ای نزدیک تر از هر نزدیک، ای محبوب تر از هر محبوب، ای بینا تر از هر بینا، ای آگاه تر از هر آگاه، ای شریف تر از هر شریف، ای برتر از هر بلند، ای توانا تر از هر توانا، ای توانگر تر از هر توانگر، ای بخشنده تر از هر بخشنده، ای مهربان تر از هر مهربان (46) ای چهره شکست ناپذیر، ای سازنده ناساخته، ای آفریننده ناآفریده، ای مالک ما مملوک، ای چهره چهره گی ناپذیر، ای بلندی بخش بلندی ناپذیر، ای نگهدار بی نگهدار، ای یاری کننده یاری نشده، ای گواه همیشه حاضر، ای نزدیک دوری ناپذیر (47) ای روشنی نور، ای روشنی بخش نور ای آفریننده نور، ای گرداننده نور، ای به اندازه ساز نور، ای روشنی هر نور، ای روشنایی پیش از هر نور، ای روشنایی پس از هر نور، ای روشنایی بر فراز هر نور، ای نوری که همانندش نوری نیست (48) ای آن که عطایش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 157

چشمگیر است، ای آن که کارش چشم نواز است، ای آن که نوازشش پایدار است، ای آن که نیکی اش دیرینه است، ای آن که سخنش حق است ای آن که وعده اش راست است، ای آن که گذشتش فراتر از شایستگی است، ای آن که کیفرش داد است، ای آن که یادش شیرین است، ای آن که عطایش همگانی است. (49) خدایا! از تو درخواست می کنم به نامت ای آسان ساز، ای جدایی بخش، ای دگرگون ساز، ای هموار کن، ای فرودآور، ای فروزنده، ای بسیاربخش، ای امان دهنده، ای زیبایی آفرین (50) ای آن که بیننده و دیده نشود، ای آن که بیافریننده و آفریده نشود، ای آن که راهنمایی کند و راهنمایی نشود، ای آن که زنده کند و زنده اش نکنند، ای آن که پرسد و پرسیده نشود، ای آن که خوراند و خوراک نخواهد، ای آن که پناه دهد و پناه نجوید، ای آن که داوری کند و بر او داوری نشود، ای آن که فرمان دهد و فرمانش ندهند، ای آن که نزاده، و زاده نشده، و برای او همتایی نبوده است. (51) ای که چه خوش حسابگری، ای که چه خوش طبعی، ای که چه خوش همراهی، ای که چه خوش نزدیکی، ای که چه خوش پاسخ دهی، ای که چه خوش

دلبری، ای که چه خوش سرپناهی، ای که چه خوش کارگشایی، ای که چه خوش مولایی، ای که چه خوش یآوری (52)

ای شادی عارفان، ای آرزوی شیفتگان، ای همدم مریدان، ای محبوب توبه کاران، ای روزی دهنده بی چیزان، ای امید گنهاران، ای نور چشم عبادت کنندگان، ای گشاینده اندوه دلگیران، ای غمگسار غمزدگان، ای معبود گذشتگان و آیندگان. (53) خدایا! من از تو درخواست می کنم به نامت ای پروردگار ما، ای معبود ما، ای سرور ما ای مولای ما، ای یاور ما، ای نگهدار ما، ای راهنمای ما، ای مدد رسان ما، ای محبوب ما، ای طبیب ما، (54) ای پروردگار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 158

پیامبران و نیکان، ای پروردگار صدیقان و خوبان، ای پروردگار بهشت و دوزخ، ای پروردگار خردسالان و بزرگسالان، ای پروردگار دانه ها و میوه ها، ای پروردگار نهرها و درختان، ای پروردگار دشته ها و بیشه ها، ای پروردگار خشکیها و دریاها، ای پروردگار شب و روز، ای پروردگار آشکارها و نهانها (55) ای آن که فرمانش در هر چیز نفوذ یافته، ای آن که دانشش به هر چیز رسیده، ای آن که قدرتش هر چیز را دربر گرفته، ای آن که بندگان از شمردن نعمتهایش ناتوانند، ای آن که آفریدگان به سپاسش نرسند، ای آن که فهمها بزرگی اش را درنیابند، ای آن که پندارها به ژرفای هستی اش نرسند، ای آن که بزرگی و بزرگ منشی پوشش اوست، ای آن که بندگان توان برگرداندن حکمش را ندارند، ای آن که فرمانروایی جز فرمانروایی او نیست، ای آن که عطایی جز عطای او نیست (56) ای آن که نمونه اعلی از آن اوست، ای آن که صفات برتر برای اوست، ای آن که سرانجام و سراغاز از آن اوست، ای آن که بهشت آسایش از آن اوست، ای آن که نشانه های بزرگتر از آن اوست، ای آن که نامهای نیکوتر از آن اوست، ای آن که فرمان و داوری از آن اوست، ای آن هوا و فضا از آن اوست، ای آن که عرش و فرش از آن اوست، ای آن که آسمانهای برافراشته از آن اوست. (57) خدایا! از تو می خواهم به نامت ای درگذرنده، ای آمرزنده، ای شکیب، ای ستایش پذیر، ای مهربان، ای مهرورز، ای خواسته، ای دوست، ای پاک، ای منزّه. (58)

ای آن که بزرگی اش در آسمان است، ای آن که نشانه هایش در زمین است، ای آن که دلایلش در هر چیز است، ای آن که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 159

شگفتیهایش در دریاست، ای آن که گنجینه هایش در کوههاست، ای آن که آفرینش را آغاز کند سپس بازش گرداند، ای آن که مه امور به به سوی او بازگردد، ای آن که لطفش را در هر چیز نمایان ساخته، ای آن که آفرینش هر چیز را نیکو

پرداخته، ای آن که توانش در آفریدگان کارگر افتاده است. (59) ای دوست آن که دوستی ندارد، ای پزشك آن که پزشکی ندارد، ای پاسخگوی آن که پاسخگویی ندارد، ای یار مهربان آن که مهربانی ندارد، ای همراه بی‌مهربان، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای رهنمای آن که رهنمایی ندارد، ای همدم آن که همدمی ندارد، ای رحم‌کننده آن که رحم‌کننده‌ای ندارد ای همنشینی آن که همنشینی ندارد (60) ای کفایت‌کننده هرکه از او کفایت خواهد، ای راهنمای هرکه از او راهنمایی جوید، ای نگاهبان هرکه از او نگاهبانی خواهد، ای رعایت‌کننده هرکه از او رعایت خواهد، ای شفادهنده هرکه از او شفا طلبد، ای داور هرکه از او داوری خواهد، ای بی‌نیازکننده هرکه از او بی‌نیازی جوید، ای وفادار به هرکه از او وفا جوید، ای نیروبخش هرکه از او نیرو خواهد، ای سرپرست هرکه از او سرپرستی خواهد. (61) خدایا! از تو می‌خواهم به نامت ای آفریننده، ای روزی‌دهنده، ای گویا، ای راستگو ای شکافنده، ای جداکننده، ای گشاینده، ای پیونددهنده، ای پیشی‌گیرنده، ای بلند جایگاه. (62) ای آن که شب و روز را دگرگون سازد، ای آن که تاریکیها و روشناییها را قرار داد، ای آن که سایه خنك و گرما را آفرید، ای آن که خورشید و ماه را مسخر ساخت، ای آن که خیر و شر را مقدر نمود، ای آن که مرگ و زندگی را آفرید، ای آن که خلق و امر از آن اوست، ای آن که همسر و فرزندی نگرفت، ای آن که در فرمانروای یشریکی برایش نیست، ای آن که از روی خواری

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 160

سرپرستی نخواهد. (63) ای آن که خواهش خواهشمندان را می‌داند، ای آن که از نهاد خاموشان آگاه است، ای آن که ناله درماندگان را می‌شنود، ای آن که گریه هراسیدگان را می‌بیند، ای آن که نیازهای نیازمندان به دست اوست، ای آن بھانه توبه‌کاران را می‌پذیرد، ای آن که عمل تبھکاران را صلاح نبخشد، ای آن که پاداش نیکوکاران را تباه نکند، ای آن که از دل عارفان دور نباشد ای بخشنده‌ترین بخشنندگان. (64) ای همیشه ماندگار، ای شنونده دعا، ای گسترده عطا، ای آمرزنده خطا، ای پدید آورنده آسمان، ای نیک آزمون، ای نیکو ستایش، ای دیرینه بر فراز، ای بسیار وفادار، ای شریف پاداش. (65) خدایا! از تو می‌خواهم به نامت ای پرده‌پوش ای آمرزگار، ای چیره، ای جاھمند، ای بس شکیبایا، ای نیک‌بخش، ای برگزیده، ای گشاینده، ای روح‌بخش، ای راحتی‌بخش (66) ای آن که مرا آفرید و بیاراست، ای آن که مرا روزی داد و پرورید، ای آن که به من خورانید و نوشانید، ای آن که مرا نزدیک نمود و به کنار خویش برد، ای آن که مرا نگاه داشت و کفایت نمود، ای آن که مرا حفظ کرد و حمایت نمود، ای آن که به من عزت بخشید و بی‌نیازم ساخت، ای آن که توفیقم داد و راهنمایی کرد، ای آن که همدم شد و جايم داد، ای آن که مرا بمیراند و زنده کند. (67) ای آن که

حق را با کلماتش استوار و برجا کند، ای آن که توبه را از بندگانش بپذیرد، ای آن که میان انسان و دلش قرار گیرد، ای آن که شفاعت جز با اجازه‌اش سود نبخشد، ای آن که به گمراه‌شدگان راهش داناتر است، ای آن که حکمش دگرگونی نپذیرد، ای آن که رأیش را بازگرداننده‌ای نیست، ای آن که هرچیز فرمانش را گردن نهد، ای آن که آسمانها به دست قدرتش پیچیده گشته، ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 161

آن که باده‌ها را مژده‌دهنده رحمتش فرستد. (68) ای آن که زمین را بستر زندگی قرار داد، ای آن که کوهها را میخهای زمین نهاد، ای آن که خورشیدی را چراغ جهانش کرد، ای آن که ماه را تابان ساخت، ای آن که شب را جامه آرامش گرداند، ای آن که روز را مایه روزی قرار داد، ای آن که خواب را وسیله آرامش ساخت، ای آن که آسمان را بنا نهاد، ای آن که از هر چیز گونه‌های مختلف قرار داد، ای آن که آتش را کمینگاه قرار داد. (69) خدایا! از تو می‌خواهم به نامت ای شنوا، ای همیار، ای بلندپایه، ای فرازمند، ای شتابنده، ای نوآفرین، ای بزرگ، ای توانا، ای آگاه، ای پناهنده (70) ای زنده پیش از هر زنده، ای زنده پس از هر زنده، ای زنده‌ای که مانند او زنده‌ای نیست، ای زنده‌ای که هیچ زنده‌ای شریک او نیست، ای زنده‌ای که به زنده‌ای نیاز ندارد، ای زنده‌ای که همه زندگان را می‌میراند، ای زنده‌ای که به زنده‌ها روزی می‌دهد، ای زنده‌ای که زندگی را از زنده‌ای دیگر به ارث نبرده، ای زنده‌ای که مردگان را زنده می‌کند، ای زنده ای به خود پاینده‌ای که او را چرت و خواب درنگیرد. (71) ای آن که یادی دارد فراموش نشدنی، ای آن که نوری دارد خاموش نشدنی، ای آن که عطایایی بخشیده ناشمردنی، ای آن فرمانروایی‌اش بی‌زوال است، ای آن که ستایشش بی‌آمار است، ای آن که شکوهش چگونگی نپذیرد، ای آن که کمالی دارد درک ناشدنی، ای آن که داوری‌اش بازگشت ناپذیر است، ای آن که صفاتی دارد دگرگون‌ناپذیر ای آن که جلوه‌هایی دارد غیر قابل تغییر. (72) ای پروردگار جهانیان، ای مالک روز جزا، ای مقصود جویندگان ای پشت و پناه پناهندگان، ای دریابنده فراریان، ای آن که شکیبایان را دوست دارد، ای آن که توبه‌کنندگان را دوست دارد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 162

ای آن که پاکیزگان را دوست دارد، ای آن که نیکوکاران را دوست دارد، ای آن که اوست داناتر به راه‌یافتگان (73) خدایا! از تو خواستارم به نامت ای مهربان، ای همراه، ای نگهدار، ای فراگیر، ای روزی‌بخش، ای فریادرس، ای

عزّت بخش، ای خوارکن، ای آغازگر، ای برگرداننده. (74) ای آن که یکتاست و ضدّ ندارد، ای آن که یگانه است و بی‌مانند، ای آن که بی‌نیاز و کاستی است، ای آن که بی‌همتای بودن و چگونگی است، ای آن که داوری دادگر است، ای آن که پروردگاری بی‌وزیر است، ای آن که عزّتمندی بی‌خواری است، ای آن که توانگری بی‌نیاز است، ای آن که پادشاهی عزل‌ناپذیر است، ای آن که اوصافش بی‌مانند است. (75) ای آن که ذکرش برای ذاکران شرف است، ای آن که شکرش برای شاکران رستگاری است، ای آن که ستایشش برای ستایشگران عزّت است، ای آن که طاعتش برای مطعیان مایه نجات است، ای آن که درگاهش گشوده است به روی جویندگان، ای آن که راهش برای توبه‌کاران هموار است، ای آن که نشانه‌هایش برای بینندگان لیل قاطع است، ای آن که کتابش برای پروايشگان مایه پند و یادآوری است، ای آن که روزی‌اش همه مطیعان و گنهکاران را فراگیرد، ای آن که رحمتش به نیکوکاران نزدیک است. (76)

ای آن که نامش خجسته است، ای آن که عنایتش بس بلند است، ای آن که معبودی جز او نیست، ای آن که ستایشش والا است، ای آن که نامهایش مقدس است، ای آن که هستی‌اش پایدار است، ای آن که بزرگی جلوه زیبایی اوست، ای آن که بزرگمنشی پوشش اوست، ای آن که عطا‌هایش در شمار نیاید، ای آن که نعمتهایش شمرده نشود. (77) خدایا! از تو می‌خواهم به نامت ای مدد‌رسان، ای امین، ای آشکار ای استوار، ای ارجمند، ای راهنما، ای ستوده، ای بزرگوار، ای سختگیر (گنهکاران)، ای گواه. (78) ای صاحب عرش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 163

پرشکوه، ای صاحب سخن استوار، ای صاحب کردکار برازنده، ای صاحب کوبش سخت، ای صاحب نوید و و تهدید، ای آن که سرپرست ستوده است، ای آن که به نیکی انجام دهد آنچه را خواهد، ای آن که نزدیک دوری‌ناپذیر است، ای آن که بر هر چیز گواه است، ای آن که بر بندگان ستمکار نیست. (79) ای آن که شریک و وزیر ندارد، ای آن که مثل و مانندی ندارد، ای آفریننده خورشید و ماه تابان، ای بی‌نیاز کننده درمانده تمیّدست، ای روزی‌دهنده کودک خردسال، ای مهرورز بر پیر بزرگسال، ای پیونددهنده استخوان شکسته، ای پناه ترسان پناه‌جو، ای آن که بر بندگان آگاه و بیناست، ای آن که بر هر چیز تواناست. (80) ای صاحب جود و بخشش ای صاحب فضل و کرم، ای آفریننده لوح و قلم، ای پدیدآورنده موران و مردمان، ای صاحب عذاب و انتقام ای الهام‌بخش عرب و عجم، ای بردارنده زیان و درد، ای دانای رازها و قصدها، ای پروردگار کعبه و حرم، ای آفریننده هرچیز از نیستی. (81) خدایا! از تو خواستارم به نامت ای کردگار، ای هستی‌بخش، ای پذیرنده، ای برازنده، ای جدا، ای پیونددهنده، ای دادگر، ای چیره، ای جویا، ای بخشنده،

(82) ای آن که به کرمش بخشید، ای آن که به جودش گرامی داشت، ای آن که به لطفش کرم ورزید، ای آن که به نیرویش عزت یافت، ای آن که به حکمتش سامان داد، ای آن که به تدبیر خود حکم کرد، ای آنکه با علم خود تدبیر کرد، ای آن که با بردباری اش درگذرد، ای آن که به تدبیر خود در عین برتری اش نزدیک است، ای آن که در عین نزدیکی اش برتر است. (83) ای آن که هرچه خواهد آفریند، ای آن که هرچه بخواهد بکند، ای آن که هرکه را بخواهد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 164

راهنمایی کند، ای آن که هرکه را بخواهد گمراه سازد، ای آن که هرکه را بخواهد عذاب کند، ای آن که هرکه را بخواهد بیمارزد، ای آن که هرکه را بخواهد عزت بخشد، ای آن که هرکه را بخواهد خوار گرداند، ای آن که در رحم مادران هرچه خواهد صورت بخشد، ای آن که هرکه را بخواهد به رحمتش مخصوص گرداند. (84) ای آن که همسر و فرزندی نگرفت، ای آن که برای هرچیز اندازه نهاد، ای آن که در حکمش کسی را شریک نساخت، ای آن که فرشتگان را فرستادگان خویش قرار داد، ای آن که در آسمانها برجهایی گذارد، ای آن که زمین را زیستگاه شایسته نمود، ای آن که آدمی را از آب آفرید، ای آن که برای هرچیز سرانجامی قرار داد، ای آن که با علم خویش هرچیز را دربر گرفته است، ای آن که تعداد هرچیز را شماره نموده است. (85) خدایا! از تو درخواست می کنم به نامت ای آغاز، ای انجام، ای آشکار، ای نهان، ای نیکوکار، ای حق، ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز، ای همیشگی. (86) ای بهترین شناخته شده ای که شناخته شده، ای برترین معبودی که عبادت شده، ای والاترین ثنابذیری که سپاس شده، ای عزیزترین یاد شده ای که یاد شده ای برترین ستوده ای که ستایش شده، ای دیرینه ترین موجودی که خواسته شده، ای بلندترین وصف شده ای که به وصف آمده، ای بزرگترین مقصودی که قصد شده، ای گرامی ترین پرسیده ای که پرسش شده، ای شریف ترین محبوبی که دانسته شده. (87) ای محبوب گریه کنندگان، ای سرور توکل کنندگان، ای راهنمای گمراهان، ای سرپرست مؤمنان، ای همدم ذاکران، ای پناه جان سوختگان ای رهایی بخش راستگویان، ای توانا ترین توانایان، ای داناترین دانایان، ای پرستیده همه آفریدگان. (88) ای آن که فراتر رفت و چیره گشت، ای آن که دارا گشت و توان یافت، ای آن که نهان شد و آگاهی یافت، ای آن که پرستش شد و ارج نهاد، ای آن که نافرمانی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 165

شد و آمرزید، ای آنکه اندیشه‌ها او را فرا نگیرد، ای آن که دیده‌ای او را در نیابد، ای آن که اثری بر او پوشیده نماند، ای روزی‌دهنده آدمیان، ای اندازه دهنده هر انداه. (89) خدایا! از تو درخواست می‌کنم به نامت ای نگهدار، ای آفریننده، ای پدید آورنده، ای بسیار بخشنده، ای گشایشگر، ای فراخی‌بخش، ای برگزیده زیان، ای ضمانت‌کننده، ای فرمان‌ده، ای بازدارنده. (90) ای آن که جز او غیب نداند، ای آن که برنگرداند بدی را جز او، ای آن که آفریدگان را جز او نیافریند، ای آن که گناه را جز او نیامرزد، ای آن که نعمت را جز او کامل نکند، ای آن که دلا را جز او دگرگون نکند، ای آن که کارها را جز او تدبیر نماید، ای آن که باران را جز او فرو نبارد، ای آن که روزی را جز او نگستراند، ای آن که مردگان را جز او زنده نسازد. (91) ای یاور ضعیفان، ای همراه غریبان، ای یار دوستان، ای چیره بر دشمنان ای بالا برنده آسمان، ای مونس برگزیدگان، ای محبوب پروا پیشگان، ای گنجینه تهیدستان، ای معبود توانگران ای کریم‌ترین کریمان. (92) ای کفایت‌کننده از هرچیز، ای پاینده بر هرچیز، ای آن که چیزی مانند او نیست، ای آن که چیزی بر فرمانروایی‌اش نیفزاید، ای آن که چیزی بر او پوشیده نیست، ای آن که چیزی از خزانه‌هایش نکاهد، ای آن که مانندش کسی نیست، ای آن که چیزی از علمش پنهان نماند، ای آن که به همه چیز آگاه است، ای آن که همه رحمتش همه چیز را فرا گرفته است. (93) خدایا! از تو درخواست می‌کنم به نامت ای اکرام‌کننده، ای روزی‌بخش ای نعمت‌دهنده، ای عطا‌بخش، ای بی‌نیازکننده، ای ذخیره‌گذار، ای نابودکننده، ای زنده‌ساز، ای خشودکننده، ای رهایی‌بخش. (94) ای آغاز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 166

و انجام هرچیز، ای پرستیده و دارنده هرچیز، ای پروردگار و سازنده هرچیز، ای آفریننده و برآورنده هرچیز، ای گیرنده و گشاینده هرچیز، ای آغازکننده هرچیز، ای پدیدآورنده و اندازه‌بخش هرچیز، ای هستی‌بخش و جنباننده هرچیز، ای زنده‌کننده و میراننده هرچیز، ای آفریننده و میراث بر هرچیز (95) ای بهترین یادکننده و یادشده، ای بهترین ثناپذیر و نشانشده، ای هب‌ترین ستاینده و ستوده، ای بهترین گواه و گواه‌پذیر، ای بهترین خواهنده و خواننده‌شده، ای بهترین پاسخ‌دهنده و پاسخ داده شده، ای بهترین یار و همدم، ای بهترین همراه و همنشین، ای بهترین سویه و آهنگ، ای بهترین دوستدار و دوستی‌پذیر. (96)

ای آن که به خواهنده‌اش پاسخ گوید، ای آن که برای فرمانبرش دوست است، ای آن که به دوستدارش نزدیک است، ای آن که برای کسی که از او نگهداری طلبد دیده‌بان است، ای آن که به هرکه به او امید بندد کریم است، ای آن که هرکه از او نافرمانی کند برده‌بار است، ای آن که در بزرگی‌اش مهربان است، ای آن که در فرزاندگی بزرگ است، ای آن که در

نیکی‌اش دیرینه است، ای آن که به هر که او را خواهد دانا است. (97) خدایا! از تو درخواست می‌کنم به نامت ای سبب‌ساز، ای شوق‌آفرین، ای برگرداننده، ای پیگیر، ای سامان‌بخش، ای هراس‌آور، ای برحذردار، ای یادآور، ای تسخیرگر، ای دگرگون‌ساز (98) ای آن که علمش پیش است، ای آن که وعده‌اش راست است، ای آن که لطفش آشکار است، ای آن که فرمانش چیره است، ای آن که کتابش استوار است.

ای آن که حکمش شدنی است، ای آن که قرآنش باشکوه است، ای آن که فرمانروایی‌اش دیرین است، ای آن که بخشش فراگیر است، ای آن که پایگاهش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 167

دعای جوشن صغیر

بس بزرگ است. (99) ای آن که شنیدنی از شنیدن دیگر بازش ندارد، ای آن که کاری از کار دیگر منعش نکند، ای آن که گفتاری از گفتار دیگر سرگرمش نکند، ای آن که درخواستی از درخواست دیگر او را به اشتباه نیافکند، ای آن که چیزی از چیز دیگر پرده‌اش نشود، ای آن که اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد، ای آن که آرمان واپسین جویندگان است، ای آن که نهایت همت عارفان است، ای آن که پایان جستجوی جویندگان است، ای آن که غباری در سراسر هستی بر او پوشیده نیست. (100)

ای بردباری که شتاب نکند، ای بخشنده‌ای که بخل نورزد، ای راستگویی که تخلف نکند، ای عطاکننده‌ای که خستگی نپذیرد، ای چهره‌ای که شکست‌ناپذیر است، ای بزرگی که به وصف در نیاید، ای دادگری که ستم ننماید، ای توانگری که نیازمند نشود، ای بزرگی که کوچک نگردد، ای نگهداری که غفلت ننماید. منزهی تو ای که معبودی جز تو نیست، فریادرس، فریادرس، ما را از آتش رهایی بخش پروردگارا

دعای جوشن صغیر

این دعا در کتابهای معتبر به شرحی گسترده‌تر از شرح جوشن کبیر نقل شده، و کفعمی در حاشیه کتاب بلد الامین فرموده که این دعا دعایی است بس بلند و پر ارج و هنگامی که هادی عباسی کشتن حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را قصد کرد آن حضرت این دعا را خواند در نتیجه جدش رسول خدا صلی الله و علیه و آله را در خواب دید که به ایشان فرمود: حق تعالی دشمن تو را هلاک خواهد کرد.

این دعا در کتاب مهج الدعوات سید ابن طاووس نیز نقل شده ولی بین نسخه کفعمی و سید اختلاف وجود دارد که ما آن را موافق کتاب بلد الامین نقل می‌کنیم. و آن دعا این است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 168

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است خدایا چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی‌اش را به روی من کشید، و لبه تیغش را بر من تیز کرد، و باریک نمود دم برنده اسلحه‌اش را و زهرهای کشنده‌اش را برای من درهم آمیخت و تیرهای بی‌خطایش را به سوی من نشانه گرفت و چشم نگهبانش از من به به خواب نرفت و نهانی بر آن است تا مرا در معرض امور ناخوشایند قرار دهد، و به من بچشانند زهر جگر سوزش را، خدایا به ناتوانی من نگرستی که تاب حوادث بزرگ را ندارم، و در درماندگی‌ام را از انتقام گرفتن از آن با ستیزه‌جویی‌اش قصد من کرده دیدی، و تنهایی‌ام را در برابر بسیاری از آنان که آزار مرا اراده نموده‌اند، و در کمین من نشستند مشاهده کردی و در آنچه که اندیشه‌ام را علیه آنان برای مقابله به مثل بکار نگرفتم، پس مرا به نیرویت تأیید کردی و پشتم را با یاریت محکم نمودی، و تیغ او را به نفع من کند کردی، و او را پس از جمع‌آوری نفرات و تجهیزاته‌اش خوار نمودی، و مقام و جایگاه مرا بر او برتری دادی، و آنچه را از نیرنگهایش به جانب من هدف گرفته بود به سوی خودش بازگردانی و علیه او به کار بستی، ولی عطش کینه‌اش فرو ننشست، و سوزش دل برآمده از خشمش سرد نشد درحالی که از غیضش بر من انگشت به دندان گزید و پشت کرده پا به فرار نهاد و سپاه و نفراتش تارومار شد، پس تو را سپاس ای پروردگار از توانایی‌ات که شکست نپذیرد، و بردباری‌ات که شتاب نپذیرد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا در برابر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهايت از ذاکران قرار ده، خدایا چه بسیار متجاوزی که با نیرنگهایش به من ستم کرد، و دامهای شکارگیرش را در راهم نهاد، و توجه جستجوگرانه‌اش را بر من گماشت، و در کمین من نشست همچون کمین‌گذار درنده‌ای برای شکار خویش برای به دست آوردن فرصت مناسب درحالی که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 169

درحالی که خوشرویی چابکوسانه نشان داده و به سختی گشاده‌رویی می‌نمود پس چون حيله‌گری نهادش، و زشتی پندار هفته‌اش را آن هم بر زیان هم‌کیشش مشاهده نمودی درحالی که سپیده می‌کرد به امید آنکه در ستمش بر من هجوم آورد پس تو او را سرنگون ساختی و ریشه‌اش را از بیخ‌وبن برکنیدی، و او را در چاهی که برای من کنده بود و در ژرفای گودالش در انداختی، و گونه‌اش را همپای خاک پایش قرار دادی، و او را به تن و روزی‌اش سرگرم کردی، و او را با سنگ خودش زد، و با زه کمان خودش خفه‌اش نمودی و با سر نیزه‌های خودش هلاک کردی و به رو به خاک مذلت انداختی، و حيله‌اش را به گردنش برگرداندی و به بند پشیمانی گرفتارش کردی، و به سبب حسرتش به باد فنایش دادی، ازاین‌رو پس از کبر و نخوتش خوار و کوچک گشت، و به دنبال گردن فرازی‌اش خوار و کوبیده شد، و در بند دامی که روز گردن‌کشی‌اش آرزو داشت مرا در میان آن ببیند اسیر شد، و چه نزدیک بود پروردگارا اگر رحمت نبود بر من فرود آید، آنچه که دامن زندگی او را فرا گرفت، پس تو را سپاس پروردگارا که توانای شکست‌ناپذیری، و بردبار بدون شتابی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهايت از ذاکران قرار بده، خدایا چه بسیار حسودی که از روی حسرت برافروخته گشت و دشمنی که بسبب خشمش به سختی اندوهناک شد، و مرا با نیش زبان‌ش آزرده ساخت و مژگان‌ش را چون نیزه‌ای به بدم فرو برد، و مرا هدف تیرهای سرزنش نمود، و کاستیهایی را به گردنم انداخت که در خود اوست، پروردگارا پناه‌جویانه تو را خواندم، درحالی که اطمینان به سرعت اجابت تو داشتم، توکل‌کنان به آنچه همواره از خوبی دفاعت می‌دانستم، با آگاهی به اینکه هرکه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 170

رخت به سایه حمایت کشد مورد آزار واقع نگردد، و کسی که به قلعه مددجویی تو پناه آورد هرگز حوادث روزگار او را درهم نکوبد، پس به قدرتت مرا از آزار او حفظ کردی، پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست‌ناپذیری و بردباری که هرگز شتاب نکنی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهايت از ذاکران قرار بده، خدایا چه بسیار ابرهای ناملايمات که از فضای زندگی‌ام زدودی، و آسمان نعمتی که بر من باراندی و نهرهای کرامتی که به سوی من روان ساختی، و چشمه‌های حوادثی که محو نمودی و نخال رحمتی که گسترده‌ای و زره عافیتی که بر من پوشاندی، و گردابه‌ای گرفتاری که برطرف کردی، و امور جاریه‌ای که مقدر فرمودی، آنگاه که این امور را خواستی درمانده‌ایت نکردند و هر زمان که آنها را اراده فرمودی از فرمانبرداری خودداری نمودند، پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست‌ناپذیری و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به نعمتهایت

از شاکران و در برابر عطاهايت از ذاکران قرار بده، خدايا چه بسيار گمان نيکي که جامه عمل پوشاندي و شکست نداري را که جبران نمودی، و بی چيزی توان فرسايی که از من گرداندي و سقوط هلاکت باری که بلندم کردی، و دشواری که آسان نمودی تو بازخواست نشوی از آنچه انجام می دهی و دیگران بازخواست شوند، و از آنچه خرج می کنی چيزی کاسته نشود، هر آينه از تو درخواست شد حالی عطا کردی و درخواست نشد پس آغاز در عطا و او پیشگاه فضلت درخواست احسان شد و تو منع نمودی و ابا نمودی مگر از نعمت بخشی و اصرار بر رساندن عطا و فزون بخشی و احسان ای پروردگار و من خودداری نمودم مگر از شکستن احترام محرمات، و جسارت بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 171

گناهانت، و تجاوز از قوانینت، و غفلت از تهدیدت، و فرمانبری از دشمنم و دشمنت، ای معبودم و یاورم کوتاهی ام در سپاسگزاریات تو را از تمام کردن احسانت بر من باز نداشت، و این چشم پوشی و بزرگواری مرا از انجام کارهای مورد خشمت مانع نشد. خدايا این است جایگاه بنده خواری که برای تو به یگانگی اقرار کرد، و برای خویش به کوتاهی در ادای حق تو، و گواهی داد برای تو به کمال نعمت بر او و شیوه زیبا و دلنشینت نزد او احسانت بر او، پس به من ببخش ای خدای من و سرور من از فضلت آنچه را که در راه رسیدن به رحمت می خواهم تا نردبانش قرار دهم که از آن به سوی خشنودیت، بالا روم، و با آن از خشمت امان یابم، به حق عزّت و عطای همیشگی ات و به حق پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش)، پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری، و بردباری که شتاب نورزی، درود فرست بر محمد و خاندان محمد و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهايت از ذاکران قرار بده. خدايا چه بسیار بنده ای که شامگاهان و صبحگاهان نمود در سختی مرگ و به شدت و تنگی نفس زنان، و با نگاه به آنچه که بدخوا از دیدنش می لرزد، و دلها از آن بی تاب می شود و من از همه اینها در عافیت و سلامتی هستم، پس تو را سپاس ای پروردگار که توانای شکست ناپذیری، و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهايت از ذاکران قرار بده خدای من چه بسا بنده ای که به شامگاهان و صبحگاهان در آمد بیمار و دردمند، در ناله و فریاد، در اندوهش به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 172

خود می‌پیچد و راه گریزی نمی‌یافت و خوردنی و نوشیدنی گوارایی نمی‌خورد، و من در تندرستی و سلامت زندگی هستم، همه اینها از توست، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست‌ناپذیر، و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده. خدایا چه بسیار بنده‌ای که به شامگاهان و صبحگاهان درآمد ترسان و هراسان، پریشان و اندیشناک، فراری و رانده شده، خرابه‌نشین در تنگنا و مخفی‌گاهی از مخفی‌گاهها که زمین با فراخی‌اش بر او تنگ شد چاره و راه نجات و پناهگاهی نمی‌یابد، و من از همه اینها در امنیت و آرامش و سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانمند شکست‌ناپذیر، و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده، خدای من و آقای من و چه بسیار بنده‌ای که به شامگاه و بامداد درآمد بسته به زنجیر، پیچیده در آهن آن هم به دست دشمنانش که به او رحم نورزند، دور مانده از زن و فرزند، بریده از برادران و شهر خویش، هر لحظه انتظار دارد که چگونه کشته خواهد شد، و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت، و من از همه اینها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست‌ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از شاکران، و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده، خدای من و چه بسیار بنده‌ای که به شامگاه صبحگاه درآمد، درحالی که سختی جنگ و پیکار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 173

را با جاننش تحمل می‌کند، و دشمنان از هر جانب او را با شمشیرها و نیزه‌ها و ابزار جنگ در محاصره آورده‌اند، در میان آهن تلاش می‌کند، نهایت کوشش را بکار گرفته، راه چاره‌ای نمی‌یابد، و گریزگاهی نمی‌یابد، از سختی جراحات بیمار شده، یا در خون خویش زیر سمها و لگدها غلطان گشته، جرعه‌آبی را آرزو می‌کند، یا يك نگاه به اهل و فرزندش را تمنا می‌نماید، اما توانی بر آن را ندارد، و من از همه اینها در سلامت کاملم، تو را پس سپاس ای پروردگار توانای شکست‌ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده. خدای من و چه بسیار بنده‌ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد، در تاریکی‌های دریاها و تندبادها و در دل هراسها و امواج در حالی انتظار غرق شدن و هلاکت را می‌کشد و توان چاره‌اندیشی ندارد، یا گرفتار صاعقه یا آوار یا آتش‌سوزی یا گلوگیر شدن لقمه یا فرو رفتن در زمین یا مسخ شدن یا اَهمام به امر نامشروع است و من از همه اینها در سلامت کاملم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست‌ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار ده. خدای من چه بسیار

بنده‌ای که به شامگاه و بامداد در حال مسافرت و دوری از همسر و و فرزند، سرگردان در بیشه‌های خشک، سرگشته در میان حیوانات وحشی و چهارپایان و حشرات آن هم بی‌یاور و تنها، چاره‌ای نمی‌یابد، و به راهی رهنمون نمی‌گردد، یا در آزار است از سرمای سرد یا گرمایی سوزان، یا دچار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 174

گرسنگی یا برهنگی یا غیر اینها از سختیها و گرفتاریهایی که من از آنها در امانم و در سلامتی کامل از همه اینها بسر می‌برم، پس تو را سپاس ای پروردگار توانای شکست‌ناپذیر، و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهايت از ذاکران قرار بده. خدای من و آقای من و چه بسیار بنده‌ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که تهیدست، بی‌چیز، عریان، نیازمند، پریشان، دچار هجران، گرسنه، تشنه است و انتظار می‌برد که چه کسی به او احسان می‌کند، یا چه بسا بنده آبرومندی که نزد تو از من آبرومندتر و عبادتش برای تو بیشتر است، و در عین حال دچار غل‌وزنجیر و اسیر دست ستمگر است، بار سنگینی از خستگی و رنج و سختی بیگاری و دشواری بردگی و پرداخت وجه سنگین به اربابش بر او تحمیل شده است، یا شخصی که به بلای سختی گرفتار آمده و توان ایستادگی در برابر آن را جز به فضل تو ندارد، اما من مورد احترام دیگران، و در نعمت و تندرستی‌ام، و گرمی‌ام داشته‌اند، از آنچه آن درمانده به آن گرفتار است در سلامت کاملم، پس تو را سپاس بر تمام این الطافی که به من بخشیدی ای توانای شکست‌ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمتهایت از شاکران، و در برابر عطاهايت از ذاکران قرار بده. خدای من و آقای من و چه بسیار بنده‌ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که علیل، دردمند، بیمار است و در بستر بیماری و لباس ناخوشی افتاده، و از درد به راست و چپ می‌غلطد و چیزی از لذت خوراکی و آشامیدنی را درک نمی‌کند، با حسرت به خود می‌نگرد ولی بر دفع زیان و جلب نفعی توان ندارد، و من در سایه جود و کرم از همه اینها در آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست، که توانای شکست‌ناپذیر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 175

بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا از عبادت‌کنندگان قرار بده، و بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهايت از ذاکران قرار بده، و به من مهر ورز به حق رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

مولایم و سرورم، و چه بسا بنده‌ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که به مرگ نزدیک شده، و فرشته مرگ در میان یارانش او را محاصره کرده است، در جستجوی درمانی برای سختیهای جان‌دادن و گردهای آن است، چشمانش به راست و چپ می‌چرخد، به محبوبان و دوستان و یاران صمیمی‌اش می‌نگرد، از گفتار بازداشته، و از خطاب محروم گشته و از روی حسرت بر خود می‌نگرد، بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد، و من از همه اینها به جود و کرم در آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای شکست‌ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده، و به حق مهرت بر من مهر ورز ای مهربان‌ترین مهربانان. خدای من و آقای من، چه بسیار بنده‌ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که در تنگنای زندانها و محبسها و با ناراحتی و خواری و در غل و زنجیر به سر می‌برد، و زندانبانها و دژخیمان او را دست به دست میگردانند.

پس نمی‌داند با او چگونه رفتار خواهد شد، و چگونه اعضایش بریده خواهد گشت، پس او در زندگانی در بدحالی سخت است، و در نهایت تنگی و سختی است، با حسرت به خود می‌نگرد، بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد، و من به جود و کرم از همه اینها در امان هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای شکست‌ناپذیر، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 176

بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت‌کنندگان خویش، و بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده و به حق مهرت بر من مهر آر ای مهربان‌ترین مهربانان، آقای من و مولای من، چه بسیار بنده‌ای که به شامگاه و صبحگاه درآمد درحالی که سرنوشتش با سختی گره خورده، و گرفتاری او را محاصره کرده، و از دوستان و محبوبان و یاران صمیمی جدا افتاده است، شام کرد در حال اسارت، حقارت، خواری در دست کافران و دشمنان، او را دست‌به‌دست به راست و چپ می‌گردانند، در سیاه‌چالها زندانی شده و با غل و زنجیر سنگین گشته، از روشنی دنیا و نسیمش چیزی نمی‌بیند، با حسرت به خود می‌نگرد، بر دفع زیان و جلب سودی توان ندارد و من از همه اینها به جود و کرم در آرامش هستم، پس معبودی جز تو نیست، پاکی تو که توانای شکست‌ناپذیر و بردباری که شتاب نورزی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت‌کنندگان خویش، و بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران قرار بده، به حق مهرت بر من مهر آر، ای مهربان‌ترین مهربانان، و به حق عزت ای کریم هر آینه از تو درخواست می‌کنم آنچه از عطایا را که نزد تو است و در این باره بر تو اصرار می‌ورزم، و دستم را با جرمی که نسبت به تو دارد، به جانب آستان دراز می‌کنم، پس به که پناه ببرم؟ و به که رو کنم؟ کسی را جز تو ندارم، آیا مرا از

درگاهت میرانی درحالی که تنها تو تکیه گاه منی و توکلّم تنها بر تو است، از تو درخواست می کنم به نامت که چون بر آسمان نهادی پابرجا شد و چون بر زمین گذاری آرام گرفت و چون بر کوهها گذاشتی استوار گشت و چون بر شب نهادی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 177

تاریک شد و چون بر روز قرار دادی روشنی گرفت، [خدای من] از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و همه نیازهای مرا برآورده سازی، و همه گناهان کوچک و بزرگم را بیامری، و روزی ام را گسترده سازی، روزی ای که مرا با آن به شرف دنیا و آخرت برسانی، ای مهربان ترین مهربانان، آقای من از تو یاری خواهم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا یاری ده و به تو پناه جستم پس پناهم ده و مرا با طاعت خود از طاعت بندگان بی نیاز کن، و به خواهش خویش از خواهش خلق مستغنی ام گردان و از خواری تنگدستی به عزّت توانگری، و از ذلت گناه به عزّت طاعت دگرگون ساز، همانا تو مرا بر بسیاری از مردمان برتری دادی، نه از روی شایستگی من، بلکه از روی جود و کرم، خدای من تو را سپاس بر همه این عطاها، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا قرار بده بر نعمتهایت از شاکران و در برابر عطاهایت از ذاکران.

سپس به سجده برو و بگو: سجده کرد روی خوارم برای ذات عزیز بزرگت، سجده کرد روی فرسوده فانی ام و برای ذات همیشگی ماندگارت، سجده کرد روی پیوسته به تهیدستی ام برای ذات بی نیاز بزرگت، سجده کرد رویم و گوشم و چشم و گوشتم و خونم و پوستم و استخوانم، و همه آنچه زمینی از بار وجود من برداشته در برابر پروردگار جهانیان. خدایا بر نادانی من به بردباری ات، و بر تهیدستی من به توانگری ات، و بر خواری من به عزّت و سلطنتت، بر ناتوانی من به توانایی ات، و بر ترس من به ایمی ات، و بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 178

گناهان و خطاهای من به گذشتت و رحمت بنگر ای بخشنده مهربان. خدایا! من به مدد تو سینه سخت دشمنم فلان پسر فلان را دفع می کنم و از شر او به تو پناه می آورم، پس مرا از گزند او کفایت کن بدانسان که کفایت کردی پیامبران و اولیا و بندگان، شایسته ات را از گزند فرعونها، و دشمنان سرکشت، و از شر همه خلقت به مهرت ای مهربان ترین مهربانان، همانا تو بر هر چیز توانایی، و خدا ما را بس است و چه نیکو وکیلی است.

عای سیفی معروف به دعای قاموس

شیخ بزرگوار ثقة الاسلام نوری (عطر الله مرقدہ) این دعا را در صحیفه ثانیہ علویہ ذکر کرده و فرموده: برای این دعا در کلمات ارباب طلسمات و تسخیرات شرح عجیبی است و برای آن آثار شگفتی ذکر کرده‌اند و من چون اعتماد بر آن آثار نداشتم از ذکر آنها خودداری کردم، ولی اصل دعا را از باب مسامحه از روی اقتدا به علمای برجسته ذکر می‌کنم. و آن دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است پروردگارا مرا در ژرفای دریای یگانگی‌ات، و در میان اقیانوس یکتایی‌ات وارد ساز، و با نیروی چیرگی سلطنت تنهای‌ات توانمند گردان تا به فضای بی‌کران رحمت درآیم، درحالی‌که در چهاردم درخشندهای پرتو قرب از آثار حمایت فروزان باشد و به شوکت پرشکوه باشم، و به عنایت عزیز باشم، و به آموزش و پرورش بزرگ و بزرگوار باشم، خدایا خلعت‌های عزت و قبولی را بر من بپوشان، و برایم راه‌های پیوند و پیوستگی را هموار کن،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 179

و به تاج کرامت و وقار تاجدارم نما، و میان من و شیفتگان در دنیا و آخرت پیوند انداز، و از نور نامت شوکت و قوتی به من عنایت کن که دلها و جانها مطیع من گردند، نفوس و بدن‌ها نزد من فروتن شوند، ای آن‌که گردن‌گدازان برایش خوار گشته، و پادشاهان در پیشگاهش فروتن شده‌اند، پناهگاه و راه‌هایی از تو جز به تو نیست و کمکی نیست جز از تو، و تکیه‌گاهی نیست جز بر تو، خدایا! بداندیشی حسودان، و تیرگیهای شر دشمنان را از من دور کن، و به من مهر ورز زیر سراپرده‌های عرشت، ای گرامی‌ترین گرامیان، ظاهر هستی‌ام را در به دست آوردن خشنودیت تأیید کن، و قلب و نهادم را با آگاهی بر راه‌های رسیدن به پیشگاهت روشن فرما. خدایا چگونه از در خانه‌ات مأیوس و ناامید بازگردم درحالی‌که با اعتماد به تو وارد آن شدم، و چگونه از عطایت ناامیدم می‌کنی درحالی‌که مرا به دعا در پیشگاهت فرمان دادی، اینک به تو روی آورده‌ام و از تو پناه می‌جویم بین من و دشمنانم دوری انداز، چنان‌که بین دشمنانم دوری انداختی، به نور پاک و عظمت و بزرگواری‌ات دیدگان دشمنانم را از دین من نابینا کن، به یقین تو خدای عطا بخش نعمتهای بزرگ و باارزش به بندگان نحواگر خویش هستی، که با لطائف رحمت تو را می‌خوانند، ای زنده، ای پاینده ای صاحب بزرگ و کرامت و درود خدا بر مولای ما و پیامبر ما محمد و بر خاندان پاک و پاکیزه‌اش همه و همه.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 180

فصل هفتم

آیات اسم اعظم

در بیان بعضی از آیات و دعاهای مختصری که سودمند هستند و من آنها را از کتابهای معتبر انتخاب کرده‌ام.

اول: سید بزرگوار سید علی خان شیرازی رضوان الله علیه در کتاب کلم طیب نقل کرده که: اسم اعظم خدای تعالی اسمی است که شروع آن «الله» و پایانش «هو» می‌باشد و در حروف اسم اعظم نقطه‌ای نیست و خواندنش تغییر نمی‌یابد چه آن حروف زیر و زبر داشته باشند یا نداشته باشند و این اسم در قرآن مجید در پنج آیه مبارکه از پنج سوره موجود است یعنی سوره‌های: بقره، آل عمران، نساء، طه و تغابن. شیخ مغربی گفته است: هر که این پنج آیه مبارکه را ورد دائم خود قرار دهد، و هر روز یازده بار بخواند هر آینه برای او هر کار مهمی از امور کلی و یا جزئی به زودی آسان گردد، ان شاء الله تعالی.

آن پنج آیه عبارت است از: 1- خدایی که معبودی جز او نیست آن خدا زنده به خود پاینده تا پایان آیه الكرسي.

2- خدایی که معبودی جز او نیست، زنده به خود پاینده، فرو فرستاد بر تو کتاب را بر حق، تصدیق کننده آنچه پیش از آن بود، و پیش از آن تورات و انجیل را برای هدایت مردم نازل کرد، و فرقان را فرو فرستاد. 3- خدایی که معبودی جز او نیست، به راستی شما را برای روز قیامت گرد خواهیم آورد، تردیدی در آن نیست، و چه کسی در گفتار راستگوتر از خدا است؟

4- خدایی که معبودی جز او نیست برای او است نامهای نیکو. 5- خدایی که معبودی جز او نیست و باید که مؤمنان تنها بر خدا توکل کنند.

دعای توسل

دوم: علامه مجلسی رحمه الله فرموده است: در بعضی از کتابهای معتبر از محمد بن بابویه نقل کرده‌اند که این دعا را از امامان علیهم السلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 181

روایت کرده و گفته است: در هیچ امری آن را نخواندم مگر آنکه به زودی اثر اجابت آنرا یافتم. و دعا این است:

خدایا از تو درخواست دارم و به سویت روی آوردم به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) ای ابا القاسم، ای فرستاده خدا، ای پیشوای رحمت، ای آقا و مولای ما، به تو رو آوردیم و تو را واسطه قرار قرار دادیم، و به سوی خدا تو را وسیله ساختیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن. ای ابا الحسن ای امیر المؤمنین ای علی بن ابیطالب، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن. ای فاطمه زهرا، ای دختر دلبد محمد، ای نور چشم رسول خدا ای سرور و بانوی ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی به تو توسل جستیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن، ای ابا محمد، ای حسن بن علی ای برگزیده ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن. ای ابا عبد الله، ای حسین بن علی، ای شهید، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم، و تو را واسطه قرار دادیم، و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو را پیش روی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 182

حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن، ای ابا الحسن، ای علی بن الحسین ای زین العابدین، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا برای ما نزد خدا شفاعت کن ای با جعفر، ای محمد بن علی، ای باقر، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن. ای ابا عبد الله، ای جعفر بن محمد، ای صادق، ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو

را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن، ای ابا الحسن ای موسی بن جعفر، ای کاظم، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن، ای ابا الحسن ای علی بن موسی، ای رضا، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان ای آقا و مولای ما به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 183

نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن ای ابا جعفر ای محمد بن علی ای تقی جواد، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن، ای ابا الحسن، ای علی بن محمد، ای هادی نقی، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن، ای ابا محمد، ای حسن بن علی، ای پاکنهاد عسگری، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن، ای ابا محمد، ای حسن بن علی، ای پاکنهاد عسگری، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم، و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن. پس از خواندن دعا، حاجات خود را بخواهد که به خواست خدا برآورده می شود. و در روایت دیگری وارد شده است که بعد از خواندن دعا چنین گوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 184

ای آقایان و سرورانم، من به شما پیشوایان و توشه هایم برای روز تنگدستی روی آوردم، و نیازم به سوی خداست، و توسل جستیم به سوی خدا، پس در نزد خدا واسطه من شوید، و مرا پیش خدا از گناهانم رهایی بخشید، که تنها شما وسیله من به

جانب خدا هستید، من با دوستی با شما و نزدیک شدن به شما امیدوار نجات از جانب خدا هستم، پس نزد خدا امید من باشید، ای آقایان من و دوستان خدا، خدا بر همه آنان درود فرست و لعنت خدا بر دشمنان خدا آن ستمگران به محمد و خاندان محمد، از پیشینیان و پسینیان، دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان. مؤلف گوید: شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین دعای مفصلی موسوم به دعای فرج نقل کرده که این دعای توسل در ضمن آن آمده است و به گمان من، «دوازده امام» خواجه نصیر الدین طوسی همین دعای توسل است که آن را با صلوات بر حجت‌های پاک الهی ترکیب کرده‌اند و مجموعه آن در یک خطبه بلیغ و رسا جا گرفته است، و کفعمی آن را در بخشهای آخر کتاب «مصباح» ذکر کرده است.

دعای توسل دیگر

دوم: سید علی خان در کتاب کلم طیب از کتاب قبس المصباح شیخ صهرشتی دعای توسل دیگری را نقل کرده به شرحی که مقام را گنجایش ذکر آن شرح نیست. و آن دعا این است:

خدایا بر محمد و دخترش و دو پسر او درود فرست، و به حق آنان از تو می‌خواهم که مرا بر طاعت خویش و جلب خشنودی خود کمک کنی، و مرا به وسیله آنان به برترین مقامی که اولیاءت را رساندی برسانی، به یقین تو بخشنده بزرگواری.

خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (درود خدا بر او) که انتقام بگیری از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 185

کسی که به من ظلم و ستم و آزار روا داشته، و در حالی چنین نقشه‌هایی بر زیان من است، و به حق او مرا از گزند هر بدخواهی کفایت نمایی، ای مهربان‌ترین مهربانان، خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق ولایت علی بن الحسین (درود خدا بر او) که مرا کفایت کنی از شرّ هر شیطان عصیانگر و هر پادشاه ستیزه‌جویی که با یورش سختش بر زیان من نیرو گیرد، و به یاری سپاهش بر ضده من یاری جوید همانا تو بخشنده بزرگواری، ای عطا بخش. خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق ولایت محمد بن علی و جعفر بن محمد (درود خدا بر آنان) که مرا به وسیله آن دو بزرگوار به طاعت و جلب رضایت خود در امر آخرتم کمک کنی، و به وسیله آنان مرا به آنچه تو را خشنود می‌کند برسانی، به یقین تو هر کاری را که بخواهی

انجام می‌دهی، خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق ولایت موسی بن جعفر (درود خدا بر او) که در همه اعضا، چه ظاهری و چه باطنی به من سلامت کامل عنایت کنی، ای بخشنده بزرگوار، خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق ولایت رضا، علی بن موسی (درود خدا بر او) که مرا در همه مسافرتها در خشکیها و دریاها و کوهها و بیابانهای خشک و دره‌ها و بیشه‌ها از آنچه می‌ترسم و پرهیز دارم در امان بداری، همانا تو مهربان و مهربورزی. خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق ولایت محمد بن علی (درود خدا بر او) که بر من از فضلت بیخشی، و از فراخی عنایت تفضل فرمایی، و بر من فراوان سازی روزی‌ات را و از غیر خودت مرا بی‌نیاز گردانی، و حاجتم را در بارگاه خود قرار دهی، و برآوردنش را به عهده خود گذاری، همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی. خدایا! من از تو درخواست می‌کنم به حق ولایت علی بن محمد (درود خدا بر آنان)

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 186

که مرا بر ادای واجبات، و نیکی به برادران ایمانی‌ام کمک نمایی، و این امور را بر من آسان گردانی و انجام آنها را قرین خیر و خوبی فرمایی، و مرا به فضل خویش بر طاعتت کمک کنی ای مهربان. خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق ولایت حسن بن علی (درود خدا بر آنها) که مرا مدد رسانی به طاعت و جلب خشنودی‌ات بر امر آخرتم، و مرا در گردشگاه و اقامتگاهم دلشاد کنی به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان، خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق ولی و حجت صاحب زمان (درود خدا بر او) که مرا در تمام امور مدد رسانی و از گزند هر مردم‌آزار و طغیانگر و متجاوز کفایت کنی، و به وسیله آن حضرت مرا پشتیبانی نمایی که طاقتم به سر آمده و هم کفایت کنی مرا به وسیله او از هر دشمنی که دارم و از اندوه و غم و بدهکاری و از خود و فرزندانم و همه اهل و برادرانم و هرکه کارش با من است و نیز خاصانم، آمین ای پروردگار جهانیان. سوّم: شیخ کفعمی در کتاب «بلد الامین» دعایی نقل کرده به روایت از حضرت امیر المؤمنین که هر سوخته دل و مصیبت‌زده و غمناک و گرفتار آن را بخواند حق تعالی به او گشایش و فرج کرامت فرماید. و آن دعا این است:

ای تکیه‌گاه آن که تکیه‌گاهی ندارد، ای اندوخته آن که اندوختی ندارد، ای پشتیبان آن که پشتیبانی ندارد، ای نگاهدار آن که نگاهداری ندارد، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای گنج آن که گنجی ندارد، ای عزّت آن که عزّتی ندارد، ای کریمانه درگذرنده، ای نیکو گذشت، ای پشتیبان ناتوانان، ای غنای تهیدستان، ای بزرگ‌مایه امید، ای نجات‌دهنده غریقان،

ای رهایی بخش هلاک شدگان، ای احسان کننده، ای زیبایی بخش، ای نعمت ده، ای عطا بخش، تویی آن که سیاهی شب و روشنی روز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 187

و پرتو ماه و شعاع خورشید و وزش باد در درخت و صدای آب باریت سجده کرد، ای خدا، ای خدا، ای خدا، معبودی جز تو نیست، یگانه و بی شریکی ای پروردگار، ای خدا، بر محمد درود فرست و با ما آنچه شایسته آتی انجام ده. پس از دعا هرچه حاجت داری درخواست کن.

مؤلف گوید: و نیز برای گشایش مشکلات و رفع گرفتاری، و برطرف شدن غم و اندوه، تداوم بر این ذکر که حضرت جواد علیه السلام تعلیم فرموده بسیار سودمند است:

ای آن که از هر چیز کفایت کند و از او چیزی کفایت نکند کارهای مهم مرا کفایت فرما.

چهارم: دعای آزاد شدن از بند و زندن. سید ابن طاووس در «مهیج الدعوات» فرموده: روایت شده که شخصی در شهر شام زمانی طولانی در زندان بود تا اینکه حضرت زهرا علیها السلام را در خواب دید که به او فرمود: این دعا را بخوان، و او با تعلیم حضرت زهرا علیها السلام دعا را خواند و از زندان آزاد شد و به خانه خود بازگشت، آن دعا این است:

خدایا! به حق عرش و کسی که بر آن است و به حق وحی و کسی که آن را فرستاد و به حق پیامبر و کسی که پیامش داد، و به حق کعبه و کسی که آن را بنا نهاد، ای شنونده هر نجوا، ای گردآورنده هرچه از دست رفته، ای باز آفریننده جانها پس از مرگ، بر محمد و اهل بیتش درود فرست و از نزد خود ما را و همه مردان و زنان با ایمان را در تمام شرق و غرب زمین به زودی گشایشی عنایت فرما، به حق شهادت اینکه معبودی نیست جز خدا، و اینکه محمد بنده و فرستاده توست، درود خدا بر او و خاندانش، و بر نسل پاکیزه و پاکش، و سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 188

بسیار و کامل بر آنان باد

پنجم: سید ابن طاووس در کتاب «مهیج الدعوات» از سلمان روایتی نقل کرده که: در آخر روایت مطلبی آمده به این مضمون:

حضرت فاطمه علیها السلام کلامی به من آموخت که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فراگرفته بود، ایشان آن را در صبح و شام می خواند به من فرمود:

اگر می خواهی هرگز در دنیا دچار تب نشوی بر آن مداومت کن. و آن کلام این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

به نام خدای نور، به نام خدای نور نور، به نام خدای نور بر نور، به نام خدایی که تدبیرگر امور است، به نام خدایی که نور را از نور آفرید، و سپاس خدایی را که نور را از نور آفرید، و نور را در کوه طور فرو فرستاد در کتابی بر نوشته، در ورقه ای گشوده، با اندازه ای درخور، بر پیامبری آراسته، سپاس خدای را که به عزّت یاد شود، و به عظمت مشهور است، و بر شادی و بدحالی سپاسگزاری شود، درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان پاکش. سلمان فرموده: چون آن را از حضرت فاطمه (س) آموختم به خدا آن را به بیش از هزار نفر از مردم مکه و مدینه که دچار تب بودند تعلیم دادم، پس همه آنان به اذن خدای تعالی شفا یافتند.

ششم: حرز حضرت امام زین العابدین علیه السلام است، سیّد ابن طاووس در دو موضع از کتاب «مہج الدعوات» این حرز شریف را از حضرت سجّاد علیه السلام روایت کرده است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای چابک ترین حسابرسان، ای داورترین داوران، ای آفریننده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 189

آفریدگان، ای روزی دهنده، روزی مندان، ای یاور یاور شدگان، ای مهربان ترین مهربانان، ای راهنمای سرگردانان، ای فریادرس داجویان، به دادم برس، ای مالک روز جزا، تنها تو را می پرستم و از تو یاری می جویم، ای فریادرس غمزدگان، ای اجابت کننده دعای درماندگان، تویی خدا، پروردگار جهانیان، تویی خدا، معبودی جز تو نیست فرمانروای مطلق، حق آشکار، بزرگ منشی، جامه برازنده تو است. خدایا درود فرست بر محمد برگزیده، و علی پسندیده و فاطمه زهرا و خدیجه کبری، و حسن مجتبی و حسین شهید در کربلا، و علی بن الحسین زینت عبادت کنندگان و محمد بن علی باقر، و جعفر بن محمد صادق، و موسی بن جعفر کاظم، و علی بن موسی الرضا، و محمد بن علی تقی، و علی بن محمد نقی، و حسن بن علی عسگری، و حجّت قائم امام مهدی مورد انتظار درود خدا بر همه آنان. خدایا دوست بدار آن که آنان را دوست

دارد، و دشمن بدار آن که آنان را دشمن بدارد، و یاری ده آن که آنان را یاری رساند و خوار کن آن که آنان را خوار خواهد و لعنت فرست بر آن که به آنان ستم ورزید و در فرج خاندان محمد شتاب فرما، و پیروان خاندان محمد را یاری کن، و دیدار قائم خاندان محمد را روزی ام گردان، و مرا از پیروان و شیعیان او و خرسندان به کار او قرار ده، به مهتر ای مهرورزترین مهرورزان.

هفتم: شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین از حضرت زین العابدین علیه السلام دعایی نقل کرده و فرموده: این دعا را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 190

مقاتل بن سلیمان از آن حضرت روایت کرده و گفته: هر که این دعا را صد مرتبه بخواند و دعایت اجابت نشود پس مقاتل را لعنت کند. و آن دعا این است: خدایا چگونه تو را بخوانم و حال آنکه من منم، و چگونه امیدم را از تو قطع کنم و حال آنکه تو تویی، خدایا! آنگاه که از تو نخواهم که به من عطا کنی پس کیست که از او درخواست عطا کنم؟

خدایا! آنگاه که تو را بخوانم تا مرا اجابت کنی، پس کیست که او را بخوانم تا اجابت کند؟، خدایا! آنگاه که به سوی تو زاری نکنم تا به من مهرآوری، پس کیست که به جانب او زاری کنم تا به من مهر آورد، خدایا! چنان که دریا را برای موسی (دروود خدا بر او) شکافتی و نجاتش دادی، از تو درخواست می کنم بر محمد و خاندانش درود فرستی و از آنچه در آن گرفتارم مرا رهایی بخشی، و بر من گشایش دهی گشایشی فوری نه دیر، به فضل و مهربانی ات، ای مهربانان.

هشتم: سید ابن طاووس در کتاب مهج الدعوات از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که جبرئیل به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت: هیچ پیامبری را به اندازه تو دوست نداشتیم، پس بسیار بگو:

خدایا! تو می بینی و دیده نمی شوی و تو در چشم انداز برتری و نهایت و بازگشت همه به سوی تو است، و آخرت و دنیا و مرگ و زندگی از آن تو است، پروردگارا به تو پناه می آورم از اینکه خوار یا رسوا شوم.

نهم: کفعمی در کتاب «بلد الامین» دعایی به روایت از موسی بن جعفر علیهما السلام نقل کرده و گفته است: این دعا عظیم الشأن و سریع الاجابة است، و آن دعا این است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 191

خدایا! تو را در محبوبترین چیزها نزدت که یگانه پرستی است اطاعت نمودم، و تو را در مبعوضترین چیزها که کفر است نافرمانی نکردم، پس آنچه از گناهان بین این دو است بر من بیامرز، ای آن که گریزگاهم تنها به جانب اوست، از آنچه از آن به سویت پناه آوردم مرا ایمنی بخش، خدایا! بیامرز از نافرمانیهای بسیارم را در پیشگاهت، و طاعت اندکم را در آستانت بپذیر، ای تنها توشه‌ام از میان توشه‌ها، و ای امید و آرامش، و پناه و تکیه گاهم، و ای یگانه و یکتا، ای که گفتی «بگو او خدای یکتاست، خدای بی نیاز است، نه زاده و نه زائیده شده، و برایش همتایی نبوده است»، از تو درخواست می کنم به حق آنان که از میان آفریده‌های انتخاب نمودی، و هیچکس را از میان آفریدگانت همانند آنان قرار ندادی، بر محمد و خاندانش درود فرست، و با من چنان کن که سزاوار آنی، خدایا! از تو درخواست می کنم به حق یگانگی بزرگتر الهی، و مقام تابنده محمدی، و جایگاه برتر علوی، و به تمام آنچه به آن بر بندگان حجت نهادی، و به حق آن نامی که از آفریدگان خود پنهان داشتی، که از تو جز برای تو اظهار نگردد، بر محمد و خاندانش درود فرست و برای من در کارم گشایش و راه نجاتی قرار ده، و از جهاتی که گمان می برم و یا گمان نمی برم مرا روزی ده همانا تو هرکه را بخواهی بی حساب روزی می دهد. سپس حاجت خود را درخواست کن.

دهم: کفعمی در کتاب «مصباح» دعایی نقل کرده و فرموده است: سید ابن طاووس این دعا را برای ایمن شدن از ستم سلطان و نزول بلا و چیرگی دشمنان و ترس و تنگدستی و دل تنگی ذکر کرده، و آن از دعاهای صحیفه سجّادیه است، پس هرگاه از زیان آنچه ذکر شد در هراس بودی آن را بخوان. و دعا این است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 192

ای آن که گرفتاریهای سخت تنها به وسیله او بازگردد، ای آن که تیزی تیغ دشواریها به او درهم شکسته شود، ای آن که بیرون آمدن از رنجها و راه یافتن به سوی عرصه گشایش تنها از او درخواست گردد، در برابر تواناییات سختیها رام شد، و به لطف اسباب و وسائل فراهم گشت، و به نیرویت قضا جاری شد، و امور براساس ارادات گذرد، پس اشیاء تنها نه به گفتارت بلکه به ارادات فرمان پذیرند، و تنها به ارادات قبل از نمی کردند باز داشته اند، تنها تو برای رفع گرفتاریها خوانده شدی، و در بلاهای سخت پناهگاهی، چیزی از آن بلاهای سخت دفع نگردد جز آنچه تو دفع کردی، و چیزی از آن گشوده نشود مگر آنچه تو گشودی، پروردگار مشکلی به من رسیده که سنگینی اش مرا به زحمت انداخته است، و دشواری بر من فرود آمده که به دوش کشیدنش مرا گرانبار نموده است آری آن را تو به قدرت خویش بر من فرود آوردی، و با نیرویت متوجه من ساختی، پس از آنچه مرا در آن وارد کردی بیرون کننده ای نیست و از آنچه متوجه من نمودی

بازگرداننده‌ای وجود ندارد و از آنچه تو بستی گشاینده‌ای نمی‌باشد و از آنچه تو گشودی کسی را یاری بستن نیست و بر آنچه تو سخت گرفتی آسان کننده‌ای وجود ندارد و برای آن که تو از یاری‌اش دریغ ورزیدی یآوری نیست، بر محمد و خاندانش درود فرست، و گشایش را پروردگارا به کرم و فضیلت به روی من بگشا، و چیرگی اندوه را به نیروت از من برگیر، و مرا در آنچه از آن به تو شکایت نمودم خوش بینی عطا فرما، و شیرینی رفتار را نسبت به آنچه از تو خواستم به من بچشان، و از پیشگاه خود مهر و گشایش گوارایی به من ببخش، و از نزد خود را نجات فوری برام قرار ده، و از محافظت در انجام واجبات، و به کار گرفتن احکامات در زندگی مرا غافل مساز، پروردگارا از مشکلی که بر من فرود آمده سخت به تنگ آمدم، و وجودم را به خاطر حادثه‌ای که برام رخ داده اندوه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 193

فراگرفته است، تنها تو توانایی برای برطرف ساختن آنچه به آن دچار شدم و دفع آنچه در آن افتادم، پس به فضل خویش آن را برام به انجام برسان، هرچند خود را سزاوار آن از سوی تو نمی‌دانم، ای صاحب عرش بزرگ، و دارای نعمت کریمانه، تنها تو نیرومندی، ای مهربانترین مهربانان، دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

دعای فرج امام زمان (عج)

یازدهم: کفعمی در کتاب «بلد الامین» فرموده: این دعا دعای امام زمان (عج) است که آن را به شخصی که در زندان بود تعلیم داد، پس آن زندانی با خواندن آن آزاد شد:

خدایا گرفتاری بزرگ شد، و پوشیده بر ملا گشت، و پرده کنار رفت، و امید بریده گشت، و زمین تنگ شد، و خیرات آسمان دریغ شد و پشتیبان تویی، و شکایت تنها به جانب تو است، در سختی و آسانی تنها بر تو اعتماد است، خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست آن صاحبان فرمانی که اطاعتشان را بر ما فرض نمودی، و به این سبب مقامشان را به ما شناساندی، پس به حق ایشان به ما گشایش ده، گشایشی زود و نزدیک همچون چشم بر هم نهادن یا زودتر، ای محمد و ای علی، ای علی و ای محمد، مرا کفایت کنید، که تنها شما کفایت کنندگان منید، و یاری‌ام دهید که تنها شما یاری کنندگان منید، ای مولای ما ای صاحب زمان، فریادرس، فریادرس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب، اکنون، اکنون، اکنون، با شتاب، با شتاب، با شتاب، ای مهربانترین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 194

مهربانان به حق محمد و خاندان پاک او.

دوازدهم: کفعمی در کتاب «مصابح» فرموده است: این دعای حضرت مهدی (عج) است:

خدایا، توفیق فرمانبری، و دوری از نافرمانی، و درستی نهاد و شناخت واجبات را روزی ما بدار و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار، و زبانتان را به راستگویی و حکمت استوار ساز، و دلهایمان را از دانش و بینش پر کن، و شکمهایمان را از حرام و شبهه پاک فرما، و دستانتان را از ستم و دردی بازدار و دیدگانمان را از ناپاکی و خیانت فرو بند، و گوشهایمان را از شنیدن بیهوده و غیبت ببند، و بر دانشمندانمان زهد و خیرخواهی و بر دانش آموزان تلاش و شوق، و بر شنوندگان پیروی و پندآموزی، و بر بیماران شفا و آرامش، و بر مردگان مهر و رحمت، و بر پیران متانت و آرامش، و بر جوانان بازگشت و توبه و بر زنان حیا و پاکدامنی و بر ثروتمندان فروتنی و گشادگی، و بر تنگدستان شکیبایی و قناعت، و بر جنگجویان نصر و پیروزی، و بر اسیران آزادی و راحتی، و بر حاکمان دادگستری و دلسوزی، و بر زیردستان انصاف و خوشرفتاری تفضل فرما، و حاجیان و زیارت کنندگان را در زاد و خرجی برکت ده، و آنچه را بر ایشان از حج و عمره واجب کردی توفیق اتمام عنایت کن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 195

به فضل و رحمت ای مهربانترین مهربانان.

سیزدهم: در «مهج الدعوات» ذکر شده است که این دعا دعای حضرت حجت (عج) است:

خدایا! به حق کسی که با تو راز گفت، و به حق کسی که در خشکی و دریا تو را خواند، درود فرست بر محمد و خاندان محمد و بر تهیدستان از مردان و زنان با ایمان توانگری و ثروت عطا فرما، و بر بیماران اهل ایمان از مردان و زنان شفا و تندرستی عطا فرما، و بر زندگان نشان لطف و کرامت، و بر مردگان مردان و زنان با ایمان آمرزش و رحمت، و بر غریبان مردان و زنان با ایمان بازگشت به وطن با سلامتی و بهره‌مندی عنایت فرما، به حق محمد و همه اهل بیت او.

دعای استغاثه به حضرت قائم عجل الله فرجه

چهاردهم: سید علی خان شیرازی در کتاب «کلم طیب» فرموده است: این دعا دعای استغاثه به حضرت صاحب الزمان (صلوات الله علیه) است، هر کجا که باشی دو رکعت نماز بجای آر و سپس زیر آسمان رو به قبله بایست و بگو:

سلام کامل، تمام، همه جانبه و فراگیر خدا، و درود همیشگی، و برکات پاینده و برآورنده حق بر حجت خدا و جانشین او در زمین و تمامی سرزمینها، و خلیفه او بر همه خلق و بندگان، آن که از نسل نبوت، و باقیمانده عترت، و از برگزیدگان است، صاحب زمان و آشکار کننده ایمان،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 196

و معلّم احکام قرآن، و پاک کننده زمین و گستراننده عدالت در طول و عرض جهان و حجت پایدار، مهدی، آن امام مورد انتظار، پسندیده، و فرزند امامان پاک، جانشین و فرزند جانشینان پسندیده، رهبر معصوم و فرزند پیشوایان راهبر معصوم، سلام بر تو ای عزّت بخش اهل ایمان و همه آنان که ناتوانشان شمرند، سلام بر تو ای خوار کننده کافران گردنکش و ستمکار، سلام بر تو ای سرورم ای صاحب الزمان، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سرور بانوان جهان، سلام بر تو ای فرزند امامان، آن حجت های معصوم، و ای پیشوای همه خلایق، سلام بر تو ای سرورم، سلامی با کمال خلوص به تو در ولایت و پیروی، گواهی میدهم که ما تو امام راه یافته در گتار و کرداری، و تویی آن که زمین را با عدل و داد پر کنی، پس از آنکه از ستم و جور پر شد، پس خدا در گشایش کارت شتاب ورزد، و آمدنت را آسان نماید، و زمانت را نزدیک فرماید، و بر یاران و یاورانت بیفزاید، و به آنچه به تو وعده داده وفا کند، که خدا راستگوترین گویندگان است که در قرآن فرموده: «و ما می خواهیم بر کسانی که در زمین ناتوان شمرده شده اند منت نهم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم»، ای سرورم ای صاحب الزمان، ای فرزند رسول خدا، حاجت من این و آن است. و بجای کذا و کذا حاجات خود را بیان کند و بگوید

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 197

در برآورده شدن حاجاتم نزد خدا واسطه شو، من با حاجاتم به سوی تو رو نمودم، چون می دانم شفاعت تو نزد خدا پذیرفته می شود و مقام تو در بارگاهش بس ستوده است، پس به حق آن که شما را به امر خویش خاص گرداند و برای بیان اسرارش برگزید، و به حق جایگاهی که شما در پیشگاه خدا داری که تنها بین شما و اوست، برآوردن خواهش، و اجابت دعایم، و برطرف شدن اندوهم را از خدا بخواه. سپس بخواه هرچه خواهی که به خواست خدا برآورده شود.

مؤلف گوید: بهتر آن است که در رکعت اول این نماز پس از سوره «حمد» سوره «اَنَا فَتَحْنَا» و در رکعت دوم پس از سوره «حمد» سوره «اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» خوانده شود.

فصل هشتم در بیان مناجات‌ها است

مناجات خمس عشرة

مناجات خمس عشرة [یعنی مناجات‌های پانزده‌گانه] از مولای ما علی بن الحسین علیهما السلام است، علامه مجلسی رحمه الله علیه در کتاب بحار الانوار فرموده است: من این مناجات را به روایت از آن حضرت در کتابهای بعضی از علما (رضوان الله علیهم) یافتیم.

المناجاة الاولى: مناجاة التائبين

مناجات اول: رازونیاز توبه‌کنندگان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

خدایا! گناهان بر من لباس خواری پوشانده، و دوری از تو جامه درماندگی بر تنم پیچیده، و بزرگی جنایتیم دلم را میرانده، پس آن را با توبه به درگاهت زنده کن، ای آرزویم و مرادم و خواسته‌ام و امیدم، به عزّتت سوگند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 198

برای گناهانم آمرزنده‌ای جز تو نمی‌یابم، و برای دل‌شکستگی‌ام جبران‌کننده‌ای جز تو نمی‌بینم، به پیشگاهت با توبه و انابه فروتنی نمودم، و با ذلّت و خواری، به درگاهت تسلیم شدم، اگر مرا از درگاهت برانی به که روی آورم؟ و اگر از آستانت بازگردانی به که پناه برم؟ در این حال افسوس از شرمندگی و رسوایی‌ام، و دریغ از زشتی کردار و فراهم آوردن گناهانم، ای

آمرزنده گناهان بزرگ، و ای جبران کننده استخوان شکسته، از تو درخواست می کنم که گناهان تباه کننده ام را بر من ببخشی، و بر من پوشانی پنهانکارهای رسواکننده ام را، و مرا در عرصه قیامت از نسیم گذشت و آمرزش بی بهره مگذاری، و از پوشش زیبای چشم پوشی ات عریان و بی پوشش رها نسازی، خدایا سایه رحمت را بر گناهانم بینداز، و ابر مهربانی ات را به سوی عیبهایم گسیل کن، خدایا آیا برده فراری جز به جانب مولایش باز می گردد؟ یا کسی به او از خشم مولایش جز مولایش پناه می دهد؟ خدایا اگر پشیمانی از گناه توبه است، پس به عزت سوگند که من از پشیمانانم، و اگر آمرزش طلبی از خطاکاری سبب فرو ریختن خطاها از پرونده است، من از آمرزش خواهانم، حق رضایت با توست تا راضی شوی، خدایا با قدرتت بر من توبه ام را بپذیر، و با بردباری است نسبت به من از من درگذر، و با آگاهی ات از حال من با من مدارا فرما، خدایا تویی که به روی بندگانت دری به سوی بخشش گشودی و آن را توبه نامیدی، و خود فرمودی: «بازگردید به جانب خدا، بازگشتی خالصانه»، پس عذر کسی که از ورود به این در پس از گشوده شدنش غفلت ورزد چه می تواند باشد؟ خدایا اگر نافرمانی و گناه از بندهات زشت بود، پس گذشت از جانب تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 199

زیباست، خدایا نخستین، کسی نیستم که تو را نافرمانی کرده و حضرتت توبه پذیرش شدی، و خود را در معرض احسانت قرار داده و تو مرا مورد احسانش قرار دادی، ای پاسخگوی درماندگان، ای برطرف کننده زیان، ای بزرگ نیکی، ای دانای نمان، ای زیبا پرده پوش، به جود و کرم به سوی تو شفاعت می جویم، و توسل می کنم نزد تو به فضل و رحمت دعایم را اجابت کن، امیدم را به خود ناامید مساز، و توبه ام را بپذیر، و با احسان و مهرت خطاهایم را نادیده گیر، ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاة الثانية: مناجاة الشاكين

مناجات دوم: رازونياز شاکیان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا از نفسی که فراوان به بدی فرمان می‌دهد به تو شکایت می‌کنم، همان نفسی که شتابنده به سوی خطا، و آزمند به انجام گناهان، و در معرض خشم توست، نفسی که مرا به راه هلاکت می‌کشاند، و هستی‌ام را نزد تو از پست‌ترین تباه‌شدگان قرار می‌دهد، بیماریهای بسیار، آرزویش دراز است، اگر گزندى به او در رسد بی‌تابی می‌کند، و اگر خیری به او رسد از انفاقش دریغ می‌ورزد، به بازی و هوسرانی میل بسیار دارد، از غفلت و اشتباه آکنده است، مرا به تندی به جانب گناه می‌راند، و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می‌کند، خدایا از دشمنی که گمراه می‌کند و از شیطانی که به بی‌راهه‌ام می‌برد به تو شکایت می‌کنم، شیطانی که سینه‌ام را از وسوسه انباشته

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 200

و زمزمه‌های خطرناکش قلبک را فرا گرفته است، شیطانی که با هوا و هوس برایم کمک می‌کند، و عشق به دنیا را در دیدگانم زیور می‌بخشد، و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می‌افکند، خدایا از دل همچون سنگی که با وسوسه زیرورو می‌شود و به آلودگی گناه و سیاسی نافرمانی آلوده شده به تو شکایت می‌کنم، خدایا از چشمی که از گریه ناشی از هراس تو خشک شده، و در عوض به مناظری که خوش آیند آن است خیره گشته به تو گلایه می‌کنم، خدایا توان و نیرویی برای من جز به قدرت تو نیست، راه نجاتی از گرفتاریهای دنیا جز نگهداری تو برایم نمی‌باشد، از تو خواستارم به رسایی حکمت، و نفوذ اراده‌ات که مرا جز جودت در معرض چیزی قرار ندهی، و هدف فتنه‌ها نگردانی، و علیه دشمنانم یاور باشی، و پرده‌پوش رسوائیها و عیوبم گردی، و از بلا نگهدار، و از گناهان بازدارنده‌ام باشی به مهر و رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الثالثة: مناجات الخائفین

مناجات سوّم: رازونياز ترسیدگان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

خدایا آیا چنین می‌نمائی که پس از ایمانم به تو عذابم نمایی؟ یا پس از عشقم به تو از خود دورم سازی، یا با امید به رحمت و چشم‌پوشی‌ات محرومم سازی، یا با پناه جویی‌ام به گذشتت رهایم نمایی، هرگز چنین نیست! از ذات بزرگواریت به دور است که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 201

محرومم کنی، ای کاش می‌دانستم که آیا مادرم مرا برای بدبختی به دنیا آورده، یا برای رنج کشیدن و زحمت پرورانده است، اگر چنین است کاش مرا نزاده و نیروانده بود، و ای کاش آگاه بودم که آیا مرا از اهل سعادت قرار داده و به قرب و جوارت اختصاص داده‌ای تا به این سبب چشمم روشن و جانم آرام گیرد؟ خدایا آیا چهره‌هایی که در برابر عظمت سجده‌کنان به خاک افتاده سیاه می‌کنی، یا زیان‌هایی را که برای بزرگی و شکوهت به ستایش گویا شده ناگویا می‌نمائی؟ یا بر دل‌هایی که به محبت پیچیده شده مهر می‌زنی، یا گوشه‌هایی را که از شنیدن ذکر در راه رضایت لذت برده ناشنوا می‌کنی، یا دست‌هایی را که آرزوهای به امید مهرورزی‌ات به سویت بلند کرده و به زنجیر می‌بندی، یا بدن‌هایی را که در طاعتت کوشیده تا جایی که در راه کوشش در بندگی‌ات لاغر شده مجازات می‌کنی، یا پاهایی را که در راه عبادتت پوییده به عذاب دچار می‌نمائی، خدایا درهای رحمت را بر یکتاپرستان مبنده، و شیفتگان را از نگاه به زیبایی دیدارت محروم مساز، خدایا جانی را که به توحید عزت بخشیدی، چگونه به خواری هجران ذلیل می‌کنی، و باطنی که بر دوستی‌ات پیمان بسته، چگونه به سوز آتش می‌سوزانی؟ خدایا از دردناکی خشم و بزرگی ناخشنودیت پناهم ده، ای پرمهر، ای منتگذار، ای مهربان، ای بخشاینده، ای جبار، ای چیره، ای آمرزنده، ای پرده‌پوش، به مهرت مرا از شکنجه آتش و رسوایی ننگ‌رهای بخش، آنگاه که نیکان از بدان جدا شوند، و حالت‌های دگرگون گردد و هراسنده‌ها بهراسند، و نیکوکاران به خوشبختی نزدیک شوند، و بدکاران از آن دور گردند، و به هرکسی برابر آنچه انجام داده جزای برآورده داده شود

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 202

و هرگز به آنان ستم نشود.

المناجات الرابعة: مناجاة الراجين

مناجات چهارم: رازنیاز امیدواران

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ای آن که هرگاه بنده‌ای از او بخواهد عطایش کند، و هرگاه چیزی را که نزد اوست آرزو کند به آرزویش برساند، و زمانی که به او روی آور مقرب و نزدیکش کند، و گاهی که تظاهر به گناه کند گناهش را پرده‌پوشی نماید، و آنگاه که بر او توکل نماید او را بس باشد و کفایت کند، خدای من کیست که بر آستانه وارد شده و خواهان مهمان‌پذیری‌ات باشد و تو از او پذیرایی نکرده باشی، و کیست که مرکب حاجت را با امید به سخاوت به درگاهت خوابانده باشد و تو احسانش ننموده باشی آیا خوشایند است که از درگاهت با محرومیت بازگردم، درحالی که جز تو سروری که به احسان متصف باشد نشناسم، چگونه به غیر تو امید بندم درحالی که هر خوبی به دست توست، و چگونه جز تو را آرزو کنم درحالی که آفرینش و فرمان خاص تو است، آیا امیدم را از تو ببرم درحالی که از روی احسان آنچه که از تو نخواستیم به من عطا فرمودی یا آیا به مانند خودم محتاج می‌کنی درحالی که به رشته محکمت چنگ می‌زنم، ای آن که قصدکنندگان به رحمتش خوشبخت شدند، و آمرزش خواهان به انتقامش بدبخت نشدند، چگونه فراموشت کنم که همیشه به یادم بوده‌ای، و چگونه از تو غافل شوم که تو نگهبانم هستی، خدای من دستم را به دامن کرم آویختم، و برای رسیدن به عطایت سفره آرزویم را گستردم،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 203

مرا به خلوص توحیدت خالص کن، و از بندگان برگزیده‌ات قرار ده، ای آن که هر گزینی به او پناه می‌جوید، و هر جوینده‌ای به او امید می‌بندد، ای بهترین امیدبخش، ای کریم‌ترین خواننده، ای آن که پرسنده‌اش برگردانده نشود، و آرزومندش محروم نگردد، ای آن که در رحمتش به روی خوانندگان باز است، و پرده درگاهش برای امیدواران گشوده است، از تو می‌خواهم به بزرگواریت که ببخشی از عطای خود بر من آنچنان که دیده‌ام به آن روشن شود، و از امید به تو سرشارم سازی به اندازه‌ای که نهادم آرامش یابد، و از یقین آنچنان بر من منت نمی‌کشد که با آن ناگواریهای دنیا را برایم آسان نمایی، و با آن از دیدگام دلم پرده‌های نابینایی را برگیری به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجات الخامسة: مناجاة الراغبين

مناجات پنجم: رازونباز دلدادگان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

خدایا هرچند در آمدن به سویت توشه‌ام اندک است ولی گمانم بر توکل به تو همواره نیکو است، و هرچند گناه‌ها مرا از عذاب تو به هراس افکنده، ولی چشم امیدم یعنی از انتقامت را به من خبر می‌دهد، و هرچند نافرمانی‌ام مرا را در معرض عذاب قرار داده ولی یح سن اعتماد مرا به پاداشت آگاهی می‌دهد، و هرچند بی‌خبری مرا از آمادگی برای دیدارت به خواب غفلت انداخته ولی آشنایی به کرم و عطاهایت مرا بیدار نموده است، و اگر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 204

زیاده‌روی در گناه و سرکشی، میانه من و تو را تیره ساخته ولی مژده آمرزش و خشنودیات با من انس گرفته است. از تو می‌خواهم به درخششهای جلوه‌ات و به انوار قدست، و هم به سویت زاری می‌کنم به عواطف مهرت و لطایف احسانت، که تحقق بخشی گمانم را در آنچه از تو آرزومندم از بزرگی اکرامت و زیبایی انعامت، در راه تقرّب به تو و نزدیکی به درگاهت و بهره‌مندی از نگاه به سویت، هم اینک متعرض نسیمهای رحمت و توجه تو، و خواهان باران جو و لطف بی‌پایان تو می‌باشم، و از خشم به سوی خشنودیات گریزان، و از تو به سوی خودت فراری‌ام، نیکوترین چیزی را که نزد توست امید دارم، بر بخششهایت اعتماد می‌نمایم، به عنایت نیازمندم، خدایا آنچه را از فضلت بر من آغاز کردی به انجام رسان، و آنچه را از کرمت به من دادی از من بگیر، و آنچه را با بردباریات بر من پوشاندی آشکار مکن، و آنچه را از زشتی کردم دانستی بیامرز، خدای از تو به تو شفاعت می‌جویم، و از تو به تو پناهنده می‌شوم، با امید بسیار به احسانت به سوی تو آمدم، به خویبهات که بر من منت گذاری دل بسته‌ام، به فراوانی کرمت تشنه‌ام، ابر فضلت را باران طلبم، خشنودیات را خواهانم، آهنگ آستانت را دارم، به جویبار عطایت وارد آمدم، برترین خیرات را از پیشگاهت خواهم نمودم، به جانب حضرت جمالت روانم، ذات را اراده دارم، کوبنده در رحمت هستم، درمانده‌ام در برابر شکوه و جلالت، با من از آمرزش و رحمت آنگونه کن که شایسته آنی و نه آنگونه که سزاوار عذاب و انتقامم،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 205

به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

مناجات ششم: رازونیز شاکران

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

خدایا، پیاپی آمدن کرم، بر پا داشتن سپاست را از یاد من برد، و فراوانی بخشش مرا از شمارش ستایشت درمانده ساخت، و در پی هم آمدن احسانت مرا از یاد اوصاف نیکت بازداشت، و پشت هم رسیدن نعمتهایت مرا از گسترش خوبیهایت درمانده نمود، این است جایگاه آن که به برازندگی نعمتهای تو و در برابر آن به کوتاهی خود اعتراف دارد و به زیان خود به سستی در بندگی و هدر دادن نعمتها گواهی می‌دهند و تویی دلجو، مهربان، نیکوکار کریم، که خواهنده‌اش را محروم نمی‌کند، و آرزومندش را از درگاهش نمی‌راند، به آستانت فرود می‌آید بار امیدواران، و در درگاه رحمت تو می‌ایستد آرزوهای عطاخواهان، پس آرزوهایمان را با محرومیت و ناامیدی روبرو مساز، و جامه ناامیدی و دوری از رحمت را بر ما بپوشان، خدایا در برابر بزرگی نعمتهایت سپاسم کوچک می‌نماید، و در کنار اکرامت بر من ستایش و گزارشم از آن خود را پست و ناچیز نشان می‌دهد، نعمتهایت از انوار ایمان زینتهایی به من پوشاند، و لطایف نیکی‌ات خیمه‌هایی از عزت بالای سرم افراشت، و عطاهايت گردن‌بندهای زینده‌ای به گردم افکند که هرگز باز نشود، و طوقهایی بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 206

من آویخت که به هیچ روی گسسته نگردد، عطاهاى انبوهت زبانم را از شمردنش ناتوان ساخته، و نعمتهای فراوانت فهمم را از دریافتشان کوتاه نموده، تا چه رسد به بررسی کامل آنها، سپاسگزاری‌ات چگونه برای من امکان‌پذیر است در حالی که سپاسم نسبت به تو خود نیازمند سپاسی دیگر است، پس هر نوبت که گفتم تو را سپاس، بر من واجب شد که به خاطر آن باز بگویم تو را سپاس، خدایا همانگونه که ما را به لطف طعام دادی و با احسانت پروریدی پس نعمتهای سرشارت را بر ما به انجام رسان، و ناگواریهای ناخوشایند را از ما دور کن، و از بهره‌های هر دو جهان بالاتر و برترش را چه اینک و چه در آینده به ما عنایت کن، تو را سپاس بر خوبی آزمونت و بر نعمتهای سرشارت، سپاسی که درخور خشنودیت باشد، و خیر وجودت را به جانب ما جلب کند، ای بزرگ، ای کریم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة السابعة: مناجاة المطيعين لله

مناجات هفتم: رازونیز فرمانبران خدا

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدای فرمانبرایات را به ما الهام فرما، و ما را از نافرمانیت دور کن، و راه رسیدن به آنچه از خشنودی ات آرزومندیم آسان کن، و ما را در میان بهشتیهای جای ده، و از برابر دیدگان دلهایمان ابرهای شك و دودلی را بزدای، و از قلوبمان پرده های تردید و کوردلی را کنار زن، و از نهادمان باطل را زایل کن، و حق را در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 207

درون ما استوار گردان، زیرا شکها و گمناها بارورکننده آشوبها، تیره کننده عطاها و بخششهای زلال و بی آلایش اند، خدایا ما را بر کشتیهای نجات بنشان، و از لذت رازونیازت بهره مند گردان، و به حوضهای دوستی ات وارد کن، و شیرینی محبت و مقام قربت را به ما بچشان، کوششمان را در راهت و همتمان را در طاعتت قرار ده، و نیتهایمان را در معامله با خود خالص گران، چرا که ما با تو و از تویم و برای ما وسیله ای جز به سوی تو نیست، خدایا مرا از گزیدگان بندگان خوبت قرار ده، و به شایستگان نیکوکار ملحق کن، هم آنان که به بندگی پیشی گرفتند، و به سوی خیرات شتافتند و برای باقیات صالحات تلاش کردند، و برای رسیدن به درجات بلند کوشش نمودند همانا تو بر هر چیز توانایی، و به اجابت دعا سزاواری، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاة الثامنة: مناجاة المريدین

مناجاة هشتم: رازونیز ارادتمندان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

منزهی تو، چه تنگ است راهها بر کسی که تو راهنمایش نباشی، و چه آشکار است حق نزد کسی که راه را نشان دادی، خدایا ما را به راههای رسیدن به سرایت بکشان، و ما را از نزدیکترین راههای ورود به بارگاہت ببر، دور را بر ما نزدیک کن، و دشوار و سخت را بر ما آسان گردان، و ما را به آن بندگان که با چالاکی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 208

به سویت می شتابند، و همواره در رحمت را می کویند ملحق نما، آنان که در هر شب و روز تو را عبادت می کنند، و از هیبت در هراسند، بندگان که آبشخورها برای آنان زلال کردی و به خواسته هایشان با کامیابی رساندی، و آنان را بر جوینده هایشان کامروا نمودی، و از روی فضل حاجاتشان را برآوردی، و نھادشان را از محبت آکنده ساختی، و از زلال چشمه ات سیرابشان نمودی، اینان به وسیله تو به لذت مناجات دست یافتند، و از حسن عنایت تو دورترین مقاصدشان را فراچنگ آوردند، ای کسی که بر روی آورندگان بر خویش روی آورد و با مهرورزی بر ایشان روی آور و بخشنده است، و به غفلت ورزان از یادش دلسوز و مهربان است، و برای جلب آنان به درگاهش با محبت و عطف است، از تو می خواهم مرا از کسانی قرار دهی که بهره بیشتری از تو دارند، و برترین جایگاه را نزد تو نصیب خود ساخته اند و از دوستی است سهم برجسته تری به آنان رسیده، و در معرفت بهره بیشتری نصیب آنان گشته است، همانا همتم از همه جا بریده و تنها متوجه تو گشته است، و رغبتم به جانب تو منصرف شده است، پس تنها تو مراد منی نه غیر تو، و شب زنده داری و بی خوابی ام تنها برای توست نه برای غیر تو، و دیدارت نور دیدگان من است و وصال آرزوی هستی ام، و تنها به سوی توست اشتیاقم، تنها در مسیر عشق توست شیفگی ام و در هوای توست دلدادگی ام، و خشنودی ات مقصود من، و دیدارت نیاز من، و جوارت مطلوب من، و قربت نھایت خواسته من است، آسودگی و راحت در رازونیا با توست، داروی دردم و درمان بیماری سینه ام، و خنکای آتشم قلبم، و برآمدن اندوهم تنها پیش توست، پس در هنگام ترس همدم باش، و لغزشم را نادیده گیر، و گناهم را بیامرز، توبه ام را بپذیر و دعایم را اجابت کن،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 209

و سرپرست زمامم و توانگری گاه تھیدستی ام باش، مرا از خود جدا مکن، و از خویشتن دورم مساز، ای نعمت و بهشت من، و ای دنیا و آخرتم، ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات نهم: رازونیا ز شیفتگان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا کیست آن که شیرینی محبت را چشید پس به جای تو دیگری را برگزید؟ و کیست آن که با مقام قرب تو انس یافت پس مایل به روی برتافتن از تو شد؟ خدایا، ما را از کسانی قرار ده که برای قرب و ولایت برگزیدی، و برای دوستی و محبت خالص نمودی، و برای دیدارت مشتاق کردی، و به قضایات راضی ساختی، و نعمت نگاه به جمالت را عطایش کردی، و به خشنودیات مخصوص گردانندی، و از غم هجران و دوریات پناه دادی، و در جوارت در جایگاه راستی جای دادی، و به شناخت خود اختصاص دادی، و برای بندگی ات سزاوار کردی، و به ارادات دلباخته فرمودی، و برای تماشای جمالت برگزیدی، و رویش را برای خود از غیر پاک کردی، و دلش را برای عشقت فارغ نمودی، و آن را به سوی آنچه نزد توست راغب فرمودی، و یادت را به او الهام کردی، و شکرت را نصیبش نمودی، و به طاعتت مشغول ساختی، و او را از بندگان شایسته ات گردانندی، و برای رازونیا ز انتخاب کردی، و جدا کردی از او هرچه که او را از تو جدا می کند، خدایا ما را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 210

ما را از کسانی قرار ده که شیوه هاشان آرام گرفتن به درگاه توست در حال زاری و روزگارشان آه و ناله است، و پیشانی شان در پیشگاه عظمت بر سجده، و دیدگان شان در خدمت بی خواب گشته است، و اشکشان از خشیت تو روان، و قلوبشان به عشقت آویخته و دلهايشان از هیبت از جا کنده است، ای آن که انوار قدسش برای دیدگان عاشقانش جلوه گر است و بزرگیهای جمالش برای قلوب عارفانش دیدنی است، ای آرمان دل مشتاقان، ای نهایت آرزوهای عاشقان، از تو درخواست می کنم دوستی خودت را و دوستی آنان که تو را دوست دارند و دوستی هر کاری که مرا به میدان قرب تو می رساند، و اینکه خودت را نزد من محبوب تر از دیگران قرار دهی و عشقم را به وجودت راهبر به سوی خرسندی ات بگردانی و شوقم را به حضرتت بازدارنده از نافرمانی ات سازی، خدایا تماشای زیبایی وجودت را بر من منت گذار و به من به دیده عشق و عاطفه بنگر، و روی از من متاب، و مرا نزد خود از اهل خوشبختی و بهره مندی قرار ده، از اجابت کننده، ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاة العاشرة: مناجاة المتوسلين

مناجاة دهم: رازونياز توسل حويان

به نام خدا که رحمتش بسيار و مهربانی اش هميشگی است

خدایا به پیشگاهت وسیله ای جز عواطف مهتر ندارم، و به درگاهت دست آویزی جز آنچه از رحمت

ترجمه مفاتيح الجنان، ص: 211

شناخته شده و جز شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت رهایی بخش امت از رنج و ناراحتی ندارم، خدایا! این دو وسیله را برای من سبب رسیدن به آمرزش قرار ده، و آن دو را رابطه ای برای دست یابی به خشنودیت بگردان، همانا امیدم به حریم کرمیت فرود آمده، و مرکب طمعم به آستانه جودت بار انداخته است، پس درباره خودت آرزویم را محقق ساز، و کارم را به خیر پایان ده، و مرا از آن برگزیدگانی قرار ده که در در میان بهشت قرارشان دادی و خانه کرامتت را در اختیارشان گذاردی و دیده آنان را در روز قیامت با نگاه به سوی جمال خویش روشن نمودی، و جایگاه راستی را در جوارت به آنان واگذار نمودی، ای آن که باریافتگان بر کریم تر از او بار نیابند، و قصدکنندگان مهربان تر از او را نیابند، ای بهترین کسی که شخص تنها با او خلوت کند، و ای مهربان ترین کسی که انسان رانده به جانب او روی آورده، به سوی گستردگی عفو دست گذاری دراز کردم، و به دامن کرمیت چنگ آویختم، مرا سزاوار حرمان مکن و به ناامیدی و زیان دچار مساز، ای شنوای دعا، ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاة الحادية عشرة: مناجاة المفتقرين

مناجات یازدهم: رازونياز نیازمندان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا شکستگی ام را جز لطف و محبت جبران نکنند، و تهدستی ام را بی نیازی نرساند جز مهر و احسانت، و هراسم را جز امان تو آرام ننماید، و خواری ام را جز توانایی ات به عزّت تبدیل نکنند، و مرا جز فضلّت به آرزویم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 212

نرساند و شکاف فقرم را جز احسان تو پر نکند، و حاجتم را کسی جز تو بر نیآورد، و غمزدگی ام را جز رحمت برطرف ننماید و بدحالی ام را جز مهرت نگشاید و سوز سینه ام را جز وصل تو خنک نکند و آتش درونم را جز دیدارت خاموش نگرداند و بر حرارت شوقم به تو جز نگاه به جمالت آب نریزد، و آرامشم بدون نزدیک شدن به حضرتت برقرار نشود و حسرتم را جز نسیم رحمت برنگرداند، و بیماری ام را جز درمانت شفا ندهند و غمم را جز مقام قربت برطرف نسازد، و زخمم را جز چشم پوشی ات التیام ندهد، و آلودگی دلم را جز گذشت تو نزاید، و وسواس سینه ام را جز فرمانت از میان نبرد، ای نهایت آرزوی آرزومندان، ای غایت خواهش خواهندگان، ای دورترین مطلوب جویندگان، ای والاترین رغبت راغبان، ای سرپرست شایستگان، ای امان ترسیدگان، ای اجابت کننده دعای بیچارگان، ای ذخیره ناداران، ای گنج بینوایان، ای فریادرس دادخواهان، ای برآورنده حاجات تهیدستان و بر خاک نشستگان، ای کریم ترین کریمان، ای مهربان ترین مهربانان، فروتنی و خواهشم به پیشگاه توست، و زاری و ناله ام به سوی تو، از تو می خواهم مرا به نسیم خرسندی ات برسانی، و نعمتهای نیکویت را بر من تداوم بخشی، من اینک بر در خانه کرمیت ایستاده ام، و در معرض نسیمهای نیکیت قرار دارم، و به رشته محکمت چنگ زده ام و به دست آویز استوارت دست آویختم، خدایا بر بنده خواری که زبانش گنگ، و عملش اندک است رحم کن، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 213

با احسان پیوسته و برجسته ات بر او منت گذار، و او را زیر سایه بلندت حمایت فرما، ای گرامی، ای زیبا، ای مهربانترین مهربانان.

المناجاة الثانية عشرة: مناجاة العارفين

مناجاة دوازدهم: رازونياز عارفان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدای زیانها از ادای ثنایت آنچنان که شایسته عظمت توست کوتاه است، و خردها از درك ژرفای جمالت ناتوان است، و دیده‌ها از تماشای بزرگیهای ذات درمانده است، برای خلق راهی به سوی شناساییات جز ناتوانی از شناخت قرار ندادی، خدایا ما را از کسانی قرار ده که شاخسارهای اشتیاق به سویت در بوستانهای سینه‌هایشان استوار و پایرجا شده است و سوز عشقت در کانون دلهایشان برافروخته، از این روی به آشیانه اندیشه‌های ولا جای گیرند، و در گلستان قرب و مکاشفاته می‌گردند، و از حوضهای محبت با جام ملاطفت می‌نوشند و در کنار نهرهای صفا وارد می‌شوند، درحالی که پرده از دیدگان‌شان برداشته شده، و تاریکی دودی از باورها و ضمائرشان زدوده گشته، و خلجان شك از دله و باطنشان بیرون رفته، و سینه‌هایشان با تحقق معرفت گشوده شده، و همتشان برای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 214

پیشی گرفتن در میدان خوشبختی بر اثر زهد بلندی گرفته، و نوشیدنشان در چشمه زلال کردار گوارا شده، و باطنشان در مجلس انس پاکیزه گشته، و راهشان در جای ترسناك ایمنی یافته، و جانشان با رجوع به رب الارباب اطمینان یافته، و ارواحشان به نیکبختی و رستگاری یقین یافته، و دردگان‌شان با نظر به محبوبشان روشنی گرفته، و آرامششان با دریافت خواهش و رسیدن به آرزو استقرار یافته، و تجارتشان در فروش دنیا به آخرت سودبخش بوده، خدایا چه لذت بخش است در دلها خاطرات الهام گرفته از یاد، و چقدر شیرین است پویش به سوی تو با مرکب اندیشه‌ها در راههای غیب، و طعم عشقت چه خوش، و شربت مقام قربت چقدر گوارا است، پس ما را از راندن و دور کردن پناه ده، و از خاص‌ترین عارفان و شایسته‌ترین بندگان و راستگوترین فرمانبران و خالص‌ترین پرستندگان قرار داده، ای بزرگ، ای باشکوه، ای گرامی، ای بخشنده، به مهربانیات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الثالثة عشرة: مناجاة الذاكرين

مناجات سیزدهم: رازونياز ذاكران

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

خدایا اگر پذیرش فرمانت بر من واجب نبود هر آینه پاك نگاه می‌داشتمت از اینکه ذکر تو گویم، چه ذکر من تو را به اندازه کاستی من است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 215

نه براننده کمال تو، شأن و اندازه من چقدر می‌تواند بالا رود تا ظرف تقدیس تو قرار گیرم؟ از بزرگ‌ترین نعمتها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست، و اجازات به ماست که تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح گوئیم، خدایا پس ذکرت را به ما الهام کن در نمان و آشکار و شب و روز، و پیدا و پنهان، و در خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر پنهان مأنوس فرما و به عمل پاکیزه و کوشش پسندیده بکار گیر، و به میزان کامل پاداشمان ده، خدایا دلهای عاشق شیفته تواند، و خردهای جدای از هم بر معرفت گرد آمده‌اند، بدین خاطر دلهای آرام نگیرند جز به یاد تو، و جانها جز به هنگام مشاهدات راحتی نیابند، تو تنزیه شده‌ای، در هرجا، و پرستیده گشته‌ای در هرگاه و در همواره روزگار بوده‌ای، و به هر زبان خوانده شده‌ای، و در هر دلی بزرگداشت شده‌ای از هر لذتی به جز ذکر تو، و از هر آسایشی جز همدمی با تو، و از هر شادمانی به غیر قرب تو، و از هر شغلی جز طاعت تو پوزش می‌جویم، تو گفتی و گفتارت حق است که: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید و در بامداد و شامگاه او را تسبیح گوئید و تو گفتی و گفتارت حق است: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» ما را به یاد کردن فرمان دادی، و وعده فرمودی که تو نیز از روی شرافت و عزت و کرامت بخشیدن به ما، ما را یاد کنی، اکنون برابر با فرمانت تو را یاد می‌کنیم، پس تو نیز به وعدهات وفا کن، ای یادآور یادکنندگان، و ای مهربان‌ترین مهربانان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 216

مناجات چهاردهم: رازونیز پناهجویان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

خدایا ای پشتیبان پناهجویان، و ای پناه پناهندگان، و ای رهایی‌بخش هلاک شدگان، و ای نگهدار بینوایان، و ای مهرورز بی‌چیزان، و ای اجابت کننده درماندگان و ای گنجینه تهیدستان و ای جبران کننده شکست خوردگان، و ای جایگاه آواردگان، و ای یاور ناتوان شمردگان، و ای پناه‌دهنده ترسیدگان و ای غمگسار غمزدگان، و ای دژ پناهندگان، اگر به عزّت پناه نیاورم پس به که پناه برم، و اگر به قدرت پناهنده نشوم، به که پناهنده شوم؟ گناهان وادارم ساخته که به دامن گذشت چنگ زم، و خطاها محتاجم کرده که از تو خواهم درهای چشم‌پوشی‌ات را بر من بگشایی، و بدیها مرا فراخوانده تا به آستان عزّت بار اندازم، و هراس از انتقام وادارم کرده که به دستاویز مهرت چنگ زم، کسی که به ریسمانت چنگ زده سزاوار نیست خوار گردد، و آن که به عزّت پناهنده شده، شایسته نیست رها گردد یا وا گذاشته شود، خدایا ما را از حمایت محروم مکن، و از پوشش رعایت برهنه مساز، و از پرتگاههای هلاک دورم کن، زیرا ما در سایه توجه تو و در حمایت تو به سر می‌بریم و از تویم، از تو می‌خواهم به حق خاصان از فرشتگان، و شایستگان از بندگانت، که برای ما سپری قرار دهی که ما را از هلاکتها برهاند، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 217

از آفات برکنار دارد، و از بلاهای سخت نگهداری کند، و هم اینکه آرامش خود را بر ما نازل کنی، و چهره‌های ما را به انوار محبت پرفروغ گردانی، و ما را ر پناهگاه محکمت پناه دهی، و در کناره‌های نگهداری خویش بگنجانی، به حق مهر و رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الخامسة عشرة: ماجاة الزّاهدين

مناجات پانزدهم: رازونیز پارسایان

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

خدایا، ما را در خانه‌ای ساکن نموده‌ای که گودالهای فریض را برای ما آماده ساخته، و در شبکه‌های خیانتش به دستهای مرگ آویخته، از دامهای فریض به تو پناه می‌آوریم، و چنگ می‌زنیم از مغرور شدن به زیورهای آراسته‌اش به عنایت تو، که این دنیا خواهندگان را هلاک می‌سازد، و واردینش را نابود می‌کند، آکنده به آفتهاست، انباشته از نکبتهاست، خدایا ما را به دنیا بی‌ربط کن، و به توفیق و عصمت ما را از آن سلامت بدار و جامه‌های مخالفت را از هستیمان بکن، و با حسن کفایت امروز ما را سرپرستی فرما، و فزونی سهم ما را از رحمت گسترده‌ات کامل گردان، و از چشمه‌سار مواهب عطای ما را نیکو گردان، و در سرزمین دلای ما درختان محبت را بکار، و انوار معرفت را بر ما کامل کن، و شیرینی گذشت و لذت آمرزش را به ما بچشان، و دیدگان ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن فرما، و محبت دنیا را از دل ما

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 218

بیرون کن، آنگونه که درباره نیکوکاران برگزیده‌ات و خاصان نیکوکردارت انجام دادی، به حق مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان و ای گرمی‌ترین گرمیان.

مناجات منظوم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

به نقل از صحیفه علویه

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

فرخنده ای تو عطا کنی به هرکه خواهی و منع

ستایش تو راست ای صاحب جود و بزرگواری و

کنی ز هرکه خواهی

برتری

به جانب تو در سختی و آسانی پناه می‌آورم

خدایم و آفریدگارم، و نگهدارم و پناهم

پس گذشت تو از گناه من بزرگتر و گسترده‌تر

خدایا اگر خطایم بزرگ و انبوه است

است

| | |
|---|--|
| خدايا اگر خواهش نفسم را به نفسم واگذاشتم | اينك در مرغزار پشيمانی می گردم |
| خدايا بدحالی و تهیدستی و نیازم را می بینی | و تو مناجات پنهان مرا می شنوی |
| خدايا اميدم را قطع مکن، و منحرف مساز | قلبم را که من به باران جودت طمع دارم |
| خدايا اگر محروم کني يا از پیشگاهت برای | پس به چه کسی امیدوار شوم و چه کسی را |
| | شفیع گیرم |
| خدايا از عذابت پناهم ده که من | اسير و خوار و ترسانم و برایت فروتنی می کنم |

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 219

| | |
|---|--|
| خدايا با آموزش دليل راه همراهم باش | در آن زمان که در قبر منزل و خوابگاهم باشد |
| خدايا اگر هزار سال مرا عذاب نمایی | رشته امید من از تو قطع نمی شود |
| خدايا مزه گذشتت را به من بچشان آنگاه که | نه فرزندان و نه مال در آن زمان سود نرساند |
| خدايا اگر مرا رعایت نکنی تباه شده ام | و اگر رعایت نمی تباهی نپذیرم |
| خدايا اگر از غیر نیکوکاران نگذری | پس امید کسی که با هوس کامروایی میکند |
| | کیست |
| خدايا اگر در طلب پروا کوتاهی نمودم | پس اينك دنبال گذشت توام و سراغ آن میروم |
| خدايا اگر از روی جهالت خطا کردم | تا آنجا به تو امید بستم که درباره ام گفته شد باك |

ندارد

ولی چشم‌پوشی تو از گناه من بزرگ‌تر و برفرازتر
است

خدایا گناهم بلندتر و بزرگ‌تر از کوه‌های
برافراشته شده

و یاد گناهان، دیدگانم را اشکبار می‌سازد

خدایا یاد عطای همیشگی‌ات آتش دلم را خنکا
می‌بخشد

من اقرار به گناه دارم و هراسان و نالانم

خدایا لغزشم را نادیده گیر و گناهم را پاک کن

که من جز درهای احسان تو را نمی‌گویم

خدایا از سوی خود آسایش و راحتی به من ده

پس چه چاره کنم ای پروردگار و چه سازم

خدایا اگر مرا دور کنی یا سبکم انگاری

رازونیز و دعا می‌کند ولی شخص غافل
می‌خواهد

خدایا سوگند خورده عشق در شب بیدار است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 220

و گروهی دیگر شب‌بیدار و زاری می‌کنند

خدایا از این مردم گروهی در خوابند

رحمت بزرگ تواند و به بهشت تو طمع ورزند

و همه آنان عطای تو را امید دارند، و امیدوار

و زشتی گناهانم مرا به رسوایی تهدید می‌نماید

خدایا امید من در دلم آرزوی سلامتی می‌کند

ور نه با گناهم به عرصه نابودی در افتم

خدایا اگر بگذری گذشت نجات‌بخش من است

و به حرمت پاکانی که نزد تو فروتنند

خدایا به حق محمد هاشمی نسب

خدایا به حق محمد مصطفی و پسر عمویش
و به حرمت نیکوکارانی که برای تو خاشعند
خدایا مرا در رستاخیز بر دین احمد برانگیز
تائب و پرهیزگار و عابد و فروتن در پیشگاهت
ای خدای من و آقای من مرا محروم مساز
از شفاعت بزرگ محمد که شفاعتش پذیرفته است
و بر ایشان درود فرست تا هرگاه که مؤحدی تو
و خوبان با تو مناجات کنند و در برابرت به
را بخواند
رکوع پردازند

و نیز در «صحیفه علویه» مناجات منظوم دیگری از آن حضرت نقل شده که اول آن «یا سامع الدعاء» است. ولی چون مشتمل بر واژه‌های مشکل و لغات ناآشنا بود و ما بنا بر اختصار از ذکر خودداری نمودیم.

سه جمله از مولایمان علی (درود بر او) در باب مناجات

خدایا مرا این عزت بس است که بنده تو باشم، و برآیم این افتخار کافی است که تو پروردگار من باشی، تو آنچنانی که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 221

دوست دارم، مرا هم چنان کن که دوست داری.

باب دوم

در اعمال ماههای سال و فضیلت و اعمال نوروز و نیز اعمال ماههای رومی (شمسی) و آن در چند فصل است:

فصل اول: در بیان فضیلت و اعمال ماه مبارك رجب

بدان که این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان در شرافت، کامل و تمامند و روایات بسیاری در فضیلت آنها وارد شده است بلکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که رجب ماه بزرگ خدا است و ماهی در احترام و فضیلت به آن نمی رسد و در این ماه جنگ با کافران حرام است!! و رجب ماه خدا و شعبان ماه من و رمضان ماه امت من است، کسی که يك روز از ماه رجب را روزه بدارد، مستحقّ خشنودی بزرگ خدا می شود و خشم حق از او دور می گردد و دری از درهای دوزخ به رویش بسته می شود.

و از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده است: هرکه يك روز از ماه رجب را روزه بدارد بهشت بر او واجب می شود. و نیز فرمود: رجب نام نهری در بهشت که از شیر سپیدتر و از عسل شیرین تر است، هرکه يك روز از رجب را روزه بدارد به یقین از آن نهر بیاشامد. و از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ماه رجب ماه استغفار امت من است پس در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید که خدا آمرزگار و مهربان است و رجب را «اصب» [یعنی فروریزنده تر] می گویند، زیرا رحمت خدا در این ماه بر امت من بسیار ریخته می شود، پس بسیار بگویند، استغفر الله و اساله التوبة

ابن بابویه به سند معتبر از سالم روایت نموده که گفت: در اواخر ماه رجب که چند روزی از آن مانده بود به خدمت امام صادق علیه السلام رفتم. چون نظر مبارك آن حضرت بر من افتاد، فرمود: آیا در این ماه روزه گرفته ای؟ گفتم: نه به خدا ای پسر رسول خدا. فرمود: آنقدر ثواب از تو فوت شده که اندازه آن را جز خدا کسی نمی داند، به یقین این ماهی است که خدا آن را بر ماههای دیگر فضیلت داده و احترام آن را عظیم نموده و گرمی داشتن روزه داران این ماه را بر خود واجب کرده!! گفتم: یابن رسول الله، اگر در باقیمانده این ماه روزه بدارم آیا به بخشی از ثواب روزه داران آن نایل می شوم؟ فرمود: ای سالم هرکه يك روز از آخر این ماه را روزه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 222

بدارد، خدا او را از سختی سكرات مرگ و از هراس پس از مرگ و از عذاب قبر ایمن می کند، و هرکه دو روز آخر این ماه را روزه بدارد، به آسانی از صراط می گذرد، و هرکه سه روز آخر این ماه را روزه بدارد از وحشت بزرگ روز قیامت، و از سختیها و هولهای آن روز ایمن می شود، و برات آزادی از آتش دوزخ را به او عطا می کنند.

در هر صورت برای روزه ماه رجب فضیلت بسیار وارد شده و در روایت آمده:

اگر کسی قدرت بر روزه ماه رجب را ندارد،

هر روز این تسبیحات را صد بار بخواند،

تا ثواب روزه ماه رجب را دریابد:

منزه است خدای بزرگ، منزه است آن که تسبیح جز برای او سزاوار نیست، منزه است خدای عزیزتر و گرامی تر، منزه است آن که جامه عزت در پوشید که تنها او برای آن جامه شایسته است.

اعمال ماه رجب و آن بر دو بخش است:

بخش اول: اعمال مشترك آن است

که به متعلق به همه ماه است و اختصاص به روز معینی ندارد، و آن چند عمل است:

اول: در تمام روزهای ماه رجب این دعا را بخواند که روایت شده: حضرت زین العابدین علیه السلام در آغاز رجب در حجر اسماعیل خواند:

ای که مالک حاجات خواهندگان، و از باطن لب فروبستگان خبر داری، از سوی تو برای هر خواهشی، گوشی شنوا، و پاسخی آماده است، خدایا به حق وعده های صادقانه است و نعمتهای فراوانت، رحمت گسترده ات، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و حاجات دنیا و آخرت را برآوری،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 223

چه همانا تو بر هر کاری توانایی.

دوم: این دعا را بخواند، دعایی که امام صادق علیه السلام در هر روز ماه رجب می خواندند:

آنان که بر غیر تو بار یافتند ناامید گشتند، و آنان که به کاری جز تو پرداختند زیانکار شدند، و آنان که به درگاه غیر تو وارد شدند به تباهی رسیدند، و سودجویان دچار قحطی شدند، مگر آنان که از فضل تو سود جستند، در رحمت به روی مشتاقان باز است، خیرت به خواهندگان عطا شده، احسانت برای نیازمندان گوارا است، و عطایت برای آرزومندان آماده است و روزی است حتی برای روگردانان از فرمانت گسترده است، و بردباری است کسانی را که به دشمنیات برخاسته‌اند نیز شامل است، شیوه‌ات به بدرکاران احسان، و روش زندگی بخشیدن به متجاوزان است، خدایا مرا به راه رهیافتگان بدار، و تلاش تلاش‌گران را روزی‌ام فرما، و مرا از بی‌خبران دور شده قرار مده، و روز جزا آمرزش را نصیبم کن.

سوم: شیخ در کتاب «مصابح» از معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام روایت کرده: در ماه رجب این دعا را بخوان:

خدایا شکیبایی شاکرانت، و کردار ترسیدگانت، و باور عبادت‌کنندگان را از تو می‌خواهم، خدایا تو برتر و بزرگی، و من بنده بینوا و تهیدستم، تو بی‌نیاز و ستوده‌ای، و من بنده خوارم، خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست، و عطای این خواسته‌ها را بر من منت بگذار به توانگری‌ات بر تهیدستی‌ام، و به بردباری‌ات بر نادانی‌ام، به توانت بر ناتوانی‌ام ای عزیز، خدایا بر محمد و خاندانش آن‌جانشیان پسندیده درود فرست،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 224

و مرا از کارهای دنیا و آخرت نسبت به چیزی که بی‌تابم کرده کفایت کن ای مهربان‌ترین مهربانان.

مؤلف گوید: سید ابن طاووس هم این دعا را در کتاب «اقبال» نقل کرده، و از نقل او پیداست که این دعا از جامع‌ترین دعاهاست، و در تمام اوقات می‌توان آن را خواند.

چهارم: شیخ طوسی فرموده: در هر روز ماه رجب مستحب است این دعا را بخواند:

خدایا ای صاحب نعمتهای فراوان و عطاهای قسمت شده، و رحمت گسترده، و قدرت فراگیر، و نعمتهای برجسته، و موهبت‌های بزرگ، و بخششهای زیبا، و عنایات درخور، ای آن‌که به شباهت با چیزی وصف نشود، و به مثال و نمونه‌ای

مثلش زنند، و از سوی هیچ پنجه‌ای مغلوب نگردد، ای آن که آفرید و روزی داد، و الهام نمود و به سخن آورد، و نوآوری نمود و آغاز کرد، و برتر شد و بالا رفت، و اندازه داد و نیکو اندازه داد، و شلک داد و استوار نمود و حجت آورد و رساند، و نعمت بخشید و فراوان گرداند و بخشید و افزون ساخت، و عطا فرمود و فزونی بخشید، ای که در عزت بالا، پس از دیدگاه دیده‌ها درگذشت، و در لطف نزدیک شد پس از دغدغه افکار بیرون رفت، ای آن که در فرمانروایی یگانه است پس برای او در عرصه سلطنتش همتایی نیست، و به نعمتها و بزرگمنشی تنه‌است، پس برای او در عظمت جایگاهش ضدی نیست، ای آن که در شکوه هیبتش دقایق و لطایف اندیشه‌ها سرگردان شده، و در برابر درک عظمتش دیدگان تیزبین خلایق وامانده است، ای آن که رخساره در برابر جلالش به خواری افتاده، و گردنها در برابر بزرگی‌اش فروتن گشته، و دلها از ترسش هراسان شده است، از تو می‌خواهم به حق این ستایش که جز برای تو شایسته نیست، و به آن وعده‌ای که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 225

برای خوانندگان از مؤمنین، خود را به آن پای‌بند کرده‌ای و به آنچه اجابت آن را برای دعاکنندگان بر خودت ضمانت نموده‌ای، ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای چابک‌ترین حساب‌رسان، ای صاحب نیروی استوار، بر محمد خاتم پیامبران و بر اهل بیتش درود فرست، و در این ماه بهترین چیزی را که قسمت کرده ای نصیب من کن، و بهترین چیزی که در قضای خود ختم نموده‌ای بر من ختم کن، و آن را برای من به خوشبختی ختم کن، در زمره آنان که کارشان را به خوشبختی ختم نمودی، و تا زنده‌ام زندگی همراه با عنایاتی فراوان روزی‌ام کن، و بمیران خوشحال و آمرزیده، و از پرسش و پاسخ برزخ رهایی‌ام بخش، و نکیر و منکر دو فرشته مأمور بر سؤال مردگان را از من دور کن و مبشر و بشیر را که مژده‌دهندگان سعادتمند به من بنمایان، و برایم به جانب خشنودی و بهشت راه همواری قرار ده و زندگی خوش و فرمانروایی بزرگی برایم مقرر فرما، و بر محمد و خاندانش درود بسیار فرست.

مؤلف گوید: این دعا دعایی است که در مسجد صعصعه هم خوانده می‌شود.

پنجم: شیخ روایت کرده که از ناحیه مقدسه به دست شیخ کبیر ابی جعفر محمد بن عثمان بن سعید رضی الله عنه این توقیع شریف [یعنی دست‌نویس شریف] بیرون آمد که هر روز از روزهای رجب بخوان:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

خدایا از تو درخواست می‌کنم، به حق معانی تمام دعاهاپی که متولیان امرت تو را به آن می‌خوانند، آنان که امین راز تو هستند، و به امر تو شادند، و بیان‌کنندگان نیرویت و آشکارکنندگان بزرگی‌ات می‌باشند، از تو می‌خواهم به حق آنچه از مشیتت درباره ایشان گفته شد، پس آنان را قرار دادی معادن کلمات و پایه‌های توحیدت، و آیات و مقامات که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 226

تعطیلی برای آنها در جایی نیست، تو را با آنها شناسد هرکه بشناسدت، بین تو و آنها تفاوتی نیست جز اینک ایشان بندگان و آفریده‌ای که بازوبسته‌شدن کارشان به دست توست، آغازشان از تو و انجامشان به جانب توست، آنان بازوان و گواهان و بخشندگان و مدافعان و نگهبانان و بازسانان، آسمان و زمین را با حقیقت آنان انباشتی تا آشکار شد که معبودی جز تو نیست، پس به حق همه اینها و به جایگاههای عزت و زحمت و به مقامات و نشانه‌های از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و بر ایمان و پایداریم بیفزایی، این هان در عین ظهور، ای ظاهر در عین نمان، و مستوری، ای جداکننده بین روشنایی و تاریکی، ای وصف شده بدون اینکه ژرفای وجودش درک شود و ای شناخته شده بدون تشبیه، مرزبند هر محدود، گواه هر گواهی‌پذیر، هستی‌بخش هرچه هست، و شماره‌کننده هر شماره و گم‌کننده هر گم‌شده، معبودی غیر تو نیست، اهل بزرگمنشی و جود، ای که چگونگی نپذیری و به جایی درنگنجی، ای پوشیده از هر دیده، ای جاودان، ای به خود پاینده و دانای هر دانسته، بر محمد و خاندانش درود فرست، و بر بندگان برگزیده‌ات، و انسانهای در پرده‌ات، و فرشتگان مقرریت، و شجاعان صف کشیده گرداگرد عرش، و مبارک‌گردان بر ما در این ماهمان ماه بزرگ و ماه مکرم، و آنچه پس از این است از ماههای محترم، در این ماه نعمت‌عایت را بر ما فراوان کن، و نصیبهای ما را سرشار فرما، و سوگندهایمان را به انجام برسان، به حق اسم بزرگ‌تر و بزرگ‌تر، و عظیم‌تر و گرامی‌ترت که چون بر روز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 227

نهادی روشن شد و چون بر شب گذاردی تاریک گشت، و از گناهانمان بیامرز آنچه را تو می‌دانی و آنچه را ما نمی‌دانیم، و ما را از گناهان حفظ کن به بهترین نگاهداری، و ما را از حوادثی که مقدر نموده‌ای کفایت فرما، و بر ما به حسن توجهت منت گذار، و به غیر خودت وامگذار، و ما را از خیرت منع مکن، و به عمرهایمان به اندازه‌ای که مقدر فرموده‌ای برکت ده، و رازهای پنهان ما را سامان ده، و از جانب خود به ما امان بده، و ما را با حسن ایمان به کار گمار، و به ماه رمضان و روزها و سالهای پس از آن برسانمان، ای دارای جلالت و بزرگواری.

ششم: شیخ روایت نموده که: از ناحیه مقدسه به دست شیخ ابو القاسم رحمه الله این دعا در ایام رجب صادر شده:

خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حقّ دو مولود ماه رجب، محمد بن علی دوم (امام جواد ع)، و فرزندش علی بن محمد برگزیده (امام هادی ع) و به وسیله آن دو امام به جانب تو تقرّب می‌جویم به بهترین تقرّب، ای آن که نیکی تنها از سوی او خواسته شده، و تنها در آنچه نزد اوست رغبت شده است، از تو می‌خواهم خواهش جرم‌پیشه معصیت کاری که گناهانش او را هلاک نموده، و عیوبش او را به اسارت کشیده، پس عادتش بر گناه طولانی شد، و امورش با بلاهای سخت به هم آمیخت، از تو می‌خواهد: توبه و خوبی بازگشت، کنده شدن از گناه، رهایی جانش از آتش، گذشت از آنچه بر گردن اوست، زیرا مولای من تو بزرگ‌ترین آرزو و امید او هستی. خدایا! از تو می‌خواهم به حق مسائل شریف، و وسایل ولایت، که مرا در این ماه به رحمت گسترده است، و نعمت تقسیم شده‌ات فروگیری، و نفسی به من عنایت کنی که به آنچه روزی‌اش نموده‌ای قناعت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 228

ورزد تا گاهی که به گور درآید و به آخرت رسد، و به آنچه عاقبت اوست بازگردد.

هفتم: و نیز شیخ از جناب ابو القاسم بن روح رضی الله عنه که نایب خاص حضرت صاحب الامر (عج) است روایت کرده: که فرمود:

در ماه رجب در هر زیارتگاهی از زیارتگاههای شریف که باشی به این زیارت صاحب مزار را زیارت کن. پس چون وارد حرم می‌شوی بگو:

سپاس خدا را که ما را در ماه رجب در محضر اولیایش حاضر کرد، و آنچه را که از حق ایشان بر ما فرض بود واجب فرمود، و درود خدا بر محمد برگزیده خدا، و جانشینان پرنجانبخش، خدایا! چنان که ما را به محضر ایشان حاضر نمودی، به وعده آنها در حق ما وفا کن، و ما را به جایگاه ورود آنان و فیض وجودشان وارد فرما، بی‌آنکه از ورود به خانه همیشگی و بهشت جاوید رانده شویم، و سلام بر شما، من به قصد شما آمده‌ام و در خواهش و حاجتم به شما تکیه کردم، حاجتم آزادی‌ام از دوزخ و جای گرفتن در کنار شما در خانه ابدی است، هرماه با پیروان نیکوکاران، و سلام بر شما به خاطر شکیبایی‌تان، چه نیکوست این خانه آخرت، من خواهنده و آرزومند شمایم در آنچه اختیار و تغییرش به دست شماست.

تنها «به وسیله شما» شکستگی جبران شود و بیمار درمان پذیرد، و آنچه را رحم‌ها بیفزاید و کم کنند انجام پذیرد، من به راز شما ایمان دارم و به گفتارتان تسلیمم، و خدا را به شما سوگند می‌دهم در اینکه از حرم شما بازگردم به همراه حاجاتم و

رواشدن آنها و به امضا رسیدنشان و موفقانه برآمدنشان و دور شدن سختی‌های آنها و به همراه کارهایم نزد شما و اصلاح آنها، و سلام بر شما سلام وداع‌کننده‌ای حوایجش را به شما سپرده، از خدا می‌خواهد دوباره به سوی شما بازگردد، و راهش با جانب شما قطع نشود، و اینکه خدا مرا برگرداند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 229

از محضر شما به بهترین وجه و با دستی پر، به جایی سرسبز، و زیستگاهی خوش و گسترده و راحت و آسوده، تا رسیدن مرگ و بهترین سرانجام، و جایگاهی در ناز و نعمت ازل، و زنگی آینده ابدی، و خوردنیهای مداوم، و نوشیدن شراب طهور، و آب گوارا، نوشیدن چند بار و یکبار، که از نوشیدنش خستگی و ملالی دست ندهد و رحمت خدا و برکات و تحیاتش بر شما، تا بازگشتم به محضر شما، و رستگاری در حکومتتان، و محشور شدن در زمره شما، و رحمت خدا و برکت و درودها و تحیاتش بر شما، و او ما را بس است و نیکو و کیلی است.

هشتم: سید ابن طاووس از محمد بن ذکران که معروف به سجاد است چه آنقدر سجده کرد و در حال سجده گریست که نابینا شد روایت کرده که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم فدایت شود این ماه ماه رجب است مرا در این ماه دعایی تعلیم کن که حق تعالی مرا به آن سود بخشد، حضرت فرمود: بنویس «بسم الله الرحمن الرحيم» و در هر روز از رجب در صبح و شام پس از نمازهای روز و شب بگو: ای آن که هر خیری را از او امید دارم، و از خشمش در هر شری ایمنی جویم، ای آن که در برابر عبادت اندک مزد بسیار عطا می‌کند، ای آن که به هر که از او بخواهد می‌بخشد، ای آن که به هر که از او نخواهد و او را نشناسد نیز می‌بخشد، عطایش از روی مهربانی و رحمت است، با درخواستم از تو همه خیر دنیا و خیر آخرت را به من عنایت کن، و با درخواستم از تو همه شره دنیا و شره آخرت را بازگردان، زیرا آنچه را تو عطا کردی کاستی ندارد، و از احسانت بر من بیفزای ای کریم. راوی گفت: حضرت محاسن (موهای صورت) شریف خود را در پنجه چپ گرفت و این دعا را با حالت درماندگی و زاری همراه حرکت دادن انگشت اشاره دست راست خواند، و پس از این گفت:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 230

ای دارای بزرگی و بزرگواری، ای دارای بخشش و جود، ای دارای عطا و کرم، محاسنم را بر آتش دوزخ حرام کن. نهم: از پیامبر روایت شده: هر که در ماه رجب صد مرتبه بگوید:

آمزش می‌خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست، اوست یگانه، برایش شریکی نمی‌باشد، و به سوی او باز می‌گردم. و آن را با صدقه به انجام رساند، حق تعالی پایان کارش را ختم به رحمت و آمزش کند، و هرکه چهارصد مرتبه بگوید: ثواب شهادت صد شهید را برای او بنویسد.

دهم: و نیز از آن حضرت روایت شده: هرکه در ماه رجب هزار مرتبه بگوید: معبودی جز خدا نیست، خدای عزّتمند پرشکوه صد هزار کار نیک برای او ثبت کند، و برایش صد شهر در بهشت بنا کند.

یازدهم: روایت شده، هرکه در ماه رجب به هنگام صبح، هفتاد مرتبه، و در زمان پسین (شامگاه) هم هفتاد مرتبه بگوید: از خدا آمزش می‌طلبم و به او باز می‌گردم و چون به پایان رساند، دستها را بلند کند و بگوید:

خدایا مرا بیمارز و توبه‌ام را بپذیر پس اگر در ماه رجب از دنیا برود، خدا از او خشنود باشد و به برکت ماه رجب، آتش دوزخ با او تماس نگیرد.

دوازدهم: در همه این ماه هزار مرتبه بگوید: از خدای دارای بزرگی و بزرگواری، از همه گناهان و گناهکاریها، آمزش می‌جویم. تا خدای مهربان او را بیمارزد.

سیزدهم: سید ابن طاووس در کتاب «اقبال» از حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای خواندن سوره «قل هو الله احد» در ماه رجب ده هزار مرتبه، یا هزار مرتبه، یا صد مرتبه فضیلت بسیار نقل کرده، و نیز روایت کرده: هرکه در روز جمعه ماه رجب صد مرتبه سوره توحید را بخواند، در قیامت برایش نوری پدید می‌آید که او را به بهشت راهنمایی کند.

چهاردهم: سید روایت کرده: هرکه در ماه رجب يك روز روزه بدارد، و چهار رکعت نماز بگذارد و به این ترتیب که در رکعت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 231

اول صد مرتبه «آیه الکرسی» بخواند و در رکعت دوّ دویست مرتبه سوره توحید، نمی‌میرد تا مقامش را خود در بهشت ببیند، یا دیگری برای او ببیند.

پانزدهم: و نیز سید از پیامبر روایت کرده: هرکه در روز جمعه ماه رجب بین نماز ظهر و عصر چهار رکعت نماز بخواند به این صورت که در هر رکعت یکبار سوره «حمد» و هفت بار «آیه الکرسی» و پنج مرتبه «سوره توحید» سپس ده بار بگوید:

آمرزش می‌خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست و از او درخواست توبه دارم.

حق تعالی برای او از روزی که این نماز را خوانده تا روزی که از دنیا برود برای هر روز هزار کار نیک بنویسد، و در عوض هر آیه‌ای که خوانده است شهری در بهشت از یاقوت سرخ، و به جای هر حرف قصری در بهشت از گوهر سپید عطا کند، و برای او زنان زیباروی بهشتی را به همسری او درآورد و از او خشنود گردد بی‌آنکه برایش خشمی به دنبال داشته باشد، و در زمره عبادت‌کنندگان به شمار آید، و سرانجام او را به سعادت و آمرزش پایان دهد ... تا آخر حدیث.

شانزدهم: سه روز این ماه را که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد، زیرا روایت شده: هرکه در یکی از ماههای حرام این سه روز را روزه بدارد، حق تعالی برای او ثواب نُهصد سال عبادت را می‌نویسد.

هفدهم: در تمام ماه رجب شصت رکعت نماز بخواند در هر شب دو رکعت به این ترتیب که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و سه مرتبه «قل یا ایها الکافرون» و یک مرتبه سوره توحید بخواند، و چون سلام دهد دستها را بلند کرده و بگوید: معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است، فرمانروایی و سپاس مخصوص اوست زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، خیز تنها به دست اوست، و او بر هر کاری توانا است، و بازگشت همه به سوی اوست، و جنبش و نیرویی نیست جز به عنایت او، خدای برتر و بزرگ، خدایا! بر محمد پیامبر درس ناخوانده و خاندانش درود فرست.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 232

سپس دستها را به صورت خویش بمالد، از پیامبر روایت شده، هرکه این عمل را بجا آورد، خدا دعایش اجابت کند، و پاداش شصت حج و شصت عمره را به او عطا فرماید.

هجدهم: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکه در یک شب از ماه رجب، در دو رکعت نماز صد مرتبه سوره توحید بخواند مانند کسی است که راه خدا صد سال روزه گرفته و حق تعالی برای این عمل صد قصر در بهشت به او مرحمت فرماید، هر قصری در جوار پیامبری از پیامبران علیهم السلام.

نوزدهم: و نیز از آن حضرت روایت شده: هرکه در یک شب از شبهای رجب ده رکعت نماز بجای آورد به این ترتیب که در هر رکعت سوره «حمد» و یک بار «قل یا ایها الکافرون» و سه بار سوره توحید را بخواند حق تعالی هر گناهی که پیش از آن مرتکب شده بیامرزد. تا آخر حدیث.

بیتم: علامه مجلسی در کتاب «زاد المعاد» فرموده: از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه در هر شب و هر روز ماههای رجب، شعبان و رمضان، هر يك از «حمد» و «آیه الکرسی» و «قل یا ایها الکافرون» و «قل هو الله احد» و «قل اعوذ برب الفلق» و «قل اعوذ برب الناس» را سه مرتبه قرائت کند و سه مرتبه بگوید: منزّه است خدا و سپاس خدای را و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از هرچیز است و جنبش و نیروی جز به خدا نیست، خدای برتر و بزرگ و سه مرتبه بگوید: خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و سه مرتبه: با رخدایا مردان و زنان مؤمن را ببخش و بیامرز و چهارصد مرتبه: از خدا آمرزش می جویم و به سوی او می پویم خدای تعالی گناهانش را بیامرز، هرچند به عدد قطره های باران و برگ درختان و کف روی آب دریاها باشد، تا آخر حدیث. و نیز علامه مجلسی فرموده که در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه گفتن «لا اله الا الله» (معبودی جز خدا نیست) وارد شده. بدان که اولین شب جمعه ماه رجب را «لیلة الرغاب» (یعنی شب دلدادگان) می گویند و برای آن عملی با فضیلت بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد شده که آن را سید در کتاب «اقبال» و علامه حلی در «اجازه بنی زهره» نقل کرده اند، بعضی از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 233

فضیلت آن اینکه به سبب انجام آن گناهان بسیار آمرزیده می شود، و نیز نمازی در آن وارد شده که هرکه آن را به جای آورد هنگام شب اول قبرش حق تعالی ثواب آن را به نیکوترین صورت و با روی گشاده و درخشان و زبانی گویا به سوی او می فرستد، پس به او می گوید: ای حبیب من تو را بشارت باد که از هر شدّت و سختی نجات یافتی، بنده می گوید تو کیستی؟ به خدا سوگند من چهره ای زیباتر از چهره تو ندیدم، و سخنی شیرین تر از سخن تو نشنیدم، و بویی بهتر از بوی تو نبویدم!! پاسخ میدهد: من ثواب آن نماز که در فلان شب، از فلان ماه، از فلان سال به جای آوردی امشب نزد تو آمدم تا حقت را ادا کنم، و مونس تنهایی تو باشم، و هراس را از تو بگیرم و هنگامی که در صور (شیپور قیامت) دمیده شود، در عرصه قیامت سایه ای بر سرت خواهم افکند، پس خوشحال باش که خیر هرگز از تو جدا نخواهد شد. کیفیت این نماز چنین است:

اولین پنجشنبه ماه رجب را روزه می داری، چون شب جمعه داخل شود، ما بین نماز مغرب و عشاء، دوازده رکعت نماز بجای می آوری، هر دو رکعت با يك سلام به این ترتیب که در هر رکعت يك مرتبه سوره «حمد» و سه مرتبه «سوره قدر» و دوازده مرتبه «سوره توحید» می خوانی و هنگامی که از نماز فارغ شدی هفتاد مرتبه می گویی:

خدایا! بر محمد پیامبر درس ناخوانده و خاندانش درود فرست سپس به سجده می روی و هفتاد مرتبه می گویی:

پاك و منزّه است پروردگار فرشتگان و روح آنگاه سر از سجده بر می‌داری و هفتاد مرتبه می‌گویی:

پروردگارا! مرا بیامرز و بر من مهرورز و از آنچه از من می‌دانی بگذر، تو خدای برتر و بزرگتری دوباره به سجده می‌روی و هفتاد مرتبه می‌گویی: پاك و منزّه است پروردگار فرشتگان و روح سپس حاجت خود را می‌طلبی که به خواست خدا برآورده خواهد شد. آگاه باش زیارت حضرت رضا علیه السّلام در ماه رجب مستحب است، و انجام آن در این ماه امتیاز خاصی دارد، همانگونه که انجام عمره در ماه رجب فضیلت دارد تا جایی که روایت شده انجام آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 234

در این ماه، در فضیلت همتای حج است و نیز نقل شده: حضرت سجاد علیه السّلام در ماه رجب به عمره مشرف شده بود، و شب و روز نزد کعبه نماز می‌خواند، و در حالی که پیوسته در سجده بود این ذکر از زبان ایشان شنیده می‌شد: گناه از بنده‌ات بزرگ شده، پس بگذر گذشت از سوی تو زیبا باشد.

بخش دوم: اعمال مخصوص روزها و شبهای ماه رجب

شب اول: شب شریفی است، و در آن چند عمل وارد است

اول: چون هلال ماه را مشاهده کند بگوید:

خدایا! شروع این ماه را بر ما با ایمی و ایمان و سلامت و اسلام قرار ده، (ای ماه) پروردگار من و تو خدای عزّمتند و پر شکوه است. و روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که هلال ماه رجب را می‌دید می‌گفت:

خدایا برای ما در ماه رجب و شعبان برکت قرار ده، و ما را به ماه رمضان برسان، و بر روزه رمضان و بیداری شب و نگهداری زبان و فرو بستن چشم كمك فرما، و بهره ما را از ماه رمضان، گرسنگی و تشنگی قرار مده.

دوم: چنان که بعضی از علما فرموده‌اند غسل کند

. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکه ماه رجب را بیابد، و در اوّل و وسط و آخر آن غسل کند پس از انجام آن مانند روزی که از مادر متولد شده بود از گناهان خود بیرون آمده و پاک می شود.

سوم: حضرت حسین علیه السلام را زیارت کند.

چهارم: پس از نماز مغرب بیست رکعت نماز به جای آورد

، به این ترتیب که در هر هر رکعت پس از سوره «حمد» يك مرتبه سوره «توحید» را خوانده، و پس از هر دو رکعت سلام دهد، تا خود و اهل و اولاد و مالش محفوظ بماند، و از عذاب قبر ایمنی یابد و از صراط به سرعت برق بدون حسابرسی بگذرد.

پنجم: پس از نماز عشاء دو رکعت نماز به جای آورد

به این صورت که در رکعت اوّل پس از سوره «حمد» يك مرتبه سوره «الم نشرح» و سه بار سوره «توحید» را بخواند و در رکعت دوّم سوره «حمد» و سوره های «الم نشرح»

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 235

و «قل هو الله احد» و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را هرکدام يك بار بخواند، و هنگامی که سلام نماز را داد سی مرتبه بگوید:

«لا اله الا الله» و سی مرتبه صلوات فرستد، تا حق تعالی همانند روزی که از مادر متولد شده، گناهان او را بیامزد و پاکش نماید.

ششم: سی رکعت نماز به این ترتیب

که در هر رکعت پس از سوره «حمد» يك مرتبه سوره «قل يا ايها الكافرون» و سه مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند، هفتم: عملی را که شیخ در کتاب «مصباح المتجهد» ذکر کرده به جای آورد. شیخ در آن کتاب فرموده: عمل شب اول رجب: ابو البختري وهب بن وهب از حضرت صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام از جدش علیه السلام از امير المؤمنين علیه السلام روایت کرده، که برای آن حضرت خوشایند بود، که خود را چهار شب در طول سال از هر کاری فارغ سازد، و آن شبها را به عبادت زنده بدارد و آن چهار شب عبارتند از: شب اول رجب، شب نیمه شعبان، شب عید فطر و شب عید قربان.

از حضرت جواد علیه السلام روایت شده که مستحب است هرکسی این دعا را در شب اول رجب بعد از نماز عشاء آخر بخواند:

خدایا! از تو درخواست می کنم به حق اینکه تو فرمانروایی و بر هر کاری توانایی، و هر کاری که بخواهی می شود، خدایا! من به تو رو می کنم به وسیله پیامبرت محمد، پیامبر رحمت، درود خدا بر او و خاندانش ای محمد ای فرستاده خدا، من برای توجه به خدای پروردگارت و پروردگارم، به تو روی می آورم، تا خدا به سبب تو حاجتم را برآورد خدای به حق محمد و پیشوایان از اهل بینش که درود خدا بر او و بر آنان حاجتم را برآورد

سپس حاجت را از خدا بخواه. علی بن حدید روایت کرده که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پس از فراغت از نماز شب در حال سجده چنین می گفت:

شکر و سپاس تنها از آن توسست اگر از تو اطاعت کردم و حجت و برهان تنها از آن توسست اگر تو را معصیت کردم، در نیکی کردن نه کاری از من ساخته است و نه از غیر من جز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 236

به عنایت تو، ای هستی پیش از هرچیز، ای هستی بخش هر چیز، تو بر هر کاری توانایی خدایا! از انحراف و ناباوری به هنگام مرگ، و از گزند بازگشت در گورها، و از پشیمانی در روز قیامت به تو پناه می آورم، از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی زندگی ام را زندگی پاکی، و مرگم را مرگی معتدل، و بازگشتگاهم را بازگشتگاهی کریمانه که در آن خواری و رسوایی نباشد. خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست، آن امامانی که چشمه های حکمت، و صاحبان نعمت، و ریشه های عصمت اند، و مرا به وسیله آنان از هر بدی نگهدار، و در حالت غرور و غفلت مگیر، و سرانجام کارهایم را حسرت و اندوه قرار مده، و از من راضی شو، زیرا همانا آمرزش برای ستمگاران است و من از

ستمکارانم، خدایا! بر من پیامرز آنچه را به تو زیان نمی‌رساند، و به من عطا کن آنچه را که کاستی‌ات ندهد، همانا رحمت گسترده و حکمت نوین است. خدایا! و به من مرحمت فرما: گشایش، راحتی، امنیت، سلامت، فروتنی، قناعت، سپاسگذاری، تندرستی کامل، پروا پیشگی، شکیبائی، راستی بر تو و دوستان، آسانی، شکر، و همه اینها را پروردگارا به خانواده و فرزند و برادران دینی‌ام و هرکه را دوست دارم و دوستم دارد، و هرکه فرزندم باشد و فرزندش باشم از مسلمانان و مؤمنان عمومیت ده، ای پروردگار جهانیان.

ابن اشیم گفته: وقت خواندن این دعا پس از هشت رکعت نماز شب و پیش از نماز وتر است، پس از آن سه رکعت وتر را به جای می‌آوری

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 237

چون سلام دادی، در حالتی که نشسته‌ای بگو: سپاس خدای را که خزانه‌هایش پایان نمی‌پذیرد، و آن‌که را امان دهد هرگز نمی‌ترسد، پروردگارا اگر مرتکب گناهای شدم در اثر اطمینانم به کرم تو بود، همانا توبه بندگان را می‌پذیری، و از بدیهایشان درمی‌گذری، و لغزشها را می‌آمیزی، همانا تو خواننده‌ات را اجابت می‌نمایی، و به او نزدیکی، و من از خطاها تنها به جانب تو باز می‌گردم، و در کامل کردن بهرام از عطاها تنها به سوی تو رغبت دارم، ای آفریننده آفریدگان، ای نجات‌بخش من از هر سختی، ای پناه من از هرچه که هراسناک‌گردم خوشحالی‌ام را فراوان کن، و مرا از بدفرجامی در کارها کفایت فرما، تویی خدایی که بر نعمتها و عطاهای فراوانت سپاس شده، و برای هر خیری ذخیره بندگان. و آگاه باش علما برای هر شب این ماه نماز مخصوصی ذکر کرده‌اند، که مقام را گنجایش نقل آن نیست.

اعمال روز اول ماه رجب: روز شریفی است و در آن چند عمل است: اول: روزه گرفتن، روایت شده: حضرت نوح علیه السلام در این روز سوار کشتی شد، و به کسانی که با او بودند امر فرمود روزه بدارند. و هرکه در این روز روزه بدارد، آتش دوزخ به فاصله یک سال راه از او دور می‌شود. دوم: غسل کردن. سوم: زیارت امام حسین علیه السلام، شیخ از بشیر دقان از امام صادق علیه السلام روایت کرده: هرکه روز اول رجب حسین بن علی علیهما السلام را زیارت کند بی‌تردی خدای عالم او را پیامرز.

چهارم: خواندن دعای طولانی و مفصلی که سید در کتاب «اقبال» نقل کرده.

پنجم: خواندن «نماز سلمان» به این صورت که ده رکعت نماز گذارد، بعد از هر دو رکعت سلام دهد و در هر رکعت يك مرتبه سوره «حمد»، سه مرتبه «توحید» و سه مرتبه «قل یا ایها الکافرون» را خوانده و پس از هر سلام دستها را بلند کند و بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 238

معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، فرمانروایی و سپاس تنها برای اوست، زنده می کند و می میراند، و اوست زنده‌ای که نمی میرد، خیر به دست اوست و او بر هر کاری تواناست. خدایا! از آنچه عطا کردی بازدارنده‌ای نیست، و آنچه را بازدارنده‌ای ندارد و شخص کوشا را کوشش از تو بی نیاز نمی کند، سپس دستها را بر چهره خود بکشد. و نیز در روز نیمه ماهر رجب این نماز را با همین کیفیت بخواند، ولی پس از:

او بر هر کاری تواناست بگوید: معبود: یگانه، یکتا، فرد، مقصود نیازمندان، که همصبری و فرزندی نگرفته است و هم در روز آخر ماه این عمل را بجا آورد و بعد از: او بر هر کاری تواناست خدایا! بر محمد و خاندان پاکش درود فرست، و جنبش و نیرویی جز به خدا نیست، خدای برتر و بزرگ. پس دستها را بر چهره خود کشیده و حاجتش را بطلب، از فواید این نماز که بسیار است نباید غفلت نمود. و آگاه باش که برای سلمان در روز اول ماه رجب نماز دیگری است که آن ده رکعت است: در هر رکعت سوره «حمد» يك مرتبه و سوره «قل هو الله احد» سه مرتبه خوانده شود. با فضیلت بسیار، که چکیده‌اش آموزش گناهان و در امان ماندن از فتنه قبر، و عذاب قیامت و سلامت یافتن از جذام و پیری و بیماری ذات‌الجنب «1» برای خواننده آن است، و همچنین سید ابن طاووس برای این روز چهار رکعت نماز نقل کرده که هرکه می‌خواهد به کتاب «اقبال» مراجعه کند. و در این روز، در سال پنجاه و هفت هجری به قولی ولادت امام باقر علیه السلام واقع شده، ولی مختار نویسنده در این مورد سوم صفر است. و در روز دوم این ماه در سال 212 به قولی ولادت با سعادت امام هادی علیه السلام و در روز سوم این ماه شهادت آن حضرت در سال دویست و پنجاه و چهار، در شهر سرمن رأی [سامراء] اتفاق افتاده است، و به قول ابن عیاش در روز دهم این ماه ولادت حضرت جواد الائمه علیه السلام واقع شده است.

(1) شاید مقصود بیماریهای مربوط به پهلوی باشد.

شب سیزدهم: آگاه باش که در هر يك از ماههای رجب و شعبان و رمضان، در شب سیزدهم مستحب است دو رکعت نماز بگذارند به این صورت که در هر رکعت پس از سوره «حمد» سوره‌های «یس» و «تبارک» و «قل هو الله احد» بار خوانند، و در شب چهاردهم: چار رکعت با همین کیفیت و با دو سلام، و در شب پانزدهم شش رکعت با سه سلام و به همین صورت.

از امام صادق علیه السلام روایت شده: هرکه چنین کند تمام فضیلت این سه ماه را دریابد، و همه گناهانش جز شرك آمرزیده شود.

روز سیزدهم: اول «ایام البیض» است و برای روزه این روز و روز چهاردهم و پانزدهم، ثواب بسیاری وارد شده، و اگر کسی بخواهد عمل «ام داود» را بجا آورد، باید این روز را روزه بدارد، و در روز سیزدهم این ماه بنا بر مشهور، سی سال پس از عام الفیل ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در کعبه معظمه واقع شده است.

شب نیمه ماه رجب: شب شریفی است، و در آن چند عمل مستحب است:

اول: غسل کردن. دوم: شب زنده‌داری به عبادت، چنان‌که علامه مجلسی فرموده. سوم: زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام چهارم: شش رکعت نماز به کیفیتی که در اعمال شب سیزدهم گذشت. پنجم: سی رکعت نماز که در هر رکعت سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «قل هو الله احد» خوانده شود، و این نماز را سید ابن طاووس با فضیلت بسیار از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده. ششم: دوازده رکعت نماز، هر دو رکعت با يك سلام، و در هر رکعت، هر يك از سوره‌های «حمد» و «توحید» و «فلق» و «ناس» و «ایة الکرسی» و «قدر» را چهار مرتبه بخواند، و پس از سلام چهار مرتبه بگوید:

خدایا خدایا، پروردگارا چیزی را شریک او نسازم، و جز او سرپرستی نگیرم سپس هر دعایی که می‌خواهد بخواند.

سید این نماز را به این صورت از امام صادق علیه السلام روایت کرده، ولی شیخ در کتاب «مصباح» فرموده: که داود بن سرحان از امام صادق علیه السلام روایت کرده: در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز به جا می‌آوری، در هر رکعت بعد از سوره «حمد» يك سوره خوانده، و هنگامی که از نماز فراغت یافتی، هر يك از سوره‌های «حمد»، «قل اعوذ برب الفلق» و «قل اعوذ برب الناس» و «قل هو الله احد» و «ایة الکرسی» را چهار مرتبه قرائت می‌کنی، و پس از آن چهار مرتبه می‌گویی:

منزه است خدا و سپاس خاص اوست و معبودی جز او نیست و او بزرگتر از هر وصفی است سپس می خوانی: خدایا خدایا پروردگارا چیزی را شریک او نسازم، و هرچه او خواهد شود نیروی نیست جز خدای برتر و بزرگ.

و همچنین در شب بیست و هفتم مثل این عمل را به جا می آوری.

روز نیمه رجب: روز مبارکی است، و در آن چند عمل مستحب است:

اول: غسل کردن، دوم: زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام، زیرا از ابن ابی نصر نقل شده که گفت: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم، امام حسین علیه السلام، را در کدام ماه زیارت کنیم؟ فرمود: در نیمه رجب و تمام ماه شعبان. سوم:

نماز سلمان به کیفیتی که در اعمال روز اول گذشت. چهارم: چهار رکعت نماز بخواند، و پس از سلام دست به دعا بردارد و بگوید:

ای خوارکننده هر ستمگر سرکش، از عزت بخش مؤمنان، تویی پناهگاه من آن هنگام که دیدگاهها و روشها مرا عاجز سازند و تویی پدیدآورنده جسم و جانم از روی مهر و رحمت، درحالی که از آفریدن من بی نیاز بودی، و اگر رحمت تو نبود هرآینه از هلاک شدگان بودم، و تویی تأییدکننده من در پیروزی بر دشمنانم، و اگر یاری تو نبود، هرآینه از رسواشدگان بودم، ای فرستنده رحمت از سرچشمه هایش، و پدیدآورنده برکت از جاهایش، ای آن که هستی اش را به نهایت بزرگی و بلندی خاص ساخته، س دوستانش به عزت او عزیز می شوند، ای آن که پادشاهان در برابرش یوغ خواری بر گردن نهاده اند در نتیجه از حملات انتقام جویانه اش در هراسند، از تو می خواهم به حق وجودت که آن را از کبریایت برون ساختی، و از تو می خواهم به حق کبریایت که آن را از عزت برگرفتی و از تو می خواهم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 241

به حق عزت که با آن بر حکومت هستی چیره گشتی و با آن همه آفریدگانت را آفریدی، در نتیجه همه آنان بر هستی ات اعتراف دارند، که بر محمد و اهل بیتش درود فرستی.

روایت شده: هر صاحب اندوهی این دعا را بخواند حق تعالی او را از اندوه و غم رهایی بخشد. پنجم: عمل ام داود که مهم ترین اعمال این روز است، و برای برآمدن حاجات و برطرف شدن سختیها، و دفع ستم ستمکاران بسیار مؤثر است.

و کیفیت آن بنابر آنچه در کتاب «مصابح» شیخ آمده چنین است: چون بخواهد این عمل را بجا آورد، روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم را روزه بدارد، سپس در روز پانزدهم هنگام ظهر غسل کند و چون وقت ظهر داخل گردد، نماز ظهر و عصر را با رکوع، و سجود نیکو بجا آورد، در جایی خلوت که چیزی او را مشغول نکند، و کسی با او سخن نگوید. چون از نماز فراغت یابد، رو به جانب قبله کند، و سوره «حمد» را صد مرتبه و سوره «توحید» را نیز صد مرتبه و «آیه الکرسی» را ده مرتبه بخواند، و بعد از اینها قرائت کند سوره‌های «انعام، بنی اسرائیل (اسراء)، کهف، لقمان، یسی، صافات، حم سجده، جمع، حم دخان، فتح، واقعه، ملک، ن، اذا السماء انشقت»

و پس از آن را تا آخر قرآن، و چون از اینها فارغ شود، درحالی که رو به قبله می‌باشد بگوید:

راست فرمود خدای بزرگ که معبودی جز او نیست، خدای زنده و به خود پاینده، دارای بزرگی و بزرگواری، مهربان و بخشنده، بردبار و کریم، که چیزی همانند او نیست، و او شنوای دانای بینای آگاه است، گواهی داد خدا خدایی که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش هم گواهان وحدانیت اویند و اینکه بر پا دارنده عدالت است، معبودی جز او که عزیز حکیم است، نیست، و پیامبران بزرگوارش این حقیقت را به مردم رساندند، و من بر این واقعیت از گواهانم، خدایا! تنها برای توست، سپاس و بزرگواری و عزت و افتخار، و چیرگی، و نعمت، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 242

عظمت، و رحمت، و هیبت، و سلطنت، و زیبایی، و نعمت بخشی، و تنزیه، و تقدیس، و یکتایی، و بزرگی، و دیدنیها و نادیدنیها، و آنچه بر فراز آسمانهای بلند است، و آنچه در اعماق زمین است و زمینهای فروتر، و آخرت و دنیا، و آنچه به آن خشنود شوی از ثنا و ستایش و سپاس و نعمتها، خدایا! بر جبرئیل درود فرست آن فرشته امین بر وحیت، و نیرومند بر انجام فرمانت و فرمانبردار در آسمانها و جایگاههای کرامت، حمل کننده کلمات، یاور پیامبران، نابود کننده دشمنان، خدایا بر میکائیل درود فرست آن فرشته رحمت، آفریده برای نمایش رأفت، و آمرزش خواه و یاور اهل طاعت، خدایا! بر اسرافیل درود فرست آن فرشته حمل کننده عرشت، و صاحب صور (شیپور) قیامت، آن چشم به راه فرمانت، اندیشناک و بیمناک از هراست، خدایا درود فرست بر حاملان عرش، آن حاملان پاك نهاد، و بر سفیران بزرگوار، آن نیکان پاکیزه، و بر فرشتگان آن بزرگواران نویسنده اعمال بندگان، و بر فرشتگان بهشت، و گماشتگان بر دوزخ، و فرشته مرگ و یارانش، ای صاحب عظمت و بزرگواری، خدایا! درود فرست بر پدرمان آدم، پدیده آفرینشت، که او را گرامی داشتی با سجده فرشتگان، و بهشت را به او بخشید، خدایا! بر مادرمان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 243

حوا درود فرست، آن پاکیزه از پلیدی، و صفا یافته از چرکی، و برتر از آدمیان، و گردش کننده در جایگاههای مقدّس، خدای درود فرست بر هابیل و شیث و ادريس و نوح و هود، و صالح و ابراهيم و اسماعيل و اسحق و یعقوب و یوسف اسباط و لوط و شعيب و ایوب و موسی و هارون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین و یونس و الیاس و یسع و ذی الکفل و طالوت و داود و سلیمان و زکریّا و شعیا و یحیی و تورخ و متی و ارمیا و حیقو و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریّون و پیروان و خالد و حنظله و لقمان. خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر محمّد و خاندان محمّد رحمت فرست و بر محمّد و خاندان محمّد برکت فرست، آنچنان که درود و رحمت و برکت بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، به حقیقت تویی ستوده و بزرگوار، خدایا! درود فرست بر اوصیاء، و سعادتمندان و شهیدان و امامان هدایتگر، خدایا! درود فرست بر ابدال و اوتاد و جهانگردان و عبادت کنندگان و مخلصان و پارسایان، و اهل کوشش و تلاش و محمّد و اهل بیتش را خاص گردان، به برترین دردهایت، و بزرگترین کرامات و بر روح و جسمش از سوی من تحیت و سلام رسان، و او را آنچنان فضل و شرف و کرامت یغزای که او را به بالاترین درجات اهل شرف از پیامبران و فرستادگان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 244

و برترین بندگان مقرّب برسانی، خدایا! درود فرست بر آن که نام بردم و بر آن که نام نبردم از فرشتگان و و پیامبران و رسولان و اهل طاعت، و درودهایم را بر ایشان و بر ارواحشان برسان، و آنان را برادرانم در آستان، و یارانم بر دعایت قرار بده، خدایا! شفاعت می جویم از تو، و از کرم به سوی کرم و از جودت به سوی جودت، و از رحمت به سوی رحمت، و از اهل طاعتت به سوی، و از تو می خواهم تمام آنچه را که یکی از بندگان شایسته ات از تو درخواست کرده درخواست شرافت افزایی که مردود نشده و می خوانم به آنچه تو را بدان خوانده اند، خواندنی که اجابت شده و به نوبدی نرسیده، ای خدا ای بخشنده، ای مهربان، ای بردبار، ای کریم، ای بزرگ ای باشکوه، ای بخشنده، ای زیبا، ای سرپرست، ای کارگشا، ای برگزیده لغزشها، ای پناه ده، ای آگاه، ای روشنی بخش، ای نابود کننده، ای والا مقام، ای چرخاننده، ای دگرگون ساز، ای بزرگ، ای توانا، ای بینا، ای ستایش پذیر، ای نیکو کردار، ای پاک، ای چیره ای پیدا، ای پنهان، ای پرده پوش، ای فراگیر، ای توانمند، ای نگهبان، ای بزرگمنش، ای نزدیک، ای مهرورز، ای ستوده ای بزرگوار، ای آغازگر، ای بازگرداننده، ای گواه، ای احسان کننده، ای زیبای بخش، ای عطا بخش، ای فروز بخش، ای گیرنده،

ای دهنده، ای هدایت گر، ای فرستنده، ای ارشاد کننده، ای استوار ساز، ای عطا کننده، ای منع کننده، ای دفع کننده، ای بلندی بخش، ای همیشگی، ای نگهدار، ای آفریننده ای بسیار بخشنده، ای توبه پذیر، ای کارگشا، ای فراوان دهنده، ای نشاط آفرین، ای آن که هر کلیدی به دست اوست ای بسیار سود رسان، ای مهرورز، ای عطوف، ای بسنده، ای شفاعت بخش، ای عافیت بخش، ای پاداش دهنده، ای وفا کننده، ای سلطه گر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 245

ای با عزّت، ای جبران کننده، ای بزرگمنش، ای سلام، ای ایمنی بخش، ای یکتا، ای بی نیاز، ای نور، ای تدبیرگو، ای فرو، ای تک، ای قدوس، ای یاور، ای همدم، ای برانگیزنده، ای وارث، ای دانا، ای فرمان ده، ای آغازگر، ای برتر، ای صورتگر، ای سلامتی بخش، ای دوستی ورز، ای پایدار، ای همیشه، ای دانا، ای فرزانه، ای بخشنده، ای آفریننده، ای نیکوکار، ای شادی افزا ای دادگر، ای داور، ای جزا دهنده، ای پرمهر، ای منت گذار، ای شنوا، ای پدید آور، ای پشتیبان، ای یاور، ای زندگی بخش مردگان، ای آمرزنده، ای دیرینه، ای آسانی بخش، ای هموار کننده، ای میراننده، ای زنده کننده، ای سود بخش، ای روزی بخش، ای قدرتمند، ای سبب ساز ای فریادرس، ای بی نیاز کننده، ای دارای بخش، ای آفریننده، ای در کمین، ای یگانه، ای حاضر، ای جبران کننده، ای نگهدار، ای استوار، ای فریادرس، ای بازگرداننده، ای گیرنده، ای که بلندی جست و بر فراز آمد، آمد، پس در چشم انداز برتر جای گرفت، ای آن که نزدیک شد پس در کنار آمد، و دور شد پس نایافتنی شد، و نهان و ناپیداتر را دانست، ای آن که تدبیر امور با اوست و اندازه ها به دست او، ای آن که هر هر دشواری بر اوس هل و آسان است، ای آن که بر هر چه بخواهد تواناست، ای فرستنده بادهای، ای پدید آورنده روشنی بامداد، ای برانگیزنده ارواح، ای صاحب جود و بخشش، ای بازگرداننده آنچه از دست رفته، ای زنده کننده مردگان، ای گرد آورنده پراکنده ها، ای روزی بخش بی حساب به هر که خواهی، ای انجام دهنده آنچه خواهی هرگونه که خواهی، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، ای زنده به خو پاینده، ای زنده آنگاه که نباشد زنده، ای زنده کننده مردگان، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست، پدید آورنده آسمانها و زمین، ای خدای من و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 246

آقای من، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر محمد و خاندان محمد رحمت فرست، و بر محمد و خاندان محمد برکت فرست، آنچنان که درود و برکت و رحمت خویش را بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، به یقین که ستوده و

بزرگواری و رحمت آر بر خواری و نداری، و تهیدستی من، و بر تك بودن و تنهایی و فروتنی من در برابر، و بر اعتماد بر تو، و زاری ام به درگاهت، تو را می‌خوانم، خواندن آن فروتن خوار خاشع ترسان بیمناك بینوای پست ناچیز گرسنه نادار پنهانده پناهجوی، معترف به گناه، آمرزش خواه از گناه، درمانده به درگاه پروردگارش، می‌خوانم خواندن آن که معتمدانش او را وا گذاشته‌اند و دوستانش او را ترک گفته‌اند، و درد جانگاهش بزرگ شده، می‌خوانم خواندن آن دلسوخته غمگین ناتوان بی‌مقدار بی‌نوای درمانده پناهجو، خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق اینکه فرمانروایی، و آنچه بخواهی می‌شود، و بر آنچه بخواهی توانایی، و از تو درخواست می‌کنم به احترام این ماه محترم و خانه محترم، و شهر محترم و رکن و مقام و مشاعر بزرگ، و به حق پیامبرت محمد که بر او و خاندانش سلام، ای آن که به آدم شیث را بخشید، و به ابراهیم اسماعیل و اسحق را، و ای آن که یوسف را به یعقوب بازگرداند، و ای آن که بدحالی ایوب را پس از آزمون برطرف ساخت، ای بازگرداننده موسی به مادرش و فزونی بخش دانش خضر، ای آن که سلیمان را به داود بخشید، و یحیی را به زکریا، و عیسی را به مریم، ای نگهدار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 247

دختر شعیب، ای سرپرست فرزند مادر موسی، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و همه گناهان مرا ببامری، و از عذابت پناهم دهی، و مرا مستوجب خشنودی و ایمنی و احسان و آمرزش و بهشت خویش قرار دهی، و از تو درخواست می‌کنم هر حلقه‌ای که میان من و آزاردهنده من است باز کنی، و هر سختی را برایم آسان نمایی، و هر مشکلی را برایم هموار کنی، و زبان هر بدگوی از من را ناگویا سازی، و هر متجاوز را از من بازداری، و هر دشمن و حسود بر من را نابود نمایی، و هر ستمگری را از من بازداری، و مرا از هر مانعی که بین من و حاجتم حایل می‌شود، و می‌خواهد بین من و طاعت جدایی اندازد، و از عبادت بازدارد کفایت فرمایی، ای آن که پریان سرکش را مهار نمودی و شیاطین متکبر را مقهور ساختی، و گردن گردنکشان را به خاک ذلت افکندی، و بداندیشی چیره‌جویان را از مستضعفان بازگرداندی، از تو می‌خواهم با قدرتت بر هرچه می‌خواهی، و آسان نمودنت هرچه را بخواهی به هرگونه که بخواهی اینکه برآوردن حاجتم را در زمره آنچه می‌خواهی قرار دهی. سپس بر زمین سجده کن و دو طرف رخسار خود را بر خاک بگذار و بگو: خدایا! برای تو سجده کردم، و به تو ایمان آوردم، پس رحمت آور بر خواری ام، و تنگدستی ام، و کوششم، و رازی ام، و درماندگی ام، و نیازم به سویت ای پروردگار من.

و بکوش که دیده‌هایت اشک‌ریزان باشد، هرچند به اندازه سر سوزن، که این خود نشانه برآورده شدن دعاست.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 248

روز بیست و پنجم: در سال صد و هشتاد و سه، شهادت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در سن پنجاه و پنج سالگی در شهر بغداد واقع شد، و آن روزی است که غمهای آل محمد علیهم السلام و شیعیان ایشان تازه می‌شو.

شب بیست و هفتم: شب بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و از شبهای پربرکت است، و در آن چند عمل مستحب است: اول: شیخ طوسی در کتاب «مصباح» فرموده: از حضرت جواد علیه السلام روایت شده: همانا در ماه رجب شبی است، که از هر آنچه آفتاب بر آن می‌تابد بهتر است و آن، شب بیست و هفتم رجب است، که در صبح آن پیامبر صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شد. برای کسی که از شیعه ما عامل در آن شب است، پاداش نیکوکاری شصت سال مقرر است، به محضر آن حضرت عرض شد: عمل در آن شب چیست؟

فرمود: چون نماز عشا را خواندی، و به بستر استراحت رفتی، تا پیش از نیمه شب، هر ساعتی که خواستی از بستر برمی‌خیزی، و دوازده رکعت نماز هر دو رکعت به يك سلام به جای می‌آوری در هر رکعت حمد و سوره‌ای از سوره‌های کوچک مفصل میخوانی و کوچک مفصل از سوره محمد صلی الله علیه و آله تا آخر قرآن است، زمانی که از دوازده رکعت فارغ شدی، در همان حال نشسته هر يك از سوره‌های «حمد» و «قل اعوذ برب الفلق» و «قل اعوذ برب الناس» و «قل هو الله احد» و «قل يا ايها الكافرون» و «اَنَا اَنْزِلْنَاهُ» و آیه الكرسي را هفت مرتبه بخوان، و به دنبال همه آنها این دعا را بخوان:

سپاس خدای را که فرزندی بر نگرفته، و شریکی در فرمانروایی و یآوری از روی خواری و نیاز برایش نبوده است، او را بسیار بزرگ شمار. خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق جایگاههای عزت بر پایه‌های عرش و منتهای رحمت در قرآنت، و بنام بزرگتر بزرگتر بزرگتر، و ذکر برتر برتر برتر، و به کلمات کاملت، بر محمد و خاندانش درود فرست، و با من چنان کن که شایسته آنی. سپس بخوان هر دعایی را که می‌خواهی. و نیز غسل در این شب مستحب است. و نمازی که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 249

داود بن سرحان از امام صادق علیه السلام برای شب نیمه رجب روایت کرده و جزو اعمال شب نیمه ذکر شد در این شب هم خوانده می‌شود. دوم: زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که برترین اعمال این شب می‌باشد. و بدان که ابو عبد الله محمد بن بطوطه که یکی از دانشمندان اهل سنت است در ششصد سال پیش از این زمان (زمان تألیف

مفاتیح الجنان) می زیسته، در سفرنامه خود معروب به «رحله ابن بطوطه» در بیان ورودش از مکه معظمه به نجف اشرف، روضه و قبر مبارک مولایمان امیر المؤمنین علیه السلام را ذکر نموده، و گفته است همه اهل این شهر رافضی هستند، و برای این روضه مبارکه کراماتی ظاهر شده: از جمله در شب بیست و هفتم، ماه رجب که نامش نزد آل آنجا «لیلة الحیا» [شب بیداری یا شب زندگانی] است، از عراقین [بصره و کوفه] و خراسان و شهرهای فارس، و روم، افراد شل و مفلوج و زمین گیری را که حدود سی یا چهل نفر می شوند پس از عشا نزد ضریح مقدس علی علیه السلام می آورند، آنگاه مردم اجتماع می کنند، و به انتظار شفا یافتن و برخاستن آنان می مانند.

گروهی از اجتماع کنندگان نماز می خوانند، و عده ای ذکر می گویند، و گروهی قرآن تلاوت می کنند، و بعضی هم به تماشای روضه مبارکه مشغول می شوند، تا آنکه نصف یا دوسوم از شب بگذرد، در این هنگام تمام مبتلایان و زمین گیران که محروم از حرکت بودند، از جای برمی خیزند درحالی که صحیح و تندرستند و نقصی در آنان نیست و می گویند: لا اله الا الله (معبودی جز خدا نیست)، «محمد رسول الله» (محمد فرستاده خدا است)، «علی ولی الله» (علی ولی خدا است)، و این امری است مشهور و معروف.

من گرچه آن شب را در آن روضه درنیافتم، ولی از مردمان مورد اطمینان که بر گفتارشان اعتماد داشتم شنیدم.

و همچنین در مدرسه ای که مهمانخانه آن حضرت است، سه نفر زمین گیر را که قدرت بر حرکت نداشتند مشاهده کردم، یکی از مردمان روم، و دیگری از اهالی اصفهان، و سومی از مردم خراسان بود، از هر سه پرسیدم، چگونه شما درمان نیافته و در اینجا مانده اید؟ گفتند: ما شب بیست و هفتم رجب را درک نکردیم، اینجا مانده ایم تا شب بیست و هفتم آینده برسند، و شفای خود را بگیریم، و به خاطر این شب، مردم زیادی از شهرها جمع می شوند، و بازار بزرگی به مدت ده روز برپا می گردد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 250

مؤلف گوید: مبدا این حکایت را دور از واقع بدانی، چه همانا معجزات و کراماتی که این مشاهد مشرفه به ظهور رسیده، و به حدّ تواتر نقل شده بسیار زیاده از آن است که در شمار آید. و در ماه شوال گذشته [نسبت به زمان نوشتن این قسمت از مفاتیح الجنان به وسیله مؤلف بزرگوارش مرحوم محدّث قمی رحمه الله] سال هزار و سیصد و چهل و سه هجری قمری در حرم مطهر حضرت ثامن الائمه الهداة، و ضامن الامة العصاة مولانا ابو الحسن علی بن موسی الرضا (صلوات الله علیه)، سه زن که هر سه به علت بیماری فلج و مانند آن زمین گیر بودند، و علاجشان از توان پزشکان بیرون بود،

شفا یافتند، و این معجزه از آن قبر مطهر بر همه واضح و آشکار شد همچون پدیدار شدن خورشید در آسمان صاف و بی‌ابر، و باز شدن دروازه نجب به روی عربهای بادیه‌نشین، و شفا یافتن این سه زن به اندازه‌ای روشن بود، که برای مردم بیان شد، و دکترهایی که از بیماری آنان مطلع بودند، با اینکه در امر مداوای آنان دقت بسیار داشتند، شفا یافتن معجزه‌گونه آنان را تصدیق کردند، و بعضی از آنها تصدیق خود را بر شفای آنان به صورت نوشته اعلام داشتند، و اگر ملاحظه اختصار، و عدم مناسبت محل نبود، داستان آنها را به تفصیل نقل می‌کردم.

چه زیبا سروده شیخ ما شیخ حرّ عاملی در قصیده‌اش

و آنچه از برکات بارگاهش در همه روز نمایان

دیروزش مانند فردایش می‌باشد

شده

و مانند شفای کور و بیماران به سبب عنایتش

اجابت دعا در آستانش می‌باشد

سوم: شیخ کفعمی در کتاب «بلد الامین» فرموده: شب مبعث این دعا را بخواند:

خدایا! از تو درخواست می‌کنم، به تجلّی اعظم، در این شب از ماه معظم، و به حق رسول مکرم، که درود فرستی بر محمد و خاندانش، و بیماری‌های من را بر ما، آنچه را تو به آن از ما دانستی، ای آن که می‌داند، و ما نمی‌دانیم، خدایا! بر ما برکت ده در این شب، شبی که آن را به شرف رسالت برتری دادی و به کرامت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 251

بزرگ نمودی، و به جایگاه شریفی برآوردی، خدایا! ما از تو درخواست می‌کنیم به حق بعثت شریف و آقای مهربان، و موجود پارسا، که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و اعمال ما را در این شب و در سایر شبها پذیرفته پیشگاهت قرار دهی، و گناهانمان را آمرزیده بداری، و خویهایمان را مورد سپاس، و بدیهایمان را پوشیده گردانی، و دلهایمان را به گفتار خوش شادمان سازی، و روزهایمان را از جانب خود به آسانی فراوان گردانی. خدایا! تو می‌بینی، و خود دیده نمی‌شود، و تو در چشم‌انداز برتری، و بازگشت و سرانجام به سوی توست، و ممات و حیات و آخرت و دنیا از آن تو است. خدایا! به تو پناه می‌آوریم از اینکه خوار و رسوا شویم، و از اینکه مرتکب عملی شویم که از آن نمی‌کرده‌ایم. خدایا درخواست بهشت را به رحمت از تو داریم، و به تو پناه می‌آوریم از آتش دوزخ، پس ما را به قدرتت از آتش پناه ده، و از تو

درخواست حور العین داریم، پس به عزّت روزی ما فرما، و فراخ‌ترین روزی را هنگام پیری ما قرار ده، و نیکوترین اعمالمان را به گاه فرا رسیدن مرگمان، و عمر ما را در طاعت و در آنچه ما را به سویت نزدیک کند و در نزدت بهره‌مندمان نماید و در پیشگاهت بر منزلتمان افزاید، طولانی گردان، و در همه حالات و کارها معرفتمان را نیکو گردان، و ما را به احدى از خلقت وامگذار تا بر ما مِت نهد، و بر ما به برآورده ساختن تمام حاجات دنیا و آخرتمان تفضّل فرما، و بخشش آغاز کن به پدرانمان و فرزندانمان، و همه برادران با ایمانمان، در همه آنچه از تو برای خود درخواست کردم، ای مهربانترین مهربانان. خدایا!

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 252

از تو درخواست می‌کنیم به نام بزرگت، و فرمانروایی دیرینه‌ات، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و بیماری بر ما گناه بزرگ را، چرا که بزرگ را جز بزرگ نمی‌آمزد. خدایا! این ماه مکرم رجب است که ما را به آن گرمی داشتی، نخستین ماههای حرام است، که ما را به آن از میان امتها اکرام نمودی، پس تو را سپاس ای دارای بخشش و کرم، از تو درخواست می‌کنم بر حق ماه رجب، و به حق نام بزرگتر بزرگتر باشکوه‌تر و گرمی‌تری که آن را آفریدی، پس در سایه‌ات استقرار یافت، نامی که از تو به غیر تو نرسد، که بر محمد و اهل بیت پاکش درود فرستی، و ما را در این ماه از برپادارندگان طاعت، و آرزومندان شفاعت قرار دهی. خدایا! ما را به راه راست هدایت فرما، و جایگاه ما را نزد خود بهترین استراحتگاه در سایه‌سار رحمت همیشگی و فرمانروایی عظیمت قرار ده، تو ما را بسی، و چه نیکو کارگشایی. خدایا! ما را به حالت رستگاری و موفقیت برگردان، که در گروه غضب شدگان و در طایفه گمراهان نباشیم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا! به وسایل موجب آمرزش، و به رحمت که بر خود حتم نموده‌ای، از تو درخواست می‌کنم، سلامت از هر گناه، و بهره‌مندی از هر کار نیک، و رسیدن به بهشت و رهایی از دوزخ را به من عطا فرمایی. خدایا! خوانندگان تو را خواندند و من هم تو را خواندم، و درخواست‌کنندگان از تو را درخواست کردند، و من هم از تو درخواست نمودم، و جویندگان تو را جوینا شدند و من هم جوینای تو شدم. خدایا! تو مورد اطمینان و امیدی، و نهایت میل و رغبت در خواندن دعا به سوی توست، خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 253

و قرار ده یقین را در قلبم، و روشنی را در دیده‌ام، و خیرخواهی را در سینه‌ام، و ذکر را در هر شب و روز بر زبانم، و روزی گسترده بی‌منت و غیر حرام را روزی‌ام فرما، و در آنچه که روزی‌ام نمودی برکت افزا، و بی‌نیازی‌ام را در خودم، و دلبستگی‌ام را در آنچه نزد توست قرار ده، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان. پس به سجده برو و بگو: سپاس خدای را که ما را به معرفتش رهنمون شد، و به ولایتش خاص گرداند، و به طاعتش توفیقمان داد، سپاس سپاس ... تا صدر مرتبه. پس سر از سجده بردار و بگو:

خدایا من تو را برای رفع حاجتم قصد کردم، و به خواسته‌ام بر تو اعتماد نمودم، و روی آوردم به تو به واسطه امامان و سرورانم. خدایا! ما را به محبتشان سود بخش، و به جایگاه آنان وارد ساز و همنشینی با ایشان را روزی ما گردان و ما را در زمره آنان وارد بهشت کن، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

این دعا را سید ابن طاووس برای روز مبعث ذکر فرموده.

روز بیست‌وهفتم: یکی از اعیاد بزرگ است، و روزی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به پیامبری مبعوث شد، و جبرئیل برای ابلاغ پیامبری، بر آن حضرت فرود آمد، و برای این روز چند عمل وارد است: اول: غسل کردن، دوم: روزه گرفتن و آن یکی از چهار روزی است که در طول سال برای روزه گرفتن امتیاز ویژه دارد، و ثوابی برابر با روزه هفتاد سال دارد.

سوم: صلوات زیاد فرستادن. چهارم: زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام. پنجم: شیخ طوسی در کتاب «مصابح» فرموده که از ریان بن الصلت روایت شده: حضرت جواد علیه السلام زمانی که در بغداد بود روز نیمه و روز بیست‌وهفتم رجب را روزه گرفت، و همه خدمتکاران آن حضرت نیز روزه گرفتند و هم به ما فرمان داد دوازده رکعت نماز بجا آوریم به این صورت که در هر رکعت یک

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 254

مرتبه «حمد» و سوره خوانده و پس از پایان نماز، هر کدام از سوره‌های «حمد» و «قل هو الله احد» و «قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس» را چهار مرتبه بخوانیم، آنگاه چهار مرتبه بگوئیم:

معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ‌تر از هر چیزی است، و منزّه است خدا، و خدا را سپاس، و نیست جنبش و نیرویی جز به عنایت خدای برتر و بزرگ و چهار مرتبه: خدا، خدا، پروردگار من است، چیزی را برای او شریک نمی‌آورم و چهار

مرتبه: هیچکس را برای پرودگارم شریک نسازم ششم: شیخ طوسی از جناب ابو القاسم حسین بن روح (رحمه الله) روایت کرده که در این روز دوازده رکعت نماز به جا می‌آوری در هر رکعت سوره «حمد» و سوره‌ای که آسان باشد می‌خوانی، و پس از گفتن تشهد و سلام بین هر دو رکعت می‌گویی:

خدا را سپاس که فرزندی بر نگرفته، و برایش در فرمانروایی شریکی و یآوری از روز خواری نبوده است، و او را بزرگ شمار، ای توشه‌ام در همه عمر، ای همنشینم در سختیها، ای سرپرستم در نعمت، ای فریادرسم در رغبت، ای پیروزم در حاجت، ای نگهدارم در غیبت، ای کفایتی در تنهایی ای همدم در هراس، تو پوشاننده کاستی منی، تو را سپاس، تو نادیده گیرنده لغزش منی، تو را سپاس، تو بلندی بخش من در وقت افتادگی هست، تو را سپاس، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و عیسم را بپوشان، و هراسم را ایمنی بخش، و لغزشم را نادیده گیر، و از گناهام چشم بپوش، و از زشتیهایم درگذر، و در زمره بهشتیان قرار دهم همراه با آن وعده صادقانه‌ای که به آنها داده‌ای.

هنگامی که از نماز فارغ شدی، هر يك از سوره‌های «حمد» و «قل هو الله احد» و «قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس» و قل یا ایها الکافرون

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 255

و «انا انزلنا» و «ایة الكرسي» را هفت مرتبه می‌خوانی و هفت بار می‌گویی:

معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ‌تر است، و پاك است خدا، و جنبش و نیروی جز به خدا نیست و هفت بار خدا، خدا پروردگار من است و هیچ چیز شریکش نگیرم و هر دعایی که بخواهی می‌خوانی. هفتم: در کتاب «اقبال» و در بعضی نسخه‌های «مصابح» آمده است که مستحب است در این روز این دعا را بخوانند:

ای آن که به عفو و گذشت فرمان داده، و عفو و گذشت را بر عهده خویش ضمانت نموده است، ای آن که بخشید و در گذشت، مرا عفو کن و از من درگذر ای کریم. خدایا! طلب سخت شده، و چاره‌جویی و راهیابی مرا به زحمت افکنده و آرزوها کهنه گشته، و رشته امید جز از تو که یگانه‌ای و شریکی نداری بریده شده است. خدایا! من راههای خواهش را بسوی تو باز می‌یابم، و چشمه سارهای امید نزد تو پرآب است، و درهای دعا را برای هرکه به درگاهت دعا کند گشوده‌ای و یاریات آن را که از تو یاری خواهد فراهم است، و می‌دانم که برای آن که تو را خواند در جایگاه اجابتی، و برای فریادکننده‌ات درصدد فریادرسی هستی، و همانا در طمع ورزیدن به بخششت و اعتماد به وعده‌ات جایگزینی است برای دریغ‌ورزی بخیلان، و گشایشی است از آنچه در دست ثروت‌اندوزان است، تو از بندگان در پرده نمی‌روی، جز اینکه

کردارشان بین تو و ایشان پرده می‌افکند، و هرآینه دانستم که برترین توشه کوچ‌کننده به سوی اراده نیرومندی است، که بدان تو را برمی‌گزیند، و با همین اراده نیرومند دلم با تو مناجات کرده و از تو می‌خواهم هر دعایی را که تو را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 256

به آن خواند امیدواری که او را به آرزویش رساندی، یا فریادکشی به درگاهت که به دادش رسیدی، یا دلسوخته غمزده‌ای که اندوهش را زدودی، یا گنهکار خطاکاری که او را آمرزیدی، یا تندرستی که نعمت خویش را بر او تمام کردی، یا بی‌چیزی که توانگری‌ات را به او هدیه دادی و چنین دعایی را بر تو حقی است و نزد مقامی، به حق این دعا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و حاجات دنیا و آخرت را برآور، این رجب مرتب مگرم است که ما را به آن گرمی داشتی، نخستین ماههای حرام است، که ما را به خاطر آن از بین ملتها اکرام نمودی، ای دارای جود و کرم، از تو درخواست می‌کنیم به حق ماه رجب، و به نام بزرگتر بزرگتر بزرگتر باشکوه و گرمی‌تری که آن را آفریدی پس در سایهات استقرار یافت و جلوه‌اش از تو به دیگری نمی‌رسد، بر محمد و اهل بیت پاکش درود فرستی، و ما را در این ماه از عاملین به طاعتت، و آرزومندان شفاعتت قرار دهی. خدایا! ما را به راه راست هدایت فرما.

و استراحتگاه ما را در سایه‌سار همیشگی‌ات نزد خویش بهترین استراحتگاه قرار ده، که تو ما را بسی و چه نیکو کارگشایی هستی، و سلام و درود بر همه بندگان برگزیده‌اش، خدایا! به ما در این روز برکت ده، روزی که آن را برتری دادی، و به کرامت بزرگ نمودی، و به جایگاه بزرگ و برتر وارد ساختی، بر آن که در این روز به سوی بندگان فرستادی، و او را به مقام باکرامتی برآوردی درود فرست. خدایا! بر او درود فرست درودی همیشگی، برای تو سپاس، و برای ما ذخیره‌ای باشد، و در کارمان آسانی قرار ده، و پایان عمرمان را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 257

به سعادت و نیکبختی ختم کن، در حالی که اعمال اندک ما را پذیرفته، و با رحمت بی‌کرانت ما را به برترین آرزوهایمان رسانده باشی، که تو بر هرچیز توانایی، و درود و سلام خدا بر محمد و خاندانش باد.

مؤلف گوید: این دعا را حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در آن روزی که آن جناب را به جانب بغداد حرکت دادند بر زبان جاری ساخت، و آن روز، روز بیست‌وهفتم رجب بود، و این دعا از دعاهای انتخابی ماه رجب است، هشتم: سید ابن طاووس در کتاب «اقبال» فرموده: دعای «اللهم انی اسالك بالتَّجَلَّى الاعظم» را بخواند، و این دعا به روایت کفعمی جزو اعمال شب بیست‌وهفتم بیان شد.

روز آخر ماه: در این روز غسل وارد شده، و روزه‌اش سبب آمرزش گناهان گذشته و آینده است. و نماز سلمان به صورتی که در ضمن اعمال روز اول بیان شد بجای آورده شود.

فصل دوم: در بیان فضیلت ماه شعبان و اعمال آن

آگاه باش که شعبان ماه بسیار شریفی است، و هر سید انبیاء صلی الله علیه و آله انتساب دارد، و آن حضرت همه این ماه را روزه می‌گرفت، و روزه آن را به ماه رمضان وصل می‌کرد، و می‌فرمود: شعبان ماه من است، هرکه يك روز از این ماه را روزه بدارد، بهشت بر او واجب می‌شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده: چون ماه شعبان می‌رسید حضرت زین العابدین علیه السلام اصحاب خود را جمع می‌کرد و می‌فرمود: ای اصحاب من، می‌دانید این چه ماهی است؟ این ماه شعبان است، و حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرمود شعبان ماه من است، پس در این ماه برای جلب محبت پیامبر خود، و برای تقرب به سوی پروردگار خویش، روزه بدارید، به خدایی که جان علی بن الحسین علیهما السلام به دست قدرت اوست، سوگند یاد می‌کنم از پدرم حسین بن علی علیهما السلام شنیدم که فرمود: از امیر المؤمنین علیه السلام شنیدم: هرکه شعبان را برای محبت پیامبر، و تقرب جستن به سوی خدا روزه دارد، خدا او را دوست بدارد، و در روز قیامت به کرامتش نزدیک و بهشت را بر او واجب گرداند.

شیخ از صفوان جمال روایت کرده است که امام صادق علیه السلام به من فرمود: کسانی را که پیرامون تو هستند، به روزه شعبان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 258

و ادا کن. گفتم: فدایت شوم، مگر در فضیلت آن چیزی می‌بینی؟ فرمود: آری رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه هلال شعبان را می‌دید، به منادی دستور می‌داد تا در مدینه ندا کنند: ای اهل مدینه، من از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی شما ارسال شده‌ام، آن حضرت می‌فرماید: آگاه باشید، به درستی که شعبان ماه من است، خدا رحمت کند کسی را، که مرا در ماه من یاری کند، یعنی روزه بدارد آن را، سپس امام صادق علیه السلام چنین گفت:

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود: از هنگامی که شنیدم منادی رسول خدا صلی الله علیه و آله در شعبان ندا داد، روزه شعبان از من فوت نشد و تا زمانی که زنده هستم به خواست خدا از من فوت نخواهد شد. پس می‌فرمود: روزه دو ماه شعبان و رمضان مایه توبه و آمرزش خداست.

اسماعیل بن عبد الخالق روایت کرده: نزد امام صادق علیه السلام بودم، ذکر روزه شعبان به میان آمد، حضرت فرمود:

فضیلت روزه شعبان چنین و چنان است، تا جایی که انسان مرتکب قتل حرام می شود، پس چنانچه شعبان را روزه بدارد این روزه به او سود می رساند، و به خواست خدا آمرزیده می شود!

آگاه باش اعمال این ماه شریف بر دو بخش است: اعمال مشترک و اعمال خاص. اما اعمال مشترک پس چند عمل است: اول: هر روز هفتاد مرتبه بگوید:

از خدا آمرزش و توبه می خواهم دوم: هر روز هفتاد مرتبه بخواند: آمرزش می خواهم از خدا معبودی جز او نیست بخشدنه مهربان زنده به خود پاینده و به سوی او باز می گردم. در بعضی روایات «الْحَيِّ الْقَيُّوم» پیش از «الرَّحْمَنُ الرَّحِيم» است، و عمل به هر دو خوب است، و از روایات استفاده می شود، که بهترین دعاها و ذکرها در این ماه استغفار است، و هرکه ر هر روز این ماه هفتاد مرتبه استغفار کند، مانند این است که در ماه های دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار بجا آورد.

سوم: در این ماه صدقه بدهد، گرچه نصب دانه خرما باشد، تا حق تعالی بدن او را بر آتش دوزخ حرام کند. از امام صادق علیه السلام روایت شده: که از وجود مبارك ایشان درباره فضیلت روزه رجب سؤال کردند؟ فرمود: چرا از روز شعبان غافل هستید؟ راوی عرض کرد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 259

یابن رسول الله کسی که یکروز از شعبان را روزه بدارد، چه ثوابی دارد؟ فرمود: به خدا سوگند بهشت پاداش آن است، عرض کرد یابن رسول الله بهترین اعمال در این ماه چیست؟ فرمود: صدقه و استغفار، هرکه در ماه شعبان صدقه دهد حق تعالی آن را رشد و نمو دهد همان گونه که یکی از شما بچه شترش را رشد می دهد، تا آن که در قیامت درحالی که به اندازه کوه احد شده باشد به صاحبش بازگردد. چهارم: در تمام این ماه هزار مرتبه بگوید:

معبودی جز خدا نیست، و نپرستیم جز او را درحالی که عبادت را برای او خالص می کنیم، گرچه مشرکان را خوش نیاید.

این ذکر پاداش بسیاری دارد، از جمله اینکه در نامه عملش عبادت هزار ساله بنویسند. پنجم: در هر پنجشنبه، این ماه دو رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت پس از سوره «حمد» صد مرتبه سور «قل هو الله احد» خوانده و بعد از سلام نماز صد مرتبه صلوات بفرستد، تا حق تعالی هر حاجتی که در این دین و دنیا دارد روا کند و نیز روزه هر پنجشنبه این ماه فضیلت بسیار دارد. روایت شده: که در هر پنجشنبه ماه شعبان آسمانها را زینت می کنند، پس ملائکه عرض می کنند، خدایا!

روزه‌داران این روز را پیامرز، و دعای آنان را اجابت فرما. در خبر نبوی است هرکه روز دوشنبه و پنجشنبه شعبان را روزه بدارد، حق تعالی بیست حاجت از حوایش دنیا و بیست حاجت از حوایج آخرت او را برآورد. ششم: در این ماه بسیار صلوات فرستد. هفتم: در هر روز شعبان در وقت زوال [وقت ظهر شرعی] و در شب نیمه آن این صلوات را که از حضرت زین العابدین علیه السلام روایت شده بخواند:

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، درخت نبوت، و جایگاه رسالت، و محل آمد و شد فرشتگان، و معدن دانش، و خانواده وحی، خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، کشتی روان در اقیانوسهای عمیق، هرکه به آن توسل جوید ایمنی یابد، و هرکه آن را رها کند غرق شود، پیش افتاده از آنها از دین خارج است و عقب مانده از آنان نابود اس، و همراه آنان ملحق به حق است. خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، پناهگاه محکم، و فریادرس بیچارگان درمانده، و پناه گریختگان، و دستاویز استوار برای چنگ اندازان، خدایا!

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 260

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، درودی که برای آنان موجب خشنودی، و برای ما مایه اداکردن و بجا آوردن حق محمد و خاندان محمد باشد، به حول و نیروی ای پروردگار جهانیان. خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست آن پاکان و نیکان و خوبان، که حقوقشان را بر همه واجب کردی، و پیروی و ولایتشان را بر همگان فرض نمودی. خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و دلم را با طاعتت آباد کن، و به نافرمانی از خود رسوایم مساز، و همیاری با آن که رزقت را بر او تنگ گرفتی، به مده آنچه از فضلت بر من وسعت دادی، و از عدلت بر من گستردی، و مرا در سایه رحمت زنده داشتی روزی من فرما، این است ماه پیامبرت، آن سرور فرستادگان، شعبانی که آن را به رحمت و رضوانت پوشاندی، ماهی که رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) در روزه‌داری و پباداری عبادت در شبها و روزهایش، تا هنگام مرگ، با تمام توان کوشش می‌کرد، تنها برای فروتنی و برابری و گرامی داشت ماه شعبان، خدایا! ما را در این ماه به پیروی از روشش، و رسیدن به شفاعتش یاری فرما، خدایا! او را بر من شیعی با شفاعت پذیرفته، و راهی روشن به سوی قرار ده، و ما را پیرو او گردان، تا آنگاه که تو را در قیامت دیدار کنم، درحالی که از من خشنو باشی، و از گناهانم چشم‌پوشی، و رحمت و رضوانت را بر من واجب نموده و مرا در بهشت و جایگاه خوبان درآورده باشی.

هشتم: این مناجات را که از ابن خالویه روایت شده بخواند به گفته او این مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امامان پس از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 261

اوست، که در ماه شعبان می خوانند:

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و شنوای دعایم باش آنگاه که می خوانمت، و صدایم را بشنو گاهی که صدایت میکنم، و به من توجه کن هنگامی که با تو مناجات می نمایم، همانا به سوی تو گریختم، و در حال درماندگی و زاری در برابرت ایستادم، پاداشی را که نزد توست امیدوارم، آنچه را که در درون دارم می دانی، بر حاجتم خبر داری، نهانم را می شناسی، کار بازگشت به آخرت و خانه ابدی ام بر تو پوشیده نیست، و آنچه که می خخواهم به زبان آرم، و خواهش خویش را بازگو کنم و هم آنچه را که برای عاقبتم امید دارم، بر تو پنهان نیست، همانا آنچه تقدیر نموده ای بر من ای آقای من در آنچه که تا پایان عمر بر من فرود می آید از نهان و آشکارم جاری شده است، و تنها به دست توست نه به دست غیر تو فزونی و کاستی ام و سود و زیانم، خدایا! اگر محروم کنی پس کیست آن که به من روزی دهد؟ و اگر خوارم سازی پس کیست آن که به من یاری رساند، خدایا! به تو پناه می آورم از خشم و از فرود آمدن غضبت. خدایا! اگر شایسته رحمت نیستم، تو سزاواری که بر من با فراوانی فضل بخشش نمایی، خدایا! گویی من با همه هستی ام در برابرت ایستاده ام، درحالی که حسن اعتماد بر تو، بر وجودم سایه افکنده است، و آنچه را تو شایسته آنی بر من جاری کرده ای و مرا با عفو پوشانده ای، خدایا! اگر گذشت کنی، چه کسی از تو سزاوارتر به آن است؟ و اگر مرگم نزدیک شده باشد و عملم مرا به تو نزدیک نکرده، اعترافم را به گناه وسیله خویش به بارگاہت قرار دادم.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 262

خدایا بر نفسم در فرمانبری از آن گناه بار کردم، پس وای بر او اگر او را یامرزی، خدایا نیکی ات بر من در روزهای زندگی ام پیوسته بود، پس نیکی خویش را در هنگام مرگم از من قطع مکن. خدایا چگونه از حسن توجهت پس از مرگم ناامید شوم؟، درحالی که در طول زندگی ام مرا جز به نیکی سرپرستی نکردی. خدا کارم را چنان که سزاوار آنی بر عهده گیر، خدایا به سوی من با فضل بازگرد، به سوی گناهکاری که جهلش سرپایش را پوشانده، خدایا گناهی را در دنیا بر من پوشانده ای، که بر پوشاندن آن در آخرت محتاج ترم، گناه را در دنیا برای هیچیک از بندگان شایسته ات آشکار نکردی، پس مرا در قیامت در برابر دیدگان مردم رسوا مکن، خدایا جود تو آرزویم را گسترده ساخت، و عفو تو از عمل من برتری گرفت. بار خدایا، روزی که در آن میان بندگان حکم می کنی، مرا به دیدارت خوشحال کن. خدایا عذرخواهی من از پیشگاهت عذرخواهی کسی است که از پذیرفتن عذرش بی نیاز نگشته، پس عذر مرا بپذیر ای کریم ترین کسی که بدکاران از او پوزش خواستند. خدایا، حاجتم را برمگردان، و طمعم را قرین نومیدی مساز، و امید و آرزویم را از خود مبر. خدایا،

اگر خواری‌ام را می‌خواستی، هدایت می‌نمودی، و اگر رسوایی‌ام را خواسته بودی عافیت می‌بخشیدی، خدایا، این گمان را به تو ندارم که مرا در حاجتی که عمرم را در طلبش سپری کرده‌ام، از درگاهت بازگردانی. خدایا تو را سپاس، سپاسی ابدی و جاودانه، همیشگی و بی‌پایان، سپاسی که افزون شود و نابود نگردد، آنگونه که پسندی و خشنود گردی، خدایا اگر مرا بر جرمم بگیری، من نیز تو را به عفو بگیرم، و اگر به گناهانم بگیری، جز به آمرزشت نگریم، و اگر مرا وارد دوزخ کنی،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 263

به اهل آن آگاهی دهم که تو را دوست دارم. خدایا اگر معلم در برابر طاعتت کوچک بوده، همانا از سر امید به تو آرزویم بزرگ است. خدایا چگونه از بارگاهت با نومی‌دی و محرومیت بازگردم، درحالی که خوش گمانی‌ام به بخشش وجودت این بوده که مرا نجات یافته و بخشیده باز می‌گردانی، خدایا عمرم را در آزمندی غفلت از تو نابود ساختم، و جوانی‌ام را در مستی دوری از تو پیر نمودم. خدایا در روزگار غرور نسبت به تو، بیدار نشدم و گاه تمایل به سوی خشم تو آگاه نگشتم. خدایا و من بنده تو و فرزند بنده توام، در برابرت ایستاده‌ام، به کرم به حضرت تو متوسل. خدایا، بنه‌ای هستم، که به درگاهت از آنچه که با آن با تو روبرو بوده‌ام از کمی حیایم از مراقبت نسبت به من بی‌زاری می‌جویم و از تو درخواست گذشت می‌کنم، زیرا گذشت صفتی درخور کرم توست. خدایا برانم نیروی نیست که خود را بوسیله آن از عرصه نافرمانی‌ات بیرون برم، مگر آنگاه که به محبت بیدارم سازی، و آنچنان که خواستی باشم، پس تو را شکر گذارم، برای اینکه در آستان کرم واردم کردی، و هم اینکه دلم را از آلاهی‌های غفلت از حضرتت پاک نمودی. خدایا بر من نظر کن، نظر به کسی که صدایش کردی و تو را اجابت کرد، و به یاری‌ات به کارش گماشتی و او از تو اطاعت کرد، ای نزدیکی که از فریفتگان دور نمی‌شود، و ای سخاوتمندی که از امید بستگان به پاداشش دریغ نمی‌ورزد. خدایا، قلبی به من عنایت کن، که اشتیاقش او را به تو نزدیک کند، و زبانی که صدقش به جانب تو بالا برده شود.

و نگاهی که حق بودن او را به تو نزدیک نماید، خدایا، کسی که به تو شناخته شد، ناشناخته نیست، و آن که به تو پناهنده شد خوار نیسد، و هرکه را تو به او روی آوری برده نیست، خدایا، آن که به تو راه جوید راهش روشن است، و آن که به تو پناه جوید در پناه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 264

توست، و من به تو پناه آوردم ای خدای من، پس گمانم را از رحمت ناامید مساز، و از مهربانیات محروم مکن، خدایا، در میان اهل ولایت برنشام، نشان دادن آن که به افزون شدن محبت امید بسته، خدایا، شیفتگی به ذکر را پیوسته به من الهام فرما، و همتم را در نسیم کامیابی نامهایت و جایگاه قدرست قرار ده. خدایا به حق خودت بر خودت، مرا به جایگاه اهل طاعت، و جایگاه شایسته بر ساخته از خشنودیات برسان، زیرا که من نه بر دفعی از خود قدرت دارم، و نه بر نفع خویش مالک هستم. خدایا، من بنده ناتوان گنهکار توام، و مملوک توبه کننده به پیشگاهت، مرا از کسانی که رویت را از آنان برگرداندی قرار مده، و نه از کسانی که غفلتشان از بخششت محرومشان نموده. خدای کمال جدایی از مخلوقات را، برای رسین کامل به خودت به من ارزانی کن، و دیدگان دلبامان را به پرتو نگاه به سوی خویش روشن کن، تا دیدگان دل پرده های نور را دریده و به سرچشمه عظمت دست یابد، و جانهایمان آویخته به شگوه قدست گردد، خدایا مرا از کسانی قرار ده که آوازشان دادی، پس پاسخ دادند، به آنها توجه فرمودی، پس در برابر بزرگیات مدهوش شدند، و با آنان راز پنهان گفتم و آنان آشکارا برای تو کار کردند، خدایا بر خوش بینیام ناامیدی و یأس را چیره نسازم، و امیدم از زیبایی کرم نبرد. خدایا اگر خطاهایم مرا از نظرت انداخته، به خاطر حسن اعتمادم بر تو از من چشم پوشی کن. خدایا، اگر گناهان از جایگاه مکارم لطف مرا پائین آورده، اما یقین به کرم عنایت هشیارم نموده. خدایا اگر غفلت از آماده شدن برای دیدارت به خواهم فرو برده، ولی معرفت به نعمتهای کریمانهات مرا بیدار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 265

ساخته است. خدایا اگر بزرگی مجازات مرا به سوی آتش فرا خوانده، هرآینه ثواب برجستهات مرا به سوی بهشت خوانده است، خدایا از تو درخواست می کنم، و به پیشگاهت زاری نموده، و رغبت می ورزم، و از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا از کسانی قرار دهی که ذکر را همواره بر زبان دارند، و پیمان را نمی شکنند، و از سپاست غافل نمی شوند، و فرمانت را سبک نمی شمارند، خدایا مرا به نور عزت بسیار زیبایت برسان تا عارف به وجودت گردم، و از غیر تو روی گردان شود، و از تو هراسان و برحذر باشم، ای دارای بزرگی و بزرگواری، و درود خدا و سلام بسیار او بر محمد فرستاده اش، و برخاندان پاکش باد.

این رازونیز از مناجاتهای جلیل القدر ائمه (ع) بوده، و مشتمل بر مضامین بسیار بلندی است، و هرگاه که حضور قلبی باشد خواندن آن مناسب است.

اعمال خاص ماه شعبان

شب اول: در کتاب «اقبال» نمازهای بسیار ذکر شده، از جمله دوازده رکعت که در هر رکعت سوره «حمد» يك مرتبه و سوره «قل هو الله احد» یازده مرتبه خوانده می شود.

روز اول: روزه این روز فضیلت بسیار دارد، از امام صادق علیه السلام روایت شده: هرکه روز اول شعبان را روزه بگیرد، بی تردی بهشت بر او واجب می شود، و سید ابن طاووس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله ثواب بسیاری روایت کرده برای کسی که سه روز اول این ماه را روزه بدارد، و در شبهای آن، دو رکعت نماز بجای آورد، با این ترتیب که در هر رکعت سوره «حمد» يك بار، و سوره «قل هو الله احد» یازده بار خوانده شود، بدان که در تفسیر امام علیه السلام [تفسیر امام حسن عسگری] روایتی در فضیلت ماه شعبان و روز اول

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 266

آن ذکر شده، که فواید بسیاری در آن درج شده است، و شیخ ما ثقة الاسلام نوری (نور الله مقدره) آن روایت را ترجمه کرده و در پایان کتاب «کلمه طیبه» آورده، ولی چون آن روایت طولانی است، و مقام را گنجایش نوشتن تمام آن نیست، خلاصه آن را در اینجا ذکر می کنم: حاصل روایت این که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز اول شعبان به جماعتی برخورد که در مسجد نشسته بودند، و درباره قدر و امثال آن گفتگو می کردند تا آنکه لجاجت و جدالشان، و فریاد و صدایشان سخت بلند شد، حضرت ایستاد و بر آنها سلام کرد، پاسخ سلام را دادند، و به احترام حضرت از جای برخاستند و درخواست کردند کنا آنان بنشیند، ایشان توجهی به دعوت آنان نکردند و در همان حالت ایستاده فرمودند: ای گروهی که سخن می گوید در مسئله ای که سودی نمی رساند، آیا ندانستید که خدای تعالی را بندگان است، که آنان را از هراس ساکت نموده بی آنکه لال باشند، یا از سخن گفتن عاجز باشند، اینان هرگاه عظمت خدا را به خاطر می آورند، زیانهایشان شکسته و دلایشان از جا کنده می شود، و عقولشان از سر می رود، و دچار بهت و حیرت می گردند، این همه به خاطر بلندای عزت و شوکت و بزرگداشت خداست! هرگاه از این حالت به خود آیند با کردارهای پاکیزه به سوی خدا رو می کنند و وجود خود را در شمار ستمکاران و خطاکاران به حساب می آورند، درحالی که از تقصیر و کوتاهی پا کند، اینان برای خدا به کردار اندک راضی نمی شوند، و عمل زیاد را برای او بسیار نمی شمارند، پیوسته به کار شایسته و عمل نیک مشغولند، اینان چنانند که هرگاه به ایشان بنگری، ترسان و هراسان و در بیم و اضطراب به عبادت ایستاده اند،

ای گروه تازه کاران شما کجا و ایشان کجا، آیا ندانستید که داناترین مردم به «قدر» ساکت‌ترین ایشانند در سخن از آن، و نادان‌ترین مردم به «قدر» سخن‌گوترین آنانند نسبت به آن، ای تازه کارها امروز غرّه شعبان کریم است [به آغاز پیشانی گویند غره]، پرودگار آن را شعبان نامیده به خاطر انشعاب یافتن و پراکنده شدن خیرات در آن، همانا پرودگار شما در شعبان درهای حسنات را باز کرده، و قصرها و خیراتش را به شما جلوه داد به قیمتی ارزان و کارهایی آسان، پس در مقام خرید برآیید، ابلیس دور از رحمت خدا شاخه‌های شرور و بلاهای خود را برای شما آراسته و شما پیوسته در گمراهی و سرکشی می‌کوشید و به شاخه‌های ابلیس تمسّک می‌جوید، و از شاخه‌های خیرات که دره‌ایش برای شما باز شده روی می‌گردانید، و این غرّه ماه شعبان است، و شاخه‌های خیراتش عبارت است از:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 267

نماز، روزه، زکات، امر به معروف، نهی از منکر، نیکی به پدر و مادر و خویشان و همسایگان، ایجاد صلح و صفا بین مردم، صدقه دادن به فقرا و مساکین، در چیزی که مسئولیتش از شما برداشته شده، به خود زحمت و مشقت می‌دهید و آن مسئله قضا و قدر است، و خود را در سختی می‌اندازید در چیزی که از ژرف‌اندیشی و تحقیق در آن نهی شده‌اید، و آن کشف اسرار الهی است، که هرکه از آنها تفتیش کند از تباه‌شدگان است. بدانید که اگر شما بر آنچه پرودگار برای مطیعان از بندگانش در امروز آماده نموده آگاه شوید، هرآینه خود را از آنچه بدان پرداختید [بحث در قضا و قدر] بازخواهید داشت، و در آنچه به آن فرمان دادند وارد خواهید شد. گفتند: یا امیر المؤمنین آنچه را خدا در این روز برای مطیعان خود مهیا نموده چیست؟ حضرت داستان آن لشگری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای جهاد با کافران فرستاده بود، و سپاه دشمن به هنگام شب بر آنها شبیخون زدن نقل کرد و فرمود: شبی تاریک و فرورفته در سیاهی بود، مسلمانان در خواب، و کسی از آنان جز زید بن حارث و عبد الله بن رواحه و قتاده بن نعمان و قیس بن عاصم منقری بیدار نبود، هر یک از آنان در جانبی از لشگر مشغول نماز و خواندن دعا بود، دشمنان با شبیخون خویش در آن شب تاریخ، مسلمانان را آماج تیرهای خود ساختند و مسلمانان به خاطر سیاهی شب، از دیدن دشمنان عاجز بودند، و راهی برای حفظ خویش نداشتند، به این خاطر نزدیک بود هلاک شوند، ناگهان از دهان این چند نفر انواری درخشید، که اردوگاه را روشن ساخت، و باعث قوت دل و دلیری مسلمانان شد، پس شمشیر کشیده و همه دشمنان را کشته و زخمی و اسیر نمودند، پس از بازگشت از جهاد داستان خود را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کردند، حضرت فرمود: این انوار به خاطر اعمال برادران شما در آغاز ماه شعبان است، پس حضرت یک‌یک آن اعمال را نقل کردند تا آنکه

فرمودند: چون روز اوّل شعبان می‌رسد، ابلیس سپاه خویش را در اطراف زمین و کرانه‌های آن پراکنده می‌کند و به ایشان می‌گوید: امروز در کشاندن بعضی از بندگان خدا به سوی خود بکوشید، و خدا (عزّ و جلّ) فرشتگان را در اطراف و آفاق زمین پراکنده می‌کند و به آنان می‌فرماید: بندگانم را به راستی و درستی نگاه دارید، و آنان را ارشاد کنید، همه بندگانم سعاتمند می‌شوند، جز آن که از قبول حق امتناع ورزد و به راه سرکشی رود، که او در شمار حزب ابلیس و سپاهیان او محسوب می‌شود. چون روز اوّل ماه شعبان شود، خدا (عزّ و جلّ) به باز شدن درهای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 268

بَهشت امر می‌کند، پس باز می‌شوند، و به درخت طوبی [درختی است در بهشت] فرمان می‌دهد تا شاخه‌های خود را دنیا نزدیک کند، آنگاه منادی پروردگار (عزّ و جلّ) ندا سر می‌دهد: ای بندگان خدا این شاخه‌های درخت طوبی است، پس به آن درآویزید، که شما را به سوی بهشت برافروزد، و این شاخه‌های دخت زقوم است [درختی است از درختان دوزخ که در سوره مبارکه واقعه از آن یاد شده است] از آن دوری کنید تا شما را به جانب دوزخ نبرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آن که مرا به راستی مبعوث به رسالت نمود، هرکه در این روز دری از خیر و نیکی را فراگیرد، به تحقیق به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبی در آویخته که او را به سوی بهشت می‌کشاند، و هرکه در امروز دری از شرّ و بدی را فراگیرد، به یقین به شاخه‌ای از شاخه‌های زقوم درآویخته که او را کشاننده به سوی آتش است، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله اعمالی که هر يك باعث درآویخته شدن به شاخه‌ای از شاخه‌های طوبی است به این صورت بیان فرمودند: امروز هرکس برای خدا نماز مستحبی بجا آورد، و هرکه در این روز روزه بدارد، و هرکه میان زنی با همسرش، یا پدری با فرزندش، یا خویشاوندان، یا زن و شوهر بیگانه‌ای صلح دهد، و کسی که تخفیف دهد پریشانی را، از طلبی که از او دارد، یا از طلبش از عهده مدیون بکاهد، و کسی که در حساب خود نظر کند، و قرض کهنه‌ای را بر عهده خود ببیند، که طلبکارش از به دست آوردنش مأیوس شده، پس آن را به صاحبش برگرداند، و کسی که یتیمی را سرپرستی نماید، و کسی که سفیهی را از ضربه‌زدن به آبرو و عرض مؤمنی بازدارد، و کسی که قرآن یا بخشی از آن را بخواند، و کسی که خدا را یاد کند، و نعمتهایش را بر شمارد، و اقدام به شکر نماید، و کسی که از بیماری عیادت کند، و کسی که به پدر و مادر یا یکی از آنها نیکی ورزد، و آن که پیش از رسیدن روز اوّل شعبان پدر و مادر خویش را به خشم آورده بود و در این روز خشنودشان ساخت، و هرکه جنازه‌ای را تشییع کند، و هرکه در این روز مصیبت‌زده‌ای را تسلی بخشد، و هرکس در این روز چیزی از ابواب خیر را بجا آورد از آویختگان به درخت طوبی است. سپس رسول خدا (ص) فرمودند: سوگند به آن که مرا به راستی به رسالت برانگیخت هرکس در این روز دری از شرّ و گناه را فراگیرد، به تحقیق به شاخه‌ای

از شاخه‌های درخت زقوم درآویخته، و آن شاخه‌کشاننده اوست به سوی آتش، آنگاه اعمالی که هر يك باعث درآویخته شدن به شاخه‌ای از شاخه‌های زقوم است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 269

را به این صورت بیان فرمودند: سوگند به آن که مرا به راستی به پیامبری فرستاد، هرکس در این روز نسبت به نماز واجب خود کوتاهی کند، و آن را تباه نماید، و هرکس فقیری درمانده نز او آید، که بدی حالش را می‌داند، و بدون اینکه ضرری متوجه وی گردد، قدرت بر تغییر حال او را دارد، و کس دیگری هم نیست که به جای او، مشکل فقیر را حل کند، پس فقیر را به حال خود خود واگذارد، و دست او را نگیرد، تا از بین رفته و هلاک گردد، و کسی که خطاکاری از او عذرخواهی کند، پس عذر او را نپذیرد، علاوه بر این بیش از اندازه‌ای که بدی کرده، او را عقوبت نماید، و کسی که جدایی اندازد میان شوهری با همسرش، یا پدری با فرزندش، یا برادری با برادرش، یا خویشی با خویشش، یا میان دو همسایه، یا میان دو رفیق، یا دو خواهر، و کسی که بر انسان تنگدستی سخت بگیرد، درحالی که تنگدستی او را می‌داند، پس بر خشم و بلای او یفزاید، و کسی که مدیون باشد و آن را بر صاحبش انکار کند، و بر او ستم ورزد تا دین او را باطل نماید، و آن که بر یتیمی جفا کند، و به او آزار رساند، و مال او را تباه کند، و کسی که به آبرو و عرض برادر مؤمنی هجوم برد و مردم را هم بر آن وا دارد، و کسی که آوازه‌خوانی کند، به صورتی که مردم را در آن آوازه‌خوانی بر انجام گناه تحریک کند.

و کسی که کارهای زشت و قبیح خود را در جنگها، و انواع ستم خود را بر بندگان خدا بر شمارد، و به آن اعمال افتخار نماید، و کسی که همسایه‌اش بیمار شده، و به جهت سبک شمردن ش. ن او، از او عیادت نکرده، و آن که همسایه‌اش مرده و به خاطر خوار بودن آن مرده در نظرش جنازه‌اش را تشییع نکرده، و آن که از تسلیت مصیبت‌زده اعراض کند، و به وی از روی حقارت و پستی جفا کند، و کسی که عاق کند پدر و مادر خود، یا یکی از آن دو را، و کسی که پیش از شعبان ایشان را عاق کرده بود، و در شعبان ایشان را خشنود نساخت، و حال آنکه قدرت بر آن را داشت و همچنین هرکس کاری از سایر اقسام شهر را انجام دهد، آویخته به شاخه‌ای از شاخه‌های زقوم است، و سوگند به آن که مرا به راستی به پیامبری برگزید که در آویختگان به شاخه‌های درخت طوبی با آن شاخه‌ها به سوی بهشت بلند می‌شوند.

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله اندکی نظر خود را به جانب آسمان بلند کرد، و می‌خندید و مسرور بود، سپس نظر مبارک را به سوی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 270

زمین به زیر انداخت، پس پیشانی مبارك را درهم کشید و روی مبارك عبوس گشت، آنگاه رو به اصحاب خود کرد و فرمود: سوگند به آن که محمد را به راستی به پیامبری برگزید به تحقیق دیدم درخت طوبی را که بلند می شد، و بلند می کرد آنان را که به او درآویخته بودند به سوی بهشت، و دیدم از ایشان را که درآویخته بودند به يك شاخه از آن، و بعضی به دو شاخه، یا به چند شاخه، ب رحسب پای بندیشان بر طاعات.

و هرآینه زید به حارثه را می بینم که در آویخته به بیشتر شاخه های آن و آن شاخه ها بلند می کنند او را به اعلا علیین [بالا ترین مرتبه] بهشت، از این جهت خندیدم و خوشحال شدم، آنگاه به سوی زمین نگاه کردم و سوگند به آن که مرا به راستی به پیامبری برانگیخت درخت زقوم را دیدم که به پایین می رفت شاخه های آن، و درآویختگان به خود را به سوی دوزخ پایین می برد.

و دیم گروهی از ایشان را درآویخته به شاخه ای، و گروهی به دو شاخه یا چند شاخه بر حسب پافشاریشان بر گناهان.

و هرآینه بعضی از منافقان را می بینم، که به بیشتر شاخه های آن درآویخته اند، و آن شاخه ها او را به اسفل درکات [پایین ترین مهله ها] فرو می برند، از این جهت روی دهم کشیدم، و پیشانی ام گرفت.

روز سوم: روز بسیار مبارکی است، شیخ طوسی در کتاب «مصابح» فرموده است: در این روز حضرت حسین بن علی علیهما السلام متولد شد، و در چنین روزی توفیع [دست نوشت] شریف به سوی قاسم بن علاء همدانی وکیل حضرت امام حصن عسگری علیه السلام بیرون آمد که: مولایمان امام حسین علیه السلام در روز پنجشنبه سوم شعبان متولد شد، پس آن روز را روزه بگیر، و این دعا را بخوان:

خدایا از تو می خواهم به حق مولود د راین روز، که به شهادتش وعده داده شد پیش از برخاستن صدایش و قبل از ولادتش، آسمان و هرکه در آن است، زمین و هرکه بر آن است بر او گریست درحالی که هنوز قدم در جهان نگذاشته بود، کشته اشك،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 271

سرور خاندان، مددیافته به یاری، روز بازگشت، پاداش شهادتش اینکه امامان از نسل اویند، و شفا در کام اوست، و پیروزی با اوست درگاه بازگشتش، و جانشینان از خاندانش پس از قیام کننده شان و غیبت او، تا انتقام گیرند و خون خواهی

نمایند، و حضرت جبار را خشنود سازند و بهترین یاران دین حق شوند، درود خدا بر ایشان همگام با رفت و آمد شب و روز. خدایا! به حق آنان به تو توسل می‌جویم و از تو درخواست می‌کنم درخواست گنهکار معترف به گناه و بد کرده به خود با اموری که در امروز دیروزش کوتاهی نموده، از تو تا هنگام رفتن در گورش پناه می‌خواهد، خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما را در جمع او محصور کن، و همراه وی در بهشت و جایگاه ابدی جای ده. خدایا! همچنان که ما را به شناسایی اش گرامی داشتی پس ما را به تقرب به آن حضرت گرامی دار، و رفاقت و سابقه محبت با او را روزی ما فرما، و ما را از کسانی قرار ده که فرمانش را تسلیم می‌شوند، و به هنگام بردن نامش صلوات زیاد بر او می‌فرستند، و هم بر همه جانشینان و خاندان برگزیده‌اش، آن یاری شدگان از سوی تو به عدد دوازده، آن ستارگان درخشانند، و حجت‌های الهی بر تمام بشر، خدایا! ببخش بر ما در این روز بهترین بخشش را، و برآور برای ما هر خواسته‌ای را، چنان که حسین را به محمد بخشیدی، و فطرس به گهواره‌اش پنهانده شد، و ما پنهانده به مزار اوییم پس از شهادتش، بر تربتش حاضر می‌شویم و بازگشتش را انتظار می‌کشیم، آمین ای پروردگار جهانیان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 272

بعد از این دعا، می‌خوانی دعای امام حسین علیه السلام را، و این آخرین دعای آن حضرت است در روزی که دشمنانش فرونی گرفتند، یعنی روز عاشورا خدایا تو بلندمرتبه و بزرگ جبروتی و در عذاب بس یختگیری، از آفریدگان بی‌نیازی، کبریا یات فراگیر است، بر هرچه می‌خواهی توانایی، رحمت به بندگان نزدیک است، وعده‌ات راست، نعمت کامل، و آزمونت نیکوست، هنگامی که خوانده شوی بسیار نزدیکی، به آنچه آفریدی احاطه داری، برای آن که توبه کند پذیرای توبه‌ای، بر هرچه اراده کنی توانایی، و آنچه را بجویی به دست آوری، هرگاه سپاس شوی، سپاس‌پذیری، و هرگاه یاد شوی یاد کنی، از سر نیاز تو را می‌خوانم، و با احتیاج به سوی تو میل می‌کنم، و بیمناک به جانب تو پناه می‌آورم و غمگین به درگاهت گریه می‌کنم، و در کمال ناتوانی از تو کمک می‌خواهم، و برای کفایت امورم بر تو توکل می‌نمایم، بین ما و بین قوم ما [به حق] داوری کن که آنان ما را فریفتند، و به ما نیرنگ زدند و از یاری ما دست کشیدند، و با ما بی‌وفایی نمودند و ما را کشتند، و حال آنکه ما عترت پیامبر تو، و فرزندان محبوب تو محمد بن عبد الله هستیم، آن که او را به رسالت برگزیدی، و بر وحی خود امین قرار دادی، در کار ما گشایش و راه رهایی از مشکل قرار ده، به مهرت ای مهربان‌ترین مهربانان.

ابن عیاش گفت: از حسین بن علی بن سفیان بزوفری شنیدم، که می گفت: امام صادق علیه السّلام این دعا را، در این روز می خواند و نیز فرمود این دعا از دعاهای روز سوم شعبان، روز ولادت امام حسین علیه السّلام است.

شب سیزدهم: اوّل لیالی بیض [شبهای روشن که عبارتند از شبهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم] است، و کیفیت نماز شب سیزدهم و دو شب بعد در اعمال ماه رجب [صفحه 238] بیان شد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 273

شب نیمه شعبان: شب بسیار مبارکی است، از امام صادق علیه السّلام روایت شده که از امام باقر علیه السّلام از فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد، ایشان فرمود: این شب پس از شب قدر برترین شبهاست. در این شب خدا فضل خود را بر بندگان سرازیر می کند، و آنان را به بخشش و کرم خویش می آموزد، پس در تقرب جستن به سوی خدای تعالی در آن بکوشید، که آن شبی است که خدا به ذات مقدّس خود سوگند یاد کرده، که سائلی را از درگاه خویش با دست خالی بازنگرداند مادام که انجام معصیتی را درخواست نکند، و شب نیمه شعبان شبی است که حق تعالی آن را برای ما قرار داد و در عوض شب قدر که آن را مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود، پس در دعای و ثنا بر خدای تعالی کوشش کنید ...، تا آخر خبر.

از جمله برکات این شب مبارک، ولادت با سعادت حضرت سلطان عصر امام زمان (ارواحنا له الفداء) است که در سحر چنین شبی در سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری در سرّمن رأی [سامرای کنونی] واقع شد، و باعث فزونی شرافت این شب مبارک گشت. برای این شب چند عمل دارد است:

اوّل: غسل کردن که باعث تخفیف گناهان است.

دوّم: شب زنده داری به نماز و دعا و استغفار، چنان که امام زین العابدین علیه السّلام انجام می دادند، و در روایت آمده: هرکه این شب را به رازونیز و عدابت پردازد دل او نمیرد در روزی که دلها بمیرند.

سوّم: زیارت امام حسین علیه السّلام که افضل اعمال این شب است و باعث آمرزش گناهان است، و هرکه میل دارد تا ارواح صدویست و چهار هزار پیامبر با او دست آشنایی دهند، در این شب امام حسین علیه السّلام را زیارت کند، کمترین حدّ زیارت آن حضرت آن است که بر بالای بامی برآید و به جانب راست و چپ نظر کند، سپس سر به جانب آسمان برآرد، و با این کلمات حضرت را زیارت کند:

درود بر تو ای ابا عبد الله، درود و رحمت و برکات خدا بر تو

و هرکس در هر کجا باشد و در هر زمان آن حضرت را به این شیوه زیارت کند، امید است که پاداش حج و عمره برای او نوشته شود. و ما زیارت مخصوص این شب را در باب زیارات به خواست خدا ذکر خواهیم نمود. [صفحه 687]

چهارم: خواندن دعایی که شیخ و سید نقل کرده‌اند، و به منزله زیارت امام زمان (صلوات الله علیه) است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 274

خدای به حق این شب و مولود در آن، و به حق حجت و موعود او، که به فضیلتش فضیلت دیگری را قرین ساختی، پس کامل شد کلمات به راستی و عدالت، برای کلمات دگرگون سازی نیست، و برای آیات پس زنده‌ای نمی‌باشد، نور درخشان، و پرتو فروزانت، و نشانه روشنیت در شب تاریک، آن غایب پوشیده از نظر، که عظیم بوده ولادتش، و شریف است اصل و نسبش، فرشتگان گواه اویند، و خدا یاور و تأیید کننده‌اش آنگاه که وعده ظهورش در رسد و فرشتگان مددکاران اویند، شمشیر خداست که کند نشود، و نور حق است که خاوش نگردد، و با بردباری است که کاری بی‌منطق انجام ندهند، مدار روزگار است. [پدرانش] نوامیس عصر، و متولیان حکومت حق‌اند، نازل شده بر آنان آنچه در شب قدر نازل می‌شود، اصحاب حشر و نشرند، و مفسران وحی خدا، و والیان امر و نهی حق. خدایا! بر خاتم و قائمشان که پوشیده از عوالم ایشان است درود فرست. خدایا! ما را به درك ایام او و ظهور و قیامش نایل فرما، و از یارانش قرارمان ده، و خوخواهی او قرین کن، و ما را در شمار یاران و دلدادگانش ثبت فرما، و در دولتش شاد و خرم زنده بدار، و از همنشینی‌اش بهره‌مند ساز و برپادارنده حقش قرارمان ده، و از بدیها به سلامت بدار، ای مهربانترین مهربانان، و سپاس خدای را پروردگار عالمیان، و درودهای بی‌پایان خدا بر آقایان محمد خاتم پیامبران و رسولان، و بر اهل بیت راستگو و خاندان حقگویش باد، و خدا لعنت فرست بر همه ستمکاران، و بین ما و بین آنان داوری کن، ای داورترین داوران. پنجم: شیخ از اسماعیل بن فضیل هاشمی روایت کرده که گفت:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 275

حضرت صادق علیه السلام این دعا را به من تعلیم داد که آن را در شب نیمه شعبان بخوانم: خدایا تویی زنده به خود پاینده برتر بزرگ، آفریننده روزی بخش، زندگی بخش میرانند، آغاز کننده پدیدآورنده، بزرگی تورااست، برتری تورااست، سپاس از آن توست، نعمت و جود، کرم و فرمان، بزرگواری و شکر تنها تورااست، یگانه‌ای، شریکی برای تو نیست، ای یگانه

ای یکتا، ای مقصود خلق، ای آن که نزاده و زاد هنشده و برایش همتایی نبوه، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بیامرز و به من رحمت آر، و نیازهای مهم مرا کفایت فرما، بدهکاری ام را ادا کن، روزی ام را وسعت ده، به درستی که تو در این شب هر کار استواری را مقدر می کنی، و هرکه از خلق خود را بخواهی روزی می دهی، پس مرا روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی، تو گفتی و تو بهترین گوینده و سخنگویی: «از فضل خدا بخواهید» بنابر این از فضل می خواهم، و تو را قصد کردم و به فرزند پیامبرت اعتماد نمودم، و به تو امید بستم، بر من رحم کن، ای مهربانترین مهربانان.

ششم: دعایی را بخواند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این شب میخواندند خدایا از خشیت چنان نصیب ما کن، که بین ما و نافرمانی تو حایل شود، و از طاعت آنچه که ما را به خشنودی ات برساند، و از یقین به قدری که گرفتاریهای دنیا را بر ما آسان سازد، خدایا ما را به گوشه‌ایمان و دیدگانمان و نیروهایمان تا گاهی که ما را زنده می داری بهره‌مند گردان، و آن را وارث ما قرار بده، و انتقام ما را بر عهده کسی قرار ده که بر ما ستم روا داشته، و ما را بر کسی که با ما دشمنی ورزیده یاری ده، و مصیبت ما را در دین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 276

ما قرار نده، و دنیا را بزرگ‌ترین اندیشه و نهایت دانش ما قرار مده، و آن را که به ما رحم نمی کند بر ما چیره مکن، به مهربانی ات ای مهربان‌ترین مهربانان. این دعا دعای جامع و کاملی است که خواندن آن در اوقات دیگر هم، مغتنم است، و از کتاب «غوالی اللّٰهالی» چنین روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله همواره این دعا را می خواندند.

هفتم: بخواند صلوات هر روز را که هنگام زوال [هنگام ظهر شرعی] می خواند: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةُ التَّوْبَةِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ... هشتم: دعای کمیل را بخواند که ورودش در این شب است، و به طور کامل در باب اوّل گذشت.

نهم: هر يك از ذکرهای «سبحان الله» و «الحمد لله» و «الله اكبر» و «لا اله الا الله» را صد مرتبه بگوید، تا خدای تعالی همه گناهان گذشته او را بیامرزد، و حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد. دهم: شیخ طوسی در کتاب (مصباح) از ابو یحیی در ضمن خبری در فضیلت شب نیمه شعبان روایت کرده است که گفت: به مولای خود امام صادق علیه السلام گفتم: بهترین دعاها در این شب کدام است؟ فرمود: هرگاه نماز عشا را بجا آوردی، دو رکعت نماز به این ترتیب بخوان در رکعت اول سوره «حمد» و سوره «کافرون» و در رکعت دوم سوره «حمد» و سوره «توحید» و چون سلام دادی، بگو: «سبحان الله» سی و سه مرتبه، و «الحمد لله» سی و سه مرتبه و «الله اكبر» سی و چهار مرتبه، سپس بگو: ای آن که پناه

بندگان در سختیها به سوی اوست، و بندگان در رخدادهای ناگوار به سوی او پناه می‌برند، ای دانای آشکار و نهان، ای آن که خیالات وهم و فکر، و آنچه را اوهام در نظر می‌آورد بر او پنهان نمی‌ماند، ای پروردگار خلاق و آفریده‌ها، ای آن که ملکوت زمینها و آسمانها به دست اوست، تویی خدا، معبودی جز تو نیست، به اینکه معبودی جز تو نیست توسل می‌جویم، پس ای آن که معبودی جز تو نیست، مرا در این شب از کسانی قرار ده که به ایشان نظر کردی و به آنان رحم نمودی، و دعایشان را شنیدی پس اجابت کردی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 277

و درخواست گذشت از گناهشان را دانستی، پس ایشان را آمرزیدی، و از خطای گذشته و گناه بزرگشان درگذشتی، به تحقیق از گناهانم به تو پناه آوردم، و برای پرده‌پوشی عیبهایم به تو پناهنده شدم، خدایا! با کرم و فضیلت بر من ببخش، و به بردباری و گذشت خطاهایم را بریز، و مرا در این ب با کرامت کاملت فرو پوشان، و از اولیایت که برای طاعتت برگزیدی، و برای عبادت اختیار کردی و خالص و برگزیده درگاهت نمودی قرار ده. خدایا! مرا از کسانی که کوشش‌شان قرین سعادت شد، و بهره‌شان از خیرات کامل گشت قرار ده، و نیز مرا از کسانی قرار ده که سلامت یافتند و نعمت‌پذیر و رستگار گشته پس بهره بردند، و مرا از گزند آنچه پشت سر گذاردم کفایت فرما، و از زیاده‌روی در معصیت نگاه دار، طاعتت و هر آنچه مرا به تو نزدیک می‌سازد و مقرب درگاهت می‌نماید محبوب من قرار ده، سرورم هر فراری به تو پناه می‌آورد، و هر جوینده به تو التماس می‌کند، و هر عذرخواه توبه‌کار بر کرم تو تکیه می‌زند، بندگان را با احترام گذراند به آنان ادب کردی و تو کریم‌ترین کریمانی، و بندگان را دستور به گذشت دادی و تویی آمرزنده مهربان. خدایا! مرا نسبت به آنچه از کرم امیدوارم بی‌بهره مکن، و از نعمتهای کاملت ناامید مساز، و از بهره فراوانت که در این شب برای اهل طاعتت مقرر نموده‌ای بی‌نصیب مکن، و مرا از شرار مخلوقات در سپر استواری قرار ده، پرودگارا هرچند سزاوار آن همه عنایت نباشم، ولی تو اهل کرم و گذشت آمرزشی، بر من چنان که شایسته آنی مرحمت فرما، نه چنان که سزاوار آنم، زیرا گمانم به تو نیکو است، و امیدم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 278

تو برجا، و به کرمت آویخته‌ام، پس تو مهربان‌ترین مهربانانی، و کریم‌ترین کریمانی، خدایا! خاص گردان مرا از روی کرمت به فراوانی روزی، و پناه می‌آورم به عفو از عقابت، و بیامرز بر من گناهی را که زشت‌خویی آورد، و روزی را بر من تنگ می‌کند، تا به خشنودی درخورت بپا خیزم، و به فراوانی عطایت متنعم شوم، و به نعمتهای کاملت خوشبخت گردم،

هرآینه به آستان پناه آوردم، و متعرض کرم شدم، و به عفو از مجازات، و به بردباری از خشم پناه بردم، پس ببخش مرا آنچه که از تو درخواست نمودم، و به به من برسان آنچه را از تو خواهش کردم، از تو می‌خواهم به حق خودت نه به چیزی که بزرگتر از تو باشد که چیزی بزرگتر از تو نیست. آنگاه به سجده می‌روی و می‌گویی:

پرودگارا «یا رب» بیست مرتبه، خدایا «یا الله» هفت مرتبه، جنبش و نیروی جز به خدا نیست هفت مرتبه، خواست خواست خدا است ده مرتبه، نیروی جز به خدا نیست ده مرتبه، پس صلوات می‌فرستی بر پیامبر و آل او علیهم السلام. و از خدا حاجت خود را می‌خواهی، پس سوگند به خدا که اگر در پی این عمل، به عدد قطرات باران حاجت بخوایی هرآینه خدا (عز و جل) به کرم فراگیر و فضل بزرگش، آن حاجت را به تو می‌رساند.

یازدهم: شیخ طوسی و کفعمی فرموده‌اند که در این شب این دعا را بخواند:

الهی در این شب روی آوردند به سوی تو روی آورندگان، و قصد تو نمودند قصدکنندگان، و فضل و احسان را آرزو کردند جویندگان، از جانب تو در این شب نسیمهای رحمت و هدایا و عطاها و مواهی است که به هرکس از بندگانت بخوایی تفضل می‌کنی، و از هرکس که پیشینه عنایت شامل حال او نگشته باز می‌داری، هم اینک من این بنده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 279

کوچک تو، نیازمند به تو، احسان و نیکی‌ات را آرزومندم، چنانچه ای مولای من در جایگاهی که در این شب بر یکی از بندگانت احسان نمودی، و بر او جایزه‌ای عطا کردی، پس بر محمد و خاندان محمد که پاکان و پاکیزگان و نیکوکاران و برترینند درود فرست، و از نعمت و نیکی‌ات بر من ببخش ای پروردگار جهانیان، و درود خدا و سلام بسیار بر محمد خاتم پیامبران و خاندان پاکش باد، به درستی که خدا ستوده و بزرگوار است. خدایا! تو را می‌خوانم آنچنان که فرمان دادی، پس دعایم را به اجابت برسان همانطور که وعده فرمودی، که تو هرگز از وعده خویش تخلف نکنی. و این دعایی است که در سحرها در پی نماز شفع خوانده می‌شود. دوازدهم: بعد از هر دو رکعت از نماز شب و شفع، و بعد از دعاها و تر دعایی را که شیخ طوسی و سید ابن طاووس روایت کرده‌اند بخواند. سیزدهم: سجده‌ها و دعاها را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده بجا آورد از جمله روایتی است که شیخ از حماد بن عیسی از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت، امام صادق علیه السلام فرمودند: شب نیمه شعبانی فرا رسید، رسول خدا در آن شب در منزل عایشه بود، چون شب به نیمه رسید از بستر خود برای عبادت برخاست، هنگامی که عایشه بیدار شد، دریافت که پیامبر

از خوابگاه خویش بیرون رفته، وی را همچون اغلب زنان وسوسه گرفت، گمان کرد آن حضرت نزد همسر دیگری از همسرانش رفته، از جا برخاست و چادرش را بر خود پیچید و سوگند به خدا که چادر او از ابریشم و کتان نبود، تارش از مو، و پودش از کرک شتر مایه داشت، حجره به حجره در حجره های زنان رسول خدا جستجو می کرد، در این میان که در جستجوی آن حضرت بود، ناگهان نگاهش به رسول خدا افتاد که مانند جامه ای بر زمین چسبیده در حال سجده است، به نزدیک آن حضرت رفت، شنید در سجده اش چنین می گوید:

همه هستی و اندیشه ام برای سجده کرد، و دلم به تو ایمان آورد، این است دستام و آنچه بر خود جنایت کردم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 280

ای بزرگی که برای هر کار بزرگی به او امید است، از من گناه بزرگ را بیامرز، زیرا گناه بزرگ را جز پروردگار بزرگ نمی آورد.

سپس سر مبارك خویش را از سجده برداشت، و دوباره به سجده برگشت، عایشه شنید که آن حضرت می گوید:

پناه می آورم به نور جلوه ات که آسمانها و زمینها بر آن روشن شد، و تاریکیها با آن برطرف گشت، و با آن کار گذشتگان و آیندگان اصلاح شد، از فرا رسیدن عذاب ناهنگامت و از دگرگونی عافیت، و از زایل شدن نعمت. خدایا! دل با تقوا و صفا یافته، و بیزار از شرك، نه کافر و بدبخت روزی من گردان.

سپس دو طرف روی خود را بر خاک نهاد و گفت: روی خویش را به خاک ساییدم، و مرا سراسر است که تو را سجده کنم. آنگاه که روس خدا صلی الله علیه و آله خواست به اطاق برگردد، عایشه با شتاب به جانب بستر خویش رفت، و هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به خوابگاه خویش آمد، شنید که عایشه بلند نفس می زند، فرمود: این بلند نفس زند چیست؟

آیا ندانستی که امشب چه شبی است؟ این شب نیمه شعبان است که در آن روزیها قسمت می شود، و زمان مرگ اشخاص ثبت می گردد، و نام کسانی که باید به حج بروند نوشته می شود، به درستی که خدای تعالی آمرزد از میان خلق خود بیش از عدد موهای بزهای قبیله کلب را، و در این شب خدای تعالی فرشتگان را از عالم بالا به سوی مکه در زمین می فرستد.

چهاردهم: نماز جناب جعفر طیار را بجا آورد، چنان که شیخ از امام رضا علیه السلام روایت کرده.

پانزدهم: نمازهای این شب را بجا آورد که بسیار است، از جمله نمازی است که ابو یحییٰ صنعانی از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت کرده، و همچنین سی نفر از کسانی که مورد اطمینان و اعتماد هستند از آن دو بزرگوار روایت کرده‌اند که هرگاه شب نیمه شعبان فرا رسید چهار رکعت نماز بجا آور به این ترتیب که در هر رکعت سوره «حمد» و پس از آن صد مرتبه سوره «توحید» را بخوان. و چون فارغ شدی بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 281

خدایا! نیازمند به توام، و از عذابت بیمناک و به تو پناهنده‌ام، خدایا! نامم را از گروه بندگان به گروهی دیگر تبدیل مکن، جسمم را تغیر مده، آزمونم را سخت مکن، دشمن شادم مساز، پناه می‌آورم به عفو از مجازاتت، و به رحمت از عذابت، و به خشنویت از خشم، و به تو از تو، ثنایت بس بزرگ است، تو چنانی که خود بر خویش ثنا کردی و برتر از آنچه گویندگان گویند.

و بدان که برای خواندن صد رکعت نماز در این شب به این ترتیب که در هر رکعت سوره «حمد» يك مرتبه و سوره «توحید» ده مرتبه خوانده شود، فضیلت بسیار بسیار وارد شده، و در اعمال ماه رجب دستور العمل شش رکعت نماز در این شب با سوره‌های «حمد» و «تبارک» و «لیس» و «توحید» گذشت.

روز نیمه شعبان: روز ولادت شریف امام دوازدهم مولانا و امامنا المهدی حضرت حجة بن الحسن صاحب الزمان (صلوات الله علیه و علی ابائه) است. «و زیارت آن حضرت در هر زمان و مکان و دعا برای تعجیل فرج آن حضرت به هنگام زیارتش مستحب است، و زیارت آن حضرت در سراب شهر سامراء تأکید بیشتری دارد، و اوست که ظهور و فرمانروایی‌اش یقینی است، و اوست که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان که از ستم و بیداد پر شده است.»

اعمال سایر روزهای این ماه: از حضرت رضا علیه السلام روایت شده: هرکه سه روز آخر ماه شعبان را روزه بدارد و آن را به ماه مبارک رمضان پیوند دهد حق تعالی ثواب روزه دو ماه پی‌درپی را برای او بنویسد. ابو الصلت هروی روایت کرده: در جمعه آخر ماه شعبان خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم، حضرت فرمود، ای ابو الصلت بیشتر ماه شعبان گذشت، و این روز جمعه آخر آن است. پس تدارک و تلاقی کن در انجام آنچه از این ماه باقی مانده و کوتاهی‌هایی که در گذشته این ماه کرده‌ای، و بر تو باد بر آنچه برای تو سودمند است روی آوری و بسیار دعا و استغفار کرده و قرآن تلاوت کند، و از گناهان خود به سوی خدا توبه کن، تا وقتی ماه مبارک فرا رسد، خود را برای خدا خالص کرده باشی، و امانت و حق کسی را،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 282

بر عهده خود مگذار مگر آنکه ادا کنی، و در دل خویش کینه کسی را وامگذار مگر آن که بیرون کنی، و گناهی را مگذار جز آن که ترك کنی و از خدا بترس، و در امور پنهان و آشکار خود، بر او توکل کن، که هرکس بر خدا توکل کند، خدا او را بس است، و در باقیمانده ماه این دعا را بسیار بخوان:

خدایا اگر در آنچه از ماه شعبان گذشت ما را نیامرزیدی، پس در آن مقدار که از آن باقی مانده است ما را بیامرز.

به درستی که حق تعالی در این ماه، بنده‌های بسیاری را به خاطر حرمت ماه مبارک رمضان، از آتش دوزخ برهاند. شیخ طوسی از حارث بن مغیره نضری روایت کرده است که امام صادق علیه السلام در شب آخر ماه شعبان، و شب اول ماه رمضان چنین می‌خواند:

خدایا این ماه مبارک که قرآن در آن نازل گشته، و هدایت برای مردم، و دلایل روشنی از هدایت و تمیز میان حق و باطل قرار داده شده است، فرا رسید، پس ما را در آن به سلامت بدار و آن را برایمان سالم نگهدار، و از سوی خویش در حال آسانی و سلامت کامل از ما تحویل بگیرش، ای آن که اندک را بپذیرد، و بسیار را قدر نهد، از من اندک را بپذیر. خدایا از تو درخواست می‌کنم برای من به سوی هر خیری راهی، و از هرچه نمی‌پسندی مانعی قرار دهی، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای آن که از من درگذشت و از آنچه از زشتیها در پنهان انجام دادم چشم‌پوشی کرد، ای آن که مرا به سبب ارتکاب گناهان سرزنش نمود، عفو، عفو، عفو را خواهم، ای کریم. خدایا پندم فرمودی، پندپذیر نشدم، و از حرامهای بازم داشتی، باز نایستادم، پس مرا چه عذری است، از من درگذر ای کریم، عفو، عفو، عفو را خواهم، خدایا! آسودگی به گاه مرگ و عفو هنگام حساب را از تو می‌خواهم، گناه از بندهات بزرگ شده، پس شایسته است گذشت از جانب تو نیکو باشد، ای پروا پذیر،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 283

و شایسته آمرزش، عفو، عفو، عفو را خواهم، خدایا! من بنده تو، فرزند بنده تو، فرزند کنیز توام، ناتوانم به رحمت نیازمندم، تو فرود آورنده دارایی و برکت بر بندگان هستی، چیره و توانایی، کارهای بندگان را شمرده‌ای، و روزی‌شان را قسمت کرده‌ای، و زبانه‌ها و رنگهایشان را مختلف قرار دادی، آفرینشی از پس آفرینش دیگر، بندگان کرانه‌های دانش را نمی‌دانند، و جایگاهت را اندازه ندارند، و همه ما نیازمند به رحمت تویم، روی از من برمتاب، و مرا در عمل و آرزو و قضا و قدر از شایستگان بندگان قرار ده. خدایا مرا باقی بدار به بهترین بقاء، و بمیران به بهترین مرگ، بر پایه دوستی

دوستان، و دشمنی با دشمنان، و میل به سویت، و ترس از حضرت، و خشوع و وفا و تسلیم در آستان، و تصدیق به کتابت، و پیروی از روش پیامبر. خدایا آنچه در دلم می باشد از شك یا تردید یا انگار یا ناامیدی یا خوشی هواپرستانه یا کبر یا سرکشی یا خودبینی یا ریا یا میل به شهرت یا نفاق افکنی یا دورویی یا کفر یا نافرمانی یا گناه یا فخرفروشی یا هرچه که نزد تو ناخوشایند است، پس از تو درخواست می کنم ای پروردگارم که آنها را تبدیل کنی به ایمان به وعدهات و وفای به پیمان و خشنودی به قضایات و پارسایی در دنیا و رغبت به آنچه نزد توست، و انتخاب نیکو و آرامش و توبه خالص، همه اینها را از تو درخواست می کنم ای پروردگار جهانیان، بار خدایا از روی بردباری ات نافرمانی شوی، و به خاطر کرم و بخشندگی ات اطاعت گردی چنان که گویا نافرمانی نشدی، و من و هر که نافرمانی ات

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 284

نکردند، ساکنان زمین تویم، بر ما با فضل بخشنده باش، و با خیر بهره رسان، ای مهربان ترین مهربانان، و درود خدا بر محمد و خاندانش باد، درودی همواره که به شمار و عدد در نیاید، و قدرش را جز تو نداند، ای مهربان ترین مهربانان.

فصل سوّم: در فضیلت و اعمال ماه مبارک رمضان

شیخ صدوق به سند معتبر، از حضرت رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش، از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که: روزی رسول خدا صلی الله و علیه و آله برای ما خطبه ای خواند و در آن خطبه فرمود: ای مردم ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش به سوی شما روی آورده، ماهی که نزد خدا بهترین ماهها، و روزهایش بهترین روزها، و شبهایش بهترین شبها و ساعاتش بهترین ساعاتهاست، و آن ماهی است که شما را در آن به سوی میهمانی خدا خوانده اند، و در آن از اهل کرامت خدا شده اید، نفسهای شما در آن ماه پاداش تسبیح، و خواب شما ثواب عبادت، و اعمال شما پذیرفته، و عاهای شما مستجاب است، از پروردگار خویش با نیت های صادقانه و دل های پاکیزه از گناهان و صفات ناپسند درخواست کنید که به شما برای روزه داشتن در آن و تلاوت قرآن توفیق دهد، همانا بدبخت و بدعاقبت کسی است که در این ماه بزرگ از آمرزش خدا محروم شود. و به گرسنگی و تشنگی در این ماه، تشنگی و گرسنگی روز قیامت را به یاد آرید، به تهیدستان و از کارافتادگان صدقه دهید، پیران خود را تعظیم و به کودکان مهربانی روا دارید، خویشان خود را نوازش کنید و زبانهای خود را از آنچه نباید گفت بازدارید و دیده های خویش را از آنچه نگاه به آن روا نیست فرو پوشید، و گوشهای خود را از آنچه شنیدنش بر شما سزاوار نیست بازدارید، با یتیمان مهربانی کنید، تا بعد از شما با یتیمان شما مهربانی کنند.

از گناهان خود به سوی خدا توبه کنید، دستهای خود را در اوقات نماز به دعا بردارید، زیرا وقت نماز بهترین ساعتهاست، حق تعالی در این اوقات به سوی بندگانش به رحمت نظر می کند، به آنان پاسخ می دهد هرگاه او را بخوانند و لبیک می گوید، هرگاه او را ندا دهند اجابت می نماید هرگاه او را بخوانند. ای مردم همانا وجود شما در گرو کرده های شماست پس آن را با آموزش خواهی از خدا از گرو رها سازید. و پشت شما از گناهان گرانبار است، پس آن را به طولانی ساختن سجده ها سبک کنید، و بدانید حق تعالی به عزّت و جلال خود سوگند یاد کرده، که نمازگزاران و سجده کنندگان در این ماه را عذاب ننماید، و آنان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 285

را در قیامت به آتش دوزخ نرساند. ای مردم هرکه از شما روزه دار مؤمنی را در این ماه افطار دهد، برای او نزد خدا ثواب آزاد کردن بنده و آموزش گناهان پیشین خواهد بود. بعضی از اصحاب گفتند: یا رسول الله همه ما توانایی افطار دادن نداریم، فرمود: از آتش دوزخ بپرهیزید به افطار دادن روزه داران، گرچه به نصف دانه خرما، یا به يك جرعه آب باشد، همانا خدا به هرکه به همین مقدار افطاری دهد، این پاداش را میدهد، حتی اگر توانایی بیشتر از این را نداشته باشد!! ای مردم هرکه اخلاق خود را در این ماه نیکو کند، آسان و راحت بر صراط بگذرد روزی که قدمها بر آن بلغزد، و هرکه در این ماه بر به کار گرفتن غلام و کنیز خویش آسان گیرد، خدا در قیامت حساب او را آسان کند، و هرکه در این ماه شرّ خود را از مردم بازدارد، حق تعالی خشم خویش را در قیامت از او بازدارد و هرکه در این ماه یتیم بی پدری را نوازش کند، خدا در قیامت او را گرمی دارد و هرکه در این ماه به خویشان خود صله و احسان کند، خدا در قیامت او را به مهر خود پیوند دهد، و هرکه از خویشان خود احسان را قطع کند، خدا در قیامت رحمت خود را از او بردارد، و هرکه در این ماه نماز مستحب بجا آورد، خدا برای او برات بیزاری از آتش دوزخ ثبت کند. و هرکه در این ماه نماز واجبی را ادا کند، خدا به او پاداش هفتاد نماز واجب را که در ماههای دیگر خوانده شود عطا نماید، و هرکه در این ماه صلوات بسیار بر من فرستد، خدا ترازوی عمل او را سنگین گرداند، در روزی که ترازوهای عمل سبک باشند و هرکه در این ماه يك آیه از قرآن بخواند، پاداش کسی را دارد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد. ای مردم به یقین درهای بهشت در این ماه باز است، از خدا بخواهید که به روی شما نبندد، درهای دوزخ در این ماه بسته است، از خدا درخواست نمایید که به روی شما نگیرد، و شیاطین را در این ماه به زنجیر کشیده اند از خدا بخواهید که آنان را بر شما چیره نسازد تا آخر خبر شیخ صدوق روایت کرده چون ماه رمضان میرسید رسول خدا صلی الله و علیه و آله هر اسیری را آزاد میکرد و به هر خواهنده ای عطا میفرمود. مؤلف گوید: ماه رمضان ماه خدای جهانیان و شریفترین ماههاست ماهی که درهای آسمان و درهای بهشت و

رحمت باز می‌شود، و درهای دوزخ بسته می‌شود، در این ماه شبی است که عبادت در آن از عبادت هزار ماه بهتر است، پس درنگ کن که در شب‌وروز خود چگونه خواهی بود، و چگونه اعضا و جوارح خویش را از نافرمانی پروردگار حفظ می‌کنی؟ مبدا شبها خواب باشی، و روزها از یاد خدا غافل، همانا در روایت است، که در پایان هر روز از روزهای ماه رمضان خدا در وقت افطار، هزار هزار نفر را از آتش دوزخ آزاد می‌کند، و چون شب جمعه و روز جمعه شود، در هر ساعتی هزار هزار نفر را از آتش دوزخ می‌رهاند، که هر يك مستوجب عذاب بوده باشند، و در شب‌وروز آخر ماه، به تعداد آنچه در تمام ماه رها ساخته آزاد می‌کند، پس ای عزیز مبدا که ماه رمضان بگذرد، و گناهانت بر عهده‌ات باقی مانده باشد،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 286

و در وقتی که روزه‌داران پاداش خود را بگیرند تو از جمله محرومان و زیانکاران باشی، و به سوی خدای تبارک و تعالی تقرب جوی به تلاوت قرآن در شبها و روزهای این ماه، و به خواندن نماز، و کوشش در عبادت و خواندن نمازها در اوقات فضیلت، و کثرت استغفار و دعا.

از امام صادق (درود بر او) روایت شده است: هر که در ماه رمضان مورد مغفرت قرار نگیرد، تا سال آینده قرار نمی‌گیرد، مگر آنکه برای آمرزیده شدن در عرفه حاضر شود.

و خود را از آنچه خدا حرام کرده و از افطار دادن به چیزهای حرام، حفظ کن و به گونه‌ای رفتار کن که مولای ما حضرت صادق علیه السلام وصیت فرموده که: هرگاه روزه هستی باید گوش و چشم و پوست و همه اعضای تو روزه باشند، یعنی از انجام محرمات بلکه مکروهات دوری کنند و نیر فرمود: گاه روزه تو نباید همانند روز افطار تو باشد، و همچنین فرمود: روزه به همین خودداری از خوردن و آشامیدن تنهاست، بلکه باید در هنگام روزه، زبان خود را از دروغ نگاه دارید، و دیده‌های خود را از حرام بپوشانید و با یکدیگر نزاع نکنید، و بر هم حسد نوزید، و غیبت و گفتگوی بی‌منطق ننمایید، و سوگند دروغ بلکه حتی سوگند راست به زبان نیاورید، و دشنام و ناسزا ندهید، و بی‌خردی نوزید، و دلتنگ نشوید، و از یاد خدا و نماز غفلت نکنید، و از آنچه نباید گفت خاموش باشید، شکبیا باشید، و سخن به راستی گوید، از اهل شر دوری کنید، و از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت با مردم و گمان بد بردن و غیبت و سخن‌چینی اجتناب کنید و خود را در آستانه آخرت بدانید، و در انتظار فرج و ظهور قائم آب محمد علیهم السلام باشید و ثوابهای آخرت را آرزو نمایید، و برای سفر آخرت، اعمال شایسته را توشه بگیرید و بر شما باد به آرامش دل و آرامی تن و خضوع و خشوع و شکستگی و فروتنی، مانند برده‌ای که از مولای خویش بترسد، و از عذاب خدا هراسان باشید، و به رحمتش

امیدوار، و ای روزه‌دار باید که دلت از عیبها و باطنت از حيله‌ها و مکرها پاک باشد، و تنت پاکیزه از آلودگیها و از آنچه غیر خداست به سوی خدا بیزاری جو، و ولایت و دوستی خویش را به گاه روزه برای خدا خالص گردان، و از بیان آنچه حق تعالی تو را از آن در آشکار و نهان نهی کرده خاموش باش.

و در ایام روزه روح و بدن خویش را به خدای (عزّ و جلّ) ببخش، و دل خویش را برای محبت و یاد او فارغ گردان، و بدن خود را در آنچه خدا تو را به آن امر کرده و فرا خوانده بکارگیر، اگر چنین کنی، آنچه شایسته روزه است انجام داده‌ای، و فرمان خدا را اطاعت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 287

کرده‌ای، و از آنچه بیان شد آنچه را کم بگذاری، به اندازه آن از فضل و ثواب روزه تو کم می‌شود، به درستی که پدرم گفت:

رسول خدا صلی الله و علیه و آله شنید زنی هنگام روزه، کنیز خویش را دشنام داد، حضرت طعمای خواست و به آن زن گفت: میل کن، عرضه داشت: روزه هستم، فرمود: چگونه روزه‌ای که کنیز خود را دشنام دادی! روزه تنها ترك خوردن و آشامیدن نیست، همانا حق تعالی روزه را حجابی از انجام کارهای ناشایست، و کردارهای بد، و گفتارهای ناپسند قرار داده، چه بسیارند روزه‌داران، و چه بسیارند آنان که تحمل گرسنگی می‌کنند. حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: چه بسیار روزه‌داری که او را از روزه جز تشنگی و گرسنگی بهره‌ای نیست، و چه بسیار عبادت کننده‌ای که او را از عبادت سودی جز رنج و زحمت نیست!! ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقان می‌باشد، و خوشا افطار زیرکان که بهتر از روزه داشتن بی‌خردان است!!

جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام روایت شده که حضرت رسول صلی الله و علیه و آله به جابر بن عبد الله فرمود: ای جابر این ماه ماه رمضان است، هرکه روزه بدارد روزش را، و به عبادت بایستد بخشی از شبش را، و شکم و شهوت خویش را از حرام باز دارد، و زبانش را حفظ کند، از گناهانش همچون بیرون رفتن از ماه رمضان بیرون رود ... جابر گوید: گفتم: یا رسول الله چه نیکوست این حدیثی که فرمودی؟ حضرت فرمود: ای جابر چه دشوار است این شرطهایی که گفتم؟! به هر صورت، اعمال این ماه شریف در دو مطلب و يك خاتمه ذکر می‌شود:

مطلب اول: اعمال مشترك ماه مبارك رمضان

و آن بر چهار بخش است،

بخش اول: اعمالی که در هر شب و هر روز این ماه بجا آورده شود

. سید ابن طاووس از امام صادق و موسی بن جعفر علیهم السّلام روایت کرده که فرمودند: در ماه رمضان از اول آن تا آخر آن پس از هر فریضه بخوان:

خدایا زیارت خانه محرمّت را در امسال و در هر سال نصیبم کن، تا زمانی که زنده‌ام داری در آسانی تندرستی و گشادگی روزی، و محرومم نکن مرا از آن اماکن گرامی، و مشاهد شریف خیز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 288

و زیارت قبر پیامبرت که درود تو بر او و بر خاندانش باد، و در تمام حاجات دنیا و آخرت یاور من باش خدایا از تو درخواست می‌کنم در آنچه که حکم می‌کنی و مقدر می‌نمایی، از فرمان حتمی در شب قدر، از حکمی که برگشت داده نمی‌شود، و به حکم دیگر تبدیل نمی‌گردد، اینکه مرا در شمار زائران خانه محترمت بنویسی، آن زائرانی که پاک و خالصانه است زیارتشان و پذیرفته است تلاششان و آمرزیده است گناهشان، و نابود شده است بدیهایشان، و قرار ده در آنچه حکم می‌کنی، و مقدر می‌نمای اینکه عمرم را طولانی سازی و روزی‌ام را فراوان کنی، و امانت و قرضم را ادا نمایی، دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان

و پس از نمازهای واجب بخوان: ای بلندمرتبه، ای بزرگ، ای آمرزنده، ای مهربان، تویی پروردگار بزرگی که چیزی همانندش نیست، و اوست شنوای بینا، و این ماهی است که به آن عظمت و کرامت و شرافت بخشیدی و بر سایر ماهها برتری دادی، و ماهی است که روزه‌اش را بر ما واجب نمودی، و آن ماه رمضان است که قرآن را در آن فرود آوردی، برای هدایت مردم و بیان دلایل روشن از هدایت و تمیز حق از باطل، و شب قدر را در آن قرار دادی، و آن را از هزار ماه بهتر ساختی، ای صاحب منت که بر تو منتی گذاشته نشود، بر من به آزادی از آتش منت نه، در جمع آنان که بر آنها منت نهی، و وارد بهشتم گردان ای مهربان‌ترین مهربانان.

شیخ کفعمی در «مصباح» و «بلد الامین» و شیخ شهید در مجموعه خود از حضرت رسول صلی الله و علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: هرکه این دعا را در ماه رمضان، پس از هر نماز واجب بخواند، حق تعالی گناهان او را تا روز قیامت بیامرزد. و آن دعا این است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 289

خدایا دل اهل قبور را شاد کن، خدایا هر تهیدستی را بی‌نیاز کن، خدایا هر گرسنه‌ای را سیر کن، خدایا هر برهنه‌ای را بپوشان، خدایا قرض هر بدهکاری را ادا کن. خدایا غم هر غم‌زده‌ای را برطرف کن، خدایا هر غریبی را به وطن بازگردان، خدایا هر اسیری را آزاد فرما، خدایا هر فساد را در کار مسلمانان اصلاح گردان، خدایا هر بیماری را درمان ده، خدایا راه تهیدستی ما را با توانگریّت ببند، خدایا بدحالی ما را به خوبی حال خود تغییر ده، خدایا وام ما را بپرداز، و ما را از تهیدستی بی‌نیاز کن، همانا تو بر هرچیز توانایی.

شیخ کلینی در کتاب «کافی» از ابو بصیر روایت کرده که امام صادق علیه السلام در ماه رمضان این دعا را می‌خواند:

خدایا من به وسیله تو و از تو حاجتم را درخواست می‌کنم، و هرکه حاجت خویش از مردم بخواهد همانا من حاجتم را نمی‌خواهم مگر از تو، یگانه‌ای، شریکی برای تو نیست، به حق فضل و رضوانت از تو می‌خواهم که بر محمد و اهل بیتش درود فرستی، و در این سال برایم راهی به سوی کعبه قرار دهی، با زیارتی پاک و پذیرفته، پاکیزه و خالص برای خویش، که دیده‌ام به آن روشن گردد و مرتبه‌ام با آن بالا رود، خدایا به من روزی کن که دیده‌ام را از حرام فرو بندم، و شهوتم را نگاه دارم، و خود را از همه حرام‌های بازدارم، تا آنجا که چیزی نزد من برتر نباشد از طاعت و خشیت، و عمل به آنچه واجب کردی، و ترك آنچه نپسندیدی و از آن نمی‌نمودی، و همه اینها را در کنار آسانی و فراوانی و تندرستی، و آنچه به من نعمت دادی قرار ده.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 290

و از تو می‌خواهم مرگم را کشته شدن در راهت در زیر پرچم پیامبرت همراه با اولیایت قرار دهی، و از تو می‌خواهم که به وسیله من دشمنان خود و رسولت را به قتل رسانی، و از تو درخواست می‌کنم که مرا گرمی داری با خوار کردن آن از خلق که خودخواهی، و خوار نکنی مرا به گرمی داشتن احدی از اولیایت، خدایا برایم همراه پیامبر راهی به خوشبختی قرار ده، خدا مرا بس است، آنچه خدا خواهد شود.

مؤلف گوید: این دعا موسوم به دعای حجّ است، سیّد در «اقبال» خواندن آن را در شبهای ماه رمضان، پس از مغرب، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده، و کفعمی در کتاب «بلد الامین» فرموده: در هر روز از ماه رمضان و در شب اوّل آن، خواندن این دعا مستحبّ است، و شیخ مفید در کتاب «مقنعه» آن را برای خصوص شب اول ماه پس از نماز مغرب روایت کرده، آگاه باش بهترین اعمال در شبها و رزوه‌های ماه مبارک رمضان خواندن قرآن است، و باید آن را بسیار خواند، چه اینکه قرآن در این ماه نازل شده و در آثار اسلامی وارد شده که هرچیزی را بھاری است، و بھار قرآن ماه رمضان است و در ماههای دیگر يك ختم قرآن مستحبّ است، و کم‌ترینش ختم آن در شش روز است، ولی در ماه رمضان هر سه روز يك ختم مستحبّ است، و اگر بتواند روزی يك ختم قرآن کند بسیار خوب است، علامه مجلسی فرموده: در حدیث است که بعضی از امامان علیهم السّلام در این ماه چهل ختم قرآن می‌نمودند و بلکه زیادت، و اگر ثواب هر ختم قرآنی را به روح مقدس یکی از چهارده معصوم هدیه کند ثوابش دو چندان گردد. و از روایتی ظاهر می‌شود، که اجر چنین کسی آن است که در روز قیامت با ایشان باشد. در این ماه باید دعا و صلوات و استغفار بسیار نمود، و زیاد «لا اله الا الله» گفت، و روایت شده که امام چهارم علیه السّلام چون ماه رمضان فرا می‌رسید، زبان نمی‌گشود مگر به دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر، و نیز باید به عبادت و انجام نافله‌های شب و روز اهتمام بسیار ورزید.

بخش دوم: اعمالی است که باید در شبهای رمضان بجا آورد

، و آن چند عمل است: اوّل: افطار نمودن و مستحبّ است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 291

پس از نماز شام افطار کند مگر آنکه ضعف بر او چیره شده باشد، یا جمعی جهت فطار منتظر او باشند، دوم: با غذایی پاکیزه از حرام و شبهه افطار کند، و بهتر است با خرمای حلال روزه خود را بگشاید، تا ثواب نمازش چهار صد برابر گردد، و به خرما، آب، رطب شیر، حلوا، نبات، آب گرم، به هر کدام که افطار کند خوب است.

سوم: در وقت افطار دعا‌های ویژه آن را بخواند، از جمله بگوید: خدایا برای تو روزه گرفتم، و بر خوان تو افطار کردم، و بر تو تکیه نمودم. تا خدا ثواب هرکسی را که در این روز روزه داشته به او عطا کند و اگر دعای «اللّهم ربّ النور العظیم» را که سیّد و کفعمی روایت کرده‌اند بخواند فضیلت بسیار یابد، و روایت شده که امیر المؤمنین علیه السّلام هرگاه می‌خواست افطار کند می‌گفت:

به نام خدا، خدایا برای تو روزه گرفتیم، و بر روزی تو افطار کردیم، خدایا از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی چهارم: در هنگام خوردن لقمه اول بگوید به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، ای گسترده آمرزش، مرا بیامرز تا خدا او را بیامرزد.

در روایت آمده که در پایان هر روز از روزهای ماه رمضان، خدا هزار هزار نفر را از آتش دوزخ آزاد کند، پس از حضرتش بخواه که تو را یکی از آنان قرار دهد. پنجم: در وقت افطار سوره «قدر» را بخواند. ششم: به هنگام افطار صدقه داده، و به روزه داران افطار دهد، هرچند به قدر چند دانه خرما یا جرعه‌ای آب باشد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکه روزه‌داری را افطار دهد همچون اجر آن روزه‌دار برایش خواهد بود، بی آنکه از پاداش آن روزه‌دار چیزی کاسته شود. و همچنین برای او خواهد بود همانند آن عمل خوبی که آن افطار کننده به نیروی آن طعام بجا آورد، آیه الله علامه حلی در رساله «سعدیه» از امام صادق علیه السلام روایت کرده: هر مؤمنی در ماه رمضان مؤمن دیگری را به لقمه‌ای اطعام کند، حق تعالی برای او بنویسد اجر کسی را که سی بنده مؤمن آزاد کرده، و نزد خدا يك دعایش مستجاب شود. هفتم: در هر شب خواندن هزار مرتبه «اَنَا انزلناه» وارد است. هشتم: در هر شب اگر بتواند صد مرتبه سوره «حم دخان» را بخواند.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 292

نهم: سیّد روایت کرده است: هرکه این دعا را در هر شب ماه رمضان بخواند، گناهان چهل سال او آمرزیده می‌شود:

خدایا پروردگار ماه رمضان، که قرآن را در آن فرو فرستادی، و روزه را در آن بر بندگان واجب نمودی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و زیارت خانه‌ات را در این سال و در هر سال نصیب من فرما، و برام بیامرز گناهان بزرگی را که آنها را جز تو نیامرز، ای بخشاینده، ای دارای دانش بی‌پایان.

دهم: در هر شب پس از مغرب دعای حج را بخواند، که بیان آن در بخش اول گذشت.

یازدهم: در هر شب از ماه رمضان بخواند: خدایا، من با سپاس تو ستایش را آغاز می‌کنم و تویی که با کرم به سوی درستی توجّه دهی، و یقین دارم که در جای عفو و رحمت مهربان‌ترین مهربانانی.

و در جایگاه مجازات و انتقام، سخت‌ترین کیفرکننده‌ای، و در موضع بزرگ‌منشی و عظمت بزرگ‌ترین جباری، خدایا در خواندنت، و در درخواست از حضرتت به من اذن دادی، پس ای شنوا بشنو ستودم را، و ای مهربان اجابت کن دعایم را، و ای آمرزنده بیامرز لغزشم را، ای خدای من چه بسیار سختی‌های که گره گشودی، و اندوه‌ها که برطرف کردی، و

لغزشها که آمرزیدی، و رحمت که گستردی، و زنجیر بلا که باز کردی، سپاس خدای را که همسر و فرزندی برنگرفته، و در فرمانروایی شریکی برایش نیست، و سرپرستی از روی ناتوانی نداشته است، و او را بزرگ شمار بسیار بزرگ. سپاس خدای را با همه ستودنیهایش، بر تمام نعمتهایش، سپاس خدای را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 293

که در فرمانروایی رقیبی ندارد، و برای او در کارش نزاع کننده ای نیست، سپاس خدای را که در آفرینش شریکی ندارد، و در بزرگی شبیهی برای او نیست. سپاس خدای را که فرمان و سپاسش در آفریدگان جاری است و بزرگواری اش با کرمش آشکار است، و دست لطفش به سخاوت گشوده، خدایی گنجینه هایش نقصان نپذیرد، و بخشش بسیارش جز جود و کرم بر او نیفزاید، همانا او عزیز و بسیار بخشنده است، خدایا اندک از بسیار از تو درخواست می کنم، با نیاز شدیدی که مرا به آن است، و بی نیازی تو از آن دیرینه است، و آن اندک نزد من بسیار است، و برای تو هموار و آسان. خدایا بخششت از گناهم، و گذشتت از خطایم، و چشم پوشی ات از تجاوزم، و پرده افکنی ات بر کردار زشتم، و بردباری ات از فراوانی جرمم از آنچه که از خطا و گناه عمدی ام بود مرا به طمع انداخت، که از درگاهت چیزی را که شایسته آن از سوی تو نیستم درخواست کنم، آنچه که از رحمت نصیب نمودی و از قدرتت نشانم دادی، و از اجابت به من شناساندی، پس بر آن شدم که با اطمینان بخوانمت، و با انس و میل بدون ترس و هراس از تو درخواست می کنم، و در آنچه به خاطر آن قصد پیشگاه تو نمودم از تو ناز جویم، اگر برآورده شدن حاجتم تأخیر افتاد، از روی نادانی بر تو عتاب ورزیدم، با آنکه شاید به تأخیر افتادن روا شدن حاجتم برایم بهتر باشد، چه تو به سرانجام امور آگاهی، پس هیچ مولای کریمی را بر بنده پستی، شکیباتر از تو بر خود ندیدم، ای پروردگار من، تو مرا می خوانی، و من از تو روی می گردانم، و با من دوستی می ورزی و من با تو دشمنی می کنم، به من محبت می نمای و از تو نمی پذیرم، گویا مرا بر تو منت است،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 294

و با همه اینها چیزی تو را باز نمی دارد از رحمت و احسان بر من، و تفضل به جود و کرم بر این بنده، بر بنده نادانت رحم کن، و با فروزی احسانت بر او جود آور، زیرا تو بخشنده کریمی، سپاس خدای را خدای مالک سلطنت، روان کننده کشتی، تسخیر کننده بادهای، شکافنده سپیده، حکمفرمای روز جزاء پروردگار جهانیان. سپاس خدای را بر بردباری اش پس از دانشش به نافرمانی بنده، و سپاس خدای را بر عفوش پس از قدرتش بر عقاب، و سپاس خدای را بر طول بردباری اش در وقت خشم، و حال آنکه او بر آنچه بخواد تواناست. سپاس خدای را که آفریننده آفریدگان گسترده

روزی، شکافنده سپیده، دارای عظمت و بزرگواری و احسان و نعمت بخشی است خدایی که از دیدگان دور است پس دیده نمی شود، و به جانها نزدیک است پس شاهد گفتگوهای پنهان است، فرخنده و برتر است. سپاس خدای را که ستیزه جویی ندارد تا با او برابری نماید، و شبیهی ندارد که هم شکل او باشد، و پشتیبانی ندارد که او را یاری کند، با عزتش همه عزیزان را مقهور ساخته و در برابر عظمتش بزرگان فروتن گشته اند، پس با قدرتش به هرچه خواهد رسد، سپاس خدای را که اجابتم می کند آنگاه که صدایش می زنم، و هر زشتی را بر من می پوشاند و من از او نافرمانی می کنم، و او نعمتش را بر من بزرگ می گرداند، پس من او را شکر نمی کنم، چه بسیار موهبت های گوارایی که به من عطا فرمود، و حوادث وحشتناکی که مرا از آسیب آنها کفایت نمود، و چه بسیار خرّمی دلنشینی که به من نمایاند، او را سپاس گویان ستایش می کنم، و تسبیح گویان یادیش می کنم، سپاس خدای را که پرده اش دریده نگردد، و در رحمتش بسته نشود، و پرسنده اش ردّ نگردد، و آرزومندش نومید نشود. سپاس خدای را که هراسندگان را ایمنی بخشد، و شایستگان را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 295

نجات دهد، و ناتوان شمردگان را به رفعت رساند، و متکبران را به خاک اندازد و پادشاهانی را نابود نماید، و دیگران را جانشین آنان سازد، سپاس خدای را که درهم شکننده گردنکشان، نابودکننده ستمکاران، دریابنده گریختگان، کیفردهنده ستمگران، فریادرس دادجویان، حاجت بخش خواهندگان، تکیه گاه مؤمنان است. سپاس خدای را که از خشیتش آسمان و ساکنانش غرّش کنند، و زمین و آباد کنندگانش بلرزند، و دریاها و هرکه در اعماقش شناور است موج زنند. سپاس خدای را که ما را به شناخت خویش هدایت فرمود و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود هرگز هدایت نمی شدیم سپاس خدای را که می آفریند و خود آفریده نشده، و روزی می دهد، و خود روزی داده نمی شود و می خوراند و خود خورنده نمی شود و زنده ها را می میراند، و مردگان را زنده می کند، و اوست زنده ای که هرگز نمی میرد، خیر تنها به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست.

خدایا درود فرست بر محمد بنده و فرستاده ات و امین و یار صمیمی و محبوب، و برگزیده ات و حافظ راز و رساننده پیامهایت، درودی برترین و بهترین و زیباترین و کامل ترین و پاکیزه ترین و پر نجاترین و دلپسندترین و پاک ترین و بلندترین و بیشترین درودی که فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی و مهر ورزیدی، و سلام دادی بر یکی از بندگان و پیامبران و رسولان و برگزیدگان و اهل کرامت از خلقت. خدایا درود فرست بر علی امیر المؤمنان، و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، بنده و ولیّت و برادر رسولت، و حجّت بر بندگان، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 296

نشانه بزرگ‌ترت، و خبر عظیم، و درود فرست بر صدیقه طاهره فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان، و درود فرست بر دو فرزندزاده پیامبر رحمت، و دو پیشوای هدایت، حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، و درود فرست بر امامان مسلمانان، علی بن الحسین و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد، و حسن بن علی، و یادگار شایسته هدایتگر حضرت مهدی، حجت‌های تو بر بندگان، و امین‌های تو در سرزمین‌های درودی بسیار و همیشگی. خدایا درود فرست بر ولی امرت، آن قائم آرزو شده، و دادگستر مورد انتظار، و او را در حمایت فرشتگان مقرب قرار ده، و به روح القدس تأییدش کن ای پروردگار جهانیان. خدایا او را دعوت کننده به کتابت، و قیام کننده به آئینت قرار ده، او را جانشین خود روی زمین گردان، چنان که پاکان پیش از او را جانشین خویش قرار دادی، دینی را که برایش پسندیده‌ای به دست او پابرجا بدار، و ترسش را به امنیت بازگردان، تا با اخلاص کامل تو را بپرستد. خدایا عزیزش بدار، و به دیگران توسط او عزت بده و یاری‌اش کن. و به دیگران از سوی او یاری ده یاری‌اش ده یاری پیروزمندانه و بر پیروزش با پیروزی آسان، و از پیش خود برای او سلطنتی پیروزی آفرین قرار ده. خدایا به وسیله او دینت و روش پیامبرت را آشکار کن، تا چیزی از حق، از ترس احدی از مردم پنهان نماند. خدایا به سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلش را به آن عزیز گردانی، و نفاق و اهلش را به وسیله آن خوار سازی، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 297

و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعت، و رهبران به سوی راهت قرار دهی، و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن روزیمان فرمایی. خدایا آنچه از حق به ما شناساندی تاب تحملش را نیز عنایت کن، و آنچه را در رسیدن به آن کوتاهی کردم، ما را به آن برسان، خدایا پریشانی ما را به یاری او جمع کن، و پراکندگی ما را به او وحدت بخش، و گسیختگی ما را با او پیوند ده، و اندک ما را به او زیاد فرما، و ذلت ما را به او عزت ده و تنگدستی ما را به او توانگری بخش، و بدهی ما را از برکت او ادا کن، و فقر ما را به مدد او جبران فرما، و جدایی و دودستگی ما را به او برطرف کن، و دشواری کار ما را به او آسان گردان، و روری ما را به دیدار او سپید کن، و اسیران ما را به یاری او آزاد گردان، و درخواست‌های ما را به لطف او برآور، و وعده‌های ما را به ظهور او تحقق بخش و دعايمان را به كمك او اجابت كن، و خواسته‌هايمان را به حق او عطا فرما، و ما را به یاری او به آرزوهای دنیا و آخرتمان برسان، و لطف به او بالاتر از آرزويمان به ما اعطا كن، ای بهترین خواسته‌شدگان، و گشاده‌دست‌ترین بخشنندگان، سینه‌های ما را به او شفا بخش، و کینه دلهایمان

را به او برطرف کن، و ما را به مدد او به حقیقت آنچه که در آن اختلاف افتاده از حق به اذن خود راهنمایی فرما، همانا تو هرکه را بخواهی به راه راست هدایت می کنی، و به وسیله او ما را بر دشمنان خود و دشمنان خویش یاری ده، ای معبود حق آمین. خدایا از نبود پیامبران که دروذهای تو بر او و خاندانش و از ناپیدایی مولایمان، و بسیاری دشمنانمان و کمی نفراتمان، و سختی فتنه ها به سویمان، و از جریان زمان بر زیانمان به درگاه تو شکوه می آوریم، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را در برابر این همه یاری فرما به گشایشی از جانب خویش که زود برسانی، و بدحالی که برطرف کنی، و پیروزی با عزت بر ایمان قرار دهی، و سلطنت حقی که آشکارش فرمایی، و به رحمتی که از سویت ما را فرا گیرد، و به سلامتی کاملی که از جانبت ما را پیوشاند، ای مهربان ترین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 298

مهربانان. دوازدهم: در هر شب این دعا را بخواند: خدایا ما را در زمره شایستگان وارد کن، و در بهشت برین بالا بر، و جامی از نوشیدنی خوشگوار از چشمه سلسبیل به ما بنوشان، و به رحمت از حور العین به همسری ما درآور، و از جاوید پسرانی که همچون مروارید در صدفند، در خدمت ما بگمار، و از میوه های بهشت، و گوشت پرندگان به ما بخوران، و از لباس های زربفت و حریر و دیبا به ما پیوشان، و ما را برای رسیدن به شب قدر، و زیارت خانه کعبه، و کشته شدن در راحت توفیق عنایت کن، و دعای شایسته و درخواست ما را اجابت فرما، و آنگاه که پیشینیان و پسینیان را در روز قیامت جمع کردی به ما رحم کن، و رهایی از آتش را برای ما بنویس، و در دوزخ ما را به زنجیر نبند، و در عذاب و خواریات ما را گرفتار مساز، و از زقوم و ضریع دوزخ به ما مخوران، و با شیاطین یکجا قرارمان مده، و ما را به رو در آتش مینداز، و از جامه های آتشین و پیراهنهای فلزی آتش بار بر ما پیوشان، و از هرگونه بدی، ای که معبودی جز تو نیست، بحق اینکه معبودی جز تو نیست ما را رهایی بخش.

سیزدهم: از امام صادق علیه السلام روایت شده: در هر شب ماه رمضان بخوان: خدایا از تو درخواست می کنم، در آنچه حکم می کنی و مقدر می فرمایی، از امر حتمی در کار حکیمانه، از فرمانی که برگشت ناپذیرد، و تغییر پیدا نمی کند چنین قرار دهی که مرا در شمار زائران خانه ات ثبت کنی، زائرانی که حجتشان پذیرفته شده و تلاششان قبول شده، و گناهانشان به آمرزش رسیده،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 299

و بدیهایشان محو گشته، و در آنچه حکم می‌کنی، و مقدّر می‌فرمایی قرار دهی، که عمر مرا در خیر و سلامت کامل طولانی کنی، و در روزی‌ام وسعت دهی، و مرا از آنانی قرار دهی که به وسیله آنان دینت را یاری می‌کنی، و دیگری را به جای من قرار ندهی

چهاردهم: در کتاب «انیس و الصّالحین» آمده است که در هر شب از شبهای ماه رمضان بخواند:

به عظمت ذات کریمانهات پناه می‌آورم، از اینکه ماه رمضان از من بگذرد، یا سپیده این شب بدمد، و هنوز نزد من حقی برای تو یا گناهی مانده باشد، که بر آن عذابم کنی.

پانزدهم: شیخ کفعمی در حاشیه «بلد الامین» از سیّد ابن باقی روایت کرده که مستحب است در هر شب ماه رمضان دو رکعت نماز خوانده شود، در هر رکعت سوره «حمد» يك مرتبه و سوره «توحید» سه مرتبه و چون سلام داده شد بگوید:

منزّه است آن که نگهبان است و غفلت نمی‌کند، منزّه است آن که مهربان است و شتاب نمی‌ورزد، منزّه است آن که برپا است و از یاد نمی‌برد، منزّه است آن که همیشگی است و سرگرم نمی‌شود. سپس تسبیحات اربعه [یعنی:

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر] راهفت مرتبه بگوید، آنگاه بخواند: منزّهی تو منزّهی تو، ای بزرگ، گناه بزرگ مرا بیامرز. سپس بر پیامبر و آل او علیهم السّلام ده مرتبه صلوات فرستد. کسی که این دو رکعت نماز را بجا آورد، حق تعالی برای او هفتاد هزار گناه را بیامرزد ... تا آخر خبر.

شانزدهم: روایت شده که هر که در هر شب از ماه رمضان سوره «اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِینًا» را در نماز نافله بخواند، در آن سال از آسیب محفوظ می‌ماند. آگاه باش از اعمالی که مستحب است در شبهای ماه رمضان بجا آورده شود، هزار رکعت نماز در مجموع این ماه است، که استادان و بزرگان علما در کتابهای خود، که در زمینه فقه یا عبادات نوشته‌اند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 300

به آن اشاره کرده‌اند. احادیث در باب کیفیت بجا آوردن آن مختلف است، آنچه موافق روایت ابن ابی قرّه از امام جواد علیه السّلام است، و شیخ مفید در کتاب «غزیه و اشراف»، آن را اختیار کرده، بلکه مورد اختیار مشهور از علماست، آن است که در دهه اول و دوم ماه رمضان، در هر شب بیست رکعت خوانده شود، هر دو رکعت به يك سلام، به این صورت که، هشت رکعت آن را پس از نماز مغرب، و دوازده رکعت دیگر را بعد از نماز عشا بخواند، و در دهه آخر ماه در

هر شب سی رکعت بخواند، هشت رکعت آن را پس از نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد از نماز عشا بخواند، که مجموع این نمازها هفتصد رکعت می شود، و باقی آن را که سیصد رکعت است در شبهای قدر بخواند، شب نوزدهم صد رکعت، و شب بیست و یکم صد رکعت، و در شب بیست و سوم نیز صد رکعت که در جمع هزار رکعت می شود. این هزار رکعت به ترتیب دیگری هم وارد شده است که تفصیلش در جای دیگر آمده، و این مقام گنجایش شرح آن را ندارد، و امید است که اهل خیر در اجرای این هزار رکعت مسامحه و سهل انگاری نکنند، و خود را از فیض آن بهره مند کنند.

و نیز روایت شده: که پس از هر دو رکعت از نمازهای مستحبی ماه رمضان بخوان:

خدایا در آنچه حکم می کنی و مقدر می نمایی از فرمان حتمی ات، و در آنچه بسط می دهی از کار حکیمانه ات، در شب قدر مقرر فرما که مرا از حاجیان خانه کعبه ات قرار دهی، حاجیانی که حاجشان پذیرفته شده، و تلاششان قبول گشته، و گناهانشان آمرزیده شده است، و از تو درخواست می کنم که عمرم را در طاعت طولانی سازی، و روزی ات را بر من گسترده نمایی، ای مهربان ترین مهربانان.

بخش سوم: اعمال سحرهای ماه مبارك رمضان و آن چند عمل است

:

اول: سحری خوردن، و آن را ترك نکند

گرچه به خوردن يك خرماي خشك، يا نوشیدن شربت از آب باشد، و بهترین سحرها سویق یعنی قاووت و خرماست، و در خبر وارد شده: که خدا و فرشتگان صلوات می فرستند بر آنهایی که در سحرها استغفار می کنند، و سحری می خورند.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 301

دوم: هنگام خوردن سحری سوره «اَنَا انزلناه» را بخواند

، که هرکه این سوره مبارکه را هنگام افطار کردن و سحری خوردن بخواند، در فاصله بین این دو زمان ثواب کسی را دارد که در راه خدا در خون خود غلطیده است.

سوم: دعای عظیم الشانی را که از حضرت رضا علیه السلام روایت شده بخواند

، آن حضرت فرموده است: این دعا دعایی است که امام باقر علیه السلام در سحرهای ماه رمضان می خواندند:

خدایا از تو درخواست می کنم به حق زیباترین مرتبه از زیباییات، و همه مراتب زیباییات زیباست، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب زیباییات. خدایا از تو درخواست می کنم به حق نیکوترین مرتبه از جمالت، و همه مراتب جمال تو نیکوست، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب جمالت. خدا از تو درخواست می کنم به حق برجسته ترین مرتبه از جلالت، و همه مراتب جلال تو برجسته است خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب جلالت. خدایا از تو درخواست می کنم به حق بالاترین مرتبه از عظمت، و همه مراتب عظمت عظیم است، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب عظمت. خدایا از تو درخواست می کنم به حق نورانی ترین مرتبه از نورت، و همه مراتب نور تو نورانی است، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب نورت. خدایا از تو درخواست می کنم به حق گسترده ترین مرتبه از رحمت، و همه مراتب رحمت گسترده است، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب رحمت. خدایا از تو درخواست می کنم به حق کامل ترین مرتبه از مراتب کلمات، و همه مراتب کلمات کامل است، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب کلمات. خدایا از تو درخواست می کنم به حق کامل ترین مرتبه از کمالت و همه مراتب کمالت کامل است، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب کمالت. خدایا از تو درخواست می کنم به حق بزرگ ترین مرتبه از نامهایت، و همه مراتب نامهایت بزرگ است، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب نامهایت خدایا از تو درخواست می کنم به حق عزیزترین مرتبه از عزّت و همه مراتب عزّت عزیز است، خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب عزّت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 302

خدایا از تو درخواست میکنم به حق نافذترین مرتبه ارادهات و همه مراتب ارادهات نافذ است خدایا از تو درخواست میکنم به حق همه مراتب ارادهات خدایا از تو درخواست میکنم به حق قدرت که بر همه موجودات احاطه دارد و همه قدرت بر تمام موجودات احاطه دارد خدایا از تو درخواست می کنم به حق همه مراتب قدرت، خدایا از تو درخواست

می‌کنم به حق نافذترین مرتبه از مراتب علمت و همه مراتب علمت نافذ است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب علمت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق پسندیده‌ترین مرتبه از گفتارت، و همه مراتب گفتار تو پسندیده است خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب گفتارت، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق محبوبترین مرتبه از خواسته‌هایت نزد تو، و همه مراتب خواسته‌هایت محبوب است خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب خواسته‌هایت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق شریف‌ترین مرتبه از شرفت، و همه مراتب شرف تو شریف است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب شرفت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق پایدارترین مرتبه از سلطنت و همه مراتب سلطنت تو پایدار است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق مراتب سلطنت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق باافتخارترین مرتبه از فرمانرواییات و همه مراتب فرمانرواییات با افتخار است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب فرمانرواییات. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق برترین مرتبه از برتریات و همه مراتب برتریات برتر است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب برتریات. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق دیرینه‌ترین مرتبه از کرم، و همه مراتب کرم دیرینه است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب کرم. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق گرمی‌ترین مرتبه از نشانه‌هایت، و همه مراتب نشانه‌هایت گرمی است. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه مراتب نشانه‌هایت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق آنچه از جاه و جبروت که در آتی، و از تو می‌خواهم به حق هر جاه به تنهایی و به حق هر جبروت به تنهایی،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 303

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق آنچه اجابت می‌کنی مرا به آن هنگامی که از تو درخواست می‌کنم پس مرا اجابت کن ای خدا. آنگاه هر حاجت که داری از خدا بخواه، که به یقین برآورده خواهد شد.

چهارم: در کتاب «مصباح» شیخ طوسی به نقل از ابو حمزه ثمالی آمده است

که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در ماه رمضان بیشتر شب را به نماز می‌ایستاد و چون سحر می‌رسید این دعا را می‌خواند:

خدایا مرا به کيفرت ادب منما، و با نقشه‌ای با من نیرنگ مکن، پروردگارا از کجا برایم خیری هست، درحالی که جز نزد تو یافت نمی‌شود، و از کجا برایم نجاتی است، درحالی که جز به تو فراهم نمی‌گردد، نه آن که نیکی کرد از کمک و رحمت بی‌نیاز شد، و نه آن که بدی کرد و بر تو گستاخی روا داشت، و تو را خشنود نساخت از عرصه قدرت بیرون رفت.

پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا **آنقدر بگوید تا نفس قطع گردد.** تو را به تو شناختم، و تو مرا بر هستی خود راهنمایی فرمودی، و به سوی خود خواندی، و اگر راهنمایی تو نبود، من نمیدانستم تو که هستی؟، سپاس خدای را که می‌خوانش و او جوابم را می‌دهد، گرچه سستی می‌کنم گاهی که او مرا می‌خواند، و سپاس خدای را که از او درخواست می‌کنم و او به من عطا می‌نماید، گرچه بخل می‌ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد، و سپاس خدای را که هرگاه خواهم برای رفع حاجتم صدایش کنم، و هرگاه خواهم برای رازنیاز با او بی‌پرده خلوت کنم و او حاجتم را برآورد، سپاس خدای را که غیر او را نمی‌خوانم، که اگر غیر او را می‌خواندم دعایم را مستجاب نمی‌کرد، و سپاس خدای را که به غیر او امید نبندم، که اگر جز به او امید می‌بستم ناامیدم می‌نمود، و سپاس خدای را که مرا بخویش و گذاشت، از این رو اکرامم نمود، و به مردم وا نگذاشت تا مرا خوار کنند، و سپاس خدای را که با من دوستی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 304

ورزید، درحالی که از من بی‌نیاز است، و سپاس خدای را که بر من بر دباری می‌کند تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست! پروردگارم ستوده‌ترین موجود نزد من بوده و به ستایش من سزاوارتر است. خدایا راههای درخواست حاجت‌هایم را به جانب تو باز می‌یابم، و آبشخورهای امید را نزد تو پر می‌بینم، و یاری خواستن از فضل برای آن که تو را آرزو کرد بی‌مانع می‌بینم، و درهای دعا را برای فریاد کنندگان گشوده می‌نگرم، و می‌دانم که تو برای امیدواران در جایگاه اجابتی، و برای دل سوختگان در کمین‌گاه فریادرسی، و به یقین در اشتیاق به جودت، و خشنودی به قضایت جایگزینی از منع بخیلان است، و گشایشی از آنچه در دست ثروت‌اندوزان، و همانا مسافر به سوی تو مسافتش نزدیک است، و تو از آفریدگانت هرگز در پرده نیستی، جز اینکه کردارشان آنان را از تو محجوب نماید، من با درخواستم آهنگ تو کردم، و با حاجتم روی به تو آوردم، نیاز خواهی‌ام را به پیشگاه تو قرار دادم، و خواندت را دست‌آویز خویش نمودم بی‌آنکه مستحق شنیدن خواهشم، و شایسته گذشت از من باشی، بلکه برای اطمینان به کرم، و آرامش به درستی وعده‌ات، و پناه‌جستن به ایمان به یگانگی‌ات و یقین به معرفت که مرا پروردگاری جز تو نیست، و معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌شریکی. خدایا تو گفتی و گفتارت بر حق، و وعده‌ات درست است [فرمودی:] از فضل خدا بخواهید که خدا به شما مهربان است، ای آقای من در شأن تو این نیست که دستور به درخواست دهی و از بخشش خودداری کنی، تو با عطاهايت بر اهل

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 305

مملکت بسیار کرمی، و بر آنان با محبت و رأفت بسیار احسان کننده‌ای. خدایا مرا در کودکی در میان نعمتها و احسانت پروریدی، و در بزرگسالی نامم را بلند آوازه ساختی، ای آن که مرا در دنیا به احسان و فضل نعمتهایش پرورید و برایم در آخرت به گذشت و کرمش اشاره نمود، ای مولای من معرفتم راهنمایم به سوی تو، و عشقم به تو واسطه‌ام به پیشگاه توست، من از دلیم به دلالت تو مطمئن، و از واسطه‌ام به شفاعت تو در آرامشم، ای آقایم تو را به زبانی می‌خوانم که گناهش او را ناگویا نموده، و با دلی با تو مناجات می‌کنم که جرمش او را هلاک ساخته، تو را می‌خوانم ای پروردگارم در حال هراس و اشتیاق و امید و بیم، مولای من هرگاه گناهانم را می‌بینم بی‌تاب می‌گردم، و هرگاه کرمت را مشاهده می‌کنم، به طمع می‌افتم، پس اگر از من درگذری بهترین رحم کننده‌ای، و اگر عذاب کنی ستم نکرده‌ای، خدایا حجت من در گستاخی بر درخواست از تو، با ارتکاب آنچه از آن کراهت داری جود و کرم توست، و ذخیره‌ام در سختیها با کمی حیا همانا رأفت و رحمت توست، و امیدم بر آن است که بین حجت و ذخیره‌ام آرزویم را نوید نکنی، پس امیدم را تحقق بخش، و دعایم را بشنو، ای بهترین کسی که خواننده‌ای او را خوانده، و برترین کسی که امیدواری به او امید بسته، ای آقای من آرزویم بزرگ شده، و کردارم زشت گشته، پس به اندازه آرزیم از عفو تو به من ببخش، و به زشت ترین کردارم مرا سرزنش مکن، زیرا کرمت برتر از کیفر گنهکاران و بردباریت بزرگتر از مکافات تبهکاران است، و من ای آقایم پناهنده به فضل توام، گریزان از تو به سوی توام، خواستار تحقق چیزی هستم که وعده کردی، و آن گذشت تو از کسی که گمانش را به تو نیکو کرده، چه هستم من ای پروردگارم، و اهمیت من چیست؟

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 306

به فضل مرا ببخش، و به گذشتت بر من صدقه بخش، پروردگارا مرا به پرده پوشی ات بپوشان، و از توبیخم به کرم ذات درگذر، اگر امروز جز تو بر گناهانم آگاه می‌شد، آن را انجام نمی‌دادم، و اگر از زود رسیدن عقوبت می‌ترسیدم، از آن دوری می‌کردم، گناهانم نه به این خاطر بود که تو سبک‌ترین بینندگانی و بی‌مقدارترین آگاهان، بلکه پروردگارا از این جهت بود که تو بهترین پرده‌پوشی، و حاکم‌ترین حاکمان، و کریم‌ترین کریمانی، پوشنده عیبهات، آمرزنده گناهان، دانای نهانها، گناه را با کرمت می‌پوشانی، و کیفر با بردباری‌ات به تاخیر می‌افکنی، سپاس تو را سزااست بر بردباری‌ات پس از آنکه دانستی، و بر گذشتت پس از آنکه توانستی، بردباری‌ات مرا به جانب گناه می‌کشد و بر نافرمانی‌ات جرأت می‌دهد، پرده‌پوشی‌ات بر من مرا به کم‌حیایی می‌خواند، و شناختم از رحمت گسترده و بزرگی عفو تو، به من در تاختن بر محرمات سرعت می‌دهد!

ای شکيبا، ای گرامی، ای زنده، ای ای به خود پاينده، ای آمرزگار، ای توبه پذير، ای بزرگ نعمت، ای ديرينه احسان، پرده پوشی زيبايت کجاست، گذشت بزرگت کجاست، گشایش نزديکت کجاست، فريادرسى زودت کجاست، رحمت گسترده ات کجاست، عطاهاى برترت کجاست، موهبتهاى گوارايت کجاست، جايزه هاى شايانت کجاست، فضل بزرگت کجاست، عطای عظيمنت کجاست، احسان ديرينه ات کجاست، کرم ت کجاست، ای کریم، به حق کرم ت و «به محمد و خاندان محمد» مرا رهايي بخش، و به رحمت مرا خلاص کن، ای نیکوکار، ای زیباکار، ای نعمت ده، ای فزونی بخش، من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 307

آن نيستم که در رهايي از کيفرت بر اعمالمان تکیه کنم، بلکه به احسانت بر ما اعتماد دارم، چرا که تو اهل تقوا و مغفرتی، از باب نعمت دهی ابتدای به احسان می کنی، و از جهت کرم از گناه در می گذری، پس نمی دانم از چه سپاس گویم، از زيبايی که می گسترانی، یا کار زشتی که می پوشانی، یا بزرگ آزمونی که آزمودی و شايسته نيکی نمودی، یا آن همه مشکلی که مرا از آن رهانیدی، و سلامت کامل بخشیدی؟! ای محبوب آن که به تو دوستی ورزید، ای نور چشم کسی که به تو پناه آورد و برای رسیدن به تو از ديگران گسست، تو نیکوکاری و ما بدکارانیم، به زيبايی آنچه نزد توست، از زشتی آنچه پیش ماست درگذر، پروردگارا کدام جهلی است که جود تو گنجایش آن را نداشته باشد، و کدام زمان طولانی تر از مهلت دادن توست، در کنار نعمتهايت ارزش اعمال ما چيست، چگونه اعمال خود را بسيار انگاریم، تا با آنها با کرم ت برابری کنیم، بلکه چگونه بر گنهگاران تنگ شود آنچه از رحمت شاملشان شده؟، ای گسترده آمرزش، ای گشاده دست به رحمت، ای آقای من به عزت سوگند، اگر مرا برای از درگاهت دور نخواهم شد، و از چاپلوسی و تملق نسبت به تو دست نخواهم کشید، به خاطر شناختی که به جود و کرم ت پیدا کرده ام، تو انجام دهی آنچه را که خواهی، هر که را بخوای عذاب می کنی به هر چه که بخوای و به هر صورتی که بخوای، و رحم می کنی هر که را بخوای، به هر چه که بخوای و به هر کیفیت که بخوای، از آنچه کنی بازخواست نشوی، و در فرمانروايي ات نزاع در نگیرد، و کسی در کارت شریکت نگردد، و در داوری ات با تو هموار نشود، و در تدبیرت احدی بر تو اعتراض نکند، آفرینش و فرمان تو راست، منزّه است خدا پروردگار جهانیان، پروردگارا این است جایگاه کسی که به پناهت آمد، و به کرم ت پناهنده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 308

گشت، و به احسان و نعمتهای الفت جست، تویی آن سخاوتمندی که گذشتت به تنگی نمی‌رسد، و احسانت کاهش نمی‌پذیرد، و رحمت کم نمی‌شود، و به یقین از چشم‌پوشی دیرینت، و فضل بزرگت، و رحمت گسترده‌ات اعتماد نمودم، آیا ممکن است پروردگارا برخلاف گمانهای ما به خویش رفتار کنی، یا آرزوهایمان را نسبت به رحمت تو امید سازی هرگز ای بزرگوار، چنین گمانی به تو نیست، و طمع ما درباره تو این چنین نمی‌باشد، پروردگارا، ما را درباره تو آروزی طولانی بسیاری است، ما را در حق تو امید بزرگی است، از تو نافرمانی کردیم و حال آنکه امیدواریم گناه را بر ما ببوشانی، و تو را خواندیم، و امیدواریم که بر ما اجابت کنی، مولای ما امیدمان را تحقق بخش، ما دانستیم که با کردارمان سزاوار چه خواهیم بود، ولی دانش تو درباره ما، و و آگاهی ما به اینکه ما را از درگاهت نمی‌رانی، گرچه ما سزاوار رحمت نیستیم ولی تو شایسته آنی که بر ما و بر گنهکاران به فضل گسترده‌ات جود کنی، پس آنگونه که شایسته آنی بر ما منت گذار، و بر ما جود کن، که ما نیازمند به عطای تویم، ای آمرزگار، به نور تو هدایت شدیم، و به فضل تو بی‌نیاز گشتیم، و به نعمت بامداد نمودیم و شامگاه کردیم، گناهان ما پیش روی توست، خدایا از گناهانمان از تو آمرزش می‌خواهیم، و به سوی تو باز می‌گردیم، تو با نعمتها به ما مهر می‌ورزی و ما با گناهان با تو مقابله می‌کنیم، خیرت به سوی ما سرازیر است، و بدی ما به سوی تو بالا می‌آید، همواره فرشته کریمی، از ما کردار زشت به جانب تو می‌آید، و این امر مانع نمی‌شود از اینکه ما را با نعمتهای فراگیری، و به عطاهای برجسته‌ات بر ما تفضل نمایی، منزهی تو، چه بردبار و بزرگ و کریمی، آغاز کننده به نیکی و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 309

و تکرار کننده آنی، نامهای مقدس، و ثنای عظیم، و رفتارها و کردارهای کریمانه است، خدایا، فضلت گسترده‌تر، و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که مرا به کردار ناپسند و خطاکاری‌ام بسنجی، پس گذشت نما، گذشت نما، گذشت نما، آقای من، آقای من، آقای من. ما را به ذکرت مشغول کن، و از خشم پناه ده، و از عذابت نجات بخش، و از مواهب روزی کن، و از فضلت بر ما انعام فرما، و زیارت خانه‌ات، و زیارت مرقد پیامبرت را روزی ما کن، صلوات و رحمت و مغفرت و رضوانت بر پیامبر و خاندانش، تو نزدیک و جواب‌دهنده هستی، عمل به طاعتت را روزی ما گردان، و ما را بر دینت و بر روش پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش) بمیران. خدایا من و پدر و مادرم را بیامرز و به هر دو آنها رحم کن، چنان که مرا به گاه کودکی پروردند، احسان هردو را به احسان، و بدیهایشان را به آمرزش پاداش ده. خدایا مردان و زنان مؤمن را بیامرز، چه زنده و چه مرده آنها را، و بین ما و آنان با نیکیها پیوند ده. خدایا بیامرز زنده و مرده ما را،

حاضر و غائب ما را، مرد زن ما را، کوچک و بزرگ ما را، آزاد و غیر آزاد ما را، برگشتگان از خدا دروغ گفتند، و گمراه شدند گمراهی دوری، و زیان کردند، زبانی آشکار. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و برانم ختم به خیر فرما، و مرا از آنچه که بی قرارم کرده از کار دنیا و آخرتم کفایت کن، و کسی که مرا رحم نمی کنم بر من چیره مساز، و بر من از سوی خود نگرهبانی همیشگی قرار ده، و از من شایسته های آنچه را که انعام کردی مگیر، و از فضل تو روزی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 310

گسترده حلال پاکیزه نصیب من کن. خدایا به نگرهبانی ات مرا نگرهبانی کن، و به نگهداری ات مرا نگهدار و به پاسداری ات از من پاسداری فرما، و زیارت خانه ات را در این سا و در هر سال، و زیارت مرقد پیامبرت و امامان (درود بر آنان) را روزی من کن، پروردگارا از این مشاهد پر شرف و مواقف بس گرامی مرا محروم مساز. خدایا به من روی آور تا نافرمانی ات نکنم، و خیر و عمل به آن وحشت از خویش را در شب و روز، تا گاهی که زنده ام می داری ای پروردگار جهانیان به من الهام فرما. خدایا هرگاه گفتم مهیا و آماده شدم و در پیشگاهت به نماز ایستاد و با تو راز گفتم، چرتی بر من افکندی، آنگاه که وارد نماز شدم، و حال راز گفتن را از من گرفتی آنگاه که با تو راز نیاز کردم، مرا چه شده؟ هرگاه گفتم نهانم شایسته شد، و جایگاهم به جایگاه توبه کنندگان نزدیک گشته برانم گرفتاری پیش آمد، بر اثر آن گرفتاری پایم لغزید، و میان من و خدمت به تو مانع شد سرور من شاید مرا از درگاهت رانده ای، و از خدمت عز نموده ای، یا مرا دیده ای که حقت را سبک می شمارم پس از پیشگاهت دورم ساختی، یا شاید مرا روی گردان از خود مشاهده کردی، پس مرا مورد خشم قرار دادی یا شاید مرا در جایگاه دروغگویان یافتی، پس به دورم انداختی، یا شاید مرا نسبت به نعمتهایت ناسپاس دیدی، پس محروم نمودی، یا شاید مرا از همنشینی دانشمندان غایب یافتی، پس خوارم نمودی، یا شاید مرا در گروه غافلان دیدی، پس از رحمت ناامیدم کردی، یا شاید مرا انس یافته با مجالس بیکاره ها دیدی. پس مرا به آنان وا گذاشتی، یا شدی دوست نداشتی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 311

دعایم را بشنوی پس دورم نمودی، یا شاید به خاطر جرم و جنایتیم کیفرم نمودی، یا شاید برای کمی حیایم از تو مجازاتم نمودی، پس اگر پروردگارا عفو کنی، سابقه اینکه از گناهکاران پیش از من گذشته ای طولانی است، زیرا کرم پروردگارا از مجازات اهل تقصیر بسیار بزرگ تر است، و من پناهنده به فضل توام، از تو به تو گریزانم، خواهان چیزی هستم که وعده

داده‌ای. و آن چشم‌پوشی از کسانی است که به تو گمان نیک برده‌اند، خدایا فضل تو گسترده‌تر، و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که مرا به کردارم بسنجی، یا به خطایم بلغزانی، ای آقام من چیستم، و چه ارزشی دارم، سرور من مرا به فضیلت ببخش، و با گذشت بر من کرم فرما، و به پرده‌پوشی‌ات خطاهایم را بپوشان، و به کرم وجودت از توییخم درگذر، آقای من منم کودکی که پروریدی، منم نادانی که دانا نمودی، منم گمراهی که هدایت کردی، منم افتاده‌ای که بلندش نمودی، منم هراسانی که امانش دادی، و گرسنه‌ای که سیرش نمودی، و تشنه‌ای که سیرابش کردی، و برهنه‌ای که لباسش پوشاندی، و تهدیدی که توانگرش ساختی، و ناتوانی که نیرومندش نمودی، و خواری که عزیزش فرمودی، و بیماری که شفایش دادی، و خواهشمندی که عطایش کردی، و گنهکاری که گناهش را بر او پوشاندی، و خطاکاری که نادیده‌اش گرفتی، و اندکی که بسیارش فرمودی، و ناتوان شمرده‌ای که یاری‌اش دادی، و رانده شده‌ای که مأوایش بخشیدی، من پروردگارا کسی هستم که در خلوت از تو حیا نکردم، و در آشکار از تو ملاحظه نمودم، منم صاحب مصیبت‌های بزرگ، منم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 312

آن که بر آفایش گستاخی کرد، منم آن که جبّار آسمان را نافرمانی کرد، منم آن که بر معاصی بزرگ رشوه دادم، منم آن که هرگاه به گناهی مژده داده می‌شدم شتابان به سویش می‌رفتم، منم آن که مهلتم دادی باز نایستادم، و بر من پرده پوشاندی حیا نکردم، و مرتکب گناهان شدم و از اندازه گذراندم و مرا از چشم انداختی، اهمیت ندادم، پس با بردباری‌ات مهلتم دادی، و با پرده‌پوشی‌ات مرا پوشاندی تا آنجا که گویی مرا از یاد برده‌ای، و از مجازات گناهان برکنارم داشته‌ای، گویا تو از من حیا کرده‌ای!! خدایا، آنگاه که نافرمانی کردم نافرمانی‌ات نکردم چنان که پروردگاری‌ات باشم، و نه چنان که سبک شمارنده فرمانت باشم، و نه با گستاخی در معرض کفرت قرار گیرم، و نه تهدیدت را ناچیز شمارم، ولی خطایی بود که بر من عارض شد و نفسم آن را برایم آراست، و بدبختی‌ام مرا بر آن یاری نمود، و پرده افتادها بر من مغرورم نمود، در نتیجه با کوششم نافرمانی‌ات نمودم و به مخالفت برخاستم اکنون چه کس مرا از عذابت نجات می‌دهند، و فردا از چنگ ستیره‌جویان و دشمنی‌کنندگان چه کسی رهایم می‌کند، و به رشته چه کسی بپیوندم اگر تو رشته‌ات را از من بگسلی، مرا چه رسوایی بزرگی است از آنچه کتاب تو از کردارم در شمار آورده، اگر امیدوار به کرم فراوانی رحمت نبودم، و هم اینکه مرا از ناامیدی نمی‌نموده‌ای هرآینه ناامید می‌شدم به هنگامی که گناهانم را بیاد می‌آوردم، ای بهترین کسی که خواننده‌ای او را خواند، و برترین کسی که امیدواری به او امید بست. خدایا به پیمان اسلام به تو توسّل می‌جویم، و به حرمت قرآن بر تو تکیه می‌کنم، و به محبت من نسبت به پیامبر درس ناخوانده قریشی هاشمی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 313

عربی تمامی مکی مدنی، همجواری نزد تو را امید می‌نمایم، پس انس ایمانی مرا در عرصه وحشت نینداز، و و پاداش مرا، پاداش کسی که غیر تو را عبادت کرده قرار مده، چه اینکه مردمی به زبانشان ایمان آوردند تا جانشان را به این وسیله حفظ کنند، پس به آنچه آرزو داشتند رسیدند، و ما با زبان و دلمان به تو ایمان آوردیم، تا از ما درگذری، پس ما را به آنچه آرزومندیم برسان، و امیدت را در سینه‌هایمان استوار کن، و دلهایمان را پس از آنکه هدایتمان فرمودی گمراه مکن، و از جانب خود ما را ببخش، که تو بسیار بخشنده‌ای، به عزتت سوگند اگر مرا برائی، از درگاهت نخواهم رفت، و از چاپلوسی نسبت به تو باز نخواهم ایستاد، به خاطر الهامی که از معرفت به کرم و گستردگی رحمت به قلب من شده، بنده به جانب چه کسی جز مولایش می‌رود؟ و آفریده به چه کسی جز آفریدگارش پناه می‌برد؟ خدایا، اگر مرا با زنجیر ببندی، و عطایت را در میان مردم از من بازداری، و بر رسواییهایم دیدگان بندگان را بگشایی، و مرا به سوی دوزخ فرمان دهی، و بین من و نیکان پرده گردی، امیدم را از تو نخواهم برید، و آرزویم را از عفو تو باز نخواهم گرداند، و محبت از قلبم بیرون نخواهد رفت، من فراوانی عطایت را نزد خود، و پرده‌پوشی‌ات را در دار دنیا بر گناهانم فراموش نخواهم کرد، ای آقای من محبت دنیا را از دلم بیرون کن، و میان من و مصطفی پیامبرت و خاندانش، بهترین برگزیدگان از آفریدگان و پایان‌بخش پیامبران محمد (درود خدا بر او و خاندانش) جمع کن، و مرا به مقام توبه به پیشگاهت برسان، و هر گریه بر خویشتم مرا یاری ده، من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوهای باطل نابود ساختم، و اینک به جایگاه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 314

به ناامیدان از خیر و صلاح فرود آمده‌ام، پس بدحال‌تر از من کیست؟ اگر من بر چنین حالی به قبرم وارد شوم، قبری که آن را برای خواب آماده نساخته‌ام، و برای آرمیدن به کار نیک فرش ننموده‌ام، و مرا چه شده که گریه نکنم، و حال آنکه نمیدانم بازگشت من به جانب چه خواهد بود، من نفسم را می‌نگرم که با من نیرنگ می‌بازد، و روزگار را مشاهده می‌کنم که مرا می‌فریبد، و حال آنکه بالهای مرگ بالای سرم به حرکت درآمده، پس مرا چه شده که گریه نکنم، گریه می‌کنم برای بیرون رفتن جان از بدنم، گریه می‌کنم برای تاریکی قبرم، گریه می‌کنم برای تنگی لحدم، گریه می‌کنم برای پرسش دو فرشته قبر منکر و نکیر از من، گریه می‌کنم برای درآمدنم از قبر عریان و خوار، درحالی که بار سنگینی را بر دوش می‌کشم، یک بار از طرف راست و بار دیگر از جانب چپم نگاه می‌کنم، هنگامی که مردمان در کاری جز کار منند، چه برای هرکسی از آنان در آن روز کاری است که او را بس است، چهره‌هایی در آن روز روشن و خندان خوشحال‌اند، و چهره‌هایی در

آن روز بر آنها غبار بدفرجامی نشسته، و سیاهی و خواری آنها را پوشانده، ای آقای من، تکیه و اعتماد و امید و توکلم بر تو، و آویختنم بر رحمت توست، هرکه را خواهی به رحمت رسانی، و با کرامت هرکه را دوست داری هدایت کنی، پس تو را سپاس بر اینکه قلبم را از شرك پاك نمودی، و برای تو سپاس بر گشودن زبانم، آیا با این زبان کندم تو را شکر کنم، یا با نهایت کوشش در کارم تو را خشنود نمایم، پروردگارا ارزش زبانم در کنار شکرت چیست، و قیمت کارم در برابر نعمتهایت و احسانت چه اندازه است؟! خدایا، جودت آرزویم را گسترد، و سپاست عملم را پذیرفت، ای آقای من میلّم به سوی توست، و ترسم از جانب توست، و آرزویم به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 315

پیشگاه توست، آرزویم مرا به سوی تو کسانده و همّت بر درگاه تو ای خدای یگانه معتکف شده، و رغبتم در آنچه نزد توست فزونی یافته، امید خالص و بیمم برای توست، و محبتّم به تو انس گرفته، و دستم را به جانب تو انداختم، و ترسم را به سوی رشته طاعت تو کشیدم، ای مولای من دلم به یاد تو زندگی کرد، و با مناجات با تو آتش هراس را بر خود سرد نمودم، ای مولایم و ای آرزویم و ای نهایت خواسته‌ام، میان من و گناهانم جدایی انداز، گناهی که بازدارنده من از ملامت طاعت توست، تنها از تو درخواست می‌کنم، به خاطر امید دیرینه به تو، و بزرگی طمع از تو، که از مهر و رحمت بر خود واجب کرده‌ای، پس فرمان تو راست، یگانه‌ای و شریکی نداری، و همه خلق جیره‌خوار تو، و در دست قدرت تو، و هرچیز برای تو فروتن است، منزهی تو ای پروردگار جهانیان، خدایا به من رحم کن آنگاه که حجتّم بریده شود، و زبانم از پاسخت ناگویا گردد، و به هنگام بازپرسی‌ات هوش از سرم برود، ای بزرگ امیدم، زمانی که بیچارگی‌ام شدّت گیرد محرومم مکن، و به خاطر نادانی‌ام از درگاهت مران، و به علت کم تابي‌ام از رحمت دریغ مفرما، به جهت تهیدستی‌ام عطایم کن، و به خاطر ناتوانی‌ام به من رحم کن، آقام اعتماد و تکیه، امید و توکلم بر توست، و آویختنم به رحمت توست، و بارم را به آستان تو اندازم، و خواسته‌ام را به جود و کرم تو جویم، پروردگارا دعایم را آغاز می‌کنم، و رفع تنگدستی‌ام را به تو امید می‌بندم، و به توانگری تو ناداری‌ام را جبران می‌کنم، و ایستادم زیر سایه عفو توست، و به جانب جود و کرمّت دیده‌ام را بلند می‌کنم، و به سوی احسانت نگاهم را ادامه می‌دهم، پس مرا به آتش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 316

مسوزان، و حال آنکه تو جایگاه آرزوی منی، و در دوزخ جایم مده که تو نور چشم منی، ای آقای من گمانم را به احسان و نیکیات تکذیب مکن که تویی مورد اطمینانم، و از پاداشت محرومم مگردان که تو عارف به تهیدستی منی خدایا اگر مرگم فرا رسیده و کردارم مرا به تو نزدیک نکرده پس اعتراف به گناهم را به پیشگاهت وسیله عذرخواهی ام قرار دادم. خدایا اگر گذشت کنی، پس سزاوارتر از وجود تو به گذشت کیست، و اگر عذاب نمایی پس دادگتر از تو در داوری کیست؟، د راین دنیا به غربت، و به گاه مرگ به سختی جان دادم، و در قبر به تنهایی ام، و در لحد به هراسم رحم کن، و زمانی که برای حساب در برابرت برانگیخته شدم و به خواری جایگاهم رحمت آور، و آنچه از کردارم بر انسانها پوشیده مانده بیمارم، و آنچه را که مرا به آن پوشاندی تداوم بخش، و به من در حال افتادن در بستر مرگ که دستهای دوستانم مرا این طرف و آن طرف کند رحم فرما، و به من محبت فرما در آن حال که روی تخت غسلخانه به صورت درازا افتاده ام، و همسایگان شایسه مرا به این سو و آن سو برمی گردانند بر من تفضل کن، و در وقت حمل شدنم که بستگانم گوشه‌های جنازهم را به دوش برداشته‌اند، و در حالت حمل شدنم، که تنها در قبرم وارد پیشگاه تو شده‌ام بر من جود نما، و در این خانه جدید بر غربتم رحم کن، تا به غیر تو انس نگیرم ای آقای من، اگر مرا به خودم واگذاری هلاک شده‌ام، ای آقای من، اگر لغزشم را نادیده نگری از چه کسی فریادرسی خواهم، و به چه کسی پناه ببرم اگر عنایت را در آرامگاهم نداشته باشم، و به چه کسی التجا برم اگر غم و اندوهم را برطرف نکنی؟، ای آقای من که را دارم و چه کسی بر من رحم می کند، اگر تو به من رحم نکنی، و احسان که را آرزو کنم، اگر احسان تو را روز بیچارگی ام نداشته باشم،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 317

و گریز از گناهان به سوی کیست، وقتی که عمرم سرآید؟ ای آقای من، مرا عذاب مکن که امید به تو دارم، خدایا امیدم را تحقق بخش، و ترسم را ایمنی ده، زیرا من در عین فراوانی گناهانم امیدی جز به گذشت تو ندارم، ای آقای من چیزی را از تو درخواست دارم که شایسته آن نیستم، و تو اهل تقوا و آمرزشی، پس مرا بیمارم، و جامه‌ای از لطفت بر من بپوشان، که گناهانم را بر من بپوشاند، و آنها را بیمارم و نسبت به آنه بازخواست نشوم، که تو داری کرم دیرینه، و چشم‌پوشی بزرگ و گذشت کریمانه‌ای. خدایا تویی که عطایت را پی‌درپی فرو ریزی، بر کسی که از تو درخواست نمی کند، و بر آنان که منکر پروردگاریت هستند، چه رسد آقای من بر کسی که از تو خواهش کرده و یقین نمود که آفرینش از تو و فرمان تنها به دست توست، منزّه و والایی ای پروردگار جهانیان، ای آقای من بنده‌ات به درگاه توست، تنگدستی او را پیش رویت قرار داده با دعایش در خانه احسانت را می‌کوبد، پس روی کریمانه‌ات را از من برمگردان، و آنچه می‌گویم از من بپذیر، من تو را به

این دعا خواندم، امید دارم که به خاطر معرفتم به رأفت و مهتر مرا باز نگردانی. خدایا تویی آن که پرسنده‌ای ناتوانت نکند، و عطاگیری از تو نکاهد، تو چنانی که خود گویی، و بالاتر از آنچه ما می‌گوییم. خدایا از تو صبری زبنده، و گشایشی نزدیک و گفتاری درست و مزدی بزرگ درخواست میکنم پروردگارا از خیر تمامش را از تو می‌خواهم، آنچه را از آن دانسته‌ام و آنچه را ندانسته‌ام، خدایا از تو می‌خواهم بهترین چیزهایی را که بندگان شایسته‌ات از تو خواستند، ای بهترین کسی که از او خواسته می‌شود، و سخی‌ترین کسی که عطا فرمود، خواسته‌ام را در حق

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 318

خودم و خانواده‌ام و پدر و مادرم و فرزندانم و خاصانم و برادران دینی‌ام به من عطا کن، زندگی‌ام را گوارا گردان، مروت‌م را آشکار ساز، و همه احوالم را اصلاح کن، و مرا از کسانی قرار ده که عمرش را طولانی کردی، و کردارش را نیکو ساختی، و نعمتت را بر او تمام کردی، و از او خشنود شدی، و او را به زندگانی پاکیزه زنده داشتی، در بادوام‌ترین خوشیها، و کامل‌ترین کرامتها و کامل‌ترین زندگیها، همانا تو هرچه را بخواهی انجام می‌دهی و جز تو هرچه را بخواهد توان انجام آن را ندارد. خدای از جانب خود مرا به ذکر خاصیت اختصاص ده، و چیزی از آنچه که به وسیله آن به تو تقرّب می‌جویم را در هم اوقات شب و روز وسیله ریا و شهرت‌خواهی و هوس‌رانی و طغیانگری قرار مده، و مرا از خاشعان درگاهت بگردان، خدای از تو می‌خواهم که به من عطا کنی: گشایش در روزی امنیت در وطن، نوز چشم در خانواده و مال و اولاد، و پایداری در نعمتهایی که نزد من است، و تندرستی در جسم، و توانمندی در بدن، و سلامت در دین، و مرا به طاعت و طاعت رسولت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد، به کار گمار، همیشه و تا هنگامی که عمرم داده‌ای، و مرا از پر نصیب‌ترین بندگان در نزد خود قرار ده، پر نصیب‌تر در هر خیری که فرو فرستادی، و در ماه رمضان در شب قدر نازل می‌کنی، و نازل کننده آنی در هر سال، از رحمتی که می‌گستری، و عافیتی که می‌پوشانی، و بلائی که دفع می‌کنی، و خویبهایی که می‌پذیری، و بدیهایی که از آن درمی‌گذری، و در این سال و هر سال زیارت خانه‌ات را نصیبم فرما، و از فضل گسترده‌ات روزی فراخ ارزانی من کن، و بدیها را ای آقای من از من بگردان، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 319

بدیه مرا بپرداز و جبران ستمهایی که بر عهده من است را ادا فرما تا به خاطر چیزی از آنها آزار نبینم و گوشها و دیدگان دشمنان و حسودان و متجاوزان بر من را از من بگیر، و مرا بر آنان پیروز کن، و چشمم را روشن فرما، و دلم را شادی

بخش و برایم از اندوه و غم گشایش و بیرون‌رو قرار ده، و هرکه از میان مخلوقات نسبت به من به بدی قصد کرده، و زیر گامم قرار ده، و مرا از گزند شیطان و گزند پادشاه و بدیهای کردارم کفایت کن، و از همه گناهان پاکم فرما، و به گذشتت از آتش امانم ده، و به رحمت به بهشت واردم کن، و به احسانت از حور العین به همسری‌ام درآور، و مرا به دوستان شایسته‌ات محمد و خاندانش آن خوبان و نیکان پاکیزه و پاک ملحق کن، درود بر آنان و بر تنها و جانهایشان، و رحمت خدا و برکاتش بر ایشان، خدای ای آقای من، به عزت و جلالت سوگند، اگر مرا به گناهانم پی‌جویی کنی، من تو را به عفو پی می‌جویم و اگر مرا به پستی‌ام تعقیب نمایی، من تو را به کرم می‌خواهم، و اگر به دوزخم دراندازی اهل دوزخ را به محبتم به تو آگاه می‌سازم. خدایم و آقام اگر جز اولیا و اهل طاعت را نیامری، پس گنهکاران به چه کسی پناه برند، و اگر جز اهل وفا را اکرام ننمایی، پس بدکاران از چه کسی فریادری خواهند؟، خدایا اگر مرا وارد دوزخ کنی این موجب خرسندی دشمن توست، و اگر مرا به بهشت وارد نمایی، این سبب خوشحالی پیامبر توست، و من به خدا سوگند این را می‌دانم، که دلشادی پیامبرت نزد تو، از خرسندی دشمنت محبوب‌تر است. خدایا از تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 320

درخواست می‌کنم که دلم را از محبت و خشیت، و باور به کثابت، و ایمان به وجودت، و هراس از حضرتت، و اشتیاق به ذات پر کنی، ای دارای بزرگی و بزرگواری، دیدارت را محبوب من کن، و تو نیز مرا محبوب خود بدار، و در لقایت برای من آرامش و گشایش و کرامت قرار ده. خدایا مرا به شایستگان از بندگان گذشته‌ات ملحق ساز، و از شایستگان از آنان که در آینده‌اند قرار ده، و مرا بر راه شایستگان نگاهدار، و بر مخالفت با خواسته‌های نفسم یاری ده، آنگونه که شایستگان را بر مخالفت با خواسته‌های نفسانی یاری می‌دهی، و کردارم را به نیکوترین وجه ختم کن، و پاداشم را در کارها به برکت رحمت بهشت قرار ده، و بر شایسته‌ای آنچه عطا کردی یاری‌ام نما و ثابت قدمم کن، پروردگارا، و در ورطه بدیهایی که از آنها نجاتم دادی باز مگردان، ای پروردگار جهانیان. خدایا ایمانی از تو درخواست می‌کنم، که پایانی جز دیدار تو نداشته باشد، بر آن ایمان پایدارم بدار تا زنده‌ام می‌داری و بر آن بیمران زمانی که مرا میمیرانی، و بر آن برانگیز، هنگامی که مرا برمی‌انگیزی، و دلم را از ریا و شک و شهرت‌خواهی در دینت پاک فرما، تا معلم برای تو حالص باشد. خدایا از تو می‌خواهم که به من عطا کنی: بصیرت در دینت، و فهم در فرمانت، و آگاهی در علمت، و دو نصب از رحمت، و پرهیزی که مرا از نافرمانی‌هایت بازدارد، و رخسارم را به فروغ نورت سپید کن، و رغبتم را در آنچه نزد توست

قرار ده، و در راه خود و بر آئین پیامبرت درود خدا بر او و خاندانش بمیران. خدایا به تو پناه می آورم از کسالت و سرافکندی و اندوه و ترس و بخل و بی خبری و سنگدلی و ناداری و تهیدستی و بیچارگی و همه بلاها

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 321

و زشتیهای آشکار و پنهان، و به تو پناه می آورم از نفسی که قانع نمی شود، و از شکمی که سیر نمی گردد، و از قلبی که فروتنی نمی کند، و دعایی که به اجابت نمی رسد، و کرداری که سود نمی بخشد، پروردگارا برای حفظ جان و دین و مال و آنچه که نصیب من فرموده ای، از شیطان رانده شده به تو پناه می آورم، همانا تو شنوا و دانایی. خدایا به یقین جز تو احدی مرا پناه نمی دهد، و به جز تو پناهگاهی نمی یابم، پس هستی ام را در دامن عذابت قرار نده، و به هلاکت و شکنجه دردناک بازمگردان. خدایا از من بپذیر و نامم را پرآوازه کن، و درجه ام را بالا ببر، و بار گناهم را بریز، و مرا به اشتباهم یاد مکن، و پاداش به عبادت نشستن و گفتار و دعایم را خشنودی و بهشت قرار ده، پروردگارا، همه آنچه را از تو خواستم به من عطا فرما، و از احسانت بر من بیفز، من مشتاق توام، ای پروردگار جهانیان، خدایا تو خود در قرآن فرمودی که از کسی که به ما ستم روا داشته گذشت کنیم، و ما بر خود ستم ورزیدیم، پس از ما درگذر، که حضرتت به گذشت از ما، شایسته تر از ماست، و هم فرمان دادی که فقری را دست خالی از در خانه هایمان نرانیم، و من اکنون به گدایی از تو به درگاهت آمدم، پس مرا جز با روا شدن حاجتم باز نگردان و نیز به نیکی درباره بردگانمان امر فرمودی، و هم اینک ما بردگان تویم، پس ما را از آتش دوزخ برهان، ای پناهگاهم به وقت غم و اندوه، ای فریادرس به هنگام سختی، به تو پناه آوردم، و از تو فریادرسی خواستم، و جز به تو پناه نمی آورم و جز از تو درخواست گشایش نمی کنم، پس به فریادم رس و گشایشی در کارم قرار ده، ای که اسیر را آزاد می کنی، و از گناه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 322

فراوان می گذاری، از من عمل اندک را بپذیر، و از گناه بسیارم درگذر، همانا تو مهربان و آمرزنده. خدایا ایمانی از تو می خواهم که دلم با آن همراه شود و باور صادقانه ای که بدانم هرگز چیزی به من نمی رسد، مگر آنچه که تو برایم ثبت کردی و مرا از زندگی به آنچه که نصیب فرمودی خشنود بدار، ای مهربان ترین مهربانان. پنجم: و همچنین شیخ فرموده: این دعا را در سحرها بخوان: ای توشه ام در اندوه بسیار، ای همراهم در سختیها، ای سرپرستم در گاه نعمت، ای هدفم در میل و رغبت، تو پوشاننده زشتی منی، تو ایمنی بخش هراس منی، تو درگذرنده از لغزش منی، پس خطایم را بیامرز. خدایا از تو

فروتنی ایمان را پیش از خواری در دوزخ خواستارم، ای یگانه، ای یکتا، ای تکیه گاه حاجات، ای که نزاده و زاده نشده و هیچ همتایی ندارد، ای آن که از روی محبت و رحمت به کسی که از او بخواهد عطا می کنی، و از روی فضل و کرم بر کسی که از او درخواست نکرد شروع به خیر می نماید، به حق کرم جاودانت بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا رحمت گسترده و فراگیر بخش، که به سبب آن به خیر دنیا و آخرت برسم.

خدایا از تو آموزش می جویم، برای گناهانی که پس از توبه از آنها، دوباره مرتکب آنها شدم، و از تو درخواست بخشش می کنم، برای هر عمل خیری که خالصانه برای تو انجام دادم، ولی آنچه برای رضای تو نبود. آمیخته به آن شد. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از ستم و گناهم به بردباری و جودت درگذر، ای کریم، ای که گدایش را محروم نمی کند، و عطایش پایان ندارد، ای که برتر است و چیزی برتر از او نیست، و نزیک است، و چیزی نزدیکتر از او نمی باشد، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، ای شکافنده دریا پیش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 323

روی موسی، همین شب، همین شب، همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت، خدایا دلم را از دورویی و کردارم را از ریا، زبانه را از دروغ، و دیده ام را از خیانت پاک کن، همانا تو از خیانت دیده ها و آنچه در سینه ها نهان است خبرداری، پروردگارا، این است جایگاه پناهنده به تو از آتش، این است جایگاه پناه خواه از تو از آتش، این است جایگاه دادخواه از تو از آتش، این است جایگاه گریزان به سوی تو از آتش، این است جایگاه کسی که از خطایش به تو بازگشته، و به گناهش اعتراف می کند، و به سوی پروردگارش توبه می نماید، این است جایگاه بینوای تهیدست، این است جایگاه هراسنده پناه جو، این است جایگاه اندوهناک غمگین، این است جایگاه دلگیر افسرده، این است جایگاه غریب غرق شده، این است جایگاه ترسنده هراسان، این است جایگاه کسی که برای گناهش آمرزگاری جز تو نیابد، و توان بخشی برای ناتوانی اش جز تو پیدا نکند، و برای اندوهش برگزیده ای جز تو نبیند، ای خدا ای کریم، چه راهم را به آتش مسوزان، آن هم پس از سجده ام برای تو، و به خاک ساییدن رویم به درگاهت، بی آنکه منتی از من بر تو باشد، بلکه تو را بر من و سپاس و منت و تفضل است، رحم کن پروردگارا، پروردگارا، آنقدر بگوید تا نفس قطع شود به ناتوانی ام و کمی تدبیرم، و نازکی پوستم، و از هم گسیختن بندهایم، و از هم پاشیدن گوشت و بدن، و پیکرم، و تنهایی و هراسم در قبر، و بی تابیم از بلای کوچک، از تو درخواست می کنم، پروردگارا، ای نور چشم و خوشحالی روز اندوه و ندامتم، پروردگارا چه راهم را سپید کن آن روز که چهره ها سیاه می شود، از هول

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 324

بزرگ‌تر امانم ده، از تو درخواست مژده می‌کنم برای روزی که دلها و دیده‌ها زیرورو می‌شود، و به هنگام جدا شدن از دنیا خاهان بشارتم، سپاس خدای را که به یاری او در زندگی‌ام امید دارم، و او را چونان اندوخته روز قیامت می‌سازم سپاس خدای را که او را می‌خوانم، و جز او را نمی‌خواهم، اگر جز او را می‌خواندم، خواندنم بی‌پاسخ می‌ماند، سپاس خدای را که به او امید می‌بندم و به غیرش امید ندارم، اگر به جز او امید می‌بستم، ای‌دم ناامید می‌شد، سپاس خدای را، خدای نعمت بخش نیکوکار زیباکردار فزون‌بخش دارای بزرگی و اکرام، سرآغاز هر نعمت، و صاحب هر خوبی، و نهایت هر رغبت، و برآورنده هر نیاز. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و باور نیکو و خوش‌گمانی به خویش را نصیبم کن، و امیدت را در دلم استوار گردان، و رشته امیدم را از غیر خودت ببر، تا به غیر تو امید نبندم، و جز به تو اعتماد ننمایم، ای لطف کننده به هر موجودی که خواهی، در همه احوال آنگونه که می‌پسندی و خشنود می‌شودی به من لطف کن، بارپروردگارا در برابر آتش ناتوانم، پس مرا به آتش کیفر مکن، پروردگارا به دعا و زاری و ترس و خواری و مسکنت و پناهندگی و پناه‌جویی‌ام رحم فرما، ای پروردگار من از طلب دنیا درمانده‌ام، و تو وسعت بخش و کریمی، از تو درخواست می‌کنم پروردگارا به توانایی‌ات بر این کار، و نیرویت بر آن، و بی‌نیازی‌ات از آن، و نیاز من به آن، که در این سال و این ماه، و این روز و این ساعت روزی نصیبم کنی، که به سبب آن از به زحمت افتادن نسبت به آنچه در اختیار مردم است بی‌نیازم نمایم، آری از روزی حلال و پاکیزه‌ات روزی‌ام کن، ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 325

پروردگرم از تو درخواست می‌کنم، و به سوی تو میل می‌نمایم، و به تو امید دارم که تو سزاوار آنی، و به غیر تو امید نمی‌بندم، و جز تو به کسی اطمینان نمی‌نمایم، ای مهربان‌ترین مهربانان، پروردگارا بر خود ستم کردم، پس مرا بیامرز و به من رحم کن و سلامت کاملم بخش، ای شنونده هر صدا، ای جمع‌آورنده هرچه از دست رفته، ای آفریننده جانها پس از مرگ، ای که تاریکیها او را نپوشاند، و صداها بر او مشتبّه نشود، و چیزی او را از چیز دیگر منصرف نکند، به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) عطا کن برترین چیزی را که از تو خواسته، و برترین چیزی را که از تو درخواست شده، و برترین چیزی را که از تو برای او تا روز قیامت درخواست شود، و مرا تندرستی کامل عنایت فرما، تا زندگی برایم گوارا باشد، و کارم را به خیر پایان ده تا گناهانم به من زیانی نرساند. خدایا به آنچه که نصیب فرمودی خشنودم ساز، تا چیزی از کسی نخواهم.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و خزانه‌های رحمت را به رویم باز کن، و به من رحم کن رحمتی که هرگز پس از آن، در دنیا و آخرت عذابم نکنی، و از فضل گسترده‌ات روزی حلال پاکیزه‌ای نصبم فرما، که پس از آن به احدی جز خود نیازمندم نکنی، و به سبب آن رزق و روزی بر سپاسم بیفزایی، و درماندگی نیازم را به جانب خود زیاد کنی، و به تو بی‌نیازی و خویشنداری‌ام از غیر تو افزون گردد، ای نیکوکار، ای زیباکردار، ای نعمت‌بخش، ای افزون‌ده، ای زمامدار، ای توانا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و همه کارهای مهم ما را کفایت فرما، و بر من به حسن عاقبت داوری کن، و در همه امور به من برکت بخش، و تمام حاجاتم را برآور. خدایا سختی را آنچه را می‌ترسم بر من آسان کن، به یقین آسان کردن آنچه من از سختی‌اش می‌هراسم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 326

بر تو هموار و ساده است، و آنچه از ناهمواری‌اش می‌ترسم بر من هموار ساز، و آنچه از تنگی‌اش وحشت دارم، از من بردار، و آنچه را از اندوهش ترسانم، از من بازدار، و آنچه را از بلایش خوفناکم، از من بازگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا دلم را از محبت به حضرتت، و ترس از خویش و باور به خود و ایمان به هستی‌ات و هراس از خود، و شوق به سویت آکنده کن، ای دارای بزرگی و بزرگواری. خدایا تو را بر من حقوقی است، آنها را بر من ببخش، و هم برای مردم بر عهده من ستمهای ناخواسته‌ای است ادای آنها را از جانب من بر عهده گیر، تو برای هر میهمانی پذیرایی واجب کردی، و من میهمان توام پس پذیرایی مرا در این شب بهشت قرار ده، ای بخشنده بهشت، ای بخشاینده آمرزش، جنبش و نیرویی جز به تو نیست

ششم: دعای ادريس را که شيخ طوسی و سيد ابن طاووس روایت کرده‌اند می‌خوانی. برای متن کامل آن به کتاب «مصباح» یا «اقبال» مراجعه کنید. هفتم: این دعا را که مختصرترین دعا از دعاهای سحر است، و در کتاب «اقبال» آمده بخوان:

ای پناهگاهم در غم و اندوه، ای دادرسم در دشواریها، به تو پناه آوردم و از تو دادخواهی نمودم، و پناهجوی تو شدم، و به دیگری پناه نمی‌برم، و گشایش در کارم را جز از تو نخواهم، پس به فریادم رس، و در کارم گشایش ده، ای که عمل اندک را می‌پذیری، و از گناه بسیار در می‌گذری، عبادت اندک را از من بپذیر، و گناه بسیار را از من درگذر، زیرا تو آمرزنده مهربانی.

خدایا از تو ایمانی می‌خواهم که دلم با آن همراه باشد، و باوری می‌جویم که بدانم هرگز چیزی به من نمی‌رسد، جز آنچه تو برایم نوشتی مرا از زندگی به آنچه نصیبم فرمودی خوشنود ساز، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای توشه‌ام در غم و اندوه، ای همراهم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 327

در سختیها، ای سرپرستم در نعمتها، و ای هدف میل و رغبتم، تو پوشاننده زشتی من، و ایمنی‌بخش هراس من، و درگذرنده لغزش منی، خطایم را بیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان. هشتم: این تسبیحات را که در کتاب اقبال آمده بخوان: منزّه است آن که قوای پنهانی دلها را می‌داد، منزّه است آن که عدد گناهان را بر می‌شمارد، منزّه است آن که پوشیده‌ای در آسمانها و زمینها برای او پوشیده نمی‌ماند، منزّه است پروردگار پرمهر و محبت، منزّه است آن یگانه و فرد منزّه است بزرگ بزرگ‌تر، منزّه است آن که بر اهل فرمانروایی اش ستم نمی‌ورزد، منزّه است آن که اهل زمین را به عذابهای گوناگون کیفر نمی‌کند، منزّه است آن مهربان نعمت‌بخش، منزّه است آن رؤوف مهربان، منزّه است آن جبار سخاوتمند، منزّه است آن کریم بردبار، منزّه است آن بینای دانا، منزّه است آن بینای وسعت‌بخش، منزّه است خدا بر روی آوردن روز، منزّه است خدا بر روی گرداندن روز، منزّه است خدا بر روی گرداندن شب و روی آوردن روز، برای اوست سپاس و بزرگواری و بزرگی و کبریایی، همراه هر نفس و هر چشم برهم زدن و هر برق نگاه که در علم او گذشته، منزّه‌ای تو به انباشتگی آنچه کتابت بر شمرده، منزّه‌ای تو به سنگینی عرشت، منزّه‌ای تو، منزّه‌ای تو، منزّه‌ای تو.

آگاه باش: علما فرموده‌اند: اگر پس از خوردن سحر نیت روزه کند بهتر است، هرچند از آغاز شب تا پایان شب می‌توان نیت روزه کرد و بلکه همین که می‌داند، و قصدش این است که فردا برای خدا روزه می‌گیرد، و از مفطرات خوداری می‌کند کافی است، و شایسته‌تر است که نماز شب را در سحرها ترك نکند، و شب‌زنده‌داری را بجا آورد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 328

بخش چهارم: اعمال روزهای ماه رمضان

و آن چند عمل است: اول: دعایی را که شیخ طوسی و سید ابن طاووس روایت کرده‌اند هر روز بخواند:

خدایا این ماه رمضان است، که قرآن را در آن فرو فرستادی، برای راهنمایی مردم، و دلایلی روشن از هدایت و تمیز بین حق و باطل، و این است ماه روزه، و این است ماه بپاداری نماز، و این است ماه بازگشت، و این است ماه توبه، و این است ماه آمرزش و رحمت، و این است ماه رهایی از آتش دوزخ و رسیدن به بهشت، و این ماهی است که شب قدر در آن است شبی که از هزار ماه بهتر است. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست. و مرا بر روزه و شب‌زنداری در این ماه یاری فرما، آن را برانم سالم بدار و مرا بر آن سلامتی ده، و مرا بر آن به بهترین یاری‌ات یاری ده، و مرا در آن بر طاعت و طاعت رسول و اولیای که درود خدا بر آنان توفیق ده، و در آن برای بندگی‌ات و خواندن دعا و تلاوت قرآن فراغت بخش، و در این ماه برکت را برانم بزرگ گردان، و تندرستی‌ام را در آن نیکو بدار و تنم را در آن قرین سلام فرما، و روزی‌ام را در وسعت بخش، و آنچه برانم در آن مهم است کفایت کن، و دعایم را در آن اجابت فرما، و به آرزویم برسان. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در این ماه از من برطرف کن: خواب‌آلودگی و کسالت و خستگی و سستی و قساوت و غفلت و غرور را، و در این ماه برکنارم دار از دردها و بیماریها و اندوهها و غصه‌ها و پیش‌آمدها و مریضیها و خطاها و گناهان،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 329

و در این ماه از من دور کن بدی و زشتکاری و رنج و بلا و زحمت و مشقت را، همانا تو شنوای دعایی. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و پناهم ده در این ماه از شیطان رانده شده و عیب‌جویی و اشاره به زشتی و سحر و دمیدن و وسوسه‌انگیزی و بازداشتن و نیرنگ و مکر و دامها و فریبه‌ها و آرزوها و گول‌زدنها و فتنه‌انگیزیها و دام‌گستریها و دارودسته و پیروان و دنباله‌روها و دوستان و شریکانش و تمام حيله‌گریهایش خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روزی ما کن شب زنده‌داری و روزه ماه رمضان را، و رسیدن به آرزوهایمان را در این ماه و بپاداری نماز و کامل کردن آنچه که تو را از من خشنود سازد، که همانا صبر و خوش‌خویی و ایمان و باور است، سپس آن را از من بپذیر به چند برابر بیشتر، و مزدی بزرگ، ای پروردگار جهانیان. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و روزی‌ام گردان حج و عمره، و کوشش و نیرو، و شادابی و بازگشت به سوی حق و توبه‌کردن و مقام قرب و خیر پذیرفته و رغبت به بهشت، و ترس از دوزخ، و زاری و خشوع، و پاک‌دلی، و نیت صادقانه و درستی زبان، و بیم از خود، و امید به خویش و اعتماد بر خود، و اطمینان به خویش و پرهیز از محرمات همراه با گفتار شایسته، و سعی پذیرفته، و عمل بالارفته و دعای اجابت شده را و میان من

و اینها فاصله نگذار به حادثه‌ای و مرضی و نه اندوهی و غمی و دردی و غفلتی و فراموشی بلکه عنایتی کن که با عهده‌پذیری و خویشنداری برای تو و درباره تو، و رعایت حق تو، و وفاکردن به پیمان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 330

و وعده‌ات کارم سامان پذیرد، به حق رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در این ماه روزی من گردان برترین چیزی که آن را نصیف بندگان شایسته‌ات می‌کنی، و به من عطا کن در آن برترین چیزی را که عطا می‌کنی به اولیای مقرب از رحمت و آمرزش، و مهربانی و اجابت دعا، و عفو و مغفرت همیشگی، و سلامتی کامل و تندرستی دنیا و آخرت و آزادی از آتش دوزخ و رسیدن به بهشت و خیر دنیا و آخرت. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و دعایم را در این ماه به پیشگاهت برسان، و رحمت و خیرت را در ای ماه بر من فرو فرست، و معلم را در آن مقبول و سعیم را پذیرفته، و گناهم را آمرزیده قرار ده، تا سهمم در این ماه بیشتر، و بهره‌ام کاملتر گردد. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا در این ماه برای درك شب قدر توفیق ده، به برترین حالی که دوست داری یکی از اولیای بر آن حال باشد و پسندیده‌ترین حال برای تو، سپس شب قدر را برای من بهتر از هزار شب قرار ده، و در آن شب به من روزی کن برترین چیزی که روزی کردی یکی از کسانی که او را به آن روزی رساندی، و به آن گرمی‌اش داشتی، و در آن شب قرارم ده از آزادشدگان از دوزخ، و رهاشدگان از آتش، و سعادتمندان از خلقت به مغفرت و رضوانت، ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روزی ما کن در این ماه کوشش و تلاش و توانمندی و شادابی و آنچه دوست داری و می‌پسندی. خدایا ای پروردگار سپیده‌دم و شبهای ده‌گانه و زوج و فرد و پروردگار ماه رمضان و آنچه از قرآن در آن نازل کردی، و پروردگار جبریل و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 331

میکائیل، و اسرافیل، و عزرائیل و تمام فرشتگان مقرب، و پروردگار ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب، و پروردگار موسی، و عسی و همه پیامبران و رسولان، و پروردگار محمد خاتم پیامبران، درودهایت بر او و بر همه آنان باد، و از تو درخواست می‌کنم به حق ایشان و به حق ایشان بر تو، و به حق بزرگت که درود فرستی بر او و خاندان او و بر همه آنان، و نظر کنی بر من نظری از روی مهر که به آن نظر از من خشنود شوی، خشنودشدنی که هرگز پس از آن خشمی بر من نباشد، و عطا کنی به من همه خواهش و رغبت و آرزو و خواسته‌ام را، و از من بگردانی آنچه را ناخوش دارم و از

آن پرهیز می‌کنم، و می‌ترسم و نمی‌ترسم بر خود، و نیز همه آنها را بگردانی از خانواده و مال و برادران و فرزندانم. خدایا از گناهانمان به جانب تو گریختیم، ما را درحالی که توبه‌کننده‌ایم جای ده، و توبه‌مان را درحالی که آمرزش طلبیم بپذیر، و درحالی که پناهنده‌ایم بیامرز، و درحالی که پناه‌جوییم پناهان ده، و درحالی که تسلیمیم نجاتمان بخش، و درحالی که، هراسناکیم وامگذار، و درحالی که مشتاقیم امانان ده، و درحالی که خواهنده‌ایم شفاعت‌مان را بپذیر و به ما عطا کن که تو شنوای دعایی و نزدیک و اجابت‌کننده‌ای. خدایا تویی پروردگارم و من بنده توام، و شایسته‌ترین کسی که بنده از او بخواهد پروردگار اوست بندگان درخواست نکردند از کسی که در کرم وجود چون تو باشد، ای بارگاه شکوه سائلان، ای نهایت حاجت راغبان، ای فریادرس دادخواهان، ای اجابت‌کننده دعای بیچارگان، ای پناهگاه گریختگان ای دادرس دادخواهان، ای پروردگار مستضعفان ای برطرف‌کننده اندوه غمزدگان، ای گشاینده اندوه اندوهندگان، ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 332

برطرف‌کننده گرفتاری بزرگ، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای مهربان‌ترین مهربانان درود فرست بر محمد، و خاندان محمد و گناهان و عیبه‌ها و بدرفتاری و ستم و جرم و زیاده‌روی مرا بر خودم بیامرز، و از فضل و رحمت روزی من کن، که آن را کسی جز تو مالک نیست، از من درگذر، و همه آنچه از گناهانم گذشته بیامرز، و در باقیمانده عمرم مرا حفظ کن، و پرده‌پوشی کن بر من و پدر و مادر و فرزندان و نزدیکان و اهل و عیالم، و هرکه به من نسبت داشته از مردان و زنان مؤمن در دنیا و آخرت، زیرا همه این امور به دست توست، و تو گسترنده آمرزشی ای آقای من مرا محروم مکن، و دعایم را بدون اجابت و دستم را خالی به سوی سینه‌ام بازنگردان، تا آنچه را خواستم در حقم انجام دهی، و همه درخواستهایم را اجابت نمایی، و از احسانت بر من بیفزایی، که تو به هر چیز توانایی، مشتاق به سوی تویم، خدایا نامهای نیکو، و نمونه‌های برتر، و بزرگمنشی و نعمتها برای توست، از تو درخواست می‌کنم به حث نامت «بسم الله الرحمن الرحيم» اگر در این شب فرود آمدن فرشتگان و روح را حتم کرده باشی، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی نامم را در شمار خوشبختان و روحم را با شهیدان، و کار نیکم را در برترین جای بهشت، و بدکاری‌ام را آمرزیده، و بر من ببخشی باوری که دلم با آن همراه باشد، و ایمانی که به دودلی آمیخته نشود، و خشنودی به آنچه نصیب نمودی، و به من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 333

در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عنایت کن، و از شکنجه دوزخ حفظ فرما، و اگر نزول فرشتگان و روح را در این شب حتم نکرده باشی، عمر مرا تا آن زمان به تأخیر انداز، و در آن شب ذکر و شکر و طاعت و نیکی بندگی کردنت را روزی من کن، و بر محمد و خاندان محمد درود فرست به برترین درودهای ای مهربان‌ترین مهربانان، ای یکتا، ای مقصود نیازمندان، ای پروردگار محمد، امروز به خاطر محمد و خوبان از عترش خشم کن، و دشمنانشان را در پیریشانی و پراکندگانی به قتل برسان، و آنان را يك به يك برشمار، و بر روی زمین احدی از آنان را باقی مگذار، و و آنان را هرگز نیامرزد، ای نیکو همنشین، ای جانشین پیامبران در کارهایشان، تو مهربان‌ترین مهربانانی، ای آغازگر آفرینش، ای آفریننده که چیزی مانند تو نیست، و جاودان غیر غافل، و زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، تو هر روز در کاری هستی، تو خلیفه محمد و یاور محمد، و برتری‌دهنده محمدی، از تو می‌خواهم که یاری رسانی بر وصی محمد و جانشین محمد، و قیام‌کننده به عدالت از جانشینان محمد، درودت بر او و بر ایشان، یاری‌ات را متوجه ایشان فرما، ای که معبودی جز تو نیست، به حق اینکه معبودی جز تو نیست، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا در دنیا و آخرت همراه ایشان قرار ده، و پایان کارم را به آموزش و رحمت رسان. ای مهربان‌ترین مهربانان، و همچنان که ای آقای من خود را به لطیف بودن نسبت دادی، آری همانا لطیفی، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به هرچه خواهی بر من لطف کن. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 334

و این سال حج و عمره روزی من گردان، و با برآوردن همه حاجات دنیوی و اخروی ام بر من منت گذار.

سپس سه مرتبه بگوید: از خدای پروردگارم درخواست آموزش می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم که پروردگارم نزدیک و اجابت‌کننده است، از خداوند پروردگارم درخواست آموزش می‌کنم و بسوی او باز می‌گردم که او مهربان و با محبت است، از خدای پروردگارم درخواست آموزش می‌کنم و بسوی او باز می‌گردم که بسیار آمرزنده است، خدایا مرا بیامرزد که تو مهربان‌ترین مهربانانی، بارپروردگارا من بد کردم، و به خود ستم نمودم پس مرا بیامرزد، که کسی جز تو گناهان را نیامرزد، از خدا درخواست آموزش می‌کنم که معبودی جز او نیست زنده و به خود پاینده است، بردبار و بزرگ و بخشنده و آمرزنده گناهان بزرگ است، و به سوی او باز می‌گردم، از خدا درخواست آموزش می‌کنم که همانا او آمرزنده و مهربان است. سپس این دعا را بخواند: خدایا از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در آنچه حکم می‌کنی و مقدر می‌نمایی از فرمان بزرگ حتمی در شب قدر، از حکمی که بازگشت و و تغییری برای آن نیست، اینکه مرا از زیارت‌کنندگان خانه کعبه بنویسی، آنان که حجتشان پذیرفته، و تلاششان قبول، و گناهانشان آمرزیده، و از بدیهایشان

گذشت شده، و در آنچه که حکم می‌کنی، مقدر فرمایی که عمرم را طولانی کنی، و در روزی‌ام وسعت بخشی، و امانت و دینم را ادا کنی، آمین ای پروردگار جهانیان، خدایا، در کارم گشایش و راه نجاتی قرار ده، و از جایی که گمان می‌برم و از جایی که گمان نمی‌برم، مرا روزی بخش، و از جایی که خود را حفظ می‌کنم و از جایی که خود را حفظ نمی‌کنم مرا محافظت فرما، بر محمد و خاندان محمد درود و سلام بسیار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 335

فرست. دوم: فرموده‌اند که این تسبیحات را در همه روزهای ماه مبارك رمضان از اول تا آخر ماه بخوان و آن ده بخش است که هر بخش آن مشتمل بر ده «سبحان الله» است:

(1) منزّه است خدا آفریننده هر تنفس کننده، منزّه است خدای صورنگر، منزّه است خدای آفریننده همه جفتها، منزّه است خدای قراردهنده تاریکیها و نور، منزّه است خدای شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدای پدیدآورنده هر چیز، منزّه است خدای آفریننده آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود، منزّه است خدای به امتداد کلمات بی‌پایانش منزّه است خدا پروردگار جهانیان، منزّه است خدای شنوا، که هیچکس شنواتر از او نیست، از بالای عرشش می‌شنود آنچه زیر هفت زمین است، و می‌شنود آنچه در تاریکیهای خشکی و دریاست، و می‌شنود ناله‌ها و شکوه‌ها را، و می‌شنود پنهان و پنهان‌تر را، و می‌شود وسوسه‌های نّان در سینه‌ها را، و شنوایی‌اش را هیچ صدایی کر نکند. (2) منزّه است خدای آفریننده هر تنفس کننده، منزّه است خدای صورت‌آفرین منزّه است خدای آفریننده همه جفتها، منزّه است خدای قراردهنده تاریکیها و نور، منزّه است خدای شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدای آفریننده هرچیز، منزّه است خدای آفریننده آنچه دیده می‌شود، و آنچه دیده نمی‌شود، منزّه است خدای به امتداد کلمات بی‌پایانش، منزّه است خدا پروردگار جهانیان، منزّه است خدای بینا، که هیچکس بیناتر از او نیست، از بالای عرشش می‌بیند آنچه زیر هفت زمین است، و می‌بیند آنچه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 336

در تاریکیهای خشکی و دریاست، دیده‌ها او را درک نمی‌کند، و او دیده‌ها را درک می‌کند، و او مهربان و آگاه است، دیده‌اش را تاریکی نمی‌پوشاند، و چیزی از او با پوشش پوشیده نمی‌شود، و دیوار چیزی را از او پنهان نمی‌کند، و خشکی و دریا از او غایب نمی‌گردد و کوه آنچه را در ریشه دارد از او پنهان نمی‌دارد، و نه دلی آنچه را در نهاد خود دارد، و نه پهلویی آنچه را در دل دارد، و کوچک و بزرگی نمی‌تواند خود را از او پنهان کند، و چیز کوچکی به خاطر کوچکی‌اش نمی‌تواند از او پنهان شود، در زمین و آسمان چیزی بر او پنهان نیست، اوست که شما را به هرگونه که بخواهد در رحم‌ها

صورت می‌بندد معبودی جز او نیست، نیرومند و فرزانه است. (3) منزّه است خدای آفریننده هر تنفس‌کننده، منزّه است خدای صورت‌آفرین، منزّه است خدای آفریننده همه جفتها، منزّه است خدای قراردهنده تاریکیها و نور، منزّه است خدای شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدای آفریننده هرچیز، منزّه است خدای آفریننده آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود، و منزّه است خدا به امتداد کلمات بی‌پایانش، منزّه است خدای پروردگار جهانیان، منزّه است خدای پدیدآورنده ابرهای گران و رعد به سپاس او تسبیح می‌گوید، و فرشتگان از بیمش و صاعقه‌ها را می‌فرستد و هرکه را بخواهد به آن دچار می‌کند، و بادها را مژده‌ای پیشاپیش باران رحمتش می‌فرستد، و با فرمانش آب را از آسمان نازل می‌کند و گیاه را با نیرویش می‌رویاند، و برگ درخت را به دانشش فرو می‌رید، منزّه است خدایی که به اندازه سنگینی غباری در زمین و آسمان از او پنهان نمی‌ماند، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر از آن چیزی نیست مگر در کتابی روشن نوشته است.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 337

(4) منزّه است خدای آفریننده هر تنفس‌کننده، منزّه است خدای صورت‌آفرین، منزّه است خدای آفریننده همه جفتها، منزّه است خدای قراردهنده تاریکیها و نور، منزّه است خدای شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدای آفریننده هر چیز، منزّه است خدای آفریننده آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود، منزّه است خدا به کشش کلمات بی‌پایانش، منزّه است خدا پروردگار جهانیان، منزّه است خدایی که می‌داند آنچه را هر مادری باردار است، و آنچه را رحمها فرو برند و آنچه را بیفزایند، و هر چیز نزد او به اندازه است، دانای پنهان و آشکار است، بزرگ و والاست، برای او برابر است که کسی از شما آهسته سخن گوید یا بلند، و پنهان شونده در شب باشد یا راه رونده آشکار در روز، برای خدا فرشتگان پی‌گیری است پیش روی انسان و پشت سرش، که از او به فرمان خدا محافظت می‌کنند، منزّه است خدایی که می‌میراند زنده‌ها را، و زنده می‌کند مردگان را، و آگاه است آنچه را زمین از ایشان می‌کاهد، خدایی که در رحمها قرار می‌دهند آنچه را بخواهد تا زمانی معین (5) منزّه است خدا آفریننده هر تنفس‌کننده، منزّه است خدای صورت‌آفرین، منزّه است خدایی که همه جفتها را آفرید، آفرید، منزّه است خدای قراردهنده تاریکیها، و نور، منزّه است خدای شکافنده دانه و هسته، منزّه است خدای آفریننده آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود، منزّه است خدا به کشش کلمات بی‌پایانش، منزّه است خدا پروردگار جهانیان، منزّه است خدا، دارنده پادشاهی، به هر که بخواهی پادشاهی می‌بخشی، و از هرکه بخواهی می‌ستانی، و به هرکه بخواهی عزت می‌دهی، و به هر که بخواهی به خاک ذلت می‌کشی، خیر تنها بدست توسست، توبه هرچیز توانایی، شب را وارد روز می‌کنی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 338

و روز را وارد شب می‌نماید، زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آوری، و به هرکه بخواهی بی‌حساب روزی می‌دهی.

(6) منزه است خدا آفریننده هر تنفس‌کننده، منزه است خدای صورت‌آفرین، منزه است خدا آفریننده همه جفتها، منزه است خدا قراردهنده تاریکیها و نور، منزه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزه است خدا آفریننده هر چیزی، منزه است خدا آفریننده آنچه دیده نمی‌شود، منزه است خدا به کشش کلمات بی‌پایانش، منزه است خدا پروردگار جهانیان، منزه است خدای یکه کلیدهای غیب نزد اوست، و آنها را کسی جز او نمی‌داند، و به هر چه در خشکی و دریاست علم دارد، و برگی از درخت نمی‌افتد مگر آنکه می‌داند، و نیست دانه‌ای در تاریکیهای زمین و نه تر و خشکی مگر اینکه در کتابی روشن نوشته است. (7) منزه است خدا آفریننده هر تنفس‌کننده، منزه است خدا صورت‌آفرین منزه است خدا آفریننده همه جفتها، منزه است خدا قراردهنده تاریکیها و نور، منزه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزه است خدا آفریننده هرچیز، منزه است خدا و آفریننده آنچه دیده می‌شود، و آنچه دیده نمی‌شود، منزه است خدا به کشش کلمات بی‌پایانش، منزه است خدا پروردگار جهانیان، منزه است خدایی که مدح‌کنندگان نمی‌توانند مدحش را برشمارند، و سپاس‌گویان عبادت‌کننده توان پرداخت پاداش نعمتهایش را ندارند، و او چنان است که خود فرموده، برتر از آنچه ما می‌گوییم، و خدای پاک چنان است که خودش را ستوده، به چیزی از دانشش احاطه نمی‌یابند مگر به اندازه‌ای که خود خواسته، حکومتش آسمانها و زمین او را به زحمت نمی‌اندازد، و او والا و بزرگ است. (8) منزه است خدا آفریننده هر تنفس‌کننده،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 339

منزه است خدای صورت‌آفرین، منزه است خدا آفریننده همه جفتها، منزه است خدا قراردهنده تاریکیها و نور، منزه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزه است خدا آفریننده هرچیز، منزه است خدا آفریننده آنچه دیده می‌شود، و آنچه دیده نمی‌شود، منزه است خدا به کشش کلمات بی‌پایانش، منزه است خدا پروردگار جهانیان، منزه است خدا که آنچه را در زمین فرو می‌رود و آنچه را از آن بیرون می‌آید می‌داند، و از آنچه از آسمان فرو می‌ریزد، و آنچه در آن بالا می‌رود خبر دارد، و او را سرگرم نکند آنچه در زمین فرو می‌رود و از آن بیرون می‌آید، از آنچه از آسمان فرو می‌ریزد و آنچه در آن بالا می‌رود، و او را سرگرم نسازد و آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه در آن بالا می‌رود، از آنچه در زمین فرو می‌رود، و از آن بیرون می‌آید، و او را سرگرم نکند علم به چیزی از علم به چیز دیگر، و او را سرگرم نکند آفریدن چیزی از

آفریدن چیزی دیگر، و نه نگهداری چیزی از نگهداری چیزی دیگر، و چیزی برابر او نیست، و چیزی همتای او نمی باشد، چیزی مانند او نیست، و او شنوا و بیناست. (9) منزه است خدا آفریننده هر تنفس کننده، منزه است خدا صورت آفرین، منزه است خدا آفریننده همه جفتها، منزه است خدا قراردهنده تاریکیها و نور منزه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزه است خدا آفریننده هرچیز، منزه است خدا آفریننده آنچه دیده می شود، و آنچه دیده نمی شود، منزه است خدا به کشش کلمات بی پایانش، منزه است خدا پروردگار جهانیان، منزه است خدا پدیدآورنده آسمانها و زمین منزه است خدایی که فرشتگان را فرستادگان خویش قرار داد دارندگان بالهایی دوتایی و سه تایی و چهارتایی در آفرینش می افزاید آنچه را بخواهد، همانا خدا بر هرچیز تواناست، آنچه خدا از سر رحمت برای مردم می گشاید کسی را توان بستن آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 340

نیست، و آنچه را می بندد، کسی را نیروی گشودن آن نمی باشد، و او نیرومند و حکیم است (10) منزه است خدا آفریننده هر تنفس کننده، منزه است خدا صورت آفرین، منزه است خدا آفریننده همه جفتها، منزه است خدا قراردهنده تاریکیها و نور، منزه است خدا شکافنده دانه و هسته، منزه است خدا آفریننده هرچیز، منزه است خدا آفریننده آنچه دیده می شود و آنچه دیده نمی شود، منزه است خدا به کشش کلمات بی پایانش، منزه است خدا پروردگار جهانیان، منزه است خدا که می داند آنچه را در آسمانها و زمین است، گفتگوی پنهانی هیچ سه نفری نیست مگر اینکه او چهارمی آنهاست، و نه پنج نفری دیگر مگر اینکه او ششمی آنهاست، و نه کمتر از آن و نه بیشتر، مگر آنکه با آنها باشد هرچاکه باشند، سپس روز قیامت آنان را به آنچه انجام داند آگاه می سازد، همانا خدا به هر چیز داناست. سوّم: و نیز فرموده اند این صلوات را در هر روز ماه رمضان بخوان: به راستی خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آوردید، بر او درود فرستید و بطور کامل تسلیم او شوید، ای پروردگار تو را اجابت کردم و سعادت پی درپی از تو درخواست می کنم، منزهی تو، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر محمد و خاندان محمد برکت ده، همانگونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی و به آنان برکت دادی، همانا تو ستوده و بزرگواری، خدایا بر محمد و خاندان محمد رحم کن. همانگونه که به ابراهیم و خاندان ابراهیم رحم کردی، همانا تو ستوده و بزرگواری، خدایا بر محمد و خاندان محمد سلام فرست همانگونه که بر نوح در بین جهانیان سلام فرستادی. خدایا بر محمد و خاندان محمد نعمت بخش، همانگونه که به موسی و هارون نعمت بخشیدی، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست همانگونه که ما را به یمن او شرافت دادی، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست همانگونه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 341

که ما را به او هدایت فرمودی، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و او را به مقام پسندیده‌ای برانگیز، که اولین و آخرین بر آن مقام رشك برند، بر محمد و خاندانش سلام هر زمان که خورشید برآید یا غروب کند، بر محمد و خاندانش سلام هر زمان که پلک بر هم نهد چشمی یا برق زند، بر محمد و خاندانش سلام هر زمان که سلام ذکر شود، بر محمد و خاندانش سلام هر زمان که فرشته‌ای خدا را تسبیح یا تقدیس کند، سلام بر محمد و خاندانش در میان پیشینیان، سلام بر محمد و خاندانش در میان پسینیان، و سلام بر محمد و خاندانش در دنیا و آخرت. خدایا ای پروردگار مگه، و پروردگار رکن و مقام، و پروردگار حلّ و حرام، به محمد پیامبرت از جانب ما سلام برسان.

خدایا به محمد عطا کن از زیبایی و شادابی و شادی و بزرگواری و خوشحالی و وسیله و منزلت و مقام و شرف و بلند شأن و شفاعت در پیشگاهت روز قیامت، برترین چیزی که به یکی از بندگان عطا می کنی، و عطا کن به محمد بالاترین چیزی را که از خیر به خلائق عطا می کنی، به چندین برابر که آن را غیر تو نتواند به شماره آورد خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست پاکیزه‌ترین و با نشو و نما ترین، و برترین درودی که بر یکی از پیشینیان و پسینیان و بر احدی از خلق خود فرستادی ای مهربان‌ترین مهربانان، خدای بر علی امیر مؤمنان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد، و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد، و عذاب را بر کسی که در ریختن خونس شرکت جست دوچندان کن. خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت محمد که سلام بر او و خاندانش باد،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 342

و لعنت کن کسی را که درباره فاطمه، پیامبرت را آزد، خدایا بر حسن و حسین دو پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه آن دو پیشوا را دوست دارد، و دشمن بدار هرکه آن دو را دشمن بدارد، و عذاب کسی را که در ریختن خون آن دو امام شرکت جست دو چندان گردان، خدای بر علی بن حسین پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد، عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان. خدایا بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد، و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد، و عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان. خدایا بر جعفر بن محمد پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد، و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد، و عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان. خدایا بر موسی بن جعفر پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد و دشمن بدار

هرکه او را دشمن دارد، و عذاب کسی که در ریختن خورش شرکت جست دوچندان گردان. خدایا بر علی بن موسی، پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد، و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد و عذاب کسی که در ریختن خورش شرکت جست و دوچندان گردان. خدایا بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد، و عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان. خدایا بر علی بن محمد پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد، و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد، و عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان.

خدایا بر حسن بن علی پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد، و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 343

و عذاب کسی که بر او ستم ورزید دوچندان گردان. خدایا بر یادگار پس از او پیشوای مسلمانان درود فرست، و دوست بدار هرکه او را دوست دارد، و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد، و گشایش کارش را سرعت بخش، خدایا بر قاسم و طاهر دو پسر پیامبرت درود فرست. خدایا بر رقیه دختر پیامبرت درود فرست، و لعنت کن کسی را که درباره او پیامبرت را آزد. خدایا بر ام کلثوم دختر پیامبرت درود فرست، و لعنت کن کسی را که درباره او پیامبرت را آزد. خدایا بر فرزندان پیامبرت درود فرست. خدایا به جای پیامبرت سرپرستی اهل بیتش را بر عهده گیر. خدایا حکومتشان را در زمین پا برجا فرما. خدایا ما را از شمار آنان و مددکار و یارشان به حق چه پنهان و چه آشکار قرار ده. خدایا خونخواهی، انتقام و قصاصشان را بستان، و از ما و از ایشان و از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای بازدار شرّ هر متجاوز و سرکش و جانوری که مهارش را به دست گرفته‌ای، همانا تو در سختگیری از همه سخت‌تر، و در کیفر نمودن از همه شدیدتری. سید ابن طاوس فرموده است: و نیز بخوان:

ای توشه‌ام در شدت اندوه، و ای همدم در سختیها، و ای سرپرستم در نعمت، و ای نهایت اشتیاقم، تو پوشاننده زشتی‌ام، و ایمنی بخش ترسم، و نادیده گیرنده لغزشم هستی، پس خطایم را بیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان و می‌گویی: خدایا تو را می‌خوانم برای اندوهی که کسی جز تو آن را نگشاید، و برای رحمتی که جز به عنایت تو حاصل نگردد، و دفع بلائی که کسی جز تو برطرف ننماید، و برای رغبتی که جز به لطف تو نمی‌توان به آن رسید، و حاجتی که کسی جز تو برآورده

نکند. خدایا چنان که همواره از شأنت بوده که درخواست از حضرتت را به من اجازه داده‌ای، و به ذکر تو بر من رحم فرموده، پس باید ای آقای من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 344

از شأنت این باشد که مرا اجابت نمایی در آنچه تو را خواندم، و فواید افزون‌پذیر در آنچه که به امید بستم، و نجات از آنچه که از آن به تو پناه آوردم، اگر من شایسته رسیدن به رحمت نبودم همانا رحمت تو شایسته است که به من برسد و مرا فراگیرد، و اگر من سزاوار اجابت دعا نبودم، تو سزاوار فضل بر بندگان، و رحمت تو هر چیز را فرا گرفته پس باید رحمت مرا هم فرا بگیری، ای خدای من، ای کریم از تو می‌خواهم به حق ذات بزرگوارت، بر محمد و اهل بیتش درود فرستی، و اندوهم را بگشایی، و بلا و غم را برطرف کنی، و به رحمت به من رحم فرمایی، و از فضیلت روزی‌ام نمایی همانا تو شنوای دعا و نزدیک و پاسخ‌دهنده‌ای. چهارم: شیخ طوسی و سید ابن طاووس فرموده‌اند: در هر روز ماه رمضان بخوان: خدایا از تو درخواست می‌کنم از بخششت به برترین مرتبه آن، و همه بخششت شایسته است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه بخششت. خدایا از تو درخواست می‌کنم از روزی‌ات به فراگیرترین آن و همه روزی‌ات فراگیر است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه روزی‌ات، خدایا از تو درخواست می‌کنم از عطایات به گواراترین آن، و همه عطای تو گواراست، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه عطایات. خدایا از تو درخواست می‌کنم از خیرات به پر شتاب‌ترین آن و همه خیر تو پر شتاب است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه خیرت، خدایا از تو درخواست می‌کنم از احسانت به نیکوترین آن، و همه احسانت نیکوست، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه احسانت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به آنچه که به خاطر آن جوابم را می‌دهی، زمانی که از تو درخواست می‌کنم، پس جوابم را بده ای خدا، و درود فرست بر محمد بنده پسندیده، و فرستاده برگزیده، و امین و محرم رازت از میان بندگان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 345

و انتخاب شده‌ات در بین بندگان، و پیامبرت و محبوب راستینت، و درود فرست بر فرستاده و برگزیده‌ات از جهانیان، آن مژده‌دهنده، و بیم‌دهنده و چراغ روشنی‌بخش، و بر اهل بیتش آن نیکان پاک، و بر فرشتگانت، آن فرشتگانی که خاص درگاهت نمودی، و آنان را از دیده مخلوقات پنهان داشتی، و بر پیامبرانت که از تو به راستی خبر می‌دهند، و بر رسولانت که آنان را به وحی خویش اختصاص دادی و با رسالات بر جهانیان برتری بخشیدی، و بر بندگان شایسته‌ات که در رحمت واردشان نمودی، آن امامان ره یافته راهنما و اولیای پاکیزه‌ات، و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ، و

بر رضوان خزانهدار بهشت، و بر مالك خزانهدار دوزخ، و روح القدس و روح الامين، و حاملان مقرب عرشت، و بر دو فرشته نگهبان بر من، با درودی که دوست داری درود فرستند بر ایشان با آن درود، اهل آسمانها و اهل زمینها، درودی پاک و فراوان، خجسته رشید یافته و فزاینده، آشکار و نهان، شریف و بافضیلت، که با چنین درودی برتری آنان را بر اولین و آخرین آشکار نمای. خدایا محمد را وسیله و شرف و فضیلت عطا کن، و به بهتر چیزی که پیامبر را از امتش پاداش دهی به او پاداش ده خدایا به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) عطا کن با هر مقامی مقامی دیگر، و با هر وسیله‌ای وسیله‌ای دیگر، و با هر فضیلتی فضیلت دیگر، و با هر شرفی شرف دیگر، عطا کن به محمد و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 346

خاندانش در روز قیامت برترین چیزی که عطا کردی به یکی از گذشتگان و آیندگان. خدایا محمد (درود خدا بر او و خاندانش) را در جایگاه نزدیک‌ترین رسولان به خود، و در بهشت در پیشگاهت در منزلگاه جادارترین انبیا، و از بابت وسیله نزدیک‌ترینشان به درگاه خود قرار ده، و او را نخستین شفاعت‌کننده و نخستین کسی که شفاعتش پذیرفته است، و نخستین گوینده، و حاجت‌روترین خواهنده گردان، و او را به مقام پسندیده‌ای برانگیز که گذشتگان و آیندگان به خاطر آن بر او رشك برند، ای مهربان‌ترین مهربانان، و از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و اینکه صدایم را بشنوی و دعایم را اجابت نمایی و از خطایم درگذری، و از ستم چشم‌پوشی، و مرا به خواسته‌ام رسانی، و حاجتم را روا سازی، و به آنچه وعده‌ام داده‌ای وفا کنی، و لغزشم را نادیده گیری، و گناهم را بیامیزی، و از جرمم بگذری، و به من رو کنی، و از من رو نگردانی، و به من مهر ورزی و عذابم نکنی، و در سلامت کاملم بداری و گرفتارم ننمایی، و از روزی پاکیزه‌ترین و فراخ‌ترینش را نصیبم کنی، ای پروردگارم مرا محروم مکن، و قرضم را ادا کن، و بارم را از دوشم بردار، و آنچه مرا تاب آن نیست بر عهده‌ام مگذار، ای مولای من مرا در هر خیری که محمد و خاندان محمد را وارد کردی وارد کن، و از هر شری که محمد و خاندان محمد را از آن خارج کردی خارج نما، درودهایت و سلام و رحمت و برکات بر او و بر ایشان باد.

سپس سه مرتبه بگو: خدایا تو را می‌خوانم چنان که فرمانم دادی، پس مرا اجابت کن چنان که وعده‌ام نمودی آنگاه بگو: خدایا اندکی از بسیار از تو می‌خواهم، ما نیاز بزرگی که مرا به آن است، و بی‌نیازی دیرینه‌ای که تو را از آن است، و آن اندک نزد من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 347

بسیار است، و بر تو هموار و آسان، پس به آن بر من مَنّت بگذار، همانا تو بر هرچیز توانایی، آمین ای پروردگار جهانیان پنجم: خواندن این دعاست: خدایا می‌خوانمت آنگونه که فرمودی پس اجابت‌کن آنگونه که وعده کردی و چون دعایی طولانی است، به خاطر رعایت اختصار آن را ذکر نکردم، هرکه خواهان آن است به کتاب «اقبال» یا «زاد المعاد» مرحوم مجلسی مراجعه کند: ششم: شیخ مفید در کتاب «مقنعه» از ثقة بزرگوار علی بن مهزیار از حضرت جواد علیه السلام روایت کرده که مستحب است در هر وقت از شب و روز ماه مبارک رمضان، از اول ماه تا آخر ماه بسیار بگویی:

ای که پیش از هرچیز بوده پس انگاه همه‌چیز را آفرید، و ماندگار است و همه‌چیز نابود می‌شود، ای که چیزی مانند او نیست، ای آن که نه در آسمانهای برتر، و نه در زمینهای پایین‌تر، و نه بالای آنها، و نه زیر آنها و نه بین آنها، معبودی جز او نیست که پرستیده شود، سپاس تنها تورااست، سپاسی که کسی بر شمردنش جز تو توان ندارد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، درودی که کسی جز تو توانایی شمردنش را نداشته باشد. هفتم: شیخ کفعمی در کتاب «بلد الامین» و «مصباح» از کتاب «اختیار» سید ابن باقی نقل کرده است که هرکه این دعا را در هر روز ماه رمضان بخواند، حق تعالی گناهان چهل ساله او را بیامرزد خدایا ای پروردگار ماه رمضان که قرآن را در آن نازل کردی، و روزه در آن را بر بندگان واجب نمودی، حج خانه محترمت را در این سال و در هر سال روزی من کن، و گناهان بزرگ را بر من بیامرزد، همانا کسی جز تو آنها را نمی‌آمرزد، ای دارای بزرگی و شکوه.

هشتم: این ذکر را که فیض کاشانی در کتاب «خلاصة الاذکار» فرموده است که در هر روز ماه رمضان صد مرتبه بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 348

منزه است زبان رسان به کافران سودرسان به مؤمنان، منزه است حکم کنند بر حق، منزه است او و برتر است، منزه است او و ستایش از آن است، منزه است او و برتر. نهم: شیخ مفید در کتاب «مقنعه» فرموده است: از جمله مستحبات ماه رمضان در هر روز، صد مرتبه صلوات فرستادن بر رسول خدا است، و هرکه زیادتیر فرستند بهتر است.

مطلب دوم: اعمال مخصوص شب و روز ماه رمضان

شب اول: در آن چند عمل مستحب است:

اول: استهلال [یعنی جستجوی هلال ماه]، و بعضی استهلال این ماه را واجب دانسته‌اند.

دوم: چون رؤیت هلال کرد، به هلال اشاره نکند، بلکه رو به قبله نموده و دستها را به آسمان بردارد و هلال را خطاب کرده و بگوید:

ای ماه، پروردگار من و تو، خدا پروردگار جهانیان است. خدایا ماه را بر ما نو کن به ایمنی و ایمان، و تندرستی و اسلام و شتافتن به سوی آنچه دوست داری و خشنود می شوی. خدایا در این ماه به ما برکت بخش، و خیر و کمکش را روزی ما فرما، و زیان و گزند و بلا و فتنه اش را از ما بگردان. و روایت شده: زمانی که رسول خدا صلی الله و علیه و آله هلال ماه رمضان را رؤیت می کرد، روی شریفش را به جانب قبله می گرداند و می گفت:

خدایا این ماه را بر ما نو کن به ایمنی و ایمان و سلامت و اسلام و عافیت بزرگ، و دفاع در برابر بیماریها، و یاری بر نماز و روزه و شب زنده داری و تلاوت قرآن. خدایا ما را برای ماه رمضان سالم گردان، و ماه رمضان را از ما سالم دریافت کن و ما را در آن تا از ما بگذرد به سلامت دار درحالی که از گناهان ما درگذشته و ما را مورد آمرزش و رحمت خویش قرار داده باشی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 349

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: چون رؤیت هلال نمودی بگو: خدایا ماه رمضان آمد، و تو روزه آن را بر ما واجب کرده ای، و قرآن را در آن برای هدایت و دلایلی روشن از هدایت و وسیله تشخیص حق از باطل نازل نموده ای. خدایا ما را بر روزه اش یاری کن، و آن را از من بپذیر، و ما را در آن و از آن سالم بدار، و آن را برای ما سالم گردان، در آسانی و عافیت از جانب خویش، همانا تو بر هر چیز توانایی، ای بخشنده، ای مهربان.

سوم: دعای چهل و سوم «صحیفه کامله سجاده» را در هنگام رؤیت هلال بخواند. سید ابن طاووس روایت کرده: ورزی حضرت سجاد علیه السلام در راهی می گذشت، که به هلال ماه رمضان نظر کرد، پس ایستاد و گفت:

ای آفریده فرمانبردار، رونده کوشا و شتابان، رفت و آمدکننده در منزلگاههای معین، ای متصرف در چرخ گردان تدبیر، ایمان آوردم به آن کس که با تو تاریکیها را روشن کرد، و آنچه را که به سختی می توان یافت آشکار ساخت و تو را نشانه ای از نشانه های چیرگی، و علامتی از علائم قدرت خود قرار داد، پس زمان را به تو محدود ساخت، و گاهی تو را به نقص و گاهی به کمال، و وقتی به طلوع، و زمانی به غروب، و حالتی پر نور، و حالتی گرفته، مستخر خویش نمود، تو در تمام این حالات مستخر اویی، و به سوی اراده اش شتابانی، منزّه است او چه عجیب است تدبیری که در حق تو به کار برده، و چه دقیق است آنچه درباره تو انجام داده، تو را کلید ماهی تو برای کارهایی نو ساخته، پس از پروردگار که پروردگار

من وتوست، و آفریننده من وتوست، و مهار مقدرات من و تو در کف قدرت اوست، و صورتگر من و توست، می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستد، و تو را ماه برکتی قرار دهد، که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 350

گذشت روزگاران آن را از بین نبرد و ماه پاکی که گناهان آن را آلوده نگرداند، هلال یعنی از آفات، و سلامتی از زشتیها، هلال خوش طالعی برکنار از بدیعی، و مبارکی بدون گرفتاری و آسایش بدون دشواری و خیر بدون شر، هلال یعنی و امان، و نعمت و احسان و سلامت و اسلام، خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما را از پسندیده ترین کسانی قرار ده که این ماه بر آنان طلوع کرده، و پاکیزه ترین کسانی که به آنها نظر نموده، و خوشبخت ترین کسانی که در آن به بندگی تو گردن نهاده اند، و ما را در این ماه توفیق توبه عنایت کن، و از گناه حفظ فرما، و از انجام نافرمانیات بازدار، و ادای شکر نعمت را به ما ارزانی کن، و لباسهای عافیت را بر ما بپوشان، و به سبب انجام طاعت کامل، نعمت را در این ماه بر ما تمام کن، زیرا که تو بس بخشنده ستوده ای، و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش، و برای ما از جانب خود در این ماه مددی برسان، بر انجام آنچه ما را به آن خوانده ای از اطاعت واجب، و آن را بپذیر، همانا تو کریم تر از هر کریمی، و مهربان تر از هر مهربانی، آمین آمین ای پروردگار جهانیان.

چهارم: با همسر خویش نزدیکی کند، و این عمل از ویژگیهای این ماه است، و گرنه نزدیکی با همسر در شب اول ماههای دیگر مکروه است. پنجم: غسل شب اول ماه را انجام دهد. روایت شده: هرکه در شب اول ماه رمضان غسل کند، تا ماه رمضان آینده بدنش دچار خارش نشود. ششم: اگر بتواند در نهر جاری غسل کند، و سی کف آب بر سر بریزد که تا ماه رمضان آینده با طهارت معنوی باشد. هفتم: مزار امام حسین علیه السلام را زیارت کند، تا گناهانش ریخته و ثواب حاجیان و اهل عمره آن سال را دریابد.

هشتم: از این شب خواندن هزار رکعت نماز این ماه را که در پایان بخش دوم [صفحه 299] ذکر شد شروع کند. نهم: در این شب دو رکعت نماز بجا آورد، در هر رکعت سوره «حمد» و سوره «انعام» را بخواند، و از خدا درخواست کند که او را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 351

کفایت نماید، و از آنچه از دردهای می‌ترسد حفظ کند. دهم: دعای «اللّٰهُمَّ انْ هَذَا الشَّهْرُ الْمُبَارَكُ» را که در اعمال شب آخر ماه شعبان گذشت [صفحه 282] بخواند. یازدهم: پس از نماز مغرب دستها را بلند کند، و این دعا را که از امام جواد علیه السلام وارد شده و در کتاب «اقبال» ذکر شده بخواند:

خدایا ای آن که مالک تدبیر است، و او بر هرچیز تواناست، ای آن که می‌داند خیانت دیده‌ها را و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌کنند و نهادن می‌سازد، و او لطیف و آگاه است. خدایا ما را از کسانی قرار ده که تصمیم گرفتند آنگاه انجام دادند، و از کسانی قرار مده که تیره‌بخت شدند و در نهایت تنبلی کردند و از انانی قرار مده که بر غیر عمل صالح تکیه نمودند. خدایا بدنه‌ای ما را از بیماریها سلامتی بخش و ما را بر انجام آنچه از عمل بر ما واجب کرده‌ای یاری ده، تا این ماه از ما سپری گردد درحالی که آنچه را در این ماه بر ما واجب نموده‌ای ادا کرده باشیم. خدایا ما را بر روزه‌اش یاری ده، و برای شب‌زنده‌داری‌اش موفق بدار، و برای نماز در این ماه ما را شاداب گردان، و از قرائت قرآن محروم مساز، و پرداخت زکات را در این ماه بر ما آسان گردان. خدایا درد مزمن، خستگی، بیماری، هلاکت را بر ما چیره مکن. خدایا افطار از روزی حالت را روزی ما کن. خدایا آنچه که از روزی‌ات در این ماه قسمت ما نمودی دست یافتن به آن را برای ما هموار کن، و آنچه را از فرمانت برای ما تقدیر کرده‌ای آسان کن، و آن را حلال و پاک و پاکیزه از گناهان بوده از گرانبارها و بزهکاریها قرار ده. خدایا به ما مخوران جز غذای پاک که نه پلید باشد و نه حرام، و روزی‌ات را برای ما حلال گردان، که آلودگیها و درها با آن در نیامیزد، ای که دانایی‌اش به امور پنهان، همانند دانایی‌اش به امور آشکار است، ای فضل‌بخش بر بندگان به احسان، ای آن که بر هرچیز تواناست، و به هرچیز دانا و آگاه است، یادت را به ما الهام کن،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 352

و از سختی بر ما ما را برکنار دار 7 و به آسانی‌ات ما را برسان، و به راستی راهنمایمان باش، و به استواری توفیقمان ده، و از بلا نگاهمان بدار.

و ما را از بارهای گران گناهان و خطاها حفظ کن، ای آن که گناهان بزرگ را جز او نیامرزد، و احدی بدی را جز او برطرف ننماید، ای مهربان‌ترین مهربانان، و کریم‌ترین کریمان، بر محمد و اهل بیت پاکش درود فرست، و روزه ما را پذیرفته بدار، و به نیکی و تقوا پیونددش ده، و همچنین کوشش ما را مورد قدرانی، و شب‌زنده‌داری ما را پذیرفته، و قرائتمان را بالا رفته، و دعایمان را اجابت شده قرار ده، و ما را به عاقبت به خیری هدایت کن، و از دشواری برکنارمان بدار، و ما را برای آسانی آماده ساز، و درجاتمان را بالا بر، و حسنامان را دوچندان کن، و روزه و نماز ما را بپذیر، و دعاهايمان را شنوا باش، خطاهایمان را بیامرزد، و از گناهان درگذرد، و ما را از عاملان رستگار قرار ده، و از غضب‌شدگان و گمراهان قرار مده، تا ماه رمضان از ما سپری گردد چنان که روزه‌ها و شب‌زنده‌داری‌مان را در آن پذیرفته باشی، و کردارمان را در آن پاکیزه، و

گناهانمان را در آن مورد آموزش قرار داده، و سهم ما را در آن از هر خیری فراوان ساخته باشی، به یقین تویی معبود اجابت کننده دعاها، و پروردگار نزدیک به بندگان و تویی احاطه کننده بر هرچیز. دوازدهم: در این شب دعای روایت شده از امام صادق علیه السلام را که در کتاب «اقبال» آمده بخواند: خدایا ای پروردگار ماه رمضان، ای فرو فرستنده قرآن، این ماه رمضان است که قرآن را در آن فرود فرستادی، و در آن دلایل روشنی از هدایت و شناسایی حق از باطل

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 353

فرو فرستادی. خدایا روزه آن را نصیب ما کن، و بر شب زنده داری اش یاری مان ده، خدایا آن را برای ما سالم بدار، و در آن به ما سلامتی ده و آن را از سوی خویش در آسانی و سلامت کامل از ما تحویل بگیر، و در آنچه حکم می کنی و مقدر می گردانی از فرمان حتمی خویش، و در آنچه جدا می کنی از امر حکیمانهات در شب قدر، از ان حکمی که برگشت نمی پذیرد و دگرگون نمی شود، مقرر فرما که ما را از حاجیان خانه محترمت بنویسی، آنان که حجشان قبول، و سعیشان پذیرفته، و گناهانشان آمرزیده گشته، و بدیهایشان نادیده گرفته شده است.

و در آنچه حکم می کنی و مقدر می نمایی مقرر فرما که عمرم را طولانی گردانی، و از روزی حلالیت بر من وسعت بخشی. سیزدهم: دعای چهل و چهارم صحیفه کامله سجاده را بخواند.

چهاردهم: بخواند عالی «اللهم انّ هذا شهر رمضان...» را که سید در کتاب «اقبال» نقل فرموده، و دعایی بسیار طولانی است. پانزدهم: بخواند: خدایا هر آینه ماه رمضان وارد شد، ماهی که در آن قرآن را فرو فرستادی، و آن را دلایل آشکاری از هدایت و شناسایی حق از باطل قرار دادی. خداوند در ماه رمضان به ما برکت عطا کن، و بر روزه و نمازهایش یارمان فرما و آنرا از ما بپذیر. روایت شده رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی ماه رمضان می رسید این دعا را می خواندند.

شانزدهم: و نیز روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب اول ماه رمضان این دعا را می خواندند:

سپاس خدای را که به وسیله تو ای ماه مبارك ما را گرمی داشت. خدایا ما را بر روزه و شب زنده داری مان نیرو بخش، و گامهای مان را استوار کن، و بر کافران پیروزمان گردان، خدایا تو یگانه ای پس برایت فرزندی نیست، و تو بی نیازی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 354

پس شبیهی برای نمی‌باشد، و تویی عزیز و چیزی عزیزت نکند، و تویی بی‌نیاز و من تهیدستم، و تویی مولا و من بنده‌ام، و تویی آمرزنده و من گنهگارم، و تویی مهربان و من خطاکارم، و تویی آفریننده و من آفریده‌ام، و تویی زنده و من مرده‌ام، از تو درخواست می‌کنم به مهرت که مرا بیمارزی و به من رحم کنی، و از من درگذری، همانا تو بر هرچیز توانایی.

هفدهم: در باب اول [صفحه 147] بیان استحباب خواندن دعای جوشن کبیر در آغاز ماه گذشت. هیجدهم: دعای حج را که در اول ماه گذشت بخواند. نوزدهم: هنگامی که ماه رمضان شروع می‌شود کثرت تلاوت قرآن شایسته است، و روایت شده که امام صادق علیه السلام پیش از تلاوت قرآن این دعا را می‌خواندند:

خدایا گواهی می‌دهم که این کتاب توسست که از سوی تو بر رسول محمد بن عبد الله (درود خدا بر او و خاندانش) نازل گشته، و سخن گویای توسست بر زبان پیامبرت، آن را از سوی خود راهنمایی برای بندگان قرار دادی، و رشته پیوسته‌ای بین تو و بندگان توسست. خدایا پیمان و کتابت را در پیش رویم باز کرده‌ام، خدایا نگاهم را در آن عبادت، و خواندم را در آن اندیشه، و اندیشه‌ام را در آن عبرت‌آموز قرار بده، و مرا از کسانی قرار ده که از بیان پندهایت در قرآن اندرز گیرند، و از نافرمانی‌های دوری نمایند، و هنگام تلاوت آن بر گوشم مهر مزن، و بر دیده‌ام پرده منه، و خواندم را خواندن بی‌تدبیر قرار مده، بلکه آنچنان قرارم ده که در آیات و احکامش تدبیر کنم، و برگزیده قوانین دینت باشم، و نگاهم را در آن بی‌خبری، و قرائتم را بی‌هوده و باطل قرار مده،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 355

تویی رؤف، و مهربان. و پس از قرائت قرآن مجید این دعا را می‌خواندند خدایا آنچه را از حکم کتابت کرده بودی خواندم، کتابی که بر پیامبر راستگویت (درود خدا بر او و خاندانش) نازل کردی، پس سپاس شایسته توسست ای پروردگار خدایا مرا از کسانی قرار ده که حلالش را حلال و حرامش را حرام می‌شمارند، به محکم و متشابهش ایمان می‌آورند، و آن را مونس در قبر و قیامت گردان، و مرا از کسانی قرار ده که او را به هر آیه‌ای که می‌خواند در برترین جایگاه بهشت بالا بری، آمین ای پروردگار جهانیان.

روز اول: در آن چند عمل مستحب است: اول: غسل نمودن در آب جاری، و بر سر ریختن سی کف دست آب، که در تمام طول سال باعث ایمنی از همه دردها و بیماری‌هاست. دوم: کفی از گلاب به روی خویش بزنند، تا از خواری و پریشانی نجات یابد و قدری هم به سر خود بمالد، تا در آن سال از سرسام [در برخی نسخه‌ها: برسام، به معنی بیماری سینه] ایمن گردد.

سوم: دو رکعت نماز اول ماه را بجا آورد و صدقه بدهد. چهارم: دو رکعت نماز بخواند، در رکعت اول سوره‌های «حمد» و «اَنا فتحنا» را و در رکعت دوم سوره «حمد» و هر سوره دیگری را که بخواهد بخواند، تا حق تعالی در آن سال بدیها را از او دور سازد، و تا سال آینده در پناه خدا باشد. پنجم: پس از طلوع فجر این دعا را بخواند:

خدایا ماه رمضان رسید، تو روزه‌اش را بر ما واجب نموده‌ای، و قرآن را در آن برای هدایت مردم، و دلایل روشنی از هدایت و شناسایی از باطل نازل کرده‌ای. خدایا ما را بر روزه‌اش یاری کن، و آن را از ما بپذیر، و این ماه را از ما به سلامت دریافت کن، و آن را برای ما از سوی خویش در آسانی و عافیت سالم بدار، همانا تو بر هرچیز توانایی.

ششم: دعای چهل و چهارم صحیفه کامله را اگر در شب قبل نخوانده بخواند. هفتم: علامه مجلسی در «زاد المعاد» فرموده که شیخ

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 356

کلینی و شیخ طوسی و دیگران به سند صحیح روایت کرده‌اند که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: در ماه مبارک رمضان در آغاز سال، یعنی روز اول این ماه چنان که علما فهمیده‌اند این دعا را بخوان، و فرمود: هر که این دعا را برای رضای خدا، و بدون آمیختگی با اغراض ناپسند و ریا بخواند، در آن سال فتنه و گمراهی و آفتی که به دین یا بدنش ضرر برساند به او نرسد، و حق تعالی او را از شر آنچه از بلاها در آن سال واقع می‌شود حفظ می‌نماید. و دعا این است:

خدایا از تو درخواست می‌کنم به آن نامت که همه چیز در برابرش فروتن شده، و به رحمت که همه چیز را فرا گرفته، و به عظمت که همه چیز در آستانش تواضع نموده، و به عزت که بر همه چیز چیره گشته، و به نیرویت که همه چیز در برابرش خضوع یافته، و به جبروت که بر همه چیز غالب گشته، و به علمت که همه چیز را فرا گرفته، ای نور، ای قدوس، ای اول پیش از هر چیز، ای باقی پس از هر چیز، ای خدا، ای مهربان، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و از من بیامرز گناهانی را که نعمتها را دگرگون می‌سازد، و بیامرز گناهانی را که کینه‌ها را فرو می‌فرستد، و بیامرز گناهانی را که امید به تو را قطع می‌کند، و بیامرز گناهانی را که دشمنان را چیره می‌سازد، و بیامرز گناهانی را که دعا را برمی‌گرداند، و بیامرز گناهانی را که مردم به سبب آن سزاوار نزول بلا می‌شوند، و بیامرز گناهانی را که بارش آسمان را باز می‌دارد، و بیامرز گناهانی را که پرده‌ها را کنار می‌زند، و بیامرز گناهانی را که در نابودی شتاب می‌افکند، و بیامرز گناهانی را که سبب پشیمانی می‌گردد، و بیامرز گناهانی را که پرده‌ها را می‌برد، و زره محکمت را بر من بپوشان زهری که نفوذ ناپذیر است، و مرا از شر آنچه در شب و روز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 357

و آینده این سال از آن حذر می‌کنم عافیت بخش. خدایا پروردگار آسمانهای هفتگانه، و پروردگار زمینهای هفتگانه، و آنچه در آهناست، و آنچه میان آهناست، و پروردگار عرش بزرگ، و پروردگار سوره «حمد» و قرآن عظیم، و پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل، و پروردگار محمد (درود خدا بر او و خاندانش) آقای رسولان و پایان بخش پیامبران، از تو می‌خواهم به حق ذات پاکت و به حق آنچه خود را به آن نام نهادی، ای بزرگ تویی که به نعمت بزرگ تفضل می‌کنی، و هر محدودی را دفع می‌کنی، و هر نعمت برجسته‌ای را عطا می‌نمایی، و نیکیها را به کم و زیاد دوجندان می‌سازی، و هرکاری که بخواهی انجام می‌دهی، ای توانا ای خدا، ای مهربان، بر محمد و اهل بیتش درود فرست، و در آینده این سال لباس سترت را بر من بپوشان، و چهاردام را به نورت شاداب ساز، و به دوستی‌ات دوستم بدار، و مرا به خشنودیت، و شریف کرامتت، و بزرگ عطایت برسان، و به من عطا کن از بهترین چیزی که نزد توست و بهترین چیزی که به بنده‌ای از بندگانت عطا می‌فرمایی، و افزون بر این لباس عافیت و تندرستی بر من بپوشان، ای جایگاه هر شکایت، ای حاضر در هر گفتگوی پنهان، ای دانای هر نمان، ای دفع کننده بلاها آنگونه که خواهی، ای بزرگوار گذشت ای نیکو درگذر، مرا بر آیین ابراهیم و بر فطرت او، و بر دین محمد (درود خدا بر او و خاندانش باد) و روش او، و بر بهترین مرگها بمیران، بمیران درحالی که دوستدار اولیایت، و دشمن دشمنانت باشم. خدایا مرا در این سال از هر کار یا گفتار یا کرداری که از تو دورم می‌کند برکنار دار، و به جانب هر عمل یا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 358

گفتار یا کرداری که مرا در این سال به تو نزدیک می‌کند جلب نما، ای مهربان‌ترین مهربانان، و بازدار مرا از هر عمل یا گفتار یا کرداری که از من سر می‌زند، و من از سرانجام زیانبارش می‌ترسم، و از خشم به خاطر آ بر خود بیمناکم، ترسم از این است که روی کریمانه‌ات را از من بگردانی در نتیجه سزاوار کاستی بهره‌ای که پیش تو دارم گردم، ای پرلطف ای مهربان خدایا در آینده این سال مرا در حفظ و پناه و حمایت خود قرار ده، و پرده تندرستی را بر من بپوشان، و از کرامتت بر من ببخش، عزیز است پناه تو، و بزرگ است ثنای تو، و معبودی جز تو نیست. خدایا مرا پیرو شایستگان از اولیای گذشته‌ات قرار ده، و به آنان ملحقم فرما، و تسلیم آن‌که از آنان از طرف تو راست گفت قرارم ده، خدایا به تو پناه می‌آورم از اینکه خطایم و ستمم، و زیاده‌روی بر نفسم، و پیروی از هوا و هوسم، و سرگرمی‌ام به شهوت بر من احاطه کند، در نتیجه همه اینها بین من و رحمت و خشنودیت دیوار گردد، و من نزد تو فراموش شوم، و در معرض خشم و

کینه‌ات قرار گیرم. خدایا مرا برای هر عمل شایسته‌ای که به سبب آن از من خشنود شودی موفق بدار، و مرا به مقام قربت نزدیک کن. خدایا چنان که از پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) هراس از دشمنش را کفایت کردی، و اندوهش را برطرف نمودی، و غمش را زدودی، و وعده‌ات را به او وفا کردی، و پیمان‌ت را برایش به پایان آوردی. خدایا به همانگونه هراس این سال و آفات و امراض و فتنه‌ها و شرور و اندوهها و تنگی معیشت را در آن از من کفایت کن، و به رحمت مرا به کمال عافیت، با کامل کردن ریزش نعمت بر من تا پایان عمرم برسان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 359

از تو درخواست می‌کنم درخواست کسی که بد کرده و ستم روا داشته و درمانده شده و اعتراف به گناه نموده است، و از تو درخواست می‌کنم که مرا بیامری از آنچه از گناهان بر من گذشته، که آنها را نگهبانانت ثبت نموده و بزرگوار فرشتگانت برشمرده‌اند و اینکه خدایا در آنچه از عمرم باقی مانده، تا پایان عمر مرا از گناهان نگاه داری، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، بر محمد و اهل بیت محمد درود فرست، و هر آنچه از تو خواستم، و در طلب آن به جانب تو رغبت نمودم به من عنایت فرما، بدرستی که تو مرا به خواستن فرمان دادی و برایم عهده‌دار اجابت شدی، ای مهربان‌ترین مهربانان. فقیر گوید: سید ابن طاووس این دعا را در شمار اعمال شب اول ماه ذکر کرده است.

روز ششم: در چنین روزی در سال دویست و یک، مردم با امام رضا علیه السلام بیعت کردند، سید روایت کرده: که برای شکرانه این نعمت در این روز دو رکعت نماز بجا آرند، در هر رکعت پس از «حمد» بیست و پنج مرتبه سوره «توحید» بخوانند.

شب سیزدهم: آغاز شبهای بیض [یعنی شبهای روشن و تابناک که عبارتند از شبهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه] است و در آن سه عمل مستحب است: اول: غسل کردن دوم: چهار رکعت نماز بخواند، در هر رکعت یک بار سوره «حمد» و بیست و پنج بار سوره توحید سوم: دو رکعت نماز، که در اعمال شب سیزدهم رجب و شعبان بیان شد، در هر رکعت پس از سوره «حمد» سوره‌های «یس» و «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلِكُ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند. و در شب چهاردهم: این نماز خوانده می‌شود به صورت چهار رکعت با دو سلام که در صفحات پیش [صفحه 37] در شرح دعای مجیر بیان آن گذشت، که هر که آن را در ایام البیض ماه رمضان بخواند، گناهانش آمرزیده می‌شود هرچند به تعداد قطرات باران، و برگ درختان، و ریگ بیابان باشد.

شب پانزدهم: از شبهای پربرکت است، و در آن چند عمل مستحب است: اول: غسل کردن. دوم: زیارت امام حسین علیه السلام. سوم: شش رکعت نماز که در هر رکعت پس از سوره «حمد» سوره‌های «یس» و «تبارک الذی بیده الملك و قل هو الله احد» خوانده شود. چهارم: صد رکعت نماز بخواند، در هر رکعت پس از سوره «حمد» ده مرتبه سوره «توحید» خوانده شود. شیخ مفید در کتاب «مقنعه» از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که هرکه این عمل را بجا آورد حق تعالی ده فرشته به سوی او می‌فرستد، تا دشمنانش را از پری و آدمی از او دور کنند، و هنگام مرگ او سی فرشته می‌فرستد، که او را از عذاب دوزخ ایمن کنند. پنجم: روایت شده که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چه می‌فرماید در حق کسی که در شب نیمه ماه رمضان کنار قبر امام حسین علیه السلام حاضر شود؟ حضرت فرمود: خوشا به حال کسی که در شب نیمه ماه رمضان پس از نماز عشا ده رکعت نماز کنار قبر آن حضرت بجا آورد، البته این نماز غیر از نافله شب می‌باشد، و بخواند در هر رکعت پس از سوره «حمد» ده مرتبه «توحید» را، و به خدای تعالی از آتش دوزخ پناه ببرد، خدا او را نجات یافته از آتش ثبت می‌کند، و از دنیا نرود تا فرشتگانی را در خواب ببیند، که او را به بهشت بشارت می‌دهند، و نیز فرشتگانی که او را از آتش ایمن می‌کنند.

روز نیمه ماه رمضان: در چنین روزی در سال دوم هجری ولادت باسعادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام واقع شد، و شیخ مفید فرموده: ولادت امام محمد تقی علیه السلام در چنین روزی در سال صدونودوپنج هجری بوده، اما مشهور از علما برآنند که آن در غیر این روز بوده است، به هر صورت این روز بسیار شریفی است، و دادن صدقات و بخششها در این روز فضیلت بسیار دارد.

شب هفدهم: شب بسیار مبارکی است، در آن شب سپاه رسول خدا با کافران قریش در منطقه بدر روبرو شدند، و فردای آن جنگ بدر درگرفت، و خدا سپاه آن حضرت را بر مشرکین پیروز کرد، و آن پیروزی از بزرگترین فتوحات اسلام بود، به همین خاطر علما فرموده‌اند: صدقه در چنین روزی، همراه شکرگزاری بسیار به درگاه حق بسیار مستحب است، و همچنین در شبش غسل و عبادت فضیلت بسیار دارد. مؤلف گوید: روایات بسیار وارد شده که رسول خدا در شب بدر به یارانش فرمود: امشب کیست که برود برای ما از چاه آب بیاورد؟ یاران سکوت نموده و هیچیک اقدام به این کار نکردند! امیر المؤمنین علیه السلام برای طلب آب مشکي برداشت و بیرون رفت، آن شب، شبی سرد بود، و باد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 361

تندی می‌وزید و تاریکی همه‌جا را فرا گرفته بود، به چاه آب رسید، چاهی بود بسیار عمیق و تاریک، و حضرت دلوی نیافت تا از چاه آب بگیرد به ناچار وارد چاه شد، و مشک را پر کرده بیرون آمد، به جانب اردوی اسلام حرکت کرد ناگاه باد سختی وزید، که آن حضرت از سختی آن نشست، تا برطرف شد، سپس برخاست و به حرکتش ادامه داد که

ناگهان باد سخت دیگری مانند آن وزیدن گرفت، آن حضرت دوباره نشست تا آن باد هم آرام گرفت، چون برخاست و به سوی سپاه اسلام حرکت کرد، باز بادی به همان صورت وزید، آن حضرت نشست و پس از فرو نشستن باد، خود را به پیامبر اسلام رساند، حضرت فرمود: یا ابا الحسن چرا دیر آمدی؟ عرض کرد سه مرتبه بادی وزیدن گرفت که بسیار سخت بود و مرا لرزه فراگرفت و دیر آمدنم بخاطر فرو نشستن بادها بود. پیامبر فرمود: یا علی آیا دانستی آنها چه بودند؟ عرض کرد: ندانستم، فرمود: بار نخست جبرئیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند و بار دوم میکائیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند، و پس از آن اسرافیل بود با هزار فرشته که بر تو سلام کرد و سلام کردند و آنان برای یاری دادن به ما نازل شدند. فقیر گوید: قول آن کسی که گفته در يك شب برای امیر المؤمنین سه هزار سه منقبت (کمال و برازندگی) بوده، اشاره به همین شب است و سیّد حمیری در مدح آن حضرت در قصیده خود به این معنا اشاره کرده

و شخص در برابر آنچه گفت مسئول است

به خد و نعمتهایش سوگند می‌خورم

وجودش بر تقوا و نیکی سرشته شده است

بدرستی که علی بن ابیطالب

و پهلوانان از عرصه فرار می‌کردند

چنین بود، وقتی برق نیزه‌ها تنور جنگ را

می‌افروخت

شمشیر بر آن تیز صیقلی شده

به جانب حریف می‌شتافت و در دستش بود

که آنها را از بیشه برای شکار به میدان آورده

مانند راه رفتن شیر غران در میان بچه‌هایش

میکائیل و جبرئیل سلام کرد

علی همان است که در شبی بر او

میکائیل همراه هزار فرشته و جبرئیل

با هزار فرشته و به دنبالشان اسرافیل

در شب بدر برای یاری رساندن نازل شدند

گویا آنان مرغان ابابیل بودند

شب نوزدهم: این شب با عظمت آغاز شبهای قدر است، و شب قدر آن شبی است که در طول سال، شبی به خوبی و فضیلت آن یافت نمی‌شود، و عمل در این شب از عمل در طول هزار ماه بهتر است، و تقدیر امور سال در این شب صورت می‌گیرد، و فرشتگان و روح که اعظم فرشتگان الهی است، در این شب به اذن پروردگار به زمین فرود می‌آیند، و به محضر امام زمان (عج) می‌رسند و آنچه را که برای هر فرد مقدّر شده بر آن حضرت عرضه می‌دارند. و اعمال شبهای قدر بر دو نوع است:

یکی اعمالی که در هر سه شب باید انجام داد، و دیگر اعمالی که مخصوص به هر يك از شبهای قدر است.

اول: اعمالی است که در هر سه شب باید انجام داد، و آن چند عمل است: اول: غسل کردند. علامه مجلسی فرموده بهتر است غسل این شبها در هنگام غروب آفتاب انجام گیرد، که نماز شام را با غسل بخواند. دوم: دو رکعت نماز که در هر رکعت پس از سوره «حمد»، هفت مرتبه «توحید» خوانده، و پس از فراغت از نماز هفتاد مرتبه بگوید، استغفر الله و اتوب الیه در روایت نبوی است: که از جای برخیزد تا خدا او و پدر و مادرش را بیامرزد، تا آخر خبر.

سوم: قرآن مجید را باز کند و در برابر خود گرفته و بگوید:

خدای از تو درخواست می‌کنم به حق کتاب نازل شده‌ات، و آنچه در آن است، و در آن است نام بزرگ‌ت، و نامه‌های نیکوترت و آنچه بیم‌انگیز است و امیدبخش، اینکه مرا از آزادشدگان از آتش دوزخ قرار دهی. سپس هر حاجت که دارد بخواند.

چهارم: قرآن مجید را روی سر بگذارد و بگوید: خدایا به حق این قرآن، و به حق کسی که آن را بر او فرستادی، و به حق هر مؤمنی که او را در قرآن ستودی، و به حق خود بر آنان، پس احدی شناساتر از تو به حق تو نیست سپس ده مرتبه بگوید

به ذات ای خدا و ده مرتبه به حق محمد و ده مرتبه به حق علی و ده مرتبه به حق فاطمه و ده مرتبه به حق حسن و ده مرتبه به حق حسین و ده مرتبه به حق علی بن الحسین و ده مرتبه به حق محمد بن علی و ده مرتبه به حق جعفر بن محمد و ده مرتبه به حق موسی بن جعفر و ده مرتبه به حق علی بن موسی و ده مرتبه به حق محمد بن علی و ده مرتبه به حق علی بن محمد و ده مرتبه به حق حسین بن علی و ده مرتبه به حق حجت. پس هر حاجتی که داری از خدا بخواه. پنجم: حضرت سید الشهدا علیه السلام را زیارت کند. در روایت آمده: هنگامی که شب قدر می شود، منادی از آسمان هفتم از پشت عرش ندا سر می دهد که خدا هرکه را به زیارت مزار امام حسین علیه السلام آمده آمرزید. ششم: این شبها را احیا بدارد، روایت شده هرکه شب قدر را احیا بدارد، گناهانش آمرزیده می شود، هرچند به شماره ستارگان آسمان و سنگینی کوهها و پیمانه دریاها باشد.

هفتم: صد رکعت نماز بجا آورد، که فضیلت بسیار دارد و بهتر آن است که در هر رکعت پس از سوره «حمد»، ده مرتبه «توحید» بخواند. هشتم: این دعا را بخواند،

خدایا شام کردم درحالی که برای تو تنها بنده کوچک و خواری هستم، که برای خویش سود و زبانی را به دست ندارم، و نمی توانم از خود پیش آمد بدی را بازگردانم، به این امر بر خویش گواهی می دهم، و در پیشگاهت به ناتوانی و کمی چاره ام اعتراف می کنم، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و آنچه را به من و همه مردان و زنان مؤمن، از آمرزش در این شب وعده دادی وفا کن، و آنچه را به من عنایت فرموده ای کامل ساز، که من بنده بیچاره، درمانده، ناتوان، تهیدست خوار توام. خدایا مرا فراموش کننده ذکر قرار مده، در آنچه سزاوار آتم فرمودی، و نه فراموش کننده احسانت، در آنچه عطا می نمودی، و نه ناامید از اجابت، گرچه مدت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 364

زمانی طولانی گردد، چه در خوشی یا ناخوشی، یا سختی، یا آسانی، یا عافیت، یا بلا، یا تنگدستی، یا در نعمت همانا تو شنونده دعایی. این دعا را کفعمی از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که در این شبها، در حال قیام و قعود و رکوع و سجود می خواندند، و علامه مجلسی فرموده: بهترین اعمال در این شبها، درخواست آمرزش و دعا است، برای حوایج دنیا و آخرت خود، و پدر و مادر و خویشان، و برادران و خواهران مؤمن، چه آنان که زنده اند، و چه آنان که از دنیا رفته اند، و خواندن اذکار، و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام به هر اندازه که بتواند و در بعضی از روایات وارد شده: دعای جوشن کبیر را در این سه شب بخواند. فقیر گوید: که دعای جوشن کبیر را در بخشهای پیش آورده ام.

روایت شده که خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض شد: اگر شب قدر را یافتیم، از خدای خود چه بخواهم؟ فرمود: عافیت.

دوم: اعمال مخصوص هر يك از این شبها است.

اما اعمال شب نوزدهم چند چیز است: اول: گفتن صد مرتبه:

از پروردگارم خدا آمرزش می جویم و به سوی او می پویم دوم: گفتن صد مرتبه خدایا قاتلان امیر المؤمنین را لعنت کن

سوم: دعای یا ذی اللّٰهی کان را که در قسم چهارم گذشت بخواند. چهارم: این دعا را بخواند: خدایا مقرر فرما در آنچه حکم می کنی، و تقدیر می نمایی از فرمان حتمی، و در آنچه جدا می کنی از کار حکیمانه در شب قدر، و در آن حکم حتمی که برگشت و تغییری ندارد، اینکه مرا از حاجیان خانه محترمت بنویسی، حاجیانی که حجشان قبول، سعی شان پذیرفته، گناهانشان آمرزیده، بدیهایشان نادیده گرفته شده است، و در آنچه حکم می کنی و تقدیر می نمایی، مقرر فرما که عمرم را طولانی نمایی، و در روزی ام بر من وسعت بخشی، و با من چنین و چنان کنی. و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را بیان کند.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 365

شب بیست و یکم: فضیلت این شب نورانی از شب نوزدهم بیشتر است و باید اعمال این شب را، از غسل و احیا و زیارت و نماز هفت «توحید» و قرآن بر سر گرفتن و صد رکعت نماز و دعای جوشن کبیر و غیر آنها را انجام دهد و در غسل و احیا و سعی در عبادت، در این شب و شب بیست و سوم اصرار ورزد، در روایات به این معنی که شب قدر یکی از این دو شب میباشد، تاکید شده در چند روایت آمده:

که از معصوم خواسته شد: معین فرمایید که شب قدر کدام يك از این دو شب است؟ ایشان تعیین نکرد، بلکه فرمود:

چه آسان است دو شب در آنچه می جویی یا آنکه فرموده: باکی بر تو نیست که در هر دو شب کار خیر انجام دهی مانند آن. و شیخ ما صدوق در آنچه بر بزرگان در يك مجلس راجع به مذهب امامیه دیکته کرده چنین فرمود: هر که این دو شب را با بحثهای علمی احیا بدارد بهتر است به هر صورت از این شب شروع کند به خواندن دعاهاى شبهای دهه آخر ماه که از جمله آنها این دعاست که شیخ کلینی در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام روایت کرده:

که در دهه آخر ماه رمضان در هر شب بخوان: پناه می آورم به عظمت ذات کریمت، از اینکه ماه رمضان از من سپری شود، یا سپیده این شب طلوع کند، و از سوی من نزد تو گناهی یا نتیجه کاری مانده باشد، که مرا بر آن عذاب نمایی کفعمی در حاشیه «بلد الامین» نقل کرده که امام صادق علیه السلام در هر شب از دهه آخر این ماه پس از نمازهای واجب و مستحب می خواندند:

خدایا از ما حق آنچه را که از ماه رمضان گذشته ادا فرما، و کوتاهی ما را از عبادت در این ماه بیامرز و ماه رمضان را از ما پذیرفته تحویل گیر، و ما را از زیاده رویهای بر علیه خویشتن مؤاخذه مکن، و از رحمت شدگان قرار ده، نه از محرومان. و فرموده: هرکه این دعا را بخواند، خدا تقصیری که در گذشته از ماه رمضان از او سر زده بیامرزد، و او را در باقیمانده ماه از گناهان بازدارد. سید

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 366

ابن طاووس در کتاب «اقبال» از ابن ابی عمیر از مرازم نقل کرده: امام صادق علیه السلام در هر شب از دهه آخر این ماه می خواند: خدایا تو در کتاب نازل شده ات فرمودی: ماه رمضان، ماهی که قرآن برای هدایت مردم در آن نازل شده و دلایلی روشن از هدایت و تمیز دادن حق از باطل است، با نازل کردن قرآن در آن حرمتش را بزرگ شمردی، و آن را به شب قدر اختصاص دادی، شبی که آن را از هزار ماه ماه بهتر قرار دادی. خدایا این روزهای ماه رمضان است که گذشت، و شبهای آن است که از دست رفت، من از این ماه چنان شده ام که تو از من به آن داناتری، و شماره آن را از تمام آفریدگانت شمارنده تری، در نتیجه از تو درخواست می کنم به آنچه از تو درخواست کردند فرشتگان مقرریت، و پیامبران مرسلت، و بندگان شایسته ات، این که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و وجودم را از آتش آزاد کنی، و به رحمت به بهشتم وارد نمایی، و به عفو و کرمت بر من تفضل آری، و نزدیک جوی ام را بپذیری، و دعایم را به اجابت رسانی، و به امان دادم در روز وحشت، از هر هراسی که برای قیامت آماده ساخته ای بر من منت نهی، خدایا به ذات کریم و به جلال بزرگت پناه می آورم، از اینکه روزها و شبهای ماه رمضان سپری گردد، و برای من نزد تو نتیجه کاری یا گناهی باشد که مرا به سبب آن مؤاخذه کنی، یا خطایی که بخواهی انتقامش را از من بگیری، و مرا در آنها نیامرزیده باشی، ای آقای من، ای آقای من، ای آقای من از تو می خواهم که معبودی جز تو نیست، آنگاه که معبودی جز تو نبود، اگر در این ماه از من خشنود بوده ای، بر خشنودی ات از من بیفز، و اگر خشنود نبوده ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 367

از هم اکنون از من خشنود شو ای مهربان‌ترین مهربانان، ای خدا، ای یکتا، ای بی‌نیاز، ای که نزاییده و زاده نشده، و احدی برایش هم‌تا نبود. و بسیار بگو: ای نرم‌کننده آهن برای داود (درود بر او)، ای بردارنده بدحالی و بلاهای بزرگ از ایوب (درود بر او)، ای از بین‌برنده اندوه شدید یعقوب (درود بر او)، ای زایل‌کننده غم یوسف (درود بر او)، درود فرست بر محمد و خاندان محمد، چنان‌که تو سزاواری که درود فرستی بر جمله آنان، و با من چنان‌کن که تو شایسته آنی نه چنان‌که من سزاوار آنم.

و از جمله این دعاها دعایی است که در کتاب «کافی» به صورت روایت مستند، و در کتاب «مقنعه» و «مصابح» بدون ذکر سند نقل شده: که در شب اول از دهه سوم، یعنی در شب بیست‌ویکم بخوان:

ای واردکننده شب و روز، و واردکننده روز و شب، و بیرون آورنده زنده از مرده، و بیرون آورنده مرده از زنده، ای روزی‌دهنده بی‌حسا به هرکه خواهی، ای خدا، ای مهربان، ای خدا ای خدا، ای بخشنده، ای خدا، ای خدا، ای خدا، براین نامهای نیکوتر، و نمونه‌های برتر و بزرگمنشی و نعمتها، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی نامم را در این شب از گروه سعادتمندان، و روحم را با شهیدان، و نیکوکاری‌ام را در بلندترین مقام بهشت، و بدکاری‌ام را آمرزیده، و بر من یقینی ببخشی که دلم همراه آن باشد، و ایمانی که دودلی را از من بردارد، و خشنودم نمایی به آنچه نصیب کردی، و ما را در دنیا و آخرت پاداش نیکو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 368

عنایت کن، و از آتش سوزان حفظ فرما، و در این شب ذکر و شکر و رغبت به سویت، و توبه و توفیق آنچه که محمد و خاندان محمد (درود خدا بر او و ایشان) را به آن موفق نمودی نصیب من فرما.

بقیه اعمال شب بیست‌ویکم: کفعمی از سید ابن باقی نقل کرده که در شب بیست‌ویکم بخوان:

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و آن‌چنان بردباری روزی من گردان که در نادانی را به روی من ببندد، و هدایتی که رهیدن از هر گمراهی را به وسیله آن بر من منت نهی، و ثروتی که در هر فقری را به سبب آن بر من ببندی، و نیرویی که به آن هرگونه ضعفی را از من برگیری، و عزتی که مرا به آن از هر خواری اکرام نمایی، و مرتبه بلندی که مرا به آن از هر افتادنی بلندگردانی، و امنیتی که به آن هر ترسی را از من دور سازی، و سلامتی کاملی که مرا به آن از هر بلایی بپوشانی، و دانشی که به آن در هر یقینی را به روم بگشایی، و یقینی که به آن هر شکی را از من برطرف سازی، و دعایی که به آن سفره اجابت را در امشب و در این ساعت بگسترانی همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت ای کریم، و

ترسی که به آن هرگونه رحمتی را برایم بخش کن، و بازدارنده‌ای که بین من و گناهانم پرده شود، تا به سبب آن نزد معصومین به درگاهت رستگار شوم، به حق مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

روایت شده: که حماد بن عثمان در شب بیست و یکم بر امام صادق علیه السلام وارد شد، حضرت پرسید: غسل کرده‌ای؟ عرض کرد آری، فدایت شوم، پس حضرت حصری خواست و حماد را به نزدیک خود طلبید و مشغول نماز شد و پیوسته نماز خواند و حماد هم در کنار حضرت نماز می‌خواند، تا از نمازهای خود فارغ شدند، آنگاه امام صادق علیه السلام دعا کرد و حماد آمین گفت، تا سپیده دمید، سپس آن حضرت اذان و اقامه گفت و بعضی از خدمتکاران خود را خواست و جلو ایستاد و نماز صبح خواند، در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 369

رکعت اول پس از سوره «حمد» سوره «قدر» و در رکعت دوم بعد از سوره «حمد» سوره «توحید» را قرائت کرد و بعد از نماز مشغول تسبیح و تحمید و تقدیس و ثنای حق و صلوات بر پیامبر و دعا برای مردان و زنان مومن و مسلمان شد، سپس سر به سجده گذاشت و به اندازه يك ساعت به جز صدای تنفس صدایی از آن حضرت شنیده نشد، پس از آن این دعا را خواند: معبودی جز تو نیست زیرورو کننده دلها و دیده‌ها تا آخر دعا که در کتاب «اقبال» آمده است.

شیخ کلینی روایت کرده که امام باقر علیه السلام در شبهای بیست و یکم و بیست و سوم تا نیمه شب دعا می‌خواند، و پس از آن شروع به خواندن نماز می‌کرد. آگاه باش که در هر شب از شبهای این دهه غسل مستحب است. روایت شده حضرت رسول صلی الله علیه و آله در هر شب این دهه غسل می‌کرد. و نیز اعتکاف در این دهه استحباب و فضیلت بسیار دارد و بهترین اوقات برای اعتکاف این دهه است و روایت شده که اعتکاف در این دهه برابر دو حج و دو عمره ثواب دارد. «بنای رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود، که چون دهه آخر ماه رمضان می‌شد، در مسجد اعتکاف می‌کرد، چادری موین برای آن حضرت می‌زدند و آن جناب کمر عبادت را محکم می‌بست و بستر خواب را به هم می‌پیچید» و آگاه باش که در چنین شبی در سال چهلیم شهادت مولایمان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام واقع شد و در این شب غصّهای آل محمد علیهم السلام و شیعانش تازه می‌شود و روایت شده که در آن شب مانند شب شهادت امام حسین علیه السلام سنگی از روی زمین برداشته نشد، مگر آنکه زیر آن خون تازه بود. شیخ مفید فرموده:

در این شب صلوات بسیار فرست و در نفرین بر ستم‌کنندگان به آل محمد علیهم السلام و لعن فرستادن بر قاتل امیر المؤمنین علیه السلام سعی و کوشش کن. روز بیست و یکم روز شهادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و خواندن

زیارت آن جناب مناسب است و همچنین کلماتی که در چنین روزی خضر به زبان آورده، که به منزله زیارت آن حضرت در این روز است، و آن کلمات در کتاب «هدیه الزائر» ذکر شده است.

دعای شب بیست و دوم: ای برکننده روز از قامت شب، پس به ناگاه ما در تاریکی درآییم، و روان کننده خورشید در جایگاهش به تقدیرت، ای توانا، ای دانا، و اندازه ده ماه در منازل فلکی، تا چون شاخه خرما رسیده برگردد، ای نور هر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 370

نور، و منتهای هر شوق، و سرچشمه هر نعمت، ای خدا، ای بخشنده، ای خدا، ای قدوس، ای یگانه، ای یکتا، ای بی همتا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، نامهای نیکوتر و نمونه‌های والاتر و بزرگمنشی و نعمتها برای توست، از تو می‌خواهم بر محمد و اهل بیتش درود فرستی، و قرار دهی نامم را در این شب در گروه سعادتمندان، و روحم را با شهیدان و کردار نیکم را در بلندمرتبه‌ترین درجه بهشت، و بدکاری‌ام را آمرزیده، و یقینی بر من بخشی که دلم همراه آن باشد، و ایمانی که دودی را از من برطرف کند، و خشنودی به آنچه نصیب نمودی، و به ما در دنیا و آخرت نیکویی عنایت کن، و از عذاب آتش سوزان نگاه دار، و در این شب ذکر و شکر و رغبت به سوی خود، و توبه و تفتیق به آنچه که محمد و خاندان محمد درود خدا بر آنان را به آن موفق نمودی روزی‌ام فرما.

بقیه اعمال شب بیست و سوم: این شب از دو شب قدر گذشته افضل است، و از احادیث بسیار استفاده می‌شود، که شب قدر همین شب است، و این شب شب جهنی است یعنی شبی است که دعاها در آن اجابت می‌شود، و در این شب تمام کارها بر پایه حکمت الهی مقدر گردد، و برای این شب غیر از اعمالی که با دو شب قدر گذشته مشترك است چند عمل دیگر است:

اول: خواندن سوره «عنکبوت» و «روم» که امام صادق علیه السلام سوگند یاد کردند که خواننده این دو سوره در این شب از اهل بهشت خواهد بود. دوم: خواندن سوره «حم دخان» سوم: هزار مرتبه خواندن سوره «قدر» چهارم: محمد بن عیسی به سند خود از امامان صالح علیهم السلام روایت کرده که فرمودند: در شب بیست و سوم از ماه رمضان این دعا را به دفعات بخوان، در حال سجود و قیام و قعود. و بر هر حالی که هستی در تمام ماه، و در طول حیات تا جایی که ممکن باشد، و هر زمانی که به یادت آید. بعد از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 371

ستایش پروردگار به بزرگواری، و فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله می گوئی:

خدایا برای ولیات باش فلان بن فلان و به جای فلان بن فلان بگو: حجت بن الحسن که درودهایت بر او و پدرانش باد، در این ساعت، و در هر ساعت سرپرست و نگهبان و پیشوا و یاور و راهنما و دیده‌باه (باش، تا او را با رغبت مردم در زمینت سکونت دهی، و زمانی طولانی بهره‌مندش سازی ای تدبیرگر امور، ای برانگیزنده مردهای در گور، ای روان کننده دریاها، ای نرم کننده آهن برای داود، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و با من چنین و چنان کن. و به جای «کذا و کذا» حاجات خود را بخواند: امشب، امشب و دستهای خود را در وقت خواند «یا مدبر الامور» تا آخر به سوی آسمان بردار. و این دعا را در حال رکوع و سجود و ایستاده و نشسته بخوان، و آن را تکرار کن، و در شب آخر ماه رمضان هم بخوان.

پنجم: بخواند:

خدایا عمرم را طولانی گردان، و روزی‌ام را وسعت بخش، و بدنم را تندرست بدار، و به آرزویم برسان، و و اگر در زمره بدفرجامان، هستم، مرا از آن گروه محو کن، و در گروه سعادتمندان ثبت فرما، که تو در کتاب فرو فرستاده به پیامبر مرسل (درود تو بر او و خاندانش) فرمودی: خدا محو می کند آنچه را بخواند و ثبت می نماید آنچه را اراده کند و کتاب جامع نزد اوست. ششم بخواند: خدایا قرار ده در آنچه حکم می کنی، و مقدر می نمایی، از فرمان حتمی، در آنچه از کار حکیمانه جدا می سازی در شب قدر، از حکمی که بازگشت نپذیرد، و تغییر نیابد، اینکه مرا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 372

در این سال از حاجیان خانه محترمت بنویسی، حاجیانی که حجشان پذیرفته، و سعیشان قبول افتاده، و گناهانشان آمرزیده گشته، و بدیهایشان محو شده است، و قرار ده در آنچه فرمان می دهی و مقدر می نمایی که عمرم را طولانی گردانی، و در روزی‌ام وسعت بخشی. هفتم: دعایی را که در کتاب «اقبال» آمده است بخواند: ای پنهان در حال آشکار بودنش، و ای آشکار در حال پنهان بودنش و ای پنهانی که مخفی نمی شود، ای آشکاری که دیده نمی شود، ای به وصف آمده‌ای که هیچ ممکن به حقیقتش نمی رسد و هیچ حدّ بسته‌ای به او احاطه پیدا نمی کند، و ای غایب گم نشده، ای حاضری که مشهود نیست، تا آنکه جستجو شود و او را بیابند، آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست، به اندازه چشم برهم زدن از او خالی نیست، به کیفیتی معین دانسته نمی شود و محدود به مکان و جهت نمی گردد، تویی روشنایی نور، پروردگار پرورندگان، به همه امور احاطه کرده‌ای، منزّه است آن که چیزی همانندش نیست، و او شنوا و بیناست، منزّه است آن که دارای این

صفات است و برای غیر او چنین صفاتی نیست سپس آنچه را می‌خواهی از خدا طلب کن. هشتم: غیر از غسل اول شب، غسلی هم در آخر شب انجام دهد. بدان که برای غسل و شب زنده‌داری این شب و زیارت امام حسین علیه السلام، و صد رکعت نماز، فضیلت بسیار نقل شده است، و انجام این اعمال مورد تأکید است. شیخ طوسی در کتاب «تهدیب» از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: در شبی که امید می‌رود شب قدر باشد، صد رکعت نماز بخوان در هر رکعت پس از سوره «حمد» ده مرتبه سوره «توحید» را قرائت کن، گفتم: فدایت شوم، اگر ایستاده قدرت نداشته باشم چه؟ فرمود نشسته بخوان، گفتم اگر نتوانم، فرمود: به همان حالی که در بستر به پشت خوابیده‌ای این نماز را بخوان. از کتاب «دعائم الاسلام» روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه رمضان بستر خود را جمع می‌کرد، و برای عبادت کمر همت را محکم می‌بست، و در شب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 373

بیست و سوم اهل خود را بیدار می‌کرد، و آنهایی را که خواب در رفته بود، به رویشان آب می‌پاشید، و حضرت فاطمه علیها السلام در این شب اجازه نمی‌داد احدی از اهلیش بخوابد، و خواب آنها را به کمی طعام علاج می‌فرمود، و آنها را با خواباندن در روز برای بیداری و احیای شب آماده می‌کرد، و می‌فرمود: محروم کسی است که از خیر این شب محروم بماند.

روایت شده که امام صادق علیه السلام به بیماری سختی دچار شده بود، وقتی شب بیست و سوم ماه رمضان رسید، به خدمتکارانش دستور داد او را به مسجد بردند، و تا صبح در مسجد بود.

علامه مجلسی (ره) فرموده است هر قدر که خواندن قرآن ممکن باشد، در این شب خوانده شود، و دعاهای صحیفه کامله (سجاده)، به ویژه دعای مکارم الأخلاق، و دعای توبه قرائت گردد، و روزهای این شبها را نیز باید حرمت نهاد، و به عبادت و تلاوت قرآن به سر آورد، زیرا در احادیث معتبر آمده است که روز قدر در فضیلت همانند شب قدر است.

دعای شب بیست و سوم: ای پروردگار شب قدر، و قراردنده آن بهتر از هزار ماه، و پروردگار شب و روز، و کوهها و دریاها، و تاریکیها و روشناییها، و زمین و آسمان، ای پدیدآورنده، ای صورت‌بخش، ای عطاکننده، ای نعمت ده، ای خدا، ای بخشنده، ای خدا، ای به خود پاینده، ای خدا، ای نو آفرین، ای خدا، ای خدا، نامهای نیکوتر، و نمونه‌های والاتر، و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی در این شب نامم را در زمره سعادتمندان، و روحم را با شهیدان، و نیکوکاری‌ام را در بلندمرتبه‌ترین درجه بهشت،

و گناه‌ها را آمرزیده، و ببخشی بر من یقینی که دلم با آن همراه باشد، و ایمانی که شك را از من زدوده گرداند، و خشنودی به آنچه نصیب نموده‌ای، و ما را در دنیا و آخرت پاداش نیکو عنایت فرما، و از عذاب آتش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 374

سوزان حفظ کن، و در این شب ذکر و شکر خویش و رغبت به سوی خود، و بازگشت و توبه روزی‌ام فرما، و به آنچه محمد و و خاندان محمد (درود خدا بر آنان باد) را به آن موفق کردی توفیق ده.

دعای شب بیست و چهارم: ای شکافنده روشنی سپیده از شب و قراردهنده شب برای آرامش، و آفتاب و ماه برای حساب زمان، ای توانا، ای دانا، ای صاحب نعمت و عطا و قوت و قدرت و فضل و نعمت بخشی، و بزرگی و بزرگواری، ای خدا، ای مهربان، ای خدا، ای یگانه، ای تنها، ای خدا، ای آشکار، ای نهان، ای زنده، معبودی جز تو نیست نامهای نیکوتر، و نمونه‌های برتر و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و اینکه قرار دهی در این شب نام مرا از سعادتمندان، و روحم را با شهیدان، و نیکوکاری‌ام را در بلندمرتبه‌ترین درجه بهشت، و گناه‌ها را آمرزیده، و به من ببخشی باوری که قلبم همراه آن باشد، و یقینی که شك را از من برطرف سازد، و خشنودی به آنچه نصیب نمودی، و در دنیا و آخرت پاداش نیکو به ما عنایت فرما و از عذاب آتش سوزان ما را حفظ کن، و در این شب ذکر و شکر خویش و رغبت به سوی خود و بازگشت و توبه روزی‌ام کن، و به آنچه محمد و خاندان محمد را که درودت بر او و بر ایشان باد بر آن موفق کردی توفیق ده.

دعای شب بیست و پنجم: ای قراردهنده شب را جامه روز، و روز را مایه کسب روزی و زمین را بستر آرامش، و کوهها را میخهای زمین، ای خدا، ای چیره، ای خدا، ای شکوهمند، ای خدا، ای شنوا، ای خدا، ای نزدیک، ای خدا، ای اجابت کننده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 375

ای خدا ای خدا ای خدا، نامهای نیکوتر، و نمونه‌های برتر، و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرست، و در این شب نامم را در شمار سعادتمندان و روحم را با شهیدان، و نیکوکاری‌ام را در بلندمرتبه‌ترین درجه بهشت و بدکاری‌ام را آمرزیده قرار دهی، و به من ببخشی یقینی که قلبم با آن همراه باشد، و ایمانی که شك را از من برطرف نماید، و خشنودی به آنچه نصیب فرمودی، و در دنیا و آخرت پاداش نیکو به ما عنایت کن، و ما

را از عذاب آتش سوزان حفظ فرما، و در این شب ذکر و شکر خویش، و رغبت به سوی خود، و بازگشت و توبه را روزی‌ام فرما، و به آنچه محمد و خاندان محمد (دروود خدا بر آنان) را بر آن موفق نمودی توفیق ده.

دعای شب بیست‌وششم: ای فراردهنده شب و روز، دو نشانه، ای آن‌که نشانه شب را محو ساخت، و نشانه روز را روشنی بخش قرار داد، تا فضل و خشنودی‌اش را طلب کنند، ای جداکننده هرچیز به دقت بسیار، ای بزرگوار، ای بخشنده، ای خدا، ای سخاوتمند، ای خدا ای خدا ای خدا، نامهای نیکوتر و نمونه‌های برتر و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی در این شب نام مرا از سعادتمندان و روحم را با شهیدان، و نیکوکاری‌ام را در بلندمرتبه‌ترین درجه بهشت و گناهم را آمرزیده، و به من ببخشی یقینی که قلبم با آن همراه باشد، و باوری که شك را از من زدوده سازد، و خشنودی به آنچه نصیب نمودی، و در دنیا و آخرت پاداش نیکو به ما عنایت فرما، و از عذاب آتش سوزان ما را حفظ کن، و در این شب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 376

ذکر و شکر خویش و رغبت به سویت، و بازگشت و توبه را روزی‌ام گردان، و به آنچه محمد و خاندان محمد را (دروود خدا بر او و ایشان) بر آن موفق نمودی توفیق ده.

شب بیست‌وهفتم: در آن غسل کردن وارد شده و روایت شده است که حضرت زین العابدین علیه السلام این دعا را، در این شب از اول تا آخر شب مکرر می‌خواند خدایا دوری از خانه فریب، و بازگشت به خانه جاویدان، و آمادگی برای مرگ پیش از رسیدن آن را روزی‌ام گردان.

دعای شب بیست‌وهفتم: ای گسترنده سایه، و اگر می‌خواستی آن را بی‌حرکت می‌ساختی، و خورشید را بر آن راهنما قرار دادی، سپس آن را جمع کردی جمع‌کردنی آسان، ای صاحب جود و عطا و بزرگمنشی و نعمتها، معبودی جز تو نیست، دانای غیب و آشکار، بخشنده مهربان، معبودی جز تو نیست، ای قدوس، ای سلام، ای ایمنی‌بخش، ای چیره، ای توانا، ای پرشکوه، ای بزرگمنش، ای خدا، ای آفریننده، ای پدیدآورنده، ای صورت‌بخش، ای خدا ای خدا، ای خدا، نامهای نیکوتر، و نمونه‌های برتر، و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی در این شب نام مرا از سعادتمندان، و روحم را با شهیدان، و نیکوکاری‌ام را در بلندمرتبه‌ترین درجه بهشت، و بدکاری‌ام را آمرزیده، و به من ببخشی یقینی که قلبم با آن همراه باشد، و ایمانی که شك را از من بزدايد، و خشنودی به آنچه که نصیب کرده‌ای، و پاداش نیکو در دنیا و در آخرت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 377

را به ما عنایت فرما، و ما را از عذاب آتش سوزان حفظ کن، و در این شب ذکر و شکر و رغبت به سویت، و بازگشت و توبه را روزی ام فرما، و به آنچه محمد و خاندان محمد (درود خدا بر او و ایشان) را بر آن موفق کردی توفیقم ده.

دعای شب بیست و هشتم: ای قراردهنده تاریکی در فضا، و قراردهنده روشنایی در آسمان، و بازدارنده آسمان از اینکه بر زمین افتد، مگر به اجازه او، و نگاه دارنده آسمان و زمین، از اینکه از جای بدر روند، ای دانا، ای بزرگ، ای آمرزنده ای جاودانه، ای خدا، ای وارث، ای برانگیزنده مردگان در قبرها، ای خدا، ای خدا، نامهای نیکوتر و نمونه‌های برتر، و بزرگمنشی، و نعمتها از آن توست، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی در امشب نامم را از سعادت‌مندان، و روحم را با شهیدان، و نیکوکاری‌ام را در بلندمرتبه‌ترین درجه بهشت، و گناهانم را آمرزیده، و اینکه ببخشی به من یقینی که قلبم با آن همراه باشد، و ایمانی که شك را از من برطرف سازد، و خشنودی به آنچه که نصیب من کردی، و پاداش نیکو در دنیا و در آخرت به ما عنایت فرما، و ما را از عذاب آتش سوزان حفظ کن، و در این شب ذکر و شکر خویش و رغبت به سوی خود، و بازگشت و توبه را روزی ام کن، و به آنچه محمد و خاندان محمد (درود خدا بر او و ایشان) را بر آن موفق کردی توفیقم ده.

دعای شب بیست و نهم: ای پیچاننده شب بر روز، و پیچاننده روز بر شب، ای دانا، ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 378

فرزانه، ای پروردگار پرورندگان و آقای آقایان، معبودی جز تو نیست، ای نزدیک‌تر از رگ گردن به من، ای خدا ای خدا ای خدا، ای خدا، نامهای نیکوتر و نمونه‌های برتر، و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی نامم را در این شب از سعادت‌مندان، و روحم را با شهیدان، و نیکوکاری‌ام را در بلندمرتبه‌ترین درجه بهشت، و گناهانم را آمرزیده، و به من ببخشی یقینی که قلبم با آن همراه باشد، و ایمانی که شك را از من برطرف نماید، و خشنودی به آنچه نصیبم کردی، و پاداش نیکو در دنیا و آخرت به ما عنایت فرما، و ما را از عذاب آتش سوزان حفظ کن، و در این شب ذکر و شکر خویش و رغبت به سوی خود، و بازگشت و توبه را روزی ام کن، و به آنچه محمد و خاندان محمد (درود خدا بر او و ایشان) را بر آن موفق کردی توفیقم ده.

شب آخر ماه: شب بسیار مبارکی است، و برای این شب چند عمل وارد است: اول: غسل. دوم: زیارت امام حسین علیه السلام. سوم: خواندن سوره‌های «انعام» و «کهف» و «یس» و گفتن صد مرتبه:

از خدا آمرزش می‌جویم و به سوی او می‌پویم. چهارم: این دعا را که شیخ کلینی از امام صادق علیه السلام روایت کرده بخواند:

خدایا این است ماه رمضان، که قرآن را در آن نازل کردی، اینک در حال گذشتن است، و من به ذات کریمانه‌ات پناه می‌آورم از اینکه سپیده این شب طلوع کند، یا ماه رمضان بگذرد، و نزد تو برانم نتیجه کار ناشایست یا گناهی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 379

باشد که بخواهی مرا به سبب آن روزی که ملاقات کنم عذاب نمای. پنجم: بخواند دعای «یا مدبّر الامور» را که بیان آن در اعمال شب بیست و سوم گذشت [صفحه 340] ششم: ماه رمضان را با دعاها و دعای و دعای گوید: دعاها که شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ مفید و شیخ طوسی، و سید ابن طاووس (رضوان الله علیه) نقل کرده‌اند و شاید بهترین آنها دعای چهل و پنجم صحیفه کامله باشد.

سید ابن طاووس از امام صادق علیه السلام روایت کرده که هرکه در شب آخر ماه رمضان، آن ماه شریف را وداع گفته و بگوید: خدایا این ماه را آخرین بار روزه‌ام در ماه رمضان قرار مده، و به تو پناه می‌آورم از اینکه سپیده این شب سر زند، مگر اینکه مرا آمرزیده باشی. پیش از آنکه سپیده بر آید، حق تعالی او را بیامرزد، و توبه و بازگشت نصیب وی کند. سید و شیخ صدوق از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده‌اند که در جمعه آخر ماه رمضان خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم، چون نظر آن حضرت بر من افتاد، فرمود: ای جابر این آخرین جمعه از ماه رمضان است، پس آن را وداع کن و بگو:

خدایا این ماه را آخرین بار روزه‌ام در ماه رمضان قرار مده، اگر قرار داده‌ای پس مرا رحمت شده بدار، نه محروم از رحمت. به راستی هرکه این دعا را در این روز بخواند به یکی از دو خصلت نیکو ظفر یابد: یا رسیدن به ماه رمضان آینده، یا آمرزش خدا و رحمت بی‌انتهای او. سید ابن طاووس و کفعمی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود:

هرکه در شب آخر ماه رمضان، ده رکعت نماز به صورت دو رکعت بخواند، در هر رکعت سوره «حمد» را یک بار، و «قل هو الله احد» راه ده بار، و در هر یک از رکوع و سجود ده مرتبه بگوید:

پاك است خدا و ستایش شایسته اوست و معبودی جز او نیست و خدا بزرگتر است. و هنگامی که از ده رکعت فراغت یافت هزار مرتبه استغفار کند. و پس از استغفار سر به سجده گذارد و در حال سجده بگوید: ای زنده به خود پاینده! ای دارای بزرگی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 380

و بزرگواری، ای بخشنده دنیا و آخرت و ای مهربان دنیا و آخرت، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای معبود گذشتگان و آیندگان، گناهانمان را بیامرز، و نماز و روزه و شب بیداریمان را قبول کن. سوگند به کسی که مرا به راستی به پیامبری مبعوث کرد، که جبرئیل مرا از اسرافیل خبر داد و اسرافیل از پروردگار خود، که سر از سجده برنداشته، خدا او را بیامرزد، و ماه رمضان را از او قبول کند، و از او درگذرد تا آخر خبر. و این نماز در شب عید فطر هم روایت شده است، ولی در این روایت آمده است که تسبیحات اربعه را در رکوع و سجود به جای ذکر رکوع و سجود بخواند، و به جای «اغفر لنا ذنوبنا» تا آخر بگوید:

گناهانم را بیامرز، و روزه و نماز و شب‌زنده‌اری‌ام را بپذیر.

دعای شب سی‌ام: خدا را سپاس که شریکی ندارد، خدا را سپاس آنگونه که سزاوار بزرگواری جلوه و عزّت جلال اوست، و چنان که شایسته اوست، ای قدوس، ای نور، ای مقدس، ای سبّوح، ای نهایت پاکی، ای بخشنده، ای به انجام‌رسان رحمت، ای خدا، ای دانا، ای بزرگ، ای خدا، ای لطیف، ای برجسته، ای خدا، ای شنوا، ای بینا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، نامهای نیکوتر و نمونه‌های برتر، و بزرگمنشی و نعمتها از آن توست، از تو می‌خواهم بر محمد و اهل بیتش درود فرستی، و قرار دهی نامم را در این شب از سعادتمندان، و روحم را با شهیدان، و نیکوکاری‌ام را در بلندمرتبه‌ترین درجه بهشت، و گناهانم را آمرزیده، و به من ببخشی یقینی که قلبم همراه آن باشد، و ایمانی که شك را از من برطرف کند، و خشنودی به آنچه نصیصم کردی، و پاداش نیکو در دنیا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 381

و در آخرت را به ما عنایت کن، و ما را از عذاب آتش سوزان حفظ فرما، و در این شب ذکر و شکر خویش و رغبت به سوی خود، و بازگشت و توبه را روزی‌ام کن، و به آنچه محمد و خاندان محمد (درود خدا بر او و آنان) را بر آن موفق نمودی توفیقم ده.

روز سی ام: سید در کتاب «اقبال» برای روز آخر دعایی نقل کرده است که ابتدایش این است: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ و چون در این روز بیشتر مردم قرآن را ختم می کنند، شایسته است پس از ختم قرآن دعای چهل و دوم صحیفه کامله سجادیه را بخوانند و اگر بخواهند می توانند این دعای مختصر را که شیخ طوسی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده بخوانند:

خدایا، به قرآن سینه ام را بگشا، و به قرآن بدنم را بکار انداز، و به قرآن دیده ام را روشن ساز، و به قرآن زبانم را بازگردان، و به عمل به آن تا زنده ام می داری یاری ام ده، که جنبش و نیرویی جز به خواست تو نیست.

و همچنین این دعا را که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است بخواند:

خدایا از تو درخواست می کنم، خشوع خاشعان، و اخلاص اهل یقین، و مدارای نیکان، و شایستگی حقایق ایمان، و بهره مندی از هر نیکی، و سلامت از هر گناه، و وجوب رحمت، و اراده های آمرزش، و رسیدن به بهشت، و رهایی از آتش را.

خاتمه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 382

در بیان نمازهای شبهای ماه رمضان، و دعاها و روزهای آن که مشهور است، و علامه مجلسی در کتاب زاد المعاد در فصل آخر ماه رمضان آنها را ذکر کرده و احقر در این قسمت، به بیان آنچه آن بزرگوار نوشته اکتفا می کنم:

نماز شب اول: چهار رکعت، هر رکعت حمد و پانزده مرتبه سوره توحید.

شب دوم: چهار رکعت، در هر رکعت حمد و بیست مرتبه سوره قدر.

شب سوم: ده رکعت، در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید.

شب چهارم: هشت رکعت، در هر رکعت حمد و بیست مرتبه سوره قدر.

شب پنجم: دو رکعت، در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید، و پس از سلام صدر بار صلوات.

شب ششم: چهار رکعت، در هر رکعت حمد و سوره تبارک.

شب هفتم: چهار رکعت، در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه سوره قدر.

شب هشتم: دو رکعت، در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره توحید و پس از سلام هزار مرتبه سبحان الله.

شب نهم: شش رکعت در فاصله میان نماز شام و هنگام خوابیدن، در هر رکعت حمد، و هفت مرتبه آیه الكرسي و پس از پایان نماز پنجاه بار صلوات.

شب دهم: بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه سوره توحید.

شب یازدهم: دو رکعت، در هر رکعت حمد و بیست مرتبه سوره کوثر.

شب دوازدهم: هشت رکعت، در هر رکعت حمد و سی مرتبه سوره قدر.

شب سیزدهم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه سوره توحید.

شب پانزدهم: چهار رکعت، در دو رکعت اول پس از حمد صد مرتبه سوره توحی، و در دو رکعت دیگر بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحید.

شب پانزدهم: دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه سوره تکاثر.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 383

شب هفدهم: دو رکعت، در رکعت، اول حمد و هر سوره ای بخواند، و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه سوره توحید، و پس از سلام صدر بار: لا اله الا الله

شب هجدهم: چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه سوره کوثر.

شب نوزدهم: پنجاه رکعت، در هر رکعت حمد و يك مرتبه سوره زلزال.

شب بیست تا بیست و چهارم: در هر کدام هشت رکعت با هر سوره ای که میسر شود.

شب بیست و پنجم: هشت رکعت، در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره توحید.

شب بیست و هشتم: هشت رکعت، در هر رکعت حمد و صد مرتبه سوره توحید.

شب بیست و هفتم: چهار رکعت، در هر رکعت حمد و سوره ملک، و اگر نتوانست بیست و پنج مرتبه سوره توحید.

شب بیست و هشتم: شش رکعت، در هر رکعت حمد و صدر مرتبه آیه الکرسی، و صدر مرتبه سوره توحید، و صد مرتبه سوره کوثر، و پس از نماز صد بار صلوات. فقیر گوید: نماز شب بیست و هشتم موافق آنچه من یافتم به این صورت است: شش رکعت، در هر رکعت حمد و ده مرتبه آیه الکرسی، و ده مرتبه سوره کوثر، و ده مرتبه سوره توحید، و پس از نماز صد بار صلوات.

شب بیست و نهم: دو رکعت، در هر رکعت حمد، و بیست مرتبه سوره توحید.

شب سی ام: دوازده رکعت، و در هر رکعت حمد و بیست مرتبه سوره توحید و پس از سلام صدر بار صلوات، و این نمازها چنان که بیان شد هر دو رکعت به يك سلام است.

دعاهای روزهای ماه مبارك رمضان

از ابن عباس روایت کرده اند: که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای روزه هر روز ماه مبارك رمضان فضیلت بسیار بیان فرمود و برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار برای آن ذکر کرد که ما به بیان اصل دعا اکتفا می کنیم:

روز اول: خدایا روزه ام را در این ماه روزه داران قرار ده، و شب زنده داری را شب زنده داران، و بیدارم کن در آن از خواب بی خبران، و ببخش گناهم را در آن ای معبود جهانیان، و از من درگذر، ای درگذرنده از گنه کاران. روز دوم: خدایا مرا در این ماه به خشنودی ات نزدیک کن، و از خشم و انتقامت برکنار دار، و به قرائت آیات موفق کن، ای مهربان ترین مهربانان.

روز سوم: خدایا در این ماه به من تیزهوشی و بیداری عنایت فرما، و از بی خردی و اشتباه دورم ساز، و از هر خیری که در این ماه نازل می کنی، برایم بهره ای قرار ده، و به حق جودت ای جودمندترین جودمندان روز چهارم: خدایا در این ماه برای برپاداشتن امرت نیرمند ساز مرا، و شیرینی ذکرت را به من بچشان، و ادای شکرت را به من الهام فرما، و به نگهداری و پوششت نگاهم بدار، ای بینا ترین بینندگان روز پنجم: خدایا قرار ده مرا در این ماه از آمرزش جویان، و از بندگان

شایسته فرمانبردار، و از اولیای مقربیت، به رأفت ای مهربان‌ترین مهربانان روز ششم: خدایا مرا در این ماه به خاطر نزدیک شدن به نافرمانیات و امگذار، و با تازیانه‌های انتقامت عذاب مکن، و از موجبات خشمت دورم بدار، به فضل و عطاهایت، ای نهایت دلبستگی دل‌شدگان.

روز هفتم: خدایا مرا در این ماه بر روزه و شب‌زنداری‌اش یاری ده، و از لغزشها و گناهانش دورم بدار، و ذکر را همواره روزی‌ام کن، به توفیق ای راهمای گمراهان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 385

روز هشتم: خدای در این ماه مهرورزی به ایتام، و خواندن طعام، و آشکار کردن سلام، و همنشینی با اهل کرامت را نصبم فرما، به عطایت ای پناهگاه آرزومندان.

روز نهم: خدایا برای من در این ماه بهره‌ای از رحمت گسترده‌ات قرار ده، و به جانب دلایل درخشانت راهنمایی کن، و به سوی خشنودی فراگیری متوجه کن، به مهرت ای آرزوی مشتاقان.

روز دهم: خدایا مرا در این ماه از توکل‌کنندگان، و از رستگاران نزد خود، و از مقربان درگاهت قرار بده، به احسانت ای هدف جویندگان.

روز یازدهم: خدای در این ماه نیکی را پسندیده من گردان، و نادرستیها و نافرمانیها را مورد کراهت من قرار ده، و خشم و آتش برافروخته را بر من حرام گردان به یاریات ای فریادرس دادخواهان.

روز دوازدهم: خدایا مرا در این ماه به پوشش و پاکدامنی بیاری، و به لباس قناعت و اکتفا به اندازه حاجت بیوشان و بر عدالت و انصاف وادارم نما، و مرا در این ماه از هرچه می‌ترسم ایمنی ده، به نگهداریات ای نگهدارنده هراسندگان. روز سیزدهم: خدایا مرا در این ماه از آلودگیها و ناپاکیها پاک کن، و بر شدنیهای مورد تقدیرت شکیبایم گردان، و به پرهیزکاری و همنشینی با نیکان توفیقم ده، به یاریات ای نور چشم درماندگان روز چهاردهم: خدایا مرا در این ماه بر لغزشها سرزنش مکن، و از خطاها و افتادن در گناهان دور بدار،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 386

و هدف بلاها و آفات قرار مده، به عزت ای عزت مسلمانان. روز پانزدهم: خدایا در این ماه طاعت فروتنان را نصیبم کن، و سینه‌ام را برای انابه همانند بازگشت خاضعان باز کن به امان دادنت ای امان‌ده هراسندگان. روز شانزدهم:

خدایا مرا در این ماه به همراهی و همسویی با نیکان توفیق ده، و از همنشینی با بدان دور بدار و به حق رحمت به خانه آرامش جالم ده، و به پرستیدگیات ای پرستیده جهانیان. روز هفدهم: خدایا مرا در این ماه به سوی کارهای شایسته هدایت فرما، و حاجتها و آرزوهایم را برآور، ای آن که نیاز به روشنگری و پرسش ندارد، ای آگاه به آنچه در سینه جهانیان است بر محمد و خاندان پاکش درود فرست روز هجدهم: خدایا مرا در این ماه به برکتهای سحرهایش آگاه کن، و دلم را با روشنائی انوارش روشنی بخش، و تمام اعضایم را به پیروی آثارش بگمار، به نروت ای نوربخش دلهای عارفان. روز نوزدهم: خدایا در این ماه بهرام را از برکتهایش کامل گردان، و راهم را به سوی نیکیهایش هموار نما، و از پذیرفته خوئیهایش محروم مساز، ای هدایت کننده به سوی حق آشکار روز بیستم: خدایا در این ماه درهای بهشتهایت را به رویم باز کن، و درهای آتش دوزخ را به روزیم بریند، و به تلاوت قرآن موفقم بدار، ای فرو فرستنده آرامش در دل مؤمنان.

روز بیست و یکم: خدایا در این ماه برای من به سوی خشنودیات دلیلی قرار مده، و برای شیطان راهی به سوی من قرار مده، و بهشت را منزل و آسایشگاهم قرار ده، ای برآورنده حاجات خواهندگان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 387

روز بیست و دوم: خدایا در این ماه درهای فضلت را به روی من بگشا، و برکات را بر من نازل فرما، و به موجبات خشنودیات موفقم بدار، و در میان بهشتهایت جالم ده، ای برآورنده خواهش درماندگان روز بیست و سوم: خدایا در این ماه از گناهانم شست و شویم ده، و از عیبها پاکم کن، و دلم را به پرهیزکاری دلبا بیازمای، ای نادیده گیرنده لغزشهای اهل گناه. روز بیست و چهارم: خدایا در این ماه آنچه تو را خشنود می کند از تو درخواست می کنم، و از آنچه تو را ناخشنود می کند به تو پناه می آورم، و از تو در این ماه توفیق اطاعت و ترك نافرمانیات را خواستارم، ای بخشنده به نیازمندان. روز بیست و پنجم: خدایا مرا در این ماه دلبسته اولیا، و دشمن دشمنانت قرار ده، و آراسته به راه و روش خاتم پیامبران گردان، ای نگهدارنده دلهای پیامبران روز بیست و ششم: خدایا کوششم را در این ماه مورد سپاس، و گناهانم را آمرزیده، و عملم را پذیرفته، و عیبم را پوشیده قرار ده، ای شنواترین شنوایان. روز بیست و هفتم: خدایا در این ماه فضیلت شب قدر را روزیام ساز، و کارهایم را از سختی به آسانی برگردان، و پوزشهایم را بپذیر، و گناه و بار گران را از گردهام بریز، ای مهربان به بندگان شایسته. روز بیست و هشتم: خدایا بهرام را در این ماه از مستحبات فراوان کن، و مرا با تحقق درخواستها اکرام

فرما، و از میان وسایل وسیله‌ام را به سویت نزدیک کن، ای که پافشاری اصرارورزان مشغولش نسازد. روز بیست و نهم: خدایا در این ماه با رحمت فروگیر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 388

و توفیق و خود نگهداری نصیب کن، و از تیرگیهای تهمت دلم را پاک گردان، ای مهربان به بندگان با ایمان. روز سی‌ام: خدایا روزه‌ام را در این ماه، بر پایه آنچه تو و پیامبر آن را می‌پسندد مورد سپاس و پذیرش قرار ده، درحالی که فروغش بر اصولش استوار باشد، به حق سرورمان محمد و اهل بیت پاکش، و سپاس خدای را پروردگار جهانیان.

مؤلف گوید: تقدیم و تأخیر دعاها و عبارات هر يك را در کتابهای متعدّد دعا مختلف ذکر کرده‌اند، چون روایت مربوط به این دعاها را معتبر نمی‌دانم، متعرض تقدیم و تأخیر اصل دعاها و عبارات آنها نشدم. کفعمی دعای روز بیست و هفتم را در روز بیست و نهم ذکر نموده و موافق مذهب شیعه خواندن دعای روز بیست و هفتم در روز بیست و سوم دور نیست که مناسب‌تر باشد.

فصل چهارم: اعمال ماه شوال

شب اول: یکی از شبهای شریف است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیاری وارد شده، از جمله در روایت آمده: آن شب کمتر از شب قدر نیست، و برای آن چند عمل مستحب است: اوّل: غسل کردن هنگامی که آفتاب غروب کرد. دوّم: شب‌زنده‌داری به نماز دعا و استغفار و درخواست از خدا و بیتوته [شب‌زنده‌داری] در مسجد. سوم: پس از نماز مغرب و عشا و نماز صبح و نماز عید بخواند:

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است، و خدای را سپاس، و سپاس خدای را بر آنچه ما را بدان هدایت کرد، و او را شکر بر آنچه به ما ارزانی داشت.

چهارم: چون نماز مغرب و نافله آن را خواند، دستها را به جانب آسمان بلند کند و بگوید:

ای صاحب نعمت و کرم، ای دارای جود، ای برگزیننده محمد و ای یاور او، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 389

بیمارز هر گناهی که شماره نمودی‌اش، و آن پیش تو در کتابی آشکار است. پس به سجده رود و در سجده صد مرتبه بگویی: «اتوب الی الله» [به سوی خدا می‌پویم] سپس هر حاجتی که دارد از خدا بخواهد، که بخواست خدا برآورده خواهد شد.

و در روایت شیخ آمده است که پس از نماز مغرب به سجده رود و بگوید:

ای صاحب قدرت، ای دارای عطا، ای برگزیننده محمد و ای یاور او، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر من بیمارز هر گناهی را که مرتکب شدم و آن را فراموش کردم، و آن گناه نزد تو در کتابی آشکار است. پس صد مرتبه بگوید:

اتوب الی الله پنجم: امام حسین علیه السلام را زیارت کند که فضیلت بسیار دارد، و زیارت مخصوص این شب در باب زیارات خواهد آمد [صفحه 690] ان شاء الله تعالی ششم: ده مرتبه ذکر «یا دائم الفضل» را که بیان آن در اعمال شب جمعه گذشت بگوید. [صفحه 56] هفتم: ده رکعت نمازی که در شب آخر ماه رمضان گذشت [صفحه 381] بجا آورد. هشتم: دو رکعت نماز بجا آورد، در رکعت اول پس از سوره «حمد» هزار مرتبه «توحید» و در رکعت دوم يك مرتبه بخواند، و پس از سلام سر به سجده گذارد و صد مرتبه بگوید: اتوب الی الله آنگاه بگوید: ای دارای نعمت و جود، ای صاحب بخشش و عطا، ای برگزیننده محمد (درود خدا بر او و خاندانش)، بر محمد و خاندانش درود فرست، و با من چنین و چنان کن.

و بجای «کذاو کذا» حاجات خود را بخواهد. در روایت آمده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این دو رکعت نماز را به این کیفیت بجا آورد، هر حاجت که از خدا بطلب، به یقین عطا فرماید، و اگر به شماره ریگهای بیابان گناه داشته باشد، خدا آنها را بیمارزد، در روایت دیگری بجای هزار مرتبه سوره «توحید» صد مرتبه وارد شده، لیکن این نماز را باید پس از نماز مغرب و نافله

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 390

آن بجا آورد. شیخ طوسی و سید ابن طاووس پس از پایان نماز این دعا را نقل کرده‌اند:

ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای مهربان، ای خدا، ای بخشنده، ای خدا، ای فرمانروا، ای خدا، ای پاك، ای خدا، ای سلام، ای خدا، ای ایمنی بخش، ای خدا، ای چیره گر، ای خدا، ای عزتمند، ای خدا، ای جبّار، ای خدا، ای بزرگمنش، ای خدا، ای آفریننده، ای خدا، ای پدیدآورنده، ای خدا، ای صورتگر، ای خدا، ای دانا، ای خدا، ای بزرگ، ای خدا، ای آگاه، ای خدا، ای کریم، ای خدا، ای بردبار، ای خدا، ای فرزانه، ای خدا، ای شنوا، ای خدا، ای بینا، ای خدا ای نزدیک، ای خدا، ای اجابت کننده، ای خدا، ای سخاوتمند، ای خدا، ای بزرگوار، ای خدا، ای نیرومند، ای خدا، ای وفادار ای خدا، ای سرپرست، ای خدا، ای داور، ای خدا، ای سریع، ای خدا، ای سخت گیر، ای خدا، ای مهربان، ای خدا، ای نگهبان، ای خدا، ای باشکوت، ای خدا، ای نگهدار، ای خدا، ای فراگیر، ای خدا، ای آقای آقایان ای خدا، ای آغاز، ای خدا، ای انجام، ای خدا، ای آشکار، ای خدا، ای نھان، ای خدا، ای فخرکننده، ای خدا، ای چیره، ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای دوست، ای خدا، ای نور، ای خدا، ای بالابرنده، ای خدا، ای بازدارنده، ای خدا، ای دفع کننده، ای خدا، ای گشاینده، ای خدا، ای بهره رسان، ای خدا، ای با شکوه، ای خدا، ای زیبا، ای خدا، ای گواه، ای خدا، ای شاهد، ای خدا، ای فریادرس، ای خدا ای حبیب، ای خدا، ای آفریننده، ای خدا، ای پاك کننده، ای خدا، ای پادشاه، ای خدا، ای نیرومند، ای خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 391

ای قبض کننده، ای خدا، ای گستراننده، ای خدا، ای زنده کننده، ای خدا، ای می‌راننده، ای خدا، ای برانگیزنده، ای
خدا ای وارث، ای خدا، ای عطابخش، ای خدا، ای فروزی ده، ای خدا، ای نعمت دهنده، ای خدا، ای حق، ای حقدار،
ای ای آشکار، ای خدا، ای پاکیزه، ای خدا، ای نیکوکار، ای خدا، ای زیباکار، ای آغازگر، ای خدا، ای بازآور، ای
خدا، ای پدیدآور، ای خدا، ای نوآفرین، ای خدا، ای هدایتگر، ای خدا، ای کفایت کننده، ای خدا ای شفا بخش، ای
خدا، ای بلند پایه، ای خدا، ای بزرگ، ای خدا، ای مهربان، ای خدا، ای نعمت بخش، ای خدا، ای عطابخش، ای خدا،
ای برتر، ای خدا، ای دادگر، ای خدا، ای صاحب مراتب بلند، ای خدا، ای راستگو ای خدا، ای راستی پیشه، ای خدا،
ای جزا دهنده، ای خدا، ای پایدار، ای خدا، ای نگهدار، ای خدا، ای صاحب بزرگی ای خدا، ای دارای بزرگواری، ای
خدا، ای پسندیده، ای خدا، ای پرستیده، ای خدا، ای سازنده، ای خدا، ای یاری ده، ای خدا، ای پدید آورنده، ای
خدا، ای پرکار، ای خدا، ای لطیف، ای خدا، ای آمرزنده، ای خدا، ای سپاسگذار، ای خدا، ای نور، ای خدا، ای
توانا، ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، ای
پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، ای خدا، ای پروردگار، ای

پروردگار، ای خدا، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و به خشنودیات بر من منت نهی، و به بردباریات از من درگذری، و از روزی حلال پاکیزه‌ات به من بگستری، از جایی که گمان می‌برم،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 392

و از جایی که گمان نمی‌برم، من بنده توام و کسی را جز تو ندارم، و نه احدی غیر تو که از او گدایی کنم، ای مهربان‌ترین مهربانان، آنچه را خدا خواهد شود، نیروی نیست جز به خدای برتر بزرگ. سپس به سجده می‌روی و می‌گویی:

ای خدا، ای خدا، ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار، ای فرو فرستنده برکات، به عنایت تو هر حاجتی فرود آورده شود، از تو درخواست می‌کنم، به هر نامی که در خزانه غیب نزد توست، و نامهای مشهور در پیشگاهت، که بر سرپرده عرش نوشته شده، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و ماه رمضان را از من بپذیری و مرا در شمار واردان به خانه محترمت بنویسی، و از من گناهان را چشم‌پوشی، و گنجهای خود را برایم بیرون آوری، ای مهربان. **نهم:** چهارده رکعت نماز بجای آورد، در هر رکعت سوره «حمد» و آیه الکرسی و سه مرتبه سوره «توحید» را بخواند، تا در برابر هر رکعتی ثواب چهل سال عبادت و ثواب عبادت هرکه در آن ماه روزه گرفته، و نماز خوانده برای او باشد. **دهم:** شیخ طوسی در کتاب «مصباح» فرموده که در آخر شب غسل بجای آر، و تا طلوع فجر در جای نماز خود بنشین.

روز اول: روز عید فطر است، و اعمال آن چند چیز است: **اول:** پس از نماز صبح و نماز عید، تکبیراتی که در شب عید پس از نماز فريضة می‌خواندی، بخوان. **دوم:** پس از نماز صبح دعایی را که سید روایت کرده: «اللهم انی توجّهت الیک بمحمد امامی» بخوان، و شیخ خواندن این دعا را پس از نماز عید ذکر کرده. **سوم:** کنار گذاشتن زکات فطر پیش از نماز عید، به شرحی که در کتابهای فقهی آمده. بدان که زکات فطر، واجب مؤکّد، و شرط قبولی روزه ماه رمضان و سبب حفظ انسان تا سال آینده است، و حق تعالی در این آیه شریفه: «قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی» زکات را مقدّم بر نماز ذکر فرموده. **چهارم:** غسل است، و بهتر آن است اگر ممکن شود آن را در نحر انجام دهند، و وقت آن پس از طلوع فجر است تا زمان بجا آوردن نماز عید، چنان که شیخ فرموده و در روایتی آمده است که غسل را در زیر سقف پوشیده بجا آور،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 393

و چون خواستی غسل کنی بگو:

خدایا تنها برای ایمان به تو، و تصدیق به کتاب تو، و پیروی از روش پیامبر تو محمد درود خدا بر او و خاندانش باد آنگاه «بسم الله» بگو و غسل را بجای آر، و هنگامی که از غسل فارغ شدی بگو:

خدای این غسل را کفاره گناهانم قرار ده، و دینم را پاک کن، خدایا هر آلودگی را از من برطرف فرما.

پنجم: پوشیدن جامه نیکو، و بکار بردن بوی خوش، رفتن به صحرا برای بجا آوردن نماز عید در زیر آسمان در غیر شهر خوردن مقدار کمی از تربت سید الشهداء علیه السلام که از هر دردی شفاست مستحب است.

هفتم: چون برای رفتن به نماز عید آماده شدی، بیرون برو مگر پس از طلوع آفتاب، و بخوان دعاهایی را که سید ابن طاووس در کتاب «اقبال» نقل کرده از جمله ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که هنگامی که برای نماز عید فطر و قربان و جمعه آماده بیرون رفتن شدی، این دعا را بخوان:

خدایا هرکس در این روز آماده شد یا نیت کرد، یا مهیا و مستعد شد، برای ورود به درگاه یکی از بندگان به امید جایزه‌ها و صله‌ها و بهره‌ها و عطاها، ولی ای آقای من آماده شدن و قصد کردن و مهیا و مستعد شدن من تنها به جانب توست به امید جایزه‌ها و صله‌ها و بهره‌ها و عطاها، اینک صبح کردم در عیدی از اعیاد امت پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش)، درحالی که به عمل صالحی که به آن اطمینان کنم، و آن را پیش آورده باشم بر تو وارد نشدم، و به مخلوقی که آرزومندش باشم رو نکردم، بلکه در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 394

حال فروتنی تنها به جانب تو آمده‌ام به گناه و بدی نسبت به خویش اعتراف دارم، پس ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، گناهان بزرگم را ببامرز، که گناهان بزرگ را جز تو نیامرز، ای که معبودی جز تو نیست، ای مهربان‌ترین مهربانان.

هشتم: خواندن نماز عید است، و آن دو رکعت است: در رکعت اول سوره‌های «حمد» و «اعلی» و پس از سوره «حمد» و «اعلی» پنج تکبیر بگوید، و بعد از هر تکبیری دست به قنوت بردارد، و بگوید:

خدای ای اهل بزرگی و عظمت، و ای اهل جود و سلطنت، و اهل گذشت و رحمت، و اهل تقوا و مغفرت، از تو درخواست می‌کنم به حق این روز که برای مسلمانان عید قرار دادی، و برای محمد صلی الله علیه و آله ذخیره و فزونی در شرف، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا در هر خیری که محمد و خاندان محمد را وارد نمودی وارد کنی، و از هر شری که محمد و خاندان محمد (درود خدا بر او و خاندانش) را بیرون آوردی مرا بیرون آوری، خدایا از تو درخواست

می‌کنم، بهترین چیزی که بندگان شایسته‌ات درخواست کردند، و به تو پناه می‌آورم از آنچه بندگان شایسته‌ات به تو پناه بردند. پس تکبیر ششم بگویند و به رکوع رود، و پس از رکوع و سجود برای رکعت دوم قیام کند، و پس از سوره «حمد» سوره «شمس» را بخواند، سپس چهار تکبیر بگویند، و پس از هر تکبیری دست به قنوت بردارد، و همان دعا را بخواند، چون فارغ شد پنجمین تکبیر را گفته و به رکوع رود، و نماز را به پایان برساند، و پس از سلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بجا آورد. پس از نماز عید دعایهای بسیاری

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 395

وارد شده که شاید بهترین آنها دعای چهل و ششم صحیفه کامله سجاده باشد. مستحب است نماز عید زیر آسمان و روی زمین بدون فرش واقع شود، و از جایگاه نماز، از غیر آن راهی که به نماز آمده بود بازگردد، و برای قبول شدن اعمال برای برادران دینی خود دعا کند. نهم: حضرت سید الشهداء علیه السلام را زیارت کند. دهم: دعای «ندبه» را بخواند که ان شاء الله تعالی بعد از این بیاید، و سید ابن طاووس فرموده که چون از دعا فارغ شود، به سجده رود و بگوید:

به تو پناه می‌آورم از آتشی که حرارتش خاموش نمی‌شود، و تازهاش کهنه نمی‌گردد، و تشنه‌اش سیراب نمی‌شود.

پس گونه راست را بر زمین گذارد و بگوید: خدایا رخسارم را پس از سجده، و به خاک مالیدن آن برای تو در آتش زیرو رو مکن، که من در این کار بر تو منت ندارم، بلکه تنها تو را بر منت است سپس گونه چپ را بر زمین گذارد و بگوید:

رحم کن بر کسی که بد کرده، و مرتکب گناه شده و بیچاره گشته و اعتراف نموده است. آنگاه به حال سجده برگردد و بگوید: اگر من بنده بدی بودم، تو پروردگار خوبی هستی، گناه از بنده‌ات بزرگ شده، شایسته است گذشت از جانب تو نیکو باشد ای کریم پس صد مرتبه بگوید: ببخش ببخش آنگاه سید فرموده: امروزت را به بازی و اهمال کاری سپری مکن، درحالی که نمی‌دانی، آیا از نظر اعمال مردودی، یا پذیرفته؟ اگر امید پذیرفته شدن داری، آن را با سپاس زیبا تلاقی کن، و اگر از مردود شدن در هراسی، پس دچار اندوه طولانی باش روز بیست و پنجم: در سال صد و چهل و هشت به گفته بعضی، شهادت امام صادق علیه السلام واقع شده، و برخی روز شهادت را نیمه رجب گفته‌اند، و علت شهادت آن حضرت، انگور زهرآلودی بوده که به حضرت خورانده شده، و روایت شده که چون زمان شهادت آن حضرت فرا رسید دیده‌های خود را گشود و فرمود: بستگان مرا گرد آورید، چون همه گرد آمدند به جانب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 396

ایشان نظر کرد و فرمود: شفاعت ما به کسی که نماز را سبک شمارد و به جایگاه آن اعتماد نکند نمی‌رسد.

فصل پنجم: اعمال ماه ذو القعدة

این ماه آغاز ماههای حرام است، که حق تعالی در قرآن مجید ذکر فرموده، و سید ابن طاووس روایتی نقل کرده که ذو القعدة به هنگام سختی شدیدگاه استجاب دعاست، و برای روز یکشنبه این ماه نمازی با فضیلت بسیار از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده: مختصر آن فضیلت این است که، هرکه آن را بجا آورد، توبه اش پذیرفته حق و گناهش آمرزیده می شود، و طلبکاران او در قیامت از وی راضی گردند، و با ایمان از دنیا برود، و ایمانش از او گرفته نشود و قبرش وسیع و نورانی گردد و پدر و مادرش از او راضی شوند، و آمرزش حق نصیب پدر و مادر و فرزندان و نژاد او گردد، و روزی او توسعه یابد و فرشته مرگ در وقت مردن با او مدارا کند، و جانش را به آسانی بستاند، و کیفیت آن نماز چنین است: روز یکشنبه غسل بجا آورد و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز بخواند، در هر رکعت سوره «حمد» را یک مرتبه و سوره «توحید» را سه مرتبه و سوره «فلق» را یک مرتبه و سوره «ناس» را یک مرتبه بخواند و پس از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند، و استغفار را با:

جنبش و نیروی جز به خدای والای بزرگ نیست ختم نماید، سپس بگوید:

ای توانا، ای آمرزنده، گناهان من و همه مردان و زنان مؤمن را بیامرز، که گناهان را جز تو کسی نمی آمرزد.

روایت شده هرکه در یکی از ماههای حرام سه روزی پی درپی که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بگیرد، ثواب نُهصد سال عبادت برای او نوشته شود. شیخ بزرگوار علی بن ابراهیم قمی فرموده در ماههای حرام گناهها و حسنات دوچندان می شود.

روز یازدهم: سال صد و چهل و هشت، ولادت با سعادت حضرت رضا علیه السلام واقع شده.

شب پانزدهم: شب مبارکی است، خدا بر بندگان مؤمن خو نظر رحمت می فرماید، و چنان که در روایت نبوی آمده، کسی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 397

که در این شب به طاعت حق مشغول باشد، برای او اجر صد نفر روزه داری است که ملازم مسجد بوده اند، آن هم روزه داری که خدا را به اندازه چشم برهم زدنی معصیت نکرده باشد، پس این شب را غنیمت بشمار، و خود را به طاعت و

عبادت و نماز و درخواست حاجات از خدا مشغول کن، روایت شده هرکه در این شب حاجتی از خدا بخواهد حتما به او عطا خواهد شد.

روز بیست و سوم: سال دویست و سه به قولی شهادت حضرت رضا علیه السلام واقع شده و زیارت آن حضرت از نزدیک و دور مستحب است.

سید ابن طاووس در کتاب «اقبال» گفت که در بعضی از کتابهای علمای شیعه غیر عرب (رضوان الله علیهم) دیدم که مستحب است مولایمان حضرت رضا (درود خدا بر او) در روز بیست و سوم از ماه ذی القعدة از نزدیک و دور زیارت شود، به بعضی از زیارت‌های معروف، یا به آنچه که همانند زیارت باشد از روایاتی که در این باب رسیده است.

شب بیست و پنجم: شب دحو الارض است، یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه به روی آب، و از شبهای بسیار شریف است که رحمت خدا در آن نازل می‌شود، و قیام به عبادت در آن اجر بسیار دارد، و از حسن بن علی و ثناء روایت شده که گفته: من کودک بودم که با پدرم در شب بیست و پنجم ماه ذو القعدة، در خدمت حضرت رضا علیه السلام شام خوردم، حضرت فرمود امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علیهما السلام متولد شده‌اند، و زمین از زیر کعبه پهن شده، پس هرکه روزش را روزه بدارد، چنان است که شصت ماه روزه داشته باشد، و در روایت دیگر است که فرمود: در این روز حضرت قائم (عج) قیام خواهد کرد.

روز بیست و پنجم: روز دحو الارض است، یکی از آن چهار روزی است، که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است، و در روایتی آمده: که روزه این روز همانند روزه هفتاد سال است و در روایت دیگر آمده که کفاره هفتاد سال است، و هرکه این روز را روزه بدارد، و شب را به عبادت به سر آورد، برای او عبادت صد سال نوشته شود و برای روزه‌دار این روز، که هرچه در میان زمین و آسمان است استغفار کند، و این روزی است که رحمت خدا در آن منتشر شده، و برای عبادت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 398

و اجتماع به ذکر خدا در این روز اجر بسیاری است، و باری این روز جز روزه و عبادت و ذکر خدا و غسل دو عمل دیگر وارد است:

اول: نمازی که در کتابهای علمای شیعه از اهل قلم روایت شده و آن دو رکعت است در وقت چاشت [بالا آمدن آفتاب تا پیش از گذشتن از وقت ظهر] در هر رکعت پس از سوره «حمد» پنج مرتبه سوره «و الشمس» خوانده شود، و پس از سلام بگوید، هیچ جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای برتر بزرگ آنگاه دعا کند و بخواند: ای نادیده گیر لغزشها لغزشم

را نادیده گیر، ای اجابت کننده دعاها، دعایم را اجابت کن، ای شنوای صداها، صدایم را بشنو، و به من رحم کن، و از بدیهایم و آنچه نزد من است درگذر، ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

دوم: خواندن دعایی که شیخ در کتاب «مصباح» فرموده: خواندن آن مستحب است:

خدایا ای گستراننده کعبه، و شکافنده دانه، و برگزیده سختی، و برطرف کننده هر گرفتاری، از تو می‌خواهم در این روز از روزهایت، که حقش را بزرگ گرداندی، و سبقتش را پیش انداختی، و آن را نزد اهل ایمان امانت و و به سوی خود وسیله قرار دادی، و به رحمت گسترده‌ات که بر محمد درود فرستی آن بنده برگزیده‌ات در پیمان نزدیک، روز دیدار، شکافنده هر امر بسته، و دعوت کننده به حق، و بر اهل بیت پاکش آن راهنمایان، و روشن کنندگان راه حق، ستونهای جبار، و متولیان بهشت و دوزخ، و عطا کن به ما از عطای در خزانه‌ات که نه بریده شود، و نه منع گردد، تا به وسیله آن توبه، و بازگشت خوبی برای ما فراهم نمایی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 399

ای بهترین خواننده شده و کریم‌ترین امید شده، ای کفایت کننده، ای وفادار، ای آن که لطفش پنهانی است، به لطفت به من لطف کن، و به عفوت خوشبختم نما، و به یاری‌ات تأییدم فرما، و از ذکر کریمانه‌ات فراموشم مکن به حق متولیان امرت و نگهبانان رازت و از گرفتاریهای روزگار تا روز قیامت و برانگیخته شدن خفظم کن هنگام بیرون آمدن جانم، و فرو رفتن در قبرم، و تمام شدن کارم، و سپری شدن عمرم، اولیایت را به بالینم حاضر کن، خدایا یادم کن، بر طول پوسیدگی، زمانی که در میان توده‌های خاک فرود آیم، و فراموش کنندگان از مردم فراموشم کنند، و در خانه اقامت فرودم آر، و در منزل کرامت جابم ده، و از دوستان اولیایت، و برگزیدگان و خاصان درگاهت قرارم ده، و دیدارت را بر من مبارك گردان، و پیش از فرا رسیدن پایان عمرم حسن عمل روزی‌ام فرما، درحالی که پاک از لغزشها و گفتار بی‌پایه و منطقی تباه باشم. خدایا مرا به حوض پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) وارد کن، و از آن به من بنوشان، نوشاندنی سیراب کننده، روان و گوارا، که پس از آن هرگز تشنه نشوم، و از ورود به آن طرد نگردم، و از آن منع نشوم، و آن را قرار ده برایم بهترین توشه، و کاملترین وعده‌گا، روزی که گواهان بپا می‌خیزند. خدایا لعنت کن گردنکشان گذشته و آینده را، هم آنان که حقوق اولیایت را به ناحق به خود اختصاص دادند. خدایا پایه‌هایشان را بشکن، و پیروان و عمالشان را نابود ساز، زمیه‌های هلاکتشان را به زودی فراهم فرما، و کشورهایشان را از دستشان بگیر، و راههایشان را بر آنان تنگ کن،

و بر آنان که با آنان سهمیم و شریکند لعنت فرست. خدایا در فرج دوستان شتاب کن و حقوق تاراج رفته آنان را به آنان بازگردان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 400

و قائم آنان را به حق آشکار کن، و او را یاری رسان دینت بدار، و درباره دشمنانت فرمانده به فرمانت قرار ده. خدایا فرشتگان پیروزی را گرداگرد او همواره بدار، و به آن دستوری که در شب قدر به او القا کردی او را انتقام گیرنده خویش قرار ده، تا جایی که خشنود شوی، و دینت به وسیله او، و به دست او به گونه ای نو و تازه بازگردد، و حق به طور کامل ناب شود، و باطل به صورت همه جانبه به دور افکنده شود. خدایا بر او و همه پدران و درود فرست، و ما را از همنشینان و خاندانش قرار بده، و در زمان بازگشتش ما را برانگیز، تا در دوران او در شمار یارانش باشیم. خدایا درك قیامش را روزی ما کن، و در روزگارش ما را حاضر کن، و بر او درود فرست، و سلام او را به ما باز رسان، درود و رحمت خدا و برکاتش بر او باد. میرداماد (ره) در رساله اربعه ایام خود، در بیان اعمال روز دحو الارض فرموده است: زیارت امام رضا علیه السلام در این روز افضل اعمال مستحبّ، و مؤکدترین آداب می باشد، و همچنین زیارت آن حضرت در روز اول ماه رجب الفرد در نهایت تأکید بوده، و نسبت به آن ترغیب بسیار شده است.

روز آخر ماه: سال دویست و بیست بنابر مشهور، امام جواد علیه السلام، در بغداد به سبب زهری که معتصم عباسی به ایشان خوراند شهید شد و این حادثه تقریباً پس از درگذشت دوسال و نیم از مرگ مأمون عباسی اتفاق افتاد، چنان که خود آن جناب می فرمود الفرج بعد المأمون بثلاثین شهراً [گشایش کار سی ماه پس از مأمون است] و این جمله نشان دهنده این است که آن حضرت از سوء معاشرت مأمون در کمال رنج و ناراحتی بوده است، که مرگ خود را فرج و گشایش تعبیر نموده است، چنان که پدر بزرگوارشان امام رضا علیه السلام، در زمان ولایت عدی خویش چنین بوده است و در هر جمعه که از مسجد جامع باز می گشت، به همان حال که عرق ریزان و غبارآلوده بود، دستها را به درگاه الهی بلند نموده و می گفت: الهی اگر فرج و گشایش کار من در مرگ من است پس همین ساعت در مرگ من شتاب ورز و پیوسته در غم و اندوه بود، تا از دنیا رحلت فرمود، و امام جواد علیه السلام زمانی که وفات

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 401

کرد از عمر شریفش بیست و چند سال و چند ماه گذشته بود، مرقد شریف ایشان در بقعه مبارکه کاظمیه در پشت سر جحد بزرگوارشان امام موسی بن جعفر علیهما السلام قرار دارد.

فصل ششم: اعمال ماه ذو الحجه

این ماه از ماههای بسیار شریف است که چون فرا می‌رسید، نیکان صحابه پیامبر و تابعین، اهتمام شدیدی در عبادت اظهار می‌داشتند، دهه اول آن «ایام معلومات است» که در قرآن مجید ذکر شده، و در نهایت فضیلت و برکت است، و از رسول خدا صلی الله و علیه و آله روایت شده است که در هیچ ایامی کار نیک و عبادت نزد خدا، محبوب‌تر و پسندیده‌تر از این دهه نیست و برای این دهه اعمال خاصی است از این قبیل:

اول: روزه گرفتن نه روز اول این دهه که ثواب روزه تمام عمر را داراست. دوم: خواندن دو رکعت نماز، بین مغرب و عشا در تمام شبهای این دهه که در هر رکعت پس از سوره «حمد» يك مرتبه سوره «توحید» و آیه: با موسی سی شب وعده کردیم، و آن را با ده شب دیگر کامل نمودیم، در نتیجه میقات پروردگارش به چهل شب اتمام یافت و موسی به برادرش هارون گفت: در میان قوم من جانشینم باش، و اصلاح کن، و راه اهل فساد را پیروی مکن.

را بخواند تا با ثواب حاجیان شریک گردد.

سوم: از روز اول تا عصر روز عرفه به دنبال نماز صبح و پیش از مغرب این دعا را که شیخ مفید و سیّد از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند بخواند:

خدایا این روزها روزهایی است، که بر سایر روزها برتری و شرافت دادی و به لطف و رحمت مرا به آنها رساندی، برکات را بر ما فرو فرست، و از نعمتهایت در این روزها بر ما وسعت ده. خدایا از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و ما را در این روزها به راه هدایت و پاکدامنی و بی‌نیازی و عمل در آنها به آنچه می‌پسندی و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 402

خشنود می‌شود هدایت فرمایی، خدایا از تو درخواست می‌کنم، ای جایگاه هر شکوایه، و ای شنوای هر رازنیز، و ای حاضر در هر جمع، و ای دانای هر نمان، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و در این روزها بلا را از ما برگردانی، و دعایمان را مستجاب گردانی، و نیرویمان دهی و یاری‌مان نمایی، و به آنچه ای پروردگار ما دوست داری و خشنود می‌شود مؤفقمان بداری، و بر اموری که از طاعتت و طاعت رسولت و اهل ولایت بر ما واجب نمودی توفیقمان دهی. خدایا از تو درخواست می‌کنم ای مهربان‌ترین مهربانان، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و خشنودی خود را در این روزها

به ما ارزانی کنی، که به یقین تو شنوای دعایی، و از خیری که در این ایام از عالم بالا نازل می کنی، ما را محروم مساز و از گناهان ما را پاک ساز، ای دانای نمانها، و در این روزها خانه جاودان را بر ما واجب گردان. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و گناهی را برای ما باقی بگذار جز آنکه ببخشی، و نه اندوهی جز آنکه برطرف کنی، و نه بدهی جز آنکه بپردازی، و نه غایبی جز آنکه به ما برسانی، و نه حاجتی از حاجات دنیا و آخرت جز آنکه هموار و آسان نمایی، به یقین تو بر هرچیز توانایی. خدایا ای دانای نمان، ای رحم کننده به اشکهای روان، ای اجابت کننده دعاها، ای پروردگار زمینها و آسمانها، ای آن که صداها بر او اشتباه نشود، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ما را در این روزها از آزادشدگان و رهاگشتگان از آتش، و رسیدگان به بهشت، و از نجات یافتگان قرار ده به مهربانیات ای مهربانترین مهربانان، و درود خدا بر آقایان محمد و همه اهل بیتش.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 403

چهارم: در هر روز از این دهه بخواند پنج دعایی را که حضرت جبریل برای حضرت عیسی علیه السلام از جانب خدا هدیه آورد، تا در این ایام بخواند، و آن پنج دعا این است:

(1) گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، فرمانروایی و سپاس برای اوست، خیر تنها به دست اوست و او بر هرچیز تواناست (2) گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، یکتا و بی نیاز است همسر و فرزندی نگرفته است. (3) گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، یکتا و بی نیاز است نه زاده و نه زائیده شده است، و برایش هیچ همتایی نیست. (4) گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، فرمانروایی و سپاس برای اوست، زنده می کند و می میراند و اوست زنده ای که نمی میرد، خیر تنها به دست اوست، و او بر هرچیز تواناست. (5) خدا مرا بس است و کفایت می کند، خدا گوش فرا دهد برای آن که او را بخواند، و رای خدا نهایی نیست، گواهی می دهم برای خدا به آنچه دعوت کرد، و خدا بیزار است از هرکه از او بیزای جوید، و آخرت و دنیا از ان خداست. حضرت عیسی (ع) برای صد مرتبه خواند هر کدام از این دعاها، ثواب بسیاری بیان کرده است و این امر بعید به نظر نمی رسد، چنان که علامه مجلسی فرموده: اگر کسی هر روز هر یک از این دعاها را ده مرتبه بخواند به روایت عمل کرده، ولی اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر است.

پنجم: در هر روز این دهه این تهلیلات را که از امیر المؤمنین علیه السلام با ثواب بسیار روایت شده بخواند. و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است: معبودی جز خدا نیست به شمار شبها و روزگاران، معبودی جز خدا نیست به شمار امواج دریاها، معبودی جز خدا نیست، و رحمت او از آنچه گرد می آورند بهتر است، معبودی جز خدا نیست،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 404

به شمار خارها و درختان، معبودی جز خدا نیست به شمار موها و کرکها، معبودی جز خدا نیست به شمار سنگها و کلوخها، معبودی جز خدا نیست به شمار بهم خوردن پلکها، معبودی جز خدا نیست در شب چون سیاهی بنماید و در صبح چون سپیدی سر برآورد، معبودی جز خدا نیست به شمار بادها در صحراها و کوهها، معبودی جز خدا نیست از امروز تا روز دمیده شدن در صور.

روز اوّل: روز بسیار مبارکی است و در آن چند عمل وارد است. اوّل: روزه که ثواب روزه هشتاد ماه را دارد. دوّم: خواندن نماز حضرت فاطمه علیها السّلام، شیخ فرمود: روایت شده: این نماز چهار رکعت است با دو سلام، مانند نماز امیر المؤمنین علیه السّلام که در هر رکعت سوره «حمد» يك مرتبه و سوره توحید پنجاه مرتبه خوانده می شود و پس از سلام تسبیحات آن حضرت را گفته، سپس بخواند:

منّزه است آن داری عزّت بلندمرتبه شریف، منّزه است آن دارای عظمت بسیار با شکوه بزرگ، منّزه است آن دارای فرمانروایی گرانمایه ازلی، منّزه است آن که جای پای مورچه را بر سنگ صاف بیند، منّزه است آن که چگونگی گذر پرنده را در هوا بیند، منّزه است آن که او چنین است، و جز او چنین نیست.

سوّم: دو رکعت نماز نیم ساعت پیش از رسیدن آفتاب به هنگام ظهر بخواند، در هر رکعت سوره «حمد» يك مرتبه و هر يك از «توحید» و «آیه الکرسی» و «قدر» را ده مرتبه بخواند. چهارم: هرکه از ستمگری وحشت دارد، در این روز بگوید:

مرا کافی است، مرا کافی است، مرا کافی است، آگاهی تو به عالم از درخواست من. تا خدا شرّ ستمکار را از او کفایت کند، و بدان که در این روز حضرت ابراهیم خلیل علیه السّلام متولّد شده است، و نیز در این روز به روایت شیخ کلینی و شیخ طوسی، حضرت فاطم علیها السّلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 405

به امیر المؤمنین علیه السّلام تزویج شده. روز هفتم: سال صدوچهارده شهادت امام باقر علیه السّلام در مدینه اتفاق افتاده و به این سبب روز حزن شیعه است.

روز هشتم: روز ترویبه است و روزه‌اش فضیلت بسیار دارد و روایت شده: روزه این روز کفاره شصت سال است، و شیخ شهید غسل این روز را مستحب دانسته. شب نهم: از شبهای پر برکت و شب مناجات با خدا برآورنده حاجات است و توبه در آن شب پذیرفته و دعا در آن مستجاب است و کسی که آن شب را به عبادت به سر آورد، اجر صدو هفتاد سال عبادت را دارد، و برای آن شب چند عمل است:

اول: این دعا را که روایت شده هر که آن را در شب عرفه یا شبهای جمعه بخواند، خدا او را بیامزد:

خدایا ای آگاه از هر گفت‌وگوی پنهان، و جایگاه هر شکایت، و دانای هر نمان، و نهایت هر حاجت، ای آغازگر نعمتها بر بندگان، ای بزرگوار گذشت، ای نیکو درگذشت، ای بخشنده، ای که چیزی را از او نپوشاند نه شب تار، نه دریای پر موج، نه آسمان دارای برجها، و نه تاریکیهای درهم پیچیده‌ای آن که تاریکی نزد او روشنایی است، از تو می‌خواهم به حق نور جلوه پرشکوهت که به آن بر کوه تجلی کردی، و کوه را با خاک همسان ساختی، و موسی مدهوش بر زمین افتاد، به حق نامت که با آن آسمانها را بی‌ستون برافراشتی، و زمین را بر روی آب منجمد بگستریدی، و به حق نام مخزون، پوشیده، نوشته شده پاکیزه‌ات، که چون با آن خوانده شوی، پاسخ دهی، و چون با آن درخواست شوی عطا کنی، و به حق نام منزه و مقدس و برهانت که آن نوری است بر فراز هر نور، و نوری است برآمده از نور، از آن روشنی می‌گیرد هر نور، چون به زمین شکافته شود، و چون به آسمانها رسد گشوده گردد، و چون به عرش رسد، عرش به اهتزاز آید، و به حق نامت که از آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 406

اندام فرشتگان به لرزه آید، و از تو درخواست می‌کنم به حق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، به حق محمد پیامبر برگزیده، درود خدا بر او و خاندانش و بر همه پیامبران و همه فرشتگان، و به حق نامی که به وسیله آن خضر بر روی امواج دریا ره سپرد، چنان که بر روی زمین سخت راه رفت، و به حق نامت که دریا را به آن برای موسی شکافتی، و فرعون و قومش را در آن غرق نمودی، و به وسیله آن موسی بن عمران و همراهانش را نجات دادی، و به حق نامت که موسی بن عمران از ناحیه طور ایمن تو را به آن خواند، پس او را اجابت فرمودی، و از جانب خود بر دلش محبت انداختی، و به حق نامت که به آن عیسی بن مریم مردگان را زنده کرد، و درحالی کودکی در گهواره سخن گفت، و کور مادرزاد و مبتلای به بیماری پیسی را به اذن تو شفا داد، و به حق نامت که حاملان عرش تو را به آن خواندند، و جبرئیل، و میکائیل، و اسرافیل و محبوبت محمد [درود خدا بر او و خاندانش باد] و فرشتگان درگاهت، و پیامبران مرسل، و بندگان شایسته‌ات، از اهل آسمانها و زمین، و به حق نامت که ذوالنون [حضرت یونس (ع)] تو را به آن خواند، در آن زمان که خشمناک رفت، و

گمان کرد که بر او سخت نگیری، پس در میان تاریکیها فریاد برآورد که معبودی جز تو نیست، منزهی تو، من از ستمکاران بودم، پس دعایش را اجابت کردی، و او را از اندوه رهانیدی و اینچنین مردم با ایمان را نجات می‌دهی، و به حق نام بزرگت که داود تو را به آن خواند، و در برابرت بر سجده افتاد، در نتیجه گناهش را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 407

آمرزیدی، و به حق نامت که آسیه همسر فرعون تو را به آن خواند آنگاه که گفت: پروردگارا برای من نزد خود در بهشت خانه‌ای بنا کن، و از فرعون و عملش نجات ده، و مرا از چنگ ستمکاران خلاص کن، پس دعایش را مستجاب کردی، و به حق نامت که ایوب تو را به آن خواند، زمانی که بلا بر او فرود آمد، پس به او عافیت بخشیدی، و اهلش را و مانند آنها را به همراه آنان، از روی رحمت از نزد خود به پیش او بازگرداندی، و این را یادآوری برای بندگان نهادی، و به حق نامت که یعقوب تو تو را به آن خواند، پس بینایی و نور دیده‌اش یوسف، را به او بازگرداندی، و پریشانی‌اش را سرو سامان بخشیدی، و به حق نامت که سلیمان تو را به آن خواند، پس به او سلطنتی دادی که برای هیچکس پس از او شایسته نبود، همانا تو بسیار بخشنده‌ای، و به حق نامت که به آن براق را برای محمد درود خدا بر او و خاندانش مسخر ساختی، آنجا که خدای تعالی فرمود: منزّه است خدایی که بنده‌اش را شبانه از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی راه برد، و گفتار خدا: منزّه است خدایی که این مرکب را برای ما مسخر کرد، وگرنه قدرت تسخیرش را نداشتیم و ما به جانب پروردگارمان باز می‌گردیم، و به حق نامت که به وسیله آن جبرائیل بر محمد (درود خدا بر او و خاندانش) نازل می‌شد، و به حق نامت که آدم تو را به آن خواند، پس گناهش را آمرزیدی، و در بهشت جای دادی، و از تو درخواست می‌کنم به حق قرآن بزرگ، و به حق محمد خاتم پیامبران، و به حق ابراهیم، و به حق جدا کردن حق و باطل را در روز داوری، و به حق ترازوها زمانی که نصب شوند و نامه‌ها وقتی که گشوده شوند، و به حق قلم و آنچه نوشت، و لوح و آنچه شمرد، و به حق اسمی که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 408

بر سرآورده عرش نوشتی، به دوهزار سال پیش از آنکه مخلوقات، و دنیا، و آفتاب، و ماه به دست قدرتت آفریده شوند، و گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است، و همانا محمد بنده و فرستاده اوست، و از تو درخواست می‌کنم به حق آن نامت که در میان گنجینه‌ای از گنجینه‌های توست، نامی که در علم غیب نزد خود خاص

خویش نمودی، نامی که هیچیک از آفریدگانت بر آن آگاه نشد، نه فرشته مقربّی، و نه پیامبر فرستاده‌ای، و نه بنده برگزیده‌ای و از تو درخواست می‌کنم به حق نامت، که دریاها را با آن شکافتی، و کوهها را با آن برپا ساختی، و شب‌وروز با آن در رفت و آمد شد، و به حق سوره «حمد»، و قرآن بزرگ، و به حق نویسندگان بزرگوارت، و به حق سوره‌های «طه» «یس»، و «کهيعص» و «جمعسق»، و بحق تورات موسی، و انجیل عیسی، و زبور داود، و فرقان محمد درود خدا بر او و خاندانش و بر همه رسولان و به حق باهیّ و شراهیّ [دو نام اعظم، یادوراز، یا دو تن از اولیای الهی]، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق آن راز و نیازی که میان تو و موسی بن عمران بر فراز کوه طور سینا انجام گرفت، و از تو می‌خواهم به حق نامی که برای گرفتن جانها به ملك الموت آموختی 7 و از تو می‌خواهم به حق نامی که بر برگ زیتون نوشته شد، و آتش در برابر آن برگ فروتن گشت، پس گفتی: ای آتش سرد سرد و سلامت باش، و از تو می‌خواهم به حق نامی که آن را بر سراپرده بزرگواری و کرامت نوشتی، ای که خواننده‌ای بازش ندارد، و عطا از خزانه‌هایش نکاهد، ای آن که از او فریادرسی شود، و از او پناه جویند، از تو درخواست می‌کنم به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 409

جایگاه عزّت از عرشت، و حدّ نهای رحمت از کتابت، و اسم اعظمت، و شأن برترت، و کلمات کامل والایت، خدایا ای پروردگار باده‌ها و آنچه پراکنده کردند، و ای پروردگار آسمان و آنچه بر آن سایه افکند، و ای پروردگار زمین و آنچه را با خود برداشت، و ای پروردگار شیاطین و هرکه را گمراه گردند، و ای پروردگار دریاها و آنچه روان شد، و به حق هر حقی که آن بر تو حق است، و به حق فرشتگان درگاهت، و روحانیان و کروبیان، و آنان که شب و روز بدون اینکه سستی ورزند برایت تسبیح می‌گویند، و به حق ابراهیم خلیلت، و به حق هر دوستی که میان صفا و مروه تو را می‌خواند، و تو دعایش را اجابت می‌کنی، ای اجابت کننده، از تو درخواست می‌کنم به حق این نامها، و به حق این دعاها، که ما را بیامرزی از گناهانی که پیش از این انجام دادم، و از این پس انجام می‌دهیم، و آنچه پنهان و آنچه آشکار کردم، و آنچه ظاهر نموده و آنچه نهان ساختیم، و آنچه را تو از ما به آن آگاه‌تری، همانا تو بر هرچیز توانایی، به مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان.

ای نگهدار هر غریب، ای مونس هر تنها، ای نیروی هر ناتوان، ای یار هر ستم‌دیده، ای روزی‌بخش هر محروم، ای همدم هر هراسان، ای همراه هر مسافر، ای تکیه‌گاه هر حاضر، ای آمرزنده هر گناه و خطا، ای فریادرس فریادکنان، ای دادرس

دادخواهان، ای برطرف ساز اندوه اندوهگینان، ای غمگسار غمزدگان، ای پدید آورنده آسمانها و زمینها، ای نهایت هدف جویندگان، ای اجابت کننده دعای بیچارگان، ای مهربانترین مهربانان، ای پروردگار جهانیان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 410

ای پاداش دهنده روز پاداش، ای بخشندهترین بخشنندگان، ای کریمترین کریمان، ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینایان، ای تواناترین توانایان، بر من بیامرز گناهانی که نعمتها را تغییر می دهد، و گناهانی که پشیمانی به بار می آورد، و گناهانی که باعث بیماریها می شود، و گناهانی که پرده های حرمت حرمت را می درد، و گناهانی که دعا را پس می زند، و گناهانی که باران آسمان را نگاه می دارد، و گناهانی که نابودی را به شتاب می رساند، و گناهانی که بدبختی می آورد، و گناهانی که هوا را تیره می کند، و گناهانی که پرده حیا را بالا میزند، و گناهانی که جز تو کسی آنها را نمی آمرزد، ای خدا، و هر حقی که از یکی از بندگان به دوش من است بردار، و برای من در کارم گشایش و راه چاره و آسانی قرار ده، و یقینت را در سینه ام و امیدت را در دلم فرود آر، تا به غیر تو امید نبندم. خدایا نگاهم دار 7 و در جایگاهم عافیت ده، و همراه من باش، در شب و در روز، و از پیش رو و پشت سر، و از راست و چپ، و از بالا و زیر پا، و راه را بر من هموار ساز، و سهولت امر را برایم نیکو گردان، و در دشواری خوارم مکن، و مرا راهنما باش ای بهترین راهنما، و در کارها مرا به خود وامگذار، و هرگونه دلخوشی را به دلم انداز 7 و مرا با رستگاری و سربلندی به خانواده ام بازگردان، آراسته به شادکامی، در دنیا و آخرت، همانا تو بر هرچیز توانایی، و از فضلت نصیبم کن،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 411

و از روزیهای پاکیزهات بر من وسعت ده، و در طاعت به کار گیر، و از عذاب و آتشت پناهم ده، و زمانی که مرا از دنیا بردی از روی رحمت به بهشتت وارد کن. خدایا به تو پناه می آورم از زوال نعمتت، و از تغییر عافیتت، و از فرود آمدن انتقامت، و از نزول عذابت، و به تو پناه می آورم از سختی بلا، و افتادن در بدبختی، و از بدی سرنوشت و سرزنش دشمنان، و از شر آنچه از آسمان می رسد، و از شر آنچه در کتاب نازل شده است شرّ قلمداد کردی. خدایا مرا از اشرار و از اهل آتش قرار مده، و از همنشینی نیکان محروم مگردان، و به زندگی پاکیزه زنده ام بدار 7 و به مرگ پاکیزه بمیران، به نیکان پیوندم ده، همنشینی با پیامبران را نصیب فرما، همنشینی در جایگاه صدق، نزد فرمانروایی نیرومند. خدایا تو را سپاس بر نیکی آزمایش و رفتارت، و تو را سپاس بر اسلام و پیروی روش پیامبر، پروردگارا، چنان که اینان را به دینت هدایت فرمودی، و کتاب خود را به آنها آموختی، ما را هم رهنما باش و به ما هم بیاموز، تو را سپاس بر نیکی آزمایش و رفتارت

به ویژه نسبت به من، چنان که مرا آفریدی، و آفرینش مرا نیکو نهادی، و به من آموختی و آموزش مرا نیکو نمودی، و راهنمایی ام فرمودی، و راهنمایی ام را نیکو گرداندی، پس تو را سپاس بر نعمت بخشیات بر من در گذشته و حال، آقای من چه بسیار محنت غم‌زایی که از من گشودی، و چه بسیار اندوهی که زدودی، و چه بسیار نگرانی که برطرف ساختی، و چه بسیار بلائی که ای آقای من برگرداندی، و چه بسیار عیبی که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 412

پوشاندی، پس تو را سپاس بر هر حال، در هر مکان و زمان، و هر منزل و مقام، و بر این حال و هر حال. خدایا مرا در این روز از برترین بندگان در روزی قرار ده، از خیری که بخش می‌کنی، یا رنجی که برطرف می‌نمایی، یا امر بدی که برمی‌گردانی، یا بلائی که دفع می‌کنی، یا خیری که می‌فرستی، یا رحمتی که می‌گسترانی، یا عافیتی که بر بندگان می‌پوشانی، همانا تو بر هر چیز توانایی، و خزانه‌های آسمانها و زمین به دست توست، و تو یگانه بزرگوار عطا بخشی هستی که خواهند اش بازگردانده نشود، و آرزومندش ناامید نگردد، و عطایش کاستی نپذیرد، و آنچه نزد اوست پایان نیابد، بلکه به فروزی عنایت و خاطر پسندی و عطا و بخشش بیفزاید، و مرا روزی کن از خزانه‌های که تمام نمی‌شود، و از رحمت گسترده‌ات، همانا عطایت ممنوع نبوده، و تو بر هر چیز توانایی، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

دوم: هزار مرتبه تسبیحات عشر را که سید به نقل کفعمی ذکر فرموده بخواند، و این تسبیحات در اعمال روز عرفه بیاید. [صفحه 414] سوم: دعای اللهم من تعباً و تحیاً را که در روز عرفه و شب‌وروز جمعه نیز وارد است بخواند، و متن آن در بیان اعمال شب جمعه گذشت [صفحه 59] چهارم: حضرت سید الشهداء علیه السلام و زمین کربلا را زیارت کند، و تا روز عید قربان در آنجا بماند، تا از شر آن سال محفوظ باشد.

روز نهم: روز عرفه و از اعیاد بزرگ است، گرچه به اسم عید نامیده نشده و روزی است که خدا بندگان را به عبادت و طاعت خویش دعوت کرده و سفره‌های جود و احسانش را برای آنان گسترده، و شیطان در این روز خوارتر و حقیرتر، و رانده‌تر و خشناک‌تر از روزهای دیگر است، و روایت شده که حضرت زین العابدین علیه السلام در روز عرفه صدای سائلی را شنید که از مردم درخواست کمک می‌کرد، به او فرمود: وای بر تو، آیا در این روز از غیر خدا درخواست می‌کنی؟! و حال آنکه برای بچه‌های در رحم، در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 413

این روز امید می‌رود، که فضل خدا شامل حالشان گردد، و سعادتمند شوند. و برای این روز چند عمل وارد است:

اول: غسل. دوم: زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام که برابر هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد و بلکه افضل از این است، و روایات در کثرت فضیلت زیارت آن حضرت در این روز متواتر است [یعنی از افراد بسیاری نقل شده است] و اگر کسی در این روز توفیق یابد، که زیر قبه مقدسه آن حضرت باشد، ثوابش کمتر از کسی که در عرفات باشد نیست، بلکه بیشتر و بیشتر است، و کیفیت زیارت آن حضرت بعد از این در باب زیارات ان شاء الله تعالی می‌آید. [صفحه 697] سوم: پس از نماز عصر، پیش از آنکه مشغول خواندن دعاهاى عرفه شود، در زیر آسمان دو رکعت نماز بجا آورد، و به گناهانش نزد خدا اعتراف و اقرار نماید، تا به ثواب عرفات دست یابد، و گناهانش آمرزیده گردد، آنگاه به اعمال و دعاهاى عرفه که از ائمه طاهره علیهم السلام روایت شده است مشغول گردد، و آن اعمال و ادعیه بیشتر از آن است که به طور کامل در این مختصر ذکر شود ولی به اندازه‌ای که این کتاب گنجایش آن را داشته باشد نقل می‌کنیم.

شیخ کفعمی در کتاب «مصباح» فرموده: برای کسی که از دعا خواندن ضعف پیدا نکند روزه روز عرفه مستحب است، و پیش از زوال [رسیدن آفتاب به وقت شرعی ظهر] غسل استحباب دارد، و همچنین زیارت امام حسین علیه السلام در روزوشب عرفه مستحب است. و چون وقت زوال رسید، زیر آسمان رود، و نماز ظهر را با رکوع و سجود نیکو بجا آورد، و چون از نماز ظهور عصر فارغ شود، دو رکعت نماز بخواند، در رکعت اول پس از سوره (حمد) سوره «توحید» و در رکعت دوم بعد از (حمد) سوره (کافرون) بخواند، پس از آن چهار رکعت نماز بجا آورد، در هر رکعت پس از سوره (حمد) پنجاه مرتبه سوره (توحید) بخواند.

فقیر می‌گوید: این نماز همان نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است، که در ضمن اعمال روز جمعه گذشت.

سپس شیخ کفعمی فرموده است:

این تسبیحات را که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است، و سید ابن طاووس در «اقبال» ذکر فرموده بخوان:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 414

منزه است خدایی که عرشش در آسمان است، منزه است خدایی که حکمش در زمین است، منزه است خدایی که فرمانش در گورهاست، منزه است خدایی که راهش در دریاست، منزه است خدایی که سلطنتش در آتش است، منزه است خدایی

که رحمتش در بهشت است، منزّه است خدایی که عدالتش در قیامت است، منزّه است خدایی که آسمان را برافراشت، منزّه است خدایی که زمین را بگسترد، منزّه است خدایی که پناهگاه و نجاتی از او جز به سوی او نیست

سپس صد مرتبه بگوید: منزّه است خدا، و سپاس از آن خدا است، و معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است. و سوره «توحید» را صد مرتبه «ایة الکرسی» را صد مرتبه بخوان، و صد مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات فرست، و ده مرتبه بگو:

معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، فرمانروایی و سپاس از آن اوست، زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می سازد، و او زنده پاینده است، خیر تنها به دست اوست 7 و او بر هر چیز تواناست. و ده مرتبه: آمرزش می جویم از خدایی که معبودی جز او نیست، زنده و به خود پاینده است و به سوی او بازمی گردم. و ده مرتبه ای خدا و ده مرتبه ای مهربان و ده مرتبه ای بخشنده و ده مرتبه ای پدید آورنده آسمانها و زمین، ای دارای شوکت و بخشش و ده مرتبه ای زنده ای پاینده و ده مرتبه ای نعمت افزا ای عطا بخش. و ده مرتبه ای که خدایی جز تو نیست و ده مرتبه اجابت فرما. آنگاه بگو: خدایا از تو درخواست می کنم، ای کسی که از رگ گردن به من نزدیکتر است، ای کسی که میان انسان و دلش پرده می شود، ای کسی که در چشم انداز برتر و افق آشکار است، ای کسی که بخشنده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 415

و بر حکومت هستی قرار دارد، ای کسی که چیزی مانده نیست، و او شنوا و بیناست، از تو درخواست می کنم بر محمد و خاندان محمد درود فرست. و حاجت خود را بخواه که به خواست خدا برآورده خواهد شد، آنگاه این صلوات را که از امام صادق علیه السلام روایت شده بخوان، که هر که بخواد محمد و آل محمد علیهم السلام را در فرستادن صلوات بر ایشان مسرور نماید، بگوید:

خدایا ای بخشنده ترین کسی که عطا فرمود، و ای بهترین کسی که درخواست شد، و ای مهربان ترین کسی که از او مهربانی خواسته شد، خدا درود فرست بر محمد و آلش در بین گذشتگان، و بر محمد و خاندانش در میان آیندگان، و بر محمد و خاندانش در میان فرشتگان، و بر محمد و خاندانش در میان رسولان. خدایا عطا فرما به محمد و خاندانش وسیله و فضیلت و شرف، و بلندی مقام و درجه والا. خدایا ایمان آوردم به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) درحالی که او را ندیدم، پس مرا در قیامت از دیدارش محروم مساز، و همنشینی با او را نصیبم فرما، و مرا بر دین او بمیران، و از حوضش سیرام کن، نوشیدنی بدون تشنگی، دلنشین و گوارا که پس از آن هرگز تشنه نشوم، همانا تو بر هر چیز توانایی. خدایا ایمان

آوردم به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) درحالی که او را ندیدم، پس در بهشت چهره‌اش را به من بشناسان. خدایا به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) از سوی من تحیت و سلام بسیار برسان.

پس دعای امّ داود را که بیانش در ضمن اعمال ماه رجب گذشت [صفحه 241] بخوان، آنگاه این تسبیح را که ثوابش در زیادتى شماره نمی‌شود. و ما میزان ثواب آن را به خاطر رعایت اختصار بیان نکردیم بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 416

منزه است خدا، پیش از هرکس، و منزه است خدا پس از هرکس، و منزه است خدا با هرکس و منزه است خدا، پاینده است پروردگار ما، و فنا می‌پذیرد هرکس، و منزه است خدا، تنزیهی که فزونی می‌گیرد بر تنزیه کنندگان فزونی بسیار پیش از هرکس، و منزه است خدا، تنزیهی که فزونی می‌گیرد بر تنزیه کنندگان فزونی بسیار پس از هرکس، و منزه است خدا تنزیهی که فزونی می‌گیرد بر تنزیه کنندگان فزونی بسیار به همراه هرکس، و منزه است خدا تنزیهی که فزونی می‌گیرد بر تنزیه کنندگان فزونی بسیار، برای پروردگار ما پاینده است و هیچ‌کس نیاید، و منزه است خدا تنزیهی که شمرده نشود، و دانسته نگردد و فراموش نشود و کهنه نمی‌گردد.

و فانی نمی‌شود، و برایش نهایتی نباشد، و منزه است خدا تنزیهی که دوام یابد به دوامش، و باقی ماند به بقایش در امتداد سالهای جهانیان، و ماههای روزگاران، و روزهای دنیا و ساعات شب‌وروز، و منزه است خدا به ابدیت ابد، و همپای ابد، آن تنزیهی که آن را عددی شماره نکند، و مدّتی فنایش نکند، و سرانجامی قطعش نکند، و بزرگ است خدا نیکوترین آفرینندگان. سپس بگو: و سپاس خدای را پیش از هرکس، و سپاس خدای را پس از هرکس تا آخر دعا، ولی به جای هر سبحان الله بگو: الحمد لله و چون به احسن الخالقین رسیدی بگو:

«لا اله الا الله قبل كل احد» تا آخر که بجای سبحان الله «لا اله الا الله» می‌گویی، و پس از آن بگو: «الله اكبر قبل كل احد» تا آخر که بجای سبحان الله: (الله اكبر) می‌گویند. سپس می‌خوانی دعای «اللهم من تعبّا و تهبّا» را که در اعمال شب جمعه گذشت پس بخوان دعای علی بن الحسین علیهما السلام را که شیخ طوسی در کتاب «مصباح المتهجد» ذکر فرموده: اللهم انت الله رب العالمين

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 417

مؤلف گوید: این دعا چون دعای موقف عرفات و بسیار طولانی بود ذکر نمودیم و در این روزهای چهل و هفتم صحیفه کامله آن حضرت را با خشوع و دلشکستگی بخوان، که دعایی است مشتمل بر تمام مطالب دنیا و آخرت، که درود خدا بر انشاء کننده اش باد. از جمله دعاهای مشهور این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام است. بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند، که بعد از ظهر روز عرفه در صحرای عرفات خدمت آن حضرت بودیم، پس با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان، با نهایت خاکساری و خشوع، از خیمه خود بیرون آمدند، و در جانب چپ کوه ایستادند، و روی مبارک خویش را بسوی کعبه نمودند و دستها را برابر صورت برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد، و این دعا را خواندند:

خدای را سپاس که برای حکمش برگرداننده ای، و برای بخشش بازدارنده ای و همانند ساخته ای ساخته هیچ سازنده ای نیست، و او سخاوتمند وسعت بخش است، انواع مخلوقات را پدید آورد، و ساخته ها را با حکمتش محکم نمود، طلیعه ها بر او پوشیده نمی ماند، و ودیعه ها نزد او ضایع نمی شود پاداش دهنده هر سازنده، و بی نیازکننده هر قناعت گر، و رحم کننده بر هر نالان، و فرو فرستنده سودها، و نازل کننده کتاب جامع با نور درخشان است، او شنونده دعاها، و دورکننده بلاها، و بالا برنده درجات، و کوبنده گردنکشانش است، پس معبودی جز او نیست، و چیزی با او برابری نمی کند، و چیزی همانندش نیست، و اوست شنوا و بینا، و لطیف و آگاه، و بر هر چیز تواناست. خدایا به سوی تو رغبت می نمایم، و به پروردگاری تو گواهی می دهم، اقرارکننده ام که تو پروردگار منی، و بازگشت من به سوی تو است، وجودم را با نعمت آغاز کردی پیش از آنکه موجودی قابل ذکر باشم، و مرا از خاک پدید آوردی، سپس در میان صلیبها جایم دادی، درحالی که از حوادث زمانه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 418

و رفت و آمد روزگار و سالها، ایمنی بخشیدی همواره کوچ کننده بودم از صلیبی به رحمی، درگذشته از ایام و قرهای پیشین، از باب رأفت و لطف و احسانی که به من داشتی، مرا در حکومت پیشوایان کفر، آنان که پیمان را شکستند، و پیامبران را تکذیب کردند، به دنیا نیاوردی، ولی زمانی به دنیا آوردی به خاطر آنچه در علمت برام رقم خورده بود و آن عبارت بود از هدایتی که مرا برای پذیرفتن آن آماده ساختی، و در عرصه گاهش نشود و نماند دادی، و پیش از آن هم با رفتار زیبایی، و نعمتهای کاملت بر من مهر ورزیدی، در نتیجه وجودم را پدید آوردی از نطفه ریخته شده و در تاریکیهای سه گانه میان گوشت و خون و پوست جایم دادی، و مرا در آفرینش وجودم گواه نگرفتی، و چیزی از کار خلقتم را به من واگذار نمودی، سپس برای آنچه در علمت از هدایتم گذشته بود مرا کامل میانه به دنیا آوردی، و در حال کودکی و خردسالی

در میان گهواره محافظت نمودی، و از بین غذاها شیر گوارا نصیب کردی، و دل دایه‌ها را بر من مهربان نمودی، و مادران پرمهر را به پرستاری‌ام گماشتی، و از آسیبهای پریان نگهداری فرمودی، و از زیادی و کمی سالم داشتی، پس تو برتری ای مهربان، ای بخشنده، تا آنگاه که آغاز به سخن کردم. نعمتهای کامل را بر من تمام کردی، و مرا در هر سال با افزوده شدن به وجودم پرورش دادی، تا آفرینش کامل شد، و تاب و توانم معتدل گشت، حجت را بر من واجب نمودی، چنان که معرفت را به من الهام فرمودی و با شگفتیهای حکمت به هراسم افکندی، و به آنچه در آسمان و زمین از پدیده‌های خلقت پدید آوردی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 419

بیدارم نمودی، به سپاسگذاری و یادت آگاهی‌ام دادی، و طاعت و عبادت را بر من واجب نمودی، و آنچه را پیامبران آوردند به من فهماندی، و پذیرفتن خشنودی‌ات را بر من آسان کردی، و در تمام این امور به یاری و لطف بر من منت نهادی، سپس وقتی که مرا از بهترین خاک آفریدی، برایم نپسندیدی ای معبود من نعمتی را بدون نعمتی دیگر، و از انواع وسایل زندگی، و اقسام بهره‌ها نصیب من فرمودی، و این بخاطر نعمت بخشی بزرگ و بزرگتر و احسان دیرینه‌ات بر من بود، تا جایی که همه نعمتها را بر من کامل نمودی، و تمام بلاها را از من بازگرداندی، نادانی و گستاخی‌ام بر تو، بازت نداشت، از این که مرا به آنچه به تو نزدیک می‌کند راهنمایی کردی، و به آنچه مرا به پیشگاهت مقرب می‌نماید توفیق دادی، پس اگر بخوانمت، اجابت‌م نمایی، و اگر از تو درخواست نمایم، عطايم کنی، و اگر اطاعت کنم قدردانی فرمایی، و اگر به شکر بر خیزم بر نعمتم بیفزایی، همه اینها کامل کردن نعمتهایت بر من و احسانت به سوی من است، پس منزهی تو، منزهی تو، که آفریننده‌ای، و بازگرداننده‌ای، و ستوده‌ای و بزرگواری، نامهایت مقدس است، و نعمتهایت بزرگ، خدایا کدامیک از نعمتهایت را به شماره آورم و یاد کنم، یا برای کدامیک از عطاهايت به سپاسگذاری برخیزم درحالی که پروردگارا، بیش از آن است که شماره‌گران بشمارند، یا اینکه یاد دارندگان در دانش به آنها برسند، آنگاه ای خدا، آنچه از بدحالی و پریشانی از من بازگرداندی و دور کردی، از آنچه از سلامتی کامل و خوشحالی برایم نمایان شد، بیشتر است، معبودا، من گواهی می‌دهم به حقیقت ایمانم، و باور تصمیمات یقینم، و یکتاپرستی بی‌شائبه صریح

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 420

و درون پوشیده نهادم، و آویزه‌های راههای نور چشمم، و چینهای صفحه پیشانی‌ام، و روزنه‌های راههای نفسم، و پژه‌های نومه تیغه بینی‌ام، و حفره‌های پرده شنوایی‌ام، و آنچه که ضمیمه شده و بر آن بر هم نهاده دو لبم، و حرکت‌های سخن زبانی‌ام، و جای فرو رفتگی سقف دهان و آرواره‌ام، و محل روییدن دندانهایم، و جای گوارایی خوراک و آشامیدنی‌ام، و بار بر مغز سرم و رسایی رگهایی طولانی گردنم، و آنچه را قفسه سینه‌ام در برگرفته، و بندهای پی شاهرگم، و آویخته‌های پرده دلم، و قطعات کناره‌های کبدم، و آنچه را در برگرفته غضروفهای دنده‌هایم، و جایگاههای مفاصلم، و پیوستگی پاهایم، و اطراف انگشتانم، و گوشت‌م، و خونم، و مویم، و پوستم، و عصبم، و نایم، و استخوانم، و مغزم، و رگهایم 7 و تمام اعضایم، و آنچه در ایام شیرخوارگی بر آنها بافته شد، و آنچه زمین از سنگینی من برداشته، و خوابم و بیداری‌ام و سکونم، و حرکات رکوع و سجودم، خلاصه با تمام این امور گواهی می‌دهم بر اینکه اگر به حرکت می‌آدمم و طول روزگاران، و زمانهای بس دراز می‌کوشیدم، بر فرض که آن همه زمان را عمر می‌کردم، که شکر یکی از نعمتهای را بجا آورم نخواهم توانست، جز با منت که به سبب آن شکر بر من واجب می‌شود، شکر دایم و نو، و ثانی تازه و فراهم. آری اگر من و همه شمارش گران از آفریدگانت، حرص ورزیم که نهایت نعمتهایم، از نعمتهای سابقه‌دار و بی سابقه‌ات را برشماریم، هرگز نمی‌توانیم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 421

به شماره آوریم، و نه اندازه آن را حضا کنیم، چه دور است چنین چیزی چگونه ممکن است؟ و حال آنکه تو در کتاب گویایت، و خبر صادقانه‌ات اعلام کرده‌ای: اگر نعمتهای خدا را برشمارید، قدرت شمارش آن را ندارید. خدایا کتابت راست گفته، و اخبار صادقانه است، و پیامبران و رسولان به مردم رساندند، آنچه را از وحیت بر آنان نازل کردی. و برای آنان و به وسیله آنان از دینت شریعت ساختی، معبودا من گواهی می‌دهم به تلاش و کوشش‌م، و به قدر رسایی طاعت و ظرفیت‌م، و از باب ایمان و یقین می‌گویم: سپاس خدای را که فرزندی نگرفته، تا از او ارث برند، و برای او در فرمانروایی‌اش شریکی نبوده تا با او در آنچه پدید آورده مخالفت کند، و سرپرستی از خواری برایش نبوده، تا او را در آنچه ساخته یاری دهد، پس منزّه است او، منزّه است او، اگر در آسمان و زمین معبودهایی جز خدا بود، هر آینه هر دو تباه می‌شدند و متلاشی می‌گشتند، منزّه است خدای یگانه یکتا، و بی‌نیاز، که نزاده، و زاده نشده و احدی همتایش نبوده است. سپاس خدای را، سپاسی که برابری کند با سپاس فرشتگان مقرب، و انبیای مرسلش را، و درود و سلام خدا بر بهترین برگزیده از خلقش محمد خاتم پیامبران، و اهل بیت پاک و پاکیزه و ناب گشته او باد. آنگاه آن حضرت، شروع به

درخواست از خدا کرد، و در دعا اهتمام ورزید، و درحالی که اشک از دیده‌های مبارکش جاری بود، دعا را به این صورت ادامه داد:

خدایا چنانم کن که از تو بترسم گویا که تو را می‌بینم، و با پرهیزگاری مرا خوشبخت گردان، و به نافرمانی‌ات بدبختم مکن، و خیر در قضایت را برانم اختیار کن، و به من در تقدیرت برکت ده، تا تعجیل آنچه را تو به تأخیر انداختی نخواهم، و تأخیر آنچه را تو پیش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 422

انداختی میل نکنم. خدایا قرار ده، بی‌نیازی را در ذاتم، و یقین را در دلم، و اخلاص را در عملم، و نور را در دیده‌ام، و بصیرت را در دینم و مرا به اعضایم بهره‌مند کن، و گوش و چشمم را دو وارث من گردان، و مرا بر آن که به من ستم روا داشته پیروز فرما، و در رابطه با او انتقام و هدفم را نشانم ده، و چشمم را بدین سبب روشن گردان. خدایا گرفتاری‌ام را برطرف کن، و زشتی‌ام را بپوشان، و خطایم را بیامرز و شیطانم را بران و دینم را ادا کن، و برانم معبودا در آخرت و دنیا درجه‌ای برتر قرار ده، خدایا تو را سپاس، مرا آفریدی، و شنوایی‌ام را قرار دادی، و تو را سپاس که مرا پدید آوردی، و از روی رحمت، آفریده‌ای متناسب قرار دادی، درحالی که از آفرینش من بی‌نیاز بودی، پروردگارا به اینکه مرا پدید آوردی. پس در خلقتم تناسب نهادی، پروردگارا به اینکه آفرینش را آغاز نمودی، و صورتم را نیکو نمودی، پروردگارا به اینکه به من احسان کردی و در خویشتم عافیت نهادی، پروردگارا به اینکه محافظتم نمودی و مؤفقم داشتی، پروردگارا به اینکه بر من نعمت بخشیدی و راهنمایی‌ام نمودی، پروردگارا به اینکه سزاوار احسانم کردی، و از هر خیری عطایم کردی، پروردگارا به اینکه مرا خوراندی و نوشاندی، پروردگارا به اینکه بی‌نیازم ساختی و اندوخته‌ام بخشیدی، پروردگارا به اینکه یاری‌ام نمودی و عزتم بخشیدی، پروردگارا به اینکه به من پوشاندی، از پوشش با صفایت و بر من آسان نمودی، از رفتار کفایت‌کننده‌ات، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر بلاهای روزگار، و حوادث شبها و روزها یاری ده، و از هراسهای دنیا، و گرفتاریهای آخرت نجات ده، و مرا از شر آنچه ستمگران در زمین انجام می‌دهند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 423

کفایت کن، خدایا از آنچه می‌ترسم مرا بس باش و از آنچه حذر می‌کنم نگهداری کن، و در نفسم و دینم از من نگهداری فرما و مرا در سفرم نگهدار، و در خاندان و مالم جانشین باش، و مرا در آنچه نصیب فرمودی برکت ده، و در

نزد خویش خوارم ساز، و در دیدگان مردم بزرگم کن، و از شرّ جن و انس سالم بدار و به گناهانم رسوایم مساز، و به باطنم سبکم منما، و به عملم دچارم مکن، و مرا از نعمتایت محروم مفرما، و به غیر خود واگذارم مکن. خدایا، مرا به که واگذار می کنی؟ به نزدیک تا با من به دشمنی برخیزد، یا به بیگانه تا با من با ترش رویی برخورد کند یا به آنان که خوارم می شمزند؟ و حال اینکه تو خدای من، و زمامدار کار منی. من به تو شکایت می کنم، از غربتم، و دوری خانه آخرتم، و سبکی ام نزد کسی که اختیار کارم را به او دادی. خدایا غضبت را بر من فرود نیاور، اگر در مقام خشم کردن بر من نباشی، از غیر تو باك ندارم، منزهی تو، جز اینکه عافیت بر من گسترده تر است، از تو درخواست می کنم پروردگارا به نور جمالت، که زمین و آسمانها به آن روشن گشت، و تاریکیها به آن برطرف شد، و کار گذشتگان و آیندگان به وسیله آن به اصلاح رسید، که مرا بر خشمتم نمیرانی، و ناخشنودی ات را بر من فرود نیاوری، خشنودی حق توست، خشنودی حق توست، تا پیش از آن راضی شوی، معبودی جز تو نیست، پروردگار خانه محترم، و مشعر الحرام، و خانه کعبه که برکت را در آن نازل فرمودی، و آن را برای مردم ایمن ساختی، ای آن که با بردباری اش از گناهان بزرگ گذشت، ای آن که با فضلش نعمتها را کامل ساخت، ای آن که با کرمش گسترده و فراوان عطا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 424

کرد، ای توشه ام در سختیها، ای همراهم در تنهایی، ای فریادرسم در گرفتاریها، ای سرپرستم در نعمتها، ای خدای من و خدای پرانم ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب، و پروردگار جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و اهل بیت برگزیده اش و نازل کننده تورات و انجیل و زبور و قرآن و فروفرستنده کهیعیص و طه و یس و قرآن حکیم تو پناهگاه منی زمانی که راهها با همه وسعتشان درمانده ام کنند، و زمین با همه پهناوری اش بر من تنگ گیرد و اگر رحمت تو نبود، هر آینه من از هلاک شدگان بودم، و نادیده گیرنده لغزشم تویی، و اگر پرده پوشی ات بر من نبود، هر آینه من از رسواشدگان بودم، و تویی که مرا با پیروزی بر دشمنانم تأیید می کنی، و اگر یاری تو نبود هر آینه من از شکست خوردگان بودم، ای که وجودش را به بلندی و برتری اختصاص داده، در نتیجه اولیایش به عزّت او عزیز می شوند، ای آن که پادشاهان در برابرش یوغ ذلّت بر گردنهایشان گذاشته اند، در نتیجه از حملاتش ترسانند، خیانت چشمها را، و آنچه سینه ها پنهان می کنند می داند، و به پنهانیهای که زمانها و روزگاران می آورد آگاهی دارد، ای آن که جز او نمی داند او چگونه است، ای آن که جز او نمی داند او چیست، ای آن که جز او را نمی شناسد، ای آن که زمین را بر آب

انباشت، و هوا را به آسمان بست، ای آن که او راست گرامی ترین نامها ای صاحب احسانی که هرگز قطع نگردد، ای آماده کننده کاروان برای نجات یوسف در سرزمین بی آب و گیاه، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 425

خارج کننده اش از چاه، و قراردنده اش بر تخت پادشاهی پس از دوره بندگی ای برگرداننده یوسف به نزد یعقوب، پس از آنکه دو چشمش از اندوه نابینا شد، و دلش آکنده از غم بود، ای برطرف کننده بدحالی و گرفتاری از ایوب، ای گیرنده دستهای ابراهیم از بریدن سر فرزندش، پس از سنّ پیری، و به پایان آمدن عمرش ای که دعای زکریّا را اجابت کرد و یحیی را به او بخشید و او را یگانه و تنها وا نگذاشت، ای که یونس را از دل ماهی به در آورد، ای که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و آنان را نجات داد، و فرعون و لشگریانش را از غرق شدگان قرار داد ای که بادها را مژده دهندگانی پیشاپیش باران رحمتش فرستاد، ای که بر عذاب نافرمانان از بندگانش شتاب نورزد، ای آن که ساحران روزگار موسی را از ورطه هلاکت رهانید، پس از سالیان طولانی که در انکار حق بودند، و در عین حال تنعم به نعمت او رزقش را می خوردند، و برای غیر او بندگی می کردند، با او مخالفت داشتند و برای او شبیه قرار داده بودند، و پیامبران را تکذیب کردند، ای خدا، ای خدا، ای آغازگر، ای پدیدآور، برای تو همتایی نیست، ای جاودانگی که پایانی برایت نمی باشد، ای زنده وقتی که زنده ای نبود، ای زنده کننده مردگان، ای مراقب بر هرکس به آنچه که انجام داده، ای که شکر برای او اندک است ولی محروم نساخت، خطایم بزرگ شد، پس رسوایم نکرد، و مرا بر نافرمانیها دید، ولی در بین مردم رسوایم ننمود، ای که در خردسالی حفظم نمود، و در بزرگسالی رزقم داد، ای که عطاهایش نزد من شماره نشود، و نعمتهایش تلافی نگردد، ای که با من به خیر و احسان روبرو شد، و من با بدی و نافرمانی با او روبرو گشتم، ای که به ایمان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 426

هدایت نمود، پیش از آنکه سپاس نعمتهایش را بشناسم، ای که در بیماری خواندمش، پس شفایم داد، و در حال برهنگی پوشاندم مرا، و در حال گرسنگی سیرم کرد و در حال تشنگی سیرام نمود، و در حال خواری، عزّم بخشید، و در حال نادانی معرفتم بخشید، و در حال تنهایی افزونم نمود، و در حال غربت، بازم گرداند، و رد حال نداری، دارایم کرد، و در یاری خواهی، یاری ام فرمود، و در ثروتمندی محروم نکرد، و از درخواست همه اینها باز ایستادم، پس او شروع به عنایت بر من نمود، حمد و سپاس تو راست، ای که لغزشم را نادیده گرفت و اندوهم را زدود، و عایم را اجابت نمود، و عییم را

پوشاند، و گناهام را آمرزید، و مرا به خواسته‌ام رساند و بر دشمنم پیروز گرداند، اگر نعمتها و عطاها و بخششهای بارزشت را برشمارم هرگز نمی‌توانم به شماره آرم، ای سرور من، تویی که عطا کردی، تویی که نعمت دادی، تویی که نیکی کردی، تویی که زیبا نمودی، تویی که افزون نمودی، تویی که کامل کردی، تویی که روزی دادی، تویی که مؤفق نمودی، تویی که عطا فرمودی، تویی که بی‌نیاز نمودی، تویی که ثروت بخشیدی، تویی که پناه دادی، تویی که کفایت نمودی، تویی که راهنمایی فرمودی، تویی که حفظ کردی، تویی که پرده‌پوشی نمودی، تویی که آمرزیدی تویی که نادیده گرفتی، تویی که قدرت دادی، تویی که عزّت بخشیدی، تویی که کمک کردی، تویی که مساعدت فرمودی، تویی که تأیید نمودی، تویی که نصرت دادی، تویی که شفا بخشیدی، تویی که سلامت کامل دادی، تویی که گرمی داشتی، بزرگ و برتری، حمد و شکر همیشگی تورااست،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 427

سپس من معبودا اعتراف کننده به گناهانم هستم، پس مرا بیامرز، منم که بد کردم، منم که خطا کردم، منم که قصد گناه کردم، منم که نادانی نمودم، منم که غفلت ورزیدم، منم که اشتباه کردم، منم که به غیر تو اعتماد کردم، منم که در گناه تعمّد داشتم، منم که وعده کردم، منم که وعده شکستم، منم که پیمان‌شکنی نمودم، منم که اقرار کردم، منم که به نعمت بر خود و پیش خود اعتراف کردم، و به گناهانم اقرار می‌کنم، پس مرا بیامر، ای آن که گناهان بندگان را به او زیانی نرساند، و او بی‌نیاز از طاعت آنان است، و توفیق‌دهنده کسی که از آنان به کمک و رحمتش عمل شایسته بجا آورد، تو را سپاس ای معبود من و آقای من، و خدای من، فرمان دادی فرمانت نخواندم، نهیم نمودی، مرتکب نھیت شدم، اکنون چنانم، که نه دارنده زمینه برائتم تا عذرخواهی کنم، و نه دارای قدرتم، تا یاری ستانم، ای مولای من با چه وسیله‌ای با تو روبرو شوم؟ آیا با گوشم، یا با دیده‌ام، یا با زبانم، یا با دستم، یا با پایم، آیا این همه نعمتهای تو نزد من نیست؟ و من به همه اینها تو را معصیت کردم، ای مولای من، تو را بر من حجت و راه است، ای آن که مرا از پدران و مادران پوشاند، از اینکه مرا از خود برانند، و از خویشان و برادران، از اینکه مرا سرزنش کنند، و از پادشاهان از اینکه مجازاتم نمایند، مولای من اگر اینان آگاه می‌شدند، بر آنچه تو بر آن از من می‌دانی، در این صورت مهلت نمی‌داند، و مرا تنها می‌گذارند، و از من می‌بریدند، هم اینک ای خدای من در برابر هستم، ای آقای من، فروتن و خوار، درمانده و کوچک، نه دارنده زمینه برائتم، تا عذرخواهی کنم، و نه نیروی که یاری بطلبم، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 428

نه دلیلی که با آن احتجاج نمایم، و نه گوینده‌ای هستم که گناه و کار بد نکرده باشم، انکار گناه کجا؟ بر فرض اگر انکار می‌کردم، چه سود می‌داد، چگونه؟ و چسان این معنا ممکن شود، و حال آنکه همه اعضا بر آنچه عمل کردم بر من گواهند به یقین دانستم بدون تردید. که تو از کارهای بزرگ من پرسنده‌ای، و تو حاکم عدالت پیشه‌ای هستی که در حکم و داوری ستم نمی‌کنی، و عدالت تو هلاک کننده من است، و من از همه عدالت تو گریزانم، معبودا اگر مرا عذاب کنی، به خاطر گناهان من است پس از حجتی که بر من داری، و اگر از من درگذری، به سبب بردباری و جود و کرم توس، معبودی جز تو نیست من از ستمکارانم، معبودی جز تو نیست من از آمرزش خواهانم، معبودی جز تو نیست من از یکتاپرستانم، معبودی جز تو نیست من از هراسندگانم معبودی جز تو نیست، من از بیمناکانم، معبودی جز تو نیست من از امیدوارانم، معبودی جز تو نیست من از مشتاقانم، معبودی جز تو نیست من از «لا اله الا الله» گویانم، معبودی جز تو نیست من از درخواست کنندگانم، معبودی جز تو نیست من از تسبیح کنندگانم، معبودی جز تو نیست منزهی تو، من از تکبیرگویانم، معبودی جز تو نیست منزهی تو پروردگار من و پروردگار پدران نخستین من، خدایا این است ثنای من بر تو برای تعظیم تو، و اخلاصم برای یاد تو. برای یکتاپرستی، و اقرارم به نعمتهایت، در شمارش آنان، اگرچه اعتراف دارم نتوانستم آنها را شماره کنم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 429

به خاطر کثرت و کمالش و نمایائی و پیشی جستنش تاکنون، آنچه همواره مرا با آن همراه آنها سرپرستی می‌کردی، از هنگامی که مرا آفریدی و پدید آوردی، از آغاز عمر، و همه آنچه بر من بخشیدی از: بی‌نیاز گرداندم از تهیدستی، و برطرف کردن بدحالی و فراهم کردن اسباب راحتی و دفع دشواری و گشودن گره اندوه، و تندرستی در بدن، و سلامت در دین، اگر همه جهانیان از گذشتگان و آیندگان به اندازه‌ای که نعمت را ذکر کنم یاری‌ام دهند، نه من قدرت ذکر آن را دارم نه آنها، مقدسی و برتری، از اینکه پروردگار کریم، بزرگ، مهربانی، عطاهایت به عدد نیابد، به ثنایت نتوان رسید. نعمتهایت تلاقی نگردد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نعمتهایت را بر ما تمام کن و به طاعتت خوشبختان فرما، منزهی تو، معبودی جز تو نیست. خدایا بیچارگان را پاسخ می‌دهی، و بدی را برطرف می‌کنی، و به فریاد گرفتاران می‌رسی، و بیماران را درمان می‌کنی، و تهیدست را بی‌نیاز می‌گردانی، و شکست را جبران می‌نمایی، و به خردسالان رحم می‌کنی، و به بزرگسالان کمک می‌دهی، جز تو پشتیبانی نیست، و فوق تو قدرتمندی وجود ندارد، و تو برتر و بزرگی ای رهاکننده اسیر در بند، ای روزی‌دهنده کودک خردسال، ای پناه هراسنده پناه‌خواه، ای که برایت شریک و وزیر نیست، بر

محمد و خاندان محمد درود فرست، و در این شب به من عطا کن برترین چیزی که عطا کردی و نائل نمودی یکی از بندگان را، از نعمتی که می بخشی، و عطاهایی که تجدید می نمایی، و بلائی که برمی گردانی و رنجی که برطرف می کنی، و دعایی که می شنوی، و عمل نیکی که می پذیری، و بدی که می پوشانی، همانا به هرچه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 430

خواهی مهربان و آگاهی، و بر هرچیز توانایی. خدایا تو نزدیک ترین کسی هستی که خوانده شود، و سریع ترین کسی که جواب دهد، و بزرگوارترین کسی که گذشت کند، و وسیع ترین کسی که عطا کند، و شنواترین کسی که سؤال شود، ای مهربان دنیا و آخرت، و بخشنده دنیا و آخرت، همانند تو سؤال شده ای نیست، و غیر تو آرزو شده ای وجود ندارد، خواندمت، پاسخم دادی، از تو درخواست کردم عطا نمودی، و به سویت میل کردم، به من رحم فرمودی، به تو اطمینان کردم، نجاتم دادی، و به تو پناهنده شدم، کفایت نمودی، خدایا درود فرست بر محمد بنده و فرستادهات و پیامبرت، و بر همگی اهل بیت پاک و پاکیزه اش، و نعمتهایت را بر ما تمام کن، و عطاهایت را بر ما گوارا گردان، و ما را نسبت به خود از سپاسگذاران، و در نعمت های از یادکنندگان ثبت فرما، آمین آمین ای پروردگار جهانیان، خدایا ای که مالک شد و توانست، و توانست و چیره شد، نافرمانی شد و پوشاند، از او آمرزش خواسته شد و آمرزد، ای هدف خواستاران مشتاق، و نهایت آرزوی امیدواران ای آن که در دانش بر هرچیز احاطه دارد، و در مهربانی و رحمت و بردباری، جویندگان گذشت از گناه را فرا می گیرد، خدایا در این شب به تو رو می آوریم، شبی که آن را شرافت و عظمت دادی به محمد پیامبرت و فرستادهات و برگزیده از خلقت، و امین وحیت، آن مژده دهنده و ترساننده، و چراغ نوربخش، آن که به سبب او بر مسلمانان نعمت بخشیدی، و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، آنچنان که محمد از جانب تو شایسته آن است، ای بزرگ، بر او بر همه خاندان نجیب و پاک و پاکیزه اش درود فرست،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 431

و ما را به گذشت از ما پوشان، که صداها با انواع لغات به جانب تو بلند است، خدایا در این شب برای ما قرار ده، از هر خیری نصیبی که میان بندگان تقسیم می کنی، و نوری که با آن هدایت می نمایی، و رحمتی که می گسترانی، و برکتی که فرو می فرستی، و عافیتی که بر اندام حیات بندگان می پوشانی، و رزقی که می گستری، ای مهربان ترین مهربانان. خدایا ما را در این وقت از پیشگاه رحمت پیروز و رستگار و پذیرفته و بهره مند بازگردان، و ما را از ناامیدان قرار مده، و از رحمت با

دست خالی مگذار، و از آنچه از فضل امیدواریم مبتلای به حرمان مکن، و از رحمت محرومان منما، و از افزونی آنچه از عطایت آرزو داریم ناامید مساز، و ناکام باز مگردان، و از درگاهت مران، ای بخشنده‌ترین بخشنندگان، و کریم‌ترین کریمان، یقین کنان به درگاهت رو نمودیم، و آهنگ کنان و قصدکنان به زیارت خانه‌ات آمده‌ایم، بر ادای مناسک حج یاری‌مان ده، و حجت‌مان را کامل نما، و از ما درگذر و به ما سلامت کامل بده، چرا که دستهای خود را به جانب تو دراز کرده‌ایم، و آن دستها به خواری اعتراف علامت‌دار است. خدایا آنچه را در این شب از تو خواستیم به ما عطا کن، و کفایت آنچه را از تو خواستین عهده‌دار باش، که ما را کفایت‌کننده‌ای جز تو نیست، و برای ما پروردگاری جز تو نمی‌باشد، قانونت بر ما نافذ است، دانشت ما را فراگیر است، قضایت درباره ما عادلانه است، خیر را برای ما حکم کن و ما را اهل خیر قرار بده. خدایا پاداش بزرگ و ذخیره کریمانه و دوام آسایش را به حق جودت بر ما لازم گردان، و گناهان همه ما را بیامرز، و با هلاک‌شدگان هلاکمان مکن، و مهربانی و رحمت را از ما

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 432

باز مگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان، خدایا در این وقت ما را از کسانی قرار ده که از تو درخواست کردند، و تو به آنان عطا فرمودی و تو را شکر نمودند پس بر آنان افزودی و به سویت بازگشتند و آنان را پذیرفتی، و به سوی تو از همه گناهانشان بیزای جستند پس همه گناهانشان را آمرزیدی ای دارای بزرگی و بزرگواری. خدایا ما را پاک کن، و به جانب راست و درستی توجه ده، و زاری ما را بپذیر، ای بهترین کسی که درخواست شد، و رحم‌کننده‌ترین کسی که از او رحمت خواسته شد، ای آن که بر هم نهادن پلکها، و دقت نظر چشمها بر او پوشیده نیست، و آنچه در نمان مستقر شده، و آنچه را پنهانیهای قلوب در برگرفته از او مخفی نیست، آری همه اینها را دانشت شماره کرده، و بردباریات فرا گرفته، تو منزهی و برتری، از آنچه ستمگران درباره‌ات می‌گویند، پس برتری آسمانهای هفتگانه و زمینها و هرکه در آنهاست تو را تسبیح می‌گویند، و هیچ موجودی نیست مگر اینکه با سپاست تسبیح می‌گوید، پس تو را سپاس و بزرگواری و بلندی مقام، ای دارنده بزرگی و کرامت و فضل و نعمت، و عطاهای بزرگ، و تویی بخشنده کریم رؤف و مهربان، خدایا از روزی عدالت بر من وسعت ده، و در تن دینم سلامت کامل بخش، و ترسم را امان ده، و وجودم را از آتش آزاد کن، خدایا بلایت را به جرمه گناهانم بر من قرار مده، و مرا به تدریج بر بدیهایم مؤاخذه مکن، و مرا در خیالات باطلم رها مساز، و شر بدکاران جن و انس را از من دور کن.

در این قسمت از دعا سر و دیده خود را به جانب آسمان برداشت، و از دیده‌های مبارکش مانند ریزش آب از دو مشك، اشك می‌ریخت، و با صدای بلند به محضر حق عرضه داشت:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 433

ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، و ای سریعترین حسابرسان، و ای مهربان‌ترین مهربانان، بر محمد و خاندان محمد آن سروران با میمنت درود فرست، و از تو درخواست می‌کنم خدایا حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی، بی‌شك هرچه را از من دریغ ورزی به من ضرری نرساند، و اگر قضای حاجتم را از من دریغ نمایی، آنچه را عطا می‌کنی سودی نبخشد، آزادی عهده‌ام را از آتش از تو درخواست می‌کنم، معبودی جز تو نیست، یگانه‌ای، برایت شریک نیست، فرمانروایی و سپاس خاص توست، و تو بر هرچیز توانایی، پروردگارا پروردگارا. پیوسته «یا رب» می‌گفت، و همه آنان که اطراف حضرت بودند به دعای حضرت گوش فرا دادند و به آمین گفتن اکتفا نمودند، در نتیجه صداهایشان با آن حضرت به گریستن بلند شد، تا آفتاب غروب کرد، سپس زادوتوشه خود را بار کرده، به سوی مشعر الحرام حرکت کردند. مؤلف گوید: کفعمی دعای عرفه حضرت سید الشهداء علیه السلام را در کتاب (بلد الامین) تا این قسمت ذکر کرده، و علامه مجلسی در «زاد العماد» این دعای شریف را موافق روایت کفعمی نقل فرموده ولی سید ابن طاووس در کتاب اقبال، پس از «یا رب، یا رب، یا رب» این اضافه را آورده: خدایا، در عین توانگری تهیدستم، پس چگونه در تهیدستی تهیدست نباشم، خدایا در عین دانایی نادانم، پس چگونه در عین نادانی نادان نباشم. خدایا همانا اختلاف تدبیرت، و سرعت تغییر تقدیرات، بندگان عارف به تو را، از اطمینان به بخشش و ناامیدی از تو در گرفتاری باز داشته است. خدایا از من است آنچه سزاوار پستی من است، و از توست آنچه شایسته بزرگواری توست. خدایا تو خود را با لطف و مهربانی به من توصیف کرده‌ای پیش از پیدایش ناتوانی من، آیا آن دو را از من دریغ ورزی پس از پدید آمدن ناتوانی‌ام، خدایا اگر زیبایی‌هایی از من نمایان شود، به فضل توست، و تو را بر من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 434

منت بسیار است، و اگر زشتیهایی از من ظاهر گردد، به عدل توست و تو را بر من حجت کامل است. خدایا چگونه مرا و می‌نهی در صورتی که عهده‌دار من شده‌ای؟ و چگونه مورد ستم واقع شوم و حال آنکه تو یار منی؟ یا چگونه ناامید گردم، درحالی که نسبت به من سخت مهربانی اینک به نیازم به تو، متوسل به توام، و چگونه متوسل به تو شوم به آنچه که محال است به تو برسد، یا چگونه از حالم به تو شکایت کنم و حال آنکه بر تو پوشیده نیست؟ یا چگونه باگفتارم

ترجمه حال نمایم، درحالی که از تو برای تو واضح است؟ یا چگونه آرزوهایم را به عرصه نومیدی بری، در صورتی که به آستان تو وارد گشته؟ یا چگونه احوالم را نیکو نگردانی، درحالی که احوال من استوار به توسست؟ خدایا چه اندازه به من لطف داری. با این نادانی فوق العاده من، و چه قدر به من مهربانی، با این عمل زشت من؟

خدایا چقدر به من نزدیکی، و من چقدر از تو دورم، و چه اندازه به من مهر می‌ورزی پس چیست. آنچه مرا از تو در پرده می‌کند؟ خدایا از اختلاف آثار، و تغییرات احوال دانستم که خواسته‌ات از من این است که خود را در هرچیز به من بشناسانی تا در هیچ‌چیز نسبت به تو جاهل نباشم، خدایا هر زمان فرومایگی‌ام از سخن مرا بازداشت، کرم تو گویایم نمود، و هروقت اوصافم ناامیدم کرد، نعمتهایت به طمعم انداخت. خدایا کسی که زیباییهایش زشتی بوده، پس چگونه زشتیهایش زشتی نباشد، و کسی که حقیقت‌گوییهایش ادعای خالی بوده، چگونه ادعاهایش ادعا نباشد؟ خدایا دستور نافذت، و مشیت چیزهات، برای صاحب سخن سخنی، و برای صاحب حال حالی نگذاشته، خدایا چه بسیار طاعتی که بنا کردم، و چه بسیار حالتی که استوار نمودم. عدالتت اعتمادم را بر آنها ویران کرد، ولی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 435

فضل تو عذر مرا از آنها پذیراست. خدایا همانا می‌دانی هرچند طاعت از جانب من، به صورت کار جدی ادامه نداشته، ولی به صورت محبت و اراده ادامه داشته. خدایا چگونه تصمیم بگیرم و حال آنکه تو چیزه‌ای؛ و چگونه تصمیم بگیرم درحالی که تودستوردهنده‌ای، خدایا مردّد شدن من در آثار موجب دوری دیدار است، پس مرا با وجودت گرد آور، به وسیله عبادتی که مرا به تو رساند، چگونه بر وجود تو استدلال شود، به موجودی که در وجودش نیازمند به توسست؟ آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست، تا آنان غیر وسیله ظهور تو باشند؟! کی پنهان بوده‌ای، تا نیازمند به دلیلی باشی که بر تو دلالت کند و کی دور بوده‌ای، تا آثار واصل کننده به تو باشند؟ کور باد دیده‌ای که تو را بر آن دیده‌بان نبیند و زیانکار باد تجارت بنده‌ای که از محبت برای او سهمی قرار نداده‌ای، خدایا مرا به رجوع به آثار فرمان دادی، پس مرا به پوششی از انوار و هدایتی بصیرت‌جو به سوی خود بازگردان، تا از آنها به سویت بازگردم همانطور که از آنها به بارگاہت بار یافتم، با نگاهداری نهادم از نگاه به آنها و برگرفتن همت از اعتماد بر آنها، همانا تو بر هرچیز توانایی. خدایا این خواری من است که در برابر عیان است، و این حال من است که بر تو پوشیده نیست، از تو رسیدن به تو را می‌خواهم، و بر تو استدلال می‌کنم، پس به نورت مرا به وجودت راهنمایی کن، و در برابر به صدق بندگی بر پا دار. خدایا از علم مخزونت به من بیاموز، و به پرده نگاهداریت حفظم کن. خدایا مرا به حقایق اهل قرب محقق کن، و به راه و روش اهل جذب ببر،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 436

خدایا به تدبیرت نسبت به من مرا از تدبیرم، و به اختیارت از اختیارم بی نیاز گردان، و مرا به مواضع بیچارگی ام آگاه کن، خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده، و از شك شرکم پاك كن و پیش از آنکه وارد قبر شوم، از تو یاری می جویم، پس مرا یاری ده، و بر تو توکل می کنم، پس مرا وامگذار، و از تو درخواست می کنم. پس ناامیدم مکن، و در فضل تو رغبت می نمایم، پس محرومم مگردان، و خود را به تو منسوب می کنم، پس دورم مکن، و در آستانه تو می ایستم پس مرا، خدایا خشنودی تو منزّه است از اینکه علّی از جانب تو داشته باشد، پس چگونه ممکن است برای آن علّی از ناحیه من بوده باشد؟ خدایا تو بی نیازی از اینکه نفعی از جانب خویش به حضرتت رسد، پس چگونه بی نیاز از من نباشی؟ خدایا قضا و قدر مرا به آرزو انداخت، و هوای نفس مرا در بندهای شهوت اسیر کرد، پس تو یاور من باش تا پیروزم نمای و بینایم کنی، و به فضل خود بی نیازم فرما، تا به وسیله تو از خواسته ام بی نیاز کردم، تویی که انوار را در قلوب دوستان تاباندی، تا تو را شناختند و یگانه ات دانستند، و تویی که بیگانگان را از قلوب عاشقانت راندی تا غیر تو را دوست نداشتند، و به غیر تو پناه نبردند، تو مونس آنانی آنجا که عوالم آنان را به وحشت اندازد، تویی که آنان را هدایت نمودی، هرجا که نشانه هایی برای آنان آشکار شد، کسی که تو را گم کرده چه یافته؟

و چه گم کرده، کسی که تو را یافته، همانا محروم شد کسی که به جای تو به دیگری راضی گشت، و زیانکار شد کسی که از تو به دیگری روی آورد، چگونه به غیر تو امید بست، و حال آن که احاسنت را بریده نساحتی، و چگونه از غیر تو خواسته شود

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 437

در صورتی که تو شیوه نعمت بخشیت را تغییر نداده ای، ای که به عاشقانش شیرینی همدم خود را چشانند، در نتیجه گویا نه در برابرش ایستادند، ای که اولیایش را جامه های هیبت پوشاند، پس آمرزش جویانه در مقابلش قرار گرفتند، تویی یاد کننده پیش از یادکنندگان، و تویی شروع کننده به احسان، پیش از توجّه بندگان، و تویی جودکننده به عطا، پیش از خواستن خواهندگان، و تویی بخشنده، و سپس آنچه را که به ما بخشیدی از ما به قرض خواهی، خدایا مرا به رحمت بخواه تا به تو رسم، و مرا به عطایت جذ کن تا به جانب تو رو کنم. خدایا امیدم از تو قطع نشود، گرچه نافرمانی ات کردم، چنان که ترسم از تو زایل نشود، گرچه اطاعت نمودم، همانا جهانیان مرا به جانب تو رانده اند، و دانشم به کرمات مرا به آستانه تو انداخته. خدایا من چگونه ناامید شوم و حال آنکه تو آرزوی منی، یا چگونه خوار گردم در صورتی که اعتمادم بر

توست. خدایا چگونه عزّت خواهم، درحالی که در خواری ثابتم کرده‌ای، و چگونه عزّت نخواهم با آن که به خود نسبتم داده‌ای؟ خدایا چگونه نیازمند نباشم، و حال آن که مرا در نیازمندان نشاندی، یا چگونه نیازمند باشم در صورتی که تو به جودت بی‌نیازم کرده‌ای، و تویی که معبودی جز تو نیست، خود را به هرچیز شناساندی، پس چیزی جاهل به تو نیست، و تویی که خود را در هرچیز به من شناساندی، پس تو را در هرچیز نمایان دیدم، و تویی نمایان برای هرچیز، ای که به رحمانیتش چیره شد، در نتیجه عرش در ذاتش پنهان شد، آثار را با آثار نابود کردی، و اغیار را به احاطه‌کنندگان افلاک انوار محو نمودی، ای که در سراپرده‌های عرشش پرده‌نشین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 438

از این شد که دیده‌ها او را دریابد، ای آن که به کمال زیبایی‌اش تجلّی کرد، پس تحقق یافت عظمتش از روی استیلا و برتری چگونه پنهان شوی و حال آن که نمایانی، یا چگونه غایب شوی و حال آن که دیده‌بانی و حاضری، همانا تو بر هرچیز توانایی، و سپاس تنها از آن خداست، خدای یگانه.

به هر صورت هرکه توفیق یابد و روز عرفه را در عرفات باشد، دعاها و اعمال بسیار دارد، و بهترین اعمال در این روز دعاست، و این روز شریف، در تمام روزهای سال به خاطر دعا امتیاز دارد، و برای برادران مؤمن از آنان که زنده‌اند یا دار فانی را وداع گفته‌اند دعای بسیار باید کرد، و روایت وارده در حال عبد الله بن جندب، در موقف عرفات و دعای او برای برادران خود مشهور است، و همچنین روایت زید نرسی، در حال ثقه جلیل القدر، معاویه بن وهب در صحرای عرفات و دعای او درباره فرد فرد از اشخاصی که در آفاق بودند، و روایت او از امام صادق علیه السلام در فضیلت این عمل، شایسته ملاحظه و توجه است و امید واثق از برادران دینی، آنکه به این بزرگواران اقتدا کرده، و اهل ایمان را در دعا بر خود مقدّم دارند و این گنهکار روسیاه را یکی از آن اشخاص به حساب آرند، و در حال حیات و مرگ از دعای خیر فراموشم نفرمایند، و نیز در این روز زیارت جامعه سوم را قرائت کن [صفحه 842]، و در آخر روز عرفه بخوان:

پروردگارا، همانا گناهان من به تو زبانی نمی‌رساند، و آمرزشش بر من از تو نمی‌کاهد، پس ببخش به من آنچه نمی‌کاهدت و بیمارز برلم آنچه که زیانت نرساند، و نیز بخوان: خدایا محروم مساز از خیر آنچه نزد توست، به خاطر شرّ آنچه پیش من است، پس اگر با خستگی و واماندگی‌ام به من رحم نمی‌کنی، از پاداش مصیبت‌دیده بر مصیبتش محروم مکن.

مؤلف گوید: سید ابن طاووس، در ضمن دعا‌های روز عرفه فرموده: چون غروب آفتاب نزدیک شود بگو: «بسم الله و بالله و سبحان الله و الحمد لله تا آخر، و این همان دعای عشرات است که پیش از این گذشت [صفحه 116] پس زوار است خواندن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 439

دعای عشرات که خواندن آن در هر صبح و شام مستحب است، در آخر روز عرفه ترك نشود، و این اذکار عشراتی را که کفعمی نقل کرده، همان اذکار آخر دعای عشرات است که سید ابن طاووس روایت کرده.

شب دهم: از شبهای پربرکت و از چهار شی است که شب زنده داری در آنها مستحب است و درهای آسمان در این شب باز است، و زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام، و دعای «یا دائم الفضل علی البریة» که در اعمال شب جمعه گذشت [صفحه 61] در این شب مستحب است.

روز دهم: روز عید قربان است که بسیار شریف است، و اعمال آن چند چیز است: اول: غسل، که در این روز مستحب مؤکد است، و بعضی از علما آن را واجب دانسته اند. دوم: نماز عید، به همان صورت که در عید فطر ذکر شد، اما در این روز، مستحب است پس از نماز از گوشت قربانی افطار شود. سوم: خواندن دعا‌هایی که پیش از نماز عید و بعد از آن وارد شده، و آن دعاها در کتاب «اقبال» آمده و شاید بهترین دعا‌های این روز، دعای چهل و هشتم صحیفه کامله سجادیه باشد، که اول آن: «اللهم هذا يوم مبارك» است، و دعای چهل و ششم: «یا من یرحم من لا یرحمه العباد» را نیز بخواند. چهارم: خواندن دعای ندبه است، که بعد از این ان شاء الله خواهد آمد. [صفحه 811] پنجم: قربانی کردن است که مستحب مؤکد می باشد. ششم: خواندن تکبیرات است برای کسی که در منی باشد، در پی پانزده نماز که نخستین آنها نماز ظهر روز عید است، و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم، و کسانی که در سایر شهرها هستند، پس از ده نماز، از نماز ظهر عید تا صبح دوازدهم بخوانند، و تکبیرات بر وفق روایت صحیح کتاب «کافی» این است:

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، معبودی جز خدا نیست، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، تنها برای اوست سپاس، خدا بزرگتر است، بر آنچه ما را هدایت فرمود، خدا بزرگتر است بر آنچه به ما روزی داد از چهارپایان بی زیان و سپاس خدای را بر آنچه ما را آزمود.

و مستحب است تکرار این تکبیرات به دنبال نمازها به قدر امکان، و خواندن آن پس از نمازهای مستحب.

روز پانزدهم: سال دویست و دوازده ولادت حضرت هادی علیه السلام واقع شده.

شب هیجدهم: شب عید غدیر و شب بسیار با شرافتی است، سید ابن طاووس در کتاب «اقبال» دوازده رکعت نماز با

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 440

يك سلام به کیفیت مخصوص برای این شب همراه با دعاها پی روایت کرده است.

روز هیجدهم: روز عید غدیر، و «عید الله اکبر»، و عید آل محمد علیهم السلام و عظیم ترین عید است، و حق تعالی هیچ پیامبری را مبعوث نفرموده جز آنکه این روز را عید کرده و حرمت آن را دانسته. نام این روز در آسمان روز «عهد معهود» و در زمین روز «میثاق مأخوذ» و «جمع مشهود» است. روایت شده که از امام صادق علیه السلام پرسیدند، آیا مسلمانان را غیر از جمعه و قربان و فطر عیدی هست؟ فرمود: آری عیدی است که حرمتش از همه اعیاد بیشتر است، راوی گفت: کدام عید است؟ حضرت فرمود:

روزی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را به جانشینی خود نصب فرمود، و اعلام کرد: هرکه من مولا و آقای اوم، پس علی مولا و آقا و پیشوای اوست، و آن روز هیجدهم، ذو الحجه است، راوی گفت: در آن روز چه کاری باید انجام داد؟ فرمود باید روزه بدارید، و عبادت کنید، و محمد و آل محمد علیهم السلام را یاد آرید، و بر ایشان صلوات فرستید، رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را وصیت کرد، که این روز را عید گردانند، و هر پیامبری به جانشینی خویش وصیت می کرد، که این روز را عید کند.

در حدیث ابن ابی نصر بنظر از حضرت رضا علیه السلام آمده: ای پسر ابی نصر هر کجا باشی، بکوش روز عید غدیر نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حاضر شوی، به درستی که در این روز، خدا می آمرزد، از هر مرد و زن مؤمن گناه شصت سال ایشان را، و از آتش دوزخ آزاد می کند، دو برابر آنچه در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر آزاد کرده، و پرداخت يك درهم در این روز به برادران مؤمن، برابر هزار درهم در اوقات دیگر است، و در این روز به برادران مؤمن احسان کن، و هر مرد و زن مومن را شاد گردان، به خدا سوگند، اگر مردم فضیلت این روز را چنان که باید بدانند، هرآینه هر روز فرشتگان با ایشان ده مرتبه مصافحه کنند. در هر صورت بزرگداشت این روز شریف لازم است، و اعمال آن چند چیز است:

اول: روزه که کفاره شصت سال گناه است، و در حدیثی است روزه این روز برابر روزه تمامی عمر دنیا و معادل با صد حج و صد عمره است. دوم: غسل. سوم: زیارت امیر مؤمنان علیه السلام و شایسته است انسان هر کجا باشد، بکوشد که خود را به قبر مطهر آن حضرت برساند، و برای آن جناب در این روز سه زیارت مخصوص روایت شده که یکی از آنها زیارت معروف به «امین الله» است، که هم از نزدیک و هم از راه دور خوانده می شود، و آن از زیارات جامعه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 441

مطلقه است، و در باب زیارات ان شاء الله تعالی خواهد آمد. چهارم: تعویذی [ذکر مربوط به پناه جستن به خدا از ناملایمات و شرور] را که سید ابن طاووس در کتاب «اقبال» از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده بخواند. پنجم: دو رکعت نماز بجا آورد، و به سجده رود، و صد مرتبه شکر خدا گوید، آنگاه سر از سجده بردارد و بخواند:

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق اینکه تنها تورا ست سپاس، یگانه‌ای شریکی نداری و تویی یکتا، یگانه، بی‌نیاز، نزاده‌ای و نه زاده شده‌ای، و یکتایی که همتایی نداری، و محمد بنده و رسول توست، درودهایت بر او و خاندانش، ای آن که هر روز درکاری است، چنان که در شأنت بود، که بر من تفضل نمودی، به اینکه مرا از اهل اجابت و دین و دعوت قرار دادی، و در آغاز آفرینش از روی تفضل و کرم و جود خویش، بر این امور موفقم داشتی، سپس از روی رأفت و رحمت، به دنبال آوردی این فضل را با فضلی دیگر، و این جود را با جودی دیگر، و این کرم را با کرمی دیگر، تا اینکه آن پیمان را برایم از نو تازه کردی، پس از تجدید آفرینش، و حال آنکه در فراموشی کامل بودم، فراموشکار و بی‌توجه و بی‌خبر، پس نعمت را بر من تمام کردی، به اینکه آن پیمان را به یادم انداختی، و به آن بر من منت نهادی، و به آن راهنمایی نمودی، پس از شأنت تو باشد، ای خدای من و آقا و مولایم، اینکه آن را بر من تمام کنی، و از دستم نگیری، تا بر پایه آن از دنیایم ببری، درحالی که از من خشنود باشی، به یقین تو سزاوارترین نعمت‌دهندگان، بر اینکه نعمت را بر من تمام کنی خدایا به لطف تو شنیدیم و اطاعت کردیم، و دعوت‌کننده‌ات را اجابت نمودیم، تو را سپاس، آمرزش را خواهیم پروردگارا، و بازگشت ما به سوی توست، ایمان آوردیم به خدای یگانه، شریکی برای او نیست، و به رسولش محمد (درود خدا بر او و خاندانش باد)، او

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 442

تصدیق کردیم و خواننده خدا را اجابت نمودیم، و از پیامبرش پیروی کردیم، در رابطه با موالات مولایمان و مولای همه اهل ایمان، امیر المؤمنین علی بن ابیطالب، بنده خدا و برادر رسول خدا و صدیق اکبر، و حجت بر مخلوقات خدا، آن مولایی که خدا پیامبر و دین بر حق و آشکارش را به او تأیید کرد، نشانه دین خدا و خزانه‌دار دینش، و ظرف غیب خدا، و جایگاه سر خدا، و امین خدا بر خلقش، و گواه او در مخلوقاتش، خدایا پروردگارا ما شنیدیم نداکننده‌ای که ندا می‌کرد برای ایمان، که به پروردگارتان ایمان بیاورید، پس ما ایمان آوردیم، پس گناهانمان را ببامرز و بدیهایمان را ببوشان، و ما را با نیکان بمیران، پروردگارا به ما عنایت کن آنچه را وسیله فرستادگانت به ما وعده دادی، و در روز قیامت ما را رسوا مکن، به یقین تو خلف وعده نمی‌کنی، ما ای پروردگارمان به منت و لطف دعوت‌کننده‌ات را پاسخ گفتیم، و از پیامبرت پیروی

نمودیم و او را تصدیق کردیم، و مولای مؤمنان را باور نمودیم، و به جبت و طاغوت کفر ورزیدیم، ما را تابع آن که به ولایت پذیرفتیم قرار بده، و با امامان محشور فرما، ما به آنان ایمان و باور داریم، و نسبت به آنان تسلیم، ایمان آوردیم به به نّهان و آشکارشان، و حاضر و غایبشان و زنده و مرده‌شان، و به آنان به عنوان پیشوایان و پیشروان و سروران خویش خوشنود گشتیم و همانان، بین ما و خدا از سایر خلق بسند، به جای آنان عوضی نجویم، و جز ایشان کسی را به عنوان خلیفه برنگیریم، و به خدا بیزاری جستیم از هرکه از جنّ و انس، از اولین و آخرین، در برابرشان جنگی بر پا کرد، و کافر شدیم به جبت و طاغوت، و بتهای چهارگانه و شیعیان و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 443

پیروانشان، و هرکه از جنّ و انس دوستشان دارد، از اوّل روزگار تا پایانش. خدایا تو را گواه می‌گیریم که ما معتقدیم به آنچه معتقد شدند به آن محمد و خاندان محمد (درود خدا بر او و خاندانش باد)، و گفتار ما آن است که آنان گفتند، و دینمان همان است که آنها متدین به آن بودند، هرچه را گفتند گفتیم، و به آنچه معتقد شدند معتقد شدیم، و هرچه را انکار کردند انکار کردیم، و هرکه را دوست داشتند دوست داشتیم، و هرکه را دشمن داشتند دشمن داشتیم، و هرکه را لعنت کردند لعنت کردیم، و از هرکه بیزار شدند، از او بیزار شدیم، و هرکه را مورد رحمت قرار دادند، مورد رحمت قرار دادیم، ایمان آوردیم، و تسلیم و راضی شدیم، و از موالیانمان (درود خدا بر آنان) پیروی کردیم. خدایا آن را بر ما کامل کن، و از دستمان مگیر، و آن را نزد ما مستقرّ و ثابت قرار ده، و موقت مگردان، و ما را بر آن زنده بدار، تا گاهی که زنده‌مان داری، و بر آن بمیران، تا زمانی که ما را می‌میرانی، خاندان محمد امامان ما هستند، به آنان اقتدا می‌کنیم، و آنان را دوست می‌داریم، دشمنان‌شان را که دشمن خدایند دشمن می‌داریم، پس ما را در دنیا و آخرت با آنان قرار ده، و از مقرّبان پیشگاهت گردان، که ما به همان راضی هستیم، ای مهربان‌ترین مهربانان.

باز به سجده رود و صد مرتبه «الحمد لله» و صدر مرتبه «شکر الله» بگوید، روایت شده: هرکه این عمل را بجا آورد، ثواب کسی را داشته باشد، که روز عید غدیر، خدمت رسول صلی الله علیه و آله حاضر شده، و با آن حضرت بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بیعت کرده باشد تا آخر خبر. بهتر این است که این نماز را نزدیک به هنگام زوال بجا آورد، که حضرت رسول صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را در آن ساعت برای مردم به امامت و خلافت نصب فرمود. در این نماز در رکعت اول پس از سوره «حمد» سوره «قدر»، و در رکعت دوم سوره «توحید» را بخواند. ششم:

غسل کند، و به نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد، در هر رکعت سوره «حمد» يك بار، و سوره «توحید» ده بار، و «آیه الکرسی» ده بار، و ده بار «اَنَّا انزلنا» خوانده شود، که برابر صد هزار حج و صد هزار عمره است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 444

و باعث برآورده شدن حوائج دنیا و آخرت او، به آسانی و عافیت، از جانب خدای کریم است، و پوشیده نمایند، که در کتاب «اقبال» در بیان این نماز سوره «اَنَّا انزلنا» مقدّم بر «آیه الکرسی» ذکر شده، و علامه مجلسی در «زاد المعاد» از کتاب «اقبال» پیروی کرده و سوره «قدر» را مقدّم داشته، چنان که این حقیر هم در کتب دیگر به این صورت ذکر کرده‌ام، ولی برابر با پی‌جویی زیادی که کردم، بیشتر «آیه الکرسی» را مقدّم بر «قدر» دیدم. احتمال اینکه از قلم مبارک سید در کتاب «اقبال» سهوی شده، یا ناسخان در این نماز، هم در عدد «حمد» و هم در مقدّم داشتن «قدر» بر «آیه الکرسی» اشتباهی کرده‌اند، یا این که این عمل مستقلی غیر از آن نماز است بسیار بعید به نظر می‌رسد، و الله تعالی عالم. و بهتر این است که پس از این نماز تمام این دعا را بخواند: «رَبَّنَا اَنَّا سَمِعْنَا مَنَادِيَا ...»

هفتم: دعای ندبه را بخواند. هشتم: این دعا را بخواند، که سید ابن طاووس از شیخ مفید روایت کرده:

خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق محمد پیامبر، و علی نماینده‌ات، و شأن و مرتبه‌ای که آن دو را ممتاز از مخلوقات به آن اختصاص دادی، بر محمد و علی درود فرستی، و در هر خیری که فوری است از آنان آغاز کنی. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، آن امامان پیشرو، و دعوت‌کنندگان سرور، و ستارگان درخشان، و نشانه‌های فروزان، و تدبیرکنندگان دنیا و آخرت بندگان، و پایه‌های ممالك، و ناقه فرستاده شده، و کشتی نجات که روان در دریاها عمیق است. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، خزانه‌داران دانش، و پایه‌های توحید، و ستونهای دین، و معادن کرامت، و برگزیدگان از مخلوقات و بهترین منتخبان از خلقت، آن پرهیزگاران و پاکیزگان، و نجیبان و نیکوکاران، و دری که مردم مبتلای به آند، هرکه از آن درآمد نجات یافت، و هرکه سرباز زد در هلاکت سقوط کرد. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، اهل ذکری که به پرسش از آنان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 445

دستور دادی، و خویشاوندی که به دوستی‌شان امر فرمودی و حقشان را واجب نمودی، و بهشت را بازگشتگاه کسی قرار دادی که از آثارشان پیروی نماید. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، چنان که به طاعت امر کردند، و از معصیت نهی نمودند، و بندگان را بر وحدانیت دلالت فرمودند. خدایا من از تو درخواست می‌کنم به حق محمد

پیامبرت و نجیبت و برگزیده‌ات، و امینت، و فرستاده‌ات به سوی بندگانت، و به حق امیر المؤمنین، رئیس دین و پیشرو سپیدرویان، آن‌جانشین وفادار، و صدیق اکبر، و جداکننده بین حق و باطل، و گواه بر تو و رهنمای به سوی تو، و آشکارکننده دستورت، و جهادکننده در راهت، که او را ملامت ملامت‌کننده‌ای درباره تو و نگیرد، که بر محمد درود فرستی، و مرا در این روز که برای ولایت، عهد امام را بر عهده بندگانت بستی، و برای آنان دین را کامل نمودی، از آگاهان به حرمتش، و اقرارکنندگان به فضلش قرار دهی، و همچنین از آزادشدگان و رهاگشتگان از آتش به حساب آری، و حسودان نعمتها را به سرزنش من مياور.

خدایا چنان‌که آن را عید بزرگ‌ترت قرار داده‌ای، و آن را در آسمان روز عهد معهود، و در زمین روز پیمان گرفتن و انجمن پرسیده نامیدی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و دیدگان ما را به آن روشن فرما، و پراکندگی ما را به آن جمع کن، و پس از آنکه هدایمان نمودی، گمراهان مکن، و به نعمتهایت از سپاسگذاران قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان. خدا را سپاس که برتری این روز را به ما شناساند، و ما را به حرمت آن بینا فرمود، و به آن گرامی داشت،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 446

و با شناختش به ما شرافت داد، و به نورش هدایمان نمود، ای رسول خدا، ای امیر المؤمنین، بر شما و خاندانتان و بر دوستدارانتان از جانب من برترین سلامها، تا شب و روز باقی است، و به واسطه شما به خدا روی می‌آورم، پروردگارم و پروردگار شما، در به دست آوردن خواسته‌ام، و برآورده شدن حاجتم، و آسان شدن کارهایم. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق محمد و خاندان محمد که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و لعنت کنی کسی را که حقانیت این روز را منکر شده، و حرمتش را به انکار برخاسته، و از راهت برای خاموش کردن نورت جلوگیری نموده است، ولی خدا هرگز نخواهد، مگر اینکه نورش را به کمال رساند، خدایا گشایش ده به اهل بیت محمد پیامبرت، و برطرف کن از آنان، و به وسیله آنان گرفتاریها را از اهل ایمان. خدایا زمین را به وسیله آنان پر از دادگری کن، همانطور که از ستم و بی‌داد پر شده است، به آنچه که به آنان وعده داده‌ای وفا کن، که تو خلف وعده نمی‌کنی. و اگر بتواند، دعای مبسوط را که سید در کتاب «اقبال» روایت کرده بخواند. نهم: چون مؤمنی را ملاقات کند این تهیت را گوید: سپاس خدای را، که ما را از چنگ‌زندگان به ولایت امیر المؤمنین و امامان دیگر درود بر آنان قرار داد. و نیز بخواند: خدای را سپاس که ما را به این روز گرامی داشت، و از وفاکنندگان به عهدش که بر عهده ما نهاده بود، و پیمان‌ش که با ما بسته بود قرار داد، عهد و پیمانی که عبارت است از ولایت سرپرستان امرش، و قیام‌کنندگان به عدلش، و ما را از انکارکنندگان، و تکذیب‌کنندگان

روز جزا قرار نداده. دهم: صد مرتبه بگوید: خدای را سپاس، که کمال دینش، و تمام نعمتش را به ولایت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (درود خدا بر او) قرار داد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 447

آگاه باش در این روز شریف، برای هر يك از امور زیر فضیلت بسیاری است: پوشیدن جامه‌های نیکو، زینت کردن، استعمال بوی خوش، شادی کردن، و شاد نمودن شیعیان امیر المؤمنین علیه السّلام، گذشت از تقصیرات شیعیان، برآوردن حاجات آنان، صله ارحام، توسعه دادن بر اهل و عیال، اطعام اهل ایمان، افطار دادن به روزه‌داران، مصافحه با مومنان رفتن به زیارت آنان، تبسم نمودن بر چهره ایشان، و فرستادن هدایا برای اهل ایمان، و بجا آوردن شکر و سپاس بخاطر نعمت بزرگ ولایت، بسیار صلوات فرستادن، انجام عبادات و طاعات بسیار. کسی که در این روز يك درهم به برادر مؤمن خود بدهد، برابر با صد هزار درهم در غیر این روز است. طعام دادن در این روز به يك مؤمن مانند طعام دادن به همه پیامبران و صدیقان است. در خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در روز غدیر چنین آمده است:

هرکه مؤمن و روزه‌دار را به وقت افطارش افطار دهد، مانند آن است که ده «فنام» را افطار داده باشد، شخصی از جای برخاست و عرضه داشت: یا امیر المؤمنین «فنام» چیست؟ ایشان فرمود صد هزار پیغمبر و صدیق و شهید، پس چگونه خواهد بود، کثرت فضیلت حال کسی که جمعی از مردان و زنان مؤمن را کفایت کند، من امان او را از کفر و فقر بر خدای تعالی ضامن هستم ... تا آخر خبر.

در هر صورت فضیلت این روز شریف، بیش از آن است که ذکر شود، و این روز قبولی اعمال شیعیان، و روز برطرف شدن غمهای ایشان است و روزی است که حضرت موسی علیه السّلام بر ساحران پیروز شد، و خدا آتش را بر ابراهیم علیه السّلام سرد و سلامت نمود و حضرت موسی علیه السّلام یوشع بن نون را جانشین خود کرد، و حضرت عیسی شمعون الصّفا را خلیفه خود قرار داد و حضرت سلیمان علیه السّلام ملّت خود را برا جانشینی آصف بن برخیا گواه گرفت، و جناب رسول خدا بین اصحاب خود عقد برادری برقرار کرد، به این خاطر عقد برادری در این روز با برادران مؤمن سزاوار است و کیفیت آن بصورتی که شیخ ما در کتاب «مستدرک الوسائل» از کتاب «زاد الفردوس» نقل فرموده است چنین است: دست راست خود را بر دست راست برادر مؤمن خود بگذارد، و بگوید:

در راه خدا برادرت شدم، و در راه خدا دوست با صفایت گشتم، و در راه خدا با تو دست دادم، و با خدا و فرشتگان، و کتابهایش و رسولان و پیامبرانش، و امامان معصوم (درود بر آنان) عهد کردم، بر اینکه اگر از اهل

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 448

بہشت و شفاعت بودم، و بہ من اجازہ دادہ شد. کہ وارد بہشت شوم، بہ بہشت وارد نشوم مگر اینکہ تو ہم با من باشی.

آنگاہ براد مؤمن بگوید: پذیرفتم سپس بگوید: ہمہ حقوق برادری را از توس اقط کردم، بہ جز شفاعت و دعا و زیارت. فیض کاشانی در کتاب «خلاصۃ الذاکر»، صیغہ اخوت را قریب بہ ہمین صورت ذکر کردہ، آنگاہ فرمودہ: طرف مقابل قبول نماید برای خود، یا موکل خود بہ لفظی کہ دلالت بر قبول نماید. سپس از یکدیگر جمیع حقوق برادری را جز دعا و زیارت ساقط کنند.

روز بیست و چہارم: بنابر اشہر روزی است کہ رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ با نصارای نجران مباہلہ کرد، و پیش از مباہلہ عبا بر دوش مبارک گرفت، و حضرت امیر المؤمنین و فاطمہ و حسن و حسین علیہم السّلام را زیر عبا جا داد و گفت: پروردگارا ہر پیامبری را اہل بیٹی بودہ، کہ مخصوص ترین خلق نسبت بہ او بودند، خدایا اینان اہل بیت منند، از ایشان شک و گناہ را برطرف ساز، و پاک کن ایشان را پاک کردنی کامل، پس جبرائیل نازل شد، و آیہ تطہیر را در شأن ایشان فرود آورد، آنگاہ رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ آن چہار بزرگوار را برای مباہلہ بہ بیرون برد، چون نگاہ نصاری بر ایشان افتاد، و حقیقت آن حضرت و آثار نزول عذاب را مشاہدہ کردند، جرأت بر مباہلہ را از دست دادہ، و استدعای مصالحہ و قبول جزیہ کردند. در این روز حضرت امیر المؤمنین علیہ السّلام در حال رکوع انگشت خود را بہ سائل داد، و آیہ «**أَنَا وَلِکُمُ اللّٰہُ**» در شأن آن حضرت نازل گشت. در ہر صورت این روز دارای شرافت بسیاری است، و در آن چند عمل وارد است: اوّل: غسل. دوّم: روزہ گرفتن. سوّم: خواندن دو رکعت نماز، کہ در وقت و کیفیت و ثواب مانند نماز روز عید غدیر است، و اینکہ «آیۃ الکرسی» در نماز مباہلہ باید تا «**ہم فیہا خالدون**» خواندہ شود. چہارم: خواندن دعای مباہلہ می باشد، کہ شبیہ بہ دعای سحر ماہ رمضان است، و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس نقل کردہ اند، ولی بین روایات آن دو بزرگوار اختلاف زیادی است، و من روایت شیخ طوسی را در کتاب «مصبّح» برگزیدہ ام کہ فرمودہ است:

دعای روز مباہلہ ہمراہ با فضیلت آن، از حضرت صادق علیہ السّلام روایت شدہ، و آن دعا این است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 449

خدایا از تو درخواست می کنم از زیباییات بہ حق برترین مرتبہ زیباییات، و ہمہ مراتب آن زیباست، خدایا از تو درخواست می کنم بہ ہمہ مراتب زیباییات. خدایا از تو درخواست می کنم از بزرگیات بہ حق برترین مرتبہ بزرگیات، و ہمہ

مراتب بزرگی است بزرگ است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه مراتب عظمتت. خدایا از تو درخواست می‌کنم از جمالت، به حق برترین مرتبه جمالت، و همه مراتب جمال تو جمیل است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه مراتب جمالت. خدایا تو را می‌خوانم چنان که فرمان دادی، پس اجابتم کن چنان که وعده فرمودی، خدایا از تو درخواست می‌کنم از شکوهت، به حق برترین مرتبه شکوهت، و همه مراتب شکوهت شکوهمند است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه مراتب شکوهت. خدایا از تو درخواست می‌کنم از نورت، به حق برترین مرتبه نورت، و همه نورت نورانی است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه نورت، خدایا از تو درخواست می‌کنم از رحمت، به حق وسیع‌ترین مرتبه رحمت و همه رحمت وسیع است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه رحمت. خدایا تو را می‌خوانم چنان که فرمانم دادی، پس اجابتم کن چنان که وعده فرمودی. خدایا از تو درخواست می‌کنم از کمال به حق برترین مرتبه کمال، و همه کمال کامل است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه کمال، خدایا از تو درخواست می‌کنم از کلمات به حق تمام‌ترین کلمات، و همه کلمات تمام است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه کلمات، خدایا از تو درخواست می‌کنم از نامهایت به حق بزرگ‌ترین آنها، و همه نامهایت بزرگ است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق همه نامهایت. خدایا تو را می‌خوانم چنان که فرمانم دادی، پس اجابتم کن، چنان که وعده فرمودی، خدایا از تو درخواست می‌کنم از عزّت، به حق برترین مرتبه عزّت، و همه عزّت عزیز است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 450

عزّت، خدایا از تو درخواست می‌کنم از مشیّت به حق گذرترین مشیّت و همه مشیّت گذراست، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه مشیّت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به قدرت که با آن بر همه چیز برتری گرفتی، و همه قدرت تو برتری گیر است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه قدرت. خدایا تو را می‌خوانم، چنان که فرمانم دادی، پس اجابتم کن، چنان که وعده فرمودی، خدایا از تو درخواست می‌کنم از علمت به حق نافذترین آن و همه علم تو نافذ است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه علمت. خدایا از تو درخواست می‌کنم از گفتارت به حق پسندیده‌ترین آن. و همه گفتارت پسندیده است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه گفتارت. خدایا از تو درخواست می‌کنم از خواسته‌هایت به حق محبوب‌ترین آنها، و همه آنها نزد تو محبوب است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه خواسته‌هایت. خدایا تو را می‌خوانم چنان که فرمانم دادی، پس اجابتم کن چنان که وعده فرمودی، خدایا از تو درخواست می‌کنم از شرف به حق برترین مرتبه شرف، و همه شرف شریف است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه شرف. خدایا از تو

درخواست می‌کنم از سلطنت، به حق پایدارترین آن. و همه سلطنت پایدار است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه سلطنت. خدایا از تو درخواست می‌کنم از فرمانرواییات به حق گرانمایه‌ترین آن، و همه فرمانرواییات گرانمایه است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه فرمانرواییات. خدایا تو را می‌خوانم چنان‌که فرمانم دادی. پس اجابتم کن چنان‌که وعده فرمودی. خدایا از تو درخواست می‌کنم از والاییات به حق والاترین آن، و همه والاییات والا است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه والاییات. خدایا از تو درخواست می‌کنم از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 451

آیات به حق شگفت‌ترین آیات، و همه آیات شگفت است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه آیات. خدایا از تو درخواست می‌کنم از نعمت به حق دیرینه‌ترین آن و همه نعمت دیرین است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه نعمت. خدایا تو را می‌خوانم چنان‌که فرمانم دادی، پس اجابتم کن، چنان‌که وعده فرمودی. خدایا از تو درخواست می‌کنم، به حق آنچه که در آن قرار دادی از مقام و جبروت، خدایا از تو درخواست می‌کنم به تمام مقام و تمام جبروت. خدایا از تو درخواست می‌کنم به آنچه با آن اجابتم می‌نمایی، زمانی که از تو می‌خواهم، ای خدا، ای که معبودی جز تو نیست، از تو می‌خواهم به زیبایی اینکه معبودی جز تو نیست. ای که معبودی جز تو نیست، از تو می‌خواهم به بزرگی اینکه معبودی جز تو نیست. ای که معبودی جز تو نیست، از تو می‌خواهم به حق اینکه معبودی جز تو نیست. خدایا تو را می‌خوانم چنان‌که فرمانم دادی، پس اجابتم کن چنان‌که وعده فرمودی. خدایا از تو درخواست می‌کنم از روزیات به همگانه‌ترین آن، و همه روزیات همگانی است. خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه روزیات، خدایا از تو درخواست می‌کنم از عطایت، به حق گواراترین آن، و همه عطایت گواراست. خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه عطایت، خدایا از تو درخواست می‌کنم از خیرت به فوری‌ترین آن، و همه خیرت فوری است. خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه خیرت. خدایا از تو درخواست می‌کنم از فضلت، به حق فزون‌ترین آن، و همه فضلت فزون است، خدایا از تو درخواست می‌کنم به همه فضلت. خدایا تو را می‌خوانم چنان‌که فرمانم دادی، پس اجابتم کن چنان‌که وعده فرمودی. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا برانگیز بر ایمان به خود

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 452

و تصدیق به رسالت (درود خدا بر او و خاندانش باد)، و ولایت علی بن ابیطالب (ع) و بیزاری از دشمنش، و اقتدا به امامان از خاندان محمد (درود خدا بر آنان باد)، که من به این واقعیت راضی شده‌ام. خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسالت در میان پیشینیان، و درود فرست بر محمد در میان آیندگان، و درود فرست بر محمد، در میان آسمانیان، و درود فرست بر محمد در میان فرستادگان. خدایا به محمد عطا کن، وسیله و شرف و فضیلت و درجه بزرگ. خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و به آنچه روزی‌ام نمودی خشنود بدار، و در آنچه به من عنایت کردی برکت ده، و در غیبت و در غیاب هر غایبی که او از من است نگهدارم باش. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بر پایه ایمان به خود و باور داشتن به پیامبرت برانگیز، خدای بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و از تو می‌خواهم خوب‌ترین خوبها را که خشنودی‌ات و بهشت است، و به تو پناه می‌آورم از بدترین بدها که خشم و آتش است. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا محافظت فرما از هر مصیبت و هر بلا، و از هر عقوبت، و هر فتنه، و هر آزمایش، و هر شر، و هر امر ناپسند، و هر پیش‌آمد، و هر آفت که از آسمان بر زمین فرود آید، یا فرود می‌آید، در این ساعت و در این شب، و در این روز، و در این ماه، و در این سال خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و روزی من کن از هر شادی، و هر خوشحالی، و هر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 453

پایداری و هر گشایش و هر عافیت و هر سلامت و هر کرامت، و هر روزی وسیع حلال پاك و هر نعمت، و هر وسعتی که از آسمان بر زمین نازل شد یا می‌شود. در این ساعت، و در این شب، و در این روز، و در این ماه و در این سال. خدایا اگر گناهانم مرا در پیشگاهت بی‌اعتبار ساخته، و میان من و تو پرده شده، و حالم را نزد تو دگرگون نموده. من از تو درخواست می‌کنم، به حق نور جمالت که هرگز خاموش نشود، و به آبروی محمد محبوب برگزیده‌ات، و به آبروی ولایت علی مرتضی، و به حق اولیایت که آنان را برگزیدی، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و آنچه از گناهانم گذشته بیامری، و در باقی‌مانده عمر حفظم کنی، و به تو پناه می‌آورم، خدایا، از اینک هرگز به چیزی از نافرمانی‌هایم بازگردم، تا زنده‌ام بداری و تا بمیرانی، و من فرمانبردار تو باشم، و تو از من خشنود باشی، و اینکه عملم را ختم کنی به نیکوترینش، و پاداش آن را برایم بهشت قرار دهی، و با من آن کنی که شایسته آنی، ای هل تقوی و ای اهل مغفرت، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به رحمت به من رحم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان. پنجم: دعایی که شیخ طوسی و سید ابن طاووس پس از دو رکعت نماز و هفتاد مرتبه استغفار، روایت کرده‌اند بخواند، اول آن دعا «الحمد لله رب العالمین» است. در این

روز دادن صدقه به تهیدستان به خاطر پیروی از مولای همه مردان و زنان با ایمان، و زیارت آن حضرت، شایسته است، و مناسب‌تر زیارت جامعه است.

روز بیست و پنجم: روز بس شریفی است، و روزی است که سوره «هل اتی» در حق اهل بیت نازل شد برای اینکه سه روز روزه گرفتند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 454

و افطاری خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و خود با آب افطار نمودند! و سزاوار است شیعیان اهل بیت در این ایام به ویژه در شب بیست و پنجم در دادن صدقه به مساکین و ایتام، و سعی در اطعام ایشان، و روزه داشتن این روز پیروی از مولایان خود کنند. از آنجا که بعضی از علما این روز را روز مباحله می‌دانند، مناسب است زیارت جامعه و دعای مباحله را نیز در این روز بخوانند.

روز آخر ذو الحجه: آخرین روز سال عربها است، سید در کتاب «اقبال» براساس يك روايت ذكر کرده است که دو رکعت نماز بجا آورد، و در هر رکعت سوره «حمد» يك مرتبه و ده مرتبه قل هو الله احد و ده مرتبه اية الكرسي را بخواند و پس از نماز بگوید:

خدایا آنچه در این سال انجام دادم، از عملی که مرا از آن نهي کردی، و به آن راضی نبودم، و من آن را فراموش کردم، ولی تو فراموشش ننمودی، و پس از گستاخی‌ام بر تو، مرا به توبه دعوت کردی، خدایا من از تو آمرزش می‌خواهم، پس مرا بیمارز، و آنچه انجام دادم از عملی که به تو نزدیکم کند، از من قبول کن، و امیدم را از خودت قطع مکن ای کریم. چون این را بگوید، شیطان فراید می‌زند: وای بر من، آنچه در این سال علیه او رنج بردم، همه را خراب کرد، و سالی که گذشت برای او گواهی می‌دهد، که سالش را ختم به خیر نمود.

فصل هفتم: اعمال ماه محرم

آگاه باش که این ماه، ماه حزن و اندوه اهل بیت علیهم السلام و شیعیان ایشان است. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده: چون ماه محرم فرا می‌رسید، کسی پدرم را خندان نمی‌دید، و پیوسته تا روز دهم اندوه و حزن بر او غالب بود،

چون روز عاشورا میشد روز مصیبت و حزن و گریه، ایشان بود، و می فرمودند: امروز روزی است که حسین علیه السلام شهید شد.

شب اول: سید ابن طاووس در کتاب «اقبال» برای این شب، چند نماز ذکر فرموده: اوّل: صدر رکعت که در هر رکعت سوره های «حمد» و سوره توحید» خوانده می شود. دوّم: دو رکعت که در رکعت اول سوره های «حمد» و «انعام»، و در رکعت دوم سوره های «حمد» و «یس» خوانده می شود. سوم: دو رکعت که در هر رکعت سوره «حمد» و یازده سوره «توحید» خوانده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 455

می شود. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکه این دو رکعت نماز را در این شب بجا آورد، و فردایش را که اول سال است روزه بدارد، مانند کسی است که همه طول سال را همواره کار خیر کرده، و در آن سال محفوظ باشد، و اگر بمیرد به بهشت می رود. سید ابن طاووس برای هلال این ماه دعای مبسوطی ذکر کرده است.

روز اول: بدان که روز اوّل محرم، اول سال قمری است، و در آن دو عمل وارد شده:

اول: روزه گرفتن، در روایت ریان بن شبيب از حضرت رضا علیه السلام روایت شده: هرکه در این روز روزه بدارد، و خدا را بخواند خدا دعای او را مستجاب کند، چنان که دعای زکریا را اجابت فرمود. دوم: از حضرت رضا علیه السلام روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله روز اول محرم دو رکعت نماز بجا آورد، و چون فارغ می شد، دستها را به آسمان برمی داشت و این دعا را سه مرتبه می خواند:

خدایا تویی معبود ازلی، و این است سال نو، در این سال از تو درخواست می کنم حفظ شدنم را از شیطان، و قدرت و غلبه و بر نفس فرمانده به گناه، و مشغول بودن به آنچه که مرا به تو نزدیک می کند، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، ای اندوخته کسی که اندوخته ای ندارد، ای پناهگاه کسی که پناهگاهی ندارد، ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد، ای پشتوانه کسی که پشتوانه ای ندارد، ای گنجینه کسی که گنجی ندارد، ای نیکو آزمایش، ای بزرگ امید، ای عزّت ناتوان، ای نجات بخش غرق شدگان، ای رهاننده هلاک شدگان، ای نعمت دهنده، ای زیباکار، ای فزون بخش، ای نیکوکار، تویی که برایت سجده کرد، سیاهی شب، و روشنی روز، و تابش ماه، و شعاع خورشید، و خروش آب و صدای برگ درختان، ای خدا شرکی برای تو نیست. خدایا ما را بهتر از آنچه گمان می کنند قرار ده، و از ما آنچه را نمی دانند بیامرز، و به آنچه از ما می گویند سرزنشمان مکن، خدا مرا بس است،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 456

معبودی جز او نیست، بر او تکیه کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است، به او ایمان آوردم. همه چیزها از جانب پروردگار ماست، و یادآور نشوند مگر صاحبان خرد، پروردگارا دلهای ما را بعد از آنکه هدایت‌مان فرمودی منحرف مکن، و از نزد خود رحمتی به ما ببخش، همانا تو بخشنده‌ای. شیه طوسی فرموده: که روزه دهه اول محرم مستحب است ولی روز عاشورا تا بعد از عصر از خوراکی و آشامیدنی خودداری کند، آنگاه کمی تربت بخورد، و سید روایت کرده که روزه تمام این ماه فضیلت دارد، و روزه آن روز روزه‌دار را از هر گناهی حفظ می‌کند.

روز سوم: روزی است که حضرت یوسف علیه السلام از زندان آزاد شد، هرکه آن روز را روزه بگیرد، حق تعالی کارهای مشکل را بر او آسان کند و اندوه را از او برطرف سازد، و در روایت نبوی آمده: دعایش اجابت شود.

روز نهم: روز تاسوعات. از امام صادق علیه السلام روایت شده: تاسوعا روزی است که امام حسین علیه السلام و اصحابش را در کربلا محاصره کردند و سپاه شام برای جنگ با آن حضرت گرد آمدند و ابن مرجانه و عمر سعد، به خاطر کثرت سپاه و بسیاری لشگر، که برای آنها گرد آمده بودند، خوشحال شدند، و امام حسین علیه السلام و اصحابش را ضعیف به حساب آوردند، و یقین کردند که برای حضرت یآوری نخواهد آمد، و اهل عراق او را مدد نخواهند کرد، سپس فرمود: پدرم فدای آن ضعیف غریب.

شب دهم: شب عاشورا است، سید سید در کتاب «اقبال» برای این شب دعاها و نمازهای بسیار با فضیلت‌های فراوان روایت کرده، از جمله صدر رکعت نماز که در هر رکعت پس از سوره حمد سه مرتبه سوره توحید خوانده، و بعد از پایان صد رکعت هفتاد مرتبه بگوید:

منزه است خدا، و سپاس خدای را، و نیست معبودی جز خدا، و خدا بزرگتر است، و جنبش و نیروی نیست مگر به خدای برتر بزرگ. و در روایت دیگر پس از العلی العظیم استغفار هم ذکر شده. و نیز چهار رکعت نماز در آخر شب که در هر رکعت پس از سوره حمد، هرکدام از آیه الكرسی و سوره‌های توحید و فلق، و ناس را ده مرتبه بخواند، و پس از سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 457

صدمرتبه سوره تحید را قرائت کند. و دیگر چهار رکعت نماز، د رهر رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید و این نماز برابر است با نماز امیر المؤمنین علیه السّلام که فضیلت بسیار دارد، و فرموده: پس از نماز، بسیار ذکر خدا کند، و صلوات بسیار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستد، و هرچه می‌تواند بر دشمنان ایشان لعن کند. و در فضیلت احیا این شب روایت کرده: مانند آن است که عبادت کرده باشد به عبادت جمیع فرشتگان، و عبادت در آن، برابر هفتاد سال عبادت است، و اگر کسی را توفیق دست دهد، در چنین شبی در کربلا باشد، و امام حسین علیه السّلام را زیارت کند و نزد آن حضرت تا صبح بیتوته کند، خدا او را آغشته به خون امام حسین علیه السّلام در زمره شهدا با آن حضرت محشور فرماید.

روز دهم: روز شهادت سید الشهداء علیه السّلام، و روز مصیب و حزن ائمه طاهرین علیهم السّلام و شیعیان ایشان است، و در این روز سزاوار است شیعیان مشغول کاری از کارهای دنیا نگردند، و برای خانی خود چیزی ذخیره نکنند، و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشند، و عزاداری حضرت امام حسین علیه السّلام را بر پا کنند و اشتغال به ماتم داشته باشند به صورتی که در ماتم عزیزترین اولاد و اقوام خود اشتغال می‌ورزند، و آن حضرت را به زیارت عاشورا که پس از این در باب زیارات [صفحه 704] بیاید، زیارت کنند.

و در نفرین و لعن بر قاتلان آن حضرت سعی نمایند.

و یکدیگر را در مصیبت آن وجود مقدّس به این جملات تعزیت گویند:

خدا مردهای ما را به خاطر سوگواری‌مان برای حسین (درود بر او باد) بزرگ گرداند، و قرار دهد ما و شما را از خوئخواهانش به همراه ولی‌اش امام مهدی از خاندان محمد (درود بر ایشان باد). و سزاوار است در این روز مقتل [کتابهایی که پیرامون واقعه کربلا نگاشته شده است] بخوانند، و یکدیگر را بگریانند. روایت شده که چون حضرت موسی به ملاقات حضر و فراگرفتن بعضی از حقایق از آن جناب مأمور شد. اول چیزی که در هنگام ملاقات بین ایشان مذاکره شد، این بود که خضر برای حضرت موسی مصائب و بلاهایی را که بر آل محمد علیهم السّلام وارد می‌شود ذکر نمود و هر دو گریستند، و گریستن ایشان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 458

شدّت گرفت. از ابن عباس روایت شده است: در ذی قار خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام رسیدم، صحیفه‌ای به خط خود و املاء پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آورد، و از آن صحیفه برای من خواند، در آن صحیفه مقتل امام حسین علیه السّلام بود، و اینکه چگونه شهید می‌شود، و چه کسی او را به شهادت می‌رساند، و چه کسی او را یاری می‌کند،

و چه کسی با او شهید می‌شود، پس آن حضرت گریه کرد و گریه‌ای سخت و مرا به گریه انداخت. فقیر گوید: اگر مقام را گنجایش بود، مختصر مقتلی در اینجا ذکر می‌کردم، اما محل را گنجایش آن نیست هرکه بخواهد به کتابهای ما در زمینه مقتل رجوع کند. در هر صورت اگر کسی در این روز نزد قبر مطهر آن حضرت باشد، و مردم را آب دهد، مانند کسی است که لشکر آن جناب را آب داده باشد، و با آن حضرت در کربلا حاضر بوده، و خواندن هزار مرتبه سوره توحید در این روز فضیلت بسیار دارد، و روایت شده: خدای رحمان به سوی او نظر رحمت کند، و سید برای این روز دعای ینقل کرده شبیه به دعای عشرات، بلکه موافق بعضی روایات، ظاهرا خود آن دعا باشد.

شیخ طوسی از عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام چهار رکعت نماز و دعایی نقل کرده است که باید در این روز در وقت چاشت بجا آورد، ما به خاطر اختصار ذکر نکردیم، هرکه طالب است به زاد المعاد رجوع کند و نیز شایسته است که شیعیان در این روز بی‌آنکه قصد روزه کنند، از خوردن و آشامیدن امساك نمایند. و در آخر روز، پس از عصر افتار کنند به غذایی که اهل مصیبت می‌خورند، مانند ماست یا شیر و امثال آنها، نه مثل غذاهای لذیذ، و جاه‌های پاکیزه بپوشند، و به هیئت صاحبان مصیبت دگمه‌ها را بکشایند، و آستینها را بالا بزنند، و علامه مجلس در زاد المعاد فرموده: بهتر آن است که روز نهم و دهم را روزه نگیرد، زیرا بنی‌امیه این دو روز را برای برکت و ثنات بر قتل آن حضرت روزه می‌داشتند، و به دروغ، احادیث بسیار در فضیلت این دو روز، و روزه آنها را به حضرت رسول صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند، و از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث بسیاری در مذمت روزه این دو روز به ویژه روز عاشورا وارد شده. و نیز بنی‌امیه علیهم اللعنه برای برکت، آذوقه سال را در روز عاشورا ذخیره می‌نمودند! به این خاطر از حضرت رضا علیه السلام روایت شده:

هرکه کوشیدن در حوائج خود را در روز عاشورا ترك کند، و به دنبال کاری نرود، حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هرکه روز عاشورا، روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد، حق تعالی روز قیامت را روز شادی و سرور و خوشحالی او گرداند،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 459

و دیده‌اش در بهشت به ما روشن شود، هرکه روز عاشورا را روز برکت نامد، و در آن روز برای منزل خود چیزی ذخیره نماید خدا آن ذخیره را برای او مبارك نکند، و روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد، و عمر بن سعید علیهم اللعنه محشور گردد. بنابر این انسان باید در روز عاشورا مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد، بلکه در گریه و نوحه و مصیبت باشد، و اهل خانه خود را دستور دهد که عزای آن حضرت را بپا دارند، و مشغول ماتم و سوگواری باشند، چنان‌که در سوگ

عزیزترین اولاد و اقوام خود مشغول می‌شوند، و در آن روز بی‌آنکه قصد روزه کنند، از خوردن و آشامیدن امساك ورزند، و در آخر روز پس از عصر افطار کنند گرچه به جرعه آبی باشد، و روزه کامل نگیرند، مگر آنکه در خصوص آن روز روزه واجب داشته باشد، که به نذر یا مثل آن بر او واجب شده باشد، و در آن روز در خانه خود آذوقه ذخیره نکند، و لب به خنده نکاشد، و به لُهو و لعب نپردازد، و هزار مرتبه قاتلان آن حضرت را لعنت کند و بگوید: خداوند بر قاتلان حسین (درود بر او باد) لعنت فرست مؤلف گوید: از کلام این بزرگوار معلوم می‌شود، که احادیثی که در فضیلت روز عاشورا است همه جعلی است، و به دروغ به حضرت رسول صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند. صاحب کتاب «شفاء الصدور در شرح این قسمت از زیارت عاشورا (اللهم انّ هذا يوم تبرکت به بنو امیّة سخن را در این مقام بسط داده، خلاصه‌اش آنکه، تبرک بنی‌امیّه به این روز نامیمون بر چند وجه است: اوّل: ذخیره کردن غذا و آذوقه را در این روز مستحبّ شمرند، و آن آذوقه را تا سال دیگر مایه سعادت و وسعت رزق، و رفاه زندگی دانستند، چنان‌که در اخبار اهل بیت علیهم السّلام، از باب تعریض به ایشان، از این مطلب نهی مکرّر وارد شده دوم: اقامه مراسم عید است، از توسعه رزق بر عیال، و نو کردن لباس، و کوتاه کردن شارب، و گرفتن ناخن، و مصافحه، و رسوم دیگر عید، که راه و روش بنی‌امیّه و پیروان ایشان بر آن جاری است.

سوم: التزام به روزه این روز، که اخبار بسیاری در فضیلت آن جعل کرده‌اند.

چهارم: دعا و طلب حوائج را در این روز را به عنوان روزی مبارک مستحبّ دانسته‌اند، و برای این کار در این روز، با جعل و وضع، و افترا، مناقب و فضائلی ساخته‌اند، و دعاهایی چند تلفیق کرده، تعلیم عاصیان نمودند، تا امر ملتبس، و کار مشتبّه شود، چنان‌که در خطبه‌ای که در این روز در شهرهای خود می‌خوانند، برای هر پیامبر وسیله و شرفی در این روز یاد می‌کنند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 460

مانند خاموش شدن آتش نمرود، استقرا سفینه نوح، غرق شدن لشکریان فرعون، و نجات یافتن عیسی از دار یهودیان، چنان‌که جبّله مکّیّه نقل کرده است که از میثم تمّار شنیدم که فرمود: و الله امت پسر پیامبر خود را در محرم در روز دهم به قتل می‌رسانند، و هرآینه دشمنان حق این روز را روز برکت قرار می‌دهند، و همانا این کار شدنی است، و در علم خدای تعالی گذشته، و من آن را می‌دانم به عهدی که از مولا امیر المومنین علیه السّلام به من رسیده. جبّله می‌گوید: گفتم:

چگونه مردم روز شهادت حسین علیه السلام را روز برکت قرار می دهند؟ میثم گریست و فرمود: حدیثی جعل می کنند که روز عاشورا روزی است که خدای تعالی توبه آدم را در آن قبول کرد، با اینکه خدا توبه آدم را در ذو الحجة پذیرفت، و گمان می کنند که عاشورا روزی است که خدا یونس را از شکم ماهی بیرون آورد، درحالی که خدا در ذو القعدة یونس را از شکم ماهی بیرون آورد، و گمان می کنند این روز، روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی قرار گرفت، با اینکه این واقعه در روز هیجدهم ذو الحجة رخ داده، و گمان می کنند روزی است که خدا دریا را برای موسی شکافت، درحالی که این حادثه در ربیع الاول بوده است در هر صورت با این همه تصریح و تأکید که در خبر میثم آمده است و در حقیقت از نشانه های نبوت و امامت، و دلیل بر حقانیت طریقه شیعه است، که اینگونه اخبار یقینی را در اختیار گذاشته، و مضمون آن مطابق با واقع محسوس است.

از عجایب است که دعایی بر طبق این اکاذیب، تلفیق شده، و در کتابهای بعضی از بیخبران که غافل بوده اند ذکرش به میان آمده و به دست عوام داده شده، و البته خواندن آن دعا بدعت و حرام است و آن دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، منزه است خدا به پری ترازو، و نهایت دانش، و سر حدّ خشنودی و وزن عرش. پس از دو سه سطر چنین دارد: ده مرتبه صلوات فرستد و بگوید: ای پذیرنده توبه آدم در روز عاشورا، ای بالا برنده ادریس به آسمان در روز عاشورا، ای آرام دهنده کشتی نوح بر جودی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 461

در روز عاشورا، ای فریادرس ابراهیم از آتش در روز عاشورا ...

شك نیست که این دعا را یکی از ناصبیه های مدینه، یا خوارج مسقط یا امثال اینها جعل کرده و با این جعل کردن ظلم بنی امیه را به کمال رسانده، پایان تلخیص کلام صاحب کتاب شفاء الصدور در هر صورت در پایان روز عاشورا سزاوار است یاد کردن حال اهل حضرت سید الشهداء علیه السلام و دختران و اطفال آن حضرت که در این وقت، در سرزمین کربلا اسیر دشمنان گشته، و به حزن و گریه مشغول بودند و مصائبی بر ایشان گذشت، که در خاطر هیچ آفریده ای خطوط نکند، و قلم را تاب نوشتن آن نباشد. و چه نیکو سروده هرکه سروده:

به صورت اجمال برای یادآوری یادآوران

فاجعه ای است اگر بخوایم آن را بنویسم

میان نگاه چشمها و صفحات کتاب

اشکم روان شود، پس پرده گردد

دلم گوید بر من رحمی که سوگند به خدا من از سنگ سرشته نشدم

بر آن مصیبت زمین و آسمان گریست و هرچه ما بین آن دو می باشد گریه ای خونبار

من از تحریر این غم ناتوانم که تصویرش زده آتش بجانم

ترا طاقت نباشد از شنیدن شنیدن کی بود مانند دیدن

پس برخیز به رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهرا و امام مجتبی و سایر امامان از ذریّه سید الشهداء علیهم السلام سلام کن، و ایشان را بر این مصائب جانکاه با دل سوخته و چشم گریان تعزیت بگو، و این زیارت را بخوان:

سلام بر تو ای وارث آدم، برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 462

بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد محبوب خدا، سلام بر تو ای وارث علی امیر مؤمنان ولی خدا، سلام بر تو ای وارث حسن شهید نواده رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند بشارت دهنده و بیم دهنده و فرزند آقای جانشینان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه بانوی بانوان جهانیان، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده خدا، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، سلام بر تو ای تنهایی که انتقام خونت گرفته نشد، سلام بر تو ای امام راهنما و پاك، و بر ارواحی که به آستان فرود آمدند، و در جوارت اقامت گزیدند، و همراه زائرانت وارد شدند، از من بر تو سلام تا زنده ام، و تا شب و روز بریاست، همانا عزای تو بزرگ شد، و سوگواری در میان مؤمنان و مسلمانان و در همگی اهل آسمانها و ساکنان زمین عظیم گشت، همه ما از خدا بیم و به سوی او باز می گردیم، درودها و برکات و تحیات خدا بر تو، و بر پدران پاك و پاکیزه و نجیب، و بر فرزندان راهنمای رهیافته آنان، سلام بر تو ای مولایم، و بر ایشان و بر روح تو و روح آنان، و بر خاکت و بر خاکشان. خدایا رحمت و خشنودی روح و ریحان بر آنان بیفکن، سلام بر تو، ای مولایم ای ابا عبد الله، ای فرزند خاتم انبیاء

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 463

و ای فرزند آقای جانشینان، و ای فرزند بانوی بانوان جهانیان، سلام بر تو ای شهید، ای فرزند شهید، ای برادر شهید، ای پدر شهیدان، خدایا از جانب من به حضرت او برسان، در این ساعت، و در این روز، و در این وقت، و در همه وقت، تحیت بسیار و سلام، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای فرزند آقای جهانیان و بر شهید شدگان با تو، سلامی پیوسته، به پیوستگی شب و روز، سلام بر حسین فرزند علی شهید، سلام بر علی فرزند حسین شهید، سلام بر عباس فرزند امیر مؤمنان شهید، سلام بر شهیدان از فرزندان امیر مؤمنان، سلام بر شهیدان از فرزندان حسن، سلام بر شهیدان از فرزندان حسین، سلام بر شهیدان از فرزندان جعفر و عقیل، سلام بر همه شهیدان همراه آنان از مؤمنان. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و از جانب من تحیت بسیار و سلام فراوان به ایشان برسان سلام بر تو ای رسول خدا، خدا شکیباییات را در مصیبت فرزندان حسین نیکو گرداند، سلام بر تو ای فاطمه، خدا شکیباییات را در مصیبت فرزندان حسین نیکو گرداند، سلام بر تو ای امیر مؤمنان، خدا شکیباییات را در مصیبت فرزندان حسین نیکو گرداند، سلام بر تو ای ابا محمد ای حسن مجتبی، خدا شکیباییات را در مصیبت برادرت حسین نیکو گرداند، ای مولای من ای ابا عبد الله من مهمان خدا و مهمان تو، و پناهنده به خدا، و پناهنده به توام، برای هر مهمان و پناهنده‌ای پذیرایی است، پذیرایی من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 464

در این وقت این است، که از خدای منزّه برتر بخواهی، که آزادی از آتش دوزخ را نصیب کند، همانا او شنوای دعا و نزدیک و اجابت کننده است.

روز بیست و پنجم: به گفته جمعی از علما در سال نود و چهار، یا روز دوازدهم سال نود و پنج که آن سال را سنة الفقها [سال فقهان] می گفتند، حضرت زین العابدین علیه السلام از دنیا رحلت کرد.

فصل هشتم: اعمال ماه صفر

آگاه باش که این ماه معروف به نحوست و بدیمنی است و برای رفع نحوست و بدیمنی چیزی بهتر از صدقه دادن و خواندن دعاها و استعاذات وارده نیست و اگر کسی بخواهد از بلاهای نازله این ماه، محفوظ بماند، چنان که محدث فیض و غیر او فرموده‌اند، هر روز ده مرتبه بخواند:

ای سخت نیرو، و سخت کیفر، ای عزیز، ای عزیز، ای عزیز، همه آفریدگانت در برابر عظمت خوار گشته، مرا از شهر آفریدگانت کفایت کن، ای نیکوکار، ای زیباکار، ای نعمت بخش، ای افزون کن، ای که معبودی جز تو نیست، منزهی تو، من از ستمکارانم، پس دعایش را مستجاب کردم، و او را [اشاره به رهایی حضرت یونس از دل ماهی] از اندوه نجات دادم، و اینچنین مؤمنان را نجات می دهیم، درود خدا بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش. سید ابن طاووس برای هلال این ماه دعایی روایت کرده.

روز اول: در سال سی و هفتم جنگ صفین درگرفت، و در این روز در سال شصت و یکم به قولی سر مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام را وارد دمشق کردند، و بنی امیه آن روز را عید قرار دادند، و آن روزی است که در آن غصه ها تازه می شود.

در عراق ماتمهایی بود که آن را بحساب آوردند بنی امیه در شام از عیدهای خود

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 465

و در این روز و به قولی در روز سوم، در سال صد و بیست و یک زید بن علی شهید شد.

روز سوم: سید ابن طاووس از کتابهای اصحاب ما امامیه نقل کرده است که در این روز خواندن دو رکعت نماز مستحب است که در رکعت اول سوره های حمد و انا فتحنا و در رکعت دوم سوره های حمد و توحید خوانده و پس از سلام صد مرتبه صلوات، و صد مرتبه اللهم العن ال ابی سفیان و صد مرتبه استغفار بگوید، آنگاه حاجت خود را بخواهد.

روز هفتم: به قول شهید و کفعمی و دیگران و از طرفی به قول شیخ کلینی و شیخ طوسی: در روز بیست و هشتم در سال پنجاهم شهادت حضرت مجتبی علیه السلام واقع شد. [و در این روز در سال 128 ولادت حضرت موسی بن جعفر (ع) در «ابوا» (منزلی بین مکه و مدینه) اتفاق افتاد. از مؤلف]

روز بیستم: روز اربعین و به قول شیخ مفید و شیخ طوسی روز بازگشت خانواده حضرت حسین علیه السلام از شام به مدینه، و روز ورود جابر بن عبد الله انصاری به کربلا برای زیارت امام حسین علیه السلام است، و جابر نخستین زائر آن حضرت پس از شهادت ایشان است، و زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام در این روز مستحب است. از حضرت عسگری علیه السلام روایت شده:

نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: بجا آوردن پنجاهویک رکعت نمازهای واجب و نافله در شب و روز، زیارت اربعین، انگشت به دست راست نمودن، و در سجده جبین را بر خاک گذاشتن، و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» شیخ در کتاب «تهدیب» و «مصباح» زیارت خاص این روز را از امام صادق علیه السلام نقل کرده که ما ان شاء الله در باب زیارت خواهیم آورد. [صفحه 722] روز بیست و هشتم: سال یازدهم روز وفات حضرت خاتم انبیا (صلوات الله و سلامه علیه) است، و روز وفات به اتفاق همه علما روز دوشنبه بوده، و هنگام وفات شصت و سه سال داشتند. در چهل سالگی مبعوث به رسالت شد، سیزده سال در شهر مکه مردم را به خداپرستی خواند، در سن پنجاه و سه سالگی به مدینه هجرت کرد، و در سال دهم هجری از دنیا رفت، غسل و حنوطش را امیر المؤمنین عهده‌دار بود، و پس از غسل و کفن بر بدن مطهرش نماز گذارد، آنکه اصحاب دسته‌دسته و بدون امام بر آن حضرت نماز خواندند، سپس امیر مؤمنان علیه السلام آن حضرت را در حجره طاهره، در همان نقطه‌ای که از دنیا رفته بود دفن کرد.

از انس بن مالک روایت شده: زمانی که از دفن پیامبر فارغ شدم، حضرت فاطمه علیها السلام به سوی من آمد و گفت:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 466

چگونه جان‌وروان شما همراهی کرد بر چهره پیامبر خدا خاک فرو ریزید، سپس گریست و فرمود:

پدرم، پروردگارت را که تو را فرا خواند پاسخ

پدرم، چقدر به پروردگارت نزدیکی

دادی

چه زیبا سروده شده:

ای دو جهان زیر زمین از چه‌ای

خاک نه‌ای خاک‌نشین از چه‌ای

به روایت معتبر، آن بانوی بانوان، مشتی از خاک پاک آن مرقد مطهر را بر گرفت، و بر دیدگان نهاد و فرمود:

بر بوینده خاک احمد چیست؟

اینکه تا پابان زمان عطرها را نبوید

بر من مصائبی فرود آمد که اگر آنها

بر روزها آمده بود شب می‌شدند

شیخ یوسف شامی در کتاب «درّ العظیم» نقل کرده است که فاطمه زهرا علیها السّلام این اشعار را در مرثیه پدر فرمود:

| | |
|--|---|
| به آن که در زیر توده‌های خاک پنهان شده بگو | اگر فریاد و صدای مرا می‌شنیدی |
| بر من مصائبی فرو ریخت که اگر آنها | بر روزها فرو ریخته بود شب می‌شدند |
| همانا من در سایه محمد حمایتی داشتم | که از ستم نمی‌ترسیدم و او جورکش من بود |
| اما امروز برای شخص پست تواضع کنم و از | بر خود می‌پرهیزم و ستمگرم را با جامه‌ام دفع |
| ستم | کنم |
| اگر قمری به شبانگاهش گریه کند | من در روز از غصّه بر شاخساری بگریم |
| اندوه را پس از تو مونسّم قرار می‌دهم | و دانه‌های اشک را در حجر تو گرد نیندم |

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 467

روز آخر ماه: سال دویست و سه به قول شیخ طبرسی و ابن اثیر، شهادت حضرت رضا علیه السّلام به سبب انگور زهرآلود واقع شد.

در آن وقت سن مبارکش پنجاه و پنج سال بود، و قبر شریفش در خانه حمید بن قحطبه در قریه سناباد در سرزمین طوس قرار گرفت، که قبر هارون الرشید هم در آن خانه است.

فصل نهم: اعمال ماه ربیع الاول

شب اوّل: سال سیزدهم بعثت، مبدأ هجرت رسول خدا صلی الله و علیه و آله از مکه معظمّه به مدینه منوره بود، و در آن شب ایشان در غار ثور پنهان شدند، و حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام برای فدا کردن جان خود به جای آن حضرت خوابید، و از شمشیرهای قبایل مشرکین پروا نکرد، و فضل خود و مواسات و برادری خویش را با رسول خدا صلی

اللّٰه و علیه و آله به تمام جهانیان آشکار ساخت، و آیه کریمه: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضاة اللّٰه» در شأنش نازل شد.

روز اوّل: علما فرموده‌اند، برای شکر نعمت سلامتی رسول خدا و امیر المؤمنین صلوات اللّٰه علیهما، مستحبّ است روزه بدارند، و زیارت آن دو بزرگوار در این روز بسیار مناسب است، سیّد در کتاب «اقبال» برای این روز دعایی روایت فرموده و در این روز به قول شیخ کفعمی حضرت عسگری علیه السّلام وفات یافت، ولی قول مشهور روز هشتم است و شاید ابتدای بیماری آن حضرت در چنین روزی بوده است.

روز هشتم: سال دویست و شصت شهادت حضرت عسگری علیه السّلام واقع شد، و حضرت صاحب الامر صلوات اللّٰه علیه به منصب جلیل امامت نایل گردید، زیارت این دو بزرگوار در این روز بسیار مناسب است.

روز نهم: روز عید بزرگ است، و روز عید بقر است، و برای آن شرح مفصلی است که در جای خود ذکر شده. در روایتی آمده: هرکه در این روز چیزی انفاق کند، گناهانش آمرزیده می‌شود. و گفته‌اند: در این روز مستحبّ است: اطعام نمودن برادران مؤمن، و خشنود گرداندن ایشان، و توسعه دادن در نفقه بر اهل و عیال، و پوشیدن جامه‌های نو، و شکر و عبادت حق تعالی، و این روز، روز برطرف شدن غمها، و روز بسیار شریفی است، و چون روز هشتم ماه شهادت امام عسگری علیه السّلام بوده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 468

و این روز، روز اول امامت حضرت صاحب الزمان ارواح العالمین فدا است، سبب مزید شرافتش خواهد بود.

روز دوازدهم: به قول جناب کلینی، و مسعودی، و مشهور بین عاقله، ولادت رسول خدا صلّی اللّٰه و علیه و آله در این روز بوده، و در آن دو رکعت نماز مستحبّ است که در رکعت اول پس از سوره حمد سه مرتبه سوره کافرون و در رکعت دوم سه مرتبه سوره توحید خوانده می‌شود، و در این روز رسول خدا صلّی اللّٰه و علیه و آله به مدینه وارد شدند، و شیخ فرموده: در چنین روزی در سال صدوسی و دو حکومت بنی مروان به پایان رسید.

روز چهاردهم: در سال شصت و چهار یزید بن معاویه به سوی درکات دوزخ شتافت، در کتاب اخبار الدّول آمده است که یزید به بیماری ذات الجنب در منطقه حوران از دنیا رفت، جنازه پلیدش را به دمشق آوردند، و در باب صغیر به خاک سپردند، و محل قبرش هم اکنون محلّ انباشتن زباله است، سن او در زمان مرگ سی و هفت سال بوده، و سه سال و نه ماه

حکومت کرد، انتهى، شب هفدهم: شب ولادت حضرت خاتم انبیا صلی الله و علیه و آله و شب بسیار مبارکی است، و سید نقل کرده که در چنین شبی يك سال پیش از هجرت، معراج آن حضرت واقع شد.

روز هفدهم: بنا بر مشهور بین علمای امامیه، روز ولادت با سعادت حضرت خاتم انبیا محمد بن عبد الله صلی الله و علیه و آله است، و معروف است که ولادت با سعادتش در مکه معظمه، در خانه خود آن حضرت، در روز جمعه هنگام طلوع فرج در عالم الفیل در ایام سلطنت انوشیروان [مرحوم حاج شیخ عباس (ره) در متن کتاب از انوشیروان به عنوان انوشیروان عادل یاد کرده، و در حاشیه آن توجیهی را در رابطه با عدالت او از مجلسی اول نقل کرده است، ولی با مراجعه به کتب تاریخی به ویژه شاهنامه فردوسی این معنا به دست می آید که انوشیروان آتش پرست از متکبران و و ستمگران به ملت ایران بوده، و در سه روز صد هزار نفر از مخالفان ستمکاریهایش را به وضع فجیعی کشت از این جهت، از آوردن کلمه عادل خودداری کردم و توجیه مجلسی اول را هم مردود می دانم. انصاریان.] واقع شد، و همچنین در این روز شریف در سال هشتاد و سه ولادت حضرت صادق علیه السلام اتفاق افتاد، و باعث فزونی فضل و شرافت این روز گردید.

در هر صورت این روز، روز بسیار شریفی است و برای آن چند عمل وارد است:

اول: غسل. دوم: روزه گرفتن که برای آن فضیلت بسیاری است، و روایت شده هر که این روز را، روزه بدارد، خدا ثواب روزه يك سال را برای او بنویسد، و این روز، یکی از چهار روزی است، که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 469

است. سوم: زیارت حضرت رسول صلی الله و علیه و آله از نزدیک و دور. چهارم: زیارت امیر المؤمنین علیه السلام به همان زیارتی که حضرت صادق علیه السلام زیارت کرده، و به محمد بن مسلم تعلیم دادند، و در باب زیارات ان شاء الله خواهد آمد. پنجم: هنگامی که روز بالا آمد، دو رکعت نماز بجا آورد که در هر رکعت، پس از سوره حمد ده مرتبه سوره قدر و ده مرتبه سوره توحید بخواند، و بعد از سلام در مصلائی خود بنشیند، و این دعا را بخواند: اللهم انت حی لا تموت [خدایا تو زنده ای هستی که هرگز نمیری] و این دعای مبسوطی است، چون سندش را منتهی به معصوم ندیدم، مراعات اختصار را مهم تر دیدم، هر که خواهان است، به زاد العمداء مراجعه کند. ششم: لازم است مسلمانان این روز را بزرگ بدارند، و تصدق و خیرات بنمایند، و مؤمنان را مسرور کنند، و به زیارت مشاهد مشرفه روند. سید در «اقبال» شرحی از لزوم بزرگداشت این روز ذکر نموده، و فرموده است: من طایفه ای از نصاری و جمعی از مسلمانان را یافتیم.

که بزرگداشت فوق العاده‌ای از روز ولادت عیسی علیه السّلام داشتند، و تعجّب کردم که مسلمانان روز ولادت پیامبرشان را که بزرگترین همه انبیاست، و به این مرتبه از عظمت است، چگونه رضایت دهند که آنرا بسیار بی‌مایه‌تر از بزرگداشت نصاری، نسبت به ولادت مسیح برگزار کنند!!

فصل دهم: اعمال ماه ربیع الثانی و جمادی الاول و جمادی الآخر

سید بن طاووس برای روز اول هر يك از این سه ماه، دعایی نقل کرده، و شیخ مفید فرموده: روز دهم ماه ربیع الثانی سال دویست و سی و دو حضرت عسکری علیه السّلام متولّد شدند، که روز شریف بسیار مبارکی است، و مستحبّ است به شکرانه این نعمت بزرگ روزه بدارند، و در روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه جمادی الاول زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السّلام و پیا داشتن سوگ آن مظلومه مناسب است، زیرا در روایت صحیح وارد شده است که آن حضرت پس از پدر بزرگوارش بیش از هفتاد و پنج روز زنده نبود، و بنا بر مشهور که وفات رسول خدا صلی الله و علیه و آله در بیست و هفتم صفر بوده، باید وفات آن بانوی بزرگوار در یکی از این سه روز واقع شده باشد. و در روز نیمه این ماه در سال سی و شش فتح بصره برای امیر المؤمنین میسر گشت، و ولادت حضرت زین العابدین علیه السّلام واقع شد، و در این روز زیارت این هر دو امام مناسب است.

اعمال ماه جمادی الآخر: سید ابن طاووس روایت کرده: مؤمن در این ماه هرگاه که خواهد، چهار رکعت نماز بجا آورد همراه با دو سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 470

که در رکعت اول پس از سوره حمد يك مرتبه آیه الكرسي و بیست و پنج مرتبه سوره قدر، و در رکعت دوم پس از سوره حمد يك مرتبه سوره الهیکم التکائر و بیست و پنج مرتبه سوره توحید و در دو رکعت بعد، در رکعت اول پس از سوره حمد يك مرتبه سوره کافرون و بیست و پنج مرتبه سوره فلق و دو رکعت دوم پس از سوره حمد يك مرتبه سوره نصر و بیست و پنج مرتبه سوره ناس و پس از سلام، هفتاد مرتبه بگوید:

منزه است خدا و ستایش از آن اوست، معبودی جز او نیست، و خدا بزرگتر است و هفتاد مرتبه: خدایا بر محمد و خاندان محمد، درود فرست آنگاه سه مرتبه بگوید: خدایا مردان و زنان با ایمان را پیامرزی پس سر به سجده نهاده و سه مرتبه بگوید: ای زنده، ای پاینده، ای دارای بزرگی و شکوه، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای مهربان‌ترین مهربانان

سپس هر حاجت که دارد از خدا بخواهد، هرکه این عمل را بجا آورد، خدا خود و مال و مال و زنال و فرزندان، و دین و دنیایش را تا سال آینده حفظ می‌کند، و اگر در این سال از دنیا برود بر حال شهادت رفته است، یعنی ثواب شهیدان را دارا می‌باشد.

روز سوم: در این روز در سال یازدهم وفات حضرت فاطمه صلوات الله علیها واقع شده و شیعیان باید در این روز، به مراسم سوگواری آن حضرت قیام کنند، و آن مظلومه را زیارت، و بر ظالمان و غاصبان حق او نفرین کنند.

سید ابن طاووس در کتاب «اقبال» پس از ذکر وفات آن حضرت در این روز، این زیارت را برای آن بانوی بزرگ ذکر کرده:

سلام بر تو ای بانوی بانوان جهانیان، سلام بر تو ای مادر حجت‌های الهی بر همه مردم. سلام بر تو ای ستمدیده محروم گشته از حق خویش. پس بگو: خدایا درود فرست بر کنیزت، و دختر پیامبرت، و همسر جانشین پیامبر، درودی که بر فراز جایگاه بندگان گرامی‌ات

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 471

از اهل آسمانها و زمینها جایش دهد.

به یقین روایت شده: هرکه آن حضرت را به این شیوه زیارت کند، و از خدا آمرزش بخواهد، حق تعالی گناهانش را بیامرزد و او را داخل بهشت کند.

مؤلف گوید: فرزند سید ابن طاووس هم، این زیارت را در کتاب روایات الفوائد نقل کرده، و گفته است که مختص به روز وفات آن حضرت یعنی سوم جمادی الآخر می‌باشد، و کیفیت زیارت را به این طریق بیان فرموده: که نماز بجا می‌آوری نماز زیارت، یا نماز خود آن حضرت را که دو رکعت است و در هر رکعت پس از سوره حمد شصت مرتبه سوره توحید و اگر نتوانستی در رکعت اول پس از سوره حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را می‌خوانی و چون سلام دادی بگو: السّلام علیک تا آخر زیارت یاد شده روز بیستم: در این روز در سال پنجم یا دوم از بعثت ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها واقع شده، و در آن انجام چند عمل شایسته است. اول: روزه گرفتن. دوم: خیرات و صدقات به مؤمنان رساندن. سوم: زیارت نمودن آن بانوی دنیا و آخرت که کیفیت زیارت آن حضرت، پس از این خواهد آمد.

[صفحه 497].

فصل یازدهم: اعمال هر ماه نو، و عید نوروز، و ماههای شمسی

اما اعمال هر ماه نو: چند عمل است: اول: خواندن دعاهاى نقل شده در وقت دیدن هلال، که بهترین آنها دعای چهل و سوم صحیفه کامله است، که همراه با اعمال اول ماه رمضان ذکر شد. دوم: خواندن هفت مرتبه سوره حمد برای دفع درد چشم. سوم: اندکی پنیر خوردن، چه روایت شده: هرکه خود را به خوردن آن در اول هر ماه مقید کند، امید است در آن ماه حاجتش ردّ نشود. چهارم: در شب اول دو رکعت نماز بجا آورد، در هر رکعت پس از سوره حمد سوره انعام را بخواند، و از خدا بخواهد او را از هر ترس و دردی ایمن گرداند، و در آن ماه حادثه‌ای را نبیند که ناپسند او باشد.

پنجم: در روز اول دو رکعت نماز بجا آورد، در رکعت اول پس از سوره حمد سی مرتبه سوره توحید، و در رکعت دوم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 472

بعد از سوره حمد سی مرتبه سوره قدر بخواند و پس از نماز صدقه بدهد، چون چنین کند، سلامتی‌اش را در آن ماه از خدا خریده است.

و از بعضی روایات استفاده می‌شود، که پس از نماز بخواند:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خدا است و قرارگاه و امانگاهش را خدا می‌داند، همه اینها در کتابی روشن است. به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، اگر خدا به تو زیانی رساند، جز او کسی برطرف کننده آن نیست، و اگر خیری را برای تو بخواهد، فضل او را بازگردانده‌ای نیست، آن را به هرکس از بندگان بخواهد می‌رساند، و او آمرزنده و مهربان است. به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، خدا به زودی پس از دشواری آسانی قرار می‌دهد، آنچه خدا خواست همان شود، نیروی نیست مگر به خدا، خدا ما را بس است و نیکو کارگشایی است، کارم را به خدا وامی‌گذارم که خدا بینای به بندگان است، معبودی جز تو نیست، من از ستمکاران بودم، پروردگارا من به آنچه از خیر برایم فرود آری نیازمندم، پروردگارا مرا تنها مگذار، که تو بهترین وارثانی.

اعمال عید نوروز: چنان است که امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس تعلیم داده: چون روز نوروز شود غسل کن، و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش، و به بهترین بویا خویشتن را خوشبو گردان، و در آن روز روزه بدار، و چون از نماز پیشین و پسین [ظهر و عصر] و نافله‌های آن دو فارغ گشتی چهار رکعت نماز بخوان، هر دو رکعت به يك سلام، پس از رکعت اول بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره قدر، و در رکعت دوم بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره کافرون و در رکعت سوم

بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره توحید و در رکعت چهارم بعد از سوره حمد ده مرتبه سوره فلق و ناس را بخوان و پس از نماز بر سجده شکر رفته و این دعا را بخوان:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 473

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست آن جانشینان پسندیده، و بر تمام پیامبران و رسولانت، با برترین درودهایت، و ایشان را برکت ده به برترین برکتهایت، و درود فرست بر جانها و تنهایشان خدایا بر محمد و خاندان محمد برکت ده، و به ما در این روز برکت ده که آن را برتری و کرامت و شرافت دادی، و مرتبه اش را بزرگ نمودی. خدایا به من برکت ده، در آنچه به من نعمت دادی، تا احدی را جز تو سپاس نگویم، و در روزی ام بر من وسعت ده، ای صاحب بزرگی و بزرگواری. خدایا هر آنچه از من غایب شده باک نیست مبادا کمک و نگهداریات از من غایب گردد، و هرچه را گم کرده ام، یاریات را بر آن از من گم مساز تا در آنچه به آن نیازمند نیستم، خود را بر زحمت نیفکنم، ای صاحب بزرگی و بزرگواری. در کتابهای غیر مشهور روایت کرده اند: در وقت تحویل سال این دعا را بسیار بخوانند که بعضی به تعداد 366 مرتبه گفته اند: ای گرداننده حول و احوال بگردان حال ما را به نیکوترین حال و به روایت دیگر: ای برگرداننده دها و دیده ها، ای مدبر شب و روز ای برگرداننده ... تا آخر. چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود، و نیز بسیار بگو: یا ذالجلال و الاکرام اعمال ماههای رومی [شمسی]: ما در اینجا به بیان آنچه که در زاد المعاد آمده است اکتفا می کنیم. سید جلیل علی بن طاووس (ره) روایت کرده: روزی جمعی از اصحاب نشستند بودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و به ایشان سلام کرد، و اصحاب جواب سلام ایشان را گفتند حضرت فرمودند: آیا می خواهید دواپی را که جبرئیل به من تعلیم داد که نیازمند دواپی پزشکان نباشم به شما تعلیم دهم؟ امیر المؤمنین علیه السلام و سلمان و دیگران پرسیدند آن دوا چیست؟ حضرت به امیر المؤمنین علیه السلام خطاب فرمودند که در ماه نisan رومی آب باران

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 474

را می گیری و هر کدام از سوره های فاتحه الكتاب و آیه الکرسی، و توحید و فلق، و ناس، و کافرون را هفتاد مرتبه می خوانی، و در روایت دیگر سوره قدر را نیز هفتاد مرتبه، و هفتاد مرتبه الله اکبر، و هفتاد مرتبه لا اله الا الله گفته و هفتاد مرتبه صلوات می فرستی، آنگاه هفت روز در بامداد و شامگاه از آن آب می آشامی، به حق خدایی که مرا به راستی به رسالت بر خلق برانگیخت سوگند یاد می کنم، که جبرئیل گفت:

خدا از کسی که این آب را می‌آشامد، بر می‌دارد هر دردی را که در بدنش باشد، و به او عافیت بخشد، و دردها را از تن و استخوان‌های او بیرون کند، و اگر در لوح دردی برای او مقدر شده باشد محو می‌کند.

و به حق پروردگاری که مرا به حق فرستاده، اگر فرزند نداشته باشد، و فرزند بخواهد، آب نیشان را به آن نیت بیاشامد به او فرزند روزی شود، و اگر زن عقیم باشد، با نیت از این آب بیاشامد، از او فرزند پدید آید، و اگر مرد و زن پسر یا دختر خواهند، از آن آب بیاشامند مقصود ایشان حاصل گردد.

چنان که حق تعالی می‌فرماید:

خدا هرکه را بخواهد دختران و هرکه را بخواهد پسرانی می‌بخشد، یا پسران و دختران به ایشان عطا می‌کند و هرکه را بخواهد نازا قرار دهد. سپس فرمود: اگر کسی درد سر داشته باشد، از این آب بیاشامد به قدرت حق درد سر او آرام شود، و اگر درد چشم داشته باشد، و در چشمهای خود قطره‌ای از این آب بریزد، و چشمهای خود را با آن بشوید، و از آن بیاشامد، به اذن خدا شفا یابد، و آشامیدن از این آب بن دندانها را محکم کند، و دهان را خوشبو نماید، و لعاب بن دندانها، و بلغم را کم کن، و به سبب خوردن و آشامیدن تخمه و امتلاء نگیرد، و از بادهای قولنج و غیر آن اذیت نشود، و به درد پشت و درد شکم مبتلا نگردد، و از زکام آزار نکشد، و دچار درد دندان نشود، و درد معده و انگل معده را زایل کند، و نیازمند به حجامت نشود، و از بیماری بواسیر، و خارش بدن، و آبله و دیوانگی و پیسی و رعاف و استفراغ نجات یابد، و کور و لال و کر و زمین گیر نشود، و آب سیاه در دیده‌اش نیاید، و دردی که موجب افطار روزه و نقصان نمازش گردد عارض او نشود، و از وسوسه‌های

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 475

جنیان و شیاطین گزندگی نبیند. آنگاه رسول خدا فرمود: جبریل گفت: هرکه از این آب بیاشامد، و به همه دردهایی که در مردم است مبتلا باشد، موجب شفای او از تمام آنها گردد، و نیز گفت: به حق خدایی یکه تو را به راستی فرستاده، هرکه حکمت بر زبان او جاری کند، و دلش را از فهم و بینایی پر کند، و از کرامتهایش به او عطا فرماید، آنچه به احدی از عالمیان عطا نکرده، و هزار آمرزش رحمت بر او فرستد، و غش و خیانت و غیبت و حسد و ستم و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او برکند، و از عداوت و دشمنی مردم و بدگویی ایشان نجات یابد. و موجب شفای همه بیماریهای او شود.

مؤلف گوید: این روایت مشهور درباره آثار آب نیشان به عبد الله بن عمر منتهی می شود، و به این خاطر سندش ضعیف است، و فقیر به خطر شیخ شهید دیدم، که این روایت را، از حضرت صادق علیه السلام با همین خواص و سوره روایت کرده، ولی آیات و اذکار به این طریق نقل شده که بر آب نیشان می خوانی: «فاتحه الكتاب» و «آیه الكرسي» و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربك الاعلی «قل اعوذ برب الفلق» قل اعوذ برب الناس» و «قل هو الله احد» هر يك را هفتاد مرتبه، و می گویی: هفتاد مرتبه «لا اله الا الله» و هفتاد مرتبه «الله اکبر» و هفتاد مرتبه: «اللهم صلی علی محمد و ال محمد» و هفتاد مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» و در خواص آن آمده که اگر در زندان باشد، و از آن بیاشامد، از حبس نجات یابد، و سردی بر طبع او غالب نگردد، و اکثر آن خواص که بیان شد، در این روایت نیز آمده، و آب باران مطلقا مبارك است و منفعت دارد، خواه در نیشان و خواه در غیر آن، چنان که در حدیث معتبر از حضر امیر المؤمنین علیه السلام آمده: بیاشامید آب آسمان را که پاک کننده بدن شماست، و دردها را دفع می کند، چنان که حق تعالی می فرماید:

خدا بر شما از آسمان آبی فرو می فرستد، برای آنکه شما را به آن پاک گردانند، و از شما وسوسه شیطان را برگیرد، و دلهای شما را محکم نماید، و قدمهای شما را با آن ثابت گردانند. و در انجام برنامه نیشان بهتر آن است که اگر جمعی بخوانند، هر کدام مجموع آن سوره ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند، و برای آنها که می خوانند فایده اش عظیم تر، و ثوابش بیشتر است، و در این سالها

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 476

پس از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد، تقریباً داخل نیشان ماه رومی می شوند، و ما نیشان سی روز است. و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در هفتم حزیران، حتما حجامت کن، و اگر میسر نشود در چهاردهم، و اول حزیران تقریباً هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است، و حزیران ماه نحسی است، چنان که در حدیث معتبر نقل شده خدمت امام صادق علیه السلام ماه حزیران ذکر شد، حضرت فرمود: این ماه ماهی است که در آن حضرت موسی بر بنی اسرائیل نفرین کرد، و در يك شبانه روز سیصد هزار نفر از ایشان از بین رفتند. باز به سند معتبر از آن حضرت نقل شده: خدای تعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک می کند، یعنی مرگ در آن بسیار است، و آگاه باش ماههای رومی بنایش بر حرکت زمین به دور خورشید است و عدد آنها دوازده ماه است به این ترتیب تشرین اول تشرین آخر، کانون اول کانون آخر، شباط، آذار، نیشان، ایار، حزیران، تموز آب، ایلول و چهار ماه را سی روز می گیرند، که تشرین آخر و نیشان و حزیران و ایلولند، و هفت ماه دیگر غیر شباط را سی و يك روز می گیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت می گیرند، در سال چهارم که سال کبیسه ایشان است بیست و نه روز می گیرند و سال ایشان

سیصد و شصت و پنج روز و يك چهارم روز است، و تشرین اول که اول سال ایشان است در این سالها موافق نوزده درجه میزان است، و تفصیلش در کتاب «بحار الانوار» مذکور است و چون این ماهها در احادیث آمده در اینجا کوتاه و مختصر ایراد کردیم انتهى.

باب سوم

در زیارات است

این باب مشتمل بر يك مقدمه و چند فصل و يك خاتمه

مقدمه: در بیان آداب سفر است

چون اراده سفر می کنی، شایسته است، روز چهارشنبه، و پنجشنبه، و جمعه را روزه بداری، و برای سفر کردن، روز شنبه، یا روز سه شنبه یا روز پنجشنبه را اختیار کنی، و از سفر کردن در روز دوشنبه و چهارشنبه، و پیش از ظهر روز جمعه اجتناب کن و از سفر کردن در این ایام که در این نظم واقع شده بپرهیز:

هفت روزی نَحْسَن باشد در مَهِی

زان حذر کن تا نیابی هیچ رنج

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 477

سه و پنج و سیزده با شانزده

بیست و يك با بیست و چهار و بیست و پنج

[در بعضی از روایات نقل شده که در بیست و یکم ماه سفر کردن مطلوب است، و در روز هشتم و بیست و سوم خوب نیست، عباس قمی]

در ایام محاق و در حالی که ماه در برج عقرب است به سفر مرو، و اگر در این اوقات برای سفر کردن ضرورتی پیش آمد، دعای سفر را بخوان و صدقه بده، آنگاه به سفر برو.

روایت شده: مردی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام اراده سفر کرد و برای وداع خدمت آن جناب رسید، حضرت فرمود: پدرم علی بن الحسین علیهما السلام هرگاه اراده می‌گردد که به سوی بعضی از املاک خود بیرون رود، سلامتی خود را از خدا به آنچه آسان بود می‌خرد، یعنی به صدقه دادن به هرچه که ممکن بود و این عمل زمانی بود که پای خویش را در رکاب می‌گذاشت. و چون به سلام از سفر بازمی‌گشت، خدا را شکر می‌کرد و به آنچه که ممکن بود صدقه می‌داد، آن مرد حضرت را وداع گفت و رفت و آنچه را حضرت فرموده بود بجا نیاورد، در نتیجه در مسیر سفر هلاک شد این خبر به حضرت باقر علیه السلام رسید، حضرت فرمود: این مرد پند داده شد اگر می‌پذیرفت. سزاوار است پیش از روی آوردن به سفر، غسل کنی، و اهل و عیال خود را گرد آوری، و دو رکعت نماز بگذاری، و از خدا خیر خود را طلب نمایی و آیه الکرسی خوانده و حمد و ثانی الهی را بجا آوری، و بر رسول خدا و آلش صلوات فرستی و بگویی:

خدای امروز به تو می‌سپارم خودم و خاندانم و مال و فرزندانم و هرکه را به طریقی از من است، حاضر و غایبشان را. خدایا ما را به حفظ ایمان حافظ باش و از ما محافظت فرما. خدایا ما را در حمایت رحمت قرار ده، و فضلت را از ما بگیر، ما تنها به جانب تو راغبیم. خدایا از رنج سفر، و اندوه بازگشت، و بدی دیدار، در خاندان و مال و فرزند در دنیا و آخرت به تو پناه می‌بریم خدایا به تو رو می‌کنم و در این رو نمودن، خواستار خشنودی و تقرب به سوی توام، پس مرا به آنچه از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 478

تو و اولیای آرزو می‌کنم، و امید دارم برسان، ای مهربان‌ترین مهربانان. پس از این، خاندان خود را وداع کن، و بر در خانه بایست، و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان، و از پیش رو و طرف راست، و جانب چپ سوره «حمد» و «آیه الکرسی» را قرائت کن و بگو: خدای رویم را متوجه تو کردم، و در حفظ تو قرار دادم خاندان و مالم، و آنچه که به من عطا فرمودی را من به تو اطمینان کردم، پس مرا محروم مکن، ای که محروم نمی‌کند کسی که او را اراده کرده است، و ضایع نمی‌کند هرکه را او محافظت نماید، خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا در آنچه از آن غایب محافظت فرما، و مرا به خویشتن و امگذار ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس سوره «توحید» را یازده مرتبه بخوان، و سوره «قدر» و آیه الکرسی و سوره‌های (فلق) و (ناس) را قرائت کن، پس با دست خود همه بدن را مسح کن، و به هرچه میسر باشد صدقه بده و بگو:

خدایا من با این صدقه سلامت خود، و سفرم، و آنچه با من است را خریدم. خدایا مرا و آنچه با من است حفظ کن، مرا و آنچه با من است سالم بدار، و برسان مرا و آنچه با من است به رساندن نیکوی زیبایت. و عصایی از چوب درخت بادام تلخ با خود بردار، که روایت شده: هرکه به سفری رود، و با خود عصای بادام تلخ بردارد، و این سوره (قصص) را بخواند: **(و لما توجّه تلقاً مدین) تا (و الله علی ما نقول وکیل)** خدا او را از هر حیوان درنده و از هر دزد ستمگر و از هر حیوان صاحب زهر، ایمن گرداند، تا به خانه خود بازگردد، و هفتادوهفت فرشته با او باشند، که تا به وطن برگردد و عصا را بگذارد، برای او طلب آمرزش کنند و مستحب است با عمامه بیرون روی، و سر عمامه را زیر گلو بگردانی. تا از دزد و غرغ شدن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 479

و سوختن آسیبی به تو نرسد، و کمی از تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام را با خود بردار، و در وقت برداشتن چنین بگو:

خدایا این تربت قبر حسین (درود بر او باد) ولیّ تو و پسر ولیّ تو است، که آن را پناهگاه خود از آنچه می ترسم و نمی ترسم قرار دادم.

و با خود انگشتر عقیق و فیروزه بردار، به ویژه انگشتری که عقیقش زرد باشد و يك طرفش منقوش به **(ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله)** و طرف دیگرش **(محمد و علی)** باشد، سید ابن طاووس در کتاب امان الاخطار از ابو محمد قاسم بن علا از صافی خادم حضرت هادی علیه السلام روایت کرده: از آن حضرت اجازه خواستم زیارت جدّش حضرت رضا علیه السلام بروم، فرمود: با خود انگشتری داشته باش، دارای نگین زرد و نقش نگین آن **(ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله)** و نقش طرف دیگرش **«محمد و علی»** چون این انگشتر را برداری، از شرّ دزدان و راهزنان امان یابی، و برای سلامت تو تمامتر و نسبت به دین تو حفظ-کننده تر است، خادم گوید: بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرموده بود تهیه کردم، سپس خدمت ایشان بازگشتم که برای سفرم با آن جناب وداع کنم، چون وداع کردم و دور شدم، دستور داد مرا برگردانند، وقتی برگشتم فرمود: ای صافی. عرض کردم: لیّک ای آقای من: فرمود: انگشتر فیروزه هم باید همراه داشته باشی، زیرا میان طوس و نیشابور شیری به تو برخوهد خورد، که قافله را از ادامه سفر منع خواهد کرد، تو پیش برو، و این انگشتر را به شیر بنما و بگو مولای من می گوید از راه. دور شو، باید بر يك طرف نگین فیروزه **«اللّ الملك»** و بر طرف دیگرش الملك لله الواحد القهار نقش کنی، زیرا نقش انگشتر فیروزه امیر المؤمنین علیه السلام الله الملك بود، چون خلافت به آن حضرت برگشت الملك لله الواحد القهار را نقش کرد، و چنین نگینی انسان را از حیوانات درنده امان می بخشد، و در جنگها باعث پیروزی و غلبه می شود. صافی می گوید: به سفر رفتم، به خدا سوگند در همان مکان که

حضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد، و آنچه فرموده بود انجام دادم، شیر برگشت، چون از زیارت بازگشتم، آنچه واقع شده بود خدمت آن حضرت عرض کردم، فرمودند يك چیز ماند که نگفتی، اگر می‌خواهی من بگویم، گفتم آقای من شاید فراموش کرده باشم، فرمود شبی در طوس شب را نزدیک قبر شریف به سر می‌پردی، گروهی از جنیان به زیارت قبر آن حضرت آمده بودند، آن نگین را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 480

در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند، پس آن را از دست بیرون آوردند و به نزد بیماری که داشتند بردند، انگشتر را در آبی شسته آن آب را به بیمار خود دادند، بیمارشان صحت یافت، انگشتر را برگرداندند، درحالی که تو در دست راست داشتی، آنان در دست چپ تو کردند، تو از این امر بسیار تعجب کردی و سببش را ندانستی، آنگاه نزدیک سر خود یاقوتی یافتی و آن را برداشتی اکنون همراه توست آن را به بازار ببر، که به هشتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیه آن جنیان است که برای تو آورده بودند، خادم می‌گوید: یاقوت را به بازار بردم و به هشتاد اشرفی فروختم همانطور که آقايم فرموده بود.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: کسی که هر شب در سفر «آیه الکرسی» را بخواند سالم بماند و آنچه با اوست نیز سالم بماند و در سفر بگوید:

خدای مسیرم را عبرت، و لب فرو بستم را فکرت، و سخنم را ذکر قرار ده.

از حضرت سجاد علیه السلام روایت شده: اگر برای ضرر زدن به من جنّ و انس جمع شوند پروا نمی‌کنم، هرگاه این کلمات را بگویم:

به نام خدا، و با خدا، و از خدا و به سوی خدا و در راه خدا. پروردگارا خود را به تو تسلیم کردم، و رویم را به جانب تو نمودم، و کارم را به تو واگذار کردم، مرا به حفظ ایمان حفظ کن از پیش رویم، و از پشت سرم، و از جانب راستم، و از طرف چپم، و از بالای سرم، و زیر پایم، و به حول و قوه‌ات از من دفاع کن، چرا که قدرت و نیروی نیست، مگر به خدای والای بزرگ.

مؤلف گوید: دعاها و آداب سفر بسیار است، و ما در اینجا به ذکر چند بخش از آنها اکتفا می‌کنیم.

اول: برای شخص سزاوار است، هرگاه سوار مرکب می‌شود بسم الله را ترك نکند. دوم: توشه سفر را حفظ کرده، در جای مورد اطمینان بگذارد، زیرا روایت شده: از فقه مسافر، حفظ کردن توشه خود است. سوم: دوستان را کمک کند، و از خدمت کردن و کار کردن، در رفع ایشان مضایقه نکند، تا خدا هفتادوسه اندوه را از او برطرف سازد، و او را در دنیا از هم و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 481

غم پناه دهد و اندوه بزرگ روز قیامت را از او دفع کند. روایت شده: حضرت سجاد علیه السلام سفر نمی‌کرد مگر با اشخاصی که آن حضرت را نشناسند، به خاطر اینکه به آنها کمک کند، زیرا اگر حضرت را می‌شناختند نمی‌گذاشتند ایشان کاری انجام دهد و از اخلاق پسندیده رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده زمانی با اصحاب در سفر بودند، خواستند گوسفندی را ذبح کنند، یکی از اصحاب گفت: ذبح گوسفند با من، دیگری گفت پوست کندنش با من، دیگری گفت: پختش با من، حضرت فرمود: جمع کردن هیزم با من، عرضه داشتند: شما زحمت نکشید، ما هیزم فراهم می‌کنیم، فرمودند: می‌دانم شما این کار را خواهید کرد، ولی من دوست ندارم که نسبت به شما امتیازی داشته باشم، زیرا خدا کراهت دارد، بنده‌اش را ببیند، که خویش را بر دوستانش فضیلت داده باشد، بدان که تقیل‌ترین مردم نزد دوستان، کسی است که در عین سلامت و صحت اعضایش، تبلی می‌کند و دست به کاری نمی‌برد، و منتظر است، کارهایش را دیگران انجام دهند! چهارم: در سفر، با کسی همراه باشد، که در خرج کردن نظیر اوست. پنجم: از آب منزلی نیاشامد، مگر بعد از آنکه آن را با آب منزل قبل مزوج کند و برای مسافر لازم است مقداری ظرف را حرکت دهد، سپس ظرف را به زمین گذاشته، صبر کند تا آب آن صاف شود، آنگاه بنوشد. ششم: اخلاقی را نیکو نماید و بردباری را زینت خود گرداند، در آداب زیارت امام حسین علیه السلام آنچه مناسب این مقام است بیاید [صفحه 642] هفتم: برای سفرش توشه بگیرد، و از شرافت آدمی است که توشه خود را به ویژه در سفر مکه نیکو گرداند، آری در سفر زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام برداشتن توشه، از غذاها و خوراکیهای لذیذ پسندیده نیست، چنان که این نکته در باب زیارت آن حضرت بیاید. و ابن اعمس گفته است:

دلپسند نمودن توشه و فراوان برداشتن به آن است

از شرف انسان در سفرها

اخلاقش را بیشتر از وقتی که در وطن است

انسان باید در حال سفر نیکو کند

و باید هنگام انداختن سفره دعوت کند از برادرانش هرکسی را که حاضر است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 482

و باید به همراهان مزاح کند درحالی که خدا را به غضب نیاورد و موجب آزار نگردد
کسی که به شهری وارد شود مهمان است بر برادرانش تا از آنجا کوچ کند
تا دو شب پذیرایی شود، آنگاه باید بخورد از خوراك معمى اهل خانه تا در آنجاست

هشتم: آنچه در سفر رعایت آن خیلی مهم است، محافظت بر نمازهای واجب است، با شرایط و حدود آن در اوایل اوقات، چه آنکه از حاجیان و زائران بسیار مشاهده شده که در راه سفر نمازهای واجب خود را ضایع کردند، به خاطر آنکه یا در وقت بجا نیاوردند، یا در حال سوار بودن بر مرکب خواندند، یا با تیمم بی جا و یا با نجاست جامه و بدن ادا کردند، که تمام اینها از بی مبالاتی و سبک شمردن شأن نماز بوده، و حال آنکه در روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که نماز واجب از بیست حج بهتر است، و يك حج بهتر است از خانه‌ای که پر از طلا باشد، و آن طلاها را صدقه دهند، تا تمام شود، و پس از نمازهای شکسته گفتن سی مرتبه:

(سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر) را ترك مکن که نسبت به آن تأکید بسیار شده است.

فصل اول: آداب زیارت

آداب زیارت بسیار است، در این فصل به بیان چند مورد اکتفا می‌شود: اول: انجام غسل، پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت. دوم: ترك کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه. سوم: غسل کردن برای زیارت هر يك از امامان، و نیز اینکه بخواند دعای وارد، درباره آن را و آن دعا در اول زیارت وارث بیاید. [صفحه 664] چهارم: طهارت از حدث کبری و صغری. پنجم: پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه و نو، و سفید بودن رنگ آن نیکوست. ششم: گامها را به دقت

رفتن به روضه مقدسه کوتا برداشتن و به آرامی و وقار حرکت کردن، و خاضع و خاشع بودن، و سر به زیر انداختن، و به بالا و اطراف خود التفات نکردن. هفتم: خشبو نمودن خود، در غیر زیارت امام حسین علیه السلام.

هشتم: زبان را به دقت رفتن به حرم مطهر به ذکر و تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل مشغول ساختن، و به صلوات فرستادن بر محمد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 483

و آل محمد علیهم السلام دهان را معطر کردن.

نهم: ایستادن بر در حرم شریف و درخواست اذن دخول و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر با کمک تصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور، با توجه به این نکته که صاحب قبر ایستادن او را می بیند، و کلام او را، می شنود و سلام او را جواب می دهد، چنان که در وقت خواندن اذن دخول به همه این واقعیات گواهی می دهد، و تدبیر نماید در محبت و لطفی که ایشان به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل کند در خرابیهای حال خود و مخالفتهایی که با آن بزرگواران کرده، و دستورهای زیادی که از ایشان عمل نکرده و آزارها و اذیتهایی که از او به ایشان یا خاصان و دوستان آن بزرگواران رسیده که بازگشت نتیجه همه این اعمال، آزرده شدن ایشان است، و اگر به حقیقت و راستی، در وضع خود بنگرد، قدمهایش از رفتن باز بایستد، و قلبش هراسان، و چشمش گریان شود، و این روح تمام آداب است.

در اینجا مناسب است اشعار سخاوی و روایت را که علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار از عیون المعجزات نقل کرده ذکر کنیم، اما اشعار سخاوی که در حال زیارت تمثیل به آنها شایسته است این است:

و کاروان به دولت سرای آنان بار اندازد

گفتند فردا به سرزمین قرق شده می رسیم

بدیدارشان شادمان گردد

پس هرکه فرمانبردار ایشان بوده

و با چه رویی ایشان را دیدار کنم

گفتم چاره من گنهکار چیست

به خصوص از کسی که به آنان امید بست

گفتند مگر عفو شیوه آنان نیست

يك بار به آنان امید دارم و بار دیگر ترس و بیم

به محضرشان آمدم و به درگاهشان شتافت

از آنها

و نیز شایسته است متمثل شود به این اشعار:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 484

و هم بگوید:

| | |
|----------------------------|-------------------------|
| شاهها چو تو را سگی بیاید | گر من شوم آن سگ تو شاید |
| هستم سگی ز حبس جسته | بر شاخ گل هوات بسته |
| خود را به خودی کشیده از جل | پیش تو کشیده از سر ذل |
| افکن نظری بر این سگ خویش | سنگم مزن و مرازم از پیش |

و اما آن روایت شریف به روایت مجلسی: وقتی ابراهیم جمال که یکی از شیعیان بود، می‌خواست خدمت علی بن یقطین برسد، از باب اینکه ابراهیم ساریان بود، و علی بن یقطین وزیر هارون الرشید، و از نظر ظاهر، شأن ابراهیم نبود که در مجلس وزیر مملکت وارد شود، او را راه نداد!! اتفاقاً در همان سال علی بن یقطین به حج مشرف شد، خواست در شهر مدینه خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برسد، حضرت او را بار نداد، روز بعد آن حضرت را در بیرون خانه ملاقات کرد، عرضه داشت: ای سید من، تقصیر من چه بوده که مرا بار ندادید؟ فرمود: به خاطر اینکه برادرت ابراهیم جمال را بار ندادی و خدا ابا فرموده از اینکه سعی تو را قبول کند، مگر بعد از آنکه ابراهیم تو را عفو کند. علی بن یقطین گفت: گفتم: ای سید و مولای من در این وقت ابراهیم را کجا ملاقات کنم، من در مدینه و او در کوفه است؟ فرمود: هرگاه شب برسد تنها به بقیع برو، بی‌آنکه از اصحاب و غلامان تو کسی خبردار شود، در آنجا شتری زین کرده خواهی دید، آن شتر را سوار می‌شوی و به کوفه می‌روی، شب به بقیع رفت، بر آن شتر سوار شد به اندک زمانی به خانه ابراهیم جمال رسید، شتر را خوابانید، و در زد، ابراهیم گفت کیستی؟ گفت علی بن یقطینم، ابراهیم گفت: علی بن یقطین بر در خانه من چه می‌کند؟! فرود بیا بیرون که امر من عظیم است و او را سوگند داد که اذن ورود دهد، چون داخل خانه ابراهیم شد، گفت: ای ابراهیم آقا و مولا، از اینکه عمل مرا قبول نماید ابا فرموده، مگر آنکه تو از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 485

من بگذری! ابراهیم گفت غفر الله لك [خدا تو را بیامرزد]، پس علی بن یقطین صورت خود را بر خاک گذاشت و ابراهیم را قسم داد که پای روی صورت من بگذار و صورتم را زیر پایت بمال، ابراهیم امتناع کرد، علی بن یقطین او را قسم داد که چنین کند.

ابراهیم پا به صورت علی بن یقطین گذاشت، و روی او را زیر پای خود مالید و علی بن یقطین می گفت: «اللهم اشهد» [خدایا گواه باش] سپس بیرون آمد و سوار بر آن مرکب شد و همان شب به مدینه بازگشت، و شتر را بر در خانه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خوابانید، آنگاه حضرت او را اذن داد که بر آن جناب وارد شود، و حضرت کار او را قبول فرمود. از دقت در این خبر معلوم می شود که حقوق برادران دینی تا چه اندازه پر اهمیت است! دهم: بوسیدن عتبه عالیه و آستانه مبارکه است، و شیخ شهید فرموده: اگر زیارت کننده سجده کند و نیتش این باشد، که خدا را به شکرانه اینکه مرا به این مکان رسانده، سجده می کنم بهتر است. یازدهم: مقدم داشتن پای راست به وقت وارد شدن، و مقدم داشتن پای چپ به وقت بیرون آمدن، مانند ورود به مساجد و خروج از آنها، دوازدهم: رفتن به نزد ضریح مطهر، به طوری که بتواند خود را به آن بچسباند، و توهم آن که دور ایستادن ادب است و هم است؟ زیرا تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن، در آثار وارد شده است سیزدهم: در وقت زیارت پشت به قبله و ایستادن رو به قبر منور و ظاهرا این ادب مختص به معصوم است، چون از خواندن زیارت فارغ شد، گونه راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرع دعا کند، سپس گونه چپ را بگذارد و خدا را به حق صاحب قبر بخواند که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و در دعا مبالغه و اصرار ورزد، آنگاه به سمت سر مطهر برود، و رو به قبله بایستد و دعا کند. چهاردهم: ایستادن در وقت خواندن زیارت البته اگر عذری از ضعف و درد کمرب و درد پا و غیر آنها ندارد پانزدهم: گفتن تکبیر به هنگام دیدن قبر مطهر، پیش از شروع زیارت، در روایتی آمده: هرکه پیش روی امام علیه السلام تکبیر گوید، و پس از آن بگوید: لا اله الا الله وده لا شريك له برای او رضوان الله اکبر نوشته شود. شانزدهم: خواندن زیارت های روایت شده در کتب معتبر، و زیارت های رسیده از سادات ائمه طاهرين عليهم السلام، و ترك خواندن زیارت های اختراع شده، که بعضی بی خردان از عوام، آنها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده، و نادانان را به آن مشغول ساخته اند.

شیخ کلینی از عبد الرحیم قصیر روایت کرده: که گفت: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، و گفتم: فدایت شوم از پیش خود دعایی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 486

اختراع کردم، فرمود: مرا از اختراع خود واگذار، هرگاه تو را حاجتی دست دهد، به حضرت رسول پناه بر و دو رکعت نماز بجای آر و به سوی آن حضرت هده کن ... تا آخر خبر. هفدهم: بجا آوردن نماز زیارت که اقل آن دو رکعت است شیخ

شهید فرموده: اگر زیارت پیامبر است، نماز را در روضه مطهره بجا آورد و اگر در حرم یکی از امامان است، در بالای سر بخواند، و اگر آن دو رکعت را در مسجدی که معمولان بالای سر قبر امامان است بجا آورد جایز است، و علامه مجلسی (ه) فرموده: نماز زیارت و غیر آن را به گمان فقیر، در پشت قبر و بالای سر بجا آوردن بهتر است، و علامه بحر العلوم نیز در کتاب «درّه» فرموده است:

| | |
|---|--|
| از داستان کربلا و کعبه اینکه | کربلا را برتری رتبه آشکار شده |
| و غیر آن از سایر مشاهد | مانند آن است به موجب روایات با شواهد |
| نزدیکی به قبر را در آن مشاهد رعایت کن | و نماز خواندن بالای سر را انتخاب کن |
| و در پشت قبر نماز بخوان که روایت صحیح | و غیر صحیح در استحباب آن صریح است |
| و فرق بین این قبور شریف | و قبرهای دیگر مانند نور بالای طور است |
| پس سعی برای نماز در کنار آنها مستحب است | و نزدیکی بلکه چسبیدن به آنها مطلوب است |

هجدهم: اگر برای آن زیارتی که نماز می خواند، کیفیت مخصوصی برای نمازش ذکر نفرموده باشند، در رکعت اول آن سوره یس، و در رکعت دوم سوره الرحمن، بخواند، و بعد از نماز به آنچه وارد شده دعا کند، یا به آن چه برای دین و دنیای خود بخاطر او می رسد، و دعا را عمومیت دهد [یعنی در حق دیگران نیز دعا کند] زیرا که به اجابت نزدیک تر است. نوزدهم: شیخ شهید فرموده: کسی که وارد حرم مطهر شود، و ببیند نماز جماعت بر پا شده، پیش از زیارت ابتدا به نماز کند، و همچنین اگر دقت نماز شده،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 487

زیارت را ترك کند و وارد نماز گردد، و اگر وقت نماز نیست، شروع به زیارت بهتر است، چرا که زیارت نهایت مقصد اوست و اگر بین زیارت نماز اقامه شد، برای زائران مستحب است، زیارت را قطع کنند، و به نماز روی آرند، که ترك نماز کراهت دارد، و بر کارگزاران حرم است که مردم را امر به نما کنند. بیستم: شیخ شهید تلاوت قرآن را نزد ضرایح مطهره، و

هدیه کردن آن را به روح مقدس امام زیارت شده، از جمله آداب زیارت شمرده، که سود آن به زیارت کننده باز می گردد، و متضمن تعظیم امام زیارت شده علیه السلام نیز می گردد.

بیست و یکم: ترك کردن سخنان ناشایست و کلمات لغو و بیهوده و دوری جستن از صحبت های دنیایی که همیشه در هرجا مذموم و قبیح و مانع رزق و موجب قساوت قلب است، به خصوص در این بارگاه های مطهر، و قبه های بلندپایه، که خدا در سوره «نور» از بزرگی و جلالت آنها خبر می دهد، آنجا که می فرماید: **فی بیوت اذن الله ان ترفع** تا آخر آیه.

بیست و دوم: بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت، چنان که در هدیه الزائرین ذکر کردم. بیست و سوم: وداع کردن امام در وقت بیرون رفتن از شهر آن حضرت به زیارت وداعی که در روایت رسیده است یا به غیر آن. بیست و چهارم: توبه و استغفار کردن از گناهان، و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود، پس از فراغ از زیارت از آنچه پیش از زیارت دارا بوده است. بیست و پنجم: انفاق کردن به خادمان آستانه شریفه به اندازه ای که میسر است و شایسته است خدام آن محل شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروت باشند و آنچه از زائران می بینند تحمل کنند، و خشم خود را بر ایشان فرو نشانند. و بر آنان غلظت و درشتی روا ندارند و بر قضای حوائج محتاجان اقدام کنند و غریبان را در صورت گم کردن را مقصد، راهنمایی و دلالت نمایند. در هر صورت خدام باید در خدمت لازمه، از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره به حقیقت و راستی مشغول باشند. بیست و ششم:

انفاق و احسان بر فقرای مجاور حرم و مساکین آبرومند شهر امام به ویژه سادات و اهل علم و آنان که فقط مشغول تحصیل علمند، و به تلخی غربت و تنگدستی مبتلایند، و همواره پرچم بزرگداشت شعائر الهی را بر پا کرده، و جهاتی را دارا هستند، که ملاحظه هر يك از آنها، در لزوم اعانت و رعایت آنها کافی است. بیست و هفتم: شیخ شهید فرموده: از جمله آداب، شتاب کردن در برگشت از شهر زیارتی است، البته زمانی که بهره خود را از زیارت درك کرده باشد، و این شتاب برای فزونی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 488

تعظیم و احترا و شدت شوق به رجوع، برای زیارت بعد از آن است، و نیز فرموده: زنان در وقت زیارت باید خود را از مردان جدا کرده، و تنها به زیارت پردازند و اگر شب به زیارت اقدام کنند بهتر است. و باید در وضع ظاهر خود، تغییر دهند، یعنی لباس عالی و خوب را به لباس های معمولی تبدیل کنند، تا شناخته نشوند، و حتی الامکان مخفی و پنهان بیرون آیند که کمتر دیده شوند، و شناخته گردند، و نیز اگر همراه مردان زیارت کنند جایز نیست، اگر چه کرامت دارد.

مؤلف گوید: از این کلمات، کثرت قبح و زشتی آنچه فعلاً معمول شده، که زنان به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش کرده، با لباسهای نفیس از خانه‌ها بیرون می‌آیند، و در حریمهای مطهر با نامحرمان برخورد می‌کنند، و به بدنهای ایشان فشار می‌آورند، یا خود را متصل به ضرایح مطهر کرده، یا روبروی مردان نشسته مشغول به زیارت خواندن شده و حواس مردم را پریشان کرده، عبادت‌کنندگان از زائران و نمازگزاران و متضرّعان، و گریه‌کنندگان را از کار خود بازداشته، و داخل در زمره صادّین عن سبیل الله [آنان که راه خدا را به سوی بندگان خدا می‌بندند] می‌شوند، و غیر اینها، در حقیقت، زیارت اینگونه زنان را باید از منکرات شرع شمرد، نه از عبادات، و داخل در محرمات دانست نه قریات.

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده: که امیر المؤمنین علیه السّلام به اهل عراق فرمود:

به من خبر رسیده که زنان شما در کوچه و بازار، به نامحرمان برمی‌خورند، آیا حیا نمی‌کنید. سپس فرمود:

خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد. و در کتاب «من لا یحضره الفقیه» أصبغ بن نباته از امیر المؤمنین روایت کرده است که گوید:

از آن حضرت شنیدم می‌فرمود: در آخر الزمان، و نزدیکی قیامت، که بدترین زمانهاست نمایان شوند زنانی که برهنه و عریان‌اند، و خود را برای مردان بیگانه آرایش می‌کنند، اینها از دین خارجند و در فتنه‌ها داخلند، به شهوات مایلند، و به سوی لذّتها شتابانند، و حلال شمارندگان محرماتند،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 489

جاودانه در دوزخ‌اند!!

بیست‌وهشتم: شایسته است، مواقعی که زائر زیاد است، کسانی که نزدیکتر به ضریح هستند، زیارت خود را خلاصه‌تر نموده، و از ضریح دور شوند، تا دیگران هم مانند آنان به نزدیکی ضریح دست یابند. مؤلف گوید: ما در مقام زیارات حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام آدابی را که باید زائران آن جناب رعایت کنند، نقل خواهیم کرد. [صفحه 642]

فصل دوم: اذن دخول حریمهای شریفه

در اینجا دو اذن دخول ذکر می‌شود: اوّل شیخ کفعمی فرموده: چون خواستی به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله یا یکی از مشاهد مشرفه ائمه علیهم السّلام وارد شوی بگو:

خدایا بر دری از درهای خانهات پیابرت (درود تو بر او و خاندانش) ایستاده‌ام، تو مردم را از اینکه بدون اجازه‌اش وارد شوند منع کرده‌ای، در قرآن فرمودی: ای آنان که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های پیامبر وارد نشوید، مگر به شما اجازه دهند. خدایا من حرمت صاحب این زیارتگاه شریف را در غیابش باور دارم چنان که در حضورش، و می‌دانم که رسالت و جانشینانت (درود بر آنان باد) همواره زنده‌اند، و نزد تو روزی داده می‌شوند، محل ایستادنم را می‌بینند، و سخنم را می‌شنوند، و به سلامم پاسخ می‌دهند، ولی تو گوشم را از شنیدن کلامشان محجوب کرده‌ای، و در فهم مرا به چشیدن لذت مناجاتشان باز کرده‌ای، من از تو ای پروردگارم اجازه می‌خواهم اولاً، و از پیامبرت اذن می‌خواهم ثانیاً، و از خلیفه‌ات امامی که اطاعتش را بر من واجب کرده‌ای اجازه می‌خواهم و به جای «فلان بن فلان»

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 490

آن امام را که می‌خواهد زیارت کند و پدرش را نام ببرد، مثلاً اگر زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید، الحسین بن علی، و اگر زیارت امام رضا علیه السلام است بگوید: علی بن موسی الرضا همچنین امامان دیگر.

سپس بگوید:

و فرشتگان گماشته شده به این بارگاه مبارک ثالثاً، آیا وارد شوم ای رسول خدا! آیا وارد شوم ای حجت خدا؟، آیا وارد شوم ای فرشتگان مقرب خدا، که در این زیارتگاه اقامت دارید، پس مرا برای وارد شدن ای مولایم اجازه ده، به بهترین اجازه‌ای که به یکی از دوستانت داده‌ای، چنانچه من لایق آن اجازه نیستم ولی تو لایق آنی پس عتبه مبارکه را ببوس و وارد شو و بگو:

به نام خدا، و به خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) خدایا مرا بیامرز و به من رحم کن، و توبه‌ام را بپذیر، زیرا تویی بسیار توبه‌پذیر مهربان.

دوم: اذن دخولی است که علامه مجلسی (ره) از نسخه‌ای قدیمی از نوشته‌های اصحاب برای ورود به سرداب مقدّس، و بارگاههای نورانی ائمه علیهم السلام به این صورت نقل فرموده خدای این بقعه‌ای است که تو پاکش نمودی، و کوی است که شرافتش دادی، و نشانه‌هایی است، که پاکیزه‌اش ساختی، به خاطر اینکه در آنجا آشکار کردی دلایل توحید، و نمونه‌های عرش مجید را، آنان که به عنوان فرمانروا برگزیدی، برای حفظ نظام، و انتخاب کردی برای ریاست بر تمام خلق، و برانگیختی برای قیام به عدالت، در آغاز هستی، تا روز قیامت، سپس بر آنان به جانشینی پیامبرانت، برای حفظ قوانین و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 491

و احکامات ممت نهادی، و با خلافت از پیامبران و رسالت بیم‌دهندگان را کامل ساختی، چنان‌که ریاستشان را در فطرت مکلفین واجب کردی، پس منزهی در عرصه معبودیت که چه اندازه مهربانی، و معبودی جز تو نیست در عرصه سلطنت که چقدر دادگری زیرا هماهنگی کرد رفتارت، با آنچه خردها را بر آن سرشتی، و فرمانت موافق آمد، آنچه را در امور عقلی و نقلی مقرر نمودی، پس سپاس تو را بر اندازه‌گیری نیکوی زیبایی، و شکر تو را بر داوری‌ات، که معلل به کاملترین علتهاست، پس منزّه است آن‌که از کارش بازخواست نشود، و با او در فرمانش منازعه نگردد، منزّه است آن‌که پیش از آغاز خلقتش رحمت را بر خود واجب کرد، و خدا را سپاس که به وجود زمامدارانی که جانشینان اویند، بر ما منت نهاد، اگر بر فرض محال در مکانی حاضر می‌بود، و معبودی جز خدا نیست، که ما را به جانشینانی که قوانینش را در همه زمانها حفظ کنند شرافت داد، و خدا بزرگتر است، که آنان را برای ما به وسیله معجزاتی نمایاند، معجزاتی که جن و انس از آوردنش ناتوانند، جنبش و نیرویی نیست جز به خدای برتر بزرگ، که نعمتهای زیبایش در ملت‌های گذشته را برای ما نیز مقرر داشت. خدای سپاس و ثنای برتر، تو را برست، چنان‌که بر ذات ابدی بی‌نهایت واجب آمد، و همچنان‌که قرار دادی پیامبر ما را بهترین پیامبران، و امامان را برتری مخلوقات، و برگزیدی آنان را از روی دانش، بر تمام جهانیان، ما را تا روز قیامت به شتافتن به درگاه آبادشان موفق بدار، و ارواح ما را چنان قرار ده که عاشقانه به سوی روش و منش ایشان بگرایند، و جانهای ما را به وصرتی که نظر به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 492

بجالسشان و آستانشان را دوست داشته باشد، به طوری که گویی در حضور خودشان با آنان به سخن برخاسته‌ام، پس درود خدا بر ایشان، آن آقایان غایب از نظر، و آن پاك نژادان، و آن امام معصوم. خدایا به ما اجازه ورود و درود بده به این آستانهایی که اهل زمینها و آسمانها را به وسیله زیارتشان به عبادت واداشتی، و اشکمان را با خشوع در برابر مهابت جاری کن، و اعضایمان را با فروتنی بندگی و وجوب طاعت فروتن گردان، تا به اوصافی که برای ایشان حتم کرده‌ای اقرار کنیم، و اعتراف نماییم به اینکه ایشان در روز اعراف، زمانی که ترازوها نصب می‌شود، شفیعان خلاقند، سپاس خدای را، و سلام بر بندگان برگزیده‌اش محمد و اهل بیت پاکش.

پس عتبه را ببوس، و وارد شو، درحالی که خاشع و گریان باشی، به درستی که، این جملات اجازه ورود به حریم ایشان است، درود خدا بر همه آنان.

فصل سوم: زیارت پیامبر و فاطمه زهرا و ائمه بقیع صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین در مدینه

آگاه باش که در حق تمامی مردم به خصوص حاجیان مستحب مؤکد است، مشرف شدن به زیارت روضه مطهره و آستانه منوره، فخر عالمیان حضرت سید المرسلین محمد بن عبد الله صلوات الله و سلام علیه و ترك زیارت آن حضرت، باعث جفا در حق او در قیامت است، و شیخ شهید فرموده: اگر مردم زیارت آن جناب را ترك کنند، بر امام است که ایشان را برای رفتن به زیارت آن حضرت مجبور کند، زیرا ترك زیارت آن حضرت موجب جفای حرام است. شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده: هرگاه یکی از شما حج کند، باید حجش را به زیارت ما به پایان برساند، زیرا زیارت ما از تمامی حج است.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 493

و نیز از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده: حج خود را به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام کنید، که ترك زیارت آن حضرت پس از حج جفا و خلاف ادب است، و شما را به این زیارت دستور داده‌اند و به زیارت قبری چند که خدا حق آنها و زیارت آنها را بر شما لازم کرده بروید و کنار آن قبرها از خدا طلب روزی کنید، و نیز از ابو الصلت هروی روایت کرده که: خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله، چه می‌فرمایی در حدیثی که اهل آن روایت می‌کنند، که مؤمنان در بهشت از منازلشان پروردگار خود را زیارت می‌کنند؟

کنایه از این که معنی حدیث اگر حدیث صحیحی باشد چیست؟ با آنکه شامل مطلبی است، که به ظاهر با اعتقاد حق هماهنگی ندارد، حضرت پاسخ او را به این صورت فرمودند:

ای ابا صلت خدا پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را از جمیع خلقتش حتی از پیامبران و ملائکه افضل قرار داد، و طاعت او را طاعت خود، و بیعت او را بیعت با خود، و زیارت او را زیارت خود شمرد، چنان که فرمود:

هرکه پیامبر را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و فرموده: آنان که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت با خدا بیعت می‌کنند دست خدا بالای دست آنان است

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه مرا در حال حیات، یا پس از مرگ زیارت کند، چنان است که خدا را زیارت کرده باشد تا آخر خبر. حمیری در کتاب «قرب الأُسناد» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: رسول خدا

صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه مرا در حیات، یا پس از ممات زیارت کند، روز قیامت شفیع او می‌شوم. در حدیثی آمده: امام صادق علیه السلام روز عیدی در مدینه بود، به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت، و به آن حضرت سلام داد و فرمود: ما بر اهل همه شهرها خواه مکه و خواه غیر مکه برتری داریم، به علت زیارت و سلامان به رسول خدا صلی الله علیه و آله. شیخ طوسی در «تهدیب»، از یزید بن عبد الملك روایت نموده است و او از پدرش، از جدش، که خدمت حضرت فاطمه علیهما السلام مشرف شدم، آن حضرت به سلام بر من پیشی جست، آنگاه از من پرسید برای چه آمده‌ای؟ عرض کردم: برای طلب برکت و ثواب، فرمود: مرا خبر داد پدرم، و اینکه حاضر است، که هر که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 494

بر او و بر من سه روز سلام کند، خدا بهشت را بر او واجب کند، گفتم: در حیات او و شما؟ فرمود: آری و نیز پس از مرگ ما. علامه مجلسی (ره) فرموده: در حدیث معتبر از عبد الله بن عباس نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه امام حسن علیه السلام را در بقیع زیارت کند، قدمش بر صراط ثابت باشد، روزی که قدمها از آن بلغزد. در کتاب «مقنعه» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرکه مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده شود، و تهدست و پریشان نمیرد. شیخ طوسی در «تهدیب» از حضرت عسگری علیه السلام روایت کرده: هرکه حضرت صادق علیه السلام و پدرش حضرت باقر علیه السلام را زیارت کند درد چشم نکشد و بیماری و دردی به او نرسد و مبتلا نمیرد. ابن قولویه در کتاب «کامل الزیارات»، از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایتی طولانی آورده که بخشی از جملات آن این است: مردی به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شد، و عرض کرد: آیا پدرت را باید زیارت کرد؟ فرمود: آری، عرضه داشت برای کسی که او را زیارت کند چه پاداشی است؟ فرمود: اگر اعتقاد به امامت او داشته باشد و از او پیروی کند، بهشت پاداش اوست، عرض کرد کسی که از زیارت او اعراض کند چه خواهد شد؟ فرمود در «یوم الحسرة» که روز قیامت است حسرت خواهد داشت. احادیث در این باب بسیار است، و برای متذکر شدن ما همین اندازه کافی و وافیه است.

اما کیفیت زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله: چنین است: هرگاه به مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدی، برای زیارت غسل کن، چون خواستی وارد مسجد آن حضرت شوی کنار در مسجد بایست و اذن دخول اول را که در صفحات پیش گذشت بخوان و از در جبریل وارد شو، و پای راست را وقت ورود مقدم بدار، سپس صدر مرتبه الله اکبر بگو، آنگاه دو رکعت نماز تحیت مسجد بجا آور، و به جانب حجره شریفه برو، و بر آن دست بگذار و آن را بیوس و بگو:

سلام بر تو ای فرستاده خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبد الله، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، شهادت می‌دهم که تو رسالت خویش را انجام دادی، و نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی، و به معروف امر نموده، و از منکر نهی کردی، و خدا را خالصانه عبادت کردی،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 495

تا مرگ تو را در رسید، دروهای خدا و رحمتش بر تو و اهل بیت پاکیزه‌ات.

پس رو به قبله نزد ستون جلو که از جانب راست قبر است بایست، بطوری که دوش چپ به جانب قبر، و دوش راست به جانب منبر که جایگاه سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است قرار گیرد و بگو:

شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، و شهادت می‌دهم که تو رسول خدایی و اینکه تویی محمد بن عبد الله، و شهادت می‌دهم که تو پیامهای پروردگارت را به مردم رساندی و برای امتت خیرخواهی نمودی، و در راه خدا جهاد کردی با حکمت و موعظه و حسنه، و خدا را عبادت کردی تا مرگ تو را در رسید، و آنچه از حق بر عهده‌ات بود ادا کردی، و نسبت به مردم مؤمن مهربان، و بر کافران سخت گیر بودی، پس خدا تو را به برترین شرف مقام گرامی داشتگان برساند. خدا را سپاس که ما را به وسیله تو، از شرك و گمراهی رها کند. خدایا قرار ده، دروهای و فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و بندگان شایسته‌ات و اهل آسمانها و زمینها، و هر که برایت تسبیح گفت ای پروردگار جهانیان از گذشتگان و آیندگان، بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و امین و محرم راز و محبوبت و دوست خالص و مخصوص و برگزیده‌ات، و انتخاب شده تو از میان خلقت. خدایا او را درجه بلند عطا کن، و او را از بهشت وسیله عنایت کن، و او را به مقام پسندیده‌ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 496

برانگیز، که گذشتگان و آیندگان به او رشک برند، خدایا تو فرمودی، اگر اینان وقتی که به خود ستم کردند، نزد تو آمدند، پس از خدا درخواست آمرزش کردند، و رسول برای آنان آمرزش خواست، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یابند، و من هم اکنون آمرزش‌خواه و توبه‌کننده به نزد تو آمدم، و به وسیله تو رو به جانب خدا، پروردگارم و پروردگار تو می‌کنم، تا گناهانم را بیامرزد.

و اگر تو را حاجتی باشد، قبر مطهر را پشت کتف خود قرار ده، و رو به جانب قبله کن و دستها را به سوی خدا بردار و حاجت خویش را بخواه، که سزاوار است برآورده شود، ان شاء الله تعالی. ابن قولویه به سند معتبر از محمد بن مسعود

روایت کرده که گفت: دیدم امام صادق علیه السّلام نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، و دست مبارك را بر قبر گذاشت و گفت:

از خدا که تو را بزگزید و انتخاب کرد و هدایت نمود، و مردم را به وسیله تو هدایت کرد، می‌خواهم که بر تو درود فرستد، سپس چنین خواند: به درستی که خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام کنید سلامی کامل.

شیخ طوسی در کتاب «مصباح» فرموده: چون کنار قبر شریف از دعا فارغ شدی، نزد منبر برو، و بر آن دست بمال و دو قبه پایین منبر را که مانند انار است بگیر و صورت و چشمهای خود را به آن بمال که در آن شفای چشم است و نزد منبر بایست و حمد و ثنای الهی را بجای آور، و حاجت خود را بخواه، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بین قبر و منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر من بر دریست از درهای بهشت، سپس به مقام پیامبر میروی، و در آنجا آنچه خواهی نماز بجا می‌آوری، و در مسجد پیامبر بسیار نماز بخوان، به درستی که نماز در آن برابر با هزار نماز است و هرگاه داخل مسجد شوی یا بیرون روی بر آن حضرت صلوات فرست و در خانه فاطمه زهرا نماز گذار و به مقام جبرئیل که زیر ناودان است برو، که محل ایستادن جبرئیل در هنگام اذن دخول خواستن از پیامبر صلی الله علیه و آله آنجا بوده و بگو:

از تو می‌خواهم ای بخشنده، ای بزرگوار، ای نزدیک، ای دور، که نعمت را به من بازگردانی. آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 497

نزد روضه مطهره زیارت کن و در تعیین جای قبر آن مظلومه اختلاف شده، طایفه‌ای گفته‌اند: در روضه که بین قبر و منبر است مدفون می‌باشد و بعضی گفته‌اند: در خانه خودش مدفون است و گروه سوم گفته‌اند قبر مطهرش در بقیع است و آنچه را اصحاب با بیشتر اعتقاد بر آن دارند، این است که آن مظلومه نزد روضه زیارت شود و کسی که آن معظمه را در این سه موضع زیارت کند افضل است، چون برای زیارت آن ممتحنه، در این مواضع ایستادی بگو:

ای آزموده، آزمودت خدای یکه تو را آفرید، پیش از آنکه تو را بیافریند، پس به آنچه آزمودت تو را شکبیا یافت ما بر این باوریم که دوستان و تصدیق‌کنندگان تویم، و به تمام آنچه پدرت (درود خدا بر او و خاندانش باد) و وصی‌اش برای ما آورده صبرکننده‌ایم، پس از تو درخواست می‌کنیم، اگر تصدیق‌کننده تو بوده‌ایم، ما را به تصدیقمان به پدرت و

جان‌شینش ملحق کنی، تا خود را بشارت دهیم، که به سبب ولایت تو پاک گشته‌ایم. و نیز مستحب است بگویی: سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا، سلام بر تو ای دختر محبوب خدا، سلام بر تو ای دختر دوست صمیمی خدا، سلام بر تو ای دختر بزرگ‌پدیده خدا، سلام بر تو ای دختر امین خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا، سلام بر تو ای دختر برترین پیامبران خدا، و رسولان و فرشتگان، سلام بر تو ای دختر بهترین مخلوقات، سلام بر تو ای بانوی بانوان جهان از گذشتگان و آیندگان، سلام بر تو ای همسر ولی خدا، و بهترین خلق بعد از رسول خدا، سلام بر تو ای مادر حسن و حسین، دو سرور جوانان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 498

اهل بهشت، سلام بر تو ای صدّیقه شهیده، سلام بر تو ای خشنود از خدا، و خدا خشنود از تو، سلام بر تو ای فاضله پاکیزه، سلام بر تو ای حوریه در لباس انسان، سلام بر تو ای پرهیزگار نظیف، سلام بر تو ای همسخن با ملائکه و ای بسیار دانا، سلام بر تو ای ستم‌دیده، ای که حقت غصب شده، سلام بر تو از سرکوب شده، و مقهور دشمن، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا، درود خدا بر تو و روح و تن تو، گواهی می‌دهم که بر برهانی روشن از سوی پروردگارت از جهان درگذشتی، و هرکه تو را شاد کرد، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) را شاد نمود، و هرکه به تو جفا کرد، و به رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) جفا کرد، و هرکه تو را آرزو، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) را آرزو، و هرکه به تو پیوست، به رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) پیوست و هر از تو برید، از رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) برید، چرا که تو پاره تن او و روح بین دو پهلوی او هستی، خدا و رسولان خدا و فرشتگان را گواه می‌گیرم که من خشنودم از کسی که تو از او خشنودی، و خشمگینم بر کسی که تو بر او خشمگینی، و بیزارم از هر که تو از او بیزاری، و دوست دارم هرکه را تو دوست داری و دشمنم هرکه را تو با او دشمنی، و منتقمم از هرکه تو از او نفرت داری و محبت دارم به هرکه تو به او محبت داری و خدا برای شهادت و حسابرسی، کیفر دهی و پاداش دهی کافی است. آنگاه بر رسول خدا و ائمه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 499

طاهرین علیهم السّلام صلوات می‌فرستی. مؤلف گوید: ما برای روز سوم جمادی الآخر زیارتی دیگر برای حضر فاطمه علیها السلام نقل کردیم، و نیز علما زیارت مبسوطی برای آن مظلومه نقل کرده‌اند، که مثل همین زیارت نقل شده از شیخ

طوسی است، اول آن (السَّلامُ علیک یا بنت رسول اللّٰه) است تا (اشهد اللّٰه و رسله و ملائکته) و از اینجا به بعد آن چنین است:

خدا و فرشتگانش را گواه می گیریم که من دوستم با هرکه تو را دوست دارد، و دشمنم با هرکه با تو دشمن است، و در جنگم با کسی که با تو بجنگد، من ای سرپرستم یقین دارم به تو و پدر و همسر توو امامان از فرزندان، و به ولایتشان مؤمنم و به پیروی از آنان ملتزمم، شهادت می دهم، که دین، دین آنهاست، و فرمان فرمان آنها، و آنان از جانب خدا آنچه را باید، ابلاغ کردند، و به راه خدا با حکم و موعظه حسنه دعوت نمودند، و در راه خدا به ملامت ملامت کنندگان اعتنا ننمودند، و دروهای خدا بر تو و پدر و همسر تو و فرزندان، آن امامان پاک، خدایا درود فرست بر محمد و اهل بیتش، و درود فرست بر بتول پاک، صدّیقه، معصومه، پرهیزکار، پاکیزه، خشنود از حق، خدا خشنود از او، پاک تربیت، رشیده، مظلومه، دشمن چیره، غصب شده حق، منع شده از ارث، پهلوی شکسته، ستم شده بر شوهرش، کشته شده فرزندش، فاطمه دختر رسولت، و پاره تنش، و خالص قلبش، و جگ گوشه اش، و انتخاب شده از جانب تو، و تحفه ای که به جانشینش اختصاص دادی، و محبوبه مصطفی، و همسر مرتضی، بانوی بانوان، و مژده دهنده اولیاء، و هم پیمان ورع و زهد، و سیب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 500

فردوس و بهشت جاوید، بانویی که شرافت دادی تولّدش را به زنان بهشت، و خارج کردی انوار امامان را از صدف وجود او، و انداختی در مقابلش پرده نبوّت را. خدایا بر او درود فرست، درودی که بیفزاید بر مقامش نزد تو، و بر شرفش در پیشگاهت، و بر منزلتش از خشنودی ات، و به او از جانب ما تحیت و سلام برسان، و به ما در راه دوستی اش از جانب خود، فضل و احسان و رحمت و آمرزش عنایت کن، تو صاحب گذشت و بزرگواری هستی.

مؤلف گوید: شیخ در «تهدیب» فرموده: آنچه در فضل زیارت آن معظّمه روایت شده، بیشتر از آن است که شمارش شود و علامه مجلسی از کتاب «مصباح الانوار» نقل کرده: از حضرت فاطمه علیها السلام روایت شده: پدرم به من فرمود: هرکه بر تو صلوات فرستد، حق تعالی او را بیامزد و در هر جای بهشت که باشم به من ملحق کند.

زیارت حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله از راه دور

عَلَّامَه مجلسی در «زاد المعاد»، در اعمال عید مولود، که روز هفدهم ربیع الأول است فرموده: شیخ مفید و شهید و سید ابن طاووس (ره) گفته‌اند: چون بخوای در غیر مدینه طیبه حضرت رسول گرامی صلی الله علیه و آله را زیارت کنی، غسل کن و چیزی شبیه قبر در برابر خود بساز، و نام مبارك آن حضرت را بر آن بنویس، سپس بایست و دل خود را متوجه آن حضرت کن و بگو:

شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست، و آقای پیشینیان و پسینیان، و سرور پیامبران و رسولان است. خدایا بر او و اهل بیتش آن امامان پاك درود فرست. سپس بگو: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 501

بر تو ای دوست صمیمی خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای رحمت خدا، سلام بر تو ای منتخب خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو ای بنده نجیب خدا، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، سلام بر تو ای سرور رسولان، سلام بر تو ای قیام کننده به عدالت، سلام بر تو ای فتح کننده خیر، سلام بر تو ای معدن وحی و تنزیل، سلام بر تو ای رساننده پیام از سوی خدا، سلام بر تو ای چراغ پرفروغ، سلام بر تو ای مژده‌دهنده، سلام بر تو ای بیم‌دهنده، سلام بر تو ای هشداردهنده، سلام بر تو ای نور خدا، که به آن روشنی جویند، سلام بر تو و بر اهل بیت پاك و پاکیزه و راهنما و راه‌یافته‌ات، سلام بر تو و بر جدّت عبد المطلب، و بر پدرت عبد الله، سلام بر مادرت آمنه دختر وهب، سلام بر عمویت حمزه سرور شهیدان، سلام بر عمویت عباس فرزند عبد المطلب، سلام بر عمویت و سرپرست ابو طالب، سلام بر پسر عمویت جعفر، پرواز کننده در بهشت جاوید، سلام بر تو ای محمد، سلام بر تو ای احمد، سلام بر تو ای حجّت خدا بر پیشینیان و پسینیان، و پیشی گیرنده بر طاعت پروردگار جهانیان، و مهربان بر رسولانش، و خاتم پیامبرانش، و گواه بر بندگانش،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 502

و شفیع به درگاهش، و ارجمند در نزدش، و پیروی شده در ملکوتش، پیامبر ستوده‌تر در صفات، و پسندیده بر دیگر اشراف، کریم نزد پروردگار، و طرف سخن واقع شده از پس پرده‌های غیب، آنکه در مسابقه بندگی بر همه پیروز آمد و کسی در این مسابقه به او ملحق نگردد، بر تو سلام می‌دهم، سلام آگاه به حقت، و معترف به تقصیر در قیامش، نسبت به حقوق واجبی که برای تو است، انکار کننده نیست، نسبت به آنچه که رسیده به آن از فضل، یقین کننده به

فزونیهایی نصیبت از جانب پروردگارت، مؤمن به کتابی که بر تو نازل شده، حلال شمارنده حالات، و حرام داننده حرمت، شهادت می‌دهم ای فرستاده خدا با هر شاهد، و به عهده برمی‌دارم از جانب هر انکارکننده، به اینکه پیامهای پروردگارت را رساندی، و برای امتت خیرخواهی کردی، و در راه پروردگارت کوشیدی، و آشکارا به اجرای دستورش برخاستی، و در کنارش تحمل آزار نمودی و به راهش با منطق محکم و پند نیکو و زیبا دعوت کردی، و حقی که بر عهده تو بود ادا نمودی، به یقین نسبت به اهل ایمان مهربان، و نسبت به کافران سخت گیر بودی، و خدا را بندگی نمودی، تا مرگ تو را دررسید، خدا برساند تو را به شریف‌ترین مقام اکرام‌شدگان، و برترین جایگاههای مقربان، و بالاترین درجات رسولان آنجا که رسنده‌ای به تو نرسد، و برتری بر تو برتری نجوید، و پیشی گیرنده‌ای بر تو پیشی نگیرد، و طمع‌کننده‌ای در دریافت تو طمع ننماید، خدا را سپاس که ما را به وسیله تو از هلاکت رهانند، و از گمراهی به راه راست هدایت کرد، و از تاریکی به نورانیت آورد، خدا پاداشت دهد ای رسوخد خدا در نبوتت، پاداشی برتر از آنچه پیامبری را از امتش عنایت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 503

نموده و رسولی را از طرف آنان که به سویشان فرستاده شده مرحمت کرده، پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا، زیارت کردم با آشنایی به حقت و اقرار کنان به فضل، و با بینایی به گمراهی کسی که با تو و اهل بیت مخالفت کرد، آشنایم به هدایتی که تو بر آن هستی، پدرم و مادرم و خود و خانواده‌ام و مال و فرزندانم فدایت باد، من به تو درود می‌فرستم، چنان که خدا و فرشتگان و انبیا و رسولانش بر تو درود فرستادند، درودی پیایی، کامل، پیوسته که نه برایش بریدن باشد و نه اندازه و زمان، درود بر تو و اهل بیت پاک و پاکیزه‌ات، آنچنان که شما شایسته آن هستید. پس دستها را بگشا و بگو: خدایا قرار ده دروهای همه جانبه‌ات و روینده برکات، و فزونیهایی خیرات، و شرافتهای تحیات، و سلامهات، و کرامتهات، و رحمت‌های، و دروهای فرشتگان مقرب، و انبیای مرسل، و امامان برگزیده‌ات و بندگان شایسته‌ات، و اهل آسمانها و زمینها، و هرکه تسبیح تو گوید، ای پروردگار جهانیان، از گذشتگان و آیندگان، بر محمد بندهات و فرستاده‌ات و گواه بر خلقت و پیامبرت، و بیم‌دهنده‌ات، و امین، و بنده با قدرت و ارجم و نجیبت، و محبوب و دوست صمیمی، و برگزیده و مخصوص، خالص و رحمت و بهترین انتخاب شده از میان خلقت، پیامبر رحمت، و خزانه‌دار آمرزش، و پیشرو خیر و برکت، و رهاننده بندگان به اجازات از هلاکت، و فراخواننده آنان به دین استوارت، به فرمانت، اولین پیامبران در پیمان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 504

و آخرینشان در رسالت، آن پیامبری که فرو بردی او را در دریای فضیلت و منزلت بس بزرگ و درجه بس بلند و مرتبه شریف، و او را در صلب‌های پاک به امانت گذاشتی، و وی را از باب لطف و مهرت بر او از آن صلبها به رحمهای پاک منتقل کردی، آنگاه برای حفظ و حراست و نگهداری و پاسبانی‌اش، از قدرت دیده‌بانی نگهدارنده گماشتی، که از وی به وسیله آن نگهدارنده آلودگیهای محش و رذیلت و معایب کار زشت را باز داشتی تا اینکه به وسیله آن حضرت دیدندگان را رفعت دادی، و سرزمینهای مرده را زنده کردی، به اینکه از نور ودلاتش، تاریکیهای پرده‌ها را برطرف نمودی، و پوشاندی به وسیله او بر حرمت جامه‌های انوار را. خدایا همچنان که او را به شرف این مرتبه کریمانه، و انداخته این منقبت عظیمه اختصاص دادی، بر او درود فرست چنان که به عهده و وفا کرد، و پیامبهایت را رساند، و بر توحیدت با اهل انکار جنگید، و خویشی خود را با اهل کفر برای سربلندی دینت قطع کرد و جامه گرفتاری را در مبارزه با دشمنانیت به بر نمود، و تو هم در برابر هر آزادی که به او رسید، یا هر کیدی که آن را احساس کرد، از گروهی که قصد کشتنش را داشتند، واجب فرمودی، فضیلتی که بر فضائل برتری جوید، و به آن مالک شود عطای بس بزرگ را، چرا که آن حضرت اندوهش را پنهان کرد، و نفسهای پر غصه‌اش را مخفی نمود، و شربت اندوه را چشید، و از آنچه وحیات برایش مشخص کرده بود، پا به فرا نگذاشت، خدایا بر او و اهل بیتش درود فرست، درودی که آن را برای آنها پسندی و از جانب ما تحت بسیار و سلام به آنان برسان، و از پیشگاهت بخاطر دوستی ایشان به ما فضل و احسان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 505

و رحمت و آمرزش عنایت کن، تو دارای فضل بسیار بزرگی.

سپس چهار رکعت نماز زیارت با هر سوره‌ای که بخواهی به دو سلام بجا آر، و پس از آن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بخوان و بگو:

خدایا خود به پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش باد) فرمودی: اگر اینان هنگامی که بر خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند، از خدا آمرزش می‌خواستند، و پیامبر برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، و به یقین خدا را توبه پذیر و رحیم می‌یافتند، و من در زمان پیامبرت (درود بر او و خاندانش) حاضر نبودم. خدایا اینک او را زیارت کردم زیارتی با رغبت، از بدی عملم توبه‌کننده‌ام، و از گناهانم از حضرتت خواستار آمرزشم، و به آن گناهان اعتراف دارم، و تو آنها را بهتر از من می‌دانی، به وسیله پیامبرت پیامبر رحمت (درودت بر او و آنان) متوجه به وجود توام، خدایا به محمد و اهل بیتش مرا

نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقرّبان قرار ده، ای محمّد، ای رسول خدا، پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا، ای آقای خلق خدا، من به وسیله تو به پیشگاه خدا رو می کنم پروردگارم و پروردگار تو، تا خدا گناهانم را ببامزد، و عملم را قبول نماید، و حاجاتم را برآورده سازد، تو هم ای رسول خدا نزد پروردگارت و پروردگارم شفیع من باش، پس چه خوب درخواست شده‌ای است مولا و پروردگارم، و چه خوب شفيعی هستی تو ای محمّد، بر تو و اهل بیت سلام.

خدایا از جانب خود آمرزش و رحمت، و روزی وسیع و پاکیزه و سودمند، برای من واجب فرما، چنان که واجب کردی برای کسی که به خدمت پیامبرت محمّد (درود تو بر او و خاندانش) آمد، درحالی که زنده بود، و به گناهانش اقرار کرد، و پیامبرت (درود بر او و خاندانش) برای او طلب آمرزش کرد،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 506

و تو او را آمرزیدی به حق مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا به حقیقت تو را آرزومندم، و به تو امید بستم، و در پیشگاهت ایستادم و از غیر تو به تو میل کردم، و پاداش بزرگت را آرزو کردم، من اعتراف کننده‌ام نه انکار کننده، و از آنچه مرتکب شدم، توبه کننده به سوی تو هستم، و در این مقام پناهنده به توام، از آن اعمالی که پیشتر فرستادم، اعمالی که در آنها به من پیش دستی کردی، و مرا از آنها نهي کردی، و بر آنها به من وعده کیفر دادی، پناه می آورم به بزرگواری ذات، از اینکه مرا در مقام رسوایی و خواری بپا داری، روزی که پرده‌ها در آن دریده شود، و اسرار و رسواییها در آن آشکار گردد، و اندامها در آن بلرزد، روز حسرت و پشیمانی، روز تهمت، روز نزدیک، روز زیانکاری، روز جدا کردن، روز پاداش، روزی که طول آن پنجاه هزار سال است، روز دمیدن، روزی که بلزاند لرزاننده‌ای، روزی که از پی آن لرزاننده‌ای دیگر آید، روز گسترش، روز عرض اعمال، روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان بپا خیزند، روزی که فرار کند انسان از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندان، روزی که شکافته شود زمین، کرانه‌های آسمان، روزی که هرکسی بیاید، و از وجود خود دفاع کند، روزی که بندگان برگردانده شوند به سوی خدا و به آنچه انجام داده‌اند آگاهشان سازند، روزی که از رفیق به رفیق سودی نرسد، و نه آنان یاری شوند، مگر آن که را خدا رحم کند، که او عزیز و رحیم است، روزی که مردم بازگردانده شوند به سوی دانای نّان و آشکار، روزی که بازگردانده شوند به سوی خدا، سرپروست حقشان روزی که از قبرها شتابان درآیند، گویی به سوی نشانه‌هایی می‌دوند، و گویی ملخهایی پراکنده‌اند،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 507

در حالی که چشم دوخته‌اند به سوی دعوت کننده به جانب خدا، روز واقعه، روزی که زمین به سختی بلرزد، روزی که آسمان همانند معدن گداخته می‌شود، و کوهها همانند پنبه زده شده، و خویشی از وضع خویش پرسیده نشود، روز گواه روز گواهی شده، روزی که فرشتگان صف در صف باشند. خدایا به عالم در آن روز، به خاطر وضعی که امروز دارم رحم کن، و در آن حال به آنچه بر خود جنایت کردم رسوایم مکن، و راه مرا در آن روز ای پروردگارم با اولیایت، و محل گردآمدن مرا در گروه محمد و اهل بیتش (درود بر آنان) قرار ده، ورودگاه مرا حوض او، و بازگشتگاهم را در میان سپیدرویان ارجمند مقرر فرما، و نامه عملم را به دست راستم ده، تا به وسیله حسناتم رستگار گردم، تا رویم را به آن سبب سپید گردانی، و حسایم را آسان سازی و ترازویم را سنگین کنی، تا با رستگاران از بندگان صالحت به جانب خشنودی‌ات و بهشت‌های بروم، ای معبود جهانیان. خدایا به تو پناه می‌آورم از اینکه در آن روز، در برابر خلائق به گناهانم رسوایم سازی، یا به خاطر خطایم با خواری و پشیمانی و دمساز گردم، یا در آن روز بدیهام را ب رخصیهام غالب گردانی، یا مرا با نامم در میان خلائق ندا دهی، ای بزرگوار، ای بزرگوار، گذشت نما، گذشت نما، پرده‌پوشی کن، پرده‌پوشی کن. خدایا به تو پناه می‌آورم از اینکه در آن روز جایگاه‌هم در جایگاه‌های بداران باشد، یا مقامم در مقام مردم بدفرجام قرار گیرد، و زمانی که میان بندگان جدایی اندازی، پس سوق دادی همه را با اعمالشان، گروه گروه به منازلشان، مرا با

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 508

رحمت به میان بندگان شایسته‌ات، در گروه اولیای پرهیزگارت به جانب بهشتیان سوق ده، ای پروردگار جهانیان.

پس آن حضرت را وداع کن و بگو: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای مژده‌ده و بیم‌ده، سلام بر تو ای چراغ نوربخش، سلام بر تو ای سفیر بین خدا و بندگان خدا، گواهی می‌دهم ای رسول خدا، که تو نوری بودی در صلبهای ارجمند، و رحمهای پاک، جاهلیت با ناپاکیهایش ناپاکت نکرد، و از جامه‌های چرکینش تو را نپوشاند، و گواهی می‌دهم ای رسول خدا که من به حضرت تو، و امامان از اهل بیت ایمان دارم، و به همه آنچه تو آورده‌ای خشنود و معتقدم، و گواهی می‌دهم که امامان از اهل بیت مشعلهای هدایت و دستاویزهای استوار و حجتهای بر اهل جهانند. خدایا این زیارتم را آخرین زیارت پیامبرت (درود بر او و خاندانش) قرار مده، و اگر مرا میراندی، پس من در مردنم شهادت می‌دهم بر آنچه در حیاتم شهادت دادم، که تویی خدا، معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌شریکی، و محمد بنده و فرستاده تو است، و امامان از اهل بیت اولیایت، و یارانت، و حجتهای تو بر خلقت، و جانشینان تو در میان بندگان، و نشانه‌های تو در کشورهایت، و خزانه‌داران دانشت، و نگهبانان رازت، و ترجمانان وحیت می‌باشند. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به روان محمد و خاندانش در این ساعت و در هر ساعت از جانب من تحیت و سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 509

برسان، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای رسول خدا، خدا این سلام را آخرین سلام من قرار ندهد. شیخ طوسی در «مصباح» و سید ابن طاووس در کتاب جمال الاسبوع در رابطه با اعمال روز جمعه فرموده‌اند: زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جمعه مستحب است و از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: هرکه در شهر خود باشد و بخواهد قبر رسول خدا و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و سایر حجج طاهره علیهم السلام را زیارت کند در روز جمعه غسل کند، و دو جامه پاکیزه بپوشد، و به صحرایی برود و به روایت دیگر بر بام خانه بالا رود، چهار رکعت نماز با هر سوره‌ای که ممکن شود بخواند، و پس از بیان نماز، رو به قبله بایستد و بگوید: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر، سلام بر تو ای پیامبر فرستاده شده، و بر وصی ملقب به مرتضی، و بانوی بزرگ، و سیده زهرا و ده فرزندزاده برگزیده، و اولاد برجسته، و امینان نجیب، آدمم با جدایی از خلق، به جانب شما و پدرانتان، و فرزندان، آن یادگار صالح به برکت حق، دلم تسلیم شمامست، یاری‌ام برای شما آماده است، تا خدا به دینش حکم کند، با شمایم با شما، نه با دشمنان شما، من به فضل شما گویایم و به رجعت شما اقرار دارم، هیچ قدرتی را برا خدا انکار ندارم، و گمان ندارم جز آنچه را خدا خواسته باشد، منزّه است خدا، دارنده ملک و ملکوت، خدایا را با نامهایش همه خلقش تسبیح می‌کنند. سلام بر جانها و بدنهای شما، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

مؤلف گوید: روایات بسیار وارد شده که از هر کجا سلام و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاده شود، به آن حضرت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 510

خواهد رسید. در روایتی وارد شده: ملکی موکل است هر مؤمنی بگوید: صلی الله علی محمد و اله و سلم آن ملک در جواب او بگوید: و علیک پس از آن به حضرت عرض کند: ای رسول خدا فلان شخص بر شما سلام داد، آن حضرت فرماید: و علیه السلام. در روایت معتبر آمده، آن حضرت فرمود: هرکه قبر مرا پس از مرگ من زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم به سوی من هجرت کرده، پس هرگاه استطاعت نداشت، به زیارت قبر من آید، به سوی من سلام فرستد، که آن سلام به من خواهد رسید، و اخبار با این مضمون بسیار است، و ما در باب اول در ذکر زیارت حجج طاهره در ایام هفته، دو زیارت برای رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز شنبه [صفحه 94] نقل کردیم، اگر خواستی به آنجا مراجعه کن، و خود را به فیض خواندن آنها نائل ساز [در زیارت امیر المؤمنین (ع) در اذن دخول رواق مطهرش

زیارت مختصری از پیامبر (ص) بیاید. مؤلف]. شایسته است صلوات فرستادن بر آن حضرت به آن صلواتی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود در روز جمعه، بر آن جناب فرستاد، این صلوات در کتاب «روضه کافی» چنین است:

به درستی که خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام کنید سلامی کامل، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر محمد و خاندان محمد برکت ده، و بر محمد و خاندان محمد مهر ورز، و بر محمد و خاندان محمد سلام فرست، همانند برترین درود و برکت و رحمت و مهرورزی و سلامی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، تو ستوده و بزرگواری. خدایا به محمد عطا کن وسیله و شرف و برتری و منزلت کریمانه. خدایا قرار ده محمد و خاندان را بزرگترین همه خلائق، از جهت شرافت در روز قیامت، و نزدیکترین آنها به خود از نظر جایگاه، و آبرومندترینشان در روز قیامت از جهت شرف و عزت و برترینشان در پیشگاهت از حیث منزلت و بهره‌مندی. خدایا به محمد شریفترین مقام و جایزه و سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 511

و شفاعت اسلام را عطا کن. خدایا ما را به او ملحق گردان نه با رسوایی و پیمان‌شکنی، و پشیمانی و تغییر حقایق، ای معبود حق دعاها مستجاب باد.

و در اواخر باب زیارت صلواتی بر آن حضرت و خاندان او علیهم السلام خواهد آمد.

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

یعنی: حضرت امام حسن مجتبی، و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام

چون خواستی این بزرگواران را زیارت کنی، باید آنچه در آداب زیارت ذکر شد بجا آوری یعنی غسل و طهارت، و پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه، و استعمال بوی خوش و اذن دخول و مانند اینها. و نیز چنین بگو:

ای سرپرستان من، ای فرزندان رسول خدا، بنده شما، و فرزند کنیز شما، که خوار در برابران هستم، و فزاینده در الوایی قدرت‌ان، و اعتراف کننده به حق شما، آمده به پیشگاهتان، درحالی که پناهنده به شما و قصد کننده حرم شما، و متقرب به سوی شماست، متوسل به خدا است به وسیله شما، آیا وارد شوم ای سرپرستانم، آیا وارد شوم ای اولیای خدا آیا وارد شوم

ای ملائکه خدا، که در برگزیده این حرم، و مقیم د راین زیارتگاهید؟ و پس از خشوع و خضوع و رقت وارد شو، و پای راست را در ورودت مقدم بدار و بگو: خدا بزرگتر است، بزرگتر، خدا را سپاس بسیار، در بامداد و شامگاه، و سپاس خدای را خدای فرد و بی نیاز، و بزرگوار و یکتا تفضل کننده و نعمت دهنده، و عطابخش و مہروز، خدایی که به کرمش منت نهاد، و به احسانش زیارت سرورام را آسان نمود

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 512

و از زیارتشان محروم نکرد، بلکه تفضل و بخشش بی پایان بی دریغ نمود. پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو، و پشت به قبله و رو به قبر ایشان بگو: سلام بر شما ای پیشوایان هدایت، سلام بر شما ای اهل پرهیزکاری، سلام بر شما ای حجتها بر اهل دنیا، سلام بر شما ای قیام کنندگان به عدالت در میان آفریدگان، سلام بر شما ای اهل برگزیدگی، سلام بر شما ای خاندان رسول خدا، سلام بر شما ای اهل راز، شهادت می دهم که دعوت حق را رساندید، و خیرخواهی نمودید، و در راه حق شکیبایی کردید، و تکذیب شدید، و نسبت به شما بد رفتاری شد، ولی شما گذشت کردید، و شهادت می دهم که شما امامان هدایت و هدایت یافته اید، و طاعت شما واجب، و گفتار شما صدق است، شما دعوت کردید، ولی اجابت نشدید، و دستور دادید، ولی اطاعتتان نکردند، شما ستونهای دین و پایه های زمین هستید، همواره تحت توجه خدا بودید، که شما را از صلبهای هر انسان پاک بر می داشت، و به رحمهای پاکیزه منتقلتان می نمود، جاهلیت سخت و سنگین شما را آلوده نکرد، و فتنه های هوا در شما شرکت نجست، پاک بودید و جای روییدن شما پاک بود، جزا دهنده روز جزا به وجود شما بر ما منت نهاد، پس قرارتان داد در خانه هایی که خدا اجازه داد رفعت یابد، و نامشان در آن خانه ها ذکر گردد، و درودمان را بر شما رحمت برای ما و کفاره گناهانمان قرار داد، زیرا خدا شما را برای ما انتخاب کرد، و آفرینش ما را به آنچه از ولایت شما بر ما منت نهاد و پاکیزه ساخت، و ما در پیشگاه خدا از نامبردگان به دانش شما و اقرار کنندگان به تصدیقمان نسبت به شما بودیم، این است جایگاه کسی که زیاده روی کرد، و دچار خطا شد، و درمانده گشت، و به آنچه جنایت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 513

کرد اقرار نمود، و به این جایگاهش نجات خود را مید دارد، و اینکه به وسیله شما از ورطه هلاکت برهاندش رها نموده هلاک شدگان شما شفیعان من باشید، آنگاه که وارد بر شما شوم همانگاه که مردم دنیا از شما روگردانده اند، و آیات خدا را به مسخره گرفتند، و از قبول آنها تکبر کردند، ای که او پابرجاست و غفلت نمی کند، و پاینده است و سرگرم نمی شود، و به همه چیز احاطه دارد، تو را منت است به آنچه مرا موقوف نمودی، و شناساندی به من آنچه را بر آنم واداشتی، آنگاه که

بندگان از او بازداشتند، و شناختش را نادان بودند، و حقش را سبک شمردند، و به جانب غیر او میل نمودند، پس از جانب تو بر من منت بود، با اقوامی که اختصاص دادی آنها را به آنچه مرا به آن اختصاص دادی، پس تو را سپاس، به خاطر اینکه در این جایگاهم نزد تو یاد شده و ثبت شده بودم، از آنچه امید کردم مرا محروم مکن، و در آنچه خواندم ناامید مساز، به حرمت محمد و خاندان پاکش، و درود خدا بر محمد و خاندان محمد. پس برای خود به هرچه که خواهی دعا کن. شیخ طوسی (ره) در کتاب «تهدیب» فرموده:

پس از آن هشت رکعت نماز زیارت بجای آور، برای هر امامی دو رکعت و شیخ طوسی و سید ابن طاووس گفته‌اند چون خواستی ایشان را وداع کنی، بگو: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما ای پیشوایان هدایت، شما را به خدا می‌سپارم، و بر شما سلام می‌فرستم، به خدا و رسول، و به آنچه شما آوردید و بر آن راهنمایی کردید ایمان آوردیم، خدایا ما را با گواهان بنویس.

سپس بسیار دعا کن، و از خدا بخواه، که دیگر بار تو را به زیارت ایشان برگرداند، و زیارت آن بزرگواران آخرین زیارت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 514

تو نباشد. علامه مجلسی (ره)، در «بحار» از یکی از نسخه‌های قدیمی، زیارت مبسوطی ایراد فرموده و چون به تصریح ایشان و دیگران، بهترین زیارات برای آن بزرگواران زیارات جامعه است [مجموعه‌ای زیارات است که به هر کدام زیارت جامعه گفته می‌شود مانند زیارت امین الله، جامعه معروفه و ...] که پس از این ذکر خواهد شد ان شاء الله، به همین خاطر ما در این مقام به همین اندازه اکتفا کردیم و در باب اول، در ذکر زیارات حجج طاهره علیهم السلام در ایام هفته، زیارتی برای حضرت امام حسن علیه السلام و زیارتی برای این سه امام بزرگوار نقل کردیم [صفحه 98]، از آنها غفلت نشود بدان که ما در زیارت هر يك از حجج طاهره علیهم السلام غیز از ائمه بقیع علیهم السلام صلواتی برای صاحب زیارت ذکر می‌کنیم، و در صلوات بر این بزرگواران اکتفا می‌کنیم به صلواتی که در آخر باب زیارات ذکر می‌شود، به آنجا رجوع شود، و با ذکر صلوات بر ایشان ترازوی اعمال حسنه خود را سنگین کن. بدان که کثرت شوق این مهجور شکسته به آن مشاهد مشرفه مرا وادار می‌کند که از قصیده‌هایی [یعنی قصیده‌ای که قافیه آن حرف «ه» است] فاضل اوحدی، مادح آل احمدی جناب شیخ ازری (ره) چند شعری که مناسب با این مقام است ذکر کنم و خود را به آن مشغول نمایم. درباره این قصیده از شیخ الفقهاء العظام خاتم المجتهدين الفخام شیخ محمد حسن، صاحب «جواهر الکلام»

نقل شده، که آرزو می کرد آن قصیده در نامه عمل او نوشته شود و کتاب با عظمت «جواهر» در نامه عمل ارزی ثبت گردد، ازری (ره) چنین فرموده است:

| | |
|--|---|
| و این چشمها را گریه خون آلود نموده | به راستی که شوق این دلت را به پریشانی نشانده |
| ولی عشق دوست آن را به گریه انداخت | جریحه دار کننده ترین بلاها دیده ام را نگریاند |
| که کوه رضوی را قدرت برخورد با آنها نیست | هر روز برای حوادث بازگشتی است |
| مگر با پیمانی از آقای رسولان طه | چگونه امید نجات از آنها می رود |
| کاملترین عرب از جهت تعهد و وفادارترین آنها | حصار محکم هراسندگان از هر هراسی |

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 515

| | |
|--|---------------------------------------|
| خبر کائنات است از ابتدای آنها | سرچشمه دانش جز نزد او نیست |
| که خردها خردمندی خود را از آن دو گرفت | از او دانش و بردباری بر خلق افزوده شد |
| و زمین، چنان که بلند آوازه کرد صبح را آفتابش | نامش را بلند آوازه کرد آسمانها |
| هر قومی با اختلاف زبانهایشان | و اینگونه شد که فضائل او را پخش کردند |
| و برتری گرفت از بلندترین آسمانها پست ترین | به وجد آمد خاک از نامش |
| جایگاهش | |
| پیبران در عنای آن مبهوت شدند | از نظر ذات از جوهر تقدس گذشت |

| | |
|--|--|
| فکرت را در صفات احمد جولان مده | زیرا همان صورتی است که هرگز آن را نخواهی دید |
| خدا را کداین آفریده است که بزرگتر از او باشد | او هدنی است که خدا آن را استقصا نموده |
| خدا شرق و غرب را طاهر به باطن زیور کرد | پس احمد را دید و او را انتخاب کرد |
| من منازل قدس او را فراموش نمی کنم | که آنها را تقوا بنا کرد پس بنایش را برافراشت |
| و مردان با عزّی را در خانه هایی | که خدا اجازه داد حریم آنها عزیز شمرده شود |
| سرورانی که جز رضای خدا را نمی خواسته اند | چنان که خدا هم جز رضای آنان را نمی خواست |
| آنان را از کمال خود به معناهایی اختصاص داد | و آنان را به برترین نامهایش نامید |

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 516

| | |
|--|--|
| برای عرش جز گنجهایی نبودند | پنهان، منزّه است آنکه آشکارشان کرد |
| برای آنها چه بسیار زبانهایی است که از خدا خبر می دهد | آنها قلمهای حکمتی بودند که خدا تراشید |
| آنان دیدگان سالمی هستند که راهنمایی کنند | هر چشم نابینایی را دو چشم سالم آنها |
| دانشمندان امامان حکیمانی هستند | که ستارگان با پیروی از هدایت آنها هدایت شوند |
| پیشروانی که دانش و بینش عقلشان | شنیدگاه و دیدگاه هر حکمتی است |

باك ندارم گرچه بر زمین فرو ریزد

آسمانها، پس از نائل شدن به دوستی آنان

ذکر سایر زیارات در مدینه طیبه

به نقل از کتاب «مصباح الزائر» و غیر آن

زیارت ابراهیم پسر رسول خدا

نزدیک قبر می ایستی و می گویی: سلام بر رسول خدا، سلام بر پیامبر خدا، سلام بر محبوب خدا، سلام بر برگزیده خدا، سلام بر راز خدا، سلام بر محمد بن عبد الله، سرور پیامبران و خاتم فرستادگان، و برگزیده خدا از خلقتش در زمین و آسمان، سلام بر همه پیامبران و رسولان خدا، سلام بر شهیدان و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 517

سعادت‌مندان و شایستگان، سلام بر ما و بر بندگان شایسته، سلام بر تو ای روح پاک، سلام بر تو ای جان شریف، سلام بر تو ای نسل پاکیزه، سلام بر تو ای انسان پاک، سلام بر تو ای فرزند بهترین مردم، سلام بر تو ای فرزند پیامبر برگزیده، سلام بر تو ای فرزند برانگیخته به سوی تمام مردم، سلام بر تو ای فرزند مژده‌دهنده و بیم‌ده، سلام بر تو ای فرزند چراغ نوربخش، سلام بر تو ای فرزند تایید شده به قرآن، سلام بر تو ای فرزند فرستاده شده به سوی انس و جن، سلام بر تو ای فرزند دارای پرچم و نشان، سلام بر تو ای فرزند شفیع روز قیامت، سلام بر تو ای فرزند کسی که خدا او را مخصوص به کرامت فرمود، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، شهادت میدهم که خدا خانه نعمتش را برای تو برگزید، پیش از آنکه احکامش را بر تو واجب کند، یا تو را به حلال و و حرامش مکلف گرداند، پس تو را به سوی خود انتقال داد. پاک و پاکیزه، پسندیده و پاک از هر ناپاکی، منزّه از هر چرک، و در بهشت آسایش جایست داد، و به سوی درجات برتر

بالایت برد، درود خدا بر تو درودی که دیده رسولش را به آن روشن گرداند، و به بزرگترین آرزویش برساند. خدایا قرار ده برترین و پاکیزه‌ترین درودهایت، و فزاینده‌ترین و کاملترین برکات را بر رسول و پیامبر و برگزیده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 518

از میان بندگان، محمد خاتم پیامبران، و بر آنان که پدید آمدند از اولاد پاکش، و بر کسی که یادگار گذاشته از اهل بیت پاکیزه‌اش، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق محمد برگزیده‌ات، و ابراهیم فرزند پیامبرت، اینکه به حق آنان قرار دهی کوشش را مورد سپاس، و گناهم را آمرزیده و زندگی‌ام را سعادت‌دانه، و عاقبتم را ستوده، و حاجاتم را روا گشته، و کارهایم را پسندیده، و امورم را ملازم با سعادت، و شونم را پسندیده. خدایا، و توفیق را برام نیکو گردان، و هر اندوه و فشاری را از من برطرف ساز. خدایا مرا از کيفرت برکنار دار، و ثوابت را بی‌دریغ به من ببخش، و در بهشت جالم ده، و خشنودی و امانت را روزی‌ام کن، و با من در دعای شایسته‌ام شریک کن پدر و مادر و فرزندانم را، و همه مردان و زنان اهل ایمان را، زنده و مرده آنان را، به درستی که تو صاحب ماندنیهای شایسته‌ای، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان. پس حاجت خود را بخواه، و دو رکعت نماز زیارت بجا آر

زیارت جناب فاطمه بنت اسد

مزه قبر آن محذره می‌ایستی و می‌گویی: سلام بر پیامبر خدا، سلام بر رسول خدا، سلام بر محمد سرور رسولان، سلام بر محمد سرور پیشینیان، سلام بر محمد سرور آیندگان، سلام بر کسی که خدا او را رحمتی برای جهانیان برانگیخت، سلام و رحمت و برکات

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 519

خدا بر تو ای پیامبر. سلام بر فاطمه دختر اسد آن بانوی هاشمیه، سلام بر تو ای صدیقه پسندیده، سلام بر تو ای پرهیزگار پاکیزه، سلام بر تو ای بزرگوار خشنود، سلام تو ای کفالت کننده محمد خاتم پیامبران، سلام بر تو ای مادر سرور اوصیاء، سلام بر تو ای که غمخواری‌ات بر رسول خدا خاتم پیامبران آشکار شد، سلام بر تو ای که پرورشش برای ولی امین خدا بود، سلام بر تو و بر روح و بدن پاک تو، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و فرزندت، شهادت می‌دهم که به خوبی سرپرستی کردی، و امانت را ادا نمودی، و در راه خشنودی حق کوشیدی، و نهایت زحمت را در حفظ رسول خدا

متحمل شدی، درحالی که به حقّش عارف بودی، و به راستگویی اش ایمان داشتی، و به نبوّتش معترف بودی، و به نعمتش بصیرت داشتی، تربیتش را عهده دار، بر وجودش غم خوار، و به خدمتش مهبّیا، و خشنودی اش را اختیار نمودی، شهادت می دهی که بر ایمان، و تمسّک به شریف ترین ادیان از جهان گذشتی، خشنود و پسندیده، پاک و پاکیزه، پرهیزکار و نظیف، خدا از تو خشنود باشد، و خشنودت نماید، و منزل و جایگاهت را بهشت قرار دهد. خدایا بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و به زیارت او سودم ده، و بر محبّتش پایدارم کن، و مرا از شفاعتش و شفاعت امامان از نسلش محروم مفرما، و همجواری و محشور شدن با او و فرزندان پاکش را روزی ام کن. خدایا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 520

این زیارت را آخرین زیارتی از این بانو قرار مده، بازگشت به زیارتش را همیشه تا زنده ام می داری روزی ام فرما، و چون مرا میراندی در گروه او محشورم کن، و در شفاعتش واردم نما، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

خدای به حق او مقامش در پیشگاهت، مرا و پدر و مادرم و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز، و به ما در دنیا و آخرت پاداش نیکو عنایت کن، و به رحمت، از عذاب دوزخ نگاهمان دار سپس دو رکعت نماز زیارت می خوانی و به آنچه که خواهی دعا می کنی و برمی گردی.

زیارت حضرت حمزه در احد

چون به زیارت آن حضرت نزد قبرش رفتی بگو: سلام بر تو ای عموی رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) سلام بر تو ای بهترین شهیدان، سلام بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا، شهادت می دهی که تو در راه خدای عزّ و جلّ جهاد کردی، و جان را بخشیدی، و برای رسول خدا خیرخواهی نمودی، و آنچه را نزد خدای پاک بود رغبت داشتی، پدر و مادرم فدایت، به سویت آمدم، تا با این آمدن به رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) تقرّب جویم، مشتاق به توام در شفاعت، با زیارت رهایی جانم را می طلبم، به تو پناهنده ام از آتشی که مثل من به خاطر جنایتی که بر خود کرده ام مستحقّ آن است، از گناهانی که بر پشتم بار کرده ام گریزانم، به امید رحمت پروردگارم به تو پناهنده ام، از راه دور

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 521

مشقت باری به سویت آمدم، خواهان آزادی‌ام از آتش دوزخ، پشتم را گناهانم سنگین بار کرده، و بجا آورده‌ام آنچه را که پروردگارم را به خشم آورده، احدی را برای خود بهتر از شما اهل بیت رحمت نیافتم که به او پناه برم، پس روز تهیدستی و حاجت شفیع من باش، که اندوهگین به سویت سیر کردم، و محزون به جانب آمدم، و گریه کنان در پیشگاهت اشک ریختم، و تنها به محضرت آمدم، و تو از کسانی هستی که خدا پیوندش را به من دستور داده، و به نیکی بر او فرمانم داده، و بر فضلش دلالتم کرده، و به محبتش راهنمایی‌ام نموده، و به وار شدن بر او تشویق کرده، و خواستن حوائج را نزد او به من الهام نموده، شما اهل بیتی هستید که هرکه دوستتان بدارد هرگز بدبخت نشود، و هرکه به جانب شما آید هرگز محروم نگردد، و هرکه هوای شما را بدارد هرگز زیانکار نشود، و هرکه شما را دشمن بدارد هرگز به سعادت نرسد. پس رو به قبله می‌کنی، و دو رکعت نماز زیارت بجا می‌آوری، و پس از تمام شدن، نماز، خود را به قبر می‌چسبانی و می‌گویی: خدای بر محمد و خاندان محمد درود فرست، خدایا، من با ملازمت قبر عمومی پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش باد)، خود را در معرض رحمت قرار دادم، تا از انتقامت پناهم دهد، در روزی که ناله‌ها در آن بسیار می‌شود، و سرگرم شود هرکه به آنچه پیش فرستاده، و از خود دفاع نماید، اگر در آن روز به من رحم کنی، ترس و اندوهی بر من نیست، و اگر کیفرم دهی، پس مولایی هستی که او را بر بنده‌اش قدرت کامل است، پس از این روز محرومم مساز، و بدون برآورده شدن حاجتم باز مگردان، چرا که خود را به قبر عمومی پیامبرت چسباندم، و به وسیله او به سوی تو تقرّب جست، برای طلب رضای تو، و امید به رحمت، بنابراین از من بپذیر،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 522

و به بردباری‌ات بر جهلم به من بازگرد، و به مهرت بر جنایتی که بر خود وارد آوردم، هرآینه گناهانم بزرگ شد، و از اینکه به من ستم کنی نمی‌ترسم، ولی از بدی حساب می‌ترسم، پس امروز غلطیدم بر قبر عمومی پیامبرت را بنگر، پس به حق حرمت آن دو بزرگوار از آتش آزادم کن، و کوششم را محروم از رحمت مفرما، و زاری‌ام بر تو سبک نیاید، و صدایم از تو محبوب نگردد، و بدون برآورده شدن حاجتم مرا باز نگردان، ای فریادرس هر دلگیر اندوهگین، ای گشاینده اندوه از غمرده سرگردان و غرق شده مشرف به هلاکت، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به من نظر کن نظر کردنی که بعد از آن بدبخت نشوم هرگز، و به زاری و اشک و تنهایی‌ام رحم کن، من خشنودی‌ات را امید دارم، و جویای آن خیری هستم، که احدی آن را جز تو عطا نمی‌کند، پس آرزویم را باز مگردان، خدایا اگر کیفر کنی، پس مولایی هستی که بر بنده‌اش و سزایش به بدی عملش قدرت دارد، پس امروز نومیدم مکن، و بدون حاجتم باز مگردان، و حرکت کردن و

آمدنم را ناامید مفرما، زیرا توشه‌ام را خرج کردم، و بدن را به زحمت انداختم، و بیابانهای خطرناک را پشت سر گذاشتم، و اهل و مال و آنچه را به من دادی بجای گذاردم و آنچه را نزد تو است بر خود اختیار نمودم، و به قبر عمومی پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش باد) پناه بردم، و به وسیله او برای به دست آوردن رضایت تقرّب جستیم، پس به بردباری‌ات بر جهلم، و به رأفت بر گناهیم بازگرد، به راستی بزرگ شده، به مهریانی‌ات ای بزرگوار، ای بزرگوار.

مؤلف گوید: مدایح جناب حمزه (ره) و فضیلت زیارت آن حضرت پیش از آن است که ذکر شود. فخر المحققین (ره) در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 523

«رساله فخریه» فرموده است: زیارت حمزه و باقی شهدای مدفون در احد مستحبّ است، زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکه مرا زیارت کند و عموم حمزه را زیارت نکند، همانا به من جفا کرده است. این فقیر در کتاب «بیت الأحزان» در مصائب سیده زنان عالم نقل کرده‌ام که حضرت فاطمه علیها السلام پس از وفات پدر بزرگوار خود، هر روز دوشنبه و پنجشنبه به زیارت حمزه و شهدای احد می‌رفت و نماز می‌خواند و دعا می‌کرد و این عمل را تا زمان وفاتش ترک نکرد. محمود بن لبید گفته است: آن سیده جلیله کنار قبر حمزه می‌رفت، و گریه می‌کرد، من در یکی از روزها به زیارت حمزه مشرف شدم، دیدم آن مظلومه نزد قبر حمزه مشغول به گریه است، من صبر کردم تا از گریه آرام شد، نزدیک رفتم و سلام کردم و گفتم: ای سیده زنان، به حق خدا قسم، با این گریه‌ات رگهای دلم را قطع کردی!! فرمود: ای ابا عمر گریستن برای من شایسته است، زیرا مصیبت بهترین پدرها رسول خدا صلی الله علیه و آله به من رسیده، آنگاه فرمود:

واشوقاه الی رسول الله و چنین انشاء کرد:

و یاد پدرم از وقتی که وفات کرد به خدا قسم

چون بمیرد روزی مرده‌ای یادش کم شود

بیشتر است

شیخ مفید (رحمة الله علیه) فرمود رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) در زمان حیاتش به زیارت قبر حمزه امر فرمود، و خود آن حضرت به زیارت حمزه و شهداء می‌آمد، و فاطمه (درود خدا بر او) همواره پس از وفات پیامبر (درود

خدا بر او و خاندانش باد) همواره صبح و شب به جانب قبر حمزه می‌رفت، و مسلمانان هم برای زیارت و ملازمت قبر حمزه نوبت به نوبت می‌آمدند.

زیارت قبول شهدا در احد

در زیارت ایشان می‌گویی: سلام بر رسول خدا، سلام بر پیامبر خدا، سلام بر محمد بن عبد الله، سلام بر اهل بیت پاکش، سلام بر شما ای شهیدان مؤمن،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 524

سلام بر شما ای اهل بیت ایمان، و توحید، سلام بر شما ای یاوران دین خدا و رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) سلام بر شما بخاطر آن صبری که کردید، چه خوب است سرانجام خانه آخرت، شهادت می‌دهم که خدا شما را برای دینش برگزید، و برای رسولش انتخاب کرد، و شهادت می‌دهم که شما در راه خدا جهاد کردید جهادی شایسته، و از دین خدا و پیامبرش دفاع نمودید، و در برابر رسول خدا جانبازی کردید، و شهادت می‌دهم که بر روش رسول خدا کشته شدید، پس خدا شما را از جانب پیامبر و از سوی اسلام و اهلش پاداش دهد بهترین پاداش، و در محل رضوان و موضع اکرامش شما را به ما بشناسد، در کنار انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین، و آنان از جهت رفاقت نیکو رفیقانی هستند، شهادت می‌دهم که شما حزب خدایی، و اینکه هرکس با شما جنگید، با خدا جنگیده، و شما از مقرّبان و رستگاران هستید، آنان که نزد خدا زنده‌اند، و روزی داده می‌شوند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان باد که شما را کشتند، ای اهل توحید زیارت کنان به محضران آمدم، به حق شما آگاهم و به زیارتان به سوی خدا تقرب می‌جویم، و به آنچه که از اعمال شریفه، و کارهای پسندیده گذشته دانیم، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد، و لعنت خدا و خشم و غضبش بر آنان که شما را کشتند.

خدایا به زیارت اینان سودم ده، و بر قصدشان ثابتم دار، و بر آنچه آنان را بر آن میراندی مرا بمیران، و در قرارگاه خانه رحمت میان من و آنان جمع کن، شهادت می‌دهم که شما بر ما پیشی گرفتید، و ما هم به شما ملحق می‌شویم.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 525

و سوره «انا انزلنا» را تا توانی می‌خوانی و بعضی گفته‌اند نزد هر شهیدی که او را زیارت می‌کنی دو رکعت نماز بجای آر، و برگرد

ذکر مساجد معظمه در مدینه منوره

از جمله مسجد قباست که از آغاز بر پایه پرهیزکاری بنا شده، روایت شده: هرکه به آن مسجد برود و دو رکعت نماز بگذارد، با ثواب عمره باز می‌گردد. پس به آن مسجد شریف برو، و دو رکعت نماز تحیت مسجد بجا آور، و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بخوان و زیارت جامعه را که اولش «السّلام علی اولیاء الله» است قرائت کن، ما آن را زیارت اول جامعه قرار می‌دهیم و در اواخر باب ان شاء الله تعالی خواهد آمد، پس خدا را بخوان و بگو: «یا کائنا قبل کلّ شیء» و این دعایی است طولانی و نقلش منافی با اختصار است، هرکه خواهد به باب مزار کتاب بحار الأنوار مراجعه کند. و در مشربه امّ ابراهیم [یعنی غرفه مادر حضرت ابراهیم فرزند رسول خدا (ص)] که مسکن و محلّ نماز رسول حق صلی الله علیه و آله بوده نماز بگذارد، و نیز نماز بخوان در مسجد فضیخ که نزدیک مسجد قباست و آن را مسجد «ردّ شمس» هم می‌گویند، همچنین در مسجد فتح که مسجد «احزاب» می‌خوانند زمانی که در مسجد فتح از نماز فارغ شدی بگو: ای فریادرس گرفتاران، ای اجابت کننده دعای ناچاران، ای دادرس اندوهگینان، بدحالی و اندوه و گرفتاری و غم را برطرف ساز، چنان که از پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش باد) اندوهش را برطرف کردی و او را از هراس دشمنش کفایت نمودی، در آنچه از کار دنیا و آخرت اندیشه مرا مشغول داشته کفایت کن، ای مهربان‌ترین مهربانان.

و در خانه حضرت سجّاد علیه السّلام، و امام صادق علیه السّلام و مسجد سلمان (ره)، و مسجد امیر المؤمنین علیه السّلام که مقابل قبر حمزه (ره) است، و مسجد مباهله تا جایی که بتوانی نماز بخوان، و به آنچه خواهی دعا کن،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 526

هرگاه خواستی از مدینه بیرون روی، غسل کن، و نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله برو، و آنچه پیش از این انجام می‌دادی انجام ده، آنگاه آن حضرت را وداع کن و بگو سلام بر تو ای رسول خدا، تو را به خدا می‌سپارم، و از تو می‌خواهم رعایت کنی، و بر تو سلام می‌فرستم، به خدا و آنچه تو آوردی و به آن راهنمایی کردی ایمان آوردم. خدا این زیارت را آخرین نوبت من از زیارت قبر پیامبرت قرار مده، اگر مرا قبل از اینکه دوباره به زیارت آیم بمیرانی، پس در مرگم شهادت می‌دهم، آنچه در حیاتم بر آن شهادت دادم، به اینکه معبودی جز تو نیست، و محمد بنده و رسول توست،

درود خدا بر او و خاندانش. حضرت صادق علیه السلام در وداع قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به یونس بن یعقوب فرمود چنین بگو:

درود خدا بر تو، سلام بر تو، خدا آن را آخرین سلام من بر تو قرار ندهد.

مؤلف گوید: ما در کتاب (هدی الزائرین) در بیان تکالیف زائران مدینه طیبہ نوشتیم، از چیزهایی که برای ایشان مهم است این است که تا در مدینه معظمه، هستند، فرصت را غنیمت دانسته، در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز بجای آورند، که نماز در آنجا برابر ده هزار نماز است که در جای دیگر خوانده شود و بهترین مکانهای مسجد روضه شریفه است که بین قبر و منبر قرار دارد. بدان که شیخ ما حاجی نوری در «تحیّه» فرموده است: مقدار جای جسد مبارک پیامبر و ائمه ما «صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین» از کعبه معظمه به اتفاق جمیع فقها چنان که شهید (ره) در کتاب «قواعد» به آن تصریح نموده اشرف است. در حدیث حسن، از حضرمی روایت شده است که امام صادق علیه السلام مرا امر فرموده: در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و آل تا میتوانم بسیار نماز بخوانم، و فرمود: همیشه ترا میسر نمی گردد به این مکان شریف بیایی ... تا آخر خبر. شیخ طوسی (ره) در کتاب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 527

«تهدیب» به سند معتبر از مزارم روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: روزه گرفتن در مدینه و نماز خواندن نزد ستونها واجب نیست، بلکه واجب همان نمازهای پنجگانه و روزه ماه رمضان است، ولی اگر کسی بخواهد روزه بگیرد برای او بهتر است. و فرمود در این مسجد شریف تا بتوانید بسیار نماز بخوانید، که برای شما بهتر است 7 بدانید آدمی گاه می شود که در دنیا زیرک است، و مردم او را مدح می کنند، که فلانی چه بسیار زیرک است، پس امر کسی که در کار آخرت زیرک باشد چگونه است؟ و رسول خدا و ائمه بقیع را در روز به اندازه ای که برای تو ممکن است به طور مکرر زیارت کن، و هرگاه حجره رسول الهی را مشاهده کردی بر آن حضرت سلام بده و تا در مدینه هستی مواظب خود باش، و خویش را از گناهان و مظالم حفظ کن و تدبّر و تفکر کن در شرافت آنجا، به خصوص در مسجد شریف که قدمهای مبارک رسول خدا بر آن زمینها گذاشته شده و آن بزرگوار در کوچه و بازار آن تردّد نموده، و در آن مسجد نماز خوانده و آنجا جایگاه وحی و تنزیل است، و جبریل امین و ملائکه مقرب در آنجا نازل می شدند، و چه خوب گفته شده:

و خدا زمین و آسمانش را شریف گردانده

زمینی که جبریل در عرصاتش راه یافته

و تا ممکن شود، در مدینه صدقه بده، به خصوص در مسجد و مخصوصاً به سادات و ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله که ثواب جزیل و اجر عظیم بر آن مترتب است. علامه مجلسی فرموده: در روایت معتبر وارد شده: درهمی که در آنجا صدقه دهند برابر است با ده هزار درهم صدقه در جای دیگر و اگر برای آن ممکن باشد مجاورت آن شهر پاك را اختیار کن، که مجاورت در مدینه مستحب است و احادیث مستفیضه در فضیلت آن وارد شده است.

خدا قبری را در مدینه با بارانش سیرا کند
که در آن فرود آمده امنیت با برکتها

پیامبر هدایت که خدایش بر او درود فرستد
و برساند از ما به روان او هدیه‌ها

درود فرستد خدا بر او تا خورشید می‌تابد
و می‌درخشد ستارگان شب شتابان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 528

فصل چهارم: در فضیلت و کیفیت زیارت مولایمان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

«و در آن چند مطلب است:

مطلب اول: در فضیلت زیارت آن حضرت است.

شیخ طوسی به سند صحیح، از محمد بن مسلم، از امام صادق علیه السلام روایت کرده: خدا مخلوقی بیشتر از ملائکه خلق نفرموده، به درستی که هر روز هفتاد هزار ملک نازل می‌شوند، و به بیت المعمور می‌آیند و دور آن طواف می‌کنند، چون از طواف آنجا فارغ می‌شوند، به طواف کعبه می‌روند، و چون از طواف کعبه فارغ شدند، به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آیند، و بر آن حضرت سلام می‌کنند 7 پس از آن سوی قبر امیر المؤمنان علیه السلام می‌آیند، بر آن حضرت سلام می‌کنند، و بعد از آن نزد قبر حسین علیه السلام می‌آیند و بر آن جناب سلام می‌کنند، پس از آن به

آسمان بالا می‌روند، و مانند ایشان هر روز نازل می‌شوند، تا روز قیامت. سپس فرمود: هرکه امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت کند و عارف به حق آن حضرت باشد، یعنی آن جناب را امام واجب الطاعة، و خلیفه بلا فصل بداند، و از روی جباریت و تکبر نیامده باشد، حق تعالی اجر صد هزار شهید برای او بنویسد و گناهان گذشته و آینده او را ببامرزد، و روز قیامت از جمله ایمان از هوله‌های آن روز برانگیخته شود. و خدا حساب را بر او آسان نماید، و هنگام حرکت به سوی زیارت، ملائکه از او استقبال کنند، و چون از زیارت برگردد او را مشایعت نمایند تا به خانه خود برگردد، و اگر بیمار شود به عیادت او بیایند، و اگر بمیرد جنازه او را مشایعت کنند، و برای او تا کنار قبرش طلب آمرزش نمایند. سیّ عبد الکرم ابن طاووس در کتاب «فرحة الغری» از آن حضرت روایت کرده: هرکه پیاده به زیارت امیر مؤمنان علیه السلام رود، حق تعالی به هر گامی ثواب يك حجّ و يك عمره برای او بنویسد، و اگر پیاده برگردد به هر گامی ثواب دو حجّ و دو عمره برای او بنویسد، و نیز از آن حضرت روایت کرده که به ابن مارد فرمود: ای پسر مارد، هرکه جدم امیر المؤمنین علیه السلام را در صورت عرفان به حقش زیارت کند، حق تعالی برای او به عدد هر گامی حجّ مقبول و عمره پسندیده بنویسد، ای پسر مارد و الله آتش جهنم نمی‌خورد، گامی که در زیارت امیر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 529

المؤمنین غبار آلوده شود، خواه پیاده رود و خواه سواره، ای پسر مارد این حدیث را به آب طلا بنویس. و همچنین از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: ما می‌گوییم در پشت کوفه قبری است، که به آن قبر دردمندی پناه نمی‌برد مگر آنکه حق تعالی او را شفا کرامت فرماید.

مؤلف گوید: از اخبار معتبر ظاهر می‌شود که حق تعالی قبر امیر المؤمنین و اولاد طاهرینش علیهم السلام را پناهگاه هراسندگان و ملجأ بیچارگان، و امان اهل زمین قرار داده، هر غمناکی که نزد او برود غمش زائل می‌شود، و هر دردمندی که خود را به آن بمالد شما می‌گیرد، و هر که به آن پناه برد در امان باشد. سیّد عبد الکرم بن طاووس از محمد بن علی شیبانی روایت کرده است که گفت: من و پدر و عموم حسین، به طور پنهان، در شب تار به زیارت قبر امیر المؤمنین علیه السلام رفتیم، و این کار در سال دویست و شصت و اندی بود و من در آن هنگام کودکی صغیر بودم، چون به قبر آن حضرت رسیدیم دیدیم در اطراف آن قبر سنگهای سیاه گذاشته شده و بنایی ندارد، به قبر نزدیک شدیم، عده‌ای از ما مشغول خواندن قرآن، و بعضی مشغول نماز، از آن محل شریف دور شدیم، آن حیوان نزدیک قبر رفت و شروع به مالیدن ذراع خود به قبر کرد، یکی از ما نزدیک شیر رفت و به تماشای ایستاد، حیوان متعرض او نشد، برگشت و ما را به حال شیر خبر داد ترس از ما برطرف شد، همگی نزدیک او رفتیم، در وضعش دقت کردیم، دیدیم در ذراع او جراحتی است و آن حیوان محلّ جراحت را به قبر آن حضرت می‌مالید، حدود يك ساعت به این حال بود، سپس رفت، ما هم به حال اول

خود، به نماز و زیارت و قرائت قرآن برگشتیم. شیخ مفید نقل کرده: هارون الرشید روزی به قصد شکار از کوفه بیرون رفت، و به سوی غریب و ثویه روی نمود، آهوانی را در آنجا دید، فرمان داد، بازهای شکاری و سگان تعلیم دیده را برای شکار آهوان‌رها کردند، و خود و افرادش نیز بر آنها تاختند، آهوان با دیدن این وضع فرار کرده، به پشته‌ای پناه بردند و آنجا آرمیدند، بازهای شکاری در ناحیه‌ای افتادند، و سگها از حرکت بازماندند، رشید از این امر شگفت‌زده شد، دیگر بار آهوان از فراز پشته به نشیب آمدند، بازها و سگها آهنگ آنان نمودند، باز آهوان به آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 530

جبریل و میکائیل و امام حسن و امام حسین علیهما السلام بوده‌اند، پناه هراسندگان، و ملجأ گریختگان، و فریادرس بیچارگان، و شفای دردمندان، قرار داده باشد؟ بنابراین در هر کجا باشی، خود را به آن قبر برسان، و تا ممکن باشد خود را به آن بچسبان، و اصرار کن، تا به فریادت برسد، و تو را از هلاکت دنیا و آخرت برهاند.

برای نجات گنهگاران روز دیدارش

به جودش پناه بر، او را ضامنی می‌یابی

و شنواست آنچه را پنهان کند از گفتگوی سری

عیادت‌کننده آرزومندان است و پاسخ‌دهنده

در کتاب «دار السلام» از شیخ دیلمی نقل شده که جماعتی از صالحان نجف اشرف روایت کرده‌اند: کسی در خواب دید، از هر قبری که در آن مشهد شریف و خارج آن است ریشمائی کشیده شده، که متصل به قبه حضرت جبل الله المتین امیر المؤمنین علیه السلام است، پس آن شخص چنین انشاد کرد:

پدر حسن و حسین چه کریم است او

زمانی که از دنیا رفتم کنار حیدر دفنم کنید

و از منکر و نکیر پروا نمی‌کنم

در جوار او از آتش نمی‌ترسم

حتی در بیابان قرقگاهش افسار شتری گم شود

بر حامی قرقگاه ننگ است که در عرصه حمایتش

مطلب دوم: در کیفیت زیارت آن حضرت

آگاه باش زیارت‌های روایت‌شده برای آن حضرت بر دو بخش است: یکی مطلقه، که مقید به وقتی از اوقات نیست و دیگر مخصوصه، که مقید به وقت معین است، و این زیارات در ضمن دو مقصد بیان می‌شود:

مقصد اول: در زیارات مطلقه که بسیار است

، و ما در اینجا تنها به ذکر چند زیارت اکتفا می‌کنیم. اول: زیارتی است که شیخ مفید و شهید و سید ابن طاووس و دیگران ذکر کرده‌اند و کیفیت آن به این صورت است: هرگاه اراده زیارت کنی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 532

غسل کن، و دو جامه پاك بپوش و به چیزی از بوی خوش خود را خوشبو کن و اگر بوی خوش نیافتی مانعی ندارد، چون از خانه بیرون آمدی بگو: خدایا از خانه‌ام بیرون آمدم، جویای فضل تو هستم، جانشین پیامبرت (درود تو بر آن دو) را زیارت می‌کنم. خدایا این زیارت را برائم آسان کن، و سببش را برائم فراهم آر، و مرا نسبت به سرانجام و غمخوارانم جانشین باش به نیکوترین جانشینی، ای مهربان‌ترین مهربانان.

پس روانه شو، درحالی که زیانت گویا باشد به ذکر: (الحمد لله و سبحان الله و لا اله الا الله) و چون به حدود کوفه [جایی که در گذشته محل خندق شهر بوده است] رسیدی بایست و بگو: خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، شایسته کبریایی و بزرگواری و عظمت است، خدا بزرگتر است، شایسته بزرگ شمردن و تقدیس و تسبیح و نعمتهاست، خدا بزرگتر است از آنچه می‌ترسم و حذر می‌کنم، خدا بزرگتر است، تکیه‌گاه من است، و بر او توکل می‌کنم، خدا بزرگتر است، امید من است، و به سوی او باز می‌گردم. خدایا تو ولی نعمت منی، و بر انجام خواسته‌ام توانایی، حاجتم و آنچه را دغدغه‌های سینه‌ها و خاطرات نفوس پنهان می‌کند می‌دانی، خدایا از تو می‌خواهم به حق محمد مصطفی که به وسیله او حجت‌های حجت‌تراشان، و عذر عذرخواهان را بریدی، و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی، که محرومم نکنی از ثواب زیارت ولایت و برادر پیامبرت امیر المؤمنین، و توجه به سویش، و مرا از واردان شایسته، و شیعیان پرهیزگارش قرار دهی، به مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان. چون قبر شریف آن حضرت برایت نمودار شود چنین بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 533

خدا را سپاس که مرا به پاکی ولادت اختصاص داد، و مرا از باب کرامت، به دوستی نیکان و سفیران پاک و بهترین نشانه‌های حق برگزید، خدایا کوشش‌م را به درگاهت، و زاری‌ام را به پیشگاهت بپذیر، و گناهانم را که بر تو پوشیده نیست بیامرز، که تویی خدای فرمانروا و آموزش پیشه.

مؤلف گوید: چون به هنگام دیدن بارگاه نورانی، حال نشاط و شوقی به زائر دست می‌دهد، بطوری که میل دارد در آن وقت، تمام توجه خود را به آن حضرت متوجه کند و به هر زبان و بیانی که بتواند، مدح و ثنای آن بزرگوار را بگوید، به خصوص اگر زائر از اهل علم و کمال باشد، علاقه دارد، اگر شعر بلیغی در نظر داشته باشد، در چنان حالی زیانش به آن شعر گویا شود، به این سبب، به خاطر رسیدن که قسمتی از قصیده «هاییه» از ربیع را، که مناسب این مقام است ذکر نمایم، تا هر که خواست آن را زمزمه کند، امید واثق که سلامی از جانب صاحب این کارنامه سیاه به صاحب بارگاه روشن و سپید نماید، و از دعای خیر فراموشم نفرماید و اشعار این است:

به دلهایی که در سوزشان زیرو رو شوند

ای سوار تندور مهلت بده

و کفش را بیرون دروازه شهرش بیرون آور

اگر سرزمنی نجف نمایان شد خضوع کن

اعلی افتاد، که انوار پروردگارش پوشاند

چون دیده‌ات به گنبد عالم

که افلاک بوسیدن خاکش را آرزو کنند

پس فروتنی کن که آنجا خانه قدس است

و درون به آتش فروزانش می‌سوزد

به او بگو درحالی که اشکها چون عقیق سرخ

ریزان است

که نم سخایش همه چیز را فرا گرفته

ای پسر عم پیامبر تو دست خدایی

تویی قرآن قدیم و صفات تو
آیه‌های آن است که وحی کرد

خدا تو را به افتخارات گوناگونی اختصاص داد
که آنها مانند اعداد بی پایان است

ای کاش دیده‌ای که در غیر گلستان تو بچرد
پر از خاشاک گردد و خاشاک در آن بماند

تو پس از پیامبر بهترین خلایقی
و آسمان بهتر چیزی که در آن است مهرماه
است

برای تو ذاتی چون ذات پیامبر است و اگر نبود
تو را به برادری خود نمی گرفت

هر دو از پستان وصال شیر نوشیده‌اید
که غذای آن از گوهر تجلی بود

ای برادر پیامبر نزد من گناهای است
که چون چشم خاشاکدار است و تو جلای آنی

تو را در نردبان شأن و شرافت
مقاماتی است که از پایین‌ترین آن نتوان بالا رفت

تو را جانی است که از معدن لطف ریخته شده
خدا تمام جانها را فدای آن گرداند

چون به دروازه نجف بررسی بگو: خدا را سپاس که ما را به این جایگاه راهنمایی کرد، و نمی توانستیم به آن راه یابیم اگر خدا
راهنماییمان نمی کرد، خدای را سپاس که مرا در شهرهای خود حرکت داد، و بر مرکبهایش سوار نمود، و دور را برایم نزدیک
ساخت، و محذور را از من برگرداند، و ناخوشایند را از من دور کرد، تا مرا در حرم برادر رسولش (درود خدا بر او و
خاندانش) وارد نمود. پس داخل شهر شو، و بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 535

سپاس خدای را که مرا وارد کرد به این بقعه مبارکه‌ای که خدا در آن برکت قرار داد، و آنجا را برای جانشین پیامبرش اختیار
نمود، خدا آن را گواه من قرار ده. چون به درگاه اول بررسی بگو: خدایا به در خانهات ایستادم و به درگاهت فرود آمدم، و
به رشتتات چنگ زدم، و متعرض رحمت شدم، و به ولیات متوسل شدم، آن را زیارتی پذیرفته، و دعایی مستجاب قرار
دهد. چون به در صحن رسیدی بگو: خدایا این حرم، حرم توسست، و مقام، مقام توسست، و من وارد آن می‌شوم، و با تو

مناجات می‌کنم، به آنچه تو به آن از من داناتری، و از نمان و راز من آگاه‌تری، خدای را سپاس خدای مهرورز و نعمت‌بخش و کرم‌کننده، که از کرم اوست که زیارت مولایم را به احسانش برای من هموار ساخت، و از زیارتش مرا ممنوع نکرد، و از ولایتش برکنار ننمود، بلکه کرم و احسان کرد. خدایا چنان که معرفتش بر من منت نهادی پس مرا از پیروانش قرار ده، و به شفاعتش وارد بهشت کن، این مهربان‌ترین مهربانان. آنگاه داخل صحن شو و بگو: خدای را سپاس که مرا به معرفتش، و معرفت رسولش، و آنکه طاعتش را بر من واجب کرد گرامی داشت، و این از باب رحمت و بخشش به من بود، و به ایمان بر من منت نهاد، خدای را سپاس که مرا به حرم برادر رسولش وارد نمود، و آن را در حال سلامت کامل به من نشان داد، خدای را سپاس که مرا از زیارت‌کنندگان قبر جانشین رسولش قرار داد، شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، که به حق از نزد خدا آمد، و شهادت می‌دهم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 536

که علی بنده خدا و برادر رسول خدا است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است و سپاس خدای را بر راهنمایی‌اش، و توفیقش به آنچه از راهش به سوی آن فرا خوانده. خدایا تو برترین مقصود و کریم‌ترین کسی هستی که به نزد آمده‌اند، من اینک به سویت آمده‌ام، به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت، و برادرش امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (درود خدا بر آن دو باد) به سوی تو تقرّب می‌جویم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و کوششم را نومید مکن، و به من نظر کن، نظری رحیمانه که به وسیله آن مرا از هلاکت نجات دهی، و مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقرّبان قرار ده. چون به رواق برسی بایست و بگو: سلام بر رسول خدا، امین خدا بر وحی‌اش، و واجبات دستورش، ختم‌کننده آنچه گذشته، و فتح‌کننده آنچه خواهد آمد، و مسلط بر آنچه گذشت و می‌آید، و بر او باد رحمت خدا و برکاتش، سلام بر دارنده آرامش، سلام بر دفن شده در مدینه، سلام بر یاری شده مؤید، سلام بر ابو القاسم محمد بن عبد الله و رحمت خدا و برکاتش. پس وارد رواق شو، و وقت ورود پای راست را مقدّم بدار، و بر در حرم بایست و بگو:

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریک ندارد، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست، از نزد او به حق آمده و رسولان را تصدیق کرده، سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا، و برگزیده از خلقش، سلام بر امیر مؤمنان بنده خدا، و برادر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 537

رسول خدا، ای مولایم ای امیر مؤمنان، بنده تو، و فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو، به نزدت آمده، پناه می‌جویم به عهدت، قصد می‌کنم به سوی حرمت، روی می‌نمایم به مقامت، متوسل به خدای تعالی هستم به وجودت، آیا وارد شوم ای مولایم، آیا وارد شوم ای امیر مؤمنان، آیا وارد شوم ای حجت خدا، آیا وارد شوم ای امین خدا، آیا وارد شوم ای ملائکه خدا، که مقیم این زیارتگاه هستید؟ ای مولای من آیا اجازه ورودم می‌دهی برترین اجازه‌ای که به یکی از دوستانت داده‌ای. اگر من شایسته آن نیستم تو شایسته آنی.

پس عتبه را ببوس، و پای راست را برای وارد شدن مقدم بدار، و در حال ورود بگو:

به نام خدا، و با خدا، و در راه خدا، و بر کیش رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد)، خدایا مرا پیامرز، و به من رحم کن و توبه‌ام را بپذیر، تویی توبه پذیر مهربان.

سپس حرکت کن تا در برابر قبر مطهر قرار گیری، و پیش از رسیدن به قبر توقف کن، و روی خود را به سوی قبر کرده و بگو: سلام از خدا بر محمد رسول خدا، امین خدا بر وحی و پیامهایش، و فرمانهای حتمی‌اش، و معدن وحی و تنزیل، ختم‌کننده آنچه گذشته، و فتح‌کننده آنچه می‌آید، و چیره بر تمام گذشته، و آینده، گواه بر خلق، چراغ تابنده، و سلام و رحمت و برکات خدا بر او. خدایا بر محمد و اهل بیت مظلومش درود فرست،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 538

برترین و کامل‌ترین و بالاترین، و شریف‌ترین درودی که بر یکی از انبیا و رسولان و برگزیدگان فرستادی خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان بنده‌ات و بهترین خلق خود پس از پیامبرت، و برادر رسالت، و جانشین محبوبت، که او را از میان خلقت برگزیدی، و راهنمایی بر کسی که به پیامهای برانگیختی، حاکم دین به عدلت، و جداکننده حکم تو میان آفریدگان، و سلام و رحمت و برکات خدا بر او خدایا درود فرست بر امامان از فرزندان، آنان قیام‌کنندگان به فرمانت پس از او، آن پاکانی که آنان را پسندیدی برای یاری دینت، و نگهبانی رازت، و گواهان بر آفریدگان، و نشانه‌هایی برای بندگان (درود تو بر همه ایشان)، سلام بر امیر مؤمنان علی بن ابیطالب، جانشین و خلیفه رسول خدا، قیام‌کننده به فرمان خدا، پس از پیامبر، سرور جانشینان و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر فاطمه دختر رسول خدا (درود خدا بر او خاندانش باد)، سرور زنان جهانیان، سلام بر حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت از میان همه آفریدگان،

سلام بر امامان راه یافته، سلام بر انبیا و رسولان، سلام بر امامان که عهد خدا به آنان سپرده شده، سلام بر خاصه خدا از میان خلقتش، سلام بر دارندگان صفات شایسته، سلام اهل ایمان بر آنان که به امر خلق قیام کردند، و از اولیای خدا پشتیبانی نمودند، و با ترس آنان ترسیدند، سلام بر فرشتگان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 539

مقرب، سلام بر ما و بندگان شایسته خدا. پس برو تا نزدیک قبر بایستی، رو به قبر و پشت به قبله کن و بگو: سلام بر تو ای امیر مؤمنان، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای امام هدایت، سلام بر تو ای نشانه تقوا، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار پرهیزگار پاکیزه وفادار، سلام بر تو ای پدر حسن و حسین، سلام بر تو ای ستون دین، سلام بر تو ای سرور جانشینان، و امین پروردگار جهانیان، و داور روز جزا، و بهترین مؤمنان، و سرور صدیقان برگزیده از نژاد انبیا و در حکمت پروردگار جهانیان و خزانه دار وحیش و مخزن علمش، و خیرخواه امت پیامبرش و پیرو رسولش، و همدردی کننده با او با جانش، و گویای به حجتش، و دعوت کننده به شریعتش، و درگذرنده بر آئینش. خدایا من شهادت می دهم که آنچه را از رسولت بر عهده داشت به مردم رساند، و نگهداری کرد آنچه نگهداری اش از او خواسته شده بود، حلالیت را حلال کرد، و حرمت را حرام کرد، و احکامت را برپا داشت، و با پیمان شکنان در راحت و ستمکاران در حکومت، و بیرون رفتگان از فرمانت جهاد کرد، شکایا و جوینده مقام قرب تو بود، و در راه تو سرزنش سرزنش کنندگان را به چیزی نگرفت، خدایا بر او درود فرست، بهترین درودی که بر یکی از دوستان، و برگزیدگان جانشینان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 540

پیامبران فرستادی. خدایا این قبر ولی توست که اطاعتش را واجب کردی، و بیعتش را بر عهده بندگان قرار دادی، و خلیفه ات که به خاطر او مؤاخذه می کنی، و می بخشی، و به سبب او پاداش می دهی و کیفر می نمایی، من به طمع آنچه برای اولیایت مهیا کرده ای آهنگ زیارت او کرده ام، پس به حق بزرگی مرتبه اش نزد تو، و موقعیت فوق العاده اش به پیشگاهت و نزدیکی منزلتش از تو، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و با من چنان کن که تو شایسته آنی، به درستی که تو اهل کرم و بخششی، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولایم، و بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح، (درود خدا بر آنان باد)

پس ضریح را ببوس و در کنار سر بایست و بگو: ای مولایم، درودم بر توست، و به وسیله تو به پروردگارم، در رسیدن به مقصودم متوسل می‌شوم، و شهادت می‌دهم که متوسل به تو محروم نیست، و خواستار به وسیله تو از روی معرفت مردود نمی‌باشد به یقین حاجات او برآورده شود، پس به درگاه تو خدا پروردگارت و پروردگارم شیفع من باش، در برآمدن حاجاتم، و آسان شدن کارهایم، و برطرف شدن سختی‌ام، و آمرزش گناه‌ام، و وسعت روزی‌ام، و طول عمرم، و عطا کردن خواسته‌ام، در آخرت و دنیایم. خدایا قاتلان امیرمؤمنان را لعنت کن. خدایا قاتلان حسن و حسین و امامان را لعنت کن. و آنان را عذاب نما، عذابی دردناک، که بدان گونه احدی از جهانیان را عذاب نکنی، عذابی بسیار، که قطع شدن و مدت و اندازه برای آن نباشد، به خاطر دشمنی‌هایی که با والیان حکومت کردند، و برای آنان عذابی آماده کن، که آن را به احدی از بندگان فرود نیاورده باشی، خدایا وارد کن بر قاتلان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 541

یاوران رسولت، و بر قاتلان امیر مؤمنان و بر قاتلان حسن و حسین، و بر قاتلان یاوران حسن و حسین، و بر قاتلان کسانی که در راه ولایت خاندان محمد کشته شده، عذابی دردناک، دو چندان، در پست‌ترین طبقه دوزخ، که عذاب از آنها سبک نشود، درحالی که در آنجا ناامید و لعنت شده و در پیشگاه پروردگارشان سرافکنده باشند، و ببینند پشیمانی و رسوایی طولانی را به خاطر قتل عترت انبیا و رسولان و پیروان آنان از بندگان شایسته‌ات. خدایا آنان را در پنهانی پنهان، و آشکار آشکار، در زمین و آسمان لعنت کن. خدایا درباره اولیای برای من قدم صدق قرار ده، و زیارتگاه‌ها و قرارگاهشان را محبوب من گردان، تا به آنان ملحقم کنی، و پیرو آنانم گردانی در دنیا و آخرت، ای مهربان‌ترین مهربانان. پس ضریح را ببوس و پشت به قبله و رو به جانب قبر حضرت امام حسین علیه السلام بایست و بگو:

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای پدر امامان هدایت‌گر شده، سلام بر تو ای کشته اشک جاری، سلام بر تو ای صاحب مصیبت پی‌درپی، سلام بر تو و بر جد و پدرت، سلام بر تو و بر مادر و برادرت، سلام بر تو و بر امامان از نسل و فرزندان، شهادت می‌دهم که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 542

خدا خاك را به وسیله تو پاك كرد، و قرآن را با تو واضح نمود، و تو را و پدر و جدت، و برادر و فرزندان را عبرتی برای صاحبان خرد قرار داد، ای فرزندان پدران با میمنت و پاك، و تلاوت‌کنندگان کتاب، سلام را متوجه تو می‌نمایم دروهای

خدا و سلامش بر تو، و قرار دهد دلهای مردم را هواخواه تو، آنکه متمسک به تو شد، و پناه به تو آورد، هرگز نامید نشد. پس پایین پا بایست، و بگو:

سلام بر پدر امامان، و همراه نبوت، و اختصاص یافته به برادری، سلام بر رئیس دین و ایمان، و کلمه رحمان، سلام بر ترازوی اعمال و زیورکننده احوال، و شمشیر خدای ذو الجلال، و ساقی چشمه گوارای زلال، سلام بر شایسته مؤمنان، و وارث دانش پیامبران، و حاکم روز جزا، سلام بر درخت تقوا، و شنونده راز و نهان، سلام بر حجت رسای خدا، و نعمت کاملش، و انتقام کوبنده اش. سلام بر راه روشن، و ستاره فروزان، و رهبر خیرخواه، و مایه آتش را علیه کفر و شرک، رحمت و برکات خدا بر او باد. پس بگو: خدایا درود فرست امیر مؤمنان علی بن ابیطالب برادر پیامبرت، و ولی و یاور و جانشین وزیرش، و سپردگاهش دانشش، و جایگاه رازش و دروازه حکمتش و گویای به برهانش و دعوت کننده به دینش و جانشین او را در امتش، و زداینده اندوه از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 543

چهره اش، شکننده کافران، و به خاک مالنده دماغ بدکاران، آن که او را از پیامبرت به منزله هارون از موسی قرار دادی. خدایا دوست بدار دوستدارش را، و دشمن بدار دشمنش را، و یاری کن یاری دهنده اش را، و خوار کن خوارکننده اش را، و از پیشینیان و پسینیان لعنت کن هرکه در برابر بایستد، و بر او درود فرست برترین درودی که بر کسی از جانشینان پیامبران فرستادی ای پروردگار جهانیان. پس به جانب سر برگرد برای زیارت حضرت آدم علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام و در زیارت حضرت آدم بگو:

سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای خلیفه خدا در زمینش، سلام بر تو ای پدر بشر، سلام بر تو و بر روان و تنت، و بر پاکان از فرزندان و نسلت، و درود خدا بر تو، درودی که جز خدا آن را شماره نکند، و رحمت و برکات خدا بر تو باد. و در زیارت نوح علیه السلام نیز بگو: سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو ای بزرگ رسولان، سلام بر تو ای امین خدا در زمینش، درود و سلام خدا بر تو و بر روان و تنت، و بر پاکان از فرزندان و رحمت و برکات خدا بر تو باد. آگاه شش رکعت نماز بخوان، دو رکعت برای امیر مؤمنان علیه السلام دو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 544

رکعت اول پس از سوره (حمد) سوره (الرحمن) و در رکعت دوم بعد از سوره (حمد) سوره مبارکه (یس) و پس از نماز، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بگو و سپس از خدا طلب آموزش نما، و برای خود دعا کن، و بگو:

خدایا من این دو رکعت نماز را خواندم، به عنوان هدیه‌ای از من به آقا و مولایم، ولیّات و برادر رسالت، امیر مؤمنان، و سرور جانشینان، علی بن ابیطالب (درود خدا بر او و خاندانش). پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و آن را از من قبول کن، و بر آن پاداشم ده پاداش نیکوکاران. خدایا برای تو نماز خواندم، و رکوع و سجده کردم، یگانه‌ای و شریکی نداری، چرا که نماز و رکوع و سجود جز برای تو نیست، تویی خدا، معبودی جز تو وجود ندارد. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و زیارت مرا قبول کن، و خواسته‌ام را عطا فرما، به حق محمد و خاندان پاکش. و چهار رکعت دیگر را هدیه آدم و نوح قرار بده، سپس سجده شکر بجا آور، و در سجده بگو: خدایا به تو روی آوردم، و به تو پناه آوردم، و بر تو توکل کردم. خدایا تو مورد اطمینان و امید منی، پس آنچه فکر مرا مشغول کرده و مشغول نمی‌کند، و آنچه را تو را از من به آنان دانتری از من کفایت کن، پناهنده به تو عزیز است، و ثنایت بس عظیم است، و معبودی جز تو نیست، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گشایش کارشان را نزدیک کن

پس طرف راست صورت را بر زمین بگذار و بگو: رحم کن به خواری‌ام در برابرت، و زاری‌ام به درگاهت و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 545

به ترسم از مردم، و انس من به تو، ای کریم، ای کریم، ای کریم. آنگاه جانب چپ صورت را بر زمین بگذار و بگو: معبودی جز تو نیست به راستی به راستی، ای پروردگارم از باب بندگی و بردگی برایت سجده کردم. خدایا عملم اندک است. آن را دو چندان گردان، ای کریم، ای کریم. پس به سجده برو و صد مرتبه بگو:

«شکرا» و در دعا کردن بکوش، که اینجا محلّ خواستن خواهشها است و بسیار استغفار کن که جای آموزش گناهان است، و حاجات خود را از خدا بخواه، که مقام استجاب دعاهاست. سید ابن طاووس در کتاب «مزار» و نیز غیر او گفته‌اند:

تا زمانی که در نجف هستی هر نمازی که به جا می‌آوری چه واجب و چه مستحب، بعد از آن این دعا را بخوان:

خدایا از دستورت و تقدیرت و قضایت چاره‌ای نیست، و جنبش و نیرویی جز به تو نیست. پس آنچه بر ما از قضایی که حتم کردی، یا از تقدیری که مقدر نمودی، همراه آن به ما صبری عطا کن که بر آن چیره شود، و آن را درهم کوبد، و آن شکیبایی را برای ما، نردبانی به سوی رضوانت قرار ده، که افزوده شود در حسنات ما. و برتری و آقایی و شرف و بزرگواری

و نعمتها و کرامت ما در دنیا و آخرت، و از حسنات ما کم نکن. خدایا آنچه به ما از عطای که عطا کردی، و از فضیلتی که تفضل فرمودی، یا از کرامتی که کرم کردی، به همراه آن شکری مرحمت فرما که بر آن چیره شود و آن را فرو گیرد، و آن شکر را برای ما، بالارونده در رضوانت، و بالابرنده در حسنات و آقایی، و شرف و نعمتها، و کرامت در دنیا و آخرت قرار ده، و آن را برای ما نقطه کبر و طغیان و فتنه و کینه‌توزی و عذاب و رسوایی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 546

در دنیا و آخرت قرار مده. خدایا به تو پناه می‌آورم، از لغزش زبان، و بدی جایگاه، و سبکی میزان اعمال، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و نیکیهای ما را در مردن به ما برسان، و اعمالمان را به ما مایه پشیمانی نشان مده، و هنگام داوری ما را شرمسار مکن، و به بدیهایمان رسوا مساز، در آن روزی که با تو ملاقات می‌کنیم، دلهای ما را طوری قرار ده که یادت کند، و فراموشتم ننماید، و از تو بهراسد، آنچنان که گویی تو را می‌بیند، آن هم تا زمانی که تو را ملاقات کنیم، و بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بدیهای ما را تبدیل به خوبیها کن، و خوبیهای ما را درجات، و درجات ما را غرفه‌های بهشتی، و غرفه‌های ما را بلندمرتبه گردان. خدایا به تهدستانمان وسعت ده، از وسعتی که بر خود حتم کردی. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر ما به هدایت منت گذار تا باقیمان داری و به کرامت تا زنده‌مان داری و باز به کرامت [و آمرزش] زمانی که ما را بمیرانی، و به نگهداری در آنچه از عمرمان مانده، و برکت در آنچه روزی نمودی، و کمک به آنچه تکلیفمان فرمودی، و به پا برجایی به آنچه به عهده ما قرار دادی و ما را به ستممان مؤاخذه مکن، و به نادانی‌مان مقایسه منما، و به خطاهایمان غافلگیر مفرما، و بهترین چیزی که می‌گوییم در دلهایمان ثابت گردان، و ما را در پیشگاهت با عظمت، و در نزد خودمان خوار قرار ده، و از آنچه به ما آموختی سودمان بخش، و به ما دانش با منفعت بیفز، و به تو پناه می‌آورم از دلی که رام نگردد، و از چشمی که اشک نریزد، و از نمازی که پذیرفته نشود، ما را از بدی آشوبها پناه ده، ای سرپرست دنیا و آخرت. سید در کتاب (مصباح الزائر) فرموده است: دعای دیگری که مستحب است به دنبال نماز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 547

زیارت امیر مؤمنان علیه السلام خوانده شود: «یا الله یا الله یا محیب دعوة المضطّرين» تا آخر، فقیر گوید: این دعا همان دعای صفوان است که به دعای علقمه معروف شده، و در ذیل زیارت عاشورا انشاء الله خواهد آمد [صفحه

بدان که زیارت سر مطهر حضرت سید الشهداء کنار قبر امیر مؤمنان علیه السلام مستحب است و در کتاب «وسائل» و «مستدرک» فصلی برای آن رقم زده‌اند. در مستدرک از کتاب «مزار» محمد بن مشهدی نقل کرده که امام صادق علیه السلام سر مبارک امام حسین علیه السلام را نزد سر امیر مؤمنان علیه السلام زیارت کرد، و چهار رکعت نماز خواند، و آن زیارت این است:

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، سلام بر تو ای پسر صدیقه طاهره، سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای مولای من، ای ابا عبد الله و رحمت و برکات خدا بر تو باد، شهادت می‌دهم که نماز را برپا داشتی، و زکات را پرداختی، و به معروف امر کردی، و از زشتی نهی نمودی، و قرآن را تلاوت کردی و حق تلاوتش را بجا آوردی، و در راه خدا جهاد کردی، و حق جهاد را ادا نمودی، و در جنب خدا، بر آزار دشمنان صبر کردی، درحالی که عملت را به حساب حق گذاشتی، تا مرگت فرا رسید، و شهادت می‌دهم کسانی که با تو مخالفت ورزیدند، و با تو جنگیدند، و آنان که از یاریات دریغ نمودند، و آنان که تو را کشتند، بر زبان پیامبر امی ملعون هستند، و زیانکار شد کسی که افترا بست، خدا ستمکاران بر شما را از گذشتگان و آیندگان لعنت کند، و عذاب دردناک را بر آنان دو چندان سازد، ای مولایم به محضر آمدن ای پسر رسول خدا، در حال زیارت، و عارف به حقت، دوستدار دوستان، و دشمن دشمنان می‌باشم، به هدایتی که بر آن هستی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 548

بینام، و به گمراهی کسانی که با تو مخالفت کردند آشنایم، پس مرا نزد پروردگارت شفاعت کن.

مؤلف گوید: اگر همین زیارت را در مسجد حنّانه بخوانند مناسب است، زیرا شیخ محمد بن مشهدی روایت کرده:

امام صادق علیه السلام، امام حسین علیه السلام را در مسجد حنّانه به این صورت زیارت کرد و چهار رکعت نماز خواند. پوشیده نماند که مسجد حنّانه از مساجد شریفه نجف اشرف است و در حدیث رسیده است که سر منور حضرت سید الشهداء علیه السلام آنجاست و در روایتی است که امام صادق علیه السلام در آنجا دو رکعت نماز خواند، از آن حضرت پرسیدند: این چه نمازی است؟ فرمود: این محلّ سر مطهر جدّم حسین بن علی علیه السلام است، که وقتی لشگر از کربلا برگشتند، آن را در اینجا نهادند، سپس به نزد عبید الله بن زیاد بردند و از آن حضرت روایت شده: در اینجا این دعا را بخوان:

خدایا جاتم را می بینی، و کلامم را می شنوی، و چیزی از کارم بر تو پوشیده نیست، و چگونه پوشیده بماند، آنچه تو ایجادکننده و پدیدآورنده اش هستی، اینک به پیشگاهت آمده ام، از پیامبرت پیامبر رحمت شفاعت می جویم و به جانشین رسولت متوسل هستم، به حق آن دو پیشوا از تو درخواست ثبات قدم و هدایت و آمرزش در دنیا و آخرت را دارم.

زیارت دوم: زیارت معروف به «امین الله» است که در نهایت اعتبار می باشد و در تمام کتابهای زیارتی و مصابیح نقل شده. علامه مجلسی (ره) فرموده: این زیارت از جهت متن و سند از بهترین زیارات است و باید در تمام روضه های ائمه بر آن مواظبت نمایند، درباره این زیارت به سندهای معتبر از جابر، از امام باقر علیه السلام روایت شده: حضرت زین العابدین علیه السلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد، و در کنار قبر آن حضرت ایستاد و گریست و چنین گفت: سلام بر تو ای امین خدا بر روی زمینش، و حجت او بر بندگانش، سلام بر تو ای امیر مؤمنان [اگر این زیارت برای امام دیگر خوانده شود، «السلام عليك یا امیر المؤمنین» گفته نمی شود مؤلف

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 549

شهادت می دهم که تو در راه خدا آن چنان که باید جهاد کردی، و به کتابش عمل نمودی، و روشهای پیامبرش (درود خدا بر او خاندانش) را پیروی کردی، تا خدا تو را به جوارش خواند، و با اختیاراتش تو را به جانب خود قبض روح نمود، و دشمنانت را ملزم به حجت کرد، با آنچه تورا است از حجت های رسا بر همه مخلوقاتش. خدایا قرار ده نفسم را آرام در برابر تقدیرت، خشنود به قضاوتت، حریص به ذکر و دعایت، عاشق به برگزیده دوستانت، محبوب در زمین و آسمانت، شکلیا بر نزول بلایت، سپاسگذار بر فزونی نعمت های، یادکننده کامل عطاهایت، مشتاق به شادی دیدارت، توشه برگیرنده تقوا برای روز پاداشت، پیرو روشهای اولیایت، جداکننده از اخلاق دشمنانت، غافل از دنیا به سپاس و ثنایت. پس روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت: خدای دلهای فروتنان، سرگردان به سوی توست، و راههای مشتاقان به درگاهت نمایان است، و نشانه های قاصدان کویات پیداست، و دلهای عارفان از تو هراسان است، و صدای خوانندگان به جانب تو بلند است، و درهای اجابت به رویشان گشوده، و دعای آنکه با تو مناجات کرد مستجاب است، و توبه کسی که به سوی تو بازگشت پذیرفته است، و اشک کسی که از ترس تو گریه کرد مورد رحم است، و فریاد کسی که از تو فریاد خواست آماده است، و کمک برای کسی که از تو کمک خواست رایگان است، و وعده های برای بندگانت وفا شده، و لغزش آن که از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 550

تو پوزش خواست نادیده گرفته شده، و اعمال عمل کنندگان نزد تو محفوظ است، و روزیهایت از جانب تو به سوی مخلوقات فرود آورده است، و بهره‌های فزون به سویشان پیوسته است، و گناهان آمرزش‌جویان آمرزیده است، و حاجات خلق نزد تو برآورده است، و جایزه‌های خواستاران، پیش تو کامل گشته است، و عایدات افزون پیاپی است، و سفره‌های خواهندگان طعام آماده، و حوضهای تشنگان لبریز است. خدایا دعایم را مستجاب کن، و ستایشم را بپذیر، و بین من و اولیایم جمع کن، به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، تو ولی نعمت و نهایت آرزو و هدف امید منی در بازگشتگاه و محل اقامتم. در کتاب «کامل الزیارات» پس از متن زیارت این جملات آمده است: تو معبود و آقا و مولای منی، دوستانمان را بیامرز، دشمنانمان را از ما بازدار، و از آزار ما غافلشان گردان، و کلمه حق را نمایان و و آن را برتر کن، و کلمه باطل را بلغزان و آن را پست‌تر قرار ده، تو بر هرچیز توانایی آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود: هرکه از شیعیان ما این زیارت و دعا را در کنار قبر امیر المؤمنین علیه السلام، یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند، البته حق تعالی این زیارت و دعای او را در نامه‌ای از نور بالا برد و مهر حضرت محمد صلی الله و علیه و آله را بر آن بزند و به این صورت محفوظ باشد، تا به قائم آل محمد (عج) تسلیم کنند، پس صاحبش را به بشارت و تحیت و کرامت استقبال نماید ان شاء الله تعالی.

مؤلف گوید: این زیارت شریفه هم از زیارات مطلقه به حساب می‌آید، و هم از زیارات مخصوصه روز غدیر، و هم از زیارات جامعه، که در جمیع روضات مقدسه ائمه خوانده می‌شود.

زیارت سوم: سید عبد الکریم بن طاووس از صفوان جمال روایت کرده: چون با امام صادق علیه السلام در زمانی که نزد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 551

ابو جعفر دوانیقی می‌رفتند وارد کوفه شدیم، فرمود: ای صفوان شتر را بخوابان که منطقه نزدیک قبر جدّم امیر المؤمنین علیه السلام است، پس پیاده شدند، و غسل کردند، و جامه را تغییر دادند، و پای مبارک را برهنه نمودند، و فرمودند: تو نیز چنین کن، پس به جانب نجف روانه شدند، و فرمودند: گامها را کوتاه بردار، و سر را به زیر انداز، که خدا برای تو به عدد هرگامی که بر می‌داری، صد هزار حسنه می‌نویسد، و صد هزار گناه محو می‌کند، و صد هزار درجه برایت بالا می‌برد، و صد هزار حاجت از تو برمی‌آورد، و برای تو ثواب هر صدیق و شهید که بوده باشد، یا به قتل رسیده باشد، ثبت می‌نماید، پس حضرت می‌رفتند و من نیز با آن حضرت می‌رفتم، با آرامش دل و تن، و تسبیح و تنزیه و تهلل خدا می‌نمودیم، تا به تلها رسیدیم، پس به جانب راست و چپ نظر کردند، و به چوبی که در دست داشتند خطی کشیدند و

فرمودند: جستجو کن، جستجو کردم اثر قبری یافتم، پس اشك دیده به چهره مبارکش جاری شد و گفت «انا لله و انا اليه راجعون» و چنین ادامه داد: سلام بر تو ای جانشین نیکوکار با تقوا، سلام بر تو ای خبر بزرگ، سلام بر تو ای صدیق رشید، سلام بر تو ای نیکوکار پاک، سلام بر تو ای جانشین رسول پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای برگزیده خدا بر همه خلق، شهادت می‌دهم که تو محبوب و بنده خاص و خالص خدایی، سلام بر تو ای ولی خدا، و جایگاه راز و گنجینه علم و خزانه دار وحی خدا.

سپس خود را به قبر چسبانده و گفتند: پدر و مادرم فدایت ای امیر مؤمنان، پدر و مادرم فدایت ای حجت قاطع بر دشمنان، پدر و مادرم فدایت ای دروازه مقام، پدر و مادرم فدایت ای نور کامل خدا، شهادت می‌دهم که تو آنچه را از خدا و رسول خدا (درود خدا بر او

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 552

و خاندانش) بر عهده داشتی به طور کاملی رساندی، و آنچه نگهداری‌اش از تو خواسته شده بو رعایت کردی، و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ نمودی، و حلال خدا را حلال کردی، و حرام خدا را حرام ساختی، و احکام خدا را بپا داشتی، و از حدود خدا تجاوز نکردی، و خدا را خالصانه بندگی کردی، تا مرگت فرا رسید، درود خدا بر تو، و بر امامان بعد از تو. آنگاه حضرت صادق علیه السلام برخاست و بالای سر آن حضرت چند رکعت نماز گذارد، و فرمود: ای صفوان هرکه به این زیارت، امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت کند، و این نماز را بجا آورد، به سوی اهلش بازگردد درحالی که گناهانش آمرزیده و عملش مقبول و پسندیده شده باشد، و برای او ثواب هرکه از ملائکه آن حضرت را زیارت کرده باشد نوشته شود، صفوان با تعجب گفت: ثواب هرکه از ملائکه آن حضرت را زیارت کند؟! فرمود: آری در هر شبی هفتاد قبیله از ملائکه آن حضرت را زیارت می‌کنند. پرسید: هر قبیله چه تعدادند؟ فرمود: صد هزار ملک، پس آن حضرت رو به قبر به پشت خارج شدند، و در اثنای بیرون آمدن گفتند: ای جدّم، ای آقایم، ای پاکیزه و پاکم، خدا این زیارت را آخرین زیارت من از تو قرار ندهد، و روزی من کند، بازگشت به سویت و ماندن در حرمت، و بودن با تو، و با نیکان از فرزندان را، درود خدا بر تو و بر فرشتگانی که تو را دربر گرفته‌اند. صفوان گفت: به حضرت عرض کردم اجازه می‌دهید اصحاب خود را از اهل کوفه خبر کنم، و این قبر را به ایشان نشان دهم، فرمود: آری، و درهمی چند به من عنایت کردند، که قبر را با آن مرمت و اصلاح نمودم.

زیارت چهارم: در کتاب «مستدرک الوسائل» از «مزار قدیم» نقل کرده که از مولای ما امام باقر علیه السلام روایت شده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 553

با پدرم به زیارت قبر جدّم امیر المؤمنین در نجف رفتیم، پدر نزد قبر مطهر ایستاد و گریست و گفت: سلام بر پدر امامان و دوست نبوت، و خاصّ به برادری، سلام بر رئیس ایمان، و ترازوی اعمال، و شمشیر خدای دارای بزرگی، سلام بر شایسته اهل ایمان، و وارث دانش پیامبران، حاکم در روز جزا، سلام بر درخت تقوا، سلام بر حجت رسای خدا، و نعمت کامل او، و انتقام کوبنده اش، سلام بر راه روشن، و ستاره فروزان، و پیشوای خیرخواه، و رحمت و برکات خدا بر او باد. سپس گفت تویی وسیله و سبب به سوی خدا، و مراست حق دوستی و آرزومندی به درگاه خدای عزّ و جلّ، پس شفیع من باش در ایستادگی در بر آوردن حاجتم، و آن حاجت آزادی ام از آتش است، و مرا از این جایگاه با موقّیّت بازگردان، و بدست آوردن همه آنچه خواسته ام، به حق رحمت و قدرتش. خدایا عقلی کامل و مغزی ممتاز، و دلی پاک، و عملی بسیار، و ادبی برتر نصیب کن، و همه اینها را به سود من قرار ده نه بر زیانم، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

زیارت پنجم: شیخ کلینی از حضرت هادی علیه السّلام روایت کرده نزد قبر امیر مؤمنان می گوئی: سلام بر تو ای ولی خدا، تو نخستین ستم دیده ای، و نخستین کسی که حقّش غصب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 554

شد، صبر کردیو به حساب خدا گذاشتی تا مرگت رسید، شهادت می دهم که تو خدا را ملاقات کردی. درحالی که شهید بودی، عذاب کند خدا کشنده ات را به انواع عذاب، و بر او عذاب را تازه کند، به سویت آمدم، شناسای به حقّت، و بینای به شأنت، دشمن با دشمنانت و آن که به تو ستم کرد، ان شاء الله بر این عقیده پروردگارم را ملاقات کنم، ای ولی خدا، مرا گناهان زیادی است، از من نزد پروردگارت شفاعت کن، که تو را پیش خدا جایگاه معلومی است، و تو را به درگاه خدا آبرو و حق شفاعت است، و خدای تعالی فرموده است: و شفاعت نکنند جز برای کسی که او پسندد.

زیارت ششم: زیارتی است که جماعتی از علما روایت کرده اند، از جمله آنها: شیخ محمّد ابن مشهدی است، که فرموده است: محمّد بن خالد طرابلسی، از سیف بن عمیره روایت کرده است که گفت: با صفوان جمال و جمعی از اصحابمان به جانب نجف بیرون رفتیم، و در آنجا حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام را زیارت کردیم، چون از زیارت فارغ شدیم، صفوان روی خود را به جانب قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برگرداند و گفت: زیارت می کنم حضرت حسین علیه السّلام را در این مکان، از بالای سر حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام، آنگاه گفت: با امام صادق علیه السّلام به اینجا آمدم و حضرت به این صورت زیارت نمود و نماز خواند، و دعا کرد، که من انجام می دهم و فرمود: ای صفوان این زیارت را ضبط

کن، و این دعا را بخوان، و همیشه حضرت امیر المؤمن و امام حسین علیهما السلام را به این کیفیت زیارت کن، که من بر خدا ضامنم که هرکه ایشان را چنین زیارت کند، و این دعا را بخواند، خواه از نزدیک و خواه از دور، زیارتش پذیرفته و عملش با اجر بوده، و سلامش به ایشان برسد، و نزد آنان پسندیده گردد، و حاجتهایش هرچند عظیم باشد برآورده شود. مؤلف گوید: بقیه این خبر، در فضل این عمل در دنباله دعای صفوان در زیارت عاشورا ان شاء الله

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 555

خواهد آمد، و زیارت امیر المؤمنین علیه السلام به این کیفیت است: رو به قبر آن حضرت بایست و بگو:

سلام بر تو ای فرستاده خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر کسی که خدا او را برگزیده و به خود مخصوص گردانید، و او را از میان آفریدگانش اختیار کرد، سلام بر تو ای دوست خدا، تا شب تاریک و ظلمانی شود، و روز روشن و نورانی گردد، سلام بر تو تا آنگاه که ساکت شود ساکتی، و گویا گردد گویایی، و بتابد تابنده‌ای، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر مولای ما امیر مؤمنان علی بن ابیطالب، دارای سابقه‌های درخشان، و مناقب نیکو و مردانگی و نابودکننده لشکرهای کفر، سخت‌نبرد، زورآزمای بزرگ، ثابت پاه، ساقی مؤمنان با جام، از حوض رسول پابرجای امین. سلام بر دارنده خرد و برتری و احسانهای پیوسته، و کرامات و عطاها. سلام بر قهرمان مؤمنان، و شیر یکتاپرستان، و کشنده مشرکان، و جانشین رسول پروردگار عاملیان، و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر کسی که خدا به جبرئیل تأییدش نمود، و به میکائیل کمکش کرد، و در دو جهان مقرّش ساخت، و هرچه را مایه چشم روشنی است به او عطا نمود، درود خدا بر او و بر اهل بیت پاکش، و بر فرزندان برگزیده‌اش، و بر امامان راه یافته، آنان که به معروف امر کردند، و از زشتی نهی نمودند، و نمازها را بر ما واجب فرموده، و ما را به پرداخت زکات امر کردند، و روزه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 556

ماه رمضان و قرائت قرآن را به ما شناساندند. سلام بر تو ای امیر المؤمنین، و رئیس دین، و پیشرو سپیدرویان. سلام بر تو ای درگاه خدا، سلام بر تو ای دیده نگرنده خدا، و دست گشوده حق، و گوش شنوا، و نگهدارنده راز او، و حکمت رسا و نعمت کامل، و کیفر کوبنده‌اش، سلام بر بخش‌کننده بهشت و دوزخ. سلام بر نعمت خدا به نیکان و انتقامش علیه ناپاکان. سلام بر سرور پرهیزکاران برگزیده. سلام بر برادر رسول خدا، و پسر عمویش، و همسر دخترش، و آفریده شده از خمیره‌اش. سلام بر ریشه دیرین و شاخه کریم، سلام بر میوه چیده. سلام بر ابو الحسن علی. سلام بر درخت طوبی سلام بر سدره المنتهی. سلام بر آدم برگزیده خدا، و نوح پیامبر خدا، و ابراهیم دوست خدا، و موسی همسخن خدا، و

عیشی روح خدا، و محمد حبیب خدا، و کسانی که میان آنانند از پیامبران و صدیقان، و شهیدان، و شایستگان، و اینان نیکو دوستانی هستند. سلام بر نور نورها، و عصاره پاکان، و عنصرهای برگزیده. سلام بر پدر امامان نیکوکار سلام بر ریسمان محکم خدا، و طرف پا برجای او، و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر امین خدا بر روی زمینش، و جانشین، و حاکم به فرمانش، و سرپرست آئینش، و گویای به حکمتش،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 557

و عمل کننده به قرآنش، برادر رسول، و همسر بتول، و شمشیر از نیام بیرون آمده خدا. سلام بر صاحب دلیها، و نشانه های غالب، و معجزات چیره، و رهایی بخش از هلاکتهای آن کسی که خدا در آیات محکم او را ذکر کرده و فرموده است: او در اصل کتاب نزد ما علی حکیم است. سلام بر نام پسندیده خدا، و چهره تابان او، و طرف والایش، و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر حجتهای خدا، و جانشینانش و خاصان خدا و برگزیدگانش، و بندگان خالص و امینانش، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، قصد تو کردم ای مولای من، ای امین خدا و حجتش درحالی که زائرم، و به حقت عارفم، و با دوستان دوستم، و با دشمنان دشمنم، به وسیله زیارت متقرب به خدام، پس مرا نزد خدا پروردگارم و پروردگارت شفاعت کن، در خلاص شدنم از آتش و برآورده شدن حاجاتم، حاجات دنیا و آخرت. پس خود را به قبر بچسبان، و آن را ببوس، و بگو: سلام خدا و فرشتگان مقربش و آنان که به دلهایشان تسلیم تواند، ای امیر مؤمنان و آنان که گویای به برتری تو هستند، و شاهد بر اینکه تو صادق و امین و صدیقی، این سلامها و رحمت و برکات خدا بر تو باد، شهادت می دهم که تو پاک طینت و پاک و پاکیزه ای، از پدران و مادران پاک طینت و پاک و پاکیزه، برای تو شهادت می دهم ای ولی خدا، و ولی رسول خدا به رساندن حق و ادای تکلیف، و شهادت می دهم که تویی شیفته خدا، و درگاه رحمت او، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 558

اینکه تو محبوب خدا، و جلوه او هستی که از آن جانب به سوی او آیند، و تو راه خدایی، و بنده خدا و برادر رسول خدا هستی، به سوی تو آمدم تا به وسیله زیارت به خدا تقرب جویم مشتاق به توام در شفاعت، به شفاعت آزادی ام را از آتش طلب می کنم، به تو از دوزخ پناهنده ام، از گناهانم که بر پشتم بار کرده ام گریزانم، به امید رحمت پروردگار به تو پناه آوردم آمده ام تا تو را شفیع خود قرار دهم ای مولایم، و به خدا تقرب جویم، تا حاجاتم را برآورد، ای امیر مؤمنان به

پیشگاه خدا برایم شفاعت کن، من بنده خدا و غلام و زائر توام، و برای تو نزد خدا مقام پسندیده و منزلتی بزرگ و شأن والا، و شفاعت پذیرفته است، خدا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و درود فرست بر امیر مؤمنان بنده پسندیده‌ات، و امین وفادارترت، و دست آویز محکمت، و دست برترت، و سویه والایت، و کلمه نیکوترت، و حجت بر مردم، و صدیق اکبرت، و سرور جانشینان، و رکن اولیا، و تکیه گاه اصفیا، امیر مؤمنان، و رئیس دین، و مقتدای شایستگان و امام مخلصان، معصوم از نارواییها، پاک از لغزشها، پاکیزه از عیب، منزّه از شک، برادر پیامبرت، و جانشین رسولت، به صبح رسانده شب هجرت در خوابگاهش، و کمک‌دهنده به او با دل‌وجانش، و برطرف‌کننده اندوه از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 559

چهره‌اش، آن‌که او را قرار دادی شمشیر، برای نبوتش، و نشانه‌ای برای رسالتش و گواهی بر اقامتش، و دلیلی بر حجتش، و حمل‌کننده پرچمش، و سپری برای جانش، و راهنمایی برای ملتش، و نیروی برای جنگش، و تاجی بر سرش، و دری برای رازش، و کلیدی برای پیروزی‌اش، تا جایی که سپاه شرک را به اجازه تو شکست داد، و ارتشهای کفر را به دستورت نابود کرد، و جانش را در خشنودی رسولت بخشید، و آن را وقف طاعتت نمود، پس درود فرست خدایا بر او، درودی همیشگی و ماندگار. سلام بر تو ای ولیّ خدا، و ستاره درخشان، و نور جانشین، ای خلاصه پاکان، ای راز خدا، به درستی که میان من و خدا گناهایی است که پشتم را سنگین کرده، و بر آنها بخشودگی نمی‌آید جز خشنودی او، پس به حق کسی که تو را بر رازش امین دانست، سرپرستی کار بندگانش را از تو درخواست، مرا به درگاه خدا شفیع باش، و از آتش پناه ده، و از حوادث روزگار پشت‌وپناه باش، که من بنده خدا و دوست و زائر تو هستم، درود خدا بر تو باد.

پس شش رکعت نماز زیارت به جای آر، و هر دعا که خواستی بخوان، و بعد از آن بگو:

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، از جانب من، همیشه سلام خدا بر تو باد، تا باقی‌ام و شب و روز باقی است. پس اشاره کن و به سوی قبر امام حسین علیه السلام متوجه شو و بگو: سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، زائر به سوی شما دو بزرگوار آمده‌ام، متوسّل به خدا پروردگار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 560

و پروردگار شما هستم، به وسیله شما متوجه به خدایم، و به مقام شما به درگاه خدا در این حاجتم شفاعت می‌طلبم. و بخوان تا آخر دعای صفوان آنّه قریب مجیب سپس رو به قبله کن و بخوان از اول دعای: ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای

اجابت کننده دعای ناچاران، ای برطرف کننده اندوه اندوهناکان، مرا بازگردان با برآوردن حاجتم و کفایت آنچه به اندیشه‌ام انداخته اندیشه‌اش، از امر دنیا و آخرتم، ای مهربان‌ترین مهربانان.

پس روی به جانب قبر امیر مؤمنان علیه السّلام کن و بگو:

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، و سلام بر ابی عبد الله الحسین تا زنده‌ام، و شب‌وروز باقی است، خدا این زیارت را آخرین زیارت شما قرار ندهد، و بین من و شما جدایی نیندازد. مؤلف گوید: پیش از این ذکر شد که دعای صفوان همان دعایی است که به دعای علقمه مشهور شده و ذکر آن در زیارت روز عاشورا [صفحه 710] بیاید ان شاء الله.

زیارت هفتم: زیارتی است که سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» نقل کرده به این صورت که «باب السّلام» را قصد کن، باب السّلام درگاه روضه مقدّسه امیر مؤمنان است که ضریح مقدّس از آنجا دیده میشود، پس سی‌وچهار مرتبه الله اکبر بگو، آنگاه زیارت را به این کیفیت ادامه بده سلام خدا و سلام فرشتگان مقرّش، و انبیای مرسلش، و بندگان شایسته‌اش و همه شهیدان و صدّیقان بر تو ای امیر مؤمنان، سلام بر آدم برگزیده خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا، سلام بر ابراهیم دوست خدا، سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 561

بر موسی همسخن خدا، سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر محمد حبیب خدا، و رحمت و برکاتش بر آنان باد. سلام بر نام پسندیده خدا، و جمال والا، و راه مستقیمش، سلام بر پیراسته برگزیده، سلام بر ابو الحسن علی بن ابیطالب و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر خالص دوستان صمیمی، سلام بر اختصاص یافته به سرور زنان، سلام بر ولادت یافته در کعبه، و تزویج شده در آسمان، سلام بر شیر خدا در میان کارزار، سلام بر کسی که مگه و منی به او شرافت یافت، سلام بر صاحب حوض، و حمل کننده پرچم توحید، سلام بر پنجمین نفر اهل عبا، سلام بر صبح رساننده شب هجرت در بستر پیامبر، و فداکننده جانش برای جان او در برابر دشمنان، سلام برکننده در خیر، و پرتاب کننده آن به هوا، سلام بر سخنگوی با اصحاب کهف در غارشان به زبان پیامبران سلام بر جوشاننده آب چاه در بیابان بی‌آب و گیاه، سلام برکننده سنگ سخت، که مردان تنومند از کندنش عاجز شدند، سلام بر سخنگوی با اژدها بالای منبر کوفه با زبان فصیحان، سلام بر خطاب کننده به گرگ و گفتگوکننده با جمجمه مرده در نهران، درحالی که استخوانها از روی کهنگی تگه‌تگه شده بود، سلام بر صاحب شفاعت در روز قیامت، و رحمت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 562

و برکات خدا بر او باد. سلام بر امام پاکیزه، هم‌پیمان با محراب عبادت، سلام بر صاحب معجزه چیره، و گویای به حکمت و سخن درست، سلام بر کسی که تأویل محکم و متشابه نزد اوست، و اصل کتاب پیش اوست، سلام بر کسی که آفتاب برای او بازگشت، هنگامی که غروب کرده بود، سلام بر زنده‌دارنده شب تاریک به عبادت و اندوه، سلام بر کسی که بدون شك جبریل او به لقب امیر المؤمنین خطاب کرد، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر امیر مؤمنان، سلام بر سرور جانشینان، سلام بر آقای آقایان، سلام بر صاحب معجزات، سلام بر کسی که فرشتگان هفت آسمان از حملاتش در جنگها تعجب کردند، سلام بر کسی که با پیامبر گفتگوی پنهانی کرد، و پیشاپیش گفتار پنهانش صدقه‌ها داد، سلام بر فرمانده لشگرها، و صاحب جنگها سلام بر خطاب‌کننده به گرگ بیابانها، سلام بر نور خدا در تاریکیها سلام بر کسی که خورشید برایش بازگشت، در نتیجه نماز از دست رفته‌اش را ادا کرد، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر امیر مؤمنان، سلام بر سرور جانشینان، سلام بر پیشوای پرهیزگاران، سلام بر وارث دانش انبیا، سلام بر رئیس دین، سلام بر نگهدار مؤمنان، سلام بر مقتدای اهل صدق، و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 563

بر حجّت نیکان، سلام بر پدر امامان پاك، سلام بر اختصاص یافته به شمشیر ذو الفقار، سلام بر ساقی دوستانش از حوضر پیامبر مختار، (درود خدا بر او و خداندانش باد) تا شب‌وروز از پی هم درآید، سلام بر خبر بزرگ، سلام بر کسی که خدا در حقش این آیه را نازل کرد: به راستی در اصل کتاب نزد ما علی حکیم است، سلام بر راه راست خدا، سلام بر وصف شده در تورات و انجیل و قرآن حکیم، و رحمت و برکات خدا بر او باد.

پس خود را بر ضریح می‌چسبانی و آن را می‌بوسی و می‌گویی: ای امین خدا، ای حجّت خدا، ای ولیّ خدا، ای راه خدا، زیارت کرد تو را بنده و دوست، آن که به قبرت پناه آورده، و بار حاجاتش را به درگاهت افکنده، به وسیله تو تقرّب جوی و شفیع‌خواه به درگاه خداست، زیارتش زیارت کسی است که به خاطر تو دست از رفیقان شسته، و تو را پس از خدا برای خویش کافی دانسته، شهادت می‌دهم که تو طور و کتاب مسطور ورق گشوده و دریای جوشان دانشی، ای ولیّ خدا برای هر زیارت‌شده‌ای نسبت به کسی که او را زیارت کرده، و قصد او را نموده و به زیارت وی آمده عنایتی است، و من دوست توام، و بارم را به درگاهت فرود آورده‌ام، و به حرمت پناهنده شده‌ام، و به پناه ضریحت آمده‌ام، به

خاطر آگاهی‌ام به بزرگی مقام، و شرافت پیشگاهت، درحالی‌که گناهان پشتم را سنگین کرده، و خواهم را در ربوده، در نتیجه پناهگاه و جای امن و ملجأی نمی‌یابم که به آن پناه برم جز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 564

به خدای تعالی، و توسل به وسیله تو به درگاهش، و شفاعت خواهی‌ام به تو در پیشگاهش، اینک همانم که به درگاهت فرود آمده‌ام، و تو را نزد خدا منزلت بزرگ و مقام کریم است، پس نزد خدا شفیع من باش ای مولای من. پس ضریح را ببوس، و رو به جانب قبله کن و بگو:

خدایا به پیشگاهت تقرب می‌جویم، ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای سریع‌ترین حساب‌رسان، ای بخشنده‌ترین بخشندگان، به محمد خاتم پیامبران فرستاده‌ات به جانب جهانیان، و به برادر و پسر عمویش، آن فراخ سینه، و عالم آشکارکننده، علی امیر مؤمنان، و حسن و حسین دو امام شهید، و به علی بن الحین زین العابدین، و به محمد بن علی شکافنده دانش پیشینیان، و به جعفر بن محمد آن پاکیزه گروه صدیقان، و به موسی بن جعفر فرو برنده خشم، و نمایان کننده حق، و زندانی ستمکاران، و به علی بن موسی الرضای امین، و به محمد بن علی جواد پرچم راه یافتگان، و علی بن محمد آن نیکوکار صادق، سرور عبادت کنندگان، و به حسن بن علی عسگری زمامدار مؤمنان، و به یادگار بزرگوار، آن حجت صاحب امر، و آشکارکننده دلایل روشن، که اندوه‌های مرا برطرف کنی، و بلای حتمی را از من کفایت کنی، و از آتشی که دارای بادهای پر حرارت زهراگین است مرا پناه دهی، به مهربانی‌ات امی مهربان‌ترین مهربانان. پس برای هرچه بخواهی دعا کن و آنحضرت را وداع کن و بازگرد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 565

مؤلف گوید: سید عبد الکرم بن طاووس در کتاب «فرحة الغری» روایت کرده: حضرت زین العابدین علیه السلام به شهر کوفه آمد، و وارد مسجد کوفه شد، ابو حمزه ثمالی که از زاهدان اهل کوفه و از بزرگان آن منطقه بود، در مسجد حضور داشت، امام سجّاد علیه السلام دو رکعت نماز بجا آورد، ابو حمزه گفت: لهجه‌ای پاکیزه‌تر از لهجه او نشنیدم، نزدیک او رفتم تا بشنوم چه می‌گوید: شنیدم می‌گوید: معبود من اگر تو را نافرمانی کرده‌ام در عوض تو را در محبوبترین چیزها به پیشگاهت اطاعت کرده‌ام. و این دعایی است معروف.

مؤلف گوید: ذکر این دعا پس از این در اعمال مسجد کوفه بیاید، و نز ذکر این مطلب هم بیاید که ابو حمزه گفت: آن بزرگوار کنار ستون هفتم آمد، و نعلین خود را از پا درآورد و ایستاد، و دستها را تا برابر گوش برداشت و تکبیر گفت:

که تمام موهای بدنم از ترس آن راست شد، پس چهار رکعت نماز خواند، و رکوع و سجودش را نیکو انجام داد، آنگاه این دعا را خواند: الهی ان کنت قد عصیتک ... تا آخر دعا. موافق روایت چند سطر قبل ابو حمزه گفت: آن بزرگوار پس از دو رکعت نماز و دعا از جای برخاست و بیرون رفت، من تا مناخ کوفه: مکانی که شتران را در آنجا می خوابانند دنبال آن حضرت رفتم، در آنجا غلام سیاهی دیدم که شتر گزیده و ناقه ای با اوست، به او گفتم ای سیاه این مرد کیست؟ گفت: از سیما و شمایلش او را نشناختی؟! او علی بن الحسین علیهما السلام است. ابو حمزه گفت: خود را به روی قدمهای آن حضرت انداختم و آنها را بوسیدم، آن جناب مانع ادامه این عمل شد و با دست مبارک خود سر مرا بلند کرد و فرمود: این کار را مکن، سجده جز برای خدای عزّ و جلّ نشاید، گفتم: یابن رسول الله برای چه اینجا آمده‌اید؟ فرمود: برای آنچه دیدی، یعنی نماز در مسجد کوفه، اگر مردم بدانند چه فضیلتی در آن است، به سوبش بیایند، گرچه به روش کودکان خود را به زمین کشند، یعنی راه رفتن برای ایشان هرچند در نهایت سختی باشد، مانند اطفالی که هنوز راه نیفتاده‌اند و نشسته حرکت می کنند. سپس فرمود: آیا میل داری با من قبر جدّ علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت کنی؟ گفتم: آری، حضرت حرکت کرد، و من در سایه ناقه او بودم، و مرا حدیث می فرمود، تا به غریّین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 566

رسیدیم، و آن بقعه ای بود سپید، که نورش می درخشید، آنگاه از مرکبش پیاده شد، و دو طرف روی خود را بر آن زمین نهاد و فرمود: ای ابا حمزه این قبر جدّ من علی بن ابیطالب علیه السلام است، پس زیارت کرد آن حضرت را به زیارتی که اول آن «السلام علی اسم الله الرضی و نور وجهه المضی» است، پس با آن قبر مطهر وداع کرد. و به سوی مدینه رفت و من به جانب کوفه برگشتم. مؤلف گوید: از اینکه سید این زیارت را در کتاب «فرحة الغری» ذکر نکرده است تأسف می خوردم و در جستجوی آن بودم، تا يك يك زیاراتی که برای حضرت امیر علیه السلام نقل شده بود ملاحظه کردم، زیارتی که در ابتدای آن این، دو جمله باشد نیافتم، مگر این زیارت شریف که جمله اولش موافق است و جمله دوم مخالف [در اوائل زیارت هفتم به این صورت است: «السلام علی اسم الله الرضی و وجهه العلی و شاید این زیارت که سید دو جمله اش را نقل کرده همان زیارت باشد، و این اختلاف اندک چنان اهمیتی ندارد اگر بگوییم اول این زیارت: «سلام الله و سلام ملائکته» است نه: «السلام علی اسم الله» گوییم: اول زیارت همان «السلام علی اسم الله الرضی» است، و سلامهای سابق به منزله اذن دخول و طلب رخصت است، و شاهد بر این مطلب، مطابقت داشتن این زیارت است با زیارت روز مولود، که کمال شباهت را با هم دارند، به آنجا رجوع کن تا بر تو معلوم گردد، نیز آگاه باش در زیارت ششم «السلام علی اسم الله الرضی و وجهه المضی» و زیارت روز مولود، این جمله بدون لفظ نور است ولی نه در اول زیارت بلکه در اواخر زیارت ششم و اوایل زیارت هفتم. والله العالم. در هر صورت از تمام زیارات مطلقه همین هفت زیارت را که

نقل کردیم کافی است اگر کسی بیش از این بخواهد زیارات جامعه را بخواند، و نیز زیارت مبسوطی که پس از این برای روز غدیر نقل می‌کنیم قرائت کند، زیار به خواندن آن زیارت در هر زمان، و هرکجا که شخص قرار داشته باشد، روایت وارد شده و باید زیارت حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام و نماز در آن حرم مطهر را غنیمت شمرد، زیرا نماز نزد آن بزرگوار برابر دویست هزار نماز است. از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده: هرکه امام واجب الطاعة را زیارت کند، و نزد او چهار رکعت نماز بخواند، برای او حجّ و عمره نوشته می‌شود، و ما در کتاب «هدیه الزائرین» به فضیلت مجاورت قبر امیر مؤمنان علیه السّلام اشاره کردیم، ولی به شرط آنکه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 567

مجاور حق جوار آن حضرت را رعایت کند و این کار بسیار مشکلی است که برای هرکسی ممکن نیست و مقام را مقتضی ذکر آن نمی‌باشد، هرکه خواهد به کتاب «کلمه طّیبه» مراجعه کند.

زیارت وداع امیر المؤمنین علیه السّلام

چون خواستی آن حضرت را وداع کنی، این دعای وداع را بخوان، که پس از زیارت پنجم آمده و در کتب علما نقل شده است: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، تو را به خدا می‌سپارم، و خواهان سرپرستی نسبت به خود هستم، و بر تو سلام می‌فرستم، ایمان آوردیم به خدا و پیامبران و به آنچه از جانب خدا آوردند، و به آن دعوت نموده و راهنمایی کردند، خدایا ما را همراه با گواهان بنویس. خدایا این زیارت مرا آخرین زیارت ایشان قرار مده، اگر مرا پیش از آن بمیرانی، پس از مرگم شهادت می‌دهم بر آنچه در زندگی شهادت دادم، شهادت می‌دهم که امیر مؤمنان علی و حسن و حسین، و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی، و حجت بن الحسن، (درود تو بر همه ایشان) امامان من هستند، و گواهی می‌دهم: هرکه آنان را کشت و با آنان جنگید مشکر است، و هرکه سخنانشان را مردود دانست جایگاهش در پست‌ترین مرتبه از دوزخ است، و شهادت می‌دهم کسانی که با آنان جنگیدند دشمنان ما می‌باشند، و ما از آنان بیزاریم، و آنان حزب شیطانند، و لعنت خدا و فرشتگان خدا و همه مردم بر کسانی که آنان را کشتند، و آنان که در ریختن خون ایشان شریک شدند، و از کشته شدنشان شاد گشتند. خدایا از تو می‌خواهم پس از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 568

نماز و سلام درود فرستی بر محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، و علی و محمد، و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت، و آن را آخرین زیارت من از زیارت ایشان قرار مده، اگر قرارش دهی پس مرا با این امامان نام برده محشور کن، و قلوب ما را به طاعت و خیرخواهی و محبت و کمک نیک و تسلیم شدن در برابر آنان فروتن فرما

مقصد دوم: در زیارت مخصوصه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام

و آن چند زیارت است. اول: زیارت روز غدیر. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که به ابن ابی نصر فرمود: هرجا که باشی، روز غدیر کنار قبر امیر المؤمنان علیه السلام حاضر شو، به درستی که در این روز حق تعالی، از مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت سال را می‌آمرزد، و از آتش جهنم آزاد می‌کند و دو برابر آنچه در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر آزاد کرده بدان که برای این روز شریف چند زیارت نقل شده است: اول: زیارت «امین الله» که بیان آن در زیارت دوم مطلقه گذشت [صفحه 548] دوم: زیارتی است که به سندهای معتبر از حضرت هادی علیه السلام نقل شده است، که با آن زیارت حضرت امیر مؤمنان علیه السلام را در روز غدیر در سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود زیارت کردند، و کیفیت آن به این نحو است: چون اراده زیارت نمایی بر بارگاه نورانی بایست. و رخصت بخواه، و شیخ شهید گفته:

غسل می‌کنی، و پاک‌ترین جامه‌های خود را می‌پوشی، و اذن دخول می‌طلبی و می‌گویی: اللهم انی وقفت علی باب و این همان اذن دخول اول است که ما در اول باب نقل کردیم، پس پای راست را پیش بگذار، و داخل شو به نزدیک ضریح مقدس برو و پشت به قبله در برابر ضریح بایست و بگو:

سلام بر محمد رسول خدا، خاتم پیامبران، و سرور رسولان، و برگزیده پروردگار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 569

جهانیان، امین خدا بر وحی و دستورات قطعی الهی، و ختم کننده آنچه گذشته، و گشاینده آنچه خواهد آمد، و چیره بر همه اینها، و رحمت و برکات و درودها و تحیات خدا بر او باد. سلام بر پیامبران خدا و رسولانش، و فرشتگان مقرب و بندگان شایسته‌اش. سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان، و وارث دانش پیامبران، ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان، و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان، ای امین خدا بر روی

زمینش، و سفیر او در خلقتش، و حجت رسایش بر بندگان. سلام بر تو ای دین معتدل خدا، و راه راستش. سلام بر تو ای خبر بزرگی که آنها در آن اختلاف کردند، و از آن بازخواست شوند. سلام بر تو ای امیر مؤمنان، به خدا ایمان آوردی، درحالی که همه شرك می‌ورزیدند، و حق را تصدیق گفتی وقتی که آنان را تکذیب می‌نمودند و جاد کردی و آنان از جهاد عقب‌نشینی می‌کردند، خدا را عبادت کردی، درحالی که خالص نمودی برای او دین را، صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی، تا مرگ تو را دررسید، آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران. سلام بر تو ای آقای مسلمانان و رئیس دین، و پیشوای اهل تقوا، و مقتدای سپیدرویان، و رحمت و برکات خدا بر تو باد شهادت می‌دهم که تویی برادر رسول خدا، جانشین، و وارث علمش، و امین او بر قانونش، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 570

جانشین او در امتش، و اوّل کسی که به خدا ایمان آورد، و آنچه را بر پیامبرش نازل شده بود تصدیق کرد، و شهادت می‌دهم که آن حضرت همه آنچه را خدا درباره تو نازل کرد به مردم رساند، و امر خدا را درباره تو با صدای بلند اعلام کرد، و بر امتش حتمی بودن طاعت و ولایت را واجب نمود، و بیعت تو را بر عهد آنان نهاد، و حضرتت را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد، چنان که خدا خود او را اینچنین قرار داد، سپس پیامبر اسلام خدا را بر مردم شاهد گرفت و فرمود: آیا من آن نیستم که رساندم. همه گفتند:

به خدا آری. پس فرمود: خدایا گواه باش، و تو برای گواهی و حاکمیت بین بندگان بسی. پس خدا لعنت کند منکر ولایت را بعد از اقرار، و شکننده پیمان را پس از پیمان بستن، و شهادت می‌دهم که تو به عهد خدای تعالی وفا کردی، و خدای تعالی وفاکننده به عهد خویش برای توست، و هرکس به آن پیمانی که با خدا بسته وفا کند، خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد. و شهادت می‌دهم که تویی امیر مؤمنان آن حقی که قرآن به ولایت گویا شد، و رسول خدا در این زمینه برای تو از امت پیمان گرفت، و شهادت می‌دهم که تو و عمو و برادرت کسانی هستید که با خدا با جاهلایان معامله کردید، پس خدا این آیه را در حق شما نازل کرد: به درستی که خدا از مؤمنان خرید جانها و اموالشان را، که در عوض به آنها بهشت برای آنان باشد، و در راه خدا پیکار می‌کنند، پس می‌کشند و کشته می‌شوند، وعده‌ای است بر او، محقق شده در تورات و انجیل و قرآن، و کیست که به عهد خود وفادارتر از خدا باشد، پس شادی کنید به معامله‌ای که انجام دادید، و این است آن رستگاری بزرگ

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 571

آن‌اند توبه‌کنندگان، عبادت‌کنندگان، روزه‌گیران، رکوع‌کنندگان، سجودکنندگان، امرکنندگان به معروف، نهی‌کنندگان از منکر، و نگهبانان حدود خدا، و به مؤمنان بشارت ده، شهادت می‌دهم ای امیر مؤمنان، که شك کننده در باره تو به رسول امین ایمان نیاورده، و اینکه روی گرداننده از ولایت تو به ولایت غیر، معاندانه روی گردان از دین است، دین میانه‌ای که پروردگار جهانیان برای ما پسندیده، و آن را روز غدیر به ولایت تو کامل نموده است، و گواهی می‌دهم که در این گفته خدای عزیز رحیم، مقصود تویی: به حقیقت این است راه راست من، از آن پیروی کنید، و راههای دیگر را پیروی ننمایید، که شما را از راه او پراکنده کند، به خدا سوگند گمراه شد، و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی نمود، و کسی که تو را دشمن داشت، ستیزه‌ورزان از حق روی گرداند. خدایا امرت را شنیدیم. و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیروی نمودیم پروردگارا ما را هدایت کن، و بعد از اینکه ما را به طاعت هدایت کردی دلایمان را منحرف مساز، و ما را از سپاسگذاران نعمتهایت قرار ده، و شهادت می‌دهم که تو پیوسته با هوای نفس مخالف، و با پرهیزکاری هم‌پیمان، و به فرو خوردن خشم توانا و گذشت کننده از مردم و آمرزنده آنان بودی، و زمانی که خدا معصیت می‌شود خشمناک، و هنگامی که اطاعت می‌شود خشنودی به آنچه خدا با تو پیمان بسته بود عامل بودی، و آنچه نگهداری‌اش از تو خواسته شده بود رعایت نمودی، و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ کردی، و آنچه از حق بر عهده‌ات نهاده شده بود رساندی، و آنچه را به آن وعده داده شدی به انتظار نشستی، و شهادت می‌دهم که از روی زبونی محافظه‌کاری نکردی، و در اثر بی‌تابی و عجز از گرفتن حقت باز نایستادی، و به خاطر ترس و وحشت، از پیکار با غصبان ولایت قدم به عقب نگذاشتی، و به علت سستی بر خلاف آنچه خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 572

را خشنود می‌کند اظهار خشنودی ننموده، و برای آنچه در راه خدا به تو دررسیده سست نشدی، و به خاطر ترس و زبونی از خواستن حقت ناتوان و درمانده نگشتی، پناه به خدا از اینکه چنین باشی، بلکه زمانی که مورد ستم واقع شدی. به حساب پروردگارت گذاشتی، و کارت را به او واگذار کردی، و ستمکاران را پند دادی ولی نپذیرفتند، و اندرز دادی ولی قبول نکردند، و آنان را از خدا ترساندی، ولی نترسیدند، و شهادت می‌دهم که تو ای امیر مؤمنان در راه خدا به حق جهاد کردی، تا اینکه خدا تو را بجوارش فرا خواند، و به اختیارش تو را به جانب خود قبض روح کرد، و حجتت را بر دشمنان ختم کرد، با به قتل رساندن تو را، تا حجت به سود تو و زیان باشد همراه با آنچه برای تو بود از حجت‌های رسا بر همه خلق. سلام بر تو ای امیر مؤمنان، خدا را خالصانه عبادت کردی، و صابرا نه در راه خدا جهاد نمودی، و به

حساب خدا جانبازی کردی، و به کتابش عمل نمودی، و روش پیامبرش را پیروی کردی، و نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی، و به معروف امر کردی، و تا توانستی از منکر نمی نمودی طالب بودی آنچه را نزد خداست، راغب بودی در آنچه خدا وعده داد، کاسه صبر از پیش آمدها لبریز نشد، و هنگام سختیها سست نگشتی، از مقابل هیچ جنگجوی بازنگشتی، آنکه غیر این امور را به تو نسبت داد تهمت زد، و به باطل دروغ بر تو بست، و مرگ بر کسی که با اصرار بر مخالفت با تو از تو روی گرداند، به راستی در راه خدا به حق جهاد کردی، و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی صبری به حساب خدا، تویی اوّل کسی که به خدا ایمان آوردی، و برای او نماز خواندی، و جهاد کردی، و خود را در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 573

خانه شرك برای حق آشکار نمودی، در حالی که زمین انباشته به گمراهی بود، و شیطان آشکارا عبادت می شد، و تویی گوینده این سخن: کثرت مردم در پیرامونم عزّتی به من نیفزاید و پراکنده شدنشان ترسی به من اضافه نکند، اگر همه مردم از من دست بردارند، نالان نشوم، پنهانده به خدا شدی و عزّت یافتی، آخرت را بر دنیا برگزیدی و پارسا گشتی، خدا تأییدت نمود و راهنمایی فرمود، و در گردونه خلوص قرار داد، و تو را برگزید، کردارهایت ضد و نقیض نشد، گفتارهایت اختلاف نیافت، حالاتت زیرورو نگشت، ادعای بیهوده نکردی، و بر خدا دروغ نبستی، و به متاع اندک دنیا طمع نورزیدی، گناهان تو را آلوده نساخت، همواره امورت بر پایه برهانی از سوی پروردگارت بود، در کارت بر یقین بودی، به سوی حق و راه مستقیم هدایت می نمودی، شهادت می دهی شهادت حق، و سوگند می خورم سوگند صدق، که محمد و خاندانش (درود خدا بر آنان باد) سروران خلقند، و اینکه تو مولای من و مولای همه مؤمنانی، تو بنده خدا و ولی او و برادر جانشین و وارث او هستی، و او گوینده این سخن به حضرت توس: سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت به من ایمان نیاورد آن که به تو کافر شد، و به خدا اقرار نمود آن که به انکار تو برخاست، گمراه شد کسی که مردم را از تو بازداشت، و به سوی خدا و به جانب من راه نیافت، و این گفتار پروردگار عزّ و جلّ من است: من آمرزنده ام آن کس را که توبه کرد، و ایمان آورد، و عمل شایسته انجام داد، سپس به سوی ولایت تو راه یابد. مولای من فضل تو مخفی نمی ماند، و نورت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 574

خاموش نگردد، و آن که تو را انکار کند ستمکار و بدبخت است، مولای من تو حجت بر بندگانی و راهنمای به سوی راه راستی، و ذخیره روز معادی، مولای من خدا مقامت را در دنیا بلند کرد، و درجهات را در آخرت والا گردانید، و بینایت نمود به آنچه بر کسی که با تو مخالفت کرد پوشیده ماند، و بین تو و موهبتهای خدا حجاب شد، لعنت خدا بر حلال شمارندگان حرمت، و دفع کنندگان حقت، و شهادت می‌دهم که آنان از زیانکارترین مردمی هستند که آتش چهره آنان را می‌سوزاند، و در میان دوزخ زشت و عبوس هستند، و شهادت می‌دهم که اقدام نکردی، و قدم به عقب نگذاشتی، و سخن نگفتی و باز نایستادی مگر به فرمان خدا و رسولش.

خود فرمودی: سوگند به آن که جانم در دست اوست، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) به من نظر کرد، درحالی که پیش قدمانه شمشیر می‌زدم، ایشان به من فرمود: ای علی تو نسبت به من به منزله هارونی نسبت به موسی، جز اینکه بعد از من پیغمبری نیست، و من تو را خبر می‌دهم که مرگ و زندگی تو با من و براساس راه و رسم من است، به خدا سوگند دروغ نگفتم، و به من دروغ گفته نشد، و گمراه نشدم و کسی به وسیله من گمراه نشده، و آنچه را پروردگارم با من عهد کرده فراموش نکردم، من بر برهانی از سوی پروردگارم هستم که برای پیامبرش بیان نموده و پیامبر نیز برای من بیان داشته است و من به راستی بر راه روشن هستم که آن را صریح می‌گویم با صراحت تمام، ای امیر مؤمنان به خدا سوگند راست گفتم، و حق گفتم. پس خدا لعنت کند کسی را که تو را با آن که با تو دشمنی کرد برابر قرار داد، درحالی که خدا می‌فرماید: آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟ پس خدا لعنت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 575

کند کسی را که مساوی تو قرار داد، آن کس را که خدا ولایت را بر او واجب کرد، و حال اینکه تو ولیّ خدایی، و برادر رسول خدایی و دفاع کننده از دین خدایی، و کسی هستی که قرآن به برتری‌اش گویاست، خدای تعالی فرمود: خدا جهادکنندگان را بر نشستگان برتری داد به اجری بزرگ، درجات و مغفرت و رحمت از جانب او برای جهادکنندگان است، و خدا همواره آمرزنده و مهربان است و خدای تعالی فرمود: آیا آب‌دهی به حاجیان و آباد دادن در مسجد الحرام را قرار داده‌اید همانند آن کس که به خدا و روز جزا ایمان آورده، و در راه خدا جهاد کرده است؟ هرگز پیش خدا برابر نیستند، خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. آنان که ایمان آورده‌اند و هجرت کردند، و در راه خدا با اموال و جانهایشان جهاد کردند، از جهت مقام به نزد خدا برترند، و ایشان رستگارانند، نوپدشان می‌دهد پروردگارشان به رحمتی از جانب خود و خشنودی، و بهشتهایی که در آنها نعمت پایدار برای آنان باشد. در آن بهشتها جاودانند، به راستی که نزد خدا پاداشی بزرگ است. شهادت می‌دهم که تو به ستایش خدا مخصوص گشته‌ای، و مخلص در طاعت خدایی، برای

هدایت جایگزینی نجستی، و در بندگی پروردگارت احدی را شریک نساختی، خدای تعالی دعای پیامبرش (درود خدا بر او و خاندانش) را در حق تو اجابت کرد، سپس اظهار آنچه تو را سزاوار حکومت بر ملتش کرده بود به او فرمان داد، برای بالا بردن شأنت، و علنی ساختن برهانت، و دفع باطلها، و بریدن بانه‌ها، پس زمانی که از آشوب اهل فسق بیمانك شد، و درباره تو در برابر منافقان محافظکاری کرد، پروردگار جهانیان به او وحی کرد: ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 576

شده به مردم برسان، اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده‌ای، خدا تو را از مردم حفظ می‌کند پس او بارهای سنگین سفر را بر دوش جان نهاد، و در حرارت شدید نیمه روز برخاست، سخنرانی کرد و شنوند، و فریاد زد، پس پیام حق را رساند، سپس از همه آنها پرسید: آیا رساندم؟ گفتند: به خدا قسم آری. فرمود:

خدایا شاهد باش. سپس به مردم خطاب کرد: آیا من آن نیستم که به مؤمنان از خود آنان سزاوارترم؟ گفتند: آری، پس دست تو را گرفت، و فرمود: هرکه را که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست، خدایا دوست بدار هرکه او را دوست دارد، و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد، و یاری کن کسی را که یاری‌اش کند، و خوار کن هرکه خوارش سازد. پس به آنچه خدا درباره تو بر پیامبرش نازل کرد، ایمان نیاورد جز عده‌ای اندك، و اکثرشان را نیفزود جز زیانکاری، پیش از آن نیز خدا در حق تو این آیه را نازل کرد درحالی که آنان دوست نداشتند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکه از شما از دینش برگردد، خدا به زودی قومی را بیاورد، که آنها را دوست دارد، و آنها هم خدا را دوست دارند، بر مؤمنان نرمند، و بر کافران سخت، در راه خدا جهاد کنند، از سرزنش سرزنش کنندگان نمی‌ترسند، این است فضل خدا، به هر که بخواهد عنایت می‌کند، خدا گسترنده و دانا است. جز این نیست که شما ولیّ خدا و رسول او و همه آنانی هستید که ایمان آورند، و آنانی که نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند، درحالی که رکوع کننده‌اند، و هرکه با خدا و رسولش و کسانی که ایمان آوردند دوستی کند، پس حزب خدا حزب پیروز است. پروردگارا به آنچه نازل کردی ایمان آوردم، و از پیامبر پیروی نمودم، پس ما را با گواهان بنویس. پروردگارا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 577

دلهای ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی منحرف مساز، و به ما از نزد خود رحمتی ببخش، که تو بسیار بخشنده‌ای خدایا ما می‌دانیم که این گفتار از نزد تو حق است، پس لعنت کن کسی را که با آن معارضه کرد، و به آن کبر ورزید، و آن را تکذیب کرد، و کافر شد، و زود است بدانند کسانی که ستم کردند، به چه بازگشتگاهی برگردند. سلام بر تو ای امیر

مؤمنان و سرور جانشینان، و رأس عبادت کنندگان، و پارساترین پارسایان، و رحمت خدا و برکات و درودها و تحیاتش بر تو باد، تویی خوراننده طعام در حال دوست داشتن آن، به درمانده و یتیم و اسیر تنها به خاطر خوشنودی خدا، که از آنها پاداش و سپاسی نمی‌خواستی، و خدای تعالی در حق تو چنین گفت: دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خود تهدیدست باشند، هرکه از بخل وجودش محفوظ ماند پس آنانند از رستگاران، تویی فروبرنده خشم، و گذشت کننده از مردم، و خدا نیکوکاران را دوست دارد، تویی صبرکننده در تنگدستی و پریشان حالی و به هنگام جنگ، تویی بخش کننده به برابری، و دادگر در میان ملت، و آگاه به مقررات خدا، از میان همه انساها، خدای تعالی خبر داد از آنچه سزاوار کرده تو را از فضلش به گفته‌اش: آیا کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟ هرگز برابر نیستند. اما کسانی که ایمان آورده‌اند، و کار شایسته کردند، برای آنها بهشت‌های خویش جایگاه جهت پذیرایی به پاداش آنچه انجام دادند، و تویی اختصاص یافته به علم قرآن، و حکم تأویل، و صریح گفتار پیامبر، و تورا است موقعیتهای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 578

گواهی شده، و مقامات مشهور، و روزهای یاد شده، روز بدر، و روز احزاب آن زمان که چشمها منحرف، و جانها به گلوها رسید، و به خدا گمان می‌بردید، گمانهای گوناگون، در آنجا اهل ایمان آزمایش شدند، و دچار تزلزل روحی گشتند تزلزل سخت. آن هنگام اهل نفاق و آنان که در دلهایشان بیماری بود گفتند: خدا و رسولش جز فریب به ما وعده ندادند. و در آن زمان گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه جایی برای شما نیست، بازگردید، و جمعی از آنان از پیامبر اجازه می‌خواستند، می‌گفتند: خانه‌های ما باز و بی حفاظ است و حال آنکه بی حفاظ نبود، آنان جز فرار از جنگ قصدی نداشتند، و خدای تعالی فرمود: همینکه اهل ایمان دسته‌های کفر و شرک را دیدند گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داد، خدا و رسولش راست گفتند، و آنان را نیفزود مگر ایمان و تسلیم، پس عمرو قهرمان آنها را کشتی، و جمع آنان را فراری دادی، و خدا آنان را که کافر بود با خشمشان بازگرداند، درحالی که به غنیمی دست نیافتند، و خدا جنگ را از اهل ایمان کفایت کرد، و خدا نیرومند و عزیز است، و روز احد هنگامی که از اطراف پیامبر فرار می‌کردند، و به احدی اعتنا نمی‌نمودند، و پیامبر آنان را از پشت سرشان به کارزار دعوت می‌کرد، تو بودی که مشرکان را برای حفظ پیامبر به راست و چپ دفع می‌کردی، تا خدا گزند آنان را در حالی که ترسان بودند از شما دو بزرگوار برگرداند، و شکست خوردگان را به وسیله تو یاری کرد. و روز حنین، بنابر آنچه قرآن در این آیه به آن گویا شد:

«زمانی که نفرات زیاد شما باعث شگفتی شما شد، ولی شما را به هیچ وجه بی نیاز نکرد، و زمین با آن فراخی اش بر شما تنگ شد، سپس

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 579

روی گردانده فرار کردید. آنگاه خدا آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان نازل فرمود. «مؤمنان» تو بودی و همراهانت، و عمومیت عباس شکست خودرگان را صدا می زد: ای اصحاب سوره بقره، ای اهل بیت شجره، تا جماعتی به او پاسخ دادند، که تو رنج آنها را کفایت کردی، و به جای آنها کمک را عهده دار شدی، پس نومید از پاداش برگشتند، و امیدوار به وعده خدای تعالی به توبه، و این است سخن خدا که عظیم باد یادش: «آنگاه خدا توبه می پذیرد پس از آن، توبه کسی را که بخواهد، درحالی که تو درجه صبر را به دست آوردی، و به مزد بزرگ پیروز شدی، و روز خیر که خدا شکست منافقان را آشکار کرد، و دنباله کافران را برید، و سپاس خدای را پروردگار جهانیان، درحالی که آنها از پیش با خدا پیمان بسته بودند که فرار نکنند، و به یقین پیمان خدا مورد بازخواست است. مولای من تویی حجت رسا، و راه روشن، و نعمت کامل، و برهان تابناک، پس گوارا باد تو را، آنچه خدا از برتری به تو داد، و نابود باد دشمن نادانت، با پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) در تمام جنگها و لشکرکشیهایش حاضر بودی، پیشاپیش پرچم اسلام را به دوش می کشیدی، و در برابرش شمشیر می زدی، سپس تنها برای تدبیر و کاردانی مشهودت و بیناییات در امور، در تمام میداها تو را به فرماندهی می گماشت، و امیری بر تو نبود، چه بسیار کارهایی که تقوا مانع اجرای تصمیمت در آنها شد، اما جز تو در مثل آن از هوای نفس پیروی کرد، پس نادانان گمان کردند، که تو از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 580

آنچه او به آن رسید عاجز شدی، به خدا قسم گمان کننده اینچنین گمراه شد و را نیافت، و تو واضح ساختی آنچه مشکل شده بود از این امور، برای آن که توهم و تردید کرد به گفتارت، درود خدا بر تو که فرمودی: گاهی انسان زبردست و چیره روی چاره را می بیند، ولی در برابرش پردهای از تقوای خداست، در نتیجه روی چاره را آشکار رها می کند، ولی فرصت آن را غنیمت می داند کسی در امر باکی ندارد، به خدا سوگند راست گفتی، و یاوه سرایان دچار زیان شدند، هنگامی که آن دو عهدشکن [طلحه و زبیر] با تو به فریبکاری برخاستند، و گفتند قصد عمره داریم، به آنان گفتی: به جان خودتان قسم: قصد عمره ندارید، بکله قصد خیانت دارید، در نتیجه از آن دو نفر بیعت گرفتی، و پیمان را محکم کردی، پس در نفاق کوشیدند، زمانی که بر کار نادرستشان آگاهشان کردی، بی توجهی کردند، و به کار خویش

بازگشتند، ولی بهره‌مند نشدند، و سرانجام کار هر دو خسران شد سپس اهل شام خیانت آن دو را دنبال کردند، و تو پس از بستن راه غدر بر آنان به سویشان حرکت کردی، ولی آنها به دین حق گردن نهادند.

و در قرآن تدبیر نمودند، بی‌خردان پست و گمراهان ناجوانمرد، به آنچه در حق تو بر محمد نازل شده بود کافرنده، و یاوران مخالف تو، درحالی که خدا به پیروی از تو امر کرد، و مؤمنان را به یاری تو فرا خواند، و فرمود خدای عزّ و جلّ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را پروا کنید، و با راستگویان باشید.

مولای من حق بر تو نمایان شد، درحالی که مردم آن را به يك سو انداختند، و تو روشهای دینی را پس از کهنگی و نابودی آشکار ساختی، تورااست پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن، و تورااست فضیلت جهاد بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 581

پایه تحقیق تأویل، و دشمن تو دشمن خدا، و انکارکننده رسول خدا است، دعوت می‌کند دعوت باطل، حکومت می‌کند به ستم، فرمان می‌دهد غاصبانه، دارودسته‌اش را به دوزخ می‌خواند، درحالی که عمار جهاد می‌کرد و میان دو لشکر فریاد می‌زد:

کوچ کنید، کوچ کنید به سوی بهشت، و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت: رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) به من فرمود: آخرین نوشیدنی‌ات از دنیا مخلوطی است از شیر، و تو را گروه متجاوز به قتل می‌رساند، پس ابو العادیه فزاری راه را بر عمار گرفت و او را کشت، بر ابو العادیه لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا و همه پیامبران، و لعنت بر کسی که شمشیر به روی تو کشید، و تو به روی او شمشیر کشیدی، ای امیر مؤمنان، از مشرکان و منافقان تا روز قیامت، و بر آن که خشنود شد به آنچه تو را غمگین ساخت، و غم تو را ناخوش نداشت و دیده برهم نهاد و بی‌تفاوت گذشت، و علّت و عاملش را نکار نکرد، یا علیه تو به دست و زبان کمک کرد، یا از یاری‌اتس دست کشید، یا از جهاد نمودن به همراه تو، کناره‌گیری کرد، یا فضل تو را کوچک شمرد، و حقّت را انکار کرد، یا با تو برابر نمود کسی را که خدا قرار داد تو را سزاوارتر به او از خود او، و دروهای خدا و رحمت و برکات و سلام و تحیاتش بر تو و بر امامان از خاندان پاک تو، که خدا ستوده و بزرگوار است، کار شگفت‌تر و حادثه زشت‌تر، پس از انکار حق تو، غصب فدک صدّیقه طاهره زهرا سرور زنان، و نپذیرفتن گواهی تو و گواهی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 582

دو سرور از نژادت و عترت مصطفی است!! (درود خدا بر شما باد)، و حال آن که خدا درجه شما را بر امت برتر گرداند، و منزلت شما را رفیع قرار داد، و فضل و شرفتان را بر جهانیان آشکار ساخت، و پلیدی را از شما برد، و پاکتان ساخت پاک ساختنی ویژه، خدا عزّ و جلّ فرمود: انسان بسیار حریص آفریده شده، چون گزندى به او در رسد بی صبرى کند، و چون خیرى به او در رسد دریغ ورزد، جز نمازگزاران، پس خدای متعالی، پیامبر برگزیده اش را و تو را، ای سرور جانشیان از همه خلق استثنا کرد، پس آنان که به تو ستم کردند، چقدر از دیدن حق کور بودند، سپس سهم خویشان پیامبر را از باب فریب برای تو مقرر داشتند، ولی به جور و ستم از اهلش برگردانند چون حکومت به تو برگشت با خویشان پیامبر درحالی که از آن دو نفر روی گردان بودی، بخاطر پاداشی که نزد خدا برای تو بود، به همان صورت عمل کردی که آن دو نفر عمل کردند، پس گرفتاری تو به آن دو نفر به گرفتاری پیامبران (درود خدا بر ایشان) در هنگام تنهایی و بی یاری شبیه شد، و در آرمیدن در بستر پیامبر شبیه به اسماعیل ذبیح (درود بر او) شدی چه آن که تو نیز مانند او قبول کردی، و اطاعت نمودی به همان صورت که اسماعیل صابرا نه و پاداش خواهانه اطاعت کرد، وقتی که ابارهمی به و او گفت: «پسرم در خواب دیدم که ترا ذبح می کنم، بنگر که رأی تو چیست؟» گفت: «پدر به آنچه دستور داده شده ای اقدام کن، اگر خدا بخواهد مرا از بردباران خواهید یافت»، و تو نیز زمانی که پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش) در بسترش خوابانند و به تو فرمان داد در خوابگاهش بیارامی، و او را با جانت از شر دشمنانش حفظ کنی، فرمانبردارانه به پذیرش دعوتش شتافتی، و خو را برای کشته

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 583

شدن آماده کردی، در نتیجه خدا از فرمان برداریت قدردانی کرد، و از کار زیبایت به گفتارش جلّ ذکرة در قرآن پرده برداشت، آنجا که فرمود: «و از مردم کسی است که جانش را برای بدست آوردن خوشنودی خدا می فروشد» سپس گرفتاریت در جنگ صفین، درحالی که قرآن ها از روی حيله و فریب به نيزه ها بالا رفته بود، در نتیجه شك و تردید پیدا شد، و حق به يك سو افتاد، و از گمان پیروی شد، این گرفتاریات شبیه به گرفتاری هارون شد، زماین که موسی او را بر قوم خود امارت داد، آنها از او پراکنده شدند، هارون بر سر آنان فریاد می زد و می گفت:

ای مردم شما به گوساله آزمایش شده اید به درستی که پروردگار شما خدای بخشنده است، از من پیروی کنید. و از دستورم پیروی نمایید، گفتند همچنان روی آور به گوساله خواهیم بود، تا موسی به سوی ما بازگردد!! و همچنین تو ای امیر مومنان، همین که قرآن ها بالا رفت گفتی: ای ملت شما به آن آزمایش شدید و گرفتار نیرنگ گشته اید، اما از خواسته تو سرپیچی

کردند، و با تو به مخالفت برخاستند، و گماشتن دو داور را از تو تقاضا نمودند، تو از تقاضای آنان سرباز زدی، و از عمل آنان به سوی خدا بیزاری جستی، و آن را به خودشان واگذاشتی، پس زمانی که حق آشکار شد، و خطای منکر روشن گشت، و به لغزش و انحراف از راه حق اعتراف کردند، پس از آن دچار اختلاف شدند، و از روی بی‌خردی تو را مجبور به پذیرفتن حکمیت کردند، حکمیتی که از آن سرباز زدی و آنان می‌خواستند و تو از آن باز داشتی، روا دانستند گناهانشان را که مرتکب شدند، تو بر راه بینایی و هدایت بودی، و ایشان بر روشهای گمراهی و کوری، همچنان بر نفاق اصرار داشتند، و در گمراهی سرگردان بودند، تا خدا سنگینی کار ناپسندشان را به آنان چشانند، و کسی را که با تو دشمنی کرد با شمشیرت به نابودی کشیدی، پس بدبخت و نگونسار شد، و با حجت تو زنده کرد کسی را که سعادت یافت، و راهنمایی شد. درود خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 584

بر تو باد بامداد و شامگاه، در حضر و در سفر، بر وصف مدح‌کننده‌ای احاطه نکند، و عیب‌جویی برتری‌ات را نابود نماید، تو در عبادت بهترین خلقی، و در پارسایی خالص‌ترین آنانی، و در دفاع از دین سرسخت‌ترین ایشان، با کوششت حدود خدا را پیا داشتی، و با شمشیرت اردوهای خارج از دین را فراری دادی، با سرانگشته‌های شعله جنگها را خاموش ساختی، و با بیانت پرده‌های شبه را دریدی، و آمیختگی باطل را از حق روشن برطرف کردی، سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای تو را در راه خدا نگرفت، مدح خدای تعالی تو را بی‌نیاز کرد از مدح مداحان و ستایش وصف‌کنندگان، خدای تعالی فرمود: از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند، گروهی بر سر پیمان خود به شهادت رسیدند، و جمعی از آنان انتظار می‌شکند، و به هیچ روی تغییر نکردند.

زمانی که دیدی پیمان‌شکنان و ستمکاران و بیرون‌رفتگان از دین را کشتی، و رسول خدا (که درود خدا بر او و خاندانش باد) وعده‌اش را به تورات گفته بود، و تو هم به عهدش وفا کردی، گفتی: آیا وقت آن نرسیده که این محاسن به خون سر رنگین شود؟، با چه زمان بدبخت‌ترین این ملت برای این کار برانگیخته می‌شود، اطمینان داشتی به اینکه بر پایه برهانی از پروردگارت و بصیرت از کارت هستی، وارد شونده بارگاه خدایی، شادان به معامله‌ای که انجام دادی، و این است آن راستگاری بزرگ. خدایا کشندگان پیامبران، و جانشینان انبیای را به تمام لعنت‌های لعنت کن، و آنان را ملازم حرارت آتش گردان، و لعنت کن کسی را که حق ولایت را غصب کرد، و پیمانش را انکار نمود، و او را پس از یقین و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 585

اقرار به ولایتش روزی که دین را برای او کامل کردی منکر شد، خدایا قاتلان امیر مؤمنان و کسانی که به او ستم کردند، و پیروان و یاران آنان را لعنت کن. خدایا ستم کنندگان بر حسین را لعنت کن، و همچنین قاتلانش، و پیروی کنندگان از دشمنش و یاوران دشمنش، و راضیان به قتلش، و دریغ کنندگان از یاری اش لعنتی شدید و سخت، خدایا لعنت کن اول ستمکاری که به خاندان محمد ستم کرد، و آنان را از حقوقشان بازداشت، خدایا اول ستمکار و غاصب حق خاندان محمد را به لعنت اختصاص ده، و هر پیروی کننده از آنچه او شیوه ساخت تا روز قیامت. خدایا درود فرست بر محمد خاتم پیامبران، و بر علی سرور اوصیا، و خاندان پاکش، و ما را قرار ده از متمسکین به آنان، و از کامیابان به ولایتشان، و ایمانی که نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین می شوند.

مؤلف گوید: ما در کتاب «هدیه الزائرین» به سند این زیارت اشاره کردم و اینکه این زیارت را هر روز از نزدیک و دور می شود خواند، و این فایده بزرگی است که البته مشتاقان به عبادت، و شائقان زیارت حضرت شاه ولایت علیه السلام آن را غنیمت خواهند شمرد.

سوم: زیارتی است که در کتاب «اقبال» از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هرگاه در روز عید غدیر، کنار قبر شریف حضرت امیر مومنان علیه السلام باشی، نزدیک قبر شریف آن جناب برو، و پس از نماز و دعا، و اگر در شهرهای دیگر باشی بعد از نماز اشاره کن به جانب آن حضرت، و دعا این است: خدایا درود فرست بر ولی ات، و برادر پیامبرت، و وزیر و حبیب و دوستش، و جایگاه راز، و برگزیده از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 586

خانواده اش، و جانشینش، و پاک و خالص و امین و ولی اش و شریف ترین عترتش، آنان که به او ایمان آوردند، و پدر نسل و درگاه حکمت و گویای به حجت و دعوت کننده به شریعتش، و رهرو روشش، و جانشین او بر ملتش، سرور مسلمانان، و امیر مؤمنان، و پیشرو سپیدرویان، برترین درودی که بر یکی از خلق خود، و برگزیدگان و جانشینان پیامبران فرستادی، خدایا من شهادت می دهم که او از جانب پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش) آنچه را بر عهده داشت رساند، و آنچه رساند، و آنچه نگهداری اش از او خواسته شده بود رعایت کرد، و آنچه را به او سپرده شده بود حفظ کرد، حلال کرد حلال را، و حرام کرد حرام را، و پیاداشت احکامات را و فرا خواند به راهت، و دوست داشت دوستان را، و دشمن داشت دشمنان را، و با پیمان شکنان از راهت، و ستمکاران، و خارج شدگان از فرمانت نبرد کرد، درحالی که شکیبایی به خرج داد، و به حساب خدا گذاشت، روی کنان نه روی گردان، و از سرزنش کنندگان، درراه خدا

باکی به خود راه نداد، تا در این زمینه به مقام رضا رسید، و قضا را تسلیم تو کرد، و خالصانه تو را پرستید، و باکوششی سخت خیرخواهی نمود، تا مرگ او فرا رسید، پس به سوی خود شهید و خوشبخت و ولی پرهیزگار و پسندیده و پاک و هدایتگر و هدایت شده قبض روحش نمودی. خدای بر محمد و خاندان او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از پیامبران و برگزیدگانت فرستادی، ای پروردگار جهانیان.

مؤلف گوید: سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» برای این روز شریف، زیارتی دیگر نقل کرده، که اختصاصش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 587

به این روز معلوم نیست و آن زیارت مرگب از دور زیارت است، که علامه مجلسی آنها را زیارت دوم و سوم کتاب «تحفه» قرار داده است.

زیارت امیر المؤمنین علیه السلام در روز ولادت پیغمبر صلی الله علیه و آله

دومین زیارت از زیارت مخصوصه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام زیارت روز ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. شیخ مفید و شهید و سید ابن طاووس رحمه الله روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام امیر مؤمنان علیه السلام را در هفدهم ربیع الاول زیارت کرد به این زیارت، و آن را به ثقه جلیل القدر محمد بن مسلم ثقفی رضی الله عنه تعلیم داد، و به او فرمود: چون به مشهد امیر مؤمنان علیه السلام بیایی، غسل زیارت کن، و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش، و خویش را به بوی خوش معطر کن، و به آرامی و وقار برو، چون به «باب السلام» یعنی درگاه حرم مطهر رسیدی، رو به قبله بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو و پس از آن بخوان سلام بر رسول خدا، سلام بر برگزیده خدا، سلام بر مژده دهنده بیمده و چراغ نوربخش، و رحمت و برکات خدا، سلام بر پاک و پاکیزه، سلام بر پرچم درخشان، سلام بر یاری شده تأیید گشته، سلام بر ابو القاسم محمد، و رحمت و برکات خدا سلام بر پیامبران مرسل خدا، و بندگان شایسته حق، سلام بر فرشتگان خدا، که مقیم اطراف این حرم و این ضریح و پناهندگان به آنانند. سپس به نزد قبر برو و بگو:

سلام بر تو ای جانشین جانشینان، سلام بر تو ای تکیه گاه اهل تقوا، سلام بر تو ای سرپرست اولیا، سلام بر تو ای آقای شهیدان، سلام بر تو ای نشانه بزرگ

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 588

خدا، سلام بر تو ای پنجمین اهل عبا، سلام بر تو ای پیشوای سپیدرویان با تقوا، سلام بر تو ای پناه اولیا، سلام بر تو ای زینت یکتاپرستان برگزیده، سلام بر تو ای خالص دوستان، سلام بر تو ای پدر امامان امین، سلام بر تو ای صاحب حوض، و حمل کننده پرچم، سلام بر تو ای بخش کننده بهشت و دوزخ، سلام بر تو ای که مگه و منی به او شرافت یافت، سلام بر تو ای دریای دانشها، و پناه تهیدستان، سلام بر تو ای که در کعبه به دنیا آمد، و در آسمان با سرور زنان ازدواج داده شد و گواهانش فرشتگان برگزیده بودند، سلام بر تو ای چراغ روشن، سلام بر تو ای که پیامبر به عطای بزرگ اختصاص داد، سلام بر تو ای که بر بستر خاتم پیامبران خوابید، و او را با جانش از گزند دشمنان حفظ کرد، سلام بر تو ای که خورشید برایش بازگشت، و همطرار شمعون صفا شد، سلام بر تو ای که خدا کشتی نوح را به اسم او و برادرش نجات داد، آنجا که آب در پیرامونش به خروش آمد و لبریز شد، سلام بر تو ای که خدا به وسیله او و برادرش توبه آدم را پذیرفت، زمانی که به بیراهه شد، سلام بر تو ای کشتی نجاتی که هرکس متمسک به آن شد نجات یافت، و هر که از آن پس ماند سرنگون گشت، سلام بر تو ای که با ازدها و گرگ بیابان سخن گفت، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای امیر مؤمنان، سلام بر تو ای حجت خدا بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 589

کسی که کافر شد، بازگشت، سلام بر تو ای پیشوای صاحبان خرد، سلام بر تو ای معدن حکمت و جداکننده بین حق و باطل، سلام بر تو ای که علم کتاب نزد اوست، سلام بر تو ای میزان روز حساب، سلام بر تو ای فیصله بخش حکم، و گویای به درستی سلام بر تو ای صدقه دهنده انگشتر در محراب، سلام بر تو ای خدا در احزاب به وسیله تو جنگ را از اهل ایمان کفایت کرد، سلام بر تو، ای که یگانگی را برای خدا خالص نمود و بازگشت، سلام بر تو ای قاتل خبیر و کننده در، سلام بر تو ای که فرا خواند او را بهترین همه خلق، برای خوابیدن در بسترش، و او جان خود را تسلیم مرگ کرد و دعوت پیامبر را به جان خرید، سلام بر تو ای که طوبی و سرانجام نیکو برای اوست، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر تو ای ولی زمام دین، و ای آقای آقایان، سلام بر تو ای صاحب معجزات، سلام بر تو ای که در برتری اش سوره عادیات نازل شد، سلام بر تو ای که نامش در آسمان بر سرآورده ها نوشته شده، سلام بر تو ای آشکارکننده معجزات و نشانه ها، سلام بر تو ای فرمانده جنگها، سلام بر تو ای خبردهنده از آنچه گذشته و از آنچه می آید، سلام بر تو ای خطاب کننده گرگ بیابانها، سلام بر تو ای مهرزننده به سنگ ریزه، و بیان کننده مسائل مشکل، سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 590

بر تو ای که فرشتگان آسمانها از حملاتش در جنگ تعجب کردند، سلام بر تو ای که با پیامبر رازگویی نمان داشت و پیشاپیش رازگویی صدقه‌ها در راه خدا داد، سلام بر تو ای پدر امامان نیکوکار و سروران، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر تو ای دنباله‌رو پیامبر، سلام بر تو ای وارث دانش بهترین میراث‌گذار، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر تو ای سرور جانشینان، سلام بر تو ای پیشوای پرهیزگاران، سلام بر تو ای فریادرس حادثه‌دیدگان، سلام بر تو ای پناه مؤمنان، سلام بر تو ای آشکارکننده دلایل، سلام بر تو ای طه و یس، سلام برت و ای ریسمان محکم خدا، سلام بر تو ای که انگشت را در نماز به مسکین صدقه داد، سلام بر تو ای برکننده سنگ از دهانه چاه، و ظاهرکننده آب گوارا، سلام بر تو ای دیده نگرند خدا، و دست گشوده‌اش، و زبان تفسیرکننده او در میان تمام آفریدگان، سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران، و خزانه علم گذشتگان و آیندگان، و صاحب پرچم حمد، و ساقی اولیای خدا از حوض خاتم انبیا، سلام بر تو ای رئیس دین، و پیشوای سپیدرویان، و پدر امامان پسندیده، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر نام پسندیده خدا، و جمال نورانی‌اش، و طرف

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 591

نیرومندش، و راه راستش. سلام بر امام پرهیزگار مخلص برگزیده. سلام بر ستاره درخشان، سلام بر امام ابو الحسن علی و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر امامان هدایت و چراغهای تاریکیها، و نشانه‌های پرهیزگاری، و مشعلهای هدایت، و صاحبان خرد، و پناهگاه مردم و دستاویز محکم و حجت بر اهل دنیا، و رحمت و برکات خدا بر آنان، سلام بر نور انوار، و حجت جبار، و پدر امامان پاک، و قسمت کننده بهشت و دوزخ، خبردهنده از آثار، فروزنده مرگ بر کفار، نجات‌دهنده شیعیان مخلص از بارهای بزرگ گناهان. سلام بر اختصاص یافته به بانوی پاک پرهیزگار دختر پیامبر مختار، ولادت یافته در کعبه صاحب پرده‌ها تزویج شده در آسمان به بانوی نیکوکار پاک پسندیده مرضیه مادر امامان پاک، و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر خبر بزرگ که امت در حقیقت اختلاف کردند، و امت بر آن عرضه شوند، و از آن بازخواست گردند. سلام بر نور انور خدا، و روشنایی روشن‌ترش، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر تو ای ولی خدا، و حجت و بنده خالص و خاص حق، من گواهی می‌دهم که تو ای ولی خدا همانا در راه خدا جهاد کردی جهادی شایسته، و از راه رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) پیروی نمودی، و حلال دانستی حلال خدا را، و حرام دانستی حرام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 592

خدا را، و تشریع کردید احکام الهی را، و بپا داشتی نماز را، و پرداختی زکات را، و به معروف امر کردی و از منکر نهی نمودی، و در راه خدا به جهاد برخاستی با صبر و خیرخواهی و سخت کوشی، و حسابگر پاداش بزرگ نزد خدا، تا مرگ فرا رسید، خدا لعنت کند کسی را که از حَقّت منع کرد، و از مقامت کنار گذاشت، و خدا لعنت کند کسی را که این اخبار به او رسید و به آن خشنود شد. خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را شاهد می گیرم، که من دوستم با کسی که تو را دوست دارد، و دشمنم با آن که تو را دشمن دارد. سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد. سپس خود را به قبر بچسبان، و آن را ببوس و بگو: شهادت می دهم که سخنم را می شنوی و جایم را می بینی، و دربارهات شهادت می دهم ای ولیّ خدا، به رساندن دین به مردم و ادا کردن وظیفه، ای مولای من. ای حجت خدا، ای امین خدا، ای ولیّ خدا، همانا میان من و خدای عزّ و جلّ گناهایی است که پشتم را سنگین کرده، و از خواب آرام مانعم گشته، و یاد آنها اعضای درونم را می لرزاند، البته من به سوی خدای عزّ و جلّ و به جانب تو گریخته‌ام، به حق کسی که تو را امین بر راز خود نمود، و سرپرستی کار خلقش را به تو وانهاد، و طاعتش را به طاعت تو مقرون کرد، و دوستی اش را به دوستی تو پیوند داد، برایم به درگاه خدا شفیع، و از آتش دوزخ پناه، و در روزگار پیشینیان باش. باز خود را به قبر بچسبان و آن را ببوس و بگو: ای ولیّ خدا، ای حجت خدا، ای درگاه مغفرت خدا، دوست و زائرت، و پناهنده به قبرت، و فرود آمده به درگاهت، و بارانداز در جوارت، از تو درخواست

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 593

می کند، که برایش به پیشگاه خدا، در برآمدن حاجتش، و کامیاب شدن به خواسته اش در دنیا و آخرت شفاعت کنی، همانا برای تو نزد خدا منزلتی بزرگ و شفاعت پذیرفته شده است، ای مولای من مرا از موارد توجّه خود قرار ده، و در حزب خود وارد کن، و سلام بر تو، و بر دو آرمیده در کنار تو آدم و نوح، و سلام بر تو و بر دو فرزندان حسن و حسین و بر امامان پاک از نسلت، و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس شش رکعت نماز زیارت بجای آر، دو رکعت برای امیر مؤمنان علیه السّلام و دو رکعت برای جناب آدم علیه السّلام و دو رکعت برای حضرت نوح علیه السّلام و خدا را بسیار بخوان که به اجابت خواهد رسید ان شاء الله تعالی. مؤلف گوید: صاحب کتاب «مزار کبیر» گفته: این زیارت را باید در هفدهم ربیع الاوّل هنگام طلوع آفتاب خواند و علامه مجلسی قدس سره فرموده: این زیارت در میان زیارات بهترین زیارت است و به سندهای معتبر در کتب معتبره مذکور است

و ظاهر بعضی از روایات است که اختصاصی به این روز ندارد، هروقت که این زیارت را بخوانند خوب است. مؤلف گوید: اگر کسی بگوید: چگونه است که در روز ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله یا مبعث آن حضرت، زیارت امیر مؤمنان علیه السلام وارد شده و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله در این دو روز زیارت نیست، با آنکه سزاوار بود، زیارت مخصوصی در این اوقات برای پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده باشد؟ جواب گوئیم که این به خاطر شدت اتصال این دو بزرگوار و کمال اتحاد این دو نور پاك با هم است، که هرکه امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده و شاهد بر این حقیقت از قرآن آیه «انفسنا» است، «و آن حضرت در آیه مباحله جان مصطفی است و غیر او جان وی نیست» و نیز شاهد آن از معارف اسلامی بسیاری از روایات است. از جمله شیخ محمد بن مشهدی از امام صادق علیه السلام روایت کرده: مردی اعرابی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد، عرضه داشت: یا رسول الله، منزل من از منزل تو دور است، من مشتاق زیارت و دیدن تو می شوم، چون به دیدن می آیم ملاقات

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 594

برایم حاصل نمی شود، علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت می کنم، آن جناب مرا به حدیث و مواظظ خود مؤنوس می کند، پس از آن به خاطر ندیدند تو با حالت اندوه و حسرت برمی گردم، فرمود: هرکه علی را زیارت کند مرا زیارت کرده، و هرکه او را دوست بدارد، مرا دوست داشته و کسی که او را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته، این مطالب را از جانب من به قوم خود ابلاغ کن و هرکه به زیارت او برود، به تحقیق نزد من آمده و من و جبرئیل و صالح مؤمنان، او را در روز قیامت جزا خواهیم داد. در حدیث معتبری از امام صادق علیه السلام روایت شده: چون جانب نجف را زیارت کنی، زیارت کن استخوانهای آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابیطالب را که به این زیارت، زیارت کرده ای پدران گذشته و محمد خاتم پیامبران و علی بختترین اوصیا را و در زیارت ششم گذشت که فرمودند: رو به قبر امیر مؤمنان علیه السلام بایست و بگو: «السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا صفوة الله» الی غیر ذلك، به راستی که زیبا سروده شیخ جابر در نوعی تضمین خود به قصیده ازربه در حال اشاره به گنبد علوی:

تکیه کن به بزرگترین قبر برای پیامبر

که در آن احمد پاك را چه جانی مدفون است

یا عرش خدا را یعنی که در آن نورانی ترین خورشید

پس تواضع کن که آنجا خانه پاکی است

است

افلاك بوسیدن خاکش را آرزو کنند

و حکیم سنایی گفته:

همره جان مصطفی جانش

مرتضایی که کرد یزدانش

هردو يك روح کالبدشان دو

هردو يك قبله و خردشان دو

دو برادر چو موسی و هارون

دو رونده چو اختر گردون

هردو پیرایه شرف بودند

هردو يك درّ يك صدف بودند

ندهند سنّت پیمبر بر

تا نه بگشاد علم حیدر در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 595

زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام در مبعث

سومین زیارت از زیارات مخصوصه حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام زیارت شب مبعث و روز آن است، یعنی شب بیست و هفتم رجب و روز آن که در آن سه زیارت وارد است: اوّل: زیارت رجبیه: الحمد لله الذی اشهدنا مشهد اولیائه که در اعمال ماه رجب گذشت و آن زیارتی است که در ماه رجب، در هر يك از مشاهد مشرفه خوانده می شود، ولی صاحب کتاب «مزار قدیم» و شیخ محمد بن مهدی آن را نیز از زیارت مخصوصه شب مبعث شمرده اند چون آن زیارت را خواندی، فرموده اند: بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بجا آور، و هرچه خواهی دعا کن.

دوم: زیارت السّلام علی آب الائمّه و معدن النبوه است، که علامه مجلسی آن را زیارت هفتم کتاب «تحفه» قرار داده است. و صاحب کتاب «مزار قدیم» گفته است، مختص به شب بیست و هفتم رجب است، چنان که ما آن را در «هدیه

الزائر» ذکر کردم. سوم: زیارتی است که شیخ مفید و سید و شهید نقل کرده‌اند، به این صورت که چون در شب مبعث یا روز آن، خواستی امیر مؤمنان علیه السّلام را زیارت کنی، بر در بارگاه شریفش مقابل قبر آن حضرت بایست و بگو:

شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی ندارد، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، و علی بن ابیطالب امیر مؤمنان بنده خدا، و برادر رسول اوست، و امامان پاک از فرزندان حجت‌های خدا بر خلق اویند.

پس وارد شو، و نزدیک قبر آن حضرت بایست، به طوری که رویت به جانب قبر، و پشت به قبله باشی، آنگاه صد مرتبه الله اکبر بگو و بخوان: سلام بر تو ای وارث آدم جانشین خدا، سلام بر تو ای وارث نوح برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 596

سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد سرور رسولان خدا، سلام بر تو ای امیر مؤمنان سلام بر تو ای پیشوای پرهیزگاران، سلام بر تو ای سرور جانشینان، سلام بر تو ای جانشین رسول پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای وارث دانش پیشینیان، سلام بر تو ای خبر بزرگ سلام بر تو ای راه راست، سلام بر تو ای پیراسته بزرگوار، سلام بر تو ای جانشین پرهیزگار، سلام بر تو ای پسندیده پاک، سلام بر تو ای ماه نوربخش، سلام بر تو ای بزرگترین صدیق، سلام بر تو ای بزرگترین جداکننده حق و باطل، سلام بر تو ای چراغ نورافشان، سلام بر تو ای امام هدایت، سلام بر تو ای پرچم پرهیزگاری، سلام بر تو ای حجت بزرگتر خدا، سلام بر تو ای بنده خاص و خالص حق، و امین و برگزیده خدا و درگاه خدا، و معدن حکم خدا، و راز و گنجینه علم و خزانة دار و سفیر خدا در میان بندگان، شهادت می‌دهم که تو نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی، و امیر به معروف و نه یاز منکر کردی، و قرآن را تلاوت نموده آنگونه که شایسته تلاوت است، و از جانب خدا دین را به مردم رساندی، و به پیمان خدا وفا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 597

کردی، و کلمات خدا به وسیله تو کامل شد، و در راه خدا جهاد کردی جهادی شایسته، و برای خدا و رسولش (درود خدا بر او و خاندانش باد) خیرخواهی نمودی، و به جانبازی برخاستی، با صبر و برای خدا، درحالی که دفاع کننده بودی

از دین خدا، و حفظ کننده جان رسول خدا، خواهان آنچه نزد خداست، مشتاق به آنچه خدا وعده داد، و از جهاد رفتی بر روشنی که بر آن بودی، حاضر و گواه و گواهی شده، خدا پاداش دهد از جانب پیامبرش، و از سوی اسلام و اهلش از چنین صدیقی! برترین پاداشها، شهادت می‌دهم تو اولین فرد ملت بودی در اسلام، و خالص‌ترینشان در ایمان، و شدیدترینشان در یقین، و ترسنده‌ترینشان از خدا، و بزرگترینشان در قبول زحمت، و با احتیاط‌ترینشان نسبت به رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد)، و برترینشان در فضائل، و زیادترینشان در سوابق، و بلندترینشان در درجه، و شریف‌ترینشان در منزلت، و بزرگوارترینشان در پیشگاه او، پس نیرومند بودی هنگامی که مردم سست بودند، و ملزم بودی راه رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) را، و شهادت می‌دهم که تو جانشین پیامبر بودی، جانشینی بر حق، در این امر به رغم خواهش منافقان و خشم کافران، و کینه فاسقان، و تو را کشمکشی نبود، به کار حکومت قیام کردی، هنگامی که آنها کاهلی کردند و نطق کردی، زمانی که آنان از سخن گفتن دم زدند، به نور خدا پیش رفتی، آن زمان که آنها توقف کردند، پس هرکه تو را پیروی کرد راه یافت، تو اول آنان بودی در سخن گفتن، و سخت‌ترینشان در دفاع، و درست‌ترینشان در گفتار، و استوارترینشان در رأی، و شجاع‌ترینشان در قلب، و زیادترینشان در یقین، و نیکوترینشان در عمل، و آگاه‌ترینشان به امور، برای اهل ایمان پدری مهربان بودی،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 598

زمانی که تدبیر امورشان به دست تو افتاد پس تو به دوش کشیدی، آنچه آنان از آن ناتوان شدند، و حفظ کردی آنچه را آنها ضایع نمودند، و رعایت کردی آنچه را آنها فرو گذاردند، و دامن همت به کمر زدی زمانی که ترسیدند، و برتر شدی وقتی آزمند شدند، و صبر کردی آنگاه که صبر نکردند، بر کافران عذابی ریزان بودی و شدید، و خشمگین، و برای مومنان باران رحمت و نعمت فراوان و دانش بی‌پایان بودی، دلیلت کند نشد، دلت منحرف نگشت، بصیرت به ناتوانی ننشست، وجودت نرسید، مانند کوه بودی که تندبادها حرکتش ندهد، و شکننده‌ها از جا برش ندارد، آنچنان بودی که رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) فرمود: قوی در بدن، فروتن پیش خود، عظیم نزد خدا، بزرگ در زمین، با عظمت در آسمان، برای احدی درباره تو جای طعنه‌زدن نبود، و برای گوینده‌ای در حقت زمینه عیب‌جویی وجود نداشت، و برای خلق نسبت به تو برای خواسته‌های باطلشان جای طمع، و نه کسی را پیش تو توقع نرمشی، ناتوان و خوار نزد تو، نیرومند و عزیز به حساب می‌آید، تا حش را به نفع او بگیری، و نیرومند و عزیز پیش تو، ناتوان و خوار شمرده می‌شد تا حق را از چنگ او درآوری نزدیک و دور نزد تو در این زمینه برابری، کار تو حق و درستی و خوشرفتاری است،

و گفته‌ات حکم و حتم، و دستورت بردباری و تصمیم، و رأیت دانش و تدبیر، دین به تو اعتدال یافت، و سختی به تو آسان شد، و آتشها به وسیله تو خاموش گشت، و ایمان به جناب تو نیرومندی یافت، و اسلام به تو پایدار شد، و مصیبت مردم را درهم شکست، پس ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم، خدا لعنت کند کس

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 599

که تو را کشت، و آن که با تو مخالفت ورزید، و آن که به تو دروغ بست، و آن که بر تو ستم روا داشت، و حقت را غصب کرد، و خدا لعنت کند کسی را که این خبر به او رسید و به آن خشنود شد، ما با توجه به خدا از ایشان بیزاریم، خدا لعنت کند ملتی را که با تو مخالفت ورزیدند، و ولایت را انکار نمودند، و بر علیه تو به هم کمک رساندند و تو را کشتند، و از تو منحرف شده، و از یاریات دریغ کردند، خدا را سپاس که آتش را جایگاه آنان قرار داد، و چه جایگاهی است برای واردشدگان، برایت شهادت می‌دهم ای ولیّ خدا، و ولیّ رسولش (درود خدا بر او و خاندانش باد) به رساندن پیام حق، و ادای وظیفه، و شهادت می‌دهم که تو حبیب و درگاه و همراه خدایی، و سویه‌ای هستی که از آن به جانب خدا می‌آیند، و تویی راه خدا، و تویی بنده خدا، و برادر رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) به نزدت آمده‌ام، یارت کننده به خاطر بزرگ بودن حال و منزلت نزد خدا، و رسولش، و به زیارت به سوی خدا تقرّب می‌جویم مشتاق به سوی توام، در شفاعت، به شفاعت رهایی خویش را می‌طلبم، از آتش به تو پناهنده‌ام از گناهانم که بر پشت خود بار کرده‌ام گریزانم، هراسان به سوی توام، درحالی که امید به رحمت پروردگار دارم، به سوی تو آمده‌ام، تو را به جانب خدا به شفاعت می‌گیرم ای مولایم. تقرّب می‌جویم به وسیله تو به خدا، تا به عنایت تو حاجاتم برآورده شود، ای امیر مؤمنان مرا به درگاه خدا شفاعت کن، من بنده خدا، و دوست و زائر تو هستم، برای تو نزد خدا مقام معلوم و منزلت و مقام بزرگ و شفاعت پذیرفته است. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 600

و درود فرست بر بنده و امین وفادارت، و دست‌آویز محکم و دوست برترت، و کلمه نیکوتر و حجت بر بندگانت و صدیق اکبر و سرور جانشینان و پایه اولیا و تکیه‌گاه برگزیدگان، امیر مومنان در پیش پرهیزگاران، و مقتدای صدیقان، و پیشوای شایستگان، آن معصوم از لغزشها، و بریده از نقایص، و پیراسته از عیب، و پاک از شک، برادر پیامبرت، و جانشین رسالت، و خوابیده بر بسترش، و کمک‌دهنده به پیامبر با جانش، و برطرف کننده اندوه از چهره‌اش، آن که او را

قرار دادی شمشیری برای نبوتش و معجزه‌ای برای رسالتش و دلالتی روشن برای حجتش، و حمل‌کننده پرچمش، و نگهدارنده جانش، و راهنمایی امتش، و قدرت برای نبردش، و تاجی بر سرش و درگاهی برای یاری‌اش و کلیدی برای پیروزی‌اش، تا سپاهیان شرك را با یاری‌ات شکست داد، و اردوهای کفر را به دستورت نابود ساخت و جانش را در راه خشنودی تو و رسالت بخشید، و آن را وقف بر اطاعت او، و سپری در برابر گرفتاریهای پیامبر قرار داد، تا جان پیامبر (درد خدا بر او و خاندانش باد) در میان مشیت او برآمد، و از خنکی آن را در ربود، و بر چهره خود کشید، و فرشتگان او را بر غسل و تجهیز رسول خدا کمک کردند، آن حضرت بر پیامبر نماز خواند، و جنازه‌اش را در خاک گذاشت، و قرض او را ادا کرد، و به وعده‌اش وفا نمود، و ملازم پیمانش شد، و پا جای پایش نهاد، و وصیتش را حفظ کرد، و زمانی که یاورانی برای خود یافت، خود به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 601

کارهای سنگین خلافت قیام کرد، درحالی که با قدرت تمام بارهای گران امامت را به دوش کشید، پس پرچم هدایت را در میان بندگان برافراشت، و جامه امنیّت را در کشورهايت گشود، و عدالت را در میان مخلوقات گستراند، در بین مردم به قرّانت حکومت کرد، و مقرّرات را بر پا نمود، و انکار را مقهور و خوار کرد، کجی را راست نمود، و فتنه را آرام ساخت، و سستی را به نابودی کشید، و شکاف اجتماعی را بست، و پیمان‌شکنان و ستمکاران و خارج‌شدگان از دین را کشت، و همواره زندگی کرد بر راه و روش رسول خدا (درد خدا بر او و خاندانش باد) و طریق او، و نرمی خوی او، و زیبایی روش او، درحالی که به روشش اقتدا کرد، و به عزّتش آویخت، و عهده‌دار طریق او شد، و نمونه‌های عالی کارهای حضرتش را نصب العین خود قرار داد. بندگان را به آن کارها وادار می‌کرد، و به آن امور دعوت می‌نمود، تا وقتی که محاسنش به خون سرش رنگین شد. خدایا همچنانکه او در طاعت تو شك را بر یقین ترجیح نداد، و به اندازه چشم برهم‌زدنی بر تو شرك نیاورد، بر او درود فرست درودی پاکیزه، روینده که به وسیله آن در بهشت به درجه نبوت برسد، و از جانب ما به او درود و سلام برسان، و عنایت کن به ما از جانب خود، در دوستی‌اش فضل و احسان و مغفرت و خشنودی را، که تو دارنده فضل تنومندی، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس ضریح را ببوس، و طرف راست صورت خود را بر آن بگذار و پس از آن جانب چپ را، آنگاه به سوی قبله برگرد، و نماز زیارت بجای آر، و پس از نماز هرچه خواهی دعا کن، و بعد از گفتن تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 602

خدایا تو بر زبان پیامبر و رسول محمد (درود تو بر او و خاندانش) به من بشارت دادی و فرمودی: «و بشارت ده کسانی را که ایمان آوردند، که برای آنان است نزد پروردگارشان قدم راستی. خدای من به همه پیامبران و رسولانت (درود تو بر ایشان) مؤمنم، پس از معرفت به آنان در موقعیتی قرارم مده که در بر مردم رسوایم سازی، بلکه مرا با آنان قرار ده، و با تصدیق به آنان بمیران. خدایا تو آنان را مخصوص به کرامت گرداندی، و مرا به پیروی از ایشان فرمان دادی. خدایا من بنده و زائر توام، و به تو تقرّب می جویم با زیارت برادر رسولت، و بر هر آمده‌ای و زیارت شده‌ای، برای کسی که به نزد او آمده و زیارت کرده حقّی است، و تو بهترین دیدار شده، و بزرگوارترین زیارت شده‌ای، پس از تو درخواست می کنم ای خدا، ای مهربان، ای بخشنده، ای جواد، ای بزرگوار، ای یکتا، ای بی نیاز، ای کسی که نزاده و زائیده نشده، واحدی هم‌تایش نبوده، و همسر و فرزندی برنگرفته، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی تحفه‌ات را برایم در زیارتم نسبت به رسولت رهایی از آتش دوزخ، و قرارم دهی از آنان که به سوی خیرات می شتابند، و تو را با امید و بیم می خوانند، و از خشوع کنندگان برای خود مقرر داری. خدایا بر من منت نهادی به زیارت مولایم علی بن ابیطالب و به ولایت و معرفتش، پس قرارم ده از کسانی که او را یاری می کنند، و از او یاری می ستانند، و بر من منت بده به یاریات برای دین. خدایا مرا از شیعیانش قرار ده و بر دینش بمیران. خدایا برای من واجب گردان، از رحمت و خشنودی و مغفرت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 603

و احسان و روزی وسیع حلال پاکیزه، آنچنان که تو شایسته آنی، ای مهربان‌ترین مهربانان، و سپاس خدای را پروردگار جهانیان. مؤلف گوید: در روایت معتبر آمده حضرت خضر علیه السلام روز شهادت امیر مؤمنان علیه السلام گریه کنان و استرجاع انا لله و انا الیه راجعون گویان به شتاب آمد، و بر در خانه آن حضرت ایستاد، پس گفت:

خدا رحمت کند ای ابو الحسن، تو اولین نفر ملّت در گرویدن به اسلام، و خالص‌ترینشان در ایمان، و سخت‌ترینشان در یقین و ترسندگی‌ترینشان از خدا بودی و بسیاری از فضائل آن حضرت را نزدیک به این عباراتی که در همین زیارت است برشمرد پس اگر در این روز یعنی روز شهادت هم خوانده شود مناسب است، و اصل آن کلمات را که به منزله زیارت روز شهادت است در کتاب هدیه ذکر کرده‌ایم، هرکه خواهد به آن کتاب مراجعه کند. بدان که ما پیش از این در ضمن اعمال شب مبعث کلامی از سفرنامه ابن بطوطه نقل کردیم که به این روضه شریفه «صلوات الله علی مشرفها» متعلّق بود، شایسته است به آنجا رجوع شود

فضل پنجم در فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن و اعمال آن مسجد و زیارت جناب مسلم

آگاه باش کوفه یکی از آن چهار شهری است که حق تعالی آن را اختیار فرموده و طور سینین تفسیر به آن شده، و در روایت آمده: کوفه حرم خدا، و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و حرم امیر مؤمنان علیه السلام است، و يك درهم صدقه در آن، به صد درهم در جای دیگر حساب می شود و دو رکعت نماز در آن به صدر رکعت محاسبه می گردد.

فضیلت مسجد کوفه زیاده از آن است که ذکر شود، و در بیان شرافت آن کافی است که یکی از چهار مسجدی است که شایسته است برای درك فیوضاتشان به شتاب به سوی آنها کوچ کردن، و یکی از محلهایی است که مسافر بین قصر و اتمام نماز در آن مختیر است. و نماز واجب در آن برابر حج مقبول و معادل هزار نماز است که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 604

در جای دیگر بجا آورده شود. در روایات وارد شده: مسجد کوفه محل نماز پیامبران است، و جایگاه نماز حضرت مهدی (عج) خواهد شد، و در روایتی است که هزار پیامبر و هزار جانشین پیامبر در آن، نماز بجا آورده اند، و از بعضی روایات استفاده می شود، که مسجد کوفه از مسجد اقصی که در بیت المقدس قرار دارد افضل است. ابن قولویه از حضرت امام باقر علیه السلام روایت کرده: اگر مردم بدانند مسجد کوفه چه اندازه فضیلت دارد، هر آینه از شهرهای دور، تهیه زاد و راحله کنند، و به سوی این مسجد بیایند، و نیز فرمود: نماز واجب در آن، برابر است با حج مقبول، و نماز مستحب برابر است با عمره مقبوله، به بیان روایت دیگر نماز واجب و مستحب در آن همانند حج و عمره ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بجا آورده باشند. شیخ کلینی و غیر او را از مشایخ عظام روایت کرده اند، از هارون بن خارجه که امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای هارون بن تو و مسجد کوفه چه اندازه مسافت است، يك میل میشود؟ گفتم: نه، فرمود: همه نمازهای خود را در آنجا می خوانی؟ گفتم نه، فرمود:

اگر من نزدیک آن مسجد بودم امید داشتم از من يك نماز در آن فوت نمی شد، هیچ می دانی که فضیلت آن مکان چیست؟ نبوده بنده صالحی و نه پیامبری مگر آنکه در مسجد کوفه نماز گذارده، حتی در شبی که رسول خدا را به معراج می بردند، جبرئیل به آن حضرت عرضه داشت می دانی کجایی؟ اکنون در برابر مسجد کوفه ای، فرمود: از پروردگار اجازه بخواه تا در آن مسجد بروم و دو رکعت نماز بگذارم، جبرئیل از حضرت حق اذن خواست، حق تعالی مرحمت فرمود، پس آن حضرت را فرود آورد و در آن دو رکعت نماز گذارد، بدرستی که جانب راست آن باغی است از باغهای بهشت و

وسط آن باغی از باغهای بهشت و پشت آن باغی از باغهای بهشت، همانا نماز واجب در آن برابر است با هزار نماز، و نماز مستحب در آن برابر است با پانصد نماز، و نشستن در آن، بدون تلاوت قرآن و ذکر، عبادت است و اگر مردم بدانند چه اندازه فضیلت در آن است به جانب آن بیایند گرچه به روش کودکان، خود را به زمین کشند و در روایت دیگر آمده: نماز واجب در آن برابر حج است، و نماز مستحب به اندازه عمره در ذیل زیارت هفتم حضرت امیر علیه السلام اشاره فضیلت این مسجد شریف گذشت، [صفحه 560] و از پاره‌ای روایات معلوم میشود که جانب راست این مسجد از جانب چپ آن افضل است.

اعمال مسجد بزرگ کوفه

اعمال مسجد کوفه: به صورتی که در کتاب «مصباح الزائر» و غیر آن می‌باشد، آن است که چون وارد کوفه شدی بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 605

به نام خدا و به خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) خدایا فرود آر مرا فرود آمدنی با برکت، که تو بهترین فرود آورندگان. پس به سوی مسجد کوفه روانه شو، و در حال رفتن بگو: خدا بزرگتر است و معبودی جز خدا نیست، و سپاس خدای را، و منزه است خدا. چون به در مسجد وارد شوی، نزد در بایست و بگو: سلام بر سرور ما رسول خدا، محمد بن عبد الله، و خاندان طاهرینش سلام و رحمت و برکات خدا بر امیر مؤمنان علی بن ابیطالب، و بر مجالس و جایگاه حضور، و مقام حکمتش، و آثار پدران او و نوح و ابراهیم و اسماعیل و بیان دلایلش، سلام بر امام حکیم، دادگر، صدیق اکبر، جداکننده به داد که خدا به وسیله او میان حق و باطل، و کفر و ایمان و شرک و توحید را جدا کرد، تا هر که هلاک گردد از روی دلیل هلاک شود، و هر که زنده ماند از روی دلیل زنده ماند، شهادت می‌دهم که تویی امیر مؤمنان و خاصه جان برگزیدگان، و زیور صدیقان، و بردبار امتحان‌شدگان، و داور خدا بر روی زمین، و اداکننده امر او، و درگاه حکمتش، و گره‌زننده پیمانش، و گویای به وعده‌اش، و رشته وصل شده بین او بندگان، و پناهگاه نجات، و راه تقوی، و درجه برتر، و گواه داور عالی‌تر، ای امیر مؤمنان، به وسیله تو تقرّب به خدا می‌جویم، تقرّب کامل، تو ولیّ و آقا و وسیله من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 606

در دنیا و آخرتی. پس وارد مسجد می‌شوی. مؤلف گوید: بهتر آن است از دری که در عقب مسجد است، و مشهور به باب الفیل است وارد شوی، آنگاه می‌گویی: خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، این است جایگاه پنهانده به خدا، و به محمد حبیب خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) و به ولایت امیر مؤمنان و امامان آن رهیافتگان و صادقان و سخنوران و راشدین، آنان که خدا پلیدی را از ایشان دور کرد و پاکشان ساخت پاک ساختنی مخصوص، به آنان به عنوان امامان و هادیان و سرپرستان راضی شدم، تسلیم امر خدا گشتم به او شرک نیاورم چیزی، و همراه او سرپرستی بگیرم، شریک قراردهندگان برای خدا دروغ گفتند، و گمراه شدند گمراهی بس دور، کافی است مرا خدا و اولیای خدا، شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است، و برای او شریکی نیست، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست، و اینکه علی و امامان رهیافته از نسلش (درود خدا بر آنان باد) سرپرستان منند، و حجت‌های خدا بر بندگان.

سپس به جانب ستو چهارم، که در جنب باب انماط، و برابر ستون پنجم است برو، و آن ستون حضرت ابراهیم علیه السلام است، پس چهار رکعت نماز بجای آر، دو رکعت آن را با (حمد) و (توحید) و دو رکعت دیگر را با (حمد) و سوره (قدر)، چون از نماز فارغ شدی، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگو و بخوان:

سلام بر بندگان شایسته رهیافته خدا، آنان که خدا پلیدی را از ایشان پرده، و پاکشان ساخته پاک کردنی خاص و قرارشان داده پیامبرانی مرسل، و حجت بر همه بندگان، سلام بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 607

رسولان، و سپاس خدای را پروردگار جهانیان، این است اندازه بخشی عزیز علیم. و هفت مرتبه بگو: سلام بر نوح در جهانیان. پس بگو: ما تعهد به وصیت تویم ای سرپرست مؤمنان ای نوح که ذرّات را به آن وصیت کردی، از رسولان و صدّیقان، و ما از شیعیان تو و شیعیان پیامبرمان محمدیم، درود خدا بر او و بر خاندانش، و بر همه رسولان و پیامبران و صادقان، و ما بر آیین ابراهیم، و دین محمد امی، و امامان رهیافته، و ولایت مولایمان علی امیر مؤمنان. سلام بر مژده‌دهنده و بیم‌ده، درودها و رحمت و رضوان و برکات خدا بر او، و بر وصی و جانشینش، آن شاهد برای خدا پس از او بر بندگان علی امیر مؤمنان، صدّیق اکبر، و تمیزدهنده روشن آنکه بیعتش را بر جهانیان گرفتی، به آنان خوشنودم از جهت سرپرستی و سروری و حکمرانی در جانم و فرزندانم و خاندانم و مالم و نصیبم و آزادی و محدودیتیم و اسلام و دینم و دنیا و آخرتم، و حیات و مرگم، شما یید امامان در کتاب خدا، و فیصله‌دهنده هر مقام و جداکننده بین حق و باطل، و

دیدگان آن زنده‌ای که نمی‌خواهد، شما را حکیمان الهی، و به وسیله شما خدا حکم کرد و حق خدا به توسط شما شناخته شد، معبودی جز خدا نیست، محمد رسول خداست، شما نور خدا را از پیش رو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 608

و پشت سر ما، شما آیین خدا را که حکم قطعی بر آن پیشی گرفت، ای امیر مؤمنان من تسلیم شما را، تسلیمی که چیزی را شریک خدا نسازم، و جز او سرپرستی نگیرم، سپاس خدای را که به وسیله شما مرا هدایت کرد، درحالی که من هدایت نمی‌یافتم، اگر خدا هدایت من نمی‌کرد، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است. خدا بزرگتر است، سپاس خدای را برای آنکه ما را هدایت کرد.

اعمال دَکَّة القضاء و بیت الطشت: بدان که «دَکَّة القضاء» دکانچه‌ای در مسجد کوفه بوده که امیر مؤمنان علیه السلام روی آن می‌نشستند و قضاوت می‌کردند و در آن محل ستون کوتاهی وجود داشت که بر آن آیه کریمه (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) نوشته شده بود.

و بیت الطشت همان جایی است که معجزه امیر مؤمنان در حق آن دختر ظاهر شد، دختر بی‌شوهری که بر اثر نشستن میان آب، زالویی در شکمش وارد شد، و اندک‌اندک از مکیدن خون بزرگ، و شکم دختر را بمانند شکم زن حامله کرد، برادران دختر به او گمان فرزنددار شدن از راه نامشروع بردند و درصدد کشتن او برآمدند، برای قضاوت این مشکل نزد امیر مؤمنان آمدند، حضرت دستور داد در طرفی از مسجد پرده کشیدند و آن دختر را پشت پرده نشانده، سپس قابله کوفه را دستور داد، آن دختر را معاینه کند، زن قابله پس از معاینه عرضه داشت، یا امیر المؤمنین این دختر آبستن است و فرزندی در رحم دارد، حضرت دستور داد طشتی پر از لبن آوردند و دختر را به روی آن قرار دادند، زالو وقتی بوی لبن شنید از شکم دختر بیرون آمد. در بعضی از روایات است که حضرت دست دراز کرد و از کوههای شام قطعه برقی حاضر نمود و در آن طشت نهادند تا زالو از شکم دختر بیرون آمد.

بدان که مشهور در ترتیب اعمال مسجد آن است که پس از اعمال ستون چهارم به وسط مسجد می‌روند و اعمال آنجا را بجا می‌آورند و اعمال دَکَّة القضاء و بیت الطشت را در پایان همه اعمال پس از فراغت از دَکَّة امام صادق علیه السلام به جا می‌آورند. اما این فقیر به همان ترتیبی که سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» و علامه مجلسی در «بحار» و شیخ خضر در کتاب «مزار» نقل کرده‌اند ذکر می‌کنم. اگر کسی بخواهد بترتیب مشهور عمل نماید، اعمال دَکَّة القضاء و بیت الطشت را بعد از اعمال ستون چهارم بجا نیاورد، در هر صورت بسوی دَکَّة القضاء برو، و در آن محل

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 609

دو رکعت نماز، به حمد و هر سوره که خواهی بخوان، چون فارغ شدی، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بجای آور و بگو:

ای مالک و مالک کننده ام، و پوشاننده ام به نعمتهای عظیم بدون داشتن شایستگی، رویم فروتن است برای آنچه قدمها بالای آن قرار می گیرد، برای عظمت ذات بزرگوارت، این سختی و نه این محنت را متصل به هلاکت قرار مده، از فضل و به من ببخش، چیزی که بدون درخواست به کسی نبخشیدی، تویی، دیرین اوّل که همواره بوده ای، و خواهی بود، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا پیامر و به من رحم کن، عملم را پاک نما، و در عمرم برکت ده، و مرا از آزادشدگان و رها شدگان از آتش قرار ده، به مهربانیات ای مهربانترین مهربانان. اعمال بیت الطشت: این محلّ متصل به دگّه القضا است. در این جایگاه دو رکعت نماز بخوان و پس از سلام و تسبیح حضرت علیها السلام بگو: خدایا من یتکاپرستی ام و معرفتم و اخلاصم نسبت به تو و اقرارم به ربوبیت را ذخیره کنم، و نیز ولایت کسانی که به خاطر معرفتشان از میان مخلوقات به من نعمت دادی اندوخته قرار دادم، و آن ولایت محمد و عترت او (درود خدا بر او و خاندانش باد) است، برای روز پناهندگی ام به تو در دنیا و آخرت، و اکنون به تو به آنان ای مولایم در این روز و در این موقعیت پناه آورده ام، و از تو درخواستم تداوم نعمت را بر خودم، و از بین بردن آنچه می ترسم از آن از کیفرت، و برکت در آنچه نصیبم فرمود، و نگهداشتن سینه ام از هر نگرانی و سختی شدید، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 610

گناهی در دین و دنیا و آخرتم، ای مهربانترین مهربانان. روایت شده است که امام صادق علیه السلام در بیت الطشت دو رکعت نماز بجا آوردند.

انجام نماز و دعا در وسط مسجد: دو رکعت نماز در وسط مسجد بجا می آوری در رکعت او (حمد) و (توحید) و در رکعت دوم (حمد) و (کافرون) می خوانی پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو:

خدایا تویی سلام و از توسل سلام و به تو برمی گردد سلام و خانه توسل خانه سلام، پروردگارا تحیت ده ما را از جانب خود به سلام. خدایا من این نماز را تنها برای طلب رحمت و رضوان و آمرزش و بخاطر مسجدت خواندم. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و این نماز را در محل بلند بهشت بالا ببر، و از من بپذیر، ای مهربانترین مهربانان.

مؤلف گوید: این مقام را که دَکَّة المعراج گفته‌اند و ظاهراً به ملاحظه آن است که در شب معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدا اذن طلبید و در این محلّ فرود آمد و دو رکعت نماز خواند، البته در اول فصل به روایت آن اشاره شد.

اعمال ستون هفتم: این محلّ مقامی است که حق تعالی در آن، توفیق توبه و بازگشت به آدم را عنایت فرمود، پس به جانب آن برو و پیش آن رو به قبله بایست و بگو: به نام خدا و با خدا و بر آیین رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد)، و معبودی جز خدا نیست، محمد رسول خداست، سلام بر پدرمان آدم و مادرمان حوا، و سلام بر هابیل، کشته شده ستم و دشمنی از روی حسادت قایل بر موهبت‌های خدا و خشنودیش نسبت به هابیل، سلام بر شیث برگزیده خدا، آن انتخاب شده امین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 611

و برگزیده صادقان از نسل پاکش، آغاز و انجامشان. سلام بر ابراهیم و اسماعیل، و اسحاق و یعقوب و بر نسل انتخاب شده آنان. سلام بر موسی همسخن خدا، سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر محمد بن عبد الله خاتم الانبیاء، سلام بر امیر مومنان و نسل پاکش، و رحمت و برکات خدا بر او باد، سلام بر شما در پیشینیان، سلام بر شما در پسینیان، سلام بر فاطمه زهرا، سلام بر امامان هدایت کننده، گواهان خدا بر بندگانش، سلام بر دیده‌بان و گواه بر امتها برای خدا پروردگار جهانیان. سپس نزد این ستون چهار رکعت نماز می‌خوانی، در رکعت اول (حمد) و (قدر) و در رکعت دوم (حمد) و (توحید) بخوان و در رکعت سوم و چهارم هم به همین ترتیب عمل کن، پس از فراغت از چهار رکعت و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو: خدایا اگر کسی بوده‌ام که تو را معصیت کردم، در مقابل اطاعت کردم در ایمانم به تو، از باب منتی که از سوی تو بر من است نه منتی که از من بر توست، و اطاعت کردم در محبوب‌ترین چیزها پیش تو، و آن اینکه مانند بی‌خردان فرزندی برای تو نگرفتم، و شریکی برایت نخواندم، البته در بسیاری از امور معصیت تو را مرتکب شدم نه از روی عناد و دشمنی، و نه از باب بیرون رفتن از عرضه بندگی‌ات، و نه از جهت انکار مقام ربوبیت، بلکه هوای نفسم را پیروی کردم و شیطان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 612

مرا لغزاند، آن هم بعد از حجّت و بیان تو بر من، پس اگر عذابم کنی، به خاطر گناهانم می‌باشد، و در این عذاب ستمکار به من نیستی و اگر از من گذشت کنی و ترحّم فرمایی تنها از روی جود و کرم توسل ای کریم، خدایا برای گناهانم نمانده، مگر امید عفوت، و اینک تقدیم می‌کنم ابزار محرومیت را که تهیدستی و نیاز من است، پس از تو خواستارم

چیزی را که سزاوار آن نیستم، و از تو می‌طلبم آنچه را که مستحقش نمی‌باشم. خدایا اگر عذابم کنی به گناهانم عذاب کردی، و هیچ ستمی بر من روا نداشتی، و اگر مرا بیماری پس تو بهترین رحم‌کنندگانی ای آقای من. خدایا تو تویی و من منم، تو بسیار بازگشت‌کننده به آمرزشی، و من بسیار بازگشت‌کننده به گناهانم، و تو تفضل‌کننده‌ای از روی بردباری، و من بازگشت‌کننده‌ام از روی نادانی. خدایا پس من از تو درخواست می‌کنم ای گنج ناتوانان، ای بزرگ امید، ای رهاننده غریقان، ای نجات‌دهنده زندگان، ای میراننده زندگان ای زنده‌کننده مردگان، تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، تویی آن‌که برای سجده کردم شعاع خورشید و خروش آب، و صدای درخت، و نور ماه، و تاریکی شب و روشنایی روز، و حرکت بال پرندگان، پس از تو درخواست می‌کنم خدایا، ای بزرگ به حقی که بر محمد و خاندان صادقش داری، و به حقی که محمد و خاندان صادقش بر تو دارند، و به حق تو بر علی، و به حق علی بر تو، و به حق تو بر فاطمه، و به حق فاطمه بر تو، و به حق تو بر حسن، و به حق حسن بر تو، و به حق تو بر حسین، و به حق حسین بر تو، که حقوق ایشان بر تو از برترین نعمت دادن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 613

نعمت دادن، تو بر آنهاست، و به حق ش. بی که برای تو نزد ایشان است، و به شأنی که برای آنان نزد توست بر ایشان درود فرست ای پروردگار، درودی پاینده تا نهایت خشنودی‌ات، و به حق آنان بر من بیماری‌گناهانی را که بین من و توست، و بندگان را از من راضی کن، و نعمت را بر من کامل فرما، چنان‌که از پیش بر پدرانم کامل کردی، و برای احدی از بندگان در آن بر من منتی قرار مده، و بر من منت نه، چنان‌که از پیش بر پدرانم منت نهادی، ای کهی‌عص. خدایا چنان‌که بر محمد و خاندانش درود فرستی، دعایم را در آنچه از تو درخواست کردم اجابت کن، ای کریم، ای کریم، ای کریم. پس به سجده برو، و در سجده بگو: ای آن‌که بر برآوردن حاجات خواهندگان قدرت دارد، و آنچه در نهاد لب فروبستگان است می‌داند، ای به آن‌که به تفسیر محتاج نمی‌گردد، ای آن‌که می‌داند خیانت دیده‌ها را و آنچه که سینه‌ها پنهان کند، ای آن‌که عذاب را بر قوم یونس فرو فرستاد، و اراده داشت آنان را عذاب کند، ولی او را خواندند، و به درگاهش زاری کردند پس عذاب را از آنان برطرف ساخت و تا مدتی از زندگی بهره‌مندشان نمود البته جایم را می‌بینی، و دعایم را می‌شنوی، و نهان و آشکار حالم را می‌دانی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا کفایت کن از آنچه به اندوهم برده، از کار دین و دنیا و آخرتم. پس هفتاد مرتبه بگو:

یا سیدی آنگاه سر از سجده بردار و بگو: پروردگارا از تو درخواست می‌کنم برکت جایگاه، و برکت اهلش را، و از تو درخواست می‌خواهم که نصیبم کنی از روزی‌ات روزی حلال و پاکیزه، که سوق دهی آن را به سوی من، به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 614

؟؟؟ و نیرویت، درحالی که من در تندرستی کامل فرو رفته باشم ای مهربان‌ترین مهربانان.

مؤلف گوید: در کتاب «مزار قلم» در دعای این مقام بعد از «یا کریم یا کریم یا کریم» و پیش از سجده ذکر شده دعای «اللهم یا من تحلّ به عقد المکاره» که از دعاهاى سجّادیّه است و متن آن در باب اول در ضمن دعاهاى ایمنی از شرّ دشمنان و بلاها و ترس گذشت [صفحه 192]. پس از آن فرمود: آنگاه بگو:

خدایا تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو می‌توانی و من نمی‌توانم، و تو دانای غیبهایی، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بیامرز و به من رحم کن، و از من درگذر، و بر من تصدق کن آنچه را تو سزاوار آنی ای مهربان‌ترین مهربانان. سپس به سجده برو و بگو: «یا من یقدر علی حوائج السائلین» تا آخر دعا. و نیز آگاه باش احادیث بسیار در فضیلت ستون هفتم، وارد شده. شیخ کلینی به سند معتبر روایت کرده: امیر مؤمنان علیه السلام، رو به این ستون نماز می‌خواند و چنان نزدیک به آن می‌ایستاد، که بین آن حضرت و ستون فاصله در حدّی بود که بزی عبور کند و در روایت معتبر دیگر وارد شده: هر شب شصت هزار فرشته، از عالم بالا نازل می‌شوند و کنار ستون هفتم نماز می‌خوانند و این به صورتی است که تا قیامت به هر شصت هزار نفر یک بار نوبت می‌رسد و فرصتی برای مراجعه دوباره آنان نیست، در حدیث معتبر از امام صادق علیه السلام آمده: که ستون هفتم مقام حضرت ابراهیم است. شیخ کلینی در کتاب کافی به سند صحیح از ابو اسماعیل سراج روایت کرده: معاویه بن وهب دست مرا گرفت و گفت: ابو حمزه ثمالی دست مرا گرفت و گفت: اصبع بن نباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت: این ستون مقام حضرت امیر مؤمنان علیه السلام است که نزد آن نماز می‌خواند و امام مجتبی علیه السلام کنار ستون پنجم نماز می‌خواند و وقتی امیر مؤمنان علیه السلام حضور نداشت امام مجتبی علیه السلام به جای آن حضرت نماز اقامه می‌کرد و آن از در کننده است دهر صورت، اخبار در فضیلت این ستون بسیار است و بنای ما بر اختصار می‌باشد.

عمل ستون پنجم: از جمله مواضع ممتاز مسجد کوفه ستون پنجم است، که باید کنار آن نماز بخوانند و حاجات خود را از خدا بطلبند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 615

زیرا در روایات معتبر وارد شده: محل نماز حضرت ابراهیم خلیل بوده و با روایات دیگر منافات ندارد، زیرا ممکن است آن حضرت در همه این مواضع نماز خوانده باشد، در حدیث معتبر از امام صادق علیه السلام روایت شده: ستون پنجم مقام جبریل است و از روایت سطور گذشته استفاده می شود که مقام امام مجتبی علیه السلام است، در نهایت آنچه از احادیث فهمیده می شود، این است که محل ستون هفتم و پنجم از سایر مواضع مسجد شریف تر است. سید ابن طاووس گفته است: نزد ستون پنجم دو رکعت نماز بخوان به حمد و هر سوره ای که خواهی، و پس از سلام و تسبیح بگو: خدایا از تو می خواهم، به حق تمام نامهایت آنچه از آنها دانسته ایم و آنچه نمی دانیم، و از تو درخواست می کنم به حق نام بزرگت و بزرگترت و کبیر و اکبرت، که هرکس تو را به آن خواند، جوابش را دادی، و هرکه به آن از تو درخواست کرد عطایش نمودی، و هرکه به آن از تو یاری طلبید یاری اش کردی، و هرکه به آن از تو آموزش خواست او را آموزدی، و هرکه به آن از تو کمک طلبید کمکش کردی، و هرکه به آن از تو درخواست روزی کرد روزی اش دادی، و هرکه به آن از تو فریادری طلبید به فریادش رسیدی، و هرکه به آن از تو رحم خواست رحمتش فرمودی، و هرکه به آن از تو پناه جست پناهِش دادی، و هرکه به آن بر تو توکل کرد، کفایتش نمودی، و هرکه به آن از تو نگهداری خواست، نگهداری اش کردی، و هرکه به آن از تو رهایی از آتش خواست نجاتش دادی، و هرکه به آن از تو تقاضای عطا نمود، به او عطا نمودی، و هرکه به آن تو را آرزو کرد، عطایش کردی، نامی که با آن آدم را برگزیده، و نوح را رهایی یافته، و ابراهیم را دوست، و موسی را همسخن، و عیسی را روح، و محمد را محبوب، و علی را جانشین برگزینی، درود خدا بر همه آنها به حق آن نامها که حاجاتم را برآوردی، و از آنچه از گناهان از من گذشته درگذری، و بر من تفضل کنی به آنچه تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 616

سزاوار آئی، و نیز به تمام مردان و زنان با ایمان در دنیا و آخرت، ای زداينده اندوه اندوه گينان، ای فریادرس ستمديدگان، معبودی جز تو نیست، منزهی تو ای پروردگار جهانيان. مؤلف گوید: از امام صادق علیه السلام روایت شده: به بعضی از اصحاب خود فرمودند: نزد ستون پنجم دو رکعت نماز بخوان، که آن مصلاّی ابراهیم است و بگو: السلام علی ابنیا ادم و ائمتنا حواء تا آخر، نزدیک به آنچه که کنار ستون هفتم، به طرف قبله خواندی.

عمل ستون سوم: که مقام حضرت زین العابدین علیه السلام است. آنگاه به جانب دکه زین العابدین علیه السلام حرکت کن و آن در کنار ستون سوم است، از جانب متصل به باب کنده. مؤلف گوید: این مقام از طرف قبله برابر با دکه باید امیر مؤمنان علیه السلام و از طرف غرب مقابل با باب کنده بوده که مسدود شده است و گفته شده که شایسته است

نماز به اندازه پنج زراع دورتر از ستون خوانده شود، زیرا دَگه در آن محل بوده است. به هر حال در آنجا دو رکعت نماز به حمد و هر سوره‌ای که خواهی بجای آر و پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، خدایا گناهانم زیاد شده، و برای آنها جز امیدت عفو نمانده، اکنون ابزار محرومیت را که تهدستی و نیازمندی است تقدیم کردم خدایا از تو می‌خواهم آنچه را سزاوارش نیستم، و از تو می‌طلبم آنچه را مستحقش نمی‌باشم. خدایا اگر عذابم کنی عِلّت عذاب گناهان من است، به من هیچ ستمی نکردی، و اگر مرا ببخشی، پس تو بهترین رحم‌کنندگانی، ای آقای من، خدایا تو تویی و من منم، تو بسیار معتاد به آمرزشی، و من بسیار معتاد به گناهانم، تویی که تفضّل می‌کنی به بردباری، منم که بسیار معتادم به نادانی. خدایا از تو درخواست می‌کنم ای گنج ناتوانان، ای بزرگ امید ای دستگیر غریقان، ای نجات‌دهنده هلاک‌شدگان، ای میراننده زندگان، ای زنده‌کننده مردگان، تویی خدایی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 617

که معبودی جز تو نیست، تویی که سجده کرد برای شعاع خورشید، و نور ماه، و تاریکی شب، و روشنی روز، و حرکت بال پرندگان، از تو می‌خواهم ای بزرگ به حق تو ای کریم بر محمد و اهل بیت صادقش، و به حق محمد و اهل بیت صادقش بر تو، و به حق تو بر علی و به حق علی بر تو، و به حق تو بر فاطمه و به حق فاطمه بر تو و به حق تو بر حسن و به حق حسن بر تو، و به حق تو بر حسین، و به حق حسین بر تو، همانا حقوق ایشان از برترین نعمت‌بخشیهایی تو بر آنان است، و به حق شأنی که برای تو نزد آنان است، و شأنی که برای آنان نزد توست، درود فرست ای پروردگار بر ایشان، درودی دائمی تا نهایت خشنودیت، و به حق ایشان گناهانی که بین من و توست بر من ببخش، و نعمت را بر من کامل کن چنان‌که بر پدرام از پیش کامل کردی ای کهی‌عص. خدایا چنان‌که بر محمد و خاندان محمد درود فرستادی، در آنچه از تو خواستم دعایم را اجابت کن. پس به سجده برو و طرف راست صورت را بر زمین بگذار و بگو:

ای آقای من، ای آقای من، ای آقای من، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بیامرز و مرا بیامرز و این کلمات را با خشوع و گریه بسیار بگو، آنگاه طرف چپ صورت را بر زمین بگذار و باز این کلمات را بگو، پس دعا کن به آنچه که خواهی. مؤلف گوید: برپایه بعضی مجموعه‌های غیر معتبر و مشهوری بین مردم، آن است که در این مقام بجا می‌آورند عملی را که امام صادق علیه السلام تعلیم یکی از اصحاب خود نموده، ولی این عمل مقید به این مقام نیست. و کیفیت آن این است که از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 618

آن حضرت نقل شده که به بعضی از اصحاب خود فرمودند: آیا بامداد دنبال حاجتی نمی روی که به مسجد بزرگ کوفه گذر کنی؟ عرض کرد چرا، فرمود: در آن مسجد چهار رکعت نماز بخوان و بگو: معبودم اگر من کسی بوده ام که تو را معصیت کردم، در مقابل در محبوب ترین چیزها به نزد تو اطاعت کردم، و آن اینکه در اعتقاد برای تو فرزندی نگرفتم، و شریک برای تو نخواندم البته در بسیاری از امور معصیت تو را کرده ام، نه به رسم دشمنی با تو، و نه از باب تکبر کردن از بندگی ات، و نه از جهت انکار ربوبیت و نه به خاطر خروج از عرصه بندگی، ولی از هوای نفسم پیروی کرده ام و بعد از برهان و بیان شیطان مرا لغزانند، در نتیجه اگر عذاب کنی، به گناهانم عذابم کردی و ستمکار بر من نیستی، و اگر از من گذشت کنی و به من ترحم فرمایی به جود و کرم و کرم با من معامله کردی ای کریم. و همچنین می گویی:

صبح کردم به نیرو و قدرت خدا، صبح کردم بدون حول و قوت خویش، ولی به حول و قوت خدا، ای پروردگار از تو می خواهم برکت این خانه و اهلش را، و از تو درخواست می کنم که روزی حلال و پاکیزه نصیبم کنی، که مرا به جانب حول و قوت تو سوق دهد درحالی که من در سلامتی کامل غوطه ور باشم.

شیخ شهید و محمد بن مهدی این عمل را برای صحن مسجد پس از عمل ستون چهارم ذکر کرده اند، در دو رکعت اول حمد و توحید و در دو رکعت دیگر حمد و انا انزلناه و پس از سلام، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگو. در حدیث معتبر از ابو حمزه ثمالی نقل شده:

که روزی در مسجد کوفه نشسته بودم، ناگاه دیدم شخصی از درکنده وارد شد، از همه کس خوشتر و خوشتر و پاکیزه جامه تر عمامه به سر بسته و پیراهن و دزاعه پوشیده و دو نعل عربی در پای مبارکش بود، نعلین را از پا درآورد، و نزد ستون هفتم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 619

ایستاد و دستها را تا برابر گوش بالا برد، و تکبیری گفت که تمام موهای من از دشت آن راست ایستاد، پس چهار رکعت نماز خواند، و رکوع و سجودش را نیکو انجام داد، سپس این دعا را خواند: الهی ان کنت قد عصیتک دعا را ادامه داد تا رسید به یا کریم در اینجا به سجده رفت و مکرر یا کریم گفت به اندازه ای که یک نفس را پر کند، آنگاه در سجده اش گفت یا من یقدر علی حوائج السائلین و دعا را ادامه داد تا هفتاد مرتبه یا سیدی که در اعمال ستون هفتم

ذکر شد، چون سر از سجده برداشت و من به دقت ملاحظه کردم، دیدم حضرت زین العابدین علیه السلام است، دستهای مبارکش را بوسیدم و پرسیدم برای چه اینجا آمدید، فرمود برای آنچه دیدی یعنی نماز در مسجد کوفه. در روایتی که در زیل زیارت هفتم [صفحه 560] نقل کردم این مطلب هم بود که ابو حمزه را با خود به زیارت امیر مؤمنان علیه السلام برد.

اعمال باب الفرج معروف به مقام نوح علیه السلام: چون از عمل ستون سوم فارغ شدی، به دگه باب امیر مؤمنان علیه السلام برو، و آن صقه‌ای است متصل به دری که از مسجد، به سوی خانه امیر مؤمنان علیه السلام باز می‌شده است. پس چهار رکعت نماز بخوان به حمد و هر سوره که خواستی، چون فارغ شدی، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بجا آورد، و بگو:

خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و حاجتم را برآور ای خدا، ای آن که سؤال کننده‌اش هرگز ناامید نمی‌شود و عطایش به پایان نمی‌رسد، ای برآورنده حاجات، ای اجابت کننده دعاها، ای پروردگار زمینها و آسمانها ای برطرف کننده گرفتاریها، ای بخشایشگر عطاها، ای دفع کننده کیفرها، ای تبدیل کننده بدیها به خوبیها، با عطا و فضل و احسانت به سوی من بازگرد، و اجابت کن دعایم را، در آنچه از تو خواستم و از تو طلبیدم، به حق پیامبر و وصی و اولیا شایسته‌ات.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 620

چگونگی نمازی دیگر در این مقام: و آن دو رکعت است، پس از سلام و تسبیح بگو: خدایا به آستانت فرود آمدم، به خاطر دانشم به یگانگی و بی‌نیازی‌ات، و اینکه توانایی نیست جز تو بر برآوردن حاجتم، ای پروردگارم دانستم که هر زمان نعمت را بر خود مشاهده کردم، نیازمندی‌ام به تو فوق العاده‌تر شده، اینک ای پروردگارم از کارهای مهم چیزی عارض من شده که تو آن را می‌دانی، زیرا تو عالم بدون معلمی از تو درخواست می‌کنم به حق آن نامی که بر آسمانها نهادی و شکافته شدند، و بر زمینها نهادی و گسترده گشتند و بر ستارگان نهادی و پخش شدند، و بر کوهها نهادی و مستقر گشتند، و از تو درخواست می‌کنم به حق نامی که قرار دادی نزد محمد و علی و نزد حسن و حسین و همه امامان درود خدا بر همه ایشان، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و ای پروردگار حاجتم را برایم برآوری و آسان کنی دشوار آن را، و مهم آن را کفایت نمایی، و قفل آن را برایم بگشایی، اگر این کار را انجام دهی پس تو را سپاس، و اگر انجام ندهی باز هم تو را سپاس، که ستمکار در حکم، و متجاوز از عدلت نیستی پس طرف راست صورت را بر زمین

می گذاری و می گویی: خدایا یونس بن متی بنده و پیامبرت تو را در شکم ماهی خواند، دعایش را اجابت کردی، و من هم تو را می خوانم پس دعایم را اجابت کن به حق محمد و خاندان محمد آنگاه به آنچه می خواهی دعا کن، سپس طرف چپ صورت را بر زمین بگذار و بگو: خدایا به دعا امر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 621

کردی، و اجابتش را عهده دار شدی، و من چنان که دستورم دادی دعا می کنم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنطور که وعده نمودی دعایم را مستجاب کن ای کریم. سپس پیشانی خود را بر زمین بگذار و بگو ای عزیزکننده هر خوار، و خوارکننده هر عزیز، گرفتاری ام را می دانی، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به من گشایش ده ای کریم.

ذکر نمازی برای رفع حاجت در محلّ مذکور: و آن چنان است که چهار رکعت نماز می گذاری، پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو:

خدایا از تو می خواهم، ای آن که چشمها نبیندش، و گمانها فرانگیرندش، و وصف نکنند وصف کنندگان او را و حوادث دگرگونش ننمایند، و روزگاران فانی اش نکنند، تو می دانی سنگینی کوهها را، و پیمانه دریاها را و برگهای درختان را، و ریگهای صحراها را، و آنچه را روشنی دهد خورشید و ماه، و شب بر آن تاریکی اندازد، و روز بر آن روشن گردد، از تو پنهان نمی کند آسمانی آسمان دیگر را، و نه زمینی زمین دیگر را، و نه کوهی آنچه را در ریشه آن است، و نه دریایی آنچه را در قعر آن است، از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و اینکه بهترین کارم را آخرین کار، و بهترین اعمالم را سرانجام آنها، و بهترین روزهایم را روزی که ملاقاتت کنم قرار ده، البته تو بر هرچیز توانایی. خدایا هرکه به بدی قصد من کند قصدش کن، و هرکه به من بداندیشی کند با او بداندیشی کن، و هرکه به عامل هلاکتی تجاوز به من نماید او را هلاک کن، و مرا آنچه نگران کرده، از کسی که نگرانش بر من وارد شده کفایت کن. خدایا مرا در زره محکمت در آور،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 622

و مرا با پوشش حفظ کنندهات بپوشان، ای آن که از همه چیز کفایت کند، و از او چیزی کفایت ننماید، از آنچه از کار دنیا و آخرت مرا نگران کرده کفایت کن، گفتار و کردارم را تصدیق کن، ای غمخوار، ای رفیق، تنگنایی را از من گشایش ده، و چیزی که طاقتش را ندارم بر من تحمیل مکن. خدایا با دیدهات مرا نگهبانی کن، که هرگز نمی خوابد، و به قدرت بر

من رحم فرما، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای والا، ای بزرگ، تو به حاجت من دانایی و بر برآوردنش توانایی، و این کار نزد تو آسان است، و من به تو نیازمندم، پس در بر آوردن حاجتم بر من منت گذار، ای بزرگوار، البته تو بر هرچیز توانایی.

سپس به سجده می‌روی و می‌گویی: معبود من تو حاجاتم را دانسته‌ای، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنها را بر آور، البته تو گناهانم را شمرده‌ای، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و آنها را بیمارز ای کریم. سپس طرف راست صورت خود را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی: اگر بد بنده‌ای بودم، تو خوب پروردگاری هستی، با من آن کن که شایسته آنی، و آن مکن که من سزاوار آنم، ای مهربان‌ترین مهربانان سپس طرف چپ صورت خود را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی: خدایا اگر گناه بزرگ شد از بنده‌ات، باید گذشت از جانب تو نیکو شد ای کریم. پس پیشانی را بر زمین می‌گذاری و می‌گویی:

رحم کن به کسی که بد کرده، و مرتکب گناه شده، و درمانده گشته و به اعتراف برخاسته.

مؤلف گوید: این دعاها تا و اغفرها یا کریم همان دعایی است که در کتاب «مزار قدیم» در اعمال صحن مسجد سهله در مقام امام زین العابدین علیه السلام نقل شده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 623

اعمال محراب امیر مؤمنان علیه السلام: در مکانی که امیر مؤمنان علیه السلام را ضربت زدند، دو رکعت نماز بخوان، و پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیه السلام بگو: ای آن که زیبا را آشکار ساخت، و کار زشت را پوشاند، ای آن که بر معصیت سرزنش نکرد، و پرده و باطن را ندرید، ای بزرگ گذشت، ای نیکو درگذر، ای پنهان‌آمزش، ای هر دو دست به رحمت گسترده، ای صاحب هر راز، ای نهایت هر شکایت ای بزرگوار چشم‌پوش، ای بزرگ امید، ای آقای من، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و با من آن کن که تو شایسته آنی ای کریم.

مناجات حضرت امیر مؤمنان علیه السلام: خدای از تو امان می‌خواهم، روزی که سودی ندهد مال و فرزندان مگر کسی که ولی به تمام معنی سالم نزد خدا آرد، و از تو امان می‌خواهم روزی که ستمکار می‌گردد هر دو دستش را، و می‌گوید ای کاش همراه پیامبر راه خدا را انتخاب می‌کردم، و از تو امان می‌خواهم روزی که شناخته شوند گناهکاران به نشانه‌هایشان، و به پیشانیها و قدمها بگیرندشان و از تو امان می‌خواهم روزی که کفایت نمی‌کند پدری از فرزندش، و نه فرزندی کفایت کننده است از پدرش به هیچ‌وجه، البته وعده خدا حق است. و از تو امان می‌خواهم روزی که عذرخواهی

ستمکاران سود نمی دهد، و بر ایشان است لعنت، و عذاب و شکنجه سرای آخرت و از تو امان می خواهم روزی که کسی برای کسی اختیار چیزی را ندارد، و اختیار همه چیز در آن روز برای خداست، و از تو امان می خواهم روزی که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 624

انسان فرار می کند از برادر و پدر و مادر و همسر و فرزندان، و برای هرکدام از آنها در آن روز کاری است، که آن کار او را بس است، و از تو امان می خواهم روزی که گنهکار دوست دارد، اگر بتواند از عذاب آن روز، پسرانش و همسرش و برادرش و خویشانش که او را در بر می گیرند و هرکه در روی زمین است بها بدهد سپس این بها دادن او را نجات دهد هرگز! همانا عذاب الهی آتشی شعله ور است، برکننده پوست اعضا برای سوزاندن است! مولایم ای مولای من، تو مولایی و من بنده ام، آیا رحم می کند به بنده جز مولا؟ مولایم ای مولای من، تو مالکی و من مملوکم، آیا رحم می کند به بنده جز مولا؟ مولایم ای مولای من، تو عزیزی و من خوار، آیا رحم می کند به خوار جز عزیز؟

مولایم ای مولای من، تو خالق، من مخلوق، آیا رحم می کند به مخلوق جز خالق؟ مولایم ای مولای من تو با عظمتی و من ناچیز، آیا رحم می کند به ناچیز جز با عظمت؟ مولایم ای مولای من، تو نیرومندی و من ناتوان آیا رحم می کند به ناتوان جز نیرومند؟، مولایم ای مولای من تو بی نیازی و من نیازمند، آیا رحم می کند به نیازمند جز بی نیاز؟ مولایم ای مولای من، تو عطا بخشی و من سائل، آیا رحم می کند به سائل جز عطا بخش؟ مولایم ای مولای من، تو زنده ای و من مرده آیا رحم می کند به مرده جز زنده؟، مولایم مولای من تو باقی هستی و من فانی، آیا رحم می کند به فانی جز باقی؟، مولایم ای مولای من تو پاینده ای و من از بین رونده، آیا رحم می کند به از بین رونده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 625

جز پاینده؟ مولایم ای مولای من، تو روزی دهنده ای و من روزی داده شده، آیا رحم می کند به روزی داده شده جز روزی دهنده؟ مولایم ای مولای من، تو جودمندی و من بخیل، آیا رحم می کند به بخیل جز جودمند؟ مولایم ای مولای من، تو عافیت بخشی و من گرفتار، آیا رحم می کند به گرفتار جز عافیت بخش؟ مولایم ای مولای من تو بزرگی و من کوچکم، آیا رحم می کند به کوچک جز بزرگ؟ مولایم ای مولای من، تو راهنمایی و من گمراه، آیا رحم می کند به گمراه جز راهنما؟ مولایم ای مولای من تو رحم کننده ای و من رحم شده، آیا رحم می کند به رحم شده جز رحم کننده؟ مولایم ای مولای من، تو سلطانی و من آزمایش شده به بلاها، آیا رحم می کند به آزمایش شده به بلاها جز سلطان؟، مولایم ای مولای من تو دلیلی و رهنما و من سرگردان، آیا رحم می کند به سرگردان جز دلیل و رهنما؟، مولایم ای مولای من تو آمرزنده ای و من

گناهکار، آیا رحم می کند به گناهکار جز آمرزنده؟، مولایم ای مولای من، تو غالی و من مغلوب، آیا رحم می کند به مغلوب جز غالب؟، مولایم ای مولای من تو پرورنده ای و من پروریده، آیا رحم می کند به پروریده جز پرورنده؟ مولایم ای مولای من، تو بزرگمنشی و من فروتن، آیا رحم می کند به فروتن جز بزرگمنش؟ مولایم ای مولای من به من رحم کن به رحمت و به جود و کرم، و فضلت از من راضی شو، ای دارای جود و احسان و عطا و بخشندگی،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 626

به مهربانیات ای مهربانترین مهربانان. مؤلف گوید: سید ابن طاووس بعد از این مناجات، دعایی طولانی از آن حضرت روایت کرده، به نام دعای امان، مقام را گنجایش ذکر آن نیست. و همچنین در این مقام شریف می خوانی دعایی را که در برنامه مسجد زید ذکر می کنیم ان شاء الله [صفحه 637]. آگاه باش ما در کتاب «هدیه الزائرین» به اختلاف در محرابی که محل ضربت خوردن امیر مؤمنان علیه السلام است اشاره کردیم، که آیا همین محراب معروف است یا آن محراب متروک و گفتم نهایت احتیاط در این است که اعمال محراب را در هر دو محل بجا آورند یا گاهی در موضع معروف، گاهی در محل متروک، اعمال دگه امام صادق علیه السلام: مقام امام صادق علیه السلام در نزدیکی مسلم بن عقیل رحمه الله است، در اینجا دو رکعت نماز بجای آر، و پس از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو:

ای سازنده هر ساخته، ای جبران کننده هر شکسته، و ای حاضر هر انجمن، و ای گواه هر گفتگوی نهان، و ای دانای هر پنهان، و ای حاضر غیر غایب، و ای غالب غیر مغلوب، و ای نزدیک غیر دور، و ای همدم هر تنها، و ای زنده آن زمان که زنده ای نبود غیز از او، ای زنده کننده مردگان و ای میراننده زندگان، ای مراقب هر کس به آنچه انجام داده، نیست معبودی جز تو، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. پس بخوان هرچه خواهی.

مؤلف گوید: من پیش از این گفتم، در اینجا باز هم می گویم که در کتاب «مزار قسّم» و مشهور بین مردم در ترتیب اعمال مسجد آن است که بعد از این مقام، اعمال دگه القضا و بیت الطشت را بجا می آورند، که ما این اعمال را موافق کتاب «مصباح» و «بحار» و کتب دیگران بعد از اعمال ستون چهارم نقل کردیم، اگر خواستی به کیفیت مشهور عمل کنی به کتاب «مزار قسّم» مراجعه کن و اعمال این دو مقام را ان شاء الله بجا آر.

ذکر نماز برای رفع حاجت در جامع کوفه: از امام صادق علیه السلام روایت شده: کسی که در مسجد کوفه دو رکعت نماز بخواند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 627

در هر رکعت سوره‌های حمد و الفلق و الناس و قل هو الله احد و قدر و سبح اسم ربك الاعلى را خوانده و سلام دهد و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگوید، از خدا هر حاجتی را بطلبد، خدا حاجتش را برآورده و دعایش را مستجاب خواهد کرد. مؤلف گوید: ترتیب در سوره‌های در این دو رکعت، موافق روایت سید ابن طاووس در کتاب «مصابیح» است و در روایت شیخ طوسی در کتاب «امالی» سوره قدر بعد از سبح اسم است و شاید ترتیب در آنها لازم نباشد، عمده این است که پس از سوره حمد این هفت سوره خوانده شود، و الله العالم.

زیارت جناب مسلم بن عقیل (قدس الله روحه و نور ضریحه)

چون از اعمال مسجد کوفه فراغت یافتی، به جانب قبر مسلم بن عقیل برو، و کنار قبر بایست و بگو:

سپاس خدای را، آن پادشاه حق آشکار، که گردنکشان متجاوز، خود را در برابر عظمتش ناچیز شمارند، و همه اهل آسمانها و زمینها به پروردگاری اش اعتراف کننده‌اند، و اقرارکننده‌اند دیگر مخلوقات همه به توحیدش و درود خدا بر سرور تمام انسانها، و اهل بیت گرامش، درودی که دیدگان‌شان به آن روشن گردد، و بینی بدگویشان به خاک مالیده شود، بدگویان از جنّ و انس همگی، سلام خدای والای بزرگ، و سلام فرشتگان مقربش، و انبیای مرسلش، و امامان برگزیده‌اش و بندگان شایسته‌اش، و همه شهیدان و صدیقان، و درودهای پاک و پاکیزه در آنچه می‌آید و می‌رود، بر تو باد ای مسلم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 628

بن عقیل بن ابیطالب و رحمت و برکات خدا بر تو باد، شهادت می‌دهم که تو نماز را پیا داشتی، و پرداختی زکات را، و امر به معروف و نهی از منکر کردی، و در راه خدا جهاد نمودی جهادی شایسته و به راه‌وروش مجاهدان در راه او کشته شدی، تا خدای عزّ و جل را درحالی که از تو راضی بود، ملاقات نمودی و شهادت می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردی، و جانت را در راه یاری حجت خدا و پسر حجت خدا دادی تا مرگ تو در رسید، شهادت می‌دهم برای تو، به تسلیم و وفاداری و خیرخواهی، برای یادگار نبی مرسل، و نوه برگزیده، و راهنمای عالم، و جانشین تبلیغ کننده و ستمدیده حق غارت شده، خدایا پاداشت دهد از جانب رسولش و امیر مؤمنان و حسن و حسین بهترین پاداش به خاطر آنکه صبر کردی و کارت را به حساب حق گذاشتی و كمك کردی. چه خوب است سرانجام سرای آخرت، خدا لعنت کند کسی که

تو را کشت، و کسی که به کشتنت فرمان داد، و کسی که به تو ستم کرد، و کسی که بر تو دروغ بست، و حَقّت را جاهل شد، و حرمتت را سبک شمرد، و خدا لعنت کند کسی را که با تو بیعت کرد، ولی به حضرتت خیانت ورزید و از یاریات دست کشید و تو را وا گذاشت و تشویق به جنگ علیه تو داد و تو را یاری نداد، خدا را شکر که آتش را جایگاه آنان قرار داد، که برای واردان بد جایگاهی است، شهادت می‌دهم که تو مظلوم کشته شدی، و همانا خدا وفا کند آنچه را به شما وعده داد، من زائر و عارف به حق شما به درگاهت آمده‌ام، تسلیم شما و پیرو روش شما، یاری‌ام برای شما مهیاست، تا خدا حکم کند و او

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 629

بهترین حکم‌کنندگان است، پس با شما با شما، نه با دشمن شما، درود خدا بر شما و بر ارواح و اجساد و حاضر و غائب شما، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد، خدا بکشد اقی را که شما را با دستها و زبانه‌ها کشتند.

در کتاب «مزار کبیر» این متن را به منزله اذن دخول قرار داده، و با گفتن آن وارد شو، و خود را به قبر بچسبان و به روایت سابقه است که به ضریح آن جناب اشاره کن و بگو:

سلام بر تو ای بنده شایسته فرمانبر خدا و رسولش و امیر مؤمنان و حسن و حسین (درود خدا بر آنان باد) خدا را سپاس و سلام بر بندگان برگزیده خدا، محمد و خاندانش، و سلام و رحمت و برکات و مغفرت خدا بر شما، و بر روح و بدن تو ای مسلم، شهادت می‌دهم که تو بر آن راهی رفتی، که بر آن راه بدرت رفتند، آن جهادکنندگان در راه خدا و کوشش‌کنندگان در جهاد با دشمنان خدا و یاری‌اولیایش، خدا تو را بهترین پاداش و بیشترین پاداش و وافرترین پاداشی که به یکی از آنان که به بیعتش وفا کرد، و دعوتش را پاسخ گفت، و از اولیان امر اطاعت کرد، بدهد. شهادت می‌دهم که تو در خیرخواهی مبالغه نمودی، و نهایت کوشش را عطا کردی، تا خدا تو را در میان شهیدان برانگیخت، و روح را با ارواح اهل سعادت قرار داد، و از بهشت‌هایش به تو بخشید، از نظر منزل وسیع‌ترینش را، و از جهت غرفه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 630

برترینش را، و نامت را در علیین بالا برد، و تو را با پیامبران و صدیقان و شهیدان، و شایستگان محشور کرد، و آنان نیکو رفیقانی هستند، شهادت می‌دهم که تو سستی نکردی، و کندی نمودی و بر بینایی از کارت درگذشتی، درحالی که به شایستگان اقتدا کردی، و از پیامبران متابعت نمودی، خدا بین ما و تو را و بین رسول و اولیایش در منزلهای فروتنان گرد

آورد که او مهربان‌ترین مهربانان است. آنگاه در طرف سر دو رکعت نماز بجای آری و آن را به آن جناب هدیه کن و بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا وَابْنِ هَمَانَ دَعَايِي اسْتَكَرْتُ فِي حَرَمِ قَمَرِ بَنِي هَاشِمٍ خَوَانِدَةً مِثْلَ شَوْحِ الْوَدَاعِ وَكَرَّشِ الْبَيَادِ وَآكَرِ الْخَوَاسِطِ حَضْرَتِ مُسْلِمٍ رَا وَدَاعِ كُنِي، هَمَانَ وَدَاعِي رَا بِخَوَانِ كِه دَر زِيَارَتِ حَضْرَتِ عَبَّاسِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَكَرُ مِثْلِ شَوْحِ الْوَدَاعِ.

زیارت هانی بن عروه (رحمه الله)

کنار قبر او می ایستی و به رسول خدا صلی الله علی و آله و سلم سلام می کنی و می گویی: سلام خدای بزرگ، و درودهایش بر تو ای هانی بن عروه، سلام بر تو ای عبد شایسته و خیرخواه برای خدا و رسولش و امیر مؤمنان و حسن و حسین (درود خدا بر آنان باد)، شهادت می دهم که مظلوم کشته شدی خدا لعنت کند کسانی که تو را کشتند، و خونت را حلال شمردند، گورهایشان را آکنده از آتش کند، شهادت می دهم که تو خدا را ملاقات و او از تو خشنود بود، بخاطر آنچه انجام دادی و خیرخواهی که نمودی، و شهادت می دهم که تو به درجه شهیدان رسیدی و روح با ارواح اهل سعادت قرار داده شد، به خاطر آنکه خیرخواهی کردی برای خدا و رسولش، درحالی که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 631

درباره خدا و خشنودیش بذل نمودی، پس خدا تو را رحمت کند و از تو راضی شود و با محمد و خاندان پاکش محشور فرماید، و جمع کند ما را و شما را با محمد و خاندان محمد در خانه نعمت و سلامت، و رحمت و برکات خدا بر تو باد. پس دو رکعت نماز بگذار، و آن را به روح هانی هدیه کن و به آنچه خواهی برای خود دعا کن و وداع کن او را به آنچه مسلم را به آن وداع کردی.

فصل ششم

در فضیلت و اعمال مسجد سهله و اعمال مسجد زید و صعصعه

آگاه باش پس از مسجد کبیر کوفه، مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن منطقه نیست، آن محلّ مبارک، خانه حضرت ادریس علیه السّلام و حضرت ابراهیم علیه السّلام و محل ورود حضرت خضر علیه السّلام و مسکن آن حضرت است. از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده: به ابو بصیر فرمود: ای ابو محمّد گویا می بینم حضرت صاحب الأمر با اهل و عیالش در مسجد سهله فرود آید و منزل آن حضرت باشد و حق تعالی هیچ پیامبر نفرستاده، مگر آن که در آن مسجد نماز گذارده و هر که در آن مسجد اقامت نماید، چنان است که در خیمه رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلّم اقامت کرده و هیچ مردوزن مؤمنی نیست مگر آن که دلش به سوی آن مسجد مایل است و در آن مسجد سنگی است که در آن صورت هر پیامبر هست و هیچکس در آن مسجد با نیت صادقه نماز و دعا نمی کند، مگر آن که با حاجت برآمده بر می گردد و هیچکس در آن مسجد امان نمی طلبد، مگر آن که از هر چه می ترسد امان می یابد، گفتم این است فضیلتی که برای این مسجد است؟ حضرت فرمود: زیادتیر بگویم؟ عرض کردم: آری فرمود: این مسجد از جمله بقعه هایی است که خدا دوست دارد او را در آنها بخواند و هیچ شب و روزی نیست مگر آن که فرشتگان به زیارت آن می آیند و خدا را در آن مسجد عبادت می کنند، سپس فرمود: اگر من به شما نزدیک بودم همه نمازهایم را در آن مسجد بجا می آوردم. آنگاه فرمود: ای ابا محمّد آنچه را فضیلت این مسجد، وصف نکردم،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 632

بیش از آن است که گفتم، عرضه داشتم: فدایت شوم، حضرت قائم علیه السّلام همیشه در آن مسجد خواهد بود؟ فرمود: آری ... تا آخر خبر اعمال مسجد سهله: دو رکعت نماز بین شام و خفتن مستحب است.

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده: هر غمناکی چنین کند و دعا نماید، حق تعالی غمش را برطرف کند و از بعض کتب مزاریه نقل شده: که چون خواستی وارد مسجد شوی، نزد درگاه بایست و بگو:

به نام خدا و به خدا و از خدا، و به سوی خدا و آنچه خدا خواست، و بهترین نامها از آن خداست، بر خدا توکل کردم و جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای والای بزرگ. خدایا مرا از آبادکنندگان مساجد و خانه های قرار ده. خدایا من به وسیله محمّد و خاندان محمّد به تو رو می کنم و آنان را پیشاپیش حوایم پیش می اندازم خدایا به حق آنان مرا در پیشگاهت آبرومند دنیا و آخرت و از مقربان قرار ده. خدایا به حق آنان قرار ده نمازم را پذیرفته و گناهم را آمرزیده و روزی ام را گسترده، و دعایم را مستجاب، و حاجاتم را برآورده ساز، و به حق ذات به من نظر کن نظری رحیمانه، که به سبب آن در پیشگاهت مستحق کرامت شوم، سپس آن نظر را هیچگاه از من باز نگردان، ای مهربان ترین مهربانان، ای زیورکننده دلها و دیده ها، دلم را بر دینت و دین پیامبرت و ولّیات پابرجا کن، و قلبم را پس از این که هدایت نمودی

منحرف مساز، و از نزد خویش به من رحمتی ببخش، که تو بسیار بخشنده‌ای. خدایا به جانب تو رو کردم و خشنودیات را طلبیدم، و پاداشت را جستم، و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم. خدایا رویت را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 633

به سویم کن، و رویم را به جانب قرار ده. سپس (اید الکرسی) و سوره (فلق) و سوره (ناس) را بخوان و خدا را هفت مرتبه تسبیح و هفت مرتبه حمد و هفت مرتبه تهلل و هفت مرتبه تکبیر بگو یعنی هر یک از سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر را هفت مرتبه بگو و بخوان:

خدایا تو را سپاس بر اینکه مرا هدایت کردی، و تو را سپاس بر اینکه به من برتری دادی، و تو را سپاس بر اینکه به من شرافت بخشیدی، و تو را سپاس بر هر پیش آمد نیکویی که مرا با آن آزمودی. خدایا نماز و دعایم را بپذیر، و دلم را پاک کن و سینه‌ام را بازگردان، و توبه‌ام را بپذیر که تو بسیار توبه‌پذیر مهربانی.

سید ابن طاووس رحمه الله علیه فرموده: چون اراده کردی به مسجد سهله بروی، در شب چهارشنبه بین مغرب و عشا وارد آن مسجد شو. که فضیلت آن از اوقات دیگر بیشتر است همین که وارد مسجد شدی نماز مغرب و نافله آن را بجا آور، آنگاه دو رکعت نماز تحیت مسجد قریه الی الله بخوان، چون فارغ شدی دستها را به جانب آسمان بلند کن و بگو:

تویی خدا، معبودی جز تو نیست، آغازکننده خلق و بازگرداننده آنهایی و تویی خدا، معبودی جز تو نیست آفریننده خلق و روزی‌دهنده آنانی، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، گیرنده و گسترنده‌ای 7 و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، تدبیرکننده اموری، و برانگیزاننده کسانی که در گورهایند، تویی وارث زمین و هرکه روی آن است از تو درخواست می‌کنم به حق نام محفوظ و مستور و زنده و پاینده‌ات، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، دانای پنهان و پنهان‌تری. از تو درخواست می‌کنم به حق نامت که چون به آن خوانده شوی اجابت کنی، و هرگاه به آن درخواست شوی عطا نمایی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 634

و از تو درخواست می‌کنم به حقت بر محمد و اهل بیتش، و به حق آنان که آن را بر خود واجب نموده‌ای، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و در همین ساعت و همین ساعت حاجتم را برآوری، ای شنونده دعا ای آقای من، ای مولای من، ای فریادرس من، از تو درخواست می‌کنم به هر نامی که خودت را به آن نام نامیدی، یا در علم غیب نزد خود آن نام را تنها برای خود برگزیدی، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و در گشایش کار ما در همین ساعت

شتاب نمایی، ای زیرورکننده دلها و دیده‌ها، ای شنونده دعا. سپس به سجده برو و خشوع کن، و خدا را به جهت هرچه خواهی بخوان پس از آن دو رکعت نماز در گوشه‌ای که طرف مغرب و شمال است بخوان، که آن محل خانه حضرت ابراهیم علیه السلام است و از آنجا به جنگ «عمالقه» رفت، چون از نماز و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام فارغ شدی چنین بگو:

خدایا به حق این بقعه شریف، و به حق کسانی که تو را در آن عبادت کردند، به یقین حوائجهم را دانسته‌ای پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنها را برآور، و گناهانم را شمرده‌ای، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنها را بیامرز. خدایا زنده‌ام بدار تا وقتی که زنده بودن برایم خیر است، و بمیران آن هنگام که مردن برایم خیر باشد براساس دوستی با دوستان، و دشمنی با دشمنان، و با من آن کن که شایسته آنی، ای ای مهربان‌ترین مهربانان

پس در گوشه‌ای دیگر که سمت مغرب و قبله است دو رکعت نماز بگذار، و دستها را بردار و بگو:

خدایا من این نماز را خواندم برای جستن خشنودی‌ات و طلب عطایت، و امید کمک و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 635

و هدایایت، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به نیکو پذیرفتن از من بپذیر و به رحمت مرا به آرزویم برسان و با من آن کن که شایسته آنی. ای مهربان‌ترین مهربانان. سپس به سجده برو، و دو طرف صورت خویش را به خاک بگذار، نگاه به گوشه‌ای که بر طرف مشرق است برو، و در آنجا دو رکعت نماز بخوان و دستهایت را بگشا و بگو: خدایا اگر گناهان و خطاها مرا نزد تو بی‌آبرو ساخته و در اثر آن ننگداشتی ناله‌ام به سویت بلند شود، و دعایم را مستجاب نکردی، از تو درخواست می‌کنم ای خدایی که احدی همانندت نیست، و به محمد و خاندان محمد به تو توسل می‌جویم، و از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و با روی کریمانه‌ات به من روی آوری، و رویم را به سویت بگردانی، و هنگامی که تو را می‌خوانم ناامیدم نسازی و وقتی به تو امید می‌بندم محرومم نکنی، ای مهربان‌ترین مهربانان. مؤلف گوید: از بعض کتب مزاریه [مربوط به زیارت] غیر معروفه نقل شده: که پس از آن می‌روی به گوشه‌ای دیگر که در جانب مشرق قرار گرفته، و در آنجا دو رکعت نماز می‌خوانی و می‌گویی: خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق نامت که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی بهترین زمان عمرم را پایانش، و بهترین اعمالم را سرانجامش، و بهترین ایامم را روزی که تو را در آن ملاقات می‌کنم تو بر هرچیز توانایی. خدایا دعایم را بپذیر، و رازم را بشنو، ای والا،

ای بزرگ، ای توانا، ای چیره، ای زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و گناهانی را که میان من و توست

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 636

بیامرز، و در حضور مردم رسوایم مکن، و به دیده‌ات که هرگز نمی‌خوابد نگهبانی‌ام فرما، و با قدرتت به من رحم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان، و درود خدا بر آقای ما محمد و اهل بیت پاکش ای پروردگار جهانیان. پس از آن دو رکعت نماز در خانه‌ای که میان مسجد است بجا می‌آوری و می‌گویی:

ای آن که به من از رگ گردن نزدیک‌تر است، ای که انجام‌دهنده است، آنچه را که می‌خواهد، ای که پرده می‌شود میان انسان و دلش، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و پرده شو میان ما و کسانی که ما را آزار می‌دهند، به حول و نیرویت ای کفایت‌کننده از هرچیز که کفایت نمی‌کند از تو چیزی، مهم‌ترین کارهای دنیا و آخرت ما را کفایت کن، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس دو طرف صورت خود را بر خاک بگذار. مؤلف گوید: این مکان شریف در این زمان معروف به مقام امام زین العابدین علیه السلام است و در کتاب «مزار قدیم» نقل کرده: بعد از دو رکعت نماز در این مقام بخواند دعای: **اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ یا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعِیُونَ** را و این دعا در اعمال دگه باب امیر مؤمنان علیه السلام در مسجد کوفه ذکر شد، به آنجا [صفحه 621] رجوع شود و در نزدیک همین مکان بقعه‌ای است معروف به مقام مهدی علیه السلام زیارت آن حضرت در آن محل شریف مناسب است و از بعض کتب مزاریه نقل شده که شایسته است آن حضرت را در حال ایستاده، به زیارت سلام **اللَّهُ الْکَامِلُ التَّامُّ** زیارت کنند، و این همان استغاثه‌ای است که ما در فصل هفتم از باب اول [صفحه 195] از کتاب «کلم طیب» نقل کردیم، و تکرارش را مناسب نمی‌دانیم. سید ابن طاووس آن را بعد از دو رکعت نماز یکی از زیارات سرداب مقدس بر شمرده است.

ذکر نماز و دعا در مسجد زید: سپس به مسجد زد می‌روی که نزدیک سهله است، و در آن دو رکعت نماز می‌گذاری، و دستها را می‌گشایی و می‌گویی:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 637

معبودم این بنده خطاکار گنهکار دستهایش را به جانب تو دراز کرده، به خاطر خوش گمانی‌اش به تو، معبودم این بدکار در برابرت نشسته درحالی که به بدی عملش اقرار دارد، و چشم‌پوشی از لغزشش را از تو امیدوار است، معبودم این بنده ستمکار دو دستش را به سوی تو برداشته به امید آنچه پیش توست، به حق رحمت او را از فضلت ناامید مکن، معبودم، بازگشت‌کننده به سوی گناهان در برابرت زانو زده، درحالی که ترسناک از روزی است که خلاق در آن روز در برابرت زانو می‌زنند، معبودم بنده خطاکار به محضرت آمده، بی‌تاب و بیمناک، حذرکنان و امیدوار گوشه چشمش را به تو دوخته، و آمرزش‌خواه و پشیمان اشک‌ش جاری شده، سوگند به عزّت و جلالت، من با نافرمانی کردنم قصد مخالفت با تو را نداشتم، و گناه نکردم آن زمانی که گناه کردم درحالی که نسبت به تو نادان بودم و نه بخاطر اینکه متعزّض کیفرت کردم، و نه اینکه نظرت را سبک شمارنده بوده باشم، بلکه نفس همه اینها را برایم بیاراست، و شقاوتم بر انجام مرا یاری کرد، و آبروداری‌ات نسبت به من مغرورم ساخت، پس الان چه کسی مرا از عذابت نجات می‌دهد، و به ریسمان چه کسی جنگم زنم، اگر ریسمانت را از من قطع کنی، پس ای وای فردای قیامت از رسوایی هنگام ایستادن در برابرت، وقتی به سبکباران گفته شود بگذرید، و به سنگین‌باران امر شود به آتش فرو ریزید، آیا با سبکباران خواهم گذشت، یا با سنگین‌باران فرو خواهم ریخت؟، وای بر من هرچه سنّم بیشتر شد گناهانم زیاد شد، وای بر من، هرچه عمرم طولانی شد، نافرمانی‌ام فزونی یافت، چقدر توبه کنم، چه اندازه برگردم؟ آیا مرا وقت آن نرسیده، که از پروردگارم حیا کنم، خدایا به حق محمد و خاندان محمد مرا بیامرز و به من رحم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 638

و بهترین آمرزندگان. سپس گریه کن و صورت به خاک بگذار و بگو: رحم کن به کسی که بد کرده و مرتکب گناه شده و درمانده شده و به اعتراف برخاسته. پس از آن طرف راست صورت خود را به خاک بگذار و بگو: اگر من بد بنده‌ای بودم، تو خوب پروردگاری هستی. بعد طرف چپ را به خاک بگذار و بگو:

گناه از بنده‌ات بزرگ بشد، پس گذشت از تو نیکو باشد ای کریم.

آنگاه به حال سجده برگرد و صد مرتبه بگو العفو: [از من درگذر]. مؤلف گوید: این مسجد از مساجد شریف کوفه است، و منسوب به زید بن صوحان می‌باشد، که از بزرگان اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام و از ابدال به شمار می‌رفته، و در جنگ جمل در یاری حضرت شهید شد و دعایی که در چند سطر قبل ذکر شد دعایی او بوده که در نماز شب می‌خوانده و در نزدیکی مسجد او مسجد برادرش صعصعة بن صوحان است که او نیز از اصحاب امیر مؤمنان علیه

السلام و از عارفان به حق آن حضرت است، و از بزرگان اهل ایمان است و آنقدر فصیح و بلیغ بوده که امیر مؤمنان او را خطیب شحش [روان در گفتار سخنرانی] گفته و به مهارت در سخنرانیها و فصاحت در زبان از او تعریف کرده و هم او را به قَلّت مؤونه [قانع و بی نیاز از مردم]، و کثرت معونه [یاری دهنده به مردم در حدّ زیاد] مدح فرموده و در شیئی که امیر مؤمنان علیه السلام از دنیا رفت و فرزندان آن حضرت جنازه نازنینش را از کوفه به نجف حمل کردند، صعصعه از جمله مشایعت کنندگان جنازه آن جناب بود و چون اهل بیت از کار دفن امام فارغ شدند، صعصعه کنار قبر مقدّس ایستاد و مشتی از خاک قبر بر گرفت و بر سر خود ریخت و گفت: پدر و مادرم فدایت ای امیر مؤمنان علیه السلام گوارا باد تو را کرامتهای خدا ای ابو الحسن، به راستی زادگاه تو پاکیزه و صبر تو نیرومند و جهادت بزرگ بود و به آنچه آرزو داشتی رسیدی و تجارت سودمندی کردی و به نزد پروردگار خود رفتی، و از این نوع کلمات بسیار گفت و به سختی گریست و دیگران را به گریه واداشت و در حقیقت کنار قبر آن حضرت در آن شب مجلس روضه برقرار شد و صعصعه به منزله روضه خوان بود، و مستمعین او جناب امام حسن و امام حسین علیهما السلام و محمد حنفیه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 639

و قمر بنی هاشم و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت بودند و چون این کلمات به پایان رسید، رو به جانب امام حسن و امام حسین علیهم السلام و سایر آقازادگان کرد و ایشان را تعزیت و تسلیت گفت، سپس همگی به کوفه بازگشتند، در هر صورت مسجد صعصعه از مساجد شریف کوفه است و جماعتی امام زمان (صلوات الله علیه) را در ماه رجب، در آن مسجد مبارک مشاهده کرده اند، که دو رکعت نماز بجا آورده و این دعا را خوانده است: «اللّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ وَالْإِلَاءِ الْوَازِعَةِ...»

و ظاهر عمل آن حضرت نشان می دهد که این دعا مخصوص این مسجد شریف و از اعمال آن است، نظیر دعا‌های مسجد سهله و زید، اما چون در ماه رجب بوده است این دعا را خوانده اند و احتمال داده شده که شاید این دعا از دعا‌های ایام رجب باشد، بنابراین در کتب علما در اعمال ماه رجب ذکر شده و ما نیز چون این دعا را در اعمال ماه رجب ذکر کرده بودیم به همان جمله اکتفا کردیم و به تکرارش نپرداختیم، هرکه بخواند می تواند مراجعه کند ان شاء الله تعالی.

فصل هفتم

در فضیلت زیارت حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام و آدابی که زائر آن جنابر باید در راه زیارت و در آن حرم مطهر رعایت کند و کیفیت زیارت آن حضرت و آن در صه مقصد است:

مقصد اول: در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام

بدانکه فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام از دایره بیان بیرون است و در روایات بسیاری وارد شده که معادل حجّ عمره و جهاد و بلکه به مراتب بالاتر و افضل است و باعث مغفرت و سبکی حساب و بالا رفتن درجات و اجابت دعاها گشته و موجب طول عمر و حفظ بدن و مال و زیاد شدن روزی و برآمدن حاجات و برطرف شدن غصّه‌ها و گرفتاریهاست و ترك آن سبب نقصان دین و ایمان و ترك حقّ بزرگی از حقوق پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم است و دست کم ثوابی که نصیب زائر آن قبر شریف می‌شود، این است که گناهانش آمرزیده شده و حق تعالی جان و مالش را حفظ کند، تا او را به اهلش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 640

بازگرداند و چون روز قیامت شود، خدا او را حافظتر از دنیا خواهد بود و در روایت بسیاری آمده: زیارت آن حضرت غم را زایل و شدّت جان دادن و هراس قبر را برطرف می‌کند و هر مالی که در راه زیارت آن حضرت خرج شود، هر درمی برای او به هزار درهم، بلکه به ده هزار درهم حساب می‌شود، و چون به طرف قبر آن حضرت رود، چهار هزار فرشته از او استقبال کنند و چون بازگردد، او را مشایعت می‌کنند. پیامبران و اوصیای آنها و امامان معصوم و ملائکه سلام الله علیهم اجمعین به زیارت آن حضرت می‌آیند و برای زائران آن حضرت دعا می‌کنند و ایشان را بشارتهای می‌دهند و حضرت حق به جانب زائران آن حضرت، پیش از نظر به اهل عرفات نظر می‌فرماید و هرکسی در روز قیامت آرزو می‌کند، ای کاش زائر آن حضرت بود، بخاطر بسیاری کرامت و بزرگواری زائران آن جناب که در آن روز مشاهده می‌کند، روایات در این باب بی‌اندازه است و ما در ضمن زیارات مخصوصه [صفحه 680] اشاره به بخشی از فضیلت زیارت آن حضرت خواهیم کرد در این قسمت فقط اکتفا به ذکر يك روایت می‌کنیم:

ابن قولویه و کلینی و سیّد ابن طاووس و دیگران به سندهای معتبر از ثقه جلیل القدر معاویه بن وهب بجلی کوفی، روایت کرده‌اند که گفته: زمانی خدمت امام صادق علیه السلام رفتم، آن حضرت را در مصلاّی خویش مشغول نماز دیدم، صبر کردم تا نمازش به پایان رسید، پس از آن شنیدم با پروردگار خود مناجات می‌کرد و می‌گفت: ای خدایی که ما را به

کرامت مخصوص کردی و به ما وعده شفاعت دادی و علوم رسالت را به ما عنایت کردی و ما را وارث انبیا قرار دادی، و امت‌های گذشته را به ما ختم فرموده و ما را به وصیت پیامبر اختصاص داده و علم گذشته و آینده را به ما عطا فرموده و دلهای مردم را به جانب ما میل داده‌ای اغفرلی و لاخلوانی و زوّار قبر ابی الحسین بن علیّ صلوات الله علیهما آنان که اموال خود را خرج کرده‌اند و بدنهای خود را از شهرها بیرون آورده‌اند، به خاطر رغبت در نیکی ما و امید به ثوابهای تو، در امر صله به ما و برای شاد نمودن پیامبرت و اجابت کردن امر ما و به علّت خشمی که بر دشمنان وارد کرده‌اند و قصد ایشان از این عمل خشنودی توست، پس ایشان را از جانب ما به خشنودی جزا ده، و شب و روز آنها را حفظ کن و در اهل و اولادشان که در وطن گذاشته‌اند خلیفه آنان باش به خلافت نیکو، و رفیق ایشان باش و شرّ هر جبّار معاند و هر ضعیف و شدید از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 641

آفریدگانت و شرّ شیاطین جن و انس را از آنان دفع فرما، و به ایشان زیاده از آنچه از تو امید دارند عنایت کن، امید به تو در دور شدن از وطنهایشان، و اختیار کردنشان ما را، بر فرزندان و اهالی و خویشان خود. خدایا دشمنان، بیرون آمدن آنان را به زیارت ما عیب گرفتند، و این مخالفت دشمنان مانع ایشان از قصد و بیرون آمدن بسوی ما نشد، پس رحم کن آن صورتها را که آفتاب تغییر داده و رحم کن گونه‌های آنان را که بر قبر امام حسین علیه السلام می‌گردانند.

و رحم کن آن دیده‌ها را که برای دلسوزی بر ما اشکشان جاری شد و رحم کن آن دلهای زاری کردند، و سوختند برای مصیبت ما، و رحم کن آن صداها را که در مصیبت ما بلند کرده‌اند. خدایا آنجاها و بدنهای ما را به تو می‌سپارم، تا آنها را از حوض کوثر در روز تشنگی سیراب کنی و پیوسته آن حضرت به این صورت در سجده دعا می‌کرد، چون فارغ شدی، عرضه داشتم، این دعایی که من از شما شنیدم، اگر در حق کسی می‌کردید که خدا را نمی‌شناخت، گمان داشتم هرگز آتش دوزخ به او نرسد، و الله آرزو کردم که آن حضرت را زیارت کرده بودم و حجّ انجام نداده بودم!! امام فرمود: تو چه بسیار نزدیکی به آن حضرت تو را از زیارت چه چیز مانع است؟ معاویه ترك زیارت مکن، گفتم: فدایت شوم، نمی‌دانستم این اندازه فضیلت دارد، فرمود: ای معاویه، آنها که در آسمان برای زیارت کنندگان آن حضرت دعا می‌کنند، زیاده از آنهاست که در زمین دعا می‌کنند، زیارت آن حضرت را برای ترس از احدی ترك مکن، که هرکس به خاطر ترس، ترك زیارت کند آنقدر حسرت میبرد، که آرزو می‌کند ای کاش به اندازه‌ای نزد قبر آن حضرت می‌ماندم که در آنجا دفن می‌شدم! آیا دوست نداری خدا تو را در میان آنها که رسول خدا و علی و فاطمه و امامان معصوم علیهم السلام بر آنها دعا می‌کنند؟ ببیند آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که ملائکه در قیامت با آنان مصافحه می‌کنند؟ آیا نمی‌خواهی از آنها

باشی که در قیامت وارد شوند و هیچ گناهی بر آنها نباشد؟ آیا نمی خواهی از آنها باشی که در قیامت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با آنان مصافحه می کند؟!

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 642

مقصد دوم: در آدابی است که زائر حضرت سید الشهداء علیه السلام باید آنها را در راه زیارت و در آن حرم مطهر مراعات کند

و آن چند چیز است: اول: پیش از آن که از خانه بیرون رود، سه روز روزه بدارد و روز سوم غسل کند، چنان که امام صادق علیه السلام به صفوان دستور العمل دادند و در ذکر زیارت هفتم [صفحه 664] خواهد آمد و شیخ محمد بن مشهدی در مقدمات زیارت «عیدین» ذکر فرموده که چون زیارت آن حضرت را اراده کنی، سه روز روزه بدار و روز سوم غسل کن و اهل و عیال خود را نزد خود جمع کن و بگو: خدایا من امروز به تو می سپارم خودم و خاندانم و مال و فرزاند، و هر که را به شکلی از من بوده، حاضرشان و غیبتشان را. خدایا نگهدار ما را با نگهداریات، به نگهداری ایمان و بر ما حافظ باش. خدایا ما را در پناهت قرار ده، و نعمتت را از ما مگیر، و آنچه ما راست از نعمت و سلامت کامل تغییر مده، و از فضیلت بر ما بیفز، که ما مشتاق به سوی توایم. آنگاه از منزل خود با حال خشوع بیرون رو و بسیار بگو: لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد للهو ثنای خدا بر زبان جاری کن و بر پیامبر و آلش صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرست و به آرامی و وقار حرکت کن، روایت شده: خدا از عرق زائر امام حسین علیه السلام از هر قطره ای هفتاد هزار فرشته خلق می کند، که خدای تعالی را تسبیح می کنند و از خدا آمرزش می خواهند برای او و زائران آن حضرت تا روز قیامت برپا شود. دوم: از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده چون به زیارت امام حسین علیه السلام بروی، آن حضرت را محزون و غمناک و ژولیده مو و غبارآلود و گرسنه و تشنه زیارت کن که آن جناب با این احوال شهید شد و حاجات خود را بخواه و از کرینا بازگرد، و آن را وطن خود قرار مده. سوم: زائر در سفر زیارت آن حضرت توشه خود را از غذاهای لذیذ مانند بریانی و حلواجات قرار ندهد، بلکه خوارکش را نان با شیر یا ماست تهیه ببیند.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 643

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: شنیدم جماعتی به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند، و با خود سفره‌هایی برمی‌دارند که در آنها بزغاله‌های بریان و حلواجات هست، اگر به زیارت قبر پدران یا دوستان خود بروند قطعاً این خوراکیها را با خود بر نمی‌دارند. در حدیث معتبر دیگری نقل شده است که امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود: زیارت کنید امام حسین علیه السلام را بهتر از آن است که زیارت نکنید، و زیارت نکنید بهتر از آن است که زیارت کنید، مفضل عرضه داشت: پشتم را شکستی! فرمود: و الله اگر به زیارت قبر پدران خود بروید، اندوهگین و غمناک می‌روید، و به زیارت آن حضرت که می‌روید سفره‌ها با خود برمی‌دارید، درحالی که باید ژولیده‌مو و گردآلود بروید.

مولف گوید: پس برای اغنیا و تجار چه اندازه شایسته است، که این مطلب را در این سفر ملاحظه کنند و هرگاه در شهرهایی که تا کرپلا بین راه ایشان است، عده‌ای از دوستانشان ایشان را دعوت و میهمانی می‌کنند و در زمان حرکت سفره‌های آنان را از پخته‌های لذیذ، و مرغ بریان و سایر غذاها پر می‌کنند، نپذیرند و بگویند: ما مسافر کرپلا هستیم، و برای ما تغذیه به این غذاها شایسته نیست. شیخ کلینی روایت کرده: بعد از شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام همسر کلبیه آن حضرت اقامه عزا نمود، گریست و سایر زنها و خدمتکاران گریستند، تا حدی که اشکهای آنها خشک شد، از جایی برای آن محدثه «جون» هدیه فرستادند، که معنی آن را مرغ قضا گفته‌اند، این هدیه برای این بود که از خوردن آن در گریستن بر امام حسین علیه السلام قوت بگیرند، چون آن بانوی محترمه آن را دید پرسید چیست؟ گفتند:

هدیه‌ای است که فلانی برای شما فرستاده، تا در ماتم امام حسین علیه السلام به آن استعانت بجوید، فرمود: «ما که در جشن عروسی نیستیم، ما را چه به این خوراک؟» پس دستور داد تا آن را از خانه بیرون بردند.

چهارم: از مسائلی که در سفر زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است، تواضع و فروتنی و خشوع و راه رفتن همانند بنده ذلیل است، پس کسانی که در راه زیارت آن حضرت، بر این مرکبهای جدید سوار می‌شوند، باید خیلی متوجه خود باشند، که بر سایر زائران و بندگان خدا، که به سختی و مشقت به کرپلا می‌روند، بزرگی ننمایند و تکبر نورزند و آنان را زه چشم حقارت نبینند. علما در احوال اصحاب کهف نقل کرده‌اند که آنها از خاصان دقیانوس و به منزله وزاری او بودند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 644

وقتی حق تعالی رحمت خود را شامل حال آنها فرمود، و به فکر خداپرستی و اصلاح کار خود برآمدند، مصلحت خویش را در این دیدند، که از مردم کناره گیرند، و در غاری پناه گرفته به عبادت حق مشغول شوند، به این خاطر سوار بر اسبها شده، از شهر بیرون آمدند، همینکه سه میل راه رفتند، تملیخا که یکی از آنان بود گفت: «برادران این راه، راه آخرت است

و باید به صورت نداری و مسکنت رفت، و ملك و ریاست دنیا را کنار گذاشت، اکنون از اسبها پیاده شوید، و با پای پیاده به درگاه حق روید، شاید خدا به شما رحم کند، و در کار شما گشایشی نصیب شما فرماید، همگی از اسبها خود پیاده شدند، و آن افراد محترم و معظّم در آن روز، هفت فرسخ با پای پیاده راه رفتند، تا پاهایشان مجروح و خونچکان شد! پس زائران قبر مطهر امام حسین علیه السّلام این واقعیت را در نظر داشته باشند، و بدانند شخص در این راه هرچه برای خدا تواضع کند، باعث رفعت مقام او خواهد شد، بنابراین در آداب زیارت آن جناب از امام صادق علیه السّلام روایت شده: هرکه پیاده به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام برود، حق تعالی برای او به عدد هر گام هزار حسنه می نویسد، و هزار گناه را از او محو می کند، و برای او هزار درجه در بهشت بلند می کند، چون به شطّ فرات رسیدی غسل کن و پایت را برهنه نما، و کفشهای خود را در دست گیر، و راه برو همانند راه رفتن بندهای خوار.

پنجم: اگر در بین راه زائر پیاده‌ای را دید، که وامانده و خسته شده، و از او کمک خواست تا تواند در کار او اهتمام ورزد و او را به منزل رساند، و مبادا که او را سبک شمارد، و به او بی‌اعتنایی کند. شیخ کلینی به سند معتبر از ابو هارون روایت کرده: من در خدمت امام صادق علیه السّلام بودم، به جمعیتی که نزد ایشان بودند فرمود: شما را چه شده که به ما استخفاف می‌نمایید؟ از میان آنها مردی از اهل خراسان برخاست و گفت: پناه می‌بریم به خدا از این که ما به شما یا به چیزی از امر شما استخفاف کنیم و آن را کوچک شماریم، فرمود: آری تو خودت یکی از آنانی هستی، که سبک شمردی و خوار کردی مرا! آن مرد گفت: به خدا پناه می‌برم که من شما را خوار کرده باشم. فرمود: وای بر تو، وقتی که نزدیک به جحفه بودم، آیا نشنیدی که فلان کس به تو گفت: مرا به اندازه يك ميل راه سوار کن، به خدا سوگند من از پیمودن راه خسته شدم، به خدا قسم تو سر به سوی او بلند نکردی، و او را سبک شمردی، و هرکه مؤمنی را خوار کند ما را خوار کرده، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 645

حرمت ما را تباه کرده است!! مؤلف گوید: ما در فصول گذشته در آداب زیارت، در ادب نهم کلامی با روایتی از علی بن یقطین که مناسب با این مقام است ذکر کردیم، به آنجا رجوع کن، که در آن روایت موعظه نیکویی است و این ادب که در اینجا ذکر شد، اختصاص به زائران امام حسین علیه السّلام ندارد، ولی چون این مطلب در راه زیارت آن حضرت بسیار اتفاق می‌افتد، به این خاطر آن را در اینجا ذکر کردیم.

ششم: از ثقه جلیل القدر محمد بن مسلم روایت شده است که به حضرت باقر علیه السلام عرض کرد: ما زمانی که به زیارت پدران حسین بن علی علیه السلام می‌رویم آیا چنین است که در حج خانه خداییم؟ فرمود: آری، عرضه داشت: پس آنچه بر حاجیان لازم است بر ما لازم است؟ فرمود: بر تو لازم است با هرکه رفیق توست نیکو مصاحبت کنی، و بر تو لازم است که کم سخن بگویی، مگر سخن خیر، و بر تو لازم است که بسیار یاد خدا کنی و لازم است که جامه‌های پاکیزه باشد، و پیش از آن که داخل حایر شوی غسل کنی، و لازم است که با خشوع و رقت باشی و نماز بسیار بخوانی و بر محمد و آل محمد صلوات بسیار فرستی، و باید خود را از چیزهایی که سزاوار تو نیست حفظ کنی، و دیده‌ات را از حرام و شبهه بپوشانی، و به برادران مؤمن پریشان خود احسان کنی، و اگر کسی را ببینی که خرجی‌اش تمام شده از او دستگیری کرده، و خرجی خود را بین او و خود به طور برابر قسمت کنی و تقیّه بر تو لازم است که قوام دین تو به آن است، و همچنین پرهیز از اموری که خدا از آنها نفی فرموده و خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله و منازعه‌ای که در آن سوگند باشد ترك کنی، چون چنین رفتار کنی به اندازه ثواب حج و عمره برای تو تمام می‌شود و از جانب کسی که به مال خرج کردن، و از اهل خود دور افتادن طلب ثواب او کرده‌ای، مستوجب می‌شوی به اینکه به آموزش گناهان و رحمت و خشنودی خدا به وطن بازگردی.

هفتم: در روایت ابو حمزه ثمالی (رضوان الله علیه)، از امام صادق علیه السلام باب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نقل شده:

چون به نینوا رسیدی بارهای خود را در آنجا بگذار، و به خود روغن مال، و به چشم سرمه مکش، و گوشت مخور، البته تا زمانی که در آنجا اقامت داری.

هشتم: غسل کردن با آب فرات است، که روایات در فضیلت آن بسیار وارد شده، در حدیثی از امام صادق علیه السلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 646

نقل شده: هرکه به آب فرات غسل کند و قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند، از گناهان خالی شود، همانند روزی که از مادر متولد شده اگرچه گناهانش از گناهان کبیره بوده باشد و روایت شده: خدمت آن حضرت عرض شد، که بسا شود که ما به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برویم و غسل زیارت به سبب سروری هوا یا غیر آن بر ما دشوار باشد، فرمود: هرکه در فرات غسل کند و حضرت حسین علیه السلام را زیارت نماید، آنقدر از فضیلت برای او نوشته شود که به شماره درنیاید. از بشیر دهن روایت شده: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکه به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام برود، پس وضو بگیرد و در فرات غسل کند، قدمی بر ندارد و قدمی نگذارد مگر آنکه حق تعالی برای او حج و عمره

بنویسد و در بعضی از روایات آمده: غسل کن از فرات، از جایی که برابر قبر آن حضرت واقع شود و چنان که از بعضی روایات استفاده می شود خوب است چون به فرات برسد صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه صلوات بر پیامبر و آل آن حضرت فرستد. نهم: چون خواستی وارد حایر مقدس شوی، از دری که در جانب مشرق قرار دارد وارد شو، چنان که امام صادق علیه السلام به یوسف کناسی فرمودند. دهم: در روایت ابن قولویه آمده: امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود: ای مفضل چون به قبر امام حسین علیه السلام رسیدی بر در روضه بایست و این کلمات را بخوان که تو را به هر کلمه نصیبی از رحمت الهی خواهد بود:

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی، جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای وارث حسن آن پیشوای پسندیده، سلام بر تو ای وارث فاطمه دختر رسول خدا، سلام بر تو ای شهید صدیق، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار با تقوا، سلام بر ارواحی که به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 647

آستان فرود آمدند، و به درگاهت بار انداختند، سلام بر فرشتگان خدا که گرداگرد تواند، شهادت می دهیم که تو نماز برپاداشتی، و زکات پرداختی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و خدا را خالصانه عبادت کردی، تا مرگ تو را در رسید، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. سپس به سوی قبر روانه می شوی، و به هر گامی که بر می داری یا می گذاری، همان ثواب کسی را داری که در راه خدا در خون خود دست و پا زده باشد چون نزدیک قبر رسیدی به قبر دست بمال و بگو: سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و آسمانش. پس از آن از قبر فاصله گرفته متوجه نماز می شوی، و به هر رکعت که نزد آن حضرت بجا می آوری همانند ثواب کسی را داری، که هزار مرتبه حج و عمره انجام داده و هزار بنده آزاد کرده و هزار مرتبه همراه پیامبر مرسل، برای خدا به جهاد برخاسته باشد. یازدهم: از ابو سعید مدائی نقل شده: خدمت امام صادق علیه السلام مشرف شده، پرسیدم: به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروم؟ آری برو به زیارت قبر امام حسین علیه السلام فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیکترین نیکان و پاکیزهترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران و چون آن حضرت را زیارت کنی، نزد سر آن حضرت هزار مرتبه تسبیح امیر مؤمنان علیه السلام و نزد پای آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان، پس کنار آن حضرت دو رکعت نماز بخوان و در آن دو

رکعت سوره‌های (یس) و (الرحمن) را قرائت کن چون این عمل را بجا آوری ثواب بزرگی برای تو خواهد بود، گفتیم: فدایت شوم: تسبیح علی و فاطمه علیهما السلام را به من بیاموز، فرمود: باشد ای، ابو سعید، تسبیح علی علیه السلام این است: منزه است آن که خزانه‌هایش تمام نمی‌شود، منزه است آن که نشانه‌هایش نابود نمی‌گردد، منزه است آن که هرچه نزد اوست فنا نمی‌پذیرد، منزه است آن که هیچ کس را در حکمش شریک قرار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 648

نمی‌دهد، منزه است آن که برای فخرش از هم‌پاشیدگی نیست، منزه است آن که برای دورانش انقطاعی وجود ندارد، منزه است آن که معبودی جز او نیست. و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام چنین است منزه است صاحب شوکت و والایی و بزرگی نزه است صاحب عزت بلند مقام فرازند، منزه است صاحب فرمانروایی گرانمایه ازلی، منزه است صاحب حسن و جمال، منزه است آن که خود را با نور و وقار پوشانده، منزه است آن که جای پای مورچه را بر سنگ صاف، و رد پای عبور پرنده را در هوا می‌بیند.

دوازدهم: نماز واجب و مستحب را نزد قبر امام حسین علیه السلام بخواند، زیرا نماز نزد آن حضرت مورد قبول است. سید ابن طاووس فرموده: با تمام وجود بکوش که نماز واجب و مستحب در حایر شریف از تو فوت نشود، همانا روایت شده: نماز واجب نزد آن حضرت برابر است با حج و نماز مستحب مساوی است با عمره. مؤلف گوید: ثواب بسیاری برای نماز در حایر شریف در روایت مفضل گذشت. در روایت معتبری از امام صادق علیه السلام نقل شده: هرکه آن حضرت را زیارت کند و دو رکعت یا چهار رکعت نماز نزد آن حضرت بجا آورد ثواب حج و عمره برای او نوشته می‌شود. آنچه از روایات ظاهر می‌شود این است که نماز زیارت و غیر آن را در پشت قبر و بالای سر بجا آوردن، هر دو خوب است، و اگر بنای خواندن در بالای سر را دارد، عقب‌تر بایستد که محاذی اصل قبر مقدس نباشد. در روایت ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام آمده: نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بگذارد، در رکعت اول پس از سوره حمد سوره یس و در رکعت دوم پس از سوره حمد سوره الرحمن بخوان و اگر خواهی پشت قبر این نماز را به جای آر. و البته در بالای سر بهتر است، چون از این نماز فراغت یافتی، هرچه نماز می‌خواهی بخوان، ولی از این دو رکعت نماز زیارت، نزد هر قبری که زیارت کنند نباید غفلت ورزید. ابن قولویه از امام باقر علیه السلام روایت کرده که به شخصی فرمود: ای فلان تو را چه مانع است، که هرگاه حاجتی برایت روی دهد، نزد قبر حسین صلوات الله علیه بروی، و چهار رکعت نماز نزد او بخوانی، آنگاه حاجت خود را از خدا بخواهی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 649

به درتی که نماز واجب نزد آن حضرت برابر با حجّ، و نماز مستحبّ مساوی با عمره است.

سیزدهم: بدان که عمده اعمال در روضه مطهره امام حسین علیه السّلام دعاست، زیرا اجابت دعا در زیر آن قبّه با رفعت یکی از اموری است که خدا به عوض شهادت به آن حضرت ارزانی داشته و زائر باید آن را غنیمت دانسته، در تضرّع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در طی زیارات آن حضرت دعاهای بسیار، با مضامین عالیّه وارد شده که اگر بنای اختصار نبود، چند دعایی در اینجا ذکر می‌کردم و بهتر آن است که زائر آنچه بتواند از دعاهای صحیفه کامله بخواند، که بهترین دعاها است و ما در اواخر این باب بعد از زیارات جامعه دعایی نقل می‌کنیم، که در همه حریمهای شریفه خوانده می‌شود [بدان که در ملحقات این کتاب دعایی ذکر می‌شود که جامع‌ترین دعاهاست و در روضات ائمه خوانده می‌شود، از خواندن آن غفلت ننمایی] و برای اینکه این قسمت را خالی نگذاریم، این دعای مختصر را که در ضمن یکی از زیارات نقل شده ذکر می‌کنیم و آن دعا این است: که در آن حرم شریف درحالی که دستها را به جانب آسمان برداشته باشی بگو:

خدایا همانا جایم را می‌بینی و سخنم را می‌شنوی و موقعیتم و زاری‌ام و پناه‌آوردنم به قبر حجّت و فرزند پیامبرت را می‌نگری ای آقای من حاجت‌هایم را دانسته‌ای، و حالم بر تو پوشیده نیست اینک به وسیله فرزند پیامبر و حجّت و امینت به تو رو کرده‌ام، و به واسطه او تقرّب جویم به درگاه تو و پیامبرت آمدم، به حق او مرا در پیشگاهت در دنیا و آخرت آبرومند و از نزدیکان خویش گردان، و با زیارتم خواسته‌ام را به من عطا کن، و آرمانم را به من ببخش، و به خواسته و رغبتم بر من تفضّل کن، و حاجاتم را برآور و مرا ناامید بازمگردان، و رشته امیدم را قطع نکن، و دعایم را از هدف اجابت محروم مفرما، و در آنچه که در کار دین و دنیا و آخرت، به درگاهت دعا کردم، اجابتش را به من بشناسان، و مرا از آن بندگانی قرار ده که بلاها و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 650

بیماریها و فتنه‌ها و عارضه‌ها را از آنان بازگرداندی، از آنان که در سلامت کامل زنده می‌داریشان و در سلامت کامل می‌میرانیشان، و در سلامت کامل وارد بهشتیان می‌نمایی، و در سلامت کامل از آتش پناهشان می‌دهی. و برلیم به منّتی از سوی خود فراهم کن: صلاح آنچه آرزو می‌کنم درباره خودم و خاندانم و فرزندانم و برادرانم و مالم و آنچه نعمت به من عنایت کردی ای مهربان‌ترین مهربانان.

چهاردهم: از جمله اعمال در حرم امام حسین علیه السّلام صلوات فرستادن بر آن حضرت است. روایت شده: پشت سر نزد کتف شریف آن حضرت می‌ایستی و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسین علیه السّلام صلوات

می فرستی. سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» در ضمن یکی از زیارات این صلوات را بر آن حضرت نقل کرده است:

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و درود فرست بر حسین ستم کشیده و شهید و کشته اشکها و دچار گرفتاریها، درودی فراینده، پاکیزه، با برکت، درحالی که آغازش بالا رود و انجامش سپری نشود، برتری درودی که بر یکی از فرزندان پیامبران و رسولان فرستادی، ای پروردگار جهانیان. خدایا درود فرست بر امام، شهید، کشته، ستم کشیده، بی یار، آقا، پیشوا، عابد، زاهد، جانشین، خلیفه، امام راستی پیشه، پاک، پاکیزه، طیب، با برکت، خدا از او خوشنود، پسندیده حق، پرهیزگار، هدایت گر، راه یافته، زاهد، مدافع دین، جهادگر، عالم، پیشوای هدایت، فرزند زاده رسول، نور چشم بتول، درود و سلام خدا بر او و خاندانش. خدایا بر آقا و مولای من درود فرست

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 651

چنانچه به اطاعت عمل کرد، و از معصیت نهی فرمود، و در راه خشنودیات کوشید، و بر ایمان روی آورد، بی آنکه درباره تو پذیرنده بهانه ای باشد، چه در پنهان و چه در آشکار، بندگان را به جانب تو می خواند، و به سوی تو دلالت می نماید و پیش روی تو قیام کرد، ستم را ویران می کند با درستی، و روش پیامبر را زنده می کند با قرآن، پس با مشقت و سختی در خشنودیات زندگی کرد، و بر طاعت و در زمره اولیای، در حال رنج و ناراحتی از دنیا گذشت، و چون عزیزی گم گشته به تو جان داد تو را معصیت نکرد نه در شبی و نه در روزی، بلکه در راه تو با منافقان و کافران جنگید. خدایا جزایش ده، بهترین جزای صادقان نیکوکار، و عذاب را بر منافقان و کافران و کشنده گان او دوچندان کن. به راستی جوآنمرده پیکار کرد، و مظلومانه کشته شد، و غرق در رحمت خدا درگذشت، درحالی که می گفت: منم فرزند رسول خدا محمد، و فرزند کسی که پاک پرورید و بندگی کرد، پس او را دانسته و از به عمد کشتند، آری بر حال ایمان او را کشتند، و در کشتنش از شیطان اطاعت کردند و درباره او خدای رحمن را ملاحظه نمودند. خدایا پس بر آقا و مولایم درود فرست، درودی که یادش را با آن بلند گردانی و امرش را با آن آشکار نمایی، و پیروزی اش را با آن شتاب ورزی، و او را در روز قیامت به برترین اقسام فضایل خاصش گردان و در بلندترین درجات شرفش را بیفزای، و او را به عالی ترین مقام ارجمندان برسان، و بالا بر او را از شرف رحمت در شرف مقربان در مقام رفیع برتر، و او را به وسیله، و منزلت بزرگ و برتری و فضیلت، و کرامت برجسته برسان. خدایا او را از جانب ما جزا ده، به برترین پاداشی که به پیشوایی از طرف رعیتش داده ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 652

و بر آقا و مولای من درود فرست، هرگاه که یاد شود، و هر زمان که یاد نشود، ای آقای و مولای من، مرا در حزب و گروهت وارد کن، و بخششم را از پروردگارت و پروردگام بخواه، زیرا تو را در پیشگاه خدا آبرو و قدر و منزلت بلند است، اگر بخواهی عطا شوی، و اگر شفاعت کنی شفاعت پذیرفته شود، خدا را خدا را درباره بنده و دوستدارت، هنگام سختیها و هراسها رهایم مکن آن هم به خاطر بدی کارم و زشتی کردارم، و بزرگی جرمم که تو آرزو و امید و تکیه گاه و محل اعتماد منی، و وسیله من به درگاه خدا پروردگارم و پروردگار تو تویی، توسل کنندگان به درگاه خدا متوسل نشدند نزد او، به وسیله ای از نظر حق بزرگتر، و از جهت حرمت لازم تر، و از حیث مقام برجسته تر از شما اهل بیت، خدا به خاطر گناهانم مرا از شما محروم نکند، و میان من و شما را در بهشت عدن که برای شما و دوستانتان آماده نموده جمع کند، او بهترین آمرزندگان، و مهربان ترین مهربانان است. خدایا به آقا و مولایم تحیت و سلام بسیار برسان، و از جانب او سلام بسیار به ما بازگردان، که تو بخشنده و کریمی، و بر او درود فرست، هر زمان که سلام یاد شود، و هر زمان که یاد نشود، ای پروردگار جهانیان.

مؤلف گوید: ما آن زیارات را در اعمال روز عاشورا نقل کرده ایم [صفحه 456] و در اواخر این باب صلواتی بر حجج طاهره علیهم السلام نقل خواهیم کرد که صلوات مختصری بر امام حسین علیه السلام نیز در آن مندرج است خواندن آن را نیز ترك نکن. پانزدهم: از جمله اعمال این روزه منوره دعای مظلوم علیه ظالم است یعنی سزاوار است برای کسی که از ستم ستمکاری مضطر شده این دعا را در آن حرم نورانی بخواند و دعا چنان است که شیخ الطائفه در «مصباح المتهجد» در اعمال روز جمعه ذکر کرده که مستحب است دعای مظلوم را نزد قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام بخوانند، و آن دعا این است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 653

خدایا من خود را به دینت عزیز می شمارم، و به هدایت گرامی می دانم، فلانی مرا با شرش خوار می دارد، و به آزارش پستم می کند و به خاطر دوستی اولیایت، از من عیب می گیرد، و با ادعای پوچش مبهوتم می کند، من به جایگاه دعا و عهده داریات به اجابت آن آمدم، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا در همین ساعت بر او پیروز گردان.

پس خود را بر روی قبر انداخته و بگوید: مولایم، امام ستمیده ای علیه ستمگرش یاری می طلبد، یاری ده، یاری ده. آنقدر تکرار کند که عبارت النصّر النصّر را تا نفس قطع شود. شانزدهم: از جمله اعمال در آن حرم دعایی است که ابن

فهد قدس سره در کتاب «عده الداعی» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند هرکه حاجتی به درگاه خدا برای او باشد، نزد سر امام حسین علیه السلام بایستد و بگوید: ای ابا عبد الله گواهی می‌دهم که جای مرا می‌نگری، و سخنم را می‌شنوی، و تو نزد پروردگارت زنده‌ای و روزی داده می‌شوی، از پروردگارت و پروردگارم، برآورده شدن حاجاتم را بخواه. ان شاء الله تعالی حاجت او برآورده می‌شود.

هفدهم: از جمله اعمال دو رکعت نماز، در آن حرم مطهر نزد سر مقدس با سوره الرحمن و سوره تبارک است. سید ابن طاووس روایت کرده هرکه این نماز را بخواند، خداوند عطا بخش برای او بیست و پنج حج پذیرفته و نیکو که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام داده باشد می‌نویسد.

هیجدهم: از جمله اعمال در آن بارگاه بلند ارج استخاره است، علامه مجلسی کیفیت آن را ذکر کرده و اصل روایت به سند صحیح از امام صادق علیه السلام در کتاب «قرب الإسناد» حمیری است، که هرکسی در امری از امور درحالی که نزد حضرت امام حسین علیه السلام بایستد، و از خدای عالمیان صد مرتبه طلب خیر کند، و بگوید: الحمد لله و لا اله الا الله و سبحان الله

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 654

و خدا را به عظمت یاد کند، و حمد و ثنای حضرتش را بگوید، چنان که سزاوار شأن حق است، البته حق تعالی آنچه در آن امر خیر اوست به او می‌نمایاند، و برای او پیش می‌آورد، و موافق روایات دیگر، به این صورت طلب خیر می‌کند که صد مرتبه می‌گوید: اسخیر الله برحمته خیرة فی عافیة

نوزدهم: شیخ اجل کامل ابو القاسم جعفر بن قولویه قمی رحمه الله از امام صادق علیه السلام روایت کرده: هرگاه حضرت ابو عبد الله را زیارت کردید، ملازم سکوت باشید مگر از خیر، به درستی که ملائکه شب و روز، از گروه حفظ، نزد ملائکه‌ای که در حایرند حاضر می‌شوند و با ایشان مصافحه می‌کنند، و ملائکه‌ای که در حایرند از شدت گریستن جواب ایشان را نمی‌دهند و پیوسته مشغول گریه و زاری‌اند، مگر در وقت زوال شمس، و وقت طلوع فجر، که در این دو موقعیت ساکت می‌شوند، پس ملائکه حفظ منتظر می‌مانند تا ظهر شود و فجر ظاهر گردد، در این دو وقت با ایشان سخن می‌گویند و ایشان را چیزهایی از امر آسمان از آنها سؤال می‌کنند، ولی در بین این دو وقت ملائکه حائر نطق نمی‌کنند، و از دعا و گریستن آرام نمی‌گیرند، و نیز از آن حضرت روایت کرده‌اند: حق تعالی تنها برای قبر امام حسین علیه السلام چهار هزار فرشته را ژولیده‌مو، و گردآلود موکل نموده و به شکل اصحاب مصیبت از طلوع صبح تا ظهر بر آن حضرت گریه می‌کنند، و احادیث به این مضمون بسیار است، و از این روایات ظاهر می‌شود که گریستن بر آن حضرت

در آن حرم مطهر محبوب، و بلکه شایسته است که از اعمال آن بارگاه مبارک که «بیت الاحزان» شیعیان است شمرده شود. و از حدیثی که از امام صادق علیه السلام است و به وسیله صفوان روایت شده استفاده می شود، که زاری ملائکه در درگاه خدا، در لعنت کردن بر قاتلان امیر مؤمنان علیه السلام، و بر قاتلان امام حسین علیه السلام و نحوه نمودن پریان بر آنان، و گریه کردن ملائکه، که گرداگرد ضریح امام حسین علیه السلام اند، و بسیاری اندوه ایشان، به حدی است، که اگر کسی آنها را بشنود، خوردن و آشامیدن، و خواب بر او گوارا نخواهد بود در حدیث عبد الله بن حماد بصری است، که امام صادق علیه السلام به او فرمود: به من خبر رسیده، که گروهی از اطراف کوفه و مردمانی غیر ایشان و زنانی که برای آن حضرت نوحه گری می کنند، کنار قبر امام حسین علیه السلام می آیند، و این کار در نیمه ماه شعبان است، پس بعضی قرائت می کنند و گروهی داستان می خوانند (یعنی کیفیت شهادت و سایر مصایب را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 655

ذکر می کنند) و عده ای نوحه گری دارند، و بعضی مرثیه می خوانند، گفتم: آری فدایت شوم، قسمتی از آنچه را بیان فرمودی من مشاهده کرده ام. امام فرمود: حمد خدایی را که در میان مردم کسانی را قرار داد، که نزد ما می آیند، و ما را مدح می کنند و برای ما مرثیه می خوانند، و قرار داد دشمن ما را، کسانی که به شیعیان ما طعنه می زنند، از خویشان ما یا غیر ایشان، و آنان را تهدید می کنند، و کارشان را زشت می شمارند. و در صدر همین حدیث آمده: هرکه به زیارت او می رود می گیرد، و هرکه نمی رود، بر مصیبت او اندوهناک می باشد، و هرکه او را به یاد می آورد، دلش می سوزد، و نیز هرکه به جانب قبر پسرش که در پایین پای او قرار دارد و نظر می اندازد ترحم می کند، در بیابانی که خویشی و دوستی نزد او نیست، و حق او را غصب کردند و جمعی از کافران و مرتدان از دین اجتماع کردند و یکدیگر کمک دادند، تا او را کشتند و دفن نکرده در بیابان رها کردند و او را از آب فراتی که حیوانات می خوردند منع کردند و حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و وصیتی که درباره حسین و اهل بیتش کرده بود ضایع نمودند!! و نیز ابن قولویه از حارث اعور روایت کرده: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: پدر و مادرم فدای حسین شهید در پشت کوفه، به خدا قسم گویا می بینم جانوران وحشی را، از هر نوعی که گردنها را به سوی قبر او کشیده اند و بر او شب تا به صبح می گریند، پس حالا که چنین بوده، مبدا شما جفا کنید و اخبار در این باب بسیار است. بیستم: سید ابن طاووس فرموده: بر زائر مستحب است هروقت از زیارت آن حضرت فارغ شود و بخواهد از روضه مقدسه بیرون رود، خود را به ضریح بچسباند و آن را ببوسد و بگوید:

سلام بر تو ای مولایم، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا سلام بر تو ای خالص شده از سوی خدا، سلام بر تو ای کشته تشنگی، سلام بر تو ای غریب غریبان، سلام بر تو ای وداع کننده ای که نه خسته است و نه دلتنگ، پس اگر بروم نه از روی ملالت است و اگر بمانم نه از روی بدگمانی به آنچه خدا به صابران وعده داده، خدا این زیارت را آخرین عهد من از زیارتت قرار ندهد و بازگشت به سوی زیارتگاهت و ماندن در آستان و ایستادن در حرمت را روزی من کند، و از او می خواهم که مرا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 656

به وسیله شما خوشبخت نماید و در دنیا و آخرت با شما قرار دهد.

مقصد سؤم: در کیفیت زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام و زیارت حضرت عباس (قدس الله روحه) است

بدانکه زیارات بیان شده برای امام حسین علیه السلام بر دو صورت است: یکی مطلقه، که مقید به وقتی نیست و دیگری مخصوصه که مقید به اوقات معینی است، و ذکر این زارات در ضمن سه بخش خواهد آمد:

«بخش اول در زیارات مطلقه حضرت امام حسین علیه السلام است»

زیارات مطلقه بسیار است، و ما در این فصل به ذکر چند زیارت از آن زیارات اکتفا می کنیم.

زیارت اول حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام

شیخ کلینی در کتاب «کافی» به سند خود، از حسین بن ثویر روایت کرده که گفت: من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابو سلمه سراج، در محضر حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام نشستیم، در میان ما، سخنگو یونس بود، که از نظر سنی از همه ما بزرگتر بود. پس به حضرت عرضه داشت: فدایت شوم من در مجلس این قوم، یعنی ابی عبد المطلب، حاضر می شوم، پس چه بگویم؟ فرمود: هرگاه حاضر شدی و ما را به یاد آوردی بگو: اللهم ارنا الرِّخاء و السَّور که آنچه از ثواب و بازگشت به وطن خواهی در هنگام بازگشت، به دریافتش نایل گردی. گفت: فدایت شوم بسیار می شود که امام حسین علیه السلام را یاد می کنم، آن وقت چه بگویم؟ فرمود: سه مرتبه بگو: صلی الله

عليك يا ابا عبد الله سلام به آن حضرت از نزديك و دور می‌رسد، آنگاه حضرت فرمود: زمانی که حضرت ابو عبد الله الحسين شهید شد، بر آن حضرت آسمانهای هفتگانه و هفت زمین، و آنچه در آنهاست گریست، و هرکه در بهشت و دوزخ است از آفریدگان پروردگارمان، و آنچه دیده می‌شود، و دیده نمی‌شود، همه بر ابو عبد الله الحسين علیه السلام گریستند مگر سه چیز. گفتم: فدایت شوم آن سه چیز کدام‌اند؟

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 657

فرمودند بصره و دمشق و آل عثمان بر آن حضرت گریه نکردند. گفتم فدایت شوم، می‌خواهم به زیارت آن حضرت بروم، چه بگویم و چه کاری انجام دهم؟ فرمود: چون به زیارت آن حضرت روی، در کنار فرات غسل کن، و جامه‌های پاك خود را بپوش، آنگاه با پای برهنه روانه شو، به درستی که تو در حریمی هستی از حریمهای خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در وقت رفتن بسیار بگو: الله اکبر و لا اله الا الله و سبحان الله و همچنین هر ذکر که متضمن تمجید و تعظیم حق تعالی باشد، و بر محمد و اهل بیت او صلوات فرست، تا به درگاه حائر برسی، پس بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر شما ای فرشتگان خدا، و زیارت کنندگان قبر فرزند پیامبر خدا. سپس ده گام بردار، آنگاه بایست و سی مرتبه بگو: الله اکبر به دنبال آن از پیش رو به جانب قبر برو روی خود را با روی آن حضرت مقابل کن، به عبارت دیگر پشت به قبله و روبروی آن جناب باش و بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر تو ای کشته خدا و فرزند کشته خدا، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، سلام بر تو ای فرد خدایی در آسمانها و زمین، ای ستمدیده، شهادت می‌دهم که خونت در بهشت جاوید جا گرفت، و برای آن سقفهای عرش لرزید و برایش تمام آفریدگان گریستند، و به خاطر آن آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفت گانه گریست، و آنچه در آنها و بین آنها نیز، و هرکه در بهشت و دوزخ از مخلوقات پروردگار ما زیور می‌گردد، و آنچه دیده شود، و دیده نشود برای آن خون گریه کرد!! شهادت می‌دهم که تو حجت خدا و فرزند حجت خدایی، و شهادت می‌دهم که تو کشته راه خدایی و فرزند کشته راه خدایی، و شهادت می‌دهم که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 658

تو خون خدا، و فرزند خون خدایی، و شهادت می‌دهم که تو فرد خدایی ستمدیده در آسمانها و زمینی، و شهادت می‌دهم که تو فرامین حق را رساندی، و خیرخواهی کردی، و وفا نمودی، در وفاداری پایداری داشتی، و در راه خدا جهاد کردی، و از جهان بر پایه آنچه بر آن شهید و شهادت جو و شاهد بودی گذشتی، من بنده و دوستدار توام، و در قید طاعت

تو و وارد به درگاه تو هستم، درخواست می‌کنم کمال منزلت نزد خدا را، و استواری قدم در هجرت به سویت را، و راهی که از رسیدن به تو قطع نمی‌گردد، و از وارد شدن در سایه سرپرستی‌ات که مأمور شده‌ای به آن هرکه خدا را خواست، از شما شروع کرد، خدا به وسیله شما دروغ را آشکار کند، و خدا به خاطر شما دور نماید روزگار گزینده را، و به شما بگشاید، و به شما ببندد، و به شما آنچه بخواهد محو کند، و پابرجا نماید، و به شما رشته خواری را از گردن ما باز کند انتقام خون هر مؤمنی را که مورد مطالبه است به شما بگیرد، به شما زمین درختانش را برویاند، و به شما زمین میوه‌هایش را بیرون آورد، و آسمان به شما نازل نماید باران و روزی‌اش را، خدا به شما گرفتاریها را برطرف کند، و به شما باران فرو بارد، و به شما تسبیح می‌گوید زمینی که حامل بدنهای شماست، و کوه‌هایش به وسیله لنگرهای آن مستقر می‌گردد، خواست پروردگار در اندازه‌گیریهای امورش به سوی شما فرود می‌آید، و از خانه‌های شما صادر می‌گردد، و صادر شونده از شماست آنچه به تفضیل بیان شده از احکام بندگان، ملعون باد امتی که شما را کشت، و امتی که با شما مخالفت نمود، و امتی که ولایت شما را انکار کرد، و امتی که علیه شما یکدیگر را پشتیبانی نمود، و امتی که حاضر بود و شهادت‌خواهی ننمود، خدا را سپاس که قرار داد آتش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 659

را جایگاهشان، و بد جایی است برای وارد شوندگان، و بد است آن ورودگاه وارد شده، و خدا را سپاس پروردگار جهانیان سپس سه مرتبه بگو: و درود خدا بر تو ای ابا عبد الله بعد سه مرتبه بگو: من به جانب خدا از کسانی که با تو مخالفت کردند بیزاری می‌جویم پس از آن به نزد قبر فرزند آن حضرت، علی بن الحسین علیه السلام که پائین پای پدر مدفون است می‌روی و می‌گویی: سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند حسن و حسین، سلام بر تو ای فرزند خدیجه و فاطمه، درود خدا بر تو درود خدا بر تو، درود خدا بر تو، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند. این لعن را سه مرتبه می‌گویی، و نیز سه مرتبه می‌گویی: ما به جانب خدا از آنان بیزارم. آنگاه برمی‌خیزی و به دست خود به جانب شهدا (رضی الله عنهم) اشاره می‌کنی و می‌گویی: سلام بر شما، سلام بر شما، سلام بر شما، به خدا رستگار شدید، به خدا رستگار شدید، به خدا رستگار شدید، ای کاش من هم با شما بودم، و به رستگاری بزرگ نایل می‌شدم. پس برمی‌گردد، و قبر ابو عبد الله علیه السلام را مقابل خود قرار می‌دهی، یعنی پشت قبر مطهر می‌ایستی، و شش رکعت نماز می‌گذاری، چون این کار را انجام دادی زیارت تمام شده، اگر خواستی برگردید برگرد. مؤلف گوید: شیخ طوسی در «تهدیب»، و صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» نیز این زیارت را نقل کرده‌اند، و شیخ

صدوق فرموده: من در کتاب «مزار و مقتل» انواعی از زیارات را نقل کردم، و برای کتاب «من لا یحضر الفقیه» این زیارت را انتخاب کردم، زیرا به اعتبار سند، صحیح‌ترین زیارت نزد من است، و همین زیارت شریف ما را کافی و وافی است.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 660

زیارت دوم حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام

شیخ کلینی از امام علی النقی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: نزد امام حسین علیه السلام می‌گویی:

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای حجت خدا بر روی زمین، و گواه او بر خلق سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، شهادت می‌دهم که تو نماز را برپا داشتی، و زکات را پرداختی، و امر به معروف، و نهی از منکر نمودی، و در راه خدا جهاد کردی، تا مرگ تو در رسید، پس درود خدا بر تو در زندگی و پس از مرگ. آنگاه گونه راست صورت را بر قبر بگذار و بگو: شهادت می‌دهم که تو در همه کارهایت بر براهی از پروردگارت هستی، به درگاه تو با اقرار به گناهان آمدم، تا نزد پروردگارت ای فرزند رسول خدا برای من شفاعت کنی پس یٰکَیْ اَمَامان را به نامهایشان یاد کن و بگو: شهادت می‌دهم که شما حجت‌های خدایی آنگاه بگو: نزد خود برای من پیمان محکم و عهدی بنویس، که من برای تجدید کردن پیمان نزد تو آمدم، پس شهادت ده برای من نزد پروردگارت، زیرا که تو نیکو شاهی هستی.

زیارت سوم حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام

زیارت مختصری است که سید ابن طاووس، در کتاب «مزار» نقل کرده، و در آن فضل بسیاری آمده است، فرمود [با حذف اسناد روایت]: از جابر جعفی، از امام صادق علیه السلام روایت شده: که به جابر فرمود: بین شما و قبر حسین علیه السلام چه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 661

اندازه مسافت است؟ عرضه داشتم: يك روز و پاره‌ای از روز، فرمود: آن حضرت را زیارت می‌کنی؟ گفتم: آری فرمود: آیا تو را خشنود نکم، آیا تو را به ثواب ایشان بشارت ندهم؟ گفتم: آری فدایت شوم، فرمود: مردی از شما، چون برای زیارت او مهیا شود، اهل آسمان یکدیگر را مژده دهند، و چو از منزلش، سوار یا پیاده بیرون رود، حق تعالی هزار فرشته از فرشتگان را بر او بگمارد، که بر او صلوات فرستند، تا به قبر امام حسین علیه السلام آمدی، بر درگاه روضه بایست و این کلمات را بگو، که برای توبه عوض هر کلمه از آن، بهره‌ای از رحمت الهی خواهد بود. عرضه داشتم: فدایت شوم آن کلمات کدام است؟ فرمود: می‌گویی:

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی امیر مؤمنان و بهترین جانشینان، سلام بر تو ای وارث حسن پسندیده، و پاک و راضی و مورد خشنودی حق، سلام بر تو ای صدیق اکبر، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار پرهیزگار، سلام بر تو و بر ارواحی که به درگاهت فرود آمدند، و مرکب به بارگاهت خوابانند، سلام بر تو و فرشتگان چرخنده گرداگردت، شهادت می‌دهم که ماز به پا داشتی، و زکات پرداختی، و امر نمودی به معروف و از منکر نهی کردی، با ملحدان جهاد کردی و خدا را پرستیدی تا مرگت در رسید، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. آنگاه به جانب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 662

قبر مطهر می‌روی، و برای تو به هر قدمی که برداری و بگذاری، ثواب کسی که در راه خدا کشته شده و در خون خود غلطیده خواهد بود. چون به قبر رسیدی، دست خود را به قبر بمال و بگو: السّلام عليك يا حجّة الله في ارضه سپس برای انجام نماز برو، به هر رکعتی که نزد آن حضرت بجا آوری، برای تو همانند ثواب کسی که هزار حج و عمره بجا آورده، و هزار بنده آزاد کرده خواهد بود، و همانند کسی که هزار موقف با پیامبر مرسل ایستاده باشد پاداشی می‌گیری ... تا آخر خبر. و این روایت با اختلاف کمی به روایت مفضل بن عمر، در آداب زیارت امام حسین علیه السلام گذشت.

زیارت چهارم حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام

از معاویه بن عمار نقل شده: خدمت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: چون به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بروم چه بگویم؟ فرمود: بگو: سلام بر تو ای ابا عبد الله، درود خدا بر تو ای ابا عبد الله، خدا رحمت کند ای ابا

عبد الله، خدا لعنت کند کسی را که در خونت شريك شد، و خدا لعنت کند کسی را که این واقعه به او رسید، و با آن خشنود شد، من به سوی خدا از این واقعه هولناك بیزارم.

زیارت پنجم حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام

به سند معتبر روایت شده: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به ابراهیم بن ابی البلاد فرمود: هنگامی که به زیارت امام حسین علیه السلام می روی چه می گویی؟ گفت می گویم: سلام بر تو ای ابا عبد الله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، شهادت می دهم که تو نماز پیا داشتی، و زکات پرداختی.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 663

و به خوبی امر کردی، و از بدی نهی نمودی، و به سوی راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو فرا خواندی، و شهادت می دهم آنان که خونت را ریختند، و حرمت را حلال شمردند، در لعنت و شکنجه بر زبان داود و عیسی پسر مریم اند، به خاطر گناهی که مرتکب شدند، و اهل ستم و تجاوز بودند. حضرت فرمود آری چنین است.

زیارت ششم حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام

از امام صادق علیه السلام روایت شده: به عمار ساباطی فرمود: چون به قبر امام حسین علیه السلام برسی بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای سرور جوانان اهل بهشت، و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای آن که خشنودی اش از خشنودی خدای رحمن، و خشمش از خشم خدای رحمن است، سلام بر تو ای امین خدا، و حجت خدا و باب خدا، و راهنمای به راه خدا، و دعوت کننده خدا، شهادت می دهم که تو حلال خدا را حلال کردی، و حرام خدا را حرام نمودی، و نماز را برپا داشتی، و زکات دادی، و امر به معروف، و نهی از منکر نمودی، و به سوی راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو فرا خواندی، و شهادت می دهم که تو و کسانی که کشته شدند، با همه شهیدان، نزد پروردگارتان زنده اید و روزی داده می شوید، و شهادت می دهم که قاتل تو در آتش دوزخ است، خدا را پیروی می کنم، با بیزاری از کسی که با تو جنگید، و بر علیه تو از دشمن پیروی کرد، و از کسی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 664

که بر علیه تو گرد آمد، و از کسی که صدایت را شنید، و یاریات نمود، ای کاش با شما بودم، و به رستگاری بزرگ می‌رسیدم.

مؤلف گوید: این سه زیارت [چهارم و پنجم و ششم] از کتاب «مزار» ابن قولویه منقول است.

زیارت هفتم حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام

(زیارت وارث)

شیخ طوسی در کتاب «مصابح» از صفوان جمال روایت کرده: از امام صادق علیه السلام برای زیارت مولایمان حسین علیه السلام اجازه خواستم، و استدعا نمودم، برای من جهت زیارت آن حضرت دستور العملی ذکر کند، که به آن صورت به زیارت اقدام کنم، فرمود: ای صفوان، پیش از حرکت به سفر، سه روز روزه بدار، و روز سوم غسل کن، پس اهل و عیال خود را نزد خویش جمع کن و چنین بگو اللهم انی استودعک تا آخر دعا که قبلاً ذکر شد. آنگاه دعایی تعلیم او فرمود که وقتی به فرات برسد بگوید. سپس فرمود: با آب فرات غسل کن، به درستی که پدرم مرا از پدران علیهم السلام خبر داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا فرزند من حسین، پس از من در کنار فرات کشته خواهد شد، هرکه او را زیارت کند، و از فرات غسل نماید، گناهان او بریزد و مانند روزی شود که مادر او را به دنیا آورده است.

چون غسل کنی در حال انجام غسل بگو: به خدا، و با خدا. خدایا آن را قرار ده روشنی و پاک کننده و نگهدارنده، و شفای از هر درد و بیماری و آفت و آسیب، خدایا دلم را با آن پاک کن، و سینه‌ام را بگشای، و کارم را با آن آسان گردان. چون از غسل فارغ شوی دو جامه پاکیزه بپوش، و در مشرعه دو رکعت نماز بجای آر، که آن همان مکانی است که حق تعالی درباره شأنش فرمود: «در زمین قطعه‌هایی است نزدیک

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 665

یکدیگر، و بوستانهاست از انواع انگور، و کشتزار و باغستانهایی است از خرما، دو تا از يك ریشه رسته، و غیر دو تا از يك اصل روییده شده، به يك آب، آبخورده می‌شوند، و بعضی از آنها را بر بعضی دیگر از میوه زیادتى می‌دهیم».

چون از نماز فارغ شوی، با حالتی آرام، و همراه با وقار به جانب حائر حرکت کن، و گامهای خود را کوتاه بردار، به درستی که خدای تعالی برای گامی که برمی‌داری برایت حجّ و عمره می‌نویسد، و با دل فروتن و دیده‌گریان راه برو و بسیار کن ذکر الله اکبر و لا اله الا الله و ثنا بر خدا، و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به ویژه صلوات بر حسین علیه السلام را. و بسیار کن لعنت بر قاتلان آن حضرت و بیزاری جستن از کسانی که در ابتدا، پایه ظلم و جور بر اهل بیت علیهم السلام را بنا گذاشتند. هرگاه به درگاه حائر رسیدی بایست و بگو:

خدا بزرگتر است بزرگتر، و سپاس خدا راست بسیار، و منزه است خدا هر صبح و شب، سپاس خدای را که ما را به این مسیر هدایت کرد، و ما نبودیم کسانی که هدایت شویم، اگر خدا هدایتمان نمی‌کرد، همانا رسولان پروردگار ما به حق آمدند. پس بگو:

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، سلام بر تو ای سرور رسولان، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای امیر مؤمنان، سلام بر تو ای آقای جانشینان، سلام بر تو ای پیشوای سپیدرویان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه، سرور زنان جهانیان، سلام بر تو و بر امامان از فرزندان، سلام بر تو ای جانشین امیر مؤمنان، سلام بر تو ای صدیق شهید، سلام بر شما ای فرشتگان که مقیم در این مقام شریفید،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 666

سلام بر شما ای فرشتگان پروردگارم، که گرداگرد قبر حسین (درود بر او) هستید، سلام بر شما از سوی من همیشه تا هستم و شب و روز برپاست. سپس می‌گویی سلام بر تو ای ابا عبد الله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، بندهات و فرزند کنیزت هستم، اقرار به غلامی شما دارم، و ترك كننده مخالفت با شمايم، دوستدار دوستانتان، و دشمن دشمنانتان می‌باشم، حرمت را قصد کرده، و به زیارتگاهت پناه آورده، و به سوی تو با قصد کردند تقرّب جسته، آیا وارد شوم ای رسول خدا؟، آیا وارد شوم ای پیامبر خدا، آیا وارد شوم ای امیر مؤمنان، آیا وارد شوم ای سرور جانشینان آیا وارد شوم ای فاطمه سرور زنان جهانیان، آیا وارد شوم ای مولایم ای ابا عبد الله، آیا وارد شوم ای مولایم ای فرزند رسول خدا! پس اگر دلت فروتن و دیده‌ات گریان شد، نشانه اجازه ورود است، پس وارد شو و بگو:

سپاس خدای را آن یگانه و یکتا و فرد و بی نیازی که مرا به ولایت هدایت نمود، و به زیارت اختصاص داد، و آهنگ به سوی تو را برآیم آسان نمود. آنگاه تا درگاه قبه مطهره برو، و برابر بالا سر بایست و بگو:

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 667

حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث امیر مؤمنان ولی خدا، سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، و تنهای ستمدیده، شهادت می دهم که تو نماز بپا داشتی، و زکات پرداختی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و خدا و رسولش را اطاعت کردی، تا مرگ تو را دررسید، خدا لعنت کند ملتی را که تو را کشتند و لعنت کند مردمی را که به تو ستم نمودند، و لعنت کند ملتی را که این واقعه را شنیدند و به آن راضی شدند، ای مولای من ای ابا عبد الله، شهادت می دهم که تو نوری بودی در صلبهای شامخ، و رحمهای پاکیزه جاهیت با ناپاکیهایش، آلودهات نکرد، و به تو نپوشاند از جامه های تیره و تارش، و شهادت می دهم که تو از ستونهای دین، و پایه های مردم با ایمانی، و شهادت می دهم که تویی پیشوای نیکوکار با تقوای پسندیده پاکیزه هدایتگر و ره یافته و شهادت می دهم که امامان از فرزندان ریشه تقوا، و نشانه های هدایت، و دستاویز محکم، و حجت بر اهل دنیا هستند، و گواه می گیرم خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولش را که من به شما ایمان دارم و بر یقین به بازگشت شما، براساس قوانین دینم و عواقب عملم، و دلم تسلیم دل شما، و کارم پیرو کار شماست درود خدا بر شما، و بر ارواح و اجساد و پیکرهایتان و بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 668

حاضر و غایب و آشکار و باطنتان. پس خود را به روی قبر ببنداز، و آن را ببوس و بگو: پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت ای ابا عبد الله، بزرگ شد عزا و مصیبت تو بر ما و بر همه اهل آسمانها و زمین خدا لعنت کند قومی که اسبها را زین کردند، و دهانه زدند، و آماده پیکار با تو شدند، ای مولایم ای ابا عبد الله، آهنگ حرمت نمودم، و به زیارتگاهت آمدم، از خدا درخواست می کنم به مقامی که برایت و نزد اوست، و منزلتی که برای تو پیش اوست، که درود فرستد بر محمد و خاندان محمد، و مرا در دنیا و آخرت همراه شما قرار دهد.

آنگاه برخیز و بالای سر دو رکعت نماز بگذار، و در آن دو رکعت پس از سوره حمد هر سوره‌ای را که می‌خواهی بخوان، و پس از نماز بگو: خدایا نماز خواندم و برای تو که یگانه و بی‌شریکی رکوع و سجود نمودم، زیرا نماز و رکوع و سجود، نمی‌باشد مگر برای تو، همانا تویی خدا که معبودی جز تو نیست. خدای درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و از جانب من به آنها بهترین سلام و تحیت را برسان، و بر من بازگردان از جانب آنان سلام را. خدایا این دو رکعت نماز هدیه‌ای است از سوی من به مولایم حسین بن علی (درود خدا بر آنان باد) خدایا بر محمد و آن حضرت درود فرست، و از من بپذیر و پاداشم ده بر آن، براساس بهترین آرزو و امیدم درباره تو و ولی‌ات ای سرپرست مؤمنان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 669

پس برخیز، و به طرف پایین قبر آن حضرت برو، و نزد سر علی بن الحسن علیه السلام بایست و بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند حسین شهید، سلام بر تو ای شهید، سلام بر تو ای ستم‌دیده، و پسر ستم‌دیده، خدا لعنت کند امتی را که تو را کشت، و خدا لعنت امتی را که به تو ستم روا داشت و خدا لعنت کند امتی که این واقعه را شنید و به آن رضایت داد. پس خود را بر قبرش بینداز، و آن را ببوس و بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا و پسر خدا، همانا مصیبت و عزای تو بر ما و بر همه مسلمانان بزرگ شد، پس خدا لعنت کند امتی را که تو را کشت، و من به جانب خدا و به سوی تو از آنان بی‌زاری می‌جویم سپس از دری که پایین پای علی بن الحسین علیهما السلام است بیرون بیا، و به سوی شهدا متوجه شود و بگو: سلام بر شما ای اولیای خدا و عاشقان، سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستدارانش، سلام بر شما ای یاران دین خدا، سلام بر شما ای یاران رسول خدا، سلام بر شما ای یاران امیر مؤمنان، سلام بر شما ای یاران فاطمه سرور زنان جهانیان، سلام بر شما ای یاران ابی محمد حسن بن علی آن ولی خیرخواه، سلام بر شما ای یاران ابا عبد الله پدر و مادرم فدای شما، پاکیزه شدید، و پاکیزه شد زمینی که شما در آن دفن شدید، و به رستگاری بزرگی رسیدید، ای کاش منهم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 670

با شما بودم تا همراه شما به رستگاری می‌رسیدیم. آنگاه به جانب بالای سر امام حسین علیه السلام برگرد، و برای خود و اهل و اولاد و پدر و مادر و برادران خود، بسیار دعا کن، زیرا در آن روضه مطهره دعای دعاکننده، و درخواست درخواست کننده رد نمی‌شود. مؤلف گوید: این زیارت، معروب به زیارت وارث است و مأخذش کتاب «مصباح المتجهد»

شیخ طوسی می‌باشد، که از کتب بسیار معتبر و معروف نزد علماست، من این زیارت را بدون واسطه، از همان کتاب شریف نقل کردم، و پایان زیارت شهدا همان بود که ذکر شد: فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم پس این اضافه‌هایی که بعضی بعد از فافوز معکم ذکر نموده‌اند: فی الجنان مع النبیین و الصّدیقین و الشّهداء و الصّالحین و حسن اولئک رفیقاً. السّلام علی من کان فی الحائر معکم و علی من لم یکن فی الحائر معکم الخ

تمامی آنها زیادی و اضافی است. شیخ ما در کتاب «لؤلؤ مرجان» فرموده است که این کلمات متضمّن چند دروغ واضح است، علاوه بر جسارت ارتکاب بدعت، و جسارت افزودن بر فرموده امام علیه السّلام چنان شایع و متعارف شده، که چند هزار مرتبه در شب و روز، در عرصه گاه مرقد منور ابی عبد الله الحسین علیه السّلام و محضر فرشتگان مقرب و مطاف پیامبران مرسل علیهم السّلام به آواز بلند خوانده می‌شود، و احدی به این خوانندگان ایراد نمی‌گیرد، و از گفتن این دروغ و ارتکاب این معصیت نمی‌کند، و کم‌کم این کلمات، در مجموعه‌هایی که در زیارت و ادعیه نادانان از عوام جمع می‌کنند، و گاهی اسمی برای آن می‌گذارند، راه پیدا کرده و به چاپ رسیده است. و از مجموعه این نادانان، به مجموعه آن نادان نقل شده، و کار به جایی رسیده که بر بعضی از طلّاب نیز امر مشتبه شده است. روزی طلبه‌ای را دیدم که آن دروغهای ناروا را برای شهدا می‌خواند، دست بر کتفش گذاشتم، ملتفت من شد، گفتم: از اهل علم چنین اکاذیب در چنین محضری قبیح نیست؟ گفت: مگر روایت نشده؟ تعجب کردم گفتم، نه، گفت: در کتابی دیدم، گفتم در کدام کتاب؟ گفت: «مفتاح الجنان»، ساکت شدم، چه اینکه کسی در بی‌اطلاعی کارش به اینجا رسد، که جمع‌آوری بعضی عوام را کتاب بشمارد، و مستند قرار دهد، قابل سخن گفتن نیست، سپس شیخ مرحوم کلام را در این مقام طول داده، و فرموده است: به حال خود گذاشتن عوام در امثال این امرو جزئی و بدعتها یختصر مثل غسل او یس قرن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 671

و آش ابو الدرداء که تابع و مخلص حقیقی معاویه بوده، و روزه صمت که در روز سخن نگویند، و غیر آنها که احدی در مقام نمی‌برنیاورده، سبب جسارت و جرت شده است، که در هر ماه و سال پیامبر و امام تازه‌ای پیدا می‌شود، و دسته دسته از دین خدا بیرون می‌روند، انتهی کلامه رفع مقامه. این فقیر گوید: در فرمایش این عالم بزرگ که به مذاق شرع مقدم آگاه است، خوب تأمل کن، چگونه این مطلب غمی بزرگ و عقده‌ای گلوگیر در دل او شده، چه او به طور کامل مفاسد این کار را می‌داند، به خلاف آنان که از علوم اهل بیت علیهم السّلام محروم و بی‌بهره ماندند، و به دانستن سخنی وفق آن عمل کنند، لا جرم کار به جایی می‌رسد که کتابهایی همچون «مصباح المتجهّد، اقبال، مهج الدعوات، جماع الاسبوع، مصباح الزائر، بلد الامین، حنة الواقية، مفتاح الفلاح، مقياس، ربيع الاسابيع، تحفة، زاد المعاد».

و امثال این کتب متروک و مهجور شود، و این مجموعه‌های احمقانه شایع شود، که در دعای مجیر که از دعا‌های معتبره مرویه است، در هشتاد موضع آن کلمه بعفوک زیاد کنند، و کسی انکار نکند، و در دعای جوشن که مشتمل بر صد فصل است، برای هر فصلی يك خاصیتی وضع کنند، و با بودن این همه زیارت مأثوره، زیارت مفجعه جعل نمایند، و با بودن این همه دعا‌های معتبر مرویه با مضامین عالیه و کلمات فصیحیه بلیغه، دعایی بی‌ربط در کمال برودت جعل کنند، و نام آن را دعای حبی گذارند، و از کنگره عرش آن را ناز کنند، و چندان فضیلت برای آن وضع نمایند که انسان را متحیر و سراسیمه کنند. از جمله آن که العیاذ باللّه، جبرئیل از جانب حق سبحانه و تعالی به رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم گفته باشد: هر بنده‌ای که این دعا را با خود دارد، او را عذاب نکنم، اگرچه مستوجب دوزخ باشد، و عمرش را به معصیت گذرانده، و مرا هیچ وقت سجده نکرده باشد، و عنایت کنم آن بنده را ثواب هفتاد هزار پیغمبر، و ثواب هفتاد هزار زاهد، و ثواب هفتاد هزار شهید، و ثواب هفتاد هزار نمازگزار، و ثواب پوشاندن هفتاد هزار برهنه، و ثواب سیر کردن هفتاد هزار گرسنه، و ثوابی مطابق ریگهای بیابان، و ثواب هفتاد هزار بقعه زمین، و ثواب مهر نبوت رسالت پناه و ثواب عیسی روح الله و ابراهیم خلیل الله، و اسماعیل ذبیح الله، و موسی کلیم الله، و یعقوب نبی الله، و آدم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 672

صفی الله، و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و دیگر فرشتگان، یا محمد هرکه این دعای بزرگوار حبی را بخواند یا با خود بردارد، او را بیامرزم، و شرم دارم که او را عذاب کنم ... الخ!! و سزاوار است، انسان از شنیدن اینها عوض خنده بگیرد. کتابهای دعای شیعه، به مرتبه‌ای متقن و محکم بوده، که غالب آنها که استنساخ می‌کردند، خودشان از اهل علم بودند، و از روی نسخه‌هایی که به خط اهل علم و تصحیح شده علما بوده مقابله و تصحیح می‌نمودند و اگر اختلافی بود، در حاشیه‌اش اشاره می‌کردند، مثلاً در دعای مکارم الاخلاق، «و بلغ ایمانی» در حاشیه‌اش اشاره می‌کنند، در نسخه ابن شناس و ابلیغ بایمانی است، و در روایت ابن شاذان اللهم ابلغ ایمانی است، یا مثلاً فلان کلمه به خط ابن سکون چنین است، و به خط شهید چنین، و همچنین کار کتابهای معتبر دعا به جایی رسیده، که منحصر به کتاب مفتاح شده که فی الجمله وصفش را شنیدی، و این کتاب مرجع عوام و خواص و عرب و عجم شده، و این نیست، جز از بی‌اعتنایی اهل علم به حدیث، و اخبار، و رجوع نمودن به کتب علما و فقهای اهل بیت اطهار و نهی نکردن از امثال این بدعتها، و اضافات، و دسیسه و ضاعان [آنان که از پیش خود جعل حدیث می‌کنند، و به پیامبر و امام می‌بندند] و تحریف جاهلان، و جلو نگرفتن از نااهلان، و از تصرفات بی‌خردان، تا کار به جایی رسیده که دعاها موافق سلیقه‌ها تلفیق شده، و زیارتها و مفجعه‌ها و صلواتها اختراع گشته، و مجموعه‌های بسیار از دعا‌های ساختگی و قلابی چاپ شده، و بچه مفتاحها متولد گشته، و کم‌کم سرایت کرده، به سایر کتب رسیده، و شایع و رواج یافته است.

مثلاً کتاب منتهی الآمال این احقر را تازه طبع کرده‌اند، بعضی از خطاطان آن، به سلیقه خود تصرفاتی در آن نموده، از جمله در احوال مالك بن يسر ملعون نوشته: از دعای امام حسین علیه السّلام هر دو دست او از کار افتاده بود، الحمد لله، در تابستان همانند دو چوب خشك می‌گردید الحمد لله، در زمستان خون از آنها می‌چکید الحمد لله، و بر این حال خسران مآل بود الحمد لله در این دو سطر عبارت، چهار لفظ «الحمد لله» را کاتب موافق سلیقه خود جزو عبارت کرده است، و نیز در بعضی از مواضع کتاب پس از نام جناب زینب یا امّ کلثوم، به سلیقه خود لفظ خاتم اضافه کرده، که زینب خاتم، و امّ کلثوم خاتم گفته شود، به خاطر آنکه از آن مخدّرات تجلیل شود، و کاتب حمید بن قحطبه را چون دشمن داشته، به علت بدی او

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 673

حمید بن قحبه نوشته، ولی احتیاط نموده قحطبه را به عنوان نسخه بدل آن یادداشت کرده، و عبد ربه را صلاح دیده عبد الله نوشته، و زحر بن قیس را که حاء بی نقطه است، در هر کجای کتاب بوده، به جیم نوشته، و امّ سلمه را غلط دانسته، و تا در امکانش بوده‌ام ام السلمه کرده، الی غیر ذلک، غرضم از ذکر این مطلب در اینجا دو چیز بود:

یکی آن‌که تصرفاتی که این شخص به سلیقه خود کرده، آن را کمال دانسته، و خلافتش را نقص فرض کرده، درحالی‌که آن چیزی که او کمال دانسته باعث نقصان شده است، بنابراین از اینجا قیاس کنیم به چیزهایی که ما از روی جهل و نادانی در دعاها داخل می‌کنیم، یا به سلیقه ناقص خود بعض تصرفات می‌نماییم، و آن را کمال فرض می‌کنیم بدانیم که همان چیزها نزد اهلش سبب نقصان، و بی‌اعتباری آن دعاها، یا زیارت خواهد بود، پس شایسته است، که ما به هیچ وجه در این باب مداخله نکنیم، و هرچه دستور العمل دادند، به همان رفتار کرده و از آن تخطی نکنیم، و دیگر غرضم آن بود که معلوم گردد هرگاه نسخه‌ای که مؤلفش زنده، و حاضر، و نگهبان او باشد، با آن این گونه رفتار کنند، پس با سایر نسخه‌ها چه کردند، و به کتابهای چاپی دیگر چه اعتماد است؟ مگر کتابی که از مصنفات مشهور علمای معروف باشد، و به نظر ثقه‌ای از علمای آن فن رسیده، و امضا فرموده باشد. در حال ثقه جلیل، فقیه پیشین در اصحاب ائمه علیهم السّلام یونس بن عبد الرحمن روایت شده است که کتابی در اعمال شبانه‌روز نوشته بود، جناب ابو هاشم جعفری آن کتاب را به نظر مبارك حضرت عسگری رساند، حضرت تمام آن را مطالعه و به دقت بررسی نمود، پس از آن فرمود: هذا دینی و دین ابائی کله و هو الحقّ کله این دین من و دین پدران من است، و تماش حق می‌باشد، ملاحظ کن که ابو هاشم جعفری، با آن‌که بر کثرت علم و فقاها و جلالت و دیانت جناب یونس مطلع بوده، در عمل کردن به کتاب او اکتفا نکرده، تا آن‌که آن را به نظر مبارك امام خود رسانید. و نیز روایت شده از بورق شنجانی هراتی که مردی معروف به

صدق و صلاح و ورع بوده، در سامره خدمت امام حسن عسکری علیه السّلام رسید، و کتاب «یوم و لیل» شیخ جلیل القدر فضل بن شاذان نیشابوری را به آن حضرت داد و گفت: فدایت شوم، می‌خواهم در این کتاب نظر فرمایم، و ورق ورق آن را ملاحظه کنی، حضرت فرمود:

هذا صحيح ينبغي ان تعمل به این کتاب صحیح است و شایسته است به آن عمل کنی الی غیر ذلك. و این احقر با این

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 674

که مذاق مردم این زمان، و عدم اهتمامشان را در امثال این امرو می‌دانستم، برای اتمام حجت سعی و کوشش بسیار کردم که دعاها و زیارات منقول در این کتاب حتی الامکان، از نسخه‌های اصل نقل شود، و بر نسخه‌های متعددی عرضه گردد و به اندازه‌ای که از عهده بر آید تصحیح آن نمایم، تا عامل به آن از روی اطمینان عمل کند ان شاء الله، به شرط آن‌که کاتبان و ناسخان، در آن تصرف ننمایند، و خوانندگان، اختراع و سلیقه‌های خو را کنار گذارند. شیخ کلینی رحمه الله از عبد الرحیم قصیر نقل کرده: خدمت امام صادق علیه السّلام رسید، و عرض کرد: فدایت شوم، من از پیش خود دعایی اختراع کرده‌ام، حضرت فرمود: مرا از اختراع خود بگذار، یعنی آن را کنار گذار، و برای من نقل مکن، و اجازه نداد، دعای جمع کرده‌اش را نقل کند و خود حضرت برای اودستور العملی عنایت فرمود. شیخ صدوق رحمه الله از عبد الله بن سنان روایت کرده: امام صادق علیه السّلام فرمود: به همین زودی به شما شبهه‌ای می‌رسد، پس می‌مانید بدون نشانه و راهنما و پیشوای هدایت‌گر و در آن شبه نجات نمی‌یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند، گفتیم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می‌گویی:

ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای زیرورکننده دلها، دلم را بر دینت پا برجا کن. پس گفتیم: ای زیرورکننده دلها و دیده‌ها، دلم را بر دینت پا برجا کن. حضرت فرمود: خدای عزّ و جلّ مقلب قلوب و ابصار است، ولی چنان‌که من می‌گویم بگو: یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک تأمل در این دو حدیث شریف، برای بیداری کسانی که در دعاها به سلیقه خود، بعضی کلمات را زیاد می‌کنند، و پاره‌ای تصرفات می‌نمایند کافی است، و الله العاصم.

بخش دوم: در زیارت حضرت عباس بن علی بن ابیطالب علیه السّلام

شیخ اجل، جعفر بن قولویه قمی به سند معتبر از ابو حمزه ثمالی روایت کرده: امام صادق علیه السلام فرموده: هرگاه قصد کردی که قبر عباس بن علی علیه السلام را زیارت کنی که در کنار فرات برابر حایر است، بر در روضه می ایستی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 675

و می گویی: سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش، و پیامبران مرسلش، و بندگان شایسته اش، و همه شهیدان و صدیقان و دروهای پاک و پاکیزه در آنچه می آید و می رود بر تو باد ای فرزند امیر مؤمنان، شهادت می دهم برای حضرتت به تسلیم و تصدیق و وفا، و خیرخواهی، برای یادگار پیامبر مرسل (درود خدا بر او و خاندانش باد)، و فرزندزاده برگزیده، و راهنمای دانا، و جانشین تبلیغ گر، و ستمدیده غارت زاده، خدا از جانب پیامبر و امیر مؤمنان و حسن و حسین (درود خدا بر ایشان) جزایت دهد برترین جزا به خاطر این که صبر کردی و کار خویش را تنها به حساب خدا گذاشتی، و یاری نمودی پس چه نیکو سرانجامی است خانه آخرت. خدا لعنت کند کسی را که کشت، و لعنت کند کسی را که جاهل بود به حقت، و حرمت را سبک شمرد، و خدا لعنت کند کسی را که بین تو و آب فرات پرده شد، شهادت می دهم که تو مظلومانه کشته شدی، و خدا به وعده ای که به شما داده وفا می کند، به سوی تو آمدم ای فرزند امیر مؤمنان دارد به محضر شمام دلم تسلیم و پیرو شماست، و خود نیز پیرو شمام، یاری ام برای شما مهیاست، تا خدا حکم کند، و او بهترین حکم کنندگان است، پس با شمام تنها با شما نه با دشمن شما، من به شما و بازگشتتان مؤمن، و به آنان که با شما مخالفت کردند، و شمار را کشتند کافرم، خدا بکشد امتی را که شما را با دستها و زبانهایشان کشتند.

سپس وارد روضه شو، و خود را به ضریح بچسبان و بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 676

سلام بر تو ای بنده شایسته فرمانبر خدا و رسول خدا، و امیر مؤمنان و حسن و حسین (درود خدا بر آنان باد)، سلام و رحمت خدا و برکات و مغفرت و رضوانش بر تو بر روان و تن تو، شهادت می دهم و خدا را شاهد می گیرم، که تو به همان مسیری رفتی که اهل بدر رفتند، و در آن راه از دنیا گذشتند، آن مجاهدان در راه خدا، و خیرخواهان برای خدا، در مبارزه با دشمنان خدا، و تلاش گران در یاری اولیایش، آن دفاع کنندگان از عاشقانش، خدا پاداشت دهد، به برترین و بیشترین، و کامل ترین پاداش، و وفاکننده ترین پاداش، یکی از آنان که به بیعت او وفا کرد، و دعوتش را اجابت نمود، و از والیان امر اطاعت کرد شهادت می دهم، که در خیرخواهی کوشیدی، و نهایت تلاش را انجام دادی، خدا تو را در زمره

شهیدان برانگیزد و روح را در کنار ارواح نیکبختان قرار دهد، و از بهشتش وسیع‌ترین منزل را به تو عطا کند، و برترین غرفه‌ها را ارزانی نماید، و نامت را در بالاترین درجات بالا برد، و با پیامبران و صدیقان و شهدا و شایستگان مشحور نماید، آنها خوب رفیقانی هستند، شهادت می‌دهم که تو سستی نورزیدی، و باز ناپستادی، و بر آگاهی از کارت از دنیا رفتی، در حال پیروی از شایستگان، و پیروی از پیامبران پس خدا بین ما و رسول خود و اولیایش در جایگاهای فروتنان گرد آورد که او مهربان‌ترین مهربانان است.

مؤلف گوید: خوب است این زیارت را، پشت سر قبر، به طرف قبله بخوانی، چنان‌که شیخ در «تهدیب»

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 677

چنین فرموده: سپس وارد شو. و خود را با رو به قبر بیانداز، و چنین بگو درحالی‌که رو به جانب قبله‌ای السلام علیک ایها العبد الصالح و بدان که زیارت قمر بنی هاشم موافق روایت مذکور، همین بود که ذکر شد، ولی سید ابن طاووس و شیخ مفید و دیگران پس از این زیارت فرموده‌اند که به سمت بالا سر برو، و دو رکعت نماز بخوان، و بعد از آن هرچه خواهی نماز بجا آور، و بسیار خدا را بخوان و پس از نماز بگو: خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و در این مکان مکرم، و زیارتگاه بزرگ، برای من گناهی مگذار جز آن‌که بیماری، و نه اندوهی جز آن‌که برطرف نمایی، و نه بیماری جز آن‌که شفا دهی، و نه عیبی جز آن‌که بپوشانی، و نه رزقی جز آن‌که بگسترانی، و نه ترسی جز آن‌که ایمنی دهی، و نه پراکندگی جز آن‌که گرد آوری، و نه دور از نظری جز آن‌که حفظ کنی و دیدارش را نزدیک نمایی، و نه حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت، که تو را در آن رضایت و مرا در آن مصلحت است جز آن‌که برآوری، ای مهربان‌ترین مهربانان. بعد به جانب ضریح بازگرد، و نزد پاهای مبارک بایست و بگو: سلام بر تو ای ابا الفضل العباس فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای فرزند اولین نفر امت در اسلام آوردن، و پیش‌ترینشان در ایمان و استوارترینشان در پای‌بندی به دین خدا، و با احتیاط‌ترینشان بر اسلام، شهادت می‌دهم که تو برای خدا و رسولش و برادرت خیرخواهی نمودی، پس چه خوب برادر همدردی بودی، خدا لعنت کند امتی را که تو را کشت، و لعنت کند امتی را که به تو ستم روا داشت، و لعنت کند امتی را که حرمت‌های تو را حلال شمرد، و پرده احترام اسلام را درید، پس چه نیکو صبرکننده، جهادگر حامی، یاری‌دهنده و برادر دفاع‌کننده از برادرش بودی، و پاسخ‌دهنده طاعت پروردگارش، و علاقمند به آنچه دیگران به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 678

بی‌رغبت شدند، که همان پاداش بزرگ، و ستایش زیباست، و خدا تو را به درجه پدرانیت، در بهشت‌های پرنعمت ملحق کرد. خدایا معترض زیارت اولیایت شدم به خاطر رغبت در پاداشت، و امید به آمرزش، و احسان فراوانت، پس از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان پاکش درود فرستی، و روزی‌ام را به خاطر ایشان زیاد نمایی و زندگی‌ام را به خاطر آنان برقرار داری، و زیارت را به حق آنان مقبول قرار دهی، و حیاتم را دلپسند فرمایی، و مرا با گروه اهل کرامت همراه نمایی و از کسانی قرار دهی که از زیارت زیارتگاه‌های عاشقانت رستگار و کامیاب بازمی‌گردند، درحالی که مستوجب آمرزش گناهان، و پوشیدن عیبها، و برطرف شدن گرفتاریها شده باشد، به راستی تو اهل پروا و آمرزشی.

چون بخواهی آن حضرت را وداع کنی، به نزد قبر شریف برو، و این جملات را که در روایت ابو حمزه ثمالی است، و علماهم ذکر کرده‌اند بگو: تو را به خدا می‌سپارم و خواستار رعایت توأم، و بر تو سلام می‌فرستم، ایمان آوردیم به خدا و رسول و کتابش، و به آنچه پیامبر از پیش خدا آورد، خدایا ما را با گواهان این حوادث بنویس، خدا آن را آخر عهد من از زیارت قبر فرزند برادر رسالت (درود خدا بر او و خاندانش باد) قرار مده، و زیارتش را همواره تا زنده‌ام می‌داری روزی من فرما، و مرا با او و با پدرانش در بهشت محشور گردان، و میان من و او و رسول و اولیایت شناسایی ایجاد کن. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بمیران، بر پایه ایمان به خود، و باور نسبت به پیامبرت، و ولایت امیر مؤمنان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 679

و امامان از فرزندان (درود بر آنان باد) و بیزاری از دشمنانشان، که من ای پروردگارمان همانا به این امر خشنودم، و درود خدا بر محمد و خاندان محمد. پس برای خود، و برای پدر و مادر و مؤمنان و مسلمانان دعا کن، و از دعاها هر دعایی را که می‌خواهی اختیار کن.

مؤلف گوید: در خبری از حضرت سجاد علیه السلام آنچه حاصلش این است روایت شده: خدا رحمت کند عباس علیه السلام را که نسبت به برادر خود ایثار کرد، و جانش را فدای آن حضرت نمود، تا این که در راه یاری او دو دستش را از بدن جدا کردند و خدا به جای دو دست او دو بال به آن جناب عنایت فرمود، که مانند جعفر بن ابی طالب با آن دو بال همراه فرشتگان در بهشت پرواز می‌کند، و برای عباس در قیامت نزد خدا مقامی است که مورد غبطه همه شهداست، و تمام شهیدان را آرزوی مقام اوست، روایت شده: قمر بنی هاشم به هنگام شهادت سی و چهار ساله بود، و امّ النبین مادر آن حضرت در ماتم او و سه برادر دیگر عباس به بقیع می‌رفت و چنان ندبه و گریه می‌کرد، که هر شخصی از آنجا

می گذشت گریان می شد، گریستن دوستان عجیبی نیست، مروان بن حکم که از بزرگترین دشمنان خاندان نبوت بود، چون بر ماتم ام البنین عبور می کرد، از اثر گریه او گریه می کرد و این اشعار از ام البنین در مرثیه قمر بنی هاشم و دیگر پسرانش نقل شده است:

| | |
|--|--|
| ای که عباس را دیدی حمله می کرد بر توده های | و از فرزندان حیدر هر شیر یال داری دنبال او |
| فرومایه | بود |

| | |
|---|--|
| خبردار شده ام که به سر فرزندم ضربت وارد شده | وای بر من بر شیر بچه ام که ضربت عمود سرش |
| درحالی که بریده دست بود | را خمیده کرد |

اگر شمشیرت در دستت بود کسی نمی توانست به
تو نزدیک شود

و نیز از اوست:

| | |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| وای بر تو مرا دیگر مادر پسران مخوان | که مرا به یاد شیران بیشه ام می اندازی |
|-------------------------------------|---------------------------------------|

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 680

| | |
|--|---|
| مرا پسرانی بود، که به آنان خوانده می شوم | اما امروز برای من پسرانی نیست |
| چهار پسر مانند کرکسان بلندیها | که با بریده شدن رگ حیات یکی پس از دیگری |
| | به مرگ پیوستند |
| نیزه ها بر پیکرهایشان ستیزه داشتند | همه آنان با تن مجروح به خاک افتادند |

ای کاش می دانستم آنچنان است که خبر دادند این که دست عباسم بریده شده بود

بخش سوم: در زیارت مخصوصه حضرت ابو عبد الله الحسین علیه السلام

و آن چند زیارت است:

اول: زیارت اول رجب و نیمه آن و نیمه شعبان از امام صادق علیه السلام روایت شده

: هرکه در روز اول ماه رجب امام حسین علیه السلام را زیارت کند. البته حق تعالی او را بیامرزد، از ابن ابی نصر نقل شده: از حضرت رضا علیه السلام پرسید، در کدام وقت بهتر است امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم، ایشان فرمود: در نیمه رجب و نیمه شعبان. شیخ مفید و سید ابن طاووس گفته اند: این زیارت که ذکر می شود برای روز اول رجب و شب نیمه شعبان است، ولی شهید شب اول رجب و شب و روز نیمه رجب و روز نیمه شعبان را، بر آن افزوده. پس بنا بر فرموده شهید، این زیارت برای شش وقت است. کیفیت این زیارت چنین است: هرگاه در این اوقات خواستی ابو عبد الله الحسین علیه السلام را زیارت کنی. غسل کنی. و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و بر در بارگاه آن حضرت به طرف قبله بایست و سلام کن بر جناب رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم و بر امیر مؤمنان علیه السلام و بر حضرت فاطمه و بر امام حسن و امام حسین و بر دیگر امامان علیهم السلام، پس از این در اذن دخول زیارت عرفه، کیفیت سلام کردن بر این بزرگواران خواهد آمد [صفحه 698]، سپس وارد شو، و نزد ضریح مقدس بایست و صد مرتبه بگو: الله اکبر آنگاه بخوان:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران، سلام بر تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 681

ای فرزند آقای رسولان، سلام بر تو ای فرزند آقای جانشینان، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای حسین بن علی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانیان سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا، سلام بر تو ای برگزیده

خدا، و فرزند برگزیده خدا، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا و فرزند حبیب خدا، سلام بر تو ای نماینده خدا و فرزند نماینده خدا، سلام بر تو ای خزانه دار کتاب بر نوشته، سلام بر تو ای وارث تورات و انجیل و زبور، سلام بر تو ای امین رحمان، سلام تو ای همدیف قرآن، سلام بر تو ای ستون دین، سلام بر تو این دروازه حکمت پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای دروازه و فروریزی گناهان، که هرکه بر آن وارد شد، از ایمان بوده سلام بر تو ای خزانه دار علم خدا، سلام بر تو ای جایگاه راز خدا، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، و ای تنهای مظلوم، سلام بر تو و بر ارواحی که به درگاهت فرود آمدند و به بارگاهت بار انداختند، پدر و مادر و جانم به فدایت ای ابا عبد الله هر آینه مصیبت بر ما و همه اهل اسلام بزرگ شده و عزایت برجسته گشته، خدا لعنت کند امتی را که اساس ستم ولی عدالتی را بر شما اهل بیت بنیان نهاد، خدا لعنت کند امتی را که شما را از مقامتان دور کرد، و از مرتبه هایتان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 682

که خدا برای شما چیده بود برکنار نمود، پدر و مادر و جانم به فدایت ای ابا عبد الله، هر آینه به خاطر خوشای شما سقفهای عرش، با نهادهای خلاق به لرزه افتاد، و آسمان و زمین و ساکنان بهشت، و خشکی و دریا بر شما گریست، درود خدا بر تو، به شماره آنچه در عالم خداست، لبیک خواننده خدا، اگر بدتم هنگام استغاثات، و زبانم وقت یاری خواستنت، پاسخ را نداد هر آینه دل و گوش و چشمم پاسخ را داد، منزه است پروردگار ما که وعده پروردگار ما به راستی انجام شدنی است، گواهی می دهم که تو پاک و پاکیزه پاک شده ای، از نسل پاک و پاکیزه و پاک گشته، پاک شدی و شهرها به وسیله تو پاک شد، و پاک شد زمینی که تو در آن هستی، و پاک شد حرمت، گواهی می دهم که تو امر به عدل و داد نمودی، و دعوت کردی به آن دو حقیقت، و هر آینه تو راستگو و راست پیشه ای، در آنچه به سوی آن دعوت کردی راست گفتی، و تو خون خدا در زمین هستی، و شهادت می دهم که آنچه وظایف بود به خوبی رساندی از جانب خدا، و جدت رسول خدا، و پدرت امیر مؤمنان، و برادرت حسن و خیرخواهی نمودی، و در راه خدا جهاد کردی، و خدا را مخلصانه بندگی نمودی تا مرگ تو را در رسید، خدا پاداشت دهد، بهترین پاداشت پیشی گیران، درود و سلام کامل خدا بر تو، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و درود فرست بر حسین مظلوم، حسین شهید و رشید، کشته اشکها و دچار اندوهها و نارحتیها، درودی فزاینده، مبارک، که بالا رود آغازش، و سپری نگردد انجامش،

برترین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 683

درودی که بر یکی از فرزندان پیامبران مرسلت فرستادی، ای معبود جهانیان. آنگاه قبر مطهر را بیوس و طرف راست صورت خود را بر قبر بگذار، و پس از آن طرف چپ را، سپس دور قبر بگرد، و چهار جانب قبر را بیوس، شیخ مفید رحمه الله فرموده است: آنگاه به سوی قبر علی بن الحسین علیه السلام برو، و نزد قبر آن جانب بایست و بگو:

سلام بر تو ای صدیق پاک و پاکیزه، محبوب و مقرب، و فرزند گل معطر رسول خدا، سلام بر تو از آن رو که شهیدی و عامل در راه خدا، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، چه گرمی است مقاومت و چه باشرافت است بازگشتگاهت، گواهی می‌دهم که خدا از کوششت قدردانی نمود، و پاداشت را شایان ساخت، و به مرتبه‌ای بس بلند ملحق نمود، جایی که شرف است، همه شرف، و در غرفه‌های بلند چنان که از پیش بر تو منت نهاد، و تو را از اهل بیته قرار داد، که خدا، پلیدی را از آنها دور ساخت و پاکشان نمود، پاک ساختنی کامل، درود و رحمت و برکات و خشنودی خدا بر تو باد، به سوی پروردگارت، ای آقای پاک شفیع شو، در فرو ریختن گناهان از پیوندهام، و سبک شدن آنها از من، رحم کن به خواری و فروتنی‌ام در برابرت، و در برابر سرور پدرت، درود خدا بر شما هر دو باد. پس خود را به قبر بچسبان و بگو: خدا در شرفتان در آخرت بیفزاید، چنان که در دنیا شما را شرافت داد، و خوشبختتان کند چنان که خوشبخت گردانید، و من گواهی می‌دهم که شما نشانه‌های دین و ستارگان جهانید و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد. سپس به جانب شهدا رو کن و بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 684

سلام بر شما ای یاوران خدا، و یاوران رسول خدا، و یاوران علی بن ابیطالب، و یاوران فاطمه، و یاوران حسن و حسین، و یاوران اسلام، گواهی می‌دهم که شما برای خدا خیرخواهی نمودید، و در راهش جهاد گردید، پس خدا شما را از سوی اسلام و اهلش، پاداش ارزنده دهد، برترین پاداش، به رستگاری رسیدید به خدا قسم، رستگاری بزرگ، ای کاش من هم با شما بودم، و به رستگاری بزرگ می‌رسیدم، گواهی می‌دهم که شما نزد خدا زنده هستید و روزی داده می‌شوید، و گواهی می‌دهم که شما شهیدان و سعادتمندانید، و رستگاران در درجات بلند، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد. پس از آن بازگرد، و نزدیک سر مبارك آن حضرت بیا، و نماز زیارت بخوان و برای خود و پدر و مادر و برادران مؤمن دعا کن. بدانکه سید ابن طاووس برای حضرت علی اکبر و دیگر شهدا (قدس الله ارواحهم) زیارتی مشتمل بر اسامی آنان نقل کرده که ما به ملاحظه اختصار و شایع بودن و اشتهاور آن زیارت، از ذکر آن خودداری کردیم.

دوم: زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه رجب

غیر زیارتی که گذشت، و آن زیارتی است که شیخ مفید رحمه الله در کتاب «مزار» نقل کرده، و از زیارات مخصوصه نیمه رجب است، نیمه رجبی که آن را «غفيله» می گویند، به سبب غفلت عموم مردم از فضیلت آن، چون در این وقت زیارت آن حضرت را قصد کردی، وارد حرم مطهر شو و سه مرتبه بگو: الله اکبر و نزد قبر نورانی حضرت بایست و بگو:

سلام بر شما ای خاندان خدا، سلام بر شما ای برگزیدگان خدا، سلام بر شما ای انتخاب گشته های خدا از میان خلق، سلام بر شما ای آقایان آقاها، سلام بر شما ای شیران بیشه ها،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 685

سلام بر شما ای کشتیهای نجات، سلام بر تو ای ابا عبد الله الحسین، سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران، رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری، سلام بر تو ای شهید فرزند شهید، سلام بر تو ای کشته فرزند کشته، سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا بر خلقش، گواهی می دهم که تو نماز پیا داشتی، و زکات پرداختی، و به معروف امر کردی، و از منکر نهی نمودی، و مصیبت زده پدر و مادر شدی، و با دشمنت جهاد کردی، و گواهی می دهم که تو سخن را می شنوی، و پاسخ می دهی، و تو حبیب و دوست و بنده نجیب و برگزیده و فرزند برگزیده خدایی، ای مولای من و فرزند مولای من مشتاقانه تو را زیارت نمودم. ای آقای من به درگاه خدا شفیع من باش، ای آقای من، به درگاه خدا طلب شفاعت می کنم به وسیله جدّت سرور پیامبران، و پدرت سرور

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 686

جانشینان، و مادرت فاطمه سرور بانوان جهانیان، خدایا لعنت کند قاتل و ستمگر و غارت گر و دشمنت را از گذشتگان و آیندگان، و درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش. سپس قبر مطهر را ببوس و رو به جانب علی بن الحسین علیه السلام کن و در زیارت آن جناب بگو: سلام بر تو ای مولای من و فرزند مولای من، خدا لعنت کند

کشنده تو و ستم کننده بر تو را، من به زیارت شما و محبتتان به خدا تقرب می جویم، و از دشمنانتان اعلام بیزاری می کنم
سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولایم. بعد برو تا به قبور شهدا (رضوان الله علیهم) برسی آنجا بایست و بگو:
سلام بر ارواح خفته در کنار قبر ابی عبد الله الحسین (درود بر او)، سلام بر شما ای پاکان از آلودگی، سلام بر شما ای
هدایت شده گان سلام بر شما ای نیکان خدا، سلام بر شما و بر همه فرشتگان پیرامون قبرهایتان خدا ما و شما را در جایگاه
رحمتش و زیر عرشش گرد آورد، که او مهربان ترین مهربانان است، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

بعد از آن به حرم عباس بن امیر المؤمنین رفته و چون به آنجا رسیدی بر در بارگاه آن جناب بایست و بگو:

سلام الله و سلام ملائکته المقرّین تا آخر زیارت آن حضرت که پیش از این گذشت [صفحه 675]

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 687

سوم: زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان

بدانکه احادیث بسیاری در فضیلت زیارت آن حضرت، در نیمه شعبان وارد شده که در این باب کافی است تنها به برخی
از آنها اشاره شود. از جمله به چندین سند معتبر از حضرت زین العابدین و امام صادق علیهما السلام نقل شده: هرکه
می خواهد صدویست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند، باید قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام را در نیمه شعبان
زیارت کند به درستی که فرشتگان و ارواح پیامبران رخصت می طلبند، و به زیارت آن حضرت می آیند، پس خوشا به حال
آنکه مصافحه کند با ایشان، و ایشان مصافحه کنند با او، و با آنان پنج پیامبر اولوالعزم: نوح و ابراهیم و موسی و
عیسی و محمد صلی الله علی و آله و علیهم اجمعین). راوی گفت: پرسیدم، برای چه آنان را اولوالعزم می نامند؟ فرمود: به
خاطر اینکه ایشان به مشرق و مغرب و جنّ و انس مبعوث شده اند. و اما الفاظ زیارت، پس به دو صورت نقل شده:

یکی همان زیارت که برای اوّل رجب روایت شده بود و دیگر زیارتی است که شیخ کفعمی در کتاب «بلد الامین» از امام
صادق علیه السلام آورده، و آن زیارت چنین است: نزد قبر آن حضرت می ایستی و می گویی: سپاس خدای والای بزرگ را
و سلام بر تو ای بنده شایسته پاکیزه، گواهی و شهادتی را از جانب خود به تو می سپارم، تا در روز شفاعتت به تو
نزدیکم کند، گواهی می دهم که تو کشته شدی، و هرگز نمردی، بلکه به امید زنده بودن دلهای شیعیان زنده شد، و

خواهندگان به روشنایی نورت، به سوی تو راه یافتند، و گواهی می‌دهم که تویی نور خدا، که هرگز خاموش نشد و هیچگاه نخواهد شد، و اینکه تویی جلوه خدا که نابود نشد، و هرگز نمی‌شود، و گواهی می‌دهم که این تربت، تربت توست، و این حرم، حرم توست، و این جایگاه، جایگاه توست، به خدا قسم، خوار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 688

نیست عزیز دارنده‌ات، و مغلوب نیست یارت، این شهادتی است برای من نزد تو، تا روز تسلیم جانم در حضورت، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

چهارم: زیارت امام حسین علیه السلام در شبهای قدر

بدانکه احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در ماه مبارک رمضان به ویژه شب اول و نیمه و آخر و در خصوص شب قدر بسیار است. از امام جواد علیه السلام نقل شده هر که امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم ماه رمضان زیارت کند، و آن شبی است که امید می‌رود شب قدر باشد، و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدر می‌گردد، روح بیست و چهار هزار فرشته و پیغمبر، که همه از خدا در این شب برای زیارت آن حضرت رخصت می‌طلبند، با او مصافحه کنند. و در حدیث معتبر دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده: چون شب قدر می‌شود، منادی از آسمان هفتم از پشت عرش ندا سر می‌دهد: حق تعالی آمرزید هر که را به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده و در روایت دیگری است هر که شب قدر نزد قبر آنحضرت باشد و دو رکعت نماز یا آنچه میسر میشود نزد آنحضرت بخواند و از خدا بهشت درخواست کند و از آتش پناه ببرد حق تعالی خواهش او را به او عطا فرماید و از آتش پناهش دهد. ابن قولویه از امام صادق علیه السلام روایت کرده هر که در ماه رمضان قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند و در راه زیارت بمیرد و برای او عرض و حسابی نخواهد بود و به او بگویند بدون ترس و بیم وارد بهشت شو اما متنی که در شب قدر امام حسین علیه السلام به آن زیارت میشود چنان است که شیخ مفید و محمد بن مشهدی و ابن طاووس و شهید رحمهم الله در کتب «مزار» ذکر کرده‌اند و آن زیارت را مختص به این شب و روزهای عید فطر و قربان قرار داده‌اند و شیخ محمد بن مشهدی به اسناد معتبر خود آن را از امام صادق علیه السلام روایت کرده و گفته که آن حضرت فرمودند: وقتی خواستی ابو عبد الله الحسین علیه السلام را زیارت کنی به مشهد آن حضرت برو البته بعد از آنکه غسل کرده و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را پوشیده باشی چون نزد قبر آن حضرت ایستادی، روی خود را به جانب آن حضرت کن و قبله را میان دو کتف خود قرار ده و بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند صدیقه طاهره فاطمه، سرور زنان جهانیان، سلام و رحمت و برکات خدا بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 689

تو ای مولایم ابا عبد الله، گواهی می‌دهم که تو نماز پیا دشتی، و زکات پرداختی، و امر به معروف نمودی، و نهی از منکر کردی، و قرآن را تلاوت نمودی تلاوتی شایسته، و برای خدا جهاد کردی جهادی درخور، درباره خدا بر آزارها صبر کردی. درحالی که به حساب خدا گذاشتی، تا مرگت دررسید، گواهی می‌دهم آنان که با تو مخالفت کردند و جنگیدند، و از یاریات دریغ ورزیدند و تو را کشتند، بر زبان پیامبر درس ناخوانده معلوند و البته زیانکار است کسی که دروغ است، خدا ستمکاران بر شما را از گذشتگان و آیندگان لعنت کند، و عذاب دردناک را بر آنان دو چندان نماید، ای مولایم ای فرزند رسول خدا به زیارت آمدن، عارف به حقیقت، دوستدار دوستان، دشمن دشمنان، بینا بر آن هدایتی که بر آن بودی، آگاه به گمراهی کسی که با تو مخالفت ورزید، پس برایم نزد پروردگارت. انگاه خود را به قبر بچسبان، و صورت خویش را بر آن گذار، سپس به جانب سر مقدس رفته و بگو: سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و آسمان، درود خدا بر روح پاک و پیکر پاکیزه‌ات، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولایم. پس خود را به قبر مبارک بچسبان، و آن را ببوس، و صورت خود را بر آن بگذار، و به جانب سر مبارک بازگرد، آنگاه دو رکعت نماز زیارت بجای آر، و بعد از آن به هر اندازه‌ای که توانستی نماز بخوان، پس از آن به سمت پایین پا برو و علی بن الحسین علیهما السلام را زیارت کن و بگو:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای مولای من و پسر مولای من، خدا لعنت کند کسی را که به تو ستم کرد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 690

خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت، و عذاب دردناک را بر آنان دو چندان کند. و به آنچه می‌خواهی دعا کن سپس شهدا را درحالی که میل کنی از سمت پا به طرف قبله، زیارت کن و بگو: سلام بر شما ای راستی پیشگان سلام بر شما ای شهیدان شکبیا، گواهی می‌دهم که شما در راه خدا جهاد کردید، و در باره خدا بر آزارها صبر کردید، و برای خدا و رسولش خیرخواهی نمودید، تا مرگتان فرا رسید، گواهی می‌دهم که شما نزد پروردگارتان زنده‌اید و روزی داده می‌شوید، خدا از سوی اسلام و اهلش، به شما پاداش دهد، برترین پاداش نیکوکاران، و در جایگاه ناز و نعمت میان ما و شما جمع کند. پس به زیارت قمر بنی هاشم می‌روی، همین که آنجا رسیدی و نزد آن جناب ایستادی و بگو: سلام بر تو ای فرزند امیر

مؤمنان، سلام بر تو ای بنده شایسته، فرمانبردار خدا و رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو جهاد کردی و خیرخواهی نمودی و شکیبایی ورزیدی تا مرگ تو را در رسید خدا ستم‌کنندگان به شما را، از گذشتگان و آیندگان لعنت کند، و به هلاکتگاه دوزخ ملحق نماید.

آنگاه زائر در مسجد آن جناب هرچه که خواهد نماز مستحیی بجا آورد، و سپس بیرون رود.

پنجم: زیارت امام حسین علیه السلام در عید فطر و قربان

به سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت شده: هرکه در يك شب از سه شب ذیل قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند، گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شود: شب عید فطر یا قربان یا نیمه شعبان. و به روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده: سه شب است که هر که در آنها حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند، گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 691

می‌شود: شب نیمه شعبان و شب بیست و سوم ماه رمضان و شب عید فطر، از امام صادق علیه السلام روایت شده: کسی که امام حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفة زیارت کند، حق تعالی برای او در یکسال: هزار حج پذیرفته و هزار عمره پذیرفته بنویسد و برای او هزار حاجت دنیا و آخرت را برآورده کند. و از امام باقر علیه السلام روایت شده: هرکه شب عرفة در زمین کربلا باشد و آنجا بماند تا زیارت روز عید قربان کند و برگردد حقتعالی او را از شر آن سال نگاه دارد. بدانکه علما برای این دو عید شریف دو زیارت نقل کرده‌اند: یکی زیارتی که برای شبهای قدر ذکر شده و دیگر این زیارت است که ذکر میشود و از کلمات ایشان ظاهر میگردد که زیارتی که گذشت برای روزهای عید فطر و عید قربان است و زیارتی که ذکر می‌شود برای شبهای عید فطر و قربان در هر صورت فرموده‌اند: چون در این دو شب زیارت آنحضرت را اراده کنی بر در بارگاه بایست و به جانب قبر نظر کن و برای اذن دخول بگو:

ای مولای من ای ابا عبد الله، ای فرزند رسول خدا، بندهات و فرزند کنیزت، خوار در برابرت، و کوچک شده در برابر بلندی مقامت، و اعتراف کننده به حقت، پناه‌خواه به سویت آمد، آهنگ حرمت نموده رو به سوی مقامت کرده، به

وسیله تو متوسّل به خدای تعالی است، آیا وارد شوم ای مولای من، آیا وارد شوم ای ولی خدا، آیا وارد شوم ای فرشتگان خدا، ای در بر گیرندگان این حرم، ای مأوی گزیدگان در این زیارتگاه.

پس اگر دلت خاشع شد، و دیده‌ات گریان گشت، وارد شو، و پای راست را بر پای چپ مقدّم بدار و بگو:

به نام خدا و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا. خدایا مرا در منزلی با برکت فرود آر، که تو بخت‌ترین فرود آورندگانی. خدا بزرگتر است بزرگتر، و سپاس بسیار خدای را، و منزّه است در هر بامداد شامگاه، سپاس خدای را، خدای فرد، بی‌نیاز، بزرگوار، تفضّل کننده، نعمت بخش، بزرگوار به بخشش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 692

به بخشش، بسیار مهربان، آنکه از بزرگواری در بخشش، زیارت مولایم را به احسانش بر من آسان نمود، و از زیارتش مرا باز نداشت و از پناهش دور ننمود، بلکه بر من لطف و احسان فرمود. پس وارد شو، چون به میان روضه رسیدی با حال خضوع و گریه و تضرّع، برابر قبر مطهر بایست و بگو: سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همنشین خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد (درود خدا بر او و خاندانش) حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی حجت خدا، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار باتقوا، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، و ای تنهایی ستم‌دیده، گواهی می‌دهم که تو نماز پیا داشتی، و زکات پرداختی، و امر به معروف نمودی و نهی از منکر کردی، و در راه خدا به جهاد برخواستی، جادی شایسته، تا حرم تو مباح شمرده شد، و مظلومانه کشته شدی.

پس با دلی خاشع و چشمی گریان نزد سر مقدس بایست و بگو:

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند آقای جانشینان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای قهرمان مسلمانان، ای مولای من، گواهی می‌دهم که تو نوری بودی در صلبهای بلندمرتبه، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 693

رحمهای پاکیزه، جاهلیت تو را نیالود به ناپاکیهایش، و از جامه‌های تیره و تارش به تو نپوشانید و گواهی می‌دهم، که تو از استوانه‌های دین و پایه‌های مسلمانان، و پناهگاه مردم مؤمنی، و گواهی می‌دهم که تویی پیشوای نیکوکار، باتقوا، خشنودکننده حق، پاک، هدایت‌گر، هدایت‌شده، و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان پناه‌های تقوا، و نشانه‌های هدایت، و دستاویز محکم، و حجت بر اهل دنیا هستند.

پس خود را به قبر بچسبان و بگو: ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم، ای مولای من، من دوستدار دوست شما، و دشمن دشمن شما، به شما مؤمنم، به بازگشتان یقین دارم، بر پایه قوانین دین و عواقب عملم، لدم نسبت به دل شما تسلیم و کارم پیرو کار شماست، ای مولای من ترسان به نزد آمدم، پس مرا امین ده، و آمدم پناهنده، پس پناهم ده و تهدیدست آمدم، پس بی‌نیازم گردان، آقا و مولای من، تو مولای منی، حجت خدا بر همه خلقی، ایمان آوردم به شما و آشکارتان، به ظاهر و باطنتان، و اول و آخرتان، و گواهی می‌دهم که تو البته تلاوت‌کننده کتاب خدایی و امین خدا، و دعوت‌کننده به سوی خدا با حکمت و موضعه حسنه‌ای، خدا لعنت کند امتی را که به تو ستم کردند، و تو را کشتند، و خدا لعنت کند امتی را که این حادثه را شنیدند و به آن خشنود شدند. سپس دو رکعت نماز، نزد سر آن حضرت بخوان و چون سلام دادی بگو: خدایا برای تو نماز خواندم، و برای تو رکوع کردم، و برای تو سجده نمودم، یکتایی و شریکی نداری، همانا نماز و رکوع و سجود، جز برای تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 694

جایز نمی‌باشد، زیرا تو خدایی که معبودی جز تو نیست. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و برترین سلام و تحیت را از سوی من به ایشان برسان، و سلام ایشان را به من بازگردان. خدایا و این دو رکعت هدیه‌ای است از جانب من به آقام حسین بن علی (درود بر ایشان). خدایا بر محمد و بر او درود فرست این دو رکعت نماز را از من بپذیر، و بر آن دو رکعت پاداشم ده به برترین امید و آرزویم نسبت به تو و ولّات ای ولّ مردم مومن

پس خود را به قبر بچسبان و آن را ببوس و بگو: سلام بر حسین بن علی مظلوم شهید کشته اشکها، گرفتار غمها و غصه‌ها. خدایا شهادت می‌دهم او ولّ تو و فرزند ولّ تو، و برگزیدی تو و قیام‌کننده به حق تو است، او را گرامی داشتی به کرامت، و برای او به شهادت ختم کردی، و او را آقایی از آقایان و پیشوایی از پیشوایان قرار دادی، و به پاکی ولادت گرامی‌اش داشتی، و میراثهای پیامبران را به او اعطا نمودی، و قرار دادی او را حجت بر خلق از میان پیشوایان، پس در دعوت به خدا، برهان وخت را القاء کرد، و در خیرخواهی کوتاهی ننمود، و نثار کرد جانش را در راه تو، تا بنگانت را از نادانی و سرگردانی و گمراهی نجات داد، در صورتی که بر ضدّش همدست شدند، کسانی که دنیا فریشان داد و بهره خود را

از آخرت به پایین ترین چیزی فروختند، و خود را در هوای نفس خویش سرنگون کردند، و تو را و پیامبرت را به خشم آوردند، و از میان بندگان از شکاف اندازان دورو و آنان که بارکشان گناه، و سزاوار آتش دوزخ بودند اطاعت کردند، پس با آنها برای تو شکیبایی و به حساب تو جهاد کرد، بدون اینکه از دشمن رو برگرداند، برای تو سرزنش ملامت گران را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 695

به چیزی نگرفت، تا جایی که خونس در طاعت تو ریخته شد، و هتک حرمتش حلال شمرده شد. خدایا آنان را لعنت کن لعنتی ناگوار و سخت و عذابشان کن عذابی دردناک. بعد به جانب علی بن الحسین علیهما السلام برگرد، و آن جناب در طرف پای مبارک حضرت حسین علیه السلام است، آنگاه بگو: سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند خاتم انبیا، سلام بر تو ای فرزند فاطمه، سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای مظلوم شهید پدر و مادرم به فدایت، خوشبخت زندگی کردی، و مظلوم و شهید کشته شدی. پس به جانب قبر سایر شهدا رضوان الله علیهم رو کن و بگو: سلام بر شما ای دفاع کنندگان از توحید خدا، سلام بر شما در برابر آنچه که صبر کردید، چه نیکو سرانجامی است خانه آخرت، پدر و مادرم به فدایتان، به رستگاری رسیدید، رستگاری بس بزرگ. سپس به مشهد عباس بن علی علیهما السلام برو و نزد ضریح شریف آن جناب بایست و بگو: سلام بر تو ای بنده شایسته و صدیق همدرد، گواهی می دهم که ایمان آوردی به خدا، و فرزند رسول خدا را یاری نمودی، و به راه خدا دعوت کردی، و با جانت به فداکاری برخاستی، از جانب خدا برترین تحیت و سلام بر تو باد سپس خود را به قبر بچسبان و بگو: پدرم و مادرم فدایت، ای یاور دین خدا، سلام بر تو ای یاور حسین صدیق، سلام بر تو ای یاور حسین شهید، از سوی من سلام بر تو باد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 696

تا زنده‌ام و تا باقی است شب و روز. بعد نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بخوان و دعای «اللّهُمَّ اِنِّی صَلِّیْتُ ...» را که بالای سر حضرت امام حسین علیه السلام بعد از دو رکعت نماز زیارت خواندی، در اینجا هم بخوان. آنگاه به جانب مشهد حسین علیه السلام بازگردد و آنچه خواهی نزد آن حضرت بمان، جز اینکه مستحب است آنجا را خوابگاه خود قرار ندهی، و چون بخوای آن حضرت را وداع کنی، نزد سر بایست و گریه کن و بگو:

سلام بر تو ای مولای من، سلام وداع کننده ای که، او را نه کراهت است نه خستگی، اگر بازگردم از روی ملالت نیست، و اگر بمانم نه از جهت بدگمانی به آنچه خدا صابران را وعده داد، ای مولای من، خدا این زیارت را آخرین بار از زیارت قرار ندهد، و بازگشت به سویت و توقف در حرمت و بودن در مشهدت را روزی ام کند، آمین ای پروردگار جهانیان. پس ضریح را ببوس و تمام بدنت را به آن بمال، که باعث امان و حفظ است و از نزد سر آن حضرت بیرون برو، به طوری که رویت به جانب قبر باشد و تا خروج از حرم پشت به قبر مکن، و در همان حال بگو:

سلام بر تو ای درگاه مقام، سلام بر تو ای همدیف قرآن، سلام بر تو ای حجت بر اهل دشمنی، سلام بر تو ای کشتی نجات، سلام بر شما ای فرشتگان پروردگارم که برگرد این حرم هستید، سلام بر تو همیشه، تا زنده ام و شب و روز باقی است. ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم، و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای بزرگ. آنگاه بیرون رو سید بن طاووس و محمد بن مشهدی گفته اند: وقتی که اینگونه اعمال را انجام دادی، همانند کسی هستی که خدا را در عرش زیارت کرده باشد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 697

ششم: زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه

بدانکه آنچه از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در مورد زیارت عرفه رسیده، از زیادتی روایات، و بسیاری فضیلت و ثواب، بیشتر از آن است که شمرده شود، و ما به خاطر تشویق زائران، به ذکر چند حدیث اکتفا می کنیم. از بشیر دّهان به سند معتبر روایت شده: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: گاه هست که حجّ از من فوت می شود، و روز عرفه را نزد قبر امام علیه السلام می گذارم، فرمود: ای بشیر کار خوبی انجام می دهی، هر مؤمنی که در روز غیر عید با معرفت به حق آن حضرت به زیارت قبر حضرتش برود، ثواب بیست حجّ و بیست عمره پسندیده پذیرفته، و بیست جهاد همراه پیامبر مرسل یا امام عادل برای او نوشته می شود و هر که آن حضرت را در روز عید زیارت کند، حق تعالی برای او ثواب صد حجّ و صد عمره و صد جهاد همراه با پیامبر مرسل یا امام عادل را می نویسد و هر که آن حضرت را در روز عرفه با معرفت به حق حضرتش زیارت کند، برای او ثواب هزار حجّ و هزار عمره پسندیده پذیرفته، و هزار جهاد با پیامبر مرسل یا امام عادل بنویسد. به حضرت گفتم: ثواب موقوف عرفات برای من کجا حاصل می شود؟ آن حضرت به جانب من نظر کرد، مانند کسی که خشمناک باشد و فرمود: ای بشیر، هرگاه مؤمنی در روز عرفه، به زیارت قبر امام حسین

علیه السلام برود، و در رود فرات غسل کند، سپس به سوی قبر آن حضرت متوجه شود، حق تعالی به هر گامی که بر می‌دارد، برای او ثواب حجّی که با همه مناسک به طور کامل انجام داده باشد می‌نویسد، و چنین گمان دارم که فرمود «و عمره». و در احادیث بسیار به نهایت معتبر وارد شده: حق تعالی در روز عرفه، پیش از آنکه نظر به اهل موقف عرفات کند، ابتدا نظر رحمت به سوی زائران قبر حسین علیه السلام می‌افکند. در حدیث معتبر از رفاعه روایت شده است که حضرت امام صادق علیه السلام به من فرمود: امسال حجّ کردی؟ گفتم: فدایت شوم، مالی نداشتم که به حج روم، ولی عرفه را نزد قبر امام حسین علیه السلام گذراندم، فرمود: ای رفاعه از آنچه اهل منی در آن بودند، هیچ کوتاهی نکردی، اگر نه این بود، که کراهت دارم مردم ترك حج کنند، هر آینه برای تو حدیثی می‌گفتم، که هرگز زیارت قبر آن حضرت را ترك نکنی، پس ساعتی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 698

ساکت شد، بعد از آن فرمود: پدرم به من خبر داد، هر که به سوی قبر امام حسین علیه السلام بیرون رود، و با تکبّر حرکت نکند، عارف به حق آن حضرت باشد، هزار فرشته از طرف راست و هزار فرشته از طرف چپ همراه او می‌شوند و برای او ثواب هزار حجّ و هزار عمره که با پیغمبر یا وصی پیغمبر بجا آورده باشد نوشته می‌شود. اما کیفیت زیارت آن حضرت، چنان است که علمای بزرگوار، و رؤسای مذهب و ملت فرموده‌اند: چون خواستی حضرت را در این روز زیارت کنی، اگر توانستی از فرات غسل کن و گرنه از هر آبی که برایت میسر شد، و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و زیارت آن حضرت را قصد کن، درحالی که به آرامی و وقار و دقت باشی، چون به در حائر رسیدی بگو: الله اکبر و بخوان:

خدا بزرگتر است بزرگتر، خدا را سپاس بسیار، منزّه است خدای صبح و شام، سپاس خدای را که ما را به این راه هدایت نمود، و ما آنگونه نبودیم که هدایت شویم، اگر خدا ما را راهنمایی نمی‌کرد، همانا رسولان پروردگار ما به حق آمدند. سلام بر رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش). سلام بر امیر مؤمنان، سلام بر فاطمه زهرا سرور بانوان جهانیان، سلام بر حسن و حسین، سلام بر علی بن الحسین، سلام بر محمد بن علی، سلام بر جعفر بن محمد، سلام بر موسی بن جعفر، سلام بر علی بن موسی، سلام بر محمد بن علی، سلام بر علی بن محمد، سلام بر حسن بن علی، سلام بر یادگار شایسته، آن امام مورد انتظار، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، بنده و فرزند بندهات و فرزند کنیزت هستم، دوستدار دوستت، و دشمن دشمنت می‌باشم، به زیارتگاهت پناه آورده، و با آهنگ به سوی تقرب جسته

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 699

به خدا، سپاس خدای را که مرا به ولایت هدایت کرد و به زیارت اختصاص داد، و برایم هموار ساخت آهنگ کردنت را پس داخل روضه شو، و برابر بایست و بگو سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر او ای وارث امیر مؤمنان، سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا، سلام تو ای فرزند محمد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، و ای تنهای ستمدیده، گواهی می‌دهم که تو بها داشتی نماز را، و زکات دادی، و امر به معروف کردی، و نهی از منکر نمودی، و خدا را اطاعت کردی تا مرگ تو را دررسید، خدا لعنت کند امتی که تو را کشتند، و لعنت، لعنت کند امتی را که به تو ستم کردند، و لعنت کند امتی را که این واقعه را شیدند، و به آن خشنود شدند، ای مولای من ای ابا عبد الله، گواه می‌گیرم خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را که مؤمن به شمایم، و به بازگشتتان یقین دارم، بر پایه قوانین دینم، و عواقب عملم، و بازگشتگاهم به جانب پروردگارم، پس درود خدا بر جاهلیتان، و تن‌هایتان و حاضران، وغایبتان، و ظاهران،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 700

و باطنتان، سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران، و فرزند آقای پیشوایان، و فرزند پیشوای پرهیزکاران و فرزند پیشوای سپیدرویان به جانب بهشت‌های پر نعمت، و چگونه این چنین نباشی؟، در صورتی که تو درگاه هدایت و پیشوای تقوا، و دستاویز محکم خدا، و حجّت بر اهل دنیا، و پنجم اصحاب کسای دست رحمت غذایت داد، و از سینه ایمان شیر داده شدی، و در دامن اسلام پرورش یافتی، دل به فراق راضی نیست، و تردیدی در زنده بودن نمی‌باشد، درود خدا بر تو و بر پدران و فرزندان سلام بر تو ای به خاک افتاده اشک روان، و همدم مصیبت پی‌درپی، خدا لعنت کند امتی را که حلال شمردند حرمت‌های تو را «و درباره تو پرده حرمت اسلام را دریدند» کشته شدی (درود خدا بر تو) به قهر، رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) به تو مظلوم گشت، و کتاب خدا به فقدان مهجور شد سلام بر تو و جد و پدر و مادر و برادر و امامان از فرزندان، و شهید شدگان به همراهت، و بر فرشتگان درگیرنده قبرت، و حاضران از زائران، آمین‌گوی برای قبولی دعای شیعین، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد، پدر و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت ای ابا عبد الله، عزایت بزرگ شد، و عظیم گشت مصیبت، بر ما و همه اهل آسمانها و زمین، خدا لعنت کند امتی را که برای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 701

کشتنت اسبها را زین کرده، و درنه زدند و آماده شدند. ای مولایم ای ابا عبد الله، قصد حرمت کردم، و به زیارتگاهت آمدم، از خدا می‌خواهم به مقامی که برای تو نزد اوست، و جایگاهی که پیش او داری، بر محمد و خاندان محمد درود فرستد و مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهی، به منت و جود و کرمش.

آنگاه ضریح را ببوس، و بالای سر دو رکعت نماز، به هر سوره که بعد از سوره «حمد» خواستی بجا آور، و چون فارغ شدی بگو: خدایا برای تو نماز خواندم و رکوع و سجود بجا آوردم یگانه‌ای و شریکی برایت نیست، به درستی که نماز و رکوع و سجود جز برای تو نیست، زیرا تویی خدا معبودی جز تو نیست. خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد، برترین تحیت و سلام را از جانب من به ایشان برسان و به سوی من برگردان از جانب آنان تحیت و سلام، خدایا این دو رکعت، هدیه‌ای است از سوی من به مولایم و آقا و امام حسین بن علی (درود بر ایشان)، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آن را از من بپذیر، و بر آن نماز به من پاداش ده، به برترین آرزو و امیدم درباره تو و ولیات، ای مهربان‌ترین مهربانان. سپس به جانب پای مبارک حضرت امام حسین علیه السلام رفته و علی بن الحسین علیهما السلام را که قبرشان پایین پای ابي عبد الله است زیارت کن و در زیارتش بگو: سلام بر تو ای فرزند فرستاده خدا، سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 702

بر تو ای فرزند حسین شهید، سلام بر تو ای شهید فرزند شهید، سلام بر تو ای ستم‌دیده، فرزند ستم‌دیده، خدا لعنت کند امتی را که تو را کشتند، و بر تو ستم ورزیدند، و این واقعه را شنیدند و به آن خشنود شدند، سلام بر تو ای مولایم، سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا، این مصیبت بزرگ شد بر ما و همه مؤمنان، و این عزا عظیم گشت، خدا لعنت کند امتی را که تو را کشتند، به سوی خدا به جانب تو، از ایشان در دنیا و آخرت بیزاری می‌جویم. بعد به جانب سایر شهدا رو کن و ایشان را به این صورت زیارت کن سلام بر شما ای اولیای خدا و عاشقانش، سلام بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستانش، سلام بر شما ای یاران دین خدا، و یاران پیامبر خدا، و یاران امیر مؤمنان، و یاران فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر شما ای یاران ابی محمد حسن ولی خیرخواه، سلام بر شما ای یاران ابی عبد الله حسین شهید مظلوم درود خدا بر همه آنان باد، پدر و مادرم فدایتان، پاک گشتید، و همچنین زمینی که در آن دفن هستید سوگند به خدا که به رستگاری رسیدید، رستگاری بزرگ، ای کاش من هم با شما بودم، و با شما در بهشت رستگار می‌شدم با شهیدان و

شایستگان و چه خوب رفقای هستند، و سلام و برکات خدا بر شما باد. آنگاه به جانب سر امام حسین علیه السلام برگرد، و برای خود و اهل و عیال و برادران با ایمان بسیار دعا کن. سید ابن طاووس و شهید

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 703

فرموده‌اند، سپس به مشهد جناب عباس رضی الله عنه برو، همینکه به آنجا رسیدی، نزد قبر آن حضرت بایست و بگو: سلام بر تو ای ابا الفضل عباس فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای فرزند نخستین مؤمن این امت، در قبول اسلام، و پیش‌ترین آنان در ایمان، و پابرجا تریشان در دین خدا، و مراقب‌ترینشان بر اسلام، گواهی می‌دهم که تو برای خدا و رسول خدا و برادرت خیرخواهی کردی، پس چه نیکو برادر همدردی بودی، خدا لعنت کند امتی را که تو را کشت و به تو ستم روا داشت، و حلال شمرد از تو حرمتها را، و در کشتنت پرده حرمت اسلام را درید، پس چه نیکو برادر شکیب، مجاهد، پشتیبان، یاور، مدافع از برادرش بود، پاسخ‌دهنده به طاعت پروردگارش، مشتاق به آنچه دیگران بی‌رغبت به آن بودند، از پاداش برجسته، و ستایش زیبا، و خدا تو را در خانه نعمت جاودان به مقام پدران برساند، که خدا ستوده و بزرگوار است. پس خود را به قبر بیفکن، و بگو: خدایا من متعرض تو و زیارت اولیای شدم، قصد کردم آن را از روی اشتیاق به ثواب و امید به آمرزش، و بسیاری احسانت از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی روزی‌ام را به حق ایشان سرشار، و خوشی‌ام را پابرجا و زیارتم را پذیرفته، و گناهم را آمرزیده، و به حق ایشان بازگردان مرا رستگار و موفق، در حال اجابت دعایم، به برترین صورتی که یکی از زائران حضرتش، و آهنگ‌کنندگان به سویش، بازمی‌گردد، به مهربانی‌ات، ای مهربانترین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 704

مهربانان. پس ضریح را ببوس و نزد آن حضرت نماز زیارت بخوان و نیز آنچه خواسته باشی از دعا و قرآن و ذکر بجای آر و چون خواستی آن حضرت را وداع کنی، آنچه را که پیش از این [صفحه 696] ذکر کردم، در وداع آن حضرت بگو.

هفتم: زیارت عاشورا

بدانکه زیارت نقل شده برای روز عاشورا چند زیارت است، و ما در اینجا به ملاحظه اختصار تنها به ذکر دو زیارت اکتفا می‌کنیم و البته در باب دوم در بیان اعمال روز عاشورا نیز زیارتی را نقل کردیم [صفحه 456] - با مطالبی دیگر که مناسب این مقام است. اما آن دو زیارت اول: زیارت عاشورای معروفه است: که از نزدیک و دور خوانده می‌شود، و شرح آن چنان که شیخ ابو جعفر طوسی در «مصباح» ذکر فرموده چنین است: محمد ابن اسماعیل بن بزيع، از صالح بن عقبه، از پدرش، از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: هرکه حسین بن علی علیهما السلام را در روز دهم محرم نزد قبر آن حضرت زیارت کند تا آنکه گریان شود، خدا را در روز قیامت ملاقات کند، با قوایی به اندازه ثواب دو هزار عمره، و دو هزار جهاد، که ثواب آن همانند ثواب کسی می‌باشد که در خدمت رسول خدا و ائمه طاهرين عليهم السلام جهاد کرده باشد. راوی گفت: فدایت شوم چه ثوابی است، برای کسی که در شهرهای دور از کربلا باشد، و برایش در مانند این روز رفتن به سوی قبر آن حضرت ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد به سوی صحرا بیرون رود، یا در خانه خود، بر بام بلندی بالا رود، و به سوی آن حضرت به سلام اشاره کند، و در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت بکوشد و پس از آن دو رکعت نماز بخواند. و این کار را در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب انجام دهد، پس بر امام حسین علیه السلام زاری و گریه کند و کسانی را که در خانه‌اش هستند، هرگاه از ایشان تقیه نمی‌کند، به گریه کردن بر آن حضرت امر کند، و در خانه خود به اظهار جزع بر آن حضرت عزا بپا دارد و یکدیگر را به مصیبتشان به حسین علیه السلام تعزیت گویند، و من بر خدا برای ایشان همه آن ثوابها را ضامنم، هرگاه این عمل را بیاورند. گفتم: فدایت شوم این ثوابها را برای ایشان ضامن می‌شوی، و آنها را کفیل می‌گرددی؟ فرمود:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 705

آری من ضامن و کفیلم برای کسی که این عمل را بجا آورد. گفتم: یکدیگر را چگونه تعزیت گویند؟ فرمود: بگویند:

خدای بزرگ فرماید اجرهایمان را به مصیبتمان بر حسین (درود بر او)، و ما و شما را از خواهندگان خون او همراه با ولی‌اش امام مهدی از خاندان محمد (درود بر ایشان) قرار دهد. و اگر بتوانی آن روز را به دنبال حاجتی بیرون نروی، بیرون نرو، زیرا روز نحسی است، که در آن حاجت مؤمن برآورده نمی‌شود، و اگر برآورده شود برای او مبارك نخواهد بود، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید، و در آن روز هیچ کدام از شما برای منزلش، البته چیزی ذخیره نکند، چرا که هرکه در آن روز چیزی ذخیره کند، در آن چیز برکت نخواهد دید، و برای او و اهله که جهت آنها ذخیره کرده گویا همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام داده باشد و برای اوست مزد و پاداش مصیبت هر پیامبر و رسول و وصی و صدیق و شهیدی که مرده یا کشته شده باشد، از زمانی که حق تعالی خلق فرموده دنیا را تا زمانی که قیامت بر پا شود. صالح بن عقبه و سیف بن عمیری گفته‌اند: علقمة بن محمد حضرمی گفت: به حضرت باقر علیه السلام گفتم: به من دعایی تعلیم فرما که آن در این روز بخوانم هرگاه آن جناب را از نزدیک زیارت کنم، و دعایی که آن را بخوانم هرگاه او را از نزدیک زیارت

نماینم و بخواهم به سلام به جانب او از شهرهای دور از خانه‌ام اشاره کنم. به من فرمود: ای علقمه هرگاه آن دو رکعت نماز را بجای آوردی به سوی آنحضرت به سلام اشاره کن و در وقت اشاره به آنحضرت پس از گفتن تکبیر این کلام را بگو: [زیارتی که چند سطر بعد ذکر می‌شود] به درستی که هرگاه این کلام را گفتی، دعا کرده‌ای به آن چیزی که دعا می‌کنند، به آن زائران آنحضرت از ملائکه و خدا برای تو صد هزار هزار درجه بنویسد و همانند کسی باشی که با امام حسین علیه السلام شهید شده باشد تا مشارکت کنی با ایشان در درجاتشان و شناخته نشوی مگر در زمره شهیدانی که با آنحضرت شهید شده‌اند و برای تو نوشته شود و زیارت هر پیامبر و رسولی و پاداش زیارت هرکه زیارت کرده امام حسین علیه السلام را از روزی که شهید شده، سلام خدا بر آن حضرت و اهل بیتش باد، می‌گویی:

سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، و فرزند سرور جانشیان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای خون خدا، و فرزند خون خدا و ای تنهای مظلوم، سلام بر تو و جانهایی که به درگاهت فرود آمدند، از جانب من بر همگی شما سلام خدا برای همیشه، تا هستم و تا شب و روز باقی است، ای ابا عبد الله، هرآینه عزایت بزرگ و سنگین شد، و مصیبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام بس بزرگ گشت، و سنگین و بزرگ شد مصیبت در آسمانها بر همه اهل آسمان، خدا لعنت کند امتی را که بنای ستم و بی‌داد را بر شما اهل بیت بنیان نهادند، و خدا لعنت کند قومی را که شما را از مقامتان دور کرد، و از مرتبه‌هایتان برکنار نمود، مرتبه‌هایی که خدا شما را در آنها جای داد و خدا لعنت کند امتی را که شما را کشتند، و خدا لعنت کند آنان را که امکان و توان جنگ با شما را برای ایشان تدارک دیدند من بی‌زاری می‌جویم به سوی خدا و به جانب شما از ایشان و از شیعیان و پیروان و دوستدارانشان، ای ابا عبد الله من در صلح ما کسی که با شما صلح کرد، و در جنگ ما کسی که با شما جنگید تا روز قیامت، و خدا لعنت کند خاندان زیاد و خاندان مردان را و خدا همه بنی امیه را لعنت کند، و لعنت کند پسر مرجانه و عمر بن سعد و شمر را، و لعنت کند امتی را که مرکبها را زین کردند و لگام زدند و جنگ با تو را دنبال کردند، پدر و مادرم به فدایت همانا مصیبت بر من سنگین شد، از خدا که مقام را گرامی داشت، و مرا به وسیله تو کرامت بخشید، درخواست می‌کنم، که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 707

خون‌خواهی تو را همراه پیشوای یاری شده از اهل بیت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) روزی من کند، خدایا به حق حسین مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند قرار ده، ای ابا عبد الله من به خدا و رسولش و امیر مؤمنان، و فاطمه و حسن تقرب می‌جویم، به دوستی تو و به بی‌زاری. از کسی که پایه‌گذاری کرد اساس این واقعه را، و بنا نهاد بر آن بنیان‌ش را، و روان شد در ستم و بیدادش بر شما، و شیعیان شما، از ایشان به سوی خدا و شما بیزارم و به خدا تقرب می‌جویم، و

پس از آن به شما نیز با دوستی نسبت به شما و دوستی نسبت به دوستان شما، و به بیزاری از دشمنانتان شما، و به بیزاری از دشمنانتان، و برپاکنندگان جنگ با شما، و به بیزاری از شیعیان و پیروان آنها، من در صلح با کسی که با شما صلح کرد، و در جنگ با کسی که با شما جنگید، و دوستم با کسی که شما را دوست داشت، و دشمنم با کسی که شما را دشمن داشت، پس درخواست می‌کنم از خدا که مرا به معرفت و دوستان شما گرامی داشت و بیزاری از دشمنان شما را نصیب من کرد، اینکه مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد، و جایگاهم را نزد شما استوار بدارد، و از او می‌خواهم که مرا برساند به مقام ستوده‌ای که برای شما نزد خداست و روزی کند خون‌خواهی‌ام را به همراه امام هدایت‌گر آشکار و گویای به حق از خاندان شما، و از خدا درخواست می‌کنم به حق شما، و شأنی که برای شما نزد اوست، که عطا کند به من به خاطر مصیبت‌زدگی‌ام به شما برترین چیزی را که عطا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 708

کند به مصیبت‌زده‌ای به خاطر مصیبتش، چه مصیبتی بزرگ است آن مصیبت، و چه عظیم است آن عزا در اسلام، و در همه آسمانها و زمین. خدایا در این جایگاه مرا از کسانی قرار ده، که از جانب تو به آنان درود و رحمت و آمرزش می‌رسد خدایا حیاتم را حیات [آمیخته به عشق] محمد و خاندان محمد، و مرگم را مرگ [در حال شیفته‌گی به] محمد و خاندان محمد قرار دهد. خدایا این روز روزی است که به آن تبرک جستند بنی امیه، و فرزند جگرخوار، آن لعنت‌شده فرزند لعنت شده بر زبان تو و زبان پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش) در هر کجا و هر موقفی که پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش) در آن ایستاد. خدایا لعنت کن ابا سفیان، و معاویه و یزید فرزند معاویه را، که از جانب تو بر آنان لعنت باد به جاودانگی جاودانها، و امروز روزی است که خوشحال شدند به این روز خاندان زیاد و خاندان مردان، بخاطر کشتن حضرت امام حسین را (درود خدا بر او) خدایا پس لعنت و شکنجه‌ات را بر آنان دوچندان کن، خدایا من در این روز و در این جایگاه و همه روزهای زندگی‌ام به تو تقرب می‌جویم، به بیزاری‌ام از اینان و لعنت بر ایشان، و به دوستی پیامبر و خاندان پیامبرت (درود بر او و ایشان) سپس صد مرتبه می‌گویم خدا لعنت کن نخستین ستمکاری را که به حق محمد و خاندان محمد ستم کرد، و آخرین کسی را که در این ستم از او پیروی نمود. خدایا لعنت کن جمعیتی را که با حسین کردند، و همراهی نمودند و پیمان بستند، و پیروی کردند بر کشتن آن حضرت، خدایا همه آنان را لعنت کن، بعد صد مرتبه می‌گویم: سلام بر تو ای ابا عبد الله، و بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 709

جانمایی که به درگاهت فرود آمدند، از جانب من سلام خدا بر تو باد همیشه تا هستم و تا شب و روز باقی است و خدا زیارت شما آخرین زیارت از سوی من قرار ندهد، سلام بر حسین و بر علی بن الحسین و فرزندان حسین، و یاران حسین. آنگاه می‌گویی: خدایا اختصاص ده، اولین ستمکار را از جانب من به لعنت، و آغاز کن به آن لعنت اولین را، سپس دومین و سومین و چهارمین را، خدایا یزید پنجم آنان را لعنت کن، و لعنت کن عبید الله بن زیاد و پسر مرجانه و عمر بن سعد و شمر و خاندان ابو سفیان خاندان زیاد و خاندان مروان را تا روز قیامت. سپس به سجده می‌روی و می‌گویی:

خدایا سپاس تو را سپاس شکرگزاران بر مصیبت‌زدگی آنان، خدای را سپاس بر بزرگی عزیم، خدایا شفاعت حسین را در روز ورود [به قیامت] نصیب کن، و ثابت بدار قدم صدق مرا نزد خود به همراه حسین و یاران حسین، آنان که جانشان را در دفاع از حسین (درود بر او) بخشیدند. علقمه گفت:

حضرت باقر علیه السلام فرمود: اگر بتوانی آن حضرت را هر روز به این زیارت در خانه خود زیارت کنی زیارت کن، که تمام این ثوابها برای تو خواهد بود. محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره روایت کرده: با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف بیرون رفتیم پس از خروج حضرت صادق علیه السلام از حیره به جانب مدینه‌زمانی که از زیارت امیر مؤمنان فارغ شدیم، صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابا عبد الله گردانید، آنگاه به ما گفت: از نزد سر مقدس امیر مؤمنان، حسین علیه السلام را زیارت کنید، که از اینجا امام صادق علیه السلام ایما و اشاره کرد، به سلام بر آن حضرت و من در آن وقت خدمت آن حضرت بودم. سیف گفت: صفوان همان زیارتی را خواند، که علقمه بن محمد حضمی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 710

از امام باقر علیه السلام در روز عاشورا روایت کرده بود، سپس دو رکعت نماز نزد سر امیر مؤمنان علیه السلام بجا آورد، و پس از آن نماز، امیر مؤمنان علیه السلام را وداع کرد و اشاره کرد به جانب قبر امام حسین علیه السلام درحالی که روی خود را به جانب او کرده بود و پس از زیارت او وداع گفت، و از جمله دعاها که بعد از نماز خواندن این بود:

ای خدا، ای خدا، ای پاسخ‌دهنده خواسته بیچارگان، ای برطرف کننده اندوه اندوهگینان، ای فریادرس داخواهان، ای دادرس دادجویان، ای آن که به من از رگ گردن نزدیک است، ای آن که میان شخص و دلش پرده می‌شود، ای آن که بر دیدگاه برتر است، و بر سبهد روش، ای آن که بخشنده و مهربان است، و بر حکومت کشور هستی استیلا دارد، ای آن که خیانت چشمها، و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند می‌داند، ای آن که هیچ پوشیده‌ای بر او مخفی نیست، ای آن که

صداها بر او مشتبّه نشود، ای آن که نیازمندیها، او را به اشتباه نیندازند ای آن که اصرار اصرارکنندگان او را به ستون نیاورد، ای دریابنده هر از دست رفته، ای گردآورنده هر پراکنده، ای آفریننده جانها پس از مرگ، ای آن که هر روز در کاری است، ای برآورنده حاجات، ای بیرون آورنده غمها از دلها، ای بخشنده خواهشها، ای سرپرست رغبتها، ای کفایت کننده امور مهم، ای آن که از هرچیز کفایت کند، و کفایت نکند از او چیزی در آسمانها و زمین، از تو درخواست می کنم به حق محمد خاتم پیامبران، و علی امیر مؤمنان و به حق فاطمه دختر پیامبرت، و به حق حسین و حسین، من در این جایگاه به وسیله آنان به تو توجه می کنم و به ایشان متوسل می شوم، و به آنان به درگاه شفاعت می خواهم، و به حق آنان از تو درخواست می کنم و سوگند می خورم و تو را سوگند می دهم و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 711

به شأنی که برای آنان نزد توست، و به حق قدری که برای آنان پیش تو است، و به آنچه آنان را بر جهانیان برتری دادی، و به حق نامت که آن را نزد آنان قرار دادی، و از میان جهانیان، آنان را به آن نام اختصاص دادی، و به آن نام وجودشان و فضلشان را از فضل جهانیان آشکار نمودی، تا فضل آنان بر فضل همه جهانیان برتری گرفت، از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و غم و نگرانی و گرفتارم را برطرف کنی، و مرا از مهم امورم کفایت نمایی و قرضم را ادا کنی، و از تهیدستی و درماندگی پناهم دهی، و از درخواست نمودن از مخلوقات بی نیازم نمایی، و از من کفایت کنی اندوه کسی را که از اندوهش می ترسم، و دشواری کسی را که از دشواری هراس دارم، و ناهمواری کسی را که از ناهمواری بیم دارم، و شر کسی که از شرش می ترسم، و فریب کسی که از فریبش وحشت دارم، و تجاوز کسی که از تجاوزش بیم دارم، و بی عدالتی کسی که از بی عدالتی اش می ترسم، و سلطه کسی که از سلطه اش وحشت دارم، و نقشه کسی که از نقشه اش بیم دارم، و قدرت کسی که از قدرتش به خود می ترسم، و از تو می خواهم که بداندیشی بداندیشان مکر مکاران را امن بگردانی خدایا هرکه قصد من کرده قصدش کن، و هرکه درباره من بداندیشی کرد، در حقش بداندیشی کن، و از من حيله و نیرنگ و نیرو و آرزویش را بازگردان، و او را از من بازدار هرگونه که خواهی، و هر کجا که خواهی، خدایا او را از من سرگرم کن به فقری که جبرانش نکنی، و به بلایی که نپوشانی اش، و به نیازی که سدش نکنی، و به دردی که عافیتش ندهی، و ذلتی که عزیزش ننمایی، و مسکنتی که جبرانش نفرمایی. خدایا بزن خواری که در برابر دو چشمش، و وارد کن تهیدستی را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 712

بر او در منزلش، و بیماری و درد را در بدنش، تا او را از من سرگرم کننده‌ای که فراغتی برایش نباشد، و یاد مرا از یادش ببر، همچنان که یاد خودت را از یادش بردی و نگاهدار از من گوش و چشم و زبان و دست و پا و قلب و همه اعضایش را، و در همه آنها بر او بیماری وارد کن، و شفایش مده، تا آن را قرار دهی برای او سرگرمی سرگرم کننده‌ای، از من و یاد من، و کفایت کن ای کفایت کننده، آنچه را که غیر تو کفایت نکند، به درستی که تویی کفایت کننده‌ای که کفایت کننده‌ای جز تو نیست، و گشاینده‌ای جز تو نیست، و پناه‌دهنده‌ای جز تو نیست نومید گشت کسی که پناه‌دهنده‌اش جز تو، و فریادرسش جز تو، و پناهگاهش جز تو، و گریزگاهش جز تو، و ملجأش جز تو، و جای نجاتش از مخلوق غیر توست، پس تویی آرامش و امیدم، و پناهگاه و گریزگاهم و ملجأ و جای نجاتم، به تو گشایش می‌خواهم، و به تو رستگاری می‌جویم، و به محمد و خاندان محمد سوی تو رو می‌کنم، و متوسل می‌شوم، و شفاعت می‌خواهم، ای خدا، ای خدا، ای خدا، سپاس و شکر تو راست، شکایت تنها به سوی توست، و تویی که به یاری خواسته شده‌ای، از تو می‌خواهم ای خدا، ای خدا، به حق محمد و خاندان محمد، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و غم و نگرانی و اندوه شدید مرا در این حالت برطرف کنی، همچنان که از پیامبرت نگرانی و غم و اندوه را برطرف نمودی، و او را از هراس دشمنش کفایت کردی از من برطرف کن همچنان که از او برطرف نمودی، و از من بگشای همچنان که از او گشودی، و مرا کفایت کن همچنان که او را کفایت کردی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 713

از من برگردان هراس آنچه را که از هراسش می‌ترسم، و هزینه آنچه را که از هزینه‌اش می‌ترسم، و نگرانی آنچه را که از نگرانی‌اش بیم دارم، بدون هیچ زحمتی از این بابت بر هستی‌ام، و مرا بازگردان به برآوردن حاجاتم، و کفایت آنچه مرا نگران کرده، نگرانی‌اش از کار آخرت و دنیایم، ای امیر مومنان و ای ابا عبد الله، بر شما از جانب من سلام خدا همیشه تا هستم و تا شب و روز هست، و خدا این زیارت را آخرین بار از زیارت شما قرار ندهد، و بین من و شما جدایی نیندازد، خدایا زنده بدار مرا چون زندگی محمد و فرزندان او، و بمیران مرا چون مرگ آنان، و جانم را بگیر بر آیین ایشان، و محشور کن مرا در زمره آنان، و بین من و ایشان هیچگاه جدایی مینداز، حتی به اندازه چشم برهم‌زدنی در دنیا و آخرت.

ای امیر مؤمنان، و ای ابا عبد الله، به خاطر زیارتتان به جانب شما آمدم، و به خدای پروردگارم و پروردگارتان متوسلیم، و به وسیله شما متوجه به سوی اویم، و به پیشگاه خدا به وسیله شما درباره این حاجتم خواست شفاعتم، پس شما برای من شفاعت کنید، که برای شما نزد خدا مقام ستوده و منزلتی آبرومند و جایگاهی بلند و وسیله است، من از نزد شما باز

می‌گردم، درحالی که چشم به راه تحقق حاجت، و برآمدن و به انجام رسیدنش، از جانب خدا، به شفاعت شما به درگاه خدا برای خدا برای خود درباره آن هستم، پس ناامید نگردم و نمی‌باشد بازگشتگاهم نومیدانه و زیانکارانه، بلکه بازگشتگاهم بازگشتم بر آنچه خدا خواست در جنبش و نیروی نیست مگر به خدا، واگذار کننده‌ام، کارم را به خدا، با تکیه دادم به خدا، در حال توکل

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 714

بر خدا، و می‌گویم خدا مرا بس است و کافی است، می‌شنود خدا صدای کسی را که او را خواند، برای من و برای خدا و برای شما ای سرور من سرحدی نیست، آنچه پروردگار خواست شد، و آنچه نخواهد نمی‌شود، جنبش و نیروی نیست جز به خدا شما را به خدا می‌سپارم، و خدا این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد، بازگشتم، ای آقای من ای امیر مؤمنان و مولای من، و تو ای ابا عبد الله ای سرور من و سلامم بر شما پیوسته باد، تا شب و روز پیوسته است، این سلام به شما رسیده است، نه اینکه سلامم از شما پوشیده باشد اگر خدا خواهد، و از او می‌خواهم به حق شما اینکه بخواهد آن را و انجام دهد، زیرا او ستوده و بزرگوار است، ای دو سرورم از نزد شما بازگشتم، در حال توبه و سپاس برای خدا، و شکرگذاری و امیدوار به اجابت، بدون یأس و ناامیدی، درحالی که بازگردنده و بازگشت کننده و رجوع کننده به سوی زیارت شما، نه روگردان از شما، و نه از زیارتان، بلکه رجوع کننده و بازگشت کننده‌ام اگر خدا بخواهد، و جنبش و نیروی نیست جز بخدا، ای آقایانم به سوی شما و زیارتان رغبت نمودم، پس از آنکه اهل دنیا نسبت به شما و زیارتان بی‌رغبت شدند، خدا مرا از آنچه در زیارت شما امید و آرزو کردم ناامید نسازد به درستی که او نزدیک و پاسخ‌دهنده است.

سیف بن عمیره می‌گوید: به صفوان گفتم: علقمة بن محمد، این دعا را برای ما از حضرت باقر علیه السلام روایت نکرد، بلکه همان زیارت را حدیث کرد. صفوان گفت: با سید خودم امام صادق علیه السلام به این مکان وارد شدم، آن حضرت زیارت بجا آورد، مثل آنچه را که ما بجا آوردیم، و دعا کرد به این دعا هنگام وداع، پس از اینکه دو رکعت نماز بجا آورد، چنان که ما نماز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 715

بجا آوردیم و وداع کرد چنان که ما وداع کردیم. آنگاه صفوان گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود: بر این زیارت مواظبت کن و این دعا را بخوان و به آن زیارت کن، به درستی که من بر خدا ضامنم، برای هرکه زیارت کند به این زیارت

و دعا کند به این دعا، از نزدیک یا دور، به اینکه زیارتش پذیرفته و سعیش پسندیده باشد و سلامش به آن حضرت برسد و آن سلام از آن جناب پوشیده نماند و حاجت او از جانب خدای تعالی روا شود، به هر مرتبه که خواهد برسد و او را ناامید باز نگرداند. ای صفوان این زیارت را به این ضمان یافتیم از پدرم و پدرم از پدرش علی بن الحسین علیهم السّلام به مین ضمان و او از حسین علیه السّلام به همین ضمان و حسین علیه السّلام از برادرش حسن علیه السّلام به همین ضمان و حسن از پدرش امیر مؤمنان علیهما السّلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با همین ضمان و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرائیل با همین ضمان و جبرائیل از خدای تعالی با همین ضمان. به تحقیق خدای عزّ و جلّ به ذات مقدّس خود سوگند یاد کرده که هرکه حسین علیه السّلام را به این زیارت زیارت کند، از نزدیک یا دور، و دعا کند به این دعا، زیارت او را قبول می‌کنم و خواهش او را می‌پذیرم هر اندازه که باشد و خواسته‌اش را عنایت می‌کنم و از حضرت من با ناامیدی و خسارت باز نگردد و با خوشحالی باز گردانم به برآوردن حاجت و رسیدن به بهشت و آزادی از دوزخ و شفاعت او را در حقّ هرکس که شفاعت کند می‌پذیرم، حضرت فرمود: جز دشمن ما اهل بیت که شفاعت در حق او قبول نشود. حق تعالی به این واقعیت بر ذات اقدسش سوگند خورده و ما را گواه گرفته بر آنچه ملائکه ملکوت به آن گواهی دادند. پس جبرائیل گفت: یا رسول الله خدا مرا بسوی تو فرستاده برای سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد تو علیهم السّلام تا روز قیامت مستمّر و پاینده باد شادمانی تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان علیهم السّلام و شیعه شما تا روز رستاخیز آنگاه صفوان گفت: امام صادق علیه السّلام به من فرمود: هرگاه برای بسوی خدای عزّ و جلّ حاجتی روی داد، زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که بودی و این دعا را بخوان و حاجت را از پروردگار خود بخواه از جانب خدا برآورده میشود و خدا وعده خود را به رسول خود خلاف نخواهد فرمود، به جود و امتنانش و الحمد لله. مؤلف گوید: در کتاب «نجم الثاقب» در زیل تشرف جناب حاج سید احمد رشتی به محضر امام عصر ارواحنا فدا در سفر حجّ و فرمایش آنحضرت به او که شما چرا عاشورا نمی‌خوانید، عاشورا، عاشورا، عاشورا، «دلیل بر فضیلت و آثار و فواید این زیارت است» و ما آن حکایت را ان شاء الله پس از زیارت جامعه کبیره نقل خواهیم کرد. [صفحه 839] شیخ ما ثقة الاسلام نوری رحمه الله علیه فرموده: اما زیارت عاشورا، در فضل و مقام آن بس که از سنخ سایر زیارات نیست که به ظاهر از انشاء و المای معصومی باشد، هر چند که از قلوب مطهره ایشان چیزی جز آنچه از عالم بالا به آن رسد بیرون نیاید بلکه از سنخ احادیث قدسیّه است که به همین ترتیب از زیارت و لعن و سلام و دعا، از حضرت احدیّت جلّت عظمت به جبرائیل امین و از او به خاتم انبیا صلی

اللّٰه عليه و آله و سلّم رسیده و بنا بر تجربه، مداومت به آن در چهل روز یا کمتر در قضای حاجات و رسیدن به مقاصد و دفع دشمنان بی نظیر است اما از بهترین فواید آنکه از مواظبت و مداومت بر آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 716

به دست آمده، فایده‌ای است که: ثقه صالح متقی، حاج ملا حسین یزدی که از نیکان مجاور نجف اشرف است و پیوسته مشغول عبادت و زیارت از ثقه امین حاج محمد یزدی نقل کرد که در شهر یزد مرد فاضل صالحی بود که همواره اشتغال به اصلاح امر آخرت خود داشت و شبها در مقبره خارج یزد که در آن جماعتی از صالحان مدفونند و معروف به مزار است به سر می‌برد و او را همسایه‌ای بود که از کودکی با هم بزرگ شده بودند و برای درس پیش يك معلّم می‌رفتند، تا آنکه بزرگ شد و شغل عشّاری [ده يك گرفتن به زور و به ناحق مأمور مالیات] پیش گرفت تا از دنیا رفت و در همان مقبره نزدیک محلی که آن مرد صالح بیتوته می‌کرد دفن کردند، پس از گذشتن کمتر از ماهی او را در خواب دید که در هیئت نیکویی است، به نزد او رفت و گفت: من آغاز و انجام و ظاهر و باطن کار تو را می‌دانم و می‌دانم از آنهایی نبود که نیکی در باطن ایشان احتمال رود و شغل تو جز عذاب را نمی‌طلبد، پس به کدام عمل به این مقام رسیدی؟ گفت: چنان است که گفتم، من از روز مردن در شدیدترین عذاب بودم، تا دیروز که زوجه استاد اشرف حدّاد فوت شد، و او را در این مکان دفن کردند و اشاره کرد به موضعی که قریب صدر ذرع از او دور بود و در شب وفات او، حضرت ابو عبد الله الحسین علیه السّلام سه مرتبه او را زیارت کرد و در مرتبه سوم به برداشته شدن عذاب این مقبره امر فرمود، پس حالت ما نیکو شد و در سعه و نعمت افتادیم، آن مرد صالح متحیرانه از خواب بیدار شد، درحالی که حدّاد را نمی‌شناخت و محلّ او را نمی‌دانست، در بازار حدّادان از او پرسید، و او را یافت، از او پرسید: آیا برای تو همسری بود؟ گفت آری دیروز وفات کرد، و او را در فلان مکان (و همان موضع را اسم برد) دفن کردیم، پرسید: او به زیارت ابی عبد الله علیه السّلام رفته بود؟ گفت نه: گفت: ذکر مصائب او می‌کرد؟ گفت: نه، گفت مجلس عزاداری داشت؟ گفت: نه، حدّاد پرسید چه می‌جویی؟ خواب را نقل کرد، گفت آن زن به خواندن زیارت عاشورا مواظبت و مداومت داشت.

دوم: زیارت عاشورای غیر معروفه: این زیارت، با زیارت معروفه متداوله در اجر و ثواب همسان است، و مشقّت گفتن صد مرتبه لعن، و صد مرتبه سلام را ندارد، و صورت آن که در کتاب «مزار قدیم» نقل شده، بدون ذکر شرح آن، چنین است: هرکس دوست دارد آن حضرت را از شهرهای دور یا نزدیک زیارت کند، غسل نماید و به صحرا یا بام خانه خود رود، آنگاه دو رکعت نماز بجا آورد، و در آن سوره «توحید» را بخواند، چون سلام داد، به سوی آن حضرت به سلام

اشاره کند و به این سلام و اشاره و نیت، متوجه شود به آن جهتی که ابو عبد الله الحسین علیه السلام در آن است، یعنی رو به کربلای معلی کند، آنگاه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 717

با خشوع و استکانت بگوید:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر او ای فرزند مژده‌دهنده و بیم‌دهنده، و فرزند آقای جانشینان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای منتخب خدا و فرزند منتخبش، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، سلام بر تو ای تنهای مظلوم، سلام بر تو ای پیشوای هدایتگر پاك، و بر جاهلی که به درگاهت فرود آمدند و در جوارت اقامت کردند، و وارد شدند همراه زیارت‌کنندگان، از سوی من سلام بر تو تا هستم، و تا شب و روز هست به راستی که مصیبت به تو بزرگ شد، و در میان مؤمنان و مسلمانان و همه اهل آسمانها و زمینها عظیم گشت، پس ما از خداییم و بسوی او باز می‌گردیم درودها و برکات و تحیات خدا بر تو ای ابا عبد الله الحسین، و بر پدران اک و نجیب، و بر نسلهای راهنما و رهیافته شما، خدا لعنت کند امتی را که از یاریات دریغ کردند و نصرت و کمک به تو را رها نمودند، و خدا لعنت کند امتی را که بنیان ستم بر شما را بنا نهادند و زمینه بی‌عدالتی بر شما را آماده کردند، و برای آزار و ظلم به شما، راه را باز کردند و این ظلم و جور را در شهرهای شما و شیعیانان جاری ساختند، به سوی خدا و شما ای آقایان و سرپرستانم، بیزار شدم از اینان و شیعیان و پیروانشان، از خدا ای سرپرستانم، که گرمی داشت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 718

مقامتان را، و شرافت داد منزلت و شأنتان را، درخواست می‌کنم، که مرا به ولایت و اقتدای به شما و برائت از دشمنانان گرمی بدارد، و از خدای نیکوکار مهربان می‌خواهم که دوستی شما را روزی من کند، و به طلب خونخواهی شما همراه امام مورد انتظار هدایتگر از خاندان محمد موفق نماید، و اینکه در دنیا و آخرت مرا با شما همراه کند، و به مقام پسندیده‌ای که برای شما نزد خداست برساند، و از خدای عزّ و جلّ درخواست می‌کنم، به حق شما، و به شأنی که برای قرار داده، که عطا کند به من به خاطر مصیبت‌زدگی‌ام به شما، برترین چیزی را که به مصیبت‌زده‌ای به خاطر مصیبتش عطا کرد، و ما از خدایی و به سوی او باز می‌گردیم، و ای از مصیبتی که چه دردناک و سخت بود، برای دل‌های مؤمنان و مسلمانان، پس ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا در این حالت از آنانی قرار ده که از جانب تو به آنها درودها و رحمت و آمرزش می‌رسد، و مرا در دنیا و آخرت در پیش خود آبرومند و از مقربان

بدار، زیرا من به محمد و خاندان محمد (درود تو بر او و همه ایشان) به تو تقرّب می‌جویم. خدایا من متوسّل می‌شوم، به برگزیده از خلقت، و منتخب از آفریدگانت محمد و علی و پاکان از فرزندان آن دو بزرگوار. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و زندگی مرا زندگی (آمیخته به عشق) آنان و مردن مرا مردن (با شیفتگی به) آنان قرار ده، و در دنیا و آخرت بین من و آنان جدایی مینداز، که تو شنونده دعایی، خدایا امروز روزی است که انتقام در آن تازه می‌شود، و لعنت فرود می‌آید در آن بر لعنت‌شدگان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 719

یزید و خاندان یزید، و بر خاندان زیاد، و عمر بن سعد و شمر، خدایا آنان را لعنت کن، و لعنت کن کسی که به گفتار و کردارشان راضی شد، از آغاز تا پایان لعنتی بسیار، و آنان را در آتش سوزانت وارد کن، و در دوزخ جایشان ده، دوزخی که بد جایگاهی است، و دوزخ را واجب گردان بر آنان و هرکه با آنان همکاری کرد، و با آنان هم‌پیمان شد، و به آنان مساعدت نمود، و به کردارشان راضی شد، و باز کن بر روی ایشان و بر آنان، و بر هر که به این حادثه راضی شد لعنت‌هایت را که به آن لعنت کردی هر ستمکار، و هر غاصب و هر منکر و هر کافر و هر مشرک و هر شیطان رانده شده و هر گردنکش لجبازی را، خدایا یزید و خاندانش و فرزندان مروان همه را لعنت کن. دوچندان کن غضب و خشم و عذاب و انتقامت را بر اول ستمگری که به اهل بیت پیامبرت ستم کرد، خدایا تمام ستم‌کنندگان بر آنها را لعنت کن، و از آنان انتقام بگیر، زیرا تو صاحب انتقام از تبهکاران هستی، خدایا و لعنت کن اولین ستمکاری را که به خاندان محمد ستم کرد، و لعنت کن ارواح و ش‌هرها و گورهایشان را، و خدایا لعنت کن جمعیتی را که به کارزار با حسین فرزند دختر پیامبرت فرود آمدند، و با او جنگیدند، و یاران و یاوران و کمک‌کاران و دوستان و شیعیان و دوستداران اهل بیت و فرزندان را کشتند، و خدایا لعنت کن کسانی را که مالش را غارت کردند، و حریمش را ربودند، و سخن و گفتارش را نشنیدند، و خدایا لعنت کن هرکه این حادثه به او رسید و به آن راضی شد از گذشتگان و آیندگان و همه خلائق تا روز قیامت سلام بر تو ای ابا عبد الله الحسین، و بر آنان که با تو همراهی کردند و یاریات نمودند، و با جانشان با تو به مواسات برخاستند، و جانشان را در دفاع از تو بخشیدند، سلام بر تو ای مولایم و بر آنان، و بر روح تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 720

و بر ارواحشان، و بر خاک تو و بر خاکشان، خدایا رحمت و رضوان و راحت و ریحان به آنان عطا کن، سلام بر تو ای مولایم ای ابا عبد الله، ای فرزند خاتم پیامبران، و ای فرزند سرور جانشینان، و از فرزند سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای شهید، ای فرزند شهید. خدایا در این ساعت، و در این روز، و در این وقت، و هروقت از جانب من تحیت و سلام به او برسان، سلام بر تو ای فرزند سرور جهانیان، و بر کشته شدگان به همراه تو، سلامی پیوسته تا شب و روز پیوسته است، سلام بر حسین بن علی شهید، سلام بر علی بن حسین شهید، سلام بر عباس فرزند شهید امیر مؤمنان، سلام بر شهیدان از فرزندان امیر مؤمنان، سلام بر شهیدان از فرزندان جعفر و عقیل سلام بر هر شهید گشته از مؤمنان. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به آنان از جانب من تحیت و سلام برسان. سلام بر تو ای رسول خدا، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد، خدایا پاداشت را در مصیبت فرزندت حسین نیکو گرداند، سلام بر تو ای ابا الحسن ای امیر مؤمنان، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد، خدا پاداشت را در مصیبت فرزندت حسین نیکو گرداند، سلام بر تو فاطمه دختر رسول پروردگار جهانیان،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 721

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد، خدا پاداشت را در مصیبت فرزندت حسین نیکو گرداند سلام بر تو ای ابا محمد ای حسن، و سلام و رحمت و برکات بر تو باد، خدا پاداشت را در مصیبت برادرت حسین نیکو گرداند، سلام بر ارواح مردان و زنان با ایمان زنده‌ها و مرده‌هایشان، سلام و رحمت خدا و برکات خدا بر آنان باد، خدا پاداشت آنان را در مصیبت مولایشان حسین نیکو گرداند، خدایا قرار ده ما را از خواستاران خونخواهی او به همراه امام دادگر، که اسلام و اهلش را به او عزیز گردانی، ای پروردگار جهانیان. بعد به سجده رو و بگو: خدایا تو را سپاس بر همه آنچه از امر عظیم نازل شد، و تو را سپاس بر هر امری و به سوی توسل شکایت در امور بس مهم بزرگ، که به برگزیدگان و اولیای اصابت کرد، و این به خاطر کرامت و فضل بسیاری است که بر آنان واجب کرده‌ای. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و شفاعت حسین (درود بر او) را نصیب من کن، روز ورود به قیامت، و مقام مشهود، و حوض وارد شده، و برلم نزد خود قدم صدق قرار ده با حسین و یاران حسین (درود بر ایشان) آنان که با وجودشان با او مواسات نمودند، و جانشان را در برابر او بخشیدند، و همراه او با دشمنان جهاد نمودند، به خاطر به دست آوردن خوشنودی‌ات و امید به تو، تصدیق به وعده‌ات، و ترس از تهدیدت، زیرا که تو لطف کننده‌ای به هر که بخوای، ای مهربان‌ترین مهربانان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 722

هشتم: زیارت اربعین

اربعین سید الشهداء علیه السلام مصادف با روز بیستم صفر است، شیخ طوسی در کتاب تهذیب و مصباح از حضرت حسن عسگری علیه السلام روایت کرده: نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: پنجاهویک رکعت نماز گذاردن، که مراد هفده رکعت واجب، و سی و چهار رکعت نافله [مستحب] در هر شب و روز است، و زیارت اربعین، و انگشتر به دست راست نمودن، و پیشانی را در سجده بر خاک نهادن، و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» کیفیت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز اربعین به دو صورت رسیده: اول: زیارتی است که شیخ در دو کتاب تهذیب و مصباح از صفوان جمال روایت کرده، که صفوان گفت: مولایم امام صادق علیه السلام درباره زیارت اربعین به من گفت: هنگامی که قسمت قابل توجهی از روز برآمده، بخوان:

سلام بر ولیّ خدا و حبیبش، سلام بر دوست خدا و نجیبش، سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش، سلام بر حسین مظلوم شهید، سلام بر آن دچار گرفتاریها و کشته اشکها، خدایا من گواهی می‌دهم که حسین ولیّ تو و فرزند ولیّ تو، و فرزند برگزیده توست حسینی که به کرامت رسیده، او را به شهادت گرامی داشتی، و به خوشبختی اختصاص دادی، و به پاکی ولادت برگزیدی، و او را آقایی از آقایان، و پیشروی از پیشرویان، و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی، و میراثهای پیامبران را به او عطا فرمودی، و او را از میان جانشینان حجت بر بندگان قرار دادی، و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت، و از خیرخواهی دریغ نورزید، و جانش را در راه تو بذل کرد، تا بندگان را از جهالت و سرگردانی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 723

گمراهی برهاند، درحالی که بر علیه او به کمک هم برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد، و بهره واقعی خود را به فرومایه‌تر و پست‌تر چیز فروختند، و و آخرتشان را به کمترین بها به گردونه فروش گذاشتند، تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند، تو را و پیامبرت را به خشم آوردند، و اطاعت کردند از میان بندگان، اهل شکاف‌فکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین، و سزواران آتش را پس با آنان درباره تو صابرا نه و به حساب تو جهاد کرد، تا در طاعت تو خونس ریخته شد و حریمش مباح گشت خدایا آنان را لعنت کن لعنتی سنگین، و عذابشان کن عذابی دردناک، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان، شهادت می‌دهم که تو امین خدا و فرزند امین اویی،

خوشبخت زیستی، و ستوده درگذشتی، و از دنیا رفتی گم گشته، و مظلوم و شهید، گواهی می‌دهم که خدا وفاکننده است آنچه را به تو وعده داده، و نابودکننده کسانی را که از یاریات دریغ ورزیدند، و عذاب کننده کسانی را که تو را کشتند، و گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردید و در راهش به به جهاد برخاستی تا مرگ فرا رسید، پس خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و به تو ستم کردند، و این جریان را شنیدند و به آن خشنود شدند، خدای من تو را شاهد می‌گیرم که من دوستم با آنان که او را دوست دارند، و دشمن با آنان که با او دشمنند، پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو در صلیبهای بلندمرتبه و رهمای پاک نوری بودی، جاهلیت با ناپاکیهایش تو را آلوده نکرد، و از جامه‌های تیره و تارش به تو نپوشاند، و گواهی می‌دهم که تو از ستونهای دین، و پایه‌های مسلمانان، و پناهگاه مردم مؤمنی، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 724

گواهی می‌دهم که پیشوای نیکوکار، با تقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت کننده، و هدایت شده‌ای، و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا، و نشانه‌های هدایت، و دستگیره محکم، و حجت بر اهل دنیا هستند و گواهی می‌دهم که من به یقین مؤمن به شما، و به بازگشتن یقین دارم، براساس قوانین دینم، و عواقب عملم، و قبلم با قلبتان در در صلح، و کارم پیرو کارتان، و یاری‌ام برای شما آماده است، تا خدا به شما اجازه دهد، پس با شما نه با دشمنانتان، دروهای خدا بر شما، و بر ارواح و پیکره‌ایتان، و بر حاضر و غایبتان، و بر ظاهر و باطنتان، آمین ای پروردگار جهانیان.

پس دو رکعت نماز می‌خوانی، و به آنچه می‌خواهی دعا می‌کنی و برمی‌گردد.

دوم: زیارتی است که از جابر روایت شده، و کیفیت آن چنان است که از عطا [ظاهرا همان عطیه عوفی کوفی همسفر جابر در اربعین برای زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است] نقل شده: در روز بیستم ماه صفر با جابر بن عبد الله انصاری بودم، چون به غاضریه رسیدیم در آب فرات غسل کرد، و پیراهن پاکیزه‌ای که با خود داشت پوشیده، آنگاه به من گفت: آیا از بوی خوش چیزی، با تو هست ای عطا؟ گفتم: سعد با من هست، قدری از آن گرفت و بر سر و بدن پاشید، و پابرهنه روانه شد، تا نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام ایستاد، و سه مرتبه الله اکبر گفت. پس افتاد و بیهوش شد، چون به هوش آمد شنیدم می‌گفت: «السلام علیکم یا الی الله...» که درست همان زیارت نیمه رجب است که قبلان ذکر کردیم، و با آن جز در چند کلمه تفاوت ندارد، که آن هم احتمالا ناشی از اختلاف نسخه‌هاست،

چنان که شیخ مرحوم احتمال داده. در هر صورت اگر کسی بخواند آن را هم بخواند، به زیارت نیمه رجب رجوع کند، و همان را بخواند. مؤلف گوید: زیارت امام حسین علیه السلام در اوقات شریفه و شبها و روزهای متبرکه، به غیر این اوقات که ذکر شد، نیز افضل است، به ویژه اوقاتی که به آن حضرت نسبتی داشته باشد، مانند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 725

روز مباحله و روز نزولا هل اتی و روز ولادت آن حضرت و نیز شبهای جمعه. و از روایتی استفاده می شود که حق تعالی در هر شب جمعه نظر لطفی بر آن حضرت می نماید، و همه پیامبران و اوصیای ایشان را به زیارت حضرتش می فرستد. ابن قولویه از امام صادق علیه السلام روایت کرده: هرکه قبر امام حسین علیه السلام را در هر جمعه زیارت کند، البته آمرزیده می شود، و از دنیا با حالت حسرت بیرون نرود، و مسکنش در بهشت با امام حسین علیه السلام باشد. در خبر اعمش آمده: همسایه او برایش گفت: در خواب دیدم رقعه هایی از آسمان فرو می ریزد، که در آنها برای هرکه امام حسین علیه السلام را در شب جمعه زیارت کند امان نوشته اند، و بعد از این در اعمال کاظمین در ضمن حکایت حاج علی بغدادی [صفحه 746] به این مطلب اشاره خواهد شد. و در غیر این اوقات از اوقات شریفه دیگر نیز خوب است آن حضرت زیارت شود. روایت شده از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا برای زیارت امام حسین علیه السلام خاصی است که بهتر از زمانهای دیگر باشد؟ فرمود: آن حضرت را در هروقت و هر زمان زیارت کنید که در زیارت آن حضرت خیر مقرر است، هرکه آن را بیشتر به عمل آورد، خیر بیشتری خواهد یافت و هرکه کمتر انجام دهد خیر کمتری به دست می آورد، و در زیارت کردن آن حضرت در اوقات شریفه بکوشید، که اعمال صالحه در آن اوقات ثوابش دو چندان است و در آن اوقات شریفه فرشتگان الهی برای زیارت آن حضرت از آسمان نازل می شوند الخ. و برای خصوص این اوقات یاد شده زیارت منقولی یافت نشده، تنها برای روز سوم شعبان که روز ولادت حضرت امام حسین علیه السلام است، دعایی از ناحیه مبارکه بیرون آمده که باید آن را خواند، و ما آن را در ضمن اعمال ماه شعبان ذکر کردیم، و همچنین بدانکه زیارت آن حضرت در غیر کربلا، از شهرهای دور فضیلت زیادی دارد، و ما در اینجا به ذکر دو روایت که در کتابهای «کافی»، «تهدیب» و «من لا یحضره الفقیه» است قناعت می کنیم.

روایت اول: ابن ابی عمیر از هشام روایت کرده: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه راه یکی از شما دور، و از خانه اش تا قبور ما مسافت زیادی باشد، به پشت بام بلندتر منزل خود بالا رود، و دو رکعت نماز بجا آورد، و به سلام کردن به سوی قبرهای ما اشاره کند، به درستی که آن نماز و سلام به ما می رسد.

روایت دوم: از حنّان بن سدید از پدرش نقل شده: امام صادق علیه السّلام به من فرمود: ای سدید آیا هر روز قبر حسین علیه السّلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 726

را زیارت می‌کنی؟ عرض کردم: فدایت شوم نه، فرمود: شما جفا کارید، آیا در هر جمعه او را زیارت می‌کنید؟ گفتم: نه، فرمود آیا در هر ماهی زیارت می‌کنید؟ گفتم: نه، فرمود: آیا در هر سالی زیارت می‌کنید؟ گفتم: گاهی از سالها شده که زیارت کرده‌ام فرمود: ای سدید شما به امام حسین علیه السّلام چه جفا کارید! آیا نمی‌دانید که حق تعالی دو هزارهزار فرشته [در کتاب «تهدیب» و «فقیه» هزارهزار فرشته آمده است] ژولیده‌موی و غبارآلود گمارده تا بر آن حضرت گریه کنند و زیارت نمایند که هرگز سست نمی‌شوند، و برای تو ای سدید چه می‌شود، که زیارت کنی قبر امام حسین علیه السّلام را در هر جمعه پنج مرتبه، و در هر روزی یک مرتبه؟ گفتم: فدایت شوم بین ما و او فاصله بسیاری است، فرمود: به بام خانه‌ات بالا رو و سپس به راست و چپ نظر کن، آنگاه سر خود را به سوی آسمان بردار، سپس قصد کن جانب قبر آن حضرت را و بگو: السّلام عليك يا ابا عبد الله، السّلام عليك و رحمة الله و برکاته به خاطر این عمل زیارتی برای تو نوشته می‌شود، و آن زیارت حجّ و عمره است. سدید گفت: باشد که این را در ماه بیش از بیست مرتبه بجا آوردم، و در آغاز زیارت اوّل از زیارت مطلقه [صفحه 656] مطلبی که مناسب این مقام بود گذشت، مراجعه کنید.

«پی‌نوشت»

در فضیلت و آداب تربت مقدسه امام حسین علیه السّلام

بدانکه روایات بسیاری وارد شده که در تربت آن حضرت شفای هر درد و بیماری است بجز مرگ، و امان است از هر بلا، و باعث ایمنی است از هر خوف و بیم، و اخبار در این باب متواتر [یعنی از طرق بسیاری نقل شده] است، و معجزاتی که به سبب این تربت مقدسه ظاهر گردیده بیشتر از آن است که به ذکر آید، و من در کتاب «الفوائد الرضویه» که که در تراجم علمای امامیه است، در احوال سید محدث متبحر آقا سید نعمت الله جزایری (ره) نوشتم، که آن سید جلیل‌القدر در تحصیل علم زحمت بسیار کشیده، و سختی و رنج فراوان برده است و حتی در اوایل تحصیل چون قادر به

تَهِیه چراغ نبوده، در روشنی ماه مطالعه می کرده، لا جزم از کثرت مطالعه در پرتو نور مهتاب و بسیار نوشتن، چشمانش ضعیف شده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 727

بود، بنابراین برای روشنی چشم خود، به تربت مقدّسه حضرت سید الشهداء علیه السّلام، و تربتهای سایر مراقد شریفه ائمه عراق اکتحال می کرد [مانند سرمه، به چشم می کشید] و به برکت آن تربتها چشمانش روشن می شد، و برای اینکه مبدا اهالی زمان ما به واسطه معاشرت با کفّار و افراد بی دین، این واقعیت را عجیب بشمارند، نگاشتم: همانا کمال الدین دمیری در کتاب «حیات الحیوان» نقل کرد: افعی هرگاه از عمرش هزار سال بگذرد، چشمانش کور می شود، حق تعالی به او الهام کرده است که برای رفع کوری خود، چشمانش را به رازیانه تر (نمناک) بمالد، او هم با چشم کور از بیابان به قصد باغها، و محلهایی که در آنجا رازیانه باشد بیرون می آید، گرچه مسافتی طولانی در بین باشد تا خود را به آن گیاه رسانده و چشم خویش را بر آن بمالد و روشنی چشمش بازگردد، و این مطلب را زنجیری و غیر او نیز نقل کرده اند. پس هرگاه حق تعالی در گیاه تری این خاصیت را قرار داده باشد، که مار کور به آن پی برد، و بهره خود را از آن بگیرد، چه جای تعجّب و شگفتی دارد، که خدا در تربت پسر پیامبر صلی الله علیه و آله که خود و عترتش در راه خدا کشته شدند، شفای از همه امراض و فوائد و برکاتی قرار داده باشد، که شیعیان و محبّان از آن بهره ببرند، و ما در این مقام به ذکر چند خبر اکتفا می کنیم:

اول: روایت شده، حوریان بهشت، چون یکی از ملائکه را می بینند که برای کاری به زمین می آید، از او التماس می کنند که برای ما تسبیح و تربت قبر امام حسین علیه السّلام را به عنوان هدیه بیاور. دوم: به سند معتبر روایت شده است که شخصی گفت:

حضرت رضا علیه السّلام برای من از خراسان بسته ای متاع فرستاد، چون گشودم در میان آن خاکی بود، از کسی که آورده بود پرسیدم این خاک چیست؟ گفت: خاک قبر امام حسین علیه السّلام است و امام رضا علیه السّلام هرگز از جام و غیر جامه چیزی به جایی نمی فرستد مگر آنکه این خاک را در میانش می گذارد و می فرماید: این به اذن و مشیت خدا، امان از بلاهاست. سوم: روایت شده عبد الله بن ابی یعفور خدمت امام صادق علیه السّلام عرض کرد: شخصی از خاک قبر امام حسین علیه السّلام برمی دارد، و بهره مند می شود و دیگری برمی دارد، و سودی نمی برد، فرمود: نه و الله هرکه بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او سود می بخشد، البته سودی می برد، چهارم:

از ابو حمزه ثمالی روایت شده: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: می بینم اصحاب ما، خاک قبر امام حسین علیه السّلام را می گیرند، و از آن طلب شفا می کنند، آیا در آن شفای هست؟ فرمود: می توان طلب شفا کرد، از خاکی که از فاصله میان قبر تا چهار میل

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 728

بردارند. و همچنین است خاک قبر جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر امام حسن علیه السّلام و امام زین العابدین علیه السّلام و امام محمد باقر علیه السّلام، پس بگیر از آن خاک که شفای هر درد است و سپری است برای دفع هرچه از آن می ترسی و هیچ چیز از چیزهایی که از آن طلب شفا می کنند با آن برابری نمی کند به غیز از دعا و چیزی که آن را فاسد می کند آن است که در ظرفها و جاهای بد می گذارند و آنها که با آن معالجه می کنند، یقینشان کم است، هرکه یقین داشته باشد که این تربت برای او شفاست، هرگاه با آن معالجه کند برایش کافی است و محتاج به دوی دیگر نخواهد شد. و آن تربت را شیاطین و کافران از جنّیان، که خود را بر آن می مالند فاسد می گردانند و نیز هرچیز را که آن تربت از آن می گذرد، بو می کنند، و اما شیاطین و کافران جنّ به فرزندان آدم بر آن حسد می برند، به همین دلیل خود را بر آن می مالند، که اکثر نیکی و بوی خوشش برطرف می شود. و هیچ تربتی از حایر بیرون نمی آید، مگر اینکه مهیا می شوند از شیاطین و کافران جنّ برای آن تربت، به اندازه ای که عدد آنها را کسی به غیر از خدا نمی شمارد، و آن تربت در دست صاحب آن است و ایشان خود را بر آن می مالند و ملائکه نمی گذارند ایشان داخل حایر مطهر شوند و اگر تربت از گزند آنان سالم بماند، هر بیمار را که با آن معالجه نمایند، البته در آن ساعت شفا می یابد. بنابراین چون تربت را برداشتی پنهان کن و نام خدا را بر آن بسیار بخوان و شنیده ام که بعضی از مردم که تربت را بر می دارند، حتی عده ای از ایشان، آن را در توبره چهارپایان، یا در ظرف طعام یا چیزهایی که دست به آن بسیار مالیده می شود، از خورجینها و جوالها می اندازند، پس چگونه از آن تربت شفا یابد کسی که به این نوع با این گوهر گرانها معامله می کند؟ البته دلی که در آن یقین نیست و سبک می شمارد چیزی را که صلاحش در آن است عمل خود را فاسد می کند. پنجم: روایت شده: هرگاه یکی از شما بخواد تربت بردارد و با نوك انگشتان خویش بردارد، آن هم به اندازه يك نخود. پس آن را ببوسد و بر هر دو دیده گذارد و بر سایر بدن نیز بمالد و بگوید:

خدایا به حق این تربت، و به حق آن که در آن فرود آمد، و در آن دفن شد، و به حق جدّ و پدر و مادر و برادرش و امامان از فرزندان، و به حق ملائکه در برگرفته اش از تو می خواهم که آن تربت را شفای از هر درد، و بهبود از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 729

هر بیماری، و نجات از هر آفت، و پناه از آنچه می ترسم و حذر می کنم قرار دهی. سپس از آن استفاده کند.

روایت شده: که مهر کردن تربت امام حسین علیه السلام آن است، که بر آن سوره انا انزلناه بخوانی. و نیز روایت شده، هرگاه خواستی تربت را بخوری، یا به کسی بخورانی بگو:

به نام خدا و به خدا، خدایا ان را روزی فراخ، و دانش سودمند، و شفا از هر درد قرار بده، و درستی که تو بر هر چیز توانایی مؤلف گوید: فوائد تربت شریفه آن حضرت بسیار است، از جمله گذاشتن آن همراه میت در قبر، و نوشتن کفن با آن مستحب است و دیگر سجده کردن بر آن است، روایت شده سجده بر آن، هفت حجاب را برمی دارد، یعنی باعث قبولی نماز می شود، نمازی که به عوالم بالا صعود کند و نیز ساختن تسبیح از تربت آن حضرت و ذکر گفتن با آن تسبیح و در دست داشتن آن است، که فضیلت بسیاری دارد، و از خاصیت آن تسبیح این است، که در دست آدمی تسبیح می گوید: بی آنکه صاحبش تسبیح گوید و معلوم است که این تسبیح غیر از آن تسبیحی است که در تمام موجودات است چنان که خدای تعالی فرموده: «هیچ موجودی نیست جز آنکه تسبیح می گوید همراه با سپاس خدا، ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید» و عارف رومی در بیان آن چنین گفته:

با تو ذرات جهان همراز شد

گر تو را از غیب چشمی باز شد

هست محسوس حواس اهل دل

نطق خاك و نطق آب و نطق گل

با تو می گویند روزان و شبان

جمله ذرات در عالم نهان

با شما ناعمرمان ما خامشیم

ما سمیعیم و بصیریم و هشیم

غلغل اجزای عالم بشنوید

از جمادی سوی جان جان شوید

وسوسه تاویلها بزادیت

فاش تسبیح جمادات آیدت

در هر صورت این تسبیحی که در این روایت است، تسبیحی است که از خصوصیات تربت حضرت سید الشهداء (ارواحنا له الفداء)

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 730

است. ششم: از حضرت رضا علیه السلام روایت شده: هرکه تسبیح ساخته شده از تربت امام حسین علیه السلام را در دست بگرداند و بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر «حق تعالی عوض هر دانه برای او شش هزار حسنه بنویسد، و از او شش هزار گناه محو کند، و به او شش هزار درجه ترفیع دهد و برای او شش هزار شفاعت ثبت کند. از امام صادق علیه السلام روایت شده: هرکه در دست خود بگرداند سنگهایی که از تربت امام حسین علیه السلام می‌رساند، یعنی تسبیح پخته، پس يك بار استغفار کند، هفتاد استغفار برای او نوشته می‌شود، و اگر تسبیحی را در دست نگاه دارد، و تسبیح نگوید به عدد هر دانه هفت مرتبه برای او نوشته می‌شود. هفتم: در حدیث معتبری نقل شده: چون امام صادق علیه السلام به عراق تشریف آوردند، گروهی خدمت حضرت رسیدند و عرض کردند: دانسته‌ایم که تربت امام حسین علیه السلام موجب شفای هر درد است، آیا باعث ایمنی از هر خوف نیز هست؟ فرمود: آری، هرگاه کسی بخواهد که او را از هر بیمی امان بخشد، باید تسبیحی که از تربت آن حضرت ساخته باشند، در دست بگیرد، و سه مرتبه این دعا را بخواند:

صبح کردم خدایا چنگ‌زنان به پیمان و جوار محکمت، که مورد دستبرد واقع نگردد، و از دست قدرت گرفته نشود، از شرّ هر زورگو و شبیخون‌زننده در شب، از همه آنان که آفریدی، و آنچه آفریدی از مخلوقات، خاموش و گویا، در سپری محکم از هر موجود ترسناک، با پوششی سرشار و قلعه‌دار، و آن سپر ولایت اهل بیت پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) است درحالی که نگاهدار خود هستم از هرکه قصد آزارم را دارد، با دیوار محکم اخلاص، در اعتراف به حقّشان، و چنگ‌زدن به رشته ولایت تمامی آنان، درحالی که یقین دارم که حق برای آنان و با آنان، و از سوی آنان، و در میان آنان و به واسطه آنان است. دوست دارم کسی را که آنان دوست دارند، و دشمن دارم کسی را که آنان دشمن دارند و کناره‌گیری میکنم از هرکه آنها از او کناره گرفتند، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا نگهدار، خدایا به حق ایشان از شرّ هر چه از آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 731

می‌پرهیزم، ای بزرگ دور ساختم دشمنانم را از خود به وسیله پدیدآورنده آسمانها و زمین، ما را از پیش روی ایشان و پشت سرشان سدی قرار داریم پس ایشان نمی‌بینند. پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بمالد و بگوید: خدایا از تو می‌خواهم به حق این تربت مبارک، و به حق صاحبش، و به حق جدّ و پدر و مادر و برادرش، و به حق فرزندان پاکش،

آن را شفای از هر درد، و ایمی از هر بیم، و نگهدار از هر بدی قرار ده. بعد تسبیح را بر جبین خود بگذارد، اگر در صبح چنین کند، تا شام در امان خدا باشد و اگر در شام چنین کند تا صبح در امان خدا باشد. در روایت دیگری نقل شده: هرکه از پادشاهی یا غیر او بترسد، چون از خانه بیرون آید، این عمل را انجام دهد، تا نگهداری و حافظی از شر ایشان برای او باشد. مؤلف گوید:

مشهور میان علما آن است که خوردن گل و خاک مطلقا جایز نیست، مگر تربت مقدسه امام حسین علیه السلام به قصد شفا بدون قصد لذت. آن هم به اندازه يك نخود، بلکه احوط آن است که به اندازه يك عدس باشد، و خوب است تربت را در دهان بگذارد، و پس از آن جرعه‌ای از آب بخورد و بگوید:

خدایا آن را روزی فراخ، و دانش سودمند، و شفای از هر درد و بیماری قرار ده.

علامه مجلسی رحمه الله فرموده: احوط آن است که مهر و تسبیح و تربت آن حضرت را خرید و فروش نکنند، بلکه به هدیه و بخشش بدهند و در برابر آنها اگر تراضی کنند، بی آنکه اول شرط کرده باشند شاید بد نباشد، چنان که در حدیث معتبری از امام صادق علیه السلام نقل شده: هرکه خاک قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد، چنان است که گوشت آن حضرت را فروخته و خریده.

مؤلف گوید: شیخ ما محدث چیره‌دست ثقة الاسلام نوری رحمه الله در کتاب «دار السلام» نقل کرده: روزی یکی از برادران

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 732

من خدمت مرحومه والدهام رسید، مادرم دید تربت امام حسین علیه السلام را، در جیب پایین قبای خود گذاشته، مادرم او را نمی‌کرد، که این بی‌ادبی به تربت مقدسه است، چه اینکه بسا شود زیر ران قرار گیرد و شکسته شود، برادرم گفت: چنین است که فرمودی و تاکنون دو مهر شکسته‌ام، ولی عهد کرد که پس از آن تربت را در جیب پایین خود نگذارد، چند روزی از این قضیه گذشت، علامه والدهم بدون اینکه از این مطلب اطلاع داشته باشد، خواب دید که مولای ما حضرت ابا عبد الله السحین علیه السلام برای دیدن او به خانه تشریف آورد، و در اطاق کتابخانه نشست، و ملاطفت و مهربانی بسیار کرد و فرمود: پسران خود را دعوت کن بیایند تا آنها را اکرام کنم. پس پسرها را خواست، و با من پنج نفر بودند، همه آنها کنار در مقابل آن حضرت ایستادند، و نزد حضرت جامه‌ها و چیزهای دیگری بود، يك را می‌خواند،

و چیزی از آنها به او می‌داد، نوبت به برادر مزبور رحمه الله رسید، حضرت نظری به او انداخت، مانند کسی که در غضب باشد. و التفات به پدرم نمود و فرمود: این پسر تو دو تربت از تربتهای قبر مرا در زیر ران خود شکسته، پس آن حضرت او را مثل برادران دیگر نخواند، بلکه چیزی به سوی او افکند، و الآن در ذهن من است که گویا قاب شانه ترمه به او داد، بعد علامه والد بیدار شد و خواب خود را برای مرحومه والده نقل کرد، و والده حکایت برادر را برای او بیان نمود، ولاد از صدق این خواب شگفت‌زده شد.

فصل هشتم

در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین یعنی امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام و ذکر مسجد برائا و زیارت نواب اربعه و زیارت جناب سلمان و مشتمل بر چند بخش است:

بخش اول: در فضیلت و کیفیت زیارت کاظمین علیهما السلام

بدانکه برای زیارت این دو امام معصوم علیهما السلام فضیلت بسیاری ذکر شده، و در اخبار بی‌شماری وارد شده که زیارت موسی بن جعفر علیهما السلام مثل زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله است. و در روایتی است: هرکه او را زیارت کند، مانند آن است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان را زیارت کرده، و در روایت دیگری: مثل آن است که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 733

باشد، و در حدیث دیگری: هرکه او را زیارت کند، بهشت برای اوست.

شیخ جلیل محمد بن شهر آشوب در «مناقب» از تاریخ بغداد نقل کرده: که خطیب مؤلف آن کتاب به سند خود از علی بن خلیل روایت نموده: هیچ امر دشواری مرا روی نداد، که بعد از آن به نزد قبر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روم، و متوسل به آنجناب شوم، مگر آنکه خدا، آن را برام آسان کرد. و نیز گفته است: زنی در بغداد دیده شد که می‌دوید به و گفتند: کجا می‌روی؟ گفت: به سوی قبر موسی بن جعفر علیهما السلام می‌روم، برای پسر که او را

حبس کرده‌اند دعا کنم، مردی حنبلی مذهب در آنجا حاضر بود، آن زن را مسخره کرد، و گفت: پسرت در زندان از دنیا رفت، آن زن گفت: خدایا از تو درخواست می‌کنم، به حق کسی که در زندان شهیدش کردند [مرادش موسی بن جعفر علیه السلام بود] قدرت خود را به من بنما، به ناگاه پسر آن زن را رها کردند، و فرزند آن مرد حنبلی را که مسخره کرده بود، به جنایت او گرفتند شیخ صدوق از ابراهیم بن عقبه روایت کرده:

خدمت امام هادی علیه السلام نامه‌ای نوشتم، و در نامه پرسیدم از زیارت ابی عبد الله السحین علیه السلام، و از زیارت حضرت موسی بن جعفر و حضرت جواد علیهما السلام، منظور از پرسش آن بود که بدانم کدام يك از این دو زیارت افضل است؟

حضرت در جواب نوشته بودند: ابو عبد الله علیه السلام مقدم است، و زیارت این دو معصوم جامعتر، و ثوابش عظیم‌تر است.

اما کیفیت زیارت کازمین علیهما السلام: بدانکه زیارات آن حرم شریف، بعضی اختصاص به هر يك از آن دو بزرگوار دارد، و بعضی مشترك مابین آن دو امام است.

اما زیارت مختص به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام چنان که سید ابن طاووس در کتاب «مزار» نقل کرده: آن است که چون خواستی آن حضرت را زیارت کنی، سزاوار است غسل کنی و بعد با آرامش و وقار به زیارت، روانه شوی همین که به در حرم رسیدی بایست و بگو:

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است، خدا را سپاس بر هدایت نمودن به سوی دینش، و موفق نمودن بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 734

آنچه فرا خواند به سوی آن از راهش. خدایا تویی کریمترین قصد شده، و کریمترین آمده شده، نزد تو آمده‌ام درحالی که به تو تقرّب می‌جویم، به وسیله فرزند ختر پیامبرت، درودهایت بر او، و بر پدران پاک، و فرزندان پاکیزه‌اش باد. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و کوشش‌م را بی‌ثمر مکن، و امیدم را قطع مساز، و مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان قرار ده. بعد وارد شو، و پای راست خود را مقدم دار و بگو:

به نام خدا و با خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد)، خدایا بیامرز مرا و پدرم و مادرم و همه مردان و زنان مؤمن را. همین که به در بارگاه شریف رسیدی بایست، و طلب اذن کن و بگو: آیا وارد شوم ای رسول خدا، آیا وارد شوم ای پیامبر خدا آیا وارد شوم ای محمد بن عبد الله، آیا وارد شوم ای امیر مؤمنان، آیا وارد شوم ای ابا محمد حسن، آیا وارد شوم ای ابا عبد الله الحسین، آیا وارد شوم ای ابا محمد علی بن السحین، آیا وارد شوم ای ابا جعفر محمد بن علی، آیا وارد شوم ای ابا عبد الله جعفر بن محمد، آیا وارد شوم ای مولایم ای ابا الحسن موسی بن جعفر، آیا وارد شوم ای مولای من ای ابا جعفر، آیا وارد شوم ای مولای من ای محمد بن علی. سپس وارد شو، و چهار مرتبه بگو: الله اکبر و مقابل قبر بایست، و قبله را پشت کتف خود قرار بده، آنگاه بگو:

سلام بر تو ای ولیّ خدا، و فرزند ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، و فرزند حجّت خدا، سلام بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 735

تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا و فرزند امین خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر تو ای پیشوای هدایت، سلام بر تو ای پرچم دین و تقوا، سلام بر تو ای خزانه دار دانش پیامبران، سلام بر تو ای خزانه دار دانش رسولان، سلام بر تو ای جانشین اوصیای گذشته، سلام بر تو ای معدن وحی آشکار، سلام بر تو ای صاحب دانش یقینی، سلام بر تو ای خزانه دانش رسولان، سلام بر تو ای امام شایسته، سلام بر تو ای پیشوای زاهد، سلام بر تو ای امام عابد، سلام بر تو ای امام سرور و رشید، سلام بر تو ای کشته شهید گشته، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند جانشینش، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولای من موسی بن جعفر، گواهی می‌دهم که تو از جانب خدا آنچه را بر عهده داشتی رساندی، و از آنچه به تو سپرده بود نگهداری نمودی، و حلال خدا را حلال، و حرام خدا را حرام کردی، و احکام خدا را بپا داشتی، و کتاب خدا را تلاوت نمودی، و در راه خدا بر آزار مردم صبر کردی، و در راه خدا آنگونه که باید جهاد کردی تا مرگ تو را در رسید، و گواهی می‌دهم که درگذشتی، بر آنچه پدران پاک، و اجداد پاکیزه، و جانشینان راهنما، آن پیشوایان هدایت یافته درگذشتند، گمراهی را بر هدایت ترجیح ندادی، و از حق به جانب باطل منحرف نشدی، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 736

گواهی می‌دهم که برای خدا و رسول خدا و امیر مومنان خیرخواهی کردی، و امانت را ادا نمودی، و از خیانت دوری گزیدنی، و نماز بپا داشتی، و زکات دادی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و خدا را تنها از روی اخلاص، و

اجتهاد و تنها برای او عبادت کردی، تا مرگت فرا رسید، پس خدا از سوی اسلام و اهلش پاداشت دهد، برترین و شریفترین پاداش ای فرزند رسول خدا، به سویت آمدم برای زیارت، درحالی که، عارف به حَقّت هستم، و به فضیلت اقرار دارم، متحمّل دانشت می باشم، پوشیده به پیمانت، و پناه آورنده به قبرت، زره گزیده به ضریحت، شفاعت خواه به واسطه تو به سوی خدا، دوستدار دوستان، دشمن دشمنان، بینای به مقامت، و هدایتی که تو بر آن هستی، دانای به گمراهی کسی که با تو مخالفت کرد، و کوردلی ای که آنان برآیند، پدر و مادر و جان و خاندان و مال و فرزندانم فدایت ای پسر رسول خدا، به سوی تو آمدم درحالی که به زیارتت به سوی خدای تعالی تقرب می جویم، و به پیشگاهش به وسیله تو طلب شفاعت می کنم، پس مرا نزد پروردگارت شفاعت کن، تا گناهانم را بیامرزد، و از جرمم درگذرد، و از بدیهام چشم ببوشد، و خطاهایم را محو نماید، و وارد بهشت کند، و بر من آن گونه که او شایسته آن است تفضل نماید، و مرا و پدران و برادران و خواهرانم و همه مردان و زنان با ایمان را در مشارق و مغارب زمین بیامرزد، به فضل وجود و احسانش. سپس خود را بر قبر بینداز، و آن را ببوس، و دو طرف صورت خود را بر آن بگذارد، و به آنچه که خواهی دعا کن، آنگاه رو به جانب سر برگرد و بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 737

سلام بر تو ای مولای من ای موسی بن جعفر و رحمت و برکات خدا بر تو باد، گواهی می دهم که تویی پیشوای راهنما و سرپرست ارشاد کننده، و تویی معدن تنزیل، و صاحب تأویل، و حامل تورات و انجیل، و عالم عادل، و راستگوی عمل کننده، ای مولای من، من به سوی خدا از دشمنان بیزار می جویم، و به دوستیات به خدا تقرب می نمایم، پس درود و رحمت و برکات خدا بر تو و پدران و اجداد و فرزندان و شیعیان و دوستداران باد. آنگاه دو رکعت نماز زیارت بجا آر، و در آن دو رکعت سوره یس و الرحمن یا هر سوره ای از قرآن که برایت آسان باشد بخوان، سپس به آنچه می خواهی دعا کن.

زیارت دیگر: شیخ مفید و شیخ شهید و محمد بن مشهدی فرموده اند: چون خواستی موسی بن جعفر علیهما السلام را در بغداد زیارت کنی، غسل کن، و حرم شریف را قصد نما، و بر در حرم بایست، و اذن دخول بطلب، آنگاه وارد حرم شو، درحالی که می گویی: به نام خدا و با خدا و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) و سلام بر اولیای خدا سپس برو تا برابر قبر حضرت موسی بن جعفر قرار گیری، چون نزد قبر ایستادی بگو:

سلام بر تو ای نوز خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجتّ خدا، سلام بر تو ای باب خدا. گواهی می‌دهم که تو نماز پیا داشتی، و زکات پرداختی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و کتاب خدا را آنگونه که باید تلاوت کردی، و در راه خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 738

کوشیدی کوشش شایسته، و بر آزار و اذیت در راه خدا تنها برای خدا صبر نمودی، و او را خالصانه عبادت کردی، تا مرگ تو را دررسید، گواهی می‌دهم که تو به خدا و رسول خدا سزاوارتری، و اینکه تو به حق فرزند رسول خدایی، به سوی خدا از دشمنانت بیزاری می‌جویم، و با دوستی‌ات به خدا تقرب می‌نمایم، ای مولای من به حضورت آمدم عارف به حقت، دوستدار دوستان، دشمن دشمنانت، پس مرا نزد خدا شفاعت کن. پس خود را بر قبر بینداز، و آن را ببوس و گونه‌هایت را به روی آن بگذار، آنگاه برگرد و به جانب سر بیا و بایست و بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو صادق، خیرخواهانه، ادای وظیفه کردی، و امینانه گفتی، و به حال شهادت درگذشتی، و کوردلی را بر هدایت ترجیح ندادی، و از حق به جانب باطل منحرف نشدی، درود خدا بر تو و پدران و فرزندان پاک تو. پس قبر نورانی را ببوس و دو رکعت نماز زیارت بجای آر، و بعد از این دو رکعت، هر نمازی که خواستی بخوان، آنگاه به سجده رو و بگو:

خدایا به تو اعتماد نمودم، و آهنگ تو کردم، و به فضلت امیدوار شدم، و قبر امامم را که اطاعتش را بر من واجب نمودی زیارت کردم، و به وسیله او به سوی تو توسّل جستّم، پس به حق آنان که بر خود واجب نموده‌ای مرا و پدر و مادرم و همه اهل ایمان را بیمارز، ای کریم. پس طرف راست صورت خود را بر قبر بگذار و بگو:

خدایا حاجات مرا دانسته‌ای پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و آنها را برآور. آنگاه جانب چپ صورت را بر قبر بگذار و بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 739

خدایا تو گناهانم را برشمرده‌ای، پس به حق محمد و خاندان محمد، درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و آنها را بیمارز و به آنچه تو شایسته آنی بر من تصدّق فرما. سپس به سجده برو، و صد مرتبه بگو: شکرا شکرا آنگاه سر از سجده بردار، و به آنچه خواهی و برای هرکه خواهی و او را دوست داری، دعا کن. مؤلف گوید: سید جلیل علی بن طاووس

رضی الله عنه در کتاب «مصباح الزائر» در یکی از زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام این صلوات بر حضرت را که مشتمل بر شمه‌ای از فضایل و مناقب و عبادات و مصائب آن جناب است نقل کرده: البته زائر، خود را از فیض خواندن آن محروم نسازد.

خدایا درود فرست بر محمد و اهل بیتش، و درود فرست بر موسی بن جعفر، جانشین نیکوکاران، و پیشوای خوبان و خزانه انوار، و وارث آرامش و متانت و حکمتها و آثار، آن که همواره شب را با بیداری تا سحر، با به هم پیوستن استغفار زنده می‌داشت، هم‌پیمان سجده‌های طولانی، و اشکهای سرشار و رازونیز بسیار، و ناله‌های به هم پیوسته، و قرارگاه خرد و عدالت و خوبی و کرم و بذل، و خوگرفته به بلا و صبر، پایمال شده به ستم، و دفن شده به بی‌عدالتی و معذب در عمق زندانها و تاریکیهای زیرزمینها، با ساق کوبیده، به حلقه‌های زنجیرها، و جنازه‌ای که با خواری و سبک انگاشتن بر آن جار زده شده، وارد شونده بر جدش مصطفی و پدرش مرتضی و مادرش سرور بانوان، با ارثی غصب شده، و حکومتی ربوده، و فرمانی مغلوب، و خوئی خواسته، و زهری نوشانده، خدایا همچنان که او بر سختی محنتها صبر کرد، جام اندوه گرفتاریها را نوشید، و در برابر خشنودیات

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 740

تسلیم شد، و طاعت را برای خالص نمود، و خشوع را بی‌آلایش کرد، و فروتنی را شعار خود ساخت، و با بدعت و اهلش دشمنی نمود، و ملامت ملامتگری در چیزی از اوامر و نواهی تو در او اثر نکرد، بر او درود فرست درودی بالنده عالی، پاک، که با آن درود باری او واجب گردانی شفاعت امتهایی از آفریدگانت، و گروههایی از مخلوقات، و از جانب ما به او تحیت و سلام برسان، و از نزد خود در موالاتش به ما فضل و احسان و آمرزش و رضوان عنایت کن، که تو دارای فضل فراگیر و گذشت فراوان هستی، به مهربانیات ای مهربان‌ترین مهربانان.

زیارت مختص به امام محمد تقی علیه السلام

همان سه عالم بزرگوار فرموده‌اند: متوجه به جانب قبر ابی جعفر محمد بن علی الجواد علیه السلام شو، که پشت سر جد بزرگوار خود مدفون است. چون نزد قبر آن حضرت ایستادگی بگو: سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای روی زمین، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو و بر پدرانت، سلام بر تو و بر فرزندان سلام بر تو و بر دوستان. گواهی می‌دهم که نماز پیا داشتی، و زکات پرداختی، و امر به

معروف و نھی از منکر نمودی، و کتاب خدا را آنگونه که باید تلاوت کردی، و در راه خدا جهاد کردی جهادی شایسته، و در راه او بر آزار صبر نمودی تا مرگ تو را در رسید، زائر به سویت آمده‌ام، و به حقت عارفم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 741

دوستدار دوستان، و دشمن دشمنان هستم، مرا نزد پروردگارت شفاعت کند. آنگاه قبر را بیوس و صورت خود را بر آن بگذار، سپس دو رکعت نماز زیارت بجا آر، و بعد از آن هر نمازی که خواهی بخوان، پس به سجده رو و بگو: به کسی که بد کرده و مرتکب گناه شده و درمانده گشته، و اعتراف نموده رحم کن. آنگاه طرف راست صورت را بر زمین بگذار و بگو اگر من بنده‌ای بودم، تو نیکو پروردگاری هستی. سپس طرف چپ صورت را روی زمین بگذارد و بگو: بزرگ شده گناه از بنده‌ات، پس باشد نیکو گذاشت از جانب ای کریم.

آنگاه به سجده بازگردد و صد مرتبه بگو: شکرا شکرا [سپاس سپاس].

زیارتی دیگر: سید ابن طاووس در کتاب «مزار» فرموده: چون موسی بن جعفر علیهما السلام را زیارت کردی، نزد قبر حضرت جواد علیه السلام می‌ایستی، و آن را می‌بوسی و می‌گویی:

سلام بر تو ای ابا جعفر محمد بن علی نیکوکار پرهیزگار، پیشوای وفادار، سلام بر تو ای خشنود از خدا و پاکیزه، سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای محرم راز خدا، سلام بر تو ای سفیر خدا، سلام بر تو ای راز خدا، سلام بر تو ای روشنائی خدا، سلام بر تو ای تابش خدا، سلام بر تو ای کلمه خدا، سلام بر تو ای رحمت خدا، سلام بر تو ای نور درخشان، سلام بر تو ای ماه برآمده، سلام بر تو ای پاکزاد از پاکزادان سلام بر تو ای پاک از پاکان، سلام بر تو ای نشانه بزرگتر، سلام بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 742

بر تو ای حجت اکبر، سلام بر تو ای پاک و پاکیزه از لغزشها، سلام بر تو ای منزّه از دشواریها، سلام بر تو ای برتر از نقص اوصاف، سلام بر تو ای پسندیده نزد مردم شرافتمند، سلام بر تو ای ستون دین، گواهی می‌دهم که تو ولی خدا و حجت او در زمینش هستی، و تو مقرب خدا و منتخب حق، و سپردگاه علم خدا، و پیامبران، و پایه ایمان، و ترجمان قرآنی، گواهی می‌دهم هرکه از تو پیروی کرد بر حق و هدایت است و هرکه تو را انکار کرد و با تو از در دشمنی درآمد بر گمراهی و هلاکت است، به خدا و به تو، در دنیا و آخرت از آنان بیزاری می‌جویم، سلام بر تو تا هستم و تا شب و

روز هست. و در صلوات بر آن حضرت بگو: خدایا درود فرست بر محمد و اهل بیتش، و درود فرست بر محمد بن علی پاك، پرهیزگار، نیکوکار وفادار، پیراسته، بی‌عیب، راهنمای امت، و وارث امامان، و خزانه‌دار رحمت، و چشمه‌های حکمت، و پیشرو برکت، و همسان قرآن در وجوب از او، و یگانه جانشینان در اخلاص و عبادت، و حجت والایت، و نمونه برترت، و کلمه زیاترت، دعوت کننده به سویت، و دلالت کننده بر وجودت، که او را چونان پرچی برای بندگان نصب کردی، و او را قرار دادی مترجم کتابت، و آشکارا اجرا کننده امر، و یاور دینت، و حجت بر بندگان، و نوری که به وسیله او پرده تاریکیها دریده شود، و مقتدایی که هدایت به وسیله او دریافت گردد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 743

و شفيعی که به وسیله آن به بهشت توان رسید. خدایا همچنان که در خشوع برای تو بهره‌اش را گرفت، و از خشیت تو سهمش را کامل نمود پس بر او درود فرست، چندین برابر آنچه درود فرستادی، بر نماینده‌ای که طاعتش را پسندیدی، و خدمتش را پذیرفتی و از جانب ما به او تحیت و سلام برسان، و به ما از پیش خود، در دوستی‌اش فضل و احسان و آمرزش و رضوان عنایت کن تو صاحب احسان دیرینه، و چشم‌پوشی زیبا هستی. آنگاه نماز زیارت بخوان و پس از سلام بگو: تویی پروردگار و منم پروریده تا آخر دعا که در کتابهای زیارتی معتبر روایت شده است.

زیارتی دیگر: شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده: چون خواستی آن حضرت را زیارت کنی، غسل کن، و خود را پاکیزه نما، و دو جامه پاك بپوش، و در زیارت آن جناب بگو:

خدایا درود فرست بر محمد بن علی پیشوای با تقوا، بی‌عیب، راضی به حق، پسندیده، و حجت بر هر که روی زمین و زیر زمین است، درودی بسیار، بالنده، پاکیزه، مبارک، پیوسته، پی‌درپی پیایی همانند برترین درودی که بر یکی از اولیای فرستادی، و سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای نور خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای پیشوای مومنان، و وارث علم پیامبران، و چکیده جانشینان، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، زائر به سویت آمدم، عارف به حقت، دشمن دشمنانت، دوستدار دوستان، پس مرا نزد پروردگارت شفاعت کن.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 744

آنگاه حاجت خود را بخواه، و بعد از آن در بارگاهی که قبر حضرت جواد علیه السلام است چهار رکعت نماز بالای سر بخوان، دو رکعت برای حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام، دو رکعت برای حضرت جواد علیه السلام و نزد سر

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام که مقابل قبور قریش است نماز بجا نیاور، که آنها را قبله خود قرار دادن جایز نیست. مؤلف گوید: از کلام شیخ صدوق، ظاهر می شود، که در آن زمانها قبر شریف موسی بن جعفر علیهما السلام جدا بود، و بارگاه و در جداگانه داشته، مردم پس از زیارت موسی بن جعفر علیهما السلام بیرون رفته و در بارگاه حضرت جواد علیه السلام وارد می شدند.

اما زیارت مشترك میان دو امام همام علیهما السلام بر دو بخش است

بخش اول: آنکه برای هر کدام جداگانه باید خواند. شیخ جلیل جعفر بن محمد قولویه در کتاب «کامل الزیارات» از حضرت هادی علیه السلام روایت کرده: در زیارت هر يك از آن دو امام بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر تو ای آن که اراده خدا درباره اش تغییر کرد، زائر به حضور آمد، عارف به حقت دشمن با دشمنان، دوست با دوستان، ای مولای من نزد پروردگارت برای من شفاعت کن. این زیارت در نهایت اعتبار است و شیخ صدوق و شیخ کلینی و شیخ طوسی هم با اختلاف کمی آن را ذکر کرده اند.

بخش دوم: زیارتی است که به قرائتش، آن دو امام دو امام علیهما السلام زیارت می شوند، و آن چنان است که شیخ مفید و شهید و محمد بن مشهدی ذکر کرده اند، که در زیارت آن بزرگواران، همین که نزد ضریح ایستادی می گویی:

سلام بر شما ای دو نماینده خدا، سلام بر شما ای دو حجت خدا، سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکیهای زمین. گواهی می دهم که شما از سوی خدا آنچه را بر عهده هر دو وجود شریفتان گذاشته شده بود رسانیدید، و آنچه بر آنچه سپرده شده بود

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 745

حفظ کردید، حلال نمودید حلال خدا را، و حرام کردید حرام خدا را، و بپا نمودید حدود خدا را، و تلاوت کردید کتاب خدا را، و در راه او بر آزار مردم شکیبایی ورزیدید، و به حساب خدا گذاشتید تا مرگ شما را در رسید، از دشمنانتان به خدا بیزاری می جویم، و به دوستی شما متقرب به خدا می شوم، زائر به حضورتان آمدم، عارف به حقتان، دوستدار دوستانتان، دشمن دشمنانتان، بینا به هدایتی که بر آن هستید، آگاه به گمراهی کسی که با شما مخالفت ورزید، پس نزد شما نزد

پروردگارتان برای من شفاعت کنید، که برای شما پیش خدا آبرویی بس عظیم و مقامی بس ستوده است. آنگاه تربت شریف آنجا را بیوس و سمت راست صورت خویش را بر آن بگذار، سپس به جانب سر مقدس آن بزرگواران برو و بگو: سلام بر شما دو تن، ای دو حجت خدا در زمین و آسمان، بنده و دوست شما، زیارت کننده شما دو امام، به زیارتتان به سوی خدا تقرّب می‌جویم، خدایا برای من در میان اولیای برگزیده‌ات، زبان راستی قرار بده، و زیارتگاه‌های آنان را محبوبم گردان، و در دنیا و آخرت با آنان همراه کن، ای مهربان‌ترین مهربانان.

آنگاه برای هر يك دو رکعت نماز بجا آر، و خدا را به آنچه می‌خواهی بخوان.

مؤلف گوید: چون در گذشته تقیّه بسیار شدید بود، برای زیارت این دو امام علیهما السّلام زیارت‌های مختصر و کوتاه تعلیم می‌دادند برای اینکه شیعیان از آسیب طاغوتیان محفوظ باشند، و اگر زائری خواهان زیارت مفصّل و بلند باشد زیارت جامعه را بخواند که برای ایشان بهترین زیارت است، به ویژه یکی از زیارات جامعه که از روایتش ظاهر می‌شود اختصاص بیشتری به حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام دارد، و آن زیارت، پس از این در آغاز زیارات جامعه خواهد آمد. [صفحه 829] چون زائر قصد خروج از شهر را کرد آن دو بزرگوار را وداع کند، با دعا‌های وداعی که از جمله آنها دعایی است که شیخ طوسی علیه الرّحمة در کتاب «تهدیب»

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 746

ذکر فرموده: که چون خواستی حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام را وداع گویی نزد قبر بایست و بگو: سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، به خدا می‌سپارم، و بر تو سلام می‌فرستم، به خدا و رسول و به آنچه تو آورده‌ای، و بر آن نشانه نهادی ایمان آوردم. خدایا ما را در شمار گواهان بنویس.

همچنین در وداع حضرت جواد علیه السّلام می‌گویی: سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن، و رحمت و برکات خدا بر تو، به خدا می‌سپارم و بر تو سلام می‌فرستم، به خدا و رسول و آنچه تو آورده‌ای و بر آن نشانه نهادی ایمان آوردم. خدایا ما را در شمار گواهان بنویس. آنگاه از خدا بخواه، که این آخرین زیارت تو نباشد و دوباره توفیق بازگشتن به دست آوری، و قبر را بیوس و دو سمت صورتت را بر قبر بگذار.

مؤلف گوید: از اموری که مناسب است در اینجا نقل شود، داستان سعید صالح صفی متقی حاج علی بغدادی است که شیخ ما در کتاب جنة المأوی و النّجم الثّاقب نقل کرده، و در النّجم الثّاقب فرموده: اگر نبود در این کتاب شریف، جز این حکایت معتبر صحیح که در آن فواید بسیاری است، و در همین نزدیکیها واقع شده، هرآینه در شرافت و نفاست آن

کافی بود، آنگاه بعد از مقدماتی فرموده: حاجی مذکور ایّده الله نقل کرده: بر گردن من هشتاد تومان سهم امام جمع شد. به نجف اشراف رفتم بیست تومان آن را به جناب علم الهدی و التّقی شیخ مرتضی اعلی الله مقامه و بیست تومان به جناب شیخ محمد حسین مجتهد کاظمینی، و بیست تومان به جناب شیخ محمد حسن شروقی دادم، و بر عهده ام بیست تومان باقی ماند، که قصد داشتم، در بازگشت به جناب شیخ محمد حسن کاظمینی آل یاسین بدهم، چون به بغداد بازگشتم، خوش داشتم در ادای آنچه بر گردن من بود شتاب کنم، روز پنجشنبه بود، که به زیارت دو امام همام کاظمین علیهما السّلام مشرف شدم، پس از آن خدمت جناب شیخ سلّه الله رفتم و مقداری از آن بیست تومان را به ایشان دادم، و بقیه را وعده کردم که پس از فروش بعضی از اجناس به تدریج به من حواله کنند،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 747

تا به اهلش برسانم، در بعد از ظهر آن روز تصمیم به بازگشت به بغداد گرفتم، ولی جناب شیخ فرمود بماتم، عذر آوردم که باید مزد کارگران کارخانه ریسبافی خود را بدهم، چون شیوه ام با پرداخت مزد آنان در عصر هر پنجشنبه بود، بر این پایه برگشتم چون يك سوم راه را تقریباً پیمودم، سید جلیلی را دیدم که از جانب بغداد رو به من می آید، چون نزدیک شد سلام کرد و دستهای خود را برای مصافحه و معانقه گشود، و فرمود: اهلا و سهلا، سپس مرا در آغوش گرفت، معانقه کردیم، و هر دو يك دیگر را بوسیدیم، بر سر عمامه سبز روشنی داشت، و بر رخسار مبارکش خال سیاه بزرگی بود، پس ایستاد و فرمود: حاج علی خیر است، کجا می روی؟ گفتم: کاظمین علیهما السّلام را زیارت کردم، و به بغداد باز می گردم، فرمود: امشب شب جمعه است برگرد، گفتم: ای سرور من، متمکن نیستم، فرمود: هستی، برگرد تا برای تو گواهی دهم که از موالیان جدّ من امیر مؤمنان علیه السّلام و از موالیان مایی، و نیز شیخ گواهی دهد، زیرا خدای تعالی امر فرموده: دو شاهد بگیرید. و این اشاره به مطلبی بود که در خاطر داشتم، که از جناب شیخ خواهش کنم، نوشته ای به من بدهد، که من از موالیان اهل بیت علیهم السّلام هستم و آن را در کفن خود بگذارم. پس گفتم: تو چه می دانی، و چگونه شهادت می دهی؟ فرمود: کسی که حق او را به او می رسانند، چگونه آن رساننده را نمی شناسد؟ گفتم: کدام حق؟ فرمود: آنچه به وکیل من رساندی، گفتم: وکیل تو کیست؟ فرمود: شیخ محمد حسن، گفتم وکیل توست؟ فرمود: وکیل من است، و به جناب آقا سید محمد گفته بود، که ناگهان در خاطر من خطور کرد این سید بزرگوار، مرا به اسم خواند، با آنکه او را نمی شناسم؟ به خود گفتم شاید او مرا می شناسد، ولی من او را فراموش کرده ام باز در باطن خود گفتم: این سید از حق سادات، چیزی از من می خواهد، خوش دارم از سهم امام چیزی به او برسانم، گفتم:

ای سید، نزد من از حق شما چیزی مانده، در امر آن به جناب شیخ محمد حسن مراجعه کردم، تا حق شما را [یعنی حق سادات] به اجازه او ادا کنم، پس بر چهره من تبسمی کرد و فرمود: آری بعضی از حق ما را به وکلای ما در نجف اشرف رساندی، گفتم: آنچه ادا کردم پذیرفته شد؟ فرمود: آری. پس در خاطرم گذشت که این سید، نسبت به علمای اعلام می گوید: «وکلای ما!» و این در نظرم گران آمد، به خود گفتم: علما در گرفتن حقوق سادات، وکلایند و مرا غفلت گرفت. آنگاه فرمود: بازگرد جدم را زیارت کن، بازگشتم درحالی که دست راست او، در دست چپ من بود. چون به راه افتادم، دیدم طرف راست

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 748

نهر آب سپید صافی جاری است، و درختان لیمو و نارنج و انار و انگور و غیر آن، همه با میوه همزمان، بی آنکه فصل آنها باشد بالای سر ما سایه انداخته، گفتم: این نهر و این درختان چیست؟ فرمود: هرکس از موالیان ما زیارت کند جدّ ما را و نیز خود ما را، اینها با او خواهد بود. گفتم: می خواهم سؤالی بپرسم، فرمود: بپرس، گفتم: شیخ عبد الزّاق مرحوم، مردی مدرّس بود، روزی نزد او رفتم، شنیدم می گفت: کسی که در طول عمر خود، روزها را روزه باشد، و شبها را به عبادت به سر برد، و چهل حج و چهل عمره بجا آورد، و در میان صفا و مروه بمیرد، و از موالیان امیر مؤمنان علیه السّلام نباشد، برای او چیزی نیست، فرمود: آری و الله برای او چیزی نیست، آنگاه از حال یکی از خویشان خود پرسیدم، که آیا او از موالیان امیر مؤمنان علیه السّلام است؟ فرمود: آری او و هر که متعلق به توست، گفتم: آقای ما، برای من پرسشی است، فرمود: بپرس، گفتم: تعزیه خوانان امام حسین علیه السّلام می خوانند که سلیمان اعمش نزد شخصی آمد، و از زیارت سید الشهداء علیه السّلام پرسید، گفت: بدعت است! پس در خواب هودجی را میان زمین و آسمان دید، پرسید: در آن هودج کیست؟ گفتند: فاطمه زهرا و خدیجه کبری علیهما السّلام گفت: کجا می روند؟ گفتند:

در این شب که شب جمعه است به زیارت امام حسین علیه السّلام می روند، آنگاه نوشته هایی را دید که از هودج فرو می ریزد، و در آن نوشته شده:

امانی است از آتش برای زائران حسین (درود بر او) در شب جمعه، امانی است از آتش در روز قیامت آیا این حدیث صحیح است؟ فرمود: آری خبری راست و تمام است. گفتم: آقای ما آیا صحیح است که می گویند هرکه حسین علیه السّلام را در شب جمعه زیارت کند، برای او امان است؟ فرمود: آری و الله، سپس اشک از دیدگان مبارکش جاری شد و گریست. گفتم: آقای ما پرسشی دیگر. فرمود: بپرس، گفتم: سال هزار و دویست و شصت و نه امام رضا علیه السّلام

را زیارت کردیم، و در درّود یکی از عربهای شروقیّه را، که از بادیه‌نشینان طرف شرقی نجف اشرفند، ملاقات کرده و او را مهمان کرده، از او پرسیدم ولایت امام رضا علیه السّلام چگونه است؟ گفت: بهشت، امروز پانزده روز است که من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 749

از مال مولایم امام رضا علیه السّلام خورده‌ام، نکیر و منکر را چه رسد که در قبر نزد من آیند!! گوشت و خون من از طعام آن حضرت در مهمانخانه‌اش روییده، این صحیح است؟ علی بن موسی الرضا علیه السّلام می‌آید، و او را از منکر و نکیر خلاص میکند؟

فرمود: آری و الله جدّ من ضامن است. گفتم: آقای ما پرسشش کوچکی است که می‌خواهم بپرسم، فرمود: بپرس گفتم: زیارت من از امام رضا علیه السّلام پذیرفته است؟ فرمود: پذیرفته است ان شاء الله تعالی، گفتم آقای ما پرسشی دیگر، فرمود: بسم الله، گفتم: حاج محمد حسین بزازبازی فرزند محروم حاج احمد بزاز باشی آیا زیارتش پذیرفته است یا نه، و او با من در راه مشهد رضا علیه السّلام رفیق و شریک در هزینه‌ها بوده است؟ فرمود: عبد صالح زیارتش پذیرفته است.

گفتم: آقای ما پرسشی دیگر. فرمود: بسم الله، گفتم: فلان که از اهل بغداد همسفر ما بود آیا زیارتش پذیرفته است؟ سکوت کرد، گفتم: آقای ما پرسش دیگر، فرمود: بسم الله، گفتم: سخنم را شنیدی یا نه؟ زیارتش پذیرفته است، یا پذیرفته نیست؟ با زجوابی نداد! حاجی مذکور نقل کرد که آنان چند نفر از مرفّهین اهل بغداد بودند که در این سفر پیوسته به لهو و لعب مشغول بودند، و آن شخص هم مادر خود را کشته بود، پس در راه به موضعی وسیع از جاده رسیدیم که دو طرف آن باغها و روبروی شهر شریف کظمین است، و موضعی از آن جاده از طرف راست پیوسته به باغهاست که از بغداد می‌آید، و آن متعلّق به بعضی از یتیمان سادات بود، که حکومت آن را به ستم داخل در جاده کرد، و اهل تقوا و ورع ساکن این دو شهر [بغداد و کاظمین] همیشه از راه رفتن در آن در آن قطعه از زمین کناره می‌گیرند، ولی آن جناب را دیدم در آن قطعه راه می‌رود! گفتم: ای سید من این موضع مالع بعضی از یتیمان سادات است، تصرّف در آن روا نیست. فرمود: این موضع از اموال جدّ ما امیر مؤمنان علیه السّلام و فرزندان او و اولاد ماست، تصرّف در آن برای موالیان ما حلال است. در نزدیکی آن مکان در طرف راست باغی است متعلّق به شخصی که او را حاجی میرزا هادی می‌گفتند، و او از ثروتمندان غیر عرب در بغداد بود، گفتم: آقای ما آیا راست است که می‌گویند زمین باغ حاج میرزا هادی متعلّق به موسی بن جعفر علیهما السّلام است؟

فرموده: به این مسئله چه کار داری و از جواب روی گرداند. پس به نهر آبی که از رود دجله برای آبیاری مزارع و باغهای آن حدود جدا می کنند و از جاده می گذرد رسیدیم، آنجا به طرف شهر دو راه وجود دارد: یکی راه سلطانی و دیگر راه سادات و آن جناب به راه سادات

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 750

میل فرمود، گفتم بیار از راه سلطانی برویم. فرمود: نه از این راه مربوط به خود میرویم، پس آمدم، چند قدمی رفتیم که خود را بدون دیدن کوچه و بازار در صحن مقدّس موسی بن جعفر علیهما السّلام نزد کفشداری دیدیم، از طرف باب المراد که از سمت مشرق و طرف پایین پاست وارد ایوان ششم و کنار در رواق مطهر مکث نفرمود، و اذن دخول نخواند، داخل شد و کنار در حرم ایستاد سپس فرمود: زیارت کن، گفتم قاری نیستم، فرمود: برایت بخوانم؟ گفتم: آری، فرموده: ای خدا آیا وارد شوم، سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای امیر مؤمنان.

همچنین بر يك يك امامان سلام کردند تا رسیدند به حضرت امام حسن عسگری علیه السّلام، فرمودند: سلام بر تو ای ابا محمد حسن عسگری. آنگاه فرمود: امام زمان خود را می شناسی؟ گفتم: چرا نمی شناسم! فرمود: بر امام زمان خود سلام کن، گفتم: سلام بر تو ای حجّت خدا، ای صاحب زمان، ای فرزند حسن.

پس تبسّم نمود و فرمود: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. پس داخل حرم مطهر شدم، و به ضریح مقدّس چسبیدم و آن را بوسیدم، آنگاه به من فرمود: زیارت کن، گفتم: من قاری نیستم. فرمود: برای تو زیارت بخوانم؟ گفتم: آری، فرمود کدام زیارت را می خواهی؟ گفتم: هر زیارت که افضل است مرا به آن زیارت ده، فرمود:

زیارت «امین الله» افضل است، مشغول به خواندن شد و فرمود:

سلام بر شما ای دو امین خدا بر روی زمین، و دو حجّت خدا بر بندگان. در این حال چراغهای حرم را روشن کردند، من دیدم شمعها روشن است، ولی حرم نورانی به نوری دیگر است، نوری همانند نور آفتاب و شمعها همانند چراغی بودند که روز در آفتاب روشن کنند و من آنچنان در غفلت بودم، که هیچ تلفت این آیات نمی شدم، چون از زیارت فارغ شدند، از سمت پایین پا به پشت سر آمدند، و در طرف شرق ایستادند و فرمودند: آیا جدّم حسین علیه السّلام را زیارت میکنی؟

گفتم: آری شب جمعه است زیارت می کنم، پس زیارت وارث را خواندند، درحالی که اذان گوها از اذان مغرب فارغ

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 751

شدند و به من فرمود: به جماعت ملحق شو و نماز بخوان، و خود تشریف آورد، در مسجد پشت سر حرم مطهر در آنجا نماز جماعت منعقد بود، ولی ایشان در سمت راست امام جماعت، محاذی او ایستادند، و من وارد صف اول شدم و برانیم برای ادای نماز جایی باز شد، چون فارغ شدم ایشان را ندیدم، از مسجد بیرون آمدم، در حرم جستجو کردم ایشان را نیافتم، قصد داشتم ایشان را ملاقات کنم، و چند ریالی به ایشان بدهم، و شب نیز ایشان را نزد خود نگاه دارم که مهمان من باشد ناگاه از خود پرسیدم که آن سید که بود؟ و آیات و معجزات گذشته را مورد توجه قرار دادم، از اطاعت من نسبت به او، در بازگشتن به کاظمین، با آن کار مهمی که در بغداد داشتم، و مرا به اسم خواندن با اینکه او را ندیده بودم، و گفتار او که گفت:

موالیان ما و اینکه من شهادت می‌دهم، و دیدن نمر جاری، و درختان میوه‌ها در غیر فصل مناسب و وقایع دیگری که گذشت همه سبب یقین من شد، که او حضرت مهدی علیه السلام است، به ویژه در قسمت اذن دخول، و سؤال از من، بعد از سلام بر امام عسکری علیه السلام که امام زمان خود را می‌شناسی؟ چون پاسخ دادم می‌شناسم، فرمود: سلام کن، چون سلام کردم تبسم کرد و جواب داد. با شتاب نزد کفشدار آمدم، و از حال حضرتش پرسیدم، گفت: بیرون رفت، سپس پرسید این سید رفیق تو بود؟ گفتم: آری. در هر صورت به خانه مهماندار خود آمدم، و شب را در آنجا ماندم، چون صبح شد، نزد جناب شیخ محمد حسن رفتم، و آنچه را دیده بودم نقل کردم، شیخ دستش را بر دهان خود گذاشت، و از اظهار این قصه و افشای این سرّ نمی‌کرد، و فرمود: خدا تو را موقت کند. من این واقعه را مخفی می‌داشتم، و برای هیچ کس اظهار نمی‌کردم، تا يك ماه از این قضیه گذشت، روزی در حرم مطهر بودم، سید بزرگواری را دیدم، که نزدیک من آمد و پرسید چه دیدی؟ و به داستان آن روز اشاره کرد، گفتم: چیزی ندیدم، باز آن سخن را تکرار کرد، و من به شدت انکار کردم، ناگهان از نظرم ناپدید شد و دیگر او را ندیدم.

بخش دوم: رفتن به مسجد شریف برآثا و نماز خواندن در آن

بدانکه مسجد برآثا از مساجد معروف و متبرک است، و در بین بغداد و کاظمین در راه زائران واقع شده، ولی غالباً از فیض آن محروم بوده و با همه فضایل و شرافتی که برای آن نقل شده مورد بی‌اعتنایی است. حموی که از مورّخان سال

ششصد است، در کتاب «معجم البلدان» گفته: برائا محله‌ای بود در طرف بغداد، در قبله کرخ، و در جنوب باب محول، و در آن مسجد جامعی بوده که شیعیان در آن نماز می‌خواندند که خراب شده و نیز گفته: شیعیان ما از زمان راضی بالله خلیفه عباسی، در آن مسجد جمع می‌شدند، و سبّ [بدگویی] صحابه می‌کردند ولی به دستور راضی بالله، ناگهان در آن مسجد ریختند، و هرکه را یافتند گرفتند و حبس کردند، و مسجد را خراب و با خاک یکسان کردند. شیعیان این خبر را به امیر الامرای بغداد «بحکم ما کافی» رساندند، او هم به تجدید بنا، و گسترش بنای مسجد، و محکم ساختن آن فرمان داد، و در بالای مسجد اسم راضی بالله را نوشت. پیوسته آن مسجد آباد و محل اقامه نماز بود، ولی پس از سال چهارصد و پنجاه تا الآن معطل مانده! برائا پیش از بنای بغداد روستایی بوده، که گمان مردم آن است که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در زمانی که به جنگ خوارج نهروان می‌رفت گذارش به آنجا افتاد، و در مسجد جامع مذکور نماز خواند، و در حمامی که در آن روستا بود وارد شد. «برائا» منسوب به او شعیب برائی عابد است، و او نخستین کسی بود که در «برائا» در کوخی [یعنی خانه‌ای که از نی ساخته بود] ساکن شد، و در آن کوخ خدا را عبادت می‌کرد، تا دختری از اولاد مستوفیان بزرگ که تربیت شده قصرها بود، گذارش به کوخ او افتاد، همین که به ابو شعیب افتاد و حال او را دید، از آن حال معنوی بسیار لذت برد، و جذبه ابو شعیب او را در ربود، به اندازه‌ای که پای‌بند او شد، به ناچار نزد آن عابد زاهد آمد و گفت: می‌خواهم خادم تو باشم، گفت: می‌پذیرم به شرط اینکه از این شک و هیئت خارج شوی، آن سعادت‌مند پذیرفت و از آنچه در اختیار داشت چشم پوشید، و آراسته به لباس عابدان شد. ابو شعیب او را به همسری برگزید، همین که آن دختر وارد کوخ شد، قطعه حصیری دید، که ابو شعیب آن را برای حفظ خویش از رطوبت زمین زیر بدن خود انداخته بود، دختر گفت:

من نزد تو نخواهم ماند، مگر وقتی که این قطعه حصیر را از زیر خود دور اندازی، زیرا از تو شنیدم که می‌گفتی زمین می‌گوید:

پسر آدم بین من و خود حجاب قرار می‌دهی، و حال آنکه فردا در شکم من خواهی بود. ابو شعیب آن حصیر را دور انداخت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 753

و آن دختر چند سالی نزد او ماند و با هم به بهترین وجه عبادت می‌کردند، تا از دنیا رخت برپستند.

مؤلف گوید: ما در کتاب «هدیه الزائرین» تعدادی از روایاتی را که در فضیلت این مسجد شریف است ذکر کردیم و گفتیم: از مجموع این اخبار چند فضیلت برای این مسجد به دست می‌آید که اگر هر يك از آنها در هر مسجد باشد، سزاوار است انسان کوله‌بار خود برگیرد، و س ختی راه را به جان بخرد، تا به فیض نماز و دعای در آن نائل و بهره‌مند شود:

اول: حق تعالی مقتر فرموده که در آن زمین فرو نیاید، هیچ رهبری با لشگرش جز پیغمبر یا وصی او. دوم: خانه حضرت مریم سلام الله علیها است. سوم: زمین حضرت عیسی علیه السلام است. چهارم: اینکه چشمه‌ای در آنجا است که برای حضرت مریم سلام الله علیها ظاهر شده.

پنجم: ظاهر ساختن حضرت امیر علیه السلام آن چشمه را به اعجاز خویش. ششم: بودن سنگ سپید متریکی که مریم سلام الله علیها حضرت عیسی علیه السلام را در آن محل بر آن سنگ نهاده بود. هفتم: بیرون آوردن امیر مؤمنان آن سنگ را با اعجاز و نصب آن به سمت قبله، و خواندن نماز به سوی آن. هشتم: اینکه حضرت امیر مومنان علیه السلام و دو نوباوه او حضرت مجتبی و سید الشهدا علیهم السلام در آن مکان نماز بجا آوردند. نهم: توقف امیر مؤمنان علیه السلام به مدت چهار روز در آنجا، نماز خواندند. یازدهم: اینکه قبر پیامبری در آنجا است. و شاید آن پیامبر حضرت یوشع باشد، که شیخ مرحوم فرموده: قبرش در خارج کاظمین در قبله مسجد برآاست. دوازدهم: برگشتن آفتاب برای حضرت امیر علیه السلام در آنجا. با این شرافت و فضیلت، و بروز آیات الهی و معجزات حیدری در آن مکان، معلوم نیست از هزار نفر زائر یکی هم به آنجا برود، با اینکه مسجد سر راه آنان است و به کرات از آنجا عبور می‌کنند، و اگر به طور اتفاق کسی بخواهد آن مواهب را درک کند، چون به آنجا برسد و ببیند در مسجد بسته است، از دادن اندکی پول، برای بازکردن آن دریغ می‌کند، و خود را از این همه مواهب بزرگ محروم می‌کند، و حال آنکه گاهی برای تماشای بغداد، و عمارات ستمگران پولهای گزافی می‌پردازند. چه رسد به پرداخت پولهای بسیاری که برای تنوع در معاش و خرید اجناس نحس نجس یهودیان بغداد، که گویا این مصارف سنگین، و خرجهای فوق العاده، و پرداختهای اضافی، از شرایط کامل شدن زیارت بیشتر زائران است و الله المستعان!

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 754

بخش سوم: زیارت نواب اربعه رضی الله عنهم

یعنی، جناب ابو عمرو عثمان بن سعید اسدی، و جناب ابو جعفر محمد بن عثمان، و شیخ ابو القاسم حسین بن روح نوبختی، و شیخ جلیل ابو الحسن علی بن محمد سمری (رضی الله عنهم). بدانکه از جمله تکالیف زائران در ایام توقف در شهر مقدس کاظمین رفتن به بغداد، برای زیارت این چهار نایب خاص امام عصر (صلوات الله علیه) است، که حتی اگر قبر هر يك از آنها در شهرهای دوردست قرار می داشت، شایسته بود انسان راههای سخت و طولانی را طی کند و رنج و سختی سفر را به جان بپذیرد، و به فیض زیارت آنها نایل گردد، زیرا در میان همه اصحاب خاص امامان علیهم السلام کسی به بزرگی و جلالت قدر ایشان نمی رسد. اینان نزدیک هفتاد سال به منصب سفارت و وساطت میان امام علیه السلام و مؤمنان فایز شدند، و بر دست ایشان کرامات بسیار و خوارق عادات بی شمار جاری گردید، و گفته شده:

بعضی از علما قایل به عصمت ایشان شده اند، و مخفی نیست که همچنان که این بزرگواران در زمان حیات خود، واسط میان ولی عصر (صلوات الله علیه) و مردم بودند، و از جمله مناصب ایشان، رساندن درخواستها و نامه های حاجات مردم به آن حضرت بود، اکنون هم به همان منصب شریف مفتخرند، و باید نامه های حاجات، که در سختیها نوشته می شود توسط ایشان، به آن حضرت برسد، چنان که در جای خود معلوم گردیده. خلاصه، فضایل و مناقب ایشان بیشتر از آن است که ذکر شود، و همین اندازه برای ترغیب زائران، برای درک فیض زیارتشان کافی است.

اما کیفیت زیارت ایشان: به صورتی است که شیخ طوسی در کتاب «تهدیب» و سید ابن طاووس در «مصباح الزائر» ذکر کرده اند، و آن را به جناب ابو القاسم حسین بن روح (رحمة الله علیه) نسبت داده اند که فرموده است در زیارت ایشان بر رسول خدا سلام می کنی، و بعد از آن حضرت، به امیر مومنان و خدیجه کبری و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و بر هر يك از امامان علیهم السلام تا صاحب الزمان (صلوات الله علیه) و آنگاه می گویی:

سلام بر تو ای فلان بن فلان و به جای «فلان بن فلان» اسم صاحب قبر و پدر او را ذکر می کنی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 755

گواهی می دهم که تو دروازه فیض مولایی، از جانب او انجام وظیفه کردی، و نسبت به ادای تکلیف نمودی، با او مخالفت نکردی، و علیه او به مخالفت برنخاستی به نیابت خاص قیام نمودی، و پیشی گیرنده بازگشتی، نزد تو آدمم شناسای به حقی که تو بر آنی، و اینکه در ادای وظیفه و سفارت خیانت نکردی، سلام بر تو در دریچه فیض امام بودن، چقدر پنهان است آن دریچه، و در سفیر بودن، چه اندازه تو امینی، و در مورد اطمینان بودن، چه بسیار با اقتداری تو، گواهی می دهم که خدا تو را به نورش اختصاص داد، تا آن حضرت را به وضوح دیدی پس از جانب او و نسبت به او ادای وظیفه کردی. بعد باز می گردی و دوباره بر معصومان از رسول خدا تا صاحب الزمان علیهم السلام سلام می کنی، و پس از آن

می‌گویی: به خدمت آمدم، درحال اخلاص به یگانگی خدا، و دوستی با اولیای خدا، و بیزاری از دشمنان ایشان، و از کسانی که با تو مخالفت کردند، ای حجت مولا، روی من به وسیله تو به سوی ایشان است، و به آنان است تو سلم به سوی خدا. سپس دعا می‌کنی و از حق تعالی می‌طلبی آنچه را که می‌خواهی، که ان شاء الله اجابت می‌شود.

مؤلف گوید: سزاوار است در بغداد زیارت شود، شیخ اجلّ عالی مقام ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی عطر الله مرقدہ که شیخ و رئیس شیعیه و اوثق و أثبت ایشان در حدیث بود، و کتاب شریف کافی را که روشنی چشم شیعه است، در مدت بیست سال تألیف کرد، و الحق منت عظیم بر شیعه، به ویژه بر اهل علم نهاد، و به خاطر جلالت و عظمت شأن آن بزرگ، ابن اثیر او را احیا کننده مذهب امامیه در آغاز سال سیصد هجری بر شمرده است، پس از آنکه مولای ما حضرت ثامن الائمه صلوات الله علیه را احیاگر این مذهب در آغاز سال دویست هجری به حساب آورده است و ما در کتاب «مدیه» بیشتر علمایی را که در مشاهد مشرفه مدفونند ذکر کردیم، به آنجا رجوع کنید.

بخش چهارم: زیارت جناب سلمان رضی الله عنه

بدان که از تکالیف زائران در شهر کاظمین، رفتن به مدائن است، برای زیارت عبد صالح الهی، جناب سلمان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 756

محمدی رضوان الله علیه که نخستین ارکان اربعه است، و خاص به شرافت سلمان مّا اهل البیت و درآمده در شمار اهل بیت نبوت و عصمت است. در فضیلت او جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سلمانی دریایی است که نخشکد، و گنجی است که پایان نپذیرد، سلمان از ما اهل بیت است، حکمت می‌بخشد و برهان می‌آورد.» حضرت امیر علیه السلام او را مانند لقمان، بلکه امام صادق علیه السلام او را بهتر از لقمان دانسته، و حضرت باقر علیه السلام او را از متوسمین [کسانی که با تمام وجودشان در صدد شناخت حق و در جستجوی حقایق الهی اند] بر شمرده.

از روایات استفاده می‌شود که آن جناب اسم اعظم را می‌دانست و از محدّثین به فتح دال - [کسی که فرشتگان با او سخن می‌گویند] بوده است.

برای ایمان ده درجه است و او در درجه دهم قرار داشت و عالم به غیب و زمان مرگ افراد بود، و در دنیا از خوراکیه‌های بهشت تناول فرمود و بهشت مشتاق و عاشق او بود و خدا و رسول او را دوست داشتند و حق تعالی پیامبر صلی الله علیه و آله را به محبت چهار نفر امر فرمود که سلمان یکی از ایشان است و آیاتی در مدح او و همتایان او نازل شد و جبرائیل هرگاه بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرود می‌آمد امر میکرد از جانب پروردگار به سلمان سلام برساند و او را به علم منایا [زمان مرگ افراد] و بلایا و انساب مطلع گرداند و شبها برای او در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله مجلس انسی بوده حضرت رسول و امیر مؤمنان علیهما السلام چیزهایی از مخزون و مکنون علم خدا به او تعلیم کردند که غیر او قابلیت و قدرت تحمل آن را نداشته و به مرتبه‌ای رسید که امام صادق علیه السلام فرمود: «سلمان دانش اول و آخر را یافت و او دریایی است که هرچه از او برگرفته شود پایان نپذیرد و او از ما اهل بیت است» برای شوق زائران و رغبتشان به زیارت آنجناب کافی است تفکر کردن در اختصاص و امتیازش در میان تمام صحابه و جمیع امت به اینکه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در يك شب از مدینه به مدان رفت، و به دست مبارك خود او را غسل داد و کفن کرد و بر او با صفوی بسیار از ملائکه نماز خواند و در همان شب به مدینه بازگشت زهی شرافت و مودت و محبت به خانواده رسالت که انسان را به این مرتبه از شکوه و عظمت میرساند اما کیفیت زیارت آنجناب: بدانکه سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» برای آن بزرگوار چهار زیارت نقل کرده و ما در اینجا به همان زیارت اول اکتفا می‌کنیم و در کتاب «مدیه» زیارت چهارم را که شیخ در «تهدیب» ذکر فرموده نقل کردیم. چون خواستی آن جناب را زیارت کنی، نزد قبر او به طرف قطعه می‌ایستی و می‌گویی:

سلام بر رسول خدا، محمد بن عبد الله خاتم پیامبران، سلام بر امیر مؤمنان سرور جانشینان، سلام بر امامان معصوم هدایت‌گر، سلام بر فرشتگان مقرب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 757

سلام بر تو ای یار امین رسول خدا، سلام بر تو ای دوست امیر مؤمنان سلام بر تو ای سپرده شده اسرار پریمیمنت، سلام بر تو ای باقیمانده خدا، از نیکان پیشین، سلام بر تو ای ابا عبد الله و رحمت و برکات خدا. گواهی می‌دهم که تو خدا را آنگونه که فرمان داد فرمان بردی، و از رسولش آن طور که تو را فرا خواند پیروی نمودی، و خلیفه‌اش را متابعت کردی چنان که بر تو واجب نمود، و به نکوداشت فرزندان دعوت کردی، آنچنان که تو را آگاه ساخت، و حق را به یقین دانستی، و به آنچنان که فرمان دادی اعتماد کردی، گواهی می‌دهم که تو درگاه جانشین مصطفی، و راه حجت خدا مرتضی، و امین خدایی در آنچه از علوم برگزیدگان به تو سپرده شده، گواهی می‌دهم که تو از اهل بیت پیامبری، آن شرافتمندان برگزیده برای یاری جانشین آن حضرت گواهی می‌دهم که تو صاحب درجات دهگانه ایمان، و دلایل مغلوب

کننده‌ای، و تو نماز را به پا داشتی، و زکات را دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی، و امانت الهی را ادا نمودی، و برای خدا و رسولش خیرخواهی کردی، و در جنب خدا بر آزار مردم صبر نمودی، تا مرگ تو را در رسید، خدا لعنت کند کسی را که حق تو را انکار کرد، و از مقاومت کاست، خدا لعنت کند کسی را که تو درباره سرورانت آزد، خدا لعنت کند کسی را که تو درباره خانواده‌ات به زحمت افکند. خدا لعنت کند کسی را که تو را درباره سرورانت سرزنش نمود، خدا لعنت کند دشمن خاندان محمد را، از پری و آدمی، از پیشینیان و پسینیان، و بر آنان عذاب دردناک را دوچندان گرداند، درود خدا بر تو ای ابا عبد الله، درود

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 758

خدا بر تو ای یار رسول خدا، (درود خدا بر او و خاندانش)، و بر تو ای دوست امیر مؤمنان و درود خدا بر روح پاکیزه و پیکر پاک تو، و خدا هنگامی که ما را می‌میراند، به منت و مهرش به تو و به جایگاه سروران با میمنت ملحق سازد، و ما را همراه آنان و جوار ایشان در بهشتهای پر نعمت گرد آورد، درود خدا بر تو ای ابا عبد الله، و درود خدا بر برادران شیعیان نیکوکار از گذشتگان پر میمنت، و وارد کن نسیم رحمت و رضوان را، بر بازماندگان از اهل ایمان، و ملحق کند ما و آنان را به کسانی که سلمان دوست داشت از عترت پاک و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و بر ایشان. آنگاه سوره **اَنَا انْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** را هفت مرتبه بخوان، سپس هرچه خواهی نماز مستحبّ بجا آر.

مؤلف گوید: چون خواستی از زیارت سلمان بازگردی، به جهت وداع نزد قبر بایست، و این وداع را که سید در آخر زیارت چهارم ذکر فرموده است بگو:

سلام بر تو ای ابا عبد الله، تو درگاه خدایی که از آن درآیند، و از آن برگیرند، گواهی می‌دهم که حق گفتی، و صادقانه سخن راندی، و به سوی مولایم در آشکار و نهان دعوت کردی، زائر به جانب تو آمدم، درحالی که سپارنده حاجاتم به توام، و من اینک تو را وداع می‌گویم، دین و امانت و عواقب کار و همه آرزویم را در طول عمرم به تو می‌سپارم، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد، و درود خدا بر محمد و خاندان نیکویش. آنگاه خدا را بسیار بخوان و بازگرد. مؤلف گوید: چون زائر به زیارت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 759

سلمان مشرف شد، پس از زیارت دو وظیفه دیگر دارد: اول: نماز خواندن در طاق کسری، دو رکعت یا بیشتر، چون آنجا مصلاّی حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام است. از عمّار ساباطی روایت شده: امیر مؤمنان به مدائن آمد و در ایوان کسری نزول فرمود، درحالی که ابو دلف بن بجر با او بود، در آنجا نماز خواند، پس از آن برخاست و به دلف فرمود:

با من برخیز. و جماعتی از اهل ساباط در خدمت آن حضرت بود، در منازل کسری گردش کرد و به دلف می فرمود: برای کسری در این مکان چنین و چنان بوده، و دلف می گفت: به خدا قسم چنین است که می فرمایی، پس با آن جماعت در تمام آن مواضع گردش کرد، و دلف می گفت: ای سیّد و مولای من، شما چنان به این مکانهآ آگاهی دارید، که گویا شما این چیزها را در این مکانهآ نهاده اید!! روایت شده وقتی حضرت بر مداین مرور فرمود، و آثار کسری و خرابی آن را مشاهده می کرد، یکی از افرادی که در خدمت آن حضرت بود، از روی عبرت این شعر را خواند:

بادها بر خرابه های دیارشان وزید

گویا اینان بر وعده گاهی بوده اند

حضرت فرمود: چرا نخواندی چه بسیار باغها و چشمه ها، و مقام کریم. و نعمتی که در آن کامیاب بودند و واگذاشتند. چنین بود، و ما آنها را به مردمان دیگری ارث دادم. پس گریه نکرد بر آنها آسمان و زمین، و نبودند مهلت داده شده. پس از آن فرمود: البته آنان ارث بودند، اما اکنون ارث برده شده اند، نعمت را شکر نکردند، در نتیجه دنیایشان بر اثر معصیت از دستشان گرفته شد، از ناسپاسی نسبت به نعمت بپرهیزید، تا انتقامهای بر شما فرود نیاید. فقیر گوید: حاصل این معنی را حکیم خاقانی، در قالب شعر آورده، آنجا که فرموده:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان

ایوان مدائن را آینه عبر دان

پرویز که بنهادی بر خوان تره زرین

زرین تره کو بر خوان، رو «کم ترکوا» برخوان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 760

دوم: زیارت جناب حذیفه بن الیمان می باشد، که از بزرگان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاصان امیر مؤمنان علیه السّلام است، و در میان صحابه به شناختن منافقان و آگاهی بر اسامی آنان جایگاه خاصی داشت، و اگر در نماز جنازه کسی حاضر نمی شد، خلیفه ثانی بر او نماز نمی خواند. او از جانب خلیفه ثانی سالها والی مداین بود، و پس

از عزل کردندش جناب سلمان والی آنجا شد. چون سلمان از دنیا رفت دوباره حذیفه والی مداین شد، و ولایتش مستقر گشت تا نوبت خلافت به شاه ولایت علیه السّلام رسید، از جانب حضرت از مدینه فرمانی مبارک به او و به اهل مداین صادر شد، که در آن فرمان مبارک، از خلافت خود، و استقرار حکومت حذیفه بر مداین اطلاع دادند. ولی حذیفه پس از حرکت آن حضرت از مدینه به جانب بصره، به خاطر دفع شرّ اصحاب جمل و پیش از نزول موکب همایون امیر مؤمنان به کوفه وفات یافت و در همان مدائن دفن شد. از ابو حمزه ثمالی روایت شده: چون حذیفه مشرف به وفات شد فرزند خود را خواست و او را به عمل کردن به این نصیحتهای پرفایده وصیت کرد: پسر جان من، آشکار کن ناامیدی خویش از آنچه را در دست مردم است، که در این ناامیدی بی‌نیازی و توانگری است، و از مردم حاجات خود را نخواه، که در آن فقر هویدا است، و همواره چنان باش، که روزی که در آن هستی، از روز گذشتهات بهتر باشد، و هرگاه نماز می‌خوانی، چنان بخوان که گویا نماز وداع و آخرین نماز توست، و کاری مکن که از آن پوزش بخواهی. و بدان که در جنب حرم جناب سلام مسجد جامع مداین می‌باشد که منسوب به حضرت عسگری علیه السّلام است، معلوم نیست چه کسی آن را ساخته یا در آنجا نماز خوانده، شایسته است زائر در آن محل شریف خود را از فیض دو رکعت نماز تحیت محروم نکند.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 761

فصل نهم

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت امام الانس و الجنة المدفون بارض الغریة بضعة سید الوری، مولانان ابو الحسن علی بن موسی الرضا (صلوات الله علیه و علی آبائه و اولاده ائمة الهدی)

فضیلت زیارت آن حضرت بیش از آن است که به شمار آید، و ما در اینجا تنها به ذکر چند خبر تبرک می‌جوئیم، و بیشتر آن را از «تحفة الزائر» نقل می‌کنیم. اول: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: زود باشد که پاره‌ای از تن من، در زمین خراسان مدفون شود، هیچ مؤمنی او را زیارت نکند، مگر آنکه حق تعالی بهشت را برای او واجب کند و بدنش

را بر آتش دوزخ حرام سازد، و در حدیث معتبر دیگری فرمود: پاره‌ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد، هر غمناکی او را زیارت کند، البته حق تعالی اندوهش را برطرف کند، و هر گناهکاری او را زیارت نماید، البته گناهانش را بیامزد. دوم: به سند معتبر روایت حج پذیرفته باشد. راوی بعید دانست و گفت: هفتاد حج پذیرفته؟! حضرت فرمود: آری هفتاد هزار حج، گفت: هفتاد هزار حج؟! فرمود: چه بسا حجی که پذیرفته نباشد، هر که آن حضرت را زیارت کند یا يك شب نزد آن حضرت بیتوته کند چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد، گفت: چنان که خدا را در عرش زیارت کرده باشد، چهار نفر از پیشینیان و چهار نفر از پسینیان بر عرش الهی خواهند بود، اما پیشینیان، نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام هستند و اما پسینیان، محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام اند، آنگاه ریسمانی در پای عرش می‌کشند، پس زیارت‌کنندگان قبور امامان با ما می‌نشینند و به تحقیق زیارت‌کنندگان قبر فرزندان علی، درجه ایشان از همه بالاتر و عطایشان از همه بیشتر خواهد بود. سوم: از حضرت رضا علیه السلام روایت شده: در خراسان بقعه‌ای است، که زمانی بر آن خواهد آمد، که محل رفت و آمد ملائکه شود پس پیوسته گروههایی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و گروههایی بالا خواهند رفت تا در صور بدمند، پرسیدند: یابن رسول الله کدام بقعه است؟ فرمود: آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 762

بقعه در زمین طوس است و آن و الله باغی است از باغهای بهشت، هر که مرا در آن بقعه زیارت کند، چنان است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده و حق تعالی برای او به سبب آن زیارت، ثواب هزار حج پسندیده و هزار عمره پذیرفته بنویسد و من و پدرم در روز قیامت شفیع او باشیم. چهارم: به چندین سند صحیح از ابن ابی نصر نقل شده که گفت: نامه امام رضا علیه السلام را خواندم در آن نوشته شده بود: به شیعیان من برسانید، که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حج، پس من این حدیث را خدمت حضرت جواد علیه السلام عرض کردم، فرمود: آری و الله هزار حج است، برای کسی که آن حضرت را زیارت کند و حق او را بشناسد. پنجم: به دو سند معتبر روایت شده: حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر که مرا با این دوری بارگاه زیارت کند، من در سه موطن روز قیامت نزد او آیم تا او را از احوال آنها خلاصی بخشم: نخست وقتی که نامه‌های نیکوکاران در دست راست ایشان و نامه‌های بدکاران در دست چپ ایشان پرواز کند و دیگر نز صراط و سوم نزد ترازوی اعمال. ششم: در حدیث معتبر دیگری فرمود زود باشد که بر اثر ظلم و ستم با زهر به قتل برسم و کنار هارون الرشید به خاک سپرده شوم و خدا تربت مرا محلّ تردّد شیعیان و دوستان من گرداند پس هر که مرا در این غربت زیارت کند، برای او واجب میشود، که من او را در روز قیامت زیارت کنم و سوگند می‌خورم، به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری گرامی داشته و او را بر تمام حلالی برگزیده، که هر که از شما شیعیان

نزد قبر من دو رکعت بجا آورد، البته از جانب خدای عالمیان در روز قیامت آمرزش گناهان را مستحقّ شود و به حقّ آن خدایی که ما بعد از محمد صلی الله علیه و آله به امامت گرامی داشته، و به وصیت آن حضرت مخصوص گردانید، سوگند یاد می‌کنم که زیارت‌کنندگان قبر من در روز قیامت بر خدا گرامی‌تر از هر گروه دیگری هستند و هر مؤمنی که مرا زیارت کند و بر روی او قطره‌ای از باران برسد، البته حق تعالی جسم او را بر آتش دوزخ حرام گرداند. هفتم: به سند معتبر روایت شده: محمد بن سلیمان از حضرت جواد علیه السلام پرسید: شخصی به عنوان حج تمتع، حج واجب خود را انجام داد و پس از آن به مدینه رفت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله را زیارت نمود، آنگاه به نجف رفت و پدرتان امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت کرد، درحالی که حق او را می‌شناخت و می‌دانست که او حجت خدا بر خلق و باب الله است که از آن باب باید به خدا رسید، بر آن حضرت سلام کرد و به کربلا رفت و حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرد. سپس به بغداد رفت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را زیارت کرد و پس از این زیارتها به شهر خود بازگشت، در این وقت خدا آن‌قدر مال به او روزی کرد که می‌تواند به حج برود، برای این مرد که حج واجب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 763

خود را انجام داده کدام يك از این دو عمل بهتر است، آیا برگردد و دوباره حج کند، یا به خراسان رفته و پدرتان حضرت رضا علیه السلام را زیارت کند؟ فرمود: بلکه برود بر پدرم سلام کند که این افضل است و باید که در ماه رجب باشد و در این زمان انجام ندهید، که بر ما و شما از خلیفه زمان خوف رسوا ساختن و عیب‌جویی است. هشتم: شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام جواد علیه السلام روایت کرده: در میان دو کوه طوس قطعه‌ای از زمین است که از بهشت برداشته شده، هر که وارد آن شود در روز قیامت از آتشی یعنی یابد. نهم: و نیز از آن حضرت روایت کرده: من از جانب حق تعالی بهشت را ضمانت می‌کنم برای هر که قبر پدرم را در طوس زیارت کند، درحالی که عارف به حق آن حضرت باشد. دهم: شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا روایت کرده: مردی از نیکان، حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب دید، خدمت آن حضرت عرضه داشت: یا رسول الله از فرزندان کدام يك را زیارت کنم؟ فرمود بعضی از فرزندان من زهر نوشیده و برخی کشته شده پیش من آمدند. گفتم: با پراکنده شدن مشاهد ایشان کداميك از آنان را زیارت کنم؟

فرمود: آن را که به تو نزدیکتر است زیارت کن. یعنی آن را که محل تو به بارگاهش نزدیکتر است و او را در زمین غربت به خاک سپرده‌اند، گفتم: یا رسول الله از این فرمایش «رضا» را قصد کردید، فرمود: بگو صلی الله علیه و آله بگو: صلی الله علیه

بگو: صلی الله علیه، این جمله را سه بار فرمود. مؤلف گوید: در کتاب «وسائل» و «مستدرک» فصول و ابوابی ذکر شده در مورد استحباب تبرک به مشهد امام رضا و مشاهد امامان علیهم السلام و استحباب اختیار زیارت امام رضا بر زیارت امام حسین علیهما السلام و بر زیارت دیگر امامان علیهم السلام و بر حجّ مستحب و عمره مستحب و چون این کتاب گنجایش بسط مطلب را ندارد، ما به همین چند روایت که عشره کامله است اکتفا کردید.

کیفیت زیارت حضرت رضا علیه السلام

بدانکه برای آن بزرگوار زیارات چندی نقل شده و زیارت مشهور آن حضرت زیارتی است که در کتب معتبر مذکور است و به شیخ جلیل القدر محمد بن حسن بن ولید که از مشایخ جناب صدوق است منسوب کرده‌اند و از کتاب «مزار» ابن قولویه معلوم می‌شود که از ائمه علیهم السلام روایت شده و کیفیت آن موافق کتاب من لا یحضره الفقیه چنان است که: چون زیارت قبر امام رضا علیه السلام را در طوس قصد کنی، پیش از آنکه از خانه بیرون روی غسل کن، و وقتی که غسل می‌کنی بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 764

خدایا مرا پاک کن، و دلم را پاک گردان، و سینه‌ام را بگشا، و مدح و ثنای خودت را بر زبانم جاری ساز، که نیروی نیست جز به تو. خدایا این غسل را برلم پاک کننده و شفا بخش قرار ده.

و در وقت بیرون رفتن از خانه می‌گویی: به نام خدا و با خدا و به سوی خدا، و به جانب فرزند رسول خدا خدا مرا بس است، بر خدا توکل نمودم. خدایا به سوی تو رو نمودم، و به جانب تو قصد کردم، و آنچه را نزد توست خواستم. چون بیرون رفتی بر در خانه خود بایست و بگو: خدایا رویم را به سوی تو کردم، و به امید تو پشت سر گذاشتم خاندان و مال و آنچه را به من بخشیدی، و به تو اعتماد کردم، پس مرا محروم مکن، ای آن که هرکه او را قصد کند محروم نشازد، و کسی را که حفظ کرد تباهش نسازد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا به نگهداری ات نگاهدار، که هرکه را تو حفظ کردی تباه نشود. چون به سلام رسیدی ان شاء الله، هرگاه خواستی به زیارت بروی غسل کن و وقتی که غسل می‌کنی بگو: خدایا مرا پاک کن، و دلم را پاک گردان، و سینه‌ام را بگشا، و مدح و و محبت و ثنایت را بر زبانم جاری ساز، که نیوزی جز به تو نیست، به یقین دانستم که پایه و اساس دین من تسلیم بودن به فرمان تو، و پیروی از راه و رسم پیامبرت، و گواهی بر تمام خلق توست. خدایا این این غسل را برای من شفا و نور قرار ده، که تو بر چیز توانایی پس

پاکیزه‌ترین جامه‌های خویش را بپوش، و با پای برهنه به آرامی و وقار راه برو، و دلت به یاد خدا باشد، و الله اکبر و لا اله الا الله و سبحان الله و الحمد لله بگو، و گامهای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 765

خود را کوتاه بردار، و زمانی که وارد روضه مقدسه شوی بگو:

به نام خدا، و با خدا، و بر آیین رسول خدا، درود خدا بر او و خاندانش، گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، و شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، و اینکه لی ولی خداست آنگاه به نزد ضریح برو و قبله را پشت سر خود قرار بده و روبروی آن حضرت بایست و بگو:

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی برایش نمی‌باشد، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست، و اینکه او آقای پیشینیان و پسینیان، و آقای پیامبران و رسولان است. خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبر و آقای تمام آفریدگانت، درودی که نیروی شمردن آن را کسی جز تو نداشته باشد. خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان علی بن ابیطالب بندهات و برادر رسالت، آن وجود مبارکی که او را به علم خود برگزیدی، و برای هرکه از بندگان خواستی او را راهنما قرار دادی، و دلیل بر وجود پیامبری که او را با رسالت‌های برانگیختی و او را به عدالت داور دین و فیصله‌بخش حکم خود در میان بندگان نهادی، و بر تمام اینها مسلط نمودی، سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد. خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت، و همسر ولی‌ات، و مادر دو فرزندزاده پیامبر، حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، آن بانوی پاک و پاکیزه و پاک گشته و بی‌عیب و پسندیده و زکیه، سرور بانوان همه اهل بهشت، درودی که توان شمردن آن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 766

را کسی جز تو نداشته باشد. خدایا درود فرست بر حسن و حسین، دو فرزندزاده پیامبرت، و دو سرور جوانان اهل بهشت، دو قیام کننده در میان بندگان، و دو راهنما بر وجود پیامبری که او را به رسالت‌های برگزیدی و دو داور دین به دادگری و دو فیصله‌بخش حکم خود در میان بندگان. خدایا درود فرست بر علی بن الحسین بنده قیام کننده در میان بندگان، و راهنما بر پیامبری که او را به رسالت‌های برگزیدی، و داور دین به دادگری و فیصله‌بخش حکم خود در میان بندگان، سرور بندگی کنندگانت. خدایا درود فرست بر محمد بن علی بنده و خلیفه‌ات در زمین، شکافنده دانش پیامبران. خدایا درود فرست بر جعفر بن محمد صادق، بنده و ولی دینت، و حجت بر همه بندگان، آن راستگوی نیکوکار.

خدایا درود فرست بر موسی بن جعفر، بندهش ایستهات، و زیانت در بین بندگان، آن گویای به قانون و فرمانت و حجت بر مخلوقات. خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا، آن پسندیده پیشگاهت و بنده و ولی دینت، قیام کننده به دادگری و دعوت کننده به سوی دین تو، و دین پدران راستگوش، درودی که توان شمردن آن را کسی جز تو نداشته باشد. خدایا درود فرست بر محمد بن علی بنده و ولیات قیام کننده به امرت، و دعوت کننده به راهت خدایا درود فرست بر علی بن محمد بنده و ولی دینت. خدایا درود فرست بر حسن بن علی عمل کننده به فرمانت، قیام کننده در میان بندگان، و حجت که ادا کننده بود از طرف پیامبرت، و گواهی بر بندگان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 767

اختصاص یافته به کرامتت، دعوت کننده به طاعتت و طاعت رسالت، درودهایت بر همه آنان باد خدایا درود فرست بر حجت و ولیات، قیام کننده در میان بندگان، درودی کامل، روینده، پایدار که به آن درود در گشایش امرش شتاب کنی، و به آن یاریش نمایی، و ما را در دنیا و آخرت با او قرار دهی. خدای من به محبت ایشان به تو تقرب می جویم و دوست دارم دوست ایشان را، و دشمن دارم دشمن آنان را، پس به حق آنان خیر دنیا و آخرت را نصیب کن، و شر دنیا و آخرت و هراسهای روز قیامت را از من بازگردان. سپس نزد سر آن حضرت می نشینی و می گویی:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر تو ای ستون دین، سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد فرستاده خدا سلام بر تو ای وارث امیر مؤمنان علی ولی خدا، و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا، سلام بر تو ای وارث حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای وارث علی بن الحسین زیور پرستندگان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 768

سلام بر تو ای وارث محمد بن علی، شکافنده دانش پیشینیان و پسینیان، سلام بر تو ای وارث جعفر بن محمد، راستگوی نیکوکار، سلام بر تو ای وارث موسی بن جعفر، سلام بر تو ای راستگوی شهید، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار پرهیزگار. گواهی می دهم که تو نماز را بپا داشتی، و زکات دادی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و خدا را (خالصانه) عبادت کردی، تا مرگ تو را دررسید، سلام بر تو باد ای ابا الحسن و رحمت و برکات خدا. بعد خود را به

ضریح می‌چسبانی و می‌گویی: خدایا از وطنم آهنگ تو کردم، و به امید رحمت شهرها را پشت سر گذاشتم، پس ناامیدم مکن، و بدون برآوردن حاجتم، بازم مگردان، و رفت‌وآمدم را بر قبر برادر فرزند فرستاده‌ات، (درود تو بر او و خاندانش) رحم کن، پدر و مادرم فدایت ای مولایم، به سوی تو برای زیارت آمدم، بر تو واردم، از آنچه خود جنایت کرده‌ام، و بر پشتم بار کرده‌ام به تو پناه آوردم، به درگاه خدا شفیع من باش در روز تهیدستی و نداری، برای تو نزد خدا مقامی بس ستوده است، و تو نزد او بس آبرومندی. پس دست راست را بلند می‌کنی و دست چپ را بر قبر می‌گشایی و می‌گویی خدایا به سوی تو تقرب می‌جویم با دوستی و ولایت ایشان، آخرین آنها را دوست دارم، آنگونه که دوست داشتم اولین آنها را، و بیزاری می‌جویم از هر یاری غیر ایشان. خدایا لعنت کن کسانی را که نعمت را دگرگون کردند، و پیامبرت را متهم نمودند، و آیات را منکر شدند، و امام برگزیده‌ات را ریشخند زدند، و مردم را علیه خاندان محمد مسلط کردند، خدایا من با لعنت بر آنان و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 769

بیزاری از ایشان در دنیا و آخرت به تو تقرّب می‌جویم ای مهربان. آنگاه بازمی‌گردد، و به نزد پای آن حضرت می‌روی و می‌گویی درود خدا بر تو ای ابا الحسن، درود خدا بر روح و پیکرت شکیبایی نمودی، تویی راستگوی تصدیق شده، خدا بکشد کسانی را که تو را با دستها و زیانهایشان کشتند.

سپس زاری کن و در لعنت بر قاتل امیر مؤمنان علیه السلام و قاتلان حسن و حسین علیهم السلام و قاتلان همه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بیفزای، آنگاه از پشت قبر برو، و بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز بجا آر، در رکعت اول سوره یس، و در رکعت دوم سوره الرحمن را بخوان و در دعا و زاری بکوش و برای خود و پدر و مادرت و همه برادران اهل ایمان خویش، بسیار دعا کن و آنچه خواهی نزد سر آن حضرت توقف کن، و توجه داشته باش که باید نمازهای خود را نزد قبر بجا آوری.

مؤلف گوید: این زیارت، بهترین زیارات آن حضرت است. در کتاب «فقیه» و «عیون» و کتب علامه مجلسی و غیر ایشان و سخروا بامامک که در آخر زیارت است با دو میم است، یعنی خدایا لعنت کن، کسانی را که استهزا نمودند به امامی که برای ایشان قرار دادی، ولی در کتاب مصباح الزائر؛ سخروا بایامک است، که این نیز صحیح است، بلکه شاید از جهتی اولی باشد، چه آن که مراد از ایام ائمه علیهم السلام هستند، همان‌طور که در روایت صقر بن ابی دلف در فصل

پنجم از باب اول گذشت [صفحه 93] این را هم بدان، که لعنت کردن بر قاتلان ائمه علیهم السلام به هر زبانی انجام گیرد خوب است و اگر زائرین این عبارت را که از بعضی دعاها گرفته شده بخواند، شاید مناسب تر باشد:

خدایا قاتلان امیر مؤمنان، و قاتلان حسن و حسین (درود بر ایشان) و قاتلان اهل بیت پیامبرت را لعنت کن. خدایا دشمنان و قاتلان خاندان محمد را لعنت کن، و بر آنان بیفزا عذابی بر عذاب، و خواری بر خواری، و زبونی بر زبونی، و رسوایی بر رسوایی. خدایا آنان را به سوی آتش پرتاب کن، پرتابی سخت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 770

و در عذاب دردناکت نگونسارشان گردان نگونساری شدید، و ایشان و پیروانشان را گروه گروه به سوی دوزخ محشور کن.

شیخ مفید ذکر کرده: پس از نماز زیارت حضرت امام رضا علیه السلام مستحب است این دعا را بخواند:

خدایا از تو درخواست می کنم، ای خدایی که در فرمانروایی اش پاینده، و در شکوهش پا برجا، و در سلطنتش مطاع، و در کبریایی اش یکتا، و در دوام همیشگی اش بی همتا است، در مخلوقاتش دادگر، و در داوری اش دانا، و در به تأخیر انداختن کيفرش بزرگوار است. خدایا حاجاتم بازگردانده به سوی تو، و آرزوهایم ایستاده در پیشگاه توست، و هر زمان مرا به کار نیکی توفیق دادی، راهنمایم بر آن، و راهم به سوی آن تو بودی، ای توانایی که خواسته ها درمانده اش نکند، ای عطابخش دائمی که هر مشتاقی به جانب او پناه می آورد، همواره از جانب تو همنشین با نعمتهایت بودم، روان بر عادت احسان و کرم، از تو می خواهم به آن نیروی نافذ در تمام اشیا و حکم استوارت که آن را با آسان ترین دعا باز می داری، و به آن نظری که به وسیله آن به جانب کوهها نظر کردی و کوهها بلندی گرفتند، و به زمینها توجه کردی و آنها مسطح شد و با آسمانها عنایت فرمودی پس مرتفع گردید، و به دیارها نگرستی پس روان شدند، ای که از ابزارهای نگاه های بشر بالاتری و از دسترس دقایق افکار دوری، ای آقای من سپاس نشوی مگر به توفیقی از سوی خودت، که آن نیز موجب سپاس دیگری است، و بر کوچک ترین نعمت شکر نشوی مگر آنکه به آن شکر، شکری دیگر را سزاوار گردی، پس چه زمانی نعمتهایت برشمرده شود ای خدای من، و به عطاهايت جزا داده شود ای مولای من، و پاداش متقابل به ساخته های داد شده، ای آقای من، از نعمتهای توست که سپاس کنندگان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 771

سپاس می نمایند، و از شکرپذیری توست که شاکران شکرگذاری می کنند، تویی مورد اعتماد، در امر گذشت بر گناهان، و تویی گسترده بال پرده پوشی است بر خطاکاران، و تویی برطرف کننده سختی با دست قدرتت، چه بسیار زشتی که آن را با

بردباریات پوشاندی، تا از بین رفت، و چه بسیار خوبی‌ای که آن را فضیلت چندین برابر کرد، تا پاداش دادنت بر آن بزرگ شد، بزرگی از اینکه از تو ترسیده شود جز به عدل، و امید رود مگر احسان و فضل تو، بر من به آنچه که فضیلت آن را واجب نموده متّ گذار، و به آنچه عدالت به آن حکم می‌کند خوارم مکن، آقای من اگر زمین گناهان مرا می‌دانست هرآینه فرو می‌بردم، یا اگر کوهها خبر می‌داشتند مرا درهم می‌شکستند، یا آسمانها مطلع می‌بودند مرا می‌بردند، یا دریاها آگاه می‌بودند مرا غرق می‌کردند، آقای من، آقای من آقای من، مولایم، مولایم، مولایم، توقفم برای میهمانی‌ات تکرار شده، پس مرا از آنچه به درخواست کنندگان از حضرتت وعده دادی محروم مکن، ای شناخته عارفان، ای پرستیده پرستندگان، ای سپاس شده سپاسگذاران ای همنشین یادکنندگان، ای ستوده کسی که او را ستوده، ای موجود برای کسی که او را جست، ای وصف شده کسی که او را به وحدانیت وصف نمود، ای محبوب کسی که او را دوست داشت، ای فریادرس کسی که او را اراده کرد، ای مقصود کسی که به سویش باز آمد، ای که غیب را جز او نداند، ای که بدی را جز او باز نگرداند، ای آن که امر را جز او تدبیر نکند، ای که نیامرزد گناهان را جز او، ای که پدید نیارد مخلوق را جز او، ای که نازل نمی‌کند باران را جز او، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا پیامرزی بهترین آمرزندگان، پروردگارا من از تو درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش شرمساری، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 772

امیدواری، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش بازگشتن، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش شوق، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش بیم، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش طاعت، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش ایمان، و درخواست آمرزش می‌کنم آمرزش اقرار، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش اخلاص، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش تقوا، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش توکل، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش خواری، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش عمل کننده برای تو، گریزان از تو به سوی تو پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر من و پدر و مادرم پذیرای توبه باش، به آنچه بر تمام بندگان توبه‌پذیرفتنی و می‌پذیری ای مهربان‌ترین مهربانان، ای آن که به آمرزنده و مهربان نامیده شوی، ای آن که به آمرزنده مهربان نامیده شدی، ای آن که به آمرزنده و مهربان نامیده شدی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و توبه‌ام را بپذیر، و عملم را پاک کن، و از کوششم قدردانی فرما، و به زاری‌ام رحم کن، و صدایم را در پرده قرار مده، و درخواستم را ناامید مکن، ای فریادرس دادخواهان، و سلام و دعایم را به امامان برسان، و در تمام آنچه از تو درخواست کردم، آنان را شفیع من قرار ده، و هدیه مرا به آنان برسان، آنچنان که سزاوار

ایشا است، و از این هدیه برای ایشان به چندین برابر بیفزاید، چنان که سزاوار توست، افزایشی که آن را جز تو شماره نکند، جنبش و نیرویی نیست جز به خدای برتر و بزرگ، و درود خدا بر پاکترین فرستادگان محمد و خاندان پاک او.

مؤلف گوید: علامه مجلسی در «بحار الانوار»، از برخی نوشته‌های قدمای اصحاب زیارتی برای حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که معروف به «جوادیّه» است، و در آخر آن زیارت است که نماز زیارت و تسبیح بجا آر، و آن را به آن حضرت هدیه کن، آنگاه بگو: «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ یا اَللّٰهُ الدَّائِمَ...» و این دعا را تا آخر آن نقل کرده، پس هر زمان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 773

آن زیارت را در آن مشهد مقدس خواندی، این دعا را ترك مکن.

زیارتی دیگر: این زیارتی است که ابن قولویه از بعضی ائمه علیهم السلام روایت کرده که فرمودند: چون به نزد قبر امام رضا علیه السلام رفتی بگو:

خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا، امام پسندیده با تقوای بی عیب، و حجّت بر هر که بر زمین، و هر که زیر زمین است، آن راستگوی شهید، درودی بسیار و کامل، و پاک و به هم پیوسته و پیاپی و در پی هم، مانند برترین درودی که بر یکی از اولیای فرستادی.

زیارت دیگر: زیارتی است که شیخ مفید در کتاب «مقنعه» نقل کرده و فرموده: پس از آنکه غسل زیارت کردی و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را در بر کردی نزد قبر آن حضرت می‌ایستی و می‌گویی: سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، سلام بر تو ای امام هدایت، و دستاویز استوارتر، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، گواهی می‌دهم که تو گذشتی بر آنچه پدران پاک تو گذشتند، کوردلی را بر هدایت ترجیح ندادی، و از حق به باطل منحرف نگشتی، و برای خدا و رسولش خیرخواهی نمودی، و امانت را ادا کردی، خدا از سوی اسلام و اهلش تو را پاداش دهد، بهترین پاداش، من زائر به حضور آمدم، به حَقّت عارفم، دوستدار دوستان، و دشمن دشمنان هستم، مرا نزد پروردگارت شفاعت کن. سپس خود را به قبر بچسبان، و آن را ببوس و دو طرف صورت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 774

خود را بر آن بگذار، آنگاه به جانب سر بازگرد و بگو: سلام بر تو ای مولایم ای فرزند رسول خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد. گواهی می‌دهم که تو پیشوای راهنما، و سرپرست ارشاد کننده‌ای، به سوی خدا از دشمنان بیزاری

می‌نمایم، و به ولایت به جانب خدا تقرب می‌جویم، درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد، آنگاه دو رکعت نماز زیارت به جای آر، و بعد از آن هرچه خواستی نماز بخوان، و به طرف پایین پا بازگرد، و به آنچه می‌خواهی دعا کن، ان شاء الله. مؤلف گوید: زیارت آن حضرت در ایام و اوقات شریفه خاصه به آن جناب فضیلت بسیار دارد، به ویژه در ماه رجب و بیست و سوم و بیست و پنجم ذو القعدة، و ششم ماه رمضان، چنان که در محل خود در اعمال ماهها ذکر شد، و غیر این روزها از ایام دیگر، که به آن حضرت اختصاصی دارد. چون خواستی آن حضرت را وداع کنی، آنچه را در وداع حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌گفتی بگو: «لا جلع الله آخر تسلیمی عليك...» و اگر خواستی بگو:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای ولیّ خدا. خدایا این زیارت را آخرین بار از زیارت من فرزند پیامبرت، و حجّت بر بندگانت قرا رنده، و من و او را در بهشت گردآور، و با او در حزین محشور کن همراه با شهدا و شایستگان، و آنان از جهت رفیق بودن خوبند، و به خدا می‌سپارم، و خواستار رعایت توام، و بر تو سلام می‌خوانم، به خدا و به پیامبر و به آنچه تو آوردی و بر آن دلالت نمودی ایمان آوردم، پس ما را با گواهان بنویس. مؤلف گوید: در اینجا به ذکر چند مطلب می‌پردازیم که ذکر آنها شایسته و مناسب است.

اول: به سند معتبر از حضرت هادی علیه السلام نقل شده: هر که را به سوی خدا حاجتی باشد، قبر جدّم حضرت رضا علیه السلام را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 775

در شهر طوس زیارت کند، درحالی که غسل کرده باشد، و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند، و در قنوت نماز حاجت خود را بخواهد، به درستی که مستجاب می‌شود، مگر آنکه خواسته او برای گناه یا قطع رحمی باشد. به تحقیق موضع قبر آن حضرت بارگاهی است از بارگاه‌های بهشت، و هیچ مؤمنی او را زیارت نمی‌کند مگر آنکه حق تعالی او را از آتش دوزخ آزاد می‌کند، و وارد بهشت می‌نماید. دوم: علامه مجلسی از خط شیخ جلیل حسین بن عبد الصمد، پدر شیخ بهایی نقل کرده: شیخ ابو الطیب حسین بن احمد فقیه رازی ذکر کرده: هر کس حضرت امام رضا علیه السلام یا دیگر از امامان را زیارت کند، آنگاه نزد آن امام نماز جعفر بجای آورد، برای او به هر رکعتی نوشته می‌شود، ثواب کسی که هزار حجّ و هزار عمره بجا آورده، و هزار بنده در راه خدا آزاد کرده، و هزار مرتبه همراه با پیامبر مرسل به جهاد برخاسته و به هر گامی که بر می‌دارد، برای اوست ثواب صد حجّ و عمره، و صد بنده آزاد کردن، در راه خدای تعالی، و برای او نوشته می‌شود صد کار نیک و از او محو می‌شود صد گناه، و کیفیت نماز جعفر در اعمال روز جمعه گذشت [صفحه 81].

سوم: از محوّل سجستانی روایت شده است: چون مأمون رضا علیه السّلام را از مدینه به خراسان خواست. حضرت برای وداع با قبر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد، و مکرّر با قبر آن حضرت وداع می کرد، و بیرون می آمد و نزد قبر برمی گشت و هر بار صدای مبارکش به گریه بلند بود، من نزدیک آن حضرت رفته و سلام کردم و آن جناب جواب داد، آنگاه حضرت را به آن سفر تهنیت گفتم، فرمود: مرا زیات کن، همانا از جوار جدّم بیرون می شوم، و در غربت می میرم، و مجاور هارون مدفون می شوم. شیخ یوسف بن حاتم شامی در کتاب «درّ النظیم» فرموده: جماعتی از اصحاب امام رضا علیه السّلام روایت کردند که آن حضرت فرمود: زمانی که خواستم از مدینه به جانب خراسان بیرون بیایم، عیال خود را جمع کردم آنان را دستور دادم که بر من گریه کنند، تا گریه آنان را بشنوم، آنگاه دوازده هزار دینار بین ایشان تقسیم کردم، و به آنها گفتم من هرگز به سوی عیالم بر نمی گردم، سپس ابو جعفر جواد را برگرفتم و او را به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بروم، و دست او را کنار قبر گذاشتم، و وی را به آن قبر شریف چسبانیدم، و حفظ او را به سبب رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستم، و جمیع وکلا و خدمتکاران خود را به شنیدن، و اطاعت فرمایش اوامر کردم، و اینکه با او مخالفت نکنند و به آنان فهماندم که او جانشین من است. سیّد عبد الکرم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 776

بن طاووس روایت کرده:

زمانی که مأمون امام رضا علیه السّلام را از مدینه به خراسان طلبید، حضرت از مدینه به جانب بصره حرکت کرد، و به کوفه رفت و از بصره بر طریق کوفه به بغداد توجّه نمود، و از آنجا به شهر قم و سپس وارد قم شد، اهل قم به استقبال حضرت آمدند، و برای مهمانی کردن آن حضرت با هم مخاصمه می نمودند، و هرکدام میل داشتند، آن بزرگوار به خانه او وارد شود، حضرت فرمود: شتر من مأمور است! یعنی هر کجا زانو زد، من آنجا وارد می شوم، پس آن شتر آمد تا در یک خانه خوابید، و صاحب آن خانه، در شب آن روز خواب دیده بود که حضرت رضا علیه السّلام فردا میهمان او خواهد بود! چندی نگذشت که آن محلّ مقام رفیعی یافت و در زمان ما مدرسه ای آباد است.

شیخ صدوق به سند خود از اسحاق بن راهویه نقل کرده: چون حضرت رضا علیه السّلام به نیشابور آمد، و خواست از آنجا حرکت کند، اصحاب حدیث خدمت آن حضرت جمع شدند، و عرضه داشتند: یابن رسول الله از نزد ما می روی و برای ما حدیثی نمی فرمایی که با واسطه آن از حضورتان استفاده کنیم؟ آن حضرت در آن هنگام در عماری نشسته بود، سر خود را بیرون کرد و فرمود: شنیدم پدرم موسی بن جعفر علیهما السّلام فرمود: شنیدم پدرم جعفر بن محمد فرمود:

شنیدم پدرم محمد بن علی فرمود: شنیدم پدرم علی بن الحسین فرمود: شنیدم پدرم حسین بن علی فرمود: شنیدم پدرم امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیهم السلام فرمود: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شنیدم جبرئیل می گفت: شنیدم خدا عزّ و جلّ فرمود:

توحید قلعه من است، هرکه وارد قلعه من شد از عذابم ایمن گشت. این حدیث شریف را فرمود و حرکت کرد، چون شتر به راه افتاد، ما را خواند و فرمود: به شرطهای آن، و من از از شرطهای آن هستم ابو الصلت روایت کرده: امام رضا علیه السلام زمانی که به نزد مأمون می رفت چون به منطقه ده سرخ رسید، گفتند: یابن رسول الله ظهر شده، نماز می خوانید؟ حضرت پیاده شد و آب طلبید، عرضه داشتند آب به همراه نداریم، پس به دست مبارك خود، زمین را کاوید، به اندازه ای که آب جوشید، که آن حضرت و هرکه با او بود وضو ساختند، و اثرش تا امروز باقی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 777

است، چون وارد سناباد شد، پشت مبارك خود را به کوهی گذاشت، که از آن دیگها می تراشند، و فرمود:

خدایا به این کوه سود ببخش، و در ظرفی از این کوه تراشند، هرچه گذارند، برکت ده، و فرمود: برای آن حضرت دیگها از سنگ تراشیدند، و دستور داد طعامش را جز در آن دیگها نپزند، مردم از آن روز به بعد، دیگها و ظرفها از آن تراشیدند و برکت یافتند. چهارم: صاحب «مطلع الشمس» نقل کرده: در بیست و پنجم ذو الحجة سال هزار و شش، شاه عباس اول وارد مشهد مقدس شد، مشاهد کرد، عبد المؤمن خان اوزبکی حرم مطهر را غارت کرده، و غیر از محجر طلا چیز دیگری در آنجا نگذاشته، در بیست و هشتم ذو الحجة از مشهد به هرات رفت، و هرات را به ایران بازگرداند و پس از ساماندهی آنجا، به مشهد بازگشت و يك ماه در آنجا ماند، و صحن مقدّس را مرمت کرد، و خدّام بارگاه مبارك را مورد احسان و لطف خویش قرار داد، و به عراق بازگشت، و در اواخر سال هزار و هشت، دوباره به مشهد مقدّس رفته، زمستان را در آنجا گذراند، و خدمت افتخاری آستانه را خود به گردن گرفت و مشغول بود، چنان که شی با قیچی سر شمعها را می گرفت، شیخ بهایی علیه الرحمه «بالبداهه» این رباعی را سرود:

پیوسته بود ملائک علیین

پروانه شمع روضه خلد آیین

مقراض به احتیاط زن ای خادم

ترسم ببری شهپر جبریل امین

و در سال هزارونه، بنا به نذری که شاه عباس کرده بود تا پیاده به مشهد برود، پیاده به مشهد مشرف شد، و آن مسافت دور را در بیست و هشت روز طی کرد. صاحب تاریخ «عالم آرا» این اشعار را به همین مناسبت نگاشته است:

شاه والا گهر خاقان امجد

غلام شاه مردان شاه عباس

پیاده رفت با اخلاص بی حدّ

به طوف مرقد شاه خراسان

تا آنجا که گفته است:

ز اصفاهان پیاده تا به مشهد

پیاده رفت شد تاریخ رفتن

[1009 به حروف ابجد] چون به مشهد مقدّس رسید، صحن مبارك را وسعت داد، و ایوان علی شیر، که درگاه روضه متبرکه از آنجا بوده، و در يك

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 778

گوشه صحن قرار داشت و بد نما بود، در وسط قرار داد، و ایوانی برابر آن در طرف دیگر ساخت و خیابانی از دروازه غربی شهر تا شرقی طرح کرد که از هر طرف به صحن رسیده از میان ایوانها بگذشت و چشمه ها و قناتها احداث کرد و به شهر آورد، و نهری از میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط ایجاد کرد، که آب از حوض گذشته به خیابان شرقی جاری گردد، و در بناهای مذکور کتیبه ها به خط میرزا محمد رضا «صدر الکتاب» و علیرضا عباسی و محمد رضا امامی رسم شد و بارگاه مطهر را به طلا تذهیب کرد، چنان که در کتیبه بارگاه مطهر به آن اشاره شده و نوشته آن کتیبه چنین است:

به نام خدا که رحمتش بسیار مهربانی اش همیشگی است، از بزرگ توفیقات خدای سبحان اینکه موفق نمود سلطان اعظم سرور پادشاهان عرب و عجم، دارنده نسب پاک نبوی، و حسب تابناک علوی خاک قدمهای خدمتکاران این قبه مطهر لاهوتی، غبار کفشهای زائران این گلشن نورانی، رواج دهنده آثار اجداد معصومینش، سلطان فرزند سلطان، ابو المظفر شاه عباس حسینی موسوی صفوی بهادر خان، پس سعادت یافت به آمدن با پای پیاده از اصفهان پایتخت کشور، به زیارت این حرم شریف و به طلاکاری این گنبد از مال خالصش در سال هزاروده تشرّف پیدا کرد و در سال هزاروشانزده به پایان

رسید. شیخ طبرسی در کتاب «اعلام الوری»، پس از بیان پاره‌ای از معجزات حضرت رضا علیه السلام گفته: اما آنچه برای مردم پس از شهادت آن حضرت تا زمان ما ظاهر شده، از برکت مشهد مقدس آن حضرت و علامات و عجایبی که مردم بسیار مشاهده نمود، و عام و خاص تصدیقش کردند، و مخالف و موافق به آن اقرار نمودند، بسیار بلکه خارج از شماره است، و همانا در آن مشهد مقدس کور مادرزاد، و ابرص [نوعی بیماری پوستی] شفا یافتند، و دعاها مستجاب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 779

شده و حاجات برآورده گشته و شداید و مصایب برطرف شده است و ما بسیاری از اینها را خود مشاهده کردیم و علم و یقینی یافتیم که شك در آن راه نیابد. شیخ بزرگوار حرّ عاملی در کتاب «اثبات الهداة» پس از نقل این کلام از شیخ طبرسی فرموده: که مؤلف این کتاب محمد بن الحسن الحرّ می گوید:

من بسیاری از این معجزات را دیدم و مشاهده کردم همچنان که شیخ طبرسی مشاهده کرده است و برای من یقین حاصل شد همچنان که برای او یقین حاصل شده و در مدت مجاورت من در مشهد مقدس که 26 سال میشود چیزهایی در این باب شنیدم که از حدّ تواتر گذشته و من در خاطر ندارم که در این مشهد دعا کرده باشم و از خدا حاجتی خواسته باشم مگر آنکه الحمد لله برآورده شد و مقام را گنجایش تفصیل نیست، لهذا به اجمال اکتفا کردیم. مؤلف این کتاب عباس قمی گوید: در هر زمان آن قد رکرامات و معجزات از این روضه مقدسه ظاهر میشود، که نیاز به نقل وقایع گذشته نیست و ما در باب دوم در اعمال شب بیست و هفتم رجب به برخی مطالب که مناسب این مقام بود اشاره کردیم [صفحه 248] و فعلا مقام را گنجایش تطویل نیست بهتر است آنکه این فصل را به همین جا ختم کنیم و این چند بیت شعر را که از جامی در مدح آن حضرت نقل شده است ذکر نماییم.

سلام علی ال طه و یس

سلام علی ال خیر التّیین

سلام علی روضه حلّ فیها

امام یباهی به الملك و الدّین

امام به حق شاه مطلق که آمد

حریم درش قبله گاه سلاطین

شه کاخ عرفان گل شاخ احسان

در درج امکان مه برج تمکین

علی بن موسی الرضا کز خدایش

رضا شد لقب چون رضا بودش آیین

| | |
|------------------------------|--------------------------------|
| ز فضل و شرف بینی او را جهانی | اگر نبودت تیره چشم جهان بین |
| پی عطر روبند حوران جنت | غبار درش را به گیسوی مشکین |
| اگر خواهی آری به کف دامن او | برو دامن از هرچه جز اوست برچین |

فصل دهم

در زیارت ائمه سرمن رأی و اعمال سرداب مطهر و آن در دو مقام است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 780

مقام اول: در زیارت دو امام معصوم حضرت هادی و حضرت حسن عسکری صلوات الله علیهما. هرگاه ان شاء الله بر سرمن رای وارد شدی، و خواستی آن دو امام همام علیهما السلام را زیارت کنی، غسل کن، و پس از رعایت آداب ورود به حریمهای شریفه، تا در حرم مطهر با آرامش و وقار روانه شو، و اذن دخول عامی را که در اوایل این باب ذکر شد بخوان، آنگاه وارد حرم مطهر شو، و آن دو بزرگوار را به این عبارت که صحیح ترین زیارات است زیارت کن سلام بر شما ای دو نماینده خدا، سلام بر شما ای دو حجّت خدا، سلام بر شما این دو نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر شما ای آنان که خدا اراده اش را درباره شما تغییر داد، زیارت کنان به حضور شما آمدم، به حق شما آگاهم دشمن دارم دشمنانتان را، و دوستدار دوستانتان هستم، به آنچه به آن ایمان آوردم مؤمنم، و به آنچه به آن کافر شدید کافر، حق می دانم آنچه را حق دانستید، و باطل می دانم آنچه را باطل دانستید، از خدا، پروردگارم و پروردگارتان درخواست می کنم، بفرام را از زیارت شما دو تن درود بر محمد و خاندانش قرار دهد، و همراهی شما را در بهشتها نصیب من کند همراه پدران شایسته شما، و از او می خواهم که مرا از آتش دوزخ آزاد گرداند، و روزی من فرماید شفاعت و مصاحبت شما را، و بین من و شما شناسایی پدید آورد، و دوستی پدران شایسته شما را از من نگیرد، و این زیارت مرا آخرین بار از زیارت شما قرار ندهد، و مرا به

رحمتش با شما محشور کند در بهشت. خدایا دوستی این دو بزرگوار را نصیب کن، و مرا بر آیین آن دو امام بمیران. خدایا ستم کنندگان به حق خاندان محمد را لعنت کن، و از آنان انتقام بگیر. خدایا اولین و آخرینشان را لعنت نما، و عذاب را بر آنان دوچندان کن، و آنان و شیعیان و دوستداران و پیروانشان را به پست‌ترین گودی دوزخ برسان، چه تو بر هر چیز توانایی. خدایا در گشایش کار ولیّات و فرزند ولیّات شتاب کن، و گشایش کار ما را با گشایش کار ایشان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 781

قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان. و در دعا کردن برای خود، و پدر و مادرت بکوش و دعا کن به هر دعایی که می‌خواهی، و اگر بتوانی نزدیک قبر ایشان بروی، برو، و دو رکعت نماز قبر بخوان، و اگر نتوانی وارد مسجد شو و دو رکعت نماز بجا آر، و دعا کن به هر دعایی که خواستی که مستجاب است، و این مسجد مجاور خانه ایشان است، و حضرت امام هادی و محمد بن المشهدی و شیخ مفید و شهید نیز این زیارت را در کتاب «مزار» خود، با اختلافی اندک نقل کرده‌اند. و بعد از جمله «فی الجنة برحمته» فرموده‌اند: آنگاه برو، و خود را بر هر يك از آن دو قبر بینداز و آن را بیوس و طرف راست و چپ صورت خود را بر قبر بگذار، و پس از آن سر بردار و بگو: «اللّهم ارزقنی حبّهم و توقّنی علی ملّتهم ... تا آخر زیارت. و گفته‌اند نزدیک سر مقدّس چهار رکعت نماز بخوان، و پس از نماز زیارت، هر اندازه خواهی نماز بگذار و پوشیده نماند که آن دو بزرگوار در خانه خود دفن شدند، و برای آن خانه دری بود، که گاهی باز می‌کردند و شیعیان وارد می‌شدند، و کنار قبر زیارت می‌کردند، و گاهی بسته بود از بیرون مقابل پنجره‌ای که بر دیوار، روبروی قبر مطهر بود زیارت می‌کردند، در صدر همین روایت مربوطه به زیارت ذکر شده است که غسل می‌کنی و اگر بتوانی نزد قبر ایشان می‌روی و گرنه، از برابر پنجره‌ای که به سور قبر باز می‌شود به سلام اشاره می‌کنی، و چنین زائری نماز زیارت خود را در مسجد بجای آورد. چون به همت دوستان آن خانه برداشته شد، و به جای آن بارگاه و حرم و رواق قرار گرفت، آن مسجد داخل در فضای حرم شد، و اکنون در بین مردم معروف است، که ایوان مستطیل، که در صحن پشت سر عسگریّین علیهما السّلام به رواق متصل است، همان مسجد مذکور است. در هر صورت، زائران از این جهت آسوده شدند. برای آن دو بزرگوار زیارت مخصوص به هر کدام، و مشترک میان هر دو امام، در کتابهای زیارتی ذکر شده است که زائران اگر خواستند، نسخه آن کتابها فراوان است، و اگر زائر را حالی و مجالی باشد، مناسب است زیارت جامعه کبیره را، که پس از این ان شاء الله تعالی ذکر می‌شود [صفحه 830] بخواند، زیرا که صدور آن کلمات رسا، که دارای

تمام مراتب اظهار بندگی و تذلل، و اعتراف به عظمت و جلالت امامان است، از مصدر جلال حضرت هادی علیه السلام می‌باشد. سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» برای هر يك از این دو بزرگوار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 782

زیارت مبسوط، با صلوات بر آنان و دعای پس از نماز زیارت نقل کرده، که آوردنش در این کتاب، گرچه موجب تطویل می‌باشد، شایسته است، زیرا فواید بسیاری در آن مندرج است. فرمود: هرگاه به «سرّمن‌رای» رسیدی، غسل کن، غسل زیارت و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و با آرامی و وقار روانه شو، تا به درگاه حرم شریف برسی، وقتی رسیدی، طلب رخصت کن و بگو: آیا وارد شوم ای پیامبر خدا، آیا وارد شوم ای امیر مؤمنان، آیا وارد شوم ای فاطمه زهرا، سرور بانوان جهانیان آیا وارد شوم ای مولایم حسن بن علی، آیا وارد شوم ای مولایم حسین بن علی، آیا وارد شوم ای مولایم علی بن الحسین، آیا وارد شوم ای مولایم محمد بن علی، آیا وارد شوم ای مولایم جعفر بن محمد، آیا وارد شوم ای مولایم موسی بن جعفر، آیا وارد شوم ای مولایم علی بن موسی، آیا وارد شوم ای مولایم محمد بن علی آیا وارد شوم ای مولایم ابا الحسن علی بن محمد، آیا وارد شوم ای مولایم ابا محمد حسن بن علی آیا وارد شوم ای فرشتگان خدا، ای گماشتگان به آستان این حرف شریف. آنگاه وارد شو، و در وقت وارد شدن پای راست را پیش گذار، و نزد ضریح حضرت امام هادی علیه السلام رو به قبر، و پشت به قبله بایست و صدر مرتبه «الله اکبر» بگو و بخوان: سلام بر تو ای ابا الحسن علی بن محمد، امام پاک و راهنما و نور تابان و رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای سرّ خدا، سلام بر تو ای ریسمان خدا، سلام بر تو ای خاندان خدا، سلام بر تو ای منتخب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای حق خدا، سلام بر تو ای حبیب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 783

خدا، سلام بر تو ای نور نورها، سلام بر تو ای زیور نیکان، سلام بر تو ای چکیده خوبان، سلام بر تو ای عنصر پاکان، سلام بر تو ای حجت رحمن، سلام بر تو ای اساس ایمان، سلام بر تو ای مولای مؤمنان، سلام بر تو ای سرپرست شایستگان سلام بر تو ای پرچم هدایت، سلام بر تو ای هم‌پیمان تقوا، سلام بر تو ای ستون دین سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران، سلام بر تو ای فرزند آقای جانشینان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای امین وفادار، سلام بر تو ای پرچم خشنود، سلام بر تو ای زاهد باتقوا، سلام بر تو ای حجت بر همه

خلق، سلام بر تو ای تلاوت کننده قرآن، سلام بر تو ای بیان کننده حلال از حرام سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه، سلام بر تو ای راه روشن، سلام بر تو ای ستاره درخشان. گواهی می‌دهم ای مولایم، ای ابا الحسن که تویی حجت خدا بر خلق، و جانشین او در میان آفریدگان، و امین او در شهرها، و گواه او بر بندگان، و گواهی می‌دهم که تویی کلمه تقوا، و دروازه هدایت و رشته استوارتر، و حجت بر هر که بر زمین و در زمین است، و گواهی می‌دهم که تویی پاک از گناهان، و مبرای از عیوب، و اختصاص یافته به کرامت خدا، و تکریم شده به برهان خدا، و کسی که کلمه خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 784

به او بخشیده شده، و پایه‌ای که بندگان خدا به او پناه می‌برند، و شهرها به وسیله او زنده می‌شود، و گواهی می‌دهم ای مولایم که من نسبت به تو و پدرانت و فرزندان، دارای یقین و اقرار و تابع شمام، در کنه وجودم و احکام دینم، و سرانجام کارم و بازگشتگاه و منزل، و دوستم با کسی که شما را دوست بدارد، و دشمنم با آنکه شما را دشمن بدارد، مؤمنم به نمان و آشکار و آغاز و انجام شما، پدر و مادرم به فدایت، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. آنگاه ضریح را ببوس، و طرف راست صورت خود، و سپس طرف چپ آن را بر ضریح بگذار و بگو: خدایا بر محمد و خاندان و خاندان محمد درود فرست، و درود خدا بر حجت وفادارت، ولی پاکیزه‌ات، و امین پسندیده‌ات، و راهنمای برگزیده‌ات، و راه راست، و آنجاده بزرگتر، و راه میانه‌تر، روشنی دلهای اهل ایمان و سرپرست پرهیزکاران، و یار مخلصان، خدایا بر آقای ما محمد و اهل بیتش درود فرست، و درود فرست بر علی بن محمد آن راهنمای معصوم از لغزش، و پاک از نقایص، و آرزو بریده از مردم به سوی تو، گرفتار آشوبها، و آزموده به مصایب سخت، و سنجیده به آزمون نیکو، و شکیبای در شکایت، و راهنمای بندگان، و برکت شهرهایت، و جایگاه رحمت، و جای سپردن حکمت، و پیشرو به سوی بهشت آگاه در میان آفریدگان، و راهنمای در میان خلقت، که پسندیدی و برگزیدی و انتخاب نمودی، و او را برای جانشینی پیامبرت در میان امت به نگهداری شریعتش ملزم نمودی، پس او نیز به تنهایی به انجام وظایف سنگین جانشینی اقدام کرد، و به آن قیام نمود

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 785

و مقتدرانه به دوش کشید، نه در مشکلی لغزید، و نه در کار دشواری، بلکه اندوه را برطرف ساخت، و هر رخنه را سد نمود و هر فریضه‌ای را ادا کرد، خدایا چنان که دردگان پیامبرت را به او روشن ساختی، بالا بر درجه‌اش را، و پاداشش را

نزد خود زیاد گردان، و بر او درود فرست، و از جانب ما به او تحیت و سلام برسان، و به ما از نزد خود در دوستی او فضل و احسان و آمرزش و رضوان بخش، به درستی که تو دارای فضل بزرگی. سپس نماز زیارت بخوان و چون سلام نماز دادی بگو: ای صاحب قدرت همه جانبه، و رحمت گسترده، و نعمتهای پیوسته، و عطاهای بی دریغ و بخششهای بزرگ، و موهبتهای شایان، بر محمد و خاندان محمد، آن راستگویان درود فرست، و عطا کن خواسته‌ام را، و پراکندگی‌ام را گرد آور، و آنچه از کار من متفرق شده جمع کن، و عملم را پاک گردان، و قلبم را پس از اینکه هدایت نمودی منحرف مساز، و گامم را نلغزان و چشم بر هم زدن، مرا به خویشتن وامگذار، و طعمم را به حضرتت ناامید مکن، و عییم را آشکار نساز، و پروده‌ام را ندر و به وحشتم میانداز و ناامیدم مکن، و نسبت به من مهربان و بخشنه باش، و راهنمایی‌ام فرما، و پاک و پاکیزه‌ام کن، و تصفیه‌ام نما و مرا برگزین، و خلاص و خالصم کن و نیکویم ساز و به آداب خود مؤدبم فرما، و به خود نزدیک کن، و از خود دور مفرما، و به من لطف آر، و از درگاهت دور مکن، و گرمی‌ام بدار و خوارم مساز و نسبت به آنچه از تو درخواست می‌کنم محرومم مکن، و آنچه را از تو نمی‌خواهم، برایم جمع فرما، ای مهربان‌ترین مهربانان، از تو می‌خواهم به حرمت ذات کریمت، و به حرمت پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش)، و به حرمت اهل بیت رسولت امیر مؤمنان علی و حسن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 786

و حسی و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد بن علی و حسن و یادگار باقی مانده درودها و برکات بر ایشان، که بر همه آنان درود فرستی، و گشایش کار قیام‌کننده ایشان را به امرت شتاب کنی، و یاری‌اش دهی، و به او برای دینت یاری ستانی، و مرا در گروه نجات‌یافتگان به او، مخلصان در طاعتش قرار دهی، و به حق ایشان از تو می‌خواهم، که دعایم را مستجاب نمایی، و حاجتم را برآوری، و عطا کنی خواسته‌ام را، و آنچه مرا از کار دنیا و آخرتم به اندیشه برده کفایت فرمایی، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای نور برهان، ای نوربخش، ای آشکارکننده، ای پروردگار، شرّ شرور و آفات روزگاران را از من کفایت کن، و از تو نجات می‌خواهم روزی که در صور دمیده شود.

سپس برای هرچه خواهی دعا کن، و بسیار بگو: ای توشه‌ام پیش توشه‌ها، و ای امید و مورد اعتمادم، و ای پناهگاه و تکیه‌گاهم، ای یگانه، ای یکتا، ای که گفتی: بگو، او خدای یکتاست. خدایا از تو می‌خواهم، بحق کسانی که آفریدی از آفریده‌هایت، و در آفریده‌هایت کسی را مانند آنها قرار ندادی، بر همگی آنان درود فرست، و با من چنین و چنان کن.

و به جای این جمله [کذا و کذا] حاجت خویش را بخواه، همانا از آن حضرت روایت شده: من از خدای عزّ و جلّ خواسته‌ام: کسی را که این دعا را در روزه من، پس از من بخواند، ناامید بازنگرداند.

زیارت حضرت امام حسن عسگری علیه السلام

شیخ به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده: قبر من در سرّمن‌رأی [سامرّای کنونی در عراق] برای اهل دو جانب، از بلاها و عذاب خدا، امان است. مجلسی اوّل «اهل دو جانب» را به شیعه و سنیّ معنا کرده و فرموده است: برکت آن حضرت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 787

دوست و دشمن را احاطه کرده، چنان که قبر کاظمین [امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام] سبب امان بغداد شد تا آخر مطلب. سید ابن طاووس فرموده: چون خواستی حضرت عسگری علیه السلام را زیارت کنی، جمیع آنچه را در زیات پدرش حضرت هادی بجا آوردی، بجا آر، آنگاه نزد ضریح آن حضرت بایست و بگو:

سلام بر تو ای مولایم ای ابا محمد حسن بن علی، راهنمای راه یافته، و رحمت و برکات خدا بر تو باد سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند اولیای خدا، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت‌هایش، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیدگانش، سلام بر تو ای خلیفه خدا و فرزند خلیفه‌های خدا و پدر خلیفه خدا سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران، سلام بر تو ای فرزند آقای جانشینان، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای فرزند امامان هدایتگر، سلام بر تو ای فرزند جانشینان راشد، سلام بر تو ای امان پرهیزگاران سلام بر تو ای پیشوای رستگاران، سلام بر تو ای پایه اهل ایمان، سلام بر تو ای گشایش اندوهناکان، سلام بر تو ای وارث پیامبران برگزیده، سلام بر تو ای خزانه‌دار دانش جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای دعوت کننده به حکم خدا، سلام بر تو ای گویای به کتاب خدا، سلام بر تو ای حجت حجت‌ها، سلام بر تو ای هدایتگر امت‌ها، سلام بر تو ای صاحب نعمتها، سلام بر تو ای گنجینه دانش، سلام بر تو ای کشتی بردباری، سلام بر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 788

تو ای پدر امام مورد انتظار، آن امامی که برهانش برای خردمند آشکار، و شناختنش در عرصه یقین ثابت است، آنکه از دید ستمکاران پوشیده، و از دسترس دولت بدکاران پنهان است، بزرگواری که پروردگارمان دین اسلام را به وسیله او پس از نابودی دوباره تازه گرداند، و قرآن را پس از کهنگی بازآورد، من گواهیم می‌دهم ای مولایم که تو نماز پیا داشتی و زکات پرداختی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و مردم را به راه خدا، با حکمت و موعظه پسندیده دعوت کردی، و پرستیدی خدا را خالصانه، تا تو را مرگ دررسید، از خدا درخواست می‌کنم به حق مقامی که برای شما نزد اوست، اینکه زیارت را نسبت به شما بپذیرد، و از کوشش در کنار شما قدرداری نماید، و دعایم را به خاطر شما مستجاب کند، و مرا از یاران و پیروان و شیعیان و دوستان حق قرار دهد، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد آنگاه ضریح را ببوس، و دو طرف صورت خود را بر آن بگذار و بگو: خدایا درود فرست بر آقای ما محمد و اهل بیتش، و درود فرست بر حسن بن علی، هدایت کننده به سوی دینت، و دعوت کننده به راهت، آن پرچم هدایت، و علامت تقوا، و سرچشمه خرد، و جایگاه عقول، و باران عنایت و خیر برای آفریدگان، و ابر حکمت، و دریای پند، و وارث امامان و گواه بر امت، معصوم پیراسته، فاضل مقرب، پاک از پلیدی، آنکه دانش قرآن را به او ارث دادی، و جداسازی بین حق و باطل را به او الهام نمودی و او را به عنوان پرچم اهل قبله‌ات نصب کردی، و طاعتش را به طاعتت مقرون نمودی، و واجب نمودی مؤدّتش را بر همه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 789

آفریدگانت واجب فرمودی. خدایا چنان که آن حضرت با نیکی اخلاص در یکتاپرستی‌ات باز آمد، و کسانی که در چاه خیال تشبیه توبه مخلوقات فرو رفته بودند هلاک کرد، و اهل ایمان به تو را حمایت نمود، پس تو ای پروردگارم بر او درود فرست، درودی که به وسیله آن به جایگاه فروتنان ملحق گردد، و در بهشت به درجه جدم خاتم پیامبران برآید، و به او از جانب ما، تحیت و سلام برسان، و به ما در دوستی‌اش از جانب خود، فضل و احسان، و آمرزش و رضوان عنایت کن، که تو دارای فضل بزرگ و احسان تن آوری. آنگاه نماز زیارت بجا آور. و هنگامی که فارغ شدی بگو: ای همیشگی، ای ابدی، ای زنده، ای پایدار، ای برطرف کننده مشکل و اندوه، ای زداينده غم، و ای برانگیزنده رسولان، ای راست وعده، و ای زنده، معبودی جز تو نیست، به درگاهت توسل می‌جویم به وسیله حبیب محمد، و جانشینش علی پسر عمویش، و دامادش آن همسر دخترش، که شریعتها را به آن دو تن ختم کردی، و گشودی تأویل آیات و ابتدای هرچیز را به آن دو، پس بر هر دو بزرگوار درود فرست درودی که پیشینیان و پسینیان به آن گواهی دهند، و نجات یابند به آن دوستان و

شایستگان، و به درگاهت توسل می جویم، به فاطمه زهرا، مادر پیشوایان ره یافته، و سرور بانوان جهانیان، آن شفاعت پذیرفته دربار شیعہ و فرزندان پاکش، پس بر او درود فرست درودی همواره به هموارگی جلودانان و پریای روزگاران، و به درگاهت توسل می جویم به حسن آن راضی به قضا، و پاک و پاکیزه، و حسین مظلوم پسندیده نیکوکار، پرهیزگار، دو سرور جوانان اهل بهشت، دو امام برگزیده پاک باتقوا، بی عیب، پاکیزه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 790

شهید، ستم کشیده، کشته شده، پس بر آن دو بزرگوار درود فرست، تا که خورشیدی طلوع کند و غروب نماید، درودی پیوسته و پی در پی، و به درگاهت توسل می جویم به علی بن الحسین سرور عبادت کنندگان، مستور از بیم ستمکاران و به محمد بن علی الباقر، آن پاک و نور تابناک، و دو پیشوا، دو سرور، دو کلید برکات، و دو چراغ تاریکیها، پس درود فرست بر آن دو بزرگوار، تا تاریک گردد شبی، و روشن شود روزی، درودی تا روز و شب برآید و به درگاهت توسل می جویم به جعفر بن محمد آن راستگوی از سوی خدا، و گویای به دانش حق، و به موسی بن جعفر آن بنده شایسته در نهادش، و جانشین خیرخواه، دو پیشوا، دو هدایت کننده، دو هدایت یافته، دو کامل کننده وظیفه، دو کفایت کننده، پس بر آنان درود فرست، تا تو را تسبیح نماید ملکی، و حرکت کند برای تو فلکی، درودی که نما یابد و افزون شود، و فانی نگردد، و تباہ نشود، و به درگاهت توسل می جویم به علی بن موسی الرضا، و به محمد بن علی آن نفس پسندیده، دو امام، دو پاک دو برگزیده، پس بر آنان درود فرست، تا روشنی دهد بامدادی، و دوام یابد درودی، درودی که آن دو بزرگوار را به سوی رضوانت، در بلندترین جای بهشت بالا برد، و به درگاهت توسل می جویم به علی بن محمد هدایتگر، و حسن بن علی آن راهنما، دو قیام کننده به کار بندگانت، و آزموده به مصایب هراس انگیز، و دو صبرپیشه در دشمنیهای گوناگون، پس بر آن دو بزرگوار درود فرست، همتای پاداش صابران، و برابر ثواب رستگاران، درودی که بلندی مقام را برای آن دو امام آماده سازد، و به درگاهت توسل می جویم ای پروردگار، به پیشوای ایمان و محقق زمانمان، آن روز موعود، و شاهد و شهادت یافته، و نور

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 791

درخشنده تر، و روشنائی تابنده تر، یاری شده، با نهادن بیم در دلها، و پیروزی یافته به خوشبختی، پس بر او درود فرست به عدد میوه، و برگهای درختان، و جزء جزء ریگها، و به عدد موها و کرکها، و عدد آنچه دانشت به آن احاطه دارد و کتاب

تو آن را برمی شمرد، درودی که پیشینیان و پسینیان به آن غبط خورند. خدایا ما را در گروه او محشور کن و ما را بر طاعتش نگهدار، و به دولتش محفوظمان بدار، و به ولایتش ما را گرمی بدار، و به شوکتش ما را به دشمنانمان پیروز کن و ما را ای پروردگار، از توبه کنندگان قرار ده، ای مهربانترین مهربانان. خدایا ابلیس سرکش ملعون از تو برای گمراه کردن آفریدگانت فرصت خواست، و تو فرصتش دادی، و از تو برای بدریدن از راه بندگان، مهلت خواست، تو از روی علمت که از پیش درباره او گذشته بود مهلتش دادی، به تحقیق او آشیانه کرده، و سپاهش فزونی یافته، و لشگریانش انبوه گشته، و دعوت کنندگان به سوی او در اطراف زمین پخش شده، در نتیجه بندگان را گمراه کردند، و آیینت را فاسد نمودند و واقعیتها را از جایگاهش منحرف کردند، و بندگان را گروه گروه پراکنده کردند، و قرار دادند دسته‌های سرکش، در حالی که درهم شکستن بنیادش و از هم پاشیدن شأنش را وعده دادی، پس فرزندان و لشگریان را نابود کن، و کشورها را از بدعتها و اختلافاتش پاک فرما، و بندگان را از روشها و سنجشهای غلط او راحت کن، و گردش ناروای روزگار را علیه آنان قرار ده، و عدالت را بگستران، و دینت را نمایان کن، و اولیایت را نیرومند ساز، و دشمنانت را ناتوان کن، و سرزمینهای ابلیس و دوستانش را به او اولیایت واگذار فرما، و ابلیس و پیروانش را در دوزخ ابدی کن، و به آنان از عذاب دردناکت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 792

بچشان، و لعنتهای به ودیعت گذاشته در مراکز نحس آفرینش، و مناظر زشت طبیعت را، گردش کننده و گماشته بر آنان قرار ده، درحالی که آن لعنتها هر صبح و شام، و هر چاشت و پسین، بر آنان جریان داشته باشد، پروردگارا در دنیا دنیا و آخرت، به ما حسنه عنایت کن، و ما را به مهربان ات از شکنجه آتش نگاه بدار، ای مهربانترین مهربانان.

آنگاه به آنچه برای خود و برادرانت خواهی دعا کن، سپس ملکه دنیا و آخرت، مادر بزرگوار امام قائم علیهم السلام را، که قبرش پشت ضریح مولایمان امام عسگری علیه السلام است زیارت کن، و در زیارت آن بزرگ بانو بگو: سلام بر رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) آن راستگوی امین، سلام بر مولایمان امیر مؤمنان سلام بر پیشوایان پاک، حجت‌های مبارک، سلام بر مادر امام، و مأمّن اسرار فرمانروای بسیار دانا، و باردار به شریفترین مخلوقات، سلام بر تو ای صدّیقه پسندیده سلام بر تو ای همانند مادر موسی، و دختر یاران عیسی، سلام بر تو ای پرهیزکار بی عیب، سلام بر تو ای خرسند به قضای حق و ای بانوی پسندیده، سلام بر تو ای وصف شده در انجیل و خواستگاری شده از روح الله امین، و ای کسی که محمد سرور رسولان در پیوند با او علاقمند شد، و ای مأمّن اسرار پروردگار جهانیان، سلام بر تو و پدران خواری تو، سلام بر تو و بر همسر و فرزندان، سلام بر تو و بر روح و جسم پاکیزه‌ات. گواهی می‌دهم که تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 793

از امام زمان نیکو کفالت کردی، و ادا نمودی امانت را، و در عرصه خشنودی خدا کوشیدی، و در باره خدا صبر کردی و راز خدا را نگاه داشتی، و ولی خدا را باردار شدی، و در نگهداری حجت خدا سخت کوشیدی، و نسبت به پیوند با فرزندان رسول خدا رغبت ورزیدی، درحالی که به حقتشان عارف، و به صدقشان مؤمن، و به مقامشان معترف، و به کارشان بینا و بر آنان غمخوار بودی، و محبت آنان را بر محبت دیگران ترجیح دادی، و گواهی می دهی که تو از دنیا بر پایه بینایی از کارت درگذشتی، درحالی که به شایستگان اقتدا نمودی، راضی به قضای حق، پسندیده، پرهیزگار، بی عیب، پاکیزه، خدا از تو خشنود باشد، و تو را خشنود نماید، و بهشت را جایگاه و نادای تو گرداند، او تو را سزاوار همه خوبیها کرد، به آنچه سزاوار نمود، و به تو بخشید از شرافت، آنچه که به سبب آن تو را بی نیاز نمود، خدا آن کرامتی را که به تو بخشید، بر تو گوارا و سودمند گرداند. آنگاه سر خود را بالا کرده و می گوئی:

خدایا به تو اعتماد کردم، و خشنودیت را خواستم، و به اولیایت به سوی تو متوسل شدم، و بر آمرزش و بردباریات توکل نمودم، و در پناه تو آمدم، و به قبر مادر ولی تو پناهنده شدم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا به وسیله زیارتش منفعت بخش، و بر دوستیاش ثابت بدار، و از شفاعتش و شفاعت فرزندش محروم مکن، و هم جواریاش را نصیب فرما، و محشورم نما با او و با فرزندش، چنان که به زیارت فرزندش و خودش موفقم نمودی. خدایا به سویت به وسیله امامان پاک توجه می کنم، به حجت های با میمنت از خاندان طه و یس توسل به جانب تو می جویم از تو می خواهم بر محمد و خاندان پاک او درود فرستی، و قرار دهی مرا از آرام گرفتگان، رستگاران، شادمانان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 794

مژده گیرندگان، که هیچ بیمی بر آنان نیست و هرگز اندوهگین نمی شوند، و قرار ده مرا از آنان که سعیشان را پذیرفته، و کارشان را آسان نموده، و گرفتاریشان را بر طرف ساخته، و ترسشان را ایمین داده. خدایا به حق محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و این زیارت را آخرین بار من از زیارت این بانوی بزرگوار قرار مده، و برگشت به زیارتش را تا زنده ام داشتی نصیب فرما و هنگامی که مرا بمیرانی، محشورم نما درگروهش، و در شفاعت فرزندش و خودش واردم فرما، و مرا و پدر و مادرم و مردان و زنان با ایمان را بیامرز، و به ما در دنیا و آخرت خوبی عنایت کن، و نگهدار ما را به رحمت از عذاب دوزخ، ای سرورم، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

مؤلف گوید: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: وقتی که زید شحام خدمت آن جناب عرضه داشت، برای کسی که یکی از شما امامان را زیارت کند، چه ثوابی است؟ فرمود: مانند این است که رسول خدا صلی الله و علیه و آله را زیارت کرده باشد. ما در صفحات گذشته نوشتیم، که روایتی از حضرت صادق علیه السلام به این مضمون نقل شده: هر که امام واجب الطاعه را زیارت کند، و چهار رکعت نماز کنار قبرش بجا آورد، برای او ثواب حج و عمره نوشته می شود، و در کتاب «هدیه الزائرین» فضایل جناب حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام را، که قبرش پایین پا، متصل به ضریح عسگریین علیهما السلام است نقل کردیم و گفتیم با مرتبه والایی که برای اوست، در کتابهای زیارتی، برای آن بانوی بزرگ زیارتی ذکر نشده بنابر این شایسته است او را به جملاتی که در زیارت اولاد امامان علیهما السلام نقل شده زیارت کنند، یا او را از زیارت نمایند به این جملات که در زیارت عمه مکرمه اش حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام وارد شده است، و آن به این صورت است، که به طرف قبله می ایستی و می گویی:

سلام بر آدم برگزیده خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا، سلام بر ابراهیم دوست خدا، سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 795

موسی همسخن خدا، سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای بهترین خلق خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبد الله خاتم پیامبران، سلام بر تو ای امیر مؤمنان علی بن ابیطالب، جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر شما ای دو فرزندزاده پیامبر رحمت، و دو سرور جوانان اهل بهشت سلام بر تو ای علی بن الحسین، آقای پرستندگان، و نور چشم بینندگان، سلام بر تو ای محمد بن علی، شکافنده دانش پس از نبی، سلام بر تو ای جعفر بن محمد، راستگوی نیکوکار و امین سلام بر تو ای موسی بن جعفر، ای پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای علی بن موسی الرضا، ای امام پسندیده، سلام بر تو ای محمد بن علی تقی، سلام بر تو ای علی بن محمد نقی، ای خیرخواه امین سلام بر تو ای حسن بن علی، سلام بر جانشین بعد از او، خدایا درود فرست بر نورت و چراغت و نماینده نماینده ات، و جانشین جانشین پیامبرت، و حجتت بر بندگانت، سلام بر تو ای دختر رسول خدا سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه، سلام بر تو ای دختر امیر مؤمنان، سلام بر تو ای دختر حسن و حسین، سلام بر تو ای دختر ولی خدا، سلام بر تو ای خواهر ولی خدا، سلام بر تو ای عمه ولی خدا، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای دختر محمد بن علی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 796

پرهیزکار، سلام بر تو، خدا بین من و شما در بهشت آشنایی برقرار کند، و ما را در گروه شما محشور نماید، و وارد کند به حوض پیامبران، و با جام جدّتان از دست علی بن ابیطالب سیراب نماید، درود خدا بر شما باد، از خدا می‌خواهم که در باره شما، خوشحالی و گشایش را به ما بنمایاند، و ما و شما را در گروه جدّتان محمد (درود خدا بر او خاندانش) گرد آورد، و معرفت شما را از ما نگیرد، که او سرپرستی تواناست، به خدا نزدیکی می‌جویم، به دوستی شما، و بیزاری از دشمنانتان، و تسلیم بودن به خدا، در حالی خشنودی به آن، بدون انکار و تکبر، و براساس یقین به آنچه محمد آن را آورده، و به آن خشنودم، درحالی که می‌طلبم به وسیله آن رضای تو را ای آقای من، خدایا و خواستار خشنودی تو و سرای آخرتم، ای حکیمه شفاعت کن برایم در بهشت، به درستی که تو را نزد خدا مقامی از مقامات بلند است. خدایا از تو می‌خواهم سرانجام را ختم کنی به خوشبختی، و آنچه را که در آتم از من باز نگیری، و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ، خدایا دعایمان را مستجاب کن، و به کرم و عزّت و رحمت و عافیت از ما بپذیر، و درود و سلام کامل بر محمد و همگی خاندانش، ای مهربان‌ترین مهربانان.

مؤلف گوید: معروف است که در کنار قبر عسگرین علیهما السّلام قبور عده‌ای از سادات عظام است، که از جمله آنها حسین پسر حضرت هادی علیه السّلام است و من بر حال حسین آگاه نشدم، ولی آنچه به نظر می‌رسد آن است که سیدی جلیل القدر و عظیم الشان بوده، زیرا از بعضی روایات استفاده می‌شود که از مولای ما حضرت عسگری علیه السّلام و برادرش حسین بن علی تعبیر به سبطین می‌کردند، و این دو برادر را به دو جدّشان، دو سبط پیامبر رحمت حسن و حسین علیهما السّلام تشبیه می‌کردند، و در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 797

روایت ابو الطّیّب است، که صدای حضرت حجّت شبیه به صدای حسین بود. در کتاب «شجرة الاولیا» نوشته سید فقیه محدّث حکیم سید احمد اردکانی یزدی، در ذکر اولاد حضرت هادی علیه السّلام است، که حسین فرزند آن حضرت از زاهدان و عابدان بود، و به امامت برادرش اعتراف داشت و شاید جستجوگر ماهر، غیر از آنچه ذکر شد، چیزی را بیابد که دلالت بر جلالت حسین کند، و همچنین امام‌زاده سید محمد، فرزند حضرت هادی علیه السّلام را در نزدیکی قریه بلد، یک منزلی سامره، مزاری است مشهور و به جلالت مقام و بروز کرامات معروف، عموم مردم به زیارتش مشرّف می‌شوند و نذرهای و هدایای بسیار به آنجا می‌برند، و حاجات می‌طلبند و تمامی اعراب آن حدود از او بیم دارند و حساب می‌برند، کرامات بسیار از آن بزرگوار نقل شده که این مختصر جای ذکرش نیست و در جلالت آن جناب بس

است که قابلیت و صلاحیت مقام امامت داشت و فرزند بزرگتر حضرت هادی علیه السلام بود، و حضرت عسگری علیه السلام در مرگ او گریان چاك زد! شیخ ما ثقة الاسلام نوری اعتقاد عظیمی به زیارت آن بزرگوار داشته و در تعمیر بقعه و ضریح مبارکش کوشش کرده است و صورت کتیبه‌ای که بر ضریح شریفش نوشته چنین است:

این آرامگاه سیّد بزرگوار ابی جعفر محمد فرزند امام ابی الحسن علیّ هادی (درود بر او) است وی را شأنی عظیم و منزلتی والا است، شیعه گمان می‌کرده او پس از پدرش (درود بر او) امام می‌باشد، زمانی که از دنیا رفت، پدر او، بر امامت برادرش ابی محمد زکّی (درود بر او) تصریح کرد و به او فرمود: برای خدا شکری تازه کن، که دستورش را درباره تو تازه کرد، پدرش او را درحالی که کودک بود، در مدینه گذاشت و او پس از اینکه جوانی برومند شد در ساقرا به حضور پدر رسید، آن‌گاه تصمیم به بازگشت به حجاز گرفت، زمانی که به منطقه «بلد» در نه فرسنگی سامرا رسید بیمار شد و از دنیا رفت، و زیارتگاهش در همان جاست همین که وفات یافت ابو محمد برای او گریان چاك کرد، و در پاسخ کسانی که بر او عیب گرفتند فرمود: موسی هم برای برادرش هارون گریان چاك زد، و سال وفاتش در حدود دویست و پنجاه و دو بود. در هر صورت چون

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 798

خواستی عسگریّ را وداع کنی، نزد قبر مطهر بایست و بگو: سلام بر تو ای دو نماینده خدا به خدا می‌سپارمتان و بر شما سلام می‌رسانم، به خدا و پیامبر، و آنچه شما آوردید، و بر آن راهنمایی کردید ایمان آوردیم، خدایا ما را در گروه گواهان بنویس. خدایا این زیارت را آخرین زیارت من از این دو بزرگوار قرار مده، و بازگشت:

زیارتشان را نصیبم کن، و با این دو امام و پدران پاکشان و حضرت قائم حجت از نسل این دو بزرگوار محشورم فرما ای مهربان‌ترین مهربانان.

مقام دوم: در آداب سرداب مطهر و کیفیت زیارت حجة الله علی العباد و بقية الله فی البلاد و الامام المهدي حضرت حجة بن الحسن صاحب الزمان (صلوات الله علیه و علی آبائه) است

پیش از شروع بر مطلبی آگاهی می‌دهم، که در کتاب «هدیة»، از کتاب «تحیّة» نقل کردیم و آن مطلب این است که سرداب مطهر داخل در خانه ان بزرگواران بود، و راه ورود به آن سرداب در قدیم، یعنی پیش از بنای جدید، و ساختن

صحن و قبه و حرم، از پشت سر، نزدیک به قبر نرجس خاتون بود، و شاید الآن در رواق باشد، از آنجا پایین می‌رفتند، دالان طولانی تاریکی داشت، چون از آنجا می‌گذشتند به در سرداب غیبت می‌رسیدند، که اکنون آینه‌کاری شده، و از طرف قبله پنجره‌ای به صحن عسکرتین باز می‌شود، و آن در از وسط این سرداب باز می‌شد، که اکنون جای کاشی‌کاری دیوار آن را به صورت محرابی ساخته‌اند، و همه اعمال این سه امام علیهم‌السلام از يك حرم انجام می‌شد، لذا شهید اول در کتاب «مزار» بعد از زیارت عسکرتین علیهما‌السلام زیارت سرداب را ذکر کرده پس از آن زیارت نرجس خاتون را. در حدود يك‌صدسال‌واندی پیش از این، مؤمن مؤید، و انسان مسدّد، احمدخان دنبلی، صحن آن دو امام علیهما‌السلام را به صورتی که اکنون موجود است با هزینه کردن مبلغی گزاف جدا کرد، و برای آن روضه و قبه عالی‌های ساخت، و برای سرداب مطهر، صحنی جداگانه، و ایوان و راه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 799

و پله‌ای مستقل و دهلیز و سردابی جدا، برای زنان بنا کرد، به شکلی که الآن دیده می‌شود، و راه اولیّه و پله‌ها و در سرداب به کلی بسته شد، و نشانی از آنها نیست، و جایی برای بجا آوردن بعضی از آداب وارده نمانده است، ولی جایگاه قسمتی از زیارت، که اصل سرداب شریف است تغییری نکرده. اما درخواست اجازه ورود، و خواندن اذن دخول پس باید بگویم براساس پی‌جویی در تمام زیارات و تصریح علما بر این مسئله که از هر دری که ورود به حرم شریف هر امامی از آنجا رسم شده خواندن اذن دخول را باید رعایت کرد و در آن حرم محترم نباید بدون اذن وارد شد. اکنون شروع به بیان کیفیت زیارت می‌کنم، بدانکه اذن دخول ویژه سرداب مطهر، همان زیارتی است که پس از این خواهد آمد و ابتدای آن «السلام عليك يا خليفة الله» است. و در پایان آن اذن دخول گرفته می‌شود، و باید آن زیارت را، در کنار در سرداب، پیش از پایین رفتن دوم از باب زیارات نقل کردیم و اذن دخولی دیگر، علامه مجلسی از نسخه‌ای قدیمی نقل فرموده: که اول آن این عبارات است:

«اللهم انّ هذه بقعة طهرتها و عقوة شرفتها» که ما نیز آن را پس از اذن دخول عام نقل کردیم، به آنجا رجوع کن [صفحه 490] و به آن جملات اذن دخول بطلب، پس از آن وارد سرداب مطهر شو، و حضرت را به آنچه خود دستور العمل داده‌اند زیارت کن، چنان‌که شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی در کتاب شریف «احتجاج» روایت کرده که از ناحیه مقدّسه، به سوی محمد حمیری پس از جواب مسائلی که از آن حضرت پرسیده بود، این مضمون شرف صدور یافت:

به نام خدا که رحمتش بسیار و رحمتش همیشگی است، نه فرمانش را تعقل می کنید، و نه از اولیایش می پذیرید، حکمتی است رسا، ولی بیم دادنش سودشان ندهد، سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا. هرگاه خواستید به وسیله ما به سوی خدای تبارک و تعالی و به سوی ما توجه کنید، پس بگویید چنان که خدای تعالی فرموده است:

سلام بر خاندان یس، سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا، و آگاه به آیاتش، سلام بر تو ای باب خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 800

و سیاستمدار دینش، سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاور حقش، سلام بر تو ای حجت خدا، و راهنما به سوی اراده اش، سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده اش، سلام بر تو در تمام ساعات شب و روز، سلام بر تو ای بجا مانده خدا در زمینش، سلام بر تو ای پیمان خدا که آن را برگرفت و محکمش کرد، سلام بر تو ای وعده خدا که آن را ضمانت نمود، سلام بر تو ای پرچم برافراشته و دانش سرریز، و فریادرس و رحمت گسترده، و وعده بی دروغ، سلام بر تو هنگامی که بر می خیزی، سلام بر تو زمانی که می نشینی، سلام بر تو وقتی که می خوانی و بیان می کنی، سلام بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت بجا می آوری، سلام بر تو زمانی که رکوع و سجود می نمایی، سلام بر تو وقتی که تهلل و تکبیر می گویی سلام بر تو هنگامی که سپاس و استغفار می نمایی، سلام بر تو زمانی که صبح و شام می کنی، سلام بر تو در شب هنگامی که می پوشاند، و در روز وقتی که آشکار می شود، سلام بر تو ای پیشوای امین، سلام بر تو ای پیش نهاد آرزو شده، سلام بر تو به همه سلامها، تو را گواه می گیرم ای مولایم، که گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی ندارد، و محمد بنده و فرستاده اوست، محبوبی جز او و اهل بیتش نیست و تو را گواه می گیرم ای مولایم، بر اینکه علی امیر مؤمنان و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 801

علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی، حجت های خدایند و گواهی می دهم که تو حجت خدایی، شما آغاز و انجام هستید، و همانا بازگشت شما حق است، تردیدی در آن نیست، روزی که کسی را ایمانش سود نبخشد، که پیش از این ایمان نیاورده بود یا در ایمانش کسب خیری نکرده بود، و گواهی می دهم که مرگ، و ناکر و نکیر و زنده شدن و برانگیختن و صراط و کمینگاه و میزان و گره آوردن و حساب و بهشت و دوزخ و وعده تهدید به هر دو

حق است ای مولای من، بدبخت شد کسی که با شما مخالفت ورزید، و خوشبخت شد کسی که از شما اطاعت کرد، پس گواه باش بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم، و من دوست تو، و بیزار از دشمن توام، پس حق آن است که شما به آن خشنود شدید، و باطل آن است که شما از آن ناخشنود گشتید، و معروف آن است که شما به آن امر فرمودید، و منکر آن است که شما از آن نهی کردید، پس نهاد من مؤمن به خدای یگانه بی شریک، و به رسول او، و به امیر مؤمنان و به شماست ای مولای من، به آغاز و انجام شما، و یاری‌ام برای شما آماده، و دوستی‌ام نسبت به شما بی‌آلایش است، اجابت فرما، اجابت فرما. و پس از آن، این دعا خوانده شود: خدایا من از تو می‌خواهم که بر محمد پیامبر رحمت، و کلمه نورت درود فرستی، و پر کنی دلم را با نور یقین، و سینه‌ام را با نور ایمان، و فکرم را با نور تصمیم، و اراده‌ام را با نور دانش، و نیرویم را با نور عمل، و زبانم را با نور راستی، و دینم را با نور بینایی از سوی خود، و یده‌ام را با نور روشنائی، و گوشم را با نور حکمت، و مؤدّتم را با نور دوستی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 802

محمد و خاندانش (درود بر ایشان) تا دیدارت کنم درحالی که به عهد و پیمان وفا کرده‌ام، پس فرا بگیرد رحمت مرا ای سرپرست و ای ستوده، خدایا درود فرست بر محمد [نا مبارك امام دوازدهم]، حجّت در زمینت، و خلیفه‌ات در کشورهایت، و دعوت کننده به راهت، و قیام کننده به عدلت، و انقلاب کننده به فرمانت، دوست اهل ایمان و نابودکننده کافران، و زداینده تاریکی، و روشنی بخش حق، و گویای به حکمت و راستی، و کلمه کاملت در زمین، آن منتظر بیمناک، و ولی خیرخواه، کشتی نجات، و پرچم هدایت، و روشنی دیدگان مردم، و بهترین کسی که جامه و ردای خلافت پوشید، و زداینده کوردلی، که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان که از ستم ستمکاران پر شده که تو بر هر چیز توانایی. خدایا درود فرست بر ولیّات و فرزندان اولیایت، آنان که اطاعتشان را لازم نمودی و حقّشان را واجب کردی، و پلیدی را از ایشان زدودی، و پاکشان نمودی پاک ساختنی درخور. خدایا او را یاری کن، و به وسیله او برای دینت پیروزی آور، و اولیایت، و اولیایش، و پیروان و یارانش را، به سبب او یاری ده. خدایا پناهش ده از شرّ هر متجاوز و سرکش، و از شرّ تمام آفریدگانت، و او را محافظت فرما از پیش رو و پشت سرش، و از راست و چپ، و از او پاسداری کن، و از اینکه به او آسیبی رسد نگهداری‌اش فرما، و حفظ کن بوسیله او رسول و خاندان رسولت را، و عدالت را به وسیله او آشکار نما، و او را به پیروزی تأیید کن، و یاورش را یاری ده، و واگذارنده‌اش را به خواری نشان و شکننده‌اش را بشکن، و به وسیله او گردنکشان کفر را درهم بکوب، و کافران را به قتل برسان و منافقان و همه بی‌دینان را از میان برادر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 803

هر کجاکه باشند، از مشارق و مغارب زمین، و خشکی و دریای کره خاک، و به وسیله او زمین را از عدالت پر کن، و دین پیامبرت را به او نمایان ساز، خدایا قرار ده مرا از یاوران، و کمک کاران و پیروان و شیعیانش، و به من نمایان در باره خاندان محمد (درود بر ایشان)، آنچه آنان آرزو دارند، و درباره دشمنانشان آنچه از ان پرهیز می نمایند ای معبود حق آمین، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، ای مهربانترین مهربانان.

زیارتی دیگر: به نقل از کتابهای معتبر علما، و ان اینکه بر در حرم آن حضرت بایست و بگو:

سلام بر تو ای خلیفه خدا و خلیفه پدران راه یافته اش، سلام بر تو ای وصی جانشینان گذشته، سلام بر تو ای نگهبان رازهای پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای باقیمانده خدا از زنده برگزیدگان، سلام بر تو ای فرزند نورهای درخشان، سلام بر تو ای فرزند پرچمهای خوش نما، سلام بر تو ای فرزند عترت پاکیزه، سلام بر تو ای سرچشمه علوم نبوی سلام بر تو ای درگاه خدا که آمده نشود جز از آن، سلام بر تو ای راه خدا، که هر که جز آن پیمود، هلاک شد، سلام بر تو ای نظرکننده به درخت طوبی و سدره المنتهی، سلام بر تو ای نور خدا که خاموش نگردد، سلام بر تو ای حجت خدا که پنهان نماند، سلام بر تو ای حجت خدا بر هر که در زمین و آسمان است، سلام بر تو سلام کسی که تو را شناخته، به آنگونه که خدا تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 804

را به آن شناسانده، و تو را وصف کرد، به برخی اوصاف، که تو سزاوار آنی، و برتر از آنی. گواهی می دهم که تو حجتی بر آنان که در گذشته اند و آنان که مانده اند، و اینکه گروه تو گروه پیروز، و دوستان دوستان رستگار، و دشمنان زیانکارند و تو خزانه دار هر دانشی، و گشاینده هر بسته ای، و بیادارنده هر حقی، و باطل کننده هر باطلی، من به تو راضی شدم ای مولایم برای پیشوا بودن، و راهنما و سرپرست و رهبری، و دیگری را به جای تو نجویم، و به غیر تو سرپرستی نگیرم گواهی می دهم که تویی آن حق ثابت، که عیبی در آن نیست، و وعده خدا در باره تو حق است، و من به خاطر طول غیبت و درازای مدت، شک نمی کنم، و با آنان که تو را نشناختند و به تو جهل ورزیدند، سرگردان نشوم، منتظر و متوقع روزهای توام و تویی شفاعت کننده ای که با تو نزاع نشود، و سرپرستی که مزاحمتی برایت ایجاد نگردد، خدا تو را برای دین، و عزت مؤمنان، و انتقام از منکران بیرون رفته از دین مهیا نمود. گواهی می دهم که به وسیله ولایت اعمال پذیرفته می شود، و کردار پاک می گردد، و خوبیها چند برابر گردد، و بدیها از بین می رود، پس هر که ولایت را آورد

و به امامت اعتراف نمود، اعمالش پذیرفته شود، و گفته‌هایش مورد تصدیق قرار گیرد، و خوبیهایش چند برابر گردد، و بدیهایش محو شود، و هرکه از ولایت منحرف شد، و به شناختت جهل ورزید، و تو را با دیگری عوض کرد خدا او را با صورتت به آتش دراندازد، و عملی را از او نپذیرد، و برای او در قیامت میزان سنجشی بر پا نکند خدا و فرشتگان و تو را ای مولایم به این حقایق، که ظاهرش مانند باطن آن و نهانش چون آشکار آن است گواه می‌گیرم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 805

و تو را این و بر آن گواهی، و آن عهد من با تو، و پیمانم نزد توست، زیرا تویی نظام دین و رئیس پرهیزگاران، و عزت یکتاپرستان، و به همین معنا پروردگار جهانیان به من دستور داده، پس اگر روزگاری طولانی گردد و عمرها امتداد یابد، مرا نیفزاید درباره تو جز یقین، و نسبت به تو جز محبت، و بر تو جز توکل، و اعتماد، و برای ظهورت جز توقع و انتظار، و برای جهاد در پیشگاهت چشم براهی، پس جان و مال و فرزند و خاندان و همه آنچه را خدا به من داده، پیش رویت و در مقابل امر و نیت نثار می‌کنم، مولای من، اگر دوران درخشان و پرچمهای روشنت را درک کنم پس من همان بنده دست به کار امر و نهی توام، که شهادت پیش رویت و کامیابی تو را به آن آرزو می‌کنم، مولای من اگر مرگ پیش از ظهور تو مرا دریابد، من به تو و پدران پاک تو به خدا متوسل می‌شوم، و از او می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستد، و برای من بازگشت دوباره به دنیا در زمان ظهورت، و رجوعی در دورانت منت فرماید، تا به خاطر طاعتت به مقصودم برسم، و زخم قلبم را از دشمنانت شفا دهم، مولای من، برای زیارت ایستاده‌ام، ایستادن خطاکاران، پشیمانان، بیمناکان، ترسیدگان از عذاب پروردگار جهانیان، و حال اینکه به شفاعت اعتماد کرده‌ام، و به دوستی و شفاعت امیدوار شده‌ام، به خاطر محو شدن گناهانم، و پرده‌پوشی عیبهایم، و آمرزش لغزشهایم، پس برای دوستی ای مولای من، در مقام تحقق آرزوی یار باش، و آمرزش لغزش را از خدا بخواه، که او به ریسمان محبت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 806

آویخته، و به ولایت تمسك جسته، و از دشمنانت بیزاری نموده. خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست، و آنچه را به ولایت وعده داده‌ای وفا کن. خدایا سخنش را آشکار کن، و دعوتش را والا گردان، و بر دشمنش و دشمنت پیروز فرما، ای پروردگار جهانیان. خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و سخن کاملت و پنهان شده در زمین آن بیمناک نگران را آشکار کن. خدایا او را یاری ده یاری نیرومند، و بگشا برایش گشایشی آسان، خدایا دین را پس از گمنامی به وسیله

او نیرومند گردان، و حق را پس از غروب، به دست او طالع فرما، و تاریکی را به وسیله او برطرف نما، و سختی را به وسیله او برطرف کن، خدایا کشورها را به او ایمن گردان، و بندگان را به وسیله او هدایت کن. خدایا پر کن زمین را به وجود او از عدل و داد، چنان که از ستم و بیداد پر شده، که تو شنوا و پاسخ دهنده ای. سلام بر تو ای ولی خدا، به دوست برای ورود به حرمت اجازه ده، درودها، و رحمت و برکات خدا بر تو و پدران پاک تو.

آنگاه نزد سرداب غیبت آن حضرت برو، و بین دو در بایست، و درها را با دست خود بگیر، و صدا را در سینه رفت و برگشت بده، همانند کسی که اجازه وارد شدن می خواهد، و «بسم الله الرحمن الرحيم» بگو، و به آرامی، و با حضور قلب پایین برو، و در فضای سرداب دو رکعت نماز بخوان، سپس بگو:

خدا بزرگتر است، خدایا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، معبودی جز خدا نیست، و خدا بزرگتر است، و سپاس خاص خدا است، سپاس خدا را، که ما را به سوی این حقیقت راهنمایی فرمود، و دوستان و دشمنانش را به ما شناساند، و ما را به زیارت امامان مؤفق نمود، و ما را از دشمنان و کینه ورزان، و از غلو کنندگان و معتقدان به واگذاری همه امور هستی به اهل بیت، و از شک داران و کوتاهی کنندگان در حق امامان قرار نداد. سلام بر ولی خدا، و فرزند

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 807

اولیایش، سلام بر ذخیره الهی برای کرامت اولیای حق، و تارومار نمودن دشمنان خدا، سلام بر نوری که اهل کفر خاموشی اش را خواستند، ولی خدا نخواست جز آنکه نورش را در عین ناخوش داشتن آنان کامل گرداند، و آن را با زندگی طولانی تأیید کند، تا حق را به دست او علی رغم دشمنان ظاهر نماید، گواهی می دهیم که خدا تو را در خردسالی برگزید، و علومش را برای تو در بزرگسالی کامل کرد، و تو زنده ای و نمی میری، تا معبودی ساختگی، و سرکشان را از میان برداری. خدایا درود فرست بر او و بر خدمتکاران، و یارانش، به گاه غیبت و دوری اش، و او را بپوشان پوشاندنی نیرومند، و برای او پناهگاه محکمی قرار ده، او پایداری و فشارت از خدا بر دشمنانش سخت گردان، و دوستان و زائرانش را نگهبان باش، خدایا چنان که دلم را با یادش آباد قرار دادی، پس اسلحه ام را در جهت یاری اش برکشیده گردان، و اگر مگی که بر بندگان حتم قرار دادی و با آن بر آفریده های علی رغم آنان قدرت نمایی کردی، بین من و دیدارش پرده گردد، پس مرا به هنگام ظهورش برانگیز، تا از گورم سر برآورم، درحالی که کفن پوشیده ام، در پیش رویش به جهاد برخیزم، در صفی که در قرانت، بر اهل آن ستایش نمودی، و فرمودی گویی آنان بنای استوارند. خدایا انتظار ما طولانی شد، و ناپاکان ما را شتمات کردند، و به دست آوردن پیروزی بر ما سخت گشت. خدایا جمال بامیمنت ولی ات را در زنده بودنمان، و پس از

مرگ به ما بنمایان. خدایا به تو تسلیم می‌شوم به بازگشت پیش روی صاحب این بارگاه، فریاد، فریاد، فریاد، ای صاحب زمان در مسیر پیوند با تو، از دوستان صمیمی‌ام بریدم، و برای زیارت تو، وطنها را ترك کردم، و کارهایم را از اهل شهرها پنهان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 808

نمودم، تا تو شفیع باشی نزد پروردگارت و پروردگارم، و پیش پدرانت و سرورام، در خوبی توفیق برای من، و فراوانی نعمت برآیم، و روان شدن احسان به سویم. خدایا بر محمد و خاندان محمد ملازمان حق و راهبران خلق درود فرست، و آنچه از تو خواستم به اجابت رسان، و آنچه در دعایم به زبان نیاوردم، از صلاح دین و دنیایم به من عطا کن، به درستی که تو ستوده و بزرگواری، و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش باد. آنگاه وارد صقه شو، و دو رکعت نماز بخوان و بگو: خدایا بنده زائرت در درگاه ولی زیارت شده توسست، که اطاعت او را بر همگان از برده و آزاد واجب ساختی، و دوستان را به وسیله او از عذاب دوزخ نجات دادی، خدایا این زیارت را زیارتی پذیرفته قرار ده زیارتی با دعای مستجاب، از تصدیق کننده به ولیات، تصدیقی بدون شك و تردید، خدایا آن را آخرین عهد و زیارت نسبت به او قرار مده، و آمدنم را به زیارتگاه او و زیارت پدر و جدش را قطع مکن، خدایا عوض آنچه در این مسیر خرج کردم به من عنایت کن، و برای من سودبخش قرار ده آنچه در دنیا و آخرتم نصیب من کردی، و نیز سودمند قرار ده برای برادرانم و پدر و مادرم، و همه خانواده‌ام تو را به خدا می‌سپارم، ای امامی که به وسیله او اهل ایمان رستگار می‌شوند، و به دست او کافران و تکذیب کنندگان به هلاکت می‌رسند، ای مولای من ای فرزند حسن بن علی، به جانب تو و پدر و جدت برای زیارت آمدم، درحالی که به رستگاری به وسیله شما یقین دارم، و به امامت شما معتقدم، خدایا این شهادت و این زیارت را برای من، نزد خوت در برترین جایگاهها ثبت کن، و مرا به آنجا که شایستگان رسیدند برسان، و مرا به دوستی آنان منفعت بخش، ای پروردگار جهانیان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 809

زیارت دیگر: از زیارتهای حضرت صاحب الامر: زیارتی است که سید ابن طاووس نقل کرده است که در آن می‌گویی: سلام بر حق تازه، و عالمی که دانشش نابود نگردد، سلام بر حیات بخش مؤمنان، و نابودکننده کافران، سلام بر مهدی امتهای، و جمع کننده سخنهای، سلام بر یادگار گذشتگان و صاحب شرافت، سلام بر حجت معبود، و سخن [خدای]

ستوده، سلام بر عزیزکننده دوستان و خوارکننده دشمنان، سلام بر وارث پیامبران، و خاتم جانشینان، سلام بر قیام کننده مورد انتظار، و عدل آشکار، سلام بر شمشیر برکشیده، و ماه درخشان، و نور غالب سلام بر آفتاب تاریکی، و ماه تمام، سلام بر بهار مردمان، و شادابی و سرسبزی ایام، سلام بر شمشیر بزان، و شکافنده سرها، سلام بر دین رسیده از جانب حق، و کتاب نگاشته، سلام بر باقی مانده خدا در کشورهايش، و حجت او بر بندگانش، آنکه میراث پیامبران به او رسیده، و آثار برگزیدگان نزد او سپرده است، آن امین بر راز، و ولی امر، سلام بر مهدی که خدای عزّ و جلّ امتها را به وجود او وعده داد، که به وسیله او سخنها را جمع کند، و پراکنده ها را گرد آورد، و زمین را به او پر از عدل و داد نماید، و به او جایگاه و قدرت دهد، و وعده اش را به اهل ایمان به وسیله او وفا کند، ای مولای من، گواهی می دهم که تو و امامان از پدران، امامان و سرپرستان من هستی، هم در دنیا و هم روزی که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 810

گواهان بپا می خیزند، از تو می خواهیم ای مولای من که از خدای تبارك و تعالی بخواهی، اصلاح کارم، و برآمده شدن حاجاتم، و آمرزش گناهانم را، و اینکه دستم را بگیری، در دین و دنیا و آخرت، و همچنین دست برادران و خواهرانم، و همه مردان و زنان مؤمن را، به درستی که او آمرزنده و مهربان است.

آنگاه نماز زیارت را آن چنان که پیش از این ذکر کردم بجای آر، یعنی دوازده رکعت که پس از هر دو رکعت سلام داده، و پس از پایان نمازها تسبیح حضرت زهرا، و هدیه نمودن آن به محضر حضرت است و پس از فراغت نمازها بگو:

خدایا درود فرست بر حجت در زمین، و خلیفه ات در کشورهايت، و دعوت کننده به راهت، و قیام کننده به عدالت، و کامیاب به فرمانت، و سرپرست مؤمنان، و نابودکننده کافران، و زداینده تاریکی، و نوربخش حق، و آشکارگوی به حکمت و پند نیکو و راستی، و کلمات و گنجینه ات، و دیده ات در زمین آن نگران بیمناک، و ولی خیرخواه، کشتی نجات، و پرچم هدایت، و نور دیدگان مردم، و بهترین کسی که پیراهن و قبای خلافت پوشید، و تنها، و انتقام گیرنده خون مظلوم، و گشاینده غم، و زداینده اندوه، و برطرف کننده بلا دروهای خدا بر او و پدران، امامان راهنما، و پیشروان با میمنت، تاگاهی که ستارگان سحر سرزند، و درختان برگ دهد، و میوه ها برسد، و شب و روز رفت و آمد نماید، و پرندگان نغمه سرایی کنند. خدایا ما را به دوستی اش منفعت ده، و در گروهش و زیر پرچمش محشور کن، ای معبود حق، آمین ای پروردگار جهانیان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 811

صلوات بر آن حضرت

خدایا بر محمد و اهل بیتش درود فرست، و بر نماینده و جانشین و وارث حسن درود فرست، آن قیام کننده به فرمانت و پنهان در میان بندگانت، و چشم انتظار اجازات، خدایا بر او درود فرست، و دوری اش را نزدیک ساز، و وعده اش را به انجام رسان و عهدش را وفا کن، و از سطوتش پرده غیبت را برطرف فرما، و به ظهورش اوراق محنت را پشت سر انداز، و ترس در دل دشمنان را پیش رویش پیش انداز، و دل را به او آرامش ده، و جنگ با سرکشان را به او بر پاکن، و به لشگری از فرشتگان نشان دار تأییدش نما و بر تمام دشمنان دینت، چیره اش ساز، و به او الهام کن، که پایه ای از دشمنان را نگذارد جز اینکه درهم کوید، و سری را مگر دو نیم کند، و نیرنگی را مگر بازگرداند، و بدکاری را مگر حدّ بزند، و فرعون مسلکی را مگر هلاک کند، و پرده ای را مگر بدرد، و پرچی را مگر سرنگون نماید، و قدرتی را مگر به دست گیرد، و نیزه ای را مگر دو نیم کند، و زد بینی را مگر پاره کند، و لشگری را مگر پارکنده سازد، و منبری را مگر بسوزاند، و شمشیری را مگر بشکند، و بتی را مگر لگدکوب نماید، و خونی را مگر بریزد، و ستمی را مگر از میان بردارد، و قلعه ای را مگر ویران کند، و دری را مگر ببندد، و کاخی را مگر خراب کند، و مسکنی را مگر بازرسی نماید، و زمین همواری را مگر زیر پا گذارد، و کوهی را مگر بالا رود، و گنجی را مگر بیرون آورد، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

مؤلف گوید: شیخ مفید پس از نقل زیارت سابق که اول آن «اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر لا اله الاّ الله و الله اکبر» است فرموده:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 812

به روایت دیگر نقل است: پس از وارد شدن در سرداب مقدس چنین می خوانی: السّلام علی الحقّ الجدید و سپس آن زیارت را تا انجام نماز زیارت نقل کرد و فرمود: دوازده رکعت نماز زیارت می خوانی، هر دو رکعت به یک سلام و پس از آن دعایی را که از آن حضرت روایت شده است می خوانی:

خدایا بلا بزرگ شد، و پنهان آشکار گشت، و پرده بر افتاد، و زمین تنگ شد، و آسمان خودداری کرد به درگاه تو شکایت است ای پروردگار، و در سختی و آسانی بر تو اعتماد است. خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست آنان که اطاعتشان را بر ما واجب کردی، و به این وسیله مقامشان را به ما شناساندی، به حق ایشان به ما گشایشی ده، گشایشی فوری، چون چشم به هم زدن، یا نزدیک تر از آن، ای محمد ای علی، ای علی ای محمد، مرا یاری دهید که شما یاور من هستید و کفایت کنید، که شما کفایت کننده من می باشید، ای مولایم ای صاحب الزمان، فریاد، فریاد، فریاد، مرا دریاب،

دریاب، دریاب. مؤلف گوید: این دعا دعای شریفی است، و خواندن آن در سرداب، به طور مکرر، و در غیر آنجا، سزاوار است، و ما این دعا را با اندکی تفاوت، در باب او لذكر نمودیم.

زیارت دیگر: زیارتی است که سید ابن طاووس نقل کرده، و فرموده: زائر دو رکعت نماز بخواند، و پس از آن بگوید:

«سلام الله الكامل التام الشامل» تا آخر، و ما این زیارت را در فصل هفتم از باب اول، [صفحه 195] به عنوان استغاثه به آن حضرت از کتاب «کلم طیب» نقل کردیم، به آنجا رجوع شود. مؤلف گوید: سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» فصلی در اعمال سرداب مقدس آورده و در آن فصل شش زیارت نقل کرده، پس از آن فرموده: دعای ندبه به این فصل ملحق می‌شود، و همچنین زیارتی که هر روز، مولای ما صاحب الامر پس از نماز صبح به آن زیارت می‌شود، و آن زیارت هفتم حساب می‌شود، و دعای عهدی که به خواندن آن در حال غیبت امر شده، و دعایی که آن را وقتی که می‌خواهند از آن حرم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 813

شریف بازگردند بخوانند، آنگاه در کتاب خود به ذکر این چهار عمل شروع کرده است [چهار عمل عبارتند از: 1- دعای ندبه، 2- زیارت پس از نماز صبح، 3- دعای عهد، 4- دعای هنگام خروج از حرم] ما هم در این کتاب مبارک از آن بزرگوار پیروی کرده و آن چهار عمل را ذکر می‌کنیم:

عمل اول: دعای ندبه است. مستحب است دعای ندبه را در چهار عید، یعنی فطر و قربان و غدیر و روز جمعه بخوانند، و دعا این است:

ستایش خاص خدا، پروردگار جهانیان است، و درود و سلام خدا، سلامی کامل، بر سرور ما محمد، پیامبرش و اهل بیت او، خدایا تو را ستایش، بر آنچه به آن جاری شد قضای تو درباره اولیایت، آنان که تنها برای خود دینت برگزیدی، آنگاه که برای ایشان اختیار کردی، فراوانی نعمت پابرجایی که نزد توست، نعمتی که تباهی و نابودی ندارد، پس از آنکه بی‌میل بودن نسبت به رتبه‌های این دنیای فرومیه، و زیب و زیورش را با آنان شرط نمودی، آنان هم آن شرط را از تو پذیرفتند، و تو هم وفا نمودن به آن را از جانب آنان دانستی، پس قبولشان کردی، و مقرب درگاهشان نمودی، و برای آنان یاد والا، و ثنای روشن پیش آوردی، و فرشتگانت را بر آنها فرو فرستادی، و به وحیات اکرامشان فرمودی، و به دانشت به آنان عطا کردی، و ایشان را دست آویز به سویت و وسیله به جانب خشنودیات قرار دادی، پس بعضی را در بهشت جای دادی، و بعضی را برای خود دوست صمیمی گرفتی، و از تو درخواست نام نیک، در میان آیندگان کرد، و تو درخواست

او را اجابت نمودی، و نامش را بلند آوازه کردی، و با بعضی از میان درخت سخن گفتی، سخن گفتنی خاص، و برای او برادرش را یاور و وزیر قرار دادی، و بعضی را بدون پدر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 814

به وجود آوردی، و دلایل آشکار به او عنایت فرمودی و به روح القدس او را تأیید نمودی، و برای همه آنان شریعت مقرر کردی، و راه را روشن و واضح ساختی، و جانشینانی اختیار کردی، نگهبانی پس از نگهبان، از زمانی تا زمانی دیگر، برای برپا داشتن دینت، و حجتی بر بندگانت، برای اینکه حق از جایگاهش برداشته نشود، و باطل بر اهل حق پیروز نگردد، و احدی نگوید چه می شد اگر برای ما پیامبری بیم‌دهنده می فرستادی، و پرچم هدایت برای ما برپا می نمودی تا بر این اساس از آیات پیروی می کردم، پیش از آنکه خوار و رسوا شویم، تا اینکه مقام رسالت و هدایت را به حبیب و برگزیده ات محمد (درود خدا بر او خاندانش) را رساندی، پس بود همانگونه که او را برگزیدی، سرور مخلوقات، و برگزیده برگزیدگانت، و برترین انتخاب شدگانت، و گرامی ترین معتمدانت، او را بر پیامبرانت مقدم نمودی، و بر جن و انس از بندگانت برانگیختی و مشرقها و مغربها را زیر پایش گذاردی، و براق را برایش مسخر ساختی، و آن شخصیت بزرگ را به آسمان بالا بردی، و دانش آنچه بوده، و خواهد بود تا سپری شدن آفرینشت به او سپردی، سپس او را با فرو انداختن هراس در دل دشمن یاری دادی، و به جبرائیل و میکائیل و نشان داران از فرشتگانت قرار گرفتی، و به او وعده دادی که دینش را بر همه دینها پیروز گردانی گرچه مشرکان را خوش نیاید، و این کار پس از آن بود که در جایگاه راستی از اهلش جایش دادی، و قرار دادی برای او و ایشان نخستین خانه ای که برای مردم بنا شد، که در مکه است، خانه بابرکت، و مایه راهنمایی برای جهانیان، در آن خانه نشانه های آشکاری است، مقام ابراهیم، و هرکه وارد آن شد، در امان بود، در حق آنان فرمودی: جز این نیست که خدا اراده فرموده، پلیدی را از شما خانواده ببرد، و شما را پاك

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 815

گرداند، پاك کردن شایسته، سپس پاداش محمد را در قرآنت مودت اهل بیت او قرار دادی، و فرمودی بگو من از شما برای رسالت پاداشی جز مودت نزدیکانم نمی خواهم، و فرمودی: آنچه به عنوان پاداش از شما خواستم، آن هم به سود شماست، و فرمودی: من از شما برای رسالت پاداشی نمی خواهم، جز کسی که بخواهد، راهی به جانب پروردگارش بگیرد، پس آنان راه به سوی تو بودند، و راه به حریم خشنودیت، انگاه که روزگار آن حضرت سپری شد، نماینده اش علی بن ابیطالب (درود تو بر آن دو و خاندانشان باد) را، برای راهنمایی برگماشت، چرا که او بیم‌دهنده، و برای هر قومی راهنما بود، پس

درحالی که انبوهی از مردم در برابرش بودند فرمود: هرکه من سرپرست او بودم، پس علی سرپرست اوست، خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست دارد، و دشمن بدار کسی را که دشمن علی است، و یاری کن هرکه او را یاری کند، و خوار کن هرکه او را واگذارد، و فرمود: هر که من پیامبرش بودم، پس علی فرمانروای اوست، و فرمود: من و علی از يك درخت هستیم، و سایر مردم از درختهای گوناگونند، و جایگاه او را نسبت به خود همچون جایگاه هارون به موسی قرار داد، و به او فرمود: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسای، جز اینکه پس از من پیامبر نیست، و دخترش سرور بانوان جهانیان را به همسری او در آورد، و از مسجدش برای او حلال کرد، آنچه را برای خودش حلال بود، و همه درهائی را که به مسجد باز می شد بست مگر در خانه او را، آنگاه علم و حکمتش را به او سپرد، و فرمود: من شهر علمم و علی در آن شهر است، پس هر که اراده شهر علم و حکمت کند، باید از آن وارد شود، سپس گفت: تو برادر و جانشین و وارث منی، گوشتت از گوشت من، و خونت از خون من، و آشتی با تو، آشتی با من، و جنگ با تو، جنگ با من است، و ایمان با گوشت و خونت آمیخته شده، چنان که با گوشت و خون من درآمیخته

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 816

و تو فردای قیامت کنار حوض کوثر جانشین منی، و تو قرضم را می پردازی، و به وعده های من وفا می کنی، و شیعیان تو بر منبرهائی از نورند، درحالی که رویشان سپید، و در بهشت پیرامون من، و همسایگان منند، و اگر تو ای علی نبودی، اهل ایمان پس از من شناخته نمی شدند، و آن حضرت پس از پیامبر، مایه هدایت از گمراهی، و نور از نابینایی و ریسمان استوار خدا و راه راست او بود، با نزدیکش در خویشاوندی به رسول خدا، کسی بر او پیشی نگرفت، و همچنین با سابقه اش در دین، کسی بر او مقدم نبود، و در فضیلتی از فضائل هیچکس به او نرسید، کار پیامبر (درود خدا بر او خاندانش) را پی گرفت، و براساس تأویل قرآن جنگ می کرد، و درباره خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده ای را به خود نمی گرفت، خون شجاعان عرب را، در راه خدا به زمین ریخت، و دلاورانسان را از دم تیغ گذراند و با گرگانسان در افتاد، پس به دلهایشان کینه سپرد، کینه جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنها را، پس دشمنی او را در نهاد خود جا دادند و به جنگ با او رو آوردند، تا پیمان شکنان و جفا پیشگان و خارج شدگان از دایره دین را کشت، و هنگامی که درگذشت و او را بدبخت ترین پسینان، که از بدبخت ترین پیشینان کرد، به قتل رساند، دستور رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) در باره هدایت کنندگان، از پس هدایت کنندگان [امامان بعد از پیامبر] اطاعت نشد، دامت بر دشمنی نسبت به آن حضرت پافشاری کردند، و برای قطع رحم او، و تبعید فرزندانش گرد آمدند، مگر اندکی از کسانی که برای رعایت حق

درباره ایشان به پیمان پیامبر وفا کردند پس کشته شد آنکه کشته شد، و اسیر گشت آنکه اسیر گشت، و تبعید شد آنکه تبعید شد، و قضا بر آنان جاری شد به آنچه که بر آن امید پاداش نیک می‌رود، زیرا زمین از خداست، آن را به هرکه از بندگان بخواهد به ارث می‌دهد، و سرانجام از آن پرهیزگاران است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 817

و منزّه است پروردگار ما که به یقین وعده پرورگارمان انجام‌شدنی است، و خدا هرگز از وعده خویش تخلف نمی‌کند و او نیرومند حکیم است، پس بر پاکیزگان از اهل بیت محمد و علی (درود خدا بر ایشان و خاندانشان)، باید گریه‌کنندگان بگیرند، و زاری‌کنندگان بر ایشان زاری کنند، و برای مانند آنان باید اشکها روان شود، و فریادکنندگان فریاد زنند، و شیون‌کنندگان شیون کنند، و خروشنندگان بخروشدند، حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجاست؟ شایسته‌ای پس از شایسته دیگر راستگویی پس از راستگویی دیگر، راه از پس راه کجاست؟ کجاست بهترین برگزیده بعد از بهترین برگزیده؟ کجاست خورشیدهای تابان، کجاست ماههای نورافشان، کجاست ستارگان فروزان، کجاست پرچمهای دین، و پایه‌های دانش، کجاست آن باقیمانده خدا که از عترت هدایتگر خالی نشود، کجاست آن مهیا گشته برای ریشه‌کن کردن ستمکاران، کجاست آن که برای راست نمودن انحراف و کجی به انتظار اویند، کجاست آن امید شده برای از بین بردن ستم و دشمنی، کجاست آن ذخیره برای تجدید فریضه‌ها و سنتها، کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین و شریعت، کجاست آن آرزو شده برای زنده کردن قرآن و حدود آن، کجاست احیاگر نشانه‌های دین و اهل دین، کجاست درهم شکننده شوکت متجاوزان، کجاست ویران‌کننده بناهای شرک و دورویی، کجاست نابودکننده اهل فسق و عصیان و طغیان، کجاست دروکننده شاخه‌های گمراهی و شکاف‌اندازی، کجاست محوکننده آثار انحراف و هواهای نفسانی، کجاست قطع‌کننده دامهای دروغ و بختان، کجاست نابودکننده سرکشان و سرپیچی‌کنندگان، کجاست ریشه‌کن‌کننده اهل لجاجت و گمراهی، و بی‌دینی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 818

کجاست عزّت‌بخش دوستان، و خوارکننده دشمنان، کجاست گردآورنده سخن بر پایه تقوا، کجاست در راه خدا که از آن آمده شود، کجاست جلوه خدا، که دوستان به سویش روی آورند، کجاست آن وسیله پیوند بین زمین و آسمان، کجاست صاحب روز پیروزی، و گسترنده پرچم هدایت، کجاست گردآورنده پراکندگی صلاح و رضا، کجاست خواهنده خون

پیامبران و فرزندان پیامبران، کجاست خواهند خون کشته در کربلا، کجاست آن پیروز شده بر هر که به او ستم کرد و بهتان زد، کجاست آن مضطرب که اجابت شود هنگامی که دعا کند، کجاست سرسلسله مخلوقات، دارای نیکی و تقوا، کجاست فرزند پیامبر برگزیده، و فرزند علی مرتضی، و فرزند خدیجه روشن جبین، و فرزند فاطمه کبری؟، پدر و مادر و جانم فدایت شود، برایت سپر و حصار باشم، ای فرزند سروان مقرب، ای فرزند نجیبان گرامی، ای فرزند راهنمایان راه یافته، ای فرزند برگزیدگان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران نجیب، ای فرزند پاکان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران برگزیده، ای فرزند دریاهای بی کران بخشش گرامی تر، ای فرزند ماههای نورافشان، ای فرزند چراغهای تابان، ای فرزند ستارگان فروزان، ای فرزند اختران درخشان، ای فرزند راههای روشن، ای فرزند نشانه‌های آشکار، ای فرزند دانشهای کامل، ای فرزند آینه‌های مشهور، ای فرزند نشانه‌های حفظ شده، ای معجزات موجود، ای فرزند دلیلهای محسوس، ای فرزند راه مستقیم، ای فرزند خبر بزرگ،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 819

ای فرزند کسی که در امّ الکتاب، نزد خدا، والا و حکیم است، ای فرزند آیات و نشانه‌ها، ای فرزند دلیلهای آشکار، ای فرزند برهانهای نمایان، ای فرزند حجتهای رسا، ای فرزند نعمتهای کامل، ای فرزند طه و آیات محکم، ای فرزند یس و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای فرزند کسی که نزدیک شد، آنگاه درآویخت، تا آنکه در دسترسی و نزدیکی به خدای علیّ اعلی، به فاصله دو کمان یا کمتر بود، ای کاش می دانستم خانه‌ات در کجا قرار گرفته، بلکه می دانستم کدام زمین تو را برداشته، یا چه خاکی؟ آیا در کوه رضوایی یا در غیر آن، یا در زمین ذی طوایی؟ بر من سخت است که مردم را می بینم، ولی تو دیده نمی شوی، و از تو نمی شنوم صدای محسوسی و نه رازونیزی، بر من سخت است که تو را بدون من گرفتاری فراگیرد، و از من به تو فریاد و شکایتی نرسد، جانم فدایت، تو پنهان شده‌ای هستی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت، تو دوری هستی که از ما دور نیست، جانم فدایت، تو آرزوی هر مشتاقی که آرزو کند، از مردان و زنان مؤمن که تو را یاد کرده، از فراق ناله کنند، جانم فدایت، تو قرین عزّتی، که کسی بر او برتری نگیرد، جانم فدایت، تو درخت ریشه دار مجدی که هم طرازی نپذیرد، جانم فدایت، تو نعمت دیرینه‌ای، که او را ماندنی نیست، جانم فدایت، تو قرین شرفی، که وی را برابری نیست، تا چه زمانی نسبت به تو سرگردان باشم، ای مولایم، و تا چه زمان، و با کدام بیان، تو را وصف کنم، و با چه رازو نیازی؟، بر من سخت است که از سوی غیر تو پاسخ داده شوم، و سخن مسرت بخش

بشنوم، بر من سخت است که برای تو گریه کنم، ولی مردم تو را وا گذارند، بر من سخت است، که بر تو بگذرد و نه بر دیگران آنچه گذشت، آیا کمک کننده‌ای هست، که فریاد و گریه را در کنارش طولانی کنم؟

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 820

آیا بی‌تابی هست؟ که او را در بی‌تابی‌اش، هنگامی که خلوت کند یاری رسانم، آیا چشمی هست که خار فراق در آنجا گرفته، پس چشم من او را بر آن خار خلیدگی مساعدت کند، آیا به جانب تو ای پسر احمد راهی هست، تا ملاقات شوی، آیا روز ما به تو با وعده‌ای در می‌پیوندد تا بهره‌مند گردیم، چه زمان به چشمه‌های پر آبت وارد می‌شویم، تا سیراب گردیم، چه زمان از آب وصل خشکوارت بهره‌مند می‌شویم؟ که تشنگی ما طولانی شد، چه زمان با تو صبح و شام می‌کنیم، تا دیده از این کار روشن کنیم، چه زمان ما را می‌بینی و ما تو را می‌بینیم، درحالی که پرچم پیروزی را گسترده‌ای، آیا آن روز در می‌رسد که ما را ببینی که تو را احاطه کنیم، و تو جامعه جهانی را پیشوا می‌شوی درحالی که زمین را از عدالت انباشتی، و دشمنان را خواری و کیفر چشاندی، و متکبران و منکران حق را نابود کرده‌ای و ریشه سرکشان را قطع نموده‌ای، و بیخ و بن ستمکاران را برکنده‌ای، تا ما بگوییم: ستایش خاص خدا، پروردگار جهانیان است. خدایا تو برطرف کننده سختیها و حوادث ناگواری، از تو یاری می‌طلبم، که یاری و کمک تنها نزد توست، و تو پروردگار آخرت و دنیایی، پس ای فریادرس درماندگان، به فریاد بنده کوچک گرفتارت برس، و سرورش را به او نشان بده ای صاحب نیروهای شگرف، و به دیدار سرورش، اندوه و سوز دل را از او بزدای، و آتش تشنگی‌اش را خاموش کن، ای که بر عرش چیره‌ای، و بازگشت و سرانجام به سوی اوست، خدایا، ما بندگان به شدت مشتاق به سوی ولی تو هستیم، آنکه مردم را به یاد تو و پیامبرت اندازد، و تو او را برای ما نگهبان و پناهگاه آفریدی، و او را قوم و امان ما قرار دادی، و او را پیشوای اهل ایمان از ما گرداندی، از جانب ما به او تحیت و سلام برسان، و به این وسیله اکرام بر ما را ای پروردگار بی‌فزا، و جایگاه او را، جایگاه و اقامتگاه ما قرار ده، و نعمت را با پیش انداختن او در پیش روی ما کامل گردان، تا ما

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 821

را وارد بهشت‌هایت نماید، و به همنشینی شهیدان از بندگان خالصت نایل نماید. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و درود فرست بر محمد جد او و رسولت، آن سرور بزرگتر، و بر پدرش آن سرور پس از پیامبر و بر جدّه‌اش صدیقه کبری، فاطمه دختر محمد، و بر کسانی که برگزیدی، از پدران نیکوکار و بر خودش، برترین و کامل‌ترین و تمام‌ترین و بادوام‌ترین و

بیشترین و فراوانترین درودی که بر یکی از برگزیدگان و انتخاب شدگان از میان آفریدگان فرستادی، و بر او درود فرست، درودی که پایانی برای عدوش، و نهایتی برای مدتش، و به آخر رسیدنی برای زمانش نباشد، خدایا حق را به وسیله او برپا دار، و باطل را به او نابود کن، و دوستان را به سبب آن جناب به دولت برسان، و دشمنان را به دست او خوار گردان، و پیوند خدایا بین ما و او، پیوندی که ما را به رفاقت گذشتگان او برساند، و ما را از آنانی قرار ده که به دامن عنایتشان چنگ زنند و در سایه لطفشان اقامت کنند، و ما را بر پرداخت حقوقش، و کوشش در فرمانبرداری اش، و دوری از نافرمانی اش کمک کن، و بر ما به خشنودی اش منت نه، و رأفت و رحمت و دعای خیر آن حضرت را به ما ببخش، تا حدی که به سبب آن به رحمت گسترده ات، و رستگاری در پیشگاهت برسیم، خدایا به وسیله او نمازمان را پذیرفته، و گناهانمان را آمرزیده و دعاهايمان را مستجاب گردان، خدایا روزیهایمان را به سبب او گسترده، و اندوهمان را برطرف شده، و حاجت‌هایمان را برآورده فرما، و به جانب ما به جلوه کریمت روی آور، و تقرّیان را به سویت بپذیر، و به ما نظر کن نظری مهربانانه که کرامت را نزد تو، به وسیله آن نظر به کمال برسانیم، و آن نظر مهربانانه را به حق جودت از ما مگردان، و از حوض جدّش (درود خدا بر او

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 822

و خاندانش) با جام او و به دست او، سیرایمان کن، سراب شدنی کامل، و گوارا و خوش، که پس از آن تشنگی نباشد، ای مهربان‌ترین مهربانان آنگاه به صورتی که گذشت نماز زیارت بجا می‌آوری و به آن چه خواهی دعا می‌کنی، که ان شاء الله به اجابت خواهد رسید.

عمل دوم: زیارتی است، که هر روز پس از نماز صبح مولای ما صاحب الزمان علیه السلام به آن زیارت می‌شود، و آن زیارت چنین است:

خدایا برسان به مولایم صاحب الزمان، (درود خدا بر او) از جانب همه مردان و زنان مؤمن در مشرقها و مغربهای زمین، و خشکیها و دریاهايش، و هموارها و کوههايش، زنده و مرده آنان، و همچنین از طرف پدر و مادرم و فرزندانم و خودم، درودها و تحیت‌هایی به گرانی عرش خدا و کشیدگی کلماتش، و نهایت خشنودی اش، و شمار آنچه کتابش برشورده، و دانشش به آن احاطه یافته است. خدایا در این روز و در هر روز برای آن حضرت، عهد و پیمان و بیعت، بر عهده‌ام تجدید می‌کنم. خدایا همچنان که مرا به این شرافت نمودی، و به این فضیلت برتری‌ام دادی، و به این نعمت خاصم فرمودی، پس درود فرست بر مولا و سرورم صاحب الزمان، و مرا قرار ده از یاران و پیروان و دفاع‌کنندگان از آن حضرت، و از

کشته شدگان پیش رویش، از روی میل و رغبت، نه ناراحتی و اکراه، در صفی که اهل آن را در قرآنت وصف نموده، فرموده‌ای: گویی آنان بنایی محکم و استوارند. این عمل را از من بر پایه اطاعتت، و اطاعت رسولت و خاندانش (درود بر ایشان) قرار ده. خدایا این بیعتی است بر او، بر عهده من تا روز قیامت.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 823

مؤلف گوید: علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «بحار الانوار» فرموده: من در بعضی از کتابهای قدیمی دیده‌ام، که پس از این زیارت، دست راست را به دست چپ بگذارند، مانند قرارداد در بیعت. و نیز بدانکه ما در اعمال سرداب مقدس چهار زیارت نقل کردیم، و این زیارت، پنجمین زیارت کتاب ما محسوب می‌گردد، و در باب اول، در ذکر زیارات حجج طاهره، در ایام هفته، زیارتی برای آن حضرت نقل کردیم، که در روزهای جمعه به آن زیارت می‌شود.

عمل سوم: دعای عهد است: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرکه چهل صبحگاه این عهد را بخواند، از یاوران قائم ما باشد، و اگر پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود، خدا او را از قبر بیرون آورد، که در خدمت آن حضرت باشد، و حق تعالی بر هر کلمه هزار حسنه به او کرامت فرماید، و هزار گناه از او محو سازد، و آن عهد این است:

خدای ای پروردگار نور بزرگ، و پروردگار کرسی بلند، و پروردگار دریای جوشان، و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور، و پروردگار سایه و حرارت آفتاب، و نازل کننده قرآن بزرگ، و پروردگار فرشتگان مقرب، و پیامبران و رسولان. خدایا از تو می‌خواهم به روی کریمت، و به نور وجه نوربخشت، و فرمانروایی دیرینه‌ات، ای زنده و پا برجای دائم، از تو می‌خواهم به حق نامت، که به آن آسمانها و زمینها روشن شد، و به حق نامت که پیشینیا و پسینیا به آن شایسته می‌شوند، ای زنده پیش از هر زنده، ای زنده پس از هر زنده، ای زنده در آن وقتی که زنده‌ای نبود، ای زنده کننده مردگان، و میراننده زندگان، ای زنده، معبودی جز تو نیست خدایا برسان به مولای ما امام راهنمای راه‌یافته، قیام کننده به فرمانت که دروهای خدا بر او و پدران پاکش، از جانب همه مردان و زنان مؤمن، در مشرقها زمین و مغربهایش، هموارها

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 824

و کوههایش، خشکیها و دریاهايش، و از طرف من و پدر و مادرم، از دروهای به گرانی عرش خدا، و کشش کلماتش، و آنچه دانشش برشمرده، و کتابش به آن احاطه یافته، خدایا در صبح این روز و تا زندگی کنم از روزهایم، برای آن حضرت بر عهده‌ام، عهد و پیمان و بیعت تجدید می‌کنم، که از آن‌رو نگردانم، و هیچ‌گاه دست برندارم. خدایا مرا، از یاران و

مددکاران و دفاع کنندگان از او قرار ده، و از شتابندگان به سویش، در برآوردن خواسته‌هایش، و اطاعت کنندگان اوامرش، و مدافعان حضرتش، و پیش گیرندگان به جانب خواسته‌اش، و کشته شدگان در پیشگاهش. خدایا اگر بین من و او مرگی که بر بندگان حتم و قطعی ساختی حائل شد، کفن پوشیده از قبر مرا بیرون آور، با شمشیر از نیام برکشیده، و نیزه برهنه، پاسخگو به دعوت آن دعوت کننده، در میان شهرنشین و بادیه‌نشین. خدایا آن جمال با رشادت، و پیشانی ستوده را به من بنمایان، و با نگاهی از من به او دیده‌ام را سرمه بنه، و در گشایش امرش شتاب کن، و درآمدنش را آسان گردان، و راهش را وسعت بخش، و مرا به راهش درآور، و فرمانش را نافذ کن و پشتش را محکم گردان، خدایا به دست او کشورها را آباد کن، و بندگان را به وسیله او زنده فرما، به درستی که تو فرمودی، و گفته‌ات حق است که: فساد در خشکی و دریا، در اثر اعمال مردم نمایان شد، خدایا ولی‌ات، و فرزند دختر پیامبرت که به نام رسالت نامیده شده، برای ما آشکار کن، تا به چیزی از باطل دست نیابد، مگر آن را از هم بپاشد، و حق را پابرجا و ثابت نماید، خدایا او را قرار ده پناهگاهی برای ستمدیدگان از بندگان، و یاور برای کسی که یاری برای خود جز تو نمی‌یابد، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 825

تجدیدکننده آنچه از احکام کتاب تعطیل شده، و محکم کننده آنچه از نشانه‌های دینت و روشهای پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش) رسیده است، و او را قرار ده، خدایا، از آنان که از حمله متجاوزان، نگاهش داری، خدایا پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) را به دیدار او، و کسانی که بر پایه دعوتش از او پیروی کردند شاد کن، و پس از او به درماندگی ما رحم فرما، خدایا این اندوه را از این امت به حضور آن حضرت برطرف کن، و در ظهورش برای ما شتاب فرما، که دیگران ظهورش را دور می‌بینند، و ما نزدیک می‌بینیم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

آنگاه سه بار بر ران خود دست می‌زنی، و در هر مرتبه می‌گویی: العجل، العجل، یا مولای یا صاحب الزمان عمل چهارم: سید این طاووس فرموده: چون خواستی از حرم مطهر آن حضرت مرخص شوی، به سوی سرداب شریف برگرد، و در آنجا هرچه می‌خواهی نماز بخوان، آنگاه رو به قبله بایست و بگو: «اللهم ادفع عن ولیک...» و این دعا را تا پایان آن ذکر کرد و سپس فرمود: خدا را بسیار بخوان، و با خوشبختی بازگرد ان شاء الله تعالی.

مؤلف گوید: شیخ در کتاب «مصباح» این دعا را در اعمال روز جمعه از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده، و ما هم این دعا را به صورتی که شیخ از آن حضرت نقل نموده، در اینجا می‌آوریم، شیخ فرموده: یونس بن عبد الرحمن روایت کرده که حضرت رضا علیه السلام امر می‌فرمودند به دعا نمودن، برای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه به این دعا:

خدایا دفاع کن، از ولیّات، و خلیفه‌ات و حجّت بر آفریدگانت، و زبان سخنگوی از جانب، و گویای به حکمت، و دیده نگرنده به اجازه‌ات، و گواه بر بندگانت، آن سرور بزرگوار مجاهد، پناهنده به تو، عبادت کننده نزد تو، و پناهش ده از شرّ تمام آنچه آفریدی و پدید کردی و پروردی، و صورت دادی، و او را نگهدار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 826

از پیش رویش، و پشت سرش، و از جانب راست و چپش، و بالای سر، و زیر پایش، به نگهداری‌ات که تباه نشود هر که را به آن نگهداری، و حفظ کن در وجود او پیامبرت، و پدرانش، آن امامان از جانب تو، و پایه‌های دینت و او را قرار ده در سپرده خود که تباه نمی‌شود، و در جوارت که امنیتش از بین نمی‌رود، و در بازدارندگی و نیرومندی‌ات که مقهور نگردد، و او را ایمن دار، و به امان محکمت، که هرکه را به آن ایمن نمودی، هرگز خوار نمی‌شود، و قرارش ده در حمایتت، که هرکه در آن باشد، مورد دستبرد واقع نگردد، و یاری‌اش ده به یاری نیرومندی، و کمکش کن، با لشکر چیره‌ات و نیرومندی‌اش ساز به نیرویت، و پشت سر او قرار بده فرشتگانت را، و دوست بدار کسی را که دوستش دارد، و دشمن بدار کسی را که دشمنش دارد، و زره محکمت را به او بپوشان، و او را به احاطه فرشتگان در آور، احاطه‌ای سامان یافته، خدایا شکاف در هر امور را به او اصلاح کن، و گسیختگی را به او پیوند ده، و ستم را به دستش نابود گردان، و عدالت را به او بنمایان، و زمین را با طول ماندش بیارای، و او را به پیروزی کمک کن، و به وسیله در انداختن ترس در دل دشمنان یاری‌اش ده، و یاورانش را نیرومند ساز، و واگذارنده‌اش را خوار کن، و کسی را که نسبت به او دشمنی ورزد هلاک ساز، و هرکه به او خیانت کند نابود گردان، و به دست او گردنکشان کفر، و تکیه گاهها و ستونهای آن را به قتل برسان، و به وسیله او سران گمراهی، و پدیدآورندگان بدعت، و میراندگان سنت، و تقویت کنندگان باطل را درهم شکن، و به دست او گردنکشان را خوار کن، و کافران و تمام بی‌دینان را نابود ساز، در مشرقهای زمین و مغربهایش، و خشکیها و دریاهایش، و هموارها و کوههایش، تا دیاری از آنان، و آثاری از ایشان را باقی نگذاری. خدایا کشورهایت را از وجود آلوده آنان پاک کن، و با محو ایشان شفا ده بندگانت را، و مؤمنان را به وجود آن حضرت عزیز گردان، و روشهای رسولان و احکام کهنه پیامبران را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 827

به او زنده کن، و به وسیله او آنچه را از دینت محو شده و از قانونت تغییر یافته، تجدید فرما، تا دینت را به وجود او بازگردانی، و بر دو دست او جدید و تازه و خالص و صحیح نمایی که کجی در آن دیده نشود و بدعت و پیرایه‌ای

همراهش نباشد، تا اینکه با عدالتش تاریکیهای نابرابری را روشن کنی، و به وسیله او آتشیهای کفر را خاموش نمایی، و گره‌بندهای حق، و ناشناخته عدالت را به او روشن سازی، زیرا او بنده توسست، بنده‌ای که او را برای خود برگزیدی، و او را برای غیب خود انتخاب نمودی، و از گناهان بازش داشتی و از عیبها پاکیزه‌اش کردی، و از آلودگی پاکش فرمودی، و از چرکینی سالمش نمودی. خدایا ما در روز قیامت، و روز فرارسیدن حادثه بزرگ، برای او گواهی می‌دهیم، که گناهی انجام نداد، و بزمی نیاورد، و مرتکب معصیتی نشد، و طاعتی را در پیشگاه تو تباه نکرد، و حرمتی را از تو هتک نکرد، و فریضه‌ای را دگرگون نساخت، و آیینی را تغییر نداد، و به درستی که اوست راهنمای، راه یافته، پاک، پرهیزگار، بی‌عیب، دوستدار، پاکیزه، خدایا به او عطا کن، در وجودش و اهلش، و فرزندان و نژادش و امت و همه رعیتش، چیزی که چشمش را به آن روشن کنی، و وجودش را به آن خوشحال نمایی، و برای او گردآوری، فرمانروایی همه مملکتها را نزدیک و دورش را، و نیرومند و خوارش را، تا فرمانش را بر فراز هر فرمانی جاری سازی، و حق او را بر هر باطلی چیره گردانی. خدایا ما را به دو دست آن بزرگوار به راه هدایت، و جاده بزرگتر، و طریقه معتدل بدار، که گمراه تندر به آن بارگردد، و عقب مانده، خود را به آن ملحق نماید، و بر طاعتش نیرویمان بخش، و بر پیروی‌اش پا برجایمان کن و به متابعتش بر ما منت بنه، و ما را در گروه او قرار بده، آن گروهی که به شدت قیام کننده به دستورش هستند، و همراه او شکلیا می‌باشند، و با خیرخواهی‌اش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 828

جویندگان خشنودی تواند، تا ما را در روز قیامت، در شمار یاران و مددکاران، و تقویت کنندگان حکومتش محصور نمایی و این واقعیت را برای ما، خالص از هر شک و شبهه و خودنمایی، و شهرت‌طلبی قرار بده، تا در این کار به غیر تو اعتماد نکنیم، و به آن جز خشنودی تو را نخواهیم، و تا جایی ما را به جایگاه او وارد کنی، و در بهشت با او قرار دهی، و از خستگی و کسالت و سیتی پنهان ده، و ما را از کسالتی قرار ده که به دست آنها برای دینت پیروزی آوری، و یاری ولیات را به آنها نیرومند سازی، و ما در این زمینه با دیگران عوض مکن، زیرا عوض کردن ما با دیگران بر تو آسان، ولی بر ما کار بسیار دشوار است. خدایا بر متولیان عهدش، و پیشوایان پس از او درود فرست، و آنان را به آرزوهایشان برسان، و در عمرش بیفزای، و پیرویشان را نیرومند ساز، و برای آنان کامل کن، آنچه از دستورات به آنان مستند کردی، و پایه‌های حکومتشان را ثابت بدار، و ما را از مددکاران آنان، و نسبت به دینت از یاوران قرار ده، به درستی که آنانند، معادن کلمات، و خزانه‌داران دانش، و پایه‌های توحیدت، و استوانه‌های دینت، و زنده‌های از بندگان، و برگزیدگان

از آفریدگانت، و اولیایت و گزیده‌های دوستانت، و انتخاب شده فرزندان پیامبرت و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر آنان باد.

فصل در زیارات جامعه و دعایی که پس از آن زیارت خوانده می‌شود و صلوات بر حجج طاهره علیهم السّلام و این فصل دربر دارنده چند مقام است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 829

مقام اول: در زیارات جامعه:

که هر امامی را می‌توان به آن زیارت کرد و این زیارات بسیار است که ما به ذکر چند نمونه از میان آنها اکتفا می‌کنیم زیارت اول: شیخ صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» روایت کرده: که از حضرت رضا علیه السّلام در باب آمدن نزد قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام پرسیدند، آن حضرت فرمود: در مساجدی که در اطراف آن قبر آن حضرت است نماز بگذارید. و در همه مواضع جایز است: یعنی در زیارت هر يك از امامان علیهم السّلام یا مطلق مزارهای شریفه مقدّسه، مانند مراقد [آرامگاههای] پیامبران و سایر اوصیا علیهم السّلام کما هو الظاهر، و اینکه بگوئید: سلام بر اولیای خدا و برگزیدگانش، سلام بر امینان خدا و دوستانش، سلام بر یاران خدا و خلیفه گانش، سلام بر امینان خدا و دوستانش، سلام بر یاران خدا و خلیفه‌هایش، سلام بر جاهگاههای معرفت خدا، سلام بر خانه‌های ذکر خدا، سلام بر آشکارکنندگان امر و نهی خدا، سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا، سلام بر استقراریافتگان در عرصه رضایت خدا، سلام بر مخلصان در طاعت خدا، سلام بر راهنمایان به سوی خدا، سلام بر آنان که هرکه دوستشان داشته، خدا را دوست داشته، و هرکه دشمنشان داشته، خدا را دشمن داشته، و هرکه آنان را شناخت، خدا را شناخته، و هرکه آنان را نشناخت، خدا را نشناخته و هر که به آنان چنگ زد، در حقیقت به خدا چنگ زده، و هرکه آنان را ترك گفت، همان خدای عزّ و جلّ را ترك گفته است، و خدا را گواه می‌گیرم که من در صلحم با هر که شما با او در صلح هستید، و در جنگم با هر که شما با او در جنگید، به پنهان و آشکار شما ایمان دارم، و اختیار همه این امور را واگذارنده به شمام، خدا

دشمن خاندان محمد را، از جنّ و انس لعنت کند، از ایشان به جانب خدا بیزاری می‌جویم، و درود خدا بر محمد و خاندانش. این زیارت در کتابهای «کافی» و «تهدیب» و «کامل الزیارات» نقل شده، و در همه کتابها پس از پایان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 830

زیارت، مذکور است، که این یعنی این کلماتی که ذکر شد در همه زیارتها مجزی است. و بر محمد و خاندان محمد علیهم السلام بسیار صلوات می‌فرستی، و يك يك را به نامهای خودشان نام می‌بری و از دشمنانشان بیزاری می‌جویی، و هر دعایی که می‌خواهی برای خود، و مردان و زنان با ایمان اختیار می‌کنی. مؤلف گوید: ظاهرا این باقیمانده «یعنی جمله: در همه زیارتها مجزی است» جزو روایت و از کلام معصوم علیه السلام است، ولی اگر فرض کنیم این باقیمانده خارج از روایت باشد و بگوییم عبارت و کلام بعضی از راویان است، باز هم مطمئن هستیم به اینکه زیارت، زیارت جامعه است، چون بزرگان مشایخ حدیث، چنین فهمیده‌اند، که در همه زیارتها مجزی است چنان که ظاهر ابتدای حدیث بر آن دلالت دارد، پس آن را در باب زیارات جامعه نقل کرده‌اند، و تعبیر وارده در زیارت، نیز تماما از صفات جامعه است، که اختصاص به بعضی غیر بعض دیگر ندارد، پس مناسب است در تمام مشاهد مشرفه، به آن زیارت، زیارت شود، حتی مشاهد انبیا و اوصیا چنان که جمعی از علما در مشهد جناب یونس علیه السلام نقل کرده‌اند. و چون در ذیل زیارت، امر به صلوات بر هر يك از امامان علیهم السلام شد، صلواتی مخصوص به خود آن امام وارد شده است، اگر صلوات منسوب به ابو الحسن ضرباب اصفهانی را، که در آخر اعمال روز جمعه نقل کردیم [صفحه 63] بخوانی، بسیار مناسب است.

زیارت جامعه کبیر

زیارت دوم: شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و عیون اخبار الرضا از موسی بن عبد الله نخعی روایت کرده که گفت خدمت حضرت هادی علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله، مرا زیارتی با بلاغت تعلیم فرما که کامل باشد، تا اینکه هرگاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم، آن را بخوانم. فرمود: چون به درگاه حرم رسیدی، بیایست و شهادتین را بگو یعنی:

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و شریکی ندارد، و گواهی که محمد بنده و فرستاده اوست. در این هنگام باید با حالت غسل باشی، چون داخل حرم شوی، و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو، سپس اندکی

با آرامش و وقار راه برو، و در این راه رفتن، گامها را نزدیک يك ديگر گذار، آنگاه بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو، پس نزدیک قبر مطهر برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو، تا صد تکبیر کامل شود. و شاید چنان که مجلسی اول فرموده: وجه این صد تکبیر این باشد، که اکثر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 831

طبايع مردم مایل به غلو در حق محبوبان خود هستند، مبدا از عبارات امثال این زیارت گرفتار غلو و افراط در اعتقاد و سخن شوند، یا از بزرگی حق تعالی غافل گردند یا غیر این امور. پس بگو:

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و جایگاه رسالت، و عرصه رفت و آمد فرشتگان، و مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت، و خزانه داران بهشت، و نهایت بردباری، و ریشه های کرم، و رهبران امتها، و سرپرستان نعمتها، و بنیادهای نیکان، و استوانه های خوبان، و رهبران سیاسی بندگان، و پایه های کشورها، و درهای ایمان، و امینان خدای رحمان، و چکیده پیامبران، و برگزیده رسولان، و عترت بهترین گزیده پروردگار جهانیان و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، سلام بر پیشوایان هدایت، و چراغهای تاریکی، و پرچمهای پرهیزگاری، و صاحبان خرد، و دارندگان خد زیرکی، و پناهگاه مردمان، و وارثان پیامبران، و نمونه برتر، و دعوت نیکوتر و حجتهای خدا بر اهل دنیا و آخرت و این جهان، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، سلام بر جایگاههای شناخت خدا، و مسکنهای برکت خدا، و معدنهای حکمت خدا، و نگهبانان راز خدا، و حاملان کتاب خدا، و جانشینان پیامبر خدا، و فرزندان رسول خدا (دروود خدا بر او و خاندانش)، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا، و راهنمایان بر خشنودی خدا، و استقراریافتگان در امر خدا، و کاملان در محبت خدا، و مخلصان در توحید خدا، و آشکارکنندگان امر و نهی خدا، و بندگان گرامی خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 832

آنان که به گفتار بر خدا پیشی نمی گیرند، و به دستورش عمل می کنند، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، سلام بر پیشوایان دعوت کننده، و پیشروان هدایت کننده، و سروران سرپرست، و مدافعان حمایت کننده، و اهل ذکر و صاحبان فرمان و باقیمانه خدا و برگزیدگان او، و گروه و صندوق دانش حق، و حجت و راه و نور و برهان خدا، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است، و برای او شریکی نیست، چنان که خدا برای خویش گواهی داده، فرشتگانش و دانشمندان از بندگان او برای او گواهی دادند، معبودی جز او نیست، عزیز و حکیم است، و گواهی می دهم که محمد بنده برگزیده، و فرستاده پسندیده اوست، او را به هدایت و دین حق فرستاد، تا

بر همه آیینها پیروزش گرداند هرچند مشرکان ناخوش دارند، و گواهی می‌دهم که شما باید پیشوایان راهنما، راه‌یافته، معصوم، مکرم، مقرب پرهیزگار، راستگو، برگزیده، فرمانبردار خدا، قیام‌کننده به فرمانش، عمل‌کننده به خواسته‌اش دست‌یافته به کرامتش، شما را با دانشش برگزید، و برای غیث پسندید، و برای رازش انتخاب کرد، و به قدرتش اختیار کرد، و به هدایتش عزیز نمود، و برهانش اختصاص داد، و برای نورش برگزید، و به روحش تأیید فرمود و شما را پسندید برای جانشینی در زمینش، و دلایل محکمی بر مخلوقاتش، و یاورانی برای دینش، و نگهبانانی برای رازش، و خزانه‌دارانی برای دانشش، و محل نگهداری برای حکمتش، و مفسران وحیش، و پایه‌های یگانه‌پرستی‌اش، و گواهانی بر خلقتش و پرچشمه‌ایی برای بندگان، و مراکز نوری در کشورهایش، و راهنمایانی بر راهش، خدا شما را از لغزشها حفظ کرد، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 833

از فتنه‌ها ایمن داشت، و از آلودگی پاک کرد، و پلیدی را از شما ببرد، و پاکتان نمود، پاک‌کردنی شایسته پس شما هم عظیم شمردید، شوکتش را، و بزرگ دانستید مقامش را، و ستودید کرمش را، و ادامه دادید ذکرش را، و استوار نمودید پیمان‌ش را، و محکم کردید گره طاعتش را، و در نمان و آشکار برای او خیرخواهی نمودید، و مردم را با حکمت و پند نیکو به راه او دعوت کردید، و جان خود را در خشنودی او نثار نمودید، و بر آنچه در کنار او به شما در رسید صبر کردید و نماز را بپا داشتید، و زکات پرداختید، و به معروف امر نمودید، و از منکر نهی کردید، و جهاد فی الله نمودید، آن‌گونه که شایسته بود، تا دعوتش را آشکار کردید، و واجباتش را بیان فرمودید، و حدودش را بر پا داشتید، و قوانین احکامش را پخش نمودید، و روش او را انجام دادید، و در این امور از جانب خدا به مقام رضا در رسیدید، و تسلیم قضای او گشتید، و رسولان گذشته او را تصدیق نمودید، پس روگردان از شما خارج از دین، و ملازمان ملحق شونده به شما، و کوتاهی‌کننده در حقتان قرین نابودی است، و حق همراه شما و در شما و از شما و به سوی شماست، و شما اهل حق و سرچشمه آن هستید و میراث نبوت نزد شماست، و بازگشت خلق به سوی شما، و حسابشان با شماست، و سخن جداکننده حق از باطل نزد شماست، آیات خدا پیش شما، و تصمیمات قطعی‌اش در شما، و نور و برهانش نزد شماست، و امر او متوجه شماست، آن‌که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته، و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته، و هر که به شما محبت ورزید به خدا محبت ورزیده و هر که با شما کینه‌توزی نمود، با خدا کینه‌ورزی نموده است، و هر که به شما چنگ زد، به خدا چنگ زده است، شما باید راه راست‌تر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 834

و گواهان خانه فنا، و شفیعان خانه بقا، و رحمت پیوسته، و نشانه انباشته و امانت نگاه داشته، و درگاه حقّی که مردم به آن آزموده می‌شوند، آنکه به سوی شما آمد نجات یافت، و هرکه نیامد هلاک شد، شما مردم را به سوی خدا می‌خوانید، و به وجود او راهنمایی می‌کنید، و همواره در حال ایمان به او هستید، و تسلیم او می‌باشید، و به فرمانش عمل می‌کنید، و به راهش ارشاد می‌نمایید و به گفته‌اش حکم می‌کنید، هرکه شما را دوست داشت، خوشبخت شد، و هرکه شما را دشمن داشت به هلاکت رسید، و هرکه شما را انکار کرد زیانکار شد و هرکه از شما جدایی نمود گمراه گشت، هرکه به شما تمسک جست به رستگاری رسید، و هرکه به شما پناه آورد ایمنی یافت، کسی که شما را تصدیق نمود سالم ماند، و هرکه متمسک به شما شد هدایت یافت، کسی که از شما پیروز کرد، بهشت جای اوست، و هرکه با شما مخالفت ورزید، آتش جایگاه اوست، هرکه منکر شما شد کافر است، و هرکه با شما جنگید مشرک است، و هرکه شما را ردّ کرد، در پست‌ترین جایگاه از دوزخ است، گواهی می‌دهم که این شأن و مقام درگذشته برای شما پیشی داشت و برایتان در آینده زمان جاری است، و همانا ارواح و نور و سرشت شما یکی است، پاکیزه و پاک شد، برخی از آن از برخی دیگر است، خدا شما را نورهایی آفرید، و گرداگرد، عرش خود قرار داد، تا با آوردشان به دنیا بر ما منت نهاد، و قرارتان داد در خانه‌هایی که اجازه داد رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود، و دروهای ما بر شما قرار داد، و آنچه ما را از ولایت شما به آن مخصوص داشت، مایه پاکی برای خلقت ما، و طهارت برای جان ما، و ترکیه برای وجود ما، و کفاره گناهان ماست، پس ما در نزد خدا از تسلیم شدگان به فضل شما، و شناخته‌شدگان به تصدیق جایگاه شما بودیم، خدا شما را به شریف‌ترین جایگاه گرامیان و برترین منازل مقربان، و رفیع‌ترین درجات فرستادگان برساند، چنان‌که از پی‌رسنده‌ای به آن نرسد، و بالا رونده‌ای به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 835

آن راه نیابد، و سبقت گیرنده‌ای از آن پیشی نجوید، و طمع کننده‌ای در یافتن آن طمع نوزد، از آنچا که باقی نمی‌ماند ملک مقربّی، و نه پیامبر مرسلّی، و نه صدّیقی و نه شهیدی و نه دانایی و نه نادانی و نه پستی و نه والایی، و نه مؤمن شایسته‌ای، و نه فاجر بدکاری، و نه گردنکش لجوجی، و نه شیطان نافرمانی، و نه خلق دیگری که در این میان گواه باشد مگر اینکه خدا بر آنان بشناساند، جلالت امر شما، و عظمت مقام، و بزرگی شأن، و کامل بودن نور، و درستی مسندها و ثابت بودن مقام، و شرافت موقعیت، و منزلت شما را نزد خویش، و کرامتتان را بر او، و خصوصیتی که نزد او دارید و نزدیکی مقامی که نسبت به او برای شماست، پدر و مادر و اهل و مال و طایفه‌ام فدای شما، خدا و شما را گواه می‌گیرم، که من به شما و به آنچه شما ایمان آوردید باور دارم، نسبت به دشمنتان و آنچه را شما به آن کفر ورزیدید کافر، بینام به

مقام شما، و به گمراهی آنکه با شما مخالفت کرد، دوستدار شما و دوستان شما، خشمناك نسبت به دشمنان شما و دشمن آنان، در صلح با هرکه با شما در صلح است و در جنگ با هر که با شما جنگید، حق می‌دانم آنچه را شما حق دانستید، و باطل می‌دانم آنچه را شما باطل دانستید، به فرمان شما، عارف به حَقّان هستم، به برتری شما اقرار دارم، تحمل‌کننده دانش شما، پرده‌نشین پیمان و حرمت شما می‌باشم، به شما معترفم، به بازگشتتان مؤمنم، رجعتان را تصدیق دارم چشم به راه فرمان شما، در انتظار حکومت شما به سر می‌برم، گیرنده گفته شما هستم، عمل‌کننده به فرمان شما می‌باشم، پناهنده به شما، زائر شما هستم، ملتجی و پناهنده به قبر شما، خواهنده شفاعت به درگاه خدای عزّ و جلّ به وسیله شما می‌باشم، و به سوی او به سبب شما تقرّب می‌جویم، و مقدّم‌کننده شما پیش روزی خواسته‌ام و حاجاتم و ارادتم در همه احوال و امور، به نمان و آشکارتان، و حاضر و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 836

غائبان، و اوّل و آخرتان ایمان دارم، و در همه اینها واگذارنده کار به شما، و در اینها به همراه شما تسلیم، دلم تسلیم شماست، رأیم تابع شماست، و یاری‌ام برای شما مهیاست، تا زمانی که خدا دینش را به وسیله شما زنده کند، و شما را در ایّامش بازگرداند، و برای عدالتش آشکارتان نماید، و در زمینش پابر جایتان فرماید، پس با شما با شما، نه با غیر شما به شما ایمان آوردم، آخری شما را دوست دارم، همانطور که اوّلین شما را دوست داشتم، به سوی خدا از دشمنانتان بیزاری می‌جویم و و نیز بیزاری نمودم از جبت و طاغوت و شیاطین و گروهشان، آن ستم‌کنندگان به شما، و منکران حَقّان، و خارج‌شدگان از ولایتان، و غصب‌کنندگان میراثتان، و شك‌کنندگان در حقانیتان، و منحرف‌شوندگان از حضرتتان، و از هر آنچه به غیر شما وارد در دین شده و از دین نیست، و از هر اطاعت شده‌ای جز شما، و از رهبرانی که مردم را به آتش دوزخ می‌خوانند، پس خدا همیشه پابرجایم بدارد، تا که زنده‌ام بر مولات و محبّت و دین شما، و به اطاعت از شما موقّعم فرماید، و شفاعت شما را نصیب کند و مرا از برگزیدگان دوستان قرار دهد، و از پیروی‌کنندگان نسبت به آنچه شما به آن دعوت کردید، و مرا از آنانی قرار دهد که از آثار شما متابعت می‌کنند و به راه شما می‌روند، و به هدایت شما هدایت می‌جویند، و در گروه شما محشور می‌شوند، و در زمان رجعتان دوباره به دنیا بازمی‌گردد، و در دولت شما به فرمانروایی می‌رسند، و در دوران سلامت کامل شما مفتخر می‌گردند، و در روزگار شما اقتدار می‌یابند، و فردا چشمشان به دیدار شما روشن می‌شود، پدر و مادر و جان و خانواده و مالم فدای شما، هرکه آهنگ خدا کند، به وسیله شما آغاز می‌کند، و هرکه

او را به یکتایی پرستد، طریق توحیدش را از شما می‌پذیرد، و هرکه قصد حق کند. به شما توجه می‌نماید، ای سرورانم، نمی‌توانم ثنای شما را شماره کنم، و در امر مداح گفتن قدرت رسیدن به حقیقت شما را ندارم، و در مقام وصف نمودن، توانایی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 837

بیان منزلت شما در من نیست، و حال آنکه شما نور خوبان و هادیان نیکان و حجتهای خدای جبّارید، خدا با شما آغاز کرد، و با شما ختم می‌کند، و به خاطر شما باران فرو می‌ریزد، و تنها برای شما آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد نگاه می‌دارد، مگر با اجازه خودش، و به وسیله شما اندوه را می‌زداید، و سختی را برطرف می‌نماید، و نزد شماست آنچه را بر رسولانش نازل فرموده، و فرشتگانش به زمین فرود آورده‌اند، و به جانب جد شما (و اگر زیارت امیر مؤمنان علیه السلام باشد، به جای «والی جدکم» بگو: و به سوی برادرت) روح المین برانگیخته شد، خدا آنچه به شما عنایت کرده به احدی از جهانیان مرحمت نفرموده، هر شرافتمندی در برابر شما سر به زیر انداخته، و هر متکبری در مقابل طاعت شما گردن نهاده، و هر جبّاری نسبت به برتری شما فروتن گشته است، و هر چیزی برای شما خوار شده است، و زمین به نورتان روشن گشت، و رسیدگان به ولایت شما رستگار شدند با شما راه به سوی بهشت را می‌توان پیمود، خشم حضرت رحمان است بر کسی که منکر ولایت شما شد، پدر و مادر و جان و اهل و مال فدای شما باد، یاد شما در قلوب یادکنندگان، و نامتان در نامها، و تن هایتان در تن‌ها، و ارواحتان در ارواح، و جانهایتان در جانها، و آثارتان در آثار، و قبه‌هایتان در قبه‌هاست، چه شیرین است نامهایتان، و گرمی است جانهایتان، و بزرگ است مقامتان، و عظیم است مرتبه بلندتان، و با وفاست پیمانتان، و راست است وعده‌تان، سخن شما نور، و دستورتان راهنما، و سفارشتان تقوا، و کارتان، خیر، و روشنتان احسان، و اخلاق و خویشتان بزرگواری، و کار و رفتارشان حق و راستی و مدارا، و گفتارشان حکم و حتم، و رأیتان دانش و بردباری و دوراندیشی است، اگر از خوبی یاد شود، آغاز و ریشه و شاخه و سرچشمه و جایگاه و نهایتش شماست، پدر و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 838

و مادر و جانم فدای شما، چگونه ثنای نیکوی شما را وصف کنم، و آزمایشهای زیبای شما را بشمارم، خدا ما را به وسیله شما از خواری درآورد، و غمهای غرق کننده را از ما زدود، و ما را از پرتگاه هلاکتها و آتش دوزخ رهانید، پدر و مادر و جانم فدای شما، خدا در پرتو دوستی شما، دستورات دینمان را به ما آموخت، و از دنیایمان آنچه که فاسد شده بود،

اصلاح نموده، و به موالات شما دین کامل شد، و نعمت عظمت یافت، و جدایی به گردهمایی رسید، و به موالات شما طاعت واجب شده پذیرفته می گردد، و برای شماست مودت واجب، و درجات بلند، و مقام پسندیده، و جایگاه معلوم نزد خدای عزّ و جلّ، و شرف عظیم، و رتبه کبیر، و شفاعت پذیرفته، ای پروردگار ما به آنچه نازل فرمودی ایمان آوردیم، و از پیامبر پیروی کردیم، پس ما را در شمار گواهان بنویس، ای پروردگار ما، دلهای ما را پس از اینکه هدایت نمودی منحرف مکن، و به ما از نزد خود رحمت ببخش، همانا تو بسیار بخشنده ای، منزّه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما امری انجام یافته است ای ولیّ خدا به درستی که بین من و خدای عزّ و جلّ گناهای است که آنها را جز رضایت شما پاک نمی کند، پس به حقّ خدایی که شما را امین بر راز خود قرار داد، و زیر نظر گرفتن، زندگی بندگانش را از شما خواست، و طاعت خود را به طاعت شما مقرون نمود، هرآینه بخشش گناهانم را از خدا بخواهید و شفیعان من شوید، که من فرمانبردار شما، کسی که شما را اطاعت کرد، خدا را اطاعت نموده، و هر که از شما نافرمانی نمود، خدا را نافرمانی کرده است، و هر که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته، و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته است. خدایا اگر من شفیعی را به درگاه تو نزدیک تر از محمد و اهل بیتش، آن خوبان و پیشوایان و نیکان می یافتم، آنها را شفیعان خود قرار می دادم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 839

پس به حقّشان که برای آنان بر خود واجب کرده ای، مرا در گروه عارفان به آنها و آشنای به حقّشان، و در شمار رحم شدگان به شفاعت آن بزرگواران وارد کن، به درستی که تو مهربان ترین مهربانانی، و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش و سلام خدا، سلامی بسیار، بر آنان باد، و خدا ما را بس است، و نیکو کارگشایی است.

مؤلف گوید: این زیارت را شیخ هم در کتاب «تهدیب» نقل کرده، و علما بعد از این دعا دعای وداعی نقل کرده اند که ما آن را به ملاحظه اختصار ذکر نکردیم. این زیارت چنان که، علامه مجلسی فرموده، بهترین زیارات جامعه، از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت است، و والد بزرگوارش در شرح من لا یحضره الفقیه فرموده: این زیارت احسن و اکمل زیارات است. و من تا در عتبات عالیات بودم، ائمه علیهم السّلام را زیارت نکردم، مگر با این زیارت. شیخ ما در کتاب «نجم الثاقب» حکایتی نقل کرده که از آن استفاده می شود، باید به خواندن این زیارت مواظبت کرد، و از آن غافل نشد، و آن حکایت چنین است: جناب مستطاب تقیّ صالح، سید احمد بن سید هاشم بن سید حسن موسوی رشتی، تاجر ساکن رشت (ایده الله) تقریباً در هفتده سال پیش، به نجف اشرف مشرف شد، و با عالم ربّانی و فاضل صمدانی، شیخ علی رشتی (طاب ثراه) که در حکایت آینده ان شاء الله ذکر خواهند شد به منزل حقیر آمدند، چون برخاستند، شیخ به

صلاح و سداد سید احمد بن هاشم اشاره کرد، و فرمود داستان شگفتی دارد، ولی در آن وقت مجال بیان نبود. پس از چند روزی شیخ علی را ملاقات کردم، فرمود سید رفت، اما داستان را با قسمتی از حالات سید برایم نقل کرد، از نشنیدن آنها از خود او، بسیار تأسف خوردم، گرچه مقام شیه (رحمه الله علیه) بزرگتر از آن بود، که اندکی احتمال خلاف در نقل ایشان برود، و از آن سال تا چند ماه قبل این مطلب در خاطر من بود، تا در ماه جمادی الآخر این سال، از نجف اشرف برگشته بودم، در کاظمین سید صالح سید احمد بن سید هاشم را ملاقات کردم، که از سامره بازگشته، عازم ایران بود، پس شرح حال او را چنان که شنیده بودم پرسیدم، از آن جمله داستان معهود را مطابق شنیده من بیان کرد، و آن داستان این است که گفت: در سال هزار و دویست و هشتاد به قصد حج بیت الله الحرام از دار المرز رشت، به تبریز آمدم، و در خانه حاج صفر علی تاجر معروف تبریزی منزل کردم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 840

چون قافله نبود سرگردان ماندم، تا حاجی جبار جلودار سدهی اصفهانی قافله‌ای را جهت رفتن به «طرابوزن» حرکت داد، به تنهایی از او مرکبی را کرایه نمودم و حرکت کردم. وقتی به منزل اول رسیدم، سه نفر دیگر به تشویق حاج صفر علی به من ملحق شدند، حاج ملا باقر تبریزی، که به نیابت از جانب دیگران حج انجام می‌داد، و نزد علما معروف بود، و حاج سید حسین تاجر تبریزی، و مردی به نام حاج علی، که کارش خدمت به افراد بود، به اتفاق روانه شدیم تا به «ارزنة الروم» رسیدیم، و از آنجا عازم «طرابوزن» شدیم، در یکی از منازل بین این دو شهر، حاجی جبار جلودار نزد ما آمد و گفت: این منزل که در پیش داریم بس ترسناک است، زودتر بار کنید که همراه قافله باشید، چون در سایر منازل غالباً با رعایت مقداری فاصله، به دنبال قافله حرکت می‌کردیم، ما هم حدود دو ساعت و نیم، یا سه ساعت به صبح مانده به اتفاق قافله حرکت کردیم، به اندازه نیم یا سه ربع فرسخ از محل حرکت دور شده بودیم، که هوا تاریک شد، و به طوری برف گرفت، که دوستان هر کدام سر خود را پوشانده به سرعت راندند، من هرچه تلاش کردم با آنها بروم ممکن نشد تا آنکه آنها رفتند و من تنها شدم، از اسب فرو آمده، در کنار راه نشستم، درحالی که به شدت مضطرب بودم، زیرا نزدیک به ششصد تومان برای مخارج راه همراه داشتم، و نمی‌دانستم عاقبت کار چه خواهد شد؟! پس از تأمل و تفکر، بنا را بر این گذاشتم که در همین موضع بمانم، تا سپیده طلوع کند، سپس به همان محلی که از آنجا حرکت کردم بازگردم، و از آنجا چند نفر نگهبان همراه خود برداشته، به قافله ملحق شوم، در آن حال در برابر خود باغی دیدم، و در آن باغ باغبانی بیل به دست به درختان بیل می‌زد که برفش بریزد، به طرف من آمد، به اندازه فاصله کمی ایستاد و فرمود: کیستی؟ عرض کردم: دوستان رفتند، و من جا مانده‌ام، اطلاعی از جاده ندارم، مسیر را گم کرده‌ام، به زبان فارسی فرمود: نافله بخوان تا راه پیدا کنی من

مشغول نافله شدم، پس از فراغت از تهجد، دوباره آمد و فرمود: نرفتی، گفتم: و الله راه را نمی دادم، فرمود: جامعه بخوان، من جامعه را حفظ نداشتم، و تاکنون هم حفظ ندارم، با آنکه مکرر به زیارت عتبات مشرف شده‌ام، از جای برخاستم و تمام زیارت جامعه را از حفظ خواندم، باز نمایان شد و فرمود: نرفتی، هنوز هستی؟ بی اختیار گریستم و گفتم: هستم راه را نمی دادم، فرمود: عاشورا بخوان، و عاشورا را نیز از حفظ نداشتم، و تاکنون نیز ندارم، پس برخاستم و از حفظ مشغول زیارت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 841

عاشورا شدم، تا آنکه تمام لعن و سلام و دعای علقمه را خواندم، دیدم باز آمد و فرمود: نرفتی، هستی؟ گفتم: نه تا صبح هستم، فرمود: من اکنون تا را به قافله می‌رسانم، رفت بر الاغی سوار شد، و بیل خود را به دوش گرفت، و فرمود: ردیف من بر الاغ سوار شو. سوار شدم، آنگاه عنان اسب خود را کشیدم، مقاومت کرد، و حرکت نکرد، فرمود عنان اسب را به من بده، دادم، پس بیل را به دوش چپ گذاشت، و عنان اسب را به دست راست گرفت، و به راه افتاد، اسب در نهایت تمکین متابعت کرد، آنگاه دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ سه مرتبه فرمود:

نافله، نافله، نافله

و باز فرمود: شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ سه مرتبه فرمود:

عاشورا، عاشورا، عاشورا

و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟

جامعه، جامعه، جامعه

و در هنگامی طی مسافت دایره‌وار راه را پیمود، يك مرتبه برگشت و فرمود: اینانند دوستان شما، که در کنار نهر آبی فرود آمده، مشغول وضو برای نماز صبح هستند! من از الاغ پیاده شدم، که سوار مرکب خود شوم ولی نتوانستم، پس آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو برد، و مرا بر مرکب نشاندد، و سر اسب را به جانب دوستان بازگرداند، من در آن حال به این خیال افتادم که این شخص کیست که با من به زبان فارسی حرف زد؟ و حال آنکه در آن حدود زبانی جز

ترکی و غالباً مذهبی جز مذهب عیسوی نبود، و او چگونه به این سرعت مرا به دوستانم رساند؟! پس به پشت سر خود نظر کردم، کسی را ندیدم، و از او اثری نیافتم، آنگاه به دوستان خود ملحق شدم.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 842

زیارت سوم: زیارتی است که علامه مجلسی آن را در کتاب تحفة الزائر، زیارت هشتم از زیارت‌های جامعه قرار داده، و فرموده: این زیارتی است که سید ابن طاووس، در ضمن دعا‌های عرفه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده، و در هر زمان، و هر مکان که باشد می‌توان آن را خواند به ویژه در روز عرفه، و زیارت این است:

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا از میان آفریدگان، و امین او بر وحی، سلام بر تو ای مولایم، ای امیر مؤمنان، سلام بر تو ای مولایم، تویی حجت خدا بر بندگان خدا، و دروازه علم خدا، و جانشین پیامبر خدا، و خلیفه پس از او در امتش خدا لعنت کند امتی را که حق تو را غصب کردند، و به جای تو نشستند، من از آنان و پیروانشان بیزارم، سلام بر تو ای فاطمه بتو، سلام بر تو ای زینت بانوان جهانیان سلام بر تو ای دختر رسول پروردگار جهانیان، درود خدا بر تو و بر او باد، سلام بر تو ای مادر حسن و حسین، خدا لعنت کند امتی را که حق تو را غصب کردند، و تو را از آنچه خدا برای تو حلال کرد منع نمودند، من به پیشگاه تو، از آنان و پیروانشان بیزارم، سلام بر تو ای مولایم، ای ابا محمد حسن زکی، سلام بر تو ای مولایم، خدا لعنت کند امتی را که تو را کشتند، و در کار کشتن تو با یکدیگر همدست و همکار شدند، من در درگاه تو از آنان و پیروانشان بیزارم، سلام بر تو ای مولایم، ای ابا عبد الله ای حسین بن علی، درود خدا بر تو، و بر پدر و جدّت محمد (درود خدا بر او و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 843

و خاندانش، خدا لعنت کند امتی را که خون تو را حلال شمردند، و خدا لعنت کند امتی را که تو را کشتند، و هتک حرمتت را مباح دانستند، و خدا لعنت کند همراهان و پیروانشان را، و خدا لعنت کند آنان را که زمینه‌های کار را برای قاتلان تو فراهم کردند، من به پیشگاه خدا و به محضر تو از آنان بیزارم، سلام بر تو ای مولایم ای ابا محمد علی بن الحسین، سلام بر تو ای مولایم ای ابا جعفر محمد بن علی، سلام بر تو ای مولایم ای ابا عبد الله جعفر بن محمد، سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن موسی بن جعفر، سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن علی بن موسی، سلام بر تو ای مولایم ای ابا جعفر محمد بن علی، سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن علی بن محمد، سلام بر تو ای مولایم ای ابا محمد حسن بن علی، سلام بر تو ای مولایم ای ابا القاسم، محمد بن حسن صاحب زمان، درود خدا بر تو بر عترت پاک و

پاکیزه‌ات، ای سرپرستان من، شما در ریختن بار گناه و خطاهایم شفیعان من باشید، من به خدا و آنچه به شما نازل شده، ایمان آوردم، و دوست دارم آخرین شما را همانگونه که دوست دارم اولین شما را، و از جبت و طاغوت و لات و عزی (نام بتهای زمان جاهلی در مکه) بیزار شدم، ای سرپرستانم من در صلح، با آنکه با شما صلح کرد، و در جنگم با آن که با شما جنگید و دشمنم با کسی که با شما دشمنی ورزید، و دوستم با کسی که با شما دوستی کرد، تا روز قیامت، خدا ستم‌کنندگان بر شما و غاصبان حق شما را لعنت کند و خدا شیعیان و پیروان اهل مذهب آنان را لعنت نماید، من به پیشگاه خدا و شما، از آنان بیزاری می‌جویم.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 844

زیارت چهارم: زیارت معروف به امین الله می‌باشد، که ابتدایش: السّلام علیک یا امین الله فی ارضه و حجته علی عباده اشهد أنّک جاهدت فی الله تا پایان زیارت، که در زیارت‌های حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام گذشت، زیرا ما آن را زیارت دوم آن حضرت قرار دادیم زیارت پنجم: زیارت الحمد لله الذی اشهدنا مشهد اولیائه فی رجب است که در اعمال ماه رجب ذکر شد. پس آنچه از زیارات جامعه در این کتاب مبارک است پنج زیارت است، و ان شاء الله تعالی کفایت می‌کند.

مقام دوم: در رابطه با دعایی است که پس از زیارت هر يك از امامان خوانده می‌شود

سید ابن طاووس فرموده: مستحب است این دعا بعد از زیارت ائمه علیهم السّلام خوانده شود:

خدایا اگر گناهانم مرا در پیشگاه تو بی‌آبرو نموده، و دعایم را از تو پوشانده، و میان من و تو پرده گشته، از تو می‌خواهم، که به سوی من با جلوه کرمیت رو آوری، و رحمت را بر من بگسترانی، و برکات بر من نازل کنی، و اگر گناهانم مانع شده، که از من به جانب خود صدایی را بالا بری، یا برایم گناهی را بیامیزی، یا از خطای هلاک‌کننده‌ای گذشت کنی، اینک من آنم، که پناه جوینده به کرم جلوه، و عزّت توام، متوسّل به سوی تو، و متقرّب به جانب توام، به محبوبترین آفریدات در پیشگاه تو، و گرامی‌ترینشان نزد تو، و شایسته‌ترینشان به تو، و فرمانبردار ترینشان برای تو، و بزرگترینشان در منزلت و موقعیت نزد تو، محمد، و به عزّت پاکش، پیشوایان رهنما و ره‌یافته، آنان که طاعتشان را بر بندگانت واجب نمودی، و به مودّتشان امر فرمودی، و آنان را پس از پیامبرت، درود خدا بر بر او و خاندانش، متولیان حکومت قرار

دادی، ای خوارکننده هر گردنکش لجوج، و ای عزیز کننده مؤمنان، تاب و توانم به سر رسید، پس همین ساعت مرا ببخش، و رحمتی را از جانب خود به من عنایت کن، که با آن بر من منت نهی، ای مهربان‌ترین مهربانان. پس ضریح را ببوس، و هر دو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 845

طرف صورت خود را بر آن گذار و بگو: خدایا به درستی که این محل، زیارتگاهی است، که اگر کسی در اینجا رحمت به او نرسد امید ندارد، که در جای دیگر به او رسد، و نه احدی بدبخت‌تر از کسی است، آرزوکنان اینجا را قصد کند، و از آن ناامید بازگردد. خدایا به تو پناه می‌آورم از شرّ چنان بازگشتی، و از نومیدی محلّ مراجعت [قیامت] و سخت‌گیری به هنگام حساب، از تو بعید است ای پروردگارم، که مقرون سازی طاعت، ولیّات را به دوستی‌اش را به دوستی‌ات، و نافرمانی‌اش را به نافرمانی‌ات، سپس زائر او را ناامید کنی، و کسی که دوری شهرها را برای زیارت قبرش تحمل نموده ناامید نمایی!! به عزّت سوگند ای پروردگارم، که نهادم بر این کار منعقد نمی‌شود زیرا دلها به جانب تو به احسان اشاره کرده‌اند. سپس نماز زیارت بخوان، و چون خواستی وداع گویی، و از آنجا بازگردی بگو: سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت، و سرچشمه رسالت، سلام وداع کننده، نه سلام خسته و خشمگین، و رحمت و برکات خدا بر شما باد. تا آخر، و شیخ مفید هم این دعا را نقل کرده است، ولی بعد از بالجمله تشریف فرموده است: پس بگو: ای ولیّ خدا، همانا بین من و خدای عزّ و جلّ گناهای است، که آنها را جز خشنودی تو از بین نمی‌برد، پس به حق آن‌که تو را بر رازش امین قرار داده، و زیر نظر داشتن کار بندگان را از تو خواسته، و طاعت تو را به طاعتش، و دوستی‌ات را به دوستی‌اش مقرون نموده، اصلاح حال مرا با خدای عزّ و جلّ به عهده گیر، و بهره مرا از زیارت، آمیختنم با زائران خالصت قرار ده، آنان که آزادی آنها را از عذاب قیامت، از خدا درخواست می‌کنی، و به او در خوبی پاداششان رغبت می‌نمایی، اینک من امروز به قبر تو پناهنده شده‌ام، و به خوبی دفاعت از من، به قبر تو پناه بسته‌ام، پس کار مرا تدارک کن ای مولایم و مرا دریاب، و از خدای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 846

عزّ و جلّ، اصلاح در کارم را بخواه، که برای تو نزد خدای مقام کریم، و منزلتی عظیم است، درود و سلام خدا بر تو سلامی خاص و شایسته.

مؤلف گوید: بهتر آن است که زائر در مشاهد مشرفه، چون بخواهد دعا کند، بلکه هر دعاکننده‌ای، در هر کجا که باشد، برای هر مطلب و حاجتی که بخواهد دعا نماید، بر دعای خود مقدم کند، دعا برای سلامتی وجود مقدس حجت عصر، حضرت صاحب الامر علیه السلام را، و این مطلب، مطلبی بسیار مهم و دارای فواید فوق العاده است، که شرحش مناسب اینجا نیست. و مرحوم شیخ نوری، در باب دهم کتاب «نجم ثاقب»، این مطلب را مشروحان ذکر کرده، و بعضی از دعاها را مخصوص به این مقام را نوشته، هرکه می‌خواهد به آنجا رجوع کند، و مختصرترین آنها دعایی است، که در اعمال شب بیست و سوم ماه رمضان، در ضمن دعاها شبهای دهه آخر ذکر شد، و نیز در ذکر آداب زائر امام حسین علیه السلام دعایی نقل کردیم، که در همه مشاهد مشرفه خوانده می‌شود.

مقام سوم: در صلوات بر حجج طاهره علیهم السلام است.

شیخ طوسی در کتاب «مصباح» در اعمال روز جمعه فرموده: جماعتی از اصحابمان، از ابو المفضل شیبانی خبر دادند، که گفت: ابو محمد عبد الله بن محمد عابد بدالیه حدیثی نقل کرد و به زبان خویش گفت: از مولای خود امام حسن عسگری علیه السلام در منزلشان در سرمن رأی، سال دویست و پنجاه و پنج خواسته‌ام، که بر من املا فرماید، [یعنی کلمه کلمه بگوید]، کیفیت فرستادن صلوات بر پیامبر و جانشینان آن حضرت را (صلوات الله علیهم)، و با خود کاغذ بزرگی حاضر کردم، پس بر من املا کرد با لفظ خود، بدون آنکه از کتابی ببیند. فرمود:

صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

خدایا بر محمد درود فرست، چنان که وحیات را به دوش جان کشید، و رسالات تو را به مردم رساند. و بر محمد درود فرست همچنان که حلال کرد حلالیت را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 847

و حرام نمود حرامت را، و قرآنت را به مردم آموخت، و بر محمد درود فرست، همچنان که نماز را بپا داشت، و زکات پرداخت، و به دینت دعوت نمود، و بر محمد درود فرست، چنان که وعده‌ات را تصدیق کرد، و مردم را از تهدیدات بیم داد، و بر محمد درود فرست، چنان که به خاطر او گناهان را آمرزیدی، و عیوب را پوشانیدی، و گرفتاریها را برطرف

ساختی، و بر محمد درود فرست، چنان که بدبختی را به او دفع کردی، و غمگینی را به سبب وجود او زدودی، و دعا را اجابت فرمودی، و از بلا نجات دادی، و بر محمد درود فرست، چنان که بندگان را به خاطر او رحم کردی، و کشورها را به او زنده نمودی، و گردنکشان را به وسیله او درهم شکستی، و فرعونها را هلاک کردی، و بر محمد درود فرست، چنان که اموال را به او چند برادر فرمودی، و از هراسها پناه دادی، و بتها را شکستی، و به مردمان رحم نمودی، و بر محمد درود فرست، چنان که او به بهترین دینها برانگیختی، و ایمان را به او عزت دادی، و بتها را به وسیله او نابود کردی، و خانه کعبه را به او عظمت دادی، و بر محمد و اهل بیت پاک نیکوکارش درود و سلام فرست سلامی خاص و شایسته.

صلوات بر امیر مؤمنان علیه السلام

خدایا بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب درود فرست، برادر پیامبرت و ولی و برگزیده‌اش، و وزیر و جایگاه سپردن دانشش، و موضع راز و درگاه حکمتش، و گویای به حجت، و دعوت کننده به شریعتش و جانشین او در امتش، و برطرف کننده رنج و اندوه از چهره‌اش، و درهم شکننده کافران، و به خاک مالنده بینی بدکاران، آن که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 848

او را نسبت به پیامبرت به منزله هارون از موسی قرار دادی. خدای دوست بدار هرکه دوستش دارد، و دشمن بدار هرکه دشمنش دارد، و یاری کن هر که یاری‌اش نماید، و خوار کن هر که او را واگذارد، و لعنت کن هر که به دشمنی‌اش برخاست، از پیشینیان و پسینیان، و بر او درود فرست برترین درودی که بر یکی از جانشینیان پیامبرت فرستادی، ای پروردگار جهانیان.

صلوات بر سرور بانوان فاطمه علیها السلام

خدایا درود فرست، بر صدیقه فاطمه زکّیه، محبوبه حبیبیت، و پیامبرت، و مادر دوستان و برگزیدگان که او را انتخاب نمودی، و برتری دادی و برگزیدی، بر فراز بانوان جهانیان. خدای از کسانی که به او ستم کردند، و حق او را سبک شمردند، انتقامش را بگیر، و خونخواه خون فرزندان‌اش باش. خدایا همچنان که او را مادر امامان هدایت و همسر صاحب

پرچم در قیامت، و گرامی در انجمن والاتر قرار دادی، پس بر او و مادرش درود فرست، درودی که آبروی محمد (درود خدا بر او و خاندانش) را به آن گرامی بداری، و دیده فرزندانش را روشن کنی، و برسان به ایشان از جانب من، در این ساعت برترین تحیت و سلام را.

صلوات بر حسن و حسین علیهما السلام

خدایا بر حسن و حسین درود فرست، دو بندهات و دو نمایندهات، دو فرزند رسالت، دو فرزندزاده رحمت و دو سرور جوانان اهل بهشت، برترین درودی که بر یکی از فرزندان پیامبران و رسولان فرستادی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 849

خدایا بر حسن درود فرست، فرزند سرور پیامبران، و جانشین امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان، گواهی می‌دهم ای فرزند امیر مؤمنان، که تو امین خدا و فرزند امین خدایی، مظلومانه زیستی، و شهید از دنیا رفتی، و گواهی می‌دهم که تویی امام پاکیزه راهنما، راه یافته. خدایا بر او درود فرست، و از جانب من در این ساعت به روح و جسدش بهترین تحیت و سلام را برسان. خدایا بر حسین بن علی درود فرست، آن مظلوم شهید، کشته کافران، به خاک افتاده بدکاران، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، به یقین گواهی می‌دهم که تو امین خدا، و فرزند امین خدایی، مظلومانه کشته شدی، و شهید از دنیا رفتی، و گواهی می‌دهم که خدای تعالی خواستار انتقام توست، و وفاکننده به وعده‌ای که به تو داده، بر یاریات، و تأیید در نابودی دشمنان، و آشکار ساختن دعوت. و گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردی، و در راه خدا جهاد نمودی، و مخلصانه خدا را عبادت کردی، تا مرگ تو را در رسید، خدا لعنت کند امتی که تو را کشتند، و خدا لعنت کند امتی که دست از یاریات کشیدند، و خدا لعنت کند امتی که دیگران را علیه تو ترغیب کردند، به پیشگاه خدا بیزاری می‌جویم، از کسی که تو را تکذیب کرد، و حق تو را سبک شمرد، و خونت را حلا دانست، پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبد الله، خدا لعنت کند قاتلت را، و لعنت کند دریغ کننده از یاریات را، و خدا لعنت کند کسی را که فریادت را شنید و پاسخت را نداد، و یاریات نکرد، و خدا لعنت کند کسی را که زنانت را اسیر کرد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 850

من به سوی خدا، از اینان بیزارم، و از هرکه دوستشان داشت، و از آنان پیروی نمود و یاری‌شان داد، و گواهی می‌دهم که تو و امامان از فرزندان، کلمه تقوا و درگاه هدایت، و دستاویز محکم، و حجت بر اهل دنیا، و گواهی می‌دهم که من به شما مؤمن، و به مقام شما یقین دارم، و پیرو شمایم با تمام وجودم، و در قوانین دینم، و سرانجام عملم و بازگشتگاهم، در دنیا و آخرتم.

صلوات بر علی بن الحسین علیه السلام

خدایا بر علی بن الحسین، سرور عبادت‌کنندگان درود فرست، که او را برای خود برگزیدی، و از نسل او امان هدایت را قرار دادی، امامانی که به حق هدایت می‌کنند، و به حق باز می‌گردند، او را برای خود انتخاب کردی، و از پلیدی پاکش ساختی، و برگزیدی، و او را راهنما و راه یافته قرار دادی. پس بر او درود فرست، بهترین درودی که بر یکی از فرزندان پیامبران فرستادی، تا او را به مقامی رسانی، که دیده‌اش به آن در دنیا آخرت روشن شود، که تو عزیز و حلیمی.

صلوات بر محمد بن علی علیه السلام

خدایا درود فرست بر محمد بن علی، شکافنده دانش، و پیشوای هدایت، و رهبر اهل تقوا، و برگزیده از بندگان. خدایا چنان که او را قرار دادی برای بندگان نشانه، و برای کشورهای مشعل نور، و محل سپردن حکمت و تفسیرگرت وحیات، و به فرمان بردن از او فرمان دادی، و از نافرمانی‌اش برحذر داشتی، پس بر او درود فرست، ای پروردگار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 851

برترین درودی که بر یکی از فرزندان پیامبران و برگزیدگان، و رسولان و امین‌های فرستادی، ای پروردگار جهانیان

صلوات بر جعفر بن محمد علیه السلام

خدایا درود فرست، بر جعفر بن محمد صادق، خزانه دار دانش، دعوت کننده به سوی تو بر پایه حق، آن نور آشکار خدایا چنان که او را قرار دادی معدن کلامت، و وحیات، و خزانه دار دانشت، و زبان توحیدت و سرپرست فرمانت، و نگهدارنده دینت، پس بر او درود فرست، بهترین درودی که بر یکی از برگزیدگان، و حجت‌های فرستادی که تو ستوده و بزرگواری.

صلوات بر موسی بن جعفر علیه السلام

خدایا درود فرست بر امین مورد اعتماد، موسی بن جعفر، نیکوکار وفادار، پاک و پاکیزه، نور آشکار تلاش کننده، و عمل کننده، برای خدا، شکیبیا بر آزار در راه تو. خدایا چنان که از سوی پدرانش، آنچه از امر و نهی تو، به او سپرده شده بود، به مردم رساند، و بندگان را به راه روشن واداشت، و از اهل تکبر و سرسختی، در اموری که از نادانان ملت خود می دید، متحمل زحمت و مصیبت شد، پس بر او درود فرست، برترین و کاملترین درودی که بر یکی از فرمانبران و خیرخواهان بندگان فرستادی، به درستی که تو آمرزنده و مهربانی.

صلوات بر علی بن موسی علیه السلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 852

خدایا درود فرست بر علی بن موسی، که او پسندیدی، و به وسیله او هر که را از آفریدگان خواستی، خشنود ساختی. و همچنان که او را قرار دادی، حجت بر بندگان، و قیام کننده به فرمانت، و یاور دینت، و گواه بر بندگان، و چنان که برای آنان، در نمان و آشکار خیرخواهی نمود، و با حکمت و اندرز پسندیده، به راحت خواند، پس بر او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از اولیای، و برگزیدگان از آفریدگان فرستادی، که تو بخشنده کریمی.

صلوات بر محمد بن علی علیه السلام

خدایا درود فرست بر محمد بن علی بن موسی، نشانه تقوا، و نور هدایت، و معدن وفا، و نژاد پاکان، و جانشین اوصیا، و امین تو بر وحی. خدایا چنان که به وسیله و مردم را از گمراهی به عرصه هدایت آوردی، و از سرگردانی رهایی بخشیدی، و به وجود او راهنمایی کردی هرکه را که هدایت یافت، و تربیت نمودی هرکه را که تربیت شد، پس بر او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از اولیای، و باقیمانده اوصیای فرستادی، به درستی که تو عزیز حکیمی.

صلوات بر علی بن محمد علیه السلام

خدایا درود فرست بر علی بن محمد، جانشین اوصیا، و پیشوای پرهیزگاران، و یادگار امامان دین، و حجت بر همه آفریدگان. خدایا چنان که او را نوری قرار دادی، که مؤمنان به وسیله او روشنی جویند، پس به پاداش شایانت مژده داد، و به کیفر دردناکت بیم داد، و از صولت برحذر داشت، و آیات را به یاد مردم انداخت، و حالات را حلال و حرامت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 853

را حرام کرد، و قوانین و واجبات را بیان فرمود، و مردم را به بندگی ات ترغیب نمود و به طاعتت فرمان داد، و از نافرمانی ات بازداشت، پس بر او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از اولیای، و نسل پیامبران فرستادی، ای معبود جهانیان راوی این صلوات، ابو محمد یعنی گفت: چون حضرت عسکری علیه السلام از ذکر صلوات بر پدرشان فارغ شد، و نوبت به خود آن جناب رسید، ساکت ماند، عرضه داشتم: کیفیت صلوات بر باقی را بفرمایید، فرمود: اگر نه این بود، که ذکر این نکته از نشانه‌های دین است و خدا ما را امر فرموده که به اهلش برسانیم، هرآینه دوست داشتم ساکت بمانم، ولی چون در بیان دین است پس بنویس.

صلوات بر حسن بن علی علیه السلام

خدایا درود فرست بر حسن بن علی بن محمد، نیکوکار، پرهیزگار، صادق، وفادار، نور تابنده، خزانه دار دانش، به یاد اندازه توحیدت، و ولی امرت، و یادگار پیشوایان دین، آن راهنمایان رشد یافته، و حجت بر اهل دنیا، پس بر او درود فرست، ای پروردگار، برترین درودی که بر یکی از برگزیدگان و حجت‌های، و اولاد رسولانت فرستادی، ای معبود جهانیان.

صلوات بر ولی الامر المنتظر علیه السلام

خدایا درود فرست بر نماینده‌ات و فرزند نمایندگانت، آنان که فرمانبرداری از آنها را لازم نمودی، و حقّشان را واجب گرداندی، و پلیدی را از آنها بردی، و پاکشان نمودی، پاک کردن درخور و شایسته. خدایا یاری‌اش کن، و به وسیله او برای دینت یاری رسان، و به دست او یاری فرما دوستان و دوستانش و شیعیان و یاورانش را، و ما را از آنان قرار ده. خدایا به او پناه ده. از شرّ هر متجاوز و سرکش، و از شرّ همه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 854

آفریدگانت، و او را حفظ کن، از پیش رویش و از پشت سرش، و از جانب راستش، و از طرف چپش، و نگهبانی‌اش کن و جلوگیری فرما از اینکه پیش‌آمد بدی به او در رسد، و پیامبرت و خاندان پیامبرت را در وجود او حفظ فرما، و عدالت را به او آشکار کن، و وی را با پیروزی تأیید کن، یاورش را یاری ده، و دریغ کننده از یاری‌اش را خوار گردان، و به دست او گردنکشان کفر را درهم شکن، و کافران و منافقان و تمام بی‌دینان را به قتل برسان، هر کجا هستند، در مشرقهای زمین و مغربهایش، در خشیها و دریاهايش و به وسیله او زمین را از عدالت پر کن، و دین پیامبرت (بر او و خاندانش درود باد) را به او نمایان فرما، و قرار ده مرا خدایا از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیانش، و دربار خاندان محمد به من بنمایان، آنچه را که آرزو دارند، و دربار دشمنانشان آنچه را که بیم دارند، ای معبود حق آمین.

در بیان زیارت پیامبران عظام و امامزادگان عالی مقام و زیارت قبور مؤمنان اسکن الله دار السلام و مشتمل است، بر سه بخش:

بخش اول: در زیارت پیامبران عظام است. بدان که تکریم و تعظیم پیامبران علیهم السلام عقلا و شرعا لازم (لا نقرق بی احد من رسله) و زیارتشان، پسندیده و راجح است. علما به استحباب زیارت آن بزرگواران تصریح فرموده‌اند، و عدد آن بزرگواران گرچه بسیار، ولی قبرهای معلوم آنان بسیار اندک است، و قبور آنهایی که فعلا در خاطر خود حاضر دارم از این قرار است: حضرت آدم و حضرت نوح که این دو بزرگوار در مرقد منور حضرت امیر مؤمنان علیه السلام مدفونند. حضر

ابراهیم علیه السلام در قدس خلیل، که نزدیکی بیت المقدس قرار دارد، مدفون است، و در جوار آن حضرت جناب ساره زوجه او، و جناب اسحاق

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 855

و یعقوب و یوسف علیهم السلام مدفونند. و حضرت اسماعیل علیه السلام و مادرش هاجر در مسجد الحرام در پیرامون حجر مدفونند. و نیز قبور بعضی از پیامبران علیهم السلام در آنجا است. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده: مابین رکن و مقام مملو از قبور پیامبران است، و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: مابین رکن یمانی و حجر الاسود، هفتاد پیامبر مدفونند. در بیت المقدس، قبور عده‌ای از پیامبران مانند حضرت داود و سلیمان علیهما السلام و غیر آن دو بزرگوار قرار دارد، که نزد اهل آنجا معروفند. قبر جناب زکریا علیه السلام در شهر حلب مشهور است، و برای جناب یونس علیه السلام در شریعه کوفه بقعه و قبه‌ای معروف است، و قبر حضرت هود و صالح علیه السلام در نجف اشرف مشهور، و مرقد حضرت ذی الکفل علیه السلام در کنار شطّ فراط نزدیک کوفه به مساحت چند فرسخ معروف و در شهر موصل مرقد جرجیس پیغمبر علیه السلام، و در بیرون شهر قبر شیث هبة الله علیه السلام، و در شهر شوش قبر دانیال علیه السلام، و در برابر مسجد براثا قبر جناب یوشع و غیر اینها سلام الله علیهم اجمعین واقع شده است.

کیفیت زیارت پیامبران: در اخبار، زیارت ویژه‌ای برای این بزرگواران به نظر نرسیده مگر زیارت آدم و نوح علیهما السلام که در باب زیارت حضرت امیر مؤمنان علیه السلام گذشت، ولی از روایت زیارت جامعه که ما آن را اول زیارات جامعه قرار دادیم، استفاده می‌شود، که پیامبران هم به آن زیارت می‌شوند. شاید بر این مطلب آن شیخ بزرگوار محمد بن مشهدی در کتاب مزار، و سیّد اجلّ علی ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» و غیر ایشان رضوان الله علیهم در آداب ورود به کوفه، همین زیارت شریفه را برای مشهد حضرت یونس علیه السلام ذکر کرده‌اند. و گمان آن است که نقل زیارت مذکور توسط ایشان، از مفهوم عامّ روایت استفاده شده. در هر صورت، اگر کسی آن زیارت جامعه را در آرامگاههای شریف پیامبران علیهم السلام بخواند مناسب است، و چون زیارت در صفحات گذشته ذکر شد، نیازمند به نقل آن در اینجا نیستیم، هرکه می‌خواهد، به زیارت اول زیارات جامعه [صفحه 829] مراجعه کند، و از فیض عظیم آن، خود را بهره‌مند سازد.

بخش دوم: در زیارت امامزادگان عظام: که قبورشان محلّ فیوضات و برکات، و موضع نزول رحمت و عنایات الهیّه است، و علمای اعلام به استحباب زیارت قبور ایشان تصریح فرموده‌اند. و بحمد الله تعالی در اکثر شهرهای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 856

شیعه قبورشان موجود، بلکه در روستاها و بیابانها، و اطراف کوهها و دره‌ها، پیوسته پناهگاه درماندگان، و مأوی واماندگان و پناه ستمدیدگان، و موجب تسلی دل‌های پژمردگان بوده است. و تا روز قیامت خواهد بود، و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده. ولی پوشیده نماند که امامزاده‌ای که انسان، با اطمینان خاطر، به خاطر درك فیوضات، و زدودن رنجها و غصه‌ها، به جانب قبر شریفش، بار سفر ببندد، و شد رحال کند، باید نسبت به او دو مطلب را رعایت کند، آنگاه به قصد زیارت حرکت کند. اول: جلالت مقام، و عظمت شأن صاحب آن مرقد، علاوه بر شرافت نسب او، که این دو معنا، از کتابهای حدیث و انساب [علم نسب‌شناسی] و تاریخ شناخته می‌شود. دوم: معلوم بودن قبر آن سید جلیل و صحت نسبت قبر به او، و زمینه جمع بین این دو مطلب بسیار کم است. و ما در کتاب «هدیه الزائر» به ذکر جمعی از ایشان اشاره کرده‌ایم. و در کتاب «نفثة المصدور» و «منتهی الآمال» اشاره به محسن بن حسین علیه السلام نمودیم، و چون در این کتاب گنجایش ذکر نیست، تنها به ذکر دو نفر از ایشان اکتفا می‌نماییم.

زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

اول: سیده جلیله معظمه حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام که به حضرت معصومه علیها السلام شهرت دارد و قبر شریفش در شهر مقدس قم، معروف و مشهور است و دارای بارگاه والا و ضریح متعدد و خدمه بسیار، و موقوفات زیادی می‌باشد و روشنی چشم اهل قم و مأوی و پناهگاه عموم مردم است و هر سال جمعی فراوان از شهرهای دور، بار سفر می‌بندند و رنج راه می‌کشند، تا به درك فیوضات از زیارت آن معظمه نایل گردند و فضیلت و جلالت آن حضرت از اخبار بسیار، استفاده می‌شود. شیخ صدوق به سند حسن، [سندی در حد صحیح] از سعد بن سعد روایت کرده که از حضرت رضا علیه السلام درباره فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کرد؟ حضرت فرمود: هر که او را زیارت کند، برای او بهشت است. و به سند معتبر دیگر، از فرزند آن حضرت، امام جواد علیه السلام روایت شده که هر که مرا در قم زیارت کند، بهشت برای اوست. علامه مجلسی رحمه الله از بعضی کتابهای زیارات، نقل کرده: علی بن ابراهیم، از پدرش، از سعد اشعری قمی، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: ای سعد، از ما نزد شما قبری هست، گفتم فدایت شوم قبر فاطمه، دختر امام موسی علیه السلام را می‌فرمایی؟ فرمود:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 857

آری هرکه او را زیارت کند، درحالی که عارف به حقش باشد، بهشت برای اوست. چون به نزد قبر آن حضرت برسی، بالای سر، رو به قبره بایست، و سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگو، آنگاه بخوان:

سلام بر آدم برگزیده خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا، سلام بر ابراهیم دوست خدا سلام بر موسی همسخن خدا، سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبد الله خاتم پیامبران، سلام بر تو ای امیر مؤمنان علی بن ابیطالب، جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر شما ای دو فرزندزاده پیامبر رحمت، و دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای علی بن الحسین، سرور عبادکنندگان، و روشنی چشم بینندگان، سلام بر تو ای محمد بن علی، شکافنده دانش پس از پیامبر، سلام بر تو ای جعفر بن محمد، راستگوی نیکوکار امین، سلام بر تو ای موسی بن جعفر، امام پاك و پاکیزه، سلام بر تو ای علی بن موسی الرضا امام پسندیده، سلام بر تو ای محمد بن علی تقی، سلام بر تو ای علی بن محمد نقی اندرزگوی امین، سلام بر تو ای حسن بن علی، سلام بر وصی پس از او. خدایا درود فرست بر نورت، و چراغت، و نماینده نمایندهات، و جانشین جانشینت، حجت بر آفریدگانت، سلام بر تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 858

ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه، سلام بر تو ای دختر امیر مؤمنان، سلام بر تو ای دختر حسن و حسین، سلام بر تو ای دختر ولی خدا، سلام بر تو ای خواهر ولی خدا، سلام بر تو ای عمه ولی خدا، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای دختر موسی بن جعفر، سلام بر تو، خدا بین ما و شما در بهشت شناسایی برقرار کند، و در گروهتان محشور دارد، و بر حوض پیامبران واردمان نماید، و به ما با جدّتان، از دست علی بن ابی طالب بنوشاند دروذهای خدا بر شما باد، از خدا خواستارم که به ما درباره شما خوشحالی و گشایش بنمایاند، و ما و شما را در گروه جدّتان محمد (درود خدا بر او و خاندانش) گرد آورد، و معرفت شما را از ما باز نگیرد، به راستی او سرپرستی تواناست. به درگاه خدا به سبب دوستی شما، و بیزاری از دشمنانتان، و تسلیم بودن به خدا، تقرّب می جویم، در حال خشنودی به آن، نه با انکار و تکبر بلکه بر پایه یقین به آنچه محمد آن را آورده، و به آن خشنودم، به این امور خاطر تو را می خواهم ای آقای من، خدایا خشنودی ات و خانه آخرت را می خواهم، ای فاطمه درباره بهشت برلیم شفاعت کن، به درستی که برای تو نزد خدا مقامی از مقامات بلند است. خدایا از تو می خواهم، که سرانجام کارم را به خوشبختی ختم کنی، و آنچه را در آتم از دستم مگیری، و جنبش و نیروی جز به خدای والای بزرگ نیست. خدایا برای ما اجابت کن، و آن را به کرم و

عزّت و به رحمت و عافیت پذیر، و درود خدا بر محمد و همه خاندان او، و بر آنان سلام، سلامی کامل، ای مهربان ترین مهربانان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 859

دوم: امام زاده لازم التعظیم، جناب عبد العظیم، که نسب شریفش به چهار واسطه، به سبط جلیل حضرت خیر الوری امام حسن مجتبی علیه السلام به این طریق منتهی می گردد: عبد العظیم بن عبد الله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب. قبر شریفش در منطقه ری معلوم و مشهور، و مأوی و پناهگاه عموم مردم است، و بلندی مقام و جلالت شأن آن حضرت، روشن تر از آفتاب است، چه آن جناب علاوه بر آنکه از دودمان حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله می باشد از بزرگان راویان و اعظام علما و زاهدان و عابدان و صاحب تقوا و پرهیز و از اصحاب حضرت جواد، و حضرت هادی علیهما السلام است، و به خدمت ایشان، نهایت توسّل و انقطاع را داشته است، و زان بزرگواران، احادیث بسیار روایت کرده. صاحب کتاب «خطب امیر المؤمنین» و کتاب «یوم و لیل» است و اوست که دین خود را بر امام زمانش حضرت هادی علیه السلام عرضه کرد و حضرت او را تصدیق کرد و فرمود: ای ابا القاسم، این است به خدا قسم دین خدا، که برای بندگانش پسندیده، پس بر آن پایدار باش، خدا تو را در دنیا و آخرت برگزیند، پایدار، پاینده بدارد. صاحب بن عبّاد، رساله مختصری در حالات آن جناب نوشته که شیخ ما، مرحوم ثقة الاسلام نوری، در خاتمه مستدرک، آن را نقل کرده در آن کتاب و در رجال شیخ نجاشی آمده: حضرت عبد العظیم از سلطان زمان خود ترسید، و گریخت، و به عنوان آنکه قاصد و پیک است، در شهرها گردش می کرد تا به ری آمد، و در ساریانان مخفی شد، و بنا بر روایت نجاشی در سردابی در خانه یکی از شیعیان، در سگّه الموالی پنهان گشت، و در آنجا عبادت خدا می کرد و روزها را روزه می داشت و شبها به نماز می ایستاد، و پنهان از دید مردم بیرون می آمد، و قبری را که برابر قبر او به فاصله یک راهرو است زیارت می کرد، و می گفت: این قبر مردی از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام است، و پیوسته در آنجا بود و یکی دو نفر از شیعه، از احوال او با خبر می شدند، تا آنکه بیشتر مردم ری او را شناختند، پس شخصی از شیعیان، حضرت رسالت پناه را در خواب دید، که فرمود: مردی از فرزندان مرا، از سگّه الموالی برخواند داشت، و کنار درخت سیب، در باغ عبد الجبار بن عبد الوهاب، دفن خواهند کرد، و اشاره فرمود به همان مکانی که در آنجا دفن شد، بیننده خواب نزد صاحب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 860

باغر رفت، تا آن درخت و جایش را از صاحب باغ بخرد، مالك باغ به او گفت: این درخت و جایش را برای چه می‌خری؟ خریدار خوابش را تعریف کرد، صاحب باغ گفت: من نیز چنین خوابی دیده‌ام، و جای این درخت را با تمام باغ وقف بر آن سید، و سایر شیعیان کرده‌ام، که اموات خود را در آنجا دفن کنند. حضرت عبد العظیم پس از مدتی بیمار شد، و بر اثر آن بیماری به رحمت ایزدی پیوست، چون او را برای غسل دادن برهنه کردند، در جیب لباسش ورقه‌ای یافتند، که نسب شریف خود را در آن نوشته بود: منم ابو القاسم عبد العظیم فرزند عبد الله فرزند علی، فرزند حسن، فرزند زید، فرزند امام حسن، فرزند علی بن ابی طالب علیهم السلام.

صاحب بن عبّاد، در وصف دانش عبد العظیم فرموده: ابو تراب رویانی روایت کرده که گفت: از ابو حمّاد رازی شنیدم که می‌گفت: در شهر سرّمن‌رأی بر حضرت امام علی النقی علیه السلام وارد شدم، پس پاره‌ای از مسائل حلال و حرام خود را، از آن حضرت پرسیدم. سؤالات مرا پاسخ دادند، زمانی که برای بیرون آمدن از سرّمن‌رأی، با آن حضرت وداع کردم به من فرمودند: ای حمّاد هرگاه چیزی از امور دینت بر تو مشکل شد، در ناحیه خود، یعنی در شهر ری، از عبد العظیم بن عبد الله حسنی پیرس، و سلام مرا به او برسان. محقق داماد در کتاب «رواشح» گفته، احادیث بسیاری در فضیلت زیارت حضرت عبد العظیم روایت شده، از جمله آمده است: هرکه قبر او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود، و شیخ بزرگوار شهید ثانی در حواشی کتاب «خلاصه» همین روایت را از بعضی نسب‌شناسان نقل فرموده، و ابن بابویه و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده‌اند، که مردی از اهل ری، خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام رفت، حضرت پرسید کجا بودی؟ عرض کرد به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بودم، فرمود: اگر قبر عبد العظیم را که نزد شماست، زیارت می‌کردی، هرآینه مانند کسی بودی که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشد.

فقیر گوید: علما برای آن بزرگوار زیاراتی نقل نکرده‌اند، مگر فخر الحققین آقا جمال الدین، که در کتاب «مزار» خود فرموده زیارت آن حضرت به این صورت مناسب است:

سلام بر آدم برگزیده خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا، سلام بر ابراهیم دوست خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 861

سلام بر موسی همسخن خدا، سلام بر عیسی روح خد، سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبد الله خاتم پیامبران، سلام بر تو ای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب، جانشین رسول خدا سلام بر تو ای فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر شما ای دو فرزندزاده پیامبر رحمت، و دو

سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای علی بن الحسین سرور عبادکنندگان، و نور چشم بینندگان، سلام بر تو ای محمد بن علی، شکافنده دانش، پس از پیامبر، سلام بر تو ای جعفر بن محمد راستگوی نیکوکار امین، سلام بر تو ای موسی بن جعفر، پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای علی بن موسی الرضا، امام پسندیده، سلام بر تو ای محمد بن علی پرهیزگار، سلم بر تو ای علی بن محمد التّقی، خیرخواه امین، سلام بر تو ای حسن بن علی، سلام بر جانشین پس از او، پروردگارا درود فرست بر نورت و چراغت، و نماینده نماینده‌ات، و جانشین جانشینت، و حجّت بر آفریدگانت، سلام بر تو ای سرور پاکیزه و پاک و برگزیده، سلام بر تو ای فرزند سروران پاک، سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان و خوبان، سلام و رحمت و برکات خدا بر رسول خدا و بر فرزندان رسول خدا. سلام بر بنده شایسته، فرمانبردار پروردگار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 862

جهانیان، و پیرو رسول او و امیر مؤمنان، سلام بر تو ای ابا القاسم فرزند سبط نجیب برگزیده، سلام بر تو ای کسی که به زیارتش، ثواب زیارت سید الشهداء امید می‌رود، سلام بر تو، خدا میان ما و شما در بهشت، شناسایی برقرار کند، و در گروهتان محشور فرماید، و به حوض پیامبرتان وارد سازد، و به ما با جام جدّتان از دست علی بن ابیطالب بنوشاند، درود خدا بر شما، از خدا می‌خواهم که به ما درباره شما، خوشحالی و گشایش بنمایاند، و ما و شما را در گروه جدّتان محمد درود خدا بر او و خاندانش گرد آورد، و معرفت شما را از ما باز نگیرد، به درستی که او سرپرست توانایی است، من با دوستی شما، و بیزاری از دشمنانتان، و تسلیم بودن به خدا، تقرب به خدا می‌جویم، با خشنود بودن به آن، بدون انکار و تکبر، و به یقین به آنچه محمد آن را آورده، به این امر و خاطر تو را می‌جویم ای سرور من، خدایا خشنودی تو، و خانه آخرت را می‌خواهم، ای سرور من و فرزند سرور من، برایم درباره بهشت شفاعت کن، زیرا برای تو نزد خدا مقامی از مقامات والا است. خدایا از تو می‌خواهم که سرانجام کارم را به خوشبختی ختم کنی، و آنچه را در آنم از دستم نگیری، جنبش و نیرویی جز به خدای والای بزرگ نیست. خدایا برای ما اجابت کن، و آن را به کرم و عزّت، و رحمت و عافیت بپذیر، و درود خدا بر محمد و خاندان او و بر آنان سلام باد، سلامی کامل، ای مهربان‌ترین مهربانان.

فخر المحققین فرموده: در پاره‌ای از اخبار ذکر شده، که امام‌زاده عبد العظیم، در هنگام توقّف در شهر ری، به طور پنهان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 863

از منزل بیرون می‌آمد، و قبری که برابر قبر او به فاصله يك راهرو قرار دارد، زیارت می‌کرد، و می‌فرمود: این قبر مردی از فرزندان موسی بن جعفر علیهما السّلام است، و اکنون قبری در آنجاست، منسوب به امامزاده حمزه، فرزند موسی بن جعفر علیهما السّلام، و ظاهراً همان قبری است که امامزاده عبد العظیم آن را زیارت می‌نمود، ان شاء الله او را هم باید زیارت کرد، و در زیارتش، همین زیارت را تا «المطیع لله رب العالمین و لرسوله و لامیر المؤمنین» می‌توان خواند، و دنباله زیارت را که خاص حضرت عبد العظیم است نباید خواند. پایان سخن فخر المحققین. پنهان نباشد، که در صحن امامزاده حمزه، قبر شیخ جلیل سعید، قدوة المفسّرين، جمال الدین ابو الفتوح حسین بن علی خزاعی رحمه الله صاحب تفسیر معروف قرار دارد، باید آن جناب را هم زیارت نمود، و همچنین از زیارت جناب شیخ صدوق رئیس المحدثین، معروف به ابن بابویه، که در نزدیکی شهر حضرت عبد العظیم است، نباید غفلت کرد.

بخش سوم: در زیارت قبور مؤمنان (رضی الله عنهم اجمعین)

شیخ ثقة جلیل القدر، جعفر بن قولویه قمی، از عمرو بن عثمان رازی روایت کرده که گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود: هرکه بر زیارت ما قادر نباشد، پس زیارت کند صالحان از دوستان ما را، تا ثواب زیارت ما را برای او نوشته شود، و کسی که بر صله و نیکی به ما ناتوان باشد، با صالحان از دوستان ما از در صله و نیکی برآید، تا برای او ثواب صله و نیکی به ما نوشته شود. و نیز به صند صحیح از محمد بن احمد بن یحیی الاشعری روایت کرده که من در فید [جایی است در راه مکه] با علی بن بلال به جانب قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع روانه شدم، علی بن بلال به من گفت: صاحب این قبر برای من، از حضرت رضا علیه السّلام روایت کرد: هرکه به نزد قبر برادر مؤمن خود بیاید، و دست بر قبر گذارد، و هفت بار سوره «قدر» را بخواند، و روز فزع اکبر [یعنی ترس بزرگ روز قیامت] ایمن شود.

و در روایت دیگری مانند همین مطلب را نقل کرده، جز آنکه در آن آمده: رو به قبله کند. فقیر گوید: این ایمن بودن که، روایت بر آن دلالت دارد، ممکن است برای خواننده باشد، چنانکه ظاهر حدیث چنین است و احتمال دارد برای صاحب قبر باشد چنانکه آن را تأیید می‌کند حدیثی که بعد از این از سید ابن طاووس نقل میشود. و نیز در کامل الزیارات به سند معتبر نقل شده، عبد الرحمن بن ابی عبد الله، به حضرت صادق علیه السّلام عرضه داشت، چگونه دست خود را بر قبور

مسلمانان بگذارم؟ پس حضرت با دست خود اشاره به زمین فرمود، و دست را بر زمین نهاد در حالی که مقابل قبله بودند. و نیز به سند صحیح روایت شده عبد الله بن سنان به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد، چگونه باید بر اهل قبور سلام کرد؟ فرمود: می گویی: سلام بر اهل دیار از مؤمنان و مسلمانان، شما پیشروان ما بودید، و ما هم انشاء الله به شما ملحق می شویم.

و از حضرت حسین علیه السلام روایت شده: هرکه وارد قبرستان شود و بگوید: ای پروردگار این ارواح فناپذیر و پیکرهای پوسیده و استخوانهای خاکسترشده ای که از دنیا خارج شدند، درحالی که مؤمن به تو بودند، نسیم رحمتی از جانب خود، و سلامی از من بر آنان وارد کن. حق تعالی برای او به عدد خلق، از زمان آدم تا قیام قیامت، حسنات بنویسد، و از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است، هرکه وارد قبرستان شود و بگوید:

سلام بر اهل لا اله الا الله، از اهل لا اله الا الله، ای اهل لا اله الا الله، به حق لا اله الا الله، چگونه یافتید سخن لا اله الا الله، را از لا اله الا الله، ای لا اله الا الله، به حق لا اله الا الله، بیامرز هرکه را گفت لا اله الا الله، و ما را محشور کن در گروه آنان که گفتند: لا اله الا الله، محمد رسول الله علی ولی الله. حق سبحانه و تعالی ثواب پنجاه سال عبادت را برای او بنویسد و گناه پنجاه ساله را از او و پدر و مادرش محو نماید. و در روایت دیگری وارد شده است: بهتر سخنی که در قبرستان بگویی، وقتی که از آنجا بگذری، این است که بایستی و بگویی: خدایا دوست آنان گردان، آنچه را دوست داشتند، و آنان را با هرکه دوست داشتند محشور فرما.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 865

سید ابن طاووس در «مصابح الزائر» گفته: چون زیارت اهل ایمان را قصد کنی، شایسته است روز پنجشنبه باشد، و گرنه هر وقت که خواستی، و کیفیت زیارت ایشان چنین است، که رو به جانب قبله نمایی، و دست خود را بر قبر گذاری، و بگویی: خدایا به غربتش رحم کن، و به تنهایی اش برس، و وحشتش را همدم باش، و ترسش را ایمنی ده، و از رحمت به او آرامش ده، رحمتی که به سبب آن از رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و او را به هرکه دوستش دارد ملحق کن سپس سوره «قدر» را هفت بار می خوانی. و در صفت زیارتشان، و ثواب آن، حدیث دیگری از فضیل روایت شده است که هرکه سوره «قدر» را هفت بار نزد قبر مؤمنی بخواند، حق تعالی فرشته ای به سوی قبر او بفرستد، که خدا را نزد قبر او عبادت کند، و حق تعالی ثواب عمل این فرشته را برای آن مرده بنویسد، پس زمانی که از قبرش برانگیخته شود، به هیچ هراسی از

هراسهای قیامت نگذرد، جز آنکه خدا آن هراس را به سبب آن فرشته از او ب گرداند، تا خدا او را وارد بهشت سازد، و با هفت بار «قدر»، سوره «حمد» و «فلق» و «ناس» و «توحید» و «آیه الکرسی» را هر کدام سه بار بخواند.

و نیز در صفت زیارت آنها، روایت دیگری از محمد بن مسلم روایت شده که گفت: خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: مردگان را زیارت کنیم؟ فرمود: آری، گفتم: آیا آنها می دانند که ما به زیارتشان رفته ایم؟ فرمود: آری به خدا قسم می دانند، و شاد می شوند، و به شما انس می گیرند، عرض کردم وقتی به زیارتشان می رویم چه بگوییم؟ فرمود بگو:

خدایا زمین را از پهلوهایشان خالی گذار، و ارواحشان را به سوی خود بالا ببر، و از خشنودی خود به آنها عنایت کن، و از رحمت به آنان آرامش ده، به طوری که با آنان تنهایی شان را برطرف کنی، و به وسیله آن ترسشان را همدم شوی به درستی که تو بر هر کار توانایی. سپس سید ابن طاووس فرموده است: وقتی که بین قبرهای مؤمنان می باشی، یازده مرتبه «توحید» بخوان، و آن را برای ایشان هدیه کن، به تحقیق روایت شده: که خدا به خواننده آن به عدد مردگان ثواب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 866

می دهد. در کتاب «کامل الزیارات» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: چون مردگان را پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید می شنوند، و به شما پاسخ می دهند، و اگر پس از طلوع آفتاب زیارت کنید، می شنوند و پاسخ نمی دهند. در کتاب دعوات راوندی حدیثی در کرامت زیارت مردگان در شب از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده، چنانکه به حضرت ابی ذر فرمود:

آنان را احیانان در شب زیارت مکن. در مجموعه شیخ شهید از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده: که هیچ کس نزد قبر مرده ای سه مرتبه نمی گوید: خدایا از تو می خواهم به حق محمد و خاندان محمد، که این مرده را عذاب نکنی. مگر اینکه خدای تعالی عذاب را در روز قیامت، از او دور گرداند. از کتاب «جامع الاخبار» نقل شده: بعضی از صحابه، از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده اند: که آن حضرت فرمود: برای اموات خود هدیه بفرستید، پرسیدم: هدیه برای اموات چیست؟ فرمود: صدقه و دعا. و فرمود: هر جمعه ارواح مؤمنان به آسمان دنیا می آیند، و در برابر خانه ها و منازل خود قرار می گیرند، و هر يك از ایشان به آواز حزین با گریه فریاد می کنند: ای اهل من، و اولاد من، ای پدر و مادر من، ای خویشان من، به ما به آنچه در دنیا در دست ما بود مهربانی کنید، عذاب و حساب آن بر ما، و سودش برای غیر ماست، و هر يك خویشان خود را فریاد می کنند: به ما مهربانی کنید به درمی، یا قرص نانی، یا

جامه‌ای، که خدا شمار را از جامه بهشت بپوشاند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله گریه کرد، و ما گریه کردیم، و آن حضرت از زیادی گریستن قدرت بر سخن گفتن نداشت، آنگاه فرمود: اینان برادران دینی شما نیستند، که پس از شادی و نعمت، تبدیل به خاک پوسیده شده‌اند، اینان به عذاب و هلاکت بر جانهای خود فریاد می‌کنند، و می‌گویند: وای بر ما، اگر آنچه در دست ما بود در طاعت و رضای خدا انفاق می‌کردیم، نیازمند به شما نبودیم، پس با حسرت و پشیمانی باز می‌گردند، و فریاد می‌زنند، صدقه مردگان را زود بفرستید، و نیز از آن حضرت روایت کرده: هر صدقه‌ای که برای میت داده می‌شود، فرشته‌ای آن را در طبقی می‌گیرد، که شعاع آن درخشان است، و به هفت آسمان می‌رسد، پس لب قبر می‌ایستد، و فریاد می‌کند:

السَّلامَ عَلَیْکُمْ یا اهل القبور اهل شما این هدیه را به سوی شما فرستادند، پس میت آن را می‌گیرد، و وارد قبر خود می‌کند، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 867

خوابگاهش با آن گسترده می‌شود، سپس فرمود: هرکس میت را با دادن صدقه مهربانی کند، برای اوست نزد خدا از پاداش، مانند کوه احد، و روز قیامت در سایه عرش خدا می‌باشد، روزی که سایه‌ای جز سایه عرش خدا نیست. زنده و مرده به این صدقه نجات می‌یابند. حکایت شده: امیر خراسان را در خواب دیدند، که می‌گفت: برای من آنچه را که برای سگان خود می‌اندازید بفرستید، که به آن نیازمندم. بدان که زیارت قبور مؤمنان ثواب بسیار دارد، و علاوه بر فواید عظیمه‌ای که بر آن مترتب است، باعث عبرت و آگاهی و زهد و بی‌میلی به دنیا، و رغبت در آخرت می‌شود، و به هنگام اندوه بسیار، و شادی فراوان، باید به قبرستان رفت، عاقل آن است که در قبرستان از اموات عبرت بگیرد، تا حلاوت دنیا از دلش بیرون رود، و شاهد کالای دنیوی در کامش تلخ گردد، و در فنای دنیا و دگرگونی احوال آن تفکر کند و توجه کند که او نیز به نزدیکترین زمان مثل ایشان خواهد شد و دستش از عمل کوتاه و باعث عبرت دیگران شود. راستی که شیخ نظامی در گفته‌اش زیبا سروده است:

رفت به همسایگی مردگان

زنده ولی در صف افسردگان

روح بقا جست ز هر روح پاک

حرف فنا خوان ز هر لوح پاک

کرد از او بر سر راهی سؤال

کارشناسی پی تفتیش حال

| | |
|-----------------------------|--------------------------------|
| کین همه از زنده رمیدن چراست | رخت سوی مرده کشیدن چراست |
| گفت پلیدان به معاک اندرند | پاک نهادان ته خاک اندرند |
| مرده دلانند به روی زمین | بهر چه با مرده شوم همنشین |
| همدمی مرده دهد مردگی | صبحت افسرده دل افسردگی |
| زیر گل آنان که پراکنده اند | گرچه به تن مرده به دل زنده اند |
| مرده دلی بود مرا پیش از این | بسته هر چون و چرا پیش از این |
| زنده شدم از نظر پاکشان | آب حیات است مرا خاکشان |

روایت شده است که خدای متعالی به عیسی (دورد بر او) وحی فرمود: از دیده‌ات به من اشک ببخش،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 868

و از دلت به من فروتنی واگذار، آن هنگام که بیکاره‌ها می‌خندند با میله حزن چشمانت را سرمه بکش، بالای سر قبر مردگان بایست، و آنان را با صدای بلند صدا کن، شاید موعظه‌ات را از آنان بگیری، و بگو من هم در گروه ملحق شونده‌گان به آنان ملحق می‌شوم.

«آنچه ثبت آن در این کتاب شریف مقدر شده بود، در شب یکشنبه دهم ذو القعدة الحرام سال هراز و سیصد و چهل و چهار قمری، شب ولادت باسعادت حضرت ثامن الائمه مولانا ابو الحسن الرضا (صلوات الله علیه) پایان یافت، و چون در این روز بوسیله نامه خبر فوت مادرم به من رسید، از برادران ایمانی که از این کتاب بهره‌مند می‌شوند، برای آن مرحومه مغفوره و برای خودم و والدین در حیات و ممات، التماس دعا و زیارت دارم. و الحمد لله أولا و آخرا و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين».

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 869

ملحقات مفاتیح الجنان

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى چنین گوید این گنهکار روسیاه، عباس قمی که خدا او را ببخشد: پس از آنکه به کمک خدای تعالی کتاب «مفاتیح الجنان» را تألیف کردم، و در گوشه و کنار منتشر شد، به خاطر رسید، که در چاپ دومش، برای آن موارد زیر را بیفزایم: دعای وداعی برای ماه رمضان، و خطبه روز عید فطر، و زیارت جامعه ائمه مؤمنان، و دعای «اللهم انی رزت هذا الامر» که بعد از زیارتها خوانده می شود، و زیارت وداعی که هر يك از ائمه عليهم السلام را، به آن وداع کنند، و نوشته هایی که برای رفع حاجت می نویسند، و دعایی که در غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه باید خوانده شود، و آداب زیارت به نیابت، به سبب کثرت نیاز به اینها. ولی از سویی دیدم هرگاه چنین کاری را انجام دهم، فتح بابی می شود، برای تصرف در کتاب «مفاتیح»، و بسا شود که بعضی از فضولان، بعد از این در این کتاب، بعضی از دعاها را دیگر یفزایند، یا از آن کم کنند، و به اسم «مفاتیح الجنان» در میان مردم رواج دهند، چنان که در کتاب «مفاتیح الجنان» مشاهده می شود. به ناچار کتاب را به همان وضع خود گذاشتم. و این هشت مطلب را پس از پایان مفاتیح، ملحق به آن کردم، و به لعنت خدای قهار و نفرین رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار عليهم السلام واگذار و حواله نمودم کسی را که در «مفاتیح» تصرف کند. اینک به ذکر آن هشت مطلب می پردازم:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 870

مطلب اول: دعای وداع ماه مبارك رمضان: شیخ کلینی رضوان الله علیه در کتاب «کافی» از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام این دعا را برای وداع ماه رمضان روایت کرده:

خدایا تو در کتاب فرو فرستاده ای فرمود: «ماه رمضان که در آن قرآن نازل شده»، و این است ماه رمضان که گذشت، به جلوه کریمت، و کلمات کاملت، از تو می خواهم، اگر بر من گناهی باقی مانده، که نیامرزیده ای، یا می خواهی بر آن عذابم کنی، یا به آن مرا بسنجی، اینکه سپیده امشب طلوع نکند، یا این ماه بگذرد، مگر اینکه آن گناه را از من آمرزیده باشی، ای مهربان ترین مهربانان، خدایا تو را ستایش به همه ستایشهای آغاز و انجام آن، چه آن ستایشهایی که برای خود گفتم، و چه آنچه آفریدگان ستایش کننده و کوشنده و شمارنده و فراوان بجا آورنده ذکر و سپاست گفته اند، آنان که بر ادای حقت، یاری شان نمودی، از گروههای آفریدگانت: از فرشتگان مقرب، و پیامبران، و رسولان، و طبقات گویندگان، و

تسبیح کنندگان حضرتت، از همه جهانیان. آری ستایش می کنم بر اینکه ما را به ماه رمضان رساندی، و حال آنکه نعمت‌های بر عهده ما بود، و بهره‌ها و احسانت، و نیکیهای بی‌دریغ پیش ما بود، به این خاطر تنها برای تو است آخرین حدّ ستایش، ستایشی جاودان، همواره، پایدار، همیشگی، بی‌نهایت، تا در ابدیت پایانی نداشته باشد، بزرگ است ثنایت، ما را بر انجام تکالیف ماه رمضان یاری دادی تا از ما روزه و به پا داشتن نمازش را گذراندی، و نیز آنچه از ما در آن انجام گرفته، از کار نیک و سپاس و ذکر، خدایا آن را از ما به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 871

نیکوترین پذیرش، و گذشت و عفو و چشم‌پوشی و آمرزش و خشنودیت پذیر، تا جایی که ما را در این ماه، به هر خیر خواسته و شایان عطای بخشیده شده برسانی، و از هر امر هراسناک و بلای فرود آمده و گناه پیشه شده نگاه داری. خدایا از تو می‌خواهم، به حق بزرگترین چیزی که یکی از آفریدگانت از تو خواست، از نامهای گرمی‌ات، و ثنای زیبایی، و دعای خاص، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و این ماه را بزرگترین ماه رضائی قرار دهی که بر ما گذشته، از زمانی که ما را به دنیا آوردی تاکنون از جهت برکت در حفظ دینم، و رهایی جانم، و برآمدن حاجتم، و اینکه شفاعتم را در خواسته‌هایم بپذیری، و در کامل کردن نعمت بر من، و برگرداندن پیش‌آمد بد از من و پوشاندن لباس عافیت به من، و مرا به رحمت از کسانی قرار دهی، که شب قدر را برای آنان اختیار نمودی، و آن شب را برای آنها بهتر از هزار ماه قرار دادی، در بزرگترین پاداش، و اندوخته‌های با ارزش، و نیکی شکر، و درازی عمر، و پابندگی آسایش، خدایا و از تو می‌خواهم به رحمت و بخشش و گذشتت، و نعمتها و جلالت، و دیرینه احسان و عطایت، اینکه آن را آخرین بهره از ماه رمضان قرار ندهی، تا ما در سال آینده به آن برسانی، آن هم بر پایه بهترین حال، و هلال ماهش را همراه بینندگان به سوی آن و اعتراف کنندگان به آن به من بشناسانی در کامل‌ترین عافیت، و خوب‌ترین نعمت، و گسترده‌ترین رحمت، و برجسته‌ترین نصیب‌هایت، ای پروردگارم، که برآم پروردگاری غیر او نیست، این وداع نسبت به ماه رمضان وداع فنا و آخرین بهره من از دیدار نباشد،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 872

تا آن را در سال آینده به من بنمایانی، در فراخترین نعمتها، و برترین امیدها، درحالی که من برای تو بر پایه بهترین وفاداری باشم، به درستی که تو شنوای دعایی. خدایا دعایم را بشنو، و به زاری و خواری و درماندگی، و توگلم بر خویش رحم کن، من تسلیم توام، امید به موفقیت و سلامت کامل و شرافت و رسیدن به جایگاه رفیع، جز به تو و از جانب تو ندارم، بر

من منت بنه، ای که ثنایت بزرگ، و نامهایت مقدّس است، به رساندم به ماه رمضان، و درحالی که از هر ناخوشایند و محذوری، و از همه ناگواریها سالم باشم، ستایش خدای را که بر روزه این ماه، و پیاداری عبادتش ما را یاری نمود تا مرا به آخرین شب آن رساند.

دوم: خطبه روز عید فطر است، که امام جماعت، پس از بجا آوردن نماز عید می خواند، و آن به صورتی که شیخ صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه» از حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام نقل کرده است چنین است: ستایش خدای را، که آسمانها و زمین را آفرید، و تاریکیها را قرار داد و نور را، پس آنان که به پروردگارشان کافر شدند، غیر او را با او برابر قرار می دهند!! ما چیزی را با خدا شریک نمی دهیم، و جز او برای خود سرپرستی بر نمی گیریم، و ستایش خدای را که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست، و ستایش در آخرت خاص اوست، و او حکیم و آگاه است، می داند آنچه را در زمین فرو می رود، و آنچه را از آن بیرون می آید، و آنچه را از آسمان نازل می گردد، و آنچه را در آن بالا می رود، و او مهربان و آمرزنده است، اینچنین است خدا، معبودی جز او نیست، بازگشت همه به سوی اوست، ستایش خدای را، که آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد نگاه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 873

می دارد جز به اجازه اش، خدا بر مردم رؤوف و مهربان است. خدایا به ما رحم کن به رحمت، و فراگیر ما را به آمرزش، به درستی که تو برتر و بزرگی، ستایش خدای را که ناامید شده ای از رحمتش، و تهدیدی از نعمتش، و مأیوسی از بخشایشش، و بازداشته ای از بندگی اش وجود ندارد، به فرمانش بر پا شد آسمانهای هفتگانه، و زمین گسترده استقرار یافت، و کوههای بلند بر پا گشت، و بادهای بارور کننده روان شد، و ابرها در فضای آسمان حرکت کردند، و دریاها بر کرانه های خود ایستادند، و او معبود آنهاست، و چهره ای است که عزّتمندان در برابرش خوار می شوند، و در مقابلش ناچیز می گردند بزرگمنشان، و جهانیان با اختیار و بی اختیار در پیشگاهش تسلیم می شوند، او را می ستاییم، چنان که او خود را ستود، و چنان که او شایسته آن است، و از او یاری می خواهیم، و آمرزش می جوییم، و راهنمایی می طلبیم، و گواهی می دهیم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی برای او نیست، می داند آنچه را نفوس پنهان می کنند، و آنچه را دریاها می پوشانند و تاریکی چیزی را از او در پرده نبرد، و غایبی از او غایب نگردد، و نیفتد برگی از درخت و نه دانه ای در تاریکی، جز آنکه آن را می داند، معبودی جز او نیست، و تروخشکی نیست، جز اینکه در کتابی روشن است، و می داند آنچه را عمل کنندگان انجام می دهند، و از کدام گذرگاه می گذرند، و به کدام بازگشتگاه باز می گردند، از خدا راهنمایی به سوی هدایت را می خواهیم، و گواهی می دهیم که محمد بنده و پیامبر و فرستاده او به سوی

آفریدگانش، و امینش بر وحی اوست، و اینکه او رسالات پروردگارش را رسانید، و در مورد خدا جهاد کرد، با کسانی که از حق کناره گرفتند، و برای حضرتش شریک قرار دادند، و خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 874

را پرستید تا مرگ او را در رسید، درود و سلام خدا بر او و خاندان او باد، شما را به تقوای خدا سفارش می کنم، که همواره از جانب او نعمت بوده، و رحمت از سوی او پایان نمی پذیرد، و بندگان از او بی نیاز نمی شوند، و اعمال بندگان هرگز پاداش نعمتهای او نمی گردد. خدایی که مردم را به پرهیزگاری تشویق نمود، و به بی میلی نسبت به دنیا واداشت، و از گناهان برحذر کرد، و با پابندگی عزیز شد، و آفریدگانش را با مرگ و نیستی رام ساخت، و مرگ سرانجام آفریدگان، و راه جهانیان، و نوشته شده بر پیشانی بازماندگان است، او را درمانده نمی کند فرار فراریان، و به هنگام رسیدنش [یعنی مرگ] اهل هوا را گرفتار می نماید، بنای هر لذتی را فرو می ریزد، و هر نعمتی را تباه می نماید، و هر نشاطی را قطع می کند، دنیا خانه ای است که خدا فنا را برای آن، و کوچ کردن اهلش را از آن مقرر نموده است، پس اکثر مردم ماندنش را قصد می کنند، و بنایش را بزرگ می شمارند، به ظاهر شیرین و سبز و حرم است، به شتاب گذشته، هرآینه برای جوینده، و بر دل بیننده مشتبّه گشته، صاحب ثروت ناتوان را به نزاری اندازد، و می داندش هراسان اندیشناک ناخوشایند.

پس کوچ کنید از آن، خدا شما را رحمت کند، به بهترین چیزی که نزد شما است [عمل صالح] بیش از اندک از آن [دنیا] بنجوید، و بیشتر از نیاز از آن بخواهید، به اندک آن راضی شوید، و دیدگان خود را به آنچه خوش گذر آنها از آن بهره می گیرند ندوزید، دنیا را سبک شمارید، و آن را وطن خود قرار ندهید، و نسبت به آن خود را به رنج و زبان اندازید، شما را برحذر می دارم از رفاه طلبی و بازیگری و خوش گذرانی، به درستی که در اینها غفلت و غرور است، و بدانید دنیا خود را به بیگانگی زده، و پشت کرده و شیرین شده، و اعلام نموده است وداع را، بدانید آخرت حرکت کرده پس به شما روی آورده، و نمایان شده، و اعلام در آمدن کرده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 875

است، بدانید به درستی که میدان تمرین امروز است، و گاه مسابقه فردا، و جایزه مسابقه بهشت، جایگاه بازنده دوزخ است، آیا کسی نیست که از خطایش، پیش از رسیدن روز مرگ توبه کند، آیا کسی نیست تا برای خویش، پیش از رسیدن روز فلاکت و تهیدستی اش کار کند؟ خدا ما و شما را از کسانی قرار دهد که از او می ترسند، و پاداشش را امید دارند، بدانید، این روز، روزی است که خدا برای شما عید قرار داده، و شما را سزاوار آن نموده، پس خدا را یاد کنید، تا

خدا شما را یاد کند، او را بخوانید تا شما را اجابت کند، زکات فطر خود را بپردازید، که سنت پیامبر شما و فریضه و واجبی از پروردگار شماست، پس بپردازد، هر يك از شما از جانب خویش و همه نان خورانش، مرد و زنشان، و كوچك و بزرگشان، و آزاد و غیر آزادشان، از جانب هر انسانی از آنان نزدیک سه کیلو، از گندم، یا خرما، یا جو، و خدا را در آنچه به شما واجب نموده، و به آن امر فرموده، اطاعت کنید، از بپا داشتن نماز، و پرداختن زکات، و حج خانه خدا، و روزه ماه رمضان، و امر به معروف، و نهی از منکر، و نیکی کردن به زنان خود، و زیردستانان، و خدا را اطاعت کنید در آنچه شما را از آن نهی فرموده است از تهمت زدن به پاکدامنان، و ارتکاب زشتی، و می‌گساری، و کم کردن جنس پیمانه‌ای، و کاستن ترازو، و شهادت به ناحق، و گریختن از جنگ، خدا ما و شما را به کمک تقوا حفظ کند، و آخرت را برای ما و شما، بهتر از دنیا قرار دهد، به درستی که بهترین سخن، و رساترین پند پرهیزگاران، کتاب خدا نیرومند حکیم است، پناه می‌برم به خدا از شیطان رانده شده، به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، بگو او خدای یکتا و بی‌نیاز است، نزاده و زاده نشده است،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 876

و احدی همتایش نبوده است. سپس اندکی پس از فراغ از خطبه، مانند کسی که شتاب داشته باشد می‌نشیند، آنگاه برخاسته، خطبه دوم را می‌خواند و این همان خطبه‌ای است که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در روز جمعه، پس از نشستن و برخاستن از خطبه اول می‌خواندند، و آن خطبه این است: ستایش خدای را، او را می‌ستاییم، و از او کمک می‌خواهیم، و به او ایمان می‌آوریم، و بر او توکل می‌کنیم، گواهی می‌دهیم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی برایش نیست، و گواهی می‌دهیم که محمد بنده و فرستاده اوست، درود و سلام و آمرزش و رضوان خدا بر او و بر خاندانش باد. خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبرت، درودی افزاینده و پاکیزه، و پاکیزه، که درجه‌اش را به آن بالا ببری، و برتری‌اش را آشکار نمایی، و درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و برکت ده بر محمد و خاندان محمد، چنان که درود فرستادی و برکت دادی، و رحم کردی بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، به درستی که تو ستوده و بزرگواری. خدایا عذاب کن کافران اهل کتاب را آنان که بندگان را از راه تو باز می‌دارند، و آیات را انکار می‌کنند، و تکذیب می‌نمایند رسولانت را، خدای در میان‌شان اختلاف کلمه قرار ده، و در دل‌هایشان هراس انداز، و فرود آور بر آنان عذاب و انتقام و شکنجه‌ات را، شکنجه‌ای که از مردم بدکار باز نگردانی. خدایا سپاهیان مسلمانان و گروه‌های آنان، و مرزدارانشان را، در مشرقها و مغربهای زمین یاری کن، به درستی که تو بر هر چیز توانایی، خدایا مردان و زنان مؤمن و

مسلمان را بیمارز، خدایا تقوا را زادشان، و ایمان و حکمت را در دلهایشان قرار ده، و به آنان الهام فرما سپاسگذاری نعمت را که به ایشان عنایت کردی، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 877

وفاداری به عهده‌ت را که با آنان عهد کردی، ای معبود، حق و آفریدگار خلق، خدایا بیمارز، آنانی را که در گذشته‌اند:

از مردان و زنان مؤمن و مسلمان، و هرکه پس از ایشان به آنها ملحق می‌شود، به درستی که تو نیرومند و حکیمی، همانا خدا امر می‌کند به عدالت و نیکی، و بخشش به خویشان، و نهی می‌کند، از بدی آشکار، و زشتی پنهان، و تجاوز، به شما پند می‌دهد، تا شاید متذکر شوید، خدا را یاد کنید، تا یادتان کند، به درستی که او یادکننده کسی است که یادش کند، و از رحمت و فضل او بخواهید، که ناامید نشود از او هیچ خواننده‌ای که او را بخواند، پروردگارا به ما در دنیا خوبی عنایت کن، و در آخرت حسنه عطا فرما، و ما را از عذاب دوزخ حفظ کن.

سوم: زیارت جامعه ائمه مؤمنان است، که هر امامی را، در هر زمان از ماهها و ایام، می‌توان به آن زیارت کرد، و این زیارت را سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» با مقدماتی از دعا و نماز، در وقت رفتن به سفر زیارت، از ائمه علیهم السلام روایت کرده و فرموده است: چون خواستی غسل زیارت کنی، در وقتی که غسل می‌کنی بگو: به نام خدا، و به خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا، خدایا از من ناپاکی گناهان، و آلودگی عیوب را بشوی، و به آب توبه پاکیزه‌ام کن، و جامه خودداری بر وجودم بپوشان، و به لطفی از جانب خود یاری‌ام کن، که مرا موفق نماید به اعمال شایسته، به درستی که تو دارنده فضل بزرگی. پس هرگاه به در حرم مطهر نزدیک شدی بگو: ستایش خدای را، که مرا به قصد ولی‌اش، و زیارت حجتش موفق نمود، و به حرم او وارد ساخت، و بهرام را از زیارت بارگاهش، و فرود آمدن به کوی دور از انظارش، و آستانه تربتش، نکاست

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 878

ستایش خدای را، که به محرومیت از آنچه آرزو داشتم داغدارم نکرد، و آنچه را به آن امید داشتم از من بازنگرداند، و امیدم را در آنچه متوقع بودم قطع نکرد، بلکه لباس عافیت را به وجودم پوشاند، و از نعمتش بهره‌مند نمود، و از کرامتش به من عنایت فرمود. پس هرگاه وارد حرم شدی در برابر ضریح مقدس بایست و بگو: سلام بر شما پیشوایان مؤمنان، و سروران پرهیزگاران، و بزرگان صدیقان، و امیران صالحان، و رهبران نیکوکاران، و نشانه‌های راه‌یافتگان، و نورهای عارفان، و وارثان پیامبران، و برگزیده جانشینان، و خورشیدهای پرهیزگاران، و ماههای کامل جانشینان، و بندگان رحمان، و شریکن

قرآن، و راه ایمان، و سرچشمه‌های حقایق، و شفیعان خلائق، و رحمت و برکات خدا بر شما باد، گواهی می‌دهم که شما باید درگاه‌های خدا، و کلیده‌های رحمتش، و وسائل آمرزشش، و ابرهای خشنودی‌اش، و چراغهای بهشتش و حاملان قرآنش، و خزانه‌داران علمش، و حافظان رازش، و فرودگاه وحی‌اش، و امانت‌های نبوت، و سپرده‌های رسالت نزد شماست، شما باید امینان خدا، و دوستان و بندگان و برگزیدگانش و یاران توحیدش، و پایه‌های تمجیدش، و خوانندگان به سوی کتابهایش، و پاسداران خلائقش، و نگهبانان و ودیعه‌هایش، ثنای فرشتگان نسبت به خدا، در اخلاص و فروتنی از شما پیشی نگیرد، و صاحب زاری و فروتنی با شما ضدیت ننماید، از کجا توانند؟ و حال آنکه برای شما دلهایی است، که خدا عهده‌دار تہذیب آنها با بیم و امید شده است، و آنها را ظرفهایی برای شکر و ثنا قرار داد، و از عارضه‌های غفلت ایمن نموده، و از بدی سستی تصفیه کرده است، بلکه اهل آسمانها به خدا تقرّب می‌جویند، به دوستی شما، و به بیزاری از دشمنانتان، و پی‌درپی گریستن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 879

به مصیبت‌هایتان، و آمرزش‌خواهی برای شیعیان، و دوستانتان، من گواه می‌گیرم خدا را که آفریننده من است، و گواه می‌گیرم فرشتگان و پیامبران را، و گواه می‌گیرم شما را ای سرپرستان من، که من به ولایت شما مؤمنم، و به امامت شما معتقدم، و به خلافت شما اقرار دارم، و به مقام شما عارفم، و به معصوم‌بودنتان یقین دارم، نسبت به ولایت شما فروتنم. به دوستی شما، و بیزاری از دشمنانتان، به سوی خدا تقرّب می‌جویم، آگاهم به اینکه خدا شما را پاک کرده از زشتیهای آشکار و پنهان، و از هر شک و دودلی، و آلودگی و پستی و پلیدی، و به شما عطا کرده پرچم حقّی را که هرکه بر آن پیشی جسته گمراه شده است، و هرکه از آن عقب مانده، لغزیده است، و طاعت شما را بر هر سیاه و سپیدی واجب نموده است، و گواهی می‌دهم که شما به عهد و پیمان خدا و به هر چه در کتابش بر شما شرط کرده بود وفا کردید، و به راه خدا خواندید، و نیروی خود را در خشنودی‌اش صرف نمودید، و خلائق را بر طریق نبوت، و راههای رسالت واداشتید، و در این راه به روش پیامبران، و روشهای جانشینان قدم برداشتید، اما فرمانی از شما پیروی نشد، و گواهی می‌دهم که شما برای گوش دادن قرار نگرفت، دوردهای خدا بر ارواح و اجسادتان. پس خود را به قبر منور می‌چسبانی و می‌گوی: پدر و مادرم به فدایت ای حجّت خدا، تو از سینه ایمان شیر داده شدی، و به نور اسلام از شیر بازت داشتند، و با خنکای یقین تغذیه شدی، و جامه‌های عصمت به تو پوشانده شد، و علم کتاب را وارث گشتی، و به جداسازی حق و باطل تلقین شدی، و با منزلت معارف قرآن، و مشکلات تأویل روشن شد، و پرچم حق تسلیم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 880

تو گشت، و هدایت بندگان به تو تکلیف شد، و عهد امامت، در اختیار تو قرار گرفت، و به حفظ شریعت ملزم شدی، و گواهی می‌دهم ای مولایم که تو به شرایط وصیت وفا کردی، و از حد اطاعت، آنچه را تکلیف داشتی انجام دادی، و به مسئولیتهای سنگین امامت قیام نمودی، و به مقام نبوت اقتدا کردی، در صبر و کوشش و خیرخواهی نسبت به بندگان و فروخوردن خشم و گذشت از مردم و بر عدالت در میان مردم و انصاف در قضاوت مصمم شدی، و حجتها را بر امت استوار ساختی با دلایل صادقانه، و شریعت گویا، و با حکمت رسا، و پند نیکو دعوت به خدا کردی، اما بازداشته شدی از راست کردن کجیها، و گرفتن رخنه‌ها، و اصلاح تباهی، و شکستن دشمن، و زنده نمودن سنتها، و میراندن بدعتها، تا از دنیا جدا شدی درحالی که شهید بودی، و رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) را ملاقات نمودی درحالی که ستوده بودی، دروهای خدا بر تو، پیاپی شود، و افزود گردد. سپس به طرف پایین پای مبارك برو و بگو:

ای سروران من، ای خاندان رسول خدا، به وسیله شما به خدای جلّ و علاّ تقرب می‌جویم، با مخالفت کردن با آنان که به شما خیانت کردند، و پیمان شما را شکستند، و ولایت و منزلت شما را منکر شدند، و کمند طاعت شما را از وجود خود برکنند، و وسایل دوستی شما را ترك نمودند، و به فرعونهایشان با بیزاری و روی گردانی از شما، نزدیک شدند، و شما را از اقامه حدود، و ریشه‌کن کردن انکارها، و پرکردن شکاف، و جمع کردن پراکندگی، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 881

بستن رخنه‌ها، و صاف کردن کجیها، و اجرای احکام، و بی‌پیرایه ساختن اسلام، و قلع و قمع کردن گناهان بازداشتید، و بر ضدّ شما برانگیختند گردوغبار جنگها و آشوبها را، و شمشیرهای کینه را بر شما زدند، و پرده‌های حرمت شما را دریدند، و با خمس شما شرا بخریدند، و حقوق بیچارگان را در امر دلقکها و مسخره‌پیشگان خرج کردند، و این امور به خاطر این بود که برای آنان راه باز کردند بدکاران گمراه، و حسودان متجاوز، اهل پیمان‌شکنی و خیانت و خلافتکاری و نیزنگ، و دلهای بویافته از آلودگی بت‌پرستی، و بدنهای انباشه از چرك کفر، آنان که سخت به نفاق چسبیدند، و به رشته‌های تفرقه روی آوردند، زمانی که مصطفی (درود خدا بر او و خاندانش) درگذشت، غفلگیری را ربودند، و فرصت را غنیمت شمردند، و پرده حرمت را دریدند، و او را در کمال بی‌وفایی بر بستر مرگ نهادند، و شتافتند، برای شکستن بیعت، و مخالفت پیمانهای محکم تأکیدشده، و خیانت نسبت به امانتی که به کوهها استوار پا برجا عرضه شده بود، و آنها از اینکه آن را حمل کنند، خودداری کردند، و آن را حمل کرد انسان به غایت ستمکار، و به شدت نادان، صاحب شکاف افکنی و

مباهات به گناهان دردناك، و گردن فراز از گردن نهادن برای دستیابی به عاقبتی ستوده، پس گرد آورده شدند فرومایگان اعراب، و و باقی مانده دسته‌های کافر، به درخانه نبوت و رسالت، و فرودگاه وحی و فرشتگان، و قرارگاه سلطنت ولایت، و معدن وصیت و خلافت و امامت، تا آنکه شکستند پیمان مصطفی را در حق برادرش، پرچم هدایت، و بیان کنند راه هدایت از راههای هلاکت، و حریجه‌دار کردند جگر بهترین خلق را،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 882

در ستم به دخترش، و لگدکوب کردن محبوبش، و غصب کردن حق عزیزش، پاره تنش، و جگرگوشه‌اش، و شوهرش را واگذاشتند، و مقامش را کوچک شمردند، و حرامهایش را حلال کردند، و رحمش را قطع نمودند، و برادرش را انکار کردند و دوستی‌اش را ترك گفتند، و اطاعتش را شکستند، و ولایتش را منکر شدند، و بردگان را در خلافت او به طمع انداختند، و او را به طرف بیعتشان کشاندند، با شمشیرهای برکشیده بیعت گران ناحق، و سرنیزه‌های برهنه عمال حکومت، درحالی که او خشمگین دل، خروشیده غضب، سخت شکیب، و فروبرنده خشم خود بود، او را دعوت می کردند به بیعتشان، که شومی آن اسلام را فراگرفت، و در دل اهل آن تخم گناهان را کاشت، و با سلمان نامهربانی کرد، و مقدادش را طرد گفت و ابوذرش را به عرصه تبعید برد، و سینه عمارش را شکافت، و مفاهیم قرآن را تحریف کرد، و احکام الهی را به احکامی دیگر تبدیل نمود، و مقام را دگرگون ساخت، و خمس را برای آزادشدگان فتح مکه مباح کرد، و اولاد لعنت شدگان را بر نوامیس و خون مردم مسلط نمود، و حلال را با حرام مخلوط کرد، و ایمان و اسلام را سبک شمرد، و کعبه را ویران کرد، و غارتگرانه بر خانه هجرت روز حادثه جرّه حمله برد، و دختران مهاجران و انصار را، برای شکنجه سخت، و بی داد سنگین از پرده بیرون کشید، و جامه ننگ و رسوایی بر آنان پوشاند، و به اهل شبهه اجازه و آزادی داد، برای کشتن اهل بیت برگزیده پیامبر، و نابود کردن نسلش، و ریشه کن کردن بیخ و بنش، و اسیر کردن حرمش، و به قتل رساندن یاورانش، و شکستن منبرش، و وارونه نمودن مایه فخرش، و پنهان کردن دینش، و از میان بردن نامش!! ای سروران من، چه حالی داشت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 883

محمد مصطفی اگر شما را می دید درحالی که تیره‌ای ملت، در جگرهای شما فرو رفته، و نیزه‌هایشان در گلوهای شما قرار گرفته و شمشیرهای خون آشامشان در خون شما نشسته بود، زنازادگان تشنگی شدید خود را به تبهکاری از پروای شما، و

خشم بسیار سخت کفر خود را از میان شما فرو می‌نشانند، و شما بودید بین: به خاک افتاده در محرابی، که شمشیر تارک سرش را شکافته بود، و شهید بالای تابوت که کفنش با تیرهایی سوراخ‌سوراخ شده بود، و کشته در بیابان افتاده که سرش بالای نیزه‌ها رفته بود، و بکند و زنجیر کشیده شده در زندان، که با آهن اعضایش کوفته شده بود، و مسمومی که با جرعه‌های سم مهلك، روده‌هایش، پاره‌پاره گشته، و جمع شما در این سو و آن سو پراکنده شده، بردگان و برده‌زادگان آنها را نابود می‌کردند، پس ای سروان من آیا محنتها غیر آن است که ملازم شما شد، و مصایب جز آن است که شما را فرا گرفت، و فاجعه‌ها جز آن است که اختصاص به شما یافت، و حوادث کوبنده جز آن است که شما را کوبید؟! درود خدا بر شما و بر ارواح و پیکره‌ایتان، و رحمت و برکات خدا بر شما. پس از این، قبر منور را ببوس، و بگو:

پدر و مادرم فدای شما ای خاندان مصطفی، در دست ما چیزی نیست، جز اینکه پیرامون زیارتگاههای شما طواف کنیم، و به ارواح شما در آن زیارتگاهها تسلیت گوئیم، بر این مصیبتهای بزرگی که به آستان شما در رسید، و پیش آمدهای گرانی که به ساحت شما فرود آمد، که در قلوب شیعیانتان زخمها ثبت کرد، و در جگرهایشان جراحتها به ارث گذاشت، و در سینه‌هایشان غصه‌ها کاشت، پس ما خدا را گواه می‌گیریم بر اینکه در حقیقت شرکت نمودیم با دوستان و یاران گذشته شما، در ریختن خون پیمان‌شکنان، و متجاوزان، و بیرون‌رفتگان از دین، و کشندگان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 884

ابی عبد الله، سرور جوانان اهل بهشت (درود بر او) در روز کربلا، به وسیله نیتها و دلهایمان، و تأسف بر از دست رفتن موقعیتهایی که آنان برای یاری شما حاضر شدند، سلام و رحمت و برکات خدا از سوی ما بر شما باد. سپس قبر شریف را بین خود و قبله قرار بده و بگو: خدایا ای صاحب قدرتی که جهان از آن قدرت هستی یافت، و بر آن قدرت بدون عیب پدید آورده شد، و در زیر سایه عظمت آفریده گشت، شواهد آفرینشت در آن گویا شد، بر اینکه تویی خدا، معبودی جز تو نیست، پدیدآورنده‌اش، و آفریننده‌اش و خلق‌کننده‌اش، جهان را پدید آوردی، نه از چیزی، و نه بر روی چیزی، و نه در چیزی، و نه به خاطر ترسی که بر تو وارد شده باشد، آنگاه که غیر از تو نبود، و نه به خاطر نیازی که در آفرینشش برای تو پیدا شده باشد، و نه برای اینکه پس از آفرینش جهان، به آن استعانت جویی، بلکه آن را به وجود آوردی تا راهنمایی بر تو باشد، به اینکه تو از ساختمان آفرینش جدایی، پس انصاف‌دهنده به عقلش، طاقت انکار تو را نمی‌آورد، و موسوم به سلامت معرفت تاب باور نکردن تو را ندارد، از تو می‌خواهم، به شرف اخلاص در یکتاپرستی‌ات، و حرمت علاقمندی به کتابت، و اهل بیت پیامبرت، اینکه درود فرستی بر آدم، پدیده آفرینشت، و اول حجتت، و زبان

قدرت، و جانشین در زمین پناورت، و بر محمد زنده برگزیدگان، و کاوشگر معرفت، و آن شناور امین بر راز پنهانت، به آنچه سزاوارش نمودی از نعمت به یاری خویش، و بر آنانی که بین آدم و محمد بودند، از پیامبران، و اکرام شدگان، و راستی‌پیشه‌گان، و اینکه مرا به این پیشوایم ببخشی. پس پهلوی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 885

روی خود را بر ضریح مبارک بگذار و بگو: خدایا به جایگاه این آقا، بر طاعت، و به مقامش در پیشگاهت، مرا ناگهان نمیران، و از توبه محروم مساز، و پرهیز از حرامهای را چه دینی و چه دنیایی نصیبم فرما، و از طلب دنیا، به آخرت مشغول نما، و به آنچه دوست داری و خشنودی موفقم بدار، و از پیروی هوا، و فریب خوردن به امور باطل و آرزو برکنارم دار. خدایا قرار ده در گفتارم استواری، و در کردارم درستی، و در پیمان و وعده‌ام راستی و وفا و حفظ و انس‌گیری را مقرون به پیمان و وعده‌ام، و نیکی و احسان را در شمار رفتار و اخلاقم، و قرار ده سلامتی را بر لبم فراگیر، و عافیت را بر من احاطه کننده و پیچیده، و رفتار لطیف، و یاریات را متوجه من، و حسن توفیقت و آسانیات را بر من کامل شده، و زنده‌ام بدار پروردگارا خوشبخت، و بمیرانم شهید، و برای مرگ و پس از آن پاکم فرما. خدایا قرار بده سلامت و نور را در گوشم و دیده‌ام، و منفعت و خیر را در راهم، و هدایت و بصیرت را در دین و آیینم، و میزان حق را همیشه در برابر چشم، و ذکر و پند را شعارم و جامه باطنم، و فکر و عبرت گرفتن را انیس و تکیه‌گاهم، و جای‌گیر فرما یقین را در دلم، و آن را قرار ده استوارترین چیزها در نهادم، و چهره‌کن آن را بر رأی و تصمیم، و قرار ده ارشاد را در کردارم، و تسلیم شدن به امرت را بستر و پشتوانه‌ام، و راضی بودن به قضا و قدرت را، آخرین کرانه تصمیم و نهایتم، و دورترین اندیشه و هدفم، تا از احدى از بندگان در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 886

امر دینم ملاحظه نکنم، و به آن جز آخرتم را نجویم، و از آن شناگویی و تعریف را نجویم، و قرار ده بهترین عاقبتها را عاقبت من، و بهترین بازگشتگاه را، بازگشتگاه من، و با ناز و نعمت‌ترین زندگیا را، زندگی من، و برترین هدایتها را هدایت من، و کامل‌ترین بهره‌ها را بهره من، و شایان‌ترین نصیبتها را نصیب من، و باش ای پروردگارم، برای من از هر پیش‌آمد بدی نگهدار، و به جانب هر خیری راهنما و راهبر، و از هر متجاوز حسودی پشتیبان و جلوگیر. خدایا به توسل سازوبرگ و زمام و اطمینان و توفیق و جنبش و نیرویم، و برای توسل حیات و مرگم، و در کف توسل آرامش، و حرکت، و به

دستاویر محکم‌تر توست چنگ زدن و پیوندم، و بر توست در همه کارها اعتماد و توگلم، و از عذاب دوزخ، و تماس آتش نجات و رهایی‌ام، و در خانه امن و کرامت توست منزل و مأوایم، و به دست آقایان و سرورانم، خاندان مصطفی است رستگاری و گشایشم. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بیمارز مردان و زنان مؤمن و مسلمان را، و بیمارز مرا و پدر و مادرم و آنچه زاده‌اند، و همسایگانم، و هر زن و مرد بالیانی را که حقّی بر گردن من دارد، همانا تو دارای فضل بزرگی. چهارم: دعایی است با مضامین بسیار بلند که پس از زیارت هر يك از امامان علیهم السّلام خوانده می‌شود، و این دعا را سیّد ابن طاووس در کتاب «مصابح الزائر» بعد از این زیارت جامعه نقل فرموده است، و آن دعای شریف این است: خدایا این امام را زیارت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 887

کردم، به امامتش اقرار دارم، واجب بودن اطاعتش را معتقدم، پس زیارتگاهش را قصد کردم، با گناهان، و عیبها، و جرمهای هلاکت‌بار، و بسیاری بدیها و خطاهایم، و آنچه را تو از من خبرداری، پناهنده‌ام به گذشت، و بردباری‌ات، امیدوارم به رحمت، پناه برده‌ام به پایه عنایت، پناه آورنده‌ام به مهرت، خواهان شفاعتم، از ولیّات و فرزند اولیاییت و برگزیده‌ات، فرزند برگزیدگان، و امینت و فرزند امنایت و خلیفه‌ات، و فرزند خلیفه‌هایت، [هرگاه این دعا پس از زیارت امیر مؤمنان (ع) باشد به جای کلمه «ابن» در هر چهار موضع «آبی» بگوید] آنان که قرارشان دادی، وسیله‌ای به سوی رحمت و خشنودی‌ات. و سببی به جانب مهر و آمرزش، خدای اول حاجتم به پیشگاه تو این است، که گناهان گذشته مرا، در عین زیادبودنش بیامری، و در آنچه از عمرم باقی مانده، مرا حفظ کنی، و پاك نمايی دینم را از آنچه آلوده‌اش کند، و بد نمايش سازد، و معیوش گرداند، و نگاهش داری، از شك و دودلی و تباهی و شرك، و پایدارم بداری بر طاعت و طاعت رسولت، و فرزندان نجیب و خوشبختش، درود و رحمت و سلام و برکات فراوان بر ایشان، و زنده‌ام بداری، تا زنده‌ام می‌داری بر فرمانبرداری از ایشان، و بمیرانی‌ام، هرگاه بمیرانی بر طاعت از آنان، و از دلم پاك نکنی مؤدت و دوستی آن بزرگواران، و کینه دشمنانتان را، و رفاقت دوستانشان، و به نیکی به آنان را نصیب من فرما، و از تو می‌خواهم، ای پروردگارم، که این زیارت را از من بپذیری، و عبادت، و مواظبت بر آن را محبوب من گردانی، و برای بندگی به نشاطم آوری، و گناهان و محرمات را منفور من کنی، و از آنها بازم داری، و از کوتاهی کردن در نمازهایم، و سبک شمردن و کاهلی از آنها برکنارم داری، و موفقم بداری بر ادای آنها،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 888

همانطور که واجب کردی، و به آن بر پایه روش رسولت فرمان دادی، درودها و رحمت و برکات تو بر او باد، غازی با کمال خضوع و خشوع، و باز کنی سینه‌ام، را برای پرداخت زکات، دادن صدقات، و بذل خوبی و احسان به شیعه خاندان محمد (درود بر ایشان) و مواسات و همدردی با آنان، و مرا از دنیا نبرید مگر بعد از آنکه حج خانهات، و زیارت قبر پیامبرت، و قبور امامان (درود بر ایشان) را نصیبم کنی، و از تو می‌خواهم ای پروردگارم توبه‌ای خالص، که آن را بپسندی، و یتقی که آن را ستایش کنی، و عمل شایسته‌ای که بپذیری، و اینکه مرا بیمارزی، و به من رحم کنی، هنگامی که مرا بمیرانی، و سكرات مرگ را بر من آسان نمایی، و محشورم کنی، در گروه محمد خاندان او (درود خدا بر او و خاندانش)، و به رحمت مرا وارد بهشت فرمایی، و اشکم را در طاعتت فراوان کنی، و سرشکم را در آنچه مرا به تو نزدیک گرداند جاری سازی، و دلم را نسبت به دوستانت مهربان نمایی، و در این دنیا مصونم بداری، از آسیبها، و آفات، و بیماریهای سخت، و دردهای کهنه، و همه انواع بلاها و حوادث، و دلم را از توجه به حرام بگردانی، و نافرمانیهای را مورد خشم من قرار دهی، و حلال را نزد من محبوب گردانی، و درهای آن را به رویم بگشایی، و نیت و کارم را بر آن استوار سازی، و عمرم را طولانی کنی، و به رویم درهای محنت‌ها را ببندی، و نعمتهایی را که به من عنایت کردی، از دستم نگیری، و چیزی از احساسهایت را از من پس نگیری، و نعمتهایی که به من دادی، از من جدا نسازی، و بر آنچه مرا مالك آن نمودی بیفزایی، و چندین برابر نمایی، و نصیبم کنی مال بسیار،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 889

روان، گوارا، روینده، رسا، و عزتی پایدار کافی، و آبرویی پهن‌ور بلند و نعمتی کامل و فراگیر، و به این امور بی‌نیازم کن از جستنیهای پر مشقت، و موارد دشوار، و از آنها رهایی‌ام ده، با سلامتی کامل در دین و جان و فرزندانم و آنچه به من عطا کردی، و بخشیده‌ای، و نگهداری برای من مالم، و آنچه مرا مالك آن نمودی، و از سر من برگیری دستهای ستم گردنکشان را، و به وطنم بازم گردانی، و به نهایت آرزویم، در دنیا و آخرتم برسانی، و قرار دهی سرانجام کارم را پسندیده و نیکو و سالم، و بگردانی مرا فراخ‌سینه، وسیع حال، نیکو اخلاق، دور از بخل و دریغ‌ورزی و دورویی و دروغ و بهتان، و زورگویی، و در قلبم ریشه‌دار کنی محبت محمد و خاندان محمد و شیعان‌شان را، و محافظتم فرمایی ای پروردگارم در خودم و خاندان و مال و فرزندان، و اهل غم‌خواری و برادران، و دوستان و نژادم، به مهربانی ذات. خدایا اینها حاجات من نزد تو، و اینکه زیادشان کردم به خاطر خوی فقر و حرص من است، ولی همه آنها نزد تو كوچك و اندك و رواکردنش بر تو سهل و آسان است، پس از تو می‌خواهم به منزلت محمد و خاندان محمد (درود بر او و ایشان) نزد تو، و به حقشان بر

تو، و به آنچه بر آنان واجب کرده‌ای، و به حق پیامبران، و رسولان، و برگزیدگان، و دوستان با اخلاص از بندگان، و به حق بزرگترین اسم اعظم که تمام این حاجتها را برآوردی، و به آنها کامروایم فرمایی، و از آرزو و امیدم ناامیدم نکنی. خدایا و شفاعت صاحب این قبر را در حق من بپذیر، ای سرور من، ای ولیّ خدا،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 890

ای امین خدا، از تو می‌خواهم، که از من به درگاه خدای عزّ و جلّ، در تمام این حاجتها، شفاعت کنی، به حق پدران پاک، و به حق فرزندان برگزیده‌ات، به درستی که برای تو نزد خدا، که منزّه باد نامهایش، منزلتی شریف، و مرتبه‌ای عظیم، و مقامی پنهان است. خدایا، اگر من کسی را می‌شناختم که نزد تو آبرومندتر از این امام، و از پدران و فرزندان پاکیزه‌اش (درو بر ایشان) بود، هرآینه آنها را شفیعان خود قرار می‌دادم، و پیش روی حاجتم و خواسته‌هایم قرار می‌دادم، پس دعایم را بشنو، و برآیم به اجابت برسان، و آنچه تو شایسته‌اشی، درباره من انجام ده، ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا و هرچه را از آن کوتاه آمد درخواست من، و نیروم از آن ناتوان شد، و هوشم به آن نرسید، از صلاح دین و دنیا و آخرتم، پس عطای آنها را بر من منت گذار، و محافظم فرما، و نگهبانی‌ام کن، و بر من ببخش، و مرا بیامرز، و هرکه مرا قصد کند، به بدی، یا کاری ناخوش‌آیند، از شیطان سرپیچ، و لطان لجوج یا مخالف در دین یا ستیزه‌جویی در دنیا، یا حسدورز در نعمتی بر من، یا ستمکار، یا متجاوز، پس دستش را از سر من بردار، و نقشه‌اش را از من بگردان، و او را از من به خودش مشغول کن، و شر خود و پیروان و شیاطینش را از من کفایت فرما، و پناه‌م ده از هرچه به من زیان رساند، و احجاف و ظلم کند، و همه خیر را به من عطا کن، از آنچه می‌دانم، و از آنچه نمی‌دانم، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بیامرز مرا، و پدر و مادرم، و برادران و خواهرانم، و عموها و عمّه‌هایم، و داییها و خاله‌هایم، و اجداد و جدّه‌هایم، و فرزندان و نژادشان، و همسران،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 891

و نژاد، و خویشان، و رفقا و همسایگانم، و برادران دینی‌ام را، از اهل شرق و غرب، و تمام اهل مودّتم، از مردان و زنان مومن، زنده و مرده آنان را، و همه آنهایی که خیری را به من یاد دادند، یا از من دانشی آموختند. خدایا آنان را شریک کن، در شایسته دعایم، و زیارتم نسبت به زیارتگاه حجّت و ولیّات، و مرا نیز در شایسته دعای ایشان شریک کن، ای مهربان‌ترین مهربانان، و از جانب ایشان به ولیّات سلام برسان، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای سرور و مولای

من ای فلان پسر فلان به جای این کلمه، نام امامی را که زیارت می‌کند، و نام پدر آن بزرگوار را بگوید (درود خدا بر تو، و بر روح و تنت، تویی وسیله من به سوی خدا، و واسطه‌ام به درگاهش، برای من است حق دوستی و آرزومندی، پس به پیشگاه خدای عزّ و جلّ شفیع من باش، در ایستادن بر این داستا، و بازگرداندن من از این موقعیتم با کامیابی، به آنچه درخواست کرده‌ام، همه را به مهربانی و توان او، خدایا نصیب کن عقلی کامل، و خردی ممتاز، و عزّتی پایدار، و دلی پاک، و عملی بسیار، و ادبی برتر، و همه را به سود من قرار ده نه به زیان من، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

پنجم: در ذکر زیارت وداع، هر يك از امامان به آن وداع می‌شوند. بدان که از جمله آداب زیارت، چنان‌که در محل خود ذکر شد، وداع زیارت‌کننده است، نسبت به زیارت شده، به وقت بیرون رفتن از شهر آن بزرگوار، آن هم به زیارت وداعی که از ایشان رسیده باشد، چنان‌که در اکثر زیارات مشاهده می‌شود، و ما در این کتاب شریف در ابواب زیارات

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 892

امامان علیهم السّلام برای هر يك از ایشان وداعی نقل کردیم و در وداع حضرت سید الشهداء علیه السّلام اکتفا نمودیم، به همان زیارت وداعی که در آداب بیستم از آداب زائر آن حضرت ذکر شد، و به هر صورت در اینجا ذکر می‌کنیم این زیارت وداع را که شیخ محمد بن المشهدی، آن را در باب وداع، کتاب مزار کبیر نقل کرده و سید ابن طاووس رحمه الله پس از زیارت جامعه مذکوره آورده است، و ما آن را از کتاب «مصباح الزائر» نقل می‌کنیم، سید فرموده: وقتی خواستی وداع کنی و برگردی، البته در هر يك ای مشاهد مشرفه که باشی، بگو:

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت، و معدن رسالت، سالم وداع‌کننده نه به ستو آمده و عصبانی، و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت، به درستی که خدا، ستوده و بزرگوار است، سلام دوستی که نه روگردان از شما، و نه منحرف از شماست، و نه عوض‌کننده شما، و نه پیش‌اندازه کسی بر شما، و نه بی‌رغبت به قرب شما، خدا این زیارت را آخر زیارت قبورتان، و آمدن به زیارتگاهایتان قرار ندهد، سلام بر شما، و خدا مرا در گروه شما محشور کند، و به حوض شما وارد نماید، و شما را از من خشنود سازد، و تمکّنی در دولت شما به من بدهد، و در بازگشت شما زنده‌ام کند، و مرا در ایام شما فرمانروایم فرماید، و کوششم را برای شما قدردانی کند، و به شفاعت شما گناهانم را بیامرزد، و به محبت شما لغزشم را نادیده بگیرد، و به دوستی شما مقامم را بلند گرداند، و به طاعت شما مفتخر نماید، و به هدایت شما عزیزم کند، و قرارم دهد از کسانی که بازگرداند رستگار کامیاب سالم بهره‌مند با عافیت توانگر، و رسیده به خشنودی خدا و فضل و کفایتش، به برترین وضعی که بازگردد به آن، یکی از زائران و دوستداران و عاشقان و شیعیان شما، و خدا نصیبم کند بازگشت به این حرم را، سپس

بازگشت و باز هم بازگشت تا باقی‌ام داشته پروردگارم به نیت صادقانه و ایمان و تقوا، و فروتین و روزی گسترده حلال پاک.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 893

خدایا قرار مده این زیارت را آخرین زیارت من از ایشان و ذکر ایشان، و درود بر ایشان، و برای من واجب گردان آمرزش و رحمت و خیر و برکت، و نور و ایمان و حسن اجابت چنان که برای اولیایت واجب نمودی، آن آگاهان به حق ایشان و واجب شمارندگان طاعت آنان، و مشتاقان در زیارت ایشان، و تقرب کنندگان به تو و به سوی ایشان، پدر و مادرم و خودم و مال و خاندانم فدای شما، مرا از جمله اندیشه‌هایتان قرار دهید، و از حزب خودتان گردانید، و در شفاعتتان وارد کنید، و نزد پروردگارتان یادم نمایید. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و از جانب من بر ارواح و اجسادشان برسان، تحیت و درود بسیار، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد. ششم: در کتاب «تحفة الزائر» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده، هرگاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد، یا از امری بیمناک و ترسان باشی در کاغذی بنویس:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، خدایا به سوی تو رو می‌کنم با محبوب‌ترین نامها به پیشگاهت، و بزرگترین آنها در نزدت، و تقرب و توسل می‌جویم، به کسی که حقش را بر خودت واجب کردی، به محمد و علی و فاطمه، و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی، و حجت منتظر که دروهای خدا بر همه ایشان باد، کفایت کن برایم چنین و چنان. به جای کذا و کذا حاجت خود را ذکر می‌کنی، سپس

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 894

کاغذ را تا کن و در میان تگه‌ای از گل بگذار، و در میان آب جاری، یا چاهی بینداز، که حق تعالی به زودی گشایشی در مشگلت کرامت می‌کند.

هفتم: به سند معتبر روایت شده که شیخ ابو عمرو نایب اول امام عصر صلوات الله علیه به ابو علی محمد بن همام املا فرمود، و به او امر کرد که آن را بخواند. سید ابن طاووس در کتاب (جمال الاسبوع)، پس از ذکر دعاهاى وارد بعد از نماز عصر جمعه، و صلوات کبیره، این دعا را ذکر کرده و گفته: اگر برای تو، از تمام آنچه ذکر کردیم عذری باشد، پس پرهیز

از اینکه خواندن این دعا را واگذاری، به دستی که ما داشتن این دعا را از فضل خدا «جل جلاله» می‌دانیم که ما را به آن ممتاز ساخته، پس به آن اعتماد کن. و دعا این است:

خدایا خود را به من بشناسان، اگر خود را به من شناسانی، پیامبرت را شناسم، خدایا پیامبرت را به من بشناسان، اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجتت را شناسم، خدایا حجتت را به من بشناسان، اگر حجتت را به من شناسانی، از دینم گمراه شوم. خدایا مرا به مرگ جاهلیت نغیران، و دلم را پس از اینکه هدایت نمودی، منحرف مکن. خدایا چنان که به ولایت کسی که طاعتش را بر من واجب کردی، از ولایت والیان امر خود پس از پیامبرت (درود تو بر او و خاندانش) تا زمامداری والیان امرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم مهدی (درود تو بر همه ایشان) قبول کردم، خدایا پس مرا بر دینت ثابت بدار، و تحت فرمانم بکار گیر، و دلم را برای ولی امرت نرم کن، و در سلامت کاملم بدار، از آنچه بندگان را به آن آزمودی، و بر طاعت ولی امرت استوارم کن آنکه او را از دیده بندگان پوشیده داشتی، و به اذن تو از آفریدگانت پنهان شد، و فرمان تو را انتظار می‌کشد، و تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 895

دانای بدون تعلیمی به آن هنگامی که صلاح کار ولی امرت در آن است در اجازه دادن به او برای آشکار ساختن حکومتش، و برطرف نمودن پرده غیبتش، پس مرا بر این حقیقت شکبیا گردان، تا دوست نداشته باشم پیش افتادن چیزی که به تأخیر انداختی، و به تأخیر انداختن چیزی که پیش انداختی، و نه آشکار نمودن چیزی که پنهان ساختی، و نه کنجکاوای در آنچه کتمان کردی، و نه با تو نزاع کنم در تدبیرت، و نه بگویم: برای چه، و چگونه، و چه شده ولی امر ظهور نمی‌کند، و حال آنکه زمین از ستم پر شده، و من واگذار می‌کنم همه امور را به تو، خدایا از تو می‌خواهم ولی امرت را آشکار و نافذ الامر به من بنمایی، با اینکه می‌دانم تنها برای توسل سلطنت و قدرت و برهان، و حجت و مشیت و حول و قوت، این خواهش را نسبت به من و همه اهل ایمان انجام ده، تا ولی امرت (درود تو بر او) را ببینم، نمایان گفتار، روشن دلالت، هدایتگر از گمراهی، شفابخش از نادانی، آشکار فرمای پروردگارم دیدارش را، و استوار کن پایه‌های کارش را، و ما را از آنانی قرار ده که چشمش به دیدار حضرتش روشن شود، و ما را به خدمتش بگمار، و بر آیینش بمیران، و در گروهش محصور گردان، خدایا پناهش ده از شر همه آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و پروریدی و صورت دادی، و او را نگاه دار از پیش‌رویش و از پشت سرش، و از طرف راست و چپش و بالای سر و زیر پایش، به نگاهداری خویش که تباه نمی‌گردد هر که را به آن نگاه داری، و حفظ کن در وجود او رسول و جانشین

رسولت را (بر او و خاندانش درود باد)، خدایا عمرش را طولانی کن، و بر زندگی اش بیفزای، و بر آنچه سرپرستی اش دادی، و رعایتش را از او خواستی اری اش ده، و در کرامت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 896

بر او بیفزای، و به درستی که او هدایتگر و هدایت شده و پاینده و رهیافته، و پاک و پرهیزگار و پاکیزه و بی عیب، و خشنود و پسندیده و شکیا و سپاسگذار و کوشاست، خدایا یقین را از ما مگیر، به خاطر طول زمان غیبتش، و قطع شدن خبرش و یادش را به فراموشی مسپار، و همچنین کشیدن انتظارش و ایمان به حضرتش و نیرومندی یقین در ظهورش، و دعا به وجودش، و درود بر او را از یاد ما مبر تا جایی که طول غیبت او از قیامت ناامیدمان نکند، و یقینمان در این موضوع همانند یقینمان در قیامت پیامبرت (درود تو بر او و خاندانش)، و آنچه از وحی و قرآن آورده باشد، پس دلهای ما را بر ایمان به او نیرومند ساز، تا ببری ما را به دست او در مسیر هدایت، و بزرگراه بزرگتر، و راه میانه تر، و ما را بر طاعت او نیرومند کن، و بر پیروی اش استوار فرما، و قرارمان ده در گروه و یاوران و یاران او، و کسانی که به کار حضرتش خشنودند، و این حقایق را در زندگی و نه در هنگام مرگ از ما مگیر، تا ما را بمیرانی و ما بر این حقایق باشیم، و از شك کنندگان و پیمان شکنان و تردیدداران، و تکذیبگران نباشیم. خدایا در گشایش امرش شتاب کن، و به یاری خود تأییدش کن، و یارش را یاری ده، و واگذارکننده اش را خوار نما، و هلاک کن هرکه را که با او طرح دشمنی اندازد، و او را تکذیب کند، و حق را بر او آشکار کن، و ستم را به وسیله او بمیران، و بندگان مؤمن را به وسیله او از خواری رهایی ده، و کشورها را او زنده و سرسبز کن، و گردنکشان کفر را به دست او به قتل برسان، و سرکرده های گمراهی را به او درهم شکن، و جباران و کافران را به وسیله او خوار کن، و به قدرت او نابود کن منافقان، و پیمان شکنان و همه مخالفان و بی دینان را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 897

در مشرقهای زمین و مغربهایش، در خشکیها و دریاها، و هواریها و کوههایش، تا نگذاری از آنان احدی را، و باقی نگذاری برای آنان آثاری را، کشورها را از این ناپاکان پاک کن، و با انتقام گرفتن از آنان، سینه های بندگان را شفا بخش، و به وسله او تازه کن، آنچه از دینت کهنه شده، و به او اصلاح کن آنچه از قانونت، به قانون دیگر تبدیل شده، و از آیینت دگرگون گشته، تا دین تو به وجود او، و به دست او بازگردد، با طراوت و تازه و بی عیب که نباشد در آن هیچ

ترجمه مفاتيح الجنان، ص: 898

میان بندگان، و کشتن دشمنان در کشورهايت اجازه دهی، تا ستونی برای ستم، ای پروردگارم باقي نگذاری مگر آنکه درهم شکنی، و نه باقي مانده‌ای جز آنکه نابود گردانی، و نه نیرویی مگر سستش نمایی، و نه پایه‌ای جز آنکه در هم فرو ریزی، و نه برنده‌ای جز آنکه کند کنی، و نه اسلحه‌ای جز آنکه از کار اندازی، و نه پرچی جز آنکه سرنگون سازی، و نه پهلوانی جز آنکه به قتل رسانی، و نه لشگری جز آنکه شکست دهی، و سنگ بارانشان کن، به سنگ درهم کوبنده‌ات، و بزَن آنان را به شمشیر برنده‌ات، و انتقامت که آن را از مردمان بدکار بازمی گردانی، و عذاب کن دشمنانت، و دشمنانت، و دشمنان ولیّات و دشمنان رسولت (دروء تو بر او و خاندانش) به دست ولیت و دست بندگان با ایمانت. خدايا کفایت کن ولیّات، و حجّت را در زمین، از هراس دشمنش، و از نیرنگ هر که قصد او کند، و حيله کن با هر که به او حيله ورزد، و بگردان گردشهای بد روزگار را عليه هر کس که به او قصد بد کند، و ریشه آنها را از او قطع کن، و رعب او را در دلهای آنان درانداز، و قدمهایشان را بلغزان، و آنها را آشکارا و ناگهان بگیر، و عذابت را بر آنان سخت کن، و در میان بندگان رسوایشان ساز، و در کشورهايت به لعنت گرفتارشان گردان، و در قعر آتش جایشان ده، و شدیدترین عذابت را بر آنان فرو انداز، و با آتش دوزخ ملازمشان نما، و گورهای مردگانشان را از آتش پر کن، و در سوز آتششت

واردشان ساز، که اینان نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند، و بندگان را به گمراهی کشیدند، و کشورها را ویران کردند.

خدایا به دست ولّیات قرآن را زنده کن، و همیشه نورش را به ما بنمایان که شی در آن نباشد، و دل‌های مرده را به وسیله او زنده کن، و سینه‌های آکنده از کینه را به او ببودی بخش، و آرای پراکنده را به دست او بر پایه حق گرد آورد، و حدود معطل شده و احکام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 899

فرو گذاشته را به او بر پا بدار، تا حقّی بجا نماند جز آنکه آشکار گردد، و نه عدالتی جز آنکه شکوفا شود، و قرار ده ما را ای پروردگار از یاران و نیرودهندگان سلطنت و فرمانبرداران فرمان و خشنودان به عمل و تسلیم‌شوندگان به احکامش، و از آنانی که نیاز به پنهان‌کاری از بیم مردم نداشته باشند، و تو ای پروردگارم که گرفتاری را بر طرف می‌کنی، و بی‌چاره را اگر خواندنت اجابت می‌کنی، و نجات می‌دهی از اندوه بزرگ، پس گرفتاری را از ولّیات برطرف کن، و او را خلیفه خود، در زمینت قرار ده، چنان که برای او تعهد نموده‌ای. خدایا، ما را قرار مده، از رودرشدگان با خاندان محمد (درود بر ایشان)، و از دشمنان خاندان محمد (درود بر ایشان)، و از کینه‌دوزان بر خاندان محمد (درود بر ایشان)، که من از این امور به تو پناه می‌آورم، پس پناهم بده، و از تو پناه می‌خواهم پس در پناهم بگیر، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا از جانب خود به وسیله ایشان رستگار کن، در دنیا و آخرت، و از مقربان درگاهت قرار ده، آمین ای پروردگار جهانیان.

هشتم: در آداب زیارت به نیابت است. بدانکه ثواب زیارت هر يك از رسول خدا، و ائمه هدی علیهم السّلام را می‌توان هدیه به روح مقدّس هر يك از آنان نمود، و همچنین به روح هر يك از مؤمنان می‌توان هدیه کرد، و نیز می‌توان به نیابت از ایشان زیارت نمود، چنان که به سند معتبر نقل شده: داود صرمی به حضرت هادی علیه السّلام عرضه داشت: من پدر شما را زیارت کردم، و ثوابش را برای شما قرار دادم. فرمود: برای تو از جانب خدا، پاداش و ثواب بزرگی است، و از جانب ما ستایش و ثنا. و در حدیث دیگری وارد شده: حضرت هادی علیه السّلام شخصی را به حایر امام حسین علیه السّلام فرستاد که برای حضرت زیارت و دعا کند. هم به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت شده: چون به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 900

زیارت مرقد منور رسول خدا صلی الله علیه و آله بروی و از اعمال زیارت فارغ شوی، دو رکعت نماز بخوان، و نزد سر رسول خدا صلی الله علیه و آله بایست و بگو:

سلام بر تو ای پیامبر خدا، از سوی پدر و مادر و همسر و فرزند و نزدیکانم و از سوی تمامی اهل شهرم، آزاد و برده‌شان و سپید و سیاهشان. پس به هرکس از شهر خود بگویی که من به نیابت از تو، به پیامبر صلی الله علیه و آله سلام دادم، راستگو خواهی بود. و در بعضی از روایات وارد شده: از بعضی از ائمه طاهرين پرسیدند: از مردی که دو رکعت نماز بجا می‌آورد، یا يك روز روزه می‌دارد، یا حجّ و عمره بجا می‌آورد، یا رسول خدا صلی الله علیه و آله یا یکی از ائمه طاهرين عليهم السلام را زیارت می‌کند، و ثواب آن را برای پدر و مادر خود، یا برادر مؤمن خود هدیه می‌کند، آیا برای او ثوابی هست؟ فرمود: ثواب آن عمل به آن شخص می‌رسد، بدون اینکه از ثواب نایب چیزی کم شود. شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب فرموده: کسی که با گرفتن اجرت، به نیابت برادر مومن به زیارت می‌رود، چون از غسل فارغ شود، [و موافق بعضی از نسخه‌ها: از عمل زیارت فارغ گردد] بگوید: خدایا فلان فرزند فلان را پاداش ده، و مرا هم در بجا آوردنم از جانب او پاداش عنایت کن.

پس چون زیارت کند در آخر زیارت بگوید: درود بر تو ای سرورم از فلان فرزند فلان، آمدم نزد تو زیارت کننده از طرف او، پس برای او نزد خدا شفاعت کن. پس هر دعا را که خواهد برای او بنماید، و نیز فرموده: چون کسی بخواند، به نیابت دیگری زیارت کند بگوید: خدایا فلان فرزند فلان مرا به نمایندگی، به جانب سرپرستانش و سرپرستانم فرستاده، تا از جانب او زیارت کنم، به امید پاداش فراوان، و گزیر از بدی حساب.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 901

خدایا او به درگاهت توجّه می‌کند، به وسیله سرورانش، آن دلیان بر تو، در جهت آمرزش گناهان، و فرو ریزی بدیهایش، و به وسیله ایشان به تو توسّل می‌جوید، کنار زیارتگاه امامش (درود خدا بر ایشان). خدایا از او بپذیر، و شفاعت سرورانش را (درود خدا بر ایشان) درباره او قبول کن، خدایا پاداشش ده بر این خوی نیتش، و باور صحیحش، و درستی دوستی‌اش، بهترین پاداشی که به یکی از بندگان مؤمنت عطا کنی، و تداوم بخش برای او آنچه که او را مالکش نمودی، و به شایستگی وادارش در آنچه به او مرحمت فرمودی، و مرا آخرین نماینده‌ای که می‌فرستد قرار مده، خدایا او را از آتش رهایی بخش، و از روزی حلال پاکیزه‌ات، بر او وسعت ده، و او را از رفقای محمد و خاندان محمد قرار بده، و به او در فرزندان مال و اهل و زیردستانش برکت ده، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و میان او و نافرمانیهایت پرده شو، تا تو را نافرمانی نکند، و او را بر طاعت خویش و طاعت اولیای یاری رسان، تا در جا فرمانش داده‌ای

ترجمه مفاتيح الجنان، ص: 902

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 903

«فی الأدعية و الصلوات المندوبات» «رساله» باقیات الصالحات در دعاها و نمازهای مستحب» به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

ستایش خدا را که آسمان را برافراشت، و بندگان را به جانب دعا تشویق نمود، و درود و سلام بر وجود کسی که او را در برگزیدن مقدم داشت، یعنی محمد خاتم پیامبران، و بر خاندان پاکش، چراغهای تاریکی به ویژه بر قائم آنان خاتم جانشینان.

و بعد چنین گوید: این گنهکار روسیاه، و مقصّر درگاه اله، عباس بن محمد رضا القمی که این مجموعه‌ای است، مشتمل بر مختصری از اعمال شبانه‌روز، و ذکر بعضی از نمازها که در روایات آمده، و پاره‌ای از عوذات و احراز [دعاهایی که برای پناه جستن از خطرات خوانده می‌شود]، و اذکار، و دعاهای کوتاه، و خواصّ بعضی از سوره‌ها و آیات، و چکیده‌ای از آداب اموات، آنها را جمع کردم، تا به «مفاتیح» ضمیمه گردد، و این کتاب شریف از هر جهت کامل و نفعش تمامتر شود، آن را نامیدم به «الباقیات الصالحات فی الادعیة و الصلوات المندوبات»

خدای تعالی فرمود: باقیات صالحات [کارهای پایدار و شایسته] نزد پروردگارت، از جهت پاداش و آرزو بهتر است. [کشف، 46].

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 904

و آن را بر شش باب و یک خاتمه مرتّب ساختم:

باب اول: در بیان مختصری از اعمال شب و روز.

باب دوم: در ذکر بعضی از نمازهای مستحبّ.

باب سوم: در بیان دعاها و عوذات مربوط به دردها و بیماری‌ها و نقص و ناراحتی اعضای بدن و تب و غیره.

باب چهارم: در بیان دعاهایی که از کتاب شریف کافی انتخاب شده.

باب پنجم: در ذکر بعضی از احراز [جمع حرز به معنای دعای نگهداشت و پرهیز] و دعاهای کوتاه، که از کتاب «مهج الدعوات» و کتاب «مجتبی» گرفته شده.

باب ششم: در ذکر خواصّ بعضی از سوره‌ها و آیات، و ذکر برخی از دعاها و مطالب متفرقه.

خاتمه: در مختصر و مجملی از احکام اموات.

رجای واثق و امید صادق که برادران مؤمن و شیعیان حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام این گنهکار عاصی را از دعا، و طلب مغفرت در حال حیات، و پس از ممات فراموش نفرمایند.

باب اول:

در بیان مختصری از اعمال شب و روز که مشتمل بر چند فصل است.

فصل اول:

اعمال مربوط به مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب بدانکه از جمله اوقات شریف بین الطلوعین [زمان بین طلوع فجر صادق و طلوع خورشید] است، و اخبار بسیاری از اهل بیت علیهم السّلام در فضیلت این وقت، و تشویق بر عبادت، و ذکر و تسبیح در آن وارد شده، و در برخی اخبار، از این وقت تعبیر به ساعت غفلت شده، چنانکه از حضرت محمد باقر علیه السّلام روایت شده: ابلیس رانده شده لشگرهای خویش را، در دو وقت پراکنده می‌سازد: وقت غروب آفتاب، و زمان طلوع آن، پس در این دو ساعت، خدا را بسیار یاد کنید، و از شرّ ابلیس و لشگرش، به خدا پناه بجوئید، و در این دو ساعت کودکان خود را به پناه خدا درآورید،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 905

زیرا آن دو ساعت، ساعت غفلت است. و بدانکه خواب در این دو وقت مکروه است. از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده: خواب در وقت صبح خوابی است شوم و مانع روزی است، و رنگ رخسار را زرد و دگرگون می‌کند، و به درستی که حق تعالی روزی‌ها را در مابین طلوع فجر، تا طلوع آفتاب قسمت می‌کند، بنابراین از خوابیدن در این وقت پرهیزید شیخ طوسی این دعا را در کتاب «مصباح» نقل کرده است که در وقت طلوع فجر صادق خوانده شود.

خدایا تو یاور مایی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست، و بر ما فزونی بخش، خدایا به نعمت تو کارهای شایسته به پایان می‌رسد، پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و آنها را برای ما به پایان رسان، پناهنده‌ام به خدا از آتش، پناهنده‌ام به خدا از آتش، پناهنده‌ام به خدا از آتش ای شکافنده سپیده از جایی که نمی‌بینم، و بیرون‌آورنده آن از جایی که می‌بینم، بر محمد و خاندانش درود فرست، و قرار ده آغاز این روز را شایستگی، و میانه‌اش را رستگاری، و پایانش را کامیابی، آگاه ده مرتبه می‌گویی خدایا من تو را گواه می‌گیرم که هرچه سپیده‌دمان به من می‌رسد، از نعمت یا سلامت کامل در دین یا دنیا تنها از جانب توست، یگانه‌ای و برای تو شریکی نیست، تو را ستایش و بر من است سپاس بر آن، تا خشنود شوی، و بالاتر از خشنودی. و ذکرهای وارد بر این وقت، غیر از آنچه ذکر شد بسیار است، و بهترین آنها ذکر خدا پاک و منزّه است و ستایش تنها او را سزااست و خدایی جز او نیست و خدا بزرگ‌تر از هر وصفی است. است که از آن به «باقیات صالحات» تعبیر ده و نیز خواندن این دعاست: معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی ندارد، فرمانروایی و ستایش از آن اوست، زنده می‌کند، و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند، و او زندای است که نمی‌میرد، خیر تنها به دست اوست، و او بر هرچیز تواناست. چون ندای اذان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 906

صبح را شنیدی می‌گویی: خدایا از تو می‌خواهم به آمدن روزت، و رفتن شبت، و رسیدن نمازهایت، و بانگهای دعایت و تسبیح فرشتگانت، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و توبه‌ام را بپذیری که تویی توبه‌پذیر و بخشنده. چون خواستی به نماز رو کنی، ولی به رفتن به بیت الخلاء نیازمندی، پس به آن ابتدا کن، و آداب آن بسیار است، و پاره‌ای از آن به طور اختصار این است که پای چپ را وقت وارد شدن مقدم بداری و بگویی:

به نام خدا و به وسیله خدا، پناه می‌برم به خدا از پلید، ناپاک، آلوده، شیطان رانده شده.

چون لباس به يك سو قرار دادی به نام خدا می‌گویی، و واجب در این حال، بلکه در تمام حالات، پوشاندن عورت از بیننده محترم است. و در این حال به طرف قبله، و پشت به قبله نشستن حرام می‌باشد، و مستحب است در حال قضای حاجت بگویی: خدا در تندرستی کامل غذای پاک به من بخوران، و در سلامت کامل، آن را از من، ناپاک خارج کن.

که بر آنچه از تو دفع شد. نگاهت افتاد بگو خدایا حلال روزی‌ام فرما، و از حرام بکنارم دار چون خواستی از بول تطهیر کنی، اول استبراء می‌نمایی، سپس دعای رؤیت آب را می‌خوانی ستایش خدای را که آب را پاک‌کننده قرار داد، و آن را ناپاک نگرداند و در وقت طهارت از بول می‌گویی، خدایا عضو جنسی‌ام را از گناه نگاهدار، و آن را عفیف گردان، و عورتم را بپوشان، و آتش را بر من حرام کن. و چون از جای خود برخاستی، دست راست را بر شکم خود می‌کشی و

می‌گویی: ستایش خدای را، که آزار را از من دور ساخت، و خوراك و نوشیدنی‌ام را بر من گوارا نمود، و از بلا به سلامت داشت. آن‌گاه با مقدم نمودن پای راست

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 907

بر پای چپ از انجا بیرون می‌آیی، و این دعا را می‌خوانی: ستایش خدای را، که لذت غذا را به من شناساند، و نیروی آن را در پیکرم باقی گذاشت، و آزارش را از من بیرون کرد، و ده که چه نعمتی، و ده که چه نعمتی، سنجش گران توان سنجیدن آن را ندارد. چون خواستی وضو بگیری، با مسواک آغاز کن، که دهان را پاکیزه، و بلغم را برطرف، و نیروی حافظه را زیاد می‌کند، و موجب فرونی حسنات و خشنودی حق تعالی است، و دو رکعت نماز با مسواک، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک است، و اگر مسواک نباشد. انگشت نیز کفایت می‌کند. و سزاوار است وقت وضو گرفتن به طرف قبله بنشینی، و ظرف آب را در جانب راست خود گذاری، و چون نگاهت به آب افتاد، این دعا را بخوانی:

ستایش خدای را که آب را پاک‌کننده قرار داد، و آن را ناپاک نگردانید. پس دست خود را پیش از آن که داخل ظرف آب کنی می‌شویی، و به هنگام وارد کردن دست در ظرف آب می‌گویی: به نام خدا، و به ذات خدا، خدایا مرا از توبه‌کنندگان، و پاکی‌طلبان قرار ده. پس سه بار به سه کف آب، مضمضه [آب در دهان گرداندن] می‌کنی و می‌گویی: خدایا روزی که ملاقات می‌کنم دلیل محکم را به من تلقین فرما، و زبانم را به ذات گویا کن. پس سه بار استنشاق می‌کنی و می‌گویی: خدایا بوی بهشت را بر من حرام مکن، و از کسانی قرارم ده که بو و نسیم و عطر آن را ببوید. و در آغاز شستن صورت می‌گویی: خدایا چهره‌ام را سپید کن، روزی که چهره‌ها سیاه می‌شود، و چهره‌ام را سیاه مکن، روزی که چهره‌ها سپید می‌گردد.

در هنگام شستن دست راست می‌گویی: خدایا پرونده‌ام را به دست راستم بده، و نامه جاوید بودن در بهشت را به دست چپم، و حسابم را به حسابی آسان رسیدگی کن. و به وقت شستن دست چپ می‌گویی خدایا پرونده‌ام را به دست چپم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 908

و مگذار، و از پشت سرم در اختیارم قرار مده، و آن را بسته به گردنم ننما، و از پاره‌های آتش به تو پناه می‌برم. پس با رطوبت دست راست جلوی سر را مسح کن، و در آن حال بگو: خدایا رحمت و برکات را بر من بپوشان. آنگاه پاهای خود را مسح کن، و هنگام مسح بگو: خدایا مرا بر صراط ثابت بدار، روزی که قدمها می‌لغزد، و کوششم را در آنچه تو را از من خشنود می‌کند قرار ده، ای دارای بزرگی و اکرام. چون از وضو فارغ شدی بگو: خدایا از تو می‌خواهم کمال

وضو، و کمال نماز، و کمال خشنودی‌ات و بهشت را. و بگو: ستایش خاص خدای پروردگار جهانیان است. و سوره «قدر» را سه مرتبه میخوانی، آنگاه پس از فراغت از وضو، بوی خوش استعمال می‌کنی، و با حالت آرامش و وقار به جانب مسجد روانه می‌شوی، و به وقت بیرون رفتن از خانه به قصد مسجد می‌گویی: به نام خدایی که مرا آفرید، پس مرا هدایت می‌کند، و به من می‌خوراند و می‌نوشاندم، و چون بیمار شوم شفایم می‌دهد، و آن که مرا می‌میراند، سپس زنده می‌کند، و آن که طمع دارم خطایم را در روز جزا بیامرزد، خدایا به من حکم ببخش، و به شایستگان ملحق کن، و نزد آیندگان خوش نامم فرما، و مرا از وارثان بهشت نعیم قرار ده، و پدرم را بیامرزد. چون خواستی وارد مسجد شوی، ابتدا کف کفش خود را ملاحظه کن که آلودگی همراه آن نباشد بعد پای راست را مقدّم بدار، آنگاه این دعا را بخوان: به نام خدا، و به ذات خدا، و از خدا، و به سوی خدا، و بهترین همه نامها برای خداست، بر خدا توکل نمودم، و جنبش و نیرویی نیست

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 909

مگر به خدا، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و درهای رحمت و توبه‌ات را به روی من باز کن، و درهای نافرمانی‌ات را به روی من ببندد، و مرا از زائران و آبادکنندگان مساجد قرار ده، و از کسانی که در شب و روز، با تو رازنویاز می‌کنند، و از آنان آکه در نمازشان افتاده‌اند، و شیطان رانده شده، و تمام لشگرهای ابلیس را از من دور کن. و چون اراده کردی نماز بخوانی بگو: خدایا من محمد درود خدا بر او و خاندانش را پیشاپیش حاجتم به درگاهت پیش آم، و به وسیله او به سویت رو می‌کنم، پس مرا به خاطر او آبرومند نزد خود در دنیا و آخرت، و از مقرّبان قرار ده، و نمازم را به او پذیرفته، و گناهم را آمرزیده، و دعایم را مستجاب گردان، به درستی که تو آمرزنده و مهربانی. پس برای نماز، اذان و اقامه می‌گویی، و بین اذان و اقامه با يك سجده، یا نشستن فاصله می‌اندازی، و این دعا را می‌خوانی: خدایا قرار ده، دلم را شایسته، و زندگی‌ام را بر قرار، و روزی‌ام را فراوان، و قرار ده برایم، کنار آرامگاه رسالت (درود خدا بر او و خاندانش) جایگاه و قرارگاه. و آنچه خواهی دعا می‌کنی، و حاجتت را از حق تعالی درخواست می‌کنی، زیرا دعا بین اذان و اقامه ردّ نمی‌شود، خدایا به سوی تو رو کردم، و خشنودی تو را خواستم، و پاداش تو را اراده کردم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل کردم، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و گوشه‌های دلم را به ذکر باز کن، و بر دینت و دین پیامبرت پایدارم بدار، و دلم را پس از آن که هدایت کردی منحرف مساز،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 910

و بر من از نزد خود رحمتی ببخش، به راستی که تو بسیار بخشنده‌ای. آنگاه برای نماز آماده می‌شوی، و قلب خود را حاضر می‌کنی، و خواری شأن خود، و عظمت و جلال مولایت را، که در مقام مناجات با او برآمده‌ای ملاحظه می‌کنی، و چنان باش که گویا او را می‌بینی، و حیا کن، از اینکه با او سخن گویی، و دلت متوجه جانب دیگر باشد! پس با وقار و خشوع می‌ایستی، در حالتی که دستهایت را بر رانهای خود، برابر سر زانو گذاشته باشی، و بین قدمهایت را، به اندازه سه انگشت، یا يك وجب باز کرده، گشادگی قرار می‌دهی، و نگاهت را به موضع سجده می‌اندازی، سپس قریة الى الله نیت نماز واجب صبح کن، و تکبیرة الاحرام بگو. و مستحب است پیش از تکبیرة الاحرام نماز، شش تکبیر بر آن اضافه کنی، و هر تکبیری دستها را تا مقابل نرمی گوش بلند کنی، درحالی که کف دستها به طرف قبله و انگشتها، غیر از انگشت بزرگ، به هم چسبیده باشد، و بخوانی دعاهای تکبیرات را، به این صورت، که پس از تکبیر سوم بگویی:

خدایا تویی فرمانروای حق آشکار، معبودی جز تو نیست، منزهی تو، من بر خود ستم کردم، گناه مرا ببخش که جز تو گناهان را نمی‌بخشد. و پس از تکبیر پنجم می‌گویی: آری، آماده خدمتم، و خیر در دست توست، و شرّ از تو نیست، و هدایت یافته کسی است که تو هدایت کردی، بنده‌ات، و فرزند بنده‌ات، ذلیل است در برابرت، از تو، و به تو، و برای تو، و به سوی تو، نیست پناهگاهی، و نه راه رهایی، و نه گریزگاهی از تو مگر به سوی تو، منزهی تو، پیاپی به من رحم کن، مبارك و برتری، منزهی تو، ای پروردگار کعبه. و پس از تکبیر هفتم می‌گویی: رویم را به سوی وجودی نمودم، که آسمانها و زمین را آفرید، دانای پنهان و آشکار است، رو کردنی با حال اعتدال و تسلیم، و از بت پرستان نیستم، به درستی که نماز و عبادت و زندگی و مرگم برای خدا پروردگار جهانیان است، برای او شریکی نیست، به این امر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 911

فرمان داده شدم، و من از مسلمانانم. چون بخواهی قرائت را شروع کنی، استعاذه اعوذ بالله من الشیطان الرجیم را آهسته بگو، آنگاه سوره «حمد» را، با آداب تمام و حضور قلب و تفکر در معانی آن بخوان، و پس از تمام شدن سوره «حمد» به اندازه يك نفس ساکت شو، و بعد از آن سوره‌های دیگر از قرآن را بخوان، و خوب است که سوره‌هایی مانند عمّ و هل اتی و لا اقسام باشد، پس از آن به اندازه يك نفس ساکت می‌ایستی، و سپس دستها را برای تکبیر، به طریقی که پیش از این ذکر شد بلند می‌کنی، بعد از آن به رکوع برو، و دست راست را سر زانوی راست می‌گذاری، پیش از آن که دست چپ را بر زانوی چپ بگذاری، و انگشتان دو دست را باز کرده، و از زانوهای خود پر می‌کنی، و کمر را خم کرده، و گردن را کشیده، مساوی با کمر قرار می‌دهی، و نگاه خویش را بین قدمها انداخته و بگو: منزّه است پروردگار بزرگم و ستایش از آن اوست. و سزاوار است این ذکر را هفت یا پنج یا سه مرتبه بگویی، و پیش از گفتن ذکر این دعا را بخوانی:

خدایا برای تو رکوع کردم، و تسلیم تو شدم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل نمودم، و تویی پروردگارم، فروتن شد برای تو گوشم و چشمم و مویم و پوستم و گوشتم و خونم و مغزم و پیام و استخوانهایم، و آنچه را قدمهایم با خود برداشته، بدون سرپیچی و نه برتریجویی و نه خستگی. آنگاه از رکوع برخیز و بایست، و در این حال بگو: **سمع الله لمن حمده** [خدا هرکس را که حمدش کند شنواست] بعد تکبیر بگو، و با نهایت خضوع و خشوع به سجده برو، در حال سجده کف دستها را پهن کرده، جلوتر از زانوها بر زمین بگذار، و بر تربت امام حسین علیه السلام سجده کن، و ذکر سجود را بگو، و بهتر آن است که ذکر سجود را، هفت یا پنج یا سه بار بگویی، و پیش از گفتن ذکر، این دعا را بخوان: خدایا برای تو سجده کردم، و به تو ایمان آوردم، و تسلیم تو شدم، و بر تو توکل نمودم، و تو پروردگار منی، سجده کرد رویم، برای کسی که آن را آفرید، و گوش و چشمش را گشود، و ستایش خدای را پروردگار جهانیان، مبارک باد خدا، بهترین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 912

آفرینندگان. پس ذکر را بگو، و سر از سجده بردار و بنشین، و مستحب است تکبیر بگویی و روی کفل خود بنشینی و بگویی:

استغفر الله ربی و اتوب الیه و نیز بگویی: خداوندا مرا بیامرز و به من رحم کن، و شکستگی ام را اصلاح فرما، و از من دفاع کن، و مرا سالم بدار، من نسبت به خیری که برآم فرو فرستی نیازمندم، مبارک است خداوند پروردگار جهانیان. آنگاه تکبیر می گویی و به سجده دوم می روی و انجام می دهی آنچه را که در سجده اول انجام دادی، سپس سر از سجده برداشته و جلسه [نشستن] استراحت را بجا می آوری، و برای رکعت دوم بر می خیزی، و در حال برخاستن می گویی: بحول الله و قوته اقوم و اقعِد [به نیرو و جنبش خدا برخیزم و بنشینم] چون به حالت آرامش قرار گرفتی حمد و سوره بخوان، و بهتر آن است که سوره توحید را بخوانی، و پس از پایان آن، سه مرتبه گفتن: **كذلك الله ربی مستحب است**، بعد تکبیر گفته، دستها را برای قنوت، تا برابر صورت بلند می کنی، و باطن دستها را به سوی آسمان قرار می دهی، و غیر از انگشت بزرگ سایر انگشتان، را به هم می چسبانی و خوب است برای قنوت خواندن کلمات فرج را برگزینی و پس از آن بگویی:

خداوندا، ما را بیامرز، و به ما رحم کن، و از عافیت بهره مندمان گردان و ما را در دنیا و آخرت بسلامت دار، بدرستی که تو بر هر چیز توانائی آنگاه می گویی: خداوندا، هرکس که صبح کند و برای او تکیه گاه و امیدی جز تو باشد ولی تو پناه و امید منی ای بخشنده ترین کسی که از او درخواست شده، و ای مهربان ترین کسی که از او طلب مهربانی شده، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به ناتوانی و درماندگی و بیچارگی ام رحم کن و بر من به احسان از جانب خود به بهشت ممت گذار، و از آتش رهایم ساز، و در وجودم و همه امورم، سلامت بدار، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان. و طول

دادن قنوت سزاوار است، و دعا‌هایی که در قنوت خوانده می‌شود بسیار است، آنگاه تکبیر می‌گویی و رکوع و سجود را به همان صورتی که ذکر شد به جا می‌آوری و پس از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 913

اتمام دو سجده، برای تشهّد و سلام بنشین، و مستحبّ است که روی کفل خود بنشینی، و پیش از تشهّد بگویی: به نام خدا و به جلوه خدا، و همه نامهای نیکوتر برای خداست، و ستایش خدای را، و بهترین نامها برای خداست، گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست. تا آخر تشهّد. و چون از نماز فارغ شدی، شروع به خواندن تعقیب کن که تأکید و امر بسیار بر آن شده، و حق تعالی فرموده: زمانی که فراغت یافتی در عبادت بکوش، و به جانب پروردگارت رغبت کن.

در تفسیر این آیه روایت شده: چون از نماز فارغ شوی، خود را در دعا به زحمت انداز، و به سوی پروردگار خود میل کن، و حاجات خود را از او بطلب، و امیدت را از غیر او قطع کن. و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده: هر کدام از شما که از نماز فارغ شد، باید دستها را به سوی آسمان بلند کند، و خود را در دعا به سختی اندازد. از روایات استفاده می‌شود، که تعقیب زیادکننده روزی است، و مؤمن در نماز است، و ثواب نماز را دارد تا گاهی که مشغول به ذکر حق تعالی است، و خواندن دعا پس از نماز واجب، بهتر از خواندن نماز مستحبّ است. علامه مجلسی رحمه الله فرموده: از کلمه «تعقیب» ظاهر می‌شود، که قرآن و دعا و ذکر وقتی متصل به نماز است، عرفاً تعقیب می‌باشد، ولی بهتر آن است که با وضو، و در حال نشستن رو به قبله باشد، و افضل در وقت خواندن تعقیب نشستن بر طریق تشهّد [یعنی متورگاً و بروی کفل] است، و در اثنای تعقیب به ویژه در تعقیب نماز شام سخن نگوید، و بعضی گفته‌اند: تمام شرایط نماز را در تعقیب رعایت کنند، و ظاهر آن است که پس از نماز، به هر حالی که مشغول قرآن و ذکر و دعا باشد، ثوابی برای آن مقرر است هر چند در حال راه رفتن انجام گیرد. مؤلف گوید: برای دین و دنیا، دعا‌های بسیار، از ائمه اطهار علیهم السلام در تعقیب نمازها وارد شده، و چون اشرف عبادات بدنی نماز است، و تعقیبات روایت شده را، در تکمیل نمازها دخالتی پس عظیم است، و همچنین موجب بالا رفتن درجات، و فرو ریختن گناهان، و حصول خواسته‌ها، و حاجات می‌شود، به خاطر این دعاگو رسید، که قسمتی از آنها را در این رساله ذکر نمایم، و اکثر آن را از کتاب «بحار» و «مقباس»

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 914

علامه مجلسی عطر الله مرقده الشریف نقل می‌کنم، پس می‌گویم: تعقیبات بر دو قسم است: تعقیبات مشترک، و تعقیبات مختصّ.

اما مشترك: تعقیباتی است که پس از هر نماز خوانده می‌شود، و بسیار است، و ما در اینجا به چند قسمت از آن اکتفا می‌کنیم. اول: تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است، و احادیث در فضیلت آن بیش از حدّ و خارج از شماره است، از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است: ما کودکان خود را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام امر می‌کنیم، چنان‌که ایشان را به نماز دستور می‌دهیم، بنابراین آن را ترك مکن، که هرکه بر آن مداومت کند، شقی و بدبخت نمی‌شود.

در روایات معتبر وارد شده: ذکر کثیری که خدا، در قرآن به آن امر فرموده، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام است، و هرکه بعد از هر نماز، مداومت بر آن داشته باشد، خدا را بسیار یاد کرده، و به آیه فاذکروا لله ذکرا کثیرا عمل کرده است. به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت شده: هر که تسبیح فاطمه علیها السلام را بگوید، و بعد از آن استغفار کند، خدا او را بیامزد، و آن را بر زبان صد است، و در میزان عمل هزار، و شیطان را دور می‌کند، و خدا را خشنود می‌نماید. به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرکه تسبیح فاطمه علیها السلام را پس از هر نماز بگوید، پیش از آن‌که پاها را از حالت نماز بگرداند، آمرزیده شود، و برایش بهشت واجب می‌شود. و در حدیث معتبر دیگری فرمود:

پس از هر نماز، تسبیح فاطمه را خواندن، نزد من بهتر است از آن‌که در هر روز هزار رکعت نماز بخوانند. در روایت معتبری از حضرت باقر علیه السلام نقل شده: به چیزی از تسبیح و تمجید، عبادت الهی انجام نشده که بهتر از تسبیح فاطمه علیها السلام باشد، و اگر چیزی از آن بهتر بود، حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن را به فاطمه علیها السلام عطا می‌فرمود. و احادیث در فضل آن، زیاده از آن است، که بتوان در این رساله ایرا نمود، و در کیفیت آن اختلافی در احادیث دیده می‌شود، و اشهر و اظهر [مشهورتر و محتملتر] آن است، که سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله بگوید.

و در بعضی از روایات سبحان الله پیش از الحمد لله وارد شده، و بعضی از علما به این صورت جمع بین روایات کرده‌اند، که پس از نماز به طریق اول بخواند، و هنگام خوابیدن به صورت دوم، و ظاهرا انجام دادنش در هر وقت، به طریق اول که مشهور است بهتر است. و مستحب است بعد از تمام شدن تسبیح، يك مرتبه لا اله الا الله بگوید،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 915

چنان‌که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرکه پس از هر نماز واجب، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بجا آورد، و به دنبال آن يك مرتبه بگوید لا اله الا الله خدا او را بیامزد، و بهتر آن است که حساب آن را با تسبیح

ساخته از تربت حضرت حسین علیه السّلام نگاه دارد، و نگاه داشتن حساب تمام ذکرها با تسبیح ترتب حضرت حسین علیه السّلام مستحبّ است، و با خود داشتن تربت آن حضرت به طور پیوسته، مستحبّ و نگهدار از بلاها، و باعث ثواب بی‌انتهاست. نقل شده: حضرت فاطمه علیها السّلام در ابتدا رشته‌ای از پشم تابیده، و بر آن گره‌ها زده بود، که به آن تسبیح می‌گفتند، تا حضرت حمزه بن عبد المطلب رضی الله عنه شهید شد، پس حضرت فاطمه علیها السّلام از تربت قبر آن شهید بزرگوار، خاک برگرفت، و تسبیح ساخت، و به آن خدا را تسبیح می‌کرد، مردم نیز چنان کردند. چون حضرت حسین علیه السّلام به شهادت رسید، ساختن تسبیح و ذکر گفتن با آن از تربت آن امام مظلوم مستحبّ شد. از حضرت صاحب الامر علیه السّلام روایت شده: هرکه تسبیح تربت امام حسین علیه السّلام را در دست داشته باشد، و ذکر را فراموش کند، ثواب ذکر برای او نوشته می‌شود. از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده: تسبیح تربت آن حضرت خود ذکر می‌کند، بی‌آنکه آدمی بگوید: و فرمود: يك ذکر، یا استغفار، که با آن گفته می‌شود، برابر با هفتاد ذکر است، که با چیز دیگری گفته شود، و اگر بدون ذکر بگرداند، به هر دانه هفت تسبیح برای او نوشته می‌شود، و به روایت دیگر، اگر با ذکر بگرداند، به ازای هر دانه چهل حسنه برای او نوشته می‌شود، و روایت شده: حوریان بهشت، چون فرشته‌ای را می‌بینند به زمین می‌آید، از او درخواست می‌کنند که تسبیح و تربت حضرت امام حسین علیه السّلام برای ما بیاور. در حدیث صحیح از حضرت موسی بن جعفر علیهما لا سّلام نقل شده: مؤمن می‌باید خالی از پنج چیز نباشد: مسواک، شانه، سجّاده‌ای که بر روی آن نماز بجا آورد، و تسبیحی که در آن سی و چهاردانه باشد، و انگشتر عقیق. و ظاهر آن است که تسبیح خام و پخته هر دو خوب است، و خام بهتر است. از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده: هرکه با تسبیح تربت قبر امام حسین علیه السّلام يك تسبیح بگوید، حق تعالی برای او چهارصد حسنه بنویسد، و چهارصد گناه از او محو کند، و چهارصد حاجت او را برآورد، و چهارصد درجه برای او بالا برد. و نیز روایت شده: مستحب است رشته تسبیح کبود باشد به رنگ آسمان، و از بعضی روایات استفاده می‌شود، که اگر زنان عدد ذکر را به انگشتان خود بشمارند افضل است، ولی احادیث فضیلت تربت به طور مطلق اکثر و اقوی است. دوم: مستحب است پس از سلام نماز واجب، سه مرتبه دست را تا روبروی صورت بلند کند و تا به زانو، یا نزدیک زانو بازگرداند، و با هر

مرتبه يك الله اكبر بگوید، چنان که علی بن ابراهیم و سید ابن طاووس، و ابن بابویه، به سندهای معتبر، از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: مفضل بن عمر از آن حضرت پرسید: به چه علت نمازگزار، پس از سلام نماز سه مرتبه تکبیر می‌گوید و دست بر می‌دارد؟ فرمود:

برای آن که چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله فتح مکه نمود، نماز ظهر را با اصحاب، کنار «حجر الأسود» بجا آورد، چون سلام نماز را به پایان برد، سه مرتبه تکبیر گفت، و با هر نوبت دست برداشت، آنگاه گفت:

معبودی جز خدا نیست، یکتاست، یکتاست، به وعده‌اش وفا کرد، و بنده‌اش را یاری نمود، و سپاهش را نیرومند گرداند، و بر گروههای کفر به تنهایی چیره شد، پس فرمانروایی و ستایش برای اوست، زنده می‌کند، و می‌میراند، و او بر هر چیز تواناست.

آنگاه رو به جانب اصحاب کرد و فرمود: این تکبیر و این دعا را، پس از هر نماز واجب ترك نکنید چه هر که پس از سلام نماز چنین کند، شکر نعمت خدا را بر تقویت اسلام و لشکر اسلام ادا کرده است. در حدیث صحیح نقل شده: چون حضرت صادق علیه السلام از نماز فارغ می‌شدند، دستها را بالای سر مبارك خود بلند می‌کردند، و دعا می‌کردند. و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده:

هر بنده‌ای که دستها را به سوی خدا بردارد، حق تعالی حیا می‌کند، دستهای او را خالی بازگرداند، بنابراین وقتی که دعا می‌کنید، دستها را فرود نیاورید، مگر آن که بر سر و روی خود بکشید. سوم: کینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده هر که پس از نماز واجب، پیش از آن که پاهای خود را بگرداند، سه مرتبه این دعا را بخواند، خدا گناهان او را بیامزد، هر چند در کثر مانند کف دریا باشند. آموزش می‌طلبم از خدا، که معبودی جز او نیست، زنده و به خود پاینده و صاحب بزرگی و بزرگواری است و به سوی او باز می‌گردم. و در روایات دیگر وارد شده: هر که این استغفار را، هر روز بخواند، حق تعالی چهل گناه کبیره او را بیامزد. چهارم: کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: این دعا را پس از هر نماز ترك نکن: خودم را و آنچه پروردگارم روزی‌ام نموده پناه می‌دهم به خدای یگانه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 917

بی‌نیاز که نزاده، و زاده نشده است، و احدی همتای او نبوده، و خودم را و آنچه پروردگارم روزی‌ام نموده، پناه می‌دهم، به پروردگار سپیده‌مان از هر چه آفرید، و از گزند شب تیره زمانی که تاریکی‌اش درآید، و از شرّ دمنده‌گان در گره‌ها، و از شر

حسود هنگامی که حسد ورزد، خود را و آنچه پروردگارم روزی ام نمود پناه می‌دهم به پروردگار آدمیان، فرمانده آدمیان، پرستیده آدمیان، از گزند وسوسه‌گر پنهانکار، که وسوسه می‌کند در سینه‌های مردم از حقّ، و آدمی.

پنجم: شیخ کلینی به سند معتبر از علی بن مهزیار روایت کرده: محمد بن ابراهیم به حضرت هادی علیه السلام نوشت: ای سید من، اگر مصلحت می‌دانی، دعایی به من بیاموز، که بعد از هر نماز بخوانم، تا حق تعالی به سبب آن، خیر دنیا و آخرت را برای من گرد آورد. آن حضرت در پاسخ او نوشت، می‌گویی:

پناه می‌آورم به جلوه بزرگواری، و عزّت که نسبت به آن سوءقصد نشود، و قدرت که چیزی از آن امتناع نرزد، از شر دنیا و آخرت، و از شرّ همه دردها. و در بعضی از روایات این دنباله را دارد:

و جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ.

ششم: کلینی و ابن بابویه به سندهای صحیح و غیر صحیح از حضرت باقر و صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند: کمتر چیزی که تو را پس از نماز واجب از دعا مجزی است، این است که بگویی: خدایا از تو می‌خواهم، از هر چیزی که دانشت آن را فرا گرفته، و پناه می‌آورم به تو، از هر شری که دانشت آن را فرا گرفته است، خدایا سلامتی کامل را در همه امورم از تو می‌خواهم، و به تو پناه می‌آورم از خواری دنیا و عذاب آخرت. و در روایت ابن بابویه است: خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 918

خدایا از تو می‌خواهم. تا آخر دعا. هفتم، مستحبّ است نمازگزار چون از نماز فارغ شود، بگوید:

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا از آتش امان ده، و وارد بهشت کن، و حور العین را به همسری ام درآور، چنان که در حدیث معتبر از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده: بنده باید از نماز فارغ نشود، تا از خدا بهشت را بخواهد، و از دوزخ به او پناه برد، و نیز بخواهد که حور العین را به همسری او درآورد. هشتم: به سند مؤثق از حضرت صادق علیه السلام روایت شده:

چون حق تعالی فرمان داد، این آیات را به زمین آورند، به عرش الهی چنگ زدند، و گفتند: پروردگارا، ما را به سوی اهل خطا و گناهکاران می‌فرستی؟ حق تعالی به سوی ایشان وحی کرد، به جانب زمین بروید، به عزّت و جلالم سوگند یاد می‌کنم، که تلاوت نکند شما را، احدی از آل محمد و شیعیان ایشان، جز آن که نظر رحمت کنم به سوی آنان، از

رحمت‌های پنهان خود، هر روز هفتاد نظر، در هر نظری هفتاد حاجت او را برآورم، و او را بپذیرم هرچند نافرمانی بسیار نموده باشد، و طبق روایتی دیگر: هرکه این آیات را بعد از هر نماز بخواند، او را در خطیره قدس [منظور استراحتگاه بهشت است] ساکن گردانم، با هر گناهی که داشته باشد، و اگر ساکن نکنم، به سوی او نظر کنم، به نظر رحمت خاص خود، در هر روز هفتاد نظر، و اگر چنین نکنم، هر روز هفتاد حاجت او را برآورم، که کمتر آنها آمرزیدن گناهان باشد، و اگر چنین نکنم، او را از شرّ شیطان و از شرّ هر دشمنی پناه دهم، و به او بر ایشان یاری رسانم و او را از داخل شدن بهشت مانع نشود مگر مرگ. و آن آیات به شرح زیر است سوره فاتح تا آخر، و آیه الکرسی که تا «هم فیها خالدون» بخواند بهتر است، و آیه شهادت، یعنی:

خدا گواهی داد: اینکه معبودی جز او نیست، و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی دادند، درحالی که قائم به عدالت است، معبودی جز او نیست، عزیز و حکیم است، همانا دین نزد خدا اسلام است، آنانی که به آن کتاب آسمانی داده شده، اختلاف نکردند، مگر پس از آن که دانش به نزدشان در رسید، این اختلاف به خاطر ستمگری در میانشان بود، کسی که به آیات خدا کفر ورزد، به یقین خدا سریع الحساب است.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 919

و آیه ملک یعنی: بگو خدا ای مالک پادشاهی، پادشاهی را به هر که بخواهی می‌دهی، و از هرکه بخواهی می‌ستانی، و هرکه را بخواهی عزیز می‌نمایی، و هرکه را بخواهی ذلیل می‌کنی، خیر به دست توست تو بر هر چیز توانایی، شب را در روز درآوردی، و روز را در شب، و زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را از زنده خارج می‌سازی، و هرکه را بخواهی، بی حساب روزی می‌دهی.

به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روات شده: هرکه بعد از نماز واجب آیه الکرسی را بخواند، گزنده‌ای به او ضرر نرساند. و در حدیث معتبر دیگر فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی بر تو باد به تلاوت نمودن آیه الکرسی پس از هر نماز واجب، به درستی که بر خواندن آن محافظت نکند، مگر پیغمبر، یا صدیق، یا شهید. و از حضرت رسالت پناه روایت شده: هرکه آیه الکرسی را پس از هر نماز بخواند او را از وارد شدن به بهشت جز مرگ مانعی نباشد. و طبق روایت دیگر: هرکه آیه الکرسی را بعد از هر نماز واجب بخواند، نمازش پذیرفته شود، و در امان خدا باشد، و خدا او را از بلاها و گناهان حفظ کند. نهم: کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده‌اند: شبیه هذلی به محضر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرضه داشت: یا رسول الله من پیر شده‌ام، و به اعمالی که پیش از این خود را به آن عادت داده بودم همچون نماز و روزه و حج و جهاد قدرتم وفا نمی‌کند، بنابراین گفتاری به من بیاموز که خدا مرا به آن سود بخشد، و انجامش برام سبک و آسان باشد. حضرت

فرمودند: سخت را بار دیگر بگو، شبیه سه مرتبه سخنش را تکرار کرد. حضرت فرمودند: درخت و کلوخی در اطراف تو نماند، مگر اینکه از باب ترحم بر تو گریست، هرگاه از نماز صبح فارغ شوی ده مرتبه بگو:

منزه است خدای بزرگ، و ستایش از آن اوست، و جنبش و نیروی نیست مگر به خداوند والای بزرگ تا خدا به برکت این عا، تو را از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی و پریشانی و تباهی عقل، عافیت دهد. شبیه گفت: یا رسول الله این برای دنیا من است، برای آخرت من چیزی بفرما، فرمودند: بعد از هر نماز می گویی:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 920

خدایا مرا از جانب خود راهنمایی کن، و از فضل خود بر من کرامت فرما، و رحمت را بر من بگستران، و از برکات بر من نازل کن. آنگاه حضرت فرمودند: اگر بنده بر این عمل مواظبت کند، و آن را عمدا تا وقت مردن ترک نکند، چون به صحران محشر درآید، هشت در بهشت، برای او گشوده می شود، که از هر دری که بخواهد وارد شود. و این دعای آخر به اسانید معتبر دیگر نیز وارد شده. دهم: خواندن تسبیحات اربعه است، چنان که شیخ طوسی و ابن بابویه و همیری به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند: روزی حضرت رسالت پناه به اصحاب خود فرمود اگر آنچه از جامه ها و ظرفها دارید جمع کنید، و بر روی هم گذارید، آیا به آسمان می رسد؟ گفتند: نه یا رسول الله، فرمود: می خواهید به شما چیزی بیاموزم که ریشاش در زمین، و شاخه هایش در آسمان است؟ گفتند: آری یا رسول الله، حضرت فرمود: پس از هر نماز سی بار بگویید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر که پایه های اینها در زمین، و شاخه هایشان در آسمان است، و از آدمی دور می سازد: زیر آوارماندن، غرق شدن، سوختن، در چاه افتادن، دریدن درندگان، مردن به مرگهای دردناک، و هرلایی را که در آن روز از آسمان فرود می آید، و اینها بقیات صالحات که حق تعالی در قرآن فرموده است. و به سندهای صحیح دیگر، از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرکه این تسبیحات را پس از هر نماز واجب، چهل مرتبه بخواند، پیش از آن که از جای نماز برخیزد هر حاجتی که از خدا بخواهد روا می گردد. و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرکه پس از نماز واجب سی مرتبه سبحان الله بگوید، بر بدنش گناهی نماند جز آن که بریزد. و در حدیث صحیح دیگری از آن حضرت روایت شده: ذکر کثیر، که حق تعالی در کلام مجید مدح کرده، این است که پس از هر نماز واجب سی مرتبه سبحان الله بگوید. و قطب راوندی روایت کرده: حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به براء بن عازب فرمود: می خواهی تو را به امری دلالت کنم، که چون بجا آری، به حق و راستی دوست خدا باشی؟ عرضه داشت آری، فرمود: پس از هر نماز هر يك از تسبیحات اربعه را ده مرتبه بگو، چون

انجام دهی، هزار بلا در دنیا از تو دور شود، که یکی از آنها ارتداد در دین می باشد، و هزار درجه در آخرت برای تو ذخیره می کنند، که یکی از آنها قرار گرفتن در جوار حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. یازدهم:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 921

کلینی به سند حسن، از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هرکه پس از نماز واجب سه مرتبه بگوید: ای کسی که آنچه بخواهد انجام می دهد، و کسی جز او و آنچه را که بخواهد انجام نمی دهد. هر حاجت که بخواهد روا می شود. دوازدهم: شیخ برقی به سند موثق از امام صادق علیه السلام روایت کرده: هرکه پس از فارغ شدن از نماز، پیش از آن که زانوهای خود را، از جای خویش حرکت دهد، ده مرتبه این تهلیل را بخواند، حق تعالی چهل هزار گناه او را محو می کند، و چهل هزار حسنه برای او می نویسد، و چنان است که گویا دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و نیز فرمود: من صدر مرتبه می خوانم، ولی برای شما ده مرتبه کافی است.

گواهی می دهیم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی برای او نمی باشد، معبود یگانه و یکتا و بی نیاز است، نه همسری گرفته و نه فرزندی. فضیلت بسیاری برای این تهلیل وارد شده، به ویژه در تعقیب نماز صبح و شام و به هنگام طلوع و غروب آفتاب. سیزدهم: کلینی و ابن بابویه و دیگران، به سندهای صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند: جبریل در زندان نزد یوسف علیه السلام آمد و گفت: پس از هر نماز بگو: خدایا برای من گشایشی و راه بیرون رفتن از مشکلات قرار ده، و از جایی که گمان می برم، و هم از جایی که گمان نمی برم به من روزی ده. چهاردهم: نویسنده کتاب «بلد الامین» از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده هرکه بخواهد خدا در روز قیامت او را بر اعمال زشتش آگاه نسازد، و پرونده گناهانش نگشاید، باید پس از هر نماز بخواند: خدایا آمرزش تو، امیدبخش تر از عمل من، و رحمت وسیع تر از گناه من است، خدایا اگر گناهانم نزد تو بزرگ است، گذشت تو از گناه من بزرگ تر است، خدایا اگر سزاوار نبودم که به من رحم کنی، رحمت تو سزاوار است که به من دررسد، و مرا فراگیرد، زیرا رحمت تو هر چیز را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 922

فراگرفت، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان. پانزدهم: کفعمی از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله روایت کرده که مردی از روی بیماری و تنگدستی به آن حضرت شکایت کرد، حضرت فرمود: پس از هر نماز واجب چنین بگو:

توکل کردم بر زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، و ستایش خدای را که برنگزیده همسری و نه فرزندی، و در فرمانروایی شریکی برای او نیست، و برای او سرپرستی از روی خواری نیست، و بزرگ شمار او را بزرگ شمردنی شایسته. و در روایت دیگری فرمود: هیچ سختی برام روی نداد، مگر آن که جبریل در برابرم، تمثّل یافت و گفت: این دعا را بخوان. و در احادیث معتبر وارد شده: برای وسوسه‌های درونی و قرض و پریشانی و بیماری باید این دعا را به کرات خواند. و در بعضی روایت در ابتدای آن:

هیچ نیرو و جنبشی نیست جز به خدای والای بزرگ. آمده است. شانزدهم: شیخ مفید، در کتاب «مقنعه» در تعقیب هر نماز این دعا را آورده: خدایا ما را هب دانش سود ده، و به بردباری بیاری، و به عافیت زیبا گردان، و به تقواگرامی دار، به درستی که سرپرست من خدا است که قرآن را نازل کرد، و او شایستگان را سرپرستی می‌کند. هفدهم: ابن بابویه، و شیخ طوسی و غیر ایشان، به سندهای معتبر از حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام روایت کرده‌اند: هرکه مایل است از دنیا بیرون رود درحالی که از گناهان پاک شده باشد همچون طلایی که از ناخالصی پاک می‌شود، و در قیامت هیچ کس از او بازخواست دادخواهی نکند، پس از نمازهای پنج‌گانه «نسبت» پروردگار را بخواند، و آن خواندن دوازده مرتبه **قل هو الله احد** است، آنگاه دستها را به جانب آسمان بگشاید، و این دعا را بخواند، سپس فرمود: این از رازهای مکنون است، که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من تعلیم داد، و فرمود به حسن و حسین علیهما السّلام بیاموزم، و دعا این است: خدایا از تو می‌خواهم به نامت، آن نام پوشیده محفوظ، و پاک و پاکیزه، و پربرکت، و از تو می‌خواهم به نام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 923

بزرگت، و سلطنت دیرینه‌ات، ای بخشنده عطاها، ای آزادکننده اسیران، ای رهایی‌بخش بندگان از آتش، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا از آتش رهایی دهی، و ایمن از دنیا بیرون بر، و به سلامت وارد بهشت کن، و قرار ده آغاز دعایم را رستگاری، و میانه‌اش را کامیابی، و پایانش را درستی، به یقین تو دانای نُه‌تایی. و در بعضی از نسخه‌های معتبر این دعا به این صورت است: ای رهاننده مردم از آتش، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا از آتش برهانی، و از دنیا به سلامت بیرون ببری، و در حال امنیّت وارد بهشت نمایی، و آغاز دعایم را رستگاری، و میانه‌اش را کامیابی، و پایانش را درستی قرار دهی، به یقین تو دانای نُه‌تایی.

کلینی به سند معتبر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: هرکه به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید پس از هر نماز واجب خواندن سوره **قل هو الله احد** را ترك نکند، به یقین هرکه آن را بخواند، خدا خیر دنیا و آخرت را برای او گرد آورد، و پدر و مادرش را، و هرکه از پدر و مادرش پدید آمده می‌آمزد. و در حدیث دیگری وارد شده: هرکه پس از نماز واجب

ده مرتبه سوره توحید را بخواند، حق تعالی از حور العین به همسری او درآورد. و سید ابن طاووس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده: هرکه پس از هر نماز سوره توحید را بخواند، از آسمان رحمت بر سرش فرو ریزد، و آرامش بر او نازل شود، و خدا به سوی او به مهر نظر اندازد، و گناهانش را بیامزد و هر حاجت که بخواهد برآورده نماید، و در امان خدا باشد.

هجدهم: کلینی و دیگران به سند معتبر از اهل بیت علیهم السلام روایت کرده‌اند: هرکه پس از هر نماز محاسن خود را به دست راست بگیرد، و دست چپ را به جانب آسمان بگشاید، و سه مرتبه بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 924

ای دارای شوه و بزرگواری رحم کن بر من از آتش بعد سه مرتبه بگوید: پناه ده مرا از شکنجه دردناک آنگاه دست راست را از محاسن بردارد، و هر دو دست را به سوی آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید: ای عزیز، ای کریم ای بخشنده، ای آفریننده، ای مهربان. بعد دستها را بگرداند، و پشت دستها را به جانب آسمان کند و سه مرتبه بگوید:

پناه ده مرا از شکنجه دردناک. آنگاه بگوید: درود خدا بر محمد و خاندانش و فرشتگان و روح پس از آن، حضرت فرمود: هرکه این دعا را بخواند، خدا همه گناهان او را بیامزد، و از او خشنود گردد، و به جز جنّ و انس، همه آفریدگان برای او تا هنگام مرگ استغفار کنند. نوزدهم: شیخ مفید در کتاب «مجالس»، از محمد بن حنفیه روایت کرده: روزی پدرم حضرت امیر مؤمنان علیه السلام کعبه را طواف می کرد، ناگاه مردی را دید، که به پرده‌های کعبه چنگ زده، و این دعا را می خواند، به او فرمود: این است دعای تو؟ گفت: آری مگر شنیدی؟ حضرت فرمود: آری شنیدم، فرمود: پس این دعا را پس از هر نماز بخوان، به خدا سوگند هر مؤمنی این دعا را پس از هر نماز بخواند، بی تردید حق تعالی گناهان او را می آمزد، هرچند به اندازه ستارگان آسمان، و قطره‌های باران، و ریگ‌های زمین، و ذره‌های خاک باشد، بعد حضرت امیر علیه السلام گفت: من این دعا را می دانم، و حقتعالی واسع العطايا (دارای بخشش گسترده) و کریم است، آن مرد گفت:

یا امیر المؤمنین راست گفتم، و بالاتر از هر دانایی داناتری است، و آن مرد حضرت خضر علیه السلام بود. و کفعمی نیز این دعا را در کتاب «بلد الامین» روایت کرده، و دعای این است:

ای آن که او را شنیدنی از شنیدن دیگر منصرف نمی کند، ای آن که خواهندگان او را به اشتباه نمی اندازند، ای آن که اصرار اصرارکنندگان او را خسته نمی کند، خنکی گذشت، و آمرزش و شیرینی رحمت را به من بچشان.

بیستم: دیلمی در کتاب اعلام الدین از ابن عباس روایت کرده: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه سه مرتبه این آیات را پس از نماز مغرب بخواند، آنچه را از ثواب در روز گذشته از او فوت شده دریابد و نمازش پذیرفته شود، و اگر بعد از هر نماز واجب و مستحب بخواند به عدد ستارگان آسمان و قطرات باران، و برگ درختان، و ذرات خاک زمین برایش حسنات نوشته می شود، و چون بمیرد، در ازای هر حسنه ده حسنه، در قبر به او داده می شود. این است آیات:

منزه است خدا آنگاه که شام کنید، و به صبح درآیید، و ستایش از آن اوست در آسمانها و زمین، و به هنگام شامگاه و زمانی که به ظهر درآیید، زنده را از مرده بیرون می آورد، و مرده را از زنده خارج می کند، و زمین را پس از مرگ آن زنده می سازد، و این چنین از قبرها زنده بیرون آورده می شوید، منزه است پروردگارت، پروردگار عزت، از آنچه وصف می کنند، و سلام بر رسولان، و ستایش خدای را، پروردگار جهانیان. بیست و یکم: سید ابن طاووس به سند معتبر، از جمیل بن درّاج روایت کرده: مردی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: ای مولای من سنّ و سالم بالا رفته، و خویشا نام رمرده اند، و مونس ندارم، می ترسم مرا هم مرگ دریابد، حضرت فرمود: برادران مؤمن صالح، برای انس گرفتن از نزدیکان بختزنند، و اگر طولانی شدن عمر خود و خویشان و دوستان را خواهی، این دعا را پس از هر نماز بخوان.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 925

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، خدایا رسول راستگوی تصدیق شده ات (درود تو بر او و خاندانش) گفت: که تو فرمودی: در هیچ کاری از کارهایم تردید نکرده ام همچون تردید در گرفتن روح بنده مؤمنم درحالی که او مرگ را خوش ندارد و من هم رنجاندن او را خوش ندارم، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و برای ولیّات گشایش و عافیت و یاری را نزدیک گردان، و درباره خودم، و احدی از دوستانم بدی قرار مده.

و اگر خواهی یك يك از دوستان خود را نام ببر و بگو: «و لا فی فلان و لا فی فلان» راوی گفت: چون بر این دعا مداومت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 926

کردم، چندان عمر یافته ام که از زندگانی ملول و خسته شده ام، و این دعا بسیار معتبر است. و در تمام کتابهای دعا نقل شده

در ذکر تعقیبات مختص به نماز صبح

بدانکه تعقیب نماز صبح، بیش از سایر نمازهاست، و احادیث در فضیلت خصوص این تعقیب بسیار است.

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده: ذکر خدا بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب در بدست آوردن روزی، سرعت بخش تر از سفر کردن برای تجارت بر روی زمین است. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکه از طلوع صبح، تا طلوع آفتاب، در مصلاّی [محلّ خواندن نماز] خود قرار گیرد، و به تعقیب مشغول باشد، خدا او را از آتش دوزخ برهاند. از امام باقر علیه السلام نقل شده: شیطان لشکر روز خویش را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب منتشر می کند، و لشکر شب خویش را از غروب تا بر طرف شدن حمره مغریّه [سرخ می موجود در افق مغرب] بنابراین، در این دو ساعت خدا را بسیار یاد کنید، که در این دو زمان، شیطان آدمی را از ذکر خدا غافل می کند. به سند صحیح روایت شده که امام رضا علیه السلام در خراسان، هنگامی که نماز صبح را به جای می آوردند، تا طلوع آفتاب در مصلاّی خویش می نشستند، و مشغول تعقیب بودند، آنگاه کیسه چرمی برای آن حضرت می آوردند، که در آن چند مسواک بود، به يك يك آنها مسواک می کردند، سپس مقداری کندر می جویدند، پس از آن قرآن تلاوت می کردند. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکه از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد، ثواب حجّ برای او نوشته می شود. در حدیث قدسی وارد شده: حق تعالی می فرماید: ای فرزند آدم مرا پس از صبح يك ساعت، و پس از عصر يك ساعت یاد کن، تا همه کارهای مهمّ تو را کفایت کنم.

اما تعقیبات مختصّ به صبح: اول: ابن بابویه به سند معتبر، از امام باقر علیه السلام روایت کرده: هرکه پس از نماز صبح هفتاد مرتبه از خدا طلب آمرزش می کنم و بسوی او باز میگردم بگویم، خدا او را بیامرزد، هرچند در آن روز هفتاد هزار گناه مرتکب شود، و در روایت دیگری آمده است هفتصد گناه «1». دوم همچنین ابن بابویه به سند صحیح و سندهای معتبر از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده:

(1) باید به این معنا توجه داشته باشیم که اینگونه روایات در تمام تب مذهبی و به ویژه مفاتیح الجنان مجوزی برای انجام گناه نیست، بلکه بیانگر عظمت استغفار یا دعا یا زیارت است، و اگر کسی با دل گرمی به اینگونه روایات، براساس علم و عمد آلوده به گناه شود خود را از فیوضات حق محروم و از رحمت حق دور کرده و دلش را از چشیدن لذت توبه مهجور نموده است

هرکه پس از نماز صبح یازده مرتبه سوره توحید را بخواند، در آن روز علی‌رغم شیطان گناهی بر او نوشته نمی‌شود در «بلد الامین» از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده: هرکه توحید را هر روز ده مرتبه بخواند، در آن روز هر مقدار شیطان بکوشد که گناهی بر او نوشته شود نوشته نمی‌شود. سوّم: کلینی به سند صحیح از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: هرکه پس از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

آنچه خدا خواست شد، جنبش و نیروی نیست مگر به خدای والای بزرگ. در آن روز هیچ مکروهی نبیند. این معنا را شیخ طوسی و دیگران نیز در کتب دعای خویش ذکر کرده‌اند. چهارم: کفعمی و غیر او از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده‌اند، هرکه سوّر قدر را بعد از نماز صبح ده مرتبه، و هنگام گذشتن آفتاب از وقت ظهر شرعی ده مرتبه، و بعد از عصر ده مرتبه بخواند، دوهزار نویسنده عمل را به اندازه سی سال به زحمت اندازد، و همچنین از آن حضرت روایت شده، هرکه آن را هفت مرتبه بعد از طلوع فجر بخواند، هفتاد صف از ملائکه هفتاد صلوات بر او فرستند، و هفتاد مرتبه به او ترحم کنند. و از امام جواد علیه السّلام ثواب زیادی نقل شده برای کسی که سوره قدر را در شبانه‌روز، هفتادوش مرتبه به این صورت بخواند: بعد از طلوع فجر و پیش از نماز صبح هفت مرتبه، بعد از نماز صبح ده مرتبه و بعد از گذشتن آفتاب از وقت ظهر شرعی و پیش از نافلة ده مرتبه، و بعد از نافلة‌های ظهر بیست و یک مرتبه، و بعد از نماز عصر ده مرتبه، و بعد از عشا هفت مرتبه، و در وقت خواب یازده مرتبه. از جمله ثوابش این است که حق تعالی هزار فرشته بیافریند، که در سی و شش هزار سال، ثواب آن را برای او بنویسند. پنجم: ابن بابویه و سایر علما رحمهم الله به سند معتبر از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه هر روز در پی نماز صبح ده مرتبه بگوید:

سبحان الله العظيم و بحمده و لا حول و لا قوّة الا بالله العلی العظيم. حق تعالی او را از کوری و دیوانگی و خوره و پریشانی و زیر آوار ماندن و بی‌خرد شدن در پیری عافیت می‌دهد. ششم: در کتاب بلد الامین از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: هرکه می‌خواهد خدا در اجل او تأخیر اندازد، و او را بر دشمنانش یاری دهد، و از مرگهای ناخوشایند نگاهش دارد، باید هر بامداد و پسین بر این دعاها مداومت نماید، سه مرتبه بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 928

منزه است خدا، و پری ترازو، و نهایت دانش، و سرحدّ خشنودی، و سنگینی عرش، و پهنای کرسی. و سه مرتبه بگوید: ستایش خدای را به پری ترازو، و نهایت دانش، و سرحدّ خشنودی و سنگینی عرش، و پهنای کرسی. و سه مرتبه بگوید: معبودی جز خدا نیست، به پری ترازو و نهایت دانش، و سرحدّ خشنودی، و سنگینی عرش، و پهنای کرسی. و سه مرتبه

بگوید: خدا بزرگتر است، به پری ترازو، و نهایت دانش، و سرحدّ خشنودی، و سنگینی عرش، و پهنای کرسی. هفتم: سید ابن طاووس به سند معتبر از حضرت رضا علیه السّلام روایت کرده: هرکه پس از نماز صبح صد مرتبه بگوید: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ. به اسم اعظم خدا نزدیک‌تر خواهد بود از سیاهی چشم به سپیدی آن. و نیز به سندهای معتبر از حضرت صادق و حضرت کاظم علیهما السّلام روایت شده: هرکه پس از نماز صبح و مغرب، پیش از آن که سخن بگوید، و حرکت کند، هفت مرتبه این دعا را بخواند، هفتاد نوع بلا از او دور می‌شود، که آسان‌ترین آنها خوره و پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان می‌باشد. و در بعضی روایات معتبر سه مرتبه و در بعضی ده مرتبه وارد شده است و حداقل آن سه مرتبه، و حداکثر آن صدر مرته بیان شده، و هرچه بیشتر بگوید، ثوابش بیشتر خواهد بود. هشتم: شیخ احمد بن فهد و دیگران روایت کرده‌اند: مردی به موسی بن جعفر علیه السّلام شکایت کرد که کار من بسته شده، و به هر کاری رو می‌کنم سودی نمی‌یابم، و به هر حاجت که توجّه می‌نمایم، برآورده نمی‌گردد، حضرت فرمود: پس از نماز صبح ده مرتبه بگو:

سبحان الله العظيم و بحمده، استغفر الله و اسأله من فضله. راوی گفت: اندک زمانی که بر این دعا مداومت کردم، جمعی از بادیه آمدند، و مرا خبر دادند که مردی از اقوام تو از دنیا رفته، و جز تو وارثی ندارد، پس مال

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 929

بسیار، به دست من آمد و تا حال بی‌نیازم. در کتاب «کافی» و «مکارم» روایت کرده‌اند: مردی ملقّب نام به آن حضرت عرضه داشت: به من دعایی تعلیم کن که برای نیکبختی دنیا و آخرت جامع بوده و آسان باشد، حضرت این دعا را تعلیم او کرد که پس از نماز صبح تا زمانی که آفتاب برآید بخواند، او بر این دعا مداومت کرد، و حالش نیکو شد.

نهم: عیاشی از عبد الله بن سنان روایت کرده خدمت امام صادق علیه السّلام رفت، حضرت فرمود: می‌خواهی دعایی به تو بیاموزم که چون بخوانی، حق تعالی قرضت را ادا کند، و حالت نیکو گردد؟ گفتم: به چنین دعایی چه بسیار نیازمندم حضرت فرمود: پس از نماز صبح بگو:

توکل کردم بر زنده پابنده‌ای که نمی‌میرد، و ستایش خدای را که فرزندی نگرفت، و برای او در فرمانروایی شریک نیست، و برای او سرپرستی از روی خواری نمی‌باشد، و بزرگ شمار او را بزرگ شمردنی شایسته، خدایا به تو پناه می‌آورم از شدت نیاز و و تنگدستی، و از فشار قرض و بیماری، و از تو می‌خواهم مرا بر ادای حقّت نسبت به خود و مردم یاری کنی. و به

روایت شیخ و دیگران چنین است: و از فشار قرض، پس بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا بر ادای حَقّت نسبت به خود و مردم یاری کن.

دهم: کفعمی روایت کرده: مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله از تنگدستی و پریشانی و بیماری شکایت کرد، حضرت فرمود: هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را بخواند، او سه روز بر این دعا مداومت کرد، حال او به صحت و توانگری و راحتی برگشت، و شیخ طوسی و دیگران، آن را در تعقیب نماز صبح ذکر کرده‌اند، و دعا این است:

جنبش و نیروی نیست مگر به خدا، توکل کردم بر زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، و ستایش خدای را که فرزندی نگرفت، و برای او در فرمانروایی شریکی نمی‌باشد، و برای او از روی خواری سرپرستی نیست، و او را بزرگ شمار بزرگ‌شمردنی شایسته.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 930

یازدهم: شیخ طبرسی و کفعمی و دیگران از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که به یاران خود فرمود: آیا ناتوانید از این که هر صبح و شام، نزد خدای جهانیان عهدی بگیرید؟ گفتند: چگونه عهد بگیریم؟ فرمود: این دعا را بخوانید، هر که این دعا را بخواند، بر آن مهری می‌زنند، و زیر عرش الهی می‌گذارند، چون روز قیامت شود، منادی ندا سر می‌دهد، که کجایند آنان که نزد خدای رحمان عهدی دارند؟ پس آن عهد را به ایشان دهند، و با آن عهد وارد بهشت شوند. شیخ طوسی این دعا را در تعقیب نماز صبح آورده است: خدایا، ای آفریننده آسمانها و زمین، دانای پنهان و پیدا، ای بخشنده مهربان، با تو در این دنیا عهد می‌کنم، که به راستی تویی خدا، معبودی جز تو نیست، یگانه‌ای، و برای تو شریکی نیست، و محمد (درود خدا بر او و خاندانش) بنده و فرستاده توست، خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا هیچ گاه، به اندازه يك چشم‌برهم نهادن به خویشتن و نه به هیچیک از آفریدگانت وامگذار اگر مرا به خویشتن واگذاری، از خیر دورم می‌کند، و به شرّ نزدیکم می‌کند، ای پروردگارم جز به رحمت اطمینان ندارم، پس بر محمد و خاندان پاکیزه‌اش درود فرست، و برای من پیش خود عهدی قرار ده، که آن را در روز قیامت به من بپردازی، به راستی که تو خلف وعده نمی‌کنی.

دوازدهم: در کتاب «عدة الداعی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هر که پس از نماز صبح و پیش از آن که سخن بگوید این دعا را بخواند:

«رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ» حق تعالی او را از آتش دوزخ حفظ کند. ابن بابویه در کتاب «ثواب الاعمال» به سند معتبر روایت کرده: پس از نماز صبح صد مرتبه بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 931

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، تا حق تعالی صورت تو را از آتش دوزخ نگاه دارد، و به روایت دیگر صد مرتبه پیش از سخن گفتن بگو: یا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اعْتَقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

سجده شکر

چون از تعقیب نماز فارغ شدی، سجده شکر بجا آور. و اتفاق علمای شیعه بر آن است که سجده شکر در وقت تازه شدن نعمتی، یا دفع بلائی مستحب است، و بهترین آن پس از نماز است برای شکر بر توفیق ادای نماز. به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت شده: پدرم امام زین العابدین علیه السلام، هیچ نعمتی را از خدا یاد نکرد، مگر آن که به شکرانه آن، سجده بجا آورد، و هیچ آیه‌ای از قرآن را نخواند که در آن سجده باشد، مگر آن که سجده کرد، و خدا شری را که از آن می‌ترسید، از او دفع نکرد مگر آنکه سجده کرد، و از هر نماز واجبی که فارغ می‌شد، پس از آن سجده بجا می‌آورد، و هرگاه اصلاح نمودن میان دو نفر را توفیق می‌یافت، به خاطر شکر آن سجده می‌کرد، در تمام مواضع سجود آن حضرت، اثر سجده نمایان بود، به این خاطر به آن حضرت سجّاد می‌گفتند. و نیز به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده هر مؤمنی در غیر نماز، برای شکر نعمتی برای خدا سجده کند حق تعالی برای او ده حسنه می‌نویسد، و ده سیئه را از او محو می‌کند، و ده درجه برای او در بهشت بلند می‌گرداند. و به سندهای معتبر بسیار از آن حضرت روایت شده:

نزدیک‌ترین حالات بنده به خدا، حالت سجده همراه با گریه است. در حدیث صحیح دیگری فرمود: سجده شکر بر هر مسلمانی واجب است، نماز خود را با آن تمام کن، و پروردگارت را به وسیله آن خشنود نما، و فرشتگان را از خود به شگفتی انداز، به درستی که بنده هرگاه نماز بجا آورد، و پس از آن سجده شکر کند، پروردگار جهانیان بین او و فرشتگان پرده را بگشاید و بگوید: ای فرشتگان من، به جانب بنده من نظر کنید، که فریضه مرا ادا نمود، و عهد مرا تمام کرد، پس در پیشگاه من به خاطر آنچه بر او انعام کرده‌ام سجده کرد، ای فرشتگان من، به او چه پاداشی باید داد؟ پاسخ می‌دهند رحمت را. می‌پرسد: دیگر چه؟ می‌گویند: بهشت، باز می‌فرماید: دیگر چه؟ می‌گویند: کفایت کارهای مهم او، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 932

برآوردن حاجاتش. پس حق تعالی به کرات می پرسد، و فرشتگان پاسخ می دهند، تا آن که فرشتگان می گویند:

پروردگارا، دیگر چیزی نمی دانیم، آنگاه خدای کریم می فرماید: من او را شکر می کنم، چنان که او مرا شکر کرد، و به فضل خود به سوی او رو می کنم، و رحمت عظیم خود را در قیامت به او می نمایانم! به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: خدای عالمیان، ابراهیم علیه السلام را برای آن خلیل خود گردانید، که بسیار بر زمین سجده می کرد. و در حدیث معتبر دیگری فرمود: چون نعمتی از نعمتهای خدا را به یاد آوری، و در جایی باشی که کسی از مخالفان تو را نبیند، چهره خود را به نیت سجده بر زمین گذار، و اگر در جایی باشی که مخالفان حاضر باشند، و نتوانی سجده کنی، دست بر پایین شکم خود گذار، و برای تواضع و فروتنی نسبت به خدا به حالت رکوع درآ، و دست بر شکم گذاشتن به خاطر آن است، که مخالفان گمان کنند، دردی در شکم تو پیدا شده. در روایات متعددی وارد شده: حق تعالی به موسی علیه السلام خطاب کرد: می دانی تو را برای چه برگزیدم، و از میان آفریدگانم تنها تو را کلیم خود کردم؟ موسی گفت:

پروردگارا نمی دانم، خدا فرمود: برای آن که بر احوال بندگان توجه کردم، در میان ایشان کسی را ندیدم، که در پیشگاه من بیش از تو خشوع آورد، چون تو از نماز فارغ می شوی، دو طرف چهرات را بر خاک می گذاری. به سند موثق از حضرت رضا علیه السلام روایت شده: سجده پس از فراغت از نماز واجب، شکر خدا است بر اینکه بنده خود را بر ادا کردن واجب توفیق داده، و کمتر چیزی که باید در این سجده گفته شود، این است که سه مرتبه بگوید:

«شکرا لله» راوی پرسید: «شکرا لله» چه معنایی دارد؟ حضرت فرمود: معنایش این است که این سجده از جانب من برای شکر و سپاس خدا است بر اینکه به من توفیق داد به خدمتش برخاستم، و واجب او را ادا کردم، و شکر خدا موجب فروزی نعمت و توفیق طاعت است، و اگر در نماز تقصیری مانده باشد، که به نافله ها جبران نگشته به وسیله این سجده جبران می شود. و اما کیفیت این سجده، مشروط به شرطی نیست به هر شکلی که صورت گیرد صحیح است، و احوط آن است که بر زمین انجام گیرد، و اگر بتواند باید مانند سجده نماز بر هفت عضو سجده کند، و پیشانی را بر آنچه سجده نماز بر آن صحیح است بگذارد، و بهتر آن است که بر خلاف سجده نماز دستها را بر زمین بخواباند،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 933

و شکم را به زمین برساند، و مستحب است اول پیشانی را بر زمین گذارد، سپس طرف راست صورت را، آنگاه جانب چپ را و دوباره پیشانی را بر زمین گذارد. به همین خاطر این حالت را «دو سجده شکر» می گویند. و ظاهراً بدون گفتن

ذکر هم صورت می گیرد، و مستحب است که در این سجده ذکر بگوید، و بهتر آن است که ذکرها و دعاها را که در چند سطر بعد ذکر خواهد شد بخواند، و مستحب است این سجده را طول دهد، چنان که روایت شده: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پس از طلوع صبح سجده می نمود تا هنگام ظهر شرعی، و بعد از عصر تا هنگام شام، و در حدیث دیگری وارد شده: آن حضرت بیشتر از ده سال هر روز پس از طلوع آفتاب، تا هنگام ظهر شرعی در سجده بودند، و به سند صحیح روایت شده: حضرت رضا علیه السلام به اندازه ای در سجود می ماند، که سنگ ریزه مسجد از عرق ایشان تر می شد، و آن حضرت دو طرف روی خود را بر زمین مسجد می چسبانند. در کتاب رجال کشی آمده است که فضل به شاذان نزد ابن عمیر آمد درحالی که در سجده بود، و سجده را بسیار طول داد، چون سر برداشت، و درباره طول سجده اش سخن به میان آمد گفت: اگر سجده جمیل بن درّاج را می دیدی، سجده مرا طولانی نمی شمردی، و نیز گفت: روزی نزد جمیل رفتم، او سجده را بسیار طول داد، چون سر برداشت، گفتم: سجده را طول دادید؟ گفت: اگر سجده معروف بن خربوذ را می دیدی، سجده مرا آسان می شمردی، و نیز از فضل بن شاذان روایت کرده: حسن بن علی بن فضال برای عبادت به صحرا می رفت، سجده را به اندازه ای طول میداد، که پرنده ها بر پشتش می نشستند، به گمان این که جامه ای افتاده ای است، و حیوانات وحشی در اطراف او می چریدند و از او نمی هراسیدند و نیز روایت کرده: علی بن مهزیار، به هنگام طلوع آفتاب به سجده می رفت و سر بر نمی داشت تا برای هزار نفر از برادران خود دعا می کرد همانند آنچه که برای خود دعا کرده بود، و از کثرت طول سجده بر پیشانی او به مانند زانوی شتر، پینه بود!! و نیز روایت کرده: ابن عمیر پس از نماز صبح سر به سجده شکر می گذاشت و بر نمیداشت مگر هنگام ظهر. بهتر این است که سجده شکر پس از تمام تعقیبات و پیش از انجام نوافل باشد و بیشتر اصحاب گفته اند: در نماز مغرب پس از نوافل انجام گیرد و بعضی زمان انجام آن را پیش از نوافل گفته اند، و ظاهراً هر دو وقت خوب است ولی پیش از نوافل بجا آوردن بهتر است، چنانکه حمیری از حضرت صاحب الزمان علیه السلام روایت کرده و اگر هر دو را به عمل آورد، شاید بهتر باشد. اما دعاها را این سجده بسیار است و آسانترین آنها این چند مورد است. اول: به سند معتبر از حضرت رضا علیه السلام روایت شده: اگر می خواهی صد مرتبه شکر شکر بگو و اگر می خواهی صد مرتبه عفو عفو. در «عیون اخبار الرضا» از رجاء بن ابی الضحاک روایت کرده که حضرت رضا علیه السلام در راه خراسان، هرگاه از تعقیب نماز ظهر فارغ میشدند صد مرتبه در سجده میگفتند شکر الله و چون از تعقیب نماز عصر فارغ میشدند، صد مرتبه می گفتند حمدا لله دوم: شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام

روایت کرده: نزدیکترین احوال بنده به خدای تعالی هنگامی است که در سجده باشد و خدای خود را بخواند. چون به سجده روی بگو:

ای پروردگار پرورندگان، و ای پادشاه پادشاهان، و ای سرور سروران، و ای جبار جباران، و ای معبود معبودان، درود فرست بر محمد و خاندان محمد سپس حاجت خود را بخواه. آنگاه بگو:

من بنده توام، اختیارم در دست قدرت توست. بعد هر دعایی را که خواهی بکن، که خدا بخشنده است، و برآوردن هیچ حاجتی برای او دشوار نیست. سوم: کلینی به سند موثق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: پدرم را شبی در مسجد به حال سجده دیدم، شنیدم می‌گریست و این دعا را می‌خواند:

منزهی تو، خدایا تو پروردگار منی، به راستی از روی بندگی و بردگی برای تو سجده کردم، ای پروردگارم خدایا، به درستی که عمل من کم است بر آن بیفزای، خدایا مرا از عذاب نگاه دار، روزی که بندگان را برانگیزی و توبه‌ام را بپذیر زیرا تو پذیرنده توبه و مهربانی. چهارم: کلینی به سند معتبر روایت کرده: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام این دعا را در سجده می‌خواند: به تو پناه می‌آورم از آتشی که گرمایش فرو نمی‌نشیند، و به تو پناه می‌آورم از آتشی که تازه‌اش کهنه نمی‌گردد، و به تو پناه می‌آورم از آتشی که تشنه‌اش سیراب نشود، و به تو پناه می‌آورم از آتشی که برهنه‌اش پوشیده نگردد.

پنجم: کلینی به سند معتبر روایت کرده: مردی به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد: امّ ولدی [امّ ولد به کنیزی گفته می‌شود که از مالکان خود دارای فرزندی شوند] دارم که علیل است، فرمود: پس از هر نماز واجب در سجده شکر بگوید: یا رؤوف یا رحیم، یا ربّ یا سیدی آنگاه حاجت خود را بطلبد. ششم: در بسیاری از روایات معتبر نقل شده: امام صادق و امام کاظم علیهما السلام در سجده شکر بسیار می‌گفتند:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 935

اسألك الراحة و عند الموت و العوف عند الحساب. هفتم: به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: در سجده می‌گفتند: سجد وجهی اللّٰه لوجه ربّی الکریم.

هشتم: در بعضی از کتب معتبر از امیر مؤمنان علی السلام روایت شده: بهترین سخنان نزد حق تعالی، آن است که بنده در سجده سه مرتبه بگوید: ایّ ظلمت نفسی فاغفر لی.

نهم: در «جعفریات» به سند صحیح از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده: حضرت رسول صلی الله علیه و آله وقتی سر به سجده می گذاشت این دعا را می خواند: خدایا آمرزش از گناهان من گسترده تر، و مهتر بر من از عملم امیدبخش تر است، گناهان مرا بیامرز، ای زنده ای که هرگز نمی میرد. دهم: قطب راوندی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده:

هرگاه بر تو شدت و غمی عارض شود، و به نهایت سختی برسد، بر زمین سجده کن و بگو: ای خوار کننده هر سرکش ای عزت بخش هر خوار، به حقت سوگند، تا بم به سرآمد، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مشکل مرا بگشای در کتاب «عدة الداعی» از آن حضرت روایت کرده: هرگاه به مردی حادثه ای یا پیش آمد سختی، یا اندوه شدیدی، یا غمی سنگین برسد، زانوها و دستهای خود را تا مرفق برهنه کند، و به زمین بچسباند و سینه خود، نیز به زمین برساند و حاجت خود را بطلبد.

یازدهم: ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هرگاه بنده در سجده سه مرتبه بگوید: یا الله یا رباه یا سیداه خدای کریم در جواب او گوید: لَبَّيْكَ بنده من، حاجت خود را بخواه. در «مکارم الاخلاق» روایت کرده: هرکه در سجده بگوید: یا رباه یا سیداه آن قدر که نفس قطع شود، حق تعالی فرماید: حاجت خود را بخواه. دوزدهم: در کتاب «مکارم اخلاق» از امام صادق علیه السلام روایت کرده: حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مردی رسید که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 936

در حال سجده بود و می گفت: ای پروردگارم، تو را چه می شود که از من خشنود کنی، هرکه را از او نزد من حقی است، و اینکه گناهانم را بیامیزی، و به رحمت مرا وارد بهشت گردانی جز این نیست که، گذشت تو از ستمکاران است، و من از ستمکارانم، پس مرا به مهتر فرا گیر، ای مهربان ترین مهربانان.

حضرت فرمود: سر از سجده بردار که دعایت مستجاب شد، به درستی که دعای پیامبری را خواندی که در زمان قوم عاد بود.

مولف گوید: ما در «مفاتیح» در ضمن اعمال مسجد کوفه، و مسجد زید، بعضی دعاها را نقل کردیم که در سجده خوانده می شود. و شیخ طوسی در کتاب «مصباح المتهجد» در ذکر سجده شکر فرمود: مستحب است برای برادران خود، در سجده دعا کند و بگوید:

ای پروردگار بامداد، و شبهای ده گانه، و پروردگار جفت و تك، و شب هنگامی که می گذرد، و پروردگار هر چیز، و معبود هر چیز، و آفریننده هر چیز، و پادشاه هر چیز، بر محمد و خاندانش درود فرست، و با من و فلان و فلان آنچه شایسته آنی انجام ده، و نسبت به ما آنچه سزاوار آن هستیم انجام مده، به درستی که تو اهل تقوا و آمرزشی. چون سر از سجده برداشتی، دست خود را بر موضع سجود خود می مالی، و از طرف چپ صورت به صورت می کشی، آنگاه به پیشانی، سپس سه مرتبه به جانب راست، و در هر مرتبه می گویی:

خدایا تو را ستایش، معبودی جز تو نیست، دانای نمان و آشکار، بخشنده و مهربان، خدایا اندوه درون و غم و دگرگونیها و فتنهها آنچه آشکار شد و آنچه نمان گشت را از من برطرف کن.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 937

فصل دوم:

در بیان مختصری از اعمال و اموری که متعلق به مابین طلوع آفتاب و غروب آن است. در زمانی که آفتاب طلوع می کند، دعاهایی را که «ان شاء الله تعالی» در فصل پنجم خواهد آمد می خوانی. سزاوار است در ابتدای روز صدقه بدهی، هر چند مقدار کمی باشد، و پیش از فرا رسیدن ظهر برای نماز ظهر آماده شوی، و خواب قیلوله را مقدم بداری، و خواب قیلوله برای عبادت شبانه و روزه روز كمك خوبی است، و نیز سعی کن از خواب قیلوله برای ظهر بیدار شوی، بعد وضو می گیری و به جانب مسجد میروی، و نماز تحیت مسجد را بجای می آوری و اگر وقت نماز نرسیده بود منتظر دخول وقت میشوی، و مستحب است نماز در اول وقت خوانده شود، چون زوال [هنگام ظهر شرعی] محقق شد نخستین عملی را که انجام می دهی این است که می گویی:

منزه است خدا، و معبودی جز خدا نیست و ستایش خدای را که همسر و فرزندی نگرفته، و در فرمانروایی شریکی برای او نیست، و از روی خواری سرپرستی برایش نمی باشد، او را بزرگ شمار بزرگ شمردنی شایسته

روایت شده: حضرت باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: بر این دعا محافظت کن، چنان که بر چشمهایت محافظت می کنی. و اگر وضو نداری، برای وضو گرفتن بشتاب، و آداب را که قبلا ذکر شد بجا می آوری، آنگاه شروع به خواندن نوافل ظهر می کنی که هشت رکعت است، پس برای دو رکعت اول نیت می کنی، و هفت تکبیری را که قبلا ذکر شد همراه

با دعاهایش انجام می‌دهی و استعاذه [یعنی اعوذ بالله من الشیطان الرجیم] می‌گویی، و سوره (حمد) و (توحید) را در رکعت اول، و سوره‌های (حمد) و قل یا ایها الکافرون را در رکعت دوم می‌خوانی. و پس از فراغت از این دو رکعت، سه تکبیری را که در تعقیبات ذکر شد با تسبیح حضرت زهرا علیها السلام به جا می‌آوری، آنگاه می‌خوانی:

خدایا من ناتوانم، پس در خشنودی‌ات، ناتوانی‌ام را نیرو بخش، و به سوی خیر بگير مهارم را، و ایمان را نهایت خشنودی‌ام قرار ده، و در آنچه نصیص کرده‌ای، برکت بخش، و برسان مرا به رحمت به همه آنچه از تو امید دارم، و برایم دوستی و شادی برای اهل ایمان و عهدی نزد خودت قرار ده. سپس برمی‌خیزی و به همین طریق دو رکعت دیگر به جای می‌آوری، جز آنکه شش تکبیر افتتاح را نمی‌گویی، و سپس دو رکعت دیگر به همین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 938

کیفیت به جا می‌آوری، و نیز تسبیح و دعای مذکور را به دنبال این چهار رکعت می‌خوانی، و دو رکعت دیگر از این نوافل را بین اذان و اقامه به جا می‌آوری، و پس از اقامه نماز می‌گویی:

خدایا پروردگار این دعای کامل، و نماز برپا، به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) درجه و وسیله و فضیلت برسان، به خدا آغاز می‌کنم، و به خدا رستگاری می‌جویم، و به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) توجه می‌نمایم، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به وسیله آنان مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان قرار ده. آنگاه به خواندن نماز ظهر مشغول شو، و آنچه را که در نماز صبح ذکر شد رعایت کن، و همه این نماز را جز آیه (بسم الله) آهسته بخوان، و بهتر این است که در رکعت اول بعد از حمد سوره «قدر» و در رکعت دوم سوره «توحید» را بخوانی، چون دو رکعت آن را خواندی و از تشهد فارغ شدی، پس از صلوات بگو: و تقبل شفاعتی و ارفع درجته سپس برخیز و تسبیحات اربعه را در رکعت سوم سه مرتبه بخوان، و اگر «قرية الى الله» استغفاری به آن اضافه کنی نیکوست، پس رکوع و سجود را به همان آدابی که قبلاً به تفصیل بیان شد بجا آر، آنگاه برای رکعت چهارم برخیز، و آن را نیز همانند رکعت سوم انجام ده، سپس تشهد و سلام بگو و پس از نماز شروع کن به خواندن تعقیب و آن سه تکبیری را که در ابتدای تعقیبات بود بگو، پس بخوان:

لا اله الا الله الها واحدا تا آخر دعایی که قبلاً ذکر شد، آنگاه تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگو، و آنچه از تعقیبات مشترک می‌خواهی بخوان یعنی تعقیباتی را که پس از نماز صبح خواندی، سپس تعقیبات مختص نماز ظهر را می‌خوانی که بسیار است، ما بعضی از آنها را در کتاب «مدیه» و «مفاتیح» ذکر کردیم، و این مختصر گنجایش آن تعقیبات را ندارد، سپس سجده شکر به جا می‌آوری، و زمانی که از تعقیب نماز ظهر فارغ شدی، آماده نماز عصر می‌شوی، نافله آن

را که هشت رکعت است بجای می‌آوری، و پس از فراغت از نوافل، نماز عصر را به همان آدابی که ذکر شد می‌خوانی، و سزاوار است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 939

در رکعت اول پس از سوره حمد، سوره «نصر» یا سوره «تکاثیر» یا امثال آن را و در رکعت دوم سوره «توحید» را بخوانی، و پس از پایان نماز آنچه از تعقیبات مشترک خواستی بخوان، پس آنچه را مختص به نماز عصر است به جای می‌آوری، از جمله: هفتاد مرتبه استغفار، و ده مرتبه سوره «قدر»، آنگاه سجده شکر بجا می‌آوری، و چون خواستی از مسجد خارج شوی، این دعا را می‌خوانی:

خدایا دعوتم کردی، دعوت را اجابت نمودم، و نماز واجب را خواندم، و در زمینت چنان که فرمان دادی در پی روزی رفتم، از تو می‌خواهم از صرّ فضلّت، عمل به طاعت را، و اجتناب از نافرمانی‌ات را، و کفایت از روزی‌ات را به رحمت.

فصل سوم

در بیان اعمالی که متعلق به مابین غروب آفتاب تا وقت خواب است

آنچه در نزدیکی غروب آفتاب سزاوار است، اینکه در حرکت به سوی مسجد شتاب ورزی، و به هنگام زردی آفتاب بگویی: خدای ستم آورنده به گذشتت شام کرد، و گناهانم پناه آوردنده به آمرزشت شام کرد، و هراسم پناه آورنده به ایمنی‌ات شام کرد، و خوارم پناه آورنده به عزتت شام کرد، و تهدیدستی‌ام پناه آورنده به توانگری‌ات شام کرد، و روی فرسوده‌ام پناه آوردنده به جلوه همیشگی‌ات شام کرد، خدایا عافیت را بر من بپوشان و به رحمت فرو بر، و در کرامتت فرا گیر، و از شرّ آفریدگان جنّ و آدمی‌ات حفظم کن، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان. و شایسته است در این وقت به تسبیح و استغفار مشغول باشی، زیرا فضیلت این وقت، مانند فضیلت پیش از طلوع است و حق تعالی فرموده: و تسبیح کن به ستایش پروردگارت، پیش از طلوع آفتاب، و غروب خورشید.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 940

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: زمانی که خورشید تغییر کرد، یعنی مشرف به غروب شد، یاد خدا کن، و اگر با مردمی هستی که تو را از ذکر باز می‌دارند، از آنان دور شو، و مشغول دعا شو، در هنگام غروب بگو:

ای که نبوت را به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) پایان داد، این روز مرا به خیر پایان ده، و ماه و سال و عمرم را به خیر تمام کن. و تحلیل «لا اله الا الله» و استعاذه «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» روایت شده را که در دعاها صبح و شب خواهد آمد می‌خوانی، پس دست خود را بالای سرت می‌گذاری، و به صورت خود می‌کشی، و محاسن را به دست گرفته و می‌گویی: حفاظت نمودم بر خود و خاندان و دارایی و فرزندم، به خدا، که معبودی جز او نیست. دانای پنهان و پیدا، بخشنده و مهربان، زنده و پاینده، او را چرت و خواب درنگیرد. ادامه می‌دهی تا العلیّ العظیم. سپس اقدام به خواندن نماز مغرب می‌کنی، و تأخیر آن از اول وقت سزاوار نیست، که در احادیث بسیاری به تأخیر نینداختن آن از اول وقت تأکید بسیار شده. چون خواستی مشغول نماز شوی به همان آدابی که گذشت اذان و اقامه بگو، و بین اذان و اقامه می‌خوانی: خدایا از تو می‌خواهم به رو آوردن شبت، و رو برگردان روزت، و حاضر شدن زمان نمازت، و بانگهای خوانندگان، و تسبیح فرشتگان، که درود فرستی بر محمد و خاندان محمد، و توبه‌ام را بپذیری، به راستی پذیرای توبه و مهربانی. آنگاه نماز مغرب را با آداب و شرایط بجا می‌آوری، و پس از پایان نماز سه تکبیر و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می‌گویی و می‌خوانی:

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستد، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید، و سلام کنید،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 941

خدایا بر محمد نبی و بر فرزندان و اهل بیتش درود فرست. و هفت مرتبه بگو: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، و در جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ و سه مرتبه می‌گویی: ستایش خدای را که هرچه بخواهد انجام می‌دهد و غیر او هرچه بخواند انجام نمی‌دهد. سپس می‌گویی: منزهی تو، معبودی جز تو نیست، همه گناهان مرا بیامرز، که همه گناهان را نمی‌آمرزد مگر تو. اگر دوست داشته باشی، بیش از این تعقیب بخوانی، بهتر آن است که پس از نافله مغرب بخوانی، آنگاه برای خواندن نافله بر می‌خیزی، که چهار رکعت است، و سخن گفتن مابین نماز مغرب و نافله آن کراهت دارد. در رکعت اول سوره «کافرون» و در رکعت دوم سوره «توحید» و در دو رکعت دیگر هر سوره‌ای را که خواستی بخوان، البته شایسته است در رکعت سوم سوره «حدید» تا «علیم بذات الصّدر» و در رکعت چهارم آخر سوره حشر یعنی «لو انزلنا هذا القرآن» را تا پایان سوره بخوانی. و اگر مانند سایر نوافل به حمد تنها هم اکتفا کنی جایز است و بلند خواندن قرائت در نافله مغرب، و همچنین در سایر نوافل سزاوار است.

وقتی از نافله مغرب فارغ شدی، از تعقیبات مشترک آنچه بخواهی بخوانی مانعی نیست، پس سجده شکر بجا می‌آوری به صورتی که پیش از این گذشت و کمتر چیزی که در سجده شکر لازم است این است که بگویی: «شکرا شکرا شکرا». شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هرگاه از نماز مغرب فارغ شدی، بر جبین خود دست بکش، و سه مرتبه بگو:

بسم الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و الشهادة الرحمن الرحيم اللهم اذهب عني الهم و الحزن شايسته است نماز غفيله را، که کیفیت آن در «مفاتیح» و غیر آن ذکر شده بخوانی. زمانی که روشنائی پس از غروب آفتاب پنهان شد، برای نماز عشاء به همان آدابی که گذشت اذان و قامه می‌گویی، آنگاه با رعایت آداب و شرایط، خواندن نماز واجب عشاء را شروع کن، و شایسته است قنوت و تعقیب آن را طول دهی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 942

زیرا وقت وسعت دارد. در تعقیب نماز عشاء، دعای مشترک بین صبح و شام را می‌خوانی، پس از آن دعاهاى مختصّ به شام را که بسیار است قرائت می‌کنی، از جمله دعایی را که برای طلب روزی وارد شده است، و این دعا در «مفاتیح» نقل شده و مستحب است هفت مرتبه سوره «قدر» را بخوانی، آنگاه می‌گویی:

خدایا ای پروردگار هفت آسمان، و آنچه سایه افکندند، و پروردگار هفت زمین و آنچه حمل کردند، و پروردگار شیاطین و آنان که گمراه نمودند، و پروردگار بادها و آنچه پراکنده کردند، خدایا ای پروردگار هرچیز، و معبود هر چیز، و پادشاه هر چیز، تویی خدای توانا بر هر چیز، تویی خدای اوّلی که چیزی پیش از تو نبود، و پایانی که چیزی بعد از تو نیست، و تویی آشکار که چیزی برتر از تو نیست، و تویی پنهان که چیزی مادون تو نیست، ای پروردگار جبریل و میکائیل و اسرافیل و معبود ابراهیم [و اسماعیل] و اسحاق و یعقوب، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا با رحمت سرپرستی کنی، و احدی از آفریدگانت را که مرا یارای مقاومت با او نیست بر من چیزی ننمایی، خدایا با تو دوستی می‌ورزم، پس دوستم بدار، و در بین مردم عزیزم کن، و از شر شیاطین جنّ و انس سالم بدار، ای پروردگار جهانیان، و بر محمد و خاندانش درود فرست. پس به آنچه دوست داری دعا کن، آنگاه سجده شکر بجا آور، و نماز وتیره را که دو رکعت نافله نشسته است به دنبال نماز عشاء بخوان، و مستحبّ است در این نماز صد آیه از قرآن خوانده شود، و خوب است در رکعت اول پس از سوره «حمد» سوره «واقعۀ» و در رکعت دوم سوره «توحید» خوانده شود و پس از سلام هر دعایی را که خواستی قرائت کن. زمانی که خواستی بخوانی، شایسته است آماده مرگ شوی، و در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 943

حال خوابیدن با طهارت باشی و از گناهان توبه کنی، و دل خود را از هم‌وغم دنیا فارغ سازی، و هنگام مرگ و تنها و بی‌کس خوابیدن در قبر را یاد آری، و وصیت خود را نوشته زیر بالین خود گذاری، و در نیت برخاستن برای نماز شب باشی، زیرا افتخار مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت خواندن نماز در پایان شب است. در وقت خوابیدن، سوره «توحید» و سوره «تکاثیر» و آیه الکرسی می‌خوانی، آنگاه سه مرتبه می‌گویی: ستایش خدای را که برتر شد و چیره گشت، و ستایش خدای را که باطن شد و آگاه گشت، و ستایش خدای را که مالک گشت و توانا شد، و ستایش خدای را که مردگان را زنده می‌کند و زندگان را می‌میراند، و او بر هر چیز تواناست. پس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را می‌گویی، و بر طرف راست، به شکل مرده که در قبر گذاشته می‌شود می‌خوانی، اما خوابیدن به صورت مختصر [یعنی کسی که مشرف به مرگ است]. شیخ ما ثقة الاسلام نوری در «دار السلام» فرموده: آن را در هیچ خبر و اثری نیافتیم، آری غزالی آن را ذکر کرده، و شك نیست که رشد و هدایت در مخالفت با رأی اوست. اگر خواستی برای نماز شب یا غیر آن، بیدار شوی. ولی از غلبه خواب بر خود می‌ترسی، آیه آخر سوره «کهف» را بخوان: بگو جز این نیست، که من بشری مانند شما، به سوی من وحی می‌شود، همانا معبود شما یکی است، پس کسی که به دیدار پروردگارش امیدوار است، باید عمل صالح انجام دهد، و در عبادت پروردگارش، احدی را شریک نسازد.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هیچ‌کس در وقت خوابیدن، این آیه را نمی‌خواند، مگر اینکه بیدار می‌شود، در ساعتی که می‌خواهی بیدار شود، و اگر از عقرب و جانور دیگر می‌ترسی، این دعا را بخوان، که حضرت باقر علیه السلام سلامتی خواننده آن را از شرّ عقرب و حشرات تا وقت صبح ضامن شده است:

به کلمات کامل خدا، که نیکوکار و بدکار از آنها نمی‌گذرد، پناه می‌برم، از شرّ آنچه آفرید، و از شرّ آنچه پدید آورد، و از شرّ هر جنبنده‌ای که خدا گیرنده مهار آنهاست، به درستی که پروردگار من به راه راست است.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 944

اگر از جنب شدن می‌ترسی این دعا را بخوان: خدایا از جنب شدن؛ و از خوابهای پریشان، و از اینکه شیطان در بیداری و خواب مرا بازی دهد، و به تو پناه می‌آورم. اگر از خراب شدن خانه و ماندن زیر آوار و محلی که در آنجا می‌خوابی می‌ترسی این آیه را بخوان: خدا آسمانها و زمین را از اینکه تباه شوند نگاه می‌دارد، اگر تباه نشوند، هیچکس پس از آن را نگاه نمی‌دارد، خدا بردبار و آمرزگر است.

اگر از دزد می ترسی آخر سوره «اسراء» را بخوان که آغازش این آیه است: بگو خدا را بخوانید یا بخوانید رحمن را در وقت خواب هفت میل سرمه بکش چهار میل در چشم راست، و سه میل در چشم چپ، و در وقت سرمه کشیدن این دعا را بخوان: خدایا به حق محمد و خاندان محمد از تو می خواهم، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی روشنایی را در چشمم، و بینش را در دینم، و یقین را در قلبم، و اخلاص را در عملم، و سلامت را در نهادم، و گسترده‌گی را در روزی‌ام، و سپاسگذاری در برابرت را همواره تا زنده‌ام داری، تو بر هر چیز توانایی. و شایسته است خواب بین الطلوعین [بین طلوع و فجر و طلوع آفتاب] و خواب پس از عصر را ترك كنی و هنگامی که خوابت بخوابی چراغ را خاموش کن، و رو به جانب قبله بخواب، و در بامی که اطرافش حفاظ نداشته باشد بخواب، و خوابی که دیدی، برای هرکس مگو، جز آن که عالم و خیرخواه و مهربان باشد.

فصل چهارم

در برخاستن از خواب، و خواندن نماز شب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 945

درباره برخاستن به هنگام شب، و بیان فضیلت آن، روایات بسیاری از اصحاب عصمت علیهم السلام وارد شده. و نقل شده که نماز شب شرف مؤمن است، و باعث سلامت بدن، و کفاره گناهان روز و برطرف کننده وحشت قبر است، نماز شب روی را سپید و بو را خوش کرده، و جلب کننده روزی است، ثروت و فرزندان زینت زندگی دنیا و هشت رکعت نماز در پایان شب با نماز وتر زینت آخرت است و حق تعالی گاهی این دو زینت را برای بعضی از مردم قرار می دهد و دروغ گفته است کسی که بگوید: من نماز شب به جای می آورم، و روز در گرسنگی به سر می برم، زیرا نماز شب ضامن روزی روز است. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام آمده است: یا علی من تو را نسبت به خودت، به چند خصلت وصیت میکنم، آنها را نیکو بدار، پس از آن فرمود: خدایا او را یاری ده، و پاره‌ای از آن خصلتها را ذکر فرمود، تا اینکه گفت:

بر تو باد به نماز شب، و بر تو باد به نماز شب، و بر تو باد به نماز شب، و بر تو باد به نماز اول ظهر، و بر تو باد به نماز اول ظهر، و بر تو باد به نماز اول ظهر.

ظاهر این است که حضرت از نماز شب، سیزده رکعت را اراده کردند و از نماز ظهر هشت رکعت را که نافله ظهر است.

از انس روایت شده: از پیامبر شنیدم که فرمود: دو رکعت نماز در دل شب، پیش من از دنیا و آنچه در آن است بهتر می باشد. نیز روایت شده: از حضرت زین العابدین علیه السلام پرسیدند: چه شده کسانی که به شب زنده داری برمی خیزند چهره شان از همه کس نیکوتر است؟ فرمود: به خاطر اینکه اینان، با خدا خلوت می کنند، حق تعالی از نور خویش به چهره ایشان می تاباند. به هر صورت روایات در این زمینه بسیار است و ترك برخاستن شب مکروه است. شیخ به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: بنده ای نیست مگر این که هر شب، يك بار، یا دو بار، یا چند بار بیدار می شود اگر برخاست، که برخاست، و گرنه شیطان پاهای خود را می گشاد و در گوش او بول [ادرار] می کند، آیا آن که برای نماز شب برخوایسته، صبح که برمی خیزد، توجه نمی کند، گران و مکدر و سنگین و کسل است؟ شیخ برقی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: برای شب شیطانی است، که او را «رها» می گویند، هرگاه بنده ای از خواب بیدار شود، و برخاستن برای نماز شب را قصد کند، آن شیطان به او می گوید: اکنون وقت برخاستن نیست، بار دیگر که بیدار شود، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 946

بخواهد برخیزد، باز می گوید: وقت برخاستن نشده، یعنی زود است، پس پیوسته او را از برخاستن باز می دارد و او را حبس می کند تا فجر طلوع کند، چون فجر پدیدار شود، در گوش او ادرار می کند، و از او دست برمی دارد، درحالی که به خود می بالد، و از نخوت و ناز دم خود را می جنباند!! ابن ابی جمهور از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده: روزی به اصحاب خود فرمود: هرگاه یکی از شما در شب بخوابد، شیطان در پس سر او سه گره می زند و در مکان هر گرهی می گوید:

«شب تو طولانی است بخواب» هرگاه بیدار شود و یاد خدا کند، يك گره باز می شود، و اگر وضو بگیرد، گره دیگری باز می گردد، و اگر نماز بخواند، گره سوم گشوده می شود، پس با حال نشاط، پاکیزه نفس وارد صبح می گردد، وگرنه آلوده نهاد و کسل وارد صبح می شود، این روایت در کتابهای اهل سنت نیز ذکر شده. قطب راوندی از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده: در سه چیز با سه چیز طمع مکن: در بیداری شب با پرخوری، در نور چهره با خوابیدن در همه ساعات شب و در امان از دنیا، با همنشینی اهل فسق. و همچنین قطب راوندی رایت کرده: حضرت عیسی علیه السلام مادرش مریم را پس از مردنش صدا زد، و گفت:

ای مادر با من سخن بگو، آیا علاقه داری به دنیا بازگردی؟ گفت: آری برای اینکه به خاطر خدا، در شب بسیار سرد نماز گذارم، و در روز بسیار گرم روزه بگیرم، پسر من این راه بیمناک است. کیفیت نماز شب: به صورت آسان و مختصر، که ان شاء الله تعالی همه کس بتواند بجا آورد این است که چون از خواب برخاست، برای خدای متعالی سجده کند، و خوب است در این حال، یا در حال برداشتن سر از سجده، بگوید:

ستایش خدای را که زنده‌ام کرد، پس از آن که مرا میراند، و بازگشت همه پس از مرگ به سوی اوست، ستایش خدای را که روحم را بازگرداند، تا او را ستایش نموده و بندگی کنم. چون برخاست و ایستاد بگوید: خدایا بر هراس آن جهان یاری‌ام ده، و بر من وسعت بخش قبر را، و خیر آنچه پس از مردن است نصیبم کن. چون صدای خروس را شنید بگوید: بسیار منزّه و مقدّس است پروردگار فرشتگان و روح، رحمت بر خشم پیشی گرفته، معبودی جز تو نیست، بد کردم، و به خود ستم نمودم، پس مرا بیامرز، به درستی که گناهان را جز تو نیامرز، توبه‌ام را بپذیر، که تو بسیار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 947

توبه‌پذیر و مهربانی چون به اطراف آسمان نگاه کند بخواند: خدایا تو را باز نمی‌دارد و شب تار، و نه آسمان دارای ستارگان و نه زمین گسترده، و نه تاریکی‌هایی که بعضی از آنها بر فراز بعضی دیگرند، و نه دریای عمیق متراکم از آب از اینکه به شبروان در مسیر عبادت از عنایات مرحمت کنی، و رحمت را به هر که از آفریدگانت بخواهی عطا فرمایی، خیانت چشمها، و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌کند می‌دانی، پنهان شدند ستارگان، و دیده‌ها به خواب رستند، و تو زنده و پابرجایی، چرت و خواب تو را فرو نگیرد، منزّه است خدا، پروردگار جهانیان، و معبود رسولان، و ستایش خدی را پروردگار جهانیان. آنگاه پنج آیه سوره آل عمران را بخواند: به درستی که در آفرینش آسمانها و زمین، و رفت‌وآمد شب و روز، نشانه‌هایی است برای صاحبان خرد، آنان که خدا را در حال ایستاده و نشسته و پهلوی خفته یاد می‌کنند، و در آفرینش آسمانها و زمین اندیشه می‌نماید، پروردگارا این همه را به ناحق نیافریدی، منزّهی تو، ما را از عذاب دوزخ حفظ کن، پروردگارا هر که تو وارد آتش دوزخ کنی به یقین او را رسوا نموده‌ای، و برای ستمکاران یآوری نیست. پروردگارا شنیدم فریاد کننده‌ای برای ایمان فریاد می‌زند به پروردگارتان ایمان بیاورید، پس ما ایمان آوردیم، پروردگارا گناهان ما را بیامرز، و بدی‌های ما را بپوشان، و ما را همراه نیکان بمیران، پروردگارا آنچه بر رسولانت وعده کردی به ما عنایت کن، و در قیامت ما را رسوا مکن، که تو هرگز خلف وعده نمی‌کنی. هرگاه خواست به جانب عبادت رو کند، و او را نیازی به تخلّی [قضای حاجت] باشد آن را پیش اندازد، و چون از بیت الخلا درآید به مسواک آغاز کند،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 948

پس از آن وضوی کامل بگیرد، و خود را خوشبو سازد، آنگاه به نماز شب برخیزد که ابتدای وقت آن نیمه شب است، و هرچه به طلوع صبح صادق نزدیکتر شود، بهتر است، و اگر صبح طلوع کند، درحالی که چهار رکعت آن را بجا آورده، بقیه را با «حمد» تنها بجا آورد، در هر صورت زمانی که برای نماز شب برخاست، هشت رکعت به قصد نماز شب شروع می کند، و پس از هر دو رکعت سلام می دهد، و خوب است در دو رکعت اول در هر رکعت پس از سوره «حمد» سی مرتبه سوره توحید بخواند، تا از نماز فارغ شود درحالی که بین او و خدای عزّ و جلّ گناهی نباشد، یا آن که در رکعت اول آن سوره «توحید» و در رکعت دوم **قل یا ایها الکافرون** بخواند، و در شش رکعت دیگر «حمد» و هر سوره ای که میلش باشد، و در هر رکعتی «حمد» و «توحید» نیز کافی است، و اکتفا به سوره «حمد» تنها هم جایز می باشد، و چنان که قنوت در نمازهای واجب مستحبّ است در رکعت دوم از نمازهای نافله هم مستحبّ است، و در قنوت سه مرتبه سبحان الله گفتن کفایت می کند.

یا اینکه گفته شود:

خدایا بیمار ما را و به ما رحم کن، و به ما عافیت ده، و در دنیا و آخرت از ما درگذر، به درستی که تو بر هرچیز توانایی. یا اینکه بگوید: پروردگارا، بیمار ما را و رحم کن، و از آنچه می دانی درگذر، به درستی که تو عزیزتر و بزرگتر و گرامی تری روایت شده: حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام هنگامی که در شب تاریک، در محراب عبادت می ایستاد چنین می خواند:

اللّهُمَّ اَنْتَ خَلَقْتَنی سوپا ... و این دعا پنجاهم صحیفه کامله است. چون از هشت رکعت نماز شب فارغ شود، دو رکعت نماز شفع، و یک رکعت نماز وتر بجا آورد، و در این سه رکعت پس از سوره «حمد» سوره «توحید» بخواند تا به منزله یک ختم قرآن باشد، زیرا سوره توحید ثلث قرآن است، یا آن که در نماز شفع در رکعت اول سوره «حمد» و **قل اعوذ بربّ النَّاسِ**، و در رکعت دوم سوره «حمد» و **«قل اعوذ بربّ الفلق»** را بخواند و چون از نماز شفع فارغ گشت مستحبّ است بخواند: الهی تعرّض لك فی هذا اللّیل المتعرضون و این دعایی است که در اعمال نیمه شعبان در کتاب مفاتیح الجنان ذکر شد. پس از نماز شفع، برای خواندن یک رکعت نماز وتر برخیزد، و در آن یک رکعت سوره «حمد» و سوره توحید بخواند، یا آنکه پس از حمد سه مرتبه سوره توحید و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 949

يك مرتبه سوره‌های الفلق و الناس را قرائت کند، سپس برای قنوت دست بردارد، و هر دعایی را که می‌خواهد بخواند. شیخ طوسی فرموده: دعاهايي که در این قنوت خوانده می‌شود، آنقدر زیاد است که شمرده نمی‌شود، ولی مقید به این وقت نیست، که خلافتش جایز نباشد، انسان مستحب است در قنوت نماز وتر، برای ترس از خدا، و بیم از عقاب پروردگار گریه یا تباکی [یعنی خود را به گریه واداشتن یا اظهار گریه کردن] کند، و برای برادران مؤمن دعا کند، و ذکر چهل نفر مؤمن مستحب است، به درستی که دعاکننده برای چهل مؤمن دعایش ان شاء الله مستجاب می‌شود، و نیز دعا کند به آنچه بخواند. شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در قنوت نماز وتر می‌خواند:

خدایا هدایت کن در زمره آنان که هدایت کردی، و عافیت ده در گروه آنان که عافیت دادی، و سرپرستی ام فرما در جمع آنان که سرپرستی کردی، و مرا در آنچه عطا کردی برکت ده، و از شر آنچه حکم نمودی نگاهم بدار، به درستی که تو حکم کنی، و علیه تو حکم نشود، منزهی تو، ای پروردگار کعبه از تو آمرزش می‌خواهم، و به سوی تو باز می‌گردم، و به تو ایمان می‌آورم، و بر تو توکل می‌کنم، و جنبش و نیرویی نیست، جز به تو ای مهربان. و شایسته است، هفتاد مرتبه بگوید: از خدا طلب آمرزش می‌جویم و به سوی او باز می‌گردم.

و سزاوار است دست چپ را به دعا برداشته، و استغفار را با دست راست شماره کند. روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز وتر هفتاد مرتبه استغفار می‌کرد، و هفت مرتبه می‌گفت: این است مقام پناه‌برنده به تو از آتش پروردگار مرا بیامرز، العفو. و همچنین روایت شده: حضرت سجاد علیه السلام به هنگام سحر، در نماز وتر سیصد مرتبه می‌گفت:

العفو العفو و سپس بگوید: و به من رحم کن، و توبه‌ام را بپذیر، به درستی که تو بسیار توبه‌پذیر و آمرزنده و مهربانی شایسته است قنوت را طولانی کند، و زمانی که از قنوت فارغ می‌شود، به رکوع رود، و چون سر از رکوع بردارد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 950

این دعا را که شیخ طوسی در کتاب «تهدیب» از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده بخواند:

این جایگاه کسی است که حسناش نعمتی از تو، شکرش ضعیف، و گناهش بس بزرگ است، و برای آن جز نرمی و رحمت چیزی نیست، به درستی که تو در کتاب نازل شده بر پیامبر مرسلت (درود خدا بر او و خاندانش) فرمودی:

«چنین بودند که اندکی از شب را می خوابیدند، و در سحرها درخواست آمرزش می کردند» ولی خواب من طولانی بود، و بیداری شبم کم بود، و این است سحر، و من از تو برای گناهانم آمرزش می خواهم، آمرزش خواهی کسی که برای خود نمی یابد زیانی و نه سودی، و نه مرگی و نه حیاتی، و نه برانگیختنی. آنگاه به سجده رود، و نماز را تمام کند، و پس از سلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگوید، و بخواند: ستایش از آن پروردگار بامداد است، ستایش از آن شکافنده سپیده است و سه مرتبه بگوید: منزّه است پروردگارم، آن فرمانروای بس مقدّس و عزیز و حکیم. سپس بگوید: ای زنده، ای پاینده، ای نیکوکار، ای مهربان، ای توانگر، ای کریم، مرا از تجارت نصیب ده در فزونی بزرگترینش را، در روزی فراخترینش را، و در عاقبت بهترین را، زیرا در آنچه عاقبتی برایش نیست، خیری هم نیست. و سزاوار است پس از این، دعای حزین را بخواند: «اناجیک یا موجود فی کلّ مکان ...»

آنگاه به سجده رود، و پنج مرتبه بگوید: «سَبَّوحٌ قَدَّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ»، سپس بنشیند و آیه الكرّسی بخواند، باز به سجده رود و سَبَّوحٌ قَدَّوسٌ را پنج مرتبه بخواند، آنگاه برای نافله صبح برخیزد، که دو رکعت است: در رکعت اول پس از سوره حمد سوره قل یا ایّها الکافرون و در رکعت دوم پس از سوره حمد سوره توحید را بخواند، و چون سلام داد، به طرف قبله به صورت مرده در قبر به پهلوی راست بخوابد، و گونه راستش را بر روی دست راست بگذارد و بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 951

چنگ زدم به دستاویز محکم تر خدا، که گسستی نیست برایش، و تمسّکِ جستم به رشته استوار خدا، و پناه می برم به خدا، از شرّ فاسقان عرب و عجم، و پناه می برم به خدا از شرّ بدکاران جنّ و انس آنگاه سه مرتبه بگوید: منزّه است پروردگار بامداد، شکافنده سپیده. و پنج آیه آل عمران را که در سطور قبل [صفحه 947] ذکر شد بخواند، سپس برخیزد و بنشیند و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگوید.

در کتاب (من لا یحضره الفقیه) فرموده: روایت شده: هرکه بین دو رکعت نافله صبح و نماز صبح، صد مرتبه بر محمّد و آل محمّد صلوات فرستد، حق تعالی چهره او را از حرارت آتش حفظ کند، و کسی که صد مرتبه بگوید: سبحان ربّی العظیم و بحمد استغفر الله ربّی و اتوب الیه حق تعالی خانه ای در بهشت برای او بنا کند، و کسی که بیست و یک مرتبه قل هو الله احد بخواند، خدای تعالی در بهشت خانه ای برای او بنا کند، و اگر آن را چهل مرتبه بخواند، حق تعالی او را بیمارزد، و شایسته است پس از فراغت از نماز شب، دعای سی و دم صحیفه کامله: اللهم یا ذا الملك المتابّد .. خوانده شود، آنگاه سجده شکر بجا آورد، و سزاوار است برای برادران مؤمن خود دعا کند، و دعای اللهم ربّ الفجر را که در ادعیه سجده شکر گذشت بخواند، از برادران دینی امید واثق دارم، که برای این گنهکار روسیاه هم دعا کنند که به دعای بسیار نیازمندم و الله الموفق.

فصل پنجم

در ذکر بعضی از اذکار و دعاها که باید هنگام بامداد و شامگاه خواند

آگاه باش ایددك الله که تشویق و ترغیب بسیاری بر محافظت این دو وقت در آیات و اخبار آمده، بر این اساس، برای این دو وقت دعاها و اذکار بسیاری از رسول خدا و ائمه اطهار صلوات الله علیهم وارد شده که ما در این رساله به ذکر مختصری از آنها تبرک می‌جوئیم. اول: ابن بابویه به سند معتبر، از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده: هرکه پیش از طلوع آفتاب هر يك از سوره‌های:

توحید و قدر و ایه الكرسی، را یازده مرتبه بخواند، خدا دارایی او را از آنچه می‌ترسد باز می‌دارد. و نیز فرمود: هرکه قل هو الله و قدر را پیش از طلوع آفتاب بخواند، در آن روز گناهی به او نرسد، هرچند شیطان بر این امر سخت بکوشد. دوم: کلینی و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 952

ابن بابویه، و شیخ طوسی، و دیگران، به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند، بر هر مسلمان فرض است که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب، و ده مرتبه پیش از غروب خورشید، این دعا را بخواند:

معبودی جز خدا نیست، شریکی برایش نمی‌باشد، فرمانروایی و ستایش خاص اوست، زنده می‌کند و می‌میراند، و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، خیز تنها بدست اوست، و او بر هر کاری تواناست. و در بعضی از روایات آمده است: یحیی و یمیت و یحیی و در چند روایت جمله و هو حی لا یموت بیده الخیر نیامده ولی در بعضی روایات آمده. و ظاهراً همه خوب است، و اگر همه صورتها را بگوید بهتر است، و در بعضی از روایات وارد شده اگر ترك شود لازم است قضا کنید، و در بعضی روایات آمده: این كفاره گناهان او در آن روز است. سوم: ابن بابویه و دیگران به سندهای بسیار معتبر از حضرت زین العابدین و حضرت صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند: هرکه در شام صد مرتبه الل اکبر بگوید، مانند این است که صد بنده را آزاد کرده باشد، و به صند صحیح دیگر از حضرت باقر علیه السلام روایت شده: هرکه پیش از طلوع آفتاب صد مرتبه، و قبل از غروب آن صد مرتبه الله اکبر بگوید، خدای کریم برای او همانند پاداش کسی که صد بنده را آزاده کرده باشد می‌نویسد، و هرکه ده بار سبحان الله و بحمده بگوید، خدا ده حسنه برای او می‌نویسد، و

هرکه بیشتر بگوید، برای او بیشتر نوشته می شود. چهارم: ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: غرفه ای چند در بهشت است، که ظاهر آنها از درون، و درون آنها از بیرون نمایان است، و از امت من کسی در آنها ساکن می شود، که سخن نیک گوید، و به مردم طعام بخوراند، و به هر که رسد سلام کند، و در شب هنگامی که مردم در خوابند نماز بجا آورد، آنگاه فرمود: کلام نیک آن است که در صبح و شام ده بار بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و نیز در کتاب «محاسن» برقی به سند صحیح از حضرت باقر علیه السلام روایت شده: حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مردی رسید که باغی را برای خود احداث می کرد، حضرت ایستاد و فرمود: می خواهی تو را بر باغی راهنمایی کنم، که اصلش از این باغ ثابت تر، و میوه اش زودتر، و نیکوتر و پایدارتر باشد؟ گفت: آری یا رسول الله، فرمود: در صبح و شام بگو: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر که به عدد هر تصبیحی برایت در بهشت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 953

درختها از انواع میوه ها غرس می کنند، و اینهاست باقیات صالحات، که خدا در قرآن فرموده: «نیکوتر و پایدارترند از دارایی دنیا». پنجم: ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده:

هرکه نزدیک به شام، یا پس از شام سه مرتبه این آیه را بخواند، در آن شب خیری از او فوت نمی شود، و جمیع شرور از او دور می شود. و همچنین است، هرگاه هنگام صبح بگوید:

تنزیه خدای را هنگامی که شام کنید، و زمانی که صبح نمایید، و برای اوست ستایش در آسمانها و زمین و شب، و وقتی که ظهر می کنید. ششم: برقی در کتاب «محاسن» به سند موثق از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده:

هرکه در صبح، و در شام سه مرتبه بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله نترسد از شیطان و نه از پادشاه و نه از خوره و نه از پیسی، و حضرت فرمود: من صد مرتبه می گویم، و در تعقیب نماز صبح و شام هفت مرتبه، روایت شده، چنان که قبلا گذشت. هفتم: به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: مردی از انصار، چند روزی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله نرسید، حضرت از او پرسید: به چه علت در این چند روز، از ما، غایب بودی؟ گفت: به سبب تنگدستی و طول بیماری، حضرت فرمود: می خواهی به تو دعایی را تعلیم کنم که چون بخوانی تنگدستی و بیماری از تو برطرف شود؟

گفت: آری یا رسول الله. فرمود: صبح و شام این دعا را بخوان:

جنبش و نیروی نیست جز به خدا، توکل کردم بر زندهای که هرگز نمی‌میرد، و ستایش خدای را که فرزندی نگرفته، و برای او شریکی در فرمانروایی نیست، و نبود برایش سرپرستی از خواری، و بزرگش شمار بزرگ‌شمردنی شایسته.

هشتم: در بسیاری از روایات معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو: پناه می‌برم به خدای شنوای دانا، از وسوسه‌های شیاطین، و پناه می‌برم به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 954

خدا از اینکه نزد من حاضر شوند، به درستی که خدا شنوا و داناست. و در پاره‌ای از روایات چنین آمده و اعوذ بک رب ان يحضرون و در بعضی از روایات استعید بالله السميع من الشيطان الرجيم و اعوذ بالله ان يحضرون هم: در کتاب «فلاح السائل» از امام صادق علیه السلام روایت کرده: شما را چه چیزی مانع است از این که در هر صبح و شام این دعا را سه مرتبه بخوانید:

خدا ای زیرورو کننده دلها و دیده‌ها، دلم را بر دینت ثابت بدار، و دلم را پس از اینکه هدایت نمودی منحرف مساز، و از نزد خود رحمتی به من ببخش، به درستی که تو بسیار بخشنده‌ای، و از آتش پناهم ده به رحمت، خدایا عمرم را طولانی گردان، و در روزی‌ام به من وسعت ده، و بر من بگستران از رحمت، و اگر در ام الكتاب [لوح محفوظ] نزد تو بدبختم، مرا خوشبخت فرما، زیر که تو محو می‌کنی هرچه را بخواهی، و هرچه را بخواهی پابر جایش می‌نمایی، و ام الكتاب نزد توست. دهم: شیخ طوسی و سید بن طاووس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند: هرکه صبح و شام يك مرتبه بگوید: سبحان الله و بحمد سبحان الله العظيم حق تعالی فرشته‌ای را با بیلی از نقره به سوی بهشت روانه می‌کند تا برای او در زمین بهشت که از مشک ناب است درختانی غرس کند، و دیواری دور آن قرار دهد، و دری بر آن نصب کند، و بر آن در بنویسد: این بوستان فلان فرزند فلان است، و سید به روایت معتبر دیگری از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده: هرکه این تسبیح را، در غیر مقام تعجب بگوید [عده‌ای در برخورد به پیش آمده‌ها و حوادث، از باب تعجب فریاد می‌زنند: سبحان الله، که از ظاهر روایت استفاده می‌شود ثوابی که ذکر شده برای اینگونه تسبیح گفتن نیست] حق تعالی هزار گناه او را محو می‌کند، و هزار حسنه برایش ثبت می‌نماید، و هزار شفاعت برای وی می‌نویسد، و هزار درجه برای او بلند گرداند، و برای او از این کلمه مرغ سپیدی بیافریند، که تا روز قیامت مشغول به این تسبیح باشد، و ثوابش برای او نوشته شود. یازدهم: قطب راوندی از حضرت امیر مومنان علیه السلام روایت کرده: حضرت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 955

رسول صلی الله علیه و آله فرموده: هرکه صبح کند، و چهار نعمت خدا را یاد نکند، می‌ترسم نعمت خدا از دست او برود:

ستایش خدای را که خودش را به من شناساند، و مرا کوردل رها نکرد، ستایش خدای را که مرا از امت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) قرار داد، ستایش خدای را که روزی مرا در دست عنایت خودش قرار داد، و در دست مردم نگذاشت، ستایش خدا را که گناهان و عیوب را بپوشاند، و مرا در میان مردم رسوا نساخت. دوازدهم: در کتاب «بلد الأمین» از سلمان فارسی روایت کرده: هر بنده‌ای که صبح کند سه مرتبه بگوید: ستایش خدای را پروردگار جهانیان، ستایش خدای را ستایشی بسیار پاکیزه مبارک حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او بگیرد که کمترین آنها اندوه باشد. سیزدهم: شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: چون صبح کنی بگو: صبح کردم به یاری خدا، مؤمن بر دین محمد و روش او، و دین علی و روش او، و دین اوصیای و روش او، و دین جانشینان ایشان و روش آنها، ایمان آوردم به پنهان و پیدایشان، و حاضر و غایبشان، و پناه می‌برم به خدا، از آنچه که پناه برد از آن رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) و علی (درود خدا بر او) و جانشینان ایشان، و رغبت به خدا می‌کنم، در آنچه آنان به سوی او رغبت نمودند، و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا. چهاردهم: شیخ کلینی به سند معتبر از امام باقر علیه السلام برای خواندن این دعا بعد از صبح، پیش از طلوع آفتاب، فضیلت بسیار نقل کرده: خدا بزرگ‌تر است، خدا بزرگ‌تر است، در کمال بزرگی، و منزّه است خدا، در بامداد و پسین، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 956

ستایش بسیار خدای را پروردگار جهانیان، شریکی برای او نیست، و درود خدا بر محمد و خاندانش.

پانزدهم: در کتاب بلد الأمین از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هرکه در صبح این دعا را سه مرتبه بخواند، تا شام بلایی به او نرسد، و اگر در شام بخواند، تا صبح بلایی او را در نگیرد: به نام خدایی که زیان نرساند، با نام او چیزی در زمین، و نه در آسمان، و او شنوا و داناست.

شانزدهم: کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای موثق و معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده‌اند: حق تعالی حضرت نوح را بنده بسیار شاکر نامید، برای اینکه هر صبح و شام این دعا را می‌خواند: خدایا تو را گواه می‌گیرم که آنچه در شامگاه و بامداد، نعمت یا سلامت در دین یا در دنیا به من رسید از جانب توست، یگانه‌ای برای شریکی نیست، تو را ستایش، و تو را سپاس بر آن نعمتها بر من، تا خشنود شویید معبودا. و در بعضی روایات آمده است ده مرتبه می‌خواند: خدایا آنچه در صبح از نعمت یا سلامت در دین یا دنیا به من رسید، از جانب تو است، یگانه‌ای،

برایت شریکی نیست، به آن نعمتها بر من تو را ستایش و تو را سپاس، تا خشنود شوی و فوق خشنودی. و هر دو بیان خوب است.

هفدهم: کلینی و برقی به سندهای معتبر، از حضرت صادق و کاظم علیهم السلام روایت کرده‌اند: چون نزدیک غروب آفتاب شود، این دعا را بخوان، تا از شرّ هر درنده و گزنده و شرّ شیطان لعین و فرزندانش، و شرّ هر صاحب زهری، و دزدان و دیوانگی ایمن گردی.

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، ستایش خدای را، که فرزندی برنگرفته، و در فرمانروایی شریکی برای او نیست،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 957

و ستایش خدای را که وصف می‌کند و وصف نمی‌شود، و می‌داند، و دانسته نمی‌شود، خیانت چشمها و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌کنند می‌داند، پناه می‌برم به جلوه خدای کریم، و به نام خدای بزرگ، از شرّ آنچه آفرید و پدید آورد، و از شرّ آنچه در زمین است، و از شرّ آنچه پیدا و پنهان است، و از شرّ آنچه در شب و روز است، و از شرّ ابلیس و آنچه زاد، و از شرّ بیماری پایدار و از شرّ آنچه وصف کردم و وصف نکردم، و ستایش خدای را پروردگار جهانیان.

هجدهم: کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: هرکه در صبح این دعا را بخواند، در آن روز چیزی به او گزندگی نزد ان شاء الله تعالی خدایا صبح کردم در حفظ و پناه تو، خدایا به تو می‌سپارم دین و خود و دنیا و آخرت و خاندان و دارایی‌ام را، و به تو پناه می‌آورم ای بزرگ، از شرّ همه آفریدگانت، و به تو پناه می‌آورم از شرّ آنچه که ابلیس و لشگریانش به وسیله آن باعث ناامیدی از رحمت خدا می‌گردند.

نوزدهم: و نیز کلینی به سندی در حدّ سند صحیح روایت کرده: مردی به محضر حضرت صادق علیه السلام عرضه داشت: به من دعایی تعلیم کن که هر صبح و شب بخوانم، حضرت فرمود: این دعا را بخوان: ستایشك خدای را که هرچه بخواند انجام دهد، و هرچه غیر او بخواهد انجام ندهد، ستایش خدای را، آنگونه که خدا دوست دارد، ستوده گردد، ستایش خدای را چنانچه او شایسته آن است، خدایا مرا وارد کن در هر خیری که در آن وارد کردی محمد و خاندان محمد را، و خارج کن از هر شرّی که محمد و خاندان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 958

محمد را خارج نمودی، درود خدا بر محمد و خاندان محمد.

بیستم: در کتاب بلد الامین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده: هرکه این دعا را هنگام صبح، هفت مرتبه بخواند، در آن روز از بلاها محفوظ بماند. خدا بهترین نگهدار است، و او مهربانترین می باشد، به راستی سرپرست من خدا است، که نازل کرد قرآن را، و او شایستگان را سرپرستی می کنی پس اگر رو برگرداندند، بگو: پس اگر رو برگرداندند، بگو خدا مرا بس است، که معبودی جز او نیست، بر او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است.

بیست و یکم: در بعضی از کتب معتبر روایت شده: هرکه در بامداد سه مرتبه، و در پایان روز سه مرتبه، این صلوات را بخواند، گناهانش آمرزیده می شود، و شادی او دوام می یابد، و دعایش به اجابت می رسد، و روزی اش فراخ می شود، و بر دشمنش یاری می گردد، و در بهشت از همنشینان محمد صلی الله علیه و آله باشد:

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست در پیشینیان، و بر محمد و خاندان محمد درود فرست در آیندگان، و بر محمد و خاندان محمد درود فرست در انجمن برتر، و بر محمد و خاندان محمد درود فرست در فرستادگان خدایا وسیله و شرف و فضیلت و درجه بزرگ را به محمد عطا کن، خدایا به محمد و خاندانش ایمان آوردم درحالی که او را ندیدم، پس مرا در قیامت از دیدارش محروم مکن، و همنشینی با او را نصیبم فرما، و مرا بر آیینش بمیران، و مرا از حوضش بنوشان، نوشیدنی کامل، سیراکننده، روان، گوارا، که پس از آن هرگز تشنه نشوم، تو بر هر چیز توانایی، خدایا چنان که به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) ایمان آوردم درحالی که او را ندیدم، پس به من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 959

بنمایان در بهشت چهارش را، خدایا روح محمد را از جانب من تحیت بسیار و سلام فراوان برسان.

مؤلف گوید: این صلوات همان صلواتی است که کفعمی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هرکه بخواند محمد و آل محمد علیهم السلام را در صلوات بر ایشان خوشحال کند، آن را بخواند، و ما آن را در «مفاتیح» در ضمن اعمال روز عرفه ذکر کردم. بدانکه دعاهای وارده در مورد صبح و شب بسیار است و این مختصر را گنجایش بیش از این نیست و در باب چهارم ده دعا از کتاب شریف کافی خواهد آمد که در صبح و شب خوانده می شود، و اگر فرصت داشتی، دعای عشرات و دعای معروف به یستشیر، و دعای نور و دعای عهد اللهم رب التور العظیم را بخوان و ما این دعاها را در «مفاتیح» آوردیم، و نیز در آداب، تربت ذکر کردم که دعای اصبحت اللهم معتصما بدمامك را، در حال به دست گرفتن تسبیح تربت، و آن دعا را در صبح و شام، برای ایمنی از هر خوف بخوانند.

فصل ششم

در بیان دعاهایی که در ساعات روز باید خواند و دعاهای هر روز که اختصاص به ساعتی ندارد.

شیخ طوسی و سید بن باقی و شیخ کفعمی هر روز را به دوازده ساعت [منظور دوازده زمان است نه اینکه هر يك دقيقا يك يا دو ساعت باشد] تقسیم کرده‌اند، و هر ساعت را به امامی از دوازده امام نسبت داده‌اند، و برای هر ساعت دعایی را که مشتمل بر توسل به آن امام عالی مقام است ذکر کرده‌اند، اگرچه روایتش را به خصوص نیاورده‌اند، ولی روشن است، که چنین تقسیم‌بندی را بدون استناد به روایت ذکر نمی‌کنند، و ما در این رساله به آنچه در کتاب مصباح المتعبد آمده است اکتفا می‌کنیم.

ساعت اول: از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب، این ساعت منسوب به امیر مومنان علیه السلام است و دعایش این است: خدایا ای پروردگار زیبایی و بزرگی و بزرگمنشی و فرمانروایی، نیرومندی را به هرگونه که خواستی نمایان‌دی و به شناساییات بر بندگانت منت نهادی، و به جبروت بر آنها چیرگی یافتی، و به آنان آموختی سپاس نعمت را، خدایا به حق علی آن پسندیده برای دین، و دانای به قانون، و راههای تقوا، پیشوای پرهیزکاران بر محمد و خاندانش در پیشینیان و پسینیان درود فرست و او را پیش می‌اندازم پیشاپیش خواسته‌هایم اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 960

ساعت دوم: از طلوع آفتاب است تا ذهاب حمرة [یعنی کنار رفتن سرخی افق مشرق]، و به حضرت مجتبی علیه السلام منسوب است:

خدایا به بر کردی لباس زیباییات را در بزرگترین نیرویت، و خالص شد نورت، در نورانی‌ترین روشنائیات، و روان شد دانش از پرده‌ات، و خالص کردی در آن اهل اطمینان به خود را، نزد بخششت، پس برتری یافتی در بزرگمنشیات برتری کامل، بزرگ است منتت در آن بر اهل طاعتت پس مباحث نمودی به ایشان، بر اهل آسمانهات به منتت بر آنان، خدایا به حق حسن بن علی بر تو، از تو می‌خواهم، و به او به درگاهت دادخواهی می‌جویم، و او را پیش می‌اندازم پیشاپیش خواسته‌هایم، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و با من چنین و چنان کنی.

ساعت سوّم: از ذعاب شعاع [ناپیدا شدن ستون عمود نور خورشید در شرق] است تا ارتفاع نهار [بالا آمدن روز] که به حضرت حسین علیه السّلام منسوب است: ای که بزرگی ورزید، پس دیده‌ای نبیندش، ای که خود را بزرگ دانست، پس دلها به حقیقتش راه نیابند، ای نیک منّت، ای نیک گذشت، ای نیک بخشش، ای بخشایشگر، ای بزرگوار، ای که چیزی از آفریدگانش به او شباهت ندارد، ای که به اولیایش بر بندگانش منّت نهاد، آنجا که آنان را برای دینش پسندید، و به وسیله آنان بندگانش را ادب کرد، و آنان را از باب منّت از جانب خود، بر بندگانش حجت قرار داد، از تو می‌خواهم به حق حسین بن علی (درود خدا بر ایشان) آن فرزندزاده پیامبر، آن پیرو خشنودی‌ات و خیرخواه در دینت، و راهنمای بر هستی‌ات، از تو می‌خواهم به حق او، و او را پیش می‌اندازم پیشاپیش خواسته‌هایم که درود فرستی بر محمّد و خاندان محمّد، و با من چنین و چنان کنی.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 961

ساعت چهارم: از ارتفاع نهار تا زوال شمس [هنگام ظهر شرعی] است، و به علی بن الحسین علیهما السّلام منسوب است:

خدایا خالص شد نورت در کامل‌ترین بزرگی‌ات، و برتر شد تابشت در زیباترین پرتوت، از تو می‌خواهم به نورت که با آن آسمانها و زمین را روشن کردی، و گردنکشان را شکستی، و زنده کردی مردگان را، و زندگان را میراندی، و پراکنده‌ها را جمع نمودی، و جمع‌شده‌ها را پراکندی، و کلمات را کامل نمودی، و آسمانها را به پا ساختی، از تو می‌خواهم به حق ولی‌ات علی بن الحسین (درود خدا بر ایشان)، آن مدافع از دینت، و کوشنده در راهت، و او را پیش می‌اندازم پیشاپیش خواسته‌هایم اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی. ساعت پنجم: از زوال شمس است تا مقدار چهار رکعت پس از آن که به حضرت باقر علیه السّلام منسوب است: خدایا ای پروردگار تابش و بزرگی، و روشنائی و کبریایی و فرمانروایی، به بزرگی جمالت بزرگی یافتی، و به رأفت و مهرت بر بندگان منّت نهادی، و بر خشنودی حاصلت راهنمایی‌شان کردی، و برای آنان راهنمایی قرار دادی تا بر محبت راهنمایی‌شان می‌کند، و بر آنچه از افعال و اخلاق دوست داری دلالتشان می‌نماید، و آنان را بر مشیّت راهنمایی می‌کند، خدایا به حق محمّد بن علی (درود خدا بر او و ایشان) بر تو، و او را پیش می‌اندازم و پیشاپیش خواسته‌هایم اینکه بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی.

ساعت ششم: به اندازه چهار رکعت از زوال گذشته تا هنگام نماز ظهر است که به حضر صادق علیه السّلام منسوب است:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 962

ای که از ادراك پندارها پنهان است، ای که بزرگتر از یافته‌های دیده است، ای که از همه صفات برتر است، ای که والاتر از معانی لطف، و لطیف‌تر از معانی شکوه است، از تو می‌خواهم بمنور جلوه‌ات، و تابش کبریایت، و از تو می‌خواهم به حق عظمت عافیت از دوزخ را، و از تو می‌خواهم به حق جعفر بن محمد بر تو، و او را پیش می‌اندازم، پیشاپیش خواسته‌هایم اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی. ساعت هفتم: از هنگام نماز ظهر است، تا مقدار چهار رکعت پیش از عصر که به موسی بن جعفر علیهما السلام منسوب است: ای که حقیقتش از پندارها فراتر است، ای که از صفات بالاتر است نورش، ای که هنگام دعای بندگان نزدیک است، ای که ناچاران او را خواندند، و هراسندگان به او پناه بردند، و مومنان از او خواستند، و سپاسگزاران او را پرستیدند، و خالصان او را ستایش نمودند، از تو می‌خواهم به حق نور تابنده‌ات، و به حق موسی بن جعفر بر تو، و به او به جانب تو تقرّب می‌جویم، و او را پیش می‌اندازم پیشاپیش خواسته‌هایم اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و با من چنین و چنان کنی. ساعت هشتم: از مقدار چهار رکعت بعد از ظهر است تا هنگام نماز عصر که به علی بن موسی الرضا علیهما السلام منسوب است: ای بهترین خوانده شده، ای بهترین کسی که بخشید، ای بهترین کسی که درخواست شد، ای کسی که به نامش روشنی روز روشن شد، و تاریکی شب تاریک گشت، و به نام او باران سیل آسا جاری گشت، و هر خیری را نصیب اولیایش نمود، ای کسی که برتر آمد بر آسمانها نورش، و بر زمین تابشش، و بر شرق و غرب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 963

رحمتش، ای پنهان بخشش، از تو می‌خواهم به حق علی بن موسی الرضا (درود خدا بر او و ایشان)، و او را پیش می‌اندازم پیشاپیش خواسته‌هایم اینکه درود فرستی بر محمد و خاندان محمد و با من چنین و چنان کنی. ساعت نهم: از هنگام نماز عصر است تا دو ساعت پس از آن که به حضرت جواد علیه السلام منسوب است: ای که ناچاران او را خواندند، پس ایشان را اجابات کرد، و به او پناه بردند هراسندگان، پس آنان را ایمنی داد، و فرمانبرداران او را عبادت کردند، پس از آنان قدردانی نمود، و مؤمنان او را سپاس گزاردند، پس به آنان عطا کرد، و از او اطاعت کردند، نگاهشان داشت، و از او خواستند، به آنان بخشید، و نعمتش را فراموش کردند، پس بیرون نکرد سپاسش را از قلوبشان، و بر آنان منت نهاد پس نامش را نزد آنان فراموش شده نساخت، از تو می‌خواهم به حق محمد بن علی (درود خدا بر او و ایشان) حجت رسایت، و نعمت کاملت، و راهروشت، و او را پیش می‌اندازم پیشاپیش خواسته‌هایم اینکه بر محمد و خاندان

محمد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی. ساعت دهم: دو ساعت پس از هنگام نماز عصر، تا پیش از زرد شدن خورشید است که به حضرت هادی علیه السلام منسوب است: ای که فراز آمد و بزرگ گشت، و چهره گشت و بزرگمنش شد، و بزرگمنش شد و چهره گشت، ای که عزیز شد و بزرگی گرفت، ای که سایه را بر بندگان گستراند، ای که منت نهاد بر بندگان با احسان، ای عزیز صاحب انتقام، ای انتقام گیرنده عزتش از اهل شرك، از تو می خواهم به حقّ علی بن محمد (درود خدا بر او و ایشان) و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و با من چنین و چنان کنی.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 964

ساعت یازدهم: پیش از زرد شدن خورشید تا زرد شدن آن است که به حضرت عسکری علیه السلام منسوب است: یا اول بی آغاز، و ای آخر بی پایان، ای پاینده ای که برای دیرپنگی اش نهایتی نیست، ای عزیزی که برای عزتش گسستی نیست، ای چهره ای که سلطنتش بدون ضعف است، ای کریم به دوم نعمتش، ای جبار و عزّت بخش اولیایش، ای آگاه به دانایی اش، ای دانا به توانایی اش، ای توانا به ذاتش، از تو می خواهم به حق حسن بن علی (درود خدا بر او و ایشان) و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و با من چنین و چنان کنی. ساعت دوازدهم: از زرد شدن خورشید است تا غروب آن، که به امام عصر علیه السلام منسوب است: ای که به حقیقتش از بندگان یگانه و ممتاز مانده، ای آن که به کارش، از آفریدگانش بی نیاز گشته، ای آن که حقیقتش را به لطفش بر بندگان شناسانده، ای آن که اهل طاعتش را به خشنودی اش کشانده، ای آن که اهل محبتش را بر سپاسگزاری یاری داده، ای آن که با دینش بر آنان منت نهاد، و به هدیه اش بر اینان لطف نموده، از تو می خواهم به حق جانشین شایسته بر تو، و به وسیله او به درگاهت زاری می نمایم، و او را پیش می اندازم پیشاپیش خواسته هایم اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست آن صاحبان فرمی، که فرمان دادی به طاعتشان، و بستگانی که به پیوند با آنان فرمان راندی، خویشاوندانی که امر نمودی به دوستی شان، و سرپرستانی که به شناسایی حقشان فرمان دادی، و اهل بیتی که از آنان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 965

پلیید را بردی و پاکشان نمودی پاک کردن کامل و شایسته، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با من چنین و چنان کنی. علامه مجلسی در «مقباس المصابیح» فرموده: به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت شده:

حق تعالی در سه ساعت شب، و سه ساعت روز، خود را به مجد و بزرگواری یاد می کند. سه ساعت روز از وقت بالا آمدن خورشید تا آغاز ظهر است، و سه ساعت شب ثلث آخر شب تا صبح است، پس هر بنده من این تمجید را بخواند، و دلش با خدا باشد، البته حق تعالی حاجت او را برآورد، و اگر شقی بدعاقبت باشد، امیدوارم سعادتمند و نیکو عاقبت گردد. مؤلف گوید:

اگر در این ساعتهای روز و شب این دعا را بخواند مناسب تر خواهد بود: تویی خدا، معبودی جز تو نیست، پروردگار جهانیان تویی خدا معبودی جز تو نیست بخشنده مهربان، تویی خدا معبودی جز تو نیست والای بزرگ، تویی خدا معبودی جز تو نیست پادشاه روز جزا، تویی خدا معبودی جز تو نیست آمرزنده و مهربان، تویی خدا معبودی جز تو نیست عزیز و حکیم، تویی خدا معبودی جز تو نیست هرچیز از تو آغاز شد، و به تو باز می گردد، تویی خدا که معبودی جز تو نیست، همیشه بودی و خواهی بود، تویی خدا معبودی جز تو نیست آفریننده نیکی و بدی، تویی خدا، معبودی جز تو نیست، پدیدآورنده بهشت و دوزخ، تویی خدا، معبودی جز تو نیست یگانه، بی نیاز، نزاده، و زاده نشده، و هیچ کس همتای او نبود، تویی خدا، معبودی جز تو نیست، فرمانروای بس مقدس، سلام مؤمن، چیره، عزیز، جبار، بزرگمنش، منزّه است خدا از آنچه بر او شرك می آورند، تویی خدای آفرینشگر، آفریننده صورت بخش، نامهای برتر برای توست،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 966

آنچه در آسمانها و زمین است برای تو تسبیح می گویند، و تو عزیز و حکیمی، تویی خدا معبودی جز تو نیست بزرگ و والاتر، و کبریایی تنها ردای توست. ابن بابویه به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هر بنده ای هر روز هفت مرتبه بگوید: از خداوند بهشت را می خواهم و به خدا از دوزخ پناه می برم دوزخ می گوید: خدایا او را از من پناه ده. و به سند معتبری دیگری از آن حضرت روایت کرده: اگر مؤمنی در يك روز چهل گناه کبیره دچار شود، آنگاه از روی ندامت و پشیمانی، این استغفار را بخواند، خدا گناهان او را بیامرزد: آمرزش می طلبم از خدا که معبودی جز او نیست، زنده و پاینده است، آفریننده آسمانها و زمین می باشد، صاحب بزرگی و اکرام است، و از او می خواهم که توبه ام با پذیرد. و نیز به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده: هر که هر روز هفت مرتبه بگوید:

ستایش خدای را بر هر نعمتی که بوده یا خواهد بود ادای شکر نعمتهای گذشته و آینده را کرده است.

و نیز به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده: هرکه هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید:

خداوندا، بیامرز مردان و زنان با ایمان و مسلمان را حق تعالی به عدد هر مؤمن که که از دنیا رفته، و هر مؤمن که تا روز قیامت بیاید، در نامه عمل او حسنه می نویسد، و به آن عدد گناهان او را محو کند، و درجه ای در بهشت برای او بلند گرداند. و همچنین به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده: هرکه هر روز صد مرتبه بگوید:

لا حول و لا قوّة الا بالله حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور می گرداند، که کمترین آنها اندوه شدید و غم باشد، و در روایت دیگر، هرگز پریشان نشود. کلینی و شیخ طبرسی و دیگران به سندهای حسن و معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند: حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر روز هفتاد مرتبه می گفت: استغفر الله و هفتاد مرتبه اتوبو الى الله در کتاب کشف و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 967

الغَمّه و امالی شیخ طوسی، به سند معتبر روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه هر روز صد مرتبه بگوید: لا اله الا الله الملك الحق المبين از فقر و وحشت قبر امان یابد، و توانگی به او روی آورد، و درهای بهشت به رویش گشوده شود. و در کتاب «امالی» لا اله الا الله الملك الحق المبين آمده است، و در کتاب ثواب الاعمال و محاسن برقی بجای صد مرتبه، سی مرتبه روایت کرده اند. قطب راوندی در کتاب «دعوات» خود از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه بخواند او را پیش از مجاهدان در ملاء اعلی ثنا گویند، هر روز این دعا را بخواند، اگر حاجتی داشته باشد برآورده شود و اگر دشمنی داشته باشد بر او چیره گردد، اگر قرضی داشته باشد ادا گردد، اگر اندوه سخت و غمی داشته باشد برطرف می شود، و این دعا از هفت آسمان بالا رود، تا در لوح محفوظ برای او نوشته شود، دعا این است:

منّزه است خدا، چنان که سزاوار خداست، و ستایش برای خداست، چنان که سزاوار خداست، و معبودی جز خدا نیست، چنان که سزاوار خداست و خدا بزرگتر است، چنان که سزاوار خداست، و جنبش و نیروی نیست مگر به خدا، و درود خدا بر محمد پیامبر و بر اهل بیتش و همه رسولان و پیامبران، تا جایی که خدا خشنود شود.

به سند معتبر از امام رضا علیه السلام روایت شده: شخصی از اصحاب رسول خدا نامه ای را یافت، آن نامه را خدمت آن حضرت آورد، حضرت ندا کردند، که همه اصحاب حاضر شوند، بعد بر منبر آمد و فرمود: این نامه ای است که یوشع بن نون وصی موسی علیه السلام نوشته است، و مضمون نامه این بو: بسم الله الرحمن الرحيم به درستی که پروردگار شما با

شما دوست و مهربان است، به درستی که بهترین بندگان باتقوا گمنام اند، و بدترین خلق کسی است، که به ریاست باطل انگشت‌نمای مردم باشد، پس کسی که می‌خواهد به او ثواب کامل داده شود، و شکر نعمتهای خدا را کرده باشد، هر روز این دعا را بخواند:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، منزّه است خدا چنان که سزاوار خدا است، و ستایش خدای را چنان که سزاوار خدا است، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 968

و نیست معبودی جز خدا چنان که سزاوار خدا است، و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا، و درود خدا بر محمد و اهل بیتش پیامبر امّی و بر تمام رسولان و پیامبران، تا خدا خشنود گردد.

در کتاب «بلد الامین» از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده: هرکه هر روز ده مرتبه بگوید: بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم از گناهان بیرون آید، مانند روزی که از مادر متولد شده، و خدا از او هفتاد نوع بلا را دفع کند، که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی و فلج باشد، و حق تعالی هفتاد هزار فرشته بگمارد که برای او استغفار نمایند.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرکه هر روز صد بار بگوید: لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم تنگدستی و فقر او را درنیابد، و هرکه هر روز صد بار بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر حق تعالی بدنش را بر آتش دوزخ حرام گرداند. در کتاب «بلد الامین» از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده: هرکه هر روز ده بار این دعا را بخواند، حق تعالی چهار هزار گناه کبیره او را بیامزد، و وی را از سکر و مرگ و فشار قبر، و صد هزار هراس قیامت نجات دهد، و از شرّ شیطان و سپاهیان او محفوظ گردد، و قرضش ادا شود، و اندوه و غمش برطرف گردد، دعا این است:

مهیا کردم برای هر هراسی «لا اله الا الله» را و برای هر اندوه و غمی، «ما شاء الله» را، و برای هر نعمتی «الحمد لله»، و برای هر راحتی «الشکر لله»، و برای هر شگفتی «سبحان الله»، و برای هر گناهی «استغفر لله» و برای هر مصیبت «انا لله و انا الیه راجعون» را، و برای هر تنگی «حسبی الله» و برای هر قضا و قدر «توکلّ علی الله» را، و برای هر دشمن «اعتصمت بالله» را و برای هر طاعت و معصیت «لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم» را.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 969

کلینی و ابن بابویه و برقی رحمه الله علیهم به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: هرکه هر روز ده باره این دعا را بخواند، حق تعالی چهل و پنج هزار حسنه برای او بنویسد، و چهل و پنج هزار گناه را از او محو کند، و چهل و پنج هزار درجه در بهشت برای او بلند نماید، و برای او حرزی [محافظ و نگهدارنده] باشد از شرّ شیطان و ظالمان، و او را گناه کبیره متصرف نشده و احاطه‌اش نکند.

و به روایت دیگر: چنان باشد که قرآن را دوازده بار ختم کرده باشد، و خدا در بهشت خانه‌ای برای او بنا کند. و در روایت ابن بابویه «ده بار» ذکر نشده است، دعا این است:

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست یگانه و بی‌شریک است، معبود، یکتا یگانه بی‌نیاز همسر و فرزندی نگرفته است در کتابهای «ثواب الاعمال» و «محاسن» و «کافی» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند:

حضرت رسول الله علیه و آله فرمود: هرکه هر روز پانزده مرتبه بگوید:

معبودی جز خدا نیست به راست به راتس، معبودی جز خدا نیست می‌گویم از روز ایمان و باور معبودی جز خدا نیست، می‌گویم از روی بندگی و معبودیت حق تعالی روی رحمت خود را از و نگرداند، تا وارد بهشتش کند. در «محاسن» از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده: هرکه هر روز صد بار «سبحان الله» بگوید، از قربانی کردن صد شتر برای کعبه بهتر است، و هرکه صد بار الحمد لله بگوید، از آزاد کردن صد بنده بهتر است، و هرکه هصد بار «الله اکبر» بگوید از این که صد اسب با زین و لگام در را خدا بفرستد بهتر است، و هرکه صد بار «لا اله الا الله» بگوید، کسی عملش از او نیکوتر نباشد، مگر آنکه بیشتر بگوید. قطب راوندی روایت کرده: در بنی اسرائیل عابدی بود، که سالها به عبادت حق پرداخته بود، روزی به حضرت حق عرضه داشت: می‌خواهم حال خود را نزد تو بدانم، اگر اعمال مرا پسندیده باشی، از این اعمال بسیار انجام دهم، وگرنه پیش از مرگ توبه کنم، خدا فرشته‌ای با این پیام نزد او فرستاد: که برای تو نزد خدا هیچ عمل خیری نیست! پرسید پروردگارا عبادت‌های من چه شد؟ فرشته گفت: هر کار خیری انجام می‌دادی، مردم را خبر می‌کردی، که تو را نیک بدانند، و به نیکی یاد کنند، اکنون ثواب تو همان است، که خود بر عمل خود خشنود شدی، این سخن بر عابد بسیار گران آمد، و اندوهگین و نالان شد، بار

دیگر فرشته آمد و گفت: حق تعالی می‌فرماید: اکنون خود را از من بخر، و پس از این هر روز به عدد هر رگی از رگهای بدن خود تصدق بده، گفت: چگونه می‌توانم چنین کاری انجام دهم؟ پاسخ داد: هر روز سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدنت بگو:

سبحان الله، و الحمد لله، و لا اله الا الله، و الله اكبر، و لا حول و لا قوة الا بالله

عرضه داشت: پروردگارا بیشتر بفرما، فرمود: اگر بیشتر بگویی ثواب بیشتر دارد. کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز به عدد رگهای بدن سیصد و شصت بار می‌گفت:

الحمد لله رب العالمين كثيرا على كل حال

به روایت دیگر از آن حضرت نقل شده: هرکه در دو ماه پیاپی، هر روز چهارصد بار این دعا را بخواند، خدا به او دانش بسیاری یا دارایی فراوان کرامت فرماید، و دعا این است: آمرزش می‌جویم از خدا که معبودی جز او نیست، زنده و پاینده، بخشنده و مهربان، پدیدآورنده آسمانها و زمین، از همه ستم و گناه و نافرمانی‌ام از خدا و به سوی او باز می‌گردم. شیخ طوسی و دیگران روایت کرده‌اند که مستحب است مؤمن هر روز این دعا را بخواند:

خدایا از تو می‌خواهم به نور تابناک جلوه زنده پاینده کریمات، و از تو می‌خواهم به نور جلوه بسیار مقدّست که آسمانها به آن تابان شد، و تاریکی‌ها به آن برطرف گشت، و اصلاح شد به آن امر پیشینیان و پسینیان، اینکه بر محمد و خاندانش درود فرستی، و همه کارهایم را اصلاح نمایی.

کفعمی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: هرکه هر روز این دعا را بخواند حق تعالی امور دنیا و آخرت او را کفایت کند.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 971

به نام خدا، خدا مرا بس است، توکل کردم بر خدا، خدایا خیر همه امورم را از تو می‌خواهم، و به تو پناه می‌برم از رسوایی دنیا و عذاب آخرت. و نیز روایت کرده: هرکه هر روز این دعا را هفت بار بخواند، امور دنیا و آخرت او کفایت شود: خداوند بس است مرا پروردگارم خداست، معبودی جز خدا نیست بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. و نیز روایت کرده: هرکه در طول يك سال، هر روز يك بار این دعا را بخواند، تا جای خدا را در بهشت نبیند نمیرد: منزّه است پاینده پا برجا، منزّه است پا برجای پاینده، منزّه است یگانه یکتا، منزّه است بی‌همتای بی‌نیاز، منزّه است زنده به

خود پاینده، منزّه است خدا، و به ستایش می ستایمش، منزّه است زنده‌ای که هرگز نمی میرد، منزّه است فرمانروای بسیار مقلّس، منزّه است پروردگار فرشتگان و روح، منزّه است والای برت، منزّه است او و بالاست.

باب دوم

در بیان نمازهای مستحب که در «مفاتیح» ذکر آنها نیامده

نماز اعرابی: سید ابن طاووس در کتاب جمال الأسبوع از شیخ تلعبری نقل کرده: او به سند خود از زید بن ثابت روایت کرده: مردی از بادیه‌نشینان خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاد و گفت: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا، ما در بادیه هستیم، و از مدینه بسیار دوریم، و نمی‌توانیم هر جمعه به نماز جمعه حاضر شویم، مرا به عملی دلالت کن، که چون بجا آورم، فضیلت نماز جمعه را دریابم، و پس از بازگشت به اهل و قبیله خود به ایشان بیاموزم حضرت فرمود: چون روز برآید، دو رکعت نماز بخوان، در رکعت اول پس از سوره «حمد» هفت مرتبه سوره «فلق»، و در رکعت دوم بعد از سوره حمد هفت مرتبه سوره ناس، پس از سلام هفت مرتبه ایه الکرسی بخوان، سپس برخیز، و هشت رکعت دیگر به دو سلام بخوان، به این طریق که پس از هر دو رکعت بنشین و تشهد بگو، ولی سلام تشهد را نخوان، که می‌شود چهار رکعت،

ترجمه مفاتيح الجنان، ص: 972

آن‌گاه چهار رکعت دیگر به همین صورت بجا آر، در این هشت رکعت در هر رکعتی سوره حمد يك مرتبه و سوره اذا جاء نصر الله يك مرتبه و سوره قل هو الله احد بیست و پنج مرتبه بخوان و چون از تشهد و سلام رکعت هشتم فارغ شدی این دعا را هفت بار بخوان:

ای زنده، ای پاینده، ای صاحب شکوه و بزرگی، ای معبود پیشینیان و پسینیان، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای بخشنده دنیا و آخرت و مهربان هر دو جهان، ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار ای پروردگار، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا بیارمز.

سپس حاجت خود را ذکر کن، و هفتاد مرتبه بگو: و جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ، و منزّه است خدا پروردگار عرش بزرگ.

آنگاه حضرت فرمود: به حق آن خدایی که مرا به راستی فرستاده سوگند، هر مرد و زن مؤمنی که این نماز را در روز جمعه بخواند من بهشت را برای او ضمانت می‌کنم، و از جایش برنخیزد، تا گناهانش و گناهان پدر و مادرش آمرزیده شود، و حق تعالی به او ثواب هرکه را در این روز در شهرهای مسلمانان نماز خوانده باشد عطا می‌فرماید، و برای او پاداش کسی را که در این روز در مشرق و مغرب عالم روزه گرفته باشد و نماز خوانده باشد می‌نویسد. و به او ببخشد آنچه را که هیچ چشمی ندیده، و هیچ گوشی نشنیده.

مؤلف گوید: شیخ طوسی هم در کتاب «مصباح» این نماز را نقل کرده، ولی در روایت ایشان دعای پس از نماز نیامده است، بلکه به جای آن فرموده است: چون از نماز فارغ شدید، هفتاد مرتبه بگو:

منزه است خداوند، پروردگار عرش کریم، و جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ

نماز هدیه: از معصومان علیهم السّلام روایت شده: عبد در روز جمعه هشت رکعت نماز بجا آورد و در پایان هر دو رکعت سلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 973

بگوید: چهار رکعت آن را هدیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت دیگر را هدیه حضرت زهرا علیها السّلام نماید، و در روز شنبه چهار رکعت بخواند و هدیه امیر مؤمنان علیه السّلام کند، و همچنین هر روز چهار رکعت بجا آورد و هدیه امامی نماید به ترتیب آن حضرات، تا روز پنجشنبه که چهار رکعت بخواند و هدیه حضرت صادق علیه السّلام کند، باز در روز جمعه هشت رکعت بجا آورد، چهار رکعت هدیه به رسول خدا، و چهار رکعت هدیه به حضرت زهرا علیها السّلام نماید، و در روز شنبه چهار رکعت هدیه به موسی بن جعفر علیها السّلام، و همچنین هر روز چهار رکعت بخواند و هدیه امامی کند به ترتیب آن حضرات، تا روز پنجشنبه که چهار رکعت بجا آورد، و هدیه به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) نماید، و بین هر دو رکعت از این نمازها این دعا را بخواند:

خدایا توی سلام، و از توست سلام، و به سوی تو باز می‌گردد سلام، از جانب خود پروردگارا به ماتحتت فرست به سلام.

خدایا این رکعات هدیه‌اس است از ما به سوی ولیّات. پس بر محمد و خاندانش درود فرست.

و این هدیه را به او برسان، و به من عطا کن بخت‌ترین آرزو و امیدم را درباره خود و رسالت درودت بر او و خاندانش. پس هر دعایی را که می‌خواهد بخواند و بجای «فلان» نام آن امی که نماز را برای او خوانده بگوید.

نماز لیلة الدفن: دو رکعت است، در رکعت اول سوره «حمد» و آیه الکرسی، و در رکعت دوم سوره حمد و ده مرتبه سوره قدر بخواند، چون سلام داد بگوید: خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ثواب آن را به قبر فلان بفرست. و به جای فلان نام میت را ذکر کند.

نماز میت دیگر: همچنین سید ابن طاووس، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده: ساعتی بر میت سخت‌تر از شب اول قبر نمی‌گذرد، بنابر این با درگذشتگان خود به صدقه رحم کنید، و اگر چیزی که صدقه بدهی نیافتی، یکی از شما دو رکعت نماز بخواند، در رکعت اول، پس از سوره حمد، دو مرتبه سوره توحید و دو رکعت دوم بعد از سوره حمد، ده مرتبه الهیکم التکاثر را خوانده و بعد از سلام بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 974

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ثواب آن را به قبر فلان میت برسان

حق تعالی همان ساعت هزار فرشته به سوی قبر آن میت فرستد که با هر فرشته جامه‌ای و حله‌ای است، و تنگی قبر او را تا روز نفخ صور وسعت دهد، و به نمازگزار به عدد آنچه آفتاب بر آن بتابد حسنات عطا کند، و چهل درجه برای او بالا برده می‌شود. مؤلف گوید: کفعمی هم این نماز را با همین کیفیت نقل کرده، و پس از آن فرموده: در بعضی از کتب دیدم که در رکعت اول پس از سوره «حمد» يك مرتبه آیه الکرسی و دو مرتبه «توحید» را بخواند، و علامه مجلسی در «زاد المعاد» فرموده: باید مردگان را فراموش نکنند، زیرا دستشان از اعمال خیر کوتاه شده، و به فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند، و به احسان آنان چشم به راهند، به خصوص دعای در نماز شب، و پس از نمازهای واجب. و نیز باید در مشاهد مشرفه پدر و مادر را زیادت‌تر از دیگران دعا کرد، و برای ایشان اعمال خیری بجای آورد. در خبر آمده: بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاقّ آنان است، و پس از مرگ آنها به سبب اعمال خیری که برای ایشان انجام می‌دهد نیکوکار به آنها به حساب آید و از عاقّی رهایی یابد، و بسا فرزندی که در حیات پدر و مادر نیکوکار به آنها باشد، و بعد از فوت آنان عاقّ گردد و به خاطر اعمال خیری که باید برای آنان انجام دهد، ولی کم انجام می‌دهد، و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان، ادای قرضهای آنان، و آزاد نمودن آنها از حقوق خدا و خلق است، و نیز سعی شود حجّ و عباداتی که از آنان فوت شده به صورت گرفتن احیر یا رایگان بجا آورد. در حدیث صحیح نقل

شده: حضرت صادق علیه السلام هر شب برای فرزند خود، و هر روز برای پدر و مادر خود، دو رکعت نماز به جا می‌آوردند، در رکعت اول سوره «اَنَا اَنْزَلْنَاهُ» و در رکعت دوم سوره **اَنَا اَعْطٰنَاكَ الْكُوْثَرَ** قرائت می‌کردند. به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: بسا باشد، که میت در تنگی و سختی است، و حق تعالی به او وسعت می‌دهد، و تنگی را از او برمی‌دارد، پس به او می‌گویند: این گشایش که برای تو حاصل شد، به سبب نمازی است که فلان برادر مؤمن برای تو خواند. راوی پرسید: می‌توانم دو میت را در دو رکعت نماز شریک کنم؟ فرمود:

آری میت شاد می‌شود، و گشایش می‌یابد به دعا و استغفاری که برای او انجام می‌دهند، چنان‌که زنده به خاطر هدیه‌ای که برای او می‌برند شاد می‌شود، و نیز فرمود: نماز و روزه و حج و تصدق و سایر اعمال خیر و دعا، بر میت در قبرش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 975

وارد می‌شود، و ثواب آن اعمال برای هر دو یعنی: کسی که انجام داده، و نیز برای مرده نوشته می‌شود. در حدیث دیگری فرمود: هرکه از مسلمانان، برای میتی عمل صالح انجام دهد، خدا ثواب آن را دوچندان نماید، و میت به آن عمل بهره‌مند گردد.

در روایتی وارد شده: هرگاه شخصی به نیت میتی صدقه‌ای بدهد حق تعالی به جبرئیل امر می‌کند تا با هفتاد هزار فرشته نزد قبر او بروند هر يك با طبقی از نعمتهای الهی در دست و يك به يك به او می‌گویند: سلام بر تو ای دوست خدا، این هدیه فلان مؤمن برای توست، پس قبر او روشن می‌شود، و حق تعالی هزار شهر در بهشت، به او کرامت می‌کند، و هزار حوری با او تزویج می‌نماید، و هزار لباس فاخر به او می‌پوشانند، و هزار خواسته او را روا می‌کند.

نماز فرزند برای پدر و مادر: دو رکعت است: در رکعت اول سوره حمد و ده مرتبه:

پروردگارا مرا و پدر و مادرم و همه اهل ایمان را روزی که حساب برپا می‌شود بیامرز و در رکعت دوم سوره حمد و ده مرتبه پروردگارا مرا و پدر و مادرم و هرکه وارد خانه‌ام شد و مردان مؤمن و زنان مؤمن را بیامرز خوانده و پس از سلام ده مرتبه بگوید: پروردگارا به پدر و مادرم رحم کن، چنان‌که مرا در کودکی پروریدند نماز گرسنه: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرکه گرسنه باشد وضو بگیرد، و دو رکعت نماز گذارد، و بگوید: ای پروردگارم، من گرسنه هستم طعامم بده

و در روایت دیگری آمده است: پروردگارا خوراکم ده من گرسنه به درستی که خدا او را در آن ساعت طعام دهد.

نماز حدیث نفس: [وسوسه‌های نفسانی در مورد عقاید دینی]: از امام صادق علیه السلام روایت شده: هیچ مؤمنی نیست که بر او چهل روز بگذرد، مگر این که حدیث نفس عارض او گردد. هرگاه دچار این عارضه شد، دو رکعت نماز بخواند، و از آن به خدا پناه برد، و نیز از آن حضرت روایت شده: حضرت آدم به خدا، از حدیث نفس شکایت کرد، جبرئیل نازل شد و گفت بگو:

جنبش و نیروی نیست مگر به خدای والای بزرگ آدم این ذکر را گفت و حدیث نفس از او برطرف شد، آنگاه حضرت فرمود، این است اصل لا حول

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 976

و لا قوّة الا بالله از حضر باقر علیه السلام روایت شده: مردی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، و به آن حضرت از وسوسه و حدیث نفس و قرضی که بر او گران آمده بود، و نیز از تهیدستی شکایت کرد، حضرت به او فرمود بگو:

توکل کردم بر زنده‌ای که نمی‌میرد، و ستایش خدای را که فرزندی نگرفته، و در فرمانروایی شرکی برایش نبوده است، و برای او سرپرستی نیست از روی خواری، و او را بزرگ شمار بزرگ‌شمردنی شایسته. سپس فرمود: این دعا را به کرات بگو، چندی نگذشت که آن مرد خدمت حضرت آمد و گفت: یا رسول الله خدا وسوسه مرا از بین برد، و قرضم را ادا کرد، و از تهیدستی به توانگری رساند. و همچنین روایت شده: هنگامی که در سینه‌ات شکی پیدا شد، برای دفع وسوسه شیطان بگو:

اوست آغاز و انجام و پیدا و پنهان، و به هرچیز داناست و نیز از حضرت صادق علیه السلام برای دفع وسوسه شیطان روایت شده: بر سینه خود دست بکش و بگو: بنام خدا، و به خدا، محمد (ص) رسول خداست، و جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ، خدایا آنچه را از آن میترسم از من پاک گردان پس بر شکم خود دست می‌کشی، و سه مرتبه می‌گویی، که ان شاء الله برطرف خواهد شد. و همچنین برای دفع وسوسه این امور سودمند است: شستن سر با سدر، و مسواک کردن، و انار خوردن، و آب نیسان آشامیدن، و پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان هر ماه روزه گرفتن، و نیز گفتن: پناه می‌برم به خدای نیرومند، از شیطان گمراه، و پناه می‌برم به محمد پسندیده از شر آنچه مقدر شده، و قضا بر آن رفته، و پناه می‌برم به معبود آدمیان از شر همه جن و انس. نماز استخاره ذات الرقاع: کیفیتش چنین است که هرگاه کاری را اراده کردی، شش ورقه آماده کن، در سه ورقه بنویس: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، خیرخواهی است از خداوند عزیز حکیم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 977

فلان فرزند فلان، انجام بده و در سه ورقه دیگر بنویس انجام نده سپس آنها رزیر جانماز خود می گذاری، و دو رکعت نماز به جا می آوری، چون از نماز فراغت یافتی، سجده می کنی، و در سجده صد بار می گویی:

خیر می خواهم از خداوند به رحمتش، خیرخواهی در عافیت آنگاه می نشینی و می گویی:، خداوند ابراهیم خیر بخواه، و در همه امورم، در آسانی و عافیت از جانب خود خیر برگزین سپس ورقه های زیر جانماز را با هم مخلوط می کنی، و یکی یکی بیرون می آوری، هرگاه سه افعَل دنبال هم بیرون آمد، آن کار را که اراده کرده ای به جای می آوری، و اگر سه لا تفعل بیرون آمد به جا نیامد، و اگر یکی افعَل بیرون آمد، و دیگر لا تفعل، تا پنج ورقه بیرون بیاور و به آن دقت کن، اگر سه افعَل است و دو لا تفعل بجا آورد، و اگر برعکس است انجام نده. مؤلف گوید: معنی استخاره، طلب خیر کردن است، پس هرکاری که می خواهی انجام دهی، خیر خود را از حق تعالی طلب کن. روایت شده: در سجده آخر نماز شب طلب خیر کن، و صدو يك مرتبه بگو: استخیر الله برحمته و نیز طلب خیر در سجده آخر نافله صبح خوب است. و همچنین در هر رکعت از نافله های ظهر استخاره نیکوست. علامه مجلسی از پدر بزرگوارش نقل کرده، آن جناب از استادش شیخ بهایی روایت نموده که شیخ فرمود: از مشایخ شنیدم که از حضرت قائم عجل الله فرجه، در استخاره با تسبیح مذاکره می کردند: به این که شخص تسبیح را به دست گیرد، و سه مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین صلوات فرستد، و يك قبضه از تسبیح را بگیرد، و دوتا دوتا بشمارد، اگر یکی باقی ماند، کار را انجام دهد، و اگر دوتا بجای ماند انجام ندهد. شیخ فقیه بزرگوار صاحب «جواهر» در کتاب «جواهر» فرموده: استخاره ای است، که پیش بعضی از اهل زمان رایج است، و بسا به مولای ما حضرت قائم عجل الله فرج نسبت داده می شود، و آن به این صورت است، که پس از قرائت و دعا، يك قبضه از تسبیح را بگیرد، و هشت هشت رد کند، اگر يك دانه باقی ماند، فی الجمله نیک است. اگر دو تا باقی ماند، دارای يك نهی است، و اگر سه عدد باقی ماند در انجام و ترك اختیار دارد، زیرا انجام و ترك کار مساوی است، و اگر چهار دانه باقی ماند دارای دو نهی است، و اگر پنج عدد باقی ماند بعضی گفته اند: زحمت و رنج دارد، و بعضی گفته اند: در آن کار ملامت است، و اگر شش دانه باقی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 978

ماند، در نهایت خوبی است، و باید نسبت به انجام کار شتاب ورزید، و اگر هفت عدد باقی ماند، در حکم مانند عدد پنج است، و اگر هشت دانه باقی ماند، در آن چهار نهی است. ما در باب ششم، بعضی از استخاره ها را ذکر خواهیم کرد.

مرحوم محدث کاشانی در کتاب «تقویم المحسنین» برای استخاره به قرآن مجید، در ایام هفته ساعتی را نقل کرده و گفته است: اختیار این ساعات، بنا بر مشهور بین اهل ایمان است، اگرچه حدیثی از اهل بیت بر آن یافت نشده است سپس فرمود: روز يكشنبه: تا ظهر خوب است، آنگاه از عصر تا مغرب. روز دوشنبه: تا طلوع آفتاب خوب است، آنگاه از زمان نهار تا ظهر و سپس از عصر تا عشاء آخر. روز سه‌شنبه از وقت نهار تا ظهر خوب است، آنگاه از عصر تا عشاء آخر. روز چهارشنبه تا ظهر خوب است، آنگاه از عصر تا عشاء آخر. روز پنجشنبه تا طلوع آفتاب خوب است، آنگاه از ظهر تا عشاء آخر. روز جمعه تا طلوع آفتاب خوب است، آنگاه از ظهر شرعی تا عصر. روز شنبه تا وقت نهار خوب است، آنگاه از ظهر شرعی تا عصر. این جدول برگرفته از مدخل [مقدمه] منظوم محقق طوسی طاب ثراه است.

ذکر نماز برای ادای قرض، و کفایت ستم سلطان: شیخ طوسی روایت کرده: مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و گفت: ای آقای من به تو شکایت می‌کنم، از قرضی که مرا فرا گرفته، و از پادشاهی که به من ستم می‌کند. می‌خواهم به من دعایی تعلیم دهی که به وسیله آن غنیمتی تحصیل کنم، تا قرضم را ادا کرده، و ستم پادشاه را از خود بازدارم. حضرت فرمود:

هرگاه تاریکی شب تو را فراگرفت دو رکعت نماز بخوان، در رکعت اول سوره «حمد» و «ایة الکرسی»، و در رکعت دوم سوره حمد و آخر سوره «حشر» از لو انزلنا هذا القرآن تا پایان سوره را قرائت کن، سپس قرآن مجید را بردار و بر سر خود بگذار و بگو:

به حق این قرآن، و به حق کسی که او را فرستادی با آن، و به حق هر مؤمنی که در قرآن مدح کردی، و به حقّت بر آنان، پس کسی شناساتر به حق تو از تو نیست، آنگاه هر يك از این اذکار را ده مرتبه بگو:

بک یا الله یا محمد، یا علی، یا فاطمه، یا حسن، یا حسین، یا علی بن الحسین، یا محمد بن

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 979

علی، یا جعفر بن محمد، یا موسی بن جعفر، یا علی بن موسی، یا محمد بن علی، یا علی بن محمد، یا حسن بن علی، بالحجة. سپس حاجت خود را بطلب، راوی گفت: آن مرد رفت، و پس از مدّتی بازگشت، درحالی که قرضش را ادا نموده، و از ستم پادشاه امان یافته، و دارایی‌اش فراوان شده بود.

مؤلف گوید: ظاهر این است که این عمل، پس از نماز بجا آورده می‌شود.

نماز حاجت: از کتاب «دعوات» راوندی نقل شده: حضرت سجّاد علیه السّلام به مردی رسیدند که در خانه مرد دیگری نشسته بود، به او فرمود: برای چه در خانه این ستمکار جبار نشسته‌ای؟ گفت: به جهت محنت و شدّت که بر من عارض شده، فرمود: برخیز تا من تو را به دری راهنمایی کنم که بهتر از در اوست، و به جانب ری که برای تو از او نیکوتر است، پس دست او را گرفت، و تا مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و فرمود: رو به قبله آر، و دو رکعت نماز بخوان، آنگاه خدا را ثنا بگو، و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله صلوات فرست، و آخر سوره «حشر»، و شش آیه اول سوره حدید، و دو آیه‌ای که در سوره «آل عمران» است بخوان، سپس حاجت خود را از خدا بخواه، که به تو عطا می‌فرماید. جناب راوندی فرموده: شاید دو آیده، آیه «**قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ**» باشد تا **بغیر حساب** [سوره آل عمران، آیات 26-27]. علامه مجلسی فرموده است: شاید آیه قل اللهم باشد و آیه شهد الله انه [سوره آل عمران، آیه 18]. از حضرت امیر مؤمنان علیه السّلام روایت شده: هرگاه یکی از شما رفع حاجتی را قصد کند، صبح پنجشنبه در طلب آن بیرون رود، و هنگامی که از منزل بیرون می‌رود آخر سوره ال عمران، و ایه الكرسي، و سوره انا انزلناه و سوره حمد را بخواند، زیرا رفع حوائج دنیا و آخر در اینهاست.

نماز برای مهمّات: چهار رکعت بجا می‌آوری، و قنوت و ارکان آن را به نیکی انجام می‌دهی، در رکعت اول پس از سوره حمد، هفت مرتبه و خداوند ما را بس است و چه خوب کارگشایی است و در رکعت دوم پس از سورّ حمد، هفت مرتبه آیه: آنچه خدا خواست شود هیچ نیروی جز به خداوند نیست اگر بینی که من در مال و فرزند از تو کمتر و در رکعت سوم پس از سوره حمد، هفت مرتبه:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 980

لا اله الا انت سبحانك انّی كنت من الظالمین. و در رکعت چهارم بعد از سوره حمد هفت مرتبه افوّض امری الى الله انّ الله بصیر بالعباد. سپس حاجت خود را بخواه.

نماز رفع عسرت و سختی: از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده: چون کاری بر تو دشوار شود، هنگام زوال دو رکعت نماز بگذار، در رکعت اول پس از سوره حمد **قل هو الله احد و انا فتحنا لك فتحا مبینا، و ينصرك الله نصرا عزيزا و** در رکعت دوم پس از سوره حمد **قل هو الله احد و** الم نشرح. بخوان، و این نماز به تجربه رسیده است.

نماز برای زیاد شدن روزی: روایت شده، مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله من صاحب عیالم و قرض دارم و حالم بس سخت است، به من دعایی تعلیم فرما، که بخوانم خدای عزّ و جلّ را، تا به من آنقدر

روزی کند، که قرضم را ادا کنم، و به آن بر عیال خود استعانت جویم. فرمود: ای بنده خدا وضو بگیر، وضوی کاملی بعد دو رکعت نماز بخوان، و رکوع و سجود آن را به طور کامل بجا آور، پس بگو:

ای بزرگوار، ای یگانه، ای کریم، به سوی تو رو می کنم به محمد پیامبرت، پیامبر رحمت (درود خدا بر او و خاندانش) ای محمد ای رسول خدا، به تو رو می کنم به سوی خدا، پروردگارم و پروردگارت، و پروردگار همه چیز، و از تو می خواهم خدایا، که بر محمد و اهل بیتش درود فرستی، و از تو می خواهم نسیم کریمانه ای از نسیمهایت، و گشایش آسان و رزق واسعی، که پراکندگی ام را با آن جمع کنم، و قرضم را بپردازم، و با آن بر عیالم یاری گیرم.

نماز دیگر برای زیاد شدن روزی: چون خواستی به محل کسب خود بروی، ابتدا به مسجد برو، و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بجا آور و بگو: صبح کردم به قدرت و نیروی خدا، و صبح کردم نه با جنبش و نیروی از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 981

پیش خودم، ولی به توان و نیروی تو ای پروردگارم، خدایا من بنده توام و چنان که فرمان دادی از فضل تو می جویم، پس آن را برام آسان فرما، و من تنها در سایه عافیت آسوده ام.

نماز دیگر: دو رکعت است که در رکعت اول بعد از سوره حمد سه مرتبه **اَنَا اعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ** و در رکعت دوم پس از سوره «حمد» سه مرتبه سوره «فلق» و سه مرتبه سوره «ناس» خوانده می شود.

نماز حاجت: به نقل از کتاب «مکارم»: زمانی که شب به نیمه رسید، غسل کن و دو رکعت نماز بجا آور، در رکعت اول پس از سوره حمد پانصد مرتبه سوره توحید و همچنین در رکعت دوم پس از سوره «حمد» پانصد مرتبه سوره توحید و آخر سوره حشر را از **لَوْ اَنْزَلْنَاهُ الْقُرْآنَ** ... تا آخر سوره، و شش آیه اول سوره حدید، و پس از آن به همان حال که ایستاده ای هزار مرتبه **اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَاَيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ** بگو، سپس نماز را به پایان برسان، و ثنای حق تعالی را بجای آور، اگر حاجتت برآورده شد که به مراد خود رسیده ای، و اگر به حاجت خود نرسیدی دوباره این نماز را بخوان، و اگر حاجتت برآورده نشد، بار سوم آن را بجا آر، ان شاء الله بر آورده می شود.

نماز دیگر: ثقة الاسلام کلینی در کتاب «کافی»، به سند معتبر از عبد الرحیم قصیر روایت کرده: بر حضرت امام صادق علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: فدایت شوم، از پیش خود دعایی اختراع کردم. فرمود: مرا از اختراع خود واگذار، هرگاه برایت حاجتی بود، به رسول خدا صلی الله و علیه و آله پناه ببر، و دو رکعت نماز بخوان، و آن را به حضرت رسول

صَلَّى اللّٰه و عَلَيْهِ و آلِه هَدِيه كن، عرضه داشتیم: این نماز را چگونه بجا آورم؟ فرمود: غسل می کنی، و دو رکعت نماز در آغاز و پایان، همانند نماز واجب صبح به جا می آوری، و پس از سلام می گویی:

خدایا تویی سلام، و از توست سلام، و به سوی تو سلام باز می گردد، خدایا بر مُحَمَّد و خاندان مُحَمَّد درود فرست، و از سوی من به روح مُحَمَّد سلام برسان، و سلام را نثار ارواح امامان راستگو فرما، و به من از سوی آنان سلام بازگردان، و سلام و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، خدایا این دو رکعت نماز هدیه ای است از

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 982

سوی من به رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش)، بر این دو رکعت پاداشم ده، آنچه آرزو کردم، و امید بستم درباره تو و رسالت ای سرپرست مؤمنان. آنگاه به سجده می روی، و چهل مرتبه می گویی:

یا حَیِّ یا قَیُّوْم، یا حَیَّ لا یَمُوت، یا حَیَّ لا اله الا انت، یا ذا الجلال و الاکرام، یا ارحم الراحمین. سپس جانب راست صورت خویش را بر زمین می گذاری، و همین دعا را چهل مرتبه می خوانی. آنگاه جانب چپ صورت خود را بر زمین می گذاری، و باز چهل مرتبه این دعا را قرائت می کنی، سپس سر از سجده بر می داری، و دست را به جانب آسمان برداشته چهل مرتبه می خوانی، پس از آن دستها را برگردن خود می گذاری، و به انگشت شهادت خویش پناه برده چهل مرتبه می خوانی، سپس محاسن خود را با دست چپ می گیری و گریه می کنی یا اظهار گریستن می نمایی، و می گویی: ای مُحَمَّد، ای رسول خدا، حاجتم را به جانب خدا و تو و خاندان ره یافته است، شکایت می کنم، و در حاجتم به وسیله شما به سوی خدا توجه می نمایم سپس به سجده می روی و می گویی: یا اللّٰه یا اللّٰه به اندازه ای که نفس قطع شود، آنگاه می گویی: صَلِّ عَلَی مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد و اَفْعَلْ بَیْ کَذَا و کَذَا و به جای کذا و کذا (با من چنین و چنان کن) حاجت خود را بخواه، پس از آن حضرت صادق علیه السّلام فرمود: من بر خدای عزّ و جلّ ضامنم، که از جای خود حرکت نمی کنی، مگر آن که حاجت تو برآورده شد. مؤلف گوید: در باب چهارم دعاهاى بسیارى برای رفع حوائج دنیا و آخرت ذکر خواهم کرد. شیخ کفعمی در کتاب بلد الأمین برای رفع حاجت بسیار مهمّ فرموده: این کلمات را در کاغذی بنویسد، و در کتاب بیندازد:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، از بنده خوار، به سوی مولای بزرگوار، پروردگارا به من بدحالی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 983

رسیده و تو مهربان‌ترین مهربانانی، به حق محمد و خاندانش، درود فرست بر محمد و خاندانش، و اندوه مرا برطرف کن و غم مرا بگشا، ای مهربان‌ترین مهربانان.

باز نماز حاجت: سید ابن طاووس در کتاب «مزار»، در باب اعمال مسجد کوفه، در ذیل اعمال محراب حضرت امیر مؤمنان علیه السلام فرموده: ذکر نماز حاجتی که در خصوص این مکان باید انجام داد، و آن چهار رکعت است با دو سلام، در رکعت اول پس از سوره «حمد» ده مرتبه «قل هو الله احد» و در رکعت دوم بعد از سوره «حمد» بیست و یک مرتبه «توحید» و در رکعت سوم بعد از سوره «حمد» سی و یک مرتبه قل، هو الله احد و در رکعت چهارم پس از «حمد» چهل و یک مرتبه «توحید» خوانده می‌شود و پس از سلام نماز، و خواندن تسبیح، پنجاه و یک مرتبه سوره توحید را بخوان و پنجاه مرتبه استغفار کن، و پنجاه مرتبه صلوات بفرست و پنجاه مرتبه بگو:

لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظيم آنگاه بگو: ای خدایی که [قدرتش را از رساندن ضرر به بندگانش منع می‌کند، حاصل اینکه در عین قدرت بی‌نهایتش دست به انتقام بی‌زند. از محدث قمی] و سلطنتش را به قدرتش مالک است، و به آنچه نزد اوست بر هر موجودی چیره است، و غیر تو ناامید می‌کند امید امیدوارش را، و امیدوار تو خوشحال است که ناامید نمی‌شود، از تو می‌خواهم به هرچه پسندتوست، و به هر شئی که تو در آنی، و به هرچه دوست داری به آن یاد شوی، و به حقیقت ای خدا، چیزی برابر تو نیست، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا و فرزندان و خاندان و دارایی‌ام را نگاه داری، و به حفظت حفظم کنی، و حاجتم را در چنین و چنان مورد برآوری. و حاجت خود را ذکر کن.

همچنین نماز حاجتی دیگر: روایت شده: هر که را به خدا حاجتی باشد، و بخواهد برآورده گردد، چهار رکعت نماز بجا آورد، در هر رکعت پس از سوره حمد سوره انعام بخواند، و در پی نماز بگوید: ای کریم، ای کریم، ای کریم، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ‌تر از هر بزرگ.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 984

ای شنونده دعا، ای که شبها و روزها دگرگونش نمی‌سازد، درود فرست بر محمد و خاندانش، و به ناتوانی و تهیدستی و نداری و درماندگی‌ام رحم کن زیرا که تو به آنها داناتر از منی، و تو به حاجتم آگاه‌تری، ای آن که به یعقوب سالخورده رحم کردی زمانی که نور چشمش یوسف را به او بازگرداند، ای آن که به ایوب پس از طول بلایش رحم کرد، ای آن که بر محمد (درود خدا بر او و خاندانش) رحم کرد، و از زمان یتیمی پناهش داد، و برگردنکشانش قریش و طاغوت‌های آن

یاری‌اش داد، و بر آنان چیره‌اش ساخت، ای فریادرس، ای فریادرس، ای مکرّر می‌گویی و سپس حاجات خود را از خدای تعالی طلب می‌کنی، که حق تعالی آنها را عطا می‌کند.

و نیز نماز حاجتی دیگر: سیّد ابن طاووس رحمه الله روایت کرده و فرموده: شب جمعه و شب عید قربان دو رکعت نماز بخوان و در هر رکعت سوره فاتحه را قرائت کن، ولی آیه **ایاک نعبد و ایاک نستعین** را صد مرتبه بگو، سپس حمد را به پایان برسان، و دویست مرتبه سوره «توحید» را بخوان، چون سلام دادی، هفتاد مرتبه بگو: «لا حول و لا قوة الا بالله العلیّ العظیم» آنگاه به سجده برو و دویست مرتبه بگو: یا ربّ یا ربّ، پس هر حاجت که داری بخواه، ان شاء الله برآورده خواهد شد.

نیز نماز حاجتی دیگر: نمازی است که بسیاری از علما مانند شیخ مفید و شیخ طوسی و سیّد ابن طاووس و دیگران آن را از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده‌اند، و کیفیت آن موافق روایت سیّد چنین است: هرگاه باریت به خدای عزّ و جلّ حاجت مهمی روی دهد سه روز پی‌درپی که چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد، روزه بگیر، و چون روز جمعه شود غسل کن، و جامه نو و پاکیزه بپوش، و به بامی که بلندترین بامهای خانهات باشد بالا رو، و دو رکعت نماز بخوان، سپس دستها را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

خدایا به خاطر معرفتم به یگانگی‌ات و بی‌نیازی‌ات به آستان فرود آمدم و هم اینکه توانایی بر برآوردن حاجتم جز تو نیست، و من دانسته‌ام ای پروردگارم هر زمان نعمت پی‌درپی به من رسیده، نیازم به تو

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 985

سخت‌تر گشته، اینک اندوه ناشی و مرا درهم کوبیده است از چنین و چنان و به جای چنین و چنان، حاجت خود را ذکر نماید.

و تو به برطرف نمودنش دانایی بی‌آنکه دانشت را از دیگری گرفته باشی، و توانایی بدون هیچ‌گونه مشقّتی، از تو می‌خواهم به حق نامت، که بر کوه نهادی پس در هم کوبیده شد، و بر آسمانها نهادی، پس شکافته شدند، و بر ستارگان پس پراکنده شدند، و بر زمین پس گسترده شد، و از می‌خواهم به حقی که قرار دادی نزد محمد (درود خدا بر او و خاندانش) و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجّت (درود خدا بر ایشان) اینکه درود فرستی بر محمد و اهل بیتش، و حاجتم را برآوردی، و دشوارش را آسان نمایی، و مهمّش را کفایتی، پس اگر

عنایت کردی تو را ستایش، و اگر مرحمت نفرمودی باز هم تو را ستایش، که تو در حکم خود ستمکار نیستی، و در داوریات منتهم نمی باشی، و در عدالتت ستم کننده نیستی.

صورت خود را به زمین می چسبانی و می گویی: خدایا به درستی که یونس بن مّتی بندهات، تو را در شکم ماهی خواند، و او بنده تو بود، پس دعایش را مستجاب نمودی، و من بنده توام، تو را می خوانم، دعایم را مستجاب کن.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: بسا که حاجتی برای من پیش می آید، و من این دعا را می خوانم، آنگاه که باز می گردم، حاجتم برآورده شده. مؤلف گوید: سید ابن طاووس در کتاب «جمال الأسبوع» سخنی فرموده که حاصلش این است: هرگاه از خدای تعالی حاجتی خواستی، دست کم حالتت مانند آن باشد که حاجت مهمی از یکی از پادشاهان دنیا بطلبی، چه این که هرگاه حاجتی به ایشان داشته باشی، خشنودی آنان را به هر صورت که ممکن است می جویی، پس هنگام حاجت خواستنی از خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 986

در به دست آوردن خشنودی حضرتش سخت بکوش، و مبدا روی آوردن به خدا، کمتر از روی آوردن به پادشاهان دنیا باشد، که اگر حال تو چنین باشد، از مسخره کنندگان هلاک شده خواهی بود، و چگونه قابل قبول است که اهتمام تو، به خشنودی خدا کمتر از اهتمام تو به خشنودی بندگان باشد؟ پس هرگاه منزلت خدا نزد تو، کمتر از منزلت پادشاهان دنیا باشد، پادشاهانی که بندگان خدای تواند، بنابراین تو خدا را استهزاء کرده و کوچک دانسته ای، و عظمت و شکوه او را نادیده گرفته ای، و از حضرتش اعراض نموده ای، و بعید است که با چنین حالی به سبب نماز یا روزهات به حاجت خود دست یابی، و باید نماز و روزه ای که برای حاجت به جا می آوری، برای تحصیل تجربه نباشد، چه آن که انسان نمی آزماید مگر کسی را که در حق او بدگمان است، و حق تعالی آنهایی را که در حق او گمان بد برونند به گفتارش مذمت نموده است: يَظُنُّونَ بِاللّٰهِ ظُلْمًا السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ بَلَكُم بِرَحْمَتِ خُودَا وَ بِوَعْدِهِاى اُو، در کمال اطمینان و اعتماد باشی، و امیدت به خدا، در طلب حاجتت بیش از آن باشد، که حاتم [بخشنده معروف که بخشایشش ضرب المثل شده است] را برای طلب يك قیراط قصد کنی. چه اینکه اگر حاتم را برای يك قیراط قصد کنی، یقین داری به هر شکل که باشد، به تو عطا خواهد کرد، پس آگاه باش که حاجت تو نزد حق تعالی هرچه باشد، کمتر از يك قیراط نزد حاتم است، بنابراین مبدا اعتمادت به حق تعالی کمتر از رو آوردن به درگاه خانه امثال حاتم باشد. و شایسته است، هرگاه به خاطر حاجتی، روزه یا نماز بجا آوری، عمل خود را برای کارهای مهمتر از حاجات دینی خود نیت

کفی، و بدان که مهمترین آنها حوایج آن کسی است که تو در پناه هدایت، و حمایت اوی، و آن امام زمان تو صلوات الله علیه است، پس باید نماز و روزهات نخست برای قضای حاجات آن حضرت باشد، و بعد برای حوایج دینی خود، و سپس برای آن حاجتی که برایت پیش آمده، و قصد آن را داشته‌ای، مثلاً هرگاه ستمگری در صدد کشتن تو باشد، و تو برای خلاصی از گزند او روزه حاجت گرفتی، باید توجه داشته باشی که مهمتر از آن حاجت دینی توسست، که آن حاجت گذشت و رضای حق از تو می‌باشد، و اینکه بر تو اقبال کند، و عملت را بپذیرد، زیرا در کشته شدن، دنیایت فاسد می‌شود چنانچه دینت سالم باشد، به علاوه اگر کشته نشوی، به ناچار يك روز خواهی مرد، ولی اگر عفو و رضای خدا برایت حاصل نشود، در دنیا و آخرت هلاک خواهی شد، و هراسها و شدایدی که به خیالت نمی‌رسد برایت پیش خواهد آمد، و اینکه گفتیم حاجت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 987

امام زمان را بر حوایج خود پیش اندازی، برای این است، که بقای دنیا و اهل آن به واسطه وجود آن حضرت است، بنابر این هرگاه وجود تو، محفوظ به وجود شخص دیگری باشد، چگونه قابل قبول است که حوایج و خواسته‌های خود را بر حوایج او مقدم بداری؟ و بر تو معلوم باد که آن حضرت، در حاجات خود، از نماز و روزه تو بی‌نیاز است، و نیازی به تو ندارد، ولی مقتضای بندگی و وظیفه تو آن است، که به آن صورت عمل کنی، چنان که دعا‌های خود را با صلوات بر ایشان صلوات الله علیهم اجمعین آغاز می‌کنی.

نماز استغاثه [استغاثه: دادخواهی و پناه جویی]: در کتاب «مکارم» آمده: چون در شب خواستی بخوابی، بالای سر خود ظرف پاکیزه‌ای، که در آن آب پاک باشد بگذار، و آن را با پارچه پاکیزه‌ای بپوشان، چون در آخر شب برای نماز شب بیدار شوی، سه جرعه از آن آب بیاشام، و با باقی آن وضو بگیر، و رو به قبله کن، و اذان و اقامه بگو، و دو رکعت نماز بجا آور، و هر سوره‌ای که خواستی در آن بخوان، چون «حمد» و سوره فارغ شدی به رکوع رفته و در رکوع بیست و پنج مرتبه بگو: ای فریادرس دادخواهان پس سر از رکوع بر می‌داری و همین ذکر را بیست و پنج بار می‌گویی. و همچنین در سجده اول و پس از سر برداشتن، و در سجده دوم و پس از سر برداشتن، در هر کدام بیست و پنج مرتبه می‌گویی، و رکعت دوم را نیز به همین کیفیت به جا می‌آوری، که در مجموع سیصد مرتبه گفته می‌شود، آنگاه تشهد می‌خوانی، و سلام می‌دهی، و پس از سلام سر به جانب آسمان بر می‌داری و سی مرتبه می‌گویی:

از بنده خوار و ذلیل، به سوی مولای شکوهمند و حاجت خود را می‌طلبی، همانا به زودی حاجتت روا خواهد شد.

نماز استغاثه به حضرت بتول علیها السّلام: روایت شده: هرگاه برای تو به خدای متعال حاجتی پیش آمد، و سینه‌ات از آن تنگی گرفت دو رکعت نماز بخوان، و پس از سلام سی مرتبه تکبیر بگو، و تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بجا آور، و به سجده برو و صد مرتبه بگو: ای سرپرستم ای فاطمه به فریادم برس پس جانب راست صورت خویش را بر زمین بگذار، و همین ذکر را صد مرتبه بگو، و سپس جانب چپ چهره‌ات را بر زمین بگذار و صد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 988

مرتبه بگو، دوباره به سجده برو و صدوده مرتبه بگو، و حاجت خود را یاد کن، به درستی که خدا آن را برآورده کند. ان شاء الله تعالی مؤلف گوید: شیخ حسن بن فضل طبرسی در کتاب «مکارم الاخلاق» فرموده: نماز استغاثه به بتول چنین است: دو رکعت نماز بجا می‌آوری، سپس به سجده می‌روی، و صد مرتبه می‌گویی: «یا فاطمة» آنگاه جانب راست صورت خویش را به زمین می‌گذاری و صد مرتبه می‌گویی، سپس جانب چپ صورتت را و صد مرتبه می‌گویی، دوباره به سجده می‌روی و صدوده مرتبه می‌گویی، پس از آن می‌خوانی:

ای بی‌هراس و بیم از هرچیز، که هرچیز از تو هراسان و برحذر است، از تو می‌خواهم به ایمنی‌ات از هرچیز، و هراس هرچیز از تو، اینکه بر محمد درود فرستی، و ایمنی به من عطا کنی، برای خود و خاندان و دارایی و فرزندانم، تا از احدی نهراسم، و هرگز از چیزی حذر نکنم، به درستی که تو بر هرچیز توانایی.

و نیز در آن کتاب شریف از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: هرگاه یکی از شما بخواهد به خدا استغاثه کند، دو رکعت نماز بجا آورد، سپس به سجده رفته و بگوید: ای محمد ای رسول خدا، ای علی ای آقای مردان و زنان مؤمن به وسیله شما دو تن به خدای استغاثه می‌کنم، ای محمد ای علی به شما دو تن استغاثه می‌کنم ای فریادرس به خدا و به محمد و علی و فاطمه. و می‌شماری هریک از امامان را پس می‌گویی: بکم اتوسّل الی الله تعالی به درستی که همان ساعت به فریاد تو خواهند رسید، ان شاء الله تعالی نماز حضرت حجّت علیه السّلام در مسجد جمکران که در يك فرسخی شهر مقدّس قم قرار دارد: شیخ مرحوم در کتاب «نجم ثاقب» کیفیت بنای این مسجد شریف را به امام صاحب الزمان علیه السّلام به این صورت در حکایت اول از باب هفتم نقل کرده:

امام زمان علیه السّلام به حسن مثله جمکرانی فرمود: به مردم بگو به این جایگاه رغبت کنند، و آن را عزیز بدانند، و در اینجا چهار رکعت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 989

نماز بجا آورند، دو رکعت تحیت مسجد، در هر رکعتی يك مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه «توحید» و تسبیح رکوع و سجود را هفت مرتبه بگویند، و دو رکعت نماز صاحب الزمان علیه السلام به این صورت که چون سوره «حمد» به **ایاک نعبد و ایاک نستعین** برسد آن را صد مرتبه بگوید، و بعد سوره «حمد» را به پایان برساند، و در رکعت دوم نیز به همین طریق عمل کند و تسبیح رکوع و سجود را هفت مرتبه بگوید، و چون نماز به پایان رسید «لا اله الا الله» بگوید، و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بجا آورد، و پس از تسبیح فاطمه علیها السلام سر به سجده گذارد و صد مرتبه بر محمد و آلش صلوات الله علیهم صلوات فرستد. و این جمله عینا از ان حضرت روایت شده: کسی که این دو رکعت را بجا آورد، گویا در خانه کعبه نماز خوانده است

و نیز نماز دیگر آن حضرت: همچنین در کتاب «نجم ثاقب» از کتاب «کنوز النجاح» شیخ طبرسی نقل کرده که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان علیه السلام بیرون آمد که: هرکس را به خدای تعالی حاجتی پیش آید باید بعد از نیمه شب جمعه غسل کند، و به جایگاه نماز خود برود، و دو رکعت نماز بخواند، در رکعت اول وقتی که به آیه «**ایاک نعبد و ایاک نستعین**» رسید صد مرتبه آن را بگوید، سپس سوره (حمد) را به پایان ببرد و يك مرتبه «توحید» بخواند، و رکوع و دو سجده را بجا آورد، «و سبحان ربی العظیم و بحمده» را در رکوع هفت مرتبه «و سبحان ربی الاعلی و بحمده» را در هر سجده هفت مرتبه بخواند و رکعت دوم را نیز به همین کیفیت بجا آورد، و پس از تمام شدن نماز این دعا را بخواند، به درستی که حق تعالی حاجت او را برآورده می سازد هر حاجتی که باشد بجز آن که حاجت او در قطع کردن پیوند خویشان باشد. و دعا این است:

خدایا اگر اطاعت کردم، پس ستایش تو راست، و اگر نافرمانی نمودم پس حجت تو راست، نسیم رحمت و گشایش از جانب توست، منزه است کسی که نعمت داد، منزه است کسی که تقدیر کرد و آمرزید، خدایا چنانچه نافرمانی کرده باشم، پس به یقین در محبوبترین چیزها به نزد تو اطاعت نمودم، و آن ایمان به توست، برایت فرزندی نگرفتم،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 990

شریکی نخواندم، این ایمان منّتی است از جانب تو بر من، نه از سوی من بر تو، نافرمانی کردم تو را ای معبود من نه از روی دشمنی، و نه از روی بیرون رفتن از بندگی ات، و نه از روی انکار ربوبیت، بلکه هوای نفس را پیروی کردم، و شیطان مرا لغزاند، تو را بر من حجت و بیان است، پس اگر عذابم کنی به خاطر گناهان من است، و تو ستمکار بر من نیستی، و اگر مرا بیامری، و به من رحم کنی به یقین تو بخشنده و بزرگواری. پس از این دعا تا نفس او وفا کند یا کریم، یا کریم را تکرار کند، و بعد از آن بگوید: ای ایمن از هرچیز، و هرچیز از تو هراسان و در حذر، از تو می خواهم به ایمنی ات

از هرچیز، و هراس هرچیز از تو، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و به من امان دهی، برای خود و خاندان و فرزندانم، و سایر چیزهایی که به من عنایت کردی، تا هرگز از چیزی نهراسم و حذر نکنم، به درستی که تو بر هرچیز توانایی، و خدا ما را بس است، و چه خوب کارگشایی است، ای کفایت کننده ابراهیم از نمرود، و ای کفایت کننده موسی از فرعون، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و از من کفایت کنی شرّ فلان پسر فلان را. و به جای (فلان بن فلان) نام شخصی را که از شرّ او می‌ترسد، و نام پدرش را بگوید، و از خدا بخواهد که زیان او را دفع و وی را از او کفایت کند، به درستی که حق تعالی گزند او را کفایت خواهد کرد انشاء الله تعالی، و پس از آن به سجده رود، و حاجت خود را بخواهد، و به سوی حق تعالی زاری کند، به درستی که مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای نیست، که این نماز را بجا آورد، و این دعا را از روی اخلاص بخواند، مگر اینکه درهای آسمان برای او در برآمدن حاجاتش گشوده می‌شود، و در همان هنگام و همان شب دعای او نسبت به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 991

هرگونه حاجتی که باشد مستجاب می‌شود، و این به سبب فضل و انعام حق تعالی بر ما و بر مردم است. مؤلف گوید: فرزند بزرگوار شیخ طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل هم این نماز را در «مکارم الاخلاق» نقل کرده و در ابتدای دعا به جای «اللهم ان کنت عصیتک» «ان کنت قد عصیتک» را ذکر کرده است و پس از حَتّی لا اخاف کلمه «احدا» را اضافه نموده است. و پس از کلمه «فرعون اسالك» را نماز خوف از ظالم: به نقل از «مکارم» غسل می‌کنی، و دو رکعت نماز به جا می‌آوری، و زانوهای خود را نزد جانمازت برهنه می‌کنی و صد مرتبه می‌گویی:

ای زنده، ای پاینده، ای زنده، معبودی جز تو نیست، به رحمت فریادرسی می‌طلبم، پس درود فرست بر محمد و خاندان محمد و به فریادرس، هم اینک، هم اینک چون از این دعا فارغ شدی بگو: از تو می‌خواهم خدایا که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و بر من لطف نما، و به سود من غالب گردان، و به نفع من مکر و خدعه و کید نما، و زحمت فلان پسر فلان را از من کفایت فرما. و این دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز احد است.

نماز برای تیزی ذهن و قوّت حافظه: در مکارم الأخلاق از معصومان علیهم السلام روایت شده: در ظرف پاکیزه‌ای سوره حمد و ایه الكرسي و انا انزلناه و یسی و واقعه و حشر و تبارک و توحید و دو قل اعوذ را با زعفران می‌نویسی، و آنها را با آب زمزم یا باران یا با آب پاکی می‌شویی، و در آن دو مثقال کندر و ده مثقال شکر و ده مثقال عسل می‌ریزی سپس آن را به هنگام شب زیر آسمان قرار ده، و بر روی آن آهنی بگذار، وقتی آخر شب شد، دو رکعت نماز بخوان، در هر رکعت

سوره حمد و پنجاه مرتبه «قل هو الله» را بخوان، و پس از نماز آن آب را بیاشام که برای حافظه نیکو آزموده شده است انشاء الله و در اواخر باب ششم مطالبی خواهد آمد که سبب کثرت حافظه است.

نماز برای آموزش گناهان: دو رکعت بجا آورد و در هر رکعت شصت مرتبه قل هو الله احد بخواند چون از نماز فارغ شود، گناهانش آمرزیده شود.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 992

نمازی دیگر: شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «مصابح» در اعمال روز جمعه گفته: از عبد الله بن مسعود روایت شده: رسول خدا صلی الله و علیه و آله فرمود: هرکه در روز جمعه پس از نماز عصر دو رکعت نماز بخواند، در رکعت اول سوره فاتحه و ایه الکرسی و سوره فلق را بیست و پنج مرتبه، و در رکعت دوم سوره فاتحه و سوره توحید و ناس را بیست و پنج مرتبه بخواند، و پس از نماز بیست و پنج مرتبه بگوید: لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم از دنیا بیرون نرود، تا حق تعالی بهشت را در خواب به او بنمایاند و مکانش را در آنجا ببیند. مؤلف گوید: سید ابن طاووس در فصل سی و سوم کتاب جمال الأسبوع نمازی برای آموزش گناهان نقل کرده و فرموده: این نمازی است پر ارج و ارزشمند، که آن را حاملان اسرار الهی می شناسند، مبدا در حق آن سستی کنی، هرکه می خواهد به آن کتاب مراجعه نماید.

نماز وصیت: نمازی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن وصیت فرموده و آن دو رکعت است بین مغرب و عشا، در رکعت اول سوره حمد و سیزده مرتبه سوره اذا زلزلت و در رکعت دوم سوره حمد و پانزده مرتبه سوره توحید خوانده شود اگر هر شب بجا آورد، ثوابش را کسی جز خدا نمی تواند بشمارد.

نماز عفو: دو رکعت است که در هر رکعت سوره حمد و يك مرتبه انا انزلناه خوانده می شود و بعد از قرائت حمد و سوره پانزده مرتبه ربّ عفوك عفوك و در رکوع ده مرتبه گفته می شود و آن را مانند نماز جعفر تمام می کند. مؤلف گوید: نماز استغفار همانند نماز عفو است، جز آن که به جای ربّ عفوك باید استغفر الله گفته شود، و این نماز برای فراوانی روزی سودمند است، انشاء الله تعالی.

نمازهای روزهای هفته

نماز روز شنبه: سید ابن طاووس از حضرت عسگری علیه السلام روایت کرده: آن حضرت فرمود: در کتابهای پدرانم خواندم که هرکه در روز شنبه چهار رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعتی سوره‌های حمد و قل هو الله و ایه الكرسي را بخواند، خدا او را در درجه پیامبران و شهدا و صالحان بنویسد که نیکو رفیقانی هستند. نماز روز یکشنبه: و نیز از آن حضرت روایت شده: هر که روز یکشنبه چهار رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سوره حمد و تبارک بخواند، حق تعالی او را در بهشت جا دهد، هر جای آن که بخواهد. نماز روز دوشنبه:

و نیز فرمود: هرکه روز دوشنبه ده رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سوره حمد و ده مرتبه سوره توحید را بخواند، حق تعالی در قیامت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 993

برای او نوری قرار دهد، که موقف را روشنایی بخشد تا در آن روز همه بندگان خدا بر او غبطه برند. نماز روز سه‌شنبه: و نیز از آن حضرت روایت شده: هرکه روز سه‌شنبه شش رکعت نماز بخواند و در هر رکعت پس از سوره حمد آیه امن الرسول را تا آخر، و يك مرتبه سوره اذا زلزلت را بخواند خدا گناهان او را بیامزد، و همچون روزی که از مادر به دنیا آمده از گناهان بیرون می‌رود. نماز روز چهارشنبه: و از آن حضرت روایت شده: هرکه روز چهارشنبه چهار رکعت نماز بجا آورد، و در هر رکعت پس از سوره حمد يك مرتبه قل هو الله احد و انا انزلناه بخواند، خدا توبه او را از هر گناهی که باشد می‌پذیرد و حوریه‌ای در بهشت به همسری او در می‌آورد. نماز روز پنجشنبه: و نیز آن حضرت فرمود: هرکه در روز پنجشنبه، ده رکعت نماز بجا آورد، و در هر رکعتی سوره حمد و قل هو الله احد را ده مرتبه بخواند، فرشتگان به او می‌گویند: هر حاجتی داری بخواه، که برآورده خواهد شد. نماز روز جمعه: و نیز آن جناب فرمود: هرکه در روز جمعه چهار رکعت نماز اقامه کند، و در هر رکعتی سوره‌های حمد و تبارک و حم سجده را بخواند، حق تعالی او را وارد بهشت کند، و شفاعتش را در حق اهل بیتش بپذیرد و نیز او را از فشار قبر و هراسهای قیامت حفظ نماید. راوی از آن حضرت پرسید در چه وقتی از روز باید این نمازها را بجا آورد؟ فرمود:

بین طلوع آفتاب تا ابتدای ظهر.

فصل اول در بیان ادعیه و عوذات آلام و اسقام و علل اعضا و تب و غیره

سید ابن طاووس، در کتاب مهج الدعوات، از سعید بن ابی الفتح قمی، ساکن در شهر واسط، نقل کرده: مرا بیماری عظیمی بود، که طبیبان از علاجش عاجز بودند، پدرم مرا به دار الشفاء برد، و طبیبان و ساعور را که پیشرو مسیحیان در طب بود، برای معالجه من گرد آورد، آنان اندیشه کردند، و گفتند: این بیماری را کسی غیر خدا نمی تواند علاج کند، از این سخن شکسته دل، و غمناک شدم، کتابی از کتابهای پدرم را برداشتم، که چیزی از آن را مطالعه کنم، در پشت آن کتاب این نوشته را دیدم: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه دچار مرضی باشد، پس از نماز صبح چهل بار بگوید:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، ستایش خدای را پروردگار جهانیان، خدا ما را بس است، و چه نیکو و کیلی است، پاک و منزّه است خدا، بهترین آفریدگان، و جنبش و نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ. و به موضع بیماری بمالد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 994

از آن صحت می یابد، و حضرت عزّت او را شفا بخشد، من صبر کردم، چون صبح شد، فریضه را بجا آوردم، و چهل بار این دعا را خواندم، و با دست خود بر آن موضع مالیدم، در نتیجه خدای تعالی آن بیماری را از من برطرف کرد، ولی می ترسیدم مبادا بیماری بازگردد، تا سه روز به انتظار بودم بازنگشت، پس از آن پدرم را از این واقعه باخبر ساختم شکر خدا کرد، و برای یکی از اطباء که اهل کتاب بود نقل کرد، آن طبیب نزد من آمد، و دید بیماری برطرف شده، در همان حال مسلمان شد، و کلمه شهادت اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله گفت، و اسلامش نیکو گردید. شیخ کفعمی در کتاب «مصابح» فرموده: هرگاه در تو مرضی باشد، به موضع سجده خود دست بکش، و آن را پس از نماز واجب هفت مرتبه بر آن موضع بمال و بگو: ای که زمین را بر آب فشرد، و هوا را به آسمان بست، و بهترین نامها را برای خویش برگزید، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و با من چنین و چنان کن و روزی ام ده، و سالم بدار از چنین و چنان. دعای عافیت: کفعمی از کتاب متعجّد نقل کرده: هرکس از دردی که با اوست، طلب عافیت کند، در سجده دوم از دو رکعت اول نماز شب بگوید: ای والا، ای بزرگ، ای بخشنده ای مهربان، ای شنوای دعاها، ای عطا بخش خیرات، درود فرست بر محمد و خاندانش، و از خیر دنیا و آخرت چنان که سزاوار آنی به من عنایت کن، و از شرّ

دنیا و آخرت، چنان که سزاوار آتی از من بگردان، و این درد را از من ببر [درد را نام ببر] که این درد خشم را بر افروخته، و اندوهگینم ساخته و در دعا اصرار ورزد، که عافیت شتابان به او می‌رسد، انشاء الله تعالی. در کتاب عدّه الداعی از امام صادق علیه السلام نقل کرده: نزد بیماری خود درحالی که زیر آسمان قرار بگیری دستها را بلند کن و بگو: خدایا اقوامی را در قرآنت سرزنش کردی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 995

و فرمودی: بگو معبودهای باطل خود را جز او بخوانید، که هرگز برطرف کردن زیان را از شما، و گرداندنش را نمی‌توانند، ای که برطرف کردن زیان، و گرداندن آن را از من، کسی جز او نمی‌تواند، بر محمد و خاندانش درود فرست، و زیانم را برطرف کن، و به سوی آن که معبود دیگری جز تو را با تو می‌خواند بگردان، که گواهی می‌دهم معبودی جز تو نیست. روایت شده: هر مؤمنی هر بیماری و دردی بیابد، با دست به موضع درد بمالد و با خلوص نیت بگوید:

و نازل می‌کنیم از قرآن، چیزی که من برای اهل ایمان شفا و رحمت است، و ستمگران را جز خسارت نیفزاید.

هر دردی که باشد، از آن عافیت یابد، و مصداق این واقعیت در خود آیه است که فرموده: شفاء و رحمة للمؤمنین همچنین برای رفع بیماری: يك پیمانه گندم بخرد، و به پشت بخوابد، و گندمها را روی سینه خود بریزد و بگوید: خدایا از تو می‌خواهم به نامت، نامی که وقتی درمانده‌ای تو را به آن بخواند، زیانش را برطرف کنی، و بر زمین تمکنش بخشی، و او را بر بندگان خلیفه نمای، اینکه بر محمد و اهل بیتش درود فرستی، و مرا از دردم تندرستی دهی. آنگاه برخیزد، و بنشیند، و گندمها را از اطراف خود جمع کند، و دوباره این دعا را بخواند، سپس آن را به چهار قسمت تقسیم کند، و هر چارک آن را که يك «مد» [تقریباً 10 سیر] است به مسکینی دهد، و این دعا را بخواند، که ان شاء الله تعالی از بیماری بهبودی یابد.

از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده: بر موضع درد دست بگذار و سه مرتبه بگو:

خدا، خدا، خدا به حقیقت پروردگار من است، چیزی را با او شریک نسازم، خدایا تویی برطرف کننده این درد، و هر درد بزرگ پس آن را از من بگشا. از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: بر موضع درد دست بگذار و بگو: بسم الله بعد بر آن دست بکش، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 996

هفت مرتبه بگو: پناه می‌برم به عزّت خدا، و پناه می‌برم به قدرت خدا، و پناه می‌برم به شکوه خدا، و پناه می‌برم به عظمت خدا، و پناه می‌برم به جمع خدا، و پناه می‌برم به رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) و پناه می‌برم به نامهای خدا، از شرّ آنچه حذر می‌کنم، و از شرّ آنچه بر خود می‌ترسم.

روایت شده: هرگاه طفل بیمار شد، مادرش بالای بام برود، و مقنعه از سر بگیرد، به گونه‌ای که مویش آشکار گردد، آنگاه به سجده رود و بگوید: خدایا، پروردگارا تو او را به من عطا کردی، و بخشیدی، خدایا بخششت را امروز تازه کن، به درستی که تو توانا و نیرومندی. سر بر ندارد تا فرزند او خوب شود.

شیخ شهید نقل کرده: هر که درد شدیدی دارد، بر قدح آبی، چهل مرتبه سوره حمد بخواند، و آن را بر خود بریزد، و زنبیلی که در آن گندم باشد نزد خود بگذارد، سپس از آن گندم با دست خود به سائل دهد، و از او بخواهد وی را دعا کند تا شفا یابد ان شاء الله تعالی. به سندهای معتبر وارد شده: بیماران خود را با دادن صدقه مداوا کنید. شیخ شهید برای رفع بیماری نقل کرده: بر بازوی راست بیمار دست بگذارد، و هفت مرتبه سوره حمد بخواند، و این دعا را قرائت کند:

خدایا بیماریها و درد را از او برطرف کن، و به سلامت و شفا بازگردانش، و به نگهداری نیکو یاری اش ده، و به خوبی عافیت بازش گردان، و آنچه را در این بیماری به او رسیده، مایه‌ای برای زندگی اش، و کفّاره گناهانش قرار ده، خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. اگر در عافیت او اثر نکرد، سوره حمد را هفتاد مرتبه تکرار کند، ان شاء الله تعالی اثر خواهد کرد. از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده: هر کس را سوره‌های حمد و قل هو الله احد خوب نکند، چیز دیگری

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 997

او را خوب نخواهد کرد، و هر بیماری را این دو سوره شفا می‌دهد، از امام صادق علیه السّلام نقل شده: هر مؤمنی که بیماری یا مرضی داشته باشد، از روی اخلاص بگوید:

و نازل کردیم از قرآن، چیزی که شفا و رحمت برای اهل ایمان است و موضع علّت را مسح کند، حق تعالی او را شفا دهد. از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده: برای رفع تمامی امراض بر آنها بخوان:

ای فرو فرستنده شفا، و از میان برنده درد، بر محمد و خاندانش درود فرست، و بر دردم شفا نازل فرما.

سید ابن طاووس در کتاب «مهج»، از ابن عباس روایت کرده: نزد امیر مؤمنان نشسته بودم، شخصی رنگ پریده آمد، و گفت: ای امیر مؤمنان، من همیشه بیمارم، و دردهای بسیاری دارم، به من دعایی بیاموز، که با آن بر بیماریهایم یاری جویم، فرمود: به تو دعایی می‌آموزم، که جبرئیل وقتی حسن و حسین بیمار بودند به پیامبر صلی الله علیه و آله آموخت، و آن دعا این است:

ای معبود من، هر زمان به من نعمت دادی سپاسگذاری‌ام برای تو در کنار آن نعمت اندک بود، و هر زمان مبتلای به بلایم نمودی، صبرم برای تو نزد آن اندک بود، ای که شکرم کنار نعمتهایش کم بود، ولی از نعمت محرومم نکرد، و ای که صبرم نزد بلایش اندک بود، ولی مرا وا نگذاشت، و ای که مرا بر گناهان دید، ولی رسوایم نساخت و ای که مرا بر خطاها دید، ولی بر آنها عذابم نکرد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و گناهم را بیامرز، و از بیماری‌ام شفا ده، به درستی که تو بر هرچیز توانایی. ابن عباس گفت: پس از يك سال آن مرد را دیدم، درحالی که رنگش نیکو و سرخ شده بود؟

و گفت: این دعا را بر هیچ دردی نخواندم مگر آن که شفا یافتم، و بر سلطانی که از او می‌ترسیدم وارد نشدم، مگر آن که خدای عزّ و جلّ شرش را از من بازگرداند. نقل شده: به نجاشی از پدراناش کلاهی چهارصدساله به ارث رسیده بود، که به روی هر دردی نهاده می‌شد تسکین می‌یافت، کلاه را شکافتند، که ملاحظه کنند چه چیزی در آن است: این دعا را دیدند:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 998

به نام خدا فرمانروای حقّ آشکار، خدا گواهی داد، که معبودی جز او نیست، و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی دادند، درحالی که قائم به عدالت است، معبودی جز او که عزیز و حکیم است نیست. همانا دین نزد خدا اسلام است، نور و حکمت، جنبش و نیرو، و قدرت و سلطنت و برهان از آن خدا است، معبودی جز خدا نیست، آدم برگزیده خدا است، ابراهیم دوست خداست، معبودی جز خدا نیست، موسی همسخن خدا است، معبودی جز خدا نیست، محمد عربی رسول خدا، و حبیب و برگزیده از میان خلق اوست، آرام گیرید ای همه دردها، و بیماریها و امراض و همه علتهای و همه تبها، آرامت نمودم به کسی که آنچه در شب و روز است برایش آرام شد، و او شنوا و داناست، و درود خدا بر بهترین بندگان او محمد و همه خاندانش.

در کتاب مکارم الأخلاق آمده: نجاشی پادشاه، دچار درد سر بود، بیماری خود را برای پیامبر صلی الله علیه و آله نوشت حضرت این حرز را برای او فرستاد، او در کلاهش گذاشت، دردش آرام گرفت و آن حرز این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، معبودی جز خدا نیست، فرمانروای حق آشکار، گواهی داد خدا ... برای خدا نور و حکمت و عزّت قوّت و برهان و قدرت و سلطنت و رحمت است، ای که نمی‌خواهد، معبودی جز خدا نیست ابراهیم دوست خداست، معبودی جز خدا نیست، موسی همسخن خداست، معبودی جز خدا نیست، عیسی روح خدا و کلمه اوست، معبودی جز خدا نیست، محمد رسول خدا و برگزیده و صفوت اوست، درود و سلام خدا بر او و خاندانش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 999

باد، آرام شو، آرامت کردم به کسی که آنچه در آسمانها و زمین است برای او آرام می‌شود، و به کسی که آنچه در شب و روز است برای او آرام شد، و او شنوا و داناست، پس مسخر کردیم برای او باد را که به امر او با نرمی روان است هرجا برسد، و مسخر کردیم شیاطین را از هر بتّا و غوّاصی. آگاه باش، همه امور به خدا باز می‌گردند.

تعویذ برای درد سر و درد گوش: از حضرت امام باقر علیه السّلام روایت شده است که برای آرام شدن درد سر، سر را مسح کند، و هفت مرتبه بگوید:

پناه می‌برم به خدایی که، آنچه در بیابان و دریا و آسمانها و زمین است برای او آرام گرفت، و او شنوا و داناست. و نیز این دعا برای آرام شدن درد گوش، با هفت مرتبه خواندن از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده، و همچنین از آن حضرت رسیده: مقداری پنیر بسیار کهنه را بگیر و نرم بکوب و با شیر مخلوط کن، و روی آتش حرارت بده، و چند قطره در گوشی که درد می‌کند بریز. نیز برای سردرد: بر قدح آبی بخواند:

آیا آنان که کافر شدند ندیدند، که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند، پس آنها را از هم گشودیم، و از هرچیز زنده را از آب قرار دادیم آیا ایمان نمی‌آورند؟! سپس آن را بیاشامد. روایت شده: هرگاه کسالت، یا درد سر عارض رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شد، دستها را می‌گشودند، و فاتحه و معوذتین [دو سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس] می‌خواندند، و به صورت خویش می‌کشیدند، پس درد از آن حضرت برطرف می‌شد. و نیز برای رفع سردرد بر سر دست بکشد و بگوید:

خدایا آسمانها و زمین را از این که تباه شوند نگاه می‌دارد، و اگر تباه شوند، احدی بعد از خدا نگهدار آنها نیست، به راستی خدا بردبار، و آمرزشگر است. از «ربیع الابرار» نقل شده: مأمون را در منطقه طرطوس دردسری عارض شد، که راه علاج برای آن نیافتند، قیصر روم کلاهی برایش فرستاد و به همراه آن نوشت: خبر سردرد تو را شنیدم، این کلاه را فرستادم،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1000

بر سر گذاری تا دردت آرام گیرد، مأمون ترسید، زهری در آن تعبیه کرده باشد، دستور داد بر سر آورنده اش نهادند، دید ضرری متوجه او نشد، امر کرد بر سر کسی که دچار دردسر بود گذاشتند، دردش آرام گرفت، آنگاه بر سر خود گذاشت، و از درد رهایی یافت، شگفت زده شد، کلاه را شکافت، دید در آن نوشته شده:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، چه بسیار نعمتی برای خدا است که در رگی ساکن است حم عسق، دردسر نکشند از آن، و بیهوش نکردند از کلام خدا، خاموش شد آتش، و جنبش و نیروی نیست جز به خدا، روان شد سود دارد و در تو، چنان که روان می شود باران بهاری در شاخه درخت. تعویذ برای درد شقیقه: بر محل درد دست بگذار و سه مرتبه بگو: ای آشکار موجود، ای نهان گم نشده، به نزد بنده ناتوانت بازگردان نعمتهای زیباییات را، و آنچه آزار بر اوست، از او برطرف کن، به درستی که تو مهربان و توانایی.

برای ناشنوایی گوش: از حضرت باقر علیه السلام روایت شده: دست بر آن بگذارد و بخواند: **لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره حشر.**

برای درد دهان: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: دست بر آن بگذار و بگو:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، به نام خدا که با نام او دردی زیان نرساند، پناه می برم به کلمات خدا که با آنها چیزی زیان نرساند، قدّوس، قدّوس، قدّوس، از تو می خواهم ای پروردگار به نام پاك، مقدّس، مبارکت، که هرکه با آن از تو خواست عطایش فرمودی، و هرکه با آن به درگاهت دعا کرد، اجابتش نمودی، ای خدا، ای خدا، اینک بر محمد پیامبر و اهل بیتش درود فرستی، و به من عافیت دهی از آنچه می یابم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1001

در دهان و سر و گوش و چشم و شکم و پشت و دست و پایی و در همه اعضا. که ان شاء الله تعالی شفا می یابی.

برای درد دندان: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: پس از گذاشتن دست بر جای درد سوره های حمد و توحید و قدر و این آیه مبارکه را بر آن بخواند:

و می بینی کوهها را درحالی که آنها را بی حرکت می پنداری، و حال آنکه می گذرند همانند گذر ابرها، کار خداست، که هرچیزی را استوار نموده، به درستی که او به آنچه انجام می دهید آگاه است. و نیز از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده:

به موضع سجده خود دست بکش، سپس دندان درد گرفته را مسح کن و بگو: به نام خدا، و شفا دهنده خداست، و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ. دعای تجربه شده‌ای برای درد دندان: سوره‌های [حمد] و [فلق] و [ناس] و [توحید] را قرائت می‌کنی، و با هر سوره **بسم الله الرحمن الرحيم** را می‌خوانی، و پس از سوره [توحید] می‌گویی: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، و برای اوست آنچه در شب و روز ساکن شده، و او شنوا و داناست، گفتیم:

ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش، و به سوی او از روی نیرنگ قصد کرده بودند پس آنان را زیانکارترین قرار دادیم، ندا شد خجسته باد کسی که در آتش و کسی که در آتش و کسی که پیرامون آن است، و منزّه است خدا، پروردگار جهانیان. سپس می‌گویی: خدایا ای کفایت کننده از هر چیز، و از تو چیزی کفایت نمی‌کند، بنده‌ات و فرزند کنیزت را کفایت کن، از شرّ آنچه می‌هراسد، و پرهیز می‌کند، و از شرّ دردی که از آن به تو شکایت می‌کند. و نیز روایت شده: کاردی یا برگ خرمایی بگیرد و به آن جانب که درد می‌کند بمالد، و هفت مرتبه بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1002

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، به نام خدا، و به خدا، محمد فرستاده خدا، و ابراهیم دوست خداست آرام شو، و به حق آن که آنچه در شب و روز است برای او آرام می‌گیرد به اجازه‌اش، و او بر هر چیزی تواناست. و نیز وارد شده: چوبی یا آهنی بر دندانی که درد دارد بدارد و از جانب آن هفت مرتبه افسونش کند:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، شگفتا، کرمی [منظور میکرب خاص دندان است که در بین مردم به کرم دندان مشهور شده، و دندان پوسیده و سیاه شده را می‌گویند کرم خورده] در دهان می‌باشد، استخوان آن را می‌خورد، و خون فرو می‌ریزد، من افسون کننده‌ام، خدا شفا دهنده و کفایت کننده است، معبودی جز خدا نیست، و ستایش خدا را پروردگار جهانیان. تا لعلکم تعقلون بخواند. همان طور که ابتدای دعا گفته شد این دعا را هفت مرتبه بخواند. برای درد سینه: آیه و اذ قتلتم نفسا تا لعلکم تعقلون وارد شده، و نیز روایت شده: به قرآن طلب شفا کن، زیرا حق تعالی فرموده است: شفاء لما فی الصدور برای سرفه: دعای جامعه‌ای وارد شده: اللهم انت رجائی و انت ثقتی و عمادی که دعایی طولانی است، هر که خواهد به مأخذ آن یعنی کتاب دعای بحار الأنوار مراجعه کند.

برای درد شکم: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: شربت عسل به آب گرم بیاشامد، و آن را هفت مرتبه به سوره فاتحه الکتاب تعویذ نماید، و نیز از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده: آب گرم بیاشامد و بگوید:

ای خدا، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای پروردگار پرورندگان، ای پرستیده پرستیدگان، ای پادشاه پادشاهان، ای سرور سروران، مرا از هر درد و بیماری، به شفایت شفا ده، من بنده توام، و فرزند دو بنده توام، در دست قدرت تو زیور می شوم.

و نیز برای درد شکم و غیر آن دست بر آن بگذارد و هفت مرتبه بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1003

به عزّت و جلال خداوند پناه می برم از شرّ آنچه می یابم و دست راست را بر موضع درد بگذارد و سه مرتبه بگوید: بسم الله برای قولنج: بر لوحی یا کتفی (صفحه فلزی) سوره های «حمد» و «توحید»، و دو «قل اعوذ» را بنگارد، و زیر آنها بنویسد: پناه می برم به جلوه خدای بزرگ، و به عزّتش که به بدی قصد نشود، و به قدرتش، که چیزی از آن سر باز نزنند، از شرّ این درد، و از شرّ آنچه در آن است، و از شرّ آنچه از آن می یابم سپس آن را به آب باران بشوید، و در وقتی که ناشتاست، و نیز به هنگام خواب بیاشامد، ان شاء الله مبارک و سودمند است.

برای درد شکم و قولنج: روایت شده: شخصی از درد شکم برادرش، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد، حضرت فرمود:

به برادرت بگو شربتی از عسل با آب گرم بیاشامد، فردای آن روز خدمت حضرت آمد و گفت: آن شربت را به او نوشاندم فایده ای نبرد، فرمود: [خدا راست گفت، و شکم برادرت دروغ گفت]. برو و به او شربت عسل بده، و آن را هفت مرتبه سوره حمد تعویذ کن، وقتی آن مرد رفت، حضرت به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «به درستی که برادر این مرد منافق است، به همین دلیل آن شربت به او سود نمی دهد» [البته روشن است که بیان پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد نفاق مرد یاد شده به علم آن حضرت مربوط می شود، و نمی توان همیشه به استناد عدم تأثیر این تعویذ حکم به نفاق کسی کرد].

برای ثللول: و آن میخچه ای است که اغلب در دست پیدا می شود، برای این بیماری وارد شده: برای هر میخچه هفت دانه جو بگیر، و بر هر دانه جو بخوان: از اول سوره واقعه تا هباء منبّأ را و نیز هفت مرتبه:

از تو درباره کوهها می پرسند، بگو آنها را پروردگارم درهم می کوبد، درهم کوبیدنی کامل، و آنها را بیابانی گسترده و هموار گرداند، در آن کجی و انحراف نبینی آنگاه يك يك دانه های جو را به میخچه بمال، و آنها را در کهنه ای ببند، و با سنگی قرار ده، و در جای ببنداز، بعضی گفته اند: شایسته است این عمل در آخر ماه، هنگامی که ماه پنهان است انجام بگیرد. و همچنین نقل شده:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1004

دارنده میخچه قطعه نمکی را به میخچه بمالد، و بر آن سه مرتبه لو انزلنا هذا القرآن را تا آخر سوره حشر بخواند، و آن را در تنوری ببندازد، و به شتاب بگذرد که ان شاء الله تعالی برطرف خواهد شد، و در کتاب «خزائن» آمده: مالیدن نوره میخچه را برطرف خواهد کرد.

برای ورم های بدن: روایت شده: چون برای نماز واجب وضو بگیری، پیش از نماز و بعد از آن بر ورم بخوان: لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره حشر، و در هنگام خواندن آن تدبّر کن، که ان شاء الله تعالی ورم آرام خواهد شد.

برای رفع دشواری زایمان زنان: بر پوستی بنویسد: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، ایشان روزی که آنچه به آنان وعده داده شده بود ببینند، گویا به سر نبرده اند مگر ساعتی از روز، گویا ایشان روزی که قیامت را ببینند، به سر نبرده اند مگر شبی یا روزی، آنگاه که همسر عمران گفت: پروردگارا برایت آنچه در درون دارم آزاد نذر کرده ام، از من بپذیر، به درستی که تو شنوا و دانایی. سپس آن را بر ران راست او ببندد، و وقتی فرزندش به دنیا آمد باز کند. و نیز روایت شده: بر آن بخواند: درد زایمان او را تا کنار تنه درخت خرما آورد خرماى تازه را، پس به این آیه صدا را بلند کند خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید، و برای شما گوش و چشمها و دها قرار داد، برای آن که شکر کنید و این چنین به اذن خدا بیرون آی ای گشاده رو و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: برای آسان شدن ولادت بر پوستی یا کاغذی بنویسد:

خدایا ای گشاینده اندوه، و برطرف کننده غم، و بخشنده دنیا و آخرت، و مهربان هر دو جهان، رحم کن، به فلان دختر فلان، رحمتی که او را از رحمت همه بندگان بی نیاز کنی، محنتش را به آن بگشایی، و غمش را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1005

برطرف نمایی، و زایمانش را آسان فرمایی، و میان ایشان به حق حکم شد، و به ایشان ستم نشد، و گفته شد: ستایش خدای را پروردگار جهانیان. برای گشاین کار بسته: ابتدای سوره انا فتحنا ت مستقیما و نیز سوره اذا جاء نصر الله و نیز

این آیات را بنویسند: از نشانه‌های خدا این است، که برای شما از خودتان همسرانی قرار داد، تا با آنها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت، نهاد در این کار، نشانه‌هایی است برای کسانی که اندیشه می‌کنند. سپس بر اینان وارد شوید از دروازه شهر، همین که واردش شدید قطعاً شما پیروزید، درهای آسمان را به آب فرو ریزنده گشودم، و در زمین چشمه‌ها شکافتیم، پس به هم پیوست آب بر امری که مقدر شده بود، پروردگارا سینه‌ام را باز کن، و کارم را آسان نما، و گره از زبانم بگشا، تا گفتارم را بفهمند، و واگذارم بعضی از ایشان را در آن روز درحالی که موج زنند در بیان بعضی دیگر، و دمیده شد در صور، پس جمعشان کردم جمع کردنی درخور، اینچنین گشودم فلان پسر فلان را، از دختر فلان، هرآینه برای شما پیامبری از جنس خودتان آمد بر او گران است، آنچه شما را به مشقت اندازد، بشدت به هدایت شما حریص و به مؤمنان مهرورز و مهربان است، اگر روبرگردانند پس بگو: خدا مرا بس است، معبودی جز او نیست، بر او توکل کردم، و و پروردگار عرش بزرگ است. سپس این نوشته را همراه او کرده، بر او بیاویزند. همچنین در طلب الأئمه دعایی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده: تعلیم اسحاق صحاف فرمود، چون طولانی بود از ذکرش صرف نظر کردیم.

دعای درمان تب: 1- این دعا را که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام تعلیم فرمود، بخواند:

خدایا بر پوست نازکم، و استخون باریکم رحم کن، و از فوران آتش به تو پناه می‌برم. ای تب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1006

اگر ایمان به خدا آورده‌ای پس گوشت را مخور، و خون را منوش، و از دهان مجوش، و به کسی که گمان می‌برد با خدا معبود دیگری هست منتقل شو، به درستی که من گواهی می‌دهم اینکه معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. 2- در صبح و شب، به خواندن دعای نور، که سلمان از حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده مواظبت کند، این دعا در «مفاتیح» آمده. 3- روایت شده: ائمه علیهم السلام تب را به آب سرد معالجه می‌کردند، پیوسته جامه‌ای را رطوبت می‌دادند، و بر بدن می‌گذاشتند. 4- به خط مبارک حضرت رضا علیه السلام دیده شده برای تب به این ترتیب بر سه قطعه کاغذ نوشته شود: قطعه اول: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، نترس، به رسالتی که تویی برتر و بر دوم: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، نترس، از قوم ستمکار رهایی یافتی. و بر سوم:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، آگاه باشید برای اوست آفرینش و فرمان منزّه است خدا پروردگار جهانیان.

آنگاه بر هر قطع سه مرتبه توحید بخواند، و آن را در سه روز، روزی یکی ببلعد که خوب خواهد شد، ان شاء الله تعالی.

5- دگمه‌های پیراهن خویش را بگشاید و سر را در پیراهن کند، و اذان و قامه بگوید، و هفت مرتبه سوره حمد بخواند، ان شاء الله خوب خواهد شد.

6- از ائمه علیهم السلام روایت شده: این دعا را بر پوستی و بر تبار بیاوریزد: خدایا از تو می‌خواهم به عزّت و قدرت و سلطنت و آنچه دانشت به آن احاطه کرده، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و بر فلان پسر فلان، چیزی را از آنچه به بدی چیره کنی، و بر پوست نازکش، و استخوان باریکش، از فوران آتش رحم کن، بیرون رو ای تب، ای خورنده گوشت و نوشنده خون که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1007

حرارت و سردی‌ات از دوزخ است، اگر به خدای اعظم ایمان آورده باشی، از فلان پسر فلان گوشت مخور، و خون ممل، و استخوان لاغر مکن، و بر او غمی مشوران، و بر او سردردی به هیجان نیاور، و از مویش و پوستش، و گوشتش و خونش به کسی که گمان کرده با خدا معبود دیگری هست منتقل شو، معبودی جز او نیست، منزّه و برتر است از آنچه شریکش سازند و بعد از عمّا یشرکون اسم یک نفر از اهل کتاب، یا یکی از دشمنان خدا را بنویسد. 7- برای تب بنویسد، و به بازوی راست تب‌دار ببندد. به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است ستایش خدا را پروردگار جهانیان ... تا آخر سوره، به نام خدا و به خدا، پناه می‌برم به همه کلمات کامل خدا، که از آنها نمی‌گذرد نیکوکار و بدکار از شرّ آنچه آفرید و پدید آورد، و خلق کرد، و از شرّ خزنده و گزنده و هر بداندیش و چشم زخم، و از شرّ پیش‌آمدهای شب و روز، و از شرّ بدکاران عرب و عجم، و از شرّ بدکاران جنّ و انس، و از شرّ شیطان و دامش، و از شرّ هر صاحب شتری، و از شرّ هر جنبنده‌ای، که مهار اختیارش به دست اوست، به درستی که پروردگارم بر راه استوار است، پروردگارا بر تو توکل نمودم، و به سوی تو باز آمدم، و بازگشت به سوی توست، ای آتش بر ابراهیم سرد و سلام باش، او را به نیزنگ قصد کردند، پس ایشان را از زیانکارترین قرار دادیم، بر فلان فرزند فلان سرد و بی‌گزند شو، پروردگارا اگر فراموش کردیم، یا خطا نمودیم از ما بازخواست مکن ... تا آخر سوره بقره خدا مرا بس است، معبودی جز او نیست، پس او را وکیل گیر، و بر زنده‌ای که نمی‌میرد توکل نما،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1008

و تسبیح کن او را با ستایشش، و او به گناهان در آگاه بودن و بینا بودن بس است، معبودی جز خدا نیست یگانه و بی شریک است، وعده اش راست بود، بنده اش را یاری کرد، و به تنهایی گروه های کفر را فراری داد، آنچه خدا خواست شد، نیرویی جز به خدا نیست، خدا نوشت که هرآینه پیروز خواهیم شد من و رسولانم، به درستی که خدا نیرومند و عزیز است، همانا حزب خدا پیروزند، آن که به خدا جنگ زند به راه استوار هدایت شده، و درود خدا بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش. 8- بر سه دانه شکر بنویسد، و هر قطعه را تا سه روز صبح ناشتا بخورد، بر دانه اول:

بستم به اذن خدا و بر دوم: محکم کردم به اذن خدا و بر سوم آرام کردم به اذن خدا

دعای زحیر «1»: روایت شده: شخصی به موسی بن جعفر علیهما السلام شکایت کرد و گفت: مرا زحیری است که آرام نمی گیرد، حضرت فرمود: هرگاه از نماز شب فارغ شدی بگو: خدایا آنچه خیر بود از سوی توست، برای من در آن ستایشی نیست، و آنچه بد کردم، تو مرا از آن برحذر داشتی، مرا در آن عذری نیست، خدایا به تو پناه می آورم از این که بر آنچه مرا در آن ستایشی نیست تکیه کنم، یا از آنچه در آن عذری برانم نیست ایمن گردم.

دعای قرقره شکم «2»: و نیز روایت شده: شخصی به آن حضرت شکایت کرد، که شکم من پیوسته صدا می کند، و من حیا می کنم با مردم سخن بگویم، زیرا از شکم صدا بیرون می آید و مردم صدای شکم مرا می شنوند، برای شفای من دعا کنید، حضرت فرمود:

هرگاه از نماز شب فارغ شدی بگو: اللهم ما عملت من خیر فهو منك لا حمد لی فیه. تا آخر آنچه در سطور قبل گذشت. و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: برای صداهای شکم سیاه دانه با عسل بخورند.

(1) تنگی نفس یا اسهال خونی

(2) دل پیچه همراه با صدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1009

دعای برص: و آن پیسی اندام است، از یونس روایت شده: مابین دیدگان من سپیدی عارض شده بود، آن را به حضرت صادق علیه السلام شکایت کردم، فرمود: وضو بگیر، و دو رکعت نماز بخوان و بگو:

ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای شنوای دعاها، ای عطابخش خیرات، خیر دنیا و آخرت را به من عطا کن، و مرا از شرّ دنیا و آخرت نگاه دار، و آنچه از ناراحتی بیایم از من دور کن، همانا این بیماری مرا به خشم آورده و غمگین ساخته است.

یونس گفت: آنچه حضرت فرموده بود انجام دادم، حق تعالی آن پیسی را از من زایل کرد و له الحمد.

در روایات عدّه الدّاعی آمده: حضرت به وی فرمود: چون ثلث آخر شب شود، در اول آن برخیز و وضو بگیر و مشغول نماز شب شو، و در سجده آخر رکعت اول بگو: ای والا، ای بزرگ، ای بخشنده، ای مهربان، ای شنوای دعاها، ای بخشنده خیرات، درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و خیر دنیا و آخرت را به من عطا کن آنچنان که تو شایسته آنی، و شرّ دنیا و آخرت را از من بگردان آنچنان که تو اهل آنی، و این درد را از من برطرف کن، که مرا به خشم آورده، و اندوهگین نموده است. و در دعا اصرار و مبالغه کن. یونس گفت: آنچه فرموده بود بجا آوردم، هنوز به کوفه نرسیده بودم که خوب شدم. و نیز برای برطرف شدن برص، نوشتن سوره یس با غسل در جامی و شستن و خوردن آن وارد است، چنان که برای معالجه بواسیر هم وارد شده است. و نیز تربت حضرت امام حسین علیه السّلام با آب باران برای درمان پیسی وارد شده، و نیز حنا را با نوره مخلوط کردن و روی آن مالیدن روایت شده. برای بیماری گری و دمل و قوباء: (و آن جوششی است در بدن، یا خارش بسیار که آن را «داد» نیز گویند.) روایت شده: بر آن بخوانند و نیز آن را نوشته به او بیاویزند:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، و مثل سخن پلید همانند درخت پلید است، که از روی زمین کنده شده،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1010

برای آن قراری نیست [ابراهیم، 26] شما را از خاک آفریدیم، و به آن بازگردانیم، و بار دیگر از آن بیرون آوردم، خدا بزرگتر است، و تو بزرگ نیستی، خدا باقی است، و تو بقا نداری، و خدا بر هر چیز تواناست.

برای درد عورت [آلت تناسلی]: روایت شده: یکی از اصحاب ائمه علیهم السّلام در جایی عورت خود را عریان کرده بود که شایسته نبود، علّتش دردی بود که به آن مبتلا شده بود، خدمت امام ششم علیه السّلام شکایت کرد، حضرت این دعا را به او آموخت و فرمود:

دست چپ خود را بر آن بگذار و سه مرتبه بگو: به نام خدا، و به خدا، آری آنان که چهره خود را برای خدا تسلیم کردند، و نیکوکارند پس برای آنهاست پاداششان نزد پروردگارشان، ترسی بر اینان نیست، و غمگین نمی شوند، خدایا من رویم را به سویت تسلیم کردم، و کارم را به تو واگذاردم، پناه و نجاتی او تو نیست جز به تو که ان شاء الله تعالی عافیت خواهی یافت.

برای درد زانو: از کتاب (طَبُّ الْأَثَمَةِ) نقل شده: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: من نزد امام حسین علیه السلام بودم که مردی از شیعیان آن حضرت که از بنی امیه بود خدمت آن جناب آمد و عرض کرد: باین رسول الله من به خاطر درد پای که دارم، نمی توانم خدمت شما برسم، حضرت فرمود: چرا از دعای امام حسن علیه السلام غافل؟ عرضه داشت آن دعا چیست؟

فرمود: **اَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مَبِينًا تَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا** پس آنچه آن حضرت فرموده بود بجای آورد، پس از آن درد پا را احساس نکرد. و نیز برای درد زانو وارد شده: چون نماز گزاردی بگو:

ای جودمندترین کسی که عطا کردی، ای بهترین کسی که درخواست شد، ای مهربانترین کسی که از او مهربانی خواسته شد، به ناتوانی ام و کمی چاره ام رحم کن، و از این درد مرا عافیت ده و نیز برای درد ساقها وارد شده است که هفت مرتبه این آیه شریفه را بخواند: آنچه از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن، سخنان او را جابجاکننده ای نیست، و هرگز جز او پناهی نیابی.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1011

برای درد چشم: روایات بسیاری وارد شده است که پس از نماز صبح و نماز مغرب بخواند: خدایا از تو می خواهم به حق محمد و خاندان محمد بر تو، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و قرار دهی روشنی در چشمم، و بینایی در دینم، و یقین در قلبم، و اخلاص در عملم، و سلامت در وجودم، و وسعت در روزی ام، و سپاس همیه برای توست، تا زنده ام داری.

بزنطی از یونس بن ظبیان روایت کرده: بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدیم، آن حضرت را دیدیم به چشم درد سختی دچار شده، به اندازه ای که ما به خاطر آن جناب غمناک شدیم، روز دیگر که خدمت حضرت رسیدیم، چشم دردی نداشت، عرضه داشتیم:

فدايت شويم چشمان خود را به چيزي معالجه فرموديد؟ فرمود: آري به چيزي كه از جمله معالجات بود، گفتيم: چه بود؟ فرمود: به دعائي پر ما آن دعا را نوشتيم، و آن دعا اين است: پناه مي برم به عزّت خدا، و پناه مي برم به قوّت خدا، و پناه مي برم، به قدرت خدا، و پناه مي برم به نور خدا، و پناه مي برم به عظمت خدا، و پناه مي برم به جلال خدا، و پناه مي برم به جمال خدا، و پناه مي برم به زيبايي خدا، و پناه مي برم به جمع خدا. گفتيم: اي فرزند رسول خدا «جمع الله» چيست؟ فرمود: به همه خدا، و پناه مي برم به گذشت خدا، و پناه مي برم به آمرزش خدا، و پناه مي برم به رسول خدا، و پناه مي برم به امامان و يك يك ايشان را نام برد. آنگاه گفت: بر آنچه مي خواهی، از شرّ اندوهی که می یابم، خدايا ای پروردگار مطيعان. و هم برای درد چشم وارد شده: بر آن «آية الكرسي» بخواند، و خوب شدن آن را در دل بگیرد، و اگر پیش از آن دست بر چشم نهد و بگوید: پناه می دهم نور چشمم را به نور خدایی که خاموش نگردد

ترجمه مفاتيح الجنان، ص: 1012

وارد شده: برای ضعف بینایی سودمند است. و برای ضعف چشم، و شب کوری وارد شده: آیه نور را مکرر در جامی بنویسد، و با آب بشوید، و آن را در شیشه قرار دهد، و از آن با میل به چشم خود بکشد. و نیز روایت شده: هر که قرآن را از روی صفحات قرآن بخواند، از چشم خود بهره برد. و نیز روایت شده: هر که هر روز بگوید:

پس او را شنوا و بینا قرار دادیم دیدگانش از آفات سالم بماند. شیخ کفعمی فرموده: برای درد چشم و همه دردهای اعضا، توسّل جستن به حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام به تجربه رسیده است. برای خون دماغ: آب یخ بر سر و پیشانی اش بریزد.

دعای بطلان سحر: از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت شده: بر پوست آهو بنویسد، و همراه خود داشته باشد: به نام خدا، و به خدا، به نام خدا، آنچه خدا خواست، به نام خدا، و جنبش و نیروی نیست مگر به خدا، موسی گفت: آنچه شما آوردید سحر است، همانا خدا آن را باطل می کند، خدا کار بدکاران را اصلاح نمی کند، پس حق واقع شد، و آنچه آنان انجام داده بودند باطل گشت، در آنجا مغلوب شدند، و با خواری بازگشتند. و هم از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای دفع شیاطین و جادوگران وارد شده: آبی سحره را بخواند که این آیه است: به درستی که پروردگار شما خداست، که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس به عرش چیره شد، می پوشاند شب را به روز، که می جویدش به سرعت، و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر به فرمان اویند، بدانید او راست آفرینش و فرمان، منزّه و پاك است، خدا، پروردگار جهانیان، پروردگارتان را بخوانید با زاری و در نّان زیرا که او متجاوزان را دوست ندارد، و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید، همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1013

و در بعضی از روایات آمده: تا تبارك الله رب العالمين بخواند.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده: بر هر يك از برگ و دانه درخت اسفند، فرشته‌ای گمارده شده، و تا پوسیدن برگ و دانه همراه آنهاست، و ریشه و شاخه غم و سحر را برطرف می‌کند، و در دانه‌اش شفا‌ی هفتاد درد است، بنابراین به اسفند و کندر مداوا کنید. از حضرت رضا علیه السلام نقل شده: مصروعی را دید، قدحی از آب طلبید، بر آن سوره‌های حمد و معذتین [سوره‌های ناس و فلق] خواند، و در قدح دمید. و امر فرمود: از آن آب بر سر و صورتش ریختند تا به هوش آمد، فرمود: دیگر به سوی تو ابدًا باز نخواهد گشت. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: اگر جنّ سنگی بیندازد، و آن شخص سنگ را بگیرد، و به همان جایی که سنگ از آنجا آمده بیندازد و بگوید:

خداوند مرا بس است و کافی، و خداوند شنید دعای کسی که او را خواند، و رای خدا نهایی نیست

و همچنین برای دفع شرّ جنیان، نگاه داشتن مرغ و خروس و کبوتر و بزغاله در خانه سودمند است، از حضرت صادق علیه السلام روایت شده:

برای دفع شرّ جنیان در سفر و بیابان و جاهای هولناك آن، دست بر سر بگذارد، و با صدای بلند بخواند:

آیا غیر دین خدا را می‌جوئید، و به او تسلیم شد آن‌که در آسمان‌ها و زمین است، با اختیار و بی‌اختیار، و به سوی او بازگردند.

و هم وارد شده: در بیان و جاهای وحشت‌آور و هولناك، با صدای بلند اذان بگویند.

دعای حفاظت از چشم‌زخم: وارد شده: آیه و ان یکاد بخوانند، و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: چون بترسد چشم او در کسی، یا چشم کسی در او، اثر بگذارد، سه مرتبه بگوید:

آنچه خدا خواست شد، نیروی نیست جز به خدای والای بزرگ. و وارد شده: هرگاه کسی خود را به شکلی نیکو آراست، وقتی از منزل می‌رود دو قل اعوذ [یعنی سوره‌های قل اعوذ برّ الفلق و قل اعوذ برّ الناس] بخواند، تا چیزی به اذن الله تعالی به او زیان نرساند. و نیز برای دفع چشم‌زخم وارد شده:

دستها را برابر صورت بردارد، و سوره‌های حمد و توحید و دو قل اعوذ را بخواند، و دست بر پیشانی بکشد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1014

و همچنین دعای پناه از چشم زخم: خدایا ای پروردگار باران زندانی و سنگ خشک و شب تار، و تر و خشک، چشم چشم زن را به خودش بازگردان، در جگر و گلو و دارایی اش، پس بازگردان دیده را، آیا می بینی شکافی؟، سپس دیده را دوباره بازگردان. دیده به سویت باز می گردد ناتوان و درمانده. دعای پناهی دیگر: خدایا صاحب سلطنت بزرگ، و احسان دیرینه، و جلوه کریم، دارنده کلمات کامل، و دعاهای مستجاب، فلان را از نفسهای جن و چشمهای انس، سلامت کامل بخش این دعایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حسنین علیهما السلام خواند، و به اصحاب خود فرمود: زنها و اولاد خود را با این کلمات پناه دهید. دعای پناه چشم زخم برای حیوانات و غیر آنها: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، به نام خدای بزرگ، بر ترش رویی ترش رو، و آتش فروزان، و سنگ سخت، برگرداندم چشم چشم زن را، از سر تا به پایش، بگیرد دو چشم او را گیرنده ای با همه نگاهش، و بر همسایه و خویشانش، پوستش نازک، خونش رقیق، در ناخوشایند سزاوار او، پس بازگردان چشم را، آیا شکافی می بینی؟ سپس چشم او دوباره بازگردان چشم به سوی تو باز می گردد خسته و ناتوان

برای دفع وسوسه شیطان: روایت شده: به خدای تعالی استعاذه [پناه جویی] کند، بنابراین بگوید: امنت بالله و برسوله مخلصا له الدین و شیخ شهید از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده: شیطان بر دو قسم است: شیطان جنی، و آن دور می شود به گفتن: لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و شیطان انسی و آن دور می شود به صلوات فرستادن بر محمد و آل آن حضرت علیهم السلام. مؤلف گوید: در باب نمازها نماز حدیث نفس گذشت، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1015

نیز ذکر بعضی از عوذات برای دفع وسوسه بیان شد به آنجا مراجعه کنید.

برای اِیعنی از دزد: بر حلقه ها و قفل در بخواند «قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن» تا آخر سوره اسراء.

دعای حفظ از عقرب: روایت شده: تیز نظر کند به ستاره سهی و آن ستاره کوچکی است، نزدیک به ستاره وسطی از ستارگان بنات نعش [مقصود همان «دب اکبر» است] و سه مرتبه بگوید:

خداوندا پروردگار ستاره اسلم، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و گشایش کار ایشان را شتاب ده و ما را از شر هر صاحب شری سالم بدار

و نیز روایت شده: بر آن ستاره نظر اندازد و سه مرتبه بگوید: خداوندا پروردگار هود فرزند اسیّه مرا از شرّ هر عقرب و مار ایمنی ده هر شب که چنین گوید از شرّ مار و عقرب محفوظ بماند.

از امام صادق علیه السّلام روایت شده: برای دفع شرّ عقربها و مارها هنگام شب بخواند:

به نام خدا، و به خدا، و درود خدا بر محمّد و خاندانش، همه عقربها و مارها را به اذن خدای تبارک و تعالی گرفتم، به دهانهایشان، و دمهایشان و گوشهایشان، و چشمانشان، و نیروهایشان، از خویشتن و هرکه را دوست دارم، تا برآمدن روز ان شاء الله تعالی. و نیز برای دفع شرّ عقرب بخواند: سلام بر نوح در جهانیان، ما اینگونه به نیکوکاران جزا می دهیم، به راستی که نوح از بندگان مؤمن ماست.

روایت شده: وقتی حضرت نوح علیه السّلام سوار کشتی شد، عقرب را از سوار شدن بر کشتی منع فرمود: عقرب گفت: من با تو معاهده می بندم که نگزم کسی را که بگوید: سلام بر محمّد و خاندان محمّد و علی نوع فی العالمین

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1016

و در چند حدیث دیگر وارد شده: مالیدن نمک به محق نیش عقرب و گزندگان، زهر آنها را می زداید.

باب چهارم:

در بیان دعاهایی است ه از کتاب شریف «کافی» انتخاب شده و این باب شامل چند فصل است.

فصل اول: در بعضی دعاهاى وارده برای وقت صبح و شام غیر از آنچه در فصول پیش گذشت. و آن ده دعاست:

اول: از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده: حضرت سجاد علیه السّلام چون وارد صبح می شد می گفت:

امروز را آغاز می کنم، پیشاپیش فراموشی و شتایم، به نام خدا، و آنچه خدا خواست شد.

دوم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: هرکس این کلمات را وقتی داخل شب می‌شود، سه مرتبه بگوید: به بالی از بالهای جبرئیل پوشیده گردد، تا وارد صبح شود: به خدای والای والاتر شکوهند بزرگ می‌سپارم خویشتن و هرکه را کارش با من است، خویش را می‌سپارم به خدایی که همه چیز هراسان و ترسان و سرفروذ آورده در برابر عظمت او است سوم: همچنین از آن حضرت روایت شده: چون وارد شب شوی بگو:

خدای از تو می‌خواهم، هنگام درآمدن شب، و رفتن روز، و حضور نمازهایت، و بانگ‌های خوانندگان، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی. و به آنچه خواهی دعا کن. چهارم: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده:

پدرم وقتی وارد صبح می‌شد می‌گفت: به نام خدا و به خدا، و به سوی خدا، و در راه خدا، و بر آئین رسول خدا درود خدا بر او و خاندانش، خدایا خود را به تو تسلیم کردم، و کارم را به تو واگذاشتم، و بر تو توکل نمودم ای پروردگار جهانیان، خدایا مرا نگهدار، به نگهداری ایمان، از پیش رویم و پشت سرم، و از سمت راست و چپم، و از بالا و زیر پالم، و از پیش خودم، معبودی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1017

جز تو نیست، جنبش و نیرویی جز به خدا نیست، گذشت و سلامت کامل، از هر بدی و شرّ در دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم، خدایا پناه می‌آورم به تو از عذاب قبر و فشار قبر و تنگی قبر و پناه می‌آورم به تو از یورشهای شب و روز، خدای ای پروردگار مشعر الحرام، و پروردگار شهر حرام، و پروردگار حلّ و احرام، به محمد و خاندان محمد از جانب من سلام برسان. خدایا پناه می‌آورم به زره محکمت، و پناه می‌آورم به جمع کردن از اینکه مرا بمیرانی به غرق شدن یا سوختن یا گلوگیر شدن یا قصاص یا شکنجه و مرگ تدریجی یا مسمومیت یا به چاه افتادن، یا طعمه درنده شدن یا سگته یا به چیزی از مدرنیهای بد، ولی مرا در بستم، به حال اطاعت از خود و رسالت (درود خدا بر او و خاندانش) بمیران، رسیده به حق، نه خطاکار، یا در صف آنان که در قرآنت وصفشان کردی: گویی ایشان بنایی استوارند.

خودم و فرزندانم و آنچه پروردگارم روزی‌ام نموده پناه می‌دهم به «قل اعوذ بربّ الفلق...» خوم و فرزندانم و آنچه پروردگارم روزی‌ام نموده پناه می‌دهم به «قل اعوذ بربّ الناس...» ستایش خدای را، به عدد آنچه خدا آفرید، و ستایش خدای را مانند آنچه پدید آورد، و ستایش خدای را به پری آنچه خلق کرد، و ستایش خدای را به امتداد کلمتش، و ستایش خدای را به وزن عرشش، و ستایش خدای را به خشنودی خودش، معبودی جز خدا نیست بردبار بزرگوار، و معبودی جز خدا نیست والای بزرگ، منزّه است خدا، پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه در میان آن دو است، و پروردگار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1018

عرش بزرگ، خدایا به تو پناه می آورم از درجات بدبختی، و از شتمات دشمنان، و به تو پناه می آورم از تنگدستی، و سنگینی نیاز، و به تو پناه می آورم از بد دیدن در خاندان و دارایی و فرزندانم و ده مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات فرست. پنجم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: چون نماز مغرب و صبح بجا آوردی، هفتم مرتبه بگو:

«بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله» حقیقتاً هرکس این ذکر را بگوید، جذام و پیسی و دیوانگی و هفتاد نوع از انواع بلاها به او نرسد. چون داخل صبح و شام شدی دو مرتبه بگو:

ستایش برای پروردگار بامداد، ستایش برای شکافنده صبح، ستایش خدای را که شب را به قدرتش برد، و روز را به رحمتش آورد، و ما در سلامت کاملیم و آیه الكرسي، و آخر سوره حشر، و ده آیه از سوره صفات را می خوانی: و منزّه است پروردگارت، پروردگار عزّت، از آنچه وصف می کنند، و سلام بر فرستادگان، و ستایش خدای را پروردگار جهانیان، پس منزّه است خدا هنگامی که شام می کنی و صبح می نمایی، و برای او ستایش در آسمانها و زمین و شب و هنگامی که ظهر می نمایی. زنده را از مرده بیرون می آورد، و مرده را از زنده بیرون می آورد، و زمین را پس از مرگش زنده می کند، و اینچنین زنده از قبرها درآورده می شوید، بسیار منزّه و مقدّس است پروردگار فرشتگان و روح، پیش گرفته رحمت بر غضبت، معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، من به خود ستم کردم، مرا بیامرز، و به من رحم کن، و توبه ام را بپذیر، به راستی توبه پذیر و مهربانی. ششم: از امام صادق علیه السلام این دعا برای صبح روایت شده: خدایا ستایش تو راست، ستایشت می کنم، و از تو کمک می خواهم، و تو پروردگار منی، و من بنده توام، صبح

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1019

کردم بر پیمانانت و وعدهات، و ایمان می آورم به وعدهات، و وفا می کنم به پیمانانت تا بتوانم، و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای یگانه بی شریک و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، صبح کردم بر فطرت اسلام و کلمه اخلاص و آیین ابراهیم، و دین محمد درود خدا بر آن دو، بر این زندگی کنم و بمیرم ان شاء الله. خدایا زنده ام بدار، تا زنده ام داری، و مرا بمیران آن گاه که بمیرانی، باورمند آن حقایق، و مرا برانگیز زمانی که برانگیزی بر همان حقایق، به آنها خشنودیت و پیروی راحت را می جویم، بر تو تکیه کردم، کارم را به تو واگذاردم، خاندان محمد امامان من هستند، جز آنها امامانی برنگیرم، از آن پیروی می کنم، و آنان را دوست می دارم، و به آنان اقتدا می نمایم، خدایا را در دنیا و آخرت سرپرستان من قرار ده، و اینکه دوست بدارم دوستانشان را، و دشمن بدارم دشمنانشان را در دنیا و آخرت، و مرا به شایستگان ببیوند.

و پدرانم را با ایشان قرار ده. هفتم: و از آن حضرت روایت شده: هرچه را ترك كردی، خواندن این دعا را در هر صبح و شام ترك مكن. خدایا صبح كردم در این بامداد و در این روز برای اهل رحمت از تو آمرزش می خواهم، و از اهل لعنتت به تو بیزاری می جویم، خدایا من صبح كردم، در این روز، و در این صبح درحالی که از آنها که بین آنانیم از مشرکان به سوی تو بیزاری می جویم از آنچه که می پرستند به درستی که ایشان قومی بد و فاسقند، خدایا آنچه از آسمان به زمین فرو فرستادی در این صبح و این روز،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1020

برای دوستانت برکت، و برای دشمنانت کیفر قرار ده، خدایا دوست بدار کسی که دوستت داشت، و دشمن بدار کسی را که دشمنت داشت، خدایا به ایمنی و ایمان برانم ختم کن، هر زمان که خورشید سر زند یا غروب کند. خدایا مرا و پدر و مادرم را بیامرز، و به هر دو رحم کن، چنان که مرا در کودکی پروریدند، خدایا مردان و زنان مؤمن و مسلمان زندگان و مردگان آنان را بیامرز، خدایا بازگشتگاه و اقامتگاهشان را تو می دانی، خدایا پیشوای مسلمانان را حفظ کن ایمان، او را یاری ده یاری پیروزمندانه، و بگشای برای او گشایشی آسان، و برای او و ما از جانب خود فرمانروایی پیروزمندانه قرار ده، خدایا لعنت کن فلان و فلان و گروههایی که اختلاف کردند بر رسالت، و والیان امر بعد بعد از رسالت و امامان پس از او، و شیعیان ایشان را، و از تو می خواهم زیادی فضلت، و اقرار به آنچه از نزد تو آمد، و تسلیم به فرمانت، و محافظت بر آنچه به آن امر فرمودی، به طوری که به جای آن جایگزینی نجویم، و آن را به بهای اندکی نفروشم، خدایا هدایم کن در شمار کسانی که هدایت کردی، و حفظم کن از شر آنچه قضایت بر آن جاری شد، به درستی شد، به درستی که قضاوت می کن و بر تو قضاوت نمی شود، و خوار نمی گردد و کسی تو دوستش داری، منزه و پاک و برتری، و منزهی تو پروردگار کعبه، دعایم را بپذیر، و آنچه به وسیله آن از خیر به تو تقرّب می جویم، برانم دوچندان کن، چند برابر بسیار، و از جانب خود اجر بزرگ به ما عنایت کن، پروردگارم چه نیکوست آنچه مرا به آن آزمودی، و چه بزرگ است آنچه به من عطا کردی، و چه طولانی است آنچه عافیتم دادی، و چه بسیار است آنچه بر من پوشاندی، پس تورا ست ستایش ای معبود من،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1021

بسیار، پاک، مبارک، به پری آسمانها و زمین، و پری آنچه پروردگارم خواست و پسندید، و چنان که سزاوار است برای جلوه پروردگارم، صاحب بزرگی و اکرام. هشتم: از امام باقر علیه السلام روایت شده است که هر که به هنگام طلوع فجر ده

مرتبه بگوید: معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، برای اوست فرمانروایی و ستایش، زنده می کند، و می میراند، و او زنده است و نمی میرد، خیر تنها به دست اوست، و او بر هرچیز تواناست

و ده بار صلوات بر محمد و آل محمد فرستد، و سی و پنج بار سبحان الله بگوید، و سی و پنج مرتبه لا اله الا الله بگوید، و خدا را سی و پنج مرتبه حمد کند، در آن روز از غافلان نوشته نشود، و اگر در شب بگوید، در آن شب از غافلان شمرده نشود. نهم: از محمد بن فضیل روایت شده:

خدمت حضرت جواد علیه السلام نوشتم که به من دعایی بیاموزد. حضرت در جوابم نوشت که صبح و شام می گویی:

خدا، خدا، خدا، پروردگار بخشنده و مهربان من است، چیزی را برای او شریک نگیرم سپس برای حاجت خود دعا می کنی. که این کلمات مقدمه ای است برای رفع هر حاجتی به اذن خدای تعالی. دهم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: به داود رقی فرمود:

سه بار خواندن این دعا را در صبح و سه بار در شب ترك مکن. خداوندا مرا در زره محکم خود قرار ده، که هرکه را بخواهی در آن قرار می دهی. به درستی که پدرم می فرمود: این از دعاهای مخزون [محفوظ در گنجینه خدا] است.

فصل دوم: در بیان بعضی دعاهای وارده برای وقت خوابیدن و بیدار شدن

و آنها هفت دعاست: اول: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: کسی که هنگام قرار گرفتن در خوابگاهش سه مرتبه بگوید:

ستایش خدای را که برتر آمد و چیره گشت، و ستایش خدای را که نمان است و آگاه، و ستایش خدای را که مالک است و نیرومند، و ستایش خدای را که مردگان را زنده می کند، و زندگان را می میراند، و او بر هرچیز تواناست. از گناهانش بیرون

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1022

آید، همانند روزی که از مادر متولد شده، و شیخ صدوق و شیخ طوسی هم این روایت را نقل کرده اند. و در «عده الدّاعی» از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده: این دعا کمترین چیزی است که از تحمید [یعنی حمد و ستایش گویی]

کفایت می کند. ولی در آن روایت حمد دوم پس از حمد سوم است. دوم: از آن حضرت روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که در رختخواب خود قرار می گرفت ایه الكرسي می خواند و می گفت:

به نام خدا، به خدا ایمان آوردم، و به طاغوت کافر شدم، خدایا مرا در خواب و بیداری حفظ کن سوم: از مفضل بن عمر نقل شده: امام صادق علیه السلام به من فرمود: اگر بتوانی شب نکن، مگر اینکه خود را به یازده حرف پناه دهی، گفتم: مرا از آنها خبر ده، فرمود: بگو:

پناه می برم به عزت خدا، و پناه می برم به قدرت خدا، و پناه می برم به جلال خدا، و پناه می برم به سلطنت خدا، و پناه می برم به جمال خدا، و پناه می برم به دفاع خدا، و پناه می برم به جلوگیری خدا، و پناه می برم به جمع آوری خدا، و پناه می برم به فرمانروایی خدا، و پناه می برم به جلوه خدا، و پناه می برم به رسول خدا (دروود خدا بر او و خاندانش) از شر آنچه آفرید و پدید آورد و هستی بخشید.

و خود را هرگاه که خواهی به این کلمات حفظ کن. چهارم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: کسی که در خوابگاهش قرا رگیرد، و صد مرتبه توحید بخواند، از گناهان پنجاه ساله خود پاک شود. و نیز از آن حضرت روایت شده: کسی که در رختخوابش جای گیرد، و **قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد** بخواند، حق تعالی بیزاری از شرک را برای او بنویسد. پنجم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که قصد کرده برای نماز شب برخیزد، و در رختخواب قرار گرفته بگوید:

خدایا مرا ایمن از مکرر مدار، و ذکر را از یادم مبر، و از بی خبران قرارم مده، ساعت چند و چند برمی خیزم، حق تعالی فرشته ای را بر او بگمارد، که در آن ساعت بیدارش کند. ششم: و از آن حضرت روایت شده:

هرگاه یکی از شما در شب از خواب برخاست بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1023

منزه است خدا، پروردگار پیامبران، و معبود فرستادگان، و پروردگار مستضعفان، و ستایش خدای را که مردگان را زنده می کند، و او بر هر چیز تواناست. زمانی که این کلمات را بگوید، خدای تبارک و تعالی می فرماید: بنده من راست گفت و شکر بجا آورد. هفتم: از عبد الرحمن بن حجاج روایت شده: حضرت صادق علیه السلام آخر شب از خواب برمی خواست، صدا را در حدی که اهل خانه بشنوند بلند می کرد و می گفت:

خدا یا مرا بر هراس قیامت کمک کن، و تنگی قبرم را وسعت بخش، و خیر آنچه پیش از مرگ، و پس از مرگ است نصیب من فرما.

فصل سوم در بیان چند دعا که هنگام بیرون آمدن از خانه خوانده می شود

و آنها هشت دعاست اول: از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است انسان زمانی که خواست از خانه خارج شود، هنگام نیت خروج سه مرتبه بگوید: الله اکبر و سه مرتبه به کمک خدا بیرون می روم، و به کمک خدا وارد می شود، و بر خدا توکل می کنم آنگاه بگوید: خدایا در این روز به روم بگشا به خیر، و برایم پایان بده به خیر، و از شر هر جنبنده ای تو که گیرنده مهارش هستی حفظم کن، به درستی که پروردگارم بر راهی مستقیم است

پیوسته در پناه خدای عزّ و جلّ باشد، تا به همان مکانی که در آن بود بازگردد. دوم: از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده است که به هنگام بیرون رفتن از در خانه بگوید: به نام خدا، ایمان آوردم به خدا، و بر خدا توکل کردم

سوم: از امام باقر علیه السلام نقل شده است که هرکس زمانی که از منزلش بیرون می رود بگوید:

به نام خدا، خدا مرا بس است، بر خدا توکل کردم، خدایا خیر همه کارهایم را از تو می خواهم، و از خاری

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1024

دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می آورم خدا آنچه از امر دنیا و آخرت او را اندوهگین می سازد کفایت می فرماید.

چهارم: از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که وقتی که از منزل خود بیرون می روی بگو:

به نام خدا، توکل کردم بر خدا، جنبش و نیروی نیست مگر به خدا، خدایا، خیر آنچه به خاطرش از خانه بیرون شدم از تو می خواهم، و از شرّ آنچه به خاطرش بیرون آمدم به تو پناه می آورم، خدایا از فضلّت بر من وسعت بخش، و نعمت را بر من کامل کن، و مرا در طاعتت به کار گیر، و اشتیاقم را در آنچه نزد توست قرار ده، و مرا بر آیینت و آیین رسالت بمیران پنجم: از امام رضا علیه السلام نقل شده است که پدرم زمانی که از منزل خارج می شد، این کلمات را می گفت: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، خارج شدم به قوت و نیروی خدا، نه به قدرت و نیروی خویش، بلکه به قدرت و نیروی تو، ای پروردگارم روزی ات را خواستارم، آن را در عین عافیت به من عنایت کن ششم: از حضرت

صادق علیه السلام روایت شده است که هرکه از منزلش بیرون می‌رود، ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند، پیوسته در حفظ خدای عزّ و جل باشد، و تا به منزلش بازگردد، خدا از او محافظت نماید. هفتم: از امام هفتم علیه السلام روایت شده است که هرگاه خواستب به سفر روی، بر در خانه‌ات بایست، و سوره‌های حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ بربن الناس و قل اعوذ برب الفلق را از پیش رو، و از طرف راست و چپ بخوان، آنگاه بگو: خدایا مرا و آنچه با من است حفظ کن، و مرا و آنچه با من است به سلامت دار، و مرا و آنچه با من است به نیکی برسان

هشتم: و نیز از آن حضرت روایت شده است که هرگاه در سفر یا حضر [حضر یعنی ماندن در وطن، در مقابل سفر] از منزلت بیرون رفتی بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1025

به نام خدا، به خدا ایمان آوردم، و بر خدا توکل کردم، آنچه خدا خواست، جنبش و نیروی نیست مگر به خدا

فصل چهارم: در ذکر بعضی از دعاهای وارده برای پیش از نماز و پس از نماز

و آن پنج دعا است اوّل: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: حضرت امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هرکه این دعا را به هنگام قیام برای نماز، پیش از شروع نماز بگوید با محمد و آل محمد خواهد بود:

خدایا به محمد و خاندان محمد به تو رو می‌کنم، و آنان را پیش روی نمازم پیش می‌اندازم، و به آنان به تو تقرّب می‌جویم، مرا در دنیا و آخرت با آنان آبرومند قرار ده، و از مقرّیان محسوب فرما، بر من به شناختن آنان منّت نهادی، پایان ده برایم به اطاعت و معرفت و ولایتشان، که خوشبختی آن است، و به آنها برایم پایان ده، به درستی که تو بر هر چیز توانایی. آنگاه نماز را به جای می‌آوری، و چون فارغ شدی می‌گویی: خدایا مرا عافیت و بلا با محمد و خاندان محمد قرار بده، و در هر اقامتگاه و بازگشتگاهی با محمد و خاندان محمد همراه کن، خدایا زندگی‌ام را زندگی آنان، و مرگم را مرگ آنان قرار ده، و مرا همه جا با ایشان همراه فرما، و بین من و آنان جدایی مینداز، به درستی که تو بر هر کار توانایی. دوّم: از صفوان جمّال [شتربان] روایت شده: امام صادق علیه السلام را دیدم پیش از تکبیر رو به قبله کرد و گفت: خدای از نسیم جان‌بخشت مأیوسم مکن، و از رحمت ناامیدم مفرما، و از مکرّت ایمنم منما، زیرا از مکر خدا خویش را ایمن نمی‌شمارند مگر مردم زیانکار سوم: از امام صادق علیه السلام روایت شده: حضرت امیر مؤمنان علیه السلام پس از فارغ شدن از نماز ظهر می‌گفت:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1026

خدایا به بخشش و کرمت به تو تقرّب می‌جویم، و به محمد بنده و فرستاده‌ات به تو تقرّب می‌جویم، و به فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و به حقیقت به تو تقرّب می‌جویم. خدایا تو از من بی‌نیازی، و من به تو نیازمند، تو بی‌نیازی و من به تو نیازمند، لغزشم را نادیده گرفتی، و گناهانم را پوشانیدی، امروز حاجتم را برآور، به زشتی آنچه که از من خبر داری عذابم مکن، بلکه گذشت و بخشش تو مرا بگیرد.

سپس آن حضرت به سجده می‌افتاد و می‌گفت: ای اهل تقوا و آمرزش ای نیکوکار، ای مهربان، تو از پدر و مادرم و همه خلائق به من نیکوکاری، مرا با برآمدن حاجت، و دعای اجابت شده، و صدای مورد رحمت قرار گرفته بازگردان، به حقیقت تو انواع بلاها را از من برطرف کردی چهارم: از امام جواد علیه السلام نقل شده: زمانی که از نماز واجب فارغ شدی بگو: راضی شدم به خدا که پروردگارم باشد، و به محمد برای پیامبری و به اسلام برای دینم، و به قرآن برای کتابم و به فلان و فلان [به جای فلان و فلان بگو: و به علی و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحجة] پیشوایانم، خدایا ولیّات فلان [به جای فلان بگو: القائم الحجة] را حفظ کن از پیشرو و پشت سر، و از جانب راست و چپ و از بالای سر و پایین پایش، و بر عمرش بیفز، و او را قیام کننده به امرت، و پیروز کننده دینت قرار ده، و آنچه دوست دارد به او بنمایان، و آنچه نسبت به خودش و ذریه و اهل مال و شیعه‌اش چشمش را روشن می‌کند و به او نشان بده. و از جانب او درباره دشمنانش از آنچه حذر می‌کنند به آنان بنما، و درباره آنها آنچه را دوست دارد، و چشمش به آن روشن می‌شود به او بنمایان، و سینه‌های او، و سینه‌های مردم مؤمن را شفا بده و فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از نماز

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1027

فارغ می‌شد می‌گفت: خدایا آنچه پیش فرستادم، و از پی می‌فرستم، و آنچه پنهان کردم، و آنچه آشکار نمودم، و اسراف بر خودم و آنچه را تو به آن از من دانستی، برالم بیامرز، خدایا تویی پیش‌انداز و پس‌انداز، معبودی جز تو نیست، به حق دانشت به غیب، و به توانایی‌ات بر همه خلق، تا زندگی را برالم خیر می‌دانی، پس زنده‌ام بدار، و زمانی که مرگ را برالم خیر می‌دانی، جانم را بگیر، خدایا هراس از خود را در نهان و آشکار، و سخن حق را در خشم و خشنودی، و میانه‌روی را در نداری و دارایی از تو می‌خواهم و نعمتی را از تو می‌خواهم که تمام نشود، و نور چشمی که قطع نگردد، و از تو می‌خواهم: خشنودی به قضا و برکت مرگ پس از زندگی، و گوارایی زندگی پس از مرگ، و لذت تماشای زیبایی‌ات، و شوق دیدار و لقایت، بدون سختی و زیان بخشی، و فتنه گمراه‌کنندگی، خدایا ما را به زینت ایمان بیارای، و ما را راهنمایان

ره یافته قرار بده، خدایا ما را در ضمن آنان که هدایت کردی هدایت کن، خدایا تصمیم استوار و پایداری در کار و رشد بسیار از تو می‌خواهم، و شکر نعمت و خوبی عافیت و ادای حَقّت را از تو درخواست دارم، پروردگارا، دل سالم، و زبان راستگو، از تو می‌خواهم و از تو برای آنچه می‌دانی طلب آمرزش می‌کنم، و خیر آنچه را می‌دانی از تو درخواست دارم، و از شرّ آنچه می‌دانی به تو پناه می‌آورم، زیرا تو می‌دانی، و ما نمی‌دانیم، و تو دانای نُه‌های. پنجم: از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده: هرکس نزد هر نماز واجب، این کلمات را بگوید، خود و خانه و دارایی و اولادش محفوظ بماند. خودم و دارایی‌ام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1028

و فرزندم و خاندانم و خانه‌ام و هرچه از من است پناه می‌دهم به خدای واحد یگانه بی‌نیاز، که نزاده و زاده نشده، و هیچ همتایی ندارد، و خودم و دارایی‌ام و فرزندم، و هرچه از من است را پناه دادم به پروردگار سپیده‌دم از شرّ آنچه آفرید ... تا آخر سوره، و خودم و دارایی‌ام و فرزندم و هرچه از من است را پناه می‌دهم به پروردگارم مردم، فرمانروای مردم ... تا آخر سوره، و خودم و دارایی‌ام و فرزندم و هرچه از من است را پناه می‌دهم به خدا، معبودی جز او نیست، زنده و پا برجاست او را چرت و خواب درنگیرد ... تا پایان ایه الكرّسی.

فصل پنجم: در بیان بعضی از دعا‌های وارده برای فزونی رزق و روزی

و آن پنج دعاست. اوّل: از معاویه بن عمّار نقل شده: از امام صادق علیه السّلام درخواست کردم تا برای رزق دعایی تعلیم من فرماید، آن حضرت این دعا را به من آموخت، و من برای زیاد شدن رزق، چیزی بهتر از این ندیدم.

خدای نصیب کن از فضل گسترده‌ات، حلال پاکیزه روزی فراخ حلال پاک‌رَسای برای دنیا و آخرت، ریزان‌ریزان گوارا لذیذ بدون زحمت و بدون منّت از احدی از بندگان، جز وسعتی از فضل و وسعت، زیرا تو فرمودی: «از فضل خدا بخواهید» پس از فضل تو می‌خواهم، و از عطای تو درخواست می‌نمایم، و از دست پر تو می‌طلبم. دوم: از امام باقر علیه السّلام روایت شده:

به زید شحّام فرمود: برای درخواست روزی، در سجده نماز واجب بگو: ای بهترین درخواست‌شده، و ای بهترین عطا کننده، مرا و عیالم را از فضیلت روزی بخش، به درستی که تو صاحب فضل بزرگی هستی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1029

سوم: از ابو بصیر نقل شده: از حاجت خود به حضرت امام صادق علیه السلام شکایت کردم، و از آن جناب خواستم، برای روزی دعایی تعلیم من کن، حضرت این دعا را به من آموخت از زمانی که آن را خواندم، دیگر محتاج نشدم، فرمود:

در نماز شب در حال سجده بگو: ای بهترین خواننده شده، و ای بهترین درخواست شده، و ای وسعت بخش ترین کسی که عطا کرد، و ای بهترین امید شده، روزی ام ده و بر من از روزی ات وسعت ده، و سبب سازی کن برایم روزی را از جانب خودت، به درستی که تو بر هر چیز توانایی. مؤلف گوید: شیخ طوسی در کتاب «مصباح» این دعا را در سجده آخر رکعت، هشتم نافله شب ذکر فرموده. چهارم: روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را برای طلب روزی تعلیم فرمود: ای روزی دهنده نیازمندان، و ای رحم کننده بر مسکینان، و ای سرپرست مؤمنان، و ای صاحب نیروی استوار، بر محمد و اهل بیتش درود فرست، روزی ام ده، و سلامتی کاملم بخش، و مرا از آنچه به اندیشه ام برده کفایت کن.

پنجم: ابو بصیر این دعا را برای طلب روزی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: و آن حضرت فرموده: این دعایی علی بن الحسین علیه السلام است که خدا را به آن می خواند: خدایا نیکی معیشت را از تو می خواهم، معیشتی که به آن بر تمام خواسته هایم نیرو گیرم، و به آن در زندگی به آخرتم برسم، بی آنکه در فراوانی نعمتم قرار دهی، تا طغیان کنم، یا به آن بر من تنگ گیری تا بدبخت شوم، از روزی حلال بر من فراخی ده، و بر من از ریزش فضلت، از نزد خود نعمت کامل و عطای بی منت عنایت کن، و مرا به فراوانی آن، از شکر نعمت غافل مکن، که زیبایی اش سرگرم سازد، و خوش رنگی های شگفت انگیزش دلم را برباید، و نه با کم دادنش به من، که از زحمت در به دست آوردنش، عملم برای خدا ضعیف گردد،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1030

و اندوهش سینه ام را پر کند، ای معبود من، از معیشت آن اندازه به من عطا کن، که بی نیازی از بندگان شریرت باشد، و رساننده ای که به وسیله آن به خشنودی ات برسم، ای معبود من، از شر دنیا و آنچه در آن است به تو پناه می آورم، دنیا را بر من زندان، و فراقش را بر من اندوه قرار مده، مرا از فتنه های آن، درحالی که از من راضی باشی، و عملم در آن پذیرفته باشد، به جانب خانه زندگی ابدی و خانه های خوبان بیرون آور، و دنیای فانی را برایم به نعمت خانه باقی تبدیل کن، خدایا از سختی و لرزه های شیطانی و سلاطین و از عذابش و تجاوز هرکه در آن بر من تجاوز کند به تو پناه می آورم.

خدایا هرکه علیه من نقشه کشید، تو علیه او نقش بکش، و هرکه نسبت به من قصد بد دارد، تو نسبت به او قصد بد کن، و تیزی اسلحه کسی که تیزی اسلحه‌اش را برای من قرار داد کند کن، و آتش کسی که هیزمش را علیه من افروخته خاموش نما، و فریب فریبکاران را از من کفایت کن، و دیده کافران را از من کور کن، و اندوه کسی که اندوهش را بر من دارو نموده کفایت کن، و شرّ حسودان را از من برطرف نما، و مرا از اینها با آرامش حفظ کن، و زره محکمت را به من بپوشان، و در پوشش نگهداریت زنده‌ام بدار، و حالم را اصلاح کن، و گفتارم را به کردارم راست آر، و به من در خاندان و دارایی‌ام برکت ده.

مؤلف گوید: در باب دوم، در مقام بیان نمازها، نمازهایی برای زیادشدن روزی ذکر شده که می‌توانید مراجعه کنید.

فصل ششم در بیان دو دعا برای ادای قرض

اول: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: بگو:

خدایا توجهی از توجهات، آسان کند پرداخت طلب طلبکارانم را، و آسان می‌کند برائم گرفتن طلبم را،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1031

به درستی که تو بر هرچیز توانایی دهم: این دعا از موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده: خدایا به تمام بندگان برگردان حقوق پایمال شده کوچک و بزرگی که از ایشان نزد من است، از جانب خویش در آسانی و عافیت، و آنچه نیروم به آن نرسید، و دارایی‌ام آن را فرا نگرفت، و بدتم و یقین و جانم بر آن توانایی نداشت، از آنچه از احسان شایانت نزد توست، از جانب من پرداز، و چیزی از آن را بر عهده من بجا مگذار، که از حسنا تم پردازی، ای مهربان‌ترین مهربانان، گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریک ندارد، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست، و دین همان است که خدا مقرر نمود، و اسلام همان است که او وصف کرد، و قرآن همان است که او نازل نمود، و گفتار همان است که او فرمود: و خدا همان حق آشکار است، خدا محمد و اهل بیتش را به خیر یاد کند، و به محمد و اهل بیتش به سلام تحیت فرستد.

فصل هفتم در بیان دعا‌های وارده برای دفع اندوه و غم و ترس و غیر آنها

و آن مشتمل بر دوازده دعا است. اوّل: از امام باقر علیه السّلام روایت شده: زمانی که پیش آمدی برایت رخ داد و از آن در هراسی، به قبله رو کن، و دو رکعت نماز بخوان، آنگاه هفتاد مرتبه بگو:

با ابصر النّاظرين و يا اسمع السّامعين و يا اسرع الحاسبين و يا ارحم الرّاحمين و در هر مرتبه که می گویی حاجت خود را با آن ذکر کن. دوم: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: به هر که همی یا غمی یا اندوهی یا بلائی یا شدتی برسد، بگوید: الله ربّي لا اشرك به شیئا، توکلّت علی الحیّ الذی لا یموت. سوم: از امام صادق علیه السّلام نقل شده: چون برادران یوسف، او را به چاه افکندند، جبرئیل نزد او آمد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1032

و گفت: ای پسر در اینجا چه می کنی؟ یوسف گفت: برادرانم مرا در این چاه افکندند، پرسید دوست داری از آن بیرون آبی؟

پاسخ داد: این امر بسته به مشیت خدای عزّ و جلّ است، اگر بخواهد مرا بیرون می آورد، جبرئیل گفت: حق تعالی می فرماید:

مرا به این دعا بخوان تا تو را از چاه بیرون آورم، گفت آن دعا کدام است، گفت: بگو:

خدایا از تو می خواهم به اینکه ستایش برای توست، معبودی جز تو نیست، بسیار عطاکننده ای، پدیدآورنده آسمانها و زمینی، صاحب شکوه و بزرگواری، بر محمد درود فرستی، و از آنچه در آنم، برانم گشایش و راه خروجی قرار دهی. در نتیجه کاروان از راه رسید، و او را از چاه بیرون آورد، به همان صورتی که داستانش در قرآن مجید آمده.

چهارم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده: هرگاه از امری ترسیدی بگو: اللهم انک لا یکفی منک احد، و انت تکفی من کلّ احد من خلقک فاکفی کذا و کذا. و در حدیث دیگری فرمود: می گویی:

ای کفایت کننده از هر چیز، و چیزی از تو در آسمانها و زمین کفایت نکند، مرا از کار دنیا و آخرت، آنچه به اندیشه برده کفایت کن، و بر محمد و خاندانش درود فرست و حضرت صادق علیه السّلام فرمود: هرکه بر سلطانی که از او بترسد وارد شود بگوید: به خدا گشایشی می جویم، و به خدا کامیابی می طلبم، و به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) رو می کنم، خدایا دشواری اش را برانم رام کن، و ناهمواری اش را برانم هموار فرما، به درستی که تو محو می کنی و اثبات می نمای

آنچه بخواهی، و امّ الكتاب نز توست و نیز بگوید: خدا مرا بس است، معبودی جز او نیست، بر او توکل نمودم، و او پروردگار عرش بزرگ است، به حول و قوّت خدا، خود را از حول و قوّت ایشان باز می‌دارم، و به پروردگار سپیده‌دم از شرّ آنچه آفرید خود

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1033

را حفظ می‌کنم، و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا. پنجم: روایت شده: این دعای امام باقر علیه السّلام است، در امری که پیش آمد: خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و مرا بیامرز، و به من رحم کن، و عملم را پاک فرما، و مرگم را آسان نما، و قلبم را هدایت کن، و ترسم را ایمنی بخش، و در تمام عمرم عافیت ده، و حجتّم را پا برجاء فرما، و خطاهایم را بیامرز، و رویم را سپید کن، و در دینم پایدارم بدار، و مطلبم را آسان نما، و در روزی‌ام بر من وسعت بخش، زیرا من ناتوانم، و از بدی آنچه نزد من است، به خوبی آنچه نزد توست درگذر، و مرا به مصیبتی در وجودم دچار مساز، و ای معبود من توجّهی از توجّهات را من ببخش، که به وسیله آن همه آنچه را که به آن گرفتارم کرده‌ای برطرف کنی، و به سبب آن آنچه که بهترین شیوه تو به من است به من بازگردانی، به راستی که نیرویم سست گشته، و چاره‌ام کم شده، و امیدم از بندگانت بریده، و برایم جز امید به تو، و توکل بر تو. و قدرتت بر من نمانده، ای پروردگارم اینکه به من رحم کنی، و سلامت کاملم دهی، مانند قدرتت بر من است که عذابم کنی، گرفتارم نمایی، معبود من، یاد نعمتهایت آرامش می‌دهد، و امید به نعمت‌بخشی‌ات نیرومندم می‌نماید، از وقتی که مرا آفریدی، از نعمتهایت فارغ نبودم، تویی پروردگارم و آقام و پناهم، و پناهگاهم و نگهدارم، و دفاع‌کننده‌ام، و مهربان بر من، و عهده‌دار روزی‌ام، و در قضا و قدرتت هرچه من در آنم، ای آقا و مولایم، در آنچه کردی، و تقدیر نمودی، و حتم فرمودی، باید شتاب در خلاصی و عافیت من از همه آنچه که به آن گرفتارم باشد، من برای دفع اینها

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1034

احدی جز تو را نمی‌یابم، و در آنجا بر کسی غیر از تو اعتماد نمی‌کنم، ای صاحب عظمت و اکرام، نزد بهترین گمانم و امیدم به تو، و به زاری و بیچارگی و سستی پایه‌ام رحم کن، و به آن بر من و هر دعاکننده‌ای که تو را می‌خواند منت گذار، ای مهربان‌ترین مهربانان، و درود خدا بر محمد و خاندانش ششم: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده: حضرت سجاد علیه السّلام می‌فرمود: هرگاه این کلمات را بگویم، اگر جن و انس به زیان من گرد آیند باکی ندارم: به نام خدا، و به خدا، و از خدا، و به سوی خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش)، خدایا

خویشتن را تسلیم تو کردم، و رویم را به جانب تو متوجه نمودم، و به تو پشت گرم شدم، و کارم را به تو وا گذاشتم، خدایا مرا به حفظ ایمان حفظ کن، از پیش رویم، و از پشت سرم، و از سمت راست و چپم، و از بالای سرم و زیر پانم، و آنچه نزد من است، به حول و نیرویت از من دور کن، زیرا جنبش و نیرویی جز تو نیست

هفتم: وارد شده: برای دفع اندوه و ترس از سلطان، دعیا اهل بیت را بخوانند: ای هستی پیش از هر چیز، و ای هستی بخش هر چیز، و ای پاینده پس از هر چیز، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و با من چنین و چنان کن به جای کذا و کذا حاجت را بخواه. هشتم: از حضرت جواد علیه السلام روایت شده: برای گشایش امر به خواندن این دعا مداومت کن: ای که کفایت کند از هر چیز و کفایت نکند از او چیزی کفایت کن مرا در آنچه مهم است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1035

نهم: از حضرت سجاد علیه السلام نقل شده: به فرزند خود می فرمود: ای پسرک من، هرگاه به یکی از شما مصیبتی برسد، یا حادثه ای بر او فرود آید، وضوی کامل بگیرد، و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخواند، و در آخر آن بگوید:

ای جایگاه هر شکایت، ای شنوای هر راز، ای حاضر در هر انجمن، ای دانای هر نمان، ای دور کننده هرچه از بلا که بخواهد، ای دوست ابراهیم، ای سخنگو با موسی، و ای برگزیده محمد (درود خدا بر او و خاندانش) تو را می خوانم خواندن کسی که نداری اش سخت گشته، و چاره اش کم شده، و نیرویش سست گشته، دعای غریب غریب درمانده، که برای برطرف شدن آنچه در اوست، کسی را جز تو نمی یابد، ای مهربان ترین مهربانان به درستی که این دعا را احدی نمی خواند، مگر آن که حق تعالی حادثه را از او ان شاء الله برطرف می کند. دهم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: برای رفع اندوه و غم غسل می کنی، و دو رکعت نماز می خوانی، و می گویی:

ای گشاینده اندوه، و ای برطرف کننده غم، ای بخشایشگر دنیا و آخرت، و رحیم هر دو جهان، اندوهم را بگشا، و غم را برطرف کن، ای خدای یگانه یکتای بی نیاز که نزاده، و زاده نشده، و احدی همتایش نبوده است، مرا نگهدار و پاک کن و بلایم را ببر. و آیه الكرسي و معذتین [سوره های ناس و فلق] را بخوان.

یازدهم: روایت شده: برای رفع اندوه، صد مرتبه در سجده می گویی: ای زنده، ای پا برجا، معبودی جز تو نیست، به رحمت فریادخواهی می کنم، از آنچه مرا به اندوه برده کفایت کن، و به خوشتنم وامگذار

دوازدهم: از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده: به سماعه فرموده: ای سماعه هروقت برای تو، نزد خدا حاجتی پیش آمد بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1036

خدایا از تو می‌خواهم به حق محمد و علی، به درستی که برای آنها نزد تو شأنی از شأنها، و مقامی از مقامهاست، پس به حق آن شأن، و به حق آن مقام، اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و با من چنین و چنان کنی. به درستی که وقتی روز قیامت شود، فرشته مقرّبی و پیامبر مرسل و مؤمن امتحان شده‌ای ننماید مگر آن که در آن روز، نیازمند به محمد و علی علیهما السلام است. فقیر گوید: ابن الی الحدید از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده: وقتی از رسول خدا درخواست کردم، برایم به مغفرت دعا کند فرمود: دعا می‌کنم، پس برخاست و نماز خواند، و دست به دعا برداشت، به دعایش گوش داد، شنیدم می‌گوید:

اللّٰهُمَّ بِحَقِّ عَلِيٍّ عِنْدَكَ، اغْفِرْ لِعَلِيٍّ. من عرضه داشتم: یا رسول الله این چه دعایی بود؟! فرمود: آیا نزد خدا گرامی‌تر از تو هست، که من او را نزد حضرتش شفیه خود کنم؟

مؤلف گوید: ما در باب اول در بیان دعا‌های سجده شکر، بعضی از دعا‌هایی را که مناسب این فصل بود ذکر کردیم.

فصل هشتم: در بیان چند دعا برای دردها و بیماریها

اول: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: باری رفع دردها می‌گویی: بسم الله و بالله کم من نعمة لله في عرق ساکن و غیر ساکن، علی عبد شاکر و غیر شاکر و پس از نماز واجب محاسن [موی صورت] خود را به دست راست خود می‌گیری، و سه مرتبه می‌گویی: اللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي کَرَبِي و عَجِّلْ عَافِيَتِي و اکشف ضرّی. و حریص با شکه این عمل با اشک و گریه همراه باشد.

دوم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: دست بر جای درد بگذار و بگو:

بسم الله و بالله، و محمد رسول الله صلّی الله علیه و آله، و لا حول و لا قوّة الا بالله، اللّٰهُمَّ امسح عَنِّي ما اجد. و سه مرتبه جای درد را به دست راست مسح کن.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1037

سوم: از حضرت باقر علیه السلام روایت شده: امیر مؤمنان علیه السلام بیمار شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به دیدن ایشان رفت و به ایشان فرمود: بگو:

اللّهُمَّ اِنِّیْ اسالک تعجیل عافیتک و صبرا علی بلیّتک، و خروجا الی رحمتک

چهارم: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: دست خود را بر جای درد می گذاری و سه مرتبه می گویی:

اللّهُمَّ اِنِّیْ اسالک بحقّ القرآن العظیم، الّذی نزل به الرّوح الامین، و هو عندک فی امّ الکتاب علیّ حکیم، ان تشفیّی بشفائک و تداوینی بدوائک، و تعافینی من بلائک.

سپس بر محمد و آل محمد صلوات می فرستی. پنجم: از ابو حمزه روایت شده: دردی در زانویم عارض شد، شکایت آن را نزد حضرت باقر علیه السلام بردم، فرمودند: هرگاه نماز بجا آوردی بگو: یا اجود من اعطی، یا خیر من سئل، و یا ارحمن من استرحم، ارحم ضعفی و قلّة حیلّتی، و اعفنی من وجعی. گفت: آن را خواندم و عافیت یافتم. مؤلف گوید: ما در آغاز باب سوم دعاهایی را برای دردها و بیماری ها ذکر کردیم.

فصل نهم: در بعضی حرزها و عوذات است

آنچه در اینجا ذکر می شود شش چیز است: اول: روایت شده: شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام از ابتلای به وحشت و ترس شکایت کرد، حضرت فرمود: آیا شما را به چیزی خبر ندهم که اگر آن را بگویید وحشت نخواهید کرد نه در شب و نه در روز؟ به نام خدا و به خدا، و بر خدا توکل کردم، که هرکه بر خدا توکل کند، خدا او را بس است، به درستی که خدا به پایان رساننده کار خویش است. خدای برای هر چیزی اندازه ای قرار داد، خدایا مرا در حمایت و جوارت و در امان و نگهداری ات قرار ده. روایت شده: مردی سی سال این دعا را می خواند شبی آن را ترک کرد، در آن شب عقرب او را گزید. دوم: کسی که شب را در خانه یا اتاقی تنها به روز آورد، ایه الكرسي بخواند و بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1038

اللّهُمَّ انس وحشتی، و امن روعتی، و اعنّی علی وحدتی.

سوم: روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت حسن و حسین علیهما السلام را به این کلمات تعویذ داد: شما را به کلمات کامل خدا، و همه نامهای نیکوترش جملگی پناه می‌دهم از شرّ هر گزنده و خزنده، و از شرّ هر چشم بدچشم و از شرّ حسود آنگاه که حسد ورزد. آنگاه فرمود: حضرت ابراهیم علیه السلام، اسماعیل و اسحاق را اینچنین تعویذ می‌کرد.

چهارم: روایت شده: اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در بعضی از جنگ‌ها از آزار کیک‌ها خدمت آن حضرت شکایت کردند. فرمود: وقتی به خوابگاه خود می‌روند چنین بخوانند: ای سیاه جهنده‌ای که از هیچ درند و دری باک نمی‌کند، به امّ الکتاب بر تو سوگند می‌دهم اینکه مرا و اصحابم را میازاری، تا شب بروی، و صبح با آنچه آورد بیاید. پنجم: از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده: چون جانور درنده‌ای را مانند شیر و پلنگ و گرگ و امثال آنها دیدی بگو: اعوذ برّ دانیال و الجبّ، من کلّ اسد مستأسد. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: چون جانور درنده دیدی در صورت او آیه الکرسی بخوان و به او بگو:

تو را می‌خوانم به اراده استوار خدا، و اراده محمد (درود خدا بر او و خاندانش)، و اراده سلیمان بن داود، و اراده امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (درود خدا بر او) و امامان پاکیزه (درود خدا بر ایشان) پس از امیر مؤمنان. ان شاء الله از تو روی گردان خواهد شد.

ششم: روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: یا علی هرگاه به مهلکه یا بلایی دچار شدی بگو: بسم الله الرحمن الرحیم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1039

و لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم. به درستی که خدا آنچه را از انواع بلا بخواهد از تو دور می‌کند.

فصل دهم: در بیان چند دعای مختصر که برای حوایج دنیا

و آخرت سودمند است و آنچه در اینجا ذکر می‌گردد سی‌دعاست.

اول: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: بگو: خدایا قرارم ده از تو بترسم چنان‌که گویا می‌بینمت، و باتقوایت خوشبختم نما، و به نشاطم در نافرمانی‌ات بدبختم مکن، و برایم در داوریات خیر قرار ده، و به من در تقدیرت برکت

عنایت کن، تا دوست نداشته باشم دیرکردن آنچه شتاب داری، و شتاب آنچه را به تأخیر انداختی، و بی‌نیازی‌ام را در نهادم قرار ده، و بهرمندم کن به گوش و چشمم، و آن دو را وارث من قرار ده، و بر کسی که بر من ستم روا می‌دارد، یاری‌ام فرما، و درباره او قدرتت را به من بنمایان ای پروردگار من و چشمم را به من آن روشن کن.

دوم: و از آن حضرت نقل شده: بگو: خدای بر هراس روز قیامت مرا یاری ده، و از دنیا سالم بیرون بر، و به همسرم درآور حور العین را، و از هزینه خود و عیالم و مردم کفایت فرما، و مرا به رحمت در بندگان شایسته‌ات وارد کن. سوم: این دعای شریف است که از گناهان حفظ می‌کند، و دربرگیرنده رستگاری در دنیا و آخرت است: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، ای که زیبایی را آشکار کنی، و زشتی را بیوشانی، و از من پرده حرمت را نداری، ای بزرگوار گذشت، ای نیکو درگذرنده، ای فراخ آرمزش، ای به مهر گشاده دو دست، با رحمت، ای صاحب هر راز، ای نهایت هر گلایه، ای بزرگوار چشم‌پوش،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1040

ای بزرگ احسان، ای آغاز کننده هر نعمت پیش از لیاقت آن، ای پروردگار، ای آقا، ای مولا، ای نهایت، ای فریادرس، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و از تو می‌خواهم که مرا در آتش دوزخ قرار ندهی آنگاه از حق تعالی هرچه می‌خواهی بطلب. چهارم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: این دعا را خواند: خدایی تویی مورد اطمینان من در هر اندوه شدیدی، و تویی امید من در هر سختی، و تویی مورد اطمینان و ذخیره‌ام در هر امری که بر من فرود آمد، چه بسیار اندوه شدیدی که دل از آن ناتوان می‌شود، و چاره در آن کم می‌گردد، و خویش و بیگانه به آن کمک نمی‌دهد، و دشمن به خاطر آن زخم‌زبان می‌زند، و کارها در آن خسته‌ام می‌کند، آن را به درگاه تو آوردم، و از آن به تو شکایت نمودم، از غیر تو در آن روگردانم پس آن را گشودی، و برطرف کردی، و مرا از آن کفایت نمودی، پس تویی سرپرست هر نعمت، و صاحب هر حاجت، و نهایت هر رغبت، ستایش بسیار تو راست، و احسان فزون تو راست. مؤلف گوید: این دعا همان دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز بدر و احزاب، و دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام در روز عاشورا است، و جز این دعا دو دعای دیگر از حضرت روایت شده که در روز عاشورا خواندند، یکی دعایی است که به حضرت سجاد علیه السلام تعلیم فرمودند، زمانی که ایشان را به سینه خود چسباند در حالی که از بدن مبارکشان خون می‌جوشید، و این دعا را برای حاجت و نیاز مهم و اندوه و بلای سخت و امر بزرگ دشوار می‌خوانند، و آن دعا این است: به حق یس و قرآن حکیم، و به حق ط و قرآن عظیم، ای که بر نیازهای خوانندگان توانایی، ای که آنچه در

باطن است می دانی، ای خارج کننده غم و اندوه از گرفتاران، ای گشاینده غم از غمناکان، ای رحم کننده به پیرمرد، ای روزی دهنده

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1041

به كودك صغير، ای كه نیاز به تفسیر نداری، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و با من چنین و چنان كن. و حاجت خود را بخواه. پنجم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: دست خود را به جانب آسمان برداشت و گفت: ای پروردگارم هرگز چشم برهم نهاده‌ام مرا به خود وامگذار نه کمتر از این و نه بیشتر ششم: و از آن حضرت روایت شده: این کلمات را می گفت: بر آنچه تابش را ندارم و بر آن توان صبر برانم نیست به من رحم کن هفتم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: بگو: خداوندا به جلال و جمال و کرم از تو می خواهم با من چنین و چنان کنی

هشتم: از فضل بن یونس نقل شده: موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود که بسیار بگو: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْمَعَارِينِ و لَا تَخْرِجْنِي مِنَ التَّقْتَصِيرِ

یعنی: خدایا مرا از کسانی که ایمانشان عاریه و ناپایدار است قرار مده، یا مرا از کسانی که آنها را به خودشان وانهادی، همانند چهارپایی که مهارش را به گردنش افکنند و او را به چرا کردن رها کنند، که هرکاری بخواهد بکند، و هرکجا بخواهد برود و مرا از تقصیر بیرون مکن، یعنی چنان مکن که من خود را مقصّر ندانم، بلکه چنان باشم که همیشه خود را مقصّر در گاه تو بدانم.

نهم: از حضرت باقر علیه السلام روایت شده: حق تعالی مردی از بادیه را به سبب این دو کلمه که به آن دعا کرد آمرزید: خدایا اگر عذابم کنی، من سزاوار آنم، و اگر بیامرزیم تو شایسته آنی.

دهم: از داور رقی روایت شده: از حضرت صادق علیه السلام می شنیدم، بیشتر چیزی که در دعا به آن اصرار می ورزید، خدا را به حق پنج تن: محمد و امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می خواند. یازدهم: از یزید ضایغ روایت شده: به حضرت صادق علیه السلام گفتم: خدا را برای ما بخوان، حضرت این دعا را برای ما خواند: اللَّهُمَّ ارزُقْهُمْ

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1042

صدق الحديث، و اداء الامانة، و المحافظة على الصلوات، اللهم احم حق خلقك ان تفعله بهم، اللهم افعله بهم. دوازدهم: این دعا را که امیر مؤمنان می خواند بخواند:

خدایا به توکل بر خودت، و واگذاشتن به نگاهت، و خشنودی به تقدیرت، و تسلیم در برابر امرت بر من منت گذار، تا شتاب آنچه را تأخیر انداختی، و تأخیر آنچه را در آن شتاب کردی دوست نداشته باشم، ای پروردگار جهانیان.

سیزدهم: روایت شده: جبرئیل خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: پروردگارت می فرماید: هرگاه روزوشی خواستی مرا عبادتی کنی، و حق عبادت را بجا آوری، دستهایت را به جانب من بلند کن و بگو: خدایا ستایش تورا، ستایشی همیشگی با همیشگیات، و ستایش تورا، ستایشی که برایش پایانی جز علم تو نیست، و ستایش تورا، ستایشی که جز خواست تو اندازه ای ندارد، و ستایش تورا، ستایشی که برای گوینده اش پاداشی جز خشنودی تو نیست، خدایا تورا، ستایشی، و هر احسانی، و هر فخری، و هر زیبایی، و هر نوری و هر عزتی، و هر جبروتی، و هر عظمتی، و همه دنیا و همه آخرت، و هر شب و روزی، و همه خلق، و هر خیری به دست تو، و همه امور چه آشکار و چه نهان به سوی تو بازمی گردد، خدایا ستایش تورا، ستایشی ابدی، تو نیکو آزمایشی، بزرگ ثنایی، کامل نعمتی، عادلانه حکمی، شایان عطایی،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1043

نیکو نعمتهایی، معبودی در زمین و معبودی در آسمان، خدایا ستایش تورا، ستایش در هفت آسمان، و ستایش تورا، ستایش در زمین گسترده، و ستایش تورا، ستایش در طاعت بندگان، و ستایش تورا، ستایش در وسعت سرزمینها، و ستایش تورا، ستایش در کوهها آن میخهای زمین، و ستایش تورا، ستایش در شب آنگاه که پوشاند، و ستایش تورا، ستایش در روز هنگامی که روشنی بخشد، و ستایش تورا، ستایش در آخرت و دنیا، و ستایش تورا، ستایش در سوره حمد و قرآن بزرگ، و منزّه است خدا به ستایشش اندرم و همه زمین در روز قیامت در دست اوست، و آسمانها به دست قدرتش پیچیده است، منزّه و برتر است از آنچه شریکش نمایند، منزّه است خدا و به ستایشش اندرم، همه چیز هلاک شونده است جز جلوه او، منزّهی تو پروردگار ما، برتر و خجسته و مقدّسی، همه چیز را به قدرتت آفریدی، همه چیز را با عزّتت مقهور نمودی، و بالای همه چیز فراز آمدی به بلندیات، و بر همه چیز چیره گشتی به نیرویت، و پدید آوردی همه چیز را به حکمت و علمت، و انبیا را برانگیختی با کتابها، و شایستگان را هدایت نمودی به اجازهات، و مؤمنان را تأیید کردی به یاریات، و خلق را مقهور کردی به

سلطنت، معبودی جز تو نیست، یگانه‌ای، برایت شریکی نیست، جز تو را عبادت نمی‌کنیم، و جز از تو نمی‌خواهیم، و رغبتی جز به تو نداریم، تو جایگاه گلایه‌ها، و نهایت رغبت و معبود و مالک همه مایی.

چهاردهم: روایت شده: مردی از طولانی شدن اجابت دعایش نزد امیر مؤمنان علیه السلام شکایت کرد، حضرت فرمود: چرا دعای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1044

سریع‌الاجابه را نمی‌خوانی؟ پرسید کدام دعاست؟ فرمود: بگو: خدایا از تو می‌خواهم به اسم بزرگ بزرگتر محفوظ پنهان نور پایدار برهان آشکار آن که نوری است با نور، و نوری است از نور، و نوری است در نور، و نوری است بر هر نور، و نوری است بالای هر نور، و نوری است که روشنی گیرد به آن هر تاریکی، و با آن هر سختی شکسته شود، و هر شیطان گردنکشی، و هر جبار لجبازی، نوری که هیچ زمینی با وجود آن قرار نگیرد، و هیچ آسمانی با وجود آن نایستد، هر هراسنده‌ای به آن ایمنی یابد، و سحر هر جادوگری به آن باطل می‌شود، و به آن تجاوز هر متجاوز، و حسد هر حسدورزی از بین می‌رود، و در برابر عظمتش خشکی و دریا می‌شکافد، و حمل می‌کند آن را کشتی، زمانی که فرشته به آن سخن می‌گوید، پس برای موج بر کشتی راهی نباشد، و آن نام توسل نام بزرگتر بزرگتر برجسته‌تر برجسته‌تر، نور اکبر، که خود را به آن نامیدی، و با آن بر عرش استوار شدی، و به محمد و اهل بیتش به تو رو می‌کنم و از تو می‌خواهم به حق تو و به حق ایشان اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و با من چنین و چنان کنی. و بجای کذا و کذا حاجت بخواند.

پانزدهم: از عمرو بن ابی المقدام روایت شده: حضرت صادق علیه السلام این دعا را بر من املا کرد، و این دعا جامع دنیا و آخرت است، پس از حمد و ثنای خدای عزّ و جلّ می‌گویی: خدایا تویی خدا، معبودی جز تو نیست، بر دبار و بزرگوار، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، عز و حکیم، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست یگانه و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1045

قهار، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، فرمانروا و جبار، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، مهربان و آمرزشگر، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، سخت قدرت، و تویی خدا معبودی جز تو نیست بزرگ و برتر، و تویی خدا معبودی جز تو نیست شنوا و بینا، و تویی خدا معبودی جز تو نیست توانمند و توانا، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست آمرزنده

و قدردان، و تویی خدا معبودی جز تو نیست، ستوده و بزرگوار، و تویی خدا معبودی جز تو نیست، بی‌نیاز و ستوده، و تویی خدا معبودی جز تو نیست، آمرزنده و دوستدار، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، پرمهر و پر احسان، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، بردبار و جزادهنده، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، بخشنده و شکوهمند، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، یگانه و یکتا، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، پنهان و پیدا، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، آشکار و نهان، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، دانای به هرچیز، کامل است نورت، پس هدایت کردی، و دست لطف را گشودی پس عطا نمودی، پروردگار ما جلوه تو گرامی‌ترین جلوه‌ها است، و سویی‌ات بهترین سویی‌ها است، و بخشش برترین بخشش‌ها، و گوارترین آن‌هاست، پروردگارا اطاعت شوی پس قدردانی کنی، و نافرمانی شوی، پس بیماری هرکه را که بخواهی، درماندگان را اجابت نمایی، و بدی را برطرف کنی، و توبه را بپذیری، و از گناهان گذشت نمایی، عطایات پاداش داده نمی‌شود، و نعمت‌هایت به شماره نیاید، و گفتار

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1046

گوینده‌ای به ثنایت نرسد. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در فرجشان، و آسودگی و راحتی و شادی‌شان شتاب فرما، و طعم فرجشان را به من بچشان، و دشمنان‌شان را از جنّ و انس نابود کن، و به ما در دنیا و آخرت حسنه عنایت فرما، و از عذاب آتش حفظ کن، و ما را از کسانی که خوفی بر آنان نیست، و اندوهگین نمی‌شوند قرار ده، و ما را از کسانی بدار که صبر کردند، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، و مرا در دنیا و آخرت به گفتار ثابت پابرجا دار، و به من برکت ده، در زندگی و مرگ و جایگاه آن جهان، و بازگشت دوباره، و کنار حساب و میزان، و هراسهای روز قیامت، و بر صراط سالم بدار، و از آن بگذرانم، و نصیب من فرما دانش سودمند و یقین صادقانه و تقوا و نیکی و پارسایی و بیم از خود، و ترسی که مرا به مقام قرب تو برساند و از تو دورم نسازد، و دوستم بدار، و دشمنم مدار، و سرپرستم باش، و مرا وا مگذار، و از همه خیر دنیا و آخرت، آنچه که از آن دانستم و ندانستم به من عطا فرما، و از همه بدیها به تمامی اش آنچه را از آن دانستم و ندانستم پناهم ده. شانزدهم: از معاویه بن عمار نقل شده:

به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: آیا مرا به آموختن دعایی اختصاص نمی‌دهی؟ فرمود: چرا، بگو: ای یگانه، ای بزرگوار، ای یکتا، ای بی‌نیاز، ای که نژاد، و زاده نشده، و احدی همتایش نیست، ای عزیز، ای بزرگوار، ای پرمهر، ای شنوای دعاها، ای بخشنده‌ترین کسی که درخواست شد، ای بهترین کسی که عطا کرد، ای خدا ای خدا ای خدا، فرمودی:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1047

نوح ما را خواند، پس، چه خوب پاسخگویی بودم. آنگاه حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله می گفت:

آری همانا تو خوب پاسخ گویی هستی، و خوب خوانده شده ای می باشی، و خوب درخواست شده ای، به نور جلوه ات از تو می خواهم، به عزت و قدرت و جبروت از تو می خواهم، به ملکوت و دژ محکم و جمع و همه پایه های از تو درخواست می کنم، و به حق محمد و به حق جانشینان پس از محمد اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و با من چنین و چنان کنی هفدهم: روایت شده: شخصی از مردم کوفه معروف به ابو جعفر، به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: به من دعایی بیاموز، که آن را بخوانم، فرمود: بگو: ای که برای هر خیری امیدوار به اویم، ای که نزد هر دشواری از خشمش ایمنم، ای که در برابر اندک، بسیار عطا می کند، ای که هر که از او خواست، از روی مهر و رحمتش بخشید، ای که هر که از او نخواست، و او را نشناخت عطا فرمود، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به درخواستم از همه خیر دنیا، و همه خیر آخرت به من عطا کن، زیرا کاستنی نیست آنچه را که به من عطا کنی، و از فراخی فضلت به من بیفزای کریم. هجدهم: روایت شده: حضرت باقر علیه السلام این دعا را به برادرش عبد الله بن علی تعلیم فرمود:

خدایا گمانم را رفعت ده، تا از مرحله سوء ظن به فضای حسن ظن بالا رود، و درباره من دشمنی و حسودی را به طمع مینداز، و مرا در حال ایستاده و نشسته، و در بیداری و خواب حفظ فرما، خدایا مرا بیامرز، و به من رحم کن، و مرا به راه استوارترت هدایت فرما، و از سوزش دوزخ حفظ کن، و سنگینی بدهی و گناه را از من فرو ریز، و مرا از خوبان جهان قرار ده. نوزدهم: روایت شده:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1048

این دعای إلحاح [پافشاری در طلب] است: خدایا پروردگار آسمانهای هفتگانه، و آنچه در میان آنهاست، و پروردگار عرش بزرگ، و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و پروردگار قران با عظمت، و پروردگار محمد خاتم پیامبران، از تو درخواست می کنم به حق آنچه آسمان به آن می ایستد، و زمین به آن می ایستد، و با آن بین جمع را جدایی می اندازی، و با آن میان پراکنده را جمع می نمایی، و با آن به زنده ها روزی می دهی، و با آن عدد ریگ ها و وزن کوه ها و پیمانه دریاها را شماره کردی سپس بر محمد و آل محمد صلوات می فرستی، و حاجت خود را می خواهی، و در طلب حاجت پافشاری و اصرار می ورزی بیستم: از ثقه جلیل ابن ابی یعفور روایت شده: حضرت صادق علیه السلام این دعا را می خواند: خدایا دلم را از محبت، و خشیت، و تصدیق و ایمان به حقیقت، و هراس از حضرتت، و شوق به سویت پر کن، ای صاحب عظمت و اکرام، خدایا لقاییت را محبوب من گردان، و در لقاییت بهترین رحمت و برکت را برای من قرار ده، و مرا به شایستگان پیوند، و همراه اشرار در پیام مینداز، و به شایستگی که درگذشتند برسان، و با شایستگی که مانده اند قرارم

ده، و مرا به راه شایستگان ببر، و مرا بر خویشتن یاری ده، و آنطور که شایستگان را بر خویشتنشان یاری می دهی، و مرا در آن بدی که از آن نجاتم دادی باز مگردان، ای پروردگار جهانیان، از تو ایمانی می خواهم، که برایش مدتی جز لقای تو نباشد، بر آن زندهام بداری و بمیرانی، و مرا بر آن برانگیزانی زمانی که بر می انگیزیم، و دلم را از ریا و شهرت طلبی،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1049

تردید در دینت پاک کن، خدایا به من عطا کن، پیروزی در دینت، و نیرو در عبادتت، و فهم در آفرینشت، و دو بهره از رحمتت، و رویم را به نورت سپید کن، و شوقم را در آنچه نزد توست قرار ده، مرا در راه خود بر پایه آیینت و آیین رسولت بمیران، خدایا از بی حالی و پیری و ترس و بخل و بی خبری و سنگدلی و سستی و مسکنت به تو پناه می آورم، ای پروردگارم، از نفسی که سیر نمی شود، و قلبی که بیم نمی کند، و دعایی که اجابت نمی شود، و نمازی که سود نمی بخشد به تو پناه می آورم، و خود، و خاندان و فرزندانم را از شیطان رانده شده به پناه تو می دهم، خدایا احدی جز تو مرا پناه ندهد، و من جز تو پناهگاهی نمی یابم، پس مرا وا مگذار، و به هلاکت باز مگردان، و به عذاب رد مکن، پایداری در دینت، و تصدیق به کتابت، و پیروی رسولت را از تو می خواهم، خدایا مرا به رحمت یاد کن، و به خطایم یاد مکن، و از من بپذیر، و از فضلت بر من بیفزا، من مشتاق توام، خدایا پاداش گفتارم و ثواب مجلسم را خوشنودیات از من قرار ده، و عمل و دعایم را برای خود خاص گردان. و به رحمت پاداشم را بهشت قرار ده، و همه آنچه از تو خواستم را برانم جمع کن، و از فضلت بر من بیفزا، من مشتاق توام. خدایا ستارگان پنهان شدند، و دیده ها به خواب رفتند، و تو زنده و پابنده ای، شب تاریک از تو چیزی را نمی پوشاند، و نه آسمانها دارای برجها، و نه زمین دارای گسترده گی،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1050

و نه دریای ژرف، و نه تاریکیهایی که بعضی بالای بعضی دیگرند رحمت را شبانه بر هر که از بندگانت بخواهی فرو می فرستی، خیانت دیده ها را، و آنچه سینه ها پنهان می کند می دانی، گواهی می دهم به آنچه خود بر خود گواهی دادی، و فرشتگانت و صاحبان دانش گواهی دادند، که معبودی جز تو نیست، عزیزی و حکیم، و هر که گواهی نداد به آنچه بر خود گواهی دادی و فرشتگانت و صاحبان دانش گواهی دادند، گواهی مرا به جای گواهی او بنویس، خدایا تویس سلام، و از توست سلام، از تو می خواهم ای دارای شوکت و اکرام، اینکه مرا از آتش دوزخ برهانی. مؤلف گوید: این دعا را شیخ طوسی در کتاب «مصابح» بعد از رکعت چهارم نافله شب ذکر فرموده: و علامه مجلسی روایتی از حضرت صادق

علیه السّلام نقل کرده: این دعا را در نماز وتر بخوان. بیست و یکم: روایت شده: این دعای ابوذر است که جبرئیل درباره آن به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد:

نزد اهل آسمان دعایی معروف است: اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ الْاَمْنَ وَالْاِیْمَانَ وَالتَّصْدِیْقَ بِنَبِیِّكَ وَ الْعَافِیَةَ مِنْ جَمِیْعِ الْبَلَاءِ، وَ الشُّكْرَ عَلَی الْعَافِیَةِ وَ الْغِنَى عَنْ شَرَارِ النَّاسِ. بیست و دوم: از ابو حمزه روایت شده: این دعا را از حضرت باقر علیه السّلام گرفتم، و آن حضرت این دعا را جامع می نامید: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، به خدا، و همه فرستادگانش، و همه آنچه که بر تمام فرستادگان نازل شد ایمان آوردم، و اینکه وعده خدا، و لقایش حق است، و خدا راست گفت و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1051

فرستادگان رساندند، و سپاس خدای را پروردگار جهانیان. و تنزیه خدای را هر زمان که چیزی خدا را تنزیه کند، و آنچنان که خدا دوست دارد تنزیه شود، و ستایش خدای را، هر زمان که موجودی او را ستایش کند، و آنچنان که خدا دوست دارد ستایش شود، و معبودی جز خدا نیست هر زمان که چیزی خدا را تهلل کند، و آنچنان که خدا دوست دارد تهلل شود، و خدا بزرگتر است، هر زمان که چیزی خدا را بزرگ شمارد، و آنچنان که خدا دوست دارد بزرگ شمرده شود. خدایا از تو می خواهم، کلیدهای خیر و انجامهای را، و فراوانی و فایده ها و برکاتش را، و آنچه به دانستنش دانشم رسید، و آنچه قدرت حافظه ام از شماره اش کوتاه آمد، خدایا اسباب شناختش را برام روشن کن، و درهایش را برام بگشا، و برکات رحمت را بر من بپوشان، و به بازدارندگی از برکنار شدن از دینت بر من منت گذار، و دلم را از شكّ پاک فرما، و قلبم را به دنیایم، و زودگذر زندگی ام را از دیر رسیدن پاداش آخرتم سرگرم مکن، و دلم را به نگهداری آنچه ندانستنش را از من نپذیری مشغول کن، و زبانم را برای هر خیر رام کن، و دلم را از ریا پاک گردان، و آن را در مفاصلم جریان مده، و علمم را برای خویشتن خالص گردان.

خدایا به تو پناه می آورم، از شرّ، و انواع همه کارهای زشت، آشکار و نهانش، و غفلتهایش، و همه آنچه شیطان رانده شده مرا به آن قصد می کند، و آنچه سلطان لجباز مرا به آن اراده می نماید، از آنچه به دانستن آن احاطه داری، و حضرتت به بازگرداندنش از من توانایی، خدایا به تو پناه می آورم از راهزنان شبانه جنّ و انس، و پرخاش جوی هایشان، و شرورشان، و توطئه هایشان، و حضورگاههای بدکاران جنّ و انس، و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1052

و اینکه از دینم لغزنده شوم، در نتیجه آخرتم تباه گردد، و اینکه این امر از جانب آنان زبانی در زندگی‌ام باشد، یا مرا از سوی ایشان بلایی عارض شود، که طاقتش را ندارم، و شکیبایی تحملش برام نیست، بنابر این ای معبود من به رنج آن دچارم مساز، تا از یادت بازم دارد، و از عبادت مانعم شود، از همه اینها تنها تویی نگهدار، بازدارنده، دورکننده نگاهبان، خدایا رفاه در زندگی را تا زنده‌ام داری از تو می‌خواهم، آن زندگی که به وسیله آن بر طاعت نیرومند شوم، و با آن به خوشنودی‌ات دست یابم، و فردا به سبب آن به سوی خانه زندگانی جاودان بروم، مرا رزقی روزی مکن که به طغیانم افکند، و به فقری دچار مساز که به سبب آن بدبخت شوم، درحالی که زندگی بر من تنگ گرفته شود، در آخرتم بهره شایان به من عطا فرما، و در دنیایم معاش گسترده گوارای لذیذ به من مرحمت کن، دنیا را زندان من مساز، و فراقش را برای من سبب اندوه مکن، از فتنه‌هایش پناهم بده، عملم را در آن پذیرفته، و کوششم را قدردانی شده قرار بده، خدایا و هرکس مرا به بدی اراده کرده، به ماندش او را اراده کن، و هرکه درباره‌ام بداندیشی نموده، تو هم با او چنان کن، و اندوه کسی که اندوهش را بر من وارد نموده از من بازگردان، و با هرکه مکرم کند مکر کن، که تو بهترین مکر کنندگانی، دیدگان کافران ستمگر، و سرکشان حسود را نسبت به من کور کن، خدایا از جانب خود آرامش بر من فرو فرست، و زره محکمت را به من بپوشان، و مرا به پوشش نگهداریت نگاه بدار، و عافیت سودمندت را در بر من کن، و گفتار و کردارم را تصدیق کن، و مرا در فرزند و خاندان و دارایی‌ام برکت ده، خدایا آنچه پیش فرستادم، و پس از این

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1053

می‌فرستم، و آنچه در آن غفلت ورزیدم، و آنچه عمد داشتم و سستی کردم، و آشکار نموده، و پنهان کردم، برام بیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان. بیست و سوم: از محمد بن مسلم روایت شده: حضرت باقر علیه السلام فرمود بخوان:

خدایا در روزی‌ام بر من وسعت ده، و عمرم را طولانی کن، و گناهانم را بیامرز، و مرا از کسانی قرار ده که به آنها دینت را یاری دهی، و مرا با دیگری جایگزین مکن. بیست و چهارم: روایت شده: حضرت صادق علیه السلام این دعا را می‌خواندند: ای آن که اندک را قدردانی می‌کنی، و از بسیار، درمی‌گذری، و او آمرزنده و مهربان است، گناهای را که خوشی‌هایش از میان رفته، و مکافاتش همچنان مانده برام بیامرز. بیست و پنجم: آن حضرت این دعا را می‌خواندند: ای نور، ای بسیار مقدس، ای آغاز آغازها، و ای پایان پایانه‌ها، ای بخشاینده، ای مهربان، برام بیامرز گناهای را که نعمتها را دگرگون می‌سازد، و گناهای را که انتقامها را فرود می‌آورد، و گناهای را که پرده‌ها را می‌برد، و

گناهانی را که بلاها را نازل می‌نماید، و گناهانی را که دشمنان را پیروز می‌کند، و گناهانی را که نابودی را زود می‌آورد، و گناهانی را که امید را قطع می‌کند، و گناهانی را که هوا را تاریک می‌کند، و گناهانی را که پرده‌های حرمت را کنار می‌زند، و گناهانی را که دعا را باز می‌گرداند، و گناهانی را که از باران آسمان پیش‌گیری می‌کند. بیست‌وششم: و نیز این دعا از آن حضرت نقل شده:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1054

یا عدّتی فی کربتی، و یا صاحبی فی شدّتی، و یا ولیّ فی نعمتی، و یا غیاثی فی رغبتی و آن حضرت فرموده: این دعا دعای امیر مؤمنان علیه السّلام است: خدایا آثار را نوشتی، و اخبار را دانستی، و بر اسرار آگاه شدی، و میان ما و دلها پرده شدی، پنهان نزد تو آشکار است، دلها به درگاهت راز گشاده‌اند، و تنها فرمانت برای چیزی آنگاه که آن را اراده کنی، این است که به او بگویی باش، پس بشود، بنابر این از باب رحمت به طاعتت بگو در هر عضوی از اعضای من وارد شود، و از من جدا نشود، تا تو را ملاقات کنم، و از باب رحمت به معصیتت بگو از هر عضوی از اعضای من خارج شود، و به من نزدیک نگردد تا تو را ملاقات کنم، و از دنیا نصیبم ده، و در آن بی‌رغبتم کن، و از آن درحالی که رغبت در آن دارم محروم منما، ای بخشاینده. بیست‌وهفتم: علی بن ابراهیم از پدرش، از ابن محبوب، از علاء بن رزین، از عبد الرحمن بن سیّابه روایت کرده: حضرت صادق علیه السّلام این دعا را به من عطا فرمود: ستایش خدای را، سرپرست ستایش و شایسته ستایش و نهایت و جایگاه آن است، اخلاص ورزید آن که یگانه‌اش دانست، و ره یافت آن که او را پرستید، و رستگار شد آن که از او اطاعت نمود، و چنگ زنده به او ایمنی یافت، خدایا ای دارای بخشش و بزرگواری، و ثنای نیک و ستایش، از تو می‌خواهم، خواستن کسی که با تمام وجودش برایت فروتن گشته، و خود را در برابر خوار نموده، و چهره‌اش را برایت به خاک ساییده، و جانش را برایت به خواری افکنده، و اشکهایش از بیمت جاری گشته، و سرشکش پیایی ریزان شده، و به گناهانش در برابرت اعتراف کرده، و خطایش او را نزد تو رسوا نموده،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1055

و جنایتش او را نزد تو زشت ساخته، پس کنار این امور نیرویش ضعیف شده، و چاره‌اش کم گشته، و وسایل نیرنگهایش از او بریده، و هر باطلی از او پاشیده شد، و گناهانش او را به خواهی مقامش در برابرت، و خضوع در پیشگاهت، و زاری به سویت وادار نموده است، از تو می‌خواهم خدایا، خواستن آن که به منزله اوست، به تو رغبت می‌نمایم مانند رغبت او، و زاری می‌کنم به پیشگاه تو مانند زاری او، و ناله می‌کنم به درگاهت به شدیدترین ناله او، خدایا به درماندگی

گفتم، و خواری مقام و جایگاهم، و به خضوع به درگاهت با همه وجودم رحم کن، از تو می‌خواهم خدایا، هدایت از گمراهی را، و بینایی از کوردمی را، و رشد از بیراهه را، و از تو می‌خواهم خدایا ستایش بسیار را هنگام آسایش، و صبر زیباتر را به گاه مصیبت، و شکر برتر را در جایگاه شکر، و تسلیم تو شدن را به هنگام شبهه‌ها، و از تو می‌خواهم نیرومندی در طاعت، و سستی از معصیت، و گریز به سویت را از خویش، و تقرّب به حضرتت را پروردگارا تا راضی شوی، و جستجو کردن از هرچه که تو را از من خشنود می‌سازد، در به خشم آوردن بندگان، از روی طلب خشنودی‌ات پروردگارا به که امید بندم، اگر به من رحم نکنی، یا که از من احوال گیرد، اگر مرا دورم کنی، یا کیست که گذشتش به من سود دهد، اگر تو مجازاتم نمایی، یا کیست که عطاهایش را آرزو کن، اگر محرومم کنی، یا کیست که کرامتم را بهدست گیرد، اگر تو مرا پست نمایی، یا کیست که سبک داشتنش به من زیان رساند، اگر تو مرا گرمی داری؟ پروردگارا چه بد است رفتارم، و چه زشت است کردارم، و چه دراز است آرزویم، و چه

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1056

کوتاه است عمرم، و چه گستاخم بر نافرمانی کسی که مرا آفرید؟ پروردگارا، چه نیکوست آزمایشت پیش من، و آشکار است نعمتهایت بر من، نعمتهایت بر من زیاد شد، نمی‌دانم آنها را شماره کنم، و در آنچه سزاوار احسانم کردی سپاسم کم شد، به نعمتها راه فساد پیش گرفتم، و خود را در معرض انتقام قرار دادم، از ذکر غافل شدم پس از دانایی به مرکب نادانی سوار گشتم، از عدالت به سوی ستم گذشتم، و از نیکی به گناه تجاوز کردم، و از ترس از عاقبت و اندوه بر خود به دنیای لُهو و بازی بازگشتم، پس چه کوچک است خوبی‌هایم، و کم است در برابر کثرت گناهانم، و چه بزرگ است آنها در کنار کوچکی خلقتم، و سستی بنیادم؟ پروردگارا چه دراز است آرزویم، در برابر کوتاهی عمرم، و چه کوتاه است عمرم در برابر دوری آرزویم، و چه زشت است باطنم در برابر ظاهرم؟ پروردگارا حجتی ندارم اگر احتجاج کنم، و عذر قابل قبولی برایم نیست، اگر عذرخواهی کنم، و سپاسی نزد من نیست اگر آزمایش شوم یا مورد احسان قرار گیرم، اگر بر سپاس آنچه به من احسان کردی یاری‌ام ندهی، پروردگارم فردای قیامت چه سبک است میزان کارهایم اگر ان را سنگین نکنی، و چه لغزان است زبانم، اگر استوارش ننمایی، و چه سیاه است رویم اگر سپیدش نکنی، پروردگارا چه کنم با گناهانم که از من سرزده و پایه‌های هستی‌ام در برابر آنها درهم شکسته، چگونه شهوات دنیا را طلب می‌کنم، و بر محرومیت از آنها می‌گیرم، درحالی که نمی‌گیرم و شدید نمی‌شود حسرت‌هایم بر عصیان و تقصیر؟ پروردگارا داعیان دنیا و دعوت کردند، با

شتاب اجابت نمودم، و به میل و رغبت به آن دل بستم، داعیان آخرت دعوت نمودند، از آن باز ماندم ماه از پاسخ دادن و شتاب به سوی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1057

آن کندی کردم، چنان که به جانب دواعی دنیا، و کالای پوسیده اش، و گیاه فناپذیرش، و نمای از بین رنده اش شتافتم!!
 پروردگارا مرا بیم دادی و تشویق نمودی، و بر من به بندگی ام احتجاج کردی، و عهده دار روزی ام شدی، به نادرستی از بیمت ایمن شدم، و از تشویقت بازماندم، و بر ضمانت اعتماد نکردم، و احتجاجت را سبک انگاشتم!! خدایا ایمنی ام را از تو در این دنیا هراس قرار ده، و بازماندم را به شوق تبدیل کن، و سبک شمردم را نسبت به حجتت به بیم از خودت بازگردان، سپس از روزی ات به آنچه نصیب من نموده ای خوشنودم کن، ای بزرگوار، از تو می خواهم به حق نام بزرگت، خوشنودی ات را هنگام خشم، و گشایش را زمان گرفتاری، و نور را به گاه تاریکی، و بصیرت را وقت مشته شدن فتنه، پروردگارا سپرم را از خطاهایم محکم گردان، و درجاتم را در بهشت بلند فرما، و همگی اعمال را پذیرفته قرار ده، و حسنامم را چند برابر و پاک گردان. به تو پناه می آورم از همه فتنه ها چه آنچه آشکار است چه پنهان، و از خوراکیها و آشامیدنی های فاخر و گران قیمت، و از شر آنچه می دهم، و نمی دهم. و به تو پناه می آورم، از اینکه بخرم نادانی را به دانش، و جفا را به بردباری، و ستم را به عدالت، و قطع رحم را به نیکی، و بی تابی را به شکیبایی، و هدایت را به گمراهی، و کفر را به ایمان.

مؤلف گوید: این دعا مشتمل بر مضامین بلندی است، و عبد الرحمن بن سیاه همان کسی است، که حضرت صادق علیه السلام او را وصیت سودمندی فرموده که بیانش در اینجا شایسته است، عبد الرحمن نقل کرده: وقتی پدرم سیاه از دنیا رفت، مردی از دوستانش در منزل ما را کوید، من به سویش رفتم، به من تسلیت گفت سپس پرسید: پدرت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1058

چیزی برای شما گذاشته؟ گفتم: نه! کیسه ای که هزار دهم در آن بود به من داد و گفت نیکو محافظت کن و با آن به کسب معاش برخیز، من خوشحال شده، نزد مادرم رفتم، و او را به این مسئله خبر دادم، در پایان آن روز نزد یکی از دوستان پدرم رفتم که برای من کسی مهیا کند، او برایم سرمایه ای از جامه های ساری خرید، در مغازه ای نشستم، و مشغول کسب شدم حق تعالی مرا از آن کسب خیر بسیاری نصیب فرمود، وقت حج رسید، به قلبم افتاد به حج روم، نزد

مادر رفته و او را به حج رفتنم خبر کردم، مادر گفت هزار دهم آن مرد را بازگردان، پول آن مرد را تهیه و به او پرداختم، مانند اینکه پول را به و بخشیدم خوشحال شد و لی به من گفت: شاید پولی که به تو دادم کم بوده، و نتوانستی با آن کسب کنی، اگر خواهی بیش از این در اختیارت بگذارم، گفتم نه، قصد حج دارم، خواستم پول شما را بازگردانم، به مکه رفتم، اعمال حج را بجا آوردم، به مدینه شرفیاب شدم و با گروهی از مدرم در وقتی که اذن عام می دادند خدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم، چون جوان بودم و ناشناخته، آخر جمعیت نشستم، مردم شروع به پرسش کردند، و حضرت پاسخ آنان را لطف می فرمود، پس از گرفتن جواب می رفتند، تا جمعیت کم شد، حضرت به جانب من اشاره کردند و فرمودند: آیا حاجتی داری؟ گفتم: فدایت شوم، من عبد الرحمن بن سیابه هستم. احوال پدرم را پرسیدند. گفتم: از دنیا رفت، محزون و غمگین شدند، گویا حضرت را دردی گرفت، فرمودند: خدا او را رحمت کند. پرسیدند: چیزی گذاشت؟ گفتم: نه.

فرمودند: از کجا توانستی به حج بیایی؟ قصه آن مردی را که هزار درهم به من داد شروع کردم، حضرت فرصت تمام کردن قصه را ندادند و فرمودند: حج آمدی، هزار درهم آن مرد را چه کردی؟ گفتم: به صاحبش بازگردانم. فرمود:

احسنت، سپس فرمود: آیا تو را وصیتی نکنم؟ گفتم: چرا، فرمودند: به راستی در گفتار، و ادای امانت ملازمت کن تا با مردم در اموالشان شریک شوی، آنگاه بین دو انگشت خود را جمع کرد، یعنی اگر گفتارت صادقانه شد، و دروغ نگفتی، و خلاف وعده نکردی، و در موعد معینی که وعده کردی مال مردم را بازگردانی، و حق مردم را نخوری از مردم هرچه بخواهی به تو می دهند، روی این حساب، به خاطر امانت و صداقتی که در تو وجود دارد شریک مردم در اموالشان می شوی. من این وصیت را از حضرت حفظ کردم، یعنی به آن عمل کردم، و آنقدر مال یافتم که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1059

زکات سیصد هزار دهم را پرداختم. در روایت دیگری وارد شده: این دعای حضرت علی بن الحسین علیه السلام است و در پایانش این اضافه قرار دارد: امین رب العالمین.

بیست و هشتم: از ابن محبوب روایت شده: حضرت صادق علیه السلام این دعا را تعلیم شخصی فرمود که بخواند: خدایا از تو می خواهم به حق رحمت که به آن نرسند جز به خشنودی تو و خارج شدن از همه نافرمانیهای و ورود در هر آنچه که تو را خشنود می سازد، و نجات از هر چاه هلاکتی، و بیرون شدن از هر گناه کبیره ای که عمدی آن را از من به میان آورده، یا خطایی مرا به آن لغزانده، یا وسوسه های شیطان به خاطرم افکنده، از تو هراسی می خواهم که مرا به وسیله آن بر

مرزهای خشنودیات بازداري، و با آن هر شهوتي را از من كه هوسم آن را به خاطر اندازد و به آن رأيم لغزانده شود تا از مرز حالات درگذرم پراكنده نمائي، خدايا از تو مي‌خواهم به نيكوترين چيزي كه از من مي‌داني از من بپذيري، و به هرچه كه از من مي‌داني، يا خطا كنم از آنجا كه نمي‌دانم، يا از آنجا كه مي‌دانم واگذاري، از تو مي‌خواهم وسعت در روزي، و قناعت بر مقدار كفاف، و درآمدن با منطق روشن از هر شبهه، و درستي در هر دليل، و راستي در همه ميدانها و انصاف دادن به مردم از جانب خود، در آنچه به زيان يا سود من است، و فروتنی در دادن انصاف در تمام مراحل خشم و خشنودی، و ترك تجاوز چه اندك و چه بسيارش از جانب خود در گفتار و كردار، و تمام كردن نعمتهايت در همه چيز، و سپاس گذاريات بر آنها، تا خشنود شوي و فوق خشنودي، و از تو خير مي‌خواهم در هرچه در آن خير است، به تمام كارهاي آسان

ترجمه مفاتيح الجنان، ص: 1060

نه به دشوارش، اي بزرگوار، اي بزرگوار، در كاري كه در آن تندرستي كامل و گشايش است برايم بگشا، و درش را برايم بگشا، و بيرون آمدنش را برايم آسان كن، و هر كه را از بندگان مقدر نموده‌اي بر من قدرتي داشته باشد، گوشش و چشمش، و زبانش و دستش را از من باز گير، و او را از جانب راست و چپ و پشت سر و پيش رويش بگير، و از اين كه به من بدی برساند باز بدار، پناهنده‌ات عزيز است، و ثنای جلوه‌ات بس برجسته است، معبودی جز تو نيست، تو پروردگار مني، و من بنده توام، خدايا تو در هر گرفتاري اميد مني، و در هر سختي اطمينان مني، و تو در هر حادثه‌اي كه بر من وارد شود، براي من تكيه‌گاه و ذخيره‌اي، چه بسا گرفتاري كه دل از آن ناتوان شود، و چاره در آن گم گردد، و دشمن به آن شتمانت نمايد، و مرا در آن گرفتاري، وسايل به زحمت اندازند. آن را نزد تو آوردم، و شكايتم را نزد تو نمودم، در آن از غير تو به تو رغبت دارم، به تحقيق آن را گشودي، و از آن كفايت كردي پس تويي سرپرست هر نعمت، و ياور هر حاجت، و نهايت هر رغبت، ستايش بسيار توراست، و احسان برتر از آن توست بيست و نهم: به سند معتبر روايت شده: حضرت صادق عليه السلام اين دعا را به ابو بصير تعليم داد كه بخواند:

خدايا از تو مي‌خواهم، گفتار توبه‌كاران و عملشان را، و نور پيامبران و صدقشان را، و نجات جهادكنندگان و پاداششان را، و شكر برگزيدگان و خيرخواهي‌شان را، و كردار ذاكran و يقينشان را، و ايمان دانشمندان و فهمشان را، و بندگي فروتنان و تواضعشان را، و حكم فقيهان و روششان را، و ترس پرهيزگاران و

ترجمه مفاتيح الجنان، ص: 1061

شوقشان را، و باور مؤمنان و توکلشان را، و امید نیکوکاران و نیکوکاریشان را، خدایا از تو می‌خواهم پاداش شاکران، و مقام مقربان، و رفاقت پیامبران را، خدایا از تو می‌خواهم ترس کارکنان برایت، عمل بیم‌داران از حضرتت، و خشو عابدان درگاهت، و یقین متوکلان بر ذاتت، خدایا به حاجتم دانایی بی‌آنکه آموخته باشی، و تو به برآوردنش بدون هیچ زحمتی توانایی، و تویی که هیچ سائلی خسته‌ات نکند، و عطابخشی از تو نگاهد، و گفتار گوینده‌ای به ستایشش نرسد، تو چنان که خود می‌گویی، و برتر از آن که ما می‌گوییم، خدایا برایم گشایش نزدیک و پاداش بزرگ و پرده‌پوشی زیبا قرار بده، خدایا تو می‌دانی که من با وجود ستم بر نفسم، و زیاده‌روی به زیان خوشنتم، برای تو ضدی و همتایی و فرزندی برنگرفتم، ای که درخواستها او را به اشتباه نیندازد، و ای که چیزی از چیزی سرگرمش نکند، و نه گوش‌دادنی از گوش‌دادنی دیگر، و نه دیدنی از دیدنی دیگر، و اصرار اصرارکنندگان به ستوهش نیاورد، از تو می‌خواهم در این ساعت از جایی که گمان می‌برم، و از جایی که گمان نمی‌برم به من گشایش دهی، تو استخوانها را زنده می‌کنی درحالی که پوسیده است، زیرا تو بر هرچیز توانایی، ای که سپاسم برای او کم شد ولی محرومم نکرد، و خطایم بزرگ شد ولی رسوایم ننمود، و مرا بر انجام گناهان دید ولی دست رد به سینه‌ام نزد، و مرا آفرید برای آنچه مرا برای آن آفرید ولی رفتاری غیر از آنچه برای آن آفرید انجام دادم، پس چه خوب مولایی هستی تو ای آقای من، و بد بنده‌ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1062

هستم من، مرا یافتی، و چه خوب جوینده‌ای هستی تو ای پروردگارم، و چه بدطلب شده‌ای هستم که مرا یافتی، بنده توام، فرزند بنده‌ات، فرزند کنیزت پیش روی توام، آنچه خواهی انجام دهی، خدایا آوازاها خاموش شد، و جنبشها آرام گرفت، و هر دوستی با دوستش خلوت کرد، و من با تو خلوت گزیدم، تو محبوب منی، پس در این شب خلوتم را با حضرتت، آزادی‌ام از آتش قرار ده، ای که برای دانشمندی برتر از او صفتی نیست، ای که برای مخلوقی در برابرش عزتی نمی‌باشد، ای آغاز پیش از هر چیز، و ای پایان پس از هرچیز، ای که عنصر و ماده‌ای برایش نیست، ای که برای پایانش فنايي وجود ندارد، ای کامل‌ترین وصف شده، ای باگذشت‌ترین عطاکننده، ای که به هر زبانی خوانده شود می‌فهمد، ای که گذشتش دیرینه، و حمله‌اش سخت، و فرمانروایی‌اش استوار است، از تو می‌خواهم به حق نامی که با آن بی‌پرده با موسی سخن گفتی، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای که معبودی جز تو نیست، خدایا تو بی‌نیازی، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا به رحمت وارد بهشت کنی. سی‌ام: از یونس روایت شده: به حضرت رضا علیه السلام عرضه داشتم: به من دعای کوچکی بیاموز.

فرمود: بخوان: یا من دلّی علی نفسه، و ذلّ قلبی بتصدیقہ، اسالك الامن و الايمان.

باب پنجم:

در بیان بعضی از حرزها و دعا‌های مختصر این حرزها و دعاها از کتاب «مہج الدعوات» و «مجتبی» که هر دو از نوشته‌های رضی الدین سید ابن طاووس هستند انتخاب شده‌اند.

اول: از حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام روایت شده: حضرت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ بہ امیر مؤمنان فرمود: هرگاه برای تو امر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1063

دشواری پیش آمد بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَنْجِیَنِ مِنْ هَذَا الْغَمِّ. دوم: حرز حضرت فاطمه علیها السلام: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، ای زنده، ای پاینده، به رحمت فریادرسی می‌طلبم، پس به فریادم برس، و مرا هرگز چشم‌برهم‌نهادنی به خود وامگذار، و همه کارهایم را اصلاح فرما. سوم: حرز حضرت زین العابدین علیہ السلام: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، به نام خدا و به خدا، دهانهای جنّ، و انس و شیاطین و جادوگران و ابلیسان از جنّ و انس و پادشاهان و هرکه به آنها پناه می‌برند بستم به خدای عزیز عزیزتر و به خدای بزرگ بزرگتر، به نام خدای ظاهر باطن مستور محفوظ که بر پا کرد به آن آسمانها و زمین را، سپس بر عرش مستولی شد، به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، عذاب بر آنان واقع شد، به خاطر ستمی که روا داشتند، پس آنان سخن نمی‌گویند. به آنان گفت همچون سگ در دوزخ دور شوید و سخن نگوئید، و فروتن شد چهره‌ها برای آن زنده پاینده. و به تحقیق محروم شد آن که بار ستم به دوش کشید، آهسته شد صداها در برابر خدا، پس نشنوی مگر صدای پنهان و بر قلوب کافران پرده نهادیم، بازدارنده از اینکه قرآن را بفهمند، و در گوشه‌هایشان سنگینی، زمانی که پروردگارت را در قرآن به تنهایی یاد کنی، به خاطر رمیدگی از حق روی به پشت بازگردانند، زمانی که قرآن بخوانی، بین تو و آنان که ایمان به آخرت ندارند، پرده پوشیده‌ای قرار می‌دهیم، و از پیش رویشان سدّی و از پشت سرشان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1064

سَدّ می گذاریم، پس آنان را پوشانیدم، در نتیجه حق را نمی بینند، امروز بر دهانهایشان مهر می زنیم، و دستهایشان با ما سخن گویند، پس خود آنان سخن نگویند، اگر همه آنچه در زمین خرج می کردی، نمی توانستی بین دلهایشان الفت پدید آوری ولی خدا میان آنان الفت برقرار کرد، به درستی که او عزیز و حکیم است، و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش.

چهارم: حرز حضرت صادق علیه السلام: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، ای آفریننده مخلوقات، و ای گسترنده روزی، و ای شکافنده دانه، و ای آفریننده تنفس کنندگان، و زنده کننده مردگان، و میراننده زندگان، و همیشه پایدار، و برآورنده گیاه با من آن کن که تو شایسته آنی، و با من آن مکن که من سزاوار آم، و تو اهل پروا و اهل آمرزشی.

پنجم: حرز موسی بن جعفر علیه السلام: از علی بن یقطین روایت شده: به موسی بن جعفر علیه السلام از آنچه موسی بن مهدی در کار او قصد کرده بود خبر دادند، در حالی که جماعتی از اقوام آن جناب در خدمتش بودند. حضرت به اقوامش فرمود: در این باره رأی شما چیست؟ گفتن: از او دور شوی و شخص خود را مخفی کنی، که از شر او ایمن نتوان شد. حضرت تبسم فرمود. و به شعر کعب بن مالک تمثّل جست؟

سنخیه پنداشت به زودی بر پروردگارش غلبه ولی خدا به غلبه های غلبه کنندگان به یقین غلبه
خواهد کرد کند

پس دست خود را به جانب آسمان بلند کرد و گفت: معبود من چه بسا دشمنی که برای من تیغ کارتش را تیز کرد، و برش کاره سلاحش را برای من باریک ساخت، و برایم به هم آمیخت زهرهای کشنده اش را، و دیده نگهبانی اش از من نخواهد، پس زمانی که ناتوانی ام را از تحمل مصائب سنگین، و درماندگی ام را از پیش آمدهای خاتمان برانداز دیدی، همه را به حول و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1065

قوّات نه به حول و قوّه خویش از من بازگردانی، پس او را در همان چاهی که برای من کنده بود انداختی، نوید از آنچه آن را در دنیا آرزو می کرد، دور از آنچه در آخرت امید داشت، پس تورا ست ستایش بر این عنایت به اندازه شایستگی ات آفایم، خدایا به عزّت او را بگیر، و به قدرتت تیزی سلاحش را از من کند کن، و او را سرگرم اموری که در اختیار اوست قرار بده، و درمانده از رسیدن به آنچه که طمع دارد، خدای مرا بر او چیره کن چیره شدنی فوری، تا برای

خشمم درمان، و برای کینه‌ام نگهدار باشد، و پیوست کن خدایا دعایم را به اجابت، و سامان ده شکایتم را به دگرگونی، و به همین زودی آنچه که ستمکاران را به آن تهدیدی کردی به او بشناسان، و به من بنمایان آنچه در اجابت درماندگان نوید دادی، به درستی که تو صاحب فضل عظیم و احسان کریمی.

راوی گفت: قوم پراکنده شدند، و جمع نشدند مگر برای قرائت خبر مردن موسی بن مهدی.

ششم: رقعة الجیب حرز حضرت رضا علیه السلام است: از یاسر خادم مأمون روایت شده: که زمانی، حضرت رضا علیه السلام وارد قصر حمید بن قحطبه شد، لباس را از تن بیرون آورد، و به حمید داد، حمید آن را برای شستن به کنیز خود داد، اندکی نگذشت که کنیز آمد و رقعه‌ای با او بود، رقعه را به حمید داد و گفت: در گریبان لباس ابو الحسن علیه السلام یافتیم، حمید به حضرت گفت: فدای شما گردم این جاریه دست نوشته‌ای در گریبان پیراهن شما یافته، چیست؟ فرمود: تعویذی [دعای پناه‌جویی] است که آن را از خود دور نمی‌کنم، حمید گفت: ممکن است ما را به آن مشرف کنی، فرمود: این تعویذی است که هرکه در گریبان خود نگاه دارد بلا از او دفع می‌شود، و برای او نگاهداری از شیطان رحیم است. آنگاه تعویذ را بر حمید خواند: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، به نام خدا، من از تو به خدای رحمن پناه می‌برم اگر پرهیزگار باشی، یا غیر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1066

پرهیزگار، بستم به خدا شنوای بینا گوش و دیده‌ات را، تو را تسلطی بر من نیست و نه بر گوشم و نه بر چشمم، و نه بر مویم، و نه بر پوستم، و نه بر گوشتم، و نه بر خونم، و نه بر مخم، و نه بر عصبم، و نه بر استخوانم، و نه بر دارایی‌ام، و نه بر آنچه پروردگارم نصیب نموده، پوشاندم بین خود و بین تو را به پوشش نبوت، که پیامبران خود را به آن پوشاندند، از حملات گردنکشان و فرعونها، جبرئیل از جانب راستم، و میکائیل از چپم، و اسرافیل از پشت سرم، و محمد (درود خدا بر او و خاندانش) از پیش رویم، خدا آگاه بر من است، تو را از من باز می‌دارد، شیطان را از من باز می‌دارد، خدایا نادانی‌اش بر بردباری‌ات غلبه نمی‌کند، تا آرامشم را برهم زند، و سبکم شمارد، خدایا پناهنده به تو شدم، خدایا پناهنده به تو شدم، خدایا پناهنده به تو شدم.

برای این حرز حکایت عجیبی است که آن را ابو الصلت هروی روایت کرده: مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام روزی در منزلش نشسته بود، فرستاده مأمون بر او وارد شد، و گفت امیر تو را می‌طلبند، امام برخاست، و به من گفت: مأمون در این وقت مرا نمی‌طلبد مگر برای کاری سخت، و به خدا نمی‌تواند به من آسیبی برساند، به خاطر این کلمات،

که از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به من رسیده. ابو الصّلت گفت: همراه امام نزد مأمون رفتم، چون نظر حضرت به مأمون افتاد، این حرز را تا آخر خواند، وقتی که حضرت برابر مأمون قرار گرفت، مأمون به جانب آن بزرگوار نگریست و گفت: ای ابو الحسن دستور داده‌ام صدهزار درهم به حضرتت بدهند، و هر حاجتی داری بنویس، چون امام برگشت، مأمون نظر در قفای امام کرد و گفت:

اراده کردم من، و اراده کرده است خدا، و آنچه خدا اراده کرده بهتر بوده. هفتم: حرز حضرت جواد علیه السلام:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1067

یا نور یا برهان یا مبین یا منیر، یا ربّ اکفنی الشّور، و افات الدّهور، و اسالك النّجاة یوم ینفخ فی الصّور هشتم: حرز حضرت هادی علیه السلام: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، ای که عزّتش عزیز در عزّتش، چه عزیز است آن که عزّتش عزیز است در عزّتش، ای عزیز، عزیزم گردان به عزّت، و تأییدم کن به یاری‌ات، و وسوسه‌های شیطان را از من دور کن، و دفاع کن از من به دفاعت، و بازدار از من به کردارت، و مرا از خوبان بندگان گردان، ای یگانه، ای یکتا، ای تنها، ای بی‌نیاز. نهم: حرز حضرت عسکری علیه السلام: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است ای توشه‌ام در سختی، و ای پناه‌ام در گرفتاری، و ای مونس‌م در تنهایی، به دیده‌ات که نمی‌خوابد از من نگهداری کن، و در کف رکنت که قصد آن نمی‌شود مرا بگیر دهم: حرز مولانا القائم علیه السلام: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، ای مالک بندگان، ای فراری‌دهنده گروه‌های کفر، ای گشاینده درها، ای فراهم‌کننده علتها، برای ما سبی فراهم کن که یارای جستش را نداریم، به حق لا اله الا الله رسول الله درود خدا بر او و بر همه خاندانش. یازدهم: قنوت امام حسین علیه السلام: خدایا هر که جای گرفت به جایگاهی، پس تویی جایگاه من، و هر که پناه گرفت به پناهگاهی، پس تویی پناهگاه من، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و فریادم را بشنو، و دعایم را اجابت کن، و بازگشتم، و اقامتگاهم را نزد خود قرار ده، و مرا در آزمونم، از ساقطشدن در آزمایش و پیوستن به یاران شیطان پاسم بدار، به حق عظمتت که با آن طمع شخصی به فتنه‌گری در نیامیزد، و نه درآید به آن خاطره خوابی با بدگمانی،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1068

و نه تماس گیرد با آن شادی بیرون از حد، تا مرا با اراده‌ات به سوی خود باز می گردانی نه متهم و نه مظنون، نه بدگمان و نه مشکوک به درستی که تو مهربان‌ترین مهربانانی. سید ابن طاووس قنوت‌های ائمه را در کتاب «مهج الدعوات» گرد آورده، چون طولانی بودند، من به همین يك قنوت اكتفا کردم. دوازدهم: دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است: که امان از جنّ و انس می‌باشد: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، معبودی جز خدا نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است، آنچه خدا خواست شد، و آنچه نخواست نشد، گواهی می‌دهم که خدا بر هر چیز تواناست. و در دانش به همه چیز احاطه دارد، خدایا به تو پناه می‌آورم از شرّ خودم و از شر هر جنبه‌ای که تو گیرنده مهارش هستی، به درستی که پروردگارم بر راه استوار است

سیزدهم: دعای به تجربه آمده: از انس روایت شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که این دعا را در هر صبح و شام بخواند، حق تعالی چهار فرشته بر او بگمارد، که او را از پیش‌رو و پشت سر و جانب راست و طرف چپ حفظ کنند، و در امان خدای عزّ و جلّ باشد، و اگر آفریدگان از جنّ و انس بکوشند که بر او زیان برسانند توفیق نیابند، و آن دعا این است:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، به نام خدا بهترین نامها، به نام خدا پروردگار زمین و آسمان، به نام خدا که ستمی و دردی با نامش زیان نمی‌رساند، به نام خدا صبح کردم، و بر خدا توکل نمودم، به نام خدا بر دل و جانم، به نام خدا بر دین و عqlم، به نام خدا بر خاندان و دارایی‌ام به نام خدا بر آنچه پروردگارم به من بخشید، به نام خدا که نامش چیزی در زمین و آسمان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1069

زیان نمی‌رساند، و او شنوای داناست، خدا خدا پروردگار من است چیزی را شریک او نسازم، خدا بزرگتر است. خدا بزرگتر است و عزیزتر و عظیم‌تر از آنچه می‌ترسم و پرهیز می‌کنم، عزیز است پناهنده‌ات، بزرگ است ثنایت، و معبودی جز تو نیست، خدایا من به تو پناه می‌آورم، از شرّ خودم، و از شرّ هر سلطان سرسخت، و از شرّ هر شیطان ستمگر، و از شرّ هر سرکش لجباز، و از شرّ هر پیش‌آمد بد، و از شرّ هر جنبه‌ای که تو گیرنده مهارش هستی، به درستی که تو بر راه استواری، و بر هر چیز نگهبانی، به حق سرپرست من خداست که قرآن را نازل کرد، و او شایستگان را سرپرستی می‌کند، پس اگر روی بگردانند بگو: خدا مرا بس است، معبودی جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش عظیم است. چهاردهم: دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم: خدایا به تو پناه می‌آورم از این که نیازمند

شوم در سایه بی‌نیازی تو، یا گمراه شوم در کنار هدایت تو، یا خوار شوم در جنب عزّت تو، یا مظلوم واقع شوم در سایه سلطنت تو، یا پایمال شوم و کار مربوط به توست، خدایا به تو پناه می‌آورم از این که زور بگویم، یا در بدکاری فرو روم یا در برابر تو مغرور گردم.

پانزدهم: دعایی است از حضرت باقر علیه السلام: از ابو حمزه ثمالی روایت شده: از حضرت باقر علیه السلام اجازه خواستم خدمتش مشرف شوم، حضرت از خانه بیرون آمد، درحالی که لبهای مبارکش حرکت می‌کرد، فرمود: تکلم مرا دانستی؟ گفتم: آری فدایت شوم.

فرمود: تکلم کردم به کلامی که احدی هرگز به آن تکلم نکرده، مگر آن که حق تعالی آنچه از امر دنیا و آخرت مهم اوست کفایت فرموده، گفتم: فدایت شوم، پس مرا به آن خبر ده، فرمود: آری هرکه این کلمات را در حال بیرون رفتن از خانه بخواند، مهمّات او آسان گردد: بسم الله الرحمن الرحيم حسبي الله توكلت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1070

على الله اللهم اني اسالك خير اموري كلها، و اعوز بك من خزي الدنيا و عذاب الاخرة شانزدهم: ادعية الوسائل الى المسائل [دعاهای سبب خواهی برای نیل به درخواستها] از محمد بن حارث نوفلی خادم حضرت جواد علیه السلام نقل شده: وقتی مأمون دخترش را به همسری حضرت جواد علیه السلام درآورد، حضرت برای او نوشت: برای هر زنی از جانب شوهرش صدافی است، و حق تعالی دارایی ما را در آخرت ذخیره کرده، همچنان که دارایی شما را در دنیا به شما داده و من به کابین دختر تو دادم «وسائل الى المسائل» را و آن مناجاتی است که پدرم به من عنایت کرده، به او نیز از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام رسیده، و به او پدرش جعفر و به او از پدرش محمد، و به او از پدرش علی بن الحسین، و به او از پدرش حسین، و به او از پدرش امیر مؤمنان علی بن ابیطالب و به او از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده، که جبرئیل به آن حضرت سپرد و گفت: ای محمد ربّ العزّه به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: این کلیدهای گنجهای دنیا و آخرت است، آن را به سوی خواسته‌های خود وسیله ساز، تا به مراد خود برسی و خواسته تو انجام گیرد، و آن را به حاجتهای دنیا اختصاص مده، که بهره آخرت را کم می‌کند، و آن ده وسیله است که به واسطه آن، درهای خواسته‌ها گشوده می‌شود، و به سبب آنها حاجات درخواست می‌گردد، و به انجام می‌رسد، و این است نسخه آن:

مناجات استخاره [خیرخواهی]

خدایا بهتر چیزی که پسندیدی، در آنچه من از تو در آن طلب خیر کردم، به خواسته‌ها می‌رساند، و موهبت‌ها را شایان می‌سازد، و درخواست‌شده‌ها را پرسود می‌کند، و کسبها را پاکیزه می‌نماید، و به زیباترین روشها هدایت می‌کند، و به جانب ستوده‌ترین عاقبت‌ها سوق می‌دهد، و از پیش‌آمدهای بیمناک حفظ می‌نماید. خدای من از تو طلب خیر می‌کنم. در آنچه مصمم شده رأیم بر آن، و مرا عقلم به سوی آن کشانده، آسان گردان خدایا آنچه در آن دشوار شده، و هموار کن آنچه را از آن سخت گشته، و مهم مرا در آن کفایت کن، و از من به واسطه آن هر بلای شدید را دور فرما، پروردگارا عواقبش را سود، و بیمناکش را سلامت، و دورش را نزدیک، و خشکی‌اش را رشد و

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1071

برکت قرار ده، خدایا اجابت دعایم را برسان، و خواهشمند را برآور، و حاجتم را انجام ده، و موانعش را از من قطع کن، و سختی‌هایش را از من بازدار، و به من عطا کن خدایا پرچم پیروزی، و بهترین چیزی که در آن از تو خیر خواستم، و کمال بهره‌مندی در آنچه خواندمت، و فواید افزون‌تر در آنچه امید به تو بستم، و قرین ساز خدایا آن را با کامیابی، و مخصوص گردان به شایستگی، و در آن اسباب خیرجویی را آشکارا به من بنمایان، و نشانه‌های بهره را درخشان به من نشان بده، و گلوگیر دشواری‌اش را ببند، و به خاک افتاده آسان‌کاری‌اش را از خاک بردار، و روشن کن. خدایا مشتبهش را، و آزاد کن زندانی‌شده‌اش را و استوار کن پایه‌اش را، تا خیری روی آور با بهره و سود باشد، برطرف کننده بدهی، و شتاب‌ورز به سود و ماندگار عمل به درستی که تو به افزون‌بخشی نیرومندی، و آغاز کننده به بخششی.

مناجات استقاله [چشم پوشی]

خدایا امید به رحمت فراگیرت، مرا به درخواست چشم‌پوشی‌ات گویا کرده، و آرزوی به بردباری و مدارا نمودنت، مرا به خواستن امان و گذشتت دلیر ساخته است، برای من ای پروردگارم گناهانی است، که چهره‌های انتقام با آنها روبرو و خطاهایی است که دیده‌های ریشه‌برکن آنها را زیر نظر گرفته، به خاطر آنها بر پایه عدالت مستوجب عذاب دردناک شده‌ام، و به ارتکاب آنها سزاوار کیفر هلاک کننده گشته‌ام، از به تأخیر افتادن اجابت دعایم را به خاطر گناهان، و مردود شدنم را از برآمدن حاجتم ترسیده‌ام چه اینکه گناهان خواسته‌ام را از بین می‌برند، و اسباب رغبتم را قطع می‌کنند، از آن‌رو که از سنگینی گناهان پشتم شکسته، و از به تنهایی برداشتن بار آنها گرانبارم نموده، سپس پروردگارا به

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1072

بردباریات از خطاکاران، و گذشت از گنهکاران، و مهربانیات به عاصیان نظر کردم، پس با اعتمادم، و توکلم بر تو به درگاهت روی آوردم، درحالی که خود را به آستانت افکندم، و عذابم را به نزد تو شکایت نمودم، درخواست کننده‌ام آنچه را که سزاوار آن نیستم، از گشایش اندوه، و مستحق نیستم از برطرف کردن غم، چشم‌پوشی‌ات را نسبت به خود خواستارم، به تو ای مولایم مطمئنم، خدایا به گشایش بر من منت گذار، و به آسان بیرون آمدن از مشکل به من احسان فرما، و به رأفت مرا به سوی راه راست هدایت نما، و مرا به قدرتت از راه کج دور کن، و به گذشتت از زندان گرفتاری رهایی بخش، و به رحمت اسارت مرا به آزادی تبدیل کن، و به خشنودی‌ات به من روی آور، و به احسانت بر من ببخش، و از لغزشم درگذر، و اندوهم را بگشا، و به گریه‌ام رحم کن، و دعایم را در پرده قرار مده، و کرم را با عذریذیری محکم ببند، و پشتم را به آن نیرومند ساز، و کارم را به آن اصلاح کن، و عمرم را طولانی کن، و در روز حشر و نشر به من رحم کن، به درستی که تو بخشنده بزرگوار، و آمرزنده مهربانی درود خدا بر محمد و خاندانش.

مناجات سفر

خدایا می‌خواهم سفر کنم، برایم در آن خیر بخواه، و برایم در آن راه تصمیم‌گیری را روشن کن، و به من بفهمان، و تصمیمم را برایم به استواری بگشا، و در سفرم مرا به تندرستی فراگیر، و بهره‌شایان، و کرامت فایده‌ای ده، و با نیکو نگهداری و نگهداری مرا حفظ کن، و برکنارم دار، خدایا از مشقت سفرها، و هموار کن برایم ناهمواری‌های بیابا را، و در هم پیچ برایم منزلها را، و نزدیک کن به من

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1073

دوری آبخورها را، و در مسیر بلندگردان بین گامهای مرکبها را، تا دوری راههای دور را نزدیک نمای، و ناهمواریهای سخت را هموار سازی، خدایا در سفرم های فرخنده کامیابی را تلقین کن، و به من ببخش در آن بهره‌های عافیت را، و حامی استقلال را، و راهنمای گذرکردن از هراسها را، و انگیزنده کمال کفایت را، و فرخنده حامی ولایت را، و برگردانش خدایا سبب صلحی بزرگ، و بهره‌ای به دست آمده، و شب را پوشش من ساز از آفات، و روز را مانع از هلاکتها، و قطع کن از من به قدرتت گروههای دزدانش را، و از جانوران وحشی‌ات به نیرویت پاسم بدار، تا سلامت در سفر همراهم

باشد، و عافیت قرینم، و برکت جلودارم، و آسانی هم آغوشم، و سختی دور از جانم، و کامیابی بر وفق مرادم، و امنیت رفیقم، به درستی که تو دارای عطای همواز و احسان و قدرت و نیرویی، و تو بر هر چیز توانا، و به بندگان بینا و آگاهی.

مناجات طلب روزی

خدایا دلوهای روزی‌ات را ریزان به سوی من ارسال فرما، و ابرهای فزونبخشات را فراوان بر من ببار، و باران عطایت را چون سینه‌های ریزان بر من تداوم بخش، و بریزان فزونی نعمت را بر ظرف نیازم ریزاندنی کامل، و به حق جودت نیازمندم کن، و از کسی که آنچه را نزد توست می‌طلبید، بی‌نیازم گردان، و درد نداری‌ام را به داری فضل‌ت درمان کن، و با عطای هموارات افتادگی نداری‌ام را بلند فرما، و به کثرت عطایت بر تهیدستی‌ام تصدق نما، و به جایزه کریمانه‌ات نیازمندی‌ام را صدقه بده، و راه روزی را پروردگارا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1074

به سوی من هموار کن، و پایه‌هایش را برایم پایدار نما، و چشمه‌های فراخی‌اش را به رحمت برایم بشکاف، و با رأفت بهره‌های زندگی خوش را از جانب من روان کن، و زمین نداری‌ام را بخشکان، و سرزمین خشک بدحالی‌ام را سرسبز کن، و موانع روزی را از من بگردان، و بندهای فشار و سختی را از من قطع فرما، و مرا هدف وسعت رزق قرار ده، خدایا به پرخیرترین تیرهایش، و مرا از زندگی خوش به بیشتر پابندگی‌اش مخصوص فرما، و پیوشان بر من خدایا پیراهن فراخی رزق را، و جامه‌های راحت را، پس من ای پروردگارم در انتظار نعمت‌بخشی‌ات به سر می‌برم با رفع تنگدستی، و عطای پیوسته‌ات را با قطع به تأخیر افتادن، و تفضلت را با از بین بردن سختی معیشت، و پیوستن رسته‌ام را به کرم‌ت با آسان شدن دشواری. بباران خدایا بر من آسمان روزی‌ات را به باران فراوان، و از بندگان به واسطه بهره‌های نعمتها بی‌نیازم فرما، و هدف تیر قرار بده موارد کشندگی تنگدستی‌ام را، و بار کن برطرف شدن بدحالی‌ام را بر بارکشهای شتاب، و گردن تنگی را از من به شمشیر نابودی بزن، و به من از جانب خود پروردگارا به فراخی فزونبخشی تحفه ده، و مرا با افزایش اموال مدد کن، و از سختی فقر پاسم بدار، و بدی قحط را از من بگیر، و سفره سرسبزی را برایم بگشا، و از آب روزی‌ات آیم ده، آبی گوارا، و از بخشش فراگیر خود برایم روشن کن راهها، و ناگهان ثروت و دارایی‌ام بده، و به سبب آن از زمین تنگدستی

بلندم کن، و مرا به پشتیبانیات بامدادان برخیزان، و شامگاهان توانای بر بی نیازی، به درستی که تو دارای عطای پیوسته عظیم، و فضل

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1075

همه گیر، و احسان بزرگی، تو بخشنده بزرگواری.

مناجات استعاذه [پناهجویی]

خدایا از مصایب بلاهای پیش آمده و هراسهای بدحالی های بزرگ به تو پناه می آوردم، پس پروردگارا از تباهی تنگدستی پناهم بده، و از حملات بلا محفوظم بدار، و از انتقامهای ناگهانی رهایی ام بخش، و از زوال نعتها و لغزش گامها پناهم ده، و قرارم ده خدایا در میدان عزت و حفاظ نگهداریات از حوادث ناگوار ناگهانی روزگار، و شتابگیری مصایب، خدایا، پروردگارا، و زمین بلا را فرو بر، میدان محنتها را سخت بلرزان، و آفتاب حوادث ناگوار را تیره کن، و کوههای بدی را متلاشی گردان، و گرفتاریهای روزگار را برطرف فرما، و موانع کارها را از من بگردان، و مرا به حوضهای سلامت وارد کن، و بر مرکبهای کرامت سوار فرما، و با نادیده گرفتن لغزش همراهم باش، و مرا با پوشاندن عیب فراگیر، و به عطاهای برجستهات و برطرف کردن بلایت و دفع پریشان حالیات پروردگارا به من بخشش آر، و توده های عذابت را از من دور کن، و کیفر دردناکت را از من بگردان، و از حوادث روزگار پناهم ده، و از بدی سرانجام کارها نجاتم بخش، و از همه ناملازمات پاسم بدار، و سنگ بلا را از کارم بشکن، و دست بلا را تا پایان عمرم نسبت به من شل کن، به درستی که تو پروردگار بزرگوار، آغازگر، بازگرداننده ای و آنچه را بخواهی انجام دهنده ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1076

مناجات طلب توبه

: خدایا به اخلاص، آهنگ تو را کرده‌ام، برای توبه خالصانه، و پایداری پیمان راستین، و دعای دل‌ریش، و آشکار کردن گفتار صریح، خدای از من بپذیر توبه بی‌آلایش، و روی آوردن شتابان بازگشت به سوی خود، و افتادن نگاههای کرنش‌گناه را، پروردگارا توبه‌ام را به پاداش شایان، و بازگشتی کریمانه، و فرو ریختن کیفر، و بازگرداندن عذاب، و بهره بازگشت و پرده‌پوشی مقابله کن، و محو کن خدایا آنچه از گناهانم ثبت شده، و همه عیوبم را به پذیرش توبه بشوی، و قرار بده توبه‌ام را جلادهنده دلم، روشن‌کننده دیده خردم، شستشودهنده ناپاکی‌ام، پاک‌کننده آلودگی تنم، درست‌کننده نهادم، به وسیله آن شتابان کن به جانب وفا بصیرتم را، قبول کن پروردگارا توبه‌ام را، به درستی که برمی‌آید از خلوص نیتم، و محض درستی بصیرتم، و روشنی همه‌جانبه اندیشه‌ام، و کوشش در نظافت باطنم، و پایدار نمودن بازگشتم، و شتافتن به سوی فرمانت به طاعتم، و از من خدایا به وسیله تو به تاریکی پافشاری بر گناه را دور کن، و به آنچه از بارهای گران پیش انداختم محو گردان، و به من لباس تقوا، و جامه‌های هدایت بیوشان، من به حقیقت بند نافرمانی‌ها را از پوستم برکشیدم. و پیراهن گناهان را از پیکرم برکندم، درحالی که پروردگارا به قدرتت چنگ زنده‌ام، و به عزّت بر خویشتن کمک خواهم، و به پناهت توبه‌ام را از شکستن (1) (متحرکه) پوست کره شتر که به چیزی آکنده کننده، تا ناقه به خیال فرزندش، مهربان شده شیر دهد و در اینجا ذکر آن شاید برای آن باشد که من در وقت گناه کردن گویا شعور و ادراک و جان نداشتم و مجسمه بیرونی بودم، اگر نه معصیت نمی‌کردم، و الله تعالی العالم.

(از محدث قمی)

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1077

ودیعہ گذارم، به عصمت از خوار شدن دست‌آویزم، قرین کنم آن را به «نیرو و جنبشی نیست بجز به وسیله تو».

مناجات طلب حج:

خدایا حجتی که واجب کردی بر هرکه بتواند به سوی آن راه یابد، نصیب من فرما، و برانم در آن راهنما، و به سوی آن دلیلی قرار ده، و دوری راهها را برانم نزدیک کن، و بر انجام اعمال حجّ یاری‌ام ده، و به احرام بستنم آتش را بر تنم حرام کن، و نیرو و چابکی‌ام را برای سفر زیاد گردان و وقوف در برابرت، و کوچ کردن به سویت را پرورگار روزی‌ام کن، و با موفق شدن به سود کامل پیروزمندم نما، و مرا پروردگارا از جایگاه حجّ اکبر به تقرّب گاه مشعر بازگردان، و آن را مایه نزدیکی به رحمت، و راهی به سوی بهشت قرار ده، و مرا در موقف مشعر الحرام، و مقام وقوف احرام متوقف کن، و شایسته گردان مرا برای ادای مناسک، و کشتن قربانی فربه، به خونی که می‌جهد، و رگهایی که خون می‌فشاند، و ریختن

خونهای ریختنی، و قربانی‌های سربریده، و بریدن رگهای آنان را بر پایه آنچه فرمودی، و انجام بیشتر بر واجب آنها چنان که مقرر فرمودی.

حاضر کن خدایا مرا به نماز عید، امیدوار به وعده‌ات، و هراسان از تهدیدت، با تراشیدن موی سرم، و کوتاه کردن ناخنم، کوشا در طاعتت، آماده برای رمی جمرات به هفت سنگریزه، پس از هفت دیگر از همان سنگها، خدایا مرا به فضای خانه‌ات و کوی‌ات و جایگاه امن و کعبه‌ات و خاک‌نشستگانت و درخواست کنندگانت نیازمندانت وارد کن، و خدایا در بازگشتن و کوچ کردن به مزد کامل به من جود کن، خدایا و مناسك حجّم

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1078

را، و سپری شدن، خروشم را، با پذیرش از جانب خود، و رأفت به من ختم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان.

نماجات کشف ظلم [برطرف شدن ستم]

خدایا همان ستم بندگان در کشورهايت پايدار شده، تا جايي كه عدالت را ميرانده، و راهها را بريده، و حق را محو ساخته، و راستی را باطل نموده، و نیکی را پنهان کرده، و شرّ را پدیدار ساخته، و پرهیزگاری را خاموش کرده، و هدایت را از میان برده، و خیر را از میان برداشته، و زیان را پدیدار نموده، و فساد را رشد داده، و لجبازی را تقویت کرده، و ستم را گسترانده، و از حد گذرانده، خدایا، پروردگارا، این حالت را جز قدرت سلطنت تو برطرف نمی‌کند، و از آن جز احسان تو پناه نمی‌دهد، خدایا، پروردگارا ستم را قطع کن، و کوه‌های زورگویی را درهم کوب، و رونق بازار زشتی را فرو نشان، کسی را که از زشتی جلوگیری می‌کند عزیز گردان، و بیخ و بن اهل ستم را دود کن، و به آنان لباس کاستی پس از فزونی بپوشان، خدایا عذاب شبانه را نسبت به آنان پرشتاب کن، و بر آنان کیفرهای نمونه را فرود آر، زندگی زشتی را بمیران، تا بیمناك ایمنی یابد، و دلسوخته آرام گیرد، و گرسنه سیر شود، و تبه حفظ گردد، و آواره جای گیرد، و گریخته بازگردد، و تهی دست بی‌نیاز گردد، و پناه‌جو پناهنده شود، و بزرگ مورد احترا قرار گیرد، و كوچك مورد حمايت واقع شود، و ستم‌دیده عزیز گردد، و ستمكار خوار شود، و غم غمدیده برطرف گردد، و آشوبهای تاریك و سیاه آرام گردد، و اختلاف بمیرد، و دانش برتری یابد، و صلح فراگیر شود، و پراکنده‌ها گرد آید، و ایمان نیرومند گردد، و قرآن تلاوت شود، به درستی که تویی جزابخش، نعمت‌دهنده، بسیار احسان کننده.

مناجات شكر خدا:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1079

خدایا تو را ستایش بر دفع مصیبت‌های فرود آمده، و پیش آمدهای سخت، و برطرف کردن دشواری‌های معیشت، و بی‌دری بودن نعمت‌های بسیار، و تو را ستایپ بر گواری عطایت، و ستوده بلایت، و نعمت‌های بزرگت، و تو را ستایش بر احسان بسیار، و خیرریزانت و تکلیف آسانت، و دفع دشواری‌ات، و تو را سپاس بر رشد دادنت سپاس اندک، و اعطاکردنت مزدی کامل، و فرو ریختنت بار سنگین گناه، و پذیرفتنت عذر بی‌جا، و از دوش نهادنت بار گران تکلیف، و همواره کردنت جایگاه ناهموار، و بازداشتنت از کار بسیار زشت، و تو را ستایش بر بالای بازگردانده شده، و خوبی فراوان، و دور ساختن امور ترسناک، و رام کردن سخت ستمکار، و تو را ستایش بر کمی تکلیف، و بسیاری تخفیف، و توان‌دهی ناتوان، و فریادرسی اندوهگین، و تو را ستایش بر فراخی مهلت دادنت، و دوام فزون‌بخشی‌ات، و بازگرداندن کیفیت، و ستوده کارهایت، و پیاپی بودن عطایت، و تو را ستایش بر به تأخیر افکندن شتاب در عقاب، و ترك غافلگیری در عذاب، و همواره کردن راه توبه، و فرود آوردن باران ابر، به درستی که تویی بسیار احسان‌کننده و پربخشش.

مناجات طلب حوائج

سزاوار است که فرمان دعا به او دادی تو را بخواند، و کسی که وعده اجابت به او دادی به تو امید بندد، برایم خدایا حاجتی است، که چاره‌ام از آن ناتوان شده، و طاقتم در آن وامانده، و از طلبش نیروم سست گشته، نفس اماره‌ام به بدی برایم آرایش نموده، و دشمنم، آن دشمن فریایی که من از او در بلایم،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1080

از این که در آن حاجتم به سوی تو میل کنم، خدایا آن را برآور، به مبارک‌ترین روا کردن، و هدایتش کن به راه رستگاری، و باز کن به امید یاری‌ات سینه‌ام را، و آسان کن در اسباب خیر کارم را، و برایم رستگاری را نقش بند، به رسیدن آنچه به آن امید بستم، با پیوستن آنچه آن را آرزو نمودم، و موفقم بدار خدایا در برآوردن حاجتم، به رسیدن به آرزویم، و درست درآمدن اشتیاقم، و پناهم ده خدایا به کرامت از ناامیدی و یأس و تنبلی و بازآمدن از کار، خدایا تو توانا بر عنایت

عطا‌های بسیاری و وفاکننده به آثایی، و تو بر هرچیز توانایی، و به بندگانت آگاه و بینایی [دعای پرده نگاهبانان]

هفدهم: حجاب حضرت صادق علیه السلام: ای که زمانی که به او پناهنده شوم پناهم دهد، و گاهی که نزد سختی‌ها از او نجات خواهم، نجاتم بخشد، و زمانی که به گاه پیش آمدها دادرسی خواهم به فریادم رسد، و زمانی که برای پیروزی بر دشمنم از او یاری جویم یاریام دهد و کمکم کند. پناهگاه تنها درگاه توست، و تویی مورد اطمینان. کسی که مرا قصد سوء کرده از جانب من سرکوب کن، و غلبه کن به سود من بر کسی که نسبت به من بداندیشی نموده، ای آن که فرمود: اگر خدا شمار را یاری کند، غلبه کننده‌ای بر شما نخواهد بود. ای که نوح را از گروه ستمکاران رهایی داد، ای که لوط را از گروه بدکاران رهایی داد، ای که هود را از گروه متجاوزان نجات داد، ای که محمد (درود خدا بر او و خاندانش) را از گروه کافران نجات داد، مرا از دشمنانم و دشمنانت به حق نامهایت ای بخشنده‌ای مهربان نجات ده، راهی برای آنها نیست بر کسی که به قرآن پناهم برده، و از تو پناه جسته، به مهربان بخشنده. خدای بخشنده بر عرش چیرگی یافت، به یقین حمله پروردگارت سخت است، به درستی که او آغاز می‌کند،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1081

و باز می‌گرداند، و او آمرزنده و بسی پرمهر است، دارای عرش باشکوه است، هرچه را بخواهد انجام دهد، پس اگر رو بازگردانند بگو.

خدا مرا بس است، معبودی جز او نیست بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. دعای پرده نگهدار]

هجدهم: حجاب موسی بن جعفر علیه السلام: توکل کردم بر زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، و پناه جستم به دارای عزت و جبروت، و یاری جستم به دارنده کبریا و ملکوت، مولایم خود را به تو واگذاشتم، پس مرا وامگذار، و بر توکل کردم، پس دست از یاریام برمدار، و به سایه گستردهات پناهنده شدم، پس به دورم مینداز، تویی مقصد و تنها به سوی توست گریزگاه، می‌دانی آنچه را پنهان کنم و آنچه را آشکار نمایم و خیانت دیده‌ها و آنچه را سینه‌ها پنهان کنند می‌دانی، از من بازدار دستهای ستمکاران از همه جنیان و آدمیان را، و مرا شفا ده، و عافیت بخش، ای مهربان‌ترین مهربانان.

نوزدهم: حجاب حضرت جواد علیه السلام: آفریننده بزرگتر از آفریدگان است، و روزی‌دهنده دست بازتر از روزی‌خورهاست، و آتش درسته خدا، در ستونهای کشیده شده، دلهای سرکشان را آتش زند، و بداندیشی حسودان را بازگرداند، به سوگندها، به احکام، به لوح محفوظ، و پرده زده شده، به عرش عظیم پروردگار، در پرده شدم، و خود را پوشاندم، و پناه جستم، و چنگ زدم، و پناهنده گشتم به الم به کهیعس، به طه، به طسم، به حم، به حمسق، و نون، به

طسین، و ق و قرآن مجید، به درستی که آن‌اگر می‌دانستید سوگند بزرگی است و خدا سرپرست من است و نیکو و کیلی است. بیستم: از کتاب «تعبیر الرؤیا» نوشته شیخ کلینی نقل شده: و شاء از حضرت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1082

رضا علیه السلام روایت کرده: پدرم را در خواب دیدم فرمود: فرزندم هرگاه در شدتی واقع شدی بسیار بگو: یا رؤوف یا رحیم آنگاه فرمود: آنچه ما در خواب می‌بینیم، چنان است که در بیداری می‌بینیم.

بیست و یکم: دعای رزق و غیره: از کتاب «مجتبی»، نوشته سید ابن طاووس نقل شده:

خدایا برای گناهانم نموده جز امید به گذشتت، و به تحقیق پیش فرستادم ابزار محرومیت را پیش روی خویش، من از تو می‌خواهم آنچه را که شایسته‌اش نیستم، و می‌خوانمت آن‌گونه که سزاوارش نمی‌باشم، و به سویت می‌نالم آنچنان که شایسته‌اش نیستم، حالم بر تو پوشیده نیست، گرچه حقیقت شناسایی کارم بر مردم پوشیده است. خدایا اگر روزی‌ام در آسمان است فروزش آور، اگر در زمین است، آشکارش کن، و اگر دور است نزدیکش فرما، و اگر نزدیک است، آسانش کن، و اگر اندک است بسیارش گردان، و برام در آن برکت قرار ده. بیست و دوم: دعای دفع شرّ ابلیس به نقل از «مجتبی»: خدایا ابلیس بنده‌ای از بندگان توست، می‌بیند مرا از جایی که من او را نمی‌بینم، و تو می‌بینی او را، از جایی که او تو را نمی‌بیند، تو بر همه کارهایش نیرومندتری، و او بر چیزی از کار تو توانایی ندارد، خدایا من از تو علیه او کمک می‌خواهم، ای پروردگارم، برای من نسبت به او طاقی نیست، جنبش و نیرویی علیه او برام نمی‌باشد جز به یاری تو ای پروردگارم، خدایا اگر قصد مرا کرده قصدش کن، اگر نسبت به من بداندیشی کرده، نسبت به او بداندیشی کن، مرا از شرّش کفایت کن، و نقشه شومش را در گلویش قرار ده، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان، و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش. بیست و سوم: و نیز در کتاب «مجتبی» آمده:

شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید، به آن حضرت گفت: به من دعایی تعلیم ده که دلم را زنده کند، حضرت این کلمات را تعلیم او فرمود:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1083

یا حیّ یا قیّوم، یا لا اله الا انت اسالك ان تحیی قلبی، اللهم صلّ علی محمد و آل محمد بیست و چهارم: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده: هرکه بخواهد مرگش به تأخیر افتد، و بر دشمنانش پیروز شود، و از مردن بد در امان بماند، سه مرتبه هنگام فرارسیدن شب، و سه مرتبه هنگام فرارسیدن صبح بگوید:

سبحان الله ملء الميزان، و منتهى الحلم و مبلغ الرضا، و زنة العرش

بیست و پنجم: از کتاب «نثر اللّٰهالی» تألیف سیّد سعید علی بن فضل الله الحسین راوندی نقل شده: مردی به حضرت عیسی علیه السلام از بدهی خود شکایت کرد، حضرت فرمود، بگو:

ای زداينده اندوه، و برطرف کننده غم، و از بین برنده غصّه‌ها، و اجابت کننده دعای بیچارگان، ای بخشنده دنیا و آخرت، و مهربان هر دو جهان، تو بخشنده منی، و بخشنده هر چیزی، به من رحم کن، رحمی که به آن از رحم هر که غیر تو است بی‌نیازم کند، و اداکندی به آن بدهکاری‌ام را. پس هرگاه به اندازه پری زمین طلا بدهکار باشی، حق تعالی از تو ادا می‌کند.

باب ششم

در بیان خواص بعضی از سوره‌ها و آیات

و ذکر بعضی از دعاها و مطالب پراکنده و آن مشتمل بر چهل امر است. اوّل: شیخ کلینی در کتاب «کافی»، از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: هرکه پیش از خواب «مستحبات» را بخواند، (یعنی سوره‌های حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن 7 و اعلی) نمیرد تا حضرت قائم را درک کند، و اگر بمیرد در جوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم خواهد بود. دوم: و در آن کتاب آمده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: هرکه چهار آیه از اول سوره بقره، و آیه الكرسي، و دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر سوره بقره را بخواند، در جان و مال خود چیزی را که ناخوشایند او باشد نبیند، و شیطان به او نزدیک نگردد، و قرآن را فراموش

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1084

نکند. سوم: و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: هرکه سوره «اَنَا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را بخواند، و صدایش را به آن بلند کند، مانند کسی باشد، که شمشیر از نیام برکشیده، و در راه خدا جهاد کند، و اگر آهسته بخواند همانند کسی

باشد که در راه خدا در خون خو طپیده، و کسی که ده مرتبه بخواند، هزار گناه از گناهانش را محو کند. چهارم: شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: پدرم می‌فرمود:

[قل هو الله احد] ثلث قرآن، و قل یا ایها الکافرون ربع قرآن است. پنجم: از موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده: هر که هنگام خواب ایه الکرسی را بخواند، از مبتلا شدن به فلج اندام نترسد ان شاء الله، و کسی که آن را پس از هر فریضه بخواند، هیچ حیوان زهرآلودی به او زیان نرساند، و نیز فرمود: کسی که قل هو الله احد را هنگام دیدار شخص جبّاری بخواند، حق تعالی شرّ وی را از او بازدارد، با خواندن آن سور، از پیش‌رو، و پشت سر، و طرف راست و طرف چپ، که هرگاه چنین کند حق تعالی خیر وی را روزی او کند و او را از شرّ آن جبّار بازدارد، و نیز فرمود: هرگاه از امری ترسیدی صد آیه قرآن، از هر جای قرآن که باشد بخوان سپس سه مرتبه بگو: اللهم اکشف عنی البلاء ششم: شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هر که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، خواندن قل هو الله احد را پس از فریضه و نگذارد، به یقین کسی که آن را بخواند، حق تعالی خیر دنیا و آخرت را برای او جمع کند، و او و پدر و مادر و اولادش را بیامرزد. هفتم: و از آن حضرت روایت کرده: هر که سوره الهیکم التکّاثّر را هنگام خواب بخواند، از عذاب قبر در امان باشد. هشتم: و از آن حضرت روایت کرده: اگر سوره حمد هفتاد مرتبه بر مرده خوانده شود، و روح به او بازگردانده شود شگفت نخواهد بود. نهم: از موسی بن جعفر علیه السلام فضیلت بسیاری وارد شده: برای کودکی که در هر شب سه مرتبه قل اعوذ برّبّ الفلق و سه مرتبه قل اعوذ برّبّ الناس و صد مرتبه قل هو الله احد بخواند، و اگر نتواند پنجاه مرتبه، و هرگاه به آن مواظبت داشته باشد، از بلاها ایمن باشد تا روزی که از دنیا برود. دهم: کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: به مفضّل فرمود: ای مفضّل بازدار، و ایمن بدار خود را از تمام مردم با بسم الله الرحمن الرحیم و سوره قل هو الله احد، که آن را بخوانی از طرف راست و چپ، و از پیش رو، و پشت سر، و از بالای سر و پایین پای خود، و هرگاه بر پادشاه ستمگری وارد شدی، هنگامی که به او نظر کنی سه مرتبه آن را بخوان، و با دست چپ خود بشمار و دست را به همان حال، که انگشتان را جمع کرده‌ای برای شماره نگاهدار تا از نزد او بیرون روی، و بعضی گفته‌اند: خواندن سوره را ترک نکن تا از پیش او بروی. یازدهم: در حدیثی از امیر مؤمنان علیه السلام

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1085

نقل شده: برای ایمنی از سوختن و غرق شدن بخواند:

خدا است که قرآن را نازل کرد، و او سرپرستی می‌کند شایستگان را، آن‌طور که باید خدا را قدر ندانستند، و زمین در در قیامت به تمام دست اوست، و آسمانها در نور دیده به قدرت اوست، منزه است و برتر از آنچه شریکش سازند. و برای رام شدن اسب سرکش، در گوش راستش بخوانند: و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون و در زمین

مسبوعه یعنی زمینی که جانوران درنده داشته باشد برای ایمنی از آنها بخواند: به تحقیق آمد برای شما پیامبری از جنس خودتان، بر او ناگوار است آنچه شما را به زحمت اندازد، بر راهنمایی‌تان حریص است، به مؤمنان مهرورز و مهربان است، اگر پشت کردند بگو خدا مرا بس است، معبودی جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. و برای پیدا شدن گمشده، سوره یس را در دو رکعت نماز بخواند و بگوید: یا هادی الضَّالَّةَ عَلٰی ضَالَّتِي و برای بازگشت بندی فراری بخواند: او كظلمات فی بحر لَجِیّ، یغشاه موج من فوقه موج تا و من لم یجعل الله له نور فما له من نور.

و برای ایمنی از دزد وقتی که به رختخواب می‌رود بخواند: قل ادعوا الله اودعوا الرحمن تا و کبیره تکبیرا دوازدهم: نیز شیخ کلینی از حضرت صاق علیه السّلام روایت کرده: از قرائت **اذا زلزلت الارض زلزالها** ملول نشوید، زیرا هر که این سوره را در نمازهای مستحب خود بخواند حق تعالی هرگز بر او زلزله نرساند، و با زلزله نمیرد، و به صاعقه و آفتی از آفات دنیا دچار مرگ نشود، و در وقت مردن او فرشته‌ای بزرگوار از نزد حق تعالی بر او نازل گردد، و بالای سر او بنشیند و بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1086

«ای ملك الموت نسبت به ولی الله نرمی و مدارا داشته باش، زیرا او بسیار مرا یاد می‌کرد» تا آخر خبر، و در آخر خبر آمده است: پرده از پیش چشمش برداشته شود، و منازل خود را در بهشت ببیند. و به نرم‌ترین صورت قبض روح شود، و روح او را هفتاد هزار فرشته مشایعت کنند، که به سوی بهشت بالا ببرند. سیزدهم: و نیز کلینی از حضرت باقر علیه السّلام روایت کرده: «سوره ملك بازدارنده است، از عذاب قبر بازدارد...» تا آخر خبر.

چهاردهم: و نیز از آن حضرت روایت شده: قرآنی در دریا افتاد، چون آن را یافتند دیدند همه کلماتش پاك شده بود جز این آیه کریمه:

الا الى الله تصیرا الامور. پانزدهم: شیخ کلینی از زراره روایت کرده: قرآن را در ثلث دوم ماه رمضان بر می‌داری و می‌گشایی و روبروی خود می‌گذاری و می‌گویی: اللهم انی اسالك بكتابك المنزل و ما فيه و فيه اسمك الاعظم الاکبر، و اسمائك الحسنی، و ما یخاف و یرجی ان تجعلنی من عتقائك من النار و دعا می‌کنی به آنچه حاجت داری.

شانزدهم: شیخ کفعمی در کتاب «مصابح» و محدّث فیض در خلاصة الأذکار فرموده: در بعضی از کتب اصحاب امامیه دیدم، هرکه خواسته باشد یکی از پیامبران و امامان یا یکی از مردمان، یا والدین خود را، در خواب ببیند سوره‌های شمس و لیل و قدر و قل یا ایّها الکافرون و سوره اخلاص و معوذتین [ناس و فلق] را بخواند، سپس صد مرتبه سوره اخلاص را بخواند، و بر پیامبر و خاندانش صد مرتبه صلوات بفرستد، و با وضو به طرف راست بخوابد، هرکه را اراده کرده ان شاء الله

خواهد دید و با او هرچه بخواند سخن خواهد گفت: و در نسخه دیگری دیدم که این عمل را در هفت شب بجا آورد، پس از آن که این دعا را بخواند:

خدایا تو زنده‌ای هستی که وصف نشود، و ایمان از او باز شناخته شود، چیزها از تو آغاز شد، و به سوی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1087

تو باز می‌گردد، پس آنچه از آنها روی به تو کرد، تو پناهگاه و جای نجاتش بودی، و آنچه از آنها از تو بازگشت، برایش پناهگاهی جای نجاتی، از تو جز به سوی تو نیست، از تو می‌خواهم به حق «لا اله الا انت» و از تو می‌خواهم به حق بسم الله الرحمن الرحيم و به حق حبیب محمد (درود خدا بر او و خاندانش) سرور پیامبران، و به حق علی بهترین جانشیان، و به حق فاطمه سرور بانوان جهانیان، و به حق حسن و حسین که هر دو را آقای جوانان اهل بهشت قرار دادی (که بر همه آنان درود و سلام) اینکه بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و نشان دهی مرده‌ام را در آن حالی که او در آن است.

هفدهم: و نیز در کتاب «خلاصه» آمده است به نقل از برخی کتابها که یافتیم در کتاب الادب الحمیده تألیف محمد بن جریر طبری که حارث بن روح، از پدرش و او از جدش نقل کرده: به فرزندان خود گفت: هرگاه امری شما را اندوهگین ساخت پس شب را به سر نیاورد مگر در حالی که پاك شد، و رختخواب و رو اندازش پاك باشد، و زنی با او نباشد، پس بخواند هفت مرتبه: و الشمس، و هفت مرتبه: و اللیل، سپس بگوید:

اللهم اجعل لی من امری هذا فرجا و مخرجا هرگاه این عمل را بجا آورد، شخصی در همان شب، یا شب سوم، یا پنجم، و گمان می‌کنم گفت: یا در شب هفتم در خواب او بیاید، و راه بیرون شدن از آن غصّه و اندوه را برای او بگوید. فقیر گوید: بعضی گفته‌اند: سوره‌های و الضحی و الم نشرح را نیز بخواند. و در کتاب الجواهر المنثوره آمده است: کسی که بخواند مطلب خود را در خواب ببیند به وقت خوابیدن هر يك از این سوره‌ها را هفت مرتبه بخواند، سوره‌های و الشمس، و اللیل و السّین، اخلاص، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ برب الناس، و با طهارت در مکان پاکی، در جامه پاکی رو به قبله بر دست راست بخوابد، هماننده مرده‌ای که در قبر گذاشته می‌شود، و مطلب خود را نیت کند اگر در شب اول ندید، در شبهای بعد خواهد دید، و از هفت شب تجاوز نمی‌کند، گفته شده این مطلب مجرب [یعنی تجربه شده] است. هجدهم: در خلاصه الاذکار از حضرت زهرا علیها السلام روایت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1088

شده: رسول خدا بر من وارد شد، وقتی که بستر خود را پهن کرده بودم و قصد خوابیدن داشتم فرمود: ای فاطمه خواب مگر اینکه چهار عمل بجا آوری: ختم قرآن کنی، و پیامبران را شفاعی خود سازی، و اهل ایمان را از خود خشنود کنی، و حج و عمره بجا آوری، این را فرمود وارد نماز شد، من ایستادم تا نمازش را تمام کرد، گفتم یا رسول الله به چهار چیز امر فرمودی، که من در این وقت قدرت بجا آوردن آن را ندارم، حضرت تبسم کرد و فرمود: هرگاه سوره توحید را سه مرتبه بخوانی گویا ختم قرآن کرده‌ای، و هرگاه به من و پیامبران پیش از من صلوات فرستی ما شفیعان تو در روز قیامت خواهیم بود، و هرگاه برای اهل ایمان استغفار کنی، تمامی آنها از تو خشنود می‌شوند. و هرگاه بگویی: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر حج و عمره کرده‌ای. مؤلف گوید: کفعمی نقل کرده: هرکس هنگام خواب سه مرتبه بگوید:

يفعل الله ما يشاء بقدرته و يحکم ما يريد بعزته مانند این است که هزار رکعت نماز بجا آورده باشد.

نوزدهم: و نیز در خلاصه الازکار آمده وقت مطالعه بخواند: خدایا مرا بیرون آور از تاریکی‌های وهم، و به نور فهم گرامی‌ام بدار، خدایا درهای رحمت را به روی ما بگشا، و خزانه‌های علومت را بر ما باز کن به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

بیستم: روایت شده: شخصی خدمت حضرت جواد علیه السلام نوشت: قرض بسیار دارم، حضرت نوشتند: بسیار استغفار کن و زیانت را به خواندن سوره انا انزلناه تر بدار. بیست و یکم: در حدیث است: مفضل به حضرت صادق علیه السلام از تنگی نفس شکایت کرد و گفت: اندکی که راه می‌روم نفسم تنگ می‌شود، به این خاطر می‌نشینم. حضرت فرمود: بول شتر بخور تا آرام شود. در حدیث دیگری آمده: شخصی به آن حضرت از سرفه شکایت کرد. فرمود: مقداری انجدان رومی با همان مقدار از نبات بکوب و یک روز یا دو روز بخور، آن شخص گفت: یک مرتبه خوردم برطرف شد. بیست و دوم: از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده: حضرت عیسی علیه السلام به شهری رسیدند دیدند مردم آن شهر صورتشان زرد، و چشمانشان کبود شده است، و از بسیاری بیماری به آن حضرت شکایت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1089

کردند. ایشان فرمود: شما گوشت را نشسته می‌پزید، و هیچ حیوانی از دنیا بیرون نمی‌رود مگر آن که جنابتی با او هست، پس از آن گوشت را پیش از پختن شستند، بیماریشان برطرف شد. و حضرت عیسی علیه السلام به شهر دیگری رسیدند که دندانهای مردمشان ریخته بود و صورت‌هایشان ورم کرده بود. فرمود: هگام خواب دهانتان را باز کنید و بر هم مگذارید،

چنان کردند، علتها از ایشان زایل شد. بیست و سوم: از حضرت باقر علیه السلام نقل شده: چون کسی از صاحبان بلا را بینی آهسته که او نشنود سه مرتبه بگو: الحمد لله الذی عافانی ممّا اتلاک به و لو شاء فعل

هرکه چنین کند هرگز آن بلا به او نرسد، و در روایت دیگری آمده: بگو:

الحمد لله الذی عافانی ممّا ابتلاک به، و فضّلنی علیک و علی کثیر ممّن خلق.

بیست و چهارم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: هرگاه زنی باردار باشد، و چهار ماه بر او بگذرد، روی او به قبله کن و ایه الكرسی بخوان، و دست بر پهلوی او بگذار و بگو: اللهم انی قد سمّيته محمداً

چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند، پس اگر او را به نام محمد نامگذاری کند مبارك باشد، و اگر نام نکند، خدا اگر خواهد از او بگیرد، و اگر بخواید به او ببخشید. بیست و پنجم: روایت شده: وقت کشتن گوسفند عقیقه [گوسفندی که برای نوزاد و قربانی می کنند] این دعا را بخواند:

بسم الله و بالله، اللهم عقیقه عن فلان (نام او را بگوید) لحمها بلحمه، و دمها بدمه و عظمها بعظمه، اللهم اجعلها وقاء لال محمد علیه و اله السلام.

و در حدیث دیگری فرمود که این دعا را بخواند: ای قوم از آنچه شما شریک خدا قرار می دهید بیزارم، من متوجه نمودم روم را

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1090

به جانب کسی که آسمانها و زمین را آفرید با خلوص و از سر تسلیم، و من از شرک و رزان نیستم. به درستی که نماز و عبادتم و زندگی ام و مرگم برای خداست، پروردگار جهانیان، شریکی ندارد، به این حقیقت امر شدم و من از مسلمانانم، خدایا از تو و برای تو، به نام تو و به تو، و خدا بزرگتر است، خدایا درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و از فلان فرزند فلان بپذیر. و نام فرزند را بگوید سپس ذبح کند.

علامه مجلسی در حلیة المتّقین فرموده: بدان که عقیقه فرزند مستحب موکّد است، برای کسی که قادر بر آن باشد، و بعضی از علما واجب می دانند، و بهتر است روز هفتم واقع شود، و اگر تا بلوغ طفل تأخیر کند بر پدر مستحبّ است، و پس از بلوغ تا آخر عمر بر خودش مستحبّ است. و در احادیث معتبر بسیاری وارد شده: عقیقه بر کسی که دارای

فرزند شود واجب است. و در احادیث بسیاری نقل شده: هر فرزندی در گرو عقیقه است، یعنی اگر انجام نگیرد، در معرض مردن و انواع بلاهاست. از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: عقیقه بر کسی که توانگر باشد لازم است، و کسی که تهی دست است پس از توانگری انجام دهد، اگر هم توانگر نشد بر او تکلیفی نیست و اگر برای او عقیقه نکنند، تا زمانی برای او قربانی کنند، قربانی از عقیقه کفایت می کند.

در حدیث دیگری نقل شده: از آن حضرت پرسیدند: ما برای عقیقه دنبال گوسفند رفتیم ولی نیافتیم، چه می فرمایید قیمتش را تصدق کنیم؟ فرمود: طلب کنید تا بیابید. خدا خوراندن طعام و ریختن خون را دوست دارد. در حدیث دیگری آمده:

پرسیدند آیا فرزندی که در روز هفتم بمیرد، می باید عقیقه اش کرد؟ فرمود: اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد، و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه کنند. در حدیق معتبری از عمر بن یزید نقل شده: خدمت آن حضرت عرض کرد: نمی دانم پدرم برای من عقیقه کرده یا نه؟ فرمود: عقیقه کن. پس او در پیری عقیقه کرد. در حدیث حسن از آن حضرت نقل شده: فرزند را در روز هفتم ولادت نام می گذارند و عقیقه می کنند، و سر می تراشند، و موی سرش را با نقره وزن می کنند، و آن نقره را تصدق می دهند، و پای و ران عقیقه را برای قابله ای که در زایمان زن کمک کرده می فرستند. و باقی را به مردم اطعام می کنند و تصدق می دهند.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1091

در حدیث مؤثق دیگری فرمود: هرگاه پسری یا دختری برای تو متولد شود، در روز هفتم گوسفندی یا شتری عقیقه می کنی، و او را نامگذاری کن، و سرش را در روز هفتم بتراش، و به سنگینی موی سرش طلا یا نقره تصدق بده. در حدیث دیگری وارد شده: ربع گوسفند را به قابله می دهد، و اگر بی قابله زایمان کرده آن را به مادر می دهد، که به هرکه خواست ببخشد، و دست کم به ده مسلمان بخوراند، و هرچه زیاده تر باشد بهتر است، و خود از گوشت عقیقه نخورد، و اگر قابله زنی یهودی باشد قیمت ربع گوشت گوسفند را به او بدهد. و در روایت دیگری وارد شده: به قابله ثلث گوسفند را می دهند، و مشهور میان علما آن است که باید عقیقه شتر یا گوسفند یا بز باشد. از حضرت باقر علیه السلام نقل شده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز ولادت در گوش حسنین علیهما السلام اذان گفتند و حضرت فاطمه علیها السلام روز هفتم برای آنان عقیقه کرد، و پای گوسفند را با يك اشرفی به قابله دادند. عقیقه اگر شتر باشد باید پنج ساله یا در شش یا بیشتر باشد، و اگر بز يك سال یا در دو یا بیشتر، و اگر گوسفند باشد دست کم شش ماهه یا در هفت ماه باشد، و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است، و باید بیضه اش را نکشیده باشند، و نیز بهتر آن است که

آن را نکویده باشند، و باید مغز شاخش شکسته، و گوشش بریده، و زیاد لاغر، و کور و بسیار لنگ که راه رفتن برایش دشوار باشد، نباشد. اما در حدیث معتبری از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: عقیقه از باب قربانی نیست، هر گوسفندی که باشد خوب است. هدف گوشت است هرچه فربه‌تر باشد بهتر است. و مشهور میان علما آن است که مستحب است عقیقه پسر نر باشد، و عقیقه دختر ماده، و گمان فقیر این است که برای هر دو موافق بسیاری از احادیث معتبر گوسفند نر بهتر است و برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است. و مستحب است پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند، بلکه بهتر آن است، از طعامی که در آن پخته باشند نیز نخورند، و خوردن مادر کراهتش بیشتر است. و بهتر این است که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان می‌باشند، از آن گوشت طعام نخورند، و مستحب است بپزند، و خام تصدق نکنند، و کمترینش آن است که با آب نمک بپزند، بلکه احتمال دارد این گونه پختن بهتر باشد، و اگر خام هم تصدق کنند خوب است، و اگر حیوان عقیقه پیدا نشود، تصدق قیمتش فایده‌ای ندارد، بلکه باید صبر کنند تا پیدا شود، و شرط نیست جماعتی که به خوردن عقیقه حاضر می‌شوند فقیر باشند، اما خوراندن به صالحان و فقرا بهتر است،
انتهی.

فقیر گوید: مشهور کراهت شکستن استخوانهای عقیقه است، و روایت:

استخوانش شکسته شود، و گوشتش بریده گردد، و پس از ذبح آنچه خواهی انجام می‌دهی. منافات با کراهت ندارد.

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1092

صاحب جواهر فرموده: اما آنچه بین مردم عراق مشهور شده که پیچیدن استخوانهای آن، در پارچه‌ای سپید و دفن کردن آن مستحب است نصی بر آن نیافتم، و الله العالم بیست و ششم: از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: وقت ختنه کردن پسر این دعا را بخوانند، و اگر در آن وقت میسر نشود، تا بلوغ طفل هر وقت میسر گردد، بر آن طفل بخوانند، که از او حرارت آهن را از کشتن و غیر آن دفع می‌کنند و دعا این است:

خدایا این روش تو، و روش پیامبر توسست (درود تو بر او و خاندانش)، و پیروی ماست از تو و از پیامبرت به مشیت و اراده و حکمت. برای کاری که اراده فرمودی، و حکمی که حتم نمودی، و امری که اجرا کردی، و چشاندی به او سوزش آهن در ختنه و حمامتش، به کاری که تو به آن داناتر از منی، پس او را از گناهان پاک کن، و بر عمرش بیفز، و آفات را از بدنش دور کن، و دردها را از جسمش بزدای، و بر توانگری اضافه کن، و تهی دستی را از او برطرف نما، به درستی که

تو می دانی و ما نمی دانیم. بیست و هفتم: سید ابن طاووس از دعوات خطیب مستغفری نقل کرده: او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده است که هرگاه خواستی به کتاب خدا تَقَالَ [فال نیک زدن] بزنی، سوره اخلاص را سه مرتبه بخوان، سپس سه مرتبه بر پیامبر و آتش صلوات فرست، پس بگو: خدایا من تَقَالَ زدم به کتاب تو، و بر تو توکل نمودم، آنچه از رازت در غیب تو پنهان است، از کتاب خود به من بنمایان، پس باز کن جامع را یعنی قرآنی که جامع تمام سوره ها و آیات باشد، و بگیر فال را از خط اول از جانب اول بی آنکه اوراق و سطور را بشماری. و بدان که علامه مجلسی از برخی نوشته های اصحاب از خط شیخ یوسف قطیفی نقل کرده، و او از خط آیت الله علامه، که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هرگاه اراده کردی از کتاب عزیز استخاره کنی بعد از بسم الله بگو:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1093

اگر در قضا و قدرت این است که بر شیعه خاندان محمد (درد بر ایشان) به فرج ولیّات، و حجتت بر بندگان منت بگذاری، از کتاب خود آیه ای برای ما بیرون آور، که به آن بر این کار راه یابیم.

پس مصحف شریف را می گشایی، و شش ورق می شماری، و از ورق هفتم شش سطر می شماری، و در آن نظر می کنی و مطلب را بیرون می آوری. و شیخ شهید رحمه الله در کتاب «ذکری» فرموده: از جمله استخاره ها، استخاره به عدد است، و این در روزگار گذشته، پیش از زمان سید کبیر عابد رضی الدین محمد بن محمد الآوئی الحسینی، مجاور مشهد غروی رضی الله عنه مشهور نبوده، و ما روایت می کنیم این استخاره را با جمیع مرویات او، از جماعتی از مشایخ خودمان، از شیخ کبیر فاضل جمال الدین بن المطهر از والدش رضی الله عنه از سید رضی الدین مذکور، از حضرت صاحب الامر علیه الصلوة و السلام: می خوانی فاتحه را ده مرتبه، و کمترینش سه مرتبه، و کمتر از آن یک مرتبه، سپس می خوانی سوره قدر را ده مرتبه، سپس این دعا را سه مرتبه می خوانی: خدایا من از تو درخواست خیر می کنم، برای آگاهی ات به عاقبت کارها، و با تو مشورت می کنم برای خوش گمانی ام به تو در آنچه مورد آرزو و بیم است، خدایا اگر کار فلانی از آنهایی است که آغاز و انجامش به برکت بسته شده، و روزها و شبهایش به کرامت پیچیده گشته، پس برانم اختیار کن، خدایا در آن خیری باشد، که سختی اش را سهل و نرم کنی، و روزهایش را به شادمانی بازگردانی، خدایا اگر دستور است انجامش دهم، اگر نهی است، خودداری نمایم، خدایا به رحمت خیرجویی می کنم خیری در عافیت.

پس يك قبضه را تسبیح را می گیری، و حاجت خود را نیت می کنی، اگر عدد آن قبضه جفت است پس آن «افعل» است، یعنی انجام بده، و اگر طاق است «لا تفعل» است یعنی انجام نده، یا به عکس یعنی طاق خوب است و جفت بد، و این بسته به قصد استخاره کنند دارد. فقیر گوید: تقعض [در متن عربی دعای استخاره] به ضاد معجمه یعنی تردّ و تعطف. و ما در باب نمازها،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1094

استخاره ذات الرقاع، و بعضی از اقسام استخاره و ساعات آن را ذکر کردیم، به آنجا رجوع شود. و بدان که سید ابن طاووس کلامی فرموده که حاصلش این است: من حدیث صریحی نیافتم که انسان برای غیر خود استخاره کند، ولی یافتم احادیث بسیاری را که در آنها امر شده بر قضای حاجت برادران به دعاها و سایر توسلات، بلکه در اخبار از فواید دعا برای برادران چندان ذکر شده که محتاج بر بیان نیست، و استخاره نیز از جمله حاجات، و از جمله دعوات است، زیرا شخصی که انسان را تکلیف به استخاره می‌کند، به طور حتم حاجتی برایش پیش آمده و آن شخصی که مباشر استخاره می‌شود می‌خواهد برای خود استخاره کند که آیا صلاح است که به او بگوید انجام بده یا نه، و می‌خواهد برای آن شخص که به او گفته استخاره کند، آیا مصلحت در فعل است یا در ترك، و این از چیزهایی است که داخل است در تحت عموم روایات ناظر به استخارات و قضای حاجات. علامه مجلسی فرموده: کلام سید در جواز استخاره برای غیر، خالی از قوت نیست به جهت عمومات [یعنی تعابیر عامّ وارد در روایات برای رفع حاجت برادران دینی]، به خصوص وقتی که نایب برای خود قصد کند که به شخص طالب استخاره بگوید: انجام بده یا نده، چنان که سید به آن اشاره فرموده: و این نقشه‌ای است برای داخل کردن استخاره در تحت اخبار خاصّه، لیکن احوط و اولی آن است که صاحب حاجت خودش برای خود استخاره کند، زیرا ما خبری که در جواز وکالت در استخاره وارد شده باشد، ندیدیم، و اگر این کار جایز یا راجح می‌بود، به طور قطع اصحاب از ائمه سؤال می‌کردند، و اگر سؤال کرده بودند برای ما دست کم در يك روایت نقل می‌شد، به علاوه اینکه شخص مضطر خود اولی به اجابت، و دعای او اقرب به خلوص نیت است،
انتهی.

بیست و هشتم: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده: هرکس یهود، یا ترسا [مسیحی]، یا گبری [مجوسی] را ببیند و بگوید:

الحمد لله الذي فضّلني عليك بالاسلام ديناً، و بالقران كتاباً، و بمحمد نبياً، و بعليّ اماماً، و بالمؤمنين اخواناً، و بالكعبة قبله
خدای تعالی میان او آن کافر در دوزخ جمع نکند.

مؤلف گوید: از آیات و اخبار بسیاری استفاده می‌شود که مسلمان باید از دوستی با کفار و محبت و میل و تشبّه به ایشان اجتناب

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1095

ورزد، و بر مسلک آنان سلوک نکند. خدای تعالی فرمود: به حقیقت برای شما در ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمش خوبی است، به قومشان گفتند: ما از شما بیزاریم از آنچه جز خدا می‌پرستید، بین ما و شما همیشه دشمنی و کینه‌ورزی است.

شیخ صدوق رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: حق تعالی به سوی پیغمبری از پیامبران خود وحی فرستاد تا به مؤمنان بگوید:

لباس دشمنان مرا نپوشید، و غذای دشمنان مرا نخورید، و بر راههای دشمنان من مروید، که دشمنان من خواهید بود، چنان که آنان دشمنان منند. لذا در بسیاری از روایات وارد شده: فلان عمل را بجا آورید، و خود را به کفّار شبیه نسازید، مانند روایتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده: شارب [موهای پشت لب] را از ته بگیرید، و محاسن [موهای صورت] را بلند بگذارید، و خود را به یهودیان و گبران شبیه نکنید، و نیز فرمود: گبران محاسن خود را تراشیدند، و شاربهای خود را زیاد کردند، و ما شارب خود را می‌گیریم و محاسن می‌گذاریم، و هنگامی که نامه‌های دعوت آن جناب به پادشاهان رسید، کسری به باذان عامل یمن نوشت، آن حضرت را نزد او فرستد، و او کاتب خود بانویه، و مردی که او را خرچسنگ می‌گفتند به مدینه فرستاد، و آن دو محاسن خود را تراشیده و شارب گذاشته بودند، آن جناب را خوش نیامد که به ایشان نظر کند فرمود: وای بر شما چه کسی شما را به این هیئت امر کرده؟ گفتند: پروردگارمان یعنی کسری، فرمود ولی پروردگار من مرا به گذاشتن محاسن و چیدن شارب امر فرموده است. بدان که حق تعالی در سوره هود فرموده است: به جانب کسانی که ستم کردند متمایل نشوید، در نتیجه آتش شما را تماس می‌یابد، و جز خدا برای شما دوستانی نباشد، سپس یاری نشوید.

مفسران در معنی آیه فرموده‌اند: میل اندک به سوی آنان نکنید تا چه رسد به بسیار؟ که ستم کردند، پس برسد به شما آتش دوزخ. و بعضی گفته‌اند: «رکون» نهی شده، وارد شدن با ایشان در ستم ایشان، و اظهار رضایت به کارشان و اظهار موالات با آنان است، و در روایت اهل بیت علیهم السلام آمده: رکون عبارت از مودت و نصیحت و طاعت ایشان است. بیست و نهم: نوزده حرف است که برای خواننده آن، اسباب گشایش و رهایی از آفات است، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنها را به امیر مؤمنان صلوات الله علیهما و آلهما تعلیم فرموده و شیخ صدوق در

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1096

کتاب خصال در ابواب نوزده گانه نقل کرده: فرمودند که می‌گویی:

ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، ای ذخیره کسی که ذخیره ای ندارد، ای پشتوانه کسی که پشتوانه ای ندارد، ای پناه کسی که پناهی ندارد، ای دادرسی کسی که دادرسی ندارد، و ای کریم، و ای نیکو آزمون، و ای بزرگ امید، و ای عزّت ناتوانان، و ای نجات بخش غرق شدگان و هلاک شدگان، ای نیکوکار، ای زیباکار، ای نعمت بخش، ای فزون بخش، تویی که تاریکی شب و روشنی روز، و پرتو ماه و شعاع خورشید و صدای آب و صدای خش خش برگ های درخت برایت سجده کرد. ای خدا، ای خدا، ای خدا، تو یگانه ای شریکی برایت نیست. پس می گویی:

اللّٰهُمَّ افعل بی کذا و کذا به جای کلمه کذا و کذا حاجت خود را ذکر می کنی همانا که از جای خود برنخواهی خاست تا ان شاء الله تعالی مستجاب شود.

سی ام: شیخ کفعمی از مفاتیح الغیب نقل کرده: هرکه لفظ بسم الله را بر در ورودی منزل خود بنویسد از هلاک ایمن خودهد شد، اگرچه کافر باشد، و نیز گفته است: خدا فرعون را زود هلاک نکرد بلکه به او مهلت داد، با این که ادّعی ربوبیت داشت به خاطر این که بر در خانه خود نوشته بود: بسم الله و حق تعالی به موسی زمانی که شتاب در هلاکت فرعون را خواست وحی فرمود: توبه کفر او نظر می کنی، و من به آنچه به در خانه خود نوشته است. سی و یکم: شیخ ابن فهد روایت کرده: روزی به ابو الدرداء خبر دادند: خانه ات سوخته است، گفت نسوخته، دیگری خبر داد، باز همان جواب را داد تا سه مرتبه معلوم شد تمام خانه های اطراف جز خانه او سوخته اند! گفتند: از کجا می دانستی که خانه تو نسوخته است؟ گفت:

زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم شنیدم که فرمود:

هرکه در صبح این دعا را بخواند، بدی در آن روز به او نمی رسد، و اگر در شب بخواند، در آن شب بدی به او نمی رسد، و من این دعا را خوانده بودم:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1097

خدایا تویی پروردگار من، معبودی جز تو نیست، بر تو توکل کردم و تو پروردگار عرش بزرگی، و هیچ جنبش و نیرویی نیست مگر به خدای برتر بزرگ، آنچه خدا خواست شد، و آنچه نخواست نشد، می دانم که خدا بر هر چیز تواناست، و به همه چیز از جهت علم احاطه یافته است. خدایا به تو پناه می آورم، از شرّ خود، و از شرّ قضای بد، و از شرّ هر صاحب شرّی، و از شرّ جنّ و انس، و از شرّ هر جنبنده ای که گیرنده مهار اختیارش هستی، به درستی که پروردگار من بر راهی راست است.

سی و دوم: شیخ کلینی و غیر او از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: این دعا را تعلیم زراره فرمود: که در زمان غیبت و امتحان شیعه بخوانند:

خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من نشناسانی فرستاده‌ات را نشناخته‌ام، خدایا فرستاده‌ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده‌ات را به من نشناسانی حجت را نشناخته‌ام، خدایا حجت را به من بشناسان، زیرا اگر حجت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم. سی و سوم: در عده الداعی از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده: هرگاه یکی از شما خواست بخوابد، دست راست را زیر صورت راست خود بگذارد و بگوید:

بسم الله، وضعت جنبي لله، على ملة ابراهيم و دين محمد صلى الله عليه و آله و ولاية من افترض الله اطاعته، ما شاء الله كان، و ما لم يشأ لم يكن. هرکه این دعا را هنگام خواب بگوید، خدا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1098

او را از دزد غارتگر، و از ریزش آوار بر سرش، حفظ کند، و فرشتگان برای او طلب آمرزش کنند. سی و چهارم: و نیز در عده الداعی آمده: خواندن **انا انزلناه في ليلة القدر** بر هر چیزی که ذخیره و پنهان کنند، برای آن حرز [حافظ و نگاهبان] است، بنابر آنچه از اهل بیت علیهم السلام روایت شده. سی و پنجم: و نیز از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده: هرکه صد آیه از قرآن بخواند از هر آیه که باشد، و هفت مرتبه بگوید یا الله اگر بر سنگی بخواند خدا آن را بشکافد. سی و ششم: و نیز از آن حضرت نقل کرده: کسی که **قل هو الله احد** را سه مرتبه بخواند وقتی که به بستر خواب خویش می‌رود، خدا پنجاه هزار فرشته بر او بگمارد که از او در آن شب پاسداری کنند، و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: هرکه يك روز بر او بگذرد، و در نماز خود **قل هو الله احد** را بخواند، روز قیامت به او می‌گویند: ای بنده خدا تو از نماز گذاران نیستی!! و نیز از آن حضرت نقل شده: کسی که جمعه بر او بگذرد یعنی يك هفته و در آن هفته **قل هو الله احد** بخواند باشد، به دین ابی لهب بمیرد!! و نیز از آن جناب روایت شده: کسی که به او مرضی یا شدتی برسد و در آن حال **قل هو الله احد** بخواند، و در آن مرض یا شدت بمیرد اهل آتش خواهد بود.

سی و هفتم: در عده الداعی این نوشته را برای حفظ زراعت خربزه و خیار و سایر زراعتها از ضرر کرم و آفاتی که آن را فاسد کند نقل کرده، و کیفیت آن، چنان است که بر چهار نی، یا چهار کاغذ که در نی بگذارد و بنویسد، و آنها را در چهار طرف مزرعه قرار دهد.

ای کرمها، ای جانوران و حشرات و حیوانات، از این زمین و زراعت به ویرانه روید، آنچنان که «یونس» فرزند مَتّی از شکم ماهی بیرون رفت، اگر بیرون نروید، زبانه خشمگینی از آتش و مس بر شما می‌فرستم، پس یاری نشوید، آیا ندیدی آنان را که از ترس مرگ از خانه‌هایشان بیرون رفتند و هزاران تن بودند، خدا به آنان گفت: بمیرید، پس همگی مردند، از آن بیرون روید به درستی که تو رانده شده‌ای، پس از آنجا ترسان بیرون رفت، درحالی که از خود دیده‌بانی می‌کرد، منزّه است آن که شبانه بنده خود را از مسجد الحرام به سوی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1099

مسجد الاقصی حرکت داد روزی که ببینند آن را، گویی اینان درنگ نکرده‌اند جز شبی یا ظهری، پس بیرون کردم آنها را از باغها و چشمه‌ها و کشتزارها و جایگاه کریم، و نعمتی که در آن خوش بودند، پس آسمان و زمین بر آنان گریست، و مهلت نیافته بودند، از آن بیرون رو تو را نمی‌رسد که در آن تکبر ورزی، پس بیرون رو، که تو از خوارانی، از آن بیرون شو با ندامت و رسوائی، پس به جانب آنان سپاهبانی می‌آوریم، که آنان را یاری روبرو شدن با آنها نیست و از آنجا با خواری بیرونشان می‌کنیم، درحالی که بی‌مقدارانند. سی‌وهشتم: سید ابن طاووس از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: هرکه صبح کند و در دستش انگشتر عقیقی باشد، که در انگشت راست کرده باشد، پیش از آنکه نظرش به کسی افتد، آن را به جانب کف دست برگرداند، و به آن نظر کند و سوره **اَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ** را تا آخر بخواند، سپس بگوید:

امنت بالله وحده لا شريك له و كفرت بالجبت و الطّاغوت، و امنت بسّر ال محمد و علانيتهم، و ظاهرهم و باطنهم و اولهم و اخرهم. خدای عالمیان او را در آن روز، از شرّ آنچه از آسمان نازل می‌شود، و آنچه به سوی آسمان بالا می‌رود، و آنچه در زمین فرو می‌رود، و آنچه از زمین بیرون می‌آید حفظ می‌کند، و تا شامگاه در حرز [پناه] و حمایت خدا و دوستان خدا باشد.

سی‌ونهم: شیخ کفعمی از کتاب جامع الشتات، از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده: هرگاه خوستای از ما حدیثی نقل کنی، و شیطان باعث فراموشی تو شود، دست را بر پیشانی‌ات بگذار و بگو: **صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ، اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ یَا مُذَكِّرَ الْخَیْرِ وَ فَاعِلَهُ، وَ اَلْاَمْرِ بِهِ، ذَكِّرْنِیْ مَا اَنْسَانِیَ الشَّیْطَانُ**

در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: کسی که فراموشی او در نماز زیاد باشد، هنگامی که وارد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1100

بیت الخلاء می شود بگوید: بسم الله، اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم.

مؤلف گوید: کسی که می خواهد حافظه اش زیاد شود، مسواک کند، و روزه بگیرد، و قرآن بخواند، به ویژه آیه الکرسی را، و ادامه دهد خوردن مویز را در ناشتا، به ویژه اگر سرخ و بیستویک دانه باشد، این کارها برای فهم و ذهن و حافظه سودمند است، و نیز خوردن حلوا و گوشت نزدیک کردن گوسفند، و غسل و عدس نیز باعث تقویت حافظه هستند، نقل شده: از دواهایی که به تجربه رسیده آن است: که کندر و سعد و شکر طبرزد را مساوی با هم گرفته و نرم بکوبند و مخلوط کنند، و روزی پنج درهم بخورند، البته سه روز پی در پی بخورند، و پنج روز ترك کنند و به این صورت ادامه دهند، و هر روز پس از نماز صبح، پیش از آن که سخن بگویند بخوانند: یا حی یا قیوم فلا یفوت شیئا علمه، و لا یؤده.

و نیز به دنبال نمازها بخواند دعای: سبحان من لا یعتدی علی اهل مملکت

را، و نیز بخواند نمازی را که در باب دوم برا تقویت حافظه نقل کردیم [صفحه 991] و غیر ذلك، و نیز اجتناب کند از اموری که سبب نسیان می شود مانند: خوردن سیب ترش، گشنیز سبز، پنیر پس خورده موش، بول کردن در آب راکد، خواندن سنگ قبور، عبور از بین دو زن، دور انداختن شپش زنده، نگرفتن ناخنها، ترك قیلوله [خواب نمیروز]، کثرت معاصی، بسیاری ناراحتی ها و اندوهها در امر دنیا، کثرت اشتغال و دلبستگی ها، چشم دوختن به اعدای بر بالای دار، عبور از میان قطار شتر.

چهلیم: ابن فهد از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده: هر دعایی که پیش از آن تمجید نباشد ابتر [بی ثمر] است، او تمجید است سپس ثنا، راوی گفت کمتر چیزی که از تمجید کفایت می کند چیست؟ فرمود:

خدایا تویی اول، پیش از تو چیزی نیست، و تویی آخر، پس از تو چیزی نیست، و تویی ظاهر برتر از تو چیزی نیست، و تویی باطن و رأی تو چیزی نیست و تویی عزیز و حکیم

پایان

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1101

در بعضی از آداب و دعاهاى مربوط به مرگ

بدانکه چون بر کسی آثار مرگ نمایان شود، اول کسی که باید به احوال او پردازد، خود شخص است که سفر آخرتی ابدی در پیش دارد، و برای او در خود آن سفر توشه لازم است. اوّل چیزی که برای او ضرری است، اقرار به گناه و اعتراف به تقصیر و ندامت از گذشته‌ها و توبه کامل و تضرع و زاری به درگاه جناب مقدّس ایزدی که از گناهان گذشته او درگذرد، و در احوال و هول و هراسی که در پیش دارد، او را به خود و دیگران وا مگذارد. پس باید که متوجه وصیت شود، و حقوق خدا و خلق و آنچه را بر ذمه اوست ادا کند، و به دیگران وا گذار نکند که پس از مردن بی‌اختیار می‌شود، و به حسرت در اموال خود بنگرد، و شیاطین جن و انس، اوصیا و وارثان او را وسوسه‌ها کنند، و از اینکه ذمه او را از حقوق آزاد کنند مانع شوند، و برای او چاره‌ای نشود، و حسرت و ندامت سودی نبخشد. پس به اندازه ثلث مال خود برای خویشان و صدقات و خیرات و آنچه مناسب حال خود می‌داند وصیت کند، که اضافه بر ثلث را ختباری ندارد. براءت ذمه خود را از برادران مؤمنش بخواهد، و از هرکه غیبت کرده، یا اهانت و آزاری روا داشته، اگر حاضر باشند از آنان بخواهد او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند، از برادران مؤمن بخواهد که برای او براءت ذمه بخواهند، سپس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب حق به امینی وا گذارد و شخصی را برای اولاد صغیر خود به عنوان وصی تعیین نماید. سپس کفن خود را مهیا نماید و از شهادتین و عقاید و اذکار و ادعیه و آیات، آنچه در کتب مبسوطه ذکر شده است، و این رساله گنجایش بیان آنها را ندارد، بگوید با تربت حضرت امام حسین علیه السّلام بر کفن او بنویسند، و این در صورتی است، که قبل از این غافل بوده و کفنی مهیا نکرده باشد، وگرنه مؤمن باید کفنش همیشه مهیا و نزد او حاضر باشد، چنان که از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده: هرکه کفنش در خانه‌اش همراه او باشد، او را در شمار غافلان ننویسند، و هرگاه به آن کفن نظر کند ثواب یابد، و باید پس از آن دیگر به فکر زن و فرزند و مال نباشد، و متوجه حضرت حق گردد، و به یاد او باشد، و اندیشه کند که این امور فانی به کار او نمی‌آید، و به غیر لطف و رحمت پروردگار، در دنیا و آخرت چیزی به فریاد او نمی‌رسد، و بداند وقتی که توکل بر حق کند، امور بازماندگانش به بهترین صورت انجام خواهد

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1102

گرفت، و بداند که اگر خود باقی بماند، نمی‌تواند بدون خواست خدا سودی به آنان رساند، و ضرری از آنان برطرف نماید، و خدایی که آنان را آفریده از او به آنان مهربان‌تر است. و باید در آن حال در مقام امید و رجا به سر برد، و به رحمت خدا و شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام امید عظیم داشته باشد، و

منتظر قدوم شریف ایشان باشد، و بداند همه آنان در آن وقت حاضر می‌شوند، و شیعیان خود را بشارتها می‌دهند، و ملك الموت را سفارشها می‌نمایند.

شیخ طوسی در (مصباح المتهجد) فرموده: وصیت و اخلال نکردن به آن برای انسان مستحب است. چه آنکه روایت شده: برای آدمی سزاوار است شب را به روز نیاورد، مگر آنکه وصیت‌نامه‌اش زیر سرش باشد، و این معنا در حال بیماری تاکید شده است. و نیکو وصیت کند، و خود را از حقوقی که ما بین او و خداست و از مظالم عباد [ستمهایی که بر بندگان روا داشته است] خلاص کند. به راستی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده: هرکه هنگام مرگ خویش وصیتش را نیکو نکند، نشانه نقص در عقل و مروّت اوست. عرضه داشتند: ان وصیت نیکو چگونه است؟ فرمود: چون مرگ او برسد، و مردم نزد او جمع شوند بگوید:

خدایا آفریننده آسمانها و زمین، دانای پنهان و عیان، بخشنده و مهربان، من با تو عهد می‌کنم، به حق گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است، شریکی ندارد، و اینکه محمد (درود خدا بر او و خاندانش) بنده و فرستاده اوست، و قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست، و خدا هرکه را در قبور هستند. برمی‌انگیزد، و همانا حسابرسی اعمال و بهشت حق است، و آنچه در آن از نعمتها و خواراکیها، و آشامیدنی‌ها، و ازدواج وعده داده شده حق است، و آتش حق است، و ایمان حق است. و دین چنان‌که

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1103

وصف کرده، و اسلام چنان‌که تشریح فرموده، و گفتار چنان‌که گفت، و قرآن چنانچه نازل کرد، و خدای حق روشنگر است، و من در خانه دنیا با تو عهد می‌کنم که من راضی شدم به تو به اینکه پروردگار هستی و به اسلام برای دین، و به محمد (درود خدا بر او و خاندانش) برای پیامبری، و به علی برای ولایت، و به قرآن به عنوان کتاب، و اینکه اهل بیت پیامبرت (بر او بر خاندانش درود) امامان من هستند، خدایا تو مرود اطمینان منی هنگام سختی، و امید منی به گاه گرفتاری، و ذخیره منی در کارهایی که برایم پیش آید، و تو سرپرست منی در نعمتم، و معبود من و پدران منی، بر محمد و خاندانش درود فرست، و هرگز چشم برهم نهادنی مرا به خود و مگذار، و در قبر وحشتم را برطرف کنی، و برایم در پیش خود پیمانی گسترده قرار ده روزی که تو را ملاقات می‌کنم.

این عهد میّت است در روزی که به حاجت خود وصیت می‌کند، و وصیت بر هر مسلمانی حق است. حضرت صادق علیه السلام فرمود: تصدیق این معنا در گفتار خدای تبارک و تعالی در سوره مریم آمده است:

مالك نمی شوند شفاعت را، مگر کسی که نزد خدای بخشنده پیمان گرفته باشد. و این همان پیمان است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

آن را بیاموز و به اهل بیت و شیعه خود آموزش ده، که آن را جبرئیل به من آموخت. شیخ فرموده: نسخه نوشته‌ای که با میّت نزد جریده گذارده می شود، پیش از نوشتن بگوید:

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است، برای او شریک نمی باشد، و گواهی می دهم که محمد بنده و رسول اوست، (درود خدا بر او و خاندانش)،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1104

و این که بهشت و آتش و قیامت حق است. قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست، و خدا هر که در گورهاست برمی انگیزد. آنگاه بنویسد: به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، گواهی دادند، گواهان نامبرده در این نوشته بر این که برادرشان در راه خدای عزّ و جلّ فلان بن فلان بجای فلان نام شخص ذکر شود آنان را گواه گرفت، و به آنان سپرد، و نزدشان اقرار کرد بر اینکه او گواهی می دهد: معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، و اینکه محمد (درود خدا بر او و خاندانش) بنده و رسول اوست، و اینکه او به همه انبیا و رسولان (درود بر ایشان) اقرار دارد، و این که علی ولیّ خدا و امام اوست، و ائمه از اولادش امامان اویند که اول آنان حسن، [است، سپس] حسین، و علی بن الحسین، و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی، و قائم حجت (درود بر ایشان)، و اینکه بهشت و دوزخ حق است، و قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست، و خدا هر که را در قبورند برمی انگیزد، و اینکه محمد (درود خدا بر او و خاندانش)، بنده و رسول اوست، حق را آورد، و علی ولیّ خدا، و خلیفه پس از رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) است که او را در امتش جانشین خود قرار داد، درحالی که فرمان پروردگارش را می رساند، و اینکه فاطمه دختر رسول خدا، و دو فرزندش حسن و حسین دو پسر رسول خدا، و دو فرزند زاده او، و دو پیشوای هدایت، و دو رهبران رحمتند. و اینکه علی و محمد و جعفر،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1105

و موسی و علی، و محمد و علی و حسن، و حجّت (درود بر ایشان) امامان و رهبران و دعوت کنندگان به سوی خدا، و حجّت بر بندگان اویند. سپس بگوید: ای گواهان. ای فلان و ای فلان که نام برده شده‌اید، برای من در این نوشته، این شهادت را نزد خودتان استوار بدارید، تا مرا به آن کنار حوض کوثر ملاقات کنید سپس گواهان بگویند: ای فلان تو را به خدا می‌سپاریم، و گواهی و اقرار و برادری نزد رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) سپرده است و به تو می‌فرستیم سلام و رحمت و برکات خدا را پس آن صحیفه را به هم پیچند، و آن را مهر کنند، و باید به مهر شهود و میّت مهر شود، و با جریده طرف راست میّت گذاشته شود، و این صحیفه با نوك چوبی با کافور نوشته شود، و معطر و خوشبو نباشد. و سزاوار است وقتی حالت مرگ می‌رسد، باطن قدمهای محتضر را رو به قبله کنند، و نزد او کسی باشد که سوره یس و صفات بخواند، و ذکر خدا کند، و او را به گفتن شهادتین، و اقرار به يك امامان تلقین نماید، و کلمات فرج را تلقین او کند:

معبودی جز خدا نیست، خدای بردبار کریم، معبودی جز خدا نیست خدای برتر بزرگ، منزّه است خدا، پروردگار آسمانهای هفتگانه، و زمینهای هفتگانه، و آنچه در آنها و بین آنها، و زیر آنهاست، و پروردگار عرش بزرگ، و ستایش خدای را پروردگار جهانیان، و درود بر محمد و خاندان پاکش.

و نزد محتضر جنب و حایض حاضر نشود، و چون از دنیا رفت چشمانش را فرو خوابانند، و دستهایش را بکشند، و دهانش را بر هم گذارند، و ساقهایش را بکشند، و چانه‌اش را ببندند، و شروع در تحصیل کفن او کنند، و کفن واجب سه پارچه است:

لنگ، پیراهن، و سرتاسری، و مستحبّ است بر این پارچه‌ها جره یمّیه اضافه شود، و آن جامه ایست که از یمن می‌آورند،

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1106

یا پارچه‌ای دیگر، و پارچه پنجمی زیاد کنند، که با آن رانهای میّت را بپیچند، و علاوه بر اینها مستحبّ است برای او عمامه قرار دهند، پس مقداری از کافور که آتش به آن نرسیده باشد تهیه کنند و بهتر است به وزن سیزده درهم و ثلث، و کمتر از آن چهار مثقال، و اقلّ يك درهم باشد، و اگر دشوار باشد هر اندازه ممکن است تهیه کنند. و سزاوار است بر تمام کفنها، یعنی بر هر پارچه از آن بنویسند:

فلان يشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و انّ محمّدا رسول الله و انّ عليّا امير المؤمنين و الائمه من ولده و يك يك امامان را ذكر كند سپس نوشته را به اين جمله ادامه دهد.

ائمه ائمه الهدى الابرار و اين را با تربت امام حسين عليه السلام يا به انگشت بنويسند، و به سياهی نوشته نشود.

و بايد ميّت را به سه غسل، غسل دهند: غسل اول با آب سدر، دوّم با آب كافور، سوم با آب خالص. و كيفيّت غسلش مانند غسل جنابت است. ابتدا می‌کند به شستن دستهای ميّت سه مرتبه، پس عورت او را با کمی از اشنان سه مرتبه می‌شوید، سپس سر او را سه مرتبه با کف سدر غسل می‌دهد، سپس جانب راست و بعد جانب چپ را به همین صورت و دست خود را به تمام بدن ميّت می‌کشد، و بايد همه اين شستنهای اول با آب سدر باشد، سپس ظرفها را بشوید تا اثر سدر از آنها برود، سپس به همین ترتیب با آب كافور آنگاه او را با آب خالص غسل دهد، و غسل‌دهنده در حال غسل دادن هر عضوی بر جانب راست او بایستد و بگو: عفوا عفوا، چون از غسل دادن فارغ شود، بدن ميّت را با جامه تمیزی خشك كند، و بر غسل‌دهنده در اين حال يا بعد از آن غسل ميّت واجب است. و مستحبّ است وضو، پیش از غسلهای ميّت.

سپس او را کفن کند، و پارچه پنجمی را که ران پیچ باشد حاضر کند، و پهن نماید، و مقداری پنبه روی آن بگذارد، و بر آن قدری زیره بپاشد، و بر قبل و دبر ميّت گذارد، و بر سوراخ دبر او پنبه بگذارد، سپس آن پارچه را بر رانهای او ببندد و محکم ببندد، و سپس لنگش را از نافش تا هر کجا برسد ببندد، و پیراهنش را بر او بپوشاند، و روی همه اینها

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1107

سرتاسری را قرار دهد، و بالای آن حبره، یا چیزی که جایگزین آن باشد، و بگذارد با او دو جریده از چوب خرما، یا درخت دیگری، و باید تروتازه باشد، و طولش به اندازه استخوان ذراع [ساعد]، یکی از آن دو را در جانب راست، چسبیده به بدن، از آن محلی که موضع بستن لنگ است، و دیگری را در جانب چپ مابین پیراهن و سرتاسری و كافور را بر مواضع سجده ميّت، که پیشانی و باطن دستها، و سر زانوها، و اطراف انگشتان پاها می‌باشد بگذارد. و اگر از كافور چیزی اضافه آمد بر سینه او قرار دهد. و کفنها را بر او بپیچند، و او را از جانب سر و پاهایش ببندد، تا او را به خاک سپارند، آن وقت گره کفن را بگشایند. چون از کار کفن فارغ شدند، او را بر تابوت قرار داده، به جانب مصلى ببرند، و بر او نماز بخوانند، علامه مجلسی و زاد المعاد آنچه را که خلاصه‌اش این است فرموده:

این نماز بر همه مسلمانان که آگاه به فوت شخصی شوند واجب است، و اگر يك نفر از آنان بخواند، از دیگران ساقط می‌شود. و خواندن نماز بر مرده شیعه اثنی عشری که بالغ باشد بدون خلاف در بین علما واجب است، و اشهر اقوی آن است که بر طفلی که شش سالش تمام شده خواندن نماز واجب است، و ظاهراً به قصد قربت می‌توان اکتفا کرد. و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولد شده باشد بعضی مستحب دانسته‌اند و بعضی بدعت، و احوط نماز نخواندن است. و سزاوارترین مردم به نماز میت بنابر مشهور وارث اوست، و شوهر به همسر خود اولی است، و واجب است نمازگزار رو به قبله بایستد، و سر جنازه به جانب راست او باشد، درحالی که میت را به پشت خوابانده باشند، و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست، و جنب و حائض، و بی‌وضو می‌توانند این نماز را بخوانند، و مستحب است با وضو باشد، و اگر آب نباشد، یا مانعی داشته باشد، یا وقت تنگ باشد، مستحب است تیمم نماید. و ظاهر بعضی احادیث است که بدون عذر نیز تیمم مستحب است و بنابر مشهور مستحب است امام جماعت برابر میان بدن مرد میت، و روبروی سینه زن بایستد، و مستحب است کفش را از پا بیرون کند. و واجب است نیت نماز کنند. و پنج تکبیر بگویند، و مستحب است، در هر تکبیر دستها را تا برابر گوش بالا ببرند، و مشهور آن است که پس از تکبیر اول بگویند:

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و پس از تکبیر دوم بگویند: صلّ علی محمد و ال محمد و بعد از تکبیر سوم بگویند: اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات و بعد از تکبیر چهارم بگویند:

اللهم اغفر لهذا الميت و تکبیر پنجم را بگویند، به این صورت نماز تمام و مجزی است. و بنابر نظر مشهور، بهتر

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1108

آن است که پس از نیت بگویند: خدا بزرگتر است. و گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است. و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، که او را به حق، مرزده‌دهنده و بیم‌دهنده پیشاپیش قیامت فرستاده.

سپس بگویند: خدا بزرگتر است. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر محمد و خاندان محمد برکت ده، و محمد و خاندان محمد را رحم کن، همانند برتر درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم نمودی، به درستی که تو ستوده و بزرگواری، و بر همه پیامبران و فرستادگان درود فرست سپس بگویند خدا بزرگتر است.

خدایا این بنده تو، و فرزند بنده تو، و فرزند کنیز توست نزد تو فرود آمده، و تو بهترین کسی هستی که نزد او فرود می‌آیند، خدایا ما از او جز خوبی نمی‌دانیم، و تو از ما درگذر، و او را بیامرز، و نزد خود در بالاترین جایگاه قرارش ده، و بر خاندانش در میان زندگان جانشین او باش به مهریانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان سپس بگویند خدا بزرگتر است و

فارغ می‌شود، و اگر میت زن باشد می‌گوید: خدایا این کنیز تو و دختر بنده تو، و دختر کنیز توست، بر تو فرود آمده، و تو بهترین کسی هستی که بر او فرود می‌آیند، خدایا ما از او جز خوبی خبر نداریم، و تو از ما به او داناتری، خدایا

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1109

اگر نیکوکار است بر نیکی‌اش بیفزای و اگر بدکار است از او درگذر، و او را بیامرز، و نزد خود در بالاترین جایگاهها قرارش ده و بر خاندانش در میان زندگان جانشین او باش، و به مهربانیت به او رحم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان. و اگر میت مستضعف باشد بگوید: اللهم اغفر للذين تابوا و اتبعوا سبيلك و قهم عذاب الجحيم. و اگر میت طفل نابالغ باشد بگوید: اللهم اجعله لایوبه و لنا سلفا و فرطا و اجرا. و مستحب است نمازگزاران بر جای خود بایستند، به خصوص پیشنماز تا جنازه را بردارند، و در روایتی وارد شده: پس از فارغ شدن از نماز بگوید: ربنا اتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار. از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: برادران مؤمن را از مردن او خبر دهند، تا بر جنازه او حاضر شوند، و بر او نماز بخوانند، و برایش استغفار کنند، که میت و همه آنان ثواب ببرند. در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: چون مؤمن را در قبر می‌گذارند، او را ندا می‌کنند: اول عطایی که به تو دادیم بهشت است، و اول عطایی که به تشییع کنندگان جنازه تو دادیم آمرزش گناهان ایشان است. و در حدیث دیگری فرمود: اول تحفه‌ای که در قبر به مؤمن می‌دهند آن است که هرکس را همراه جنازه او بوده می‌آمرزند. و در حدیث دیگری فرمود: هرکه جنازه مؤمنی را همراهی کند، تا او را دفن کنند، حق تعالی در قیامت هفتاد فرشته بر او می‌گمارد، که او را همراهی کنند، و برایش از قبر تا جایگاه حساب استغفار نماید. و فرمود: هرکه يك طرف جنازه را بگیرد، بیست و پنج گناه کبیره‌اش آمرزیده می‌شود و اگر چهار طرف از گناهانش خارج می‌شود، و باید جنازه را چهار نفر بردارند، و برای کسی که تشییع جنازه می‌کند، بهتر است اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است به دوش راست خود بردارد، سپس پای راست میت را باز به دوش راست بردارد، آنگاه از پشت جنازه برود، و پای چپ میت را به دوش چپ بردارد، سپس دست چپ

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1110

میت را که جانب راست جنازه است به دوش چپ بردارد، و اگر بار دیگر بخواد چهار گوشه تابوت را بگیرد، از پیش جنازه نرود، بلکه از جانب پشت جنازه بازگردد، و باز همان روش عمل کند. و اکثر علما بر عکس گفته‌اند، اول ابتدا به دست راست جنازه، سپس به پای راست، آنگاه به پای چپ، سپس به دست چپ، و موافق احادیث معتبر صورت اول

بَهِتر است، و اگر هر دو صورت را بجا آوردند بَهِتر می‌باشد، و افضل آن است که دنبال جنازه، یا پهلوها راه رود نه پیش جنازه، و ظاهر اکثر احادیث آن است که اگر جنازه مؤمن باشد، جلوی آن راه رفتن خوب است، و در جنازه آن که خلاف مذهب اهل بیت است خوب نیست، زیرا ملائکه او را به عذاب استقبال می‌کنند، و سواره رفتن دنبال جنازه مکروه است.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده: هرکه جنازه ببیند این دعا را بخواند: خدا بزرگتر است، این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده دادند، و خدا و رسولش راست گفتند، خدایا ایمان و تسلیم ما را بپذیر، ستایش خدای را که عزّت دارد به قدرتیش، و مقهور کرد به مرگ، بندگانیش را هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه برای ترخّم به او گریه کند. و از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: در حال برداشتن جنازه، این دعا را بخواند: به نام خدا و به خدا خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مردان و زنان باایمان را بیامرزد. و نقل شده که حضرت سجاد علیه السلام هرگاه جنازه‌ای را می‌دید می‌گفت: ستایش خدایی را که مرا از گروه هلاک‌شدگان قرار نداد

و برای زنان تشییع جنازه سنت نیست، و برخی گفته‌اند: جنازه را بسیار تند بردن مکروه است. و خندیدن و حرف باطل گفتن بر آن کس که بر جنازه حاضر می‌شود مکروه است، علامه مجلسی فرموده: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده: هرکه بر جنازه‌ای نماز بخواند، هفتاد هزار ملک بر او نماز بخوانند، و گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود. و اگر همراهی کند تا او را دفن کنند، به ازای هر قدمی که بردارد، قیراطی از ثواب به او بدهند، که قیراط همانند کوه احد است. و در حدیث دیگری فرمود: هر مؤمنی بر جنازه‌ای

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1111

نماز کند، بهشت بر او واجب می‌شود، مگر آنکه منافق یا عاقّ پدر و مادر باشد. و به سند از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: چون مؤمنی بمیرد. و چهل نفر از مؤمنان بر جنازه او حاضر شوند و بگویند:

اللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا، و انت اعلم به مِنَّا چون این را بگویند حق تعالی فرماید: من گواهی شما را پذیرفتم، و آن گناهانی را که من می‌دانم و شما نمی‌دانید آمرزیدم. در حدیث معتبر دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده:

اول چیزی که در عنوان نامه مؤمن پس از مرگش می‌نویسند، چیزی است که مردم در حق او می‌گویند، اگر نیک می‌گویند، نیک می‌نویسند، و اگر بد می‌گویند بد می‌نویسند. فقیر گوید: شیخ طوسی در مصباح المتهجد فرموده: تریع

جنازه مستحبّ است، یعنی به دوش بگیرد، جانب کتب راست میّت را، پس از آن بیاید به جانب پا، به دوش بگذارد پای راست او را، پس از آن پای چپ او را، و بعد از آن کتف چپش را، حاص اینکه چهار گوشه جنازه را به این ترتیب بر دوش بگیرد، که از آن تعبیر به «دوررحی» کنند، یعنی گشتن مانند سنگ آسیا. چون جنازه را نزد قبر آوردند، اگر مرد است او را به طرف پاهای قبر بگذارند، و او را سه مرتبه تا لب قبر بیاورند، و اگر جنازه زن است، او را طرف جلوی قبر که جانب قبله است بگذارند، پس ولیّ میّت داخل قبر شود، یا کسی که ولیّ او را امر کند و وارد قبر شود از طرف پای قبر، که آن در قبر است، و چون وارد می شود بگوید:

اللّهم اجعلها روضة من رياض الجنة، و لا تجعلها حفرة من حفر النار.

و سزاوار است شخصی که وارد قبر شده سر برهنه و پا برهنه باشد، با بندهای گشاده، پس میّت را بگیرد و او را از جانب سر داخل قبر کند، و در آن حال بگوید: به نام خدا، و به خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا، خدایا، ایمان به تو، و تصدیق به قرّانت، این است آنچه خدا و فرستاده اش به ما وعده داده، خدا و رسولش راست گفته اند، خدایا به ما ایمان و تسلیم بپذیر. آنگاه میّت را به جانب راست بخواباند، و صورت او

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1112

را به طرف قبله قرار دهد، و از جانب سر و پا بند کفن او را بگشاید، و صورت میّت را روی خاک بگذارد، و مستحبّ است همراه او مقداری از تربت حضرت حسین علیه السّلام بگذارند، سپس حمد را بچیند و بگوید: خدایا به تنهایی اش برس، و به وحشتش انس ده، و به غریبی اش رحم کن، و از رحمت به او آرامش ده، رحمتی که به واسطه آن از رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و با هرکه با او دوستی می نموده از ائمه پاک نهاد محشورش کن.

و مستحبّ است میّت وقتی که در قبر گذاشته شد، پیش از چیدن لحد به شهادتین و اسماء ائمه تلقین شود، به این صورت که تلقین کننده می گوید:

یا فلان بن فلان و به جای این دو کلمه نام میّت و پدر او را ذکر می کند، و می گوید:

آن پمانی را که بر آن از خانه دنیا خارج شدی یاد آور: گواهی بر اینکه معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، و اینکه محمد بنده و فرستاده اوست، و اینکه علی امیر مؤمنان و حسن و حسین یک یک امامان را تا آخر ذکر کند امامان تواند امامان هدایت و نیکانند وقتی از چیدن لحد فارغ شد خاک بر او بریزد، و مستحبّ است کسانی که حاضر شده اند، با پشت دستهای خود خاک بریزند، و در آن حال بگویند:

ما از خداییم، و به سوی او بازمی گردیم، این است آنچه خدا و رسولش به ما وعده دادند، و خدا و رسولش راست گفتند. خدایا ایمان و تسلیم ما را بپذیر. چون بیرون آمدن از قبر را اراده کند از طرف پای میّت بیرون آید، بعد قبر را پر کند، و به اندازه چهار انگش از زمین بلند کند، و در قبر غیر از خاک قبر نریزد، و ابتدا کند در ریختن آب از جانب سر و آب را در چهار طرف قبر دور دهد، تا بازگردد آنجایی که شروع کرده، اگر چیزی از آب اضافه آمده وسط قبر بریزد، پس وقتی که قبر را پوشانید، هرکسی که می خواهد دست خود را بر قبر بگذارد، و انگشتان خود را بگشاید و در خاک قبر فرو برد و برای میّت دعا کند و بگوید:

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1113

خدایا وحشتش را انس بخش، و به غربتش رحم کن، و هراسش را آرام نما، و به تنهایی اش برس، و از رحمت به او آرامش ده، رحمتی که به آن از رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و او را با هر که با او دوستی می کرده محصور کن. چون مردم از کنار قبر بازگشتند، کسی که به میّت سزاوارتر است برگشتنش را به تأخیر اندازد، و به او مهربانی کند، و اگر مقام تقیه نباشد به صدای بلند بگوید: یا فلان بن فلان اسم میّت و پدرش را بگوید الله ربّك و محمد نبیّك و القرآن كتابك و الكعبة قبلتك و علیّ امامك و الحسن و الحسين ائمة را يك يك نام ببرد ائمتك ائمة الهدی الابرار.

مؤلف گوید: غیر از زمان احتضار در دوجا برای میّت خواندن تلقین مستحبّ است: یکی زمانی که او را در قبر می گذارند. و بهتر آن است با دست راست دوش راست، و با دست چپ دوش چپ او را بگیرند، و وی را حرکت دهند و تلقین کنند. و دیگر زمانی که از دفن او فارغ شدند، پس از آن که مردم رفتند، مستحبّ است ولیّ میّت نزدیک ترین خویشان او نزد سر میّت بنشیند، و به صدای بلند به او تلقین کند، و خوب است دو کف دستش را روی قبر گذارد، و دهان را نزدیک قبر ببرد، و اگر دیگری را هم نایب کند خوب است. و در اخبار وارد شده: چون میّت را این گونه تلقین کنند منکر به نکیر گوید: بیا برویم تلقین حجتش کردند احتیاج به پرسیدن نیست، پس باز می گردند و دیگر سال نمی کنند. علامه مجلسی رحمه الله فرموده: اگر تلقین کننده به این صورت بگوید جامع تر است:

بشنو، بفهم ای فلان بن فلان نام او و پدرش را بگوید: آیا بر آن پیمانی که از ما بر پایه آن جدا شدی می باشی، از گواهی بر اینکه معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، و اینکه محمد (درود خدا بر او و خاندانش) بنده و فرستاده اوست، و سرور پیامبران و خاتم رسولان است، و اینکه علیّ امیر مؤمنان است

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1114

و آقای جانشینان، و امامی که خدا اطاعتش را بر جهانیان واجب کرده، و اینکه حسن و حسین، و علی بن الحسین، و محمد بن علی، و جعفر بن محمد، و موسب بن جعفر، و علی بن موسی و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی، و قائم حجت مهدی (درودهای خدا بر ایشان) امامان مؤمنان، و حجت‌های خدا بر همه آفریدگانند، و امامان امامان هدایت و نیکانند.

ای فلان بن فلان، هنگامی که دو فرشته مقرب، و دو فرستاده خدای تبارک و تعالی نزد تو آیند، از پروردگارت و پیامبرت و دینت و کتابت و قبلهات و امامانت از تو سؤال کنند نترس، و در جواب آنها بگو: خدا جلّ جلاله پروردگارم و محمد (درود خدا بر او و خاندانش) پیامبرم و اسلام دینم و قرآن کتابم و کعبه قبله‌ام و امیر مؤمنان علی بن ابیطالب امامم، و حسن بن علی مجتبی امامم، و حسین بن علی شهید در کربلا امامم، و علی زین العابدین امامم، و محمد شکافنده دانش پیامبران امامم، و جعفر صادق امامم، و موسی کاظم امامم، و علی رضا امامم، و محمد جواد امامم، و علی هادی امامم، و حسن عسکری امامم، و حجت منتظر امامم می‌باشند. اینان که درودهای خدا بر همگی آنان باد امامان من و آقایانم و پیشروانم و شفیعان من هستند. با آنان دوستی می‌کنم و از دشمنانشان در دنیا و آخرت

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1115

بیزاری می‌جویم، سپس بدان ای فلان به درستی که خدای تبارک و تعالی نیکو پروردگاری است، و محمد (درود خدا بر او و خاندانش) نیکو رسولی است، و امیر مؤمنان علی بن ابیطالب، و فرزندانش یازده امام نیکو امامانی هستند، و آنچه را محمد (درود خدا بر او و خاندانش) آورده حق است، و مرگ حق است، و سؤال نکیر و منکر در قبر حق است، و بعث و نشر حق، و صراط و میزان و پراکنی نامه اعمال حق است، و بهشت و دوزخ حق است، و قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست، و خدا هرکه را در گورها برانگیزد. آنگاه بگوید: ای فلان آیا فهمیدی؟ در حدیث آمده: میت در جواب می‌گوید: آری فهمیدم، سپس بگوید: خدا بر گفتار ثابت، ثابت‌قدمت بدارد، به راه استوار هدایت کند، بین تو و اولیائش در قرارگاهی از رحمتش آشنایی برقرار کند. سپس بگوید: خدایا زمین را از دو پهلوی خالی گذار، و روانش را به سویت بالا ببر، و از جانب خود حجت را تلقین او فرما، خدایا ببخش و درگذر، این رساله را به کلمه شریفه «عفو» پایان دادم، و رجای واثق دارم که عفو الهی شامل حال این روسیاه و همه کسانی که به این رساله عمل می‌کنند شود. و پایان این کتاب در آخر روز جمعه، نوزدهم محرم، سال هزار و سیصد و چهل و پنج قمری بوده است، در جوار امام مسموم، مولای غریب و مظلوم ما، ابی الحسن علی بن موسی

ترجمه مفاتیح الجنان، ص: 1116

الرضا (که بر او و پدرانش سلام از سوی خدای زنده پاینده)، و ستایش خدای را در آغاز و انجام، و [درود خدا بر محمد و خاندانش باد]

آن را عباس فرزند محمد رضا قمی که خدا هر دو را عفو کند نگاشت